میزان الحکمه

جلد سوم

محمدی ری شهری

بسم الله الرحمن الرحیم



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



سازمان چاپ و نشر

میزان الحکمة

(با ترجمه فارسی)

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

محمدی ری شهری

جلد سوم

ترجمه : حمید رضا شیخی

کتابخانه
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
شماره ثبت: ۵۰۶۰۶
تاریخ ثبت:

میزان الحکمة با ترجمهٔ فارسی / ج ۳

محمّد محمّدی ری‌شهری
ترجمه : حمیدرضا شیخی
تحقیق و آماده سازی: پژوهشکدهٔ علوم و معارف حدیث
مدیریت تحقیق و آماده‌سازی : غلامحسین مجیدی
بازبینی علمی و نهایی: عبد الهادی مسعودی، حیدر مسجدی، مجتبی غیوری
مقابله و تصحیح : علی جهیمی، سیّد مرتضی طبایی، سیّد حمید حسینی، عبّاس پسندیده، صادق حائری، مجتبی فرجی
ویراستار فارسی: سعید رضا علی‌عسکری، محمّد باقری زادهٔ اشعری، قاسم شیر جعفری
ویراستار عربی: حاج کمال کاتب، عبد الکریم مسجدی، حسنین دباغ، علی دباغ‌پور
نمونه‌خوانی فارسی و عربی : تقی ربّانی، سیّد حسین محدّث، محمود کریمیان، امیر حسین ملک‌پور، رعد بهبهانی، حیدر وائلی
کنترل نهایی اصلاحات : محمود سپاسی، مصطفی اوجی، مهدی جوهرچی، محمّد محمودی، علینقی نگران، سیّد هاشم شهرستانی
اعراب‌گذاری: علی بصری
بازخوانی و کنترل اعراب : ناصر حکمت
مجری آماده‌سازی پیش از نشر: محمّد باقر نجفی
فهرست‌ها : رعد بهبهانی، محمّد حسین مظفر
کتاب‌شناسی: مهدی هوشمند
صفحه‌آرایی: محمّد ضیاء سلطانی
خوش‌نویسی: حسن فرزانگان
ناشر: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث
چاپ: یازدهم / ۱۳۸۹
چاپخانه: دارالحدیث
شمارگان: ۱۰۰۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، پلاک ۱۲۵ تلفن: ۷۷۴۰۵۲۳ ۰۲۵۱ / فاکس: ۷۷۴۰۵۷۱ ۰۲۵۱ / ص.پ ۴۲۶۸ / ۳۷۱۸۵
نمایشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم): ۷۷۴۰۵۴۵ ۰۲۵۱ فروشگاه شماره «۲» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام صحن کاشانی): ۵۵۹۵۲۸۶۲
فروشگاه شماره «۳» (مشهد مقدس، چهارراه شهدا، ضلع شمالی باغ نادری، مجتمع فرهنگی تجاری گنجینهٔ کتاب، طبقهٔ هم‌کف: ۳ـ۲۲۴۰۰۶۲ ۰۵۱۱
فروشگاه شماره «۴» (مشهد مقدس، میدان تختی، خیابان شهید اسدالله زاده، ترسیده به چهار راه پل خاکی، سمت چپ، ساختمان کوثر، تلفن: ۲۲۲۱۴۲۴
http://darolhadith.ir
darolhadith.20@gmail.com

ISBN(set): 978 - 964 - 493 - [illegible]
ISBN: 978 - 964 - 493 - 353 - 0

* کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است *

پژوهشکدهٔ علوم و معارف حدیث: ۵



محمّدی ری‌شهری، محمّد، ۱۳۲۵ ـ
میزان الحکمة با ترجمهٔ فارسی / محمّد محمّدی ری‌شهری. ـ [ویرایش دوم] ـ قم: دار الحدیث، ۱۴۲۷ ق = ۱۳۸۵.
۱۴ ج ـــ ص. ـ (پژوهشکدهٔ علوم و معارف حدیث: ۵)
ISBN(set) : 978 - 964 - 493 - 350 - 9
ISBN : 978 - 964 - 493 - 353 - 0
عنوان اصلی: میزان الحکمة.
عربی ـ فارسی
کتاب‌نامه: ج ۱۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. احادیث شیعه. ۲. احادیث اهل سنّت. الف. عنوان ب. شیخی، حمید رضا، ۱۳۴۱ ـ ، مترجم.
۹م ۹ر ۹/BP۱۳۶ ۲۹۷/۲۱۲
فهرست‌نویسی پیش از انتشار، در کتاب‌خانهٔ تخصصی حدیث / قم.

۱۰۴

الحرس

نگهبانی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

الأجل :باب ۱۷ ،الجهادالأصغر :باب ۵۹۰.

۷۸۲
حِراسَةُ الرَّسولِ

۳۷۰۷ . سنن أبي داوود عن سَهْلِ بن الحَنْظَلِيَّةِ: أنَّهُم ساروا مَع رسولِ اللهِ ﷺ يَومَ حُنينٍ فأطْنَبوا السَّيْرَ، حتّىٰ كانتْ عَشِيَّةً ... ثُمَّ قالَ: مَن يَحْرِسُنا اللَّيلَةَ؟ قالَ أنَسُ بنُ أبي مرثدٍ الغَنَوِيّ: أنا يا رسولَ اللهِ.

قالَ: فأركَبْ، فَرِكبَ فَرَساً لَهُ، فجاءَ إلىٰ رسولِ اللهِ ﷺ فقالَ (لَهُ) رسولُ اللهِ ﷺ: اسْتَقْبِلْ هٰذا الشِّعْبَ حتّىٰ تَكونَ في أعْلاهُ، ولا نُغَرَّنَّ مِن قِبَلِكَ اللَّيلَةَ.[1]

۳۷۰۸ . مجمع البيان: رُوِيَ لَمّا نَزَلَ قولُه تعالىٰ: واللهُ يَعْصِمُكَ مِن النّاسِ﴾[2] أنَّ النَّبيَّ ﷺ قالَ لِحُرّاسٍ مِن أصْحابِهِ كانوا يَحْرُسونَهُ، مِنهم سَعدٍ، وحُذَيفةَ: الْحَقوا بمَلاحِقِكُم، فإنَّ اللهَ تعالىٰ عَصَمَني مِن النّاسِ.[3]

۳۷۰۹ . الدرّ المنثور عن عائشة: كانَ النَّبيُّ ﷺ يُحْرَسُ حتّىٰ نَزَلَتْ: ﴿واللهُ يَعْصِمُكَ مِن

---

۱ . سنن أبي داوود: ۲۵۰۱. ۲ . المائدة: ۶۷.
۳ . مجمع البيان: ۳۴۵/۳.

۷۸۲
نگهبانی از پیامبر

۳۷۰۷ . **سنن أبي داوود**: از سهل بن حنظلیّه نقل شده است که در روز جنگ حنین با پیامبرخدا ﷺ حرکت کردند و راه زیادی را پیمودند تا آن که شب شد ... پیامبر فرمود: «امشب چه کسی از ما نگهبانی می‌کند؟» انس بن ابی مرثد غنوی عرض کرد: من، ای رسول خدا.

پیامبر فرمود: پس، سوار شو. او بر اسب خود نشست و نزد پیامبر خدا ﷺ آمد. رسول خدا ﷺ به او فرمود: بالای این درّه برو. مبادا امشب از طرف تو غافلگیر شویم.

۳۷۰۸ . **مجمع البيان**: روایت شده است که چون آیهٔ «و خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند» نازل شد، پیامبر ﷺ به عدّه‌ای از اصحاب خود، مانند سعد و حذیفه، که از او محافظت می‌کردند فرمود: به خانه‌های خود بروید؛ زیرا خداوند متعال مرا از گزند مردم مصون کرد.

۳۷۰۹ . **الدرّ المنثور** ـ به نقل از عائشة ـ: پیامبر ﷺ همیشه محافظت می‌شد، تا آن که آیهٔ «و

النّاس»، فأخْرَجَ رأسَهُ مِن القُبَّةِ فقالَ: أيُّها النّاسُ، انْصَرِفوا فَقَد عَصَمَنيَ اللهُ.[1]

(انظر) الدرّ المنثور: ۳ / ۱۱۷ ـ ۱۲۰.

۷۸۳
كَفىٰ بِالأجَلِ حارِساً

۳۷۱۰. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ ـ وقد قيلَ لَهُ: ألَا نَحْرِسُكَ؟ ـ: حَرَسُ امْرِئٍ أجَلُهُ.[2]

۳۷۱۱. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: كانَ لعليٍّ ﷺ غُلامٌ اسْمُهُ قَنبرٌ، وكانَ يُحِبُّ عليّاً ﷺ حُبّاً شديداً، فإذا خَرَجَ عليٌّ ﷺ خَرَجَ علىٰ أثَرِهِ بالسَّيفِ، فرَآهُ ذاتَ لَيلةٍ فقالَ: يا قَنبرُ، ما لَكَ؟ قالَ: جِئْتُ لأمْشيَ خَلْفَكَ، فإنَّ النّاسَ كما تَراهُم يا أميرَ المؤمنينَ، فخِفْتُ عَلَيكَ! قالَ: وَيْحَكَ، أمِنْ أهلِ السَّماءِ تَحْرِسُني أمْ مِن أهلِ الأرضِ؟! قالَ: لا، بَل مِن أهلِ الأرضِ، قالَ: إنَّ أهلَ الأرضِ لا يَسْتطيعونَ لي شَيئاً إلّا بإذْنِ اللهِ عزّوجلّ مِن السَّماءِ فارْجِعْ، فرَجَعَ.[3]

---

۱. الدرّ المنثور: ۱۱۸/۳.

۲. كنز العمّال: ۱۵۶۸؛ التوحيد: ۲۵/۳۷۹ وفيه «حَرَسَ كلّ امرئ أجَلُهُ».

۳. التوحيد: ۷/۳۳۸.

خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند» نازل شد و پیامبر سرش را از چادر بیرون کرد و فرمود: ای مردم! بروید، خداوند، خود، محافظت مرا به عهده گرفت.

۷۸۳
اجل، بهترین نگهبان است

۳۷۱۰. **امام علی** ﷺ ـ وقتی به ایشان عرض شد: از شما محافظت نکنیم؟ ـ فرمود: اجلِ هر انسانی، او را محافظت می‌کند.

۳۷۱۱. **امام صادق** ﷺ: علی ﷺ غلامی داشت به نام قنبر، که ایشان را بسیار دوست می‌داشت. هرگاه علی ﷺ بیرون می‌رفت قنبر با شمشیر خود در پی آن حضرت روانه می‌شد. شبی قنبر را دید. فرمود: چه می‌خواهی قنبر؟ عرض کرد: آمده‌ام که پشت سر شما حرکت کنم. ای امیر مؤمنان! مردم را که می‌شناسی! من بر جان شما بیمناکم. حضرت فرمود: وای بر تو! آیا از اهل آسمان مرا محافظت می‌کنی یا از اهل زمین؟! عرض کرد: از اهل زمین. فرمود: مردم روی زمین نمی‌توانند به من آسیبی برسانند، مگر آن که اذن خداوند عزّوجلّ از

٣٧١٢ . **التوحيد** عن أبي حَيّان التيمي عن أبيه قالَ: بَيْنا عليُّ بنُ أبي طالبٍ عليه السلام يُعَبِّئُ الكَتائبَ يَومَ صِفّينَ، ومُعاويةُ مُستَقبِلُهُ علىٰ فَرَسٍ لَهُ يَتَأكَّلُ تَحتَهُ تَأكُّلاً، وعليٌّ عليه السلام علىٰ فَرَسِ رسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله المُرتَجِزِ وبِيَدِهِ حَربَةُ رسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله وهُو مُتَقَلِّدٌ سَيفَهُ ذو الفَقارِ، فقالَ رجُلٌ من أصحابِهِ: احتَرِسْ يا أميرَ المؤمنينَ! فإنّا نَخشىٰ أنْ يَغتالَكَ هذا المَلعونُ، فقالَ عليه السلام: لَئِنْ قُلتَ ذاكَ إنَّهُ غَيرُ مأمونٍ علىٰ دِينِهِ، وإنَّهُ لأشقَى القاسِطينَ وألعَنُ الخارِجينَ علىٰ الأئمّةِ المُهتَدينَ، ولكنْ كَفىٰ بالأجَلِ حارِساً. لَيسَ أحَدٌ مِن النّاسِ إلّا ومَعهُ مَلائكَةٌ حَفَظَةٌ يَحفَظونَهُ ... وكذلكَ أنا، إذا حانَ أجَلي انبَعَثَ أشقاها فخَضَّبَ هٰذهِ مِن هٰذا ـ وأشارَ إلىٰ لِحيَتِهِ ورَأسِهِ ـ.[1]

آسمان در رسد، پس تو برگرد. و قنبر بازگشت.

٣٧١٢ . **التوحيد** ـ به نقل از ابو حيّان تيمى از پدرش ـ: در روز جنگ صفين على بن ابى طالب عليه السلام مشغول آرايش دادن گردانهاى خود بود. معاويه رو به روى آن حضرت بر اسب خود سوار بود و على عليه السلام سوار بر اسب رسول خدا صلى الله عليه وآله رجز مى‌خواند و زوبين رسول خدا صلى الله عليه وآله را در دست داشت و شمشيرش ذوالفقار را حمايل كرده بود. يكى از يارانش عرض كرد: مواظب باش اى امير المؤمنين! مى‌ترسيم اين ملعون، بى‌خبر به تو حمله كند. حضرت فرمود: درست است كه او پايبند دينش نيست و شقى‌ترين ستمگران و ملعونترين ياغيان بر امامان رهيافته است، اما اجل بهترين نگهبان است. هر انسانى دو فرشتهٔ نگهبان دارد، كه از او محافظت مى‌كنند ... من نيز چنينم. هرگاه اجلم فرا رسد، شقى‌ترين اشقيا محاسنم را از خون سرم رنگين خواهد كرد.

٣٧١٣ . **كنز العمّال** عن يَعلىٰ بن مُرّةَ: كانَ عليٌّ يَخرُجُ باللَّيلِ إلىٰ المَسجِدِ يُصلّي تَطَوُّعاً، فجِئْنا نَحرِسُهُ، فلَمّا فَرَغَ أتانا فقالَ: ما يُجلِسُكُم؟ قُلنا: نَحرِسُكَ، فقالَ: أمِن أهلِ السَّماءِ تَحرِسونَ، أمْ مِن أهلِ الأرضِ؟

٣٧١٣ . **كنز العمال** ـ به نقل از يعلى بن مرّه ـ: على عليه السلام شبها براى خواندن نماز نافله به مسجد مى‌رفت. ما براى محافظت از او رفتيم. وقتى نمازش را تمام كرد، نزد ما

١. التوحيد: ٥/٣٦٨.

قُلنا: بَلْ مِن أهـلِ الأرضِ. قـالَ: إنَّـهُ لا يكونُ في الأرضِ شيءٌ حتّىٰ يُقْضىٰ فـي السَّماءِ، ولَيس من أحَدٍ إلّا وقد وُكِّـلَ بـه مَلَكانِ يَدْفَعانِ عَنهُ ويَكْلآنِهِ حتّىٰ يَـجيءَ قَدَرُهُ، فإذا جاءَ قَدَرُهُ خَلَّيا بَيْنَهُ وبَينَ قَدَرِهِ . وإنَّ علَيَّ مِن اللهِ جُنَّةً حَصينَةً، فإذا جاءَ أجَلي كُشِـفَ عـنّي. وإنَّـهُ لا يَـجِدُ طَـعْمَ الإيمانِ حتّىٰ يَعْلَمَ أنَّ ما أصابَهُ لَـم يَكُـنْ لِيُخْطِئَهُ، وما أخْطأهُ لَم يَكُنْ لِيُصيبَهُ.[1]

(انظر) كنز العمّال: ۱۵۶۳، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۹۳.

آمد و فرمود: چـرا ایـن جـا نشسـته‌ایـد؟ گفتیم: برای محافظت از شما. فرمود: آیا از اهل آسـمان مرا محافظت مـی‌کنید یـا از اهل زمین؟ عرض کردیم: از مردمان روی زمین. فرمود: در زمین هیچ اتفاقی نیفتد، مگر آن که در آسمان مقدّر شـود. بـر هـر انسانی دو فرشته گمارده شده که از او دفاع و محافظت کنند، تـا آن کـه تـقدیرش فـرا رسد. و چون تقدیرش فرا رسید، او را با آن تنها گذارند. مرا از جانب خداوند سـپری استوار است وچون اجلم فرا رسد، آن سپر کنار رود. [بدانید] هیچ کس طعم ایمان را نچشد، مگر آن که بـدانـد کـه آنـچه بـه او رسیده نمی‌توانست نـرسد و آنـچه بـه او نرسیده نمی‌توانست برسد.

۱. کنز العمّال: ۱۵۶۴.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۰۵

الحُرِّيَة

آزادی و آزادگی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

الدنیا :باب۱۲۴۵، ۱۲۴۶، الطمع :باب۲۳۸۳، ۲۳۸۴.

العبادة :باب۲۴۵۸.

۷۸۴
الحُرِّيَّة

۳۷۱۴ . **الإمامُ الحسينُ** ﷺ ـ خِطابُهُ لِأَعدائِهِ ـ: وَيلَكُم إنْ لَمْ يَكُنْ لَكُم دِينٌ فَكُونُوا أحراراً في الدُّنيا.[1]

۳۷۱۵ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: خَمسُ خِصالٍ مَن لم تَكُنْ فيهِ خَصْلَةٌ مِنها فلَيس فيهِ كَثيرُ مُستَمتَع، أوَّلُها: الوَفاءُ، والثّانيةُ: التَّدبيرُ، والثّالثةُ: الحَياءُ، والرّابعةُ: حُسنُ الخُلقِ، والخامِسةُ ـ وهِيَ تَجْمَعُ هذهِ الخِصالَ ـ: الحُرِّيَّةُ.[2]

۷۸۴
آزادی و آزادگی

۳۷۱۴ . **امام حسین** ﷺ ـ خطاب به دشمنانش ـ: وای بر شما! اگر دین ندارید، در دنیا آزاده باشید.

۳۷۱۵ . **امام صادق** ﷺ: پنج خصلت است که در هرکس یکی از آنها نباشد خیر و بهره زیادی در او نیست: اول: وفاداری، دوم: تدبیر، سوم: شرم و حیا، چهارم: خوش خویی و پنجم ـ که چهار خصلت دیگر را نیز در خود دارد ـ: آزادگی.

۷۸۵
النّاسُ كُلُّهُم أحرارٌ

۳۷۱۶ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: أيُّها الناسُ، إنّ آدمَ لَم يَلِدْ عَبداً ولا أمَةً، وإنّ النّاسَ كلَّهُم أحْرارٌ.[3]

۳۷۱۷ . **عنه** ﷺ: لا تَكُونَنَّ عَبدَ غَيرِكَ وقَد جَعلَكَ اللهُ سُبْحانَه حُرّاً.[4]

۳۷۱۸ . **عنه** ﷺ: لا يَسْتَرِقَّنَّكَ الطَّمَعُ وقَد جَعلَكَ اللهُ حُرّاً.[5]

۷۸۵
همهٔ مردم آزادند

۳۷۱۶ . **امام علی** ﷺ: ای مردم! آدم نه بنده‌ای زایید و نه کنیزی. مردم همه آزادند.

۳۷۱۷ . **امام علی** ﷺ: بندهٔ دیگران مباش که خداوند سبحان تو را آزاد آفریده است.

۳۷۱۸ . **امام علی** ﷺ: طمع، تو را به بندگی نگیرد، که خداوند تو را آزاد آفریده است.

---

۱ . مقاتل الطالبيين: ۱۱۸ . ۲ . الخصال: ۳۳/۲۸۴ .
۳ . نهج السعادة: ۱۹۸/۱ . ۴ . غرر الحكم: ۱۰۳۷۱ .
۵ . غرر الحكم: ۱۰۳۱۷ .

۳۷۱۹ . عنه ﷺ: لا تَكُنْ عَبدَ غَيرِكَ وقَد جَعلَكَ اللهُ حُرّاً، وما خَيرُ خَيرٍ لا يُنالُ إلّا بِشَرٍّ، ويُسرٍ لا يُنالُ إلّا بعُسرٍ؟![1]

۳۷۱۹ . **امام علی** ﷺ: بندهٔ دیگری مباش، که خدا تو را آزاد آفرید. در آن نیکی که جز با بدی و آن آسانی که جز با سختی به چنگ نیاید، چه خیر و برکتی است؟

۷۸۶
الحُرُّ حُرٌّ في جَميعِ أحوالِهِ

۷۸۶
آزاده همیشه آزاده است

۳۷۲۰ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحُرُّ حُرٌّ ولَو مَسَّهُ الضُّرُّ.[2]

۳۷۲۰ . **امام علی** ﷺ: آزاده، آزاده است گرچه سختی و گزند بیند.

۳۷۲۱ . عنه ﷺ: الحُرُّ حُرٌّ وإنْ مَسَّهُ الضُّرُّ، العَبدُ عَبدٌ وإنْ ساعَدَهُ القَدَرُ.[3]

۳۷۲۱ . **امام علی** ﷺ: آزاده، آزاده است هر چند سختی و مرارت بیند؛ وبنده، بنده است هرچند تقدیر یاریش کند.

۳۷۲۲ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنَّ الحُرَّ حُرٌّ علىٰ جميعِ أحْوالِهِ: إنْ نابَتْهُ نائبَةٌ صَبرَ لَها، وإنْ تَداكَّتْ عَلَيهِ المَصائبُ لَم تَكْسِرْهُ وإنْ أُسِرَ وقُهِرَ واسْتُبْدِلَ باليُسرِ عُسراً، كما كانَ يُوسُفُ الصِّدّيقُ الأمينُ صلواتُ اللهِ عَلَيهِ: لَم يَضُرَّ حُرِّيَّتَهُ أنِ اسْتُعبِدَ وقُهِرَ وأُسِرَ.[4]

۳۷۲۲ . **امام صادق** ﷺ: آزاده در همه حال آزاده است. اگر بلا و سختی به او رسد شکیبایی ورزد و اگر مصیبتها بر سرش فرو ریزند او را نشکنند هرچند به اسیری افتد و مقهور شود و آسایش را از دست نهاده به سختی و تنگدستی افتد. چنان که یوسف صدیق امین، صلوات الله علیه، به بندگی گرفته شد و مقهور و اسیر گشت اما این همه به آزادگی او آسیب نرساند.

۷۸۷
شيمَةُ الحُرِّ

۷۸۷
خوی آزادمرد

۳۷۲۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الطَّلاقَةُ شِيمَةُ الحُرِّ.[5]

۳۷۲۳ . **امام علی** ﷺ: گشاده‌رویی، خصلت آزاد مرد است.

۳۷۲۴ . عنه ﷺ: حُسنُ البِشرِ شِيمَةُ كُلِّ حُرٍّ.[6]

۳۷۲۴ . **امام علی** ﷺ: خوشرویی، خوی هر آزاده‌ای است.

---

۱ . نهج البلاغة: الكتاب ۳۱. ۲ . مطالب السؤول: ۵۶.
۳ . غرر الحكم: ۱۳۲۲. ۴ . الكافي: ۶/۸۹/۲.
۵ . غرر الحكم: ۴۶۷. ۶ . غرر الحكم: ۲۸۵۸.

۳۷۲۵ . عنه ﷺ: إنَّ الحَياءَ والعِفَّةَ مِن خَلائقِ الإيمانِ، وإنَّهُما لَسَجِيَّةُ الأحْرارِ وشِيمَةُ الأبْرارِ.[۱]

۳۷۲۵ . **امام علی** ﷺ: حیا و عفت از خصلتهای ایمان است. این دو، سرشت آزادگان و خوی نیکان است.

۳۷۲۶ . عنه ﷺ: جَمالُ الحُرِّ تَجَنُّبُ العارِ.[۲]

۳۷۲۶ . **امام علی** ﷺ: زیبایی آزاد مرد، به دوری کردن از ننگ است.

۳۷۲۷ . عنه ﷺ: مَن قَضىٰ ما اُسْلِفَ مِن الإحْسانِ فَهُو كامِلُ الحُرِّيَّةِ.[۳]

۳۷۲۷ . **امام علی** ﷺ: هر که به وعدهٔ احسانی که در گذشته داده است عمل کند، آزادگی‌اش کامل است.

۳۷۲۸ . عنه ﷺ: الحُرِّيَّةُ مُنَزَّهَةٌ مِن الغِلِّ والمَكْرِ.[۴]

۳۷۲۸ . **امام علی** ﷺ: آزادگی، از کینه توزی و نیرنگ منزّه است.

۳۷۲۹ . عنه ﷺ: لَن يُتَعَبَّدَ الحُرُّ حتّىٰ يُزالَ عَنهُ الضُّرُّ.[۵]

۳۷۲۹ . **امام علی** ﷺ: آزاده هیچگاه بنده نگردد، مگر آن دم که کسی گرهی از کار او بگشاید.

۳۷۳۰ . عنه ﷺ: مِن تَوفيقِ الحُرِّ اكْتِسابُهُ المالَ مِن حِلِّهِ.[۶]

۳۷۳۰ . **امام علی** ﷺ: از توفیقات آزاده، به دست آوردن مال از راه حلال است.

۳۷۳۱ . عنه ﷺ: ابْذِلْ مالَكَ في الحُقوقِ، وواسِ بِهِ الصَّديقَ؛ فإنَّ السَّخاءَ بالحُرِّ أخْلَقُ.[۷]

۳۷۳۱ . **امام علی** ﷺ: دارایی خود را در آنجا که حقّ است ببخش، و دوستت را در آن سهیم کن، که جامهٔ بخشندگی برتن آزاده مرد زیبنده‌تر است.

۳۷۳۲ . **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: إنَّ قَوماً عَبَدوا اللهَ شُكْراً فتِلكَ عِبادَةُ الأحْرارِ.[۸]

۳۷۳۲ . **امام باقر** ﷺ: گروهی خداوند را از روی سپاسگزاری می‌پرستند و این پرستش آزادگان است.

۷۸۸
ما يورِثُ الحُرِّيَّةَ و الحثّ عليه

۷۸۸
آنچه آزادگی می‌آورد و تشویق به آن

۳۷۳۳ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: مَن تَرَكَ الشَّهَواتِ كانَ

۳۷۳۳ . **امام علی** ﷺ: هرکه خواهشهای نفس را فرو گذارد، آزاده است.

---

۱ . غرر الحكم: ۳۶۰۵.
۲ . غرر الحكم: ۴۷۴۵.
۳ . غرر الحكم: ۸۷۲۱.
۴ . غرر الحكم: ۱۴۸۵.
۵ . غرر الحكم: ۷۴۱۴.
۶ . غرر الحكم: ۹۳۹۳.
۷ . غرر الحكم: ۲۳۸۴.
۸ . بحار الأنوار: ۲۹/۱۸۷/۷۸.

حُرّاً.[۱]

۳۷۳۴ . عنه ﷺ: لَيس مَنِ ابْتاعَ نَفْسَهُ فأعْتَقَها كمَنْ باعَ نَفْسَهُ فأوْبَقَها.[۲]

۳۷۳۵ . عنه ﷺ: العَبدُ حُرٌّ ما قَنِعَ، الحُرُّ عَبدٌ ما طَمِعَ.[۳]

۳۷۳۶ . عنه ﷺ: مَن زَهِدَ في الدُّنيا أعْتَقَ نَفْسَهُ وأرْضىٰ رَبَّهُ.[۴]

۳۷۳۷ . عنه ﷺ: الدُّنيا دارُ مَمَرٍّ، والنّاسُ فيها رجُلانِ: رجُلٌ باعَ نَفْسَهُ فأوْبَقَها، ورجُلٌ ابْتاعَ نَفسَهُ فأعْتَقَها.[۵]

۳۷۳۸ . عنه ﷺ: ألا حُرٌّ يَدَعُ هٰذِهِ اللُّماظَةَ لأهْلِها؟! إنّه لَيس لأنفُسِكُم ثَمَنٌ إلّا الجَنَّةَ، فلا تَبيعوها إلّا بِها.[۶]

۳۷۳۹ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنَّ صاحِبَ الدِّينِ... رَفَضَ الشَّهَواتِ فصارَ حُرّاً.[۷]

۳۷۴۰ . عيسى ﷺ: بماذا نَفعَ امرؤٌ نَفْسَهُ باعَها بجميعِ ما في الدُّنيا ثُمَّ ترَكَ ما باعَها بِهِ

۳۷۳۴ . **امام علی** ﷺ: آن که خود را خرید و آزاد ساخت، همچون کسی نیست که خویش را فروخت و اسیر ساخت.

۳۷۳۵ . **امام علی** ﷺ: بندهٔ قانع، آزاد است و آزاد طمعکار، بنده.

۳۷۳۶ . **امام علی** ﷺ: هر که به دنیا پشت کند، خویش را آزاد کرده و پروردگار خود را خشنود ساخته است.

۳۷۳۷ . **امام علی** ﷺ: دنیا سرای گذر است و مردم در آن دو دسته‌اند: مردی که خود را فروخت و اسیر کرد، و مردی که خویش را خرید و آزاد ساخت.

۳۷۳۸ . **امام علی** ﷺ: آیا آزاد مردی نیست که این خرده غذای لابه لای دندانها (دنیا) را برای اهلش وا گذارد؟ بدانید که جانبهای شما جز بهشت نیست؛ پس آن را جز به بهشت مفروشید.

۳۷۳۹ . **امام صادق** ﷺ: دیندار... خواهشها را کنار گذاشت و آزاده شد.

۳۷۴۰ . **عیسی** ﷺ: چه سودی می‌برد آن که خود را به همهٔ آنچه در دنیاست بفروشد و سپس آنچه را به بهای نفس خویش خریده است،

---

۱. تحف العقول: ۹۹.
۲. الإرشاد: ۲۹۸/۱.
۳. غرر الحكم: ۴۱۳.
۴. غرر الحكم: ۸۸۱۶.
۵. تنبيه الخواطر: ۷۵/۱.
۶. نهج البلاغة: الحكمة ۴۵۶، تحف العقول: ۳۹۱ مع تفاوت يسير في اللفظ.
۷. الأمالي للمفيد: ۱۴/۵۲.

مِيراثاً لغَيرِهِ؟! أهلَكَ نفسَهُ، ولٰكنْ طُوبىٰ لامْرِئٍ خَلّصَ نَفْسَهُ واخْتارَها علىٰ جَميعِ الدُّنيا.[1]

(انظر) الهوى: باب ۳۹۷۸.

برای دیگران به ارث گذارد؟ چنین کسی خود را تباه کرده است. خوشا به حال کسی که جان خویش را برهاند و آن را بر همهٔ دنیا برگزیند.

۷۸۹
القِيامُ بِشَرائِطِ الحُرِّيَّةِ

۳۷۴۱. الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن قامَ بشَرائطِ العُبودِيَّةِ أهَّلَ للعِتْقِ، مَن قَصَّرَ عَن أحْكامِ الحُرِّيَّةِ أُعِيدَ إلىٰ الرِّقِّ.[2]

۷۸۹
به جا آوردن شرایط آزادگی

۳۷۴۱. امام علی ﷺ: هر که شرایط بندگی را به جا آورد، سزاوار آزادی شود و هر که در احکام و شرایط آزادگی کوتاهی ورزد، به بندگی باز گرفته شود.

۷۹۰
القَتلُ في سَبيلِ الحُرِّيَّةِ

۳۷۴۲. الإمامُ الباقرُ ﷺ: إنَّ يَزيدَ بنَ معاويةَ دَخلَ المَدينَةَ وهُو يُريدُ الحَجَّ، فبَعثَ إلىٰ رجُلٍ مِن قُريشٍ فأتاهُ، فقالَ لَهُ يَزيدُ: أتُقِرُّ لي أنَّكَ عَبدٌ لي، إنْ شِئتُ بِعْتُكَ وإنْ شِئتُ اسْتَرَقَّيتُكَ؟ فقالَ لَهُ الرَّجُلُ: واللهِ يا يَزيدُ، ما أنتَ بأكْرَمَ مِنّي في قُريشٍ حَسَباً، ولا كانَ أبوكَ أفْضَلَ مِن أبي في الجاهِليَّةِ والإسلامِ، وما أنتَ بأفْضَلَ مِنّي في الدِّينِ ولا بخيرٍ منّي، فكيفَ أُقِرُّ لكَ بما سألتَ؟!

۷۹۰
کشته شدن در راه آزادی

۳۷۴۲. امام باقر ﷺ: یزید بن معاویه به قصد حج وارد مدینه شد و در پی مردی از قریش فرستاد و او آمد. یزید به او گفت: آیا اعتراف می‌کنی که تو بندهٔ منی؛ اگر بخواهم می‌فروشمت و اگر بخواهم تو را به بردگی می‌گیرم؟ آن مرد گفت: به خدا سوگند ای یزید! تو در میان قریش از من نژاده‌تر و والاتبارتر نیستی و پدرت نیز، چه در زمان جاهلیت و چه در زمان اسلام، از پدر من برتر نبود. در دینداری نیز از من برتر و بهتر نیستی. پس چگونه به خواست

---

۱. تنبيه الخواطر: ۱۱۵/۲. ۲. غرر الحكم: ۸۵۲۹ ـ ۸۵۳۰.

فقالَ لَهُ يَزيدُ: إنْ لَم تُقِرَّ لي واللهِ قَتَلْتُكَ، فقالَ لَهُ الرَّجُلُ: لَيس قَتْلُكَ إيّايَ بأعْظَمَ مِن قَتْلِكَ الحسينَ بنَ عليٍّ عليه السلام ابنَ رسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله، فأمَرَ بِه فقُتِلَ.[1]

۷۹۱
النَّوادِرُ

۳۷۴۳. **الإمامُ عليٌّ** عليه السلام: إيّاكَ وكُلَّ عمَلٍ يُنَفِّرُ عَنكَ حُرّاً، أو يُذِلُّ لَكَ قَدْراً، أو يَجْلِبُ عَلَيكَ شَرّاً، أو تَحْمِلُ بِهِ يَومَ القِيامَةِ وِزراً.[2]

۳۷۴۴. **عنه** عليه السلام: بالبِرِّ يُمْلَكُ الحُرُّ.[3]

۳۷۴۵. **عنه** عليه السلام: خَيرُ البِرِّ ما وَصلَ إلَى الأحْرارِ.[4]

۳۷۴۶. **عنه** عليه السلام: قَد يُضامُ الحُرُّ.[5]

۳۷۴۷. **عنه** عليه السلام: لَيس لِلأحْرارِ جَزاءٌ إلّا الإكْرامُ.[6]

۳۷۴۸. **عنه** عليه السلام: مَن أوْحَشَ النّاسَ تَبَرّأ مِن الحُرِّيَّةِ.[7]

۳۷۴۹. **عنه** عليه السلام: أفْضَلُ الكُنوزِ مَعروفٌ يُودَعُ الأحْرارَ، وعِلْمٌ يَتَدارَسُهُ الأخْيارُ.[8]

۳۷۵۰. **عنه** عليه السلام: إذا مَلَكْتَ فأعْتِقْ.[9]

---

۱. الكافي: ۸ / ۲۳۴ / ۳۱۳. ۲. غرر الحكم: ۲۷۲۷.
۳. غرر الحكم: ۴۲۱۳. ۴. غرر الحكم: ۴۹۵۵.
۵. غرر الحكم: ۶۶۴۴. ۶. غرر الحكم: ۷۴۹۱.
۷. غرر الحكم: ۲۷۲۸. ۸. غرر الحكم: ۳۲۸۱.
۹. غرر الحكم: ۳۹۹۰.

تو گردن نهم؟ یزید گفت: به خدا سوگند اگر اعتراف نکنی تو را می‌کشم. مرد گفت: کشتن من بالاتر و مهم‌تر از کشتن حسین بن علی علیه السلام، فرزند رسول خدا، نیست. یزید دستور داد او را کشتند.

۷۹۱
گوناگون

۳۷۴۳. **امام علی** علیه السلام: مبادا کاری کنی که آزاده‌ای را از تو گریزان کند، یا قدر تو را بکاهد، یا شرّ و بدی برایت به بار آورد، یا در روز رستاخیز، بار گناهی بر دوشت کشی.

۳۷۴۴. **امام علی** علیه السلام: با نیکی، آزاده به بندگی درآید.

۳۷۴۵. **امام علی** علیه السلام: بهترین نیکی آن است که به آزادگان برسد.

۳۷۴۶. **امام علی** علیه السلام: گاه باشد که در حقّ آزاده ستم شود.

۳۷۴۷. **امام علی** علیه السلام: آزادگان شایستهٔ پاداشی جز احترام و بزرگداشت نباشند.

۳۷۴۸. **امام علی** علیه السلام: آن که مردم را به وحشت اندازد، از آزادگی بدور است.

۳۷۴۹. **امام علی** علیه السلام: بهترین گنجها، احسانی است که به آزادگان سپرده می‌شود و دانشی است که نیکان فرا می‌گیرند.

۳۷۵۰. **امام علی** علیه السلام: هر گاه [بنده‌ای را] مالک شدی آزاد کن.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۰۶

الحِرص

آزمندی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۷۳/ ۱۶۰ باب ۱۲۸ «الحرص وطول الأمل».

انظر:

عنوان ۸۵ «الجهل»، ۲۶۱ «الشُحّ»، ۲۶۷ «الشَرَه».

۳۲۱ «الطمع»، ۳۹۷ «الغنىٰ»، ۴۴۹ «القناعة».

اليقين: باب ۴۱۹۲، الرزق: باب ۱۴۸۳، ۱۴۸۴.

عنوان ۱ «الإيثار»، ۲۹۳ «الصدقة»، ۲۲۷ «السخاء».

۷۹۲
الحِرصُ

الكتاب:

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً * إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً﴾.[۱]

الحديث:

۳۷۵۱. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: ما أحسَنَ بالإنسانِ أنْ لا يَشْتَهي ما لا يَنْبَغي![۲]

۳۷۵۲. **عنه** ﷺ: الحِرْصُ عَناءٌ مُؤَبَّدٌ.[۳]

۳۷۵۳. **عنه** ﷺ: الحِرصُ ذَميمُ المَغَبَّةِ.[۴]

۳۷۵۴. **عنه** ﷺ: الحِرصُ أحَرُّ مِن النّارِ.[۵]

۳۷۵۵. **عنه** ﷺ: الحِرصُ يُزْري بالمُرُوَّةِ.[۶]

۳۷۵۶. **عنه** ﷺ: الحِرصُ مَطِيَّةُ التَّعَبِ.[۷]

۳۷۵۷. **عنه** ﷺ: الحِرصُ مُوقِعٌ في كثيرِ العُيوبِ.[۸]

۳۷۵۸. **عنه** ﷺ: قَتَلَ الحِرصُ راكِبَهُ.[۹]

---

۱. المعارج: ۱۹، ۲۰.
۲. غرر الحكم: ۹۶۴۹.
۳. غرر الحكم: ۹۸۲.
۴. غرر الحكم: ۴۳۰.
۵. جامع الأخبار: ۱۰۷۱/۳۸۳.
۶. غرر الحكم: ۱۱۰۷.
۷. غرر الحكم: ۲۸۰.
۸. غرر الحكم: ۱۱۳۱.
۹. غرر الحكم: ۶۸۲۲.

۷۹۲
آزمندی

قرآن:

«همانا انسان آزمند آفریده شده است. هرگاه بدی به او رسد بیتابی می‌کند».

حدیث:

۳۷۵۱. **امام علی** ﷺ: چه زیبنده است که انسان آنچه را شایسته نیست نخواهد.

۳۷۵۲. **امام علی** ﷺ: آزمندی، رنجی جاویدان است.

۳۷۵۳. **امام علی** ﷺ: آزمندی، فرجامی نکوهیده دارد.

۳۷۵۴. **امام علی** ﷺ: آزمندی سوزان‌تر از آتش است.

۳۷۵۵. **امام علی** ﷺ: آزمندی، جوانمردی را لکه‌دار می‌کند.

۳۷۵۶. **امام علی** ﷺ: آزمندی، مَرکب رنج است.

۳۷۵۷. **امام علی** ﷺ: آزمندی، [انسان را] به عیبهای فراوانی در می‌افکند.

۳۷۵۸. **امام علی** ﷺ: آزمندی، سوار خود را می‌کُشد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۷۹۳
الحَريصُ

۳۷۵۹ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحَريصُ تَعِبٌ.[۱]

۳۷۶۰ . عنه ﷺ: الحَريصُ مَتْعوبٌ فيما يَضُرُّهُ.[۲]

۳۷۶۱ . عنه ﷺ: رُبَّ حَريصٍ قَتَلَهُ حِرْصُهُ.[۳]

۳۷۶۲ . عنه ﷺ: لا حَياءَ لحَريصٍ.[۴]

۳۷۶۳ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: مَثَلُ الحَريصِ علىٰ الدُّنيا مَثَلُ دُودَةِ القَزِّ: كُلَّما ازْدادَتْ مِن القَزِّ علىٰ نَفْسِها لَفّاً كانَ أبْعَدَ لَها مِن الخُروجِ، حتّىٰ تَموتَ غَمّاً.[۵]

۷۹۳
آزمند

۳۷۵۹ . **امام علی** ﷺ: حریص، همواره در رنج است.

۳۷۶۰ . **امام علی** ﷺ: حریص، خود را برای چیزی به رنج می‌افکند که برایش زیانبار است.

۳۷۶۱ . **امام علی** ﷺ: بسا آزمندی که آزمندیش او را از پای در آورد.

۳۷۶۲ . **امام علی** ﷺ: آزمند، شرم ندارد.

۳۷۶۳ . **امام باقر** ﷺ: حکایت آزمندِ به دنیا، حکایت کرم ابریشم است که هرچه بیشتر ابریشم بر خود می‌تند، با بیرون آمدن از پیله بیشتر فاصله می‌گیرد تا آن که سرانجام دق مرگ می‌شود.

۷۹۴
الحَريصُ ذَليلٌ

۳۷۶۴ . الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ وقد سُئلَ: أيُّ ذُلٍّ أذَلُّ ـ: الحِرصُ علىٰ الدُّنيا.[۶]

۳۷۶۵ . عنه ﷺ: الحَريصُ عَبدُ المَطامِعِ.[۷]

۳۷۶۶ . عنه ﷺ: الحَريصُ أسيرُ مَهانَةٍ لا يُفَكُّ أسْرُهُ.[۸]

۳۷۶۷ . عنه ﷺ: الحِرصُ ذُلٌّ وعَناءٌ.[۹]

۷۹۴
آزمند، خوار است

۳۷۶۴ . **امام علی** ﷺ ـ در پاسخ به این پرسش که: کدام خواری بدتر است؟ ـ فرمود: آزمندی به دنیا.

۳۷۶۵ . **امام علی** ﷺ: آزمند، بندهٔ طمع و رزیهاست.

۳۷۶۶ . **امام علی** ﷺ: آزمند، اسیری زبون است که از بند اسارت هرگز نرهد.

۳۷۶۷ . **امام علی** ﷺ: آزمندی، خواری و رنج است.

---

۱ . غرر الحكم: ۲۴۱.
۲ . غرر الحكم: ۶۷۶.
۳ . غرر الحكم: ۵۳۰۲.
۴ . غرر الحكم: ۱۰۴۹۹.
۵ . الكافي: ۷/۳۱۶/۲.
۶ . الأمالي للصدوق: ۶۴۴/۴۷۸.
۷ . غرر الحكم: ۶۲۵.
۸ . غرر الحكم: ۱۳۷۰.
۹ . غرر الحكم: ۶۹۱.

۳۷۶۸ . عنه ﷺ: الحِرصُ يُذِلُّ ويُشْقي.[۱]

۳۷۶۹ . عنه ﷺ: ما أذَلَّ النَّفْسَ كالحِرصِ، ولا شانَ العِرْضَ كالبُخْلِ.[۲]

۳۷۷۰ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: ما أقْبَحَ بالمؤمنِ أنْ يَكونَ لَهُ رَغْبَةٌ تُذِلُّهُ![۳]

۳۷۶۸ . امام علی ﷺ: آزمندی، آدمی را زبون و نگون‌بخت می‌کند.

۳۷۶۹ . امام علی ﷺ: هیچ چیز چون آزمندی نفس را زبون نکند و چیزی چون بخل آبرو را نبرد.

۳۷۷۰ . امام صادق ﷺ: چه زشت است برای مؤمن که میل و خواهشی خوارکننده داشته باشد!

۷۹۵
الحَريصُ مَحرومٌ

۷۹۵
آزمند، محروم است

۳۷۷۱ . رسولُ اللهِ ﷺ: الحَريصُ مَحْرومٌ، وهُو مَع حِرْمانِهِ مَذْمومٌ في أيِّ شيءٍ كانَ، وكيفَ لا يكونُ مَحروماً وقَد فَرَّ مِن وَثاقِ اللهِ؟![۴]

۳۷۷۱ . پیامبر خدا ﷺ: آدم حریص همیشه محروم است وافزون بر محروم بودن، در هرکاری که می‌کند نکوهیده است. چگونه محروم نباشد، در حالی که از بند خداوند متعال گریخته است؟

۳۷۷۲ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الرِّزقُ مَقْسومٌ، الحَريصُ مَحْرومٌ.[۵]

۳۷۷۲ . امام علی ﷺ: روزی، قسمت شده است؛ حریص، محروم است.

۳۷۷۳ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: حُرِمَ الحَريصُ خَصْلَتَينِ ولَزِمَتْهُ خَصْلَتانِ: حُرِمَ القَناعَةَ فافْتَقَدَ الرّاحَةَ، وحُرِمَ الرِّضا فافْتَقَدَ اليَقينَ.[۶]

۳۷۷۳ . امام صادق ﷺ: آزمند از دو خصلت محروم شده و در نتیجه دو خصلت همراه او شده‌اند: از قناعت محروم است و در نتیجه آسایش را از دست داده است، از رضایت محروم است و در نتیجه یقین را از کف داده است.

۷۹۶
الحَريصُ فَقيرٌ

۷۹۶
آزمند، نیازمند است

۳۷۷۴ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحَريصُ فَقيرٌ ولو مَلَكَ

۳۷۷۴ . امام علی ﷺ: آزمند، نیازمند است اگر چه مالک همهٔ دنیا باشد.

---

۱ . غرر الحكم: ۸۶۹.
۲ . غرر الحكم: ۹۵۵۰.
۳ . صفات الشيعة: ۴۵/۱۰۸.
۴ . بحار الأنوار: ۲۶/۱۶۵/۷۳.
۵ . غرر الحكم: ۹۶.
۶ . الخصال: ۱۰۲/۶۹.

الدُّنيا بحَذافيرِها.[۱]

۳۷۷۵ . عنه ﷺ: الحِرصُ مَفْقَرَةٌ.[۲]

۳۷۷۶ . عنه ﷺ: إظْهارُ الحِرصِ يُورِثُ الفَقرَ.[۳]

۳۷۷۷ . عنه ﷺ: الحِرصُ عَلامَةُ الفَقرِ.[۴]

۳۷۷۸ . عنه ﷺ: كُلُّ حَريصٍ فَقيرٌ.[۵]

۳۷۷۹ . الإمامُ الحسنُ ﷺ ـ وقد سألَهُ أبوهُ عنِ الفَقْرِ ـ: الحِرصُ والشَّرَهُ.[۶]

۷۹۷
الحَريصُ شَقِيٌّ

۳۷۸۰ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحِرصُ عَلامَةُ الأشْقياءِ.[۷]

۳۷۸۱ . عنه ﷺ: الحِرصُ أحَدُ الشَّقاءَينِ.[۸]

۳۷۸۲ . عنه ﷺ: الحِرصُ والشَّرَهُ يُكْسِبانِ الشَّقاءَ والذِّلَّةَ.[۹]

۳۷۸۳ . عنه ﷺ: في الحِرصِ الشَّقاءُ والنَّصَبُ.[۱۰]

۳۷۸۴ . عنه ﷺ: كَثْرَةُ الحِرصِ تُشْقي صاحِبَهُ، وتُذِلُّ جانِبَهُ.[۱۱]

---

۱ . غرر الحكم: ۱۷۵۳ . ۲ . بحار الأنوار: ۱۳/۱۶۲/۷۳ .
۳ . بحار الأنوار: ۱۲/۱۶۲/۷۳ .
۴ . غرر الحكم: ۳۵۲ . ۵ . غرر الحكم: ۶۸۳۳ .
۶ . معاني الأخبار: ۱/۲۴۴ . ۷ . غرر الحكم: ۶۲۶ .
۸ . غرر الحكم: ۱۶۲۹ . ۹ . غرر الحكم: ۱۳۶۹ .
۱۰ . غرر الحكم: ۶۵۰۱ . ۱۱ . غرر الحكم: ۷۱۰۸ .

۳۷۷۵ . **امام علی** ﷺ: آز، نیاز است.

۳۷۷۶ . **امام علی** ﷺ: آزمندی نمودن، نیازمندی به بار می‌آورد.

۳۷۷۷ . **امام علی** ﷺ: آزمندی، نشانهٔ نیازمندی است.

۳۷۷۸ . **امام علی** ﷺ: هر آزمندی، نیازمند است.

۳۷۷۹ . **امام حسن** ﷺ ـ در پاسخ به پدر بزرگوارش که پرسید: فقر چیست ؟ ـ فرمود: آزمندی و سیری ناپذیری.

۷۹۷
آزمند، بدبخت است

۳۷۸۰ . **امام علی** ﷺ: آزمندی، نشانهٔ نگون‌بختان است.

۳۷۸۱ . **امام علی** ﷺ: آزمندی، یکی از دو بدبختی است.

۳۷۸۲ . **امام علی** ﷺ: آزمندی و سیری ناپذیری، نگون‌بختی و خواری می‌آورند.

۳۷۸۳ . **امام علی** ﷺ: در آزمندی، بدبختی و رنج است.

۳۷۸۴ . **امام علی** ﷺ: حرص زیاد، آزمند را بدبخت و خوار می‌سازد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۳۷۸۵ . عنه ﷺ: مَن حَرَصَ شَقِيَ وتَعَنّىٰ.[۱]

۳۷۸۶ . عنه ﷺ: مَن كَثُرَ حِرصُهُ كَثُرَ شَقاؤُهُ.[۲]

۳۷۸۷ . عنه ﷺ: أشْقاكُم أحْرَصُكُم.[۳]

۷۹۸

جَشَعُ الحَريصِ

۳۷۸۸ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحَريصُ لا يَكْتَفي.[۴]

۳۷۸۹ . عنه ﷺ: إنّ الدُّنيا مَشْغَلَةٌ عن غَيرِها، ولَم يُصِبْ صاحِبُها مِنها شيئاً إلّا فَتَحتْ لَهُ حِرْصاً علَيها ولَهَجاً بها، ولَن يَستَغْنِيَ صاحِبُها بما نالَ فيها عَمّا لَم يَبْلُغْهُ مِنها.[۵]

۳۷۹۰ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: كانَ أميرُ المؤمنينَ صلواتُ اللهِ علَيهِ يقولُ: ابنَ آدمَ، إنْ كُنتَ تُريدُ مِن الدُّنيا ما يَكْفيكَ فإنَّ أيْسَرَ ما فيها يَكْفيكَ، وإنْ كُنتَ إنَّما تُريدُ ما لا يَكْفيكَ فإنَّ كُلَّ ما فيها لا يَكْفيكَ.[۶]

۳۷۹۱ . عنه ﷺ: مَنْهومانِ لا يَشْبَعانِ: مَنْهومُ عِلمٍ، ومَنْهومُ مالٍ.[۷]

۳۷۹۲ . عنه ﷺ: ما فَتَحَ اللهُ علىٰ عَبدٍ باباً مِن أمْرِ

۳۷۸۵ . **امام علی** ﷺ: آن که حریص شد خود را در بدبختی و رنج افکند.

۳۷۸۶ . **امام علی** ﷺ: آن که زیاد حرص زند، شقاوتش (رنجش) بسیار شود.

۳۷۸۷ . **امام علی** ﷺ: شقی‌ترین (در رنج‌ترین) شما، آزمندترین شماست.

۷۹۸

سیری‌ناپذیری آزمند

۳۷۸۸ . **امام علی** ﷺ: آزمند، بسنده نمی‌کند.

۳۷۸۹ . **امام علی** ﷺ: همانا دنیا [آدمی را] سرگرم خود می‌سازد و دنیاپرست، به چیزی از دنیا نرسد، مگر آن که حرص و شیفتگی وی به آن افزون شود، و آنچه از این دنیا رسیده، وی را از آنچه بدان نرسیده بی‌نیاز نکند.

۳۷۹۰ . **امام صادق** ﷺ: امیر المؤمنین، صلوات الله علیه، می‌فرمود: ای آدمیزاد! اگر از دنیا به قدر کفایت خواهی همان کمترین دنیا تو را بس باشد و اگر بیش از کفایت خواهی همهٔ دنیا هم تو را بس نباشد.

۳۷۹۱ . **امام صادق** ﷺ: دو آزمندند که هرگز سیر نمی‌شوند: آزمند دانش و آزمند ثروت.

۳۷۹۲ . **امام صادق** ﷺ: خداوند هیچ دری از دنیا به

---

۱ . غرر الحكم: ۷۷۲۳.
۲ . غرر الحكم: ۸۶۰۲.
۳ . غرر الحكم: ۲۸۳۵.
۴ . غرر الحكم: ۳۶۵.
۵ . نهج البلاغة: الكتاب ۴۹.
۶ . الكافي: ۶/۱۳۸/۲.
۷ . الخصال: ۶۹/۵۳.

الدّنيا إلّا فَتحَ اللهُ علَيهِ مِن الحِرصِ مِثلَهُ.[۱]

(انظر) القناعة: باب ۳۳۷۲.

۷۹۹
الحِرصُ لا يَزيدُ فِي الرِّزقِ

۳۷۹۳. رسولُ اللهِ ﷺ: لا يُسْبَقُ بَطيءٌ بِحَظِّهِ ولا يُدرِكُ حَريصٌ ما لَم يُقدَّرْ لَهُ.[۲]

۳۷۹۴. الإمامُ عليٌّ ؈: الحِرصُ يُنْقِصُ قَدْرَ الرَّجُلِ، ولا يَزيدُ في رِزْقِهِ.[۳]

۳۷۹۵. عنه ؈: الحِرصُ لا يَزيدُ في الرِّزقِ، ولكنْ يُذِلُّ القَدْرَ.[۴]

۳۷۹۶. الإمامُ الحسينُ ؈: لَيستِ العِفَّةُ بِمانِعَةٍ رِزْقاً، ولا الحِرصُ بِجالِبٍ فَضْلاً، وإنَّ الرِّزقَ مَقْسومٌ والأجَلَ مَحتومٌ، واستِعمالُ الحِرصِ طَالبُ المَأْثَمِ.[۵]

۸۰۰
تَفسيرُ الحِرصِ

۳۷۹۷. الإمامُ عليٌّ ؈ ـ وقد سُئلَ عنِ الحِرصِ: ما هُو؟ ـ: هُو طَلَبُ القَليلِ بإضاعَةِ الكَثيرِ.[۶]

---

۱. الكافي: ۱۲/۳۱۹/۲. ۲. الأمالي للطوسي: ۱۱۶۲/۵۲۷.
۳. غرر الحكم: ۱۵۵۰. ۴. غرر الحكم: ۱۸۷۷.
۵. أعلام الدين: ۴۲۸، بحار الأنوار: ۴۲/۲۷/۱۰۳ وفيه «طلب» بدل «طالب».
۶. بحار الأنوار: ۳۱/۱۶۷/۷۳.

روی بنده‌ای نگشود، مگر آن که دری از آزمندی نیز به روی او گشود.

۷۹۹
آزمندی، روزی را زیاد نمی‌کند

۳۷۹۳. **پیامبر خدا ﷺ**: آن که حرص نزند روزی خود را از دست نمی‌دهد و آن که حرص زند، به آنچه روزیش نیست نمی‌رسد.

۳۷۹۴. **امام علی ؈**: آزمندی، منزلت مرد را می‌کاهد و روزی او را هم زیاد نمی‌کند.

۳۷۹۵. **امام علی ؈**: آزمندی روزی را زیاد نمی‌کند، بلکه قدر و منزلت را خوار می‌سازد.

۳۷۹۶. **امام حسین ؈**: نه عفّت و مناعت مانع روزی می‌شود و نه حرص زدن روزی بیشتر می‌آورد؛ زیرا روزی تقسیم شده و اجل حتمی است و حرص زدن طلب گناه است.

۸۰۰
تفسیر آزمندی

۳۷۹۷. **امام علی ؈** ـ در پاسخ به این پرسش که: آزمندی چیست؟ ـ فرمود: به دست آوردن اندک، با از دست دادن بسیار.

۸۰۱
مادّةُ الحِرصِ

۳۷۹۸ . رسولُ اللهِ ﷺ: اعْلَمْ يا عـليُّ، أنّ الجُـبْنَ والبُخْلَ والحِرْصَ غَريزَةٌ واحِدَةٌ، يَجْمَعُها سُوءُ الظَّنِّ.[۱]

۳۷۹۹ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: رَدُّ الحِرصِ يَحْسِمُ الشَّرَهَ والمَطامِعَ.[۲]

۳۸۰۰ . عنه ﷺ: علىٰ الشَّكِّ وقِلَّةِ الثِّقَةِ باللهِ، مَبْنىٰ الحِرصِ والشُّحِّ.[۳]

۳۸۰۱ . عنه ﷺ: شِـدَّةُ الحِـرصِ مِـن قُـوَّةِ الشَّـرَهِ وضَعْفِ الدِّينِ.[۴]

۸۰۱
ریشهٔ آزمندی

۳۷۹۸ . **پیامبر خدا** ﷺ: ای علی! بدان که ترسویی و بخل و آزمندی یک سرشتند و ریشهٔ آنها بدگمانی [به خدا] است.

۳۷۹۹ . **امام علی** ﷺ: دست ردّ زدن بـه سـینهٔ آزمندی، ریشهٔ سیری ناپذیری و طمعها را قطع می‌کند.

۳۸۰۰ . **امام علی** ﷺ: بنای آزمندی و بخل شدید بر شکّ و کم اعتمادی به خدا استوار است.

۳۸۰۱ . **امام علی** ﷺ: آزمندی زیاد، ناشی از نیروی سیری ناپذیری و سستی دین است.

۸۰۲
ما يَرْدَعُ عَنِ الحِرصِ

۳۸۰۲ . بحارالأنوار عن أبي بَصيرٍ: قالَ لي الإمـامُ الصّادقُ ﷺ: أمَا تَحْزَنُ؟ أمَا تَهْتَمُّ؟ أمَا تَألَمُ؟ قلتُ: بلىٰ واللهِ. قالَ: فإذا كانَ ذلكَ مِـنكَ فاذْكُرِ المَوتَ ووَحْدَتَكَ في قَبْرِكَ، وسَيَلانَ عَيْنَيكَ علىٰ خَـدَّيْكَ، وتَـقَطُّعَ أوْصـالِكَ، وأكْلَ الدُّودِ من لَحْمِكَ، وبِلاكَ، وانْقِطاعَكَ عنِ الدُّنيا؛ فإنَّ ذلكَ يَحُثُّكَ عـلىٰ العَـملِ،

۸۰۲
عوامل باز دارندهٔ آزمندی

۳۸۰۲ . **بحار الأنوار** ـ به نقل از ابو بـصیر ـ: امـام صادق ﷺ بـه مـن فـرمود: آیـااانـدوهگین نمی‌شوی؟ آیا غم، دلت را نـمی‌گیرد؟ آیـا دردمند نمی‌شوی؟ عرض کردم: به خـدا سوگند، چرا. فرمود: هرگاه چنین حالاتی به تو دست داد، مرگ و تنهایی قبر را به یاد آور و یاد کن آن زمانی را کـه چشـمهایت ذوب گشته بر گـونه‌هایت جـاری شـود و بندهایت از هم بگسـلد و گـوشت بـدنت خوراک کرمها شود و پیکرت پوسیده گردد و از دنیا جدا شوی. اینهاست که تـو را بـه

۱ . علل الشرائع: ۱/۵۵۹. ۲ . غرر الحکم: ۵۳۹۶.
۳ . غرر الحکم: ۶۱۹۵. ۴ . غرر الحکم: ۵۷۷۲.

ويَرْدَعُكَ عن كَثيرٍ مِن الحِرصِ علىٰ الدُّنيا.[1]

۸۰۳
الإنسانُ حَريصٌ عَلىٰ ما مُنِعَ

۳۸۰۳. رسولُ اللهِ ﷺ: إنّ ابنَ آدمَ لَحَريصٌ علىٰ ما مُنِعَ.[2]

۳۸۰۴. عنه ﷺ: لو بَعَثْتُ إلَيهِم فَنَهَيْتُهُمْ أنْ يَأتُوا الحَجونَ لَأتاهُ بَعضُهُم، وإنْ لَم يَكُنْ لَهُ بِهِ حاجَةٌ.[3]

۸۰۴
ما يَنبَغي الحِرصُ فيهِ

۳۸۰۵. الإمامُ عليٌّ ﷺ: إنْ كُنتَ حَريصاً علىٰ اسْتيفاءِ طَلَبِ المَضمونِ لَكَ، فكُنْ حَريصاً علىٰ أداءِ المَفْروضِ علَيكَ.[4]

۳۸۰۶. الإمامُ الباقرُ ﷺ: لا حِرصَ كالمُنافَسَةِ في الدَّرَجاتِ.[5]

۳۸۰۷. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: المؤمنُ لَهُ قُوَّةٌ في دِينٍ... وحِرصٌ في فِقْهٍ.[6]

(انظر) التسابق: باب ۱۷۳۰.

۱. بحار الأنوار: ۵/۳۲۲/۷۶. ۲. كنز العمّال: ۴۴۰۹۵.
۳. كنز العمّال: ۴۴۱۴۵ و ۴۴۱۴۶ مع تفاوت يسير في اللفظ.
۴. غرر الحكم: ۳۷۱۷. ۵. تحف العقول: ۲۸۶.
۶. الكافي: ۴/۳۳۱/۲.

عمل [برای آخرت] بر می‌انگیزند و از حرص زیاد به دنیا بازت می‌دارند.

۸۰۳
آزمندی انسان نسبت به هر آنچه از او باز دارند

۳۸۰۳. **پیامبر خدا** ﷺ: همانا آدمی به آنچه از او باز دارند آزمند است.

۳۸۰۴. **پیامبر خدا** ﷺ: اگر به آنان پیغام دهم و از رفتن به حَجون[1] بازشان دارم، برخی از ایشان، با آن که کاری در آن جا ندارند، به آن‌جا خواهند رفت.

۸۰۴
آنچه آزمندی در آن شایسته است

۳۸۰۵. **امام علی** ﷺ: تو که برای به چنگ آوردن آنچه رسیدنش به تو ضمانت شده است (روزی) حرص می‌زنی، در انجام آنچه بر تو واجب شده است، نیز حریص باش.

۳۸۰۶. **امام باقر** ﷺ: هیچ حرصی چون رقابت برای رسیدن به درجات [عالی] نیست.

۳۸۰۷. **امام صادق** ﷺ: مؤمن در دین خود نیرومند است... و در فهم دین آزمند.

۱. حجون: نام کوهی است در مکّه مکرّمه ـ م.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۰۷

الحِرفَة

پیشه

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

عنوان ۵۶«التجارة»، ۱۰۹«الحرام»، ۱۸۶«الرزق»، ۴۹۹«المال».

السؤال«طلب الحاجة»: باب ۱۷۱۶.

٨٠٥
الحِرفَةُ

٣٨٠٨ . رسولُ اللهِ ﷺ: إنَّ اللهَ تعالىٰ يُحِبُّ العَبدَ المؤمنَ المُحتَرِفَ.[١]

٣٨٠٩ . جامع الأخبار عن ابن عبّاس: كانَ رسولُ اللهِ ﷺ إذا نَظَرَ إلىٰ الرَّجُلِ فأعْجَبَهُ، قالَ: هَل لَهُ حِرْفَةٌ ؟ فإنْ قالوا: لا، قالَ: سَقَطَ مِن عَيْني. قيلَ: وكيفَ ذلكَ يا رسولَ اللهِ ؟! قالَ: لأنَّ المؤمنَ إذا لَم يَكُن لَهُ حِرْفَةٌ يَعيشُ بدِينِهِ.[٢]

٣٨١٠ . الإمامُ عليٌّ ؈: تَعَرَّضوا للتِّجارَةِ؛ فإنَّ فيها غِنىً لَكُم عَمّا في أيْدي النّاسِ، وإنَّ اللهَ عزّوجلّ يُحِبُّ العَبدَ المُحتَرِفَ الأمينَ.[٣]

٣٨١١ . دعائم الإسلام عن جَعفرِ بنِ محمّدٍ ؈ أنّه سألَ بعضَ أصحابِهِ عَمّا يتَصَرَّفُ فيهِ، فقال: جُعِلتُ فِداكَ، إنّي كَفَفْتُ يَدي عنِ التِّجارَةِ. قالَ: لِمَ ذلكَ ؟! قالَ: انتِظاري هذا

١. كنز العمّال: ٩١٩٩. ٢. جامع الأخبار: ١٠٨٤/٣٩٠.
٣. الخصال: ١٠/٦٢١.

٨٠٥
شغل و پیشه

٣٨٠٨ . پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال بندهٔ مؤمن شاغل را دوست دارد.

٣٨٠٩ . جامع الأخبار ـ به نقل از ابن عبّاس ـ: پیامبر خدا ﷺ هرگاه به کسی نگاه می‌کرد و از او خوشش می‌آمد، می‌فرمود: شغلی هم دارد ؟ اگر می‌گفتند: نه، می‌فرمود: از چشمم افتاد. عرض می‌شد: چرا ای رسول خدا؟! می‌فرمود: زیرا اگر مؤمن شغل و حرفه‌ای نداشته باشد دین خود را وسیلهٔ امرار معاشش می‌کند.

٣٨١٠ . امام علی ؈: به تجارت پردازید، که آن شما را از آنچه در دست مردم است بی نیاز می‌گرداند و خداوند عزّوجلّ بندهٔ پیشه‌ور درستکار را دوست دارد.

٣٨١١ . دعائم الإسلام: امام صادق ؈ از شغل یکی از اصحاب خود پرسید، عرض کرد: فدایت شوم، من تجارت را کنار گذاشته‌ام؛ فرمود: چرا ؟ عرض کرد: منتظر این امر (روی کار آمدن دولت و حکومت شما)

الأمرَ. قالَ: ذلكَ أعْجَبُ لَكُم، تَذْهبُ أمْوالُكُم! لا تَكُفُّ عنِ التِّجارَةِ والْتمِسْ مِن فَضْلِ اللهِ، وَافْتَحْ بابَكَ وابْسُطْ بِساطَكَ واسْتَرْزِقْ رَبَّكَ.[1]

بودم. حضرت فرمود: این از شما تعجب است، ثروتتان از بین می‌رود. از تجارت دست مکش و فضل و برکت خدای را بجوی، حجرات را بگشای و بساط [کسب و کار] خود را پهن کن و از پروردگارت روزی بطلب.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. دعائم الإسلام: ۱۴/۱۶/۲.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١٠٨

التحريف

تحريف

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

الميزان في تفسير القرآن: ١٢/١٠٣ «كلام في أنّ القرآن مَصون عن التحريف».

بحار الأنوار: ٩٢/٤٠ باب ٧ «ما جاء في كيفيّة جمع القرآن».

۸۰۶
التَّحريفُ

الكتاب:

﴿مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾.[1]

﴿فَبِما نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾.[2]

﴿سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ﴾.[3]

﴿أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾.[4]

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقاً لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِناً عَلَيْهِ﴾.[5]

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾.[6][7]

---

۱. النساء: ۴۶.
۲. المائدة: ۱۳.
۳. المائدة: ۴۱.
۴. البقرة: ۷۵.
۵. المائدة: ۴۸.
۶. الحِجْر: ۹.
۷. أقول: قال العلّامةُ الطباطبائيّ في «الميزان في تفسير القرآن»: قد تبيّن ممّا فصّلناه أنّ القرآن الّذي أنزله الله على نبيّه ﷺ، و وصفه بأنّه ذكر محفوظ على ما أنزل، مَصون بصيانةٍ إلهيّة عن الزيادة و النقيصة و التغيير كما وعد الله نبيّه فيه.

۸۰۶
تحریف

قرآن:

«بعضی از جهودان کلمات خدا را تحریف معنوی می‌کنند».

«و اهل کتاب چون پیمان را شکستند لعنتشان کردیم و دلهایشان را سخت گردانیدیم. کلمات را از معنای خود منحرف می‌سازند».

«گوش به دروغ می‌سپارند و برای گروهی دیگر که خود نزد تو نمی‌آیند سخن چینی می‌کنند و سخن خدا را دگرگون می‌سازند».

«آیا طمع می‌دارید که به شما ایمان بیاورند و حال آن که گروهی از ایشان کلام خدا را می‌شنیدند و با آن که حقیقت آن را می‌فهمیدند تحریفش می‌کردند و از کار خویش آگاه بودند؟».

«و این کتاب را به راستی بر تو نازل کردیم؛ تصدیق کننده و حاکم بر کتابهایی است که پیش از آن بوده‌اند».

«ما خود قرآن را نازل کرده‌ایم و خود نگهبانش هستیم».[1]

---

۱. علامهٔ طباطبائی در المیزان می‌نویسد: از توضیحاتی که دادیم روشن شد که قرآنی که خداوند بر پیامبرش ﷺ نازل کرده و آن را به «ذکر» توصیف کرده، به همان صورت نازل شده، حفظ گردیده است، و با صیانت و محافظت الهی،

← همان گونه که خداوند در قرآن به پیامبر خود وعده داده، از کم و زیاد شدن و تغییر مصون مانده است.

خلاصهٔ برهان بر این مطلب چنین است که: خداوند قرآن را بر پیامبر خود نازل کرد و در آیات فراوانی، آن را با اوصاف خاصّی یاد نموده است. اگر در چیزی از این اوصاف، تغییری از جهت کاهش یا افزایش پدید می‌آمد، یا تغییری در لفظ بروز می‌کرد و یا در ترتیب آن تغییر مهمی رخ می‌داد، به یقین آثار این ویژگیها و اوصاف از بین می‌رفت. اما قرآنِ موجود، همهٔ آثار و نشانه‌های این اوصاف بر شمرده شده را به کاملترین و زیباترین وجه ممکن داراست. بنا بر این، تحریفی که سبب از بین رفتن چیزی از صفات قرآن شده باشد، در آن به وجود نیامده است. پس آنچه از قرآن در دست ماست، عیناً همان قرآنی است که بر پیامبرﷺ نازل شده است. به فرض که چیزی از قرآن افتاده، یا در اعراب، یا حروف و یا ترتیبِ آن تغییری رخ داده باشد، باید این افتادگی و تغییر، در مواردی باشد که بر ویژگیهای قرآن مانند اعجاز و نبودنِ ناسازگاری در آن و هدایت و نورانیت و ذکر بودن آن و برتریش بر دیگر کتابهای آسمانی و ویژگیهای دیگری از این قبیل، تأثیر نداشته و لطمه‌ای وارد نکرده باشد؛ افتادگیها و تغییراتی مانند ساقط شدن آیهٔ تکراری، یا اختلاف در نقطه یا اعراب و موارد دیگری از این دست...

اخبار فراوانی که از پیامبرﷺ ـ ازطرق عامه و خاصه ـ در خصوص لزوم رجوع به قرآن هنگام فتنه‌ها و برای حل مشکلات وارد شده است؛ و نیز حدیث ثقلین که از طرق عامه وخاصه به تواتر رسیده و می‌فرماید: من در میان شما دو امر گرانبها می‌گذارم یکی کتاب خدا و دیگری عترتم...، همچنین اخبار فراوانی که از پیامبرﷺ و ائمهٔ اهل بیت‌ﷺ دربارهٔ لزوم سنجیدن اخبار با قرآن وارد شده است...، همگی نشانگر آن است که در قرآن تحریفی صورت نگرفته است.

← و خلاصة الحجّة: أنّ القرآن أنزله الله على نبيّه و وصفه في آيات كثيرة بأوصاف خاصّة، لو كان تغيّر في شيء من هذه الأوصاف بزيادة أو نقيصة، أو تغيير في لفظ أو ترتيب مؤثّر، فقدَ آثارَ تلك الصفة قطعاً، لكِنّا نجد القرآن الّذي بأيدينا واجداً لآثار تلك الصفات المعدودة على أتمّ مايمكن وأحسن مايكون، فلم يقع فيه تحريف يَسلبه شيئاً من صفاته، فالذي بأيدينا منه هو القرآن المنزّل على النبيّ ﷺ بعينه. فلو فرض سقوط شيء منه أو تغيّر في إعراب، أو حرف، أو ترتيب، وجب أن يكون في أمر لا يؤثّر في شيء من أوصافه كالإعجاز و ارتفاع الاختلاف والهداية و النوريّة والذّكريّة و الهيمنة على سائر الكتب السماويّة إلى غير ذلك، و ذلك كآية مكرّرة ساقطة، أو اختلاف في نقطة، أو إعراب و نحوها.

و يدلّ على عدم وقوع التحريف: الأخبار الكثيرة المرويّة عن النبيّ ﷺ ـ من طرق الفريقَين ـ الآمرة بالرجوع إلى القرآن عند الفتن و في حلّ عقد المشكلات.

و كذا حديث الثقلَين المتواتر من طرق الفريقَين: إنّي تارك فيكم الثقلَين: كتاب الله و عترتي...

و كذا الأخبار الكثيرة الواردة عن النبيّ ﷺ و أئمّة أهل البيت‌ﷺ الآمرة بعرض الأخبار على الكتاب...

الميزان في تفسير القرآن: ۱۰۷/۱۲، انظر تمام الكلام.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١٠٩

الحَرامُ

حرام

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧١/١٩٤ـ٢٠٨ «أداء الفرائض واجتناب المحارم».

وسائل الشّيعة: ١١/٢٠٠ باب ٢٣ «وجوب اجتناب المحارم».

بحار الأنوار: ١٠٤/٢٩٢ باب ١٠ «عقاب مَن أكل أموال الناس ظلماً»، ٧٥/١٧٠ـ١٧٢.

وسائل الشّيعة: ١٧/٢٢١ «أبواب الأشربة المحرّمة».

وسائل الشّيعة: ١٢/٥٢ـ٢٢٨ «أبواب ما يكتسب به».

انظر:

عنوان ٦٩ «الجزية»، ١٢٧ «الحلال»، ١٨٦ «الرزق»، ٤٩٩ «المال»، ٥٢٣ «المَناهي».

البركة: باب ٣٥٧، الحجّ: باب ٧١٢، الكسب: باب ٣٤٢٧.

السُّكْر: باب ١٨٢٨، الأمثال: باب ٣٥٦٨، اليتيم: باب ٤١٧٥.

۸۰۷

اجتِنابُ المَحارِمِ

۳۸۱۲ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: ظَرْفُ المؤمنِ نَزاهَتُهُ عنِ المَحارِمِ، ومُبادَرَتُهُ إلىٰ المَكارِمِ.[۱]

۳۸۱۳ . عنه ﷺ: أحسِنْ رِعايَةَ الحُرُماتِ، وأقْبِلْ علىٰ أهلِ المُروءاتِ.[۲]

۳۸۱۴ . عنه ﷺ: إذا رَغِبْتَ في المَكارِمِ فاجْتَنِبِ المَحارِمَ.[۳]

۳۸۱۵ . عنه ﷺ: مِن أحْسَنِ المَكارِمِ تَجَنُّبُ المَحارِمِ.[۴]

۸۰۸

دَعوَةُ العَقلِ إلَى اجتِنابِ المَحارِمِ

۳۸۱۶ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: لَو لَم يَنْهَ اللهُ سُبحانَهُ عَن مَحارِمِهِ لَوجَبَ أنْ يَجْتَنِبَها العاقِلُ.[۵]

---

۱ . غرر الحكم: ۶۰۷۲.
۲ . غرر الحكم: ۲۴۱۷.
۳ . غرر الحكم: ۴۰۶۹.
۴ . غرر الحكم: ۹۳۸۲.
۵ . غرر الحكم: ۷۵۹۵.

۸۰۷

دوری کردن از حرامها

۳۸۱۲ . **امام علی** ﷺ: زیرکی مؤمن به دوری کردنش از حرامها و شتاب او به سوی خصلتهای والاست.

۳۸۱۳ . **امام علی** ﷺ: حرمتها را نیکو پاس بدار، و به جوانمردان روی آر.

۳۸۱۴ . **امام علی** ﷺ: اگر خواهان صفات عالی هستی از حرامها دوری کن.

۳۸۱۵ . **امام علی** ﷺ: از بهترین مکارم اخلاق، دوری کردن از حرامهاست.

۸۰۸

دعوت عقل به دوری کردن از حرامها

۳۸۱۶ . **امام علی** ﷺ: اگر خداوند سبحان هم از حرامهایش نهی نمی‌کرد، بر خردمند لازم بود که از آنها دوری کند.

٣٨١٧. عنه ﷺ: الانْقِباضُ عنِ المَحارِمِ مِن شِيَمِ العُقَلاءِ، وسَجِيَّةِ الأكارِمِ.[1]

(انظر) الشُّكر لله سبحانه: باب ٢٠٢١.

الذنب: باب ١٣٦٥.

الطاعة: باب ٢٣٩٣.

الشريعة: باب ١٩٦٦.

٨٠٩
نُبذَةٌ مِنَ المُحَرَّماتِ فِي القُرآنِ

الكتاب:

﴿قُلْ تَعالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً﴾.[2]

﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلا عادٍ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾.[3]

﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ﴾.[4]

﴿وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ﴾.[5]

---

١. غرر الحكم: ٢٠٠١.
٢. الأنعام: ١٥١.
٣. البقرة: ١٧٣.
٤. المائدة: ٣.
٥. الأعراف: ١٥٧.

٣٨١٧. امام علی ﷺ: خودداری از حرامها، خوی خردمندان و خصلت بزرگواران است.

٨٠٩
بعضی از محرّمات در قرآن

قرآن:

«بگو: بیایید تا آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده است، برایتان بخوانم: این که به خدا شرک نورزید».

«همانا مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن بخوانند بر شما حرام کرد. اما کسی که ناچار شود در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد گناهی مرتکب نشده است، که خدا آمرزنده و بخشاینده است».

«حرام شد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و هر حیوانی که به هنگام کشتنش نام دیگری جز الله را بر آن بگویند و آنچه خفه شده باشد یا به سنگ زده باشند یا از بالا در افتاده باشد یا به شاخ حیوانی دیگر بمیرد یا درندگان از آن خورده باشند مگر آن که ذبحش کنید. و نیز هرچه بر آستان بتان ذبح شود و آنچه به وسیلهٔ تیرهای قمار قسمت کنید».

«چیزهای پاکیزه را بر آنها حلال می‌کند و چیزهای ناپاک را حرام».

۸۱۰

تَحريمُ الفَواحِشِ وَالخَبائِثِ وَالغِنىٰ عَنها

الكتاب:

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِندَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.[1]

﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾.[2]

الحديث:

۳۸۱۸. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: ما نَهىٰ اللهُ سُبحانَهُ عَن شَيءٍ إلّا وأغْنىٰ عَنهُ.[3]

۸۱۰

حرام کردن زشتکاری‌ها و ناپاکی‌ها و بی‌نیازی به آنها

قرآن:

«همانان که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده ـ که [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند ـ پیروی می‌کنند؛ [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد، و از کار ناپسند باز می‌دارد، و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند، و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند».

«بگو: پروردگارمن زشتکاریها را چه آشکار باشند و چه پنهان ونیز گناهان و افزونی جستن به ناحقّ را حرام کرده است. نیز حرام است چیزی را شریک خدا سازید که هیچ دلیلی بر وجود آن نازل نشده است، یا دربارهٔ خدا چیزهایی بگویید که نمی‌دانید».

حدیث:

۳۸۱۸. امام علی علیه السلام: خداوند سبحان [انسان را] از چیزی نهی نفرموده، جز آن‌که [او را] از آن بی نیاز کرده است.

---

۱. الأعراف: ۱۵۷.
۲. الأعراف: ۳۳.
۳. غرر الحكم: ۹۵۷۳.

۸۱۱
أكلُ الحَرامِ

۳۸۱۹ . رسولُ اللهِ ﷺ: مَن أكَلَ لُقْمَةً مِن حَرامٍ لَم تُقْبَلْ لَهُ صلاةٌ أربَعينَ لَيلةً .[۱]

۳۸۲۰ . عنه ﷺ: إنَّ اللهَ عزّوجلّ حَرَّمَ الجَنَّةَ جَسَداً غُذِيَ بحَرامٍ .[۲]

۳۸۲۱ . عنه ﷺ: لا يَدخُلُ الجَنَّةَ منَ نَبَتَ لَحمُهُ مِن السُّحْتِ، النّارُ أوْلىٰ بِهِ .[۳]

۳۸۲۲ . عنه ﷺ: إذا وَقَعتِ اللُّقْمَةُ مِن حَرامٍ في جَوفِ العَبدِ لَعَنهُ كُلُّ مَلَكٍ في السَّماواتِ والأرضِ .[۴]

۳۸۲۳ . عنه ﷺ: العِبادَةُ مَع أكْلِ الحَرامِ كالبِناءِ علىٰ الرَّمْلِ ـ وقيلَ: علىٰ الماءِ ـ .[۵]

۳۸۲۴ . عنه ﷺ: لَرَدُّ دانَقٍ من حَرامٍ يَعْدِلُ عندَ اللهِ سُبحانَهُ سَبعينَ ألفَ حجّةٍ مَبْرورَةٍ .[۶]

۳۸۲۵ . عنه ﷺ: تَرْكُ دانَقٍ حَرامٍ أحَبُّ إلىٰ اللهِ تعالىٰ مِن مائةِ حِجّةٍ من مالٍ حلالٍ .[۷]

۱ . كنز العمّال: ۹۲۶۶.
۲ . كنز العمّال: ۹۲۶۱، تنبيه الخواطر: ۶۱/۱ مع تفاوت يسير في اللفظ.
۳ . تنبيه الخواطر: ۶۱/۱. ۴ . مشكاة الأنوار: ۱۸۱۹/۵۴۳.
۵ . عدّة الداعي: ۱۴۱. ۶ . الدعوات: ۳۶/۲۵.
۷ . تنبيه الخواطر: ۱۲۰/۲.

۸۱۱
حرام خواری

۳۸۱۹ . **پیامبر خدا ﷺ**: هرکس یک لقمهٔ حرام بخورد، تا چهل شب نمازی از او پذیرفته نشود.

۳۸۲۰ . **پیامبر خدا ﷺ**: خداوند عزّوجلّ بهشت را بر بدنی که از مال حرام تغذیه شود، حرام کرده است.

۳۸۲۱ . **پیامبر خدا ﷺ**: کسی که گوشتش از خوراک حرام بروید، به بهشت نمی‌رود. آتش به او سزاوارتر است.

۳۸۲۲ . **پیامبر خدا ﷺ**: هرگاه لقمهٔ حرام به اندرون بنده وارد شود، تمام فرشتگان آسمانها و زمین او را نفرین کنند.

۳۸۲۳ . **پیامبر خدا ﷺ**: عبادت کردن با وجود حرام خواری مانند ساختن بنایی است بر روی شن ـ و به قولی: بر روی آب ـ.

۳۸۲۴ . **پیامبر خدا ﷺ**: هر آینه، ردّ کردن یک دانق[۱] حرام، نزد خدا برابر است با هفتاد هزار حجّ پذیرفته.

۳۸۲۵ . **پیامبر خدا ﷺ**: رها کردن یک دانق حرام نزد خداوند متعال، دوست داشتنی‌تر است از صد حجّ، که از مال حلال باشد.

۱ . دانق (معرّب دانگ فارسی): یک ششم درهم ـ م.

۳۸۲۶. عنه ﷺ: تَرْكُ لُقْمَةٍ حَرامٍ أحَبُّ إلىٰ اللهِ من صلاةِ ألفي رَكْعَةٍ تَطَوُّعاً.[۱]

۳۸۲۶. پیامبر خدا ﷺ: فرو گذاشتن یک لقمهٔ حرام، نزد خدا محبوبتر از خواندن هزار رکعت نماز مستحبی است.

۳۸۲۷. عنه ﷺ: لا يَكتَسِبُ العَبدُ مالاً حَراماً فيَتَصَدَّقُ مِنهُ فَيوجَرُ عَلَيهِ، ولا يُنفِقُ مِنهُ فيُبارِكُ (اللهُ) لَهُ فيهِ، ولا يَترُكُهُ خَلفَ ظَهرِهِ إلّا كانَ زادَهُ (زادَهُ) إلَى النّارِ.[۲]

۳۸۲۷. پیامبر خدا ﷺ: اگر آدمی مال حرامی به دست آورد و از آن صدقه دهد، اجری به او داده نشود و اگر از آن انفاق کند، خداوند برای او در آن برکت قرار ندهد و آن مال حرام پس از او باقی نماند، مگر این که سوق دهندهٔ (رهتوشهٔ) او به سوی آتش باشد.

۳۸۲۸. الإمامُ عليٌّ ﷺ: بِئسَ الطَّعامُ الحَرامُ.[۳]

۳۸۲۸. امام علی ﷺ: بد خوراکی است [خوراک] حرام.

۳۸۲۹. تنبيه الخواطر: أكَلَ عليٌّ ﷺ تَمرَ دَقَلٍ وشَرِبَ عليهِ الماءَ وضَرَبَ علىٰ بَطنِهِ، وقالَ: مَن أدخَلَ بطنَهُ النّارَ فأبعَدَهُ اللهُ.[۴]

۳۸۲۹. تنبیه الخواطر: امام علی ﷺ خرمایی از نامرغوبترین نوع آن تناول کرد و روی آن آبی نوشید و دستی به شکمش زد و فرمود: هرکس آتش وارد شکم خود کند، خداوند او را [از رحمت خود] دور سازد.

۳۸۳۰. الإمامُ الباقرُ ﷺ: إنَّ الرَّجُلَ إذا أصابَ مالاً مِن حَرامٍ لَم يُقبَلْ مِنهُ حَجٌّ ولا عُمرَةٌ ولا صِلَةُ رَحِمٍ حتّىٰ أنّه يَفسُدُ فيهِ الفَرجُ.[۵]

۳۸۳۰. امام باقر ﷺ: هرگاه انسان مالی از حرام به دست آورد نه حجّی از او پذیرفته شود، نه عمره‌ای و نه صلهٔ رحمی و حتی در ازدواج و زناشویی او تأثیر سوء می‌گذارد.

۳۸۳۱. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في قولِهِ عزّوجلّ: ﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا﴾[۶] ـ: أمَا واللهِ إنْ كانت أعمالُهُم أشدَّ بَياضاً مِن القُباطيِّ، ولكنْ كانوا إذا عَرَضَ لَهُمُ الحرامُ لم يَدَعوهُ.[۷]

۳۸۳۱. امام صادق ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «و به اعمالی که کرده‌اند پردازیم و همه را چون ذرات خاک بر باد دهیم» ـ فرمود: به خدا سوگند، گرچه اعمالشان سفیدتر از کتان مصری بود اما چنان بودند که هرگاه با حرامی روبه‌رو می‌شدند آن را فرو نمی‌گذاشتند.

---

۱. تنبيه الخواطر: ۱۲۰/۲. ۲. عدّة الداعي: ۹۳.
۳. غرر الحكم: ۴۳۸۹. ۴. تنبيه الخواطر: ۴۶/۱.
۵. الأمالي للطوسي: ۱۴۴۷/۶۸۰.
۶. الفرقان: ۲۳. ۷. الكافي: ۵/۸۱/۲.

۳۸۳۲ . الإمامُ الكاظمُ عليه السلام: إنَّ رسولَ اللهِ صلى الله عليه وآله كانَ يأتي أهلَ الصُّفَّةِ وكانوا ضِيفانَ رسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله، كانوا هاجَروا مِن أهاليهِم وأموالِهِم إلىٰ المَدينَةِ فأسْكَنَهُم رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله صُفَّةَ المَسجِدِ، وهُم أربَعُمِائةِ رجُلٍ [كان]، يُسَلِّمُ علَيهِم بالغدوةِ والعَشِيِّ، فأتاهُم ذاتَ يومٍ فمِنهُم مَن يَخصِفُ نَعلَهُ، ومِنهُم مَن يَرقَعُ ثَوبَهُ، ومِنهُم مَن يَتَفلّىٰ، وكانَ رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يَرزُقُهُم مُدّاً مُدّاً مِن تمرٍ في كُلِّ يَومٍ.

فقامَ رجُلٌ مِنهُم فقالَ: يا رسولَ اللهِ، التَّمرُ الَّذي تَرْزُقُنا قَد أحْرَقَ بطُونَنا!

فقالَ رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: أمَا إنّي لَو استَطَعْتُ أنْ أُطعِمَكُمُ الدُّنيا لَأطعَمْتُكُم، ولٰكنْ مَن عاشَ مِنكُم مِن بَعدي فسَيُغدىٰ علَيهِ بالجِفانِ ويُراحُ علَيهِ بالجِفانِ، ويَغدو أحَدُكُم في قَميصةٍ ويَروحُ في أُخرىٰ، وتُنَجِّدونَ بُيوتَكُم كما تُنَجَّدُ الكَعبَةُ.

فقامَ رجُلٌ فقالَ: يا رسولَ اللهِ، إنّا علىٰ ذلكَ الزَّمانِ بالأشْواقِ! فمَتىٰ هُو؟!

قالَ صلى الله عليه وآله: زَمانُكُم هٰذا خَيرٌ مِن ذلكَ الزَّمانِ، إنَّكُم إنْ مَلَأتُم بطُونَكُم مِن الحَلالِ

۳۸۳۲ . امام کاظم علیه السلام: اهل صفّه میهمان رسول خدا صلى الله عليه وآله بودند. آنها خان ومان خود را رها کرده به مدینه هجرت کرده بودند. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله آنان را که چهل مرد بودند در صفّهٔ مسجد اسکان داد. آن حضرت هر صبح و شام نزد ایشان می‌رفت و بر آنان سلام می‌داد. روزی بر صفّه نشینان وارد شد، دید یکی کفش خود را پینه می‌کند، دیگری لباسش را وصله می‌زند و عده‌ای هم جامه‌های خودرا از شپش پاک می‌کنند. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله هر روز یک مُدّ (تقریباً یک چارک) خرما به آنها می‌داد. مردی از میان آنها برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! خرمایی که به ما می‌دهی معده‌های ما را سوزاند! پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: بدانید که اگر می‌توانستم دنیا را خوراک شما کنم این کار را می‌کردم اما کسانی از شما که پس از من زنده بمانند صبح و شام غذای سیر خواهند خورد، هرکدام صبح یک پیراهن خواهید پوشید و شب پیراهنی دیگر و خانه‌هایتان را، همانند کعبه، بر افراشته و آراسته خواهید کرد.

مردی برخاست و گفت: ای رسول خدا! ما مشتاق چنان روزی هستیم! کی فرا خواهد رسید؟!

فرمود: این زمان شما بهتر از آن زمان است. شما اگر شکمهای خود را از حلال

تُوشِكونَ أنْ تَملؤوها مِن الحَرامِ.[1]

(انظر) القلب: باب ۳۳۴۰.

۸۱۲

ثَوابُ مَن قَدَرَ عَلىٰ حَرامٍ فَتَرَكَهُ

۳۸۳۳. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن قَدرَ علىٰ امرأةٍ أو جاريَةٍ حَراماً فَتَركَها مَخافَةَ اللهِ حَرَّمَ اللهُ عزّوجلّ علَيهِ النّارَ، وآمَنَهُ اللهُ تَعالىٰ مِن الفَزَعِ الأكْبَرِ، وأدْخَلَهُ اللهُ الجَنَّةَ.[2]

۳۸۳۴. عنه ﷺ: لا يَقْدِرُ رَجُلٌ علىٰ حَرامٍ ثُمَّ يَدَعُهُ، لَيس بِهِ إلّا مَخافَةُ اللهِ، إلّا أبْدَلَهُ اللهُ في عاجِلِ الدُّنيا قَبْلَ الآخِرَةِ ما هُو خَيرٌ لَهُ مِن ذٰلكَ.[3]

پر کنید، هیچ بعید نیست که آن را از حرام نیز پر نمایید.

۸۱۲

ثواب کسی که توانایی ارتکاب حرامی را داشته باشد و آن را انجام ندهد

۳۸۳۳. **پیامبر خدا** ﷺ: هرکس این امکان برایش پیش آید که با زن یا کنیزی به حرام نزدیکی کند اما از ترس خدا دست به این کار نزند، خداوند عزّوجلّ آتش را بر او حرام گرداند و او را از آن هراس بزرگ ایمن دارد و به بهشتش برد.

۳۸۳۴. **پیامبر خدا** ﷺ: هر مردی بتواند کار حرامی انجام دهد و آن را فقط به خاطر ترس از خدا فرو گذارد خداوند، پیش از آخرت، در همین دنیا بهتر از آن را به وی عوض دهد.

---

۱. النوادر للراوندي: ۲۲۳/۱۵۲.

۲. ثواب الأعمال: ۱/۳۳۴.

۳. كنز العمّال: ۴۳۱۱۳.

۱۱۰

الحزب

حزب

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۸۱۳
حِزبُ اللهِ

الكتاب:

﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾.[1]

﴿رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.[2]

الحديث:

۳۸۳۵. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن أحَبَّ أنْ يَركَبَ سَفينَةَ النَّجاةِ، ويَستَمسِكَ بالعُروَةِ الوُثقىٰ، ويَعتَصِمَ بحَبلِ اللهِ المَتينِ، فَلْيُوالِ عَلِيّاً بَعدي، ولْيُعادِ عَدُوَّهُ، ولْيَأتَمَّ بالأئمّةِ الهُداةِ مِن وُلدِهِ؛ فَإنَّهُم خُلَفائي وأوْصيائي... حِزبُهُم حِزبي، وحِزبي حِزبُ اللهِ عزّوجلّ، وحِزبُ أعْدائِهِم حِزبُ الشَّيطانِ.[3]

۳۸۳۶. الإمامُ عليٌّ ﷺ: أيَسُرُّكَ أنْ تَكونَ مِن حِزبِ اللهِ الغالِبينَ؟ اتَّقِ اللهَ سُبحانَهُ وأحْسِنْ في

۱. المائدة: ۵۶. ۲. المجادلة: ۲۲.
۳. عيون أخبار الرضا: ۱ / ۲۹۲ / ۴۳.

۸۱۳
حزب خدا

قرآن:

«هركه با خدا و پيامبر او و مؤمنان دوستى كند، بداند كه حزب خداوند پيروز است».

«خدا از ايشان خشنود گشت و آنان از خدا خشنود شدند. اينان حزب خدايند. بدانيد كه حزب خدا رستگار و پيروز است».

حديث:

۳۸۳۵. **پيامبر خدا ﷺ**: هركه دوست دارد بر كشتى نجات بنشيند و به دستگيرهٔ محكم چنگ زند و به ريسمان ناگسستنى خداوند بياويزد، پس از من، با على دوستى ورزد و با دشمنش دشمنى نمايد و از امامان هدايتگر نسل او پيروى كند؛ زيرا كه آنان جانشين و وصى من هستند... حزب آنان، حزب من است و حزب من، حزب خداوند عزّوجلّ است و حزب دشمنان آنان، حزب شيطان است.

۳۸۳۶. **امام على ﷺ**: آيا خوش دارى كه از حزب پيروز خدا باشى؟ از خداوند سبحان بترس و در همهٔ كارهايت خوب عمل كن؛

كُلُّ أُمورِكَ ؛ فإنَّ اللهَ مَعَ الَّذينَ اتَّقَوا والَّذينَ هُم مُحْسِنونَ.[۱]

زیرا که خداوند با تقوا پیشگان و نیکوکاران است.

۳۸۳۷. عنه ﷺ: نَحنُ النُّجَباءُ وأفْراطُنا أفْراطُ الأنْبياءِ، حِزبُنا حِزبُ اللهِ، والفِئَةُ الباغِيَةُ حِزبُ الشَّيطانِ.[۲]

۳۸۳۷. امام علی ﷺ: ماییم آن بزرگان والاتبار، پرچمهای ما پرچمهای پیامبران است وحزب ما حزب خداست و آن گروه یاغیِ تجاوزگر حزب شیطان‌اند.

۳۸۳۸. عنه ﷺ: عَلَيكُم بِالتَّمَسُّكِ بِحبلِ اللهِ وعُرْوَتِهِ، وكونوا مِن حِزبِ اللهِ ورسولِهِ، والْزَموا عَهدَ اللهِ ومِيثاقَهُ عَلَيكُم ؛ فإنَّ الإسلامَ بَدأ غَريباً وسيَعودُ غَريباً.[۳]

۳۸۳۸. امام علی ﷺ: به ریسمان خدا و دستگیرهٔ او چنگ زنید و از حزب خدا و پیامبر او باشید و عهد و پیمانی را که با خدا بسته‌اید پاس دارید ؛ که اسلام غریبانه آغاز شد و بزودی غریب خواهد شد.

۳۸۳۹. عنه ﷺ: طُوبىٰ لِنَفْسٍ أدَّتْ إلىٰ رَبِّها فَرْضَها ... في مَعْشَرٍ أسْهَرَ عُيونَهُم خَوفُ مَعادِهِم، وتَجافَتْ عَن مَضاجِعِهِم جُنوبُهُم، وهَمْهَمَتْ بِذِكْرِ ربِّهِم شِفاهُهُم، وتَقَشَّعَتْ بِطُولِ اسْتِغفارِهِم ذُنوبُهُم، أولئكَ حِزبُ اللهِ، ألَا إنَّ حِزبَ اللهِ هُمُ المُفلِحونَ.[۴]

۳۸۳۹. امام علی ﷺ: خوشا کسی که وظیفهٔ خود را در برابر پروردگارش ادا کرد... آنان که خوف روز رستخیز، شب هنگام، چشمانشان را بیدار نگهداشته و پهلوهایشان را از بستر نرم دور ساخته و لبهایشان به ذکر خداوند می‌جنبد و از بسیاری استغفار، گناهانشان زدوده شده است ؛ آنان حزب خداوندند و بدانید که حزب خدا همان رستگارانند.

۳۸۴۰. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: نَحنُ وشيعَتُنا حِزبُ اللهِ، وحِزبُ اللهِ هُمُ الغالِبونَ.[۵]

۳۸۴۰. امام صادق ﷺ: ما و شیعیانمان حزب خداییم و حزب خدا پیروز است.

۳۸۴۱. عنه ﷺ ـ في زيارةِ الحُسينِ ﷺ ـ: وثَبِّتْ قُلوبَ شِيعَتِهِم وحِزْبِكَ علىٰ طاعَتِهِم

۳۸۴۱. امام صادق ﷺ ـ در زیارت امام حسین ﷺ ـ گفت: [خداوندا] دلهای شیعیان آنان و حزب خودت را در فرمانبرداری از ایشان

---

۱. غرر الحكم: ۲۸۲۸.
۲. بحار الأنوار: ۵/۱۰۶/۲۳؛ كنز العمّال: ۳۱۷۲۸.
۳. مستدرك الوسائل: ۱۴۰۴۴/۲۵۶/۱۲.
۴. نهج البلاغة: الكتاب ۴۵.
۵. التوحيد: ۳/۱۶۶.

وولايَتِهم ونُصْرَتِهم ومُوالاتِهم.[1]

۸۱۴
حِزبُ الشَّيطانِ

الكتاب:

﴿اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾.[2]

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوّاً إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾.[3]

الحديث:

۳۸۴۲. **الإمامُ عليٌّ** عليه السلام: أيُّها النّاسُ، إنّما بَدْءُ وُقوعِ الفِتَنِ أهْواءٌ تُتَّبَعُ ... ولَو أنَّ الحَقَّ خَلَصَ لَم يَكُنِ اختِلافٌ، ولكنْ يُؤخَذُ مِن هٰذا ضِغْثٌ ومِن هٰذا ضِغْثٌ فيُمْزَجانِ فيَجيئانِ مَعاً، فهُنالِكَ اسْتَحْوَذَ الشَّيطانُ علىٰ أوْلِيائِه، ونَجا الَّذينَ سَبَقَتْ لَهُم مِنَ اللهِ الحُسْنىٰ.[4]

۳۸۴۳. **عنه** عليه السلام: ... ولكنَّني آسىٰ أنْ يَلِيَ أمرَ هٰذِهِ الأُمّةِ سُفَهاؤها وفُجّارُها، فيَتَّخِذوا مالَ اللهِ دُوَلاً، وعِبادَهُ خَوَلاً، والصّالِحينَ حَرْباً، والفاسِقينَ حِزْباً.[5]

---

۱. المزار الكبير: ۴۷۷.
۲. المجادلة: ۱۹.
۳. فاطر: ۶.
۴. الكافي: ۱/۵۴.
۵. نهج البلاغة: الكتاب ۶۲.

و یاری دادنشان و دوستیشان استوار گردان.

۸۱۴
حزب شیطان

قرآن:

«شیطان بر آنان چیره شده است و نام خدا را از یادشان برده است. ایشان حزب شیطانند. آگاه باشید که حزب شیطان زیانکارانند».

«همانا شیطان دشمن شماست، پس شما نیز او را دشمن دارید؛ جز این نیست که او حزب خود را فرا می‌خواند تا از دوزخیان باشند».

حدیث:

۳۸۴۲. **امام علی** عليه السلام: ای مردم! جز این نیست که فتنه‌ها، به سبب پیروی از خواهشهای نفسانی، آغاز می‌شود ... اگر حقّ خالص و یکدست بود اختلافی پیش نمی‌آمد. اما اندکی از حقّ و مشتی از باطل گرفته و درهم آمیخته می‌شوند. در این جاست که شیطان بر دوستداران خود چیره می‌شود اما آنان که نیکی (لطف) خداوند پیشاپیش شامل حالشان شده نجات یابند.

۳۸۴۳. **امام علی** عليه السلام: ... اما اندوه و تأسف من از این است که بیخردان و نابکاران، کار این امت را به دست گیرند و مال خدا را دست به دست گردانند و بندگان او را، به بندگی خود گیرند و با صالحان بستیزند و تبهکاران را دار و دستهٔ خود کنند.

۳۸۴۴ . عنه ﷺ ـ من خُطبةٍ لَـهُ حِـينَ بَـلغَهُ خَـبرُ النّاكِـثينَ بَـيْعَتَهُ ـ: أَلَا وإنَّ الشَّـيطانَ قَـد ذَمَّـرَ حِـزْبَهُ، واسْـتَجْلَبَ جَـلَبَهُ، لِـيَعودَ الجَـورُ إلىٰ أوْطـانِهِ، ويَـرجِـعَ البـاطِلُ إلىٰ نِـصابِهِ. واللهِ، مـا أنْكـروا عـلَـيَّ مُنْكَراً، ولا جَعلوا بَيني وبَينَهُم نَصَفاً.[1]

۳۸۴۴ . **امام علی** ﷺ ـ در قسمتی از خطبهٔ خویش، پس از شنیدن خبر ناکثین (بیعت شکنان در جنگ جمل) ـ فرمود: هان! شیطان حزب خود را برانگیخته و لشکر خویش را فرا خوانده است، تا ستم به جای خود بازآید و باطل به جایگاه نخستش بازگردد؛ به خدا سوگند، ناروایی نبود که به من نسبت ندهند و میان من و خودشان منصفی را به داوری نگماشتند.

۳۸۴۵ . عنه ﷺ: أَلَا وإنَّ الشَّيطانَ قد جَمعَ حِـزْبَهُ، واسْـتَجْلَبَ خَـيْلَهُ ورَجِـلَهُ، وإنَّ مَـعي لَبَصيرتي.[2]

۳۸۴۵ . **امام علی** ﷺ: هان! شیطان دار و دستهٔ خود را گردآورده و نیروهای سواره و پیادهٔ خود را از هر سو فرا خوانده است، اما من بصیرت خود را دارم.

۳۸۴۶ . عنه ﷺ ـ مِـن خُـطبةٍ لَـهُ يَـصِفُ فـيها المُنافِقينَ ـ: فَهُم لُـمَةُ الشَّـيطانِ، وحُـمَةُ النِّيرانِ، أُولَـئِكَ حِـزبُ الشَّـيطانِ، أَلَا إنَّ حِزبَ الشَّيطانِ هُمُ الخاسِرونَ.[3]

۳۸۴۶ . **امام علی** ﷺ ـ در قسمتی از خطبهٔ خویش در توصیف منافقان ـ فرمود: آنان گروه شیطان و شعلهٔ آتش جهنم هستند. آنان حزب شیطانند و بدانید که حزب شیطان بازنده و زیانکارند.

۳۸۴۷ . الإمامُ الحسينُ ﷺ ـ مِن خُطبةٍ لَه خَطبَ بها لمّا رأىٰ صُفوفَ أهـلِ الكـوفةِ بكَـربلاءَ كـاللّيلِ والسَّـيلِ ـ: فـنِعْمَ الرَّبُّ رَبُّـنا، وبِـئْسَ العِـبادُ أنْـتُم: أقْـرَرْتُم بـالطّاعَةِ، وآمَـنْتُم بـالرَّسولِ مـحمّدٍ ﷺ ثُـمَّ أنـتُم رَجَـعْتُم إلىٰ ذُرِّيَّـتِه وعِـتْرَتِهِ تُـريدونَ قَـتْلَهُم، لَـقدِ اسْـتَحْوَذَ عـلَيكُم الشَّـيطانُ

۳۸۴۷ . **امام حسین** ﷺ ـ در سخنانی در کربلا وقتی چشمش به سپاهیان کوفه افتاد که سیل‌آسا به سویش سرازیر شده بودند و از انبوهی، چون شب تار سیاه می‌نمودند ـ: فرمود: چه خوب پروردگاری است پروردگار ما و چه بد بندگانی هستید شما؛ به فرمانبری از خدا اعتراف کردید و به پیامبر، محمّد، ایمان آوردید و اینک کمر به قتل فرزندان و عترت او بسته‌اید. هر آینه شیطان بر شما

---

۱ . نهج البلاغة: الخطبة ۲۲. ۲ . نهج البلاغة: الخطبة ۱۰.
۳ . نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۴.

فأنساكُمْ ذِكْرَ اللهِ العَظيمِ.[1]

(انظر) الشيطان: باب ۱۹۹۵.

۸۱۵

كُلُّ حِزبٍ بِما لَدَيهِم فَرِحونَ

الكتاب:

﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾.[2]

(انظر) تفسير القمّيّ: ۲ / ۹۱ والدرّ المنثور: ۶ / ۱۰۳.

چيره شده و ياد خداى بزرگ را از ذهن شما برده است.

۸۱۵

هر حزبى به آنچه نزد آنهاست، شادمانند

قرآن:

«هر حزبى به آنچه نزد آنهاست شادمانند».

مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى

۱. المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۱۰۰.

۲. المؤمنون: ۵۳، الروم: ۳۲.



الحزم

دوراندیشی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزید الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۳۳۸/۷۱ باب ۸۳ «الحزم».

انظر:

القَدَر: باب ۳۲۲۸.

۸۱۶
الحَزمُ

۳۸۴۸ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحَزْمُ كِياسَةٌ.[۱]

۳۸۴۹ . عنه ﷺ: الحَزمُ صِناعَةٌ، ثَمَرَةُ الحَزمِ السَّلامَةُ، مَن لَم يُقَدِّمْهُ الحَزمُ أخَّرَهُ العَجْزُ.[۲]

۳۸۵۰ . عنه ﷺ: مَن أخَذَ بالحَزمِ اسْتَظْهَرَ، مَن أضاعَ الحَزمَ تَهوَّرَ.[۳]

۳۸۵۱ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: الحَزمُ مِشْكاةُ الظَّنِّ.[۴]

۳۸۵۲ . الإمامُ الهاديُّ ﷺ: أُذْكُرْ حَسَراتِ التَّفريطِ تَأْخُذْ بقَديمِ الحَزمِ.[۵]

۸۱۷
النَّظَرُ في عَواقِبِ الأُمورِ

۳۸۵۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن تَورَّطَ في الأُمورِ بِغَيرِ نَظَرٍ في العَواقِبِ فَقد تَعرَّضَ للنَّوائبِ.[۶]

---

۱ . بحار الأنوار: ۸/۳۳۹/۷۱.

۲ . غرر الحكم: ۱۱۷، ۴۵۹۰، ۸۲۰۸.

۳ . غرر الحكم: ۷۹۱۳، ۷۹۱۴.

۴ . تحف العقول: ۳۵۶. وفي الكافي: ۲۹/۲۷/۱: «الحزم مساءة الظنّ».

۵ . أعلام الدين: ۳۱۱. ۶ . تحف العقول: ۹۰.

۸۱۶
دور اندیشی

۳۸۴۸ . **امام علی** ﷺ: دور اندیشی، زیرکی است.

۳۸۴۹ . **امام علی** ﷺ: دور اندیشی یک هنر است، ثمرهٔ دور اندیشی سالم ماندن [از آسیبها] است، کسی که دور اندیشی او را پیش نبرد، ناتوانی او را عقب اندازد.

۳۸۵۰ . **امام علی** ﷺ: آن که دور اندیش باشد، احتیاط کند و آن که دور اندیشی را رها کند بی باک شود.

۳۸۵۱ . **امام صادق** ﷺ: دور اندیشی، چراغدان گمانه‌زنی است.

۳۸۵۲ . **امام هادی** ﷺ: افسوسهای ناشی از کوتاهی کردن را به یاد آر، دور اندیشی دیرین را فرا چنگ می‌داری.

۸۱۷
عاقبت اندیشی

۳۸۵۳ . **امام علی** ﷺ: هر کس بدون عاقبت اندیشی در کارها دست به کاری زند، خود را گرفتار سختیها و مصائب کند.

۳۸۵۴ . عنه ﷺ: مَن تَورَّطَ في الأُمورِ غَيرَ ناظِرٍ في العَواقِبِ فَقد تَعرَّضَ لمَدْرَجاتِ النَّوائبِ.[۱]

۳۸۵۴ . **امام علی** ﷺ: هر کس دست به کاری زند، بی آن که در عواقب آن بیندیشد، خود را در معرض انواع گرفتاریها اندازد.

۳۸۵۵ . عنه ﷺ: التَّدْبيرُ قَبلَ العَملِ يُؤْمِنُكَ مِن النَّدَمِ.[۲]

۳۸۵۵ . **امام علی** ﷺ: اندیشیدن پیش از کار، تو را از پشیمانی ایمن می‌دارد.

۳۸۵۶ . عنه ﷺ: مَن نَظَرَ في العَواقِبِ سَلِمَ مِن النَّوائبِ، مَن فَكَّرَ في العَواقبِ أمِنَ المَعاطِبَ.[۳]

۳۸۵۶ . **امام علی** ﷺ: هرکه در عواقب امور بنگرد، از گرفتاریها در سلامت ماند؛ هرکه در عواقب امور بیندیشد، از مهلکه‌ها در امان ماند.

۳۸۵۷ . عنه ﷺ: إذا لَوَّحْتَ الفِكْرَ في أفْعالِكَ، حَسُنَتْ عَواقِبُكَ في كُلِّ أمْرٍ.[۴]

۳۸۵۷ . **امام علی** ﷺ: هرگاه در کارهایت بیندیشی، در هرکاری، نیک فرجام شوی.

۳۸۵۸ . عنه ﷺ: رَوِّ قَبلَ الفِعْلِ، كَي لا تُعابَ بما تَفْعَلُ.[۵]

۳۸۵۸ . **امام علی** ﷺ: پیش از کار بیندیش، تا به سبب کاری که می‌کنی سرزنش نشوی.

۳۸۵۹ . عنه ﷺ: أعْقَلُ النّاسِ أنْظَرُهُم في العَواقِبِ.[۶]

۳۸۵۹ . **امام علی** ﷺ: خردمندترین مردم، عاقبت اندیش‌ترین آنهاست.

۳۸۶۰ . **بحار الأنوار**: فيما أوصىٰ بِهِ آدمُ ابنَه شِيثَ ﷺ: إذا عَزَمْتُم علىٰ أمرٍ فانظُروا إلىٰ عَواقِبِهِ، فإنّي لَو نَظَرْتُ في عاقِبَةِ أمْري لَم يُصِبْني ما أصابَني.[۷]

۳۸۶۰ . **بحار الأنوار**: در سفارشهای آدم ﷺ به فرزندش شیث ﷺ آمده است: هرگاه عزم کاری کردید در عاقبت آن بیندیشید؛ زیرا که من اگر در عاقبت کار خود می‌اندیشیدم، آنچه به سرم آمد، نمی‌آمد.

---

۱. کنز الفوائد: ۲۸۰/۱.
۲. عیون أخبار الرضا: ۲۰۴/۵۴/۲.
۳. غرر الحکم: ۸۰۳۹، ۸۵۴۰.
۴. مستدرک الوسائل: ۱۳۱۱۵/۳۰۸/۱۱.
۵. مستدرک الوسائل: ۱۳۱۱۵/۳۰۸/۱۱.
۶. غرر الحکم: ۳۳۶۷. ۷. بحار الأنوار: ۱۹/۴۵۲/۷۸.

۳۸۶۱ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: إنَّ رجُلاً أتىٰ رسولَ اللهِ ﷺ فقالَ: يارسولَ اللهِ، أوْصِني. فقالَ لَهُ: فهَل أنتَ مُستَوْصٍ إنْ أوْصَيْتُكَ؟ حتّىٰ قالَ ذلكَ ثَلاثاً. في كُلِّها يقولُ الرَّجُلُ: نَعَم يارسولَ اللهِ. فقالَ لَهُ رسولُ اللهِ ﷺ: فإنّي أُوصيكَ إذا أنتَ هَمَمْتَ بأمْرٍ فتَدبَّرْ عاقِبَتَهُ، فإنْ يَكُنْ رُشْداً فأمْضِهِ، وإنْ يَكُنْ غَيّاً فانْتَهِ عَنهُ.[1]

۳۸۶۱ . **امام صادق** ﷺ: مردی خدمت پیغمبر خدا ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! به من سفارشی کن؛ پیامبر فرمود: اگر به تو سفارشی کنم به آن عمل می‌کنی؟ پیامبر سه بار این سخن را فرمود و آن مرد هر سه بار جواب داد: آری، ای رسول خدا. پس رسول خدا ﷺ به او فرمود: به تو سفارش می‌کنم که هرگاه خواستی کاری کنی، در عاقبت آن بیندیش؛ اگر کار درستی بود، آن را انجام ده و اگر نادرست و گمراه کننده بود از آن خودداری کن.

۳۸۶۲ . **عنه** ﷺ: النَّظَرُ في العَواقِبِ تَلْقيحُ القُلوبِ.[2]

۳۸۶۲ . **امام صادق** ﷺ: عاقبت اندیشی بارور کنندهٔ دلهاست.

۳۸۶۳ . **الإمامُ الجوادُ** ﷺ: مَن لَم يَعْرِفِ المَوارِدَ أعْيَتْهُ المَصادِرُ.[3]

۳۸۶۳ . **امام جواد** ﷺ: هر کس نداند کاری را از کجا آغاز کند، از به سرانجام رساندن آن درماند.

۸۱۸
الحَزمُ وَالعَزمُ

۸۱۸
دور اندیشی و تصمیم گیری

۳۸۶۴ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: رَوِّ تَحْزِمْ، فإذا اسْتَوْضَحْتَ فاجْزِمْ.[4]

۳۸۶۴ . **امام علی** ﷺ: فکر کن، تا دور اندیش شوی و چون همهٔ جوانب کار برایت روشن شد، آن گاه تصمیم قطعی بگیر.

۳۸۶۵ . **عنه** ﷺ: اعْلَمْ أنَّ مِنَ الحَزمِ العَزْمَ.[5]

۳۸۶۵ . **امام علی** ﷺ: بدان که تصمیم و اراده از دور اندیشی است.

۳۸۶۶ . **عنه** ﷺ: الظَّفَرُ بالحَزْمِ والجِزْمِ.[6]

۳۸۶۶ . **امام علی** ﷺ: پیروزی، با دور اندیشی و ارادهٔ پایدار به دست می‌آید.

۳۸۶۷ . **عنه** ﷺ: مِنَ الحَزمِ صِحَّةُ العَزْمِ، مِنَ الحَزْمِ

۳۸۶۷ . **امام علی** ﷺ: تصمیم درست، از دور

---

۱ . قرب الإسناد: ۲۰۸/۶۵، الكافي: ۱۳۰/۱۵۰/۸.
۲ . الأمالي للطوسي: ۵۹۵/۳۰۱.
۳ . بحار الأنوار: ۱۳/۳۴۰/۷۱.
۴ . بحار الأنوار: ۱۵/۳۴۱/۷۱.
۵ . مطالب السؤول: ۵۶.
۶ . عوالي اللآلي: ۱۶۴/۲۹۲/۱.

قُوَّةُ العَزْمِ.[۱]

۳۸۶۸. عنه ﷺ: مَن قَلَّ حَزمُهُ ضَعُفَ عَزمُهُ.[۲]

۳۸۶۹. عنه ﷺ: مَن أظْهَرَ عَزْمَهُ بَطَلَ حَزْمُهُ.[۳]

۳۸۷۰. عنه ﷺ: لا خَيرَ في عَزمٍ بلا حَزمٍ.[۴]

۸۱۹
تَفسيرُ الحَزمِ

۳۸۷۱. الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحَزمُ حِفظُ ما كُلِّفْتَ، وتَرْكُ ما كُفِيتَ.[۵]

۳۸۷۲. عنه ﷺ: الحَزمُ حِفظُ التَّجرِبةِ.[۶]

۳۸۷۳. عنه ﷺ: الحَزمُ النَّظَرُ في العَواقِبِ، ومُشاوَرَةُ ذَوي العُقولِ.[۷]

۳۸۷۴. عنه ﷺ: إنَّما الحَزمُ طاعَةُ اللهِ ومَعْصيَةُ النَّفْسِ.[۸]

۳۸۷۵. عنه ﷺ: أصْلُ الحَزمِ الوُقوفُ عِندَ الشُّبْهَةِ.[۹]

۳۸۷۶. عنه ﷺ: الظَّفَرُ بالحَزمِ، والحَزمُ بإجالَةِ الرَّأيِ، والرَّأيُ بتَحْصينِ الأسْرارِ.[۱۰]

---

۱. غرر الحكم: ۹۳۹۹ ـ ۹۲۶۳.
۲. غرر الحكم: ۷۹۸۱. ۳. غرر الحكم: ۷۹۸۰.
۴. غرر الحكم: ۱۰۶۸۲. ۵. غرر الحكم: ۱۴۸۹.
۶. غرر الحكم: ۹۶۱. ۷. غرر الحكم: ۱۹۱۵.
۸. غرر الحكم: ۳۸۶۰. ۹. تحف العقول: ۲۱۴.
۱۰. نهج البلاغة: الحكمة ۴۸.

اندیشی است؛ تصمیم استوار، از دور اندیشی است.

۳۸۶۸. **امام علی** ﷺ: هر که دور اندیشی‌اش کم باشد، تصمیم و عزمش سست است.

۳۸۶۹. **امام علی** ﷺ: هر که تصمیم خود را آشکار سازد، دور اندیشی‌اش باطل و بی‌اثر گردد.

۳۸۷۰. **امام علی** ﷺ: در تصمیمی که با دور اندیشی همراه نباشد خیری نیست.

۸۱۹
تفسیر دور اندیشی

۳۸۷۱. **امام علی** ﷺ: دور اندیشی این است که به آنچه مکلّف شده‌ای مواظبت کنی و آنچه را از دوش تو برداشته شده است واگذاری.

۳۸۷۲. **امام علی** ﷺ: دور اندیشی، نگهداری تجربه است.

۳۸۷۳. **امام علی** ﷺ: دور اندیشی، عاقبت نگری است و رایزنی با خردمندان.

۳۸۷۴. **امام علی** ﷺ: دور اندیشی، فرمان بردن از خداست و نافرمانی کردن نفس.

۳۸۷۵. **امام علی** ﷺ: ریشهٔ دور اندیشی باز ایستادن در هنگام شبهه است.

۳۸۷۶. **امام علی** ﷺ: پیروزی با دور اندیشی به دست آید و دور اندیشی با به کار انداختن اندیشه و اندیشه با راز داری.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۳۸۷۷ . عنه ﷺ: إنَّ مِن الحَزمِ أنْ تَتَّقوا اللهَ، وإنَّ مِن العِصْمَةِ ألّا تَغْتَرّوا باللهِ.[۱]

۳۸۷۸ . الإمامُ الحسنُ ﷺ ـ لَمّا سألَهُ أبوهُ: ما الحَزمُ؟ ـ: أنْ تَنْتَظِرَ فُرْصَتَكَ، وتُعاجِلَ ما أمْكَنَكَ.[۲]

۳۸۷۹ . عنه ﷺ: الاحْتِراسُ مِن النّاسِ بسُوءِ الظَّنِّ هُو الحَزمُ.[۳]

۳۸۸۰ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: قيلَ لرسولِ اللهِ ﷺ: ما الحَزمُ؟ قالَ: مُشاوَرَةُ ذَوي الرَّأيِ واتِّباعُهُم.[۴]

۳۸۸۱ . الإمامُ العسكريُّ ﷺ: إنّ ... للحَزمِ مِقْداراً، فإنْ زادَ علَيهِ فهُو جُبْنٌ.[۵]

۸۲۰
الحازِمُ

۳۸۸۲ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحازِمُ مَن لَم يَشْغَلْهُ غُرورُ دُنْياهُ عنِ العَمَلِ لأُخْراهُ.[۶]

۳۸۸۳ . عنه ﷺ: الحازِمُ مَن تَخيَّرَ لخُلَّتِهِ؛ فإنَّ المَرْءَ يُوزَنُ بخَليلِهِ.[۷]

---

۱ . تحف العقول: ۱۵۰ . ۲ . معاني الأخبار: ۶۲/۴۰۱ .
۳ . بحار الأنوار: ۱۰/۱۱۵/۷۸ .
۴ . المحاسن: ۲۵۰۸/۴۳۵/۲ .
۵ . بحار الأنوار: ۳/۳۷۷/۷۸، وفي المصدر: «الجزم» .
۶ . غرر الحكم: ۱۹۸۴ . ۷ . غرر الحكم: ۲۰۲۶ .

۳۸۷۷ . **امام علی** ﷺ: از دور انـدیشی است کـه از خـدا تـقوی داشـته بـاشید و از جـمله مصونیت از گناه آن است که به خـدا غـرّه نشوید.

۳۸۷۸ . **امام حسن** ﷺ ـ در پاسخ به پدر بزرگوارش که پرسید: دور اندیشی چیست؟ ـ فرمود: این که منتظر رسیدن فرصت خود باشی و چون فرصت دست داد، بشتابی.

۳۸۷۹ . **امام حسن** ﷺ: با بـدبینی خـود را از مـردم حفظ کردن، همان دور اندیشی و احتیاط است.

۳۸۸۰ . **امام باقر** ﷺ: به پیامبر خدا ﷺ عرض شد: دوراندیشی چـیست؟ فـرمود: مشـورت کردن با صاحب‌نظران و پـیروی کـردن از نظر آنها.

۳۸۸۱ . **امام عسکری** ﷺ: هـمانا ... دور انـدیشی و احتیاط اندازه‌ای دارد که اگر از آن فراتر رود، بزدلی است.

۸۲۰
دور اندیش

۳۸۸۲ . **امام علی** ﷺ: دور انـدیش کسـی است کـه فریبندگی دنیا او را از کار برای آخرتش باز ندارد.

۳۸۸۳ . **امام علی** ﷺ: دور انـدیش کسـی است کـه دوست خـوب بـرگزیند؛ زیـرا آدمـی بـه دوست خود سنجیده می‌شود.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۳۸۸۴ . عنه ﷺ: الحازِمُ لا يَسْتَبِدُّ بِرَأيِهِ.[۱]

۳۸۸۵ . عنه ﷺ: الحازِمُ مَن حَنَّكَتْهُ التَّجارِبُ، وهَذَّبَتْهُ النَّوائبُ.[۲]

۳۸۸۶ . عنه ﷺ: إنَّ الحازِمَ مَن شَغَلَ نَفْسَه بِجِهادِ نَفْسِهِ فأصْلَحَها، وحَبَسها عَن أهْوِيَتِها ولَذّاتِها فمَلَكَها.[۳]

۳۸۸۷ . عنه ﷺ: إنَّما الحازِمُ مَنْ كانَ بِنَفْسِهِ كُلَّ شُغْلِهِ، ولِدِينِهِ كُلَّ هَمِّهِ، ولآخِرَتِهِ كُلَّ جِدِّهِ.[۴]

۳۸۸۸ . عنه ﷺ: لِلحازِمِ في كُلِّ فِعلٍ فَضْلٌ.[۵]

۳۸۸۹ . عنه ﷺ: لِلحازِمِ مِن عَقلِهِ عَن كُلِّ دَنِيَّةٍ زاجِرٌ.[۶]

۳۸۹۰ . عنه ﷺ: لا يَصبِرُ عَلَى الحَقِّ إلّا الحازِمُ الأريبُ.[۷]

۳۸۹۱ . عنه ﷺ: لا يَدْهَشُ عِندَ البَلاءِ الحازِمُ.[۸]

۳۸۹۲ . عنه ﷺ: الحازِمُ مَن كَفَّ أذاهُ.[۹]

۳۸۹۳ . عنه ﷺ: الحازِمُ مَنِ اطَّرَحَ المُؤَنَ والكُلَفَ.[۱۰]

---

۱ . بحار الأنوار: ۷۰/۱۳/۷۸، وفي المصدر: «الجازم».
۲ . غرر الحكم: ۲۰۲۸.
۳ . غرر الحكم: ۳۵۶۸.
۴ . غرر الحكم: ۳۸۹۷.
۵ . غرر الحكم: ۷۳۳۵.
۶ . غرر الحكم: ۷۳۵۰.
۷ . غرر الحكم: ۱۰۶۱۰.
۸ . غرر الحكم: ۱۰۶۹۶.
۹ . غرر الحكم: ۱۲۶۳.
۱۰ . غرر الحكم: ۱۳۹۲.

۳۸۸۴ . **امام علی** ﷺ: دور انـدیش، خـود رأی نیست.

۳۸۸۵ . **امام علی** ﷺ: دور انـدیش کسی است کـه تجربه‌ها او را آبدیده و دشواریهای زمـانه وی را وارسته کرده باشد.

۳۸۸۶ . **امام علی** ﷺ: دور انـدیش کسی است کـه خود را به جهاد با نفسش مشغول دارد و آن را اصلاح گرداند و نفس را از خواهشـها و لذّتهایش باز بدارد و زمام آن را در اختیار گیرد.

۳۸۸۷ . **امام علی** ﷺ: دور انـدیش کسی است کـه همواره سرگرم جهاد با نفس خویش باشد و همهٔ همّتش صرف دینش شـود و هـمهٔ تلاشش برای آخرتش باشد.

۳۸۸۸ . **امام علی** ﷺ: برای دور اندیش در هر کـار فضیلت و افتخاری است.

۳۸۸۹ . **امام علی** ﷺ: خـرد دور انـدیش او را از هرگونه پستی باز می‌دارد.

۳۸۹۰ . **امام علی** ﷺ: در راه حقّ، کسی جـز دور اندیشِ خردمند، پایداری نورزد.

۳۸۹۱ . **امام علی** ﷺ: دور انـدیش، در گـرفتاریها سرگردان نمی‌شود.

۳۸۹۲ . **امام علی** ﷺ: دور انـدیش کسی است کـه آزار نرساند.

۳۸۹۳ . **امام علی** ﷺ: دور انـدیش کسی است کـه بارهای گران و رنج‌آور را از خود دور کند.

۳۸۹۴ . عنه ﷺ: الحازِمُ مَن دارىٰ زَمانَهُ.[۱]

۳۸۹۵ . عنه ﷺ: الحازِمُ مَن تَرَكَ الدُّنيا للآخِرَةِ.[۲]

۳۸۹۶ . عنه ﷺ: الحازِمُ مَن تَجَنَّبَ التَّبذيرَ وعافَ السَّرَفَ.[۳]

۳۸۹۷ . عنه ﷺ: الحازِمُ مَن لا يَشْغَلُهُ النِّعْمَةُ عَنِ العَمَلِ للعاقِبَةِ.[۴]

۳۸۹۸ . عنه ﷺ: الحازِمُ مَن شَكَرَ النِّعْمَةَ مُقْبِلَةً، وصَبَرَ عَنها وسَلاها مُوَلِّيَةً مُدْبِرَةً.[۵]

۳۸۹۹ . عنه ﷺ: الحازِمُ مَن يُؤَخِّرُ العُقوبَةَ في سُلطانِ الغَضَبِ، ويُعَجِّلُ مُكافَأَةَ الإحْسانِ اغْتِناماً لفُرْصَةِ الإمْكانِ.[۶]

۳۹۰۰ . عنه ﷺ: الحازِمُ مَن جادَ بما في يَدِهِ، ولَم يُؤَخِّرْ عَمَلَ يَومِهِ إلىٰ غَدِهِ.[۷]

۸۲۱
أحزَمُ النّاسِ

۳۹۰۱ . رسولُ اللهِ ﷺ: أحْزَمُ النّاسِ أكْظَمُهُمْ للغَيْظِ.[۸]

۳۹۰۲ . عنه ﷺ: إنَّ أكْيَسَكُم أكْثَرُكُم ذِكْراً للمَوتِ،

۳۸۹۴ . **امام علی** ﷺ: دور اندیش کسی است که با روزگار خود مدارا کند.

۳۸۹۵ . **امام علی** ﷺ: دور اندیش کسی است که دنیا را از بهر آخرت رها کند.

۳۸۹۶ . **امام علی** ﷺ: دور اندیش کسی است که از اسراف و تبذیر دوری کند.

۳۸۹۷ . **امام علی** ﷺ: دور اندیش کسی است که برخورداری از نعمت و ثروت او را از کار برای آخرت باز ندارد.

۳۸۹۸ . **امام علی** ﷺ: دور اندیش کسی است که چون نعمتی به او رو کند، شکرش را به جای آورد و هرگاه نعمتی از او روی گرداند و بازگردد، شکیبایی ورزد و در فکر و خیال آن نباشد.

۳۸۹۹ . **امام علی** ﷺ: دور اندیش کسی است که هنگام بر افروخته شدن آتش خشم، کیفر دادن را به تأخیر اندازد و به محض دست دادن فرصت ممکن، برای جبران کردن احسان بشتابد.

۳۹۰۰ . **امام علی** ﷺ: دور اندیش کسی است که آنچه در دست دارد ببخشد و کار امروزش را به فردا نیفکند.

۸۲۱
دور اندیش‌ترین مردم

۳۹۰۱ . **پیامبر خدا** ﷺ: دور اندیش ترین مردم کسی است که بیش از هرکس بر خشم خویش چیره آید.

۳۹۰۲ . **پیامبر خدا** ﷺ: زیرکترین شما کسی است

---

۱ . غرر الحكم: ۱۵۹۲.
۲ . غرر الحكم: ۱۴۸۷.
۳ . غرر الحكم: ۱۵۰۶.
۴ . غرر الحكم: ۱۸۷۸.
۵ . غرر الحكم: ۲۱۱۴.
۶ . غرر الحكم: ۲۱۷۹.
۷ . غرر الحكم: ۱۹۲۱.
۸ . الأمالي للصدوق: ۴۱/۷۳.

وإنَّ أحْزَمَكُم أحْسَنُكُمُ اسْتِعْداداً لَهُ.[۱]

۳۹۰۳. **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: أحْزَمُكُم أزْهَدُكُم.[۲]

۳۹۰۴. **عنه ﷺ**: أحْزَمُ النّاسِ مَنِ اسْتَهانَ بأمرِ دُنياهُ.[۳]

۳۹۰۵. **عنه ﷺ**: أحْزَمُ النّاسِ مَن تَوهَّمَ العَجْزَ لفَرْطِ اسْتِظْهارِهِ.[۴]

۳۹۰۶. **عنه ﷺ**: أحْزَمُ النّاسِ مَن كانَ الصَّبرُ والنَّظَرُ في العواقِبِ شِعارَهُ ودِثارَهُ.[۵]

۳۹۰۷. **عنه ﷺ**: أحْزَمُ النّاسِ رَأياً مَن أنْجَزَ وَعْدَهُ، ولَم يُؤَخِّرْ عَملَ يَومِهِ لغَدِهِ.[۶]

۳۹۰۸. **عنه ﷺ**: كَمالُ الحَزمِ اسْتِصْلاحُ الأضْدادِ ومُداجاةُ الأعْداءِ.[۷]

۳۹۰۹. **عنه ﷺ**: غايَةُ الحَزمِ الاسْتِظْهارُ.[۸]

۳۹۱۰. **عنه ﷺ**: أفْضَلُ الحَزمِ الاسْتِظْهارُ.[۹]

۳۹۱۱. **عنه ﷺ**: مِن أفْضَلِ الحَزمِ الصَّبرُ علىٰ النَّوائبِ.[۱۰]

---

۱. أعلام الدين: ۳۳۳.
۲. غرر الحكم: ۲۸۳۲.
۳. غرر الحكم: ۳۰۹۲.
۴. غرر الحكم: ۳۲۷۴.
۵. غرر الحكم: ۳۲۷۵.
۶. غرر الحكم: ۳۳۴۱.
۷. غرر الحكم: ۷۲۳۲.
۸. غرر الحكم: ۶۳۶۲.
۹. غرر الحكم: ۳۲۷۳.
۱۰. غرر الحكم: ۹۳۱۴.

که بیشتر از دیگران به یاد مرگ باشد، ودور اندیش‌ترین شما آماده‌ترینتان برای آن است.

۳۹۰۳. **امام علی ﷺ**: دور اندیش ترین شما، زاهدترین شماست.

۳۹۰۴. **امام علی ﷺ**: دور اندیش ترین مردم کسی است که کار دنیای خود را به چیزی نگیرد.

۳۹۰۵. **امام علی ﷺ**: دور اندیش ترین مردم کسی است که از کثرت یارگیری، خود را ناتوان پندارد.

۳۹۰۶. **امام علی ﷺ**: دور اندیش ترین مردمان کسی است که شکیبایی و عاقبت اندیشی، جامهٔ زیرین و زبرین او باشد.

۳۹۰۷. **امام علی ﷺ**: دور اندیش ترین مردم کسی است که به وعدهٔ خود عمل کند و کار امروزش را به فردا نیفکند.

۳۹۰۸. **امام علی ﷺ**: صلح جویی با مخالفان و مدارا با دشمنان، کمال دور اندیشی است.

۳۹۰۹. **امام علی ﷺ**: یار گرفتن، نهایت دوراندیشی است.

۳۹۱۰. **امام علی ﷺ**: یار گرفتن، برترین دوراندیشی است.

۳۹۱۱. **امام علی ﷺ**: شکیبایی در برابر دشواریها از برترین دور اندیشیهاست.

۸۲۲

النَّوادِرُ

۳۹۱۲. **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: الطُّمَأنينَةُ قَبلَ الخُبْرَةِ خِلافُ الحَزمِ.[۱]

۳۹۱۳. **عنه ﷺ**: آفَةُ الحَزمِ فَوتُ الأمرِ.[۲]

۳۹۱۴. **عنه ﷺ**: بإصابَةِ الرَّأيِ يَقْوىٰ الحَزمُ.[۳]

۳۹۱۵. **عنه ﷺ**: مَن يُجَرِّبْ يَزْدَدْ حَزماً.[۴]

۳۹۱۶. **عنه ﷺ**: طاعَةُ دَواعي الشُّرورِ تُفْسِدُ عَواقِبَ الأُمورِ.[۵]

۳۹۱۷. **الإمامُ الرِّضا ﷺ**: مَنِ اسْتَحْزَمَ ولَم يَحْذَرْ فقدِ اسْتَهْزأ بنَفسِهِ.[۶]

۸۲۲

گوناگون

۳۹۱۲. **امام علی ﷺ**: اعتماد کردن پیش از آزمودن، خلاف دور اندیشی است.

۳۹۱۳. **امام علی ﷺ**: آفت دور اندیشی، از دست دادن کار [و فرصت] است.

۳۹۱۴. **امام علی ﷺ**: با درست اندیشی دور اندیشی قوّت می‌گیرد.

۳۹۱۵. **امام علی ﷺ**: آن که تجربه کند، دور اندیش‌تر شود.

۳۹۱۶. **امام علی ﷺ**: پیروی از انگیزه‌های زشتکاری فرجام کارها را تباه می‌کند.

۳۹۱۷. **امام رضا ﷺ**: کسی که بخواهد دور اندیشی کند، اما محتاط و برحذر نباشد خود را مسخره کرده است.

---

۱. غرر الحکم: ۱۵۱۴.
۲. غرر الحکم: ۳۹۶۱.
۳. غرر الحکم: ۴۲۹۰.
۴. غرر الحکم: ۷۹۸۶.
۵. غرر الحکم: ۶۰۰۱.
۶. بحار الأنوار: ۱۱/۳۵۶/۷۸.

۱۱۲

الحزن

اندوه

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

الذنب :باب ۱۳۹۱ ،عنوان ۲۳۰ «السرور» .

۸۲۳
الحُزنُ

۳۹۱۸ . **عیسی** ﷺ: مَن كَثُرَ هَمّهُ سَقُمَ بَدَنُه.[۱]

۳۹۱۹ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: الهَمُّ نِصفُ الهَرَمِ.[۲]

۳۹۲۰ . **عنه** ﷺ: الهمُّ يُذيبُ الجَسَدَ.[۳]

۳۹۲۱ . **عنه** ﷺ: الهمُّ أحدُ الهَرَمَينِ.[۴]

۳۹۲۲ . **عنه** ﷺ: الهمُّ يُنحِلُ البَدنَ.[۵]

۳۹۲۳ . **عنه** ﷺ: الحُزنُ يَهْدِمُ الجَسَدَ.[۶]

۳۹۲۴ . **عنه** ﷺ: الغَمُّ مَرَضُ النَّفْسِ.[۷]

۳۹۲۵ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: الأحْزانُ أسْقامُ القُلوبِ، كما أنَّ الأمْراضَ أسْقامُ الأبْدانِ.[۸]

۸۲۴
ما يورِثُ الحُزنَ

۳۹۲۶ . **رسولُ اللهِ** ﷺ: مَن نَظَرَ إلىٰ ما في أيْدي النّاسِ طالَ حُزنُهُ، ودامَ أسَفُهُ.[۹]

---

۱ . الأمالي للصدوق: ۸۵۳/۶۳۶.
۲ . تحف العقول: ۲۱۴. ۳ . غرر الحكم: ۱۰۳۹.
۴ . غرر الحكم: ۱۶۳۲. ۵ . غرر الحكم: ۳۶۷.
۶ . غرر الحكم: ۶۰۹. ۷ . غرر الحكم: ۳۷۴.
۸ . الدعوات: ۲۷۶/۱۱۸. ۹ . أعلام الدين: ۲۹۴.

۸۲۳
اندوه

۳۹۱۸ . **مسیح** ﷺ: آن که اندوه بسیار خورد، تنی بیمار داشته باشد.

۳۹۱۹ . **امام علی** ﷺ: اندوه، نیمی‌از پیری‌است.

۳۹۲۰ . **امام علی** ﷺ: غصّه و اندوه، بدن را آب می‌کند.

۳۹۲۱ . **امام علی** ﷺ: اندوه، یکی از دو [عامل] پیری است.

۳۹۲۲ . **امام علی** ﷺ: غصّه و اندوه، بدن را نحیف و رنجور می‌سازد.

۳۹۲۳ . **امام علی** ﷺ: اندوه، بدن را متلاشی می‌کند.

۳۹۲۴ . **امام علی** ﷺ: اندوه، بیماری روان است.

۳۹۲۵ . **امام صادق** ﷺ: اندوهها، ناخوشی‌های دلند؛ همچنان که بیماریها ناخوشیهای تن.

۸۲۴
عوامل اندوه‌زا

۳۹۲۶ . **پیامبر خدا** ﷺ: هر که چشمش به دست مردم باشد، اندوهش دراز و افسوسش پایدار شود.

۳۹۲۷ . عنه ﷺ: رُبَّ شَهْوةِ ساعةٍ تُورِثُ حُزناً طويلاً.[۱]

۳۹۲۸ . عنه ﷺ: أنا زَعيمٌ بثَلاثٍ لِمَن أكَبَّ على الدُّنيا: بفَقرٍ لا غَناءَ لَهُ، وبشُغْلٍ لا فَراغَ لَهُ، وبهَمٍّ وحُزنٍ لا انْقِطاعَ لَهُ.[۲]

۳۹۲۹ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن غَضِبَ على مَن لا يقدِرُ أنْ يَضُرَّهُ، طالَ حُزْنُهُ وعَذَّبَ نَفْسَهُ.[۳]

۳۹۳۰ . عنه ﷺ: ما رأيتُ ظالِماً أشْبَهَ بمظلومٍ من الحاسِدِ؟ نَفَسٌ دائمٌ، وقَلبٌ هائمٌ، وحُزنٌ لازِمٌ.[۴]

۳۹۳۱ . عنه ﷺ: مَن قَصَّر في العملِ ابْتُلي بالهَمِّ.[۵]

۳۹۳۲ . عنه ﷺ: إيّاكَ والجَزَعَ؛ فإنَّهُ يَقْطَعُ الأمَلَ، ويُضعِفُ العَمَلَ، ويُورِثُ الهَمَّ.[۶]

۳۹۳۳ . عنه ﷺ: مَنِ اسْتَشْعَرَ شَعَفَها[۷] مَلأتْ قَلبَهُ أشْجاناً، لَهُنَّ رَقْصٌ على سُوَيْداءِ قَلبِهِ كرَقيصِ الزُّبدَةِ على أغْراضِ المَدْرَجَةِ،

۳۹۲۷ . **پیامبر خدا ﷺ**: بسا لذتی که دمی بپاید اما اندوهی دراز بر جای گذارد.

۳۹۲۸ . **پیامبر خدا ﷺ**: کسی که به دنیا بچسبد، من سه چیز را برای او قطعی می‌دانم: فقری که هیچ‌گاه به بی‌نیازی نینجامد، مشغولیتی که هرگز از آن خلاصی ندارد و غم و اندوهی که برایش پایانی نیست.

۳۹۲۹ . **امام علی ﷺ**: هر که بر کسی خشم گیرد که توان آسیب رساندن به او را ندارد، اندوهش دراز گردد و خود را عذاب دهد.

۳۹۳۰ . **امام علی ﷺ**: ستمگری ندیدم که به ستمدیده مانندتر باشد مگر حسود؟ او جانی خسته دارد و دلی سرگشته و اندوهی پیوسته.

۳۹۳۱ . **امام علی ﷺ**: هر که در عمل کوتاهی کند، به اندوه گرفتار آید.

۳۹۳۲ . **امام علی ﷺ**: از بیتابی کردن بپرهیز؛ که آن امید را قطع می‌کند و عمل را ضعیف می‌گرداند و اندوه می‌آورد.

۳۹۳۳ . **امام علی ﷺ**: آن که جامهٔ شیفتگی به دنیا را بر تن کند، دلش پر از غمهایی شود که بر میانهٔ دلش برقصند، همچون رقصیدن کف و خاشاک سیلاب، هنگام گذر از پیچ و خم

---

۱ . الأمالي للطوسي: ۱۱۶۲/۵۲۳.
۲ . بحار الأنوار: ۴۳/۸۱/۷۳. ۳ . تحف العقول: ۹۹.
۴ . بحار الأنوار: ۲۹/۲۵۶/۷۳.
۵ . نهج البلاغة: الحكمة ۱۲۷.
۶ . دعائم الإسلام: ۲۲۳/۱.
۷ . الضمير يرجع إلى الدنيا، والشعف محرّكة: الولوع وغلبة الحبّ، وفي بعض نسخ الحديث والنهج: «ومن استشعر الشغف بها».

هَمٌّ يُحزِنُهُ[1] وهَمٌّ يَشغَلُهُ، كذلكَ حتّىٰ يُؤخَذَ بكَظْمِهِ.[2]

درّه‌ها. خواهشی [دنیوی] اندوهگینش می‌کند و خواهشی دیگر سرگرمش می‌سازد و چنین است تا سر انجام راه نَفَسش می‌گیرد [و می‌میرد].

٣٩٣٤ . الإمامُ الباقرُ عليه السلام: دَخَلَ محمّدُ بنُ مسلمِ بنِ شِهابٍ الزُّهريُّ علىٰ عليِّ بنِ الحسينِ عليه السلام وهُو كئيبٌ حَزينٌ، فقالَ لَهُ زينُ العابدينَ عليه السلام: مابالُكَ مَغموماً ؟ قالَ: غُمومٌ وهُمومٌ تَتَوالىٰ عليَّ؛ لِما امتُحِنْتُ بهِ مِن جِهَةِ حُسّادِ نِعمَتي، والطّامِعينَ فِيَّ، ومِمَّنْ أرْجوهُ ومِمَّنْ أحْسَنْتُ إلَيهِ فيُخْلِفُ ظَنّي، فقالَ لَهُ عليُّ بنُ الحسينِ عليه السلام: احْفَظْ عليكَ لِسانَكَ تَمْلِكْ بهِ إخْوانَكَ.[3]

٣٩٣٤ . امام باقر عليه السلام: محمّد بن مسلم بن شهاب زهری، با حالی افسرده و غمگین خدمت علی بن الحسین عليه السلام آمد. امام زین العابدین عليه السلام به او فرمود: چرا غمگینی؟ عرض کرد: غمها و اندوهها، پیاپی بر من وارد می‌شوند؛ زیرا از آنان که به نعمتهای من حسادت می‌ورزند و چشم طمع به مال من دوخته‌اند و کسانی که به آنان امید دارم و نومیدم می‌سازند و کسانی که به آنان خوبی می‌کنم و با من بدی می‌کنند، رنج می‌برم. علی بن الحسین عليه السلام به او فرمود: زبانت را نگه دار، تا برادرانت را از دست ندهی.

٣٩٣٥ . الإمامُ الصّادقُ عليه السلام: الرَّغبَةُ في الدُّنيا تُورِثُ الغَمَّ والحُزنَ، والزُّهدُ في الدُّنيا راحةُ القَلبِ والبَدَنِ.[4]

٣٩٣٥ . امام صادق عليه السلام: دنیا خواهی، غم و اندوه می‌آورد و پشت کردن به دنیا مایهٔ آسایش جان و تن است.

٣٩٣٦ . عنه عليه السلام: لَمّا نَزلَتْ هذهِ الآيةُ: ﴿لا تَمُدَّنَّ عَينَيكَ إلىٰ مَا مَتَّعنا بِهِ أزْواجاً مِنْهُمْ ولا تَحزَنْ عَلَيهِمْ واخْفِضْ جَناحَكَ للمُؤمِنينَ﴾[5] قالَ رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: مَن لَم يَتَعزَّ بعَزاءِ اللهِ تَقَطَّعتْ نَفسُهُ علىٰ الدُّنيا حَسَراتٍ، ومَن رمىٰ ببَصَرِهِ إلىٰ ما في يَدِ غَيرِهِ كَثُرَ هَمُّهُ ولَم

٣٩٣٦ . امام صادق عليه السلام: وقتی این آیه نازل شد: «اگر بعضی از مردان و زنانشان را به چیزی بهره‌ور ساخته‌ایم، تو بدان چشم مدوز و غم آن را مخور و در برابر مؤمنان فروتن باش» پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که به دلداری دادن خدا آرام نگیرد جانش بر دنیا حسرتها خورد و هرکه چشمش به داراییهای دیگران باشد، اندوهش بسیار

---

١ . في بعض النسخ: «... همّ بعمره وهمّ بسفره ...».
٢ . تحف العقول: ٢٢١. ٣ . الاحتجاج: ١٩١/١٥٧/٢.
٤ . تحف العقول: ٣٥٨. ٥ . الحِجر: ٨٨.

يَشْفِ غَيْظَهُ.[1]

(انظر) الأمثال: باب ۳۵۸۲.

الدنيا: باب ۱۲۳۱.

۸۲۵
عِلاجُ الحُزنِ

۱ ـ ولاية الله

الكتاب:

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللهِ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾.[2]

۲ ـ حسن اليقين

۳۹۳۷. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: اطْرَحْ عَنكَ وارِداتِ الهُمُومِ (الأُمورِ)، بعَزائمِ الصَّبرِ وحُسنِ اليَقينِ.[3]

۳۹۳۸. **عنه** ﷺ: نِعْمَ طارِدُ الهُمومِ اليَقينُ.[4]

۳ ـ الاتّكال على القدر

۳۹۳۹. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: نِعْمَ الطّارِدُ للهَمِّ الاتِّكالُ علىٰ القَدَرِ.[5]

۳۹۴۰. **الإمامُ الحسينُ** ﷺ: وُجِدَ لَوحٌ تَحتَ حائطِ مَدينةٍ مِن المَدائنِ، فيه مَكتوبٌ: أنا اللهُ لا إلهَ إلّا أنا، ومحمّدٌ نَبِيّي، وعَجِبْتُ لِمَنْ

---

۱. بحار الأنوار: ۱۱/۱۱۶/۷۷.
۲. يونس: ۶۲.
۳. نهج البلاغة: الكتاب ۳۱.
۴. بحار الأنوار: ۱/۲۱۱/۷۷.
۵. غرر الحكم: ۹۹۲۱.

شود و ناراحتيش بهبود نيابد.

۸۲۵
درمان اندوه

۱ ـ دوستی خدا

قرآن:

«بدانيد كه دوستان خدا را هراسی نيست و اندوهگين نمی‌شوند».

۲ ـ يقين نيكو

۳۹۳۷. **امام علی** ﷺ: اندوههای [دل] خويش را با صبر استوار و يقينِ نيكو بزدای.

۳۹۳۸. **امام علی** ﷺ: چه نيكو غم زدايی است، يقين.

۳ ـ تكيه بر تقدير

۳۹۳۹. **امام علی** ﷺ: خوب غم زدايندهای است توكل كردن بر تقدير [الهی].

۳۹۴۰. **امام حسين** ﷺ: زير ديوار يكی از شهرها، لوحی پيدا شد كه در آن نوشته بود: من خدا هستم و جز من، خدايی نيست و محمّد پيامبر من است. در شگفتم از كسی كه به

أيْقَنَ بالمَوتِ كيفَ يَفْرَحُ ؟! وعَجِبْتُ لِمَن أيْقَنَ بالقَدَرِ كيفَ يَحْزَنُ ؟![1]

مرگ یقین دارد، چگونه شادی می‌کند؟! و در شگفتم از کسی که به تقدیر یقین دارد، چگونه غم می‌خورد؟!

۳۹۳۱ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنْ كانَ كُلُّ شيءٍ بقَضاءٍ وقَدَرٍ، فالحُزْنُ لِماذا ؟![2]

۳۹۳۱ . امام صادق ﷺ: اگر همه چیز به قضا و قدر است پس اندوه خوردن چرا ؟!

۴ ـ الرضا بالقضاء

۴ ـ خشنودی به قضاء الهی

۳۹۳۲ . رسولُ اللهِ ﷺ: إنّ اللهَ ـ بحُكْمِهِ وفَضْلِه ـ جَعلَ الرَّوحَ والفَرحَ في اليقينِ والرِّضا، وجَعلَ الهَمَّ والحُزنَ في الشَّكِّ والسُّخْطِ.[3]

۳۹۳۲ . پیامبر خدا ﷺ: خداوند ـ از روی حکمت و لطف خویش ـ آسایش و شادمانی را در یقین و خرسندی قرار داد و غم و اندوه را در شک و ناخرسندی [از خدا].

۳۹۳۳ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مَن أصْبَحَ علىٰ الدُّنيا حَزيناً أصْبَحَ علىٰ اللهِ ساخِطاً.[4]

۳۹۳۳ . امام صادق ﷺ: هر که برای دنیا غمگین شود، از پروردگار خویش ناخشنود است.

۳۹۳۴ . عنه ﷺ: إنَّ اللهَ ـ بعَدْلِه وحِكْمَتِهِ وعِلْمِهِ ـ جَعلَ الرَّوحَ والفَرحَ في اليَقينِ والرِّضا عنِ اللهِ، وجَعلَ الهَمَّ والحُزْنَ في الشَّكِّ والسُّخْطِ، فارْضوا عنِ اللهِ وسَلِّموا لأمْرِهِ.[5]

۳۹۳۴ . امام صادق ﷺ: خداوند ـ از روی عدالت و حکمت و علم خود ـ آسایش و شادمانی را در یقین و رضایت از خدا قرار داد و غم و اندوه را در شکّ و نارضایتی [از او]؛ پس، از خدا راضی باشید و در برابر فرمان او گردن نهید.

۳۹۳۵ . الإمامُ الكاظمُ ﷺ: مَنِ اغْتَمَّ كانَ للغَمِّ أهْلاً، فَيَنبغي للمؤمنِ أنْ يكونَ باللهِ وبما صَنعَ راضِياً.[6]

۳۹۳۵ . امام کاظم ﷺ: آن که غم خورد، شایستهٔ غم و اندوه است؛ پس مؤمن باید به خدا و آنچه او می‌کند، خرسند باشد.

---

۱ . عيون أخبار الرضا: ۱۵۸/۴۴/۲ .
۲ . الأمالي للصدوق: ۱۲/۵۶ . ۳ . تحف العقول: ۶ .
۴ . الاختصاص: ۲۲۶ . ۵ . التمحيص: ۱۲۴/۵۹ .
۶ . التمحيص: ۱۲۲/۵۹ .

۵ـ معرفة الدنيا والتدبير في مواجهتها

الكتاب:

﴿لِكَيْلا تَأْسَوْا عَلَىٰ ما فاتَكُمْ وَلا تَفْرَحُوا بِما آتاكُمْ وَاللهُ لا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتالٍ فَخُورٍ﴾.[1]

الحديث:

۳۹۳۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: أيُّها النّاسُ، هٰذهِ دارُ تَرَحٍ لا دارُ فَرَحٍ، ودارُ الْبَلاءِ لا دارُ اسْتِواءٍ، فمَن عَرَفها لَم يَفْرَحْ لِرَجاءٍ، ولَم يَحْزَنْ لِشَقاءٍ.[2]

۳۹۳۷ . عنه ﷺ: الدُّنيا دُوَلٌ، فما كانَ لَكَ مِنها أتاكَ علىٰ ضَعْفِكَ، وما كانَ عَلَيكَ لَم تَدْفَعْهُ بِقُوَّتِكَ، ومَنِ انْقَطَعَ رَجاؤهُ مِمّا فاتَ اسْتَراحَ بَدَنُهُ، ومَن رَضِيَ بِما رَزَقَهُ اللهُ قَرَّتْ عَيْنُهُ.[3]

۳۹۳۸ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الشَّيْءُ شَيْئانِ: شَيءٌ قَصُرَ عَنّي لَم أُرزَقْهُ فيما مَضىٰ ولا أرْجوهُ فيما بَقِيَ، وشَيءٌ لا أنالُهُ دُونَ وَقْتِهِ ولَوِ اسْتَعَنْتُ علَيهِ بِقُوَّةِ أهلِ السَّماواتِ والأرضِ، فما أعْجَبَ أمرَ هذا الإنسانِ: يَسُرُّهُ دَرْكُ ما لَم يَكُن لِيَفوتَهُ، ويَسوؤهُ فَوتُ ما لَم يَكُنْ لِيُدْرِكَهُ. ولَو أنَّهُ فَكَّرَ لأبْصَرَ، ولَعَلِمَ أنَّهُ

۱ . الحديد: ۲۳. ۲ . أعلام الدين: ۳۴۳.
۳ . الأمالي للطوسي: ۳۹۳/۲۲۵.

۵ـ شناخت دنیا و تدبیر هنگام روبرو شدن با آن

قرآن:

«تا بر آنچه از دست داده‌اید اندوه مخورید و برای آنچه به شما داده است شاد مشوید. خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد».

حدیث:

۳۹۳۶ . **پیامبر خدا ﷺ**: ای مردم! دنیا سرای غم است نه سرای شادی، سرای دشواری است نه سرای آسودگی. پس، هر که آن را شناخت با امیدی شاد نشد و با سختی و عسرتی اندوهگین نگشت.

۳۹۳۷ . **پیامبر خدا ﷺ**: دنیا دست به دست شدنی است. آنچه از دنیا نصیب تو باشد اگر ناتوان هم باشی، به تو می‌رسد وآنچه به زیان تو باشد، به زور نمی‌توانی آن را از خود دور کنی. هر کسی از آنچه از دستش رفته امید برکَنَد، تنش آسوده باشد، و هرکه به آنچه خداوند روزیش کرده خرسند گردد، شادمان باشد.

۳۹۳۸ . **امام علی ﷺ**: چیزها بر دوگونه‌اند: یا چیزی بوده که در گذشته روزی من نشده، و در آینده نیز امیدی به رسیدن آن ندارم و یا چیزی است که تا زمانش نرسد، من به آن نخواهم رسید، هرچند برای رسیدن به آن از نیروی اهل آسمانها و زمین مدد جویم. چه شگفت آور است کار این انسان؛ از رسیدن به چیزی که حتماً به او می‌رسید شاد می‌شود، و برای از دست دادن چیزی

مُدَبَّرٌ، واقْتَصَرَ علىٰ ما تَيَسَّرَ، ولَم يَتَعَرَّضْ لِما تَعَسَّرَ، واسْتَراحَ قَلبُهُ مِمّا اسْتَوْعَرَ، فبِأيِّ هٰذَينِ أفْني عُمْري ؟![1]

۳۹۴۹ . عنه ﷺ: الدَّهرُ يَومانِ: يَومٌ لكَ ويَومٌ علَيكَ، فإنْ كانَ لَكَ فلا تَبْطَرْ، وإنْ كانَ علَيكَ فلا تَضْجَرْ.[2]

۳۹۴۹ . امام علی ﷺ: زمانه، دو روز است: روزی با توست ودیگر روز بر تو. اگر با تو بود، سرمست مشو و اگر برتو بود، دلگیر نشو.

۳۹۵۰ . عنه ﷺ: لا تُشْعِرْ قَلبَكَ الهَمَّ على ما فاتَ، فيَشْغَلَكَ عَمّا هُو آتٍ.[3]

۳۹۵۰ . امام علی ﷺ: برای آنچه از دست رفته است اندوه به دلت راه مده، که تو را از آنچه می‌آید باز می‌دارد.

۳۹۵۱ . مطالب السؤول عن ابنِ عبّاسٍ: ما انْتَفَعْتُ بكلامٍ بَعدَ رسولِ اللهِ ﷺ كانْتِفاعي بكِتابٍ كَتَبَهُ عليُّ بنُ أبي طالبٍ ﷺ، فإنَّهُ كَتَبَ إلَيَّ: أمّا بَعدُ فإنَّ المَرءَ يَسوؤهُ فَوتُ ما لَم يَكُن لِيُدْرِكَهُ، ويَسُرُّهُ دَرْكُ ما لَم يَكُن لِيَفوتَهُ، فلْيَكُنْ سُرورُكَ بما نِلْتَ مِن آخِرَتِكَ، ولْيَكُن أسَفُكَ علىٰ ما فاتَكَ مِنها، وما نِلْتَ مِن دُنْياكَ فلا تَكُنْ بِهِ فَرِحاً، وما فاتَكَ مِنها فلا تَأْسَ علَيهِ حُزْناً، ولْيَكُنْ هَمُّكَ فيما بَعدَ المَوتِ. والسَّلامُ.[5]

۳۹۵۱ . مطالب السؤول ـ به نقل از ابن عباس ـ: بعد از سخن پیامبر خدا ﷺ، از هیچ سخنی به اندازهٔ نامه‌ای که علی بن ابی طالب ﷺ برای من نوشت بهره‌مند نشدم. او به من نوشت: اما بعد، آدمی برای نرسیدن به آنچه به او نمی‌رسید اندوهگین می‌شود و از رسیدن به آنچه نمی‌شد به او نرسد شاد می‌شود. پس، آنجا شادی کن که به چیزی از آخرت خود رسیده‌ای و آن جا اندوهگین شو که چیزی از آخرت خود را از دست داده‌ای. اگر به چیزی از دنیای خود رسیدی شادی مکن و اگر چیزی از آن را از دست دادی اندوهگین مشو. همّ و غم خود را برای پس از مرگ به کار گیر؛ والسلام.

۳۹۵۲ . الإمامُ الحسنُ ﷺ: اجْعَلْ ما طَلَبْتَ مِن

۳۹۵۲ . امام حسن ﷺ: آنچه را از دنیا طلبیده‌ای و

---

۱ . مطالب السؤول: ۵۵.
۲ . مطالب السؤول: ۵۷.
۳ . غرر الحكم: ۱۰۴۳۲.
۴ . (انظر) كنز العمّال: ۶۱۴۷.
۵ . مطالب السؤول: ۵۵.

الدُّنيا فَلَم تَظفَرْ بِهِ بِمَنزِلَةِ ما لَم يَخطُرْ بِبالِكَ.[۱]

بدان نرسیده‌ای، به منزلهٔ آن پندار که هرگز به اندیشه‌ات خطور نکرده است.

۶ـ أكل العنب

۶ـ خوردن انگور

۳۹۵۳. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: شَكا نَبيٌّ مِن الأنبياءِ إلىٰ اللهِ الغَمَّ، فأمَرَهُ بأكْلِ العِنَبِ.[۲]

۳۹۵۳. امام صادق ﷺ: یکی از پیامبران از غم و اندوه به درگاه خداوند شکوه کرد؛ خداوند به او دستور داد انگور تناول کند.

۳۹۵۴. عنه ﷺ: لَمّا حَسَرَ الماءُ عن عِظامِ المَوتىٰ فرأىٰ ذلكَ نُوحٌ ﷺ جَزِعَ جَزَعاً شَديداً واغْتَمَّ لِذلكَ، فأوْحىٰ اللهُ إلَيهِ أنْ: كُلِ العِنَبَ الأسْوَدَ لِيَذهَبَ غمُّكَ.[۳]

۳۹۵۴. امام صادق ﷺ: چون آب فروکش کرد و استخوانهای مردگان نمایان گردید و نوح ﷺ آن صحنه را دید، بسیار بیتاب شد واندوهگین گشت. پس، خداوند متعال به او وحی کرد که انگور سیاه بخور، تا غمت زدوده شود.

۷ـ نظافة الثياب

۷ـ نظافت لباس

۳۹۵۵. الإمامُ عليٌّ ﷺ: غَسْلُ الثِّيابِ يُذهِبُ الهَمَّ والحُزنَ.[۴]

۳۹۵۵. امام علی ﷺ: شستن جامه‌ها (نظافت لباس)، غم و اندوه را می‌برد.

۸ـ غسل الرأس

۸ـ شستن سر

۳۹۵۶. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مَن وَجَدَ هَمّاً ولا يَدري ما هُو فلْيَغْسِلْ رأسَهُ.[۵]

۳۹۵۶. امام صادق ﷺ: هر کس در خود اندوهی بیابد و علت آن را نداند، سر خود را بشوید.

۹ـ الاستعانة من الله

۹ـ یاری جستن از خدا

۳۹۵۷. رسولُ اللهِ ﷺ: قَولُ: «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلّا

۳۹۵۷. پیامبر خدا ﷺ: جملهٔ «لاحول ولا قوّة الّا

---

۱. كشف الغمّة: ۱۹۸/۲. ۲. المحاسن: ۲۲۶۲/۳۶۲/۲.
۳. المحاسن: ۲۲۶۴/۳۶۳/۲.
۴. الخصال: ۱۰/۶۱۲. ۵. الدعوات: ۲۸۴/۱۲۰.

باللهِ» فيهِ شِفاءٌ مِن تِسعَةٍ وتِسعينَ داءً، أدْناها الهَمُّ.[۱]

۳۹۵۸. عنه ﷺ: أمانٌ لأُمّتي مِن الهَمِّ: «لا حَولَ ولا قُوّةَ إلّا باللهِ، لا مَلْجَأَ ولا مَنجىٰ مِن اللهِ إلّا إلَيهِ».[۲]

۳۹۵۹. عنه ﷺ: مَن أكْثَرَ الاستِغفارَ جَعَلَ اللهُ لَهُ مِن كُلِّ هَمٍّ فَرَجاً، ومِن كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجاً، ورَزَقَهُ مِن حَيثُ لا يَحْتَسِبُ.[۳]

۳۹۶۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ: إذا اشْتَدَّ الفَزَعُ فإلىٰ اللهِ المَفْزَعُ.[۴]

۳۹۶۱. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إذا حَزَنَكَ أمرٌ مِن سُلطانٍ أو غَيرِهِ فأكْثِرْ مِن قَولِ: «لا حَولَ ولا قُوّةَ إلّا باللهِ»؛ فإنَّها مِفتاحُ الفَرَجِ، وكَنزٌ مِن كُنوزِ الجَنَّةِ.[۵]

۳۹۶۲. عنه ﷺ: إذا نَزَلَتِ الهُمومُ فعَلَيكَ بِـ«لا حَولَ ولا قُوّةَ إلّا باللهِ».[۶]

۳۹۶۳. الإمامُ الكاظمُ ﷺ: اعلَمْ أنَّ اللهَ ... لَم يَفرِجْ

ساده‌ترین آنها اندوه است.

۳۹۵۸. **پیامبر خدا ﷺ**: ذکر «لاحول ولاقوّة الّا بالله، لا ملجأ ولا منجی من الله الّا الیه (هیچ دگرگونی و نیرویی مگر به اتّکای خدا نیست وپناه و گریزی از خدا جز به سوی اونیست)» امّت مرا از غم و اندوه در امان می‌دارد.

۳۹۵۹. **پیامبر خدا ﷺ**: هر که زیاد استغفار کند، خداوند گره غمهای او را بگشاید و از هر تنگنایی بیرونش برد و از جایی که گمان نمی‌برد، روزیش رساند.

۳۹۶۰. **امام علی ﷺ**: هر گاه بیتابی شدّت گرفت، باید به خدا پناه بُرد.

۳۹۶۱. **امام صادق ﷺ**: هرگاه از سوی حاکمان، یا دیگران اندوهی به تو رسید، ذِکر «لاحول ولاقوّة الّابالله (هیچ قوّت و قدرتی مگر به اتّکای خدا نیست)» را فراوان بگو؛ که آن کلید گشایش است و گنجی از گنجهای بهشت.

۳۹۶۲. **امام صادق ﷺ**: هرگاه غمها بر تو فرود آمد، بر تو باد گفتن ذِکر «لاحول ولا قوّة الّا بالله».

۳۹۶۳. **امام کاظم ﷺ**: بدان که خداوند ... از غمزدگان به اندازهٔ غم و اندوهشان گرهِ غم

---

۱. قرب الإسناد: ۲۴۴/۷۶.
۲. مكارم الأخلاق: ۲ / ۳۳۴ / ۲۶۵۶.
۳. أعلام الدين: ۲۹۴.
۴. تنبيه الخواطر: ۱۵۴/۲.
۵. بحار الأنوار: ۲۹/۲۰۱/۷۸.
۶. الدعوات: ۲۸۴/۱۲۰.

المَحزونينَ بقَدْرِ حُزْنِهِم، ولٰكنْ بقَدْرِ رأفَتِهِ ورَحمَتِهِ.[۱]

۸۲۶
مُلازَمَةُ الأتراحِ لِلأفراحِ

۳۹۶۴ . رسولُ اللهِ ﷺ: ما مِن دارٍ فيها فَرْحَةٌ إلّا يَتْبَعُها تَرْحَةٌ.[۲]

۳۹۶۵ . عنه ﷺ: مَع كُلِّ فَرْحَةٍ تَرْحَةٌ.[۳]

۳۹۶۶ . الإمامُ عليٌّ ؈: كلُّ سُرورٍ مُتَنغِّصٌ.[۴]

۸۲۷
لِكُلِّ هَمٍّ فَرَجٌ إلّا هَمَّ أهلِ النّارِ

الكتاب:

﴿وَقالُوا الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنا لَغَفُورٌ شَكُورٌ﴾.[۵]

﴿كُلَّما أَرادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْها مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيها وَذُوقُوا عَذابَ الْحَرِيقِ﴾.[۶]

الحديث:

۳۹۶۷ . رسولُ اللهِ ﷺ: ما مِن هَمٍّ إلّا ولَهُ فَرَجٌ إلّا هَمَّ أهلِ النّارِ.[۷]

---

۱ . تحف العقول: ۳۹۹. ۲ . بحار الأنوار: ۲/۲۴۲/۷۱.
۳ . بحار الأنوار: ۲/۱۶۴/۷۷، عوالي اللآلي: ۱۳۲/۲۸۵/۱.
۴ . غرر الحكم: ۶۸۵۰. ۵ . فاطر: ۳۴.
۶ . الحجّ: ۲۲. ۷ . بحار الأنوار: ۲/۲۴۲/۷۱.

نگشود، بلکه به اندازهٔ مهر و رأفت خود غمشان را زدود.

۸۲۶
غم و شادی با هم هستند

۳۹۶۴ . **پیامبر خدا ﷺ**: هیچ خانه‌ای نیست که در آن شادی باشد، جز این که در پی آن، غمی بدان رسد.

۳۹۶۵ . **پیامبر خدا ﷺ**: با هر شادی غمی است.

۳۹۶۶ . **امام علی ؈**: هر نوشی را نیشی است.

۸۲۷
گره هر اندوهی گشوده می‌شود جز اندوه دوزخیان

قرآن:

«و گفتند: سپاس خداوندی را که اندوه ما را زدود؛ همانا پروردگار ما آمرزنده و قدردان است».

«هر گاه، که خواهند از آن عذاب، از اندوهی بیرون آیند بار دیگر آنان را بدان باز گردانند که: بچشید عذاب آتش سوزنده را».

حدیث:

۳۹۶۷ . **پیامبر خدا ﷺ**: هیچ اندوهی نیست که زدوده نشود، مگر اندوه دوزخیان.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۸۲۸

عِلَّةُ الحُزنِ وَالفَرَحِ مِن غَيرِ سَبَبٍ يُعرَفُ

۳۹۶۸ . **علل الشرائع** عن أبي بصيرٍ : دَخَلتُ علىٰ أبي عبدِ اللهِ ﷺ ومَعي رجُلٌ مِن أصحابِنا، فقُلتُ لَهُ : جُعِلتُ فِداكَ يابنَ رسولِ اللهِ، إنّي لَأغتَمُّ وأحزَنُ مِن غَيرِ أنْ أعرِفَ لِذلكَ سَبباً، فقالَ أبو عبدِ اللهِ ﷺ : إنَّ ذلكَ الحُزنَ والفَرحَ يَصِلُ إلَيكُم مِنّا؛ لأنّا إذا دَخلَ علَينا حُزنٌ أو سُرورٌ كانَ ذلكَ داخِلاً علَيكُم، لأنّا وإيّاكُم مِن نُورِ اللهِ عزّوجلّ.[1]

۳۹۶۹ . **الكافي** عن جابرٍ الجُعفيِّ : تَقَبَّضتُ بَينَ يَدَي أبي جعفرٍ ﷺ، فقُلتُ : جُعِلتُ فِداكَ، رُبَّما حَزِنتُ مِن غَيرِ مُصيبَةٍ تُصيبُني أو أمْرٍ يَنزِلُ بِي، حتّىٰ يَعرِفَ ذلكَ أهلي في وَجهي وصَديقي، فقالَ : نَعَم يا جابرُ، إنّ اللهَ عزّوجلّ خَلَقَ المؤمنينَ مِن طِينَةِ الجِنانِ وأجرىٰ فيهِم مِن ريحِ رُوحِهِ، فلذلكَ المؤمنُ أخو المؤمنِ لأبيهِ وأُمِّهِ، فإذا أصابَ رُوحاً مِن تلكَ الأرواحِ في بَلَدٍ من البُلدانِ حُزنٌ، حَزِنَتْ هذهِ لأنَّها مِنها.[2]

---

۱ . علل الشرائع : ۲/۹۳ . ۲ . الكافي : ۲/۱۶۶ .

۸۲۸

علت شادی و اندوهی که به ظاهر دلیل ندارند

۳۹۶۸ . **علل الشرائع** ـ به نقل از ابوبصیر ـ : با یکی از یارانمان خدمت امام صادق ﷺ رسیدیم. به آن حضرت عرض کردم : فدایت شوم، یابن رسول الله ! من [گاه] بدون آن که بدانم دلیلش چیست غمگین و اندوهناک می‌شوم ! امام صادق ﷺ فرمود : آن غم و شادی از ما به شما می‌رسد، زیرا اگر اندوهی یا سروری به ما رسد بر شما نیز وارد می‌شود؛ چون ما و شما از نور خداوند عزّوجلّ هستیم.

۳۹۶۹ . **الكافي** ـ به نقل از جابر جعفی ـ : در حضور امام باقر ﷺ دلم گرفت. عرض کردم : فدایت شوم، گاهی اوقات بدون آن که مصیبتی یا گرفتاریی به من رسد، اندوهگین می‌شوم، چندان که همسرم ودوستم آن را در چهره‌ام می‌خوانند. فرمود : همینطور است، جابر ! خداوند عزّوجلّ مؤمنان را از طینت بهشتی آفرید و از نسیم روح خویش در آنها روان ساخت، از این روست که مؤمن برادر تنی مؤمن است. پس هرگاه به یکی از آن ارواح در شهری اندوهی رسد، آن روح دیگر اندوهگین شود؛ زیرا از جنس اوست.

۳۹۷۰ . **بحار الأنوار:** رُوي أنَّه سئلَ العالِمُ ﷺ عنِ الرَّجُلِ يُصْبِحُ مَغْموماً لا يَدْري سَببَ غَمِّهِ، فقالَ: إذا أصابَهُ ذلكَ فلْيَعْلَمْ أنَّ أخاهُ مَغْمومٌ، وكذلكَ إذا أصْبَحَ فَرْحانَ لغَيرِ سَببٍ يُوجِبُ الفَرَحَ، فباللهِ نَسْتَعينُ علىٰ حُقوقِ الإخْوانِ.[1]

(انظر) القلب: باب ۳۳۳۶.

۸۲۹
الحُزنُ المَمدوحُ

۳۹۷۱ . رسولُ اللهِ ﷺ: ما عُبِدَ اللهُ عزّوجلّ علىٰ مِثْلِ طُولِ الحُزْنِ.[2]

۳۹۷۲ . عنه ﷺ ـ وقد سُئلَ: أينَ اللهُ؟ ـ: عِندَ المُنْكَسِرةِ قُلوبُهُم.[3]

۳۹۷۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: كَم مِن حَزينٍ وَقَدَ بِهِ حُزنُهُ علىٰ سُرورِ الأبَدِ![4]

۳۹۷۴ . عنه ﷺ: مَن طالَ حُزنُهُ علىٰ نَفْسِهِ في الدُّنيا، أقَرَّ اللهُ عَينَهُ يَومَ القِيامَةِ وأحَلَّهُ دارَ المُقامَةِ.[5]

---

۱ . بحار الأنوار: ۲۰/۲۲۷/۷۴.
۲ . مكارم الأخلاق: ۲۶۶۱/۳۶۷/۲.
۳ . بحار الأنوار: ۳/۱۵۷/۷۳. ۴ . غرر الحكم: ۶۹۶۴.
۵ . غرر الحكم: ۹۰۲۷.

۳۹۷۰ . **بحار الأنوار:** روایت شده است که از امام کاظم ﷺ سؤال شد: فردی غمگین می‌شود بی آن که علت اندوه خود را بداند؟ فرمود: اگر اندوهی به او رسد بداند که برادرش غمی دارد. همچنین است اگر بی دلیل شاد شود. پس، در ادای حقوق برادران از خدا مدد می‌جوییم.

۸۲۹
اندوه پسندیده

۳۹۷۱ . **پیامبر خدا ﷺ:** خداوند عزّوجلّ با چیزی همانند اندوه طولانی عبادت نشده است.

۳۹۷۲ . **پیامبر خدا ﷺ** ـ در پاسخ به این پرسش که: خدا کجاست؟ ـ فرمود: نزد شکسته دلان.

۳۹۷۳ . **امام علی ﷺ:** بسا اندوهگینی که اندوهش او را به شادمانی همیشگی کشاند.

۳۹۷۴ . **امام علی ﷺ:** هر که در دنیا بر نفس خویش اندوه بسیار خورد، خداوند در روز قیامت او را شادمان گرداند و در سرای ماندگاری جایش دهد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

٣٩٧٥ . عنه ﷺ: ما اكْتَحَلَ أحَدٌ بِمِثْلِ مَكْحولِ الحُزنِ.[١]

٣٩٧٥ . امام علی ﷺ: هیچ کس سرمه‌ای چون سرمهٔ اندوه به چشم نکشید.

٣٩٧٦ . كنز الفوائد: رُوِيَ إنَّ اللهَ تعالىٰ يَقولُ: يابنَ آدمَ، في كُلِّ يَومٍ يُؤتىٰ رِزْقُكَ وأنتَ تَحْزَنُ، ويَنْقُصُ عُمرُكَ وأنتَ لا تَحْزَنُ، تَطْلُبُ ما يُطْغيكَ وعندَكَ ما يَكْفيكَ![٢]

٣٩٧٦ . كنز الفوائد: روایت شده است که خداوند متعال می‌فرماید: ای آدمیزاد! هر روز، روزی تو می‌رسد و تو باز غم به دل راه می‌دهی؟ و از عمرت کاسته می‌گردد، اما اندوهی به خود راه نمی‌دهی؟ چندان می‌جویی که تو را به طغیان وا می‌دارد، در حالی که آنچه داری، کفایتت می‌کند؟!

٣٩٧٧ . بحار الأنوار: إنَّ داوودَ ﷺ قالَ: إلٰهي، أمَرْتَني أنْ أُطَهِّرَ وَجْهي وبَدَني ورِجْلي بالماءِ، فبِماذا أُطَهِّرُ لكَ قَلبي؟ قالَ: بالهُمومِ والغُمومِ.[٣]

٣٩٧٧ . بحار الأنوار: داوود ﷺ عرض کرد: الهی! فرمانم دادی که صورت و بدن و پاهایم را با آب بشویم، دلم را با چه بشویم؟ فرمود: با غمها و اندوهها.

٣٩٧٨ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: إنَّ اللهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلبٍ حَزينٍ.[٤]

٣٩٧٨ . امام زین العابدین ﷺ: خداوند دلهای حزین را دوست دارد.

٣٩٧٩ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: قَرَأتُ في كِتابِ عليٍّ ﷺ: إنَّ المؤمنَ يُمْسي حَزيناً ويُصبِحُ حَزيناً، ولا يَصْلُحُ لَهُ إلّا ذلكَ.[٥]

٣٩٧٩ . امام باقر ﷺ: در کتاب علی ﷺ خواندم که مؤمن بام و شامش را به اندوه می‌گذراند وجز این به صلاح او نیست.

٣٩٨٠ . بحار الأنوار عن جابرِ الجُعفيِّ: قالَ لي الإمامُ الباقرُ ﷺ: يا جابرُ، إنّي لَمَحْزونٌ، وإنّي لَمُشْتَغِلُ القَلبِ. قلتُ: وما حُزنُكَ وما شُغْلُ قَلبِكَ؟ قالَ: يا جابرُ، إنَّهُ مَن دَخَلَ

٣٩٨٠ . بحار الأنوار ـ به نقل از جابر جعفی ـ فرمود: امام باقر ﷺ به من فرمود: ای جابر! من محزونم و دلم مشغول است. عرض کردم: اندوه و دلمشغولی شما چیست؟ فرمود: ای جابر! هرکس که دین ناب و

---

١ . بحار الأنوار: ٣/١٥٧/٧٣.
٢ . كنز الفوائد: ٣٠٤/١.
٣ . بحار الأنوار: ٣/١٥٧/٧٣.
٤ . الكافي: ٣٠/٩٩/٢.
٥ . التمحيص: ٥٥/٢٤.

قَلبَهُ صافي خالِصِ دِينِ اللهِ شَغَلَهُ عَمّا سِواهُ.[۱]

زلال خداوند به دلش راه یابد، او را از هر چه جز اوست باز دارد.

۳۹۸۱ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: أوحىٰ اللهُ إلىٰ عيسى ابنِ مريمَ ﷺ : اكْحُلْ عَيْنَيكَ بمِيلِ الحُزنِ إذا ضَحِكَ البَطّالونَ.[۲]

۳۹۸۱ . **امام صادق** ﷺ: خداوند به عیسی بن مریم ﷺ وحی فرمود: آن گاه که هرزگان می‌خندند، تو با میلِ اندوه بر چشمانت سرمه بکش.

۳۹۸۲ . **عنه** ﷺ: إنْ كانَ المَوتُ حَقّاً فالفَرَحُ لِماذا ؟![۳]

۳۹۸۲ . **امام صادق** ﷺ: اگر مرگ حقّ است، دیگر شادی چرا؟!

۳۹۸۳ . **عنه** ﷺ: نَفَسُ المَهْمومِ لَنا المُغْتَمِّ لظُلْمِنا تَسْبيحٌ، وهَمُّهُ لأمْرِنا عِبادَةٌ.[۴]

۳۹۸۳ . **امام صادق** ﷺ: کسی که برای ما نگران باشد و به خاطر ستمی که بر ما برود غمگین، نفس کشیدنش تسبیح است و غمخواریش برای ما عبادت.

۳۹۸۴ . **مصباح الشريعة** ـ فيما نسبه الى الإمام الصادق ﷺ ـ: الحُزنُ مِن شِعارِ العارِفينَ، لكَثْرَةِ وارِداتِ الغَيبِ علىٰ سَرائرِهِم، وطُولِ مُباهاتِهِم تَحتَ سِتْرِ الكِبْرياءِ... ولَو حُجِبَ الحُزنُ عن قُلوبِ العارِفينَ ساعةً لاسْتَغاثُوا. ولَو وُضِعَ في قُلوبِ غَيرِهِم لاسْتَنْكَروهُ.[۵]

۳۹۸۴ . **مصباح الشريعة** ـ در آنچه به امام صادق ﷺ نسبت داده است ـ: حزن [همچون جامهٔ زیرین] همواره با عارفان است؛ به سبب کثرت واردات غیبی بر دلهایشان، و افتخار بسیارشان بر زیر پوشش کبریا بودن... اگر اندوه، لحظه‌ای از دلهای عارفان کنار رود، دست به استغاثه بر می‌دارند و اگر در دلهای دیگران نهاده شود، آن را خوش ندارند.

---

۱ . بحار الأنوار: ۱۵/۱۸۵/۷۸.
۲ . بحار الأنوار: ۲/۷۱/۷۲. ۳ . الأمالي للصدوق: ۱۲/۵۶.
۴ . الكافي: ۱۶/۲۲۶/۲. ۵ . مصباح الشريعة: ۵۰۵.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١١٣

الحِسَاب

حسابرسی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧/٢٥٣ باب ١١ «محاسبة العباد».

كنز العمّال: ١٤/٣٦٩، ٦٢٧ «الحساب».

بحار الأنوار: ٧٠/٦٢ باب ٤٥ «محاسبة النفس».

بحار الأنوار: ٥/٣١٩ باب ١٧ «الملائكة يكتبون أعمال العباد».

انظر:

المراقبة: باب ١٥٤٦، عنوان ٢١٢ «المسؤولية».

عفو الله سبحانه: باب ٢٧٢٣.

٨٣٠
الحِسابُ

الكتاب:

﴿وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ﴾.[١]

الحديث:

٣٩٨٥. رسولُ اللهِ ﷺ: أَلا وإنّكم في يومِ عملٍ وَلا حِسابَ فِيهِ، ويُوشِكُ أنْ تَكونوا في يَومِ حِسابٍ لَيس فيهِ عَملٌ.[٢]

٣٩٨٦. عنه ﷺ ـ مِن وصاياهُ لِمُعاذِ بنِ جَبَلٍ ـ: أُوصيكَ بتَقوىٰ اللهِ... والجَزَعِ مِن الحِسابِ.[٣]

٣٩٨٧. عنه ﷺ: والّذي نَفْسي بِيَدِهِ، إنَّهُ لَيَخْتَصِمُ حتّىٰ الشّاتَينِ فيما انْتَطَحَتا.[٤]

٣٩٨٨. الإمامُ عليٌّ ﷺ: جَعَلَ اللهُ لكُلِّ عَملٍ ثَواباً ولكُلِّ شَيءٍ حِساباً.[٥]

٣٩٨٩. عنه ﷺ: الحِسابُ قَبلَ العِقابِ، الثَّوابُ بَعدَ الحِسابِ.[٦]

---

١. ص: ١٦. ٢. أعلام الدين: ٣٤٥.
٣. بحار الأنوار: ٣٣/١٢٧/٧٧.
٤. كنز العمّال: ٣٩٠٠٤. ٥. غرر الحكم: ٤٧٧٩.
٦. غرر الحكم: ٣٨٠.

٨٣٠
حسابرسی

قرآن:

«و گفتند: پروردگار ما! پیش از روز حسابرسی، د
رسیدگی به نامهٔ اعمال ما تعجیل کن».

حدیث:

٣٩٨٥. **پیامبر خدا** ﷺ: هلا! اینک شما در روزی
هستید که هنگام عمل است و حسابرسی
در آن نیست، و زوداکه به روزی برسید ک
روز حسابرسی است نه جای عمل.

٣٩٨٦. **پیامبر خدا** ﷺ ـ در سفارشهای خود به معا
بن جبل ـ فرمود: تو را سفارش می‌کنم ب
تقوای خدا... و نگرانی از روز حسابرسی

٣٩٨٧. **پیامبر خدا** ﷺ: سوگند به آن که جانم د
دست [قدرت] اوست، حتی به حساب د
گوسفند که به یکدیگر شاخ زده باشند
رسیدگی خواهد شد.

٣٩٨٨. **امام علی** ﷺ: خداوند برای هرکاری
پاداشی قرار داده است و برای هرچیزی
حسابی.

٣٩٨٩. **امام علی** ﷺ: حسابرسی پیش از کیف
است؛ پاداش بعد از حسابرسی [اعمال].

۸۳۱

الحَثُّ عَلىٰ مُحاسَبَةِ النَّفسِ

الكتاب:

﴿يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللهَ إِنَّ اللهَ خَبِيرٌ بِما تَعْمَلُونَ﴾.[1]

الحديث:

۳۹۹۰. رسولُ اللهِ ﷺ: أَكْيَسُ الكَيِّسِينَ مَن حاسَبَ نَفْسَهُ وعَمِلَ لِما بَعدَ المَوتِ، وأَحْمَقُ الحَمْقىٰ مَنْ أَتْبَعَ نَفْسَهُ هَواهُ، وتَمَنّىٰ علىٰ اللهِ الأَمانِيَّ.[2]

۳۹۹۱. الإمامُ عليٌّ ﷺ: حاسِبوا أَنْفُسَكُم بأَعْمالِها، وطالِبوها بأَداءِ المَفْروضِ علَيها، والأَخْذِ من فَنائِها لبَقائِها، وتَزَوَّدوا وتَأَهَّبوا قَبلَ أَنْ تُبْعَثوا.[3]

۳۹۹۲. عنه ﷺ: قَيِّدوا أَنْفُسَكُم بالمُحاسَبَةِ، وامْلِكوها بالمُخالَفَةِ.[4]

۳۹۹۳. عنه ﷺ: حاسِبْ نَفْسَكَ لنَفْسِكَ؛ فإنَّ غَيرَها مِن الأَنْفُسِ لَها حَسيبٌ غَيرُكَ.[5]

۳۹۹۴. الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: ابنَ آدمَ، إنَّكَ لا

۱. الحشر: ۱۸. ۲. بحار الأنوار: ۱۶/۶۹/۷۰.
۳. غرر الحكم: ۴۹۳۴. ۴. غرر الحكم: ۶۷۹۴.
۵. نهج البلاغة: الخطبة ۲۲۲.

۸۳۱

تشویق به محاسبهٔ نفس

قرآن:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و هر نفسی بنگرد که برای فردا چه پیش فرستاده است. از خدا بترسید که خدا به آنچه می‌کنید آگاه است».

حدیث:

۳۹۹۰. **پیامبر خدا ﷺ**: زیرکترین زیرکان کسی است که از نفْس خویش حساب کشد و برای بعد از مرگ کار کند، و احمق‌ترین احمق‌ها کسی است که نفْس خود را دنباله‌رو هوس خویش کند و از خدا آرزوها طلبد.

۳۹۹۱. **امام علی ﷺ**: به حساب اعمال نفْس خود رسیدگی کنید و از آن بخواهید که وظایف خود را انجام دهد و از آن جایی که رفتنی است برای آن جایی که ماندنی است، بهره برگیرد. پیش از آن که [بمیرید و] برانگیخته شوید، توشه بردارید و خود را آماده کنید.

۳۹۹۲. **امام علی ﷺ**: نفسهای خود را با حسابرسی به بند کشید؛ و با مخالفت کردن با آن، زمامش را در اختیار گیرید.

۳۹۹۳. **امام علی ﷺ**: تو به حساب نفْس خودت رسیدگی کن؛ زیرا دیگران را حسابرسی جز تو هست.

۳۹۹۴. **امام زین العابدین ﷺ**: ای فرزند آدم! تو تا زمانی‌که خود واعظ خویش باشی و به‌محاسبهٔ

تَزالُ بخَيرٍ ما كانَ لكَ واعِظٌ مِن نَفْسِكَ، وما كانَتِ المُحاسَبَةُ مِن هَمِّكَ.[۱]

[اعمال نفس] خویش پردازی پیوسته در خیر و خوبی به سر خواهی برد.

۳۹۹۵. **بحار الأنوار:** في الزَّبورِ: ابنَ آدمَ، جُعِلَتْ لَكُمُ الدُّنيا دَلائلَ علىٰ الآخِرَةِ، وإنَّ الرَّجُلَ مِنكُم يَستأجِرُ الرَّجُلَ فيَطْلُبُ حِسابَهُ فَتُرْعَدُ فَرائصُهُ مِن أجْلِ ذلكَ، ولَيسَ يَخافُ عُقوبَةَ النّارِ، وأنْتُم مُكْثِرونَ التَّمَرُّدَ.[۲]

۳۹۹۵. **بحار الأنوار:** در زبور آمده است: ای فرزند آدم! دنیا را برای شما نشانه‌هایی بر آخرت قرار دادم. [چرا] وقتی یکی از شما مردی را به کار می‌گیرد و سپس او حسابش را از صاحب‌کار می‌طلبد، عضلات بدنش به لرزه در می‌آید، ولی از کیفر آتش نمی‌ترسد، در حالی که شما بسیار نافرمانی می‌کنید.

۸۳۲

حاسِبوا قَبلَ أن تُحاسَبوا

۸۳۲

به حساب خود برسید پیش از آن که به حسابتان برسند

الكتاب:

﴿لِلّهِ مَا فِي السَّماوَاتِ وَمَا فِي الأَرْضِ وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾.[۳]

قرآن:

«آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست. اگر آنچه درون خود دارید آشکار سازید یا پنهان دارید خداوند به حساب آن می‌رسد، پس هرکه را خواهد ببخشد و هرکه را خواهد عذاب کند و خدا بر هر کاری تواناست».

الحديث:

۳۹۹۶. **رسولُ اللهِ ﷺ:** حاسِبوا أنفُسَكُم قَبلَ أنْ تُحاسَبوا، وزِنوها قَبلَ أنْ تُوزَنوا، وتَجَهَّزوا للعَرْضِ الأكْبَرِ.[۴]

حدیث:

۳۹۹۶. **پیامبر خدا ﷺ:** پیش از آن که مورد حسابرسی قرار گیرید، خود به حساب نفستان برسید و پیش از آن که سنجیده شوید، خود نفستان را در ترازوی سنجش بگذارید و برای آن حسابرسی بزرگ آماده شوید.

۳۹۹۷. **عنه ﷺ:** حاسِبوا أنْفُسَكُم قَبلَ أنْ تُحاسَبوا، ومَهِّدوا لها قَبلَ أنْ تُعذَّبوا، وتَزَوَّدوا

۳۹۹۷. **پیامبر خدا ﷺ:** پیش از آن که حسابرسی شوید، به حساب نفْس خود برسید و پیش

---

۱. تحف العقول: ۲۸۰.
۲. بحار الأنوار: ۸/۴۰/۷۷.
۳. البقرة: ۲۸۴.
۴. بحار الأنوار: ۲۶/۷۳/۷۰.

لِلرَّحيلِ قَبلَ أنْ تُزْعَجوا، فإنَّما هُو مَوقِفُ عَدْلٍ، واقْتِضاءُ حَقٍّ، وسُؤالٌ عن واجِبٍ، وقَد أبْلَغَ في الإعْذارِ مَن تَقَدَّمَ بالإنْذارِ.[1]

۳۹۹۸. عنه ﷺ ـ لأبي ذرّ الغفاريّ ـ: يا أبا ذرٍّ، حاسِبْ نَفْسَكَ قَبلَ أنْ تُحاسَبَ، فإنَّهُ أهْوَنُ لِحِسابِكَ غَداً، وزِنْ نَفْسَكَ قَبلَ أنْ تُوزَنَ، وتَجَهَّزْ لِلعَرْضِ الأكْبَرِ يَومَ تُعْرَضُ لا يَخْفىٰ علىٰ اللهِ خافِيَةٌ.[2]

۳۹۹۸. پیامبر خدا ﷺ ـ به ابو ذر غفاری فرمود ـ: ای ابوذر! پیش از آن که حسابرسی شوی، تو خود به حساب خویش برس، که این کار حسابرسی فردای [قیامت] تو را آسان می‌سازد؛ و پیش از آن که اعمالت سنجیده شود، خود اعمالت را بسنج و برای آن حسابرسی بزرگ، آماده شو، روزی که اعمالت بررسی می‌شود و هیچ امر پوشیده‌ای بر خداوند پوشیده نیست.

۳۹۹۹. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: فحاسِبوا أنْفُسَكُم قَبلَ أنْ تُحاسَبوا، فإنَّ أمْكِنَةَ القِيامَةِ خَمْسونَ مَوْقِفاً، كُلُّ مَوقِفٍ مَقامُ ألْفِ سَنَةٍ، ثُمَّ تَلا هٰذِهِ الآيَةَ: ﴿فِي يَوْمٍ كانَ مِقْدارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾.[3][4]

۳۹۹۹. امام صادق ﷺ: از نفسهای خود حساب بکشید، پیش از آن که از شما حساب بکشند؛ زیرا در قیامت، پنجاه موقف [حسابرسی] است و توقف در هر موقفی هزار سال به درازا می‌کشد. امام ﷺ سپس این آیه را تلاوت کرد: «در روزی که اندازهٔ آن پنجاه هزار سال است».

۸۳۳

لُزومُ مُحاسَبَةِ النَّفسِ في كُلِّ يَومٍ

ضرورت محاسبهٔ هر روز نفس

۴۰۰۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ: ما أحَقَّ الإنْسانَ أنْ تَكونَ لَهُ ساعَةٌ لا يَشْغَلُهُ شاغِلٌ، يُحاسِبُ فيها نَفْسَهُ، فيَنْظُرُ فيما اكْتَسَبَ لَها وعلَيها في لَيلِها ونَهارِها![5]

۴۰۰۰. امام علی ﷺ: چه سزاوار است که انسان ساعتی از روز را فقط به حسابرسی نفس خود اختصاص دهد و ببیند که در شبانه روز چه کارهایی به سود یا زیان خود انجام داده است.

۴۰۰۱. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: حقٌّ علىٰ كُلِّ مُسلِمٍ

۴۰۰۱. امام صادق ﷺ: بر هر مسلمانی که نسبت به

---

۱. أعلام الدين: ۳۳۹.
۲. الأمالي للطوسي: ۱۱۶۲/۵۳۴.
۳. المعارج: ۴.
۴. الأمالي للمفيد: ۱/۳۲۹.
۵. غرر الحكم: ۹۶۸۴.

يَعْرِفُنا أنْ يَعْرِضَ عَمَلَهُ في كُلِّ يَومٍ ولَيلَةٍ علىٰ نَفْسِهِ، فيَكونَ مُحاسِبَ نَفْسِهِ، فإنْ رأىٰ حَسَنةً اسْتَزادَ مِنها، وإنْ رأىٰ سَيِّئَةً اسْتَغْفَرَ مِنها، لِئلّا يَخْزىٰ يَومَ القِيامَةِ.[1]

۳۰۰۲. عنه ﷺ: إذا أوَيْتَ إلىٰ فِراشِكَ فانْظُرْ ما سَلَكْتَ في بَطنِكَ وما كَسَبْتَ في يَومِكَ، واذْكُرْ أنَّكَ مَيِّتٌ وأنَّ لَكَ مَعاداً.[2]

۳۰۰۳. الإمامُ الكاظمُ ﷺ: لَيسَ مِنّا مَن لَم يُحاسِبْ نَفْسَهُ في كُلِّ يَومٍ، فإنْ عَمِلَ خَيراً اسْتَزادَ اللهَ مِنهُ وحَمِدَ اللهَ علَيهِ، وإنْ عَمِلَ شَيئاً شَرّاً اسْتَغْفَرَ اللهَ وتابَ إلَيهِ.[3]

(انظر) المراقبة: ۱۵۴۶.

۸۳۳
التَّشديدُ في مُحاسَبَةِ النَّفسِ

۳۰۰۴. رسولُ اللهِ ﷺ: لا يَكونُ العَبدُ مؤمناً حتّىٰ يُحاسِبَ نفسَهُ أشَدَّ مِن مُحاسَبَةِ الشَّريكِ شَريكَهُ والسَّيِّدِ عَبْدَهُ.[4]

۳۰۰۵. عنه ﷺ: لا يَكونُ الرَّجُلُ مِن المُتَّقينَ حتّى يُحاسِبَ نَفسَهُ أشَدَّ مِن مُحاسَبَةِ الشَّريكِ شَريكَهُ، فَيَعْلَمَ مِنْ أينَ مَطْعَمُهُ؟ ومِن أينَ مَشْرَبُهُ؟ ومِنْ أينَ مَلْبَسُهُ؟ أمِن

ما معرفت دارد، لازم است در هر شبانه روز، عمل خود را بررسی کند و حسابرس نفس خویش باشد. اگر دید کار خوبی انجام داده است، به دنبال بیشتر از آن باشد و اگر دید کار بدی از او سر زده است، استغفار کند، تا در روز رستاخیز سرشکسته و رسوا نشود.

۳۰۰۲. **امام صادق ﷺ**: هرگاه به بستر خود رفتی، در این باره بیندیش که چه خوراکی به معدهٔ خود فرستاده‌ای و در آن روز چه کارهایی کرده‌ای و به یاد آور که می‌میری و تو را بازگشتی هست.

۳۰۰۳. **امام کاظم ﷺ**: از ما نیست کسی که هر روز به حساب خود رسیدگی نکند و ببیند که اگر کار نیکی انجام داده است از خداوند توفیق انجام بیشتر آن را بخواهد و خدا را بر آن سپاس گوید و اگر کار بدی انجام داده است از خدا آمرزش بخواهد و توبه کند.

۸۳۳
سخت‌گیری در محاسبهٔ نفس

۳۰۰۴. **پیامبر خدا ﷺ**: بنده، مؤمن نباشد مگر آن گاه که سخت‌تر از حسابرسی شریک از شریکش و خواجه از غلامش، از نفس خود حساب بکشد.

۳۰۰۵. **پیامبر خدا ﷺ**: آدمی در زمرهٔ تقوا پیشگان نباشد مگر آن‌گاه که سخت‌تر از حسابرسی شریک از شریکش، از خود حساب کشد تا بداند که از کجا خورده است، از کجا آشامیده است، از

۱. تحف العقول: ۳۰۱. ۲. الدعوات: ۳۰۲/۱۲۳.
۳. الاختصاص: ۲۶. ۴. بحار الأنوار: ۲۲/۷۲/۷۰.

حِلٌّ أمْ مِن حَرام ؟[1]

۸۳۵
كَيفِيَّةُ المُحاسَبَةِ

۳۰۰۶ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ ـ وقد سُئلَ عن كَيفيَّةِ مُحاسَبَةِ النَّفْسِ ـ : إذا أصْبَحَ ثُمَّ أمسىٰ رَجَعَ إلىٰ نَفْسِهِ، وقالَ: يا نَفْسُ، إنَّ هذا يَومٌ مَضىٰ عليكِ لا يَعودُ إلَيكِ أبداً، واللهُ سائلُكِ عَنهُ فيما أفْنَيتِهِ، فما الّذي عَمِلْتِ فيهِ ؟ أذَكَرْتِ اللهَ أمْ حَمِدْتيهِ؟ أقَضَيْتِ حَقَّ أخٍ مؤمنٍ ؟ أنَفَّسْتِ عَنهُ كُرْبَتَهُ ؟ أحَفِظْتيهِ بِظَهْرِ الغَيبِ في أهْلِهِ وولدِهِ ؟ أحَفِظْتيهِ بَعدَ المَوتِ في مُخَلَّفيهِ؟ أكَفَفْتِ عن غيبَةِ أخٍ مؤمنٍ بِفَضْلِ جاهِكِ؟ أأعَنْتِ مسلماً ؟ ما الّذي صَنَعتِ فيهِ ؟ فيَذكُرُ ما كانَ مِنهُ، فإنْ ذَكَرَ أنَّهُ جَرىٰ مِنهُ خيرٌ حَمِدَ اللهَ عزّوجلّ وكَبَّرَهُ علىٰ تَوفيقِهِ، وإنْ ذَكَرَ مَعْصيَةً أو تَقْصيراً اسْتَغْفَرَ اللهَ عزّوجلّ وعَزَمَ علىٰ تَرْكِ مُعاوَدَتِهِ.[2]

کجا پوشیده است، از حلال یا ازحرام؟

۸۳۵
چگونگی حسابرسی

۳۰۰۶ . **امام علی** ﷺ ـ در پاسخ به سؤال از نحوهٔ محاسبهٔ نفْس ـ فرمود: چون صبح را به شب رساند، به سراغ نفْس خویش رود و بگوید: ای نفْس! امروز بر تو گذشت و هرگز سوی تو برنمی‌گردد. خداوند از تو خواهد پرسید که آن را چگونه سپری کردی ؟ در آن روز چه کردی ؟ آیا خدا را یاد کردی، یا سپاس و ستایشش گفتی؟ آیا حقّ برادر مؤمنی را گزاردی؟ آیا بار غمی از دل او برداشتی ؟ آیا در نبودِ او هوای زن و فرزندان او را داشتی ؟ آیا وقتی مُرد، به بازماندگان او رسیدگی کردی ؟ آیا با استفاده از مقام و موقعیّتت، از غیبت برادر مؤمنی جلوگیری کردی ؟ آیا مسلمانی را یاری رساندی ؟ چه کاری برای او کرده‌ای ؟ آن گاه کارهایی که کرده است بر می‌شمرد؛ اگر کار خیری از وی سر زده باشد، خدا را سپاس گوید و به شکرانهٔ توفیقی که به وی عنایت کرده، خدا را به بزرگی یاد کند، و اگر دید گناهی یا تقصیری از او سر زده است، از خداوند عزّوجلّ آمرزش بخواهد و تصمیم بگیرد که دیگر آن را تکرار نکند.

۸۳۶
ثَمَرَةُ المُحاسَبَةِ

۳۰۰۷ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: مَن تَعاهَدَ نَفْسَهُ بالمُحاسَبَةِ أمِنَ فيها المُداهَنَةَ.[3]

۸۳۶
ثمرهٔ محاسبهٔ نفْس

۳۰۰۷ . **امام علی** ﷺ: هرکس پیوسته به حساب نفْس خود برسد، از سازشکاری با او در امان ماند.

---

۱ . مكارم الأخلاق: ۲۶۶۱/۳۷۵/۲ .

۲ . بحار الأنوار: ۱۶/۷۰/۷۰ . ۳ . غرر الحكم: ۸۰۸۰ .

۴۰۰۸. عنه ﷺ: مَن حاسَبَ نفسَهُ وقَفَ علىٰ عُيوبِهِ، وأحاطَ بذُنوبِهِ، واستَقالَ الذُّنوبَ، وأصْلَحَ العُيوبَ.[۱]

۴۰۰۹. عنه ﷺ: ثَمَرَةُ المُحاسَبةِ صَلاحُ النَّفْسِ.[۲]

۴۰۱۰. عنه ﷺ: مَن حاسبَ نَفْسَهُ رَبِحَ، ومَن غَفَلَ عَنها خَسِرَ، ومَن خافَ أمِنَ.[۳]

۴۰۱۱. عنه ﷺ: حاسِبوا أنْفُسَكُم تَأمَنوا مِن اللهِ الرَّهَبَ، وتُدْرِكوا عِندَهُ الرَّغَبَ.[۴]

۴۰۱۲. عنه ﷺ: مَن حاسَبَ نَفسَهُ سَعِدَ.[۵]

۸۳۷
أوَّلُ ما يُسألُ عَنهُ المَرءُ

۴۰۱۳. رسولُ اللهِ ﷺ: أوَّلُ ما يُسألُ عَنهُ العَبدُ حُبُّنا أهلَ البيتِ.[۶]

۴۰۱۴. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنَّ أوَّلَ ما يُسألُ عنهُ العَبدُ إذا وَقفَ بينَ يَدي اللهِ جلَّ جلالُهُ الصَّلَواتُ المَفْروضاتُ، وعنِ الزَّكاةِ المَفْروضَةِ، وعنِ الصِّيامِ المَفروضِ، وعنِ الحَجِّ المَفْروضِ، وعَن وَلايَتِنا أهلَ البيتِ، فإنْ أقَرَّ بوَلايَتِنا ثُمَّ ماتَ علَيها قُبِلَتْ مِنهُ

۴۰۰۸. **امام علی** ﷺ: هر که به محاسبهٔ نفْس خود پردازد به عیبهایش آگاه شود و به گناهانش پی ببرد وگناهان را جبران کند و عیبها را برطرف سازد.

۴۰۰۹. **امام علی** ﷺ: ثمرهٔ محاسبه، اصلاح نفْس است.

۴۰۱۰. **امام علی** ﷺ: هرکه به حساب نفس خود برسد سود برد، و هر کس از آن غافل ماند زیان کند، و هرکس بترسد ایمن ماند.

۴۰۱۱. **امام علی** ﷺ: به حساب نفْس خود برسید، تا از تهدیدهای خدا در امان مانید و به نویدهای او دست یابید.

۴۰۱۲. **امام علی** ﷺ: هرکه نفس خود را حسابرسی کند نیکبخت شود.

۸۳۷
نخستین چیزی که از انسان دربارهٔ آن سؤال می‌شود

۴۰۱۳. **پیامبر خدا** ﷺ: نخستین چیزی که بنده دربارهٔ آن پرسش می‌شود، محبت ما خاندان است.

۴۰۱۴. **امام صادق** ﷺ: هنگامی که بنده در برابر خداوند، جلّ جلاله، بایستد نخستین پرسشی که از او می‌شود دربارهٔ نمازهای واجب، زکات واجب، روزهٔ واجب، حجّ واجب و ولایت ما اهل بیت است. اگر با اعتراف به ولایت و دوستی ما از این دنیا

---

۱. غرر الحكم: ۸۹۲۷. ۲. غرر الحكم: ۴۶۵۶.
۳. بحار الأنوار: ۲۷/۷۳/۷۰. ۴. غرر الحكم: ۴۸۹۴.
۵. غرر الحكم: ۷۸۸۷. ۶. عيون أخبار الرّضا: ۲۵۸/۶۲/۲.

صَلاتُهُ وصَومُهُ وزَكاتُهُ وحَجُّهُ.[۱]

(انظر) الصلاة: باب ۲۲۴۰.

القتل: باب ۳۲۱۹.

۸۳۸
ما لا يُحاسَبُ عَلَيهِ

۳۰۱۵. رسولُ اللهِ ﷺ: كُلُّ نَعيمٍ مَسؤولٌ عَنهُ يَومَ القِيامَةِ إلّا ما كانَ في سبيلِ اللهِ تعالىٰ.[۲]

۳۰۱۶. عنه ﷺ: كُلُّ نَعيمٍ مَسؤولٌ عَنهُ صاحِبُهُ إلّا ما كانَ في غَزْوٍ أو حَجٍّ.[۳]

۳۰۱۷. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: مَن ذَكَرَ اسمَ اللهِ علىٰ الطَّعامِ لَم يُسأَلْ عن نَعيمِ ذلكَ الطَّعامِ أبداً.[۴]

۳۰۱۸. **الإمامُ الباقرُ أو الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: ثلاثٌ لا يُسألُ عَنها العَبدُ: خِرْقَةٌ يُواري بها عَوْرَتَهُ، أو كِسْرَةٌ يَسُدُّ بها جَوْعَتَهُ، أو بَيتٌ يَكُنُّهُ مِن الحَرِّ والبَرْدِ.[۵]

۳۰۱۹. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: ثلاثةُ أشياءَ لا يُحاسَبُ العَبدُ المؤمنُ علَيهِنَّ: طَعامٌ يأكُلُهُ، وثَوبٌ

۱. الأمالي للصدوق: ۳۲۸/ ۳۸۸.
۲. بحار الأنوار: ۱۰/۲۶۱/۷.
۳. كتاب من لا يحضره الفقيه: ۲۲۳۱/۲۲۱/۲.
۴. الأمالي للصدوق: ۴۷۲/۳۷۴.
۵. مجمع البيان: ۸۱۲/۱۰.

بـرود، نـماز و روزه و زكـات و حـجّش پذيرفته می‌شود.

۸۳۸
آنچه مورد بازخواست قرار نمی‌گيرد

۳۰۱۵. **پيامبر خدا** ﷺ: روز قيامت از هر نعمتی باز خواست می‌شود، مگر آنچه در راه خداوند متعال صرف شده باشد.

۳۰۱۶. **پيامبر خدا** ﷺ: هـر صـاحب نـعمتی از نعمتهايش باز خواست می‌شود، مگر آنچه در جهاد يا حجّ مصرف شده باشد.

۳۰۱۷. **امام علی** ﷺ: هر كس در هنگام خوردن غذا نام خدا را بگويد، دربارهٔ نعمت آن خوراک هرگز مورد سؤال قرار نخواهد گرفت.

۳۰۱۸. **امام باقر يا امام صادق** ﷺ: سه چيز است كه بنده دربارهٔ آنها باز خواست نمی‌شود: تكّه پـارچـه‌ای كـه بـه وسـيلهٔ آن خـود را می‌پوشاند، تكّه نانی كـه بـا آن سـدّ جـوع می‌كند، و خانه‌ای كه او را از گرما و سـرما محفوظ می‌دارد.

۳۰۱۹. **امام صادق** ﷺ: سـه چـيز است كـه بـندهٔ مؤمن، دربارهٔ آنها باز خواست نـمی‌شود: غذايی كه می‌خورد، لباسی كـه مـی‌پوشد، همسر پـاكـی كـه او را مـددكار است و بـا

يَلْبَسُهُ، وزَوجَةٌ صالِحَةٌ تُعاوِنُهُ ويُحْصِنُ بها فَرْجَهُ.[1]

۸۳۹
ما يُحاسَبُ عَلَيهِ

الكتاب:

﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾.[2]

الحديث:

۳۰۲۰. رسولُ اللهِ ﷺ: لا تَزولُ قَدَما عَبدٍ يَومَ القِيامَةِ حتّىٰ يُسأَلَ عَن أربَعٍ: عَن عُمرِهِ فيما أفْناهُ، و(عَن) شَبابِهِ فيما أبْلاهُ، وعَن مالِهِ مِن أينَ اكْتَسَبهُ وفيما أنْفَقَهُ، وعَن حُبِّنا أهلَ البَيتِ.[3]

۳۰۲۱. الكافي عن أبي خالدٍ الكابُليِّ: دَخَلتُ علىٰ أبي جعفرٍ ﷺ فَدعا بالغَداءِ، فأكَلْتُ مَعهُ طَعاماً ما أكَلْتُ طَعاماً قَطُّ أنْظَفَ مِنهُ ولا أطْيَبَ، فلَمّا فَرَغْنا مِن الطَّعامِ قالَ: يا أبا خالدٍ، كَيفَ رَأيتَ طَعامَكَ، أو قالَ: طَعامَنا؟ قلتُ: جُعِلتُ فِداكَ، ما رأيتُ أطْيَبَ مِنهُ ولا أنْظَفَ قَطُّ، ولكنّي ذَكَرتُ الآيَةَ الَّتي في كتابِ اللهِ عزّوجلّ: ﴿... ثُمَّ

۱. بحار الأنوار: ۲۳/۲۶۵/۷. ۲. التكاثر: ۸.
۳. الخصال: ۱۲۵/۲۵۳.

وجود او، از آلوده شدن به گناه محفوظ می‌ماند.

۸۳۹
آنچه مورد بازخواست قرار می‌گیرد

قرآن:

«سپس به یقین درآن روز از نعمت باز خواست می‌شوید».

حدیث:

۳۰۲۰. **پیامبر خدا ﷺ**: در روز قیامت، بنده قدم از جای خود بر ندارد تا آن گاه که از چهار چیز باز خواست شود: از عمرش، که در چه راهی صرف کرده است؟ از جوانیش؛ که در چه راهی به سر آورده است؟ از مالش؛ که از کجا آورده و در کجا خرج کرده است؟ و از دوستی ما خاندان.

۳۰۲۱. **الكافي** ـ به نقل از ابوخالد کابلی ـ: خدمت امام باقر ﷺ رسیدم. دستور داد صبحانه آوردند من نیز با آن حضرت غذا خوردم، غذایی که تا آن وقت به آن خوبی و خوشمزگی نخورده بودم. وقتی از خوردن دست کشیدیم فرمود: ای ابو خالد! غذایت ـ یا فرمود: غذای ما ـ را چگونه یافتی؟ عرض کردم: قربانت گردم. هرگز غذایی به این خوبی و خوشمزگی ندیده‌ام؛ اما این آیه از کتاب خدا به یادم آمد:

لَتُسْأَلُنَّ يَومَئِذٍ عنِ النَّعيمِ﴾. قالَ أبو جعفرٍ ﷺ: لا إنّما تُسألون عَمّا أنتُم علَيهِ مِن الحقِّ.[۱]

۳۰۲۲. **الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿لَتُسْأَلُنَّ يَومَئِذٍ عَنِ النَّعيمِ﴾ ـ:** تُسألُ هٰذهِ الأُمَّةُ عَمّا أنعَمَ اللهُ علَيهِم برسولِ اللهِ ﷺ ثُمَّ بأهْلِ بَيْتِهِ ﷺ.[۲]

۳۰۲۳. **عنه ﷺ ـ أيضاً ـ:** نَحنُ مِن النَّعيمِ.[۳]

۳۰۲۴. **عنه ﷺ ـ أيضاً ـ:** إنَّ اللهَ أكْرَمُ مِن أنْ يَسألَ مؤمناً عَن أكْلِهِ وشُرْبِهِ.[۴]

۳۰۲۵. **عنه ﷺ:** كانَ فيما وَعَظَ بِهِ لُقمانُ ابنَهُ: اعْلَمْ أنَّكَ ستُسألُ غَداً إذا وَقَفْتَ بينَ يدَيِ اللهِ عزّوجلّ عَن أربعٍ: شَبابِكَ فيما أبْلَيْتَهُ، وعُمرِكَ فيما أفْنَيْتَهُ، ومالِكَ مِمّا اكْتَسَبْتَهُ، وفيما أنْفَقْتَهُ، فتَأهَّبْ لِذلكَ وأعِدَّ لَهُ جَواباً.[۵]

۳۰۲۶. **عنه ﷺ ـ في قولِ اللهِ: ﴿إنَّ السَّمْعَ والبَصَرَ والفُؤادَ كُلُّ أُولئكَ كانَ عَنْهُ مَسؤولاً﴾ ـ:** يُسألُ السَّمعُ عَمّا يَسمَعُ، والبَصرُ عَمّا

«...سپس آن روز از نعمت باز خواست می‌شوید». امام باقر ﷺ فرمود: آنچه درباره‌اش از شما باز خواست می‌کنند، عقیدهٔ حقّی است که شما دارید.

۳۰۲۲. **امام صادق ﷺ** ـ دربارهٔ آیهٔ «در آن روز از نعمت سؤال می‌شوید» ـ فرمود: این امّت دربارهٔ نعمت وجود رسول خدا ﷺ و سپس اهل بیت ﷺ که خداوند به آنان داده است، بازخواست می‌شوند.

۳۰۲۳. **امام صادق ﷺ** ـ نیز در ذیل همین آیه ـ فرمود: ما جزو این نعمتیم.

۳۰۲۴. **امام صادق ﷺ** ـ نیز دربارهٔ همین آیه ـ فرمود: خداوند کریمتر از آن است که از مؤمنی دربارهٔ خورد و خوراکش باز خواست کند.

۳۰۲۵. **امام صادق ﷺ:** از جمله اندرزهای لقمان به پسرش این بود: بدان که فردا چون در برابر خداوند عزّوجلّ بایستی، از چهار چیز باز خواست شوی: جوانیت؛ که در چه راهی به سر آوردی؟ عمرت؛ که در چه راهی صرف کردی؟ مال و دارایی‌ات؛ که از کجا آوردی و در چه راهی خرج کردی؟ پس، برای آن هنگام مهیّا شو و پاسخی آماده کن.

۳۰۲۶. **امام صادق ﷺ** ـ دربارهٔ آیهٔ «گوش و چشم و دل همگی بازخواست خواهند شد» ـ فرمود: از گوش دربارهٔ شنیده‌هایش سؤال می‌شود و از چشم دربارهٔ دیده‌هایش و از

---

۱. الكافي: ۵/۲۸۰/۶. ۲. بحار الأنوار: ۳۹/۲۷۲/۷.
۳. الأمالي للطوسي: ۵۱۰/۲۷۲.
۴. المحاسن: ۱۴۲۶/۱۶۳/۲.
۵. الكافي: ۲۰/۱۳۴/۲.

۸۸ ـــــــ

مِن الدُّنيا شَيئاً تُسألُ عَنهُ غَداً فافعَلْ.[1]

۴۰۳۱. عنه ﷺ: إنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ تُهَوِّنُ الحِسابَ يَومَ القِيامَةِ، ثُمَّ قَرأَ: ﴿(الَّذينَ) يَصِلونَ ما أمَرَ اللهُ بِهِ أنْ يُوصَلَ ويَخْشَونَ رَبَّهُم ويَخافُونَ سُوءَ الحِسابِ﴾.[2]

شوی، این کار را بکن.

۴۰۳۱. **امام صادق** ﷺ: صلهٔ رحم، حسابرسی روز قیامت را آسان می‌کند. سپس این آیه را تلاوت کرد: «آنان که آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده است پیوند می‌دهند و از پروردگارشان می‌ترسند و از سختی حسابرسی بیم دارند».

۸۴۱
أصنافُ النّاسِ فِي الحِسابِ

۸۴۱
گروههای مردم در حسابرسی

۴۰۳۲. رسولُ اللهِ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿ثُمَّ أوْرَثْنا الكِتابَ الَّذينَ اصْطَفَيْنا مِن عِبادِنا فَمِنهُم ظالِمٌ لِنَفسِهِ ومِنهُم مُقتَصِدٌ ومِنهُم سابِقٌ بالخَيراتِ بإذنِ اللهِ...﴾[3] ـ: فأمّا الَّذينَ سَبَقوا فأُولئكَ يَدْخُلونَ الجَنَّةَ بِغَيرِ حِسابٍ، وأمّا الَّذينَ اقْتَصَدوا فأُولئكَ يُحاسَبونَ حِساباً يَسيراً، وأمّا الَّذينَ ظَلَموا أنفسَهُم فأُولئكَ الَّذينَ يُحْبَسونَ في طُولِ المَحْشَرِ.[4]

۴۰۳۲. **پیامبرخدا** ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «سپس کتاب را به کسانی که برگزیدیم به ارث دادیم پس برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از ایشان میانه رو و برخی از آنان در کارهای نیک به اذن خدا پیشتازند» ـ فرمود: پیشتازان، بدون حسابرسی وارد بهشت می‌شوند و میانه‌روها به آسانی حسابرسی می‌شوند و آنان که به خود ستم کردند، کسانی‌اند که در تمام مدّت محشر نگهداشته می‌شوند.

۴۰۳۳. عنه ﷺ: أُمَّتي ثلاثةُ أثلاثٍ: فثُلثٌ يَدخُلونَ الجَنَّةَ بِغَيرِ حِسابٍ ولا عَذابٍ، وثُلثٌ يُحاسَبونَ حِساباً يَسيراً ثُمَّ يَدخُلونَ

۴۰۳۳. **پیامبر خدا** ﷺ: امت من به سه قسمت تقسیم می‌شوند: یک سوم، بدون حساب و عذابی به بهشت می‌روند، یک سوم، حسابرسی آسانی دارند و سپس وارد بهشت می‌شوند و یک سوم دیگر، گداخته

---

۱. بحار الأنوار: ۱۱/۱۹۴/۷۷.
۲. بحار الأنوار: ۵۴/۱۰۲/۷۴.
۳. فاطر: ۳۲.
۴. کنز العمّال: ۳۰۳۱.

الجَنَّةَ، وثُلثٌ يُمَحَّصونَ ويُكْشَفونَ.[۱]

و خالص می‌شوند.

۳۰۳۴ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: والنّاسُ يَومَئذٍ علىٰ طَبَقاتٍ ومَنازِلَ، فمِنهُم مَن يُحاسَبُ حِساباً يَسيراً ويَنْقَلِبُ إلىٰ أهْلِهِ مَسْروراً، ومِنهُمُ الّذينَ يَدخُلونَ الجَنَّةَ بغَيرِ حِسابٍ؛ لأنَّهُم لَم يَتَلَبَّسوا مِن أمْرِ الدُّنيا بشَيءٍ، وإنّما الحِسابُ هُناكَ علىٰ مَن تَلَبَّسَ بها هاهُنا، ومِنهُم مَن يُحاسَبُ علىٰ النَّقيرِ والقِطْميرِ ويَصيرُ إلىٰ عَذابِ السَّعيرِ.[۲]

۳۰۳۴ . **امام علی** ﷺ: در آن روز مردم چند گروهند: برخی از آنان مختصری حسابرسی می‌شوند و شادمان نزد خانوادهٔ خود برمی‌گردند، برخی بدون حسابرسی وارد بهشت می‌شوند؛ زیرا هیچ آلودگی دنیوی ندارند؛ کسی در آن جا حسابرسی می‌شود که در این جا به دنیا آلوده شده باشد؛ بعضی هم دربارهٔ گودی زیر هستهٔ خرما و پوست نازک بین خرما و هستهٔ آن (دربارهٔ کمترین جزئیات اعمالشان) باز خواست و به عذاب آتش شعله ور گرفتار می‌شوند.

۸۴۲
سوءُ الحِسابِ

۸۴۲
حسابرسی سخت و شدید

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الكتاب:

﴿لِلَّذينَ اسْتَجابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنىٰ وَالَّذينَ لَمْ يَسْتَجيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَميعاً وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوا بِهِ أُولٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾.[۳]

﴿وَالَّذينَ يَصِلُونَ ما أَمَرَ اللهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ﴾.[۴]

قرآن:

«برای آنان که دعوت پروردگارشان را پذیرفتند پاداش نیکویی است. وکسانی که دعوت او را نپذیرفته‌اند، اگر هر آنچه راکه بر روی زمین است و همانند آن را داشته باشند، فدا دهند، آنان به سختی باز خواست خواهند شد و مکانشان جهنم است و بد جایگاهی است».

«و آنان که آنچه را خداوند به پیوند دادن آن فرمان داده است پیوند می‌دهند و از پروردگارشان می‌ترسند و از سختی حسابرسی بیم دارند».

الحديث:

۳۰۳۵ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ:

حدیث:

۳۰۳۵ . **امام صادق** ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «و از سختی

۱ . كنز العمّال: ۳۴۵۲۲.
۲ . الاحتجاج: ۱/۵۷۲/۱۳۷.
۳ . الرعد: ۱۸.
۴ . الرعد: ۲۱.

﴿ويَخافُونَ سُوءَ الحِسابِ﴾ ـ: يُحْسَبُ علَيهِمُ السَّيِّئاتُ ويُحْسَبُ لَهُمُ الحَسَناتُ، وهُو الاسْتِقْصاءُ.[1]

۴۰۳۶. **تفسير العياشي** عن حماد بن عثمان: ان أبا عبدالله ﷺ قال لِرجُلٍ شَكاهُ بعضُ إخوانِهِ: ما لِأخيكَ فُلانٍ يَشْكوكَ؟ فقالَ: أيَشْكوني أنِ اسْتَقْصَيْتُ حَقّي؟!

قالَ: فجَلَسَ مُغْضَباً، ثُمَّ قالَ: كأنَّكَ إذا اسْتَقْصَيْتَ لَم تُسِئْ؟! أرأيتَ ما حكىٰ اللهُ تبارَكَ وتعالىٰ: ﴿ويَخافونَ سُوءَ الحِسابِ﴾، أخافوا أنْ يَجورَ علَيهِم؟! لا واللهِ، ما خافوا إلّا الاسْتِقْصاءَ، فسَمّاهُ اللهُ سُوءَ الحِسابِ، فمَنِ اسْتَقْصىٰ فَقَد أساءَ.[2]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۳ / ۱۰۰ باب ۱۶.

حسابرسی بیم دارند» ـ فرمود: بدیها و خوبیهایشان به طور دقیق و کامل حسابرسی می‌شود.

۴۰۳۶. **تفسیر عیاشی** ـ به نقل از حماد بن عثمان ـ: امام صادق ﷺ به مردی که یکی از برادرانش، از او شکوه کرده بود فرمود: چرا فلان برادرت از تو شکایت دارد؟ عرض کرد: آیا از این که تمام حقّ خود را از او خواسته‌ام شکایت دارد؟!

حضرت با عصبانیت نشست و آن گاه فرمود: خیال می‌کنی این که تمام حقّت را از او خواسته‌ای کار بدی نیست؟ آیا وقتی خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «و از سختی حسابرسی می‌ترسند» ترسشان از این است که خدا به آنها ستم کند؟ نه به خدا، ترس آنها جز از حسابرسی موشکافانه نیست، که خداوند آن را حسابرسی سخت و سنگین نامیده است؛ پس هر که تمام حقّ خود را بخواهد بد کرده است.

۸۴۳
مَن يُحاسَبُ حِساباً يَسيراً

الكتاب:

﴿فَأَمّا مَنْ أُوتِيَ كِتابَهُ بِيَمِينِهِ * فَسَوْفَ يُحاسَبُ حِساباً يَسِيراً﴾.[3]

۸۴۳
کسانی که آسان حسابرسی می‌شوند

قرآن:

«هر کس نامهٔ اعمالش به دست راستش داده شود، آسان حسابرسی خواهد شد».

---

۱. بحار الأنوار: ۷/۲۶۶/۲۶.
۲. تفسير العياشي: ۲ / ۲۱۰ / ۴۱.
۳. الانشقاق: ۷، ۸.

الحديث:

٤٠٣٧ . الإمامُ الباقرُ عليه السلام: قالَ رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: كُلُّ مُحاسَبٍ مُعذَّبٌ، فقالَ لَهُ قائلٌ: يا رسولَ اللهِ، فأينَ قولُ اللهِ عزّوجلّ: ﴿فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِساباً يَسيراً﴾ ؟ قالَ: ذلكَ العَرْضُ، يَعني التَّصَفُّحَ.[1]

٤٠٣٨ . المستدرك على الصحيحين عن أبي هريرة: قالَ رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: ثَلاثٌ مَن كُنَّ فيهِ حاسَبَهُ اللهُ حِساباً يَسيراً، وأدْخَلَهُ الجَنَّةَ برَحمَتِهِ. قالوا: لمن يا رسولَ اللهِ ؟ قالَ: تُعْطي مَن حَرَمَكَ، وتَعْفو عَمَّن ظَلَمَكَ، وتَصِلُ مَن قَطَعَكَ.[2]

٤٠٣٩ . الإمامُ الصّادقُ عليه السلام: إذا بَعثَ اللهُ المؤمنَ مِن قَبرِهِ خَرجَ مَعهُ مِثالٌ يَقْدِمُ أمامَهُ، كُلّما رأىٰ المؤمنُ هَوْلاً مِن أهْوالِ يَومِ القِيامَةِ قالَ لَهُ المِثالُ: لا تَفْزَعْ ولا تَحْزَنْ وأبْشِرْ بالسُّرورِ والكَرامَةِ مِن اللهِ عزّوجلّ، حتّىٰ يَقِفَ بَينَ يَدَيِ اللهِ عزّوجلّ فيُحاسِبَهُ حِساباً يَسيراً.[3]

٤٠٤٠ . تفسير نور الثقلين: رُوِيَ: إنَّ الحِسابَ اليَسيرَ هُوَ الإثابَةُ علىٰ الحَسَناتِ والتَّجاوُزُ

---

١ . معاني الأخبار: ١/٢٦٢.

٢ . المستدرك على الصحيحين: ٣٩١٢/٥٦٣/٢.

٣ . الكافي: ٨/١٩٠/٢.

حديث:

٤٠٣٧ . امام باقر عليه السلام: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر ک
حسابرسی شود عذاب شدنی است. کسی
به آن حضرت عرض کرد: ای رسول خدا
پس این سخن خداوند عزّوجلّ چ
می‌شود که: «آسان حسابرسی خواهد
شد»؟ پیامبر فرمود: آن، یک دیدن و مرور
است، یعنی تورّقی بیش نیست.

٤٠٣٨ . المستدرک علی الصحیحین ـ به نقل از ابو
هریرة ـ: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: س
خصلت است که در هر کسی باشد خداوند
حسابرسی آسانی از او به عمل آورد و ب
رحمت خود، او را وارد بهشت کند. عرض
کردند: آن سه چیست ای رسول خدا
فرمود: به کسی که تو را [از چیزی] محرو
کرده عطا کنی، با کسی که رابطه‌اش را با تو
قطع کرده پیوند برقرار کنی، و از کسی که ب
تو ستم کرده است درگذری.

٤٠٣٩ . امام صادق عليه السلام: آن گاه که خداوند مؤمن ر
از قبرش برانگیزد، همراه او مِثالی بیرون
آید که پیشاپیش او حرکت می‌کند و
هرزمان که مؤمن با یکی از صحنه‌های
هراس‌انگیز قیامت رو به رو شود، آن مثال
می‌گوید: نترس و غم مخور؛ مژده باد تو ر
به شادمانی و کرامت خداوند عزّوجلّ؛ ت
آن که مؤمن در برابر خداوند عزّوجلّ
می‌ایستد و حسابرسی آسانی می‌شود.

٤٠٤٠ . تفسیر نورالثقلین: روایت شده است ک
حسابرسی آسان، پاداش دادن به کارهای

عنِ السَّيِّئاتِ، ومَن نُوقِشَ الحِسابَ عُذِّبَ.[۱]

۸۴۴
مَن يَدخُلُ الجَنَّةَ بِغَيرِ حِسابٍ

الكتاب:

﴿قُل يا عِبادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُم لِلَّذِينَ أَحسَنُوا فِي هٰذِهِ الدُّنيا حَسَنَةٌ وَأَرضُ اللهِ وَاسِعَةٌ إِنَّما يُوَفَّى الصّابِرُونَ أَجرَهُم بِغَيرِ حِسابٍ﴾.[۲]

الحديث:

۳۰۴۱. رسولُ اللهِ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿ثُمَّ أَورَثنا الكِتابَ الَّذينَ اصطَفَينا...﴾[۳] ـ: فأمّا الَّذينَ سَبَقوا فأُولئكَ يَدخُلونَ الجَنَّةَ بِغَيرِ حِسابٍ.[۴]

۳۰۴۲. عنه ﷺ: يَقولُ اللهُ تعالىٰ: أيْ عِبادِيَ الَّذينَ قاتَلوا في سَبيلي، وقُتِلوا وأُوذوا في سَبيلي، وجاهَدوا في سَبيلي، ادْخُلوا الجَنَّةَ، فَيَدخُلونَها بِغَيرِ عَذابٍ ولا حِسابٍ.[۵]

۳۰۴۳. عنه ﷺ: يَكْفيكَ مِنها [أيْ مِن الدُّنيا] ما سَدَّ

نیک و چشم پوشی از گناهان است. اگر در حسابرسیِ کسی چون و چرا شود، عذاب خواهد شد.

۸۴۴
کسانی که بدون حسابرسی به بهشت می‌روند

قرآن:

«بگو: ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! از پروردگار خود بترسید. برای آنان که در حیات این‌جهانی نیکی کرده‌اند پاداش نیک است و زمین خداوند فراخ است. مزد صابران بی حساب و نقص داده می‌شود».

حدیث:

۳۰۴۱. **پیامبر خدا** ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «آن گاه کتاب را به کسانی که برگزیده‌ایم به ارث دهیم...» ـ فرمود: پیشتازان بدون حسابرسی به بهشت روند.

۳۰۴۲. **پیامبر خدا** ﷺ: خداوند متعال فرموده است: ای بندگان من که در راه من جنگیدید و در راه من کشته شدید و آزار دیدید و در راه من جهاد کردید! به بهشت درآیید، پس، آنان، بی آن که عذابی ببینند وحسابرسی شوند، به بهشت درآیند.

۳۰۴۳. **پیامبر خدا** ﷺ: از دنیا همان اندازه که

---

۱. تفسیر نور الثقلین: ۱۴/۵۳۷/۵.
۲. الزمر: ۱۰. ۳. فاطر: ۳۲.
۴. کنز العمّال: ۳۰۳۱. ۵. کنز العمّال: ۱۶۶۳۵.

جُوعَكَ ووارىٰ عَوْرَتَكَ، فإنْ يَكُن بَيتٌ يَكُنُّكَ فَذاكَ، وإنْ تَكُنْ دابَّةٌ تَرْكَبُها فبَخٍ بَخٍ، وإلّا فالخُبزُ وماءُ الجَرِّ، وما بَعدَ ذلكَ حِسابٌ علَيكَ أو عَذابٌ.[1]

گرسنگی تو را برطرف سازد و بدن برهنه‌ات را بپوشاند، تو را بس است. اگر خانه‌ای باشد که تو را محفوظ دارد، چه خوب و اگر مرکبی باشد که سوارش شوی، که به به و اگر اینها را نداشتی به همان نان و آب سبو بسنده کن، که بیش از آن، یا سبب بازخواست تو خواهد شد، یا مایهٔ عذاب تو خواهد گشت.

۲۰۳۳. عنه ﷺ: إذا كانَ يَومُ القِيامَةِ أنبَتَ اللهُ لِطائفةٍ مِن أُمّتي أجْنِحَةً، فيَطيرونَ مِن قُبورِهِم إلىٰ الجِنانِ يَسْرَحونَ فيها ويَتَنعَّمونَ كيفَ شاؤوا، فتَقولُ لَهُمُ المَلائكَةُ: هَل رَأيتُم حِساباً؟ فيقولونَ: ما رَأينا حِساباً، فيقولونَ: هَل جُزتُم علىٰ الصِّراطِ؟ فيقولونَ: ما رَأينا صِراطاً، فيقولونَ لَهُم: هَل رَأيتُم جَهَنَّمَ؟ فيقولونَ: ما رَأينا شَيئاً، فتقولُ المَلائكَةُ: مِن أُمّةِ مَن أنتُم؟ فيقولونَ: مِن أُمّةِ محمّدٍ ﷺ.

فيقولونَ: نَشَدْناكُمُ اللهَ، حَدِّثونا ما كانَتْ أعْمالُكُم في الدُّنيا؟ فيقولونَ: خَصْلَتانِ كانَتا فِينا، فَبلَّغَنا اللهُ هذهِ المنزِلَةَ بفَضْلِ رَحمَتِهِ، فيقولونَ: وما هُما؟ فيقولونَ: كُنّا إذا خَلَونا نَستَحي أنْ نَعْصِيَهُ، ونَرْضىٰ باليَسيرِ مِمّا قَسمَ لَنا، فتقولُ المَلائكَةُ: يَحِقُّ لَكُم هٰذا.[2]

۲۰۳۳. **پیامبر خدا** ﷺ: در روز رستاخیز، خداوند برای گروهی از امّت من بالهایی می‌رویاند که با آنها از گورهای خود به بهشت پرواز می‌کنند و در آن به گشت و گذار می‌پردازند و هرگونه بخواهند از نعمتهایش برخوردار می‌شوند. فرشتگان از آنها پرسند: آیا حسابرسی شدید؟ جواب دهند: ما حسابی ندیدیم. پرسند: آیا از صراط گذشتید؟ پاسخ دهند: ما صراطی ندیدیم. پرسند: آیا دوزخ را دیدید؟ پاسخ دهند: ما چیزی ندیدیم. فرشتگان گویند: شما از امت که هستید؟ پاسخ دهند: از امت محمّد ﷺ. فرشتگان گویند: شما را به خدا سوگند می‌دهیم به ما بگویید که اعمال شما در دنیا چه بود؟ پاسخ دهند: دوخصلت در ما بود که خداوند به فضل رحمت خود ما را بدین مقام رساند. پرسند: آن دو خصلت کدام است؟ گویند: ما در خلوت و تنهایی خود از معصیت خدا شرم می‌کردیم، و به همان اندک روزیی که قسمت ما شده بود خرسند بودیم. پس فرشتگان گویند: این مقام حقّ شماست.

---

۱. بحار الأنوار: ۱۵/۳۱۳/۷۰.

۲. تنبيه الخواطر: ۲۳۰/۱.

۳۰۳۵ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: مَن عَمِلَ للهِ تعالىٰ أعْطاهُ أجْرَهُ في الدُّنيا والآخِرَةِ، وكَفاهُ المُهِمَّ فيهِما، وقَد قالَ اللهُ تعالىٰ: ﴿يا عِبادِ الَّذينَ آمَنوا اتَّقوا رَبَّكُمْ لِلَّذينَ أحْسَنوا في هٰذِهِ الدُّنيا حَسَنَةٌ وأرْضُ اللهِ واسِعَةٌ إنَّما يُوَفَّى الصّابِرونَ أجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسابٍ﴾، فما أعطاهُمُ اللهُ في الدُّنيا لَم يُحاسِبْهُم بِهِ في الآخِرَةِ.[1]

۳۰۳۵ . **امام علی** ﷺ: کسی که برای خداوند متعال کار کند، خداوند مزد او را در دنیا و آخرت عطا فرماید و خواسته‌های او را در هر دو سرای بر آورد؛ خداوند متعال فرموده است: «ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! از پروردگار خود بترسید. برای کسانی که در این دنیا نیکی کنند پاداش نیک است و زمین خدا فراخ می‌باشد. جز این نیست که شکیبایان مزد خود را بی‌حساب و نقص دریافت می‌کنند». آنچه را که خداوند در دنیا به آنان بدهد، در آخرت با ایشان حساب نمی‌کند.

۳۰۳۶ . **الإمامُ زينُ العابدينَ** ﷺ: إذا جَمَعَ اللهُ الأوَّلينَ والآخِرينَ يُنادي مُنادٍ: أينَ الصّابِرونَ لِيَدْخُلوا الجَنَّةَ جَميعاً بِغَيرِ حِسابٍ ...: قالَتِ المَلائكَةُ لَهُم: مَن أنتُم؟ قالوا: الصّابِرونَ. قالوا: وما كانَ صَبْرُكُم؟ قالوا: صَبَرْنا علىٰ طاعَةِ اللهِ، وصَبَرْنا عَن مَعصِيَةِ اللهِ.[2]

۳۰۳۶ . **امام زین العابدین** ﷺ: آن گاه که خداوند همهٔ انسانها را گرد آورد، منادیی جار زند: کجایند شکیبایان که همگی بدون حسابرسی به بهشت روند... فرشتگان به ایشان گویند: شما که هستید؟ گویند: شکیبایان. فرشتگان پرسند: شکیبایی شما چه بود؟ پاسخ دهند: در راه طاعت خدا و خویشتنداری از نافرمانی او شکیبایی ورزیدیم.

۳۰۳۷ . **عنه** ﷺ: إذا جَمعَ اللهُ عزّوجلّ الأوَّلينَ والآخِرينَ، قامَ مُنادٍ فنادىٰ يُسمِعُ النّاسَ فيقولُ: أينَ المُتَحابّونَ في اللهِ؟ قالَ: فيَقومُ عُنُقٌ مِن النّاسِ فيُقالُ لَهُم: اذْهَبوا إلَى الجَنَّةِ بِغَيرِ حِسابٍ.[3]

۳۰۳۷ . **امام زین العابدین** ﷺ: آن گاه که خداوند عزّوجلّ همهٔ آدمیان را، از اولین تا آخرین نفر، جمع کند منادیی برخیزد و با صدایی که همگان بشنوند بانگ برآورد: کجایند آنان که برای خدا دوستی می‌ورزیدند؟ پس گروهی از مردم برخیزند و به آنان گفته شود: بدون حسابرسی وارد بهشت شوید.

۳۰۳۸ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: قالَ رسولُ اللهِ ﷺ: إذا

۳۰۳۸ . **امام صادق** ﷺ: رسول خدا ﷺ فرمود: آن

---

۱. الأمالي للطوسي: ۳۱/۲۶. ۲. بحار الأنوار: ۲۲/۱۳۸/۸۲.
۳. الكافي: ۸/۱۲۶/۲.

نُشِرَتِ الدَّواوينُ ونُصِبَتِ المَوازينُ لم يُنْصَبْ لأهلِ البَلاءِ مِيزانٌ، ولَم يُنْشَرْ لَهُم دِيوانٌ، وتلا هٰذِهِ الآيةَ: ﴿... إنَّما يُوَفَّى الصّابِرونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسابٍ﴾.[1]

۴۰۴۹. **عنه** ﷺ: إذا كانَ يَومُ القِيامَةِ قامَ عُنُقٌ مِن النّاسِ حتّىٰ يَأتوا بابَ الجَنَّةِ فيَضْرِبوا بابَ الجَنَّةِ، فيُقالُ لَهُم: مَن أنتُم؟ فيقولونَ: نحنُ الفُقَراءُ، فيقالُ لَهُم: أقَبْلَ الحِسابِ؟! فيقولونَ: ما أعْطَيْتُمونا شَيئاً تُحاسِبونا علَيهِ! فيقولُ اللهُ عزّوجلّ: صَدَقوا، ادْخُلوا الجَنَّةَ.[2]

(انظر) الإيثار: باب ۳.

الفضيلة: باب ۳۱۶۷.

الجار: باب ۶۵۴.

گاه که نامه‌های اعمال گشوده و ترازوها برپا شود، برای بلادیدگان ترازویی برپا نگردد و نامهٔ عملی گشوده نشود. آن گاه این آیه را تلاوت کرد: «جز این نیست که شکیبایان مزد خود را بی‌حساب و نقص دریافت می‌کنند».

۴۰۴۹. **امام صادق** ﷺ: در روز قیامت گروهی از مردم برخیزند و نزدیک بهشت آیند و در را بکوبند. به آنان گفته شود: شما کیستید؟ گویند: ما تهیدستانیم. گفته شود: آیا پیش از حسابرسی می‌خواهید وارد بهشت شوید؟ گویند: به ما چیزی ندادید تا دربارهٔ آن از ما باز خواست کنید. پس، خداوند عزّوجلّ فرماید: راست می‌گویند؛ به بهشت در آیید.

۸۴۵

مَن يَدخُلُ النّارَ بِغَيرِ حِسابٍ

کسانی که بدون حسابرسی به دوزخ می‌روند

۴۰۵۰. **رسولُ اللهِ** ﷺ: إنَّ اللهَ عزّوجلّ يُحاسِبُ كُلَّ خَلقٍ إلّا مَن أشْرَكَ باللهِ، فإنَّهُ لا يُحاسَبُ يَومَ القِيامَةِ ويُؤْمَرُ بِهِ إلىٰ النّارِ.[3]

۴۰۵۰. **پیامبر خدا** ﷺ: خداوند عزّوجلّ از همهٔ خلایق حساب می‌کشد مگر از کسی که به خدا شرک ورزیده باشد. در روز قیامت دستور داده می‌شود که او را بدون حسابرسی به دوزخ افکنند.

۴۰۵۱. **عنه** ﷺ: سِتَّةٌ يَدْخُلونَ النّارَ بِغَيرِ حِسابٍ:

۴۰۵۱. **پیامبر خدا** ﷺ: شش گروه بدون حسابرسی

---

۱. مشكاة الأنوار: ۱۷۴۲/۵۱۷.

۲. الكافي: ۱۹/۲۶۴/۲. ۳. عيون أخبار الرضا: ۶۶/۳۴/۲.

الأُمَـراءُ بـالجَورِ، والعَـرَبُ بـالعَصَبيَّةِ، والدَّهـاقِينُ بـالكِبْرِ، والتُّجّارُ بـالكِذْبِ، والعُلَماءُ بالحَسدِ، والأغْنياءُ بالبُخْلِ.[۱]

۳۰۵۲. **تنبیه الخواطر**: ـ قال رسول الله ﷺ ـ: سِتَّةٌ يَدخُلونَ النّارَ قَبلَ الحِسابِ بِستَّةٍ. قيلَ: يا رسولَ اللهِ صلّىٰ اللهُ علَيكَ، مَن هُم؟ قـالَ: الأُمَـراءُ بـالجَورِ، والعَـرَبُ بـالعَصَبيَّةِ، والدَّهـاقينُ بـالكِبْرِ، والتُّـجّارُ بـالخِيانَةِ، وأهـلُ الرُّسْـتاقِ بـالجَهالَةِ، والعُـلَماءُ بالحَسدِ.[۲]

۳۰۵۳. **الإمامُ زينُ العابدينَ** ﷺ: اعْلَموا ـ عِبادَ اللهِ ـ أنَّ أهْلَ الشِّركِ لا يُنْصَبُ لَهُمُ المَوازينُ، ولا يُنْشَرُ لَهُمُ الدَّواوينُ، وإنَّما يُـحْشَرونَ إلىٰ جَهَنَّمَ زُمَراً، وإنَّما نَصْبُ المَوازينِ ونَشْـرُ الدَّواوينِ لأهْلِ الإسلامِ.[۳]

۳۰۵۴. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: ثَلاثَةٌ يُدْخِلُهُمُ اللهُ النّارَ بغَيرِ حِسابٍ... إمامٌ جائرٌ، وتاجرٌ كَذوبٌ، وشَيخٌ زانٍ.[۴]

(انظر) العذاب: باب ۲۵۲۸.

به دوزخ می‌روند: فرمانروایان به سبب ستمگری، عربها به سبب عصبیّت [قبیله‌ای و نژادی]، ملّاکان به سبب تکبّر، بازرگانان به سبب دروغگویی، علما به سبب حسادت و ثروتمندان به سبب بخل.

۳۰۵۲. **تنبیه الخواطر**: پیامبر خدا ﷺ فرمود: شش گروهند که بدون حسابرسی به سبب شش خصلت به دوزخ می‌روند. عرض شد: یا رسول الله! درود خدا بر تو، آنان کیستند؟ فرمود: فرمانروایان به سبب ستمگری، عربها به سبب عصبیّت [قبیله‌ای و نژادی]، ملّاکان به سبب کبر، بازرگانان به سبب خیانت، روستائیان به سبب جهالت و نادانی و علما به سبب حسادت.

۳۰۵۳. **امام زین العابدین** ﷺ: ای بندگان خدا! بدانید که برای مشرکان نه ترازوها برپا می‌شود و نه نامه‌های اعمال گشوده می‌گردد، بلکه دسته جمعی به سوی دوزخ رانده می‌شوند. همانا برپا شدن ترازوها و گشوده شدن نامهٔ اعمال تنها برای اهل اسلام صورت می‌پذیرد.

۳۰۵۴. **امام صادق** ﷺ: سه نفرند که خداوند آنها را بدون حسابرسی به دوزخ می‌برد... پیشوای منحرف و ستمگر، تاجر دروغگو و پیرمرد زناکار.

---

۱. کنز العمّال: ۴۴۰۳۰.
۲. تنبیه الخواطر: ۱۲۷/۱.
۳. الکافي: ۲۹/۷۵/۸.
۴. الخصال: ۱/۸۰.

۸۴۶
أسرَعُ الحاسِبِينَ

الكتاب:

﴿إنَّ اللهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾.[1]

﴿ثُمَّ رُدُّوا إلَى اللهِ مَوْلاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ﴾.[2]

الحديث:

۴۰۵۵. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ ـ وقد سُئِلَ: كيفَ يُحاسِبُ اللهُ الخَلْقَ علىٰ كَثْرَتِهِم؟ ـ: كما يَرْزُقُهم علىٰ كَثْرَتِهِم.[3]

۴۰۵۶. **مجمع البيان:** ورُوِيَ: إنَّهُ سُبحانَهُ يُحاسِبُ جَميعَ عِبادِهِ علىٰ مِقْدارِ حَلْبِ شاةٍ. وهٰذا يدُلُّ علىٰ أنَّهُ لا يَشْغَلُهُ مُحاسَبَةُ أحَدٍ عَن مُحاسَبَةِ غَيرِهِ، ويَدُلُّ علىٰ أنَّهُ سُبحانَهُ يَتكلَّمُ بلا لِسانٍ ولَهَواتٍ؛ لِيَصِحَّ أنْ يُحاسِبَ الجَميعَ في وَقتٍ واحدٍ.[4]

۸۴۶
سريعترين حسابرس

قرآن:

«همانا خداوند حسابها را زود خواهد رسيد».

«سپس به نزد خدا، مولاى حقيقى خويش باز گردانده شوند. بدان كه حكم، حكم اوست و او سريعترين حسابگران است».

حديث:

۴۰۵۵. **امام علی** ﷺ ـ در پاسخ به اين پرسش كه خداوند چگونه به حساب آن همه خلايق مى‌رسد؟ ـ فرمود: همان گونه كه آن همه را روزى مى‌دهد.

۴۰۵۶. **مجمع البيان:** روايت شده است كه خداوند سبحان در مدتى به اندازهٔ زمان دوشيدن يک گوسفند همهٔ بندگانش را حسابرسى مى‌كند، و اين دليل آن است كه حسابرسى هر فرد او را از رسيدن به حساب ديگرى باز نمى‌دارد، و نيز نشانگر آن است كه خداوند سبحان بدون استفاده از زبان و زبانک، سخن مى‌گويد و از اين رو، همگان را همزمان مورد حسابرسى قرار مى‌دهد.

---

۱. آل عمران: ۱۹۹. ۲. الأنعام: ۶۲.
۳. نهج البلاغة: الحكمة ۳۰۰.
۴. مجمع البيان: ۴۸۴/۴.

١١٤

الحسد

حسد

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧٣/٢٣٧ باب ١٣١ «الحسد».

شرح نهج البلاغة: ١/٣١٥ـ٣١٩ «في الحسد».

كنز العمّال: ٣/٤٦١، ٨١٠ «الحسد».

بحار الأنوار: ٧٣/٢٥٩ «من أعجب القصص في الحسد».

۸۴۷
الحَسَدُ

۳۰۵۷ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحَسَدُ مَرَضٌ لا يُؤْسىٰ.[۱]

۳۰۵۸ . عنه ﷺ: الحَسَدُ دَأْبُ السَّفِلِ وأعْداءِ الدُّوَلِ.[۲]

۳۰۵۹ . عنه ﷺ: الحَسَدُ مِقْنَصَةُ إبْليسَ الكُبرىٰ.[۳]

۳۰۶۰ . عنه ﷺ: الحَسَدُ حَبْسُ الرُّوحِ.[۴]

۳۰۶۱ . عنه ﷺ: الحَسَدُ شَرُّ الأمْراضِ.[۵]

۳۰۶۲ . عنه ﷺ: الحَسَدُ أحَدُ العَذابَينِ.[۶]

۳۰۶۳ . عنه ﷺ: الحَسَدُ عَيبٌ فاضِحٌ، وشُحٌّ فادِحٌ، لا يَشْفي صاحِبَهُ إلّا بُلوغُ آمالِهِ فيمَن يَحْسُدُهُ.[۷]

۳۰۶۴ . عنه ﷺ: رأسُ الرَّذائلِ الحَسَدُ.[۸]

۳۰۶۵ . عنه ﷺ: إذا أمْطَرَ التَّحاسُدُ نَبَتَ التَّفاسُدُ.[۹]

۳۰۶۶ . عنه ﷺ: للّهِ دَرُّ الحَسَدِ ما أعْدَلَهُ! بَدأَ

---

۱ . غرر الحكم: ۱۳۷۸ .
۲ . غرر الحكم: ۱۴۷۲ .
۳ . غرر الحكم: ۱۱۳۳ .
۴ . غرر الحكم: ۳۷۲ .
۵ . غرر الحكم: ۳۳۲ .
۶ . غرر الحكم: ۱۶۳۵ .
۷ . غرر الحكم: ۲۲۰۵ .
۸ . غرر الحكم: ۵۲۴۲ .
۹ . غرر الحكم: ۴۱۳۱ .

۸۴۷
حسد

۳۰۵۷ . **امام علی** ﷺ: حسد، دردی بی درمان است.

۳۰۵۸ . **امام علی** ﷺ: حسد، خوی فرومایگان و تنگ نظران است.

۳۰۵۹ . **امام علی** ﷺ: حسادت، دام بزرگ ابلیس است.

۳۰۶۰ . **امام علی** ﷺ: حسادت، زندان روح است.

۳۰۶۱ . **امام علی** ﷺ: حسادت، بدترین بیماری است.

۳۰۶۲ . **امام علی** ﷺ: حسادت، یکی از دو عذاب است.

۳۰۶۳ . **امام علی** ﷺ: حسادت، عیبی رسوا و بخلی سهمگین است و حسود، تا به آرزوی خود دربارهٔ محسودش نرسد، آرام نمی‌گیرد.

۳۰۶۴ . **امام علی** ﷺ: حسد، سر آمد رذیلت‌هاست.

۳۰۶۵ . **امام علی** ﷺ: هر گاه حسادت فرو بارد، گیاه تبهکاری بروید.

۳۰۶۶ . **امام علی** ﷺ: آفرین بر حسادت! چه عدالت پیشه است! پیش از همه صاحب

بصاحِبِهِ فقَتلَهُ.[۱]

۴۰۶۷. عنه ﷺ: مَن وَلِعَ بالحَسدِ وَلِعَ بِهِ الشُّؤمُ.[۲]

۴۰۶۸. عنه ﷺ: الحَسدُ مَطِيَّةُ التَّعبِ.[۳]

۴۰۶۹. عنه ﷺ: ثَمرَةُ الحَسدِ شَقاءُ الدُّنيا والآخِرَةِ.[۴]

۴۰۷۰. عنه ﷺ: مَن تَركَ الحَسدَ كانَتْ لَهُ المَحَبَّةُ عِندَ النّاسِ.[۵]

۸۴۸
الحاسِدُ

الكتاب:

﴿وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾.[۶]

الحديث:

۴۰۷۱. الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحاسِدُ لا يَشفيهِ إلّا زَوالُ النِّعمَةِ.[۷]

۴۰۷۲. عنه ﷺ: الحاسِدُ يَفرَحُ بالشُّرورِ، ويَغتَمُّ بالسُّرورِ.[۸]

۴۰۷۳. عنه ﷺ: الحاسِدُ يَرىٰ أنَّ زَوالَ النِّعمَةِ عَمَّن يَحسُدُهُ نِعمَةٌ علَيهِ.[۹]

---

۱. شرح نهج البلاغة: ۳۱۶/۱.
۲. بحار الأنوار: ۷۰/۱۲/۷۸. ۳. بحار الأنوار: ۷۱/۱۳/۷۸.
۴. غرر الحكم: ۴۶۳۲. ۵. بحار الأنوار: ۱/۲۳۷/۷۷.
۶. الفلق: ۵. ۷. غرر الحكم: ۱۴۷۸.
۸. غرر الحكم: ۱۴۷۴. ۹. غرر الحكم: ۱۸۳۲.

خود را می‌کشد!

۴۰۶۷. **امام علی ﷺ**: هر که شیفتهٔ حسادت باشد، نحسی و شوربختی شیفتهٔ او گردد.

۴۰۶۸. **امام علی ﷺ**: حسادت، مَرکَب رنج است.

۴۰۶۹. **امام علی ﷺ**: ثمرهٔ حسادت، رنج و بدبختی در دنیا و آخرت است.

۴۰۷۰. **امام علی ﷺ**: هر که حسادت را رها کند، محبوب مردمان شود.

۸۴۸
حسود

قرآن:

«و از شرّ و گزند حسود آن گاه که حسادت ورزد».

حدیث:

۴۰۷۱. **امام علی ﷺ**: حسود را جز نابودی نعمتِ [محسود] شفا ندهد.

۴۰۷۲. **امام علی ﷺ**: حسود از بدیها (ناراحتیهای دیگران) شاد می‌شود و از شادیها [ی مردم] غمگین.

۴۰۷۳. **امام علی ﷺ**: حسود، زوال نعمت از محسود را برای خود نعمت می‌داند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۳۰۷۴ . عنه ﷺ: الحاسِدُ يُظْهِرُ وُدَّهُ في أقْوالِهِ، ويُخْفي بُغْضَهُ في أفْعالِهِ، فلَهُ اسْمُ الصَّديقِ وصِفَةُ العَدُوِّ.[۱]

۳۰۷۴ . **امام علی** ﷺ: حسود به زبان لاف دوستی می‌زند و در عمل، مخفیانه دشمنی می‌ورزد؛ بنابراین، او نام دوست را برخود دارد اما صفت دشمن را.

۳۰۷۵ . عنه ﷺ: ما رَأيْتُ ظالِماً أشْبَهَ بمَظْلومٍ مِن الحاسِدِ.[۲]

۳۰۷۵ . **امام علی** ﷺ: ستمگری چون حسود ندیدم، که به ستمدیده شبیه‌تر باشد.

۳۰۷۶ . عنه ﷺ: ما رَأيْتُ ظالِماً أشْبَهَ بمَظْلومٍ مِن الحاسِدِ: نَفَسٌ دائمٌ، وقَلبٌ هائمٌ، وحُزنٌ لازمٌ.[۳]

۳۰۷۶ . **امام علی** ﷺ: ستمگری چون حسود ندیدم، که به ستمدیده شبیه‌تر باشد: جانی سرگردان دارد و دلی بیقرار و اندوهی پیوسته.

۳۰۷۷ . عنه ﷺ: يَكْفيكَ مِن الحاسِدِ أنَّهُ يَغْتَمُّ وَقتَ سُرورِكَ.[۴]

۳۰۷۷ . **امام علی** ﷺ: از حسود همین برای تو بس است که وقتی تو شادی، او غمگین است.

۳۰۷۸ . عنه ﷺ: حَسْبُ الحاسِدِ ما يَلْقىٰ.[۵]

۳۰۷۸ . **امام علی** ﷺ: آنچه حسود [از حسادت خود] می‌کشد، او را بس است.

۳۰۷۹ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: النَّصيحَةُ مِن الحاسِدِ مُحالٌ.[۶]

۳۰۷۹ . **امام صادق** ﷺ: خیرخواهی و راهنمایی از حسود محال است.

۳۰۸۰ . عنه ﷺ: الحاسِدُ مُضِرٌّ بنَفْسِهِ قَبلَ أنْ يَضُرَّ بالمَحسودِ، كإبْليسَ أوْرَثَ بحَسَدِهِ لِنَفْسِهِ اللَّعْنَةَ ولآدمَ ﷺ الاجْتِباءَ.[۷]

۳۰۸۰ . **امام صادق** ﷺ: حسود، پیش از آن که به محسود زیان رساند، به خود زیان می‌زند؛ مانند ابلیس، که با حسد ورزی، برای خود نفرین خرید و برای آدم ﷺ برگزیدگی.

---

۱ . غرر الحکم: ۲۱۰۵.
۲ . تحف العقول: ۲۱۶.
۳ . بحار الأنوار: ۲۹/۲۵۶/۷۳.
۴ . کنز الفوائد: ۱۳۷/۱.
۵ . کنز الفوائد: ۱۳۶/۱.
۶ . الخصال: ۵/۲۶۹.
۷ . بحار الأنوار: ۲۳/۲۵۵/۷۳.

۸۳۹

سَخَطُ الحاسِدِ عَلىٰ نِعَمِ اللّٰهِ

الكتاب:

﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النّاسَ عَلىٰ ما آتاهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنا آلَ إبْرَاهِيمَ الْكِتابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْناهُمْ مُلْكاً عَظِيماً﴾.[1]

الحديث:

۴۰۸۱. رسولُ اللهِ ﷺ: قالَ اللّٰهُ عزّوجلّ لموسىٰ بنِ عِمرانَ: يابنَ عِمرانَ، لا تَحْسُدَنَّ النّاسَ علىٰ ما آتَيْتُهُمْ مِن فَضْلي، ولا تَمُدَّنَّ عينَيكَ إلىٰ ذلكَ، ولا تُتْبِعْهُ نَفْسَكَ، فإنَّ الحاسِدَ ساخِطٌ لِنِعَمي، صادٌّ لِقِسْمي الّذي قَسَمْتُ بينَ عِبادي.[2]

۴۰۸۲. **شرح نهج البلاغة** عن ابن مسعود عن رسول اللهﷺ: ألا لاتُعادُوا نِعَمَ اللهِ. قيلَ: يا رسولَ اللهِ، ومَنِ الّذي يُعادِي نِعَمَ اللهِ؟! قالَ: الّذينَ يَحْسُدونَ النّاسَ.[3]

۴۰۸۳. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: بَينما موسىٰ بنُ عِمرانَ يُناجي رَبَّهُ ويُكَلِّمُهُ إذ رأىٰ رجُلاً تَحتَ ظِلِّ عَرشِ اللهِ، فقالَ: يا رَبِّ، مَن هذا الّذي قَد أظَلَّهُ عَرشُكَ؟ فقالَ: يا موسىٰ، هٰذا

۱. النساء: ۵۴. ۲. الكافي: ۶/۳۰۷/۲.
۳. شرح نهج البلاغة: ۳۱۵/۱.

۸۳۹

ناراحتی حسود از نعمتهای خدا

قرآن:

«یا بر مردم به خاطر نعمتی که خدا از فضل خویش به آنان ارزانی داشته است حسادت می‌ورزند؟ هر آینه ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و فرمانروایی بزرگی ارزانی داشتیم».

حدیث:

۴۰۸۱. **پیامبر خدا** ﷺ: خداوند عزّوجلّ به موسی بن عمران فرمود: ای پسر عمران! به نعمتی که به مردم عطا کرده‌ام حسد مبر و چشم به آن نعمت مدوز و دل در پی آن نداشته باش؛ زیرا که حسود از نعمتهای من ناراحت است و از قسمتی که برای بندگانم مقرر داشته‌ام رویگردان.

۴۰۸۲. **شرح نهج البلاغة** ـ به نقل از ابن مسعود از پیامبر خدا ﷺ ـ: هان! با نعمتهای خدا دشمنی مکنید. عرض شد: ای رسول خدا! چه کسی با نعمتهای خدا دشمنی می‌کند؟ فرمود: آنان که به مردم حسادت می‌ورزند.

۴۰۸۳. **امام صادق** ﷺ: آن گاه که موسی بن عمران در حال مناجات و سخن گفتن با پروردگارش بود، مردی را زیر سایهٔ عرش خداوند دید. عرض کرد: ای پروردگار من! این کیست که در سایهٔ عرش توست؟ خدا فرمود: ای موسی! او از کسانی است

۱۰۴ ـــ
مِمَّن لَم يَحْسُدِ النّاسَ علىٰ ما آتاهُمُ اللهُ مِن فَضلِهِ.[1]

كه بر نعمتهايى كه خدا به مردم داده است، حسادت نورزيده است.

۸۵۰
الحَسودُ

۳۰۸۳. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: الحَسودُ كَثيرُ الحَسَراتِ، مُتَضاعَفُ السَّيِّئاتِ.[2]

۳۰۸۳. امام علی عليه السلام: حسود، پُر حسرت است، و گناهانش مضاعف.

۳۰۸۵. عنه عليه السلام: الحَسودُ سَريعُ الوَثْبَةِ، بَطيءُ العَطْفَةِ.[3]

۳۰۸۵. امام علی عليه السلام: حسود، زود خشم می‌گيرد و كينه از دلش دير می‌رود.

۳۰۸۶. عنه عليه السلام: الحَسودُ لا يَبْرَأُ.[4]

۳۰۸۶. امام علی عليه السلام: حسود [از بيماری حسادت] شفا نمی‌يابد.

۳۰۸۷. عنه عليه السلام: الحَسودُ لا خُلَّةَ لَهُ.[5]

۳۰۸۷. امام علی عليه السلام: حسود را دوست نباشد.

۳۰۸۸. عنه عليه السلام: بِئْسَ الرَّفيقُ الحَسودُ.[6]

۳۰۸۸. امام علی عليه السلام: حسود، آقا و سرور نمی‌شود.

۳۰۸۹. الإمامُ الصّادقُ عليه السلام: لَيسَتْ لبَخيلٍ راحَةٌ، ولا لحَسودٍ لَذَّةٌ.[7]

۳۰۸۹. امام علی عليه السلام: حسود از تقدير [خدا] خشمگين است.

۳۰۹۲. عنه عليه السلام: لا راحَةَ لحَسودٍ.[8]

۳۰۹۰. امام علی عليه السلام: بد رفيقی است، حسود.

۳۰۹۱. امام صادق عليه السلام: بخيل را آسايشی نيست و حسود را لذّتی.

۳۰۹۲. امام صادق عليه السلام: حسود آسايش ندارد.

---

۱. بحار الأنوار: ۷۳/۲۵۵/۲۵.
۲. غرر الحكم: ۱۵۲۰. ۳. بحار الأنوار: ۷۳/۲۵۶/۲۹.
۴. غرر الحكم: ۸۸۴. ۵. غرر الحكم: ۸۸۶.
۶. غرر الحكم: ۱۰۱۷. ۷. غرر الحكم: ۱۲۷۰.
۸. غرر الحكم: ۴۴۰۰. ۹. الخصال: ۱۰/۲۷۱.
۱۰. بحار الأنوار: ۷۳/۲۵۲/۱۲.

۴۰۹۳ . عنه ﷺ: لا يَطْمَعَنَّ ... الحَسودُ في راحةِ القَلبِ.[۱]

۴۰۹۳ . امام صادق ﷺ: حسود نباید ... به آسودگی دل امید بندد.

۴۰۹۴ . عنه ﷺ: لَيس ... لحَسودٍ غِنىً.[۲]

۴۰۹۴ . امام صادق ﷺ: برای هیچ حسودی ... بی نیازی پیدا نمی‌شود.

(انظر) الحسد: باب ۸۵۴.

۸۵۱
كُلُّ ذي نِعمَةٍ مَحسودٌ

۸۵۱
هر صاحب نعمتی محسود است

۴۰۹۵ . رسولُ اللهِ ﷺ: استَعينوا على قَضاءِ حَوائجِكُم بالكِتمانِ، فإنَّ كُلَّ ذي نِعمَةٍ مَحسودٌ.[۳]

۴۰۹۵ . پیامبر خدا ﷺ: در برآوردن نیازهای خود از کتمان کمک گیرید، زیرا هر صاحب نعمتی محسود واقع می‌شود.

۸۵۲
الحَسَدُ وَالإيمانُ

۸۵۲
حسادت و ایمان

۴۰۹۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: أَلَا إنَّهُ قد دَبَّ إلَيكُم داءُ الأُمَمِ مِن قَبلِكُم وهُو الحَسدُ، لَيس بحالِقِ الشَّعرِ، لكنَّهُ حالِقُ الدِّينِ.[۴]

۴۰۹۶ . پیامبر خدا ﷺ: هان! بیماری امتهای پیشین به شما سرایت کرده، و آن حسادت است؛ این بیماری نه موی سر را، که دین را می‌تراشد و از بین می‌برد.

۴۰۹۷ . عنه ﷺ: إيّاكُم والحَسدَ؛ فإنَّهُ يَأكُلُ الحَسَناتِ كما تَأكُلُ النّارُ الحَطَبَ.[۵]

۴۰۹۷ . پیامبر خدا ﷺ: از حسادت بپرهیزید؛ زیرا حسنات و نیکیها را فرو می‌خورد، همچنان که آتش هیزم را.

۴۰۹۸ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: إنَّ الحَسَد لَيَأكُلُ الإيمانَ كما تَأكُلُ النّارُ الحَطَبَ.[۶]

۴۰۹۸ . امام باقر ﷺ: حسد ایمان را می‌خورد، همان گونه که آتش هیزم را می‌خورد.

---

۱. الخصال: ۲۰/۴۳۴. ۲. الأمالي للطوسي: ۵۹۵/۳۰۱.
۳. شرح نهج البلاغة: ۳۱۶/۱.
۴. الأمالي للطوسي: ۱۸۲/۱۱۷.
۵. جامع الأخبار: ۱۲۶۶/۴۵۱.
۶. الكافي: ۱/۳۰۶/۲.

۳۰۹۹ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: آفَةُ الدِّينِ: الحَسَدُ والعُجْبُ والفَخْرُ.[۱]

۳۰۹۹ . **امام صادق** ﷺ: آفت دین، حسد و خودپسندی و فخر فروشی است.

۸۵۳
الحَسَدُ وَالكُفرُ

۸۵۳
حسادت و کفر

۳۱۰۰ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: يَقولُ إبْليسُ لجُنودِهِ: أَلْقُوا بَيْنَهُمُ الحَسَدَ والبَغْيَ؛ فإنَّهُما يَعْدِلانِ عندَ اللهِ الشِّرْكَ.[۲]

۳۱۰۰ . **امام صادق** ﷺ: ابلیس به لشکر خود می‌گوید: میان آنان حسادت و تجاوزگری افکنید، که این دو خوی نزد خدا، برابر با شرک است.

۳۱۰۱ . عنه ﷺ: إيّاكُم أنْ يَحْسُدَ بَعضُكُم بَعْضاً؛ فإنَّ الكُفْرَ أصلُهُ الحَسَدُ.[۳]

۳۱۰۱ . **امام صادق** ﷺ: از حسادت کردن به یکدیگر بپرهیزید؛ زیرا کفر، ریشه‌اش حسادت است.

۸۵۴
الحَسَدُ وَالجَسَدُ

۸۵۴
زیانهای جسمانی حسادت

۳۱۰۲ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحَسَدُ يُضْني الجَسَدَ.[۴]

۳۱۰۲ . **امام علی** ﷺ: حسادت، تن را فرسوده و علیل می‌کند.

۳۱۰۳ . عنه ﷺ: الحَسَدُ يُذيبُ الجَسَدَ.[۵]

۳۱۰۳ . **امام علی** ﷺ: حسادت، بدن را آب می‌کند.

۳۱۰۴ . عنه ﷺ: الحَسَدُ يُنْشئُ الكَمَدَ.[۶]

۳۱۰۴ . **امام علی** ﷺ: حسادت، اندوه و دلمردگی می‌آورد.

۳۱۰۵ . عنه ﷺ: الحَسودُ أبداً عَليلٌ.[۷]

۳۱۰۵ . **امام علی** ﷺ: حسود، همواره رنجور است.

۳۱۰۶ . عنه ﷺ: الحَسودُ دائمُ السُّقمِ وإنْ كانَ صَحيحَ الجِسمِ.[۸]

۳۱۰۶ . **امام علی** ﷺ: حسود، همیشه مریض حال است، هر چند تنش سالم باشد.

---

۱ . الكافي: ۵/۳۰۷/۲.
۲ . الكافي: ۲/۳۲۷/۲.
۳ . الكافي: ۱/۸/۸.
۴ . غرر الحكم: ۹۴۳.
۵ . غرر الحكم: ۹۸۱.
۶ . غرر الحكم: ۱۰۳۸.
۷ . غرر الحكم: ۷۸۲.
۸ . غرر الحكم: ۱۹۶۳.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۳۱۰۷ . عنه ﷺ: العَجَبُ لغَفلَةِ الحُسّادِ عن سَلامَةِ الأجْسادِ.[۱]

۳۱۰۸ . عنه ﷺ: صِحَّةُ الجَسَدِ مِن قِلَّةِ الحَسَدِ.[۲]

۳۱۰۹ . عنه ﷺ: الحَسَدُ لا يَجْلِبُ إلّا مَضرَّةً وغَيْظاً، يُوهِنُ قَلبَكَ ويُمْرِضُ جِسمَكَ.[۳]

۸۵۵
الحَسَدُ وَالقَدَرُ

۳۱۱۰ . رسولُ اللهِ ﷺ: كادَ الحَسَدُ أنْ يَغلِبَ القَدَرَ.[۴]

۳۱۱۱ . عنه ﷺ: كادَ الحَسَدُ أنْ يَسبِقَ القَدَرَ.[۵]

۸۵۶
عَلامَةُ الحاسِدِ

۳۱۱۲ . رسولُ اللهِ ﷺ: أمّا عَلامَةُ الحاسِدِ فأربعةٌ: الغِيبةُ والتَّمَلُّقُ والشَّماتَةُ بالمُصيبَةِ.[۶،۷]

۳۱۱۳ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: قالَ لُقمانُ لابنِهِ: للحاسِدِ ثَلاثُ عَلاماتٍ: يَغْتابُ إذا غابَ، ويَتَمَلَّقُ إذا شَهِدَ، ويَشْمَتُ بالمُصيبَةِ.[۸]

۱ . غرر الحكم: ۱۸۰۳. ۲ . نهج البلاغة: الحكمة ۲۵۶.
۳ . بحار الأنوار: ۲۹/۲۵۶/۷۳.
۴ . الكافي: ۴/۳۰۷/۲.
۵ . عيون أخبار الرضا: ۱۶/۱۳۲/۲.
۶ . هكذا في جميع النسخ، وقد سقطت الرابعة.
۷ . تحف العقول: ۲۲. ۸ . الخصال: ۱۱۳/۱۲۱.

۳۱۰۷ . **امام علی** ﷺ: شگفت است که حسودان از تندرستی غافلند.

۳۱۰۸ . **امام علی** ﷺ: سلامت جسم، از کمی حسادت است.

۳۱۰۹ . **امام علی** ﷺ: حسادت، نتیجه‌ای جز زیان و ناراحتی که دلت را سست و تنت را بیمار می‌گرداند، به بار نمی‌آورد.

۸۵۵
حسادت و تقدیر

۳۱۱۰ . **پیامبر خدا** ﷺ: نزدیک است که حسادت بر تقدیر چیره آید.

۳۱۱۱ . **پیامبر خدا** ﷺ: نزدیک است که حسادت از مقدّرات پیشی گیرد.

۸۵۶
نشانهٔ حسود

۳۱۱۲ . **پیامبر خدا** ﷺ: حسود چهار نشانه دارد: غیبت کردن، چاپلوسی کردن و شاد شدن از گرفتاری [دیگران].[۱]

۳۱۱۳ . **امام صادق** ﷺ: لقمان به فرزندش گفت: حسود را سه نشانه است: پشت سر غیبت می‌کند، در حضور تملّق می‌گوید و از گرفتاری دیگران شاد می‌شود.

۱ . در همهٔ نسخه‌ها همین سه نشانه ذکر شده و چهارمین نشانه افتاده است.

۸۵۷

ما يَنبَغي عِندَ الإحساسِ بِالحَسَدِ

۳۱۱۴ . رسولُ اللهِ ﷺ: إذا تَطَيَّرتَ فامْضِ، وإذا ظَنَنْتَ فلا تَقْضِ، وإذا حَسَدتَ فلا تَبْغِ.[1]

۸۵۷

در موقع احساس حسد چه باید کرد؟

۳۱۱۴ . **پیامبر خدا ﷺ**: هرگاه فال بد زدی، اعتنایی نکن و هرگاه گمان بردی، [زود] داوری مکن و چون حسد بردی، ستم مکن.[1]

۸۵۸

ما يَجوزُ الحَسَدُ فيهِ

۳۱۱۵ . رسولُ اللهِ ﷺ: لا حَسَدَ إلّا في اثنتَينِ: رجُلٍ آتاهُ اللهُ مالاً فهُو يُنفِقُ مِنهُ آناءَ اللَّيلِ وآناءَ النَّهارِ، ورجُلٍ آتاهُ اللهُ القُرآنَ فهُو يَقومُ بِهِ آناءَ اللَّيلِ وآناءَ النَّهارِ.[2]

۳۱۱۶ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنَّ المؤمنَ يَغبِطُ ولا يَحسُدُ، والمُنافِقُ يَحسُدُ ولا يَغبِطُ.[4]

۳۱۱۷ . عنه ﷺ ـ وقد سُئلَ عَن قولِ اللهِ: ﴿ولا تَتَمنَّوا ما فَضَّلَ اللهُ بِهِ بَعضَكُم علىٰ بَعضٍ﴾[5] ـ: لا يَتَمنَّىٰ الرَّجُلُ امرأةَ الرَّجُلِ ولا ابنَتَهُ، ولكنْ يَتَمنَّىٰ مِثلَهُما.[6]

(انظر) بحار الأنوار: ۷۱ / ۲۶۱ باب ۷۵.

۸۵۸

حسادت پسندیده

۳۱۱۵ . **پیامبر خدا ﷺ**: حسادت[2] جز در دو مورد روا نیست: رشک بردن به مردی که خداوند به او مال و ثروتی داده و او آن را شب و روز انفاق می‌کند، و رشک بردن به مردی که خداوند به او قرآن عطا فرموده است و او شبانه روز به آن می‌پردازد.

۳۱۱۶ . **امام صادق ﷺ**: مؤمن غبطه می‌خورد و حسادت نمی‌ورزد؛ منافق حسادت می‌ورزد و غبطه نمی‌خورد.

۳۱۱۷ . **امام صادق ﷺ** ـ در پاسخ به پرسش از آیهٔ «آن چیزی را که خداوند با آن برخی را بر برخی دیگر برتری داده است آرزو نکنید» ـ فرمود: مرد، زن یا دختر کس دیگری را آرزو نکند، بلکه آرزو کند که مانند آنها را داشته باشد.

---

۱. تحف العقول: ۵۰. ۲. الخصال: ۱۱۹/۷۶.
۳. المرادُ من الحسد: الغِبطة. بحار الأنوار: ۲۳۸/۷۳.
۴. الكافي: ۷/۳۰۷/۲. ۵. النساء: ۳۲.
۶. بحار الأنوار: ۲۴/۲۵۵/۷۳.

---

۱. هر چند در اصل لغت به معنای رشک و حسد است اما بر ستمی که از حسادت ناشی می‌شود اطلاق شده است.
۲. منظور از حسادت در این روایت غبطه است، ر.ک: بحار الأنوار: ۲۳۸/۷۳.

۱۱۵

الحسرة

دریغ

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

عنوان ۵۰۸ «الندم» ، ۱۴۲ «الخسران» ، ۳۸۴ «الغبن» .

الظلم :باب ۲۴۲۴ ، النظر :باب ۳۸۲۳ .

۸۵۹
أعظَمُ النّاسِ حَسرَةً

الكتاب:

﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لا يُؤْمِنُونَ﴾.[1]

﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَىٰ عَلَىٰ ما فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ﴾.[2]

﴿وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً﴾.[3]

الحديث:

۳۱۱۸. **رسولُ اللهِ ﷺ**: إنَّ أشَدَّ النّاسِ نَدامَةً يَومَ القِيامَةِ، رجُلٌ باعَ آخِرَتَهُ بدُنيا غَيرِهِ.[4]

۳۱۱۹. **الإمامُ عليٌّ ؈**: إنَّ أعْظَمَ الحَسَراتِ يَومَ القِيامَةِ، حَسْرَةُ رجُلٍ كَسَبَ مالاً في غَيرِ طاعَةِ اللهِ، فوَرِثَهُ رجُلٌ فأنْفَقَهُ في طاعةِ اللهِ سُبحانَهُ، فدَخَلَ بِهِ الجَنَّةَ، ودَخَلَ الأوَّلُ بِهِ النّارَ.[5]

---

۱. مریم: ۳۹.　۲. الزمر: ۵۶.
۳. الفرقان: ۲۷.　۴. کنز العمّال: ۱۴۹۳۶.
۵. نهج البلاغة: الحكمة ۴۲۹.

۸۵۹
آن که بیش از همه افسوس خورد

قرآن:

«آنان را از روز حسرت که کار به پایان آمده و آنان همچنان در حال غفلت و بی‌ایمانی هستند، بترسان»

«تاکسی نگوید: ای دریغا بر کوتاهی‌ای که در کار خدا کردم و از مسخره‌کنندگان بودم».

«روزی که کافر، دستان خودرا به دندان گزد و گوید ای کاش راهی را که رسول در پیش گرفته بود می‌رفتم».

حدیث:

۳۱۱۸. **پیامبر خدا ﷺ**: پشیمانترین مردمان در روز رستاخیز کسی است که آخرت خود را برای دنیای دیگری بفروشد.

۳۱۱۹. **امام علی ؈**: بزرگترین افسوس در روز قیامت، افسوس مردی است که مالی را به ناروا گرد آورده و آن را برای کسی بر جای گذاشته و او آن را در راه طاعت خداوند سبحان خرج کرده باشد و بدان سبب به بهشت رود و او به دوزخ.

۳۱۲۰. عنه ﷺ ـ وقد سُئِلَ: مَن أعظَمُ النّاسِ حَسْرةً؟ ـ: مَن رأىٰ مالَهُ في مِيزانِ غَيرِهِ، فأدخَلَهُ اللهُ بِهِ النّارَ، وأدخَلَ وارِثَهُ بِهِ الجَنَّةَ.[1]

۳۱۲۰. **امام علی** ﷺ ـ در پاسخ به این سؤال که پر افسوس‌ترین مردمان کیست؟ ـ فرمود: کسی که مال و دارایی خود را در ترازوی دیگری بیند و خداوند او را به سبب آن به دوزخ برد و وارث وی را به سبب آن [به خاطر انفاقش] روانهٔ بهشت سازد.

۳۱۲۱. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنّ أعظَمَ النّاسِ يَومَ القِيامَةِ (حَسْرَةً) مَن وَصفَ عَدْلاً ثُمَّ خالَفَهُ إلىٰ غَيرِهِ.[2]

۳۱۲۱. **امام صادق** ﷺ: بیشترین افسوس را در روز قیامت کسی می‌خورد که سخن از عدالت بگوید اما خود با دیگران به عدالت رفتار نکند.

۳۱۲۲. عنه ﷺ: إنّ الحَسْرَةَ والنَّدامَةَ والوَيْلَ كُلَّهُ لِمَنْ لَم يَنْتَفِعْ بِما أبْصَرَهُ، ومَن لَم يَدْرِ ما الأمرُ الّذي هُو عَلَيهِ مُقيمٌ: أنَفْعٌ لَهُ أمْ ضُرٌّ؟[3]

۳۱۲۲. **امام صادق** ﷺ: دریغ و پشیمانی و آه همه زان کسی است که از دانش و بینش خود بهره‌ای نگیرد و نداند که آنچه در کار آن است به سود اوست یا به زیانش.

(انظر) بحار الأنوار: ۷۳ / ۱۴۲، ۱۴۳ و ۹۲ / ۲۵۱.
العلم: باب ۲۸۴۲.
جهنّم: باب ۶۳۸.

۱. بحار الأنوار: ۱۰۳/۱۵/۶۸.
۲. الأمالي للطوسي: ۶۶۳/۱۳۸۶.
۳. الكافي: ۲/۴۱۹/۱.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



۱۱۶

الحسنة

نیکی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزید الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۷۱/۲۵۹ باب ۷۳ «الاستبشار بالحسنة».

بحار الأنوار: ۷۱/۲۴۱ باب ۷۰ «الحسنات بعد السيّئات».

بحار الأنوار: ۷۱/۲۴۵ باب ۷۱ «تضاعُف الحسنات».

انظر:

عنوان ۱۷۳ «الذنب».

۸۶۰
الحَسَنَةُ

۳۱۲۳ . رسولُ اللهِ ﷺ: وَجَدْتُ الحَسَنَةَ نُوراً في القَلبِ، وزَيْناً في الوَجْهِ، وقُوَّةً في العَمَلِ، ووَجَدتُ الخَطيئةَ سَواداً في القَلبِ، ووَهْناً في العَمَلِ، وشَيْناً في الوَجْهِ.[1]

(انظر) عنوان ۵۲۴ «النور».

النور: باب ۳۹۰۳.

۸۶۰
نیکی

۳۱۲۳ . **پیامبر خدا ﷺ**: نیکی را نور دل و آرایهٔ رخسار و نیروی کار یافتم، و بدی و گناه را سیاهی دل و سستی در کار و زشتی چهره.

۸۶۱
أثَرُ الحَسَنَةِ بَعدَ السَّيِّئَةِ

الكتاب:

﴿إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْناً بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾.[2]

﴿وَأَقِمِ الصَّلاةَ طَرَفَيِ النَّهارِ وَزُلَفاً مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَناتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئاتِ﴾.[3]

الحديث:

۳۱۲۴ . **الإمامُ الباقرُ ﷺ**: ما أحْسَنَ الحَسَناتِ بعدَ

۸۶۱
تأثیر نیکی، پس از بدی

قرآن:

«مگر کسی که ستم کرده باشد و پس از بدکاری، نیکوکار شود؛ زیرا من آمرزنده و مهربانم».

«نماز بگزار در آغاز و انجام روز و ساعاتی از شب؛ زیرا نیکیها بدیها را از میان می‌برند».

حدیث:

۳۱۲۴ . **امام باقر ﷺ**: چه زیباست نیکیهای پس از

---

۱ . كنز العمّال: ۴۴۰۸۴. ۲ . النمل: ۱۱.
۳ . هود: ۱۱۴.

السَّيِّئاتِ ! وما أقبحَ السَّيِّئاتِ بعدَ الحَسَناتِ![1]

بدیها! و چه زشت است بدیهای پس از خوبیها!

۴۱۲۵ . عنه ﷺ: إنّي لَم أرَ شَيئاً قَطُّ أشَدَّ طَلَباً ولا أسْرَعَ دَرْكاً، من حَسَنةٍ مُحْدَثةٍ لذَنبٍ قَديمٍ.[2]

۴۱۲۵ . **امام باقر** ﷺ: براستی که من هرگز ندیده‌ام چیزی مانند کار نیک جدید را که اینچنین به شدّت در تعقیب یک گناه قدیمی برآید و اینچنین سریع خود را به آن رساند [و آن را محو سازد].

۴۱۲۶ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مَن عَمِلَ سَيِّئةً في السِّرِّ فلْيَعْمَلْ حَسَنةً في السِّرِّ، ومَن عَمِلَ سَيِّئةً في العَلانِيَةِ فلْيَعْمَلْ حَسَنةً في العَلانِيَةِ.[3]

۴۱۲۶ . **امام صادق** ﷺ: هرکه در نهان، کار بدی انجام دهد، باید در نهان نیز کار خوبی انجام دهد و هرکه آشکارا کار بدی کند، باید آشکارا نیز کار نیکی انجام دهد.

(انظر) الذنب: باب ۱۳۹۱.

۸۶۲
تَضاعُفُ الحَسَناتِ

۸۶۲
چند برابر شدن نیکیها

الكتاب:

قرآن:

﴿إنَّ اللهَ لا يَظْلِمُ مِثْقالَ ذَرَّةٍ وَإنْ تَكُ حَسَنَةً يُضاعِفْها وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أجْراً عَظِيماً﴾.[4]

«خداوند همسنگ ذرّه‌ای ستم نمی‌کند. اگر نیکیی باشد آن را دو برابر می‌کند و از جانب خود مزدی بزرگ می‌دهد».

﴿مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أمْثالِها وَمَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلا يُجْزَىٰ إلّا مِثْلَها وَهُمْ لا يُظْلَمُونَ﴾.[5]

«هر کس کار نیکی انجام دهد، ده برابر به او پاداش دهند و هر که کار بدی انجام دهد تنها همانند آن کیفر بیند و به آنان ستم نمی‌شود».

﴿مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْها وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ﴾.[6]

«هرکس که کار نیکی کند، بهتر از آن را پاداش گیرد و نیکوکاران از وحشت آن روز [قیامت] در امان باشند».

(انظر) یونس: ۲۶، ۲۷، القصص: ۸۴، الشوری: ۲۳.

---

۱ . الأمالي للصدوق: ۳۷۸/۳۲۵.
۲ . بحار الأنوار: ۵/۲۴۳/۷۱.
۳ . معاني الأخبار: ۱/۲۳۷.
۴ . النساء: ۴۰.
۵ . الأنعام: ۱۶۰.
۶ . النمل: ۸۹.

الحديث:

٣١٢٧ . **تحف العقول**: قال الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: يا سَوْأَتاهْ لِمَن غَلَبتْ إحْداتُهُ عَشَراتِهِ ـ يُريدُ أنَّ السَّيِّئَةَ بواحِدَةٍ والحَسَنَةَ بعَشرَةٍ ـ.[1]

٣١٢٨ . **الإمامُ زينُ العابدينَ**ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿مَنْ جاءَ بالحَسَنَةِ فلَهُ عَشْرُ أمْثالِها ...﴾ ـ: فالحَسَنَةُ الواحِدَةُ إذا عَمِلَها كُتِبَتْ لَهُ عَشْراً، والسَّيِّئَةُ الواحِدَةُ إذا عَمِلَها كُتِبَتْ لَهُ واحِدَةً، فنَعوذُ باللهِ مِمَّن يَرتَكِبُ في يَومٍ واحدٍ عَشرَ سَيِّئاتٍ، ولا تَكونُ لَهُ حَسَنَةٌ واحِدَةٌ، فَتَغْلِبُ حَسَناتِهِ سَيِّئاتُهُ.[2]

٣١٢٩ . **الإمامُ الصّادقُ**ﷺ: إذا أحْسَنَ المُؤمنُ عَمَلَهُ، ضاعَفَ اللهُ عَمَلَهُ لكُلِّ حَسَنةٍ سَبعمائةٍ، وذلكَ قولُ اللهِ تباركَ وتعالىٰ: ﴿واللهُ يُضاعِفُ لِمَنْ يَشاءُ﴾.[3][4]

٨٦٣
أفضَلُ الحَسَناتِ

٣١٣٠ . **كنز العمّال** عن خالد بن الوليد: جاء رجلٌ إلىٰ رسولِ اللهِﷺ، ... قالَ: أيّ حَسَنَةٍ أفضلُ عندَ اللهِ؟ قالَ: حُسنُ الخُلقِ والتّواضُعُ والصّبرُ علىٰ البَلِيّةِ والرِّضاءُ بالقَضاءِ. قالَ:

---

١. تحف العقول: ٢٨١.
٢. معاني الأخبار: ١/٢٤٨.
٣. البقرة: ٢٦١.
٤. بحار الأنوار: ٧/٢٤٧/٧١.

حدیث:

٣١٢٧ . **تحف العقول**: امام زين العابدينﷺ فرمود: «بدا به حال كسى كه يك‌هايش بر دَه‌هايش غالب آيد!». مراد حضرت، اين است كه بدى‌هايش كه يک برابر حساب مى‌شود از خوبى‌هايش كه ده برابر حساب مى‌شود، بيشتر شود.

٣١٢٨ . **امام زين العابدين**ﷺ ـ دربارهٔ آيهٔ «هر كه خوبى كند ده برابر مانند آن پاداش بيند ...» ـ فرمود: كسى كه يک كار نيک انجام دهد، ده كار نيک برايش منظور شود و هر كه يک بدى انجام دهد، برايش همان يكى نوشته مى‌شود. پس، به خدا پناه مى‌بريم از كسى كه در يک روز، ده كار بد مرتكب مى‌شود اما يک كار نيک هم انجام نمى‌دهد تا نيكيهايش بر بديهايش غالب آيد.

٣١٢٩ . **امام صادق**ﷺ: هرگاه مؤمن كار خوبى انجام دهد خداوند هر كار خوب او را هفتصد برابر كند و اين سخن خداوند تبارک و تعالى است كه فرموده است: «و خداوند براى هر كس كه بخواهد مضاعف گرداند».

٨٦٣
بهترين كارهاى نيک

٣١٣٠ . **كنز العمّال** ـ به نقل از خالد بن وليد ـ: مردى خدمت پيامبر خداﷺ آمد و عرض كرد: برترين كارهاى نيک نزد خدا چيستند؟ حضرت فرمود: خوشخويى و فروتنى و

أيُّ سَيِّئَةٍ أعظَمُ عِند اللهِ ؟ قالَ: سُوءُ الخُلقِ والشُّحُّ المُطاعُ.[۱]

(انظر) العمل: باب ۲۸۹۹.

المحبّة (حبّ الله): باب ۶۷۲.

البُغض: باب ۳۷۳.

۸۶۴
الاستِبشارُ بِالحَسَنَةِ

۳۱۳۱. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن ساءَتهُ سَيِّئَتُهُ وسَرَّتهُ حَسَنَتُهُ فهُو مؤمنٌ.[۲]

۳۱۳۲. الإمامُ الباقرُ ؈: سُئلَ رسولُ اللهِ ﷺ عن خِيارِ العِبادِ، فقالَ: الَّذينَ إذا أحْسَنوا اسْتَبْشَروا، وإذا أساؤوا اسْتَغْفَروا.[۳]

۳۱۳۳. الإمامُ الرِّضا ؈: المؤمنُ الَّذي إذا أحْسَنَ اسْتَبْشَرَ، وإذا أساءَ اسْتَغْفَرَ.[۴]

صبر بر بلا و گرفتاری و خرسندی به قضا.

سؤال شد: بزرگترین بدی‌ها نزد خدا کدام‌ند؟ فرمود: بدخویی و بخلِ فرمانروا [بر آدمی].

۸۶۴
خوشحال شدن از کار خوب

۳۱۳۱. **پیامبر خدا** ﷺ: هرکه کار بدش او را ناراحت کند و از کار خوبش خوشحال گردد، همو مؤمن است.

۳۱۳۲. **امام باقر** ؈: از پیامبر خدا ﷺ دربارهٔ بهترین بندگان سؤال شد. فرمود: کسانی که چون کار نیک کنند، شادمان شوند و هرگاه بد کنند، آمرزش طلبند.

۳۱۳۳. **امام رضا** ؈: مؤمن کسی است که چون کار نیک انجام دهد، شادمان شود و هرگاه بدی کند، آمرزش بطلبد.

---

۱. کنز العمّال: ۴۴۱۵۴.
۲. الأمالي للصدوق: ۲۹۰/۲۶۷.
۳. الكافي: ۳۱/۲۴۰/۲.
۴. عيون أخبار الرضا: ۲/۲۴/۲.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



۱۱۷

الإحسان

نیکی کردن

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۷۴/۴۰۶ باب ۳۰ «الإحسان».

كنز العمّال: ۱۵/۱۲ «الإحسان».

كنز العمّال: ۳/۲۱ «الإحسان في الطاعات».

انظر:

عنوان ۱ «الإيثار»، ۶۸ «الجزاء»، ۳۴۸ «فعل المعروف».

۳۷۷ «العادة»، ۴۲۱ «الفضيلة».

الأمثال: باب ۳۵۶۹، اليتيم: باب ۴۱۷۴.

۸۶۵
فَضلُ الإحسانِ

الكتاب:

﴿وَابْتَغِ فِيما آتاكَ اللهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللهُ إِلَيْكَ وَلا تَبْغِ الْفَسادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللهَ لا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾.[1]

﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾.[2]

﴿إِنَّ اللهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشاءِ وَالْمُنكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾.[3]

(انظر) آل عمران: ۱۳۴، الأعراف: ۵۶، ۱۶۱، التوبة: ۹۱، ۱۲۰، هود: ۱۱۵، يوسف: ۲۲، ۵۶، النحل: ۹۰، ۱۲۸، القصص: ۱۴، ۷۷، الذاريات: ۱۶.

الحديث:

۳۱۳۴. رسولُ اللهِ ﷺ: زِينَةُ العِلمِ الإحْسانُ.[4]

۳۱۳۵. الإمامُ عليٌّ ؈: أَحَقُّ النّاسِ بالإحْسانِ مَن أَحْسَنَ اللهُ إلَيهِ، وبَسَطَ بالقُدْرَةِ يَدَيهِ.[5]

---

۱. القصص: ۷۷.
۲. البقرة: ۱۹۵.
۳. النحل: ۹۰.
۴. بحار الأنوار: ۴۰/۴۱۸/۷۴.
۵. غرر الحكم: ۳۳۶۹.

۸۶۵
فضیلتِ نیکی کردن

قرآن:

«در آنچه خدا به تو داده است، سرای آخرت را بجوی و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن و نیکی کن همچنان که خدا به تو نیکی کرده است. و دنبال فساد و تبهکاری در روی زمین مباش که خداوند تبهکاران را دوست ندارد».

«و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دستهای خویش به هلاکت نیندازید و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد».

«همانا خداوند به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان، فرمان می‌دهد و از فحشاء و زشتکاری و ستم نهی می‌کند. او شما را اندرز می‌دهد باشد که پند گیرید».

حدیث:

۳۱۳۴. **پیامبر خدا ﷺ**: زیورِ دانش، نیکوکاری است.

۳۱۳۵. **امام علی ؈**: سزاوارترین مردم به نیکی کردن، کسی است که خداوند به او نیکی

۳۱۳۶ . عنه ﷺ: الإحْسانُ غَريزَةُ الأخْيارِ، والإساءَةُ غَريزَةُ الأشْرارِ.[۱]

۳۱۳۷ . عنه ﷺ: الإحْسانُ غُنْمٌ.[۲]

۳۱۳۸ . عنه ﷺ: الإحْسانُ ذُخْرٌ، والكَريمُ مَن حازَهُ.[۳]

۳۱۳۹ . عنه ﷺ: عَلَيكَ بالإحْسانِ، فَإنَّهُ أفْضَلُ زِراعَةٍ، وأرْبَحُ بِضاعَةٍ.[۴]

۳۱۴۰ . عنه ﷺ: أفْضَلُ الإيمانِ الإحْسانُ.[۵]

۳۱۴۱ . عنه ﷺ: بالإحْسانِ وتَغَمُّدِ الذُّنوبِ بالغُفرانِ يَعْظُمُ المَجدُ.[۶]

۳۱۴۲ . عنه ﷺ: رأسُ الإيمانِ الإحْسانُ إلَى النّاسِ.[۷]

۳۱۴۳ . عنه ﷺ: نِعْمَ زادُ المَعادِ الإحْسانُ إلَى العِبادِ.[۸]

۳۱۴۴ . عنه ﷺ: زَكاةُ الظَّفَرِ الإحْسانُ.[۹]

۳۱۴۵ . عنه ﷺ: صَنائِعُ الإحْسانِ مِن فَضائِلِ الإنسانِ.[۱۰]

---

۱ . غرر الحكم: ۲۰۲۹.
۲ . غرر الحكم: ۱۵۶.
۳ . غرر الحكم: ۱۱۳۵.
۴ . غرر الحكم: ۶۱۱۲.
۵ . غرر الحكم: ۲۸۷۰.
۶ . غرر الحكم: ۴۳۳۶.
۷ . غرر الحكم: ۵۲۵۳.
۸ . غرر الحكم: ۹۹۱۲.
۹ . غرر الحكم: ۵۴۵۰.
۱۰ . غرر الحكم: ۵۸۳۳.

کرده و قدرت در اختیارش نهاده است.

۳۱۳۶ . **امام علی** ﷺ: نیکی کردن، سرشت خوبان است و بدی کردن سرشت بدکاران.

۳۱۳۷ . **امام علی** ﷺ: نیکی کردن، غنیمت است.

۳۱۳۸ . **امام علی** ﷺ: نیکی کردن، گنج است و کریم، کسی است که مالک این گنج شود.

۳۱۳۹ . **امام علی** ﷺ: بر تو باد نیکوکاری، که آن بهترین کشت، و سود آورترین کالاست.

۳۱۴۰ . **امام علی** ﷺ: برترین ایمان، نیکوکاری است.

۳۱۴۱ . **امام علی** ﷺ: با نیکی کردن و چشم‌پوشی از گناهان، عزّت و احترام زیاد می‌شود.

۳۱۴۲ . **امام علی** ﷺ: رأس ایمان، نیکی کردن به مردم است.

۳۱۴۳ . **امام علی** ﷺ: چه نیکو توشه‌ای است برای معاد، نیکی کردن به بندگان.

۳۱۴۴ . **امام علی** ﷺ: زکات پیروزی، نیکی کردن است.

۳۱۴۵ . **امام علی** ﷺ: انجام نیکوکاری، از فضایل انسان است.

۳۱۴۶ . **عنه** ﷺ: لَو رأيتُمُ الإحْسانَ شَخْصاً لَرأيتُموهُ شَكْلاً جَميلاً يَفوقُ العالَمينَ .[۱]

۳۱۴۷ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ لإسحاقَ بنِ عمّارٍ ـ: أحسِنْ يا إسحاقُ إلىٰ أوليائي ما اسْتَطَعْتَ، فما أحسَنَ مؤمنٌ إلىٰ مؤمنٍ ولا أعانَهُ إلّا خَمَشَ وَجهَ إبْليسَ، وَقَرَّحَ قَلبَهُ .[۲]

۸۶۶
الإحسانُ وَالمَحَبَّةُ

۳۱۴۸ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: الإحْسانُ مَحَبَّةٌ .[۳]

۳۱۴۹ . **عنه** ﷺ: سَبَبُ المَحَبَّةِ الإحْسانُ .[۴]

۳۱۵۰ . **عنه** ﷺ: مَن كَثُرَ إحْسانُهُ أحَبَّهُ إخْوانُهُ .[۵]

۳۱۵۱ . **عنه** ﷺ: مَن كَثُرَ إحْسانُهُ كَثُرَ خَدَمُهُ وأعْوانُهُ .[۶]

۳۱۵۲ . **عنه** ﷺ: مَن أحْسَنَ إلَى النّاسِ اسْتَدامَ مِنهُمُ المَحَبَّةَ .[۷]

۸۶۷
بِالإحسانِ تُملَكُ القُلوبُ

۳۱۵۳ . **رسولُ اللهِ** ﷺ: جُبِلَتِ القُلوبُ علىٰ حُبِّ مَن

---

۱ . غرر الحكم: ۷۶۰۱.
۲ . الكافي: ۹/۲۰۷/۲.
۳ . غرر الحكم: ۱۰۹.
۴ . غرر الحكم: ۵۵۱۸.
۵ . غرر الحكم: ۸۴۷۳.
۶ . غرر الحكم: ۸۶۱۵.
۷ . غرر الحكم: ۸۷۱۵.

۳۱۴۶ . **امام علی** ﷺ: اگر نیکوکاری مجسّم می‌شد بیگمان آن را در شکل و قیافه‌ای زیباتر ا همهٔ جهانیان می‌دیدید.

۳۱۴۷ . **امام صادق** ﷺ ـ بـه اسحاق بـن عـمّار فـرمود: ای اسـحاق! تـا مـی‌توانـی بـ دوستداران من نیکی کن؛ زیرا هیچ مؤمنی به مؤمن دیگـر نـیکی نکـرد و او را یـاری نداد، مگر این که با آن کار چهرهٔ ابـلیس خراشید و دلش را جریحه‌دار کرد.

۸۶۶
نیکوکاری و محبّت

۳۱۴۸ . **امام علی** ﷺ: نیکوکاری، محبّت است.

۳۱۴۹ . **امام علی** ﷺ: نیکی کـردن، سـبب مـحبّت است.

۳۱۵۰ . **امام علی** ﷺ: آن که احسانش زیـاد بـاشد دوستان و برادرانش او را دوست بدارند.

۳۱۵۱ . **امام علی** ﷺ: آن که بـسیار نیکوکار بـاشد خدمتگزاران و یارانش بـسیار شود.

۳۱۵۲ . **امام علی** ﷺ: آن که بـه مـردم نـیکی کـند محبّت آنان را [نسبت بـه خـود] اسـتمرا بخشد.

۸۶۷
با احسان، دلها به دست آید

۳۱۵۳ . **پیامبر خدا** ﷺ: دلها بر محبت کسی که بـ آنها خوبی کند و بر نفرت از کـسی که به آنه

أحسَنَ إلَيها، وبُغْضِ مَن أساءَ إلَيها.[۱]

۳۱۵۴ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الإحْسانُ يَستعبدُ الإنسانَ.[۲]

۳۱۵۵ . عنه ﷺ: الإنْسانُ عَبدُ الإحْسانِ.[۳]

۳۱۵۶ . عنه ﷺ: الإحْسانُ يَسْتَرِقُّ الإنسانَ.[۴]

۳۱۵۷ . عنه ﷺ: كَم مِن إنسانٍ اسْتَعْبَدَهُ إحْسانٌ![۵]

۳۱۵۸ . عنه ﷺ: أحسِنْ تَسْتَرِقَّ.[۶]

۳۱۵۹ . عنه ﷺ: ما اسْتُعْبِدَ الكِرامُ بِمِثْلِ الإكْرامِ.[۷]

۳۱۶۰ . عنه ﷺ: بالإحْسانِ تُمْلَكُ القُلوبُ.[۸]

۳۱۶۱ . عنه ﷺ: احْتَجْ إلىٰ مَن شِئْتَ تَكُن أسيرَهُ، واسْتَغْنِ عَمَّن شِئْتَ تَكُنْ نَظيرَهُ، وأفْضِلْ علىٰ مَن شِئْتَ تَكُن أميرَهُ.[۹]

۸۶۸

الإحسانُ إلىٰ مَن أساءَ

۳۱۶۲ . رسولُ اللهِ ﷺ: أحْسِنْ إلىٰ مَن أساءَ إلَيكَ.[۱۰]

۳۱۶۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: إنّ إحْسانَكَ إلىٰ مَن كادَكَ مِن الأضْدادِ والحُسّادِ، لأغْيَظُ عَلَيهِم مِن

بدی روا دارد، سرشته شده است.

۳۱۵۴ . **امام علی** ﷺ: نیکی کردن، انسان را بنده [ی احسان کننده] می‌کند.

۳۱۵۵ . **امام علی** ﷺ: انسان، بندهٔ احسان است.

۳۱۵۶ . **امام علی** ﷺ: نیکی کردن، آدمی را به بند [احسان کننده] می‌کشد.

۳۱۵۷ . **امام علی** ﷺ: بسا انسانهایی که بندهٔ احسان شده‌اند!

۳۱۵۸ . **امام علی** ﷺ: نیکی کن تا به بند کشی.

۳۱۵۹ . **امام علی** ﷺ: بزرگواران با چیزی همانند اکرام به بندگی گرفته نشدند.

۳۱۶۰ . **امام علی** ﷺ: با نیکی کردن، دلها تصرّف می‌شود.

۳۱۶۱ . **امام علی** ﷺ: دست نیاز به سوی هر که خواهی دراز کن، تا اسیر او شوی؛ و از هر که خواهی بی‌نیازی جوی، تا همتای او گردی؛ و به هر که خواهی خوبی کن، تا فرمانروای او باشی.

۸۶۸

خوبی کردن به کسی که بدی کرده است

۳۱۶۲ . **پیامبر خدا** ﷺ: به کسی که در حقّ تو بدی کرده است، خوبی کن.

۳۱۶۳ . **امام علی** ﷺ: خوبی کردن تو به دشمنان و بدخواهانت از بدی کردنت به آنها در

---

۱. تحف العقول: ۳۷.
۲. غرر الحكم: ۷۸۳.
۳. غرر الحكم: ۲۶۳.
۴. غرر الحكم: ۱۰۵۸.
۵. غرر الحكم: ۶۹۳۰.
۶. غرر الحكم: ۲۲۲۷.
۷. غرر الحكم: ۹۷۰۱.
۸. غرر الحكم: ۴۳۳۹.
۹. الإرشاد: ۳۰۳/۱.
۱۰. كنز الفوائد: ۳۱/۲.

مَـواقِـعِ إساءَتِكَ مِـنهُم، وهُـو داعٍ إلىٰ صَلاحِهِم.[1]

۳۱۶۴ . عنه ﷺ: أحْسِنْ إلَى المُسيءِ تَمْلِكْهُ.[2]

۳۱۶۵ . عنه ﷺ: أصْلِحِ المُسيءَ بحُسْنِ فِعالِكَ، ودُلَّ علىٰ الخَيرِ بجَميلِ مَقالِكَ.[3]

۳۱۶۶ . عنه ﷺ: الإحْسـانُ إلىٰ المُسـيءِ أحسَـنُ الفَضْلِ.[4]

۳۱۶۷ . عنه ﷺ: الإحْسانُ إلىٰ المُسيءِ يَسْـتَصْلِحُ العَدُوَّ.[5]

۳۱۶۸ . عنه ﷺ: اجْـعَلْ جَـزاءَ النِّـعْمَةِ عـلَيكَ، الإحْسانَ إلىٰ مَن أساءَ إلَيكَ.[6]

۳۱۶۹ . عنه ﷺ: لا يَـحوزُ الغُـفْرانَ إلّا مَـن قـابَلَ الإساءَةَ بالإحْسانِ.[7]

۳۱۷۰ . عنه ﷺ: لا يَكونَـنَّ أخـوكَ علىٰ الإسـاءَةِ إلَيكَ أقوىٰ منكَ علىٰ الإحْسانِ إلَيهِ.[8]

(انظر) الخير: باب ۱۱۸۰.

الرحم: باب ۱۴۶۸.

المكافأة: باب ۳۴۴۹.

الإنصاف: باب ۳۸۱۸.

---

۱ . غرر الحكم: ۳۶۳۷.
۲ . غرر الحكم: ۲۲۷۳.
۳ . غرر الحكم: ۲۳۰۴.
۴ . غرر الحكم: ۱۳۴۴.
۵ . غرر الحكم: ۱۵۱۷.
۶ . غرر الحكم: ۲۴۶۸.
۷ . غرر الحكم: ۱۰۷۵۶.
۸ . غرر الحكم: ۱۰۳۶۸.

ایشان مؤثرتر است و موجب اصلاح آنان می‌شود.

۳۱۶۴ . امام علی ﷺ: به آن که بد کرده است خوبی کن، تا مالکش شوی.

۳۱۶۵ . امام علی ﷺ: با کردار نیک خود، بدکردار را اصلاح کن و با گفتار خوش و زیبایت، به خیر و خوبی راهنمایی کن.

۳۱۶۶ . امام علی ﷺ: نیکی کردن به بدی کننده، نیکوترین احسان است.

۳۱۶۷ . امام علی ﷺ: نیکی کردن به آن که بدی کرده است، دشمن را به آشتی کشاند.

۳۱۶۸ . امام علی ﷺ: پاداش نعمتی را که به تو داده شده، نیکی کردن به کسی قرار ده که در حقّ تو بدی کرده است.

۳۱۶۹ . امام علی ﷺ: آمرزش را به دست نیاورد، مگر کسی که بدی را با نیکی پاسخ دهد.

۳۱۷۰ . امام علی ﷺ: مبادا قدرتِ برادرت بر بدی کردن با تو، بیشتر از قدرتِ تو بر خوبی کردن به او باشد.

۸۶۹
المُحسِنُ

۳۱۷۱ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: المُحسِنُ مُعانٌ، المُسيءُ مُهانٌ.[۱]

۳۱۷۲ . عنه ﷺ: المُحسِنُ حَيٌّ وإن نُقِلَ إلىٰ مَنازِلِ الأمْواتِ.[۲]

۳۱۷۳ . عنه ﷺ: المُحسِنُ مَن عَمَّ النّاسَ بالإحْسانِ.[۳]

۳۱۷۴ . عنه ﷺ: إنَّ المؤمنينَ مُحْسِنونَ.[۴]

۳۱۷۵ . عنه ﷺ: كُلُّ مُحسِنٍ مُسْتَأنَسٌ.[۵]

۸۷۰
إنَّ اللهَ مَعَ المُحسِنينَ

الكتاب:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾.[۶]

﴿إِنَّ اللهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾.[۷]

(انظر) البقرة: ۱۹۵.

---

۱ . غرر الحكم: ۱۹۱.
۲ . غرر الحكم: ۱۵۲۱.
۳ . غرر الحكم: ۱۶۹۹.
۴ . غرر الحكم: ۳۵۳۵.
۵ . غرر الحكم: ۶۸۴۱.
۶ . العنكبوت: ۶۹.
۷ . النحل: ۱۲۸.

۸۶۹
نیکوکار

۳۱۷۱ . **امام علی ﷺ:** نیکوکار یاری شود؛ بدی‌کننده خوار و بی‌کس ماند.

۳۱۷۲ . **امام علی ﷺ:** نیکوکار زنده است، هرچند به خانه‌های مردگان منتقل شود.

۳۱۷۳ . **امام علی ﷺ:** نیکوکار کسی است که به همهٔ مردم نیکی کند.

۳۱۷۴ . **امام علی ﷺ:** همانا مؤمنان، نیکوکارند.

۳۱۷۵ . **امام علی ﷺ:** هر نیکوکاری محبوب است.

۸۷۰
خداوند با نیکوکاران است

قرآن:

«و آنان که در راه ما جهاد کنند راههایمان را به ایشان نشان می‌دهیم و همانا خدا با نیکوکاران است».

«همانا خدا با پرهیزگاران است و با آنان که نیکوکارند».

الحديث:

٣١٧٦ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: ألا وإنّي مَخْصوصٌ في القُرآنِ بأسماءٍ، احْذَروا أن تُغْلَبوا عَلَيها فتَضِلّوا في دِينِكُم... أنا المُحسِنُ، يقولُ اللهُ عزّوجلّ: ﴿إنَّ اللهَ لَمعَ المحسنينَ﴾.[1]

٣١٧٧ . الإمامُ الباقرُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿إنّ اللهَ لَمعَ المحسنينَ﴾ ـ: هذهِ الآيةُ لآلِ محمّدٍ ﷺ ولأشْياعِهِم.[2]

٨٧١
تَفسيرُ الإحسانِ

٣١٧٨ . تفسير نور الثقلين: في قولِهِ تعالىٰ: ﴿ومن أحسن ديناً مِمّن أسْلَمَ وَجْهَهُ للهِ وهو مُحْسِنٌ﴾[3]: رُوِيَ أنَّ النَّبيَّ ﷺ سُئل عنِ الإحْسانِ، فقالَ: أنْ تَعبُدَ اللهَ كأنَّكَ تَراهُ، فإنْ لَم تَكُن تَراهُ فإنَّهُ يَراكَ.[4]

٣١٧٩ . المحاسن عن عمرَ بنِ يزيدَ: سَمِعتُ أبا عبدِ اللهِ ﷺ يقولُ: إذا أحسَنَ المؤمنُ عَمَلَهُ ضاعَفَ اللهُ عمَلَهُ لكلِّ حَسنةٍ سَبعَمائةٍ... فقلتُ لَهُ: وما الإحْسانُ؟ قالَ: فقالَ: إذا

حديث:

۳۱۷۶ . **امام علی** ﷺ: بدانید که من در قرآن به نام‌هایی ویژه گشته‌ام؛ مبادا بر این نام‌ها چیره شوید که در دین خود گمراه و سرگشته خواهید شد... . من هستم آن «محسن» و نیکوکاری که خداوند عزّوجلّ می‌فرماید: «همانا خداوند با نیکوکاران است».

۳۱۷۷ . **امام باقر** ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «همانا خداوند با نیکوکاران است» ـ فرمود: این آیه دربارهٔ خاندان محمّد ـ صلوات الله علیهم ـ و پیروان آنهاست.

۸۷۱
تفسیر نیکوکاری

۳۱۷۸ . **تفسیر نورالثقلین**: دربارهٔ آیهٔ «و دینِ چه کسی بهتر است از کسی که از روی اخلاص رو به خدا کند و نیکوکار بُوَد؟» روایت شده است که از پیامبر ﷺ دربارهٔ نیکی و احسان سؤال شد، فرمود: احسان این است که خدای را چنان پرستی که گویی او را می‌بینی؛ زیرا اگر تو او را نبینی او تو را می‌بیند.

۳۱۷۹ . **المحاسن** ـ به نقل از عمربن یزید ـ: از امام صادق ﷺ شنیدم که می‌فرمود: هرگاه مؤمن کارش را نیکو انجام دهد، خداوند هر کار نیک او را هفتصد برابر گرداند... عرض

---

۱ . معاني الأخبار: ۹/۵۹. ۲ . تفسير القمّي: ۱۵۱/۲.
۳ . النساء: ۱۲۵.
۴ . تفسير نور الثقلين: ۵۷۹/۵۵۳/۱.

صَلّيْتَ فأحسِنْ رُكوعَكَ وسُجودَكَ، وإذا صُمْتَ فَتَوَقَّ كلَّ ما فيهِ فَسادُ صَومِكَ... وكلُّ عَملٍ تَعمَلُهُ للهِ فلْيَكُن نَقِيّاً مِنَ الدَّنَسِ.[1]

(انظر) العمل: باب ۲۹۱۰.

الحيوان: باب ۹۸۵.

۸۷۲
مَن أحسَنَ أحسَنَ لِنَفسِهِ

الكتاب:

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَها فَإِذا جاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوؤا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَما دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا ما عَلَوْا تَتْبِيراً﴾.[2]

﴿قَدْ جاءَكُمْ بَصائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْها وَما أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾.[3]

﴿وَمَنْ جاهَدَ فَإِنَّما يُجاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعالَمِينَ﴾.[4]

(انظر) البقرة: ۲۸۶، الإسراء: ۱۵.

الحديث:

۳۱۸۰. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: إنَّكَ إنْ أحسَنْتَ فنفسَكَ تُكرِمُ، وإلَيها تُحسِنُ، إنَّكَ إنْ أسأتَ

کردم: نیکوکاری چیست؟ فرمود: [نیکوکاری این است که] چون نمازگزاری، رکوع و سجودت را نیکو به جای آور و هرگاه روزه گرفتی از هر آنچه روزه را تباه و باطل می‌کند دوری کن... و هر کاری که برای خدا می‌کنی، باید از آلودگی پاک باشد.

۸۷۲
هر که نیکی کند به خود کرده است

قرآن:

«اگر نیکی کنید به خود کرده‌اید و اگر بدی کنید نیز به خود کرده‌اید. و چون وعدهٔ دوم فرا رسید، کسانی بر سرتان فرستادیم تا شما را غمگین سازند و چون بار اوّل که به مسجد در آمده بودند به مسجد در آیند و به هر چه دست یابند نابود سازند».

«بینشهایی از پروردگارتان به شما رسیده است. پس، هر که از روی بصیرت بنگرد به سود خود اوست و هرکه چشم بصیرت برهم نهد به زیان اوست. و من نگهدارندهٔ شما نیستم».

«هر که جهاد کند به سود خود کرده است، همانا خدا از همهٔ جهانیان بی‌نیاز است».

حدیث:

۳۱۸۰. امام علی علیه السلام: تو اگر نیکی کنی خودت را گرامی داشته‌ای و به خودت نیکی کرده‌ای؛

---

۱. المحاسن: ۱ / ۳۹۶ / ۸۸۷.
۲. الإسراء: ۷.
۳. الأنعام: ۱۰۴.
۴. العنكبوت: ۶.

فَنَفسَكَ تَمْتَهِنُ، وإيّاها تَغْبِنُ.[1]

(انظر) الجهاد (الإجتهاد في طاعة الله): باب ۶۰۳.

اگر بدی کنی خودت را خوار کرده‌ای و به خودت زیان رسانده‌ای.

۸۷۳

ثَمَراتُ الإحسانِ فِي الدُّنيا

الكتاب:

﴿وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوا ماذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْراً لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هٰذِهِ الدُّنْيا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ﴾.[2]

﴿قُلْ يا عِبادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هٰذِهِ الدُّنْيا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللهِ وَاسِعَةٌ إِنَّما يُوَفَّى الصّابِرُونَ أَجْرَهُم بِغَيْرِ حِسابٍ﴾.[3]

(انظر) الأجل: باب ۲۱.
الجزاء: باب ۵۱۲.
الإحسان: باب ۸۷۴.
الدنيا: باب ۱۲۵۶.

۸۷۳

ثمرات نیکوکاری در دنیا

قرآن:

«از پرهیزگاران پرسند: پروردگار شما چه چیز نازل کرده است؟ گویند: بهترین را. به آنان که در این دنیا نیکی می‌کنند، نیکی پاداش دهند و سرای آخرت نیکوتر از آن است. و جایگاه پرهیزگاران چه جایگاه خوبی است».

«بگو: ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! از پروردگارتان بترسید. برای آنان که در حیات اینجهانی نیکی کرده‌اند، پاداش نیک است و زمین خدا پهناور است. جز این نیست که مزد صابران بی‌حساب و نقص ادا می‌شود».

۸۷۴

ما يَتَرَتَّبُ عَلىٰ إحسانِ المُشرِكينَ

۴۱۸۱. رسولُ اللهِ ﷺ ـ لِعديّ بنِ حاتِمٍ ـ: إنَّ أباكَ أرادَ أمْراً فأدْرَكَهُ، يَعني الذِّكْرَ.[4]

۴۱۸۲. **كنز العمّال** عن سلمانِ بنِ عامرٍ الضَّبّيّ:

۴۱۸۱. **پیامبر خدا** ﷺ ـ به عدی بن حاتم ـ فرمود: پدر تو دنبال چیزی بود و به آن رسید: یعنی نام و آوازه.

۴۱۸۲. **کنز العمّال** ـ به نقل از سلمان بن عامر ضبّی ـ: عرض کردم: ای رسول خدا!

---

۱. غرر الحكم: ۳۸۰۸ـ۳۸۰۹.
۲. النحل: ۳۰. ۳. الزمر: ۱۰.
۴. كنز العمّال: ۱۶۴۹۵.

قلتُ: يا رسولَ‌اللهِ، إنَّ أبي كانَ يَقْري الضَّيفَ، ويُكْرِمُ الجارَ، ويَفي بالذِّمَّةِ، ويُعْطي في النّائِبَةِ، فما يَنْفَعُهُ ذلكَ؟ قالَ: ماتَ مُشْرِكاً؟ قلتُ: نَعَم. قالَ: أمَا إنَّها لا تَنْفَعُهُ، ولكنَّها تَكونُ في عَقِبِهِ أنَّهُم لَن يُخْزَوا أبَداً، ولَن يُذَلّوا أبَداً، ولَن يَفْتَقِروا أبَداً.[1]

پدرم مردی میهمان نواز و همسایه‌دار بود، به پیمان وفا می‌کرد و در گرفتاریها و سختیها دستگیر بود. آیا اینها برای او سودی دارد؟ پیامبر پرسید: آیا او مشرک، مرد؟ عرض کردم: آری. فرمود: اینها به حال او سودی ندارد، امّا به سبب این کارها بازماندگان او هرگز گرفتار و خوار و نیازمند نمی‌شوند.

۳۱۸۳. **کنز العمّال** عن عائشةَ: قلتُ: يا رسولَ اللهِ، ابنُ جدعانَ كانَ في الجاهليّةِ يَصِلُ الرَّحِمَ، ويُطعِمُ المِسكينَ، فهل ذلكَ نافِعُهُ؟ قالَ: يا عائشةُ، إنَّه لَم يَقُلْ يوماً: رَبِّ اغْفِرْ لي خَطيئَتي يَومَ الدِّينِ.[2]

۳۱۸۳. **کنز العمّال** ـ به نقل از عایشه ـ: عرض کردم: ای رسول خدا! ابن جدعان در زمان جاهلیت، صلهٔ رحم به جای می‌آورد و مستمندان را اطعام می‌کرد. آیا اینها سودی به حال او دارند؟ فرمود: ای عایشه! او حتی یک روز نگفت: پروردگارا! در روز جزا گناه مرا ببخش.

(انظر) کنز العمّال: ۶ / ۴۵۰، ۴۵۱.
الصدقة: باب ۲۲۱۲.
التواب: باب ۴۸۲.

۸۷۵
جُحودُ الإحسانِ

۸۷۵
نمک‌نشناسی

۳۱۸۴. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: جُحودُ الإحْسانِ يَحدو علىٰ قُبحِ الامْتِنانِ.[3]

۳۱۸۴. **امام علی** ﷺ: نادیده گرفتن احسان [دیگران]، منت گذاری زشت آنان را سبب می‌شود.

۳۱۸۵. **عنه** ﷺ: جُحودُ الإحْسانِ يُوجِبُ الحِرْمانَ.[4]

۳۱۸۵. **امام علی** ﷺ: نادیده گرفتن احسان، موجب محرومیت [از احسان] می‌شود.

---

۱. کنز العمّال: ۱۶۴۸۹.
۲. کنز العمّال: ۱۶۴۹۱.
۳. غرر الحکم: ۴۷۹۸.
۴. غرر الحکم: ۴۷۹۹.

۳۱۸۶ . عنه ﷺ: مَن كَتَمَ الإحْسانَ عُوقِبَ بالحِرْمانِ.[۱]

(انظر) النعمة: باب ۳۸۵۵.

۳۱۸۶ . **امام علی** ﷺ: هرکه نیکی [دیگران] را پوشیده بدارد، با [کیفرِ] محرومیت مجازات شود.

۸۷۶
النَّوادِرُ

۳۱۸۷ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن قَطَعَ مَعْهودَ إحْسانِهِ قَطَعَ اللهُ مَوجودَ إمْكانِهِ.[۲]

۳۱۸۸ . عنه ﷺ: تَمامُ الإحْسانِ تَرْكُ المَنِّ بِهِ.[۳]

۳۱۸۹ . الإمامُ الكاظمُ ﷺ: مَن لم يَجِدْ للإساءَةِ مَضَضاً، لَم يَكُنْ عِندَهُ للإحْسانِ مَوْقِعٌ.[۴]

(انظر) الصدقة: باب ۲۲۱۰.

۸۷۶
گوناگون

۳۱۸۷ . **امام علی** ﷺ: کسی که رشتهٔ احسان خود را قطع کند، خداوند توانایی [بر نیکی کردن] را از او بگیرد.

۳۱۸۸ . **امام علی** ﷺ: کمال احسان، منّت ننهادن به سبب آن است.

۳۱۸۹ . **امام کاظم** ﷺ: هرکه بدی برایش ناگوار و رنج آور نباشد، خوبی و احسان نیز در نظرش جایگاهی ندارد.

---

۱ . غرر الحكم: ۸۳۳۳.
۲ . غرر الحكم: ۸۱۳۰.
۳ . غرر الحكم: ۴۴۸۳.
۴ . أعلام الدين: ۳۰۵.

١١٨

الحِفظ

حافظه

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧٦/٣١٩ باب ٦١ «الأمور التي تُورث الحفظ والنسيان».

كنز العمّال: ٨/٤١١ «صلاة حفظ القرآن».

۸۷۷
نِعمَةُ الحِفظِ

۳۱۹۰ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في حديثِ المفضَّلِ ـ: أفَرَأيتَ لَو نُقِصَ الإنسانُ مِن هذهِ الخِلالِ الحِفظَ وَحدَهُ كيفَ كانَتْ تكونُ حالُهُ ؟! وكَم مِن خَلَلٍ كانَ يَدخُلُ علَيهِ في اُمورِهِ ومَعاشِهِ وتَجارِبِهِ إذا لم يَحفَظْ ما لَهُ وعَلَيهِ، وما أخَذَهُ وما أعطىٰ، وما رأىٰ وما سَمِعَ ...ثُمَّ كانَ لا يَهتدي لطريقٍ لو سَلَكَهُ ما لا يحصىٰ، ولا يَحفَظُ عِلْماً ولو دَرَسَهُ عُمْرَهُ، ولا يَعْتَقِدُ دِيناً، ولا يَنْتَفِعُ بتَجْرِبَةٍ، ولا يَستَطيعُ أن يَعْتَبِر شيئاً علىٰ ما مضىٰ، بَل كانَ حَقيقاً أنْ يَنْسَلِخَ مِن الإنسانيّةِ أصْلاً.

... وأعظَمُ من النِّعمَةِ علىٰ الإنسانِ في الحِفْظِ النِّعمَةُ في النِّسيانِ ؛ فإنَّهُ لولا النِّسيانُ لَما سَلا أحَدٌ عن مُصيبَةٍ.[1]

۸۷۷
نعمتِ حافظه

۳۱۹۰ . امام صادق ﷺ ـ در حدیث مفضّل ـ فرمود: آیا اندیشیده‌ای که اگر انسان از میان این ویژگیها، فقط حافظه را کم داشت، حال و روزش چگونه بود؟ و اگر موضوعات سودمند و زیانبار و گرفته‌ها و داده‌ها و دیده‌ها و شنیده‌های خود را در حافظه‌اش نگه نمی‌داشت چه اختلالاتی در کارها و زندگی و تجربیاتش به وجود می‌آمد...؟ اگر راهی را بارها و بارها می‌پیمود، باز آن را گم می‌کرد، اگر همهٔ عمرش را درس می‌خواند، دانشی را به خاطر نمی‌سپرد، به دینی اعتقاد نمی‌یافت و از تجربه‌ای بهره‌مند نمی‌شد و نمی‌توانست از گذشته‌ها کمترین عبرتی بگیرد، به طور کلی سزاوار بود که از انسان بودن یکسره خارج شود.

... بالاتر از نعمتِ حافظه برای انسان، نعمتِ فراموشی است ؛ زیرا اگر فراموشی نبود، هیچ کس هیچ مصیبتی را از یاد نمی‌برد.

---

۱ . بحار الأنوار : ۸۰/۳.

۸۷۸
الحِفظُ فِي الصِّغَرِ

۳۱۹۱ . رسولُ اللهِ ﷺ: حِفْظُ الغُلامِ كَالوَسْمِ عَلَى الحَجَرِ، وحِفْظُ الرَّجُلِ بَعد ما يَكْبُرُ كالكِتابَةِ علىٰ الماءِ.[۱]

۳۱۹۲ . عنه ﷺ: مَثَلُ الَّذي يَتَعلَّمُ في صِغَرِهِ كالنَّقْشِ في الحَجَرِ، ومَثَلُ الَّذي يَتَعلَّمُ في كِبَرِهِ كالَّذي يَكتُبُ علىٰ الماءِ.[۲]

۸۷۹
ما يَزيدُ فِي الحِفظِ

۳۱۹۳ . رسولُ اللهِ ﷺ: ثَلاثَةٌ يُذهِبنَ النِّسيانَ ويُحدِثْنَ الذِّكْرَ: قِراءةُ القُرآنِ، والسِّواكُ، والصِّيامُ.[۳]

۳۱۹۴ . عنه ﷺ: يا عليُّ، ثَلاثَةٌ يَزِدْنَ في الحِفْظِ ويُذْهِبنَ السُّقْمَ: اللِّبانُ، والسِّواكُ، وقِراءةُ القُرآنِ.[۴]

۸۷۸
حفظ کردن در خُردسالی

۳۱۹۱ . **پیامبر خدا ﷺ**: حفظ کردن خردسال مانند نشانی است که بر سنگ کنده می‌شود و حفظ کردن در کهنسالی مانند نوشتن روی آب است.

۳۱۹۲ . **پیامبر خدا ﷺ**: حکایت کسی که در خرد سالی می‌آموزد همچون نقشی است که روی سنگ کنده می‌شود وحکایت کسی که در کهنسالی می‌آموزد همانند کسی است که بر آب بنویسد.

۸۷۹
آنچه حافظه را زیاد می‌کند

۳۱۹۳ . **پیامبر خدا ﷺ**: سه چیز فراموشی را از بین می‌برد و حافظه می‌آورد: تلاوت قرآن، مسواک زدن و روزه.

۳۱۹۴ . **پیامبر خدا ﷺ**: ای علی! سه چیز حافظه را زیاد می‌کند و بیماری را می‌زداید: کُندُر، مسواک زدن و تلاوت قرآن.

---

۱ . کنز العمّال: ۲۹۲۵۸. ۲ . کنز العمّال: ۲۹۳۳۶.
۳ . بحار الأنوار: ۶۲/۲۶۶/۳۹.
۴ . الخصال: ۱۲۶/۱۲۲.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۱۹

الحِقد

کینه توزی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزید الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۷۵/۲۰۹ باب ۶۴ والحقد والبغضاء والشّحناء.

کنز العمّال: ۳/۴۶۴، ۸۱۱ والحقد.

۸۸۰
الحِقدُ

۳۱۹۵ . **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: الحِقْدُ أَلْأَمُ العُيوبِ.[۱]

۳۱۹۶ . **عنه ﷺ**: أَلْأَمُ الخُلقِ الحِقدُ.[۲]

۳۱۹۷ . **عنه ﷺ**: الحِقدُ يُذْرِي.[۳]

۳۱۹۸ . **عنه ﷺ**: الحِقدُ مَثارُ الغَضَبِ.[۴]

۳۱۹۹ . **عنه ﷺ**: الحِقدُ شِيمَةُ الحَسَدةِ.[۵]

۳۲۰۰ . **عنه ﷺ**: الحِقْد داءٌ دَوِيٌّ، ومَرَضٌ مُوبِي.[۶]

۳۲۰۱ . **عنه ﷺ**: الحِقدُ خُلقٌ دَنِيٌّ، ومَرَضٌ مُرْدِي.[۷]

۳۲۰۲ . **عنه ﷺ**: الحِقدُ مِن طَبائِعِ الأشْرارِ.[۸]

۳۲۰۳ . **عنه ﷺ**: الحِقدُ نارٌ لا تُطْفَأُ إلّا بالظَّفَرِ.[۹]

۳۲۰۴ . **عنه ﷺ**: طَهِّروا قُلوبَكُم مِن الحِقدِ؛ فإنَّهُ داءٌ مُوبِئٌ.[۱۰]

۳۲۰۵ . **عنه ﷺ**: رأسُ العُيوبِ الحِقْدُ.[۱۱]

---

۱ . غرر الحكم: ۹۶۶.
۲ . غرر الحكم: ۲۹۱۷.
۳ . غرر الحكم: ۳۰.
۴ . غرر الحكم: ۵۳۰.
۵ . غرر الحكم: ۴۲۲.
۶ . غرر الحكم: ۱۴۹۹.
۷ . غرر الحكم: ۱۵۰۰.
۸ . غرر الحكم: ۲۲۰۲.
۹ . غرر الحكم: ۲۲۰۳.
۱۰ . غرر الحكم: ۶۰۱۷.
۱۱ . غرر الحكم: ۵۲۴۳.

۸۸۰
کینه توزی

۳۱۹۵ . **امام علی ﷺ**: کینه توزی، پست‌ترین عیبهاست.

۳۱۹۶ . **امام علی ﷺ**: پست ترین خوی، کینه توزی است.

۳۱۹۷ . **امام علی ﷺ**: کینه توزی، [هستی انسان را] بر باد می‌دهد.

۳۱۹۸ . **امام علی ﷺ**: کینه، خشم برانگیز است.

۳۱۹۹ . **امام علی ﷺ**: کینه توزی، خصلت حسودان و بدخواهان است.

۳۲۰۰ . **امام علی ﷺ**: کینه توزی، دردی سخت و مرضی مهلک و مُسری است.

۳۲۰۱ . **امام علی ﷺ**: کینه توزی، خویی پست و مرضی کشنده است.

۳۲۰۲ . **امام علی ﷺ**: کینه توزی از خصلتهای اشرار و نابکاران است.

۳۲۰۳ . **امام علی ﷺ**: کینه توزی، آتشی است که جز با پیروز شدن فرونشانده نمی‌شود.

۳۲۰۴ . **امام علی ﷺ**: دلهای خود را از کینه پاک کنید؛ که آن دردی مهلک است.

۳۲۰۵ . **امام علی ﷺ**: کینه توزی، سرآمد همهٔ عیبهاست.

۴۲۰۶ . عنه ﷺ: الدُّنيا أصْغَرُ وأحْقَرُ وأنْزرُ مِن أنْ تُطاعَ فيها الأحْقادُ.[۱]

۴۲۰۷ . عنه ﷺ: إنَّما اللَّبيبُ مَنِ اسْتَسَلَّ الأحْقادَ.[۲]

۴۲۰۸ . عنه ﷺ: سَبَبُ الفِتَنِ الحِقْدُ.[۳]

۴۲۰۹ . عنه ﷺ: سِلاحُ الشَّرِّ الحِقْدُ.[۴]

۴۲۱۰ . عنه ﷺ: مَنِ اطَّرَحَ الحِقدَ اسْتَراحَ قَلبُهُ ولُبُّهُ.[۵]

۴۲۱۱ . عنه ﷺ: مَن زَرَعَ الإحَنَ حَصَدَ المِحَنَ.[۶]

۴۲۱۲ . عنه ﷺ: مَن كَثُرَ حِقدُهُ قَلَّ عِتابُهُ.[۷]

۴۲۱۳ . الإمامُ الهادِيُّ ﷺ: العِتابُ خَيرٌ مِن الحِقْدِ.[۸]

۸۸۱
الحَقودُ

۴۲۱۴ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحَقودُ مُعذَّبُ النَّفسِ، مُتَضاعَفُ الهَمِّ.[۹]

۴۲۱۵ . عنه ﷺ: أشدُّ القُلوبِ غِلاًّ قَلبُ الحَقودِ.[۱۰]

۴۲۱۶ . عنه ﷺ: بِئسَ العَشيرُ الحَقودُ.[۱۱]

۴۲۱۷ . عنه ﷺ: ليسَ لحَقودٍ أُخُوَّةٌ.[۱۲]

۴۲۱۸ . عنه ﷺ: لا مَودَّةَ لِحَقودٍ.[۱۳]

۴۲۰۶ . **امام علی** ﷺ: دنیا کوچکتر و حقیرتر و ناچیزتر از آن است که در آن از کینه‌ها پیروی شود.

۴۲۰۷ . **امام علی** ﷺ: خردمند کسی است که کینه‌ها را از دل بیرون کند.

۴۲۰۸ . **امام علی** ﷺ: علت فتنه‌ها و آشوبها کینه‌توزی است.

۴۲۰۹ . **امام علی** ﷺ: جنگ افزارِ شرارت و بدی، کینه توزی است.

۴۲۱۰ . **امام علی** ﷺ: هرکه کینه را دور ریزد، دل و دماغش آسوده گردد.

۴۲۱۱ . **امام علی** ﷺ: آن که کینه بکارد، رنج و محنت بِدرَوَد.

۴۲۱۲ . **امام علی** ﷺ: هرکه کینه‌اش زیاد شود، سرزنش و گله گزاری او کم گردد.

۴۲۱۳ . **امام هادی** ﷺ: سرزنش کردن بهتر است از کینه به دل گرفتن.

۸۸۱
کینه توز

۴۲۱۴ . **امام علی** ﷺ: جانِ کینه توز در عذاب است و اندوهش دو چندان.

۴۲۱۵ . **امام علی** ﷺ: بدخواه‌ترین دلها، دل کینه توز است.

۴۲۱۶ . **امام علی** ﷺ: بد همنشینی است، کینه توز.

۴۲۱۷ . **امام علی** ﷺ: کینه توز را اخوّت و برادری نیست.

۴۲۱۸ . **امام علی** ﷺ: کینه توز، پایبند دوستی و مودّتی نیست.

---

۱ . غرر الحكم: ۱۸۰۴.
۲ . غرر الحكم: ۳۸۶۸.
۳ . غرر الحكم: ۵۵۲۲.
۴ . غرر الحكم: ۵۵۵۵.
۵ . غرر الحكم: ۸۵۸۴.
۶ . غرر الحكم: ۹۱۵۷.
۷ . غرر الحكم: ۷۹۸۴.
۸ . بحار الأنوار: ۴/۳۶۹/۷۸.
۹ . غرر الحكم: ۱۹۶۲.
۱۰ . غرر الحكم: ۲۹۳۲.
۱۱ . غرر الحكم: ۴۴۰۱.
۱۲ . غرر الحكم: ۷۴۸۳.
۱۳ . غرر الحكم: ۱۰۴۳۶.

۳۲۱۹ . عنه ﷺ: لا يَكونُ الكريمُ حَقوداً.[۱]

۳۲۲۰ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: قالَ رسولُ اللهِ ﷺ: ألا أُخبِرُكُم بأبعَدِكُم مِنّي شَبَهاً؟ قالوا: بلىٰ يا رسولَ اللهِ. قالَ: الفاحِشُ المُتَفَحِّشُ البَذِيُّ البَخيلُ المُختالُ الحَقودُ الحَسودُ.[۲]

۳۲۲۱ . الإمامُ العسكريُّ ﷺ: أقَلُّ النّاسِ راحةً الحَقودُ.[۳]

۳۲۱۹ . **امام علی** ﷺ: آدم بزرگوار، کینه توز نیست

۳۲۲۰ . **امام صادق** ﷺ: پیامبر خدا ﷺ فرمود: آیا به شما بگویم که بی شباهت‌ترین شما به من کیست؟ عرض کردند: آری، ای رسول خدا! فرمود: دشنامگوی بی پروا از شنیدن دشنام و لوده و بخیل و خودپسند و کینه توز و حسود.

۳۲۲۱ . **امام عسکری** ﷺ: کم آسایش‌ترین مردم، کینه توز است.

۸۸۲
سُرعةُ ذَهابِ حِقدِ المُؤمِنِ

۳۲۲۲ . رسولُ اللهِ ﷺ ـ في صِفةِ المؤمنِ ـ: قَليلاً حِقدُهُ.[۴]

۳۲۲۳ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: حِقدُ المؤمنِ مُقامُهُ، ثُمَّ يُفارِقُ أخاهُ فلا يَجِدُ عليهِ شَيئاً، وحِقدُ الكافِرِ دَهْرُهُ.[۵]

۳۲۲۴ . عنه ﷺ: المؤمنُ يَحقِدُ مادامَ في مَجلسِهِ، فإذا قامَ ذهبَ عنهُ الحِقدُ.[۶]

۸۸۲
کینه در دل مؤمن نمی‌پاید

۳۲۲۲ . **پیامبر خدا** ﷺ ـ در وصف مؤمن ـ فرمود: کینه‌اش اندک است.

۳۲۲۳ . **امام صادق** ﷺ: کینهٔ مؤمن یک لحظه است و زمانی که از برادر خود جدا شد، در دل خود کینه‌ای نسبت به او نگه نمی‌دارد؛ اما کینهٔ کافر مادام العمر است.

۳۲۲۴ . **امام صادق** ﷺ: کینهٔ مؤمن تا زمانی است که نشسته است، همین که برخاست کینه نیز از دل او می‌رود.

۸۸۳
ما يورِثُ الحِقدَ

۳۲۲۵ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: احتَمِلْ أخاكَ علىٰ ما فيهِ،

۸۸۳
آنچه کینه می‌آورد

۳۲۲۵ . **امام علی** ﷺ: برادرت را با همان خصوصیاتی که دارد تحمّل کن و زیاد

---

۱. غرر الحكم: ۱۰۵۶۴. ۲. الكافي: ۹/۲۹۱/۲.
۳. تحف العقول: ۴۸۸. ۴. بحار الأنوار: ۶۷/ ۳۱۱/ ۴۵.
۵. بحار الأنوار: ۷/۲۱۱/۷۵.
۶. تحف العقول: ۳۱۰.

ولا تُكثِرِ العِتابَ ؛ فإنَّهُ يُورِثُ الضَّغينَةَ.[1]

سرزنش نکن ؛ زیرا این کار کینه می‌آورد.

۸۸۳
ما يَطرُدُ الحِقدَ

۴۲۲۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: حُسنُ البِشرِ يَذهَبُ بالسَّخيمَةِ.[2]

۴۲۲۷ . الإمامُ عليٌّ ؈: اُحْصُدِ الشَّرَّ مِن صَدرِ غَيرِكَ بقَلْعِهِ مِن صَدرِكَ.[3]

۴۲۲۸ . عنه ؈: عِندَ الشَّدائِدِ تَذهَبُ الأحْقادُ.[4]

۴۲۲۹ . عنه ؈: احْتَرِسوا مِن سَوْرَةِ الجَمْدِ والحِقْدِ والغَضَبِ والحَسَدِ، وأعِدّوا لكُلِّ شَيءٍ مِن ذلكَ عُدَّةً تُجاهِدونَهُ بِها، مِن الفِكْرِ في العاقِبَةِ، ومَنْعِ الرَّذيلَةِ، وطَلَبِ الفَضيلَةِ، وصَلاحِ الآخِرَةِ، ولُزومِ الحِلْمِ.[5]

(انظر) عنوان ۴۰ «البِشر».

۸۸۳
آنچه کینه را می‌برد

۴۲۲۶ . **پیامبر خدا ﷺ**: خوش‌رویی، کینه را می‌برد.

۴۲۲۷ . **امام علی ؈**: با بر کندن شر از سینهٔ خود، آن را از سینهٔ دیگران درو کن.

۴۲۲۸ . **امام علی ؈**: در هنگام سختیها و گرفتاریها، کینه‌ها از بین می‌رود.

۴۲۲۹ . **امام علی ؈**: از حدّت بخل و کینه توزی و خشم و حسادت بپرهیزید و برای مبارزه با هریک از آنها جنگ‌افزاری مانند اندیشیدن در عاقبت آنها، مبارزه با رذیلت و طلب فضیلت و اصلاح کار آخرت و لزوم بردباری و گذشت فراهم آورید.

---

۱ . بحار الأنوار: ۷۷/ ۱/۲۱۲.
۲ . تحف العقول: ۴۵.
۳ . بحار الأنوار: ۷۵/ ۱۰/۲۱۲.
۴ . غرر الحكم: ۶۲۱۲.
۵ . غرر الحكم: ۲۵۶۵.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١٢٠

التحقير

تحقير

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧٥/١٤٢ باب ٥٦ «من أذلّ مؤمناً أو أهانه أو حقّره».

وسائل الشّيعة: ٨/٥٩٠ باب ١٤٧ «تحريم إذلال المؤمن واحتقاره».

وسائل الشّيعة: ٨/٥٩٢ باب ١٤٨ «تحريم الاستخفاف بالمؤمن».

انظر:

عنوان ٩ «الإيذاء»، ٢٢٦ «السُّخرية».

الفقر: باب ٣١٨١.

۸۸۵

النَّهيُ عَن تَحقيرِ النّاسِ

۴۲۳۰ . رسولُ اللهِ ﷺ: لا يَزْرَأنَّ أحدُكُم بأحدٍ من خَلقِ اللهِ فإنَّهُ لا يَدري أيُّهُم وليُّ اللهِ.[۱]

۴۲۳۱ . لقمانُ ﷺ ـ لابنِهِ ـ: يا بُنيَّ لا تُحَقِّرَنَّ أحَداً بخُلْقانِ ثِيابِهِ؛ فإنَّ ربَّكَ وربَّهُ واحدٌ.[۲]

۸۸۵

نهی از کوچک شمردن مردم

۴۲۳۰ . **پیامبر خدا** ﷺ: هیچ یک از شما نباید احدی از بندگان خدا را خوار و بی‌مقدار بشمرد؛ زیرا نمی‌داند که کدام یک از آنها دوست خداست.

۴۲۳۱ . **لقمان** ﷺ ـ به فرزندش ـ فرمود: فرزندم! هیچ کس را به سبب کهنه بودن جامه‌اش حقیر مشمار؛ زیرا که پروردگار تو و او یکی است.

۸۸۶

التَّحذيرُ مِن تَحقيرِ المُؤمِنِ

۴۲۳۲ . رسولُ اللهِ ﷺ: مَن استَذَلَّ مؤمناً أو مؤمنةً، أو حَقَّرَهُ لفَقْرِهِ أو قِلَّةِ ذاتِ يَدِهِ، شَهَرَهُ اللهُ تعالىٰ يومَ القِيامَةِ، ثُمَّ يَفْضَحُهُ.[۳]

۴۲۳۳ . عنه ﷺ: لا تُحَقِّرَنَّ أحَداً مِن المسلمينَ، فإنَّ صَغيرَهُم عِندَ اللهِ كَبيرٌ.[۴]

۴۲۳۴ . عنه ﷺ: حَسْبُ ابنِ آدمَ من الشَّرِّ أنْ يُحَقِّرَ أخاهُ المسلمَ.[۵]

۴۲۳۵ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنَّ اللهَ تَبارَكَ وتعالىٰ

۸۸۶

بر حذر داشتن از تحقیر مؤمن

۴۲۳۲ . **پیامبر خدا** ﷺ: هر کس مرد یا زن مؤمنی را، به سبب تهیدستی یا کم بضاعتی، خوار و حقیر شمارد، خداوند متعال در روز رستاخیز او را انگشت‌نما و سپس رسوایش کند.

۴۲۳۳ . **پیامبر خدا** ﷺ: هیچ مسلمانی را خوار و حقیر مشمار؛ زیرا کوچک آنان هم نزد خداوند بزرگ است.

۴۲۳۴ . **پیامبر خدا** ﷺ: در بدی فرزند آدم همین بس که برادر مسلمان خود را تحقیر کند.

۴۲۳۵ . **امام صادق** ﷺ: خداوند تبارک وتعالی

---

۱ . بحار الأنوار: ۲۱/۱۴۷/۷۵.
۲ . بحار الأنوار: ۵۷/۴۷/۷۲.
۳ . بحار الأنوار: ۵۲/۴۴/۷۲.
۴ . تنبيه الخواطر: ۳۱/۱.
۵ . تنبيه الخواطر: ۱۲۲/۲.

يَقولُ: مَن أهانَ لي وَليّاً فقد أرْصَدَ لمُحارَبَتي، وأنا أسرَعُ شَيءٍ إلىٰ نُصْرَةِ أوْليائي.[۱]

۴۲۳۶. عنه ﷺ: قالَ اللهُ عزّوجلّ: لِيأْذَنْ بحَربٍ منّي مَن أذلَّ عَبديَ المؤمنَ.[۲]

می‌فرماید: هر که یکی از دوستان مرا خوار شمارد، آمادهٔ جنگ با من شده است و من در یاری دادن دوستدارانم شتابنده ترینم.

۴۲۳۶. **امام صادق** ﷺ: خداوند عزّوجلّ می‌فرماید: هر کس بندهٔ مؤمن مرا خوار کند باید به من اعلان جنگ دهد.

۴۲۳۷. عنه ﷺ: مَن حَقّر مؤمناً مِسكيناً لم يَزَلِ اللهُ لَهُ حاقِراً ماقِتاً حتّىٰ يَرجِعَ عن مَحْقَرَتِهِ إيّاهُ.[۳]

۴۲۳۷. **امام صادق** ﷺ: هرکه مؤمن بینوایی را حقیر شمارد، خداوند پیوسته او را تحقیر کند و دشمنش دارد تا آن گاه که از تحقیر او دست بردارد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. الكافي: ۵/۳۵۱/۲.
۲. ثواب الأعمال: ۱/۲۸۴.
۳. التمحيص: ۸۹/۵۰.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الحقّ

حقّ

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٢/ ١٤٠ باب ١٨ «ذمّ إنكار الحقّ».

بحار الأنوار: ٧٠/ ١٠٦ باب ٤٨ «إيثار الحقّ على الباطل».

بحار الأنوار: ٧٢/ ٢٢٨ باب ١١٣ «الإعراض عن الحقّ».

انظر:

عنوان ٤٢ «الباطل».

الإمامة العامة: باب ١٦٥، الحبس: باب ٦٩٦، المُداهَنة: باب ١٢٨٢.

الدِّين: باب ١٣١٣، السبيل: باب ١٧٣٢، الكِبْر: باب ٣٣٧٨.

۸۸۷
الحَقُّ

الكتاب:

﴿وَما خَلَقْنَا السَّماواتِ وَالأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُما إلّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الجَمِيلَ﴾.[1]

(انظر) النحل: ۳، سبأ: ۴۹، الإسراء: ۸۱، يونس: ۱۰۸.

الحديث:

۴۲۳۸ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: الحقُّ أقوىٰ ظَهيرٍ.[2]

۴۲۳۹ . **عنه** ﷺ: الحقُّ سَيفٌ قاطِعٌ.[3]

۴۲۴۰ . **عنه** ﷺ: الحقُّ سَيفٌ علىٰ أهلِ الباطلِ.[4]

۴۲۴۱ . **عنه** ﷺ: الحقُّ مَنْجاةٌ لكُلِّ عامِلٍ، وحُجّةٌ لكلِّ قائلٍ.[5]

۴۲۴۲ . **عنه** ﷺ: الحقُّ أبْلَجُ مُنَزَّهٌ عنِ المُحاباةِ والمُراءاةِ.[6]

۴۲۴۳ . **عنه** ﷺ: الحَقُّ أوسَعُ مِن الأرضِ.[7]

۴۲۴۴ . **عنه** ﷺ: إنَّ الحقَّ أحْسَنُ الحَديثِ،

---

۱ . الحجر: ۸۵.
۲ . غرر الحكم: ۷۱۶.
۳ . غرر الحكم: ۵۲۸.
۴ . غرر الحكم: ۱۴۴۴.
۵ . غرر الحكم: ۱۴۴۵.
۶ . غرر الحكم: ۱۷۷۴.
۷ . جامع الأخبار: ۱۰۷۱/۳۸۳.

۸۸۷
حـقّ

قرآن:

«ما آسمانها و زمین و آنچه را میان آنهاست جز به حقّ نیافریدیم. و بی تردید قیامت فرا می‌رسد. پس گذشت کن، گذشتی نیکو».

حدیث:

۴۲۳۸ . **امام علی** ﷺ: حقّ، نیرومندترین پشتیبان است.

۴۲۳۹ . **امام علی** ﷺ: حقّ، شمشیری بُرّان است.

۴۲۴۰ . **امام علی** ﷺ: حقّ، شمشیری است بر ضد باطل‌گرایان.

۴۲۴۱ . **امام علی** ﷺ: حقّ، برای هر عمل کننده‌ای نجات‌بخش است و برای هر گوینده‌ای حجّت و دلیل.

۴۲۴۲ . **امام علی** ﷺ: حقّ، روشن است و از یاری به رخ کشیدن بی‌نیاز.

۴۲۴۳ . **امام علی** ﷺ: حقّ، گسترده‌تر از کرهٔ خاک است.

۴۲۴۴ . **امام علی** ﷺ: همانا حقّ، نیکوترین سخن است و کسی که آشکارا حقّ بگوید، مجاهد

والصّادِعُ بِهِ مُجاهِدٌ، وبالحقِّ أُخبِرُكَ فأرْعِني سَمعَكَ.[۱]

۴۲۴۵. عنه ﷺ: ألَا وإنَّ الحَقَّ مَطايا ذُلُلٌ، رَكِبَها أهلُها وأُعطُوا أزِمَّتَها، فسارَتْ بِهِمُ الهُوَيْنا حتّىٰ أتَتْ ظِلّاً ظَليلاً.[۲]

۴۲۴۶. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنّ الحقَّ مُنِيفٌ فاعمَلوا بِهِ.[۳]

۸۸۸
الحَقُّ يَدمَغُ الباطِلَ

الكتاب:

﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ﴾.[۴]

﴿كَتَبَ اللهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾.[۵]

الحديث:

۴۲۴۷. الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن أبْدىٰ صَفْحَتَهُ للحقِّ هلَكَ.[۶]

۴۲۴۸. عنه ﷺ: مَن صارَعَ الحقَّ صُرِعَ.[۷]

۴۲۴۹. عنه ﷺ: قَليلُ الحقِّ يَدفَعُ كثيرَ الباطِلِ، كما أنَّ القَليلَ مِن النّارِ يُحرِقُ كثيرَ الحَطَبِ.[۸]

---

۱. نهج السعادة: ۶۶۹/۲. ۲. نهج السعادة: ۲۹۴/۳.
۳. بحار الأنوار: ۲/۲۳۲/۷۲. ۴. الأنبياء: ۱۸.
۵. المجادلة: ۲۱. ۶. نهج البلاغة: الحكمة ۱۸۸.
۷. الإرشاد: ۳۰۰/۱. ۸. غرر الحكم: ۶۷۳۵.

است و من تو را از حقّ آگاه می‌کنم، پس، گوش خود را به من سپار.

۴۲۴۵. **امام علی** ﷺ: هلا! حقّ‌ها مرکبهایی رام هستند که صاحبانشان بر آنها نشستند و زمام آنها را به دست گرفتند. پس، این مرکبها سواران خود را به آرامی و ملایمت بردند تا به سایه‌ای گسترده رسیدند.

۴۲۴۶. **امام صادق** ﷺ: حقّ، بلند پایه و ارجمند است؛ پس به آن عمل کنید.

۸۸۸
حقّ، باطل را درهم می‌کوبد

قرآن:

«بلکه حقّ را بر سر باطل می‌زنیم، تا آن را درهم کوبد و باطل نابود شونده است. و وای بر شما از آنچه به خدا نسبت می‌دهید».

«خدا مقرر داشته که: البته من و پیامبرانم پیروز می‌شویم؛ زیرا خدا توانا و پیروزمند است».

حديث:

۴۲۴۷. **امام علی** ﷺ: هرکه در برابر حقّ سینه سپر کند نابود شود.

۴۲۴۸. **امام علی** ﷺ: هر که با حقّ پنجه در افکند به خاک افتد.

۴۲۴۹. **امام علی** ﷺ: اندکی حقّ، باطل بسیاری را نابود کند، همچنان که اندکی آتش، هیمه‌های فراوانی را بسوزاند.

۳۲۵۰ . عنه ﷺ: الغالِبُ بالشَّرِّ مَغْلوبٌ، المُحارِبُ للحقِّ مَحْروبٌ.[۱]

۳۲۵۱ . عنه ﷺ: المَغْلوبُ بالحقِّ غالِبٌ.[۲]

۳۲۵۲ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: لَيس مِن باطِلٍ يَقومُ بإزاءِ الحقِّ إلّا غلَبَ الحقُّ الباطِلَ، وذلكَ قولُهُ: ﴿بَلْ نَقْذِفُ بالحَقِّ علىٰ الباطِلِ فيَدْمَغُهُ ...﴾.[۳]

(انظر) الأمثال: باب ۳۵۴۲.

۳۲۵۰ . **امام علی** ﷺ: آن که با توسل به شرّ و بدی پیروز شود، شکست خورده است و آن که با حقّ بستیزد، در هم شکسته و غارت شود.

۳۲۵۱ . **امام علی** ﷺ: مغلوب حقّ، [در حقیقت] غالب است.

۳۲۵۲ . **امام صادق** ﷺ: هیچ باطلی نیست که در برابر حقّ بایستد مگر آن که حقّ بر باطل چیره شود و این سخن خداوند است: «بلکه حقّ را بر سر باطل می‌زنیم تا آن را درهم کوبد ...».

۸۸۹
الحَقُّ وَالعِزُّ

۳۲۵۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن يَطلُبِ العِزَّ بغَيرِ حقٍّ يَذِلَّ، ومَن عانَدَ الحقَّ لَزِمَهُ الوَهْنُ.[۴]

۳۲۵۴ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: العِزُّ أنْ تَذِلَّ للحقِّ إذا لَزِمَكَ.[۵]

۳۲۵۵ . الإمامُ العسكريُّ ﷺ: ما تَرَكَ الحقَّ عزيزٌ إلّا ذَلَّ، ولا أخَذَ بهِ ذليلٌ إلّا عَزَّ.[۶]

(انظر) العزّ: باب ۲۶۶۶.

۸۸۹
حقّ و عزّت

۳۲۵۳ . **امام علی** ﷺ: هر کس با تکیه به غیر حقّ جویای عزّت شود به ذلّت در افتد، و هر که با حقّ عناد ورزد خوار گردد.

۳۲۵۴ . **امام صادق** ﷺ: عزّت آن است که چون حقّی بر گردنت آمد در برابر آن فروتنی کنی.

۳۲۵۵ . **امام عسکری** ﷺ: هیچ عزیزی حقّ را فرو نگذاشت، مگر آن که ذلیل شد؛ و هیچ ذلیلی به آن چنگ نزد، مگر این که عزیز گشت.

---

۱ . غرر الحکم: ۱۰۸۵ ـ ۱۰۸۶.
۲ . غرر الحکم: ۱۰۶۶. ۳ . بحار الأنوار: ۲۴/۳۰۵/۵.
۴ . تحف العقول: ۹۵. ۵ . بحار الأنوار: ۱۰۵/۲۲۸/۷۸.
۶ . بحار الأنوار: ۳/۲۳۲/۷۲.

۸۹۰
ثِقَلُ الحَقِّ

الكتاب:

﴿أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ﴾.[1]

﴿لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ﴾.[2]

الحديث:

۴۲۵۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: الحقُّ ثَقيلٌ مُرٌّ والباطِلُ خَفيفٌ حُلْوٌ، ورُبَّ شَهْوَةِ ساعةٍ تُورِثُ حُزْناً طويلاً.[3]

۴۲۵۷ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: إنَّ الحقَّ ثَقيلٌ مَريءٌ، وإنَّ الباطِلَ خَفيفٌ وَبِيءٌ.[4]

۴۲۵۸ . عنه ﷺ: الحقُّ كُلُّه ثَقيلٌ، وقد يُخَفِّفُهُ اللهُ علىٰ أقوامٍ طَلَبوا العاقِبَةَ فصَبَّروا نُفوسَهُم، ووَثِقوا بِصِدْقِ مَوعودِ اللهِ لِمَن صَبرَ واحْتَسَبَ، فكُنْ مِنهُم واسْتَعِنْ باللهِ.[5]

۸۹۱
الصَّبرُ عَلَى الحَقِّ

۴۲۵۹ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: اصبرْ علىٰ مَرارةِ الحقِّ،

---

۱ . المؤمنون: ۷۰. ۲ . الزخرف: ۷۸.
۳ . مكارم الأخلاق: ۲۶۶۱/۳۷۱/۲.
۴ . نهج البلاغة: الحكمة ۳۷۶.
۵ . تحف العقول: ۱۴۲، وفي نسخة: «العافية» بدل «العاقبة».

۸۹۰
سنگینی حقّ

قرآن:

«یا می‌گویند که او دیوانه است؟ نه، پیامبرشان حقّ را برای آنان آورد، ولی بیشترینشان از حقّ کراهت دارند».

«هر آینه ما حقّ را برای شما آوردیم ولی بیشترتان از حقّ کراهت دارید».

حدیث:

۴۲۵۶ . **پیامبر خدا ﷺ**: حقّ، سنگین و تلخ است و باطل، سبک و شیرین. و بسا لذّت شهوتی که ساعتی بیش نپاید، اما اندوهی دراز در پی آرد.

۴۲۵۷ . **امام علی ﷺ**: همانا حقّ سنگین است اما گوارا، و باطل سبک و آسان است اما کشنده.

۴۲۵۸ . **امام علی ﷺ**: حقّ همه‌اش سنگین است، امّا خداوند آن را بر مردمانی که جویای عاقبت و آخرتند، سبک می‌گرداند و از این رو، جانهایشان را به شکیبایی وامی‌دارند و درستی وعدهٔ خدا را به کسانی که در راهش شکیبایی می‌ورزند و از او امید پاداش می‌برند، باور دارند؛ پس تو از این عدّه باش و از خدا کمک بجوی.

۸۹۱
تحمّل کردن حقّ

۴۲۵۹ . **امام علی ﷺ**: تلخی حقّ را تحمّل کن، و

وإيّاكَ أنْ تَنْخَدِعَ لحَلاوَةِ الباطِلِ.[۱]

مبادا که فریب شیرین بودن باطل را بخوری.

۴۲۶۰. عنه ﷺ: لا يصبِرُ للحقِّ إلّا مَن يَعرِفُ فضلَهُ.[۲]

۴۲۶۰. امام علی ﷺ: حقّ را تحمّل نکند، مگر کسی که ارزش آن را بشناسد.

۴۲۶۱. الإمامُ الباقرُ ﷺ: لَمّا حَضَرَتْ أبي عليَّ ابنَ الحسينِ ﷺ الوَفاةُ ضَمَّني إلىٰ صَدْرِهِ ثُمَّ قالَ: أيْ بُنَيَّ، أُوصيكَ بِما أوْصاني أبي حِينَ حَضَرَتْهُ الوَفاةُ ـ وبما ذَكَرَ أنّ أباهُ ﷺ أوصاهُ بِهِ ـ: أيْ بُنَيَّ، اصبِرْ علىٰ الحقِّ وإنْ كانَ مُرّاً.[۳]

۴۲۶۱. امام باقر ﷺ: چون هنگام رحلت پدرم علی بن الحسین ﷺ فرا رسید، مرا در آغوش گرفت و فرمود: فرزندم! من به تو همان سفارشی را می‌کنم که پدرم در هنگام فرا رسیدن رحلتش به من کرد و فرمود که پدر او نیز به وی همان سفارش را کرده است: فرزندم! حقّ را تحمّل کن هرچند تلخ باشد.

۴۲۶۲. عنه ﷺ: اصبِرْ نَفسَكَ علىٰ الحقِّ؛ فإنَّهُ مَن مَنَعَ شيئاً في حقٍّ أعطىٰ في باطِلٍ مِثْلَيهِ.[۴]

۴۲۶۲. امام باقر ﷺ: خود را در برابر [پذیرش] حقّ، به صبوری وادار؛ زیرا کسی که حقّی را ادا نکند، به اندازهٔ دو برابر آن در باطل خرج کند.

۴۲۶۳. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ وقدِ استَفْتاهُ رَجُلٌ مِن أهلِ الجَبَلِ فأفْتاهُ بِخِلافِ ما يُحِبُّ، فرأىٰ أبو عبدِ اللهِ الكَراهَةَ فيهِ ـ: يا هذا، اصْبِرْ علىٰ الحقِّ، فإنَّهُ لَم يَصبِرْ أحدٌ قَطُّ لحَقٍّ إلّا عَوَّضَهُ اللهُ ما هُو خَيرٌ لَه.[۵]

۴۲۶۳. امام صادق ﷺ ـ وقتی مردی از اهالی جبل از ایشان استفتایی کرد و فتوای ایشان بر خلاف میل او بود و ناراحتی در چهره‌اش مشاهده شد ـ فرمود: ای مرد! حقّ را تحمّل کن؛ زیرا هیچ کس حقّی را تحمّل نکرد، مگر این که خداوند در عوض، چیزی به او عطا فرمود که برایش بهتر است.

۸۹۲

وُجوبُ قَولِ الحَقِّ ولَو عَلَى النَّفسِ

۸۹۲

لزوم حقّ‌گویی هر چند به زیان خود

الكتاب:

﴿يا أيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلّهِ وَلَوْ

قرآن:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به عدالت برخیزید و

---

۱. غرر الحكم: ۲۴۷۲. ۲. غرر الحكم: ۱۰۷۴۸.
۳. بحار الأنوار: ۵۲/۱۸۴/۷۰.
۴. تحف العقول: ۲۹۶. ۵. بحار الأنوار: ۴/۱۰۷/۷۰.

عَلَى أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالأَقْرَبِينَ﴾.[۱]

الحديث:

۳۲۶۴. رسولُ اللهِ ﷺ: أتْقىٰ النّاسِ مَن قالَ الحقَّ فيما لَهُ وعَلَيهِ.[۲]

۳۲۶۵. **الإمامُ عليٌّ** ؈: في قائمةِ سَيفٍ مِن سُيوفِ رسولِ اللهِ ﷺ صَحيفَةٌ فِيها...قُلِ الحقَّ ولو علىٰ نفسِكَ.[۳]

۳۲۶۶. **عنه** ؈: إنّ أفْضلَ النّاسِ عندَ اللهِ مَن كانَ العَملُ بالحقِّ أحَبَّ إليهِ ـ وإنْ نَقَصَهُ وكَرَثَهُ ـ مِن الباطِلِ وإنْ جَرَّ إلَيهِ فائدةً وزادَهُ.[۴]

۳۲۶۷. **الإمامُ الصّادقُ** ؈: ثلاثةٌ هُم أقرَبُ الخَلقِ إلىٰ اللهِ عزّوجلّ يَومَ القِيامَةِ حتّىٰ يَفْرُغَ مِن الحِسابِ:... ورجُلٌ قالَ الحقَّ فيما عَلَيهِ ولَهُ.[۵]

۳۲۶۸. **عنه** ؈: إنّ مِن حقيقةِ الإيمانِ أنْ تُؤْثِرَ الحقَّ وإنْ ضَرَّكَ علىٰ الباطِلِ وإنْ نَفعَكَ.[۶]

۳۲۶۹. **عنه** ؈: إنّ للمؤمنِ علىٰ المؤمنِ سَبْعَةَ حُقوقٍ، فأوْجَبُها أنْ يَقولَ الرَّجُلُ حقّاً وإنْ كانَ علىٰ نَفْسِه أو علىٰ والِدَيْهِ، فلا يَميلَ لَهُم عنِ الحقِّ.[۷]

---

۱. النساء: ۱۳۵. ۲. الأمالي للصدوق: ۴۱/۷۲.
۳. بحار الأنوار: ۲/۱۵۷/۷۴. ۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۲۵.
۵. الأمالي للصدوق: ۵۸۲/۴۳۹.
۶. الخصال: ۷۰/۵۳. ۷. بحار الأنوار: ۸/۲۲۳/۷۴.

برای خدا شهادت دهید هرچند علیه خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندان شما بوده باشد».

حدیث:

۳۲۶۴. **پیامبر خدا** ﷺ: با تقواترین مردم کسی است که حقّ را بگوید، چه به سودش باشد چه به زیانش.

۳۲۶۵. **امام علی** ؈: بر قبضهٔ شمشیری از شمشیرهای رسول خدا ﷺ نوشته شده بود... حقّ را بگو هر چند علیه خودت.

۳۲۶۶. **امام علی** ؈: برترین مردم نزد خدا کسی است که عمل به حقّ را از عمل به باطل بیشتر دوست داشته باشد ـ اگر چه برای او زیانمند و غمبار باشد ـ و باطل برایش سودمند و فزاینده.

۳۲۶۷. **امام صادق** ؈: در روز قیامت سه کس از همهٔ مردمان به خداوند عزّوجلّ نزدیکترند تا آن گاه که از حسابرسی فارغ شود:... و مردی که حقّ را، له یا علیه خود، بگوید.

۳۲۶۸. **امام صادق** ؈: نشانهٔ ایمان راستین آن است که حقّ را، هرچند به زیانت باشد، بر باطل، اگر چه سودت رساند، ترجیح دهی.

۳۲۶۹. **امام صادق** ؈: مؤمن را بر مؤمن هفت حقّ است؛ واجبترین آنها این است که آدمی حقّ را بگوید، هرچند علیه خود یا پدر و مادرش باشد و به خاطر آنها از حقّ منحرف نشود.

۴۲۷۰ . الإمامُ الكاظمُ ﷺ: قُلِ الحقَّ وإنْ كانَ فيهِ هَلاكُكَ، فإنَّ فيهِ نَجاتَكَ ... ودَعِ الباطِلَ وإنْ كانَ فيهِ نَجاتُكَ فإنَّ فيهِ هَلاكَكَ.[۱]

۴۲۷۰ . **امام کاظم** ﷺ: حقّ را بگو اگر چه نابودی تو در آن باشد؛ زیرا که نجات تو در آن است... و باطل را فروگذار هر چند نجات تو در آن باشد؛ زیرا که [در واقع] نابودی تو در آن است.

۸۹۳
قَولُ الحَقِّ فِي الرِّضا وَالغَضَبِ

۸۹۳
گفتن حقّ در حال خشنودی و خشم

۴۲۷۱ . رسولُ اللهِ ﷺ: ما أنفَقَ مؤمنٌ مِن نَفَقةٍ هي أحَبُّ إلَى اللهِ عزّوجلّ مِن قَولِ الحقِّ في الرِّضا والغَضَبِ.[۲]

۴۲۷۱ . **پیامبر خدا** ﷺ: مؤمن هیچ انفاقی نکرد که نزد خداوند عزّوجلّ محبوبتر از گفتن حقّ در هنگام خشم و خشنودی باشد.

۴۲۷۲ . الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ مِن وصاياهُ لابنِهِ الحُسينِ ﷺ ـ: يا بُنيَّ، أُوصيكَ بتَقْوَى اللهِ في الغِنَى والفَقرِ، وكَلِمَةِ الحقِّ في الرِّضا والغَضَبِ.[۳]

۴۲۷۲ . **امام علی** ﷺ ـ در سفارشهای خود به فرزندش حسین ﷺ ـ فرمود: فرزندم! تو را سفارش می‌کنم به ترس از خدا در توانگری و تهیدستی، و گفتن حقّ در خشنودی و خشم.

۸۹۴
كَلِمَةُ حَقٍّ عِندَ إمامٍ جائرٍ

۸۹۴
حقّگویی در برابر پیشوای ستمگر

۴۲۷۳ . رسولُ اللهِ ﷺ: ألَا لا يَمْنَعَنَّ رجُلاً مَهابَةُ النّاسِ أنْ يَتكَلَّم بالحقِّ إذا عَلِمَهُ. ألَا إنَّ أفضَلَ الجِهادِ كَلِمَةُ حقٍّ عندَ سُلطانٍ جائرٍ.[۴]

۴۲۷۳ . **پیامبر خدا** ﷺ: هان! مبادا ترس از مردم مانع آن شود که کسی حقّ را بداند و نگوید. بدانید که برترین جهاد سخن حقّی است که در برابر فرمانروای ستمگر و منحرف گفته شود.

۴۲۷۴ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: كانَ أبي ﷺ يَقولُ: قُمْ

۴۲۷۴ . **امام صادق** ﷺ: پدرم ﷺ می‌فرمود: برای

---

۱ . تحف العقول: ۴۰۸.
۲ . الخصال: ۸۲/۶۰.
۳ . تحف العقول: ۸۸.
۴ . كنز العمّال: ۴۳۵۸۸.

بالحقِّ ولا تَعَرَّضْ لِما نابَكَ.[1]

(انظر) الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر: باب ۲۶۴۶.

السلطان: باب ۱۸۴۳.

الهجرة: باب ۳۹۳۲.

اقامهٔ حقّ قیام کن و از پیامدهایش مهراس.

۸۹۵
كَلِمَةُ حَقٍّ يُرادُ بِها باطِلٌ

۸۹۵
سخنی حقّ برای هدفی باطل

۳۲۷۵. کنز العمّال عن عبيد الله بن أبي رافع: إنّ الحَرورِيَّةَ لَمّا خَرَجَتْ، وهُو مَع عليِّ بنِ أبي طالبٍ قالوا: لا حُكْمَ إلّا للهِ، قالَ عليٌّ: كَلِمَةُ حَقٍّ أُريدَ بها باطِلٌ.[2]

۳۲۷۵. کنز العمّال ـ به نقل از عبید الله بن أبو رافع ـ: زمانی که حروریه (خوارج) سر به نافرمانی برداشتند من با علی بن ابی طالب بودم. آنها می‌گفتند: داوری جز از آن خدا نیست. علی فرمود: این سخن حقّی است برای هدف باطلی.

۳۲۷۶. کنز العمّال عن قتادة: لَمّا سَمِعَ عليٌّ المُحَكِّمَةَ قالَ: مَن هٰؤلاءِ؟ قيلَ لَهُ: القُرّاءُ. قالَ: بَلْ هُمُ الخَيّانونَ العَيّابونَ. قالَ: إنَّهُم يَقولونَ: لا حُكْمَ إلّا للهِ! قالَ: كَلِمَةُ حَقٍّ عُنِيَ بها باطِلٌ.[3]

۳۲۷۶. کنز العمّال ـ به نقل از قتادة ـ: چون علی ندای دعوت‌کنندگان‌به حکمیت‌را شنید، پرسید: اینان کیستند؟ عرض شد: قاریانند. فرمود: [نه،] بلکه آنان خیانتکاران عیبجویند. آنها می‌گویند: داوری جز از آن خدا نیست. سخن حقّی است، اما هدف باطلی را با آن دنبال می‌کنند.

(انظر) عنوان ۱۴۱ «الخوارج».

البغاة: باب ۳۷۷.

۸۹۶
قَبولُ الحَقِّ

۸۹۶
حقّ پذیری

۳۲۷۷. رسولُ اللهِ ﷺ: اقْبَلِ الحَقَّ مِمَّن أتاكَ بِهِ ـ صَغيرٌ أو كَبيرٌ ـ وإن كانَ بَغيضاً، وارْدُدِ

۳۲۷۷. پیامبر خدا ﷺ: حقّ را از هرکس که برایت آورد ـ کوچک یا بزرگ ـ بپذیر هر چند دشمنت باشد و باطل را هر که آورد

---

۱. الاختصاص: ۲۳۰. ۲. کنز العمّال: ۳۱۵۵۶.

۳. کنز العمّال: ۳۱۵۴۲.

الباطِلَ علىٰ مَن جاءَ بِهِ مِن صَغيرٍ أو كَبيرٍ وإنْ كانَ حَبيباً.[۱]

۴۲۷۸ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: قالَ رسول الله ﷺ: السّابِقونَ إلىٰ ظِلِّ العَرشِ طُوبىٰ لَهُم. قيلَ: يا رسولَ اللهِ، ومَن هُم؟ فقالَ: الّذينَ يَقْبَلونَ الحقَّ إذا سَمِعوهُ، ويَبْذُلونَهُ إذا سُئِلوهُ، ويَحْكُمونَ للنّاسِ كحُكْمِهِم لأنفُسِهِم.[۲]

۴۲۷۹ . عنه ﷺ: فلا تَنْفِروا مِن الحقِّ نِفارَ الصَّحيحِ مِن الأجْرَبِ، والباري من ذِي السَّقَمِ.[۳]

۸۹۷
انشِراحُ الصَّدرِ لِقَبولِ الحَقِّ

۴۲۸۰ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن ضاقَ صَدرُهُ لَم يَصْبِرْ علىٰ أداءِ حقٍّ.[۴]

۴۲۸۱ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنَّ اللهَ إذا أرادَ بعَبدٍ خَيراً شرَحَ صَدرَهُ للإسلامِ، فإذا أعْطاهُ ذلكَ أنْطَقَ لِسانَهُ بالحقِّ وعَقَدَ قَلبَهُ علَيهِ فعَمِلَ بِهِ، فإذا جَمعَ اللهُ لَهُ ذلكَ تَمَّ لَهُ إسْلامُهُ ...، وإذا لَم يُرِدِ اللهُ بعَبدٍ خَيراً وَكَلَهُ إلىٰ نفسِهِ، وكانَ صَدرُهُ ضَيِّقاً حَرَجاً، فإنْ جرَىٰ علىٰ لِسانِه حقٌّ لَم يَعْقِدْ قَلبَهُ علَيهِ، وإذا لَم يَعقِدْ

۱. کنز العمال: ۴۳۱۵۲. ۲. النوادر للراوندي: ۱۳۷/۲۳.
۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۴۷. ۴. کنز الفوائد: ۲۷۸/۱.

کوچک یا بزرگ به خودش برگردان هرچند دوستت باشد.

۴۲۷۸ . **امام علی** ﷺ: پیامبر خدا ﷺ فرمود: خوشا به حال شتابندگان به سوی سایهٔ عرش. عرض شد: ای رسول خدا! آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که چون حقّ را بشنوند، بپذیرند و هرگاه حقّ از آنان خواسته شود، دریغ نورزند و برای مردم همان گونه داوری کنند که برای خود می‌کنند.

۴۲۷۹ . **امام علی** ﷺ: از حقّ مگریزید، آن گونه که انسان سالم از شخص گر، وتندرست از بیمار می‌گریزد.

۸۹۷
دریا دلی در پذیرش حقّ

۴۲۸۰ . **امام علی** ﷺ: کسی که سینه‌اش تنگ باشد، تحمّل به جای آوردن حقّ را ندارد.

۴۲۸۱ . **امام صادق** ﷺ: خداوند هرگاه خوبی بنده‌ای را بخواهد، سینه‌اش را برای اسلام فراخ می‌گرداند وهرگاه این نعمت را به او داد، زبانش را به حقّ گویا کند و دلش را به آن عقیده‌مند سازد، پس، او به حقّ عمل کند و چون خداوند این همه را به او دهد، اسلامش را کامل کرده است ... و هرگاه خداوند خوبی بنده‌ای را نخواهد، او را به خودش واگذارد وسینه‌اش تنگ و در فشار

قَلبَهُ علَيهِ لَم يُعطِهِ اللهُ العَملَ بِهِ.[1]

(انظر) القلب: باب ۳۳۳۹.

۸۹۸
الإعراضُ عَنِ الحَقِّ

الكتاب:

﴿ثُمَّ تَوَلَّيتُم إلّا قَليلاً مِنكُم وَأَنتُم مُعرِضُونَ﴾.[2]

﴿فَمَنْ أَظلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللهِ وَصَدَفَ عَنها سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِما كانُوا يَصْدِفُونَ﴾.[3]

(انظر) يونس: ۳۲، الرعد: ۳۶، الكهف: ۵۶، طه: ۱۲۳، النمل: ۸۴، السجدة: ۲۲، الزمر: ۳۲، الجاثية: ۸، ۹، الأحقاف: ۳.

الكبر: باب ۳۳۷۸.

۸۹۹
مَن لا يَنفَعُهُ الحَقُّ يَضُرُّهُ الباطِلُ

الكتاب:

﴿فَذٰلِكُمُ اللهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ﴾.[4]

الحديث:

۳۲۸۲. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: إنّ مَن لا يَنفَعُهُ الحقُّ يَضُرُّهُ

---

۱. الكافي: ۱/۱۳/۸.
۲. البقرة: ۸۳.
۳. الأنعام: ۱۵۷.
۴. يونس: ۳۲.

باشد، اگر حقّی بر زبانش جاری شود، در دل به آن اعتقادی نداشته باشد و چون عقیدهٔ قلبی نداشته باشد، خداوند توفیق عمل به آن را به او ندهد.

۸۹۸
روی‌گرداندن از حقّ

قرآن:

«سپس، جز اندکی از شما بقیه پشت کردید و رویگردان شدید».

«کیست ستمکارتر از آن کس که آیات خدا را دروغ پنداشت و از آنها رویگردان شد؟ بزودی کسانی را که از آیات ما رویگردان شده‌اند، به سبب این رویگردانی، به عذابی بد کیفر خواهیم داد».

۸۹۹
کسی که حقّ سودش ندهد باطل زیانش رساند

قرآن:

«این الله پروردگار بر حقّ شماست، بعد از حقیقت جز گمراهی چیست؟ پس به کجا روی می‌آورید؟».

حدیث:

۳۲۸۲. امام علی علیه السلام: براستی هرکس را حقّ، سود

الباطِلُ، ومَن لا يَستَقيمُ بِهِ الهُدىٰ تَضُرُّهُ الضَّلالَةُ، ومَن لا يَنفَعُهُ اليَقينُ يَضُرُّهُ الشَّكُّ.[۱]

هدايت نرود، به كجراههٔ گمراهی در افتد و هركه يقين، او را سود نبخشد، شكّ زيانش رساند.

۹۰۰
ميزانُ مَعرِفَةِ الحَقِّ

۴۲۸۳. **الإمامُ عليٌّ عليه السلام**: إنّ الحقَّ لايُعرَفُ بالرِّجالِ، اعرِفِ الحقَّ تَعرِفْ أهلَهُ.[۲]

۹۰۰
معيار شناخت حقّ

۴۲۸۳. **امام علی عليه السلام**: حقّ به شخصيتها شناخته نمی‌شود؛ خودِ حقّ را بشناس تا پيروان آن را بشناسی.

۴۲۸۴. **عنه عليه السلام** ـ لَمّا أتاهُ الحارِثُ بنُ حَوطٍ فقالَ: أتَراني أظُنُّ أصحابَ الجَملِ كانوا علىٰ ضَلالَةٍ؟! ـ: يا حارِثُ، إنَّكَ نَظَرْتَ تَحتَكَ ولَم تَنظُرْ فَوقَكَ فَحِرْتَ، إنَّكَ لَم تَعرِفِ الحقَّ فتَعرِفَ مَن أتاهُ، ولَم تَعرِفِ الباطِلَ فتَعرِفَ مَن أتاهُ.[۳]

۴۲۸۴. **امام علی عليه السلام** ـ در پاسخ به حارث بن حوط وقتی نزد ايشان آمد و گفت: آيا فكر می‌كنی كه من اصحاب جمل را گمراه می‌دانم؟! ـ فرمود: ای حارث! تو پايينت را نگريسته‌ای و بالايت را نگاه نكرده‌ای و از اين‌رو در حيرت و سرگردانی به سر می‌بری. تو حقّ را نشناختی، تا اهلش را بشناسی و باطل را نشناختی، تا باطل گرايان را بشناسی.

۴۲۸۵. **عنه عليه السلام** ـ لَمّا قالَ لَهُ الحارِثُ: ما أرىٰ طَلْحَةَ والزُّبيرَ وعائشَةَ احتَجّوا إلّا علىٰ حقٍّ ـ: إنّ الحقَّ والباطِلَ لا يُعرَفانِ بالنّاسِ، ولكنِ اعرِفِ الحقَّ باتِّباعِ مَنِ اتَّبعَهُ، والباطِلَ باجتِنابِ مَنِ اجتَنَبَهُ.[۴]

۴۲۸۵. **امام علی عليه السلام** ـ در پاسخ به سخن حارث كه گفت: به نظر من طلحه و زبير و عايشه به حقّ احتجاج می‌كردند ـ فرمود: همانا حقّ و باطل به مردم (شخصيّت افراد) شناخته نمی‌شود، بلكه حقّ را به پيروی كسانی كه از آن پيروی می‌كنند بشناس و باطل را به اجتناب كسانی كه از آن اجتناب می‌كنند.

۴۲۸۶. **وفي الأمالي للمُفيدِ**: ... فقالَ لَهُ [للإمام علي عليه السلام] الحارِثُ: لَوكَشَفتَ لِفِداكَ أبي وأُمّي ـ

۴۲۸۶. ادامهٔ حديث بالا در امالی مفيد چنين آمده كه حارث به آن حضرت (امام علی عليه السلام) عرض كرد: پدر و مادرم فدايت

---

۱. تحف العقول: ۱۵۲.
۲. مجمع البيان: ۲۱۱/۱، روضة الواعظين: ۳۹.
۳. نهج البلاغة: الحكمة ۲۶۲.
۴. الأمالي للطوسي: ۲۱۶/۱۳۴.

الرَّينَ عَن قُلوبِنا وجَعَلْتَنا فـي ذلكَ عـلىٰ بَصيرةٍ مِن أمْرِنا. قالَ ﷺ: قَدْكَ؛ فإنَّكَ امْرؤٌ مَـلْبوسٌ عـلَيكَ، إنَّ دِيـنَ اللهِ لا يُـعرَفُ بالرِّجالِ بَلْ بآيَةِ الحـقِّ، فـاعْرِفِ الحـقَّ تَعْرِفْ أهلَهُ.[1]

(انظر) الدين: باب ۱۳۲۲.

الخير: باب ۱۱۸۲.

۹۰۱
عَمّارٌ مَعَ الحَقِّ

۳۲۸۷. رسولُ اللهِ ﷺ: عمّـارٌ خَلَطَ اللهُ الإيمانَ ما بينَ قَرْنِهِ إلىٰ قَدَمِهِ، وخَلطَ الإيمانَ بلَحْمِهِ ودَمِهِ، يَزولُ مَع الحقِّ حَيثُ زالَ.[2]

۳۲۸۸. عنه ﷺ: إذا اخْتَلفَ النّاسُ كانَ ابنُ سُمَيّةَ مَعَ الحقِّ.[3]

(انظر) الإمامة الخاصة: باب ۱۸۴.

۹۰۲
المُتَلَوِّنُ

۳۲۸۹. الإمامُ عليٌّ ﷺ: اعْلَموا أنّ اللهَ تبارَكَ وتعالىٰ يُبْغِضُ مِن عِبادِهِ المُتَلوِّنَ، فلا تَزولوا عنِ الحقِّ ووَلايةِ أهلِ الحقِّ؛ فإنّ مَنِ اسْتَبْدَلَ

باد! کاش زنگار از دلهای ما مـی‌زدودی و در ایـن مـوضوع مـا را از بـینش لازم برخوردار می‌ساختی. امام ﷺ فـرمود: بس کن. تو مردی هستی که امر بر تـو مشـتبه شده است. همانا دیـن خـدا بـا اشـخاص شناخته نمی‌شود، بلکه با معیار و نشانهٔ حقّ شناخته می‌گردد؛ پس حقّ را بشـناس، تـا اهلش را بشناسی.

۹۰۱
عمّار با حقّ است

۳۲۸۷. **پیامبر خدا** ﷺ: خداوند عمار را از سـر تـا پایش، با ایمان مخلوط ساخته، و ایمان را با گوشت و خونش در آمیخته است، هرجـا حقّ باشد، او نیز هست.

۳۲۸۸. **پیامبر خدا** ﷺ: هـرگاه مـردم چـند دسـته شوند، فرزند سمیّه (عمّار) با حقّ است.

۹۰۲
بوقلمون صفت

۳۲۸۹. **امام علی** ﷺ: بدانید که خداونـد تـبارک و تـعالی بـندگان بـوقلمون صـفت خـود را دشمن می‌دارد. پس، از حقّ و دوسـتی بـا اهل حقّ جدا نشـوید؛ زیـرا کـه هـرکس، دیگران را به جای ما برگیرد، هلاک شود و

---

۱. الأمالي للمفيد: ۳/۵. ۲. كنز العمّال: ۳۳۵۲۰.
۳. كنز العمّال: ۳۳۵۲۵.

بِـنا هَـلَكَ وفـاتَتْهُ الدُّنـيا وخَـرجَ مِـنها (بحَسْرةٍ).[1]

دنیا را از دست بدهد و [با آه و افسوس] ا دنیا برود.

۴۲۹۰ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: اعْـلَموا أنّ اللهَ تـعالىٰ يُبْغِضُ مِن خَلْقِهِ المُتَلوِّنَ، فلا تَزولوا عـنِ الحقِّ وأهْلِهِ؛ فإنّ مَنِ اسْتَبدَّ بالباطِلِ وأهْلِهِ هَلَكَ وفاتَتْهُ الدُّنيا.[2]

۴۲۹۰ . **امام صادق** ﷺ: بدانید که خداوند متعال ا بنده‌ای که هر لحظه به رنگی در آید، نفرت دارد. پس، هیچگاه از حقّ و پیروانش جد نشوید، که هر کس به باطل و باطل گرایا بیاویزد، هلاک شود و دنیا از دستش برود

۴۲۹۱ . بحار الأنوار: رُوِيَ: أنّ اللهَ يُبْغِضُ مِن عِبادِهِ المـائِلينَ، فـلا تَـزِلّوا عـنِ الحـقِّ، فـمَنِ اسْتَبْدَلَ بالحقِّ هَلَكَ وفاتَتْهُ الدُّنيا وخَـرجَ مِنها ساخِطاً.[3]

۴۲۹۱ . **بحار الأنوار**: روایت شـده است کـه خداونـد بـندگان کـج و مـنحرف خـود ر دشمن دارد؛ پس، از حقّ منحرف نشوید زیرا کسی که باطل را به جای حقّ بگیرد نـابود شـود و دنـیا را از دست بدهد و ب ناراحتی از دنیا برود.

۹۰۳
لا يَجرِي الحَقُّ لِأحَدٍ إلّا جَرىٰ عَلَيهِ

۹۰۳
حقّ دو جانبه است

۴۲۹۲ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحقُّ أوْسَـعُ الأشـياءِ فـي التَّواصُـفِ، وأضْـيَقُها فـي التَّـناصُفِ، لا يَجْري لأحدٍ إلّا جَرىٰ عَلَيهِ، ولا يَـجْري عَلَيهِ إلّا جَرىٰ لَهُ، ولَو كانَ لأحَدٍ أنْ يَجْريَ لَهُ ولا يَجْريَ عَلَيهِ لَكـانَ ذلكَ خـالِصاً للهِ سُبحانَهُ.[4]

۴۲۹۲ . **امام علی** ﷺ: حـقّ در تـوصیف و گـفتا گسـترده‌ترین چیزهاست، اما در عـمل تنگترین چیزهاست. کسی را حقّی نیست جز آن که بر او نیز حقّی است و بر او حقّی نیست جز آن که او را نیز [بر دیگری] حقّی است. اگر بنا بود کسی را حقّی باشد اما بر او حقّی نه، آن کس فقط خداونـد سـبحان بود.

۴۲۹۳ . عنه ﷺ: لا تَمْنَعَنَّكُم رِعايةُ الحقِّ لأحدٍ عن إقامَةِ الحقِّ عَلَيهِ.[5]

۴۲۹۳ . **امام علی** ﷺ: رعایت حقّ کسی نباید مـانع شما از اقامهٔ حقّ بر او شود.[1]

---

۱ . الخصال: ۶۲۶/۱۰ وفي تحف العقول: ۱۱۵ «وخرج منها آثماً».
۲ . الأمالي للمفيد: ۱۳۷/۶. ۳ . بحار الأنوار: ۴۴/۱۷۹/۷۰.
۴ . نهج البلاغة: الخطبة ۲۱۶. ۵ . غرر الحكم: ۱۰۳۲۸.

۱. اگر او به گردن دیگران حقّی دارد که باید رعایت شو دیگران نیز به گردن او حقّی دارند که باید رعایت کند.

۹۰۳
النَّوادِرُ

۳۲۹۴ . رسولُ اللهِ ﷺ: مَن مَشىٰ مَعَ مَظلومٍ حتّىٰ يُثبِتَ لَهُ حَقَّهُ، ثَبَّتَ اللهُ تعالىٰ قَدَمَيهِ يَومَ تَزِلُّ الأقدامُ.[۱]

۳۲۹۵ . عنه ﷺ: مَن أنعَشَ حقّاً بِلِسانِهِ جرىٰ لَهُ أجرُهُ.[۲]

۳۲۹۶ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: خُضِ الغَمَراتِ إلَى الحقِّ حيثُ كانَ.[۳]

۳۲۹۷ . عنه ﷺ: مَن تَعَمَّقَ لَم يُنِبْ إلَى الحقِّ.[۴]

۳۲۹۸ . عنه ﷺ: لا دَليلَ أنصَحُ مِن استِماعِ الحقِّ.[۵]

۳۲۹۹ . عنه ﷺ: اُلزَمِ الحقَّ يُنزِلْكَ مَنازِلَ أهلِ الحقِّ يَومَ لا يُقضىٰ إلّا بالحقِّ.[۶]

۳۳۰۰ . عنه ﷺ: مَن تَعدّىٰ الحقَّ ضاقَ مَذهَبُهُ، ومَنِ اقتَصَرَ علىٰ قَدْرِهِ كانَ أبقىٰ لَهُ.[۷]

۳۳۰۱ . عنه ﷺ: اعلَموا رَحِمَكُمُ اللهُ أنَّكُم في زمانٍ القائلُ فيهِ بالحقِّ قَليلٌ، واللِّسانُ عَنِ الصِّدقِ كَليلٌ، واللّازِمُ للحقِّ ذليلٌ.[۸]

۱. كنز العمّال: ۵۶۰۴. ۲. كنز العمّال: ۵۶۰۰.
۳. بحار الأنوار: ۷۷/۲۰۰/۱. ۴. غرر الحكم: ۸۸۵۲.
۵. بحار الأنوار: ۷۸/۹۳/۱۰۲.
۶. غرر الحكم: ۲۳۶۰. ۷. تحف العقول: ۸۴.
۸. نهج البلاغة: الخطبة ۲۳۳.

۹۰۳
گوناگون

۳۲۹۴ . **پیامبر خدا ﷺ**: هر کس برای اثباتِ حقِّ ستمدیده‌ای، با او همراهی کند، خداوند متعال در آن روزی که گامها می‌لغزند، گامهایش را استوار گرداند.

۳۲۹۵ . **پیامبر خدا ﷺ**: هرکه با زبان (بیان) خود حقّی را زنده کند، اجر آن را ببرد.

۳۲۹۶ . **امام علی ﷺ**: برای رسیدن به حقّ هرجا که باشد، در سختی‌ها غوطه‌ور شو.

۳۲۹۷ . **امام علی ﷺ**: هر که تندروی[۱] کند به حقّ نرسد.

۳۲۹۸ . **امام علی ﷺ**: هیچ راهنمایی صادقتر از گوش سپردن به حقّ نیست.

۳۲۹۹ . **امام علی ﷺ**: پیوسته با حقّ باش، تا تو را در آن روزی که جز به حقّ داوری نمی‌شود، در جایگاه پیروان حقّ جای دهد.

۳۳۰۰ . **امام علی ﷺ**: هرکه از حقّ فراتر رود، راهش تنگ شود و هرکه به اندازهٔ خود بسنده کند، برایش پایدارتر ماند.

۳۳۰۱ . **امام علی ﷺ**: خدایتان رحمت کناد! بدانید که شما در روزگاری به سر می‌برید که حقّ گویان اندکند و زبان از راستگویی کُند است و پیرو حقّ خوار و ضعیف.

۱. برای توضیح این حدیث و تبیین معنای «تعمق» و تندروی (دینی) مراجعه کنید به دانش‌نامهٔ امیرالمؤمنین: ج ۶ ص ۳۰۵ـ۳۲۵.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١٢٢

الحُقُوق

حقوق

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٢/٧٤ باب ١ «جوامع الحقوق».

بحار الأنوار: ١٤٥/٦٧ باب ٦ «حقوق المؤمن على الله تعالى».

بحار الأنوار: ٢٢١/٧٤ باب ١٥ «حقوق الإخوان».

وسائل الشّيعة: ٥٤٢/٨ باب ١٢٢ «وجوب أداء حقّ المؤمن، وجملة من الحقوق الواجبة والمندوبة».

كنز العمّال: ٦٢/٩، ١٨٧ «حقّ المركوب والركوب».

انظر:

الجار: باب ٦٥٢، الفساد: باب ٣١٥٢، الحيوان: باب ٩٨١، ٩٨٦.

الزواج: باب ١٦٥١، ١٦٥٢، الصديق: باب ٢١٨٧.

العلم: باب ٢٨٢٤ـ٢٨٢٦، اللسان: باب ٣٥٠٧.

المال: باب ٣٦٩٨، ٣٧٠٢، ٣٧١٠، النصح: باب ٣٨١١.

الوالد والولد: باب ٤١٤٦، ٤١٤٨.

۹۰۵
حُقوقُ اللهِ تَعالىٰ

۳۳۰۲ . رسولُ اللهِ ﷺ: إنّ حُقوقَ اللهِ جَلَّ ثَناؤُه أعْظَمُ مِن أنْ يَقومَ بِها العِبادُ، وإنّ نِعَمَ اللهِ أكْثَرُ مِن أنْ يُحْصيَها العِبادُ، ولكنْ أمْسُوا وأصْبِحوا تائِبينَ.[1]

۳۳۰۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ:... لٰكنَّهُ سُبحانَهُ جَعَلَ حقَّهُ علىٰ العِبادِ أنْ يُطيعوهُ، وجَعلَ جَزاءهُم علَيهِ مُضاعَفَةَ الثَّوابِ تَفَضُّلاً مِنهُ.[2]

۳۳۰۴ . عنه ﷺ: لكنْ مِن واجِبِ حُقوقِ اللهِ علىٰ عِبادِهِ النَّصيحَةُ بمَبْلَغِ جُهْدِهِم، والتَّعاوُنُ علىٰ إقامَةِ الحقِّ بَينَهُم.[3]

۹۰۶
حُقوقُ النّاسِ بَعضِهِم عَلىٰ بعضٍ

۳۳۰۵ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: ثُمَّ جَعلَ سُبحانَهُ مِن حُقوقِهِ حُقوقاً افْتَرَضَها لبَعضِ النّاسِ علىٰ بَعضٍ،

۹۰۵
حقوق خداوند متعال

۳۳۰۲ . **پیامبر خدا** ﷺ: حقوق خداوند جلّ ثناؤه بزرگتر از آن است که بندگان بتوانند آنها را به جای آورند و نعمتهای خدا بیشتر از آن است که بندگان شماره کنند، اما شب و روز توبه کنید.

۳۳۰۳ . **امام علی** ﷺ:... اما خداوند سبحان حقّ خود را بر بندگان این قرار داد که او را فرمان برند و در مقابل، برای آنان این حقّ را قائل شد که از روی تفضل خویش، چند برابر پاداششان دهد.

۳۳۰۴ . **امام علی** ﷺ: از حقوق واجبِ خداوند بر بندگانش این است که با تمام توانشان خیر خواه یکدیگر باشند و برای برپاداشتن حقّ در میان خویش، همیاری کنند.

۹۰۶
حقوق مردم نسبت به یکدیگر

۳۳۰۵ . **امام علی** ﷺ: آن گاه خداوند سبحان از جملهٔ حقوق خویش، حقوقی را میان بندگان بر یکدیگر واجب فرمود و آن حقّها

---

۱ . مكارم الأخلاق: ۲/۳۶۵/۲۶۶۱.
۲ . نهج البلاغة: الخطبة ۲۱۶.
۳ . نهج البلاغة: الخطبة ۲۱۶.

فجَعَلَها تَتَكافَأُ في وُجوهِها، ويُوجِبُ بَعضُها بَعضاً، ولا يُستَوْجَبُ بَعضُها إلّا ببَعضٍ.[۱]

۳۳۰۶. عنه ﷺ ـ مِن خُطبةٍ لَهُ ﷺ في أوّلِ خِلافَتِهِ ـ: وشَدَّ بالإخْلاصِ والتَّوحيدِ حُقوقَ المسلِمينَ في مَعاقِدِها، فالمسلِمُ مَن سَلِمَ المسلِمونَ مِن لِسانِهِ ويَدِهِ إلّا بالحقِّ، ولا يَحِلُّ أذىٰ المُسلمِ إلّا بما يَجِبُ.[۲]

۹۰۷
تَقديمُ حَقِّ النّاسِ

۳۳۰۷. الإمامُ عليٌّ ﷺ: جَعَلَ اللهُ سبحانَهُ حُقوقَ عِبادِهِ مُقَدِّمَةً لحُقوقِهِ، فمَن قامَ بحُقوقِ عِبادِ اللهِ كانَ ذلكَ مُؤَدّياً إلىٰ القِيامِ بحُقوقِ اللهِ.[۳]

۹۰۸
أعظَمُ الحُقوقِ

۳۳۰۸. الإمامُ عليٌّ ﷺ: وأعظَمُ ما افْتَرَضَ [اللهُ] سبحانَهُ مِن تلكَ الحُقوقِ: حقُّ الوالي علىٰ الرَّعِيَّةِ، وحقُّ الرَّعِيَّةِ علىٰ الوالي.[۴]

(انظر) الولاية على النّاس: باب ۴۱۵۱.

را با هم برابر نهاد و واجب شدن حقّی را در مقابل گزاردن حقّی قرار داد، حقّی برای کسی واجب نشود مگر آن که در مقابلش حقّی به گردن او باشد.

۳۳۰۶. امام علی ﷺ ـ در بخشی از خطبهٔ خویش در آغاز خلافتش ـ فرمود: و به سبب اخلاص و یکتاپرستی مسلمانان، در جای خود برای آنان حقوقی مقرر فرمود. پس مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او آسوده باشند، مگر آن که پای حقّ در میان آید، و آزار رساندن مسلمان روا نیست، مگر آن جا که خداوند واجب فرموده است.

۹۰۷
مقدّم داشتن حقوق مردم

۳۳۰۷. امام علی ﷺ: خداوند سبحان حقوق مردم را پیش روی حقوق خود گردانید، پس هر که حقوق بندگان خدا را رعایت کند، این کار به رعایت کردن حقوق خدا بینجامد.

۹۰۸
مهمترین حقوق

۳۳۰۸. امام علی ﷺ: از میان آن حقوق که خداوند سبحان واجب فرموده، مهمترینش حقّ زمامدار بر ملّت است و حقّ ملّت بر زمامدار.

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۲۱۶. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۶۷.
۳. غرر الحكم: ۴۷۸۰. ۴. نهج البلاغة: الخطبة ۲۱۶.

۹۰۹
حُقوقُ الإخوانِ

۴۳۰۹ . رسولُ اللهِ ﷺ: إنّ أحَدَكُم لَيَدَعُ مِن حُقوقِ أخيهِ شَيئاً ، فيُطالِبُهُ بِهِ يَومَ القِيامَةِ فيُقْضىٰ لَهُ وعلَيهِ .[۱]

۴۳۱۰ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: لا تُضَيِّعَنَّ حقَّ أخيكَ اتِّكالاً علىٰ ما بينَكَ وبينَهُ ؛ فإنَّهُ لَيس لكَ بأخٍ مَن ضَيَّعْتَ حقَّهُ .[۲]

۴۳۱۱ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مَن عَظَّمَ دِينَ اللهِ عظَّمَ حقَّ إخْوانِهِ ، ومَنِ اسْتَخَفَّ بدِينِهِ اسْتَخَفَّ بإخْوانِهِ .[۳]

۴۳۱۲ . عنه ﷺ: كَما لايَقْدِرُ أحدٌ أن يَصِفَ فَضْلَنا وما أعْطانا اللهُ وما أوْجَبَ اللهُ مِن حُقوقِنا، فكذلكَ لايَقْدِرُ أحَدٌ أنْ يَصِفَ حقَّ المؤمنِ ويَقومَ بِهِ مِمّا أوْجَبَ اللهُ علىٰ أخيهِ المؤمنِ .[۴]

۴۳۱۳ . عنه ﷺ: ما عُبِدَ اللهُ بشيءٍ أفضَلَ مِن أداءِ حقِّ المؤمنِ .[۵]

۴۳۱۴ . الإمامُ العسكريُّ ﷺ: أعْرَفُ النّاسِ بحُقوقِ إخْوانِهِ وأشَدُّهُم قَضاءً لَها أعْظَمُهُم عِندَ اللهِ

---

۱ . بحار الأنوار : ۳۶/۲۳۶/۷۴ .
۲ . بحار الأنوار : ۲۹/۱۶۵/۷۴ .
۳ . بحار الأنوار : ۱۳/۲۸۷/۷۴ .
۴ . المحاسن : ۴۳۶/۲۳۸/۱ . ۵ . الكافي : ۴/۱۷۰/۲ .

۹۰۹
حقوق برادران

۴۳۰۹ . **پیامبر خدا ﷺ**: هرگاه یکی از شما چیزی از حقوق برادر خود را فرو گذارد و او در روز قیامت از وی آن حقّ را مطالبه کند، به سود صاحب حقّ و به زیان این شخص داوری شود .

۴۳۱۰ . **امام علی ﷺ**: به اتّکای رفاقت و دوستی، حقّ برادرت را ضایع مکن ؛ زیرا کسی که حقّش را ضایع کنی، برادر تو نیست .

۴۳۱۱ . **امام صادق ﷺ**: هر که دین خدا را ارج نهد، برای حقوق برادران خود نیز ارج قایل باشد و هرکه دین خدا را خفیف شمارد، به برادران خود نیز اهمیّتی ندهد .

۴۳۱۲ . **امام صادق ﷺ**: همان گونه که هیچ کس نمی‌تواند فضل ما و آنچه را خداوند به ما عطا فرموده و حقوقی را که برای ما [برمردم] واجب کرده است، وصف کند، هیچ کس نیز نمی‌تواند حقّ مؤمن را توصیف کند و حقوقی را که خداوند برای او بر برادر مؤمنش واجب کرده است ادا کند .

۴۳۱۳ . **امام صادق ﷺ**: خداوند به چیزی برتر از ادای حقّ مؤمن عبادت نشده است .

۴۳۱۴ . **امام عسکری ﷺ**: آن که به حقوق برادران خود آشناتر باشد و در رعایت کردن آنها

شأناً.[1]

کوشاتر، نزد خداوند ارجمندتر است.

۹۱۰

حَقُّ المُؤمِنِ عَلَى المُؤمِنِ

۹۱۰

حقوق مؤمنان بر یکدیگر

۳۳۱۵ . رسولُ اللهِ ﷺ: حقُّ المسلمِ علىٰ المسلمِ ستٌّ: إذا لَقِيتَهُ فسَلِّمْ عليهِ، وإذا دَعاكَ فأجِبْهُ، وإذا استَنْصَحَكَ فانْصَحْ لَهُ، وإذا عَطَسَ فحَمِدَ اللهَ فشَمِّتْهُ، وإذا مَرِضَ فعُدْهُ، وإذا ماتَ فاتَّبِعْهُ.[2][3]

۳۳۱۵ . **پیامبر خدا ﷺ**: مسلمان را بر مسلمان شش حقّ است: هرگاه با وی رو به رو شدی سلام کن، هرگاه تو را دعوت کرد اجابتش کن، اگر از تو راهنمایی خواست او را راهنمایی کن، هرگاه عطسه کرد و الحمد لله گفت به او «یَرْحَمُكَ الله» بگو، اگر بیمار شد به عیادتش برو و چون درگذشت در تشییع جنازه‌اش شرکت کن.

۳۳۱۶ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: وأمّا حقُّ أخيكَ فأنْ تَعلَمَ أنَّهُ يَدُكَ وعِزُّكَ وقُوَّتُكَ، فلا تتّخِذْهُ سِلاحاً علىٰ مَعصيَةِ اللهِ، ولا عُدَّةً للظُّلمِ لخلقِ اللهِ، ولا تَدَعْ نُصرَتَهُ علىٰ عَدُوِّهِ والنَّصيحَةَ لَهُ، فإنْ أطاعَ اللهَ وإلّا فلْيَكُنِ اللهُ أكْرَمَ عليكَ مِنهُ.[4]

۳۳۱۶ . **امام زین العابدین ﷺ**: حقّ برادرت این است که بدانی او دست تو و عزت تو و نیروی توست. پس مبادا او را حربه‌ای برای نافرمانی خدا، و پشتوانه‌ای برای ستم کردن به بندگان خدا قرار دهی؛ از یاری رساندن او در برابر دشمنش و خیرخواهی برای او فروگذار مباش؛ اگر فرمانبردار خدا بود چه بهتر، و گرنه باید خداوند نزد تو گرامیتر از او باشد.

۳۳۱۷ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: مِن حقِّ المؤمنِ علىٰ أخيهِ المؤمنِ أن يُشبِعَ جَوْعَتَهُ، ويُواريَ عَورَتَهُ، ويُفرِّجَ عَنهُ كُرْبَتَهُ، ويَقْضيَ دَيْنَهُ، فإذا ماتَ خَلَفَهُ في أهلِهِ وولدِهِ.[5]

۳۳۱۷ . **امام باقر ﷺ**: از حقوق مؤمن بر مؤمن این است که گرسنگی او را بزدایید، بدن برهنه‌اش را بپوشاند، اندوهش را برطرف سازد، قرضش را بپردازد و پس از مرگش به زن و فرزندان او رسیدگی کند.

۳۳۱۸ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: حقُّ المسلمِ علىٰ المسلمِ أنْ لا يَشبَعَ ويَجوعَ أخوهُ، ولا يَروىٰ

۳۳۱۸ . **امام صادق ﷺ**: حقّ مسلمان بر مسلمان این است که تا برادرش گرسنه است، او سیر و پُر نخورد و تا برادرش تشنه است، او

---

۱ . الاحتجاج: ۳۴۰/۵۱۷/۲.

۲ . كنز العمّال: ۲۴۷۷۱؛ الكافي: ۶/۱۷۱/۲ مثل ما في المتن معنىً.

۳ . والأحاديث في معناه كثيرة، (انظر) كنز العمّال: ۹ / ۲۸، ۲۹.

۴ . الخصال: ۱/۵۶۸.

۵ . الكافي: ۱/۱۶۹/۲.

ويَسغطَشَ أخوهُ، ولا يَكْتَسي ويَعْرىٰ أخوهُ.[۱]

سیراب نگردد و تا برادرش برهنه است، او خود را نپوشاند.

۳۳۱۹ . عنه ﷺ: للمؤمنِ علىٰ المؤمنِ سَبْعَةُ حُقوقٍ واجِبَةٍ لَهُ مِن اللهِ عزّوجلّ، واللهُ سائلُهُ عَمّا صَنَعَ فيها: الإجْلالُ لَهُ في عَيْنِهِ، والوُدُّ لَهُ في صَدرِهِ، والمُواساةُ لَهُ في مالِهِ، وأنْ يُحِبَّ لَهُ ما يُحِبُّ لنَفْسِهِ، وأنْ يُحرِّمَ غِيبَتَهُ، وأنْ يَعودَهُ في مَرضِهِ، ويُشَيِّعَ جَنازَتَهُ ولا يَقولَ فيهِ بعدَ مَوتِهِ إلّا خَيراً.[۲]

۳۳۱۹ . **امام صادق** ﷺ: مؤمن را بر مؤمن هفت حقّ است که خداوند عزّوجلّ آنها را بر او واجب کرده است و خدا دربارهٔ آنها از او بازخواست می‌کند: او را در چشم خود بزرگ شمارد، در دل دوستش بدارد، با مال و دارایی خود یاریش رساند، بر او همان پسندد که بر خود می‌پسندد، غیبت او را حرام شمارد، در بیماری به عیادتش رود، در تشییع جنازه‌اش شرکت کند و بعد از مرگ جز به خوبی از وی یاد نکند.

۳۳۲۰ . الكافي عن معلّى بن خنيس: سَأَلتُ أبا عَبدِاللهِ ﷺ عَن حَقِّ المُؤمِنِ، فَقالَ: سَبعونَ حَقّاً لا أُخبِرُكَ إلّا بِسَبعَةٍ، فَإنّي عَلَيكَ مُشفِقٌ أخشىٰ ألّا تَحتَمِلَ، فَقُلتُ: بَلىٰ إن شاءَ اللهُ، فَقالَ: لا تَشبَع ويَجوعُ ولا تَكتَسي ويَعرى؛ وتَكونُ دَليلَهُ وقَميصَهُ الَّذي يَلبَسُهُ ولِسانَهُ الَّذي يَتَكَلَّمُ بِهِ و تُحِبُّ لَهُ ما تُحِبُّ لِنَفسِكَ وإن كانَت لَكَ جارِيَةٌ بَعَثتَها لِتُمَهِّدَ فِراشَهُ وتَسعىٰ في حَوائجِهِ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ، فَإذا فَعَلتَ ذٰلِكَ وَصَلَت وِلايَتُكَ بِوِلايَتِنا ووِلايَتُنا بِوِلايَةِ اللهِ عَزَّوجَلَّ.[۳]

۳۳۲۰ . **الكافي** ـ به نقل از معلّی بن خنیس ـ : از امام صادق ﷺ دربارهٔ حقّ مؤمن سؤال کردم حضرت فرمود: حقّ مؤمن بر مؤمن هفتاد حقّ است که من تنها هفت حقّ را برایت می‌گویم و من بیمناکم و می‌هراسم که تاب نیاوری.

گفتم: ان شاء الله تاب می‌آورم، فرمود: تا او گرسنه است تو سیر نخوری، تا او برهنه است تو نپوشی و راهنمای او باشی و لباس او باشی که بپوشد و زبان او باشی که بدان سخن گوید و هر چه برای خود دوست داری برای او دوست بداری و اگر کنیزی در اختیار داری برای او بفرست و شب و روز سعی در برآوردن حوائج او نما وقتی این چنین کردی به ولایت ما که ولایت خداوند است نائل می‌شوی.

۳۳۲۱ . الإمامُ الكاظمُ ﷺ: إنّ مِن واجِبِ حَقِّ أخيكَ أنْ لا تَكتُمَهُ شَيئاً تَنفَعُهُ بِهِ لأمرِ دُنياهُ

۳۳۲۱ . **امام کاظم** ﷺ: از جمله حقوق واجب برادرت این است که آنچه را برای دنیا و

---

۱ . الكافي: ۲/۱۷۰/۵ . ۲ . الخصال: ۳۵۱/۲۷.
۳ . الكافي: ۲ / ۱۷۴ / ۱۴.

وآخِرَتِهِ، ولا تَحْقِدَ عَلَيهِ وإنْ أساءَ، وأجِبْ دَعوَتَهُ إذا دَعاكَ، ولا تُخَلِّ بَينَهُ وبَينَ عَدُوِّهِ مِن النّاسِ وإنْ كانَ أقرَبَ إلَيهِ مِنكَ، وعُدْهُ في مَرَضِهِ.[1]

۳۳۲۲. الإمامُ الرِّضا ﷺ ـ وقد سُئِلَ عن حقِّ المؤمنِ علىٰ المؤمنِ ـ: إنّ مِن حقِّ المؤمنِ علىٰ المؤمنِ المَوَدَّةَ في صَدْرِهِ، والمُواساةَ في مالِهِ... ولا يقولُ لَهُ: أُفٌّ، فإذا قالَ لَهُ: «أُفٌّ» فليسَ بَينَهُما وَلايَةٌ، وإذا قالَ لَهُ: أنتَ عَدُوّي فقد كفَّرَ أحدُهُما صاحِبَهُ، وإذا اتَّهَمَهُ انْماثَ الإيمانُ في قَلبِهِ كما يَنْماثُ المِلْحُ في الماءِ.[2]

آخرت او سودمند است از وی پوشیده نداری، کینه‌اش را به دل نگیری، هر چند بد کند، هرگاه تو را دعوت کرد دعوتش را اجابت کنی، او را در مقابل دشمنش تنها نگذاری، هرچند به او از تو نزدیکتر باشد و در هنگام بیماری به عیادتش بروی.

۳۳۲۲. امام رضا ﷺ ـ در پاسخ به سؤال از حقّ مؤمن بر مؤمن ـ فرمود: از جمله حقوق مؤمن بر مؤمن این است که در دل او را دوست بدارد، با مال و ثروتش او را کمک رساند... و به او «اُفّ» نگوید، که اگر چنین بگوید دیگر میان آنها پیوند دوستی نباشد و اگر به او بگوید: تو دشمن من هستی، یکی از آن دو، دیگری را کافر شمرده است؛ هرگاه به او تهمتی زند، ایمان در دلش آب شود، همان گونه که نمک در آب حل می‌شود.

۹۱۱
أدنىٰ حَقِّ المُؤمِنِ عَلىٰ أخيهِ

۳۳۲۳. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ وقد سُئِلَ عن أدْنىٰ حقِّ المؤمنِ علىٰ أخيهِ ـ: أنْ لا يَستأثِرَ عَلَيهِ بما هُو أحْوَجُ إلَيهِ مِنهُ.[3]

۳۳۲۴. عنه ﷺ ـ في بيانِ حُقوقِ المؤمنِ علىٰ المؤمنِ ـ: أيْسَرُ حقٍّ مِنها أنْ تُحِبَّ لَهُ ما تُحِبُّ لنَفْسِكَ، وتَكْرَهَ لَهُ ما تَكْرَهُ لنَفْسِكَ.[4]

۹۱۱
کمترین حقّ مؤمن بر برادرش

۳۳۲۳. امام صادق ﷺ ـ در پاسخ به سؤال از کمترین حقّ مؤمن بر برادرش ـ فرمود: آنچه را که‌اوبدان نیازمندتراست به خود اختصاص ندهد.

۳۳۲۴. امام صادق ﷺ ـ در بیان حقوق مؤمن بر مؤمن ـ فرمود: مترین این حقوق آن است که برای او همان چیزی را دوست داشته باشی که برای خود دوست داری و بر او نپسندی آنچه را بر خود نمی‌پسندی.

---

۱. الكافي: ۸/۱۲۶/۹۵.
۲. بحار الأنوار: ۷۴/۲۳۲/۲۸.
۳. الخصال: ۸/۲۵.
۴. الكافي: ۲/۱۶۹/۲.

۹۱۲
اِعرِفِ الحَقَّ لِمَن عَرَفَهُ لَكَ

۳۳۲۵ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: اعْرِفوا الحقَّ لِمَنْ عَرفَهُ لَكُم، صَغيراً كانَ أو كَبيراً، وَضِيعاً كانَ أو رَفِيعاً.[۱]

۳۳۲۶ . الاختصاص ـ قال الإمام الصّادقُ ﷺ ـ: مَن قَضىٰ حقَّ مَن لا يَقْضي حقَّهُ فكأنّما قد عَبَدهُ مِن دونِ اللهِ. وقالَ ﷺ: اخْدُمْ أخاكَ، فإنِ اسْتَخْدَمَكَ فلا ولا كَرامَةَ! قالَ: وقيلَ: أعرِفُ لِمَنْ لا تَعرِفُ لي؟ فقالَ: ولا كَرامَةَ، قالَ: ولا كَرامَتَينِ.[۲]

۹۱۳
لا توجِب عَلىٰ نَفسِكَ الحُقوقَ

۳۳۲۷ . الإمامُ الباقرُ أو الإمامُ الصّادقُ ﷺ: لا تُوجِبْ علىٰ نفسِكَ الحُقوقَ، واصْبِرْ علىٰ النَّوائبِ.[۳]

۳۳۲۸ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: جمَعَنا أبو جعفرٍ ﷺ فقالَ: يا بَنِيَّ، إيّاكُم والتَّعَرُّضَ للحُقوقِ، واصْبِروا علىٰ النَّوائبِ، وإنْ دَعاكُم بَعضُ قَومِكُم إلىٰ أمرٍ ضَرَرُهُ عليكُم أكثَرُ مِن نَفْعِهِ لَكُم فلا تُجيبوهُ.[۴]

(انظر) الضمان: باب ۲۳۵۳.

---

۱. غرر الحكم: ۲۵۶۴.
۲. الاختصاص: ۲۲۳.
۳. الكافي: ۴/۳۳/۳.
۴. الأمالي للطوسي: ۷۳/۱۰۷.

۹۱۲
لزوم حقّ شناسی متقابل

۳۳۲۵ . **امام علی** ﷺ: کسی که برای تو حقّ قائل است، کوچک باشد یا بزرگ، وضیع باشد یا شریف، تو نیز برای او حقّ قائل شو.

۳۳۲۶ . **الاختصاص:** امام صادق ﷺ فرمود: اگر کسی حقّ دیگری را رعایت کند، بی آن که آن دیگری حقّ او را بگزارد، چنان است که وی را پرستیده باشد، نه خدا را. و فرمود: تو خود به برادرت خدمت کن؛ اما اگر او از تو خدمتکاری خواست، هرگز این کار را نکن. راوی می‌گوید: به امام عرض شد: کسی که برای من حقّ نمی‌شناسد برایش حقّی قائل باشم؟ فرمود: نه، هیچ احترامی هم برایش قائل نشو.

۹۱۳
بر خود حقوق واجب نکنید

۳۳۲۷ . **امام باقر یا امام صادق** ﷺ: بر خود حقوق واجب نکن و در برابر مشکلات و سختیها صبور باش.

۳۳۲۸ . **امام صادق** ﷺ: [پدرم] امام باقر ﷺ ما را جمع کرد و فرمود: فرزندان من! خود را در معرض حقوق قرار ندهید و بر مشکلات و سختیها صبور باشید و اگر فردی از خویشانتان، شما را به کاری فرا خواند که ضرر آن برای شما بیشتر از فایده‌اش بود، قبول نکنید.



الاِحتِكار

احتكار

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ١٠٣/٨٧باب١٨«الاحتكار».

كنز العمّال: ٤/٩٧ـ١٠١، ١٨٠«الاحتكار».

وسائل الشّيعة: ١٢/٣١٢باب٢٧«تحريم الاحتكار».

۹۱۳
الاحتِكارُ

۳۳۲۹ . رسولُ اللهِ ﷺ: لا يَحْتَكِرُ إلّا الخَوّانونَ.[۱]

۳۳۳۰ . عنه ﷺ: لا يَحْتَكِرُ إلّا خاطئٌ.[۲]

۳۳۳۱ . الإمامُ عليٌّ ؈: الاحْتِكارُ داعِيَةُ الحِرْمانِ.[۳]

۳۳۳۲ . عنه ؈: الاحْتِكارُ شِيمَةُ الفُجّارِ.[۴]

۳۳۳۳ . عنه ؈: الاحْتِكارُ رَذيلَةٌ.[۵]

۳۳۳۴ . عنه ؈: الاحْتِكارُ مَطِيَّةُ النَّصَبِ.[۶]

۳۳۳۵ . عنه ؈: مِن طَبائعِ الأغْمارِ إتْعابُ النُّفوسِ في الاحْتِكارِ.[۷]

۳۳۳۶ . عنه ؈ ـ فيما كَتَبَهُ للأشْتَرِ حينَ وَلّاهُ مِصرَ ـ: ... واعْلَمْ ـ مَع ذلكَ ـ أنّ في كثيرٍ مِنهُم ضِيقاً فاحِشاً، وشُحّاً قَبيحاً، واحْتِكاراً للمَنافِعِ، وتَحَكُّماً في البِياعاتِ، وذلكَ بابُ مَضَرَّةٍ للعامَّةِ، وعَيْبٌ علىٰ الوُلاةِ، فامْنَعْ مِن الاحْتِكارِ؛ فإنَّ رسولَ اللهِ ﷺ مَنَعَ مِنهُ.[۸]

---

۱ . كنز العمّال: ۹۷۳۸.
۲ . كنز العمّال: ۹۷۲۳.
۳ . غرر الحكم: ۲۵۶.
۴ . غرر الحكم: ۶۰۷.
۵ . غرر الحكم: ۱۱۲.
۶ . الكافي: ۴/۱۹/۸.
۷ . غرر الحكم: ۹۳۴۹.
۸ . نهج البلاغة: الكتاب ۵۳.

۹۱۳
احتكار

۳۳۲۹ . **پیامبر خدا** ﷺ: جز خیانتکاران، احتکار نمی‌کنند.

۳۳۳۰ . **پیامبر خدا** ﷺ: کسی جز گنهکار، دست به احتکار نمی‌زند.

۳۳۳۱ . **امام علی** ؈: احتکار، موجب محرومیت است.

۳۳۳۲ . **امام علی** ؈: احتکار، خوی نابکاران است.

۳۳۳۳ . **امام علی** ؈: احتکار، رذیلت است.

۳۳۳۴ . **امام علی** ؈: احتکار، مرکب رنج است.

۳۳۳۵ . **امام علی** ؈: به رنج افکندن خود برای احتکار از خصلتهای ابلهان است.

۳۳۳۶ . **امام علی** ؈ ـ در فرمان زمامداری مصر به مالک اشتر ـ نوشت: ... با این همه، بدان که بسیاری از تاجران در داد و ستد بیش از اندازه سختگیرند و بخل ورزی ناپسندی دارند و به منظور سود بیشتر کالا را احتکار می‌کنند و به دلخواه نرخ گران می‌بندند و این کار برای تودهٔ مردم زیانبار و برای حکمرانان عیب و ننگ است. بنابراین، از احتکار جلوگیری کن؛ زیرا که رسول خدا ﷺ از آن منع فرموده است.

٣٣٣٧ . عنه ﷺ: كُلُّ حُكْرَةٍ تَضُرُّ بالنّاسِ وتُغْلي السِّعْرَ علَيهِم فلا خَيرَ فيها.[١]

٣٣٣٨ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنَّ اللهَ عزّوجلَّ تَطَوَّلَ علىٰ عِبادِهِ بالحَبَّةِ فسَلَّطَ علَيها القُمَّلَةَ، ولولا ذلكَ لخَزَنَتْها المُلوكُ كما يَخْزُنونَ الذَّهَبَ والفِضَّةَ.[٢]

٩١٥
المُحتَكِرُ

٣٣٣٩ . رسولُ اللهِ ﷺ: المُحْتَكِرُ مَلْعونٌ.[٣]

٣٣٤٠ . عنه ﷺ: المُحتَكِرُ في سُوقِنا كالمُلْحِدِ في كِتابِ اللهِ.[٤]

٣٣٤١ . عنه ﷺ: يَقومُ المُحتَكِرُ مَكْتوبٌ بَينَ عَيْنَيهِ: يا كافِرُ، تَبَوَّأْ مَقْعَدَكَ مِنَ النّارِ![٥]

٣٣٤٢ . عنه ﷺ: بِئسَ العَبدُ المُحتَكِرُ، إنْ أرْخَصَ اللهُ تعالىٰ الأسْعارَ حَزِنَ، وإنْ أغْلاها اللهُ فَرِحَ.[٦]

٣٣٤٣ . عنه ﷺ: يُحْشَرُ الحَكّارونَ وقَتَلَةُ الأنْفُسِ إلىٰ جَهَنَّمَ في دَرَجةٍ.[٧]

---

١ . دعائم الإسلام: ٧٨/٣٥/٢ . ٢ . بحار الأنوار: ٣/٨٧/١٠٣.
٣ . بحار الأنوار: ٢٩٢/٦٢، كنز العمّال: ٩٧١٦.
٤ . كنز العمّال: ٩٧١٧. ٥ . كنز العمّال: ٤٣٩٥٨.
٦ . كنز العمّال: ٩٧١٥. ٧ . كنز العمّال: ٩٧٣٩.

٣٣٣٧ . **امام علی** ﷺ: هر احتکاری که به مردم زیان رساند و نرخها را بالا برد خیر و برکتی ندارد.

٣٣٣٨ . **امام صادق** ﷺ: خداوند عزّوجلّ با نعمت دانه (گندم و...) بر بندگانش منت نهاد و شپش را آفت آن قرار داد و اگر نه چنین بود زمامداران آن را نیز همچون زر و سیم می‌اندوختند.

٩١٥
محتکر

٣٣٣٩ . **پیامبر خدا** ﷺ: محتکر، ملعون (به دور از رحمت خدا) است.

٣٣٤٠ . **پیامبر خدا** ﷺ: کسی که در بازار ما دست به احتکار زند به منزلهٔ کسی است که کتاب خدا را انکار کند.

٣٣٤١ . **پیامبر خدا** ﷺ: در قیامت بر پیشانی محتکر نوشته شده است: ای کافر! جایگاهت دوزخ باد!

٣٣٤٢ . **پیامبر خدا** ﷺ: بد بنده‌ای است محتکر! اگر خداوند متعال قیمتها را کاهش دهد، او اندوهگین می‌شود و اگر گران کند شاد می‌گردد.

٣٣٤٣ . **پیامبر خدا** ﷺ: محتکران و آدم‌کشان در جهنم همدرجه‌اند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۳۳۴۴ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: المُحْتَكِرُ مَحرومٌ نِعْمتَهُ.[۱]

۳۳۴۵ . عنه ﷺ: المُحتَكِرُ البَخيلُ جامعٌ لمَن لا يَشْكُرُهُ، وقادِمٌ على مَنْ لا يَعْذِرُهُ.[۲]

۳۳۴۶ . عنه ﷺ: المُحتَكِرُ آثِمٌ عاصٍ.[۳]

۹۱۶
مَنِ احتَكَرَ أربَعينَ يَوماً

۳۳۴۷ . رسولُ اللهِ ﷺ: مَن جَمعَ طَعاماً يَتَرَبَّصُ بِهِ الغَلاءَ أربَعينَ يَوماً فقد بَرِئَ من اللهِ وبَرِئَ اللهُ مِنهُ.[۴]

۳۳۴۸ . عنه ﷺ: أيُّما رجُلٍ اشتَرىٰ طَعاماً فكَبَسَهُ أربَعينَ صَباحاً يُريدُ بِهِ غَلاءَ المُسلِمينَ، ثُمَّ باعَهُ فتَصدَّقَ بثَمنِهِ لَم يَكُنْ كَفّارَةً لِما صَنَعَ.[۵]

۳۳۴۹ . عنه ﷺ: مَنِ احْتَكَرَ فَوقَ أربَعينَ يَوماً، فإنَّ الجَنَّةَ تُوجَدُ رِيحُها مِن مَسيرَةِ خَمسِمائةِ عامٍ، وإنَّهُ لَحَرامٌ علَيهِ.[۶]

۳۳۵۰ . عنه ﷺ: مَنِ احْتَكَرَ طَعاماً علىٰ أُمَّتي أربَعينَ يَوماً وتَصَدَّقَ بِهِ لَم تُقْبَلْ مِنهُ.[۷]

۳۳۴۴ . **امام علی** ﷺ: محتکر، از نعمت خود محروم است.

۳۳۴۵ . **امام علی** ﷺ: محتکرِ بخیل برای کسی (وارث) گرد می‌آورد که از او تشکر نمی‌کند و به سوی کسی (خداوند) می‌رود که عذرش را نمی‌پذیرد.

۳۳۴۶ . **امام علی** ﷺ: محتکر، گنهکار و عصیانگر است.

۹۱۶
آن که چهل روز احتکار کند

۳۳۴۷ . **پیامبر خدا** ﷺ: هرکس خوراکی را به امید گران شدن چهل روز انبار کند از خداوند بری شده و خدا نیز از او بری و بیزار است.

۳۳۴۸ . **پیامبر خدا** ﷺ: هرکس خوراکی را بخرد و برای این که آن را به مسلمانان گران بفروشد چهل روز انبار کند و پس از چهل روز آن را بفروشد و همهٔ درآمد آن را هم صدقه بدهد کفارهٔ گناه او نخواهد شد.

۳۳۴۹ . **پیامبر خدا** ﷺ: هرکس بیش از چهل روز احتکار کند، بوی بهشت، که از مسافت پانصد سال به مشام می‌رسد، بی‌تردید بر او حرام است.

۳۳۵۰ . **پیامبر خدا** ﷺ: هر کس خوراکی را بر امت من چهل روز احتکار کند، اگر همهٔ آن را هم صدقه بدهد، از او پذیرفته نشود.

---

۱. غرر الحكم: ۴۶۵.
۲. غرر الحكم: ۱۸۴۲.
۳. دعائم الإسلام: ۷۷/۳۵/۲.
۴. بحار الأنوار: ۲۹۲/۶۲.
۵. الأمالي للطوسي: ۱۴۲۷/۶۷۶.
۶. بحار الأنوار: ۱۱/۸۹/۱۰۳.
۷. كنز العمّال: ۹۷۲۰.

الحكمة

حکمت

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۱/۲۰۹ باب ۶ «تفسير الحكمة».

العلم والحكمة في الكتاب والسنّة.

انظر:

عنوان ۴۲۱ «الفضيلة».

الأدب: باب ۵۹.

۹۱۷
فَضلُ الحِكمَةِ

الكتاب:

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْراً كَثِيراً وَما يَذَّكَّرُ إِلاَّ أُولُوا الأَلْبابِ﴾.[۱]

﴿لَقَدْ مَنَّ اللهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾.[۲]

الحديث:

۳۳۵۱. رسولُ اللهِ ﷺ: كَلِمَةُ الحِكمَةِ يَسمَعُها المؤمنُ خَيرٌ مِن عِبادَةِ سَنَةٍ.[۳]

۳۳۵۲. عيسى ؑ: إنّ الحِكمَةَ نُورُ كُلِّ قَلبٍ.[۴]

۳۳۵۳. لُقمانُ ؑ ـ مِن وصيَّتِهِ لابنِهِ ـ: يا بُنَيَّ، تَعلَّمِ الحِكمَةَ تَشرُفْ؛ فإنَّ الحِكمَةَ تَدُلُّ عَلَى الدِّينِ، وتُشَرِّفُ العَبْدَ علَى الحُرِّ، وتَرفَعُ المِسكينَ علَى الغَنيِّ، وتُقَدِّمُ الصَّغيرَ علَى الكَبيرِ.[۵]

---

۱. البقرة: ۲۶۹.
۲. آل عمران: ۱۶۴.
۳. بحار الأنوار: ۸/۱۷۲/۷۷.
۴. بحار الأنوار: ۱۷/۳۱۶/۱۴.
۵. بحار الأنوار: ۲۴/۴۳۲/۱۳.

۹۱۷
فضیلتِ حکمت

قرآن:

«به هرکه خواهد حکمت عطا کند و به هرکه حکمت عطا شود نیکی فراوان داده شده است و جز خردمندان پند نپذیرند».

«هر آینه خداوند بر مؤمنان انعام فرموده آن گاه که در میان آنان از خودشان پیامبری مبعوث کرد تا آیاتش را بر آنها بخواند و پاکشان سازد وکتاب و حکمتشان بیاموزد هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند».

حدیث:

۳۳۵۱. **پیامبر خدا** ﷺ: سخن حکیمانه‌ای را که مؤمن بشنود بهتر از عبادت یک سال است.

۳۳۵۲. **مسیح** ؑ: همانا حکمت، روشنایی هر دلی است.

۳۳۵۳. **لقمان** ؑ ـ در سفارشهای خود به فرزندش ـ فرمود: فرزندم! حکمت بیاموز تا ارجمند شوی! زیرا که حکمت، به دین رهنمون می‌شود و بنده را بر آزاده شرافت می‌بخشد و تهیدست را از ثروتمند بالاتر برد و کوچک را از بزرگ پیش می‌اندازد.

۳۳۵۴ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحِكمَةُ رَوضَةُ العُقَلاءِ، ونُزْهَةُ النُّبَلاءِ.[۱]

۳۳۵۵ . عنه ﷺ: الحِكمَةُ شَجَرَةٌ تَنْبُتُ في القَلبِ، وتُثمِرُ علىٰ اللِّسانِ.[۲]

۳۳۵۶ . عنه ﷺ: لَو أُلقِيَتِ الحِكمَةُ علىٰ الجِبالِ لَفَلْقَتْها.[۳]

۳۳۵۷ . عنه ﷺ: مِن خَزائنِ الغَيبِ تَظْهَرُ الحِكمَةُ.[۴]

۳۳۵۸ . عنه ﷺ: مَن عُرِفَ بالحِكمَةِ لَحَظَتْهُ العُيونُ بالوَقارِ والهَيبةِ.[۵]

۳۳۵۹ . عنه ﷺ: الحِكَمُ رِياضُ النُّبَلاءِ، العُلومُ نُزْهَةُ الأُدَباءِ.[۶]

۳۳۶۰ . عنه ﷺ: مَن عَرَفَ الحِكَمَ لَم يَصْبِرْ علىٰ الازْدِيادِ مِنها.[۷]

۹۱۸
فَضلُ الحَكيمِ

۳۳۶۱ . رسولُ اللهِ ﷺ: كادَ الحَكيمُ أنْ يَكونَ نَبيّاً.[۸]

۳۳۶۲ . الإمام عليّ ﷺ: حِكمَةُ الدَّنِيِّ تَرفَعُهُ، وجَهلُ

۳۳۵۴ . **امام علی** ﷺ: حکمت، گلزار خردمندان است و گردشگاه فرزانگان.

۳۳۵۵ . **امام علی** ﷺ: حکمت درختی است که در دل می‌روید و بر زبان به بار می‌نشیند.

۳۳۵۶ . **امام علی** ﷺ: اگر حکمت بر کوهها افکنده شود، آنها را به جنبش در آورد.

۳۳۵۷ . **امام علی** ﷺ: حکمت، از خزانه‌های غیب آشکار می‌شود.

۳۳۵۸ . **امام علی** ﷺ: هرکس به حکمت شناخته شود، چشمها با دیدهٔ وقار و شکوه به او بنگرند.

۳۳۵۹ . **امام علی** ﷺ: حکمتها، بوستانهای فرزانگان است و دانشها، گردشگاه دانشمندان.

۳۳۶۰ . **امام علی** ﷺ: آن که حکمتها را شناخت در کسب هر چه بیشتر آنها شکیبایی را از دست بدهد.

۹۱۸
فضیلتِ حکیم

۳۳۶۱ . **پیامبر خدا** ﷺ: حکیم، به پیامبری نزدیک است.

۳۳۶۲ . **امام علی** ﷺ: حکمت فرودست، او را بر

---

۱. غرر الحكم: ۱۷۱۵.
۲. غرر الحكم: ۱۹۹۲.
۳. بحار الأنوار: ۷۰/۱۲/۷۸.
۴. غرر الحكم: ۹۲۵۴.
۵. تحف العقول: ۹۷.
۶. غرر الحكم: ۹۹۲ـ۹۹۳.
۷. كنز الفوائد: ۳۱۹/۱.
۸. كنز العمّال: ۴۴۱۲۳.

الشَّريفِ يَضَعُهُ.[۱]

۳۳۶۳ . عنه ﷺ: الحَكيمُ يَشفي السّائلَ، ويَجودُ بالفَضائلِ.[۲]

۳۳۶۴ . عنه ﷺ: الحُكَماءُ أشرَفُ النّاسِ أنفُساً، وأكثَرُهُم صَبراً، وأسرَعُهُم عَفواً، وأوسَعُهُم أخلاقاً.[۳]

۳۳۶۵ . عنه ﷺ: مَن لَهِجَ بِالحِكمَةِ فَقَد شَرُفَ نَفسَهُ.[۴]

۳۳۶۶ . عنه ﷺ: مَن عُرِفَ بِالحِكمَةِ لَحَظَتهُ العُيونُ بِالوَقارِ وَالهَيبَةِ.[۵]

(انظر) معرفة الله: باب ۲۶۲.

۹۱۹
الحِكمَةُ ضالَّةُ المُؤمِنِ

۳۳۶۷ . رسولُ اللهِ ﷺ: كلمةُ الحكمةِ ضالّةُ المؤمنِ، فحيثُ وجدَها فهُو أحقُّ بها.[۶]

۳۳۶۸ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحِكمَةُ ضالّةُ المؤمنِ، فاطلُبوها ولَو عندَ المُشرِكِ تكونوا أحَقَّ بها وأهلَها.[۷]

می‌افرازد و نادانی فرادست، او را پست می‌سازد.

۳۳۶۳ . **امام علی** ﷺ: حکیم، عطش پرسنده را فرو می‌نشاند و فضیلت نثار می‌کند.

۳۳۶۴ . **امام علی** ﷺ: حکیمان، شریف‌جان‌ترین، شکیباترین، باگذشت‌ترین و خوشخوترین مردمان هستند.

۳۳۶۵ . **امام علی** ﷺ: هر که شیفتهٔ حکمت گردد، خود را بزرگ می‌سازد.

۳۳۶۶ . **امام علی** ﷺ: هر که به حکمت شناخته شود، چشم‌ها او را به دیدهٔ وقار و شکوه می‌نگرند.

۹۱۹
حکمت، گمشدهٔ مؤمن است

۳۳۶۷ . **پیامبر خدا** ﷺ: سخن حکیمانه، گمشدهٔ مؤمن است، پس هرجا آن را بیابد به آن سزاوارتر است.

۳۳۶۸ . **امام علی** ﷺ: حکمت، گمشدهٔ مؤمن است؛ پس آن را بجویید گر چه نزد مشرک باشد زیرا که شما بدان سزاوارتر و شایسته‌ترید.

---

۱ . غرر الحكم: ۴۹۳۷، عيون الحكم والمواعظ: ۴۴۸۲/۲۳۴.
۲ . غرر الحكم: ۱۵۲۵. ۳ . غرر الحكم: ۲۱۰۷.
۴ . غرر الحكم: ۸۲۷۹. ۵ . الكافي: ۸ / ۲۳ / ۴.
۶ . بحارالأنوار: ۵۸/۹۹/۲. ۷ . الأمالي للطوسي: ۱۲۹۰/۶۲۵.

۳۳۶۹ . عنه ﷺ: اَلْحِكْمَةُ ضالَّةُ المُؤْمِنِ، فَخُذِ الحِكْمَةَ ولَو مِن أهلِ النِّفاقِ.[۱]

۳۳۶۹ . **امام علی** ﷺ: حکمت، گمشدهٔ مؤمن است؛ پس، آن را، گر چه از منافقان، فرا گیرید.

۳۳۷۰ . عنه ﷺ: الحِكمَةُ ضالَّةُ كُلِّ مؤمنٍ، فخُذوها ولَو مِن أفْواهِ المُنافِقينَ.[۲]

۳۳۷۰ . **امام علی** ﷺ: حکمت گمشدهٔ هر مؤمنی است. پس، آن را فرا چنگ آورید گرچه از دهان منافقان باشد.

۳۳۷۱ . عنه ﷺ: خُذِ الحِكمَةَ أنّىٰ كانتْ؛ فإنَّ الحِكمَةَ تَكونُ في صَدْرِ المُنافِقِ فتَلَجْلَجُ في صَدرِهِ حتّىٰ تَخْرُجَ، فتَسْكُنَ إلىٰ صَواحِبِها في صَدرِ المؤمنِ.[۳]

۳۳۷۱ . **امام علی** ﷺ: حکمت را هر کجا باشد فرا گیرید؛ زیرا حکمت در سینهٔ منافق می‌باشد، و پیوسته ناآرام است تا از آن جا خارج شده در سینهٔ مؤمن، در کنار همگنان خود آرام گیرد.

۳۳۷۲ . عیسی ﷺ: لَو وَجَدْتُم سِراجاً يَتوَقَّدُ بالقَطِرانِ في لَيلَةٍ مُظلِمَةٍ لاسْتَضأْتُم بِهِ ولَم يَمْنَعْكُم مِنهُ رِيحُ نَتْنِهِ، كذلكَ يَنبغي لَكُم أنْ تأخُذوا الحِكمَةَ مِمَّنْ وَجَدْتُموها مَعهُ ولا يَمْنَعَكُم مِنهُ سُوءُ رَغْبَتِهِ فيها.[۴]

۳۳۷۲ . **مسیح** ﷺ: اگر چراغی بیابید که در دل شب با قطران[۱] می‌سوزد، از نور آن بهره می‌گیرید و بوی بد آن، مانع این کار شما نمی‌شود، همچنین شایسته است که شما حکمت را در هر که یافتید، فرا گیرید و بی رغبتی او به آن، مانع شما نشود.

۳۳۷۳ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: لا تُحَقِّرِ اللُّؤْلُؤَةَ النَّفيسَةَ أنْ تَجْتَلِبَها مِن الكِبا الخَسيسَةِ؛ فإنَّ أبي حَدَّثَني قالَ: سَمِعتُ أميرَ المؤمنينَ ﷺ يقولُ: إنّ الكَلِمَةَ مِن الحِكمَةِ لَتَتَلَجْلَجُ في صَدرِ المُنافِقِ نِزاعاً إلىٰ مَظانِّها حتّىٰ يَلْفِظَ بها، فَيَسْمَعَها المؤمنُ فيكونَ أحقَّ بها وأهلها فيَلْقَفَها.[۵]

۳۳۷۳ . **امام زین‌العابدین** ﷺ: بیرون کشیدن مرواریدی گرانبها از میان زباله‌های کثیف را کاری پست و حقیر مشمار؛ زیرا پدرم فرمود: شنیدم که امیر المؤمنین ﷺ می‌فرماید: سخن حکمت آمیز، به عشقِ قرار گرفتن در جایگاه واقعی خود، در سینهٔ منافق بی‌تابی می‌کند، تا آن گاه که بیرون افکنده شود و مؤمن که بدان سزاوارتر و شایسته‌تر است، آن را می‌شنود و می‌رباید.

---

۱ . نهج البلاغة: الحكمة ۸۰. ۲ . غرر الحكم: ۱۸۲۹.
۳ . نهج البلاغة: الحكمة ۷۹. ۴ . بحار الأنوار: ۱/۳۰۷/۷۸.
۵ . بحار الأنوار: ۴۶/۹۷/۲.

---

۱ . قطران: مایع روغنی شکل و چسبنده که غالباً از جوشاندن چوب خشک درخت صنوبر و چوب‌های دیگر بدست می‌آید. بوی قطران شبیه بوی سوختگی است (فرهنگ معین: ۲ / ۲۶۹۲).

۹۲۰
ما لا يَنبَغي لِلحَكيمِ فِعلُهُ

۲۳۷۴ . رسولُ اللهِ ﷺ: لَيس بحَكيمٍ مَن لَم يُعاشِرْ بالمَعروفِ مَن لابُدَّ لَهُ مِن مُعاشَرَتِهِ، حتّىٰ يَجْعَلَ اللهُ لَهُ من ذلكَ مَخْرَجاً.[۱]

۲۳۷۵ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: لَيس بحَكيمٍ مَنِ ابْتَذَلَ بانْبِساطِهِ إلىٰ غَيرِ حَميمٍ.[۲]

۲۳۷۶ . عنه ﷺ: لَيس بحَكيمٍ مَن قصَدَ بحاجَتِهِ غَيرَ كَريمٍ.[۳]

۲۳۷۷ . عنه ﷺ: ليسَ الحَكيمُ مَن لَم يُدارِ مَن لا يَجِدُ بُدّاً مِن مُداراتِهِ.[۴]

۲۳۷۸ . عنه ﷺ: لَيس بِعاقِلٍ مَنِ انْزَعَجَ مِن قَولِ الزُّورِ فيهِ، ولا بحَكيمٍ مَن رضِيَ بثَناءِ الجاهلِ علَيهِ.[۵]

۹۲۰
کارهایی که برازندهٔ حکیم نیست

۲۳۷۴ . **پیامبر خدا ﷺ**: حکیم نیست آن که با کسی که چاره‌ای از معاشرت با او ندارد، به خوبی معاشرت نکند، تا آن که خداوند برای او راه نجاتی از معاشرت با وی فراهم آورد.

۲۳۷۵ . **امام علی ﷺ**: حکیم نیست، کسی که از شوخی و خوش و بش کردن با غیر خویشاوند و دوست، نپرهیزد.

۲۳۷۶ . **امام علی ﷺ**: حکیم نیست، کسی که نیاز خود را نزد شخص غیر کریم برد.

۲۳۷۷ . **امام علی ﷺ**: حکیم نیست آن که مدارا نکند با کسی که چاره‌ای جز مدارا با او ندارد.

۲۳۷۸ . **امام علی ﷺ**: خردمند نیست، کسی که از سخن نادرست دربارهٔ خود ناراحت شود، و حکیم نیست کسی که از مدح و ثنای نادان از خود خرسند گردد.

۹۲۱
تَفسيرُ الحِكمَةِ

الكتاب:

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْراً كَثِيراً وَما يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾.[۶]

۹۲۱
تفسیر حکمت

قرآن:

«به هرکه خواهد حکمت عطا کند و به هرکس حکمت عطا شود خوبی فراوان داده شده است و جز خردمندان پند نپذیرند».

---

۱ . كنز العمّال: ۲۴۷۶۱ . ۲ . غرر الحكم: ۷۴۹۸ .
۳ . غرر الحكم: ۷۴۹۹ . ۴ . تحف العقول: ۲۱۸ .
۵ . بحار الأنوار: ۲۵/۲۰۴/۱ . ۶ . البقرة: ۲۶۹ .

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلّٰهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّما يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾.[۱]

«هر آینه به لقمان حکمت دادیم و گفتیم: خدا را سپاس گوی؛ زیرا هرکه سپاس گوید به سود خود سپاس گفته و هرکه ناسپاسی کند، خدا بی‌نیاز و ستودنی است».

الحديث:

۳۳۷۹. الإمامُ عليٌّ ﷺ: أوّلُ الحِكمَةِ تَرْكُ اللَّذّاتِ، وآخِرُها مَقْتُ الفانِياتِ.[۲]

حدیث:

۳۳۷۹. امام علی ﷺ: نخستین گام حکمت، وانهادن لذتهاست و آخرین گام آن، دشمن داشتن هر آنچه فانی می‌شود.

۳۳۸۰. عنه ﷺ: حَدُّ الحِكمَةِ الإعْراضُ عَن دارِ الفَناءِ، والتَّوَلُّهُ بدارِ البَقاءِ.[۳]

۳۳۸۰. امام علی ﷺ: مرز حکمت، رویگرداندن از سرای فانی و دل بستن به سرای جاوید است.

۳۳۸۱. عنه ﷺ: مِن الحِكمَةِ أنْ لا تُنازِعَ مَن فَوقَكَ، ولا تَسْتَذِلَّ مَن دُونَكَ، ولا تَتَعاطَىٰ ما ليسَ فِي قُدْرَتِكَ، ولا يُخالِفَ لِسانُكَ قَلبَكَ، ولا قَولُكَ فِعلَكَ، ولا تَتَكلَّمَ فيما لا تَعلَمُ، ولا تَتْرُكَ الأمرَ عِندَ الإقْبالِ وتَطْلُبَهُ عِندَ الإدْبارِ.[۴]

۳۳۸۱. امام علی ﷺ: از حکمت است که با فرا دست خود نستیزی و در برابر فرو دست، خود را خوار نشماری و به کاری که در توان تو نیست نپردازی و زبانت با دلت و گفتارت با کردارت ناسازگار نباشد و دربارهٔ آنچه نمی‌دانی سخن نگویی و وقتی کاری به تو رو می‌آورد رهایش نکنی و چون از تو روی گرداند دنبالش نروی.

۳۳۸۲. عنه ﷺ: ومِن حِكمَتِهِ ـ يَعني المَرءَ ـ عِلمُهُ بنَفْسِهِ.[۵]

۳۳۸۲. امام علی ﷺ: و از حکمت آدمی، خودشناسی اوست.

۳۳۸۳. عنه ﷺ: وأيُّ كَلِمَةِ حُكْمٍ جامِعَةٍ: أنْ تُحِبَّ لِلنّاسِ ما تُحِبُّ لِنَفْسِكَ، وتَكْرَهَ لَهُم ما تَكْرَهُ لَها؟![۶]

۳۳۸۳. امام علی ﷺ: چه سخن حکیمانهٔ جامعی است این سخن که: آنچه بر خود می‌پسندی برای مردم نیز بپسند و آنچه برای خود نمی‌پسندی برای آنها نیز نپسندا

---

۱. لقمان: ۱۲. ۲. غرر الحكم: ۳۰۵۲.
۳. غرر الحكم: ۴۹۰۰. ۴. غرر الحكم: ۹۲۵۰.
۵. بحار الأنوار: ۷۸ / ۸۱ / ۶۶.
۶. تحف العقول: ۸۱.

۳۳۸۴ . عنه ﷺ: كانتِ الفُقَهاءُ والحُكَماءُ إذا كاتَبَ بَعضُهُم بَعْضاً كَتَبوا بِثَلاثٍ ليسَ مَعَهُنَّ رابِعَةٌ: مَن كانتِ الآخِرَةُ هَمَّهُ كَفاهُ اللهُ هَمَّهُ مِن الدُّنيا، ومَن أصْلَحَ سَريرَتَهُ أصْلَحَ اللهُ عَلانِيَتَهُ، ومَن أصْلَحَ فيما بَيْنَهُ وبَينَ اللهِ أصْلَحَ اللهُ فيما بَينَهُ وبينَ النّاسِ.[1]

۳۳۸۴ . **امام علی** ﷺ: فقیهان و حکیمان هرگاه با یکدیگر مکاتبه می‌کردند سه نکته می‌نوشتند که چهارمی نداشت: هرکه همهٔ فکرش آخرت باشد، خداوند دنیای او را کفایت کند، هرکس درون خود را درست گرداند، خداوند برونش را اصلاح کند و هرکه رابطهٔ میان خود و خدایش را درست کند، خداوند رابطهٔ میان او و مردم را سامان دهد.

۳۳۸۵ . الإمامُ الباقرُ ﷺ ـ في تفسيرِ قول الله: ﴿ومَن يُؤْتَ الحِكْمَةَ فَقَد أُوتِيَ خَيراً كَثيراً﴾ ـ: المَعرِفَةُ.[2]

۳۳۸۵ . **امام باقر** ﷺ ـ در تفسیر قول خداوند که فرمود: «و به هر کس حکمت عطا شود خوبی فراوان داده شده است» ـ فرمود: [مراد از حکمت] معرفت است.

۳۳۸۶ . عنه ﷺ ـ وقد سألَهُ أبو بصيرٍ عن قولِ اللهِ: ﴿ومَن يُؤْتَ الحِكْمَةَ فَقَد أُوتِيَ خَيراً كَثيراً﴾ ـ: هِيَ طاعَةُ اللهِ ومَعرِفَةُ الإمامِ.[3]

۳۳۸۶ . **امام باقر** ﷺ ـ در پاسخ به سؤال ابوبصیر از آیهٔ «و به هرکس حکمت عطا شود خوبی فراوان داده شده است» ـ: مراد از حکمت، فرمانبری از خدا و شناخت امام است.

۳۳۸۷ . عنه ﷺ ـ أيضاً في تفسير الآية ـ: مَعرِفَةُ الإمامِ واجْتِنابُ الكَبائرِ الّتي أوْجَبَ اللهُ عَلَيها النّارَ.[4]

۳۳۸۷ . **امام باقر** ﷺ ـ نیز در تفسیر همان آیه ـ فرمود: مراد از حکمت، شناخت امام و دوری کردن از گناهان کبیره است، گناهانی که خداوند کیفر آتش را برای آنها مقرّر داشته است.

۳۳۸۸ . عنه ﷺ: قيلَ لِلُقمانَ: ما الّذي أجْمَعْتَ عَلَيهِ مِن حِكمَتِكَ؟ قالَ: لا أتَكلَّفُ ما قَد كُفِيتُهُ، ولا أُضَيِّعُ ما وُلِّيتُهُ.[5]

۳۳۸۸ . **امام باقر** ﷺ: به لقمان گفته شد: خلاصهٔ حکمت تو چیست؟ گفت: برای تحصیل آنچه مرا کفایت شده است خود را به زحمت نمی‌اندازم و آنچه را عهده‌دارش شده‌ام تباه نمی‌گردانم.

۳۳۸۹ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ أيضاً ـ: إنّ الحِكمَةَ

۳۳۸۹ . **امام صادق** ﷺ ـ نیز در تفسیر همان آیه ـ

---

۱ . ثواب الأعمال: ۱/۲۱۶ . ۲ . بحار الأنوار: ۲۳/۲۱۵/۱ .
۳ . بحار الأنوار: ۲۲/۲۱۵/۱ . ۴ . بحار الأنوار: ۲۴/۲۱۵/۱ .
۵ . قرب الإسناد: ۲۳۲/۷۲ .

المَعرِفَةُ والتَّفَقُّهُ في الدِّينِ، فمَن فَقِهَ مِنكُم فهُو حَكيمٌ.[1]

۳۳۹۰. **الإمامُ الكاظمُ** ﷺ ـ في وَصِيَّتِهِ لِهِشَام ـ: ثُمّ ذَكَرَ أُولي الألبابِ بأحْسَنِ الذِّكرِ وحَلّاهُم بأحْسَنِ الحِلْيَةِ، فقالَ: ﴿يُؤتي الحِكمَةَ مَن يَشاءُ وَمَن يُؤتَ الحِكمَةَ فَقَد أُوتِيَ خَيراً كَثيراً﴾. يا هِشامُ! إنّ اللهَ يقولُ: ﴿إنّ في ذلكَ لَذِكرىٰ لِمَنْ كانَ لَهُ قَلْبٌ﴾[2] يعني العَقلَ، وقالَ: ﴿ولَقد آتَينا لُقمانَ الحِكْمَةَ﴾[3] قالَ: الفَهْمَ والعَقلَ.[4]

۳۳۹۱. **عنه** ﷺ: قيلَ لِلُقمانَ: ما يَجْمَعُ مِن حِكْمَتِكَ؟ قالَ: لا أسْألُ عَمّا كُفِيتُهُ، ولا أتَكَلَّفُ ما لا يَعْنيني.[5]

۳۳۹۲. **بحار الأنوار**: دخلَ لُقمانُ علىٰ داوودَ وهو يَسْرِدُ الدِّرْعَ... فأرادَ أنْ يَسألَهُ فأدْرَكَتْهُ الحِكمَةُ فسَكَتَ، فلَمّا أتَمَّها لَبِسَها وقالَ: نِعْمَ لَبوسُ الحَربِ أنتِ، فقالَ: الصَّمتُ حِكمَةٌ وقَليلٌ فاعِلُهُ، فقالَ لَهُ داوودُ ﷺ: بحقٍّ ما سُمّيتَ حكيماً.[6]

(انظر) الأدب: باب ۵۹.

بحارالأنوار: ۲۱۵/۱ كلام المجلسيّ في تفسير الحكمة.

بحار الأنوار: ۲۴ / ۸۶ باب ۳۲.

---

۱. بحار الأنوار: ۲۵/۲۱۵/۱. ۲. قَ: ۳۷.

۳. لقمان: ۱۲. ۴. بحار الأنوار: ۱/۲۹۹/۷۸.

۵. بحار الأنوار: ۱۰/۴۱۷/۱۳.

۶. بحار الأنوار: ۱۸/۴۲۵/۱۳.

فرمود: همانا حکمت عبارت است از شناخت و فهم دین؛ پس هر یک از شما که در دین فقیه و فهیم باشد، حکیم است.

۳۳۹۰. **امام کاظم** ﷺ ـ در سفارش خود به هشام ـ فرمود: آن گاه [خداوند] از خردمندان با بهترین نام یاد کرد و زیباترین زیور را بر قامت آنان پوشانید؛ و فرمود: «به هر که خواهد حکمت عطا کند و به هر کس حکمت عطا شود خوبی فراوان داده شده است». ای هشام! خداوند می‌فرماید: «هر آینه در آن پند و یاد آوری است برای کسی که دل دارد» یعنی خِرَد. و فرمود: «همانا لقمان را حکمت دادیم» [یعنی] فهم و خِرَد.

۳۳۹۱. **امام کاظم** ﷺ: به لقمان گفته شد: چکیدهٔ حکمت تو چیست؟ گفت: از آنچه می‌دانم نمی‌پرسم و برای آنچه به من مربوط نمی‌شود خود را به زحمت نمی‌اندازم.

۳۳۹۲. **بحار الأنوار**: لقمان بر داوود وارد شد. دید زره می‌بافد... خواست از او بپرسد، اما حکمت به سراغش آمد و خاموش ماند. وقتی داوود کار بافتن زره را تمام کرد، آن را پوشید و گفت: تو جامهٔ خوبی برای جنگ هستی. لقمان گفت: سکوت، حکمت است و کسانی که آن را رعایت کنند اندکند. داوود ﷺ به او گفت: تو را، به حقّ حکیم نامیده‌اند.

۹۲۲
رَأسُ الحِكمَةِ

۳۳۹۳ . رسولُ اللهِ ﷺ: رأسُ الحِكمَةِ مَخافَةُ اللهِ.[۱]

۳۳۹۴ . عنه ﷺ: خَشْيَةُ اللهِ رأسُ كُلِّ حِكمَةٍ.[۲]

۳۳۹۵ . عنه ﷺ: إنَّ أشْرَفَ الحَديثِ ذِكْرُ اللهِ، ورأسَ الحِكمَةِ طاعَتُهُ.[۳]

۳۳۹۶ . عنه ﷺ: إنَّ الرِّفْقَ رأسُ الحِكمَةِ.[۴]

۳۳۹۷ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: حِفْظُ الدِّينِ ثَمرَةُ المَعرِفَةِ ورَأسُ الحِكْمَةِ.[۵]

۳۳۹۸ . عنه ﷺ: رَأسُ الحِكمَةِ تَجنُّبُ الخُدَعِ.[۶]

۳۳۹۹ . عنه ﷺ: رأسُ الحِكمَةِ لُزومُ الحقِّ وطاعَةُ المُحِقِّ.[۷]

۹۲۳
ما يورِثُ الحِكمَةَ

۳۴۰۰ . بحار الأنوار: في حديثِ المعراجِ: يا أحمدُ، إنّ العبدَ إذا أجاعَ بَطْنَهُ وحَفِظَ لِسانَهُ عَلَّمْتُهُ الحِكمَةَ، وإنْ كانَ كافراً تكونُ حِكمَتُهُ حُجَّةً عليهِ ووَبالاً، وإنْ كانَ مؤمناً تكونُ حِكمَتُهُ لَهُ نوراً وبُرهاناً وشِفاءً ورَحمَةً،

۱ . كنز العمّال: ۵۸۷۳، بحار الأنوار: ۲۳/۴۵۳/۷۸.
۲ . كنز العمّال: ۵۸۷۲.
۳ . الأمالي للصدوق: ۷۸۸/۵۷۶.
۴ . كنز العمّال: ۵۴۴۴.
۵ . غرر الحكم: ۴۹۰۳.
۶ . غرر الحكم: ۵۲۳۹.
۷ . غرر الحكم: ۵۲۵۸.

۹۲۲
سرآمد حکمت

۳۳۹۳ . **پیامبر خدا ﷺ**: ترس از خدا، سرآمد حکمت است.

۳۳۹۴ . **پیامبر خدا ﷺ**: ترس از خدا، سرآمد هر حکمتی است.

۳۳۹۵ . **پیامبر خدا ﷺ**: بهترین سخن، ذکر خداست و سرآمد حکمت، اطاعت از اوست.

۳۳۹۶ . **پیامبر خدا ﷺ**: مدارا کردن، سرآمد حکمت است.

۳۳۹۷ . **امام علی ﷺ**: حفظ دین، ثمرهٔ معرفت و سرآمد حکمت است.

۳۳۹۸ . **امام علی ﷺ**: دوری از فریبها، سرآمد حکمت است.

۳۳۹۹ . **امام علی ﷺ**: ملازمت با حقّ و فرمانبری از مُحقّ، سرآمد حکمت است.

۹۲۳
آنچه حکمت می‌آورد

۳۴۰۰ . **بحار الأنوار**: در حدیث معراج آمده است: ای احمد! هر گاه بنده شکم خویش را گرسنگی دهد و زبانش را نگه دارد، حکمت را به او بیاموزم. اگر کافر باشد حکمت او دلیلی بر ضد او و وبال گردنش خواهد بود و اگر مؤمن باشد حکمتش برای او نور و برهان و شفا و رحمت

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

فَيَعلَمُ ما لَم يَكُن يَعلَمُ ويُبصِرُ ما لَم يَكُن يُبصِرُ، فأوَّلُ ما أبصَرُهُ عُيوبَ نَفسِهِ حتّىٰ يَشتَغِلَ عَن عُيوبِ غَيرِهِ، وأبصَرُهُ دَقائِقَ العِلمِ حتّىٰ لا يَدخُلَ عَلَيهِ الشَّيطانُ.[۱]

۳۳۰۱. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: اغلِبِ الشَّهوَةَ تَكمُلْ لَكَ الحِكمَةُ.[۲]

۳۳۰۱. **امام علی** ﷺ: بر شهوت (خواهش نفس) چیره شو، حکمت به کمال می‌رسد.

۳۳۰۲. **عنه** ﷺ: كَسبُ الحِكمَةِ إجمالُ النُّطقِ، واستِعمالُ الرِّفقِ.[۳]

۳۳۰۲. **امام علی** ﷺ: به دست آوردن حکمت با کوته گویی و در پیش گرفتن نرمی و مدارا میسر می‌شود.

۳۳۰۳. **عنه** ﷺ: لا حِكمَةَ إلّا بِعِصمَةٍ.[۴]

۳۳۰۳. **امام علی** ﷺ: حکمت، جز با خویشتنداری از گناه به دست نمی‌آید.

۳۳۰۴. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: مَن زَهِدَ في الدُّنيا أثبَتَ اللهُ الحِكمَةَ في قَلبِهِ، وأنطَقَ بِها لِسانَهُ.[۵]

۳۳۰۴. **امام صادق** ﷺ: هرکه به دنیا پشت کند، خداوند حکمت را در دلش استوار گرداند و زبانش را به آن گویا سازد.

۳۳۰۵. **تنبيه الخواطر**: قيلَ لِلُقمانَ ﷺ: ألَستَ عبدَ آلِ فُلانٍ؟ قالَ: بلىٰ. قيلَ: فما بَلَغَ بِكَ ما نَرىٰ؟ قالَ: صِدقُ الحديثِ، وأداءُ الأمانَةِ، وتَركُ ما لا يَعنيني، وغَضُّ بَصَري، وكَفُّ لِساني، وعِفَّةُ طُعمَتي، فمَن نَقَصَ عن هٰذا فهُو دُوني، ومَن زادَ عَلَيهِ فهُو فَوقي، ومَن عَمِلَهُ فهُو مِثلي.[۶]

۳۳۰۵. **تنبیه‌الخواطر**: به لقمان ﷺ گفته شد: مگر تو بندهٔ فلان خاندان نیستی؟ گفت: چرا. گفته شد: پس از چه راه به این مقام که می‌بینیم رسیدی؟ گفت: با راستگویی و امانتداری و فرو گذاشتن هر آنچه بیهوده است و فروهشتن چشمانم [از حرام]، و نگه داشتن زبانم، و خوردن غذای حلال و پاکیزه. پس هر کس کمتر از این باشد، فرودست من است و هرکه بیش از اینها داشته باشد، فراتر از من است و هرکه اینها را داشته باشد، همتای من است.

(انظر) الصوم: باب ۲۳۲۹.

---

۱. بحار الأنوار: ۶/۲۹/۷۷. ۲. غرر الحكم: ۲۲۷۲.
۳. غرر الحكم: ۷۲۲۳. ۴. غرر الحكم: ۱۰۹۱۶.
۵. الكافي: ۱/۱۲۸/۲. ۶. تنبيه الخواطر: ۲۳۰/۲.

۹۲۳
ما يَمنَعُ الحِكمَةَ

۴۳۰۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: القَلبُ يَتحمّلُ الحِكمَةَ عند خُلُوِّ البَطنِ، القَلبُ يَمُجُّ الحِكمَةَ عند امتِلاءِ البَطنِ.[۱]

۴۳۰۷ . عنه ﷺ: مَن أكَلَ طَعاماً للشَّهوَةِ حَرَّمَ اللهُ علىٰ قَلبِهِ الحِكمَةَ.[۲]

۴۳۰۸ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: التُّخمَةُ تُفسِدُ الحِكمَةَ، البِطنَةُ تَحجُبُ الفِطنَةَ.[۳]

۴۳۰۹ . عنه ﷺ: لاتَجتَمِعُ الشَّهوَةُ والحِكمَةُ.[۴]

۴۳۱۰ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: الغَضَبُ مُمحِقَةٌ لقَلبِ الحكيمِ، ومَن لم يَملِكْ غَضَبَهُ لَم يَملِكْ عَقلَهُ.[۵]

۴۳۱۱ . الإمامُ الكاظمُ ﷺ: إنّ الزَّرعَ يَنبُتُ في السَّهلِ ولا يَنبُتُ في الصَّفا، فكذلكَ الحِكمَةُ تَعمُرُ في قَلبِ المُتواضِعِ، ولا تَعمُرُ في قَلبِ المُتكبِّرِ الجبّارِ؛ لأنَّ اللهَ جَعلَ التَّواضُعَ آلَةَ العَقلِ.[۶]

۱ . تنبيه الخواطر: ۱۱۹/۲.
۲ . تنبيه الخواطر: ۱۱۶/۲.
۳ . غرر الحكم: ۶۵۱ ـ ۶۵۲.
۴ . غرر الحكم: ۱۰۵۷۳. ۵ . بحار الأنوار: ۱۲۹/۲۵۵/۷۸.
۶ . بحار الأنوار: ۱/۳۱۲/۷۸.

۹۲۳
موانع كسب حكمت

۴۳۰۶ . **پيامبر خدا** ﷺ: آن گاه كه شكم خالى باشد، دل حكمت را مى‌پذيرد؛ زمانى كه معده پر باشد، دل حكمت را بيرون مى‌افكند.

۴۳۰۷ . **پيامبر خدا** ﷺ: هركس غذايى را براى شهوت [و لذّت و نه سدّ جوع] بخورد، خداوند حكمت را بر دل او حرام گرداند.

۴۳۰۸ . **امام على** ﷺ: پرخورى، حكمت را تباه مى‌كند؛ شكمبارگى، هوش و ذكاوت را مى‌برد.

۴۳۰۹ . **امام على** ﷺ: شهوت و حكمت با هم جمع نمى‌شوند.

۴۳۱۰ . **امام صادق** ﷺ: خشم، دل حكيم را تباه مى‌كند و كسى كه اختيار خشم خود را نداشته باشد اختيار عقل خويش را ندارد.

۴۳۱۱ . **امام كاظم** ﷺ: همانا زراعت در دشت مى‌روید و بر روى كوه نمى‌روید. حكمت نيز چنين است، در دلهاى افتاده آبادان مى‌شود و در دل خودستاى گردنفراز پرورش نمى‌يابد[۱]؛ زيرا كه خداوند افتادگى را ابزار خِرد قرار داده است.

۱ . افتادگى آموز اگر طالب فيضى
هرگز نخورد آب زمينى كه بلند است.

۳۳۱۲ . عیسی ﷺ: إنَّهُ لَیس علیٰ کلِّ حالٍ یَصلُحُ العَسَلُ في الزِّقاقِ. وکذلكَ القُلوبُ لَیس علیٰ کلِّ حالٍ تَعْمُرُ الحِکمَةُ فیها، إنّ الزِّقَّ ما لَم یَنْخَرِقْ أو یَقْحَلْ أویَثْقَلْ فسَوفَ یکونُ للعَسلِ وِعاءً، وکذلكَ القُلوبُ ما لَم تَخْرِقْها الشَّهَواتُ ویُدَنِّسْها الطَّمَعُ ویُقسِها النَّعیمُ فسوفَ تکونُ أوْعِیَةً للحِکمَةِ.[۱]

۳۳۱۲ . مسیح ﷺ: هر خیکی، مناسب عسل نیست و همچنین است دلها، هر دلی که حکمت پرور نمی‌باشد. خیک، تا زمانی که پاره نشده و نخشکیده و نپوسیده، می‌تواند ظرفِ عسل باشد. همچنین است دلها، تا زمانی که شهوتها آنها را ندریده و طمع آلوده‌شان نکرده و خوشی و نعمت آنها را سخت نکرده است، ظرف حکمت می‌توانند بود.

۳۳۱۳ . الإمامُ الهادیُّ ﷺ: الحِکمَةُ لا تَنْجَعُ في الطِّباعِ الفاسِدَةِ.[۲]

۳۳۱۳ . امام هادی ﷺ: حکمت در جانهای فاسد مؤثر نمی‌افتد.

۹۲۵
مَن لا یَنتَفِعُ بِالحِکمَةِ

۹۲۵
کسی که از حکمت بهره‌ای نمی‌برد

۳۳۱۴ . الإمامُ علیٌّ ﷺ: غَیرُ مُنْتَفِعٍ بالحِکمَةِ عَقلٌ مَعلولٌ بالغَضَبِ والشَّهْوَةِ.[۳]

۳۳۱۴ . امام علی ﷺ: اندیشه‌ای که مریضِ خشم و شهوت است، از حکمت بهره‌ای نبرد.

۳۳۱۵ . عنه ﷺ: غَیرُ مُنْتَفِعٍ بالعِظاتِ قَلبٌ مُتَعلِّقٌ بالشَّهَواتِ.[۴]

۳۳۱۵ . امام علی ﷺ: دلِ در بند شهوات، از پند و اندرزها سودی بر نمی‌گیرد.

(انظر) الهوی: باب ۳۹۸۰، ۳۹۸۱.

۹۲۶
آثارُ الحِکمَةِ

۹۲۶
آثار حکمت

۳۳۱۶ . الإمامُ علیٌّ ﷺ: کُلَّما قَوِیَتِ الحِکمَةُ ضَعُفَتِ

۳۳۱۶ . امام علی ﷺ: هر چه حکمت نیرومندتر شود، شهوت و خواهشهای نفسانی

---

۱ . بحار الأنوار: ۱۴/ ۳۰۷/ ۱۷.
۲ . بحار الأنوار: ۷۸/ ۳۷۰/ ۴. ۳ . غرر الحکم: ۶۳۹۷.
۴ . غرر الحکم: ۶۴۰۶.

الشَّهْوَةُ.[۱]

ناتوانتر می‌شود.

۳۴۱۷ . عنه ﷺ: مَن ثَبتَتْ لَهُ الحِكمَةُ عَرَفَ العِبرَةَ.[۲]

۳۴۱۷ . امام علی ﷺ: هر که حکمت در دلش جای گیرد، عبرت شناس شود.

۳۴۱۸ . عنه ﷺ: كيفَ يَصْبِرُ علىٰ مُباينَةِ الأضْدادِ مَن لَم تُعِنْهُ الحِكمَةُ ؟![۳]

۳۴۱۸ . امام علی ﷺ: کسی که حکمت یاریش نرساند چگونه تواند بر مخالفت دشمنان شکیبایی ورزد؟!

۳۴۱۹ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: كَثرةُ النَّظَرِ في الحِكمَةِ تَلْقَحُ العَقلَ.[۴]

۳۴۱۹ . امام صادق ﷺ: اندیشیدن زیاد در حکمت، خرد را بارور می‌سازد.

۹۲۷
المُحافَظَةُ عَلَى الحِكمَةِ

۹۲۷
مراقبت از حکمت

۳۴۲۰ . رسولُ اللهِ ﷺ: واضِعُ العِلمِ عندَ غَيرِ أهلِهِ كمُقَلِّدِ الخَنازِيرِ الجَوهَرَ واللُّؤلُؤَ والذَّهبَ.[۵]

۳۴۲۰ . پیامبر خدا ﷺ: کسی که دانش را به نااهلان سپارد، چونان کسی است که گوهر و مروارید و طلا را به گردن خوکان بیاویزد.

۳۴۲۱ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: إنّ الحُكَماءَ ضَيَّعوا الحِكمَةَ لَمّا وَضَعوها عِند غَيرِ أهْلِها.[۶]

۳۴۲۱ . امام علی ﷺ: حکیمان آن گاه حکمت را تباه کردند که آن را در اختیار نااهلان گذاشتند.

۳۴۲۲ . الإمامُ الكاظمُ ﷺ: لا تَمْنَحوا الجُهّالَ الحِكمَةَ فتَظْلِموها، ولا تَمْنَعوها أهْلَها فتَظْلِموهُم.[۷]

۳۴۲۲ . امام کاظم ﷺ: حکمت را در اختیار نادانان مگذارید که در غیر این صورت به آن ستم کرده‌اید، و آن را از اهلش دریغ نکنید که در غیر این صورت به آنان ستم روا داشته‌اید.

---

۱ . غرر الحكم: ۷۲۰۵. ۲ . غرر الحكم: ۸۷۰۶.
۳ . غرر الحكم: ۶۹۹۱. ۴ . بحار الأنوار: ۷۸/۲۴۷/۷۳.
۵ . سنن ابن ماجة: ۱/۸۱/۲۲۴.
۶ . قصص الأنبياء: ۱۶۰/۱۷۶.
۷ . بحار الأنوار: ۷۸/۳۰۳/۱.

۹۲۸
طَرائِفُ الحِكَمِ

۳۳۲۳ . رسولُ اللهِ ﷺ: إنّ هذهِ القُلوبَ تَمَلُّ كَما تَمَلُّ الأبْدانُ، فَأْهْدُوا إلَيها طَرائِفَ الحِكَمِ.[۱]

۳۳۲۴ . الإمامُ عليٌّ ؈: كُلُّ شَيءٍ يُمِلُّ ما خَلا طَرائِفَ الحِكَمِ.[۲]

۹۲۸
حکمتهای تازه و دلنشین

۳۳۲۳ . **پیامبر خدا ﷺ**: این دلها نیز، همچون بدنها، خسته می‌شوند؛ پس [برای زدودن خستگی آنها] سخنان دلنشین حکیمانه را به آنها پیشکش کنید.

۳۳۲۴ . **امام علی ؈**: هر چیزی ملال‌آور می‌شود، جز سخنان دلنشین حکیمانه.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱ . عوالي اللآلي: ۱/۲۹۵/۱۹۳، نهج البلاغة: الحكمة ۹۱.
۲ . غرر الحكم: ۶۸۹۶.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



۱۲۵

حِكمَةُ لُقمانَ

حکمت لقمان

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۱۳/۴۰۸ باب ۱۸ «قصص لقمان وحكمه».

۱۹۰ ـــ

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۹۲۹
حِكمَةُ لُقمانَ عليه السلام

الكتاب:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾.[1]

الحديث:

۳۳۲۵ . رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: حَقّاً أقولُ: لَم يَكُن لُقمانُ نَبيّاً ولٰكنْ كانَ عَبداً كَثيرَ التَّفكُّرِ حَسَنَ اليَقينِ، أحَبَّ اللهَ فأحَبَّهُ ومَنَّ عليهِ بالحِكمَةِ.

كانَ نائماً نِصفَ النَّهارِ إذ جاءَهُ نِداءٌ: يا لُقمانُ، هَل لَكَ أن يَجعَلَكَ اللهُ خَليفَةً في الأرضِ تَحكُمُ بينَ النّاسِ بالحَقِّ؟ فأجابَ الصَّوتَ: إنْ خَيَّرَني ربّي قَبِلتُ العافِيَةَ ولَم أقبَلِ البَلاءَ، وإنْ عَزَمَ عليَّ فسَمعاً وطاعَةً؛ فإنّي أعلَمُ أنَّهُ إنْ فَعَلَ بي ذلكَ أعانَني وعَصَمَني.

فقالتِ الملائكةُ بصوتٍ لا يَراهُم: لِمَ يا لُقمانُ؟ قالَ: لأنَّ الحُكمَ أشَدُّ المَنازِلِ

---

۱ . لقمان: ۱۲.

۹۲۹
حکمت لقمان

قرآن:

«و براستی، لقمان را حکمت دادیم که: خدا را سپاس بگزار و هر که سپاس بگزارد، در حقیقت برای خود سپاس می‌گزارد و هر کس کفران ورزد، همانا خداوند بی‌نیاز ستوده است».

حدیث:

۳۳۲۵ . **پیامبر خدا صلى الله عليه وآله**: حقیقتی را بگویم: لقمان پیامبر نبود، امّا بنده‌ای بود که زیاد می‌اندیشید و یقینی نیکو و راستین داشت. خدا را دوست می‌داشت و خدا هم دوستدار او شد و نعمت حکمت را به وی ارزانی داشت.

نیمروزی در حالی که خوابیده بود، ندایی به او رسید که: ای لقمان! آیا می‌خواهی خداوند تو را خلیفهٔ خود در روی زمین کند تا میان مردم به حق حکم کنی؟ لقمان در جواب آن ندا گفت: اگر پروردگارم مرا مخیّر سازد، عافیت را می‌پذیرم و بلا (گرفتاری) را نمی‌پذیرم. ولی اگر او اراده کرده که مرا خلیفه گرداند، به جان و دل می‌پذیرم؛ زیرا می‌دانم که اگر این کار را با من بکند خودش نیز مرا یاری و نگهداری می‌کند.

فرشتگان که لقمان آنها را نمی‌دید، گفتند: چرا، ای لقمان؟ گفت: زیرا داوری سخت‌ترین

وآكَدُها، يَغشاهُ الظُّلَمُ مِن كلِّ مَكانٍ، إن وُقِيَ فبِالحَريِّ أنْ يَنجو، وإنْ أخطَأَ أخطَأَ طَريقَ الجَنَّةِ، ومَن يَكُن في الدُّنيا ذَليلاً وفي الآخِرَةِ شَريفاً خَيرٌ مِن أن يكونَ في الدُّنيا شَريفاً وفي الآخِرَةِ ذَليلاً، ومَن يَختَرِ الدُّنيا علَى الآخِرَةِ تَفُتْهُ الدُّنيا ولا يُصيبُ الآخِرَةَ.

و دشوارترین منزلگاه‌هاست و ظلم (تضییع حقّ) از هر سو آن را فرا می‌گیرد. اگر در داوری راه صواب رود امید نجات دارد [نه یقین به آن] و اگر راه خطا پیماید راه بهشت را اشتباه پیموده است. اگر کسی در دنیا خوار و بی‌نام و نشان باشد و در آخرت شریف و آبرومند، بهتر است از اینکه در دنیا شریف و ارجمند باشد و در آخرت خوار و بی‌مقدار و کسی که دنیا را بر آخرت برگزیند، دنیا از دستش می‌رود و به آخرت هم نمی‌رسد.

فتَعَجَّبَتِ المَلائكةُ مِن حُسنِ مَنطِقِهِ، فنامَ نَومَةً فأُعطِيَ الحِكمَةَ فانتَبَهَ يَتَكلَّمُ بها، ثُمّ كانَ يُوازِرُ داوودَ بحِكمَتِهِ، فقالَ لَهُ داوودُ: طُوبىٰ لكَ يا لُقمانُ، أُعطِيتَ الحِكمَةَ وصُرِفَت عنكَ البَلوىٰ.[1]

فرشتگان از منطق و گفتار زیبای او به شگفت آمدند. لقمان به خواب رفت و در عالم خواب به او حکمت داده شد و چون از خواب بیدار شد، سخنان حکمت‌آمیز می‌گفت و برای داوود، حکیمانه وزارت می‌کرد. داوود به او گفت: خوشا به حالت ای لقمان! حکمت به تو داده شد و بلا و گرفتاری [خلافت و داوری میان مردم] از تو برداشته شد.

۳۴۲۶. **الإمامُ الباقرُ ﷺ**: قيلَ لِلُقمانَ: ما الَّذي أجمَعتَ عَلَيهِ مِن حِكمَتِكَ؟ قالَ: لا أتَكَلَّفُ ما قد كُفِيتُهُ، ولا أُضَيِّعُ ما وُلِّيتُهُ.[2]

۳۴۲۶. **امام باقر ﷺ**: به لقمان گفته شد: کدام حکمت است که جامع همهٔ حکمت‌های توست؟ گفت: اینکه خود را دربارهٔ چیزی که برایم ضمانت شده است، به زحمت نیندازم و آنچه را که به خود من واگذار شده است [یعنی عمل را]، ضایع نگردانم.

۳۴۲۷. **تفسير القمّي**: الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ لَمّا سألَهُ حَمّادٌ عن لُقمانَ وحِكمَتِهِ ـ: أما واللهِ ما أُوتِيَ لُقمانُ الحِكمَةَ بِحَسَبٍ ولا مالٍ ولا أهلٍ ولا بَسطٍ في جِسمٍ ولا جَمالٍ.

ولكنّهُ كانَ رجُلاً قَوِيّاً في أمرِ اللهِ، مُتَورِّعاً في اللهِ، ساكِتاً سَكِيناً، عَميقَ

۳۴۲۷. **تفسیر القمّی**: امام صادق ﷺ در پاسخ به سؤال حمّاد از لقمان و حکمت او فرمود: به خدا قسم که حکمت، به سبب شرافت خانوادگی یا مال و ثروت یا زن و فرزند یا قدرت جسمی و یا زیبایی، به لقمان داده نشد. بلکه او مردی بود در کار خدا نیرومند و با

---

۱. مجمع البيان: ۳۹۲/۸. ۲. قرب الإسناد: ۳۳۲/۷۲.

۱۹۲ ـــ

۱. في بحار الأنوار: ۴۱۰/۱۳ «حتى تحاجزاه وهو الأنسب».

نشاط، پارسا، خاموش و آرام، ژرف اندیش پر تفکّر، تیزبین، پندآموز از عبرت‌ها. هرگز در روزنخوابید، هیچ کس او را در حال قضای حاجت یا شستشوی بدنش ندید؛ زیرا به شدّت با حیا و ژرف اندیش و مراقب حرکات و سکنات خویش بود. هرگز از چیزی نخندید؛ چون می‌ترسید گناه باشد. هرگز عصبانی نشد، هرگز با کسی شوخی نکرد، هیچ گاه برای دست یافتن به چیزی از دنیا شاد نشد و برای از دست دادن چیزی از آن اندوهگین نگشت. زنان بسیاری گرفت و فرزندان بسیاری به دنیا آورد، اما بیشتر آنان پیش از او به سرای آخرت شتافتند و او بر مرگ هیچ یک از آنان نگریست. هرگز از دو نفر که با هم بحث یا کتک‌کاری می‌کردند نگذشت، مگر اینکه آن دو را آشتی داد و با رفتن او با یکدیگر دوست شدند. هرگز سخن نیکویی از کسی نشنید، مگر آنکه معنای آن سخن و گویندهٔ اصلیش را از او پرسید. با مردمان دانا و حکیم بسیار همنشینی می‌کرد، بر قاضیان و پادشاهان و دولتمردان وارد می‌شد وبرای قاضیان از اینکه به چنان شغل خطرناکی گرفتار آمده‌اند، دلسوزی می‌کرد و نسبت به پادشاهان و دولتمردان که به سلطنت و قدرت دل بسته و از خدای بی‌خبر شده‌اند اظهار ترحّم می‌نمود. او عبرت می‌گرفت و عواملی را که با آن بر نفس خود چیره آید و به وسیلهٔ آنها با هوس خویش بجنگد و از شیطان دوری کند، می‌آموخت. دلش را با اندیشیدن مداوا می‌کرد و نفسش را با عبرت‌ها و به جایی

النَّظَرِ، طَويلَ الفِكَرِ، حَديدَ النَّظَرِ، مُستَعبِراً بالعِبَرِ، لَم يَنَمْ نَهاراً قَطُّ، ولَم يَرَهُ أحَدٌ مِن النّاسِ علىٰ بَولٍ ولا غائطٍ ولا اغتِسالٍ لشِدَّةِ تَستُّرِهِ وعُمقِ نَظَرِهِ وتَحَفُّظِهِ في أمرِهِ، ولَم يَضحَكْ مِن شيءٍ قَطُّ مَخافَةَ الإثمِ، ولم يَغضَبْ قَطُّ، ولَم يُمازِحْ إنساناً قَطُّ، ولَم يَفرَحْ بشيءٍ إنْ أتاهُ مِن أمرِ الدُّنيا ولا حَزَنَ مِنها علىٰ شيءٍ قَطُّ، وقَد نَكَحَ مِن النِّساءِ ووُلِدَ لَهُ مِن الأولادِ الكَثيرَةُ، وقَدَّمَ أكثَرَهُم أفراطاً فما بَكىٰ علىٰ مَوتِ أحَدٍ مِنهُم، ولَم يَمُرَّ برجُلَينِ يَختَصِمانِ أو يَقتَتِلانِ إلّا أصلَحَ بينَهُما ولَم يَمضِ عَنهُما حتّىٰ يُحابّا[1]، ولَم يَسمَعْ قَولاً قَطُّ مِن أحَدٍ استَحسَنَهُ إلّا سألَ عن تَفسيرِهِ وعَمَّن أخَذَهُ، وكانَ يُكثِرُ مُجالَسَةَ الفُقَهاءِ والحُكَماءِ، وكانَ يَغشَى القُضاةَ والمُلوكَ والسَّلاطينَ فيَرثي للقُضاةِ ما ابتُلوا بهِ، ويَرحَمُ للمُلوكِ والسَّلاطينِ لِعِزَّتِهِم باللهِ وطُمأنينَتِهِم في ذلكَ، ويَعتَبِرُ ويَتَعَلَّمُ ما يَغلِبُ بهِ نَفسَهُ ويُجاهِدُ بهِ هَواهُ ويَحتَرِزُ بهِ مِن الشَّيطانِ، فكانَ يُداوي قَلبَهُ بالفِكَرِ، ويُداوي نفسَهُ بالعِبَرِ، وكانَ لايَظعَنُ إلّا

فيما يَنفَعُهُ؛ فبِذلكَ أُوتِيَ الحِكمَةَ ومُنِحَ العِصمَةَ.

فإنّ اللهَ تبارَكَ وتعالىٰ أمَرَ طَوائفَ مِن المَلائكةِ حِينَ انتَصَفَ النَّهارُ وهَدَأتِ العُيونُ بالقائلَةِ فنادَوا لُقمانَ حيثُ يَسمَعُ ولا يَراهُم فقالوا: يا لُقمانُ، هَل لَكَ أن يَجعَلَكَ اللهُ خَليفَةً في الأرضِ تَحكُمُ بينَ النّاسِ؟ فقالَ لُقمانُ: إنْ أمَرَني اللهُ بذلكَ فالسَّمعُ والطّاعَةُ؛ لأنّهُ إنْ فَعَلَ بي ذلكَ أعانَني علَيهِ وعَلَّمَني وعَصَمَني، وإنْ هُو خَيَّرَني قَبِلتُ العافِيَةَ.

فقالَتِ المَلائكةُ: يا لُقمانُ، لِمَ قُلتَ ذلكَ؟ قالَ: لأنّ الحُكمَ بينَ النّاسِ مِن أشَدِّ المَنازِلِ مِن الدِّينِ وأكثَرِها فِتَناً وبَلاءً ما يَخذُلُ ولا يُعانُ ويَغشاهُ الظُّلمُ مِن كلِّ مَكانٍ، وصاحِبُهُ فيهِ بَينَ أمرَينِ؛ إنْ أصابَ فيه الحَقَّ فبالحَرِيِّ أن يَسلَمَ، وإن أخطأَ أخطأَ طَريقَ الجَنَّةِ، ومَن يَكُن في الدُّنيا ذَليلاً وضَعيفاً كانَ أهوَنَ علَيهِ في المَعادِ أن يكونَ فيهِ حَكَماً سَرِيّاً شَريفاً، ومَنِ اختارَ الدُّنيا علَى الآخِرَةِ يَخسَرْهُما كِلتَيهِما تَزولُ هذهِ ولا تُدرَكُ تلكَ.

سفر نمی‌کرد، مگر اینکه برایش سودمند باشد. این چنین بود که به او حکمت عطا گردید وعصمت و مصونیت از گناه ارزانیش شد.

خداوند تبارک و تعالی در نیمروزی که چشم‌ها با خواب نیمروزی آرام گرفته بود، به دسته‌ای از فرشتگان دستور داد به طوری که لقمان صدایشان را بشنود و خودشان را نبیند، او را ندا دهند و گویند: ای لقمان! آیا می‌خواهی خداوند تو را خلیفهٔ خود در زمین قرار دهد تا میان مردم داوری کنی؟ لقمان گفت: اگر خداوند مرا به این کار فرمان دهد با جان و دل می‌پذیرم؛ چون اگر او این کار را با من بکند، خودش هم مرا کمک می‌کند و نحوهٔ داوری را تعلیم می‌دهد و از خطا نگهم می‌دارد، ولی اگر انتخاب را به من واگذارد من کُنج عافیت را اختیار می‌کنم.

فرشتگان گفتند: ای لقمان! چرا این حرف را زدی؟ گفت: زیرا داوری میان مردم، از دشوارترین و پرفتنه و پر بلاترین منزلگاه‌های دین است. آدمی تنها می‌ماند و کسی هم کمکش نمی‌کند و ظلم و حق‌کشی از هر سو آن را در میان دارد و کسی که عهده‌دار این منصب می‌شود، از دو حال خارج نیست: اگر مطابق حقّ داوری کند در این صورت جا دارد که به سلامت رهد و اگر خطا کند راه بهشت را خطا پیموده است. کسی که در دنیا خوار و ناتوان باشد، در قیامت راحت‌تر می‌تواند رئیس و آقا و ارجمند باشد و کسی که دنیا را بر آخرت برگزیند، هر دوی آنها را می‌بازد؛ چون دنیایش تمام می‌شود و به آخرت هم نمی‌رسد.

قالَ: فتَعَجَّبَتِ المَلائكةُ مِن حِكمَتِهِ واستَحسَنَ الرَّحمٰنُ مَنطِقَهُ، فلَمّا أمسىٰ وأخَذَ مَضجَعَهُ مِن اللَّيلِ أنزَلَ اللهُ عَلَيهِ الحِكمَةَ فغَشّاهُ بها مِن قَرنِهِ إلىٰ قَدَمِهِ وهُو نائمٌ وغَطّاهُ بالحِكمَةِ غِطاءً، فاستَيقَظَ وهُو أحكَمُ النّاسِ في زَمانِهِ، وخَرَجَ عَلَى النّاسِ يَنطِقُ بالحِكمَةِ ويُثبِتُها فيها.

قالَ: فلَمّا أُوتِيَ الحُكمَ بالخِلافَةِ ولَم يَقبَلْها، أمَرَ اللهُ المَلائكةَ فنادَت داوودَ بالخِلافَةِ فقَبِلَها ولَم يَشتَرِطْ فيها بشَرطِ لُقمانَ، فأعطاهُ اللهُ الخِلافَةَ في الأرضِ وابتُلِيَ فيها غَيرَ مَرّةٍ، وكلُّ ذلكَ يَهوي في الخَطأ يَقبَلُهُ اللهُ ويَغفِرُ لَهُ، وكانَ لُقمانُ يُكثِرُ زيارَةَ داوودَ ﷺ ويَعِظُهُ بمَواعِظِهِ وحِكمَتِهِ وفَضلِ عِلمِهِ، وكانَ داوُد يَقولُ لَهُ: طُوبىٰ لكَ يا لُقمانُ! أُوتِيتَ الحِكمَةَ وصُرِفَت عنكَ البَلِيَّةُ، وأُعطِيَ داوودُ الخِلافَةَ وابتُلِيَ بالحُكمِ والفِتنَةِ.

ثُمّ قالَ أبو عبدِاللهِ ﷺ: ﴿وإذْ قالَ لُقمانُ لابنِهِ وهُوَ يَعِظُهُ يابُنَيَّ لا تُشرِكْ باللهِ إنَّ الشِّركَ لَظُلمٌ عَظيمٌ﴾[1]، قالَ: فوَعَظَ لُقمانُ لابنِهِ

امام ﷺ فرمود: فرشتگان از حکمت لقمان شگفت‌زده شدند و خداوند رحمان گفتار و منطق او را پسندید. چون شب شد و لقمان به بستر خویش رفت، خداوند حکمت را بر وی نازل کرد و از سر تا پایش را غرق حکمت نمود و او همچنان در خواب بود و خداوند پوششی از حکمت بر وی پوشاند و وقتی بیدار شد حکیم‌ترین مردم روزگارش شده بود و میان مردم می‌آمد و سخنان حکیمانه می‌گفت و حکمت را نشر و گسترش می‌داد.

امام صادق ﷺ فرمود: پس از آنکه حکم خلافت به لقمان داده شد و او آن را نپذیرفت، خداوند به فرشتگان دستور داد و آنها خلافت را به داوود پیشنهاد کردند و داوودآن را پذیرفت، بدون آنکه شرطی را که لقمان کرده بود بیان کند. پس خداوند خلافت در زمین را به داوود داد و بارها در این کار مبتلا و آزموده شد و هر بار دچار لغزش و خطا می‌شد. امّا خداوند او را می‌پذیرفت و می‌بخشیدش. لقمان زیاد به دیدن داوود ﷺ می‌رفت و با موعظه‌ها و سخنان حکیمانه و دانش بسیار خود او را اندرز می‌داد و داوود به او می‌گفت: خوشا به حالت ای لقمان! حکمت به تو داده شد و به بلای خلافت گرفتار نشدی، امّا به داوود خلافت داده شد و به کار داوری و فتنه گرفتار آمد.

امام صادق ﷺ سپس این آیه را تلاوت کرد: «و آن گاه که لقمان در مقام اندرز به فرزندش گفت: ای فرزندم! به خدا شرک نورز؛ زیرا که شرک ستمی بزرگ است».

---

۱. لقمان: ۱۳.

بآثارٍ حتّیٰ تَفَطَّرَ وانشَقَّ.

وکانَ فیما وَعَظَهُ بهِ ـ یا حَمّادُ ـ أن قالَ: یابُنَیَّ، إنّکَ مُنذُ سَقَطتَ إلَی الدُّنیا استَدبَرتَها واستَقبَلتَ الآخِرَةَ، فدارٌ أنتَ إلَیها تَسیرُ أقرَبُ إلَیکَ مِن دارٍ أنتَ عَنها مُتَباعِدٌ. یا بُنَیَّ جالِسِ العُلَماءَ وزاحِمهُم بِرُکبَتَیکَ، لا تُجادِلهُم فیَمنَعوکَ، وخُذ مِن الدُّنیا بَلاغاً ولا تَرفُضها فتَکونَ عِیالاً علَی النّاسِ، ولا تَدخُل فیها دُخولاً یُضِرُّ بآخِرَتِکَ، وصُم صَوماً یَقطَعُ شَهوَتَکَ، ولا تَصُم صَوماً یَمنَعُکَ مِن الصَّلاةِ؛ فإنَّ الصَّلاةَ أحَبُّ إلَی اللهِ مِن الصِّیامِ.

یا بُنَیَّ، إنَّ الدُّنیا بَحرٌ عَمیقٌ قد هَلَکَ فیها عالَمٌ کَثیرٌ؛ فاجعَل سَفینَتَکَ فیها الإیمانَ، واجعَل شِراعَها التَّوکُّلَ، واجعَل زادَکَ فیها تَقوَی اللهِ، فإن نَجَوتَ فبِرَحمَةِ اللهِ، وإن هَلَکتَ فبِذُنوبِکَ.

یابُنَیَّ، إن تأدَّبتَ صَغیراً انتَفَعتَ بهِ کَبیراً، ومَن عُنِیَ بالأدَبِ اهتَمَّ بهِ، ومَنِ اهتَمَّ بِهِ تَکَلَّفَ عِلمَهُ، ومَن تَکَلَّفَ عِلمَهُ اشتَدَّ طَلَبُهُ، ومَنِ اشتَدَّ طَلَبُهُ أدرَکَ مَنفَعَتَهُ، فاتَّخِذهُ عادَةً فإنَّکَ تَخلُفُ فی سَلَفِکَ،

حضرت فرمود: لقمان فرزند خود را به مطالبی پند و اندرز داد، تا جایی که او روییدو شکفت.

ای حمّاد! از جمله اندرزهای او به فرزندش این بود که گفت: فرزندم! تو از همان روزی که به دنیا افتادی پشت به دنیا و رو به آخرت کردی. پس، خانه‌ای که به سویش در حرکت هستی نزدیکتر به توست از خانه‌ای که در حال دور شدن از آن هستی. فرزندم! با دانایان همنشینی کن و زانو به زانوی آنان بزن، با آنان مجادله مکن که دانش خود را از تو دریغ کنند. از دنیا به قدر کفاف برگیر و به کلّی آن را دور مینداز تا سربار مردم باشی و آن چنان هم به دنیا مپرداز که به آخرتت زیان رساند. آن قدر روزه بگیر که از شهوت تو جلوگیری کند و چندان روزه مگیر که تو را از نماز باز دارد؛ زیرا نماز نزد خداوند محبوبتر از روزه است.

فرزندم! دنیا دریایی ژرف است که مردمان بسیاری در آن نابود شده‌اند. پس در این دریا کشتی خود را ایمان قرار ده و بادبانش را توکّل و رهتوشه‌ات را تقوای خدا؛ اگر نجات یافتی به سبب رحمت و مهربانی خدا نجات یافته‌ای، و اگر هلاک شدی به سبب گناهان خودت هلاک شده‌ای.

فرزندم! اگر در خردسالی ادب آموختی، در بزرگسالی از آن بهره‌مند خواهی شد و کسی که ادب را سرمایه و توانگری بداند، بدان اهتمام ورزد و کسی که نسبت به ادب اهتمام ورزد، در راه آموختن آن خود را به رنج و زحمت اندازد و هرکه در راه آموختنش رنج

وتَنفَعُ بِهِ مَن خَلفَكَ، ويَرتَجيكَ فيهِ راغِبٌ، ويَخشىٰ صَولَتَكَ راهِبٌ. وإيّاكَ والكَسَلَ عنهُ والطَّلَبَ لغَيرِهِ. فإنْ غُلِبتَ علَى الدّنيا فلا تُغلَبَنَّ علَى الآخِرَةِ، وإذا فاتَكَ طَلَبُ العِلمِ في مَظانِّهِ فقد غُلِبتَ علَى الآخِرَةِ، واجعَلْ في أيّامِكَ ولَيالِيكَ وساعاتِكَ لنفسِكَ نَصيباً في طَلَبِ العِلمِ؛ فإنَّكَ لَن تَجِدَ لَهُ تَضييعاً أشَدَّ مِن تَركِهِ، ولا تُمارِيَنَّ فيهِ لَجُوجاً، ولا تُجادِلَنَّ فَقيهاً، ولا تُعادِيَنَّ سُلطاناً، ولا تُماشِيَنَّ ظَلُوماً ولا تُصادِقَنَّهُ، ولا تُصاحِبَنَّ فاسِقاً نَطِفاً[1]، ولا تُصاحِبَنَّ مُتَّهَماً، واخزِنْ عِلمَكَ كما تَخزِنُ وَرِقَكَ.[2]

يا بُنَيَّ، خَفِ اللهَ خَوفاً لو أتَيتَ القِيامَةَ ببِرِّ الثَّقلَينِ خِفتَ أن يُعَذِّبَكَ، وارْجُ اللهَ رَجاءً لَو وافَيتَ القِيامَةَ بإثمِ الثَّقلَينِ رَجَوتَ أن يَغفِرَ لكَ.

فقالَ لَهُ ابنُهُ: يا أبَتِ، كيفَ أُطيقُ هٰذا وإنّما لي قَلبٌ واحِدٌ؟ فقالَ لَهُ لُقمانُ: يا

برد، سخت در پی آن برآید و هر که سخت در پی ادب برآید، به منافع آن برسد. پس، ادب را خوی و عادت خود گیر؛ زیرا با این کار جانشین گذشتگانت می‌شوی و جانشین خود را سود می‌رسانی و امیدوار به تو امید می‌بندد و بیمناک از صولت و ابّهت تو می‌ترسد. مبادا در فراگرفتن ادب سستی و تنبلی کنی و در طلب غیر آن برآیی. اگر در امر دنیا شکست خوردی، مبادا در کار آخرت دچار شکست شوی. اگر تحصیل علم را از جایگاهش از دست دادی، بدان که در کار آخرت شکست خورده‌ای. از روزها و شب‌ها و ساعات خود زمانی را هم به تحصیل علم اختصاص بده؛ زیرا هیچ چیز مانند ترک علم، علم را ضایع نمی‌کند. هیچ گاه با افراد لجوج بحث علمی نکن. با افراد دانا هرگز به جدال مپرداز. با هیچ قدرتمندی دشمنی مورز، با هیچ ستمگری همراهی و دوستی مکن، با هیچ گنهکار آلوده‌ای دوستی نکن و با هیچ شخصی که متّهم به گناه و فساد است، رفاقت مورز و دانش خود را مانند مال خود نگهداری کن.

فرزندم! از خداوند چنان بترس که اگر در روز قیامت نیکی‌های جنّ و انس را با خود بیاوری، باز بیم آن داشته باشی که عذابت کند و به خداوند چنان امیدوار باش که اگر روز قیامت با گناهان جنّ و انس بیایی، باز امید به آمرزش او داشته باشی.

فرزند لقمان به او گفت: ای پدر! چگونه طاقت و گنجایش چنین چیزی را داشته باشم، حال آنکه مرا یک دل بیش نیست؟ لقمان به او

---

۱. نَطِفَ الرجلُ: إذا اتُّهِمَ بريبةٍ، ونَطِفَ الشيءُ: أي فسد (الصحاح: ۱۴۳۴/۴).

۲. الوَرِقُ: الدراهم المضروبة، وفي الوَرِق ثلاث لغات: وَرِق وورْق ووَرَق (الصحاح: ۱۵۶۴/۴).

بُنَيَّ لو استُخرِجَ قَلبُ المؤمنِ فشُقَّ لَوُجِدَ فيهِ نُورانِ: نُورٌ للخَوفِ ونُورٌ للرَّجاءِ[1]، لَو وُزِنا لَما رَجَحَ أحَدُهُما علَى الآخَرِ بِمِثقالِ ذَرَّةٍ، فمَن يُؤمِنْ باللهِ يُصَدِّقْ ما قالَ اللهُ، ومَن يُصَدِّقْ ما قالَ اللهُ يَفعَلْ ما أمَرَ اللهُ، ومَن لَم يَفعَلْ ما أمَرَ اللهُ لَم يُصَدِّقْ ما قالَ اللهُ، فإنَّ هذهِ الأخلاقَ تَشهَدُ بَعضُها لبَعضٍ.

فمَن يُؤمِنْ باللهِ إيماناً صادِقاً يَعمَلْ للهِ خالِصاً ناصِحاً، ومَن عَمِلَ للهِ خالِصاً ناصِحاً فقد آمَنَ باللهِ صادِقاً، ومَن أطاعَ اللهَ خافَهُ، ومَن خافَهُ فقد أحَبَّهُ، ومَن أحَبَّهُ اتَّبَعَ أمرَهُ، ومَنِ اتَّبَعَ أمرَهُ استَوجَبَ جَنَّتَهُ ومَرضاتَهُ، ومَن لَم يَتَّبِعْ رِضوانَ اللهِ فَقد هانَ علَيهِ سَخَطُهُ، نَعوذُ باللهِ مِن سَخَطِ اللهِ.

يا بُنَيَّ، لا تَركَنْ إلَى الدُّنيا ولا تَشغَلْ قَلبَكَ بها، فما خَلَقَ اللهُ خَلقاً هُوَ أهوَنُ علَيهِ مِنها، ألا تَرىٰ أنَّهُ لَم يَجعَلْ نَعيمَها ثَواباً للمُطيعينَ، ولَم يَجعَلْ بَلاءَها عُقوبَةً للعاصِينَ؟![2]

فرمود: فرزندم! اگر دل مؤمن را بیرون آورند و آن را بشکافند، در آن دو نور یافت می‌شود: نوری از بیم و نوری از امید. اگر این دو نور با هم وزن شوند، هیچ یک به وزن ذرّه‌ای سنگین‌تر از دیگری نخواهد بود. کسی که به خدا ایمان داشته باشد، آنچه را او گفته است تصدیق می‌کند و هر که گفته‌های خدا را باور کند، آنچه را خدا فرمان داده است به کار می‌بندد و کسی که فرمان خدا را به کار نبندد، گفتهٔ او را باور نکرده است. این خلق و خوی‌ها هر یک گواه بر دیگری است.

پس، کسی که صادقانه به خداوند ایمان بیاورد، خالصانه و بی‌ریا هم برای خدا کار می‌کند و کسی که خالصانه و بی‌ریا برای خدا کار کند، صادقانه به خدا ایمان آورده است. و کسی که از خدا اطاعت کند، از او می‌ترسد و کسی که از خدا بترسد، او را دوست هم دارد و کسی که او را دوست بدارد، فرمانش را پیروی می‌کند و کسی که فرمان او را پیروی کند، مستوجب بهشت و خشنودی خدا می‌شود و کسی که دنبال خشنودی خدا نباشد، از خشم و ناخشنودی خدا هم باکی ندارد. پناه می‌بریم به خدا از خشم و ناخشنودی او.

فرزندم! به دنیا اعتماد مکن و دلت را بدان مشغول مساز؛ زیرا خداوند هیچ آفریده‌ای نیافریده است که در نظر او خوارتر از دنیا باشد. مگر نمی‌بینی که نعمت‌های دنیا را پاداش مطیعان قرار نداده و بلای آن را نیز کیفر نافرمانان در نظر نگرفته است؟

---

۱. في المصدر: «الوجد فيه نورين: نوراً للخوف ونوراً للرجاء» والصحيح ما أثبتناه.

۲. تفسير القمّي: ۱۶۲/۲.

۳۴۲۸ . مجمع البيان: ذُكِرَ في التفسيرِ أنّ مَولاهُ [يَعني لُقمانَ] دَعاهُ فقالَ: اذبَحْ شاةً فَأْتِني بأطيَبِ مُضغَتَينِ مِنها، فذَبَحَ شاةً وأتاهُ بالقَلبِ واللِّسانِ[1]، فسَألَهُ عن ذلكَ فقالَ: إنَّهُما أطيَبُ شيءٍ إذا طابا وأخبَثُ شيءٍ إذا خَبُثا.[2]

۳۴۲۸ . **مجمع البيان**: در تفسير آمده است كه خواجهٔ لقمان او را صدا زد و گفت: گوسفندی ذبح كن و بهترين عضو آن را برايم بياور. لقمان گوسفندی سر بريد و دل و زبانش را برای خواجه‌اش برد. خواجه علّت را پرسيد. لقمان گفت: اين دو عضو هرگاه پاكيزه باشند، پاكيزه‌ترين چيزند و هرگاه ناپاک شوند، ناپاكترين چيز هستند.

۳۴۲۹ . لُقمانُ ﷺ ـ لابنِهِ وهُوَ يَعِظُهُ ـ: يا بُنَيَّ، إنّ تَكُ في شَكٍّ مِن المَوتِ فارفَعْ عن نَفسِكَ النَّومَ ولَن تَستَطيعَ ذلكَ، وإن كُنتَ في شَكٍّ مِن البَعثِ فادفَعْ عن نفسِكَ الانتِباهَ ولَن تَستَطيعَ ذلكَ، فإنّكَ إذا فَكَّرتَ عَلِمتَ أنّ نفسَكَ بِيَدِ غَيرِكَ، وإنّما النَّومُ بِمَنزِلَةِ المَوتِ، وإنّما اليَقظَةُ بعدَ النَّومِ بِمَنزِلَةِ البَعثِ بعدَ المَوتِ....

يا بُنَيَّ، لا تَقتَرِبْ فيَكونَ أبعَدَ لكَ، ولا تَبعُدْ فتُهانَ، كلُّ دابَّةٍ تُحِبُّ مِثلَها وابنُ آدمَ لا يُحِبُّ مِثلَهُ![3] لا تَنشُرْ بِرَّكَ (بَزَّكَ) إلّا عِند باغِيهِ، وكما لَيسَ بينَ الكَبشِ والذِّئبِ خُلَّةٌ

۳۴۲۹ . **لقمان**ﷺ ـ در اندرز به فرزند خود ـ فرمود: فرزندم! اگر دربارهٔ مردن شک داری، خواب را از خودت بردار، امّا بدان كه هرگز توان اين كار را نداری و اگر دربارهٔ رستاخيز شک داری، بيدار شدن از خواب را از خودت بردار؛ ليكن بدان كه هرگز نمی‌توانی چنين كنی. اگر بينديشی پی می‌بری كه جان تو در اختيار غير توست و خواب در حقيقت به منزلهٔ مرگ است و بيدار شدن پس از خواب به منزلهٔ برانگيخته شدن پس از مرگ... .

فرزندم! نزديک مشو كه از تو دورتر می‌شود و دور مشو كه خوار می‌شوی. هر جنبنده‌ای همتای خود را دوست دارد، مگر آدميزاد كه همتای خويش را دوست نمی‌دارد[1]! احسان خود را جز به كسی كه خواهان آن است عرضه مدار. همچنان كه هيچ گاه ميان گوسفند و گرگ دوستی برقرار نمی‌شود، ميان نيكوكار و بدكار نيز

---

۱ . في بعض التفاسير كالبيضاويّ والثعلبيّ: ثمّ أمره بمثل ذلك بعد أيّام وأن يأتي بأخبث مضغتين منها فأخرج القلب واللسان. (كما في هامش المصدر).

۲ . مجمع البيان: ۴۹۵/۸.

۳ . أي أنّ ابن آدم لا يحبّ أن يكافيه غيره في مزيّة من المزايا.

۱ . يعنی آدميزاد دوست ندارد كه ديگری در مزيتی از مزايا با او همرديف باشد.

كذلكَ لَيس بينَ البارِّ والفاجِرِ خُـلّةٌ، مَـن يَقتَرِبْ مِن الرَّفْثِ (الزِّفْتِ) يَعلَقْ بِهِ بَعضُهُ، كذلكَ مَن يُشارِكِ الفاجِرَ يَتَعلَّمْ مِن طُرُقِهِ. مَن يُحِبَّ المِراءَ يُشتَمْ، ومَن يَدخُلْ مَدخَلَ السَّوءِ يُتَّهَمْ، ومَن يُقارِنْ قَـرينَ السَّـوءِ لا يَسلَمْ، ومَن لا يَملِكْ لِسانَهُ يَندَمْ.

يابُنَيَّ، صاحِبْ مِائةً ولا تُعادِ واحِداً، يابُنَيَّ إنّما هُو خَلاقُكَ وخُلقُكَ؛ فـخَلاقُكَ دِينُكَ، وخُلقُكَ بَينَكَ وبـينَ النّـاسِ، فـلا تَبغَضَنَّ إلَيهِم، وتَعَلَّمْ[1] مَحاسِنَ الأخلاقِ.

ويا بُنَيَّ، كُن عَبداً للأخـيارِ ولا تَكُـن وَلَداً للأشرارِ. يا بُنَيَّ، علَيكَ بأداءِ الأمانَةِ تَسلَمْ دُنياكَ وآخِرتُكَ، وكُن أمِيناً فإنَّ اللهَ تعالىٰ لا يُحِبُّ الخائنينَ. يـا بُـنَيَّ، لا تُـرِ النّاسَ أنَّكَ تَخشَى اللهَ وقَلبُكَ فاجِرٌ.[2]

۳۳۳۰. عنه ﷺ ـ أيضاً ـ: يـابُنَيَّ، إنَّ النّـاسَ قـد جَمَعوا قَبلَكَ لأولادِهِم فلَم يَبقَ ما جَمَعوا ولَم يَبقَ مَن جَمَعوا لَـهُ، وإنّـما أنتَ عَـبدٌ مُستَأجَرٌ قد اُمِرتَ بعَمَلٍ ووُعِـدتَ عـلَيهِ

دوستی وجود ندارد. کسی که به نـجاست نزدیک شود، لاجرم مقداری از آن به بـدن او می‌چسبد، همچنین کسی که با گـنهکار درآمـیزد برخـی از روش‌هـای او را یـاد می‌گیرد. کسی که مجادله را خوش داشـته باشد، ناسزا شنود، کسی که به جـای بـدنام قدم گذارد، مورد تهمت و سوء ظـن قـرار گیرد. کسی که با بدان همنشینی کند، سالم نمی‌ماند. کسـی کـه اخـتیار زبـان خـود را نداشته باشد، پشیمان می‌شود...

فرزندم! صد دوست بگیر و یک دشمن مگیر. فرزندم! در حـقیقت تـو را بـهره‌ای است و خویی. بهره‌ات همان دین توست و خویَت، طرز رفتارت میان مـردم. پس، بـا آنان دشـمنی مکـن و خـوی‌های نـیکو را فراگیر.

فرزندم! بندهٔ نیکان باش و فرزند بَدان مباش. فرزندم! امانت پرداز باش، تا دنیا و آخرتت سالم بماند. و امین باش؛ زیـرا کـه خـــدای مـتعال خـیانتکاران را دوست ندارد. فرزندم! وقتی دلت گنهکار است، به مردم چنان وانمود مکن که از خدا می‌ترسی.

۳۳۳۰. **لقمان ﷺ** ـ در موعظه به فرزندش ـ فرمود: فرزندم! پیش از تو مردم برای فرزندانشان جمع کردند، امّا نه آنچه جمع کردند، باقی ماند و نه آنان که برایشان جمع کردند. تـو درحقیقت بندهٔ اجیری هستی که مأمـوری کاری انـجام دهـی و در مـقابل آن، وعـدهٔ مزدی به تو داده‌اند. پس کار خود را کـامل انجام بده و مزدت را کامل بگیر. در این دنیا

---

۱. في المصدر «فلا يتقصنّ تعلّم ...» والصحيح ما أثبتناه (كما في هامشه).

۲. قصص الأنبياء: ۲۳۹/۱۹۰.

أجراً، فأوفِ عَمَلَكَ واستَوفِ أجرَكَ، ولا تَكُنْ في هذهِ الدُّنيا بمَنزِلَةِ شاةٍ وَقَعَت في زَرعٍ أخضَرَ فأكَلَت حتّىٰ سَمِنَت فكانَ حَتفُها[1] عِند سِمَنِها، ولكنِ اجعَلِ الدُّنيا بمَنزِلَةِ قَنطَرَةٍ علىٰ نَهرٍ جُزتَ عَلَيها، وتَركتَها ولَم تَرجِعْ إلَيها آخِرَ الدَّهرِ، أخرِبْها ولا تُعَمِّرْها فإنَّكَ لَم تُؤمَرْ بِعِمارَتِها.

واعلَمْ أنَّكَ سَتُسأَلُ غَداً إذا وَقَفتَ بينَ يَدَيِ اللهِ عَزَّوجلَّ عن أربَعٍ: شَبابِكَ فيما أبلَيتَهُ، وعُمرِكَ فيما أفنَيتَهُ، ومالِكَ مِمّا اكتَسَبتَهُ، وفيما أنفَقتَهُ، فتأهَّبْ لِذلكَ وأعِدَّ لَهُ جَواباً. ولا تأسَ علىٰ ما فاتَكَ مِنَ الدُّنيا؛ فإنَّ قَليلَ الدُّنيا لا يَدومُ بَقاؤُهُ، وكثيرَها لا يُؤمَنُ بَلاؤُهُ، فخُذْ حِذرَكَ، وجِدَّ في أمرِكَ، واكشِفِ الغِطاءَ عَن وَجهِكَ، وتَعَرَّضْ لمَعروفِ ربِّكَ، وجَدِّدِ التَّوبَةَ في قَلبِكَ، واكمَشْ[2] في فِراقِكَ[3] قبلَ أن يُقصَدَ قَصدُكَ، ويُقضىٰ قَضاؤُكَ، ويُحالَ بَينَكَ وبينَ ماتُريدُ.[4]

چون گوسفندی مباش که در کشتزاری سرسبز افتاده و آن قدر چریده است که پروار گشته و مرگش با همان پروار شدن است؛ بلکه دنیا را چونان پُلی بر روی رودخانه‌ای بدان که از آن می‌گذری و پشت سر می‌گذاری و دیگر هرگز به سوی آن برنمی‌گردی. آن را ویران ساز و آبادش مساز؛ زیرا که مأمور به آباد کردن آن نیستی.

بدان که فردا چون در پیشگاه خداوند عزّوجلّ بایستی، از چهار چیز بازخواست خواهی شد: از جوانیت که چگونه به پیری رساندی و از عمرت که در چه راه گذراندی و از مالت که از چه راه به دست آوردی و در چه راه خرج کردی. پس خود را برای آن روز آماده ساز و برای این پرسش‌ها، پاسخی فراهم کن. و برای آنچه از دنیا از دست داده‌ای اندوه مخور؛ زیرا اندکِ دنیا چندان نمی‌پاید و بسیارِ آن مایهٔ فتنه و بلاست. پس، به هوش باش، و در کار خویش بکوش و پرده [ی غفلت] از چهره [ی دل] خود کنار زن و پسند و خوبی پروردگارت را بجوی و در دلت هر دم توبه کن و پیش از آنکه قصد [جانِ] تو شود و ایّامت به سر آید و مرگ میان تو و خواسته‌هایت فاصله اندازد، در استفاده از فرصتی که داری بشتاب.

---

۱. الحتف: الموت. (مجمع البحرين: ۳۵۸/۱).
۲. الكَمْش: الرجل السريع الماضي، وانكَمَشَ وتركمَش: أسرع (الصحاح: ۱۰۱۸/۳).
۳. في الكافي: ۲۰/۱۳۳/۲ «في فَراغِكَ» ولعلّه الأنسب.
۴. بحار الأنوار: ۱۹/۴۲۵/۱۳.

۳۴۳۱. عنه ﷺ ـ أيضاً ـ: يا بُنَيَّ، إيّاكَ والضَّجَرَ وسُوءَ الخُلقِ وقِلَّةَ الصَّبرِ؛ فلا يَستَقيمُ علىٰ هذهِ الخِصالِ صاحِبٌ، وألزِمْ نَفسَكَ التُّؤَدَةَ[1] في أُمورِكَ، وصَبِّرْ علىٰ مَؤونَاتِ الإخوانِ نَفسَكَ، وحَسِّنْ مَعَ جَميعِ النّاسِ خُلقَكَ.

يابُنَيَّ، إن عَدِمَكَ ما تَصِلُ بِهِ قَرابَتَكَ وتَتَفَضَّلُ بِهِ علىٰ إخوَتِكَ فلا يَعدِمَنَّكَ حُسنُ الخُلقِ وبَسطُ البِشرِ؛ فإنَّ مَن أحسَنَ خُلقَهُ أحَبَّهُ الأخيارُ وجانَبَهُ الفُجّارُ. واقنَعْ بِقِسمِ اللهِ لكَ يَصْفُ عَيشُكَ، فإن أرَدتَ أن تَجمَعَ عِزَّ الدُّنيا فاقطَعْ طَمَعَكَ مِمّا في أيدي النّاسِ، فإنّما بَلَغَ الأنبياءُ والصِّدّيقونَ ما بَلَغوا بِقَطعِ طَمَعِهِم.[2]

۳۴۳۱. لقمان ﷺ ـ در اندرز به فرزندش ـ فرمود: فرزندم! از بی‌حوصلگی و بدخویی و کم صبری بپرهیز؛ زیرا هیچ دوستی تحمّل این خصلت‌ها را ندارد. در کارهایت خود را به تأنّی و آرامش پایبند گردان و آن را بر تحمّل زحمات (بار هزینه‌های) برادران شکیبا ساز و با همهٔ مردم خوش‌اخلاق باش.

فرزندم! اگر [از مال دنیا] چیزی نداری که با آن به خویشانت رسیدگی کنی و به برادرانت ببخشی، دست کم خوش‌خویی و خوشرویی [با آنان] را از دست مده؛ زیرا کسی که اخلاق خوش داشته باشد، نیکان او را دوست بدارند و بدکاران از وی دوری کنند. به قسمت خدا قانع باش، تا زندگی به کام تو گوارا شود. اگر می‌خواهی عزّت دنیا را یکجا داشته باشی، چشم طمع از آنچه مردم دارند برکن؛ چرا که انبیا و صدّیقان اگر به آن مقامات رسیدند، از آن روی بود که رشتهٔ طمع خود را بریدند.

---

۱. التُّؤَدَة ـ ساكنة وتفتح ـ: التأنّي والتمهّل والرزانة. (لسان العرب: ۳/۴۴۳).

۲. قصص الأنبياء: ۱۹۵/۲۴۴.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۲۶

الحَلِف

سوگند خوردن

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۱۰۴/۲۰۵ـ۲۴۶، «أبواب الأيمان والنُّذور».

وسائل الشّيعة: ۱۶/۱۱۵، «كتاب الأيمان».

كنز العمّال: ۱۶/۶۸۷ـ۷۳۲، «كتاب اليمين».

انظر:

التجارة: باب ۴۵۱، الحدود: باب ۷۴۸.

۹۳۰

النَّهيُ عَنِ الحَلفِ بِاللهِ سُبحانَهُ

الكتاب:

﴿وَلا تَجْعَلُوا اللهَ عُرْضَةً لِأَيْمانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النّاسِ وَاللهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾.[1]

الحديث:

۳۳۳۲. رسولُ اللهِ ﷺ: يا عليُّ، لا تَحْلِفْ باللهِ كاذِباً ولا صادِقاً مِن غَيرِ ضَرورَةٍ، ولا تَجْعَلِ اللهَ عُرْضَةً لِيَمينِكَ؛ فإنَّ اللهَ لا يَرحَمُ ولا يَرعىٰ مَن حَلَفَ باسمِهِ كاذِباً.[2]

۳۳۳۳. بحار الأنوار: قالَ الحَوارِيّونَ لعيسىٰ بنِ مريمَ: أوْصِنا، فقالَ: قالَ موسىٰ ﷺ لقَومِهِ: لا تَحْلِفوا باللهِ كاذِبينَ، وأنا آمُرُكُم أنْ لا تَحْلِفوا باللهِ صادِقينَ ولا كاذِبينَ.[3]

۳۳۳۴. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: لا تَحْلِفوا باللهِ صادِقينَ ولا كاذِبينَ؛ فإنَّهُ عزّوجلّ يقولُ: ﴿ولا تَجْعَلوا اللهَ عُرْضَةً لأيْمانِكُم﴾.[4]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۶ / ۱۱۵ باب ۱.

---

۱. البقرة: ۲۲۴.
۲. بحار الأنوار: ۶/۶۷/۷۷.
۳. بحار الأنوار: ۱/۲۱۲/۱۰۴.
۴. الكافي: ۷ / ۴۳۴ / ۱.

۹۳۰

نهی از سوگند خوردن به خداوند سبحان

قرآن:

«خدا را دستاویز سوگندهای خویش قرار ندهید تا از نیکوکاری و تقوی و اصلاح در میان مردم باز ایستید که خدا شنوا و داناست».

حدیث:

۳۳۳۲. **پیامبر خدا ﷺ**: ای علی! چنانچه ضرورتی در میان نباشد، نه به راست و نه به دروغ، به خدا سوگند مخور و خدا را دستاویز سوگند خود قرار مده؛ زیرا خداوند با کسی که سوگند دروغ به نام او یاد کند رحم نمی‌کند و از او مراقبت نمی‌نماید.

۳۳۳۳. **بحار الأنوار**: حواریان، به عیسی بن مریم عرض کردند: ما را سفارشی کن. فرمود: موسی ﷺ به قوم خود فرمود: به خدا سوگندِ دروغ مخورید. و من به شما دستور می‌دهم که نه راست و نه دروغ، به خدا، سوگند مخورید.

۳۳۳۴. **امام صادق ﷺ**: راست یا دروغ، به خدا سوگند مخورید؛ زیرا خداوند عزّوجلّ می‌فرماید: «و خدا را دستاویز سوگندهای خود قرار مدهید».

۹۳۱
التَّحذيرُ مِنَ الحَلفِ الكاذِبِ

الكتاب:

﴿وَلا تُطِعْ كُلَّ حَلّافٍ مَهِينٍ﴾.[۱]

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْماً غَضِبَ اللهُ عَلَيْهِمْ ما هُمْ مِنْكُمْ وَلا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾.[۲]

(انظر) التوبة: ۷۴، المجادلة: ۱۸.

الحديث:

۳۳۳۵. **ثواب الأعمال:** قالَ اللهُ عزّوجلّ: لا اُنيلُ رَحْمَتي مَن تَعَرَّضَ للأيمانِ الكاذِبَةِ.[۳]

۳۳۳۶. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: كيفَ يَسْلَمُ مِن عَذابِ اللهِ المُتَسَرِّعُ إلَى اليمينِ الفاجِرَةِ؟![۴]

۳۳۳۷. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: مَن حَلَفَ علىٰ يَمينٍ وهُو يَعلمُ أنَّهُ كاذِبٌ فقَد بارَزَ اللهَ عزّوجلّ.[۵]

۳۳۳۸. **عنه** ﷺ: مَن حَلَفَ باللهِ فلْيَصْدُقْ، ومَن لَم يَصْدُقْ فلَيس مِن اللهِ عزّوجلّ في شيءٍ.[۶]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۶ / ۱۱۸ باب ۴.

۹۳۲
آثارُ اليَمينِ الفاجِرَةِ

۳۳۳۹. **رسولُ اللهِ** ﷺ: إيّاكُم واليَمينَ الفاجِرَةَ؛ فإنَّها

۱. القلم: ۱۰. ۲. المجادلة: ۱۴.
۳. ثواب الأعمال: ۲/۲۶۱. ۴. غرر الحكم: ۶۹۸۸.
۵. ثواب الأعمال: ۱/۲۶۹. ۶. بحار الأنوار: ۱۰۴/۲۱۱/۲۷.

۹۳۱
پرهیز از سوگند دروغ

قرآن:

«و از هر فرومایه‌ای که بسیار سوگند می‌خورد پیروی مکن».

«آیا ندیده‌ای آن کسان را که با مردمی که خدا بر آنها خشم گرفته بود دوستی ورزیدند؟ ایشان نه از شمایند و نه از ایشان. و خود می‌دانند که به دروغ سوگند می‌خورند».

حدیث:

۳۳۳۵. **ثواب الأعمال:** خداوند عزّوجلّ فرموده است: من رحمت خود را شامل حال کسی که سوگند دروغ بخورد، نمی‌گردانم.

۳۳۳۶. **امام علی** ﷺ: چگونه از عذاب خدا در امان مانَد، کسی که بی‌محابا سوگند دروغ می‌خورد؟!

۳۳۳۷. **امام صادق** ﷺ: هرکه سوگندی خورد و بداند که دروغ می‌گوید به جنگ خدا رفته است.

۳۳۳۸. **امام صادق** ﷺ: هرکس به خدا، سوگند می‌خورد، باید راست بگوید و اگر راست نگوید، نزد خداوند عزّوجلّ هیچ جایگاه و ارزشی ندارد.

۹۳۲
پیامدهای سوگند دروغ

۳۳۳۹. **پیامبر خدا** ﷺ: از سوگند دروغ بپرهیزید،

۲۰۶ ـــ

* ــ

۱. ثواب الأعمال: ۳/۲۷۰.
۲. ثواب الأعمال: ۴/۲۷۰.
۳. كنز العمّال: ۴۶۳۸۱.
۴. بحار الأنوار: ۱۹/۲۰۹/۱۰۴.
۵. الكافي: ۳/۴۴۰/۷.
۶. الخصال: ۹/۶۰۷.
۷. الكافي: ۲/۴۳۹/۷.
۸. وسائل الشيعة: ۱۳/۱۳۲/۱۶.
۹. البقرة: ۲۲۴.

تَدَعُ الدِّيارَ بَلاقِعَ مِن أهلِها.[1]

۳۳۳۰. عنه ﷺ: اليَمينُ الصَّبْرُ الفاجِرَةُ تَدَعُ الدِّيارَ بَلاقِعَ.[2]

۳۳۳۱. عنه ﷺ: اليَمينُ الكاذِبَةُ مَنفَقَةٌ للسِّلْعَةِ مَمْحَقَةٌ للكَسْبِ.[3]

۳۳۳۲. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: اليَمينُ الصَّبرُ الكاذِبَةُ تُورِثُ العَقِبَ الفَقْرَ.[4]

که آن، خانه‌ها را از ساکنانش خالی می‌کند.

۳۳۳۰. **پیامبر خدا** ﷺ: سوگندِ اجباریِ دروغ، خانه‌ها را تهی [از سکنه] می‌سازد.

۳۳۳۱. **پیامبر خدا** ﷺ: سوگند دروغ، کالا را رونق می‌دهد امّا برکت را از کسب می‌برد.

۳۳۳۲. **امام صادق** ﷺ: سوگند اجباری دروغ، برای بازماندگان فقر به بار می‌آورد.

۹۳۳
الَّذينَ لا حِنثَ ولا كَفّارَةَ عَلَيهِم

۹۳۳
کسانی که شکستن سوگندشان گناه و کفّاره ندارد

۳۳۳۳. رسولُ اللهِ ﷺ: لا يَمينَ في قَطيعةِ رَحِمٍ.[5]

۳۳۳۳. **پیامبر خدا** ﷺ: قسم خوردن برای بریدن پیوند خویشاوندی، صحیح و قابل اعتنا نیست.

۳۳۳۴. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: لا حِنْثَ ولا كَفّارَةَ علىٰ مَن حَلَفَ تَقيّةً يَدفَعُ بذلكَ ظُلماً عَن نَفْسِهِ.[6]

۳۳۳۴. **امام صادق** ﷺ: کسی که برای دور کردن ستمی از خود و از روی تقیّه، سوگند یاد کند، در شکستن آن مرتکب گناه نشده و کفّاره‌ای به عهده‌اش نیست.

۳۳۳۵. عنه ﷺ: لا يَجوزُ يَمينٌ في تَحليلِ حَرامٍ، ولا تَحريمِ حَلالٍ، ولا قَطيعَةِ رَحِمٍ.[7]

۳۳۳۵. **امام صادق** ﷺ: قسم یاد کردن برای حلال کردن حرامی یا حرام کردن حلالی و برای قطع پیوند خویشاوندی، جایز و معتبر نیست.

۳۳۳۶. عنه ﷺ: لا يَمينَ في مَعْصيَةِ اللهِ.[8]

۳۳۳۶. **امام صادق** ﷺ: سوگند خوردن برای انجام گناه، ارزش و اعتباری ندارد.

۳۳۳۷. عنه ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿ولا تَجْعَلوا اللهَ عُرْضَةً لأيْمانِكُم﴾[9] ـ: يَعني الرَّجُلَ يَحلِفُ

۳۳۳۷. **امام صادق** ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «خدا را دستاویز سوگندهای خود قرار مدهید» ـ فرمود:

أنْ لا يُكلِّمَ أخاهُ وما أشبَهَ ذلكَ، أو لا يُكلِّمَ أُمَّهُ.[۱]

۳۳۴۸. عنه ﷺ: لا يَمينَ في غَضَبٍ، ولا في قَطيعَةِ رَحِمٍ، ولا في إجبارٍ، ولا في إكْراهٍ.[۲]

۳۳۴۹. عنه ﷺ ـ في قولِ اللهِ عزّوجلّ: ﴿لا يُؤاخِذُكُمُ اللهُ باللَّغوِ في أيمانِكُم﴾[۳] ـ: اللَّغوُ قَولُ الرَّجُلِ: «لا واللهِ» و «بلىٰ واللهِ»، ولا يَعْقِدُ علىٰ شيءٍ.[۴]

۳۳۵۰. بحار الأنوار عن أبي بكرٍ الحَضرميّ: قلتُ للإمامِ الصّادقِ ﷺ: نَحلِفُ لصاحِبِ العَشّارِ نُجيزُ بذلكَ مالَنا؟ قالَ: نَعَم. وفي الرَّجُلِ يَحْلِفُ تَقيَّةً، قالَ: إنْ خشِيتَ علىٰ دَمِكَ ومالِكَ فاحْلِفْ تَرُدَّهُ عنكَ بيَمينِكَ، وإنْ رأيتَ أنَّ يَمينَكَ لا يَرُدُّ عنكَ شَيئاً فلا تَحْلِفْ لَهُم.[۵]

۹۳۴
كَيفيَّةُ تَحليفِ الظّالِمِ

۳۳۵۱. الإمامُ عليٌّ ﷺ: أحْلِفوا الظّالِمَ إذا أرَدْتُم

یعنی انسان سوگند بخورد با برادرش حرف نزند (و یا از این قبیل)، یا با مادرش سخن نگوید.

۳۳۴۸. امام صادق ﷺ: سوگند در حال خشم، یا برای قطع ارتباط با خویشان، یا از روی اجبار و یا اکراه، اعتبار ندارد.

۳۳۴۹. امام صادق ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «خدا شما را به سبب سوگندهای لغوتان باز خواست نمی‌کند» ـ فرمود: لغو، این است که انسان بگوید: «نه، به خدا»، «آری، به خدا» و قصد سوگند خوردن نداشته باشد.

۳۳۵۰. بحار الأنوار ـ به نقل از ابوبکر حضرمی ـ: به امام صادق ﷺ عرض کردم: آیا اجازه داریم برای رد کردن مال خود، در برابر باجگیر سوگند بخوریم؟ حضرت فرمود: آری؛ انسان می‌تواند از روی تقیّه قسم بخورد. فرمود: اگر بر جان و مال خود ترسیدی، برای دفع شرّ او از خودت، سوگند بخور. ولی اگر دیدی سوگند تو هیچ تأثیری در دفع او ندارد، سوگند یاد مکن.

۹۳۴
نحوهٔ سوگند دادن ستمگر

۳۳۵۱. امام علی ﷺ: هرگاه خواستید ستمگر را

---

۱. تفسير العياشي: ۱/۱۱۲/۳۳۹، انظر: وسائل الشيعة: ۱۶/۱۲۹ باب ۱۱.
۲. الكافي: ۷/۴۴۲/۱۷. ۳. البقرة: ۲۲۵.
۴. الكافي: ۷/۴۴۳/۱.
۵. بحار الأنوار: ۷۵/ ۴۱۱/ ۵۹. انظر: وسائل الشيعة: ۱۶/ ۱۳۴ باب ۱۲.

يَمينَهُ بأنَّهُ بَريءٌ مِن حَولِ اللهِ وقُوَّتِهِ، فإنَّهُ إذا حَلَفَ بها كاذِباً عُوجِلَ العُقوبةَ، وإذا حَلَفَ باللهِ الَّذي لا إلٰهَ إلّا هُو لَم يُعاجَلْ؛ لأنَّهُ قد وَحَّدَ اللهَ تعالىٰ.[1]

(انظر) شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ۱۹ / ۹۱.
ووسائل الشيعة: ۱۶ / ۱۶۷ باب ۳۳.

۹۳۵
مَن قالَ: «عَلِمَ اللهُ» كاذِباً

۳۳۵۲. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إذا قالَ العبدُ: عَلِمَ اللهُ، وكان كاذِباً قالَ اللهُ عزّوجلّ: أما وَجَدْتَ أحَداً تَكذِبُ علَيهِ غَيري؟![2]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۶ / ۱۲۳ باب ۵.

سوگند دهید، چنین سوگندش دهید که بگوید: از حول و قوّهٔ خدا بدور باشم. زیرا اگر به دروغ چنین سوگندی یاد کند بی‌درنگ سزایش را خواهد چشید. اما اگر بگوید: سوگند به خدایی که جز او خدایی نیست. در کیفر او درنگ خواهد شد؛ زیرا خداوند متعال را به یگانگی ستوده است.

۹۳۵
کسی که به دروغ بگوید: «خدا می‌داند»

۳۳۵۲. **امام صادق** ﷺ: هرگاه بنده به دروغ بگوید: «خدا می‌داند [که این حرف من راست است]» خداوند عزّوجلّ می‌فرماید: آیا کسی غیر از من نیافتی که به او دروغ بندی؟!

۱. نهج البلاغة: الحكمة ۲۵۳.
۲. الكافي: ۷/۴۳۷/۲، الأمالي للصدوق: ۵۰۶/۶۹۹.

١٢٧

الحلال

حلال

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ١٠٣/ ١ باب ١ «الحثّ على طلب الحلال».

انظر:

عنوان ١٨٦ «الرزق»، ١٠٩ «الحرام»، ٤٩٩ «المال».

الرزق: باب ١٥٠٣، ١٥٠٤، ١٤٩٨، ١٣٩٩، المال: باب ٣٧٠١.

۹۳۶
أكلُ الحَلالِ

الكتاب:

﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللهَ إِنَّ اللهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾.[1]

﴿يا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾.[2]

﴿يا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالاً طَيِّباً وَلا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾.[3]

الحديث:

۳۳۵۳. **الإمامُ عليٌّ** عليه السلام: عَلَيكَ بِلُزومِ الحَلالِ، وحُسنِ البِرِّ بِالعِيالِ، وذِكرِ اللهِ فِي كُلِّ حالٍ.[4]

۳۳۵۴. **الدرّ المنثور** عن أُمِّ عبدِ اللهِ أُختِ شدّادِ بنِ أوسٍ: أنَّها بَعَثَتْ إلَى النَّبيِّ صلى الله عليه وآله بِقَدَحِ لَبَنٍ

۱. المائدة: ۴.
۲. المؤمنون: ۵۱.
۳. البقرة: ۱۶۸.
۴. غرر الحكم: ۶۱۳۱.

۹۳۶
خوردنِ حلال

قرآن:

«از تو می‌پرسند که چه چیز برای ایشان حلال شده است. بگو: چیزهای پاکیزه بر شما حلال شده است و [نیز خوردن صید] آن حیوان‌هایی که به آنها آنچه را که خدایتان آموخته است تعلیم داده باشید. از آن صید که برایتان می‌گیرند و نگه می‌دارند بخورید و نام خدا را بر آن بخوانید و از خدا بترسید که او سریع الحساب است».

«ای پیامبران! از پاکیزه‌ها بخورید و کار شایسته کنید، که من به آنچه می‌کنید دانا هستم».

«ای مردم! از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید و به دنبال شیطان نروید که او دشمن آشکار شماست».

حدیث:

۳۳۵۳. **امام علی** علیه السلام: بر تو باد استفاده از حلال و نیکی کردن به خانواده و به یاد خدا بودن در همه حال.

۳۳۵۴. **الدرّ المنثور**: اُمّ عبدالله، خواهر شدّاد بن اوس، کاسهٔ شیری برای افطار پیامبر صلی الله علیه و آله که روزه داشت، فرستاد. پیامبر، فرستادهٔ ام

عِند فِطْرِهِ وهُو صائمٌ، فَردَّ إلَيها رسولَها: أنّىٰ لكِ هذا اللَّبَنُ؟ قالتْ: مِن شاةٍ لي، فرَدَّ إلَيها رسولَها: أنّىٰ لكِ الشّاةُ؟ فقالت: اشْتَرَيْتُها مِن مالي. فشَرِبَ مِنهُ، فلمّا كانَ مِن الغَدِ أتَتْهُ أُمُّ عبدِ اللهِ فقالتْ: يا رسولَ اللهِ، بَعَثْتُ إلَيكَ بلَبَنٍ فردَدْتَ إلَيَّ الرَّسولَ فيهِ! فقالَ لَها: بذلكَ أُمِرَتِ الرُّسُلُ قَبْلي أنْ لا تَأكُلَ إلّا طَيِّباً ولا تَعْمَلَ إلّا صالِحاً.[1]

٩٣٧
صُعوبَةُ طَلَبِ الحَلالِ

٣٣٥٥. **الكافي** عن أبي جعفر الفَزاري: دَعا أبو عبدِاللهِ عليه السلام مَولىً لَهُ يقالُ لَه: مُصادِفٌ، فأعْطاهُ ألْفَ دِينارٍ وقالَ لَهُ: تَجَهَّزْ حتّىٰ تَخرُجَ إلىٰ مِصرَ، فإنَّ عِيالي قد كَثُروا... فلَمّا دنَوا مِن مِصرَ استَقْبلَتْهُم قافِلَةٌ... فأخْبَروهُم أنَّهُ لَيس بِمِصرَ مِنهُ شَيءٌ، فتَحالَفوا وتَعاقَدوا علىٰ أن لا يَنْقُصوا مَتاعَهُم مِن رِبحِ الدِّينارِ دِيناراً، فلَمّا قَبَضوا أموالَهُم وانْصَرَفوا إلَى المَدينَةِ، فدَخلَ مُصادِفٌ علىٰ أبي عبدِاللهِ عليه السلام ومَعَهُ كِيسانِ، في كُلِّ واحدٍ ألفُ دِينارٍ، فقالَ: جُعِلتُ فِداكَ هذا رأسُ المالِ، وهذا الآخَرُ

عبدالله را نزد او برگرداند که بپرسد، این شیر را از کجا آورده است. ام عبدالله پیغام فرستاد که: از میش خودم [دوشیده‌ام]. پیامبر صلی الله علیه و آله بار دیگر فرستادهٔ او را برگرداند که بپرسد میش را ازکجا آورده است؟ ام‌عبدالله جواب فرستاد که: از پول خودم آن را خریده‌ام. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله از آن شیر نوشید. فردای آن شب، ام عبدالله نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! برای شما شیر فرستادم و شما فرستادهٔ مرا برگرداندید و دربارهٔ آن شیر سؤال کردید؟ پیامبر فرمود: پیامبرانِ پیش از من، چنین دستور داشتند که جز خوراک حلال وپاکیزه نخورند و جز کار شایسته نکنند [و من نیز باید چنان باشم].

۹۳۷
دشواری به دست آوردن مال حلال

۳۳۵۵. **الكافي** ـ به نقل از ابو جعفر فزاری ـ: امام صادق علیه السلام غلام خود، مُصادِف را فرا خواند و هزار دینار به او داد و فرمود: آماده شو که [برای تجارت] به مصر بروی، چون عائله‌ام زیاد شده است... وقتی به مصر نزدیک شدند، کاروانی به استقبال آنها آمد... و به اطلاعشان رساندند که کالاهای آنها در مصر کمیاب است، و با هم پیمان بستندکه کالاهای خود را به کمتر از دو برابر خرید، نفروشند. پس از فروش کالا و گرفتن پول خود، به مدینه برگشتند. مصادف با دو کیسه، که در هریک هزار دینار بود، خدمت امام صادق علیه السلام رسید و

---

١. الدرّ المنثور: ١٠٢/٦.

رِبحٌ، فقالَ: إنّ هذا الرِّبحَ كثيرٌ، ولكنْ ما صَنَعْتَهُ في المَتاعِ؟ فحَدَّثَهُ كيفَ صَنَعوا وكيفَ تَحالَفوا، فقالَ: سُبحانَ اللهِ! تَحْلِفونَ علىٰ قَومٍ مُسلِمينَ ألّا تَبيعُوهُم إلّا رِبْحَ الدِّينارِ دِيناراً؟! ثُمّ أخَذَ أحدَ الكِيسَيْنِ فقالَ: هذا رأسُ مالي، ولا حاجةَ لنا في هذا الرِّبحِ. ثُمَّ قالَ: يا مُصادِفُ! مُجادَلَةُ السُّيوفِ أهْوَنُ من طَلَبِ الحَلالِ.[٢]

(انظر) التجارة: باب ٤٢٧.

٩٣٨

لا يَحِلُّ مالُ المُؤمِنِ إلّا بِطيبِ نَفسِهِ

الكتاب:

﴿يا أيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَأكُلُوا أمْوالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْباطِلِ إلّا أنْ تَكُونَ تِجارَةً عَنْ تَراضٍ مِنْكُمْ وَلا تَقْتُلُوا أنْفُسَكُمْ إنَّ اللهَ كانَ بِكُمْ رَحِيماً﴾.[٣]

الحديث:

٣٣٥٦. رسولُ اللهِ ﷺ ـ مِن خُطبَتِهِ في حَجَّةِ الوَداعِ ـ: أيُّها النّاسُ، إنّما المؤمنونَ إخْوَةٌ، ولا يَحِلُّ لِمؤمنٍ مالُ أخيهِ إلّا مِن طِيبِ نَفْسٍ مِنهُ.[٤]

عرض کرد: فدایت شوم! این کیسه اصل سرمایه است و این یکی سود آن. حضرت فرمود: این، سود زیادی است، با کالا چه کردی؟ مصادف برای امام توضیح داد که چه کردند و چگونه با هم عهد و پیمان بستند. حضرت فرمود: سبحان الله! علیه گروهی از مسلمانان هم‌پیمان می‌شوید که کالای خود را به آنان به کمتر از دو برابرِ خرید نفروشید؟ آنگاه یکی از دو کیسه را گرفت و فرمود: این سرمایهٔ من است و ما را به این سود نیازی نیست. آن گاه فرمود: ای مصادف! شمشیر زدن، آسانتر از به دست آوردن مال حلال است.

٩٣٨

استفاده از مال مؤمن، جز با رضایت او حلال نیست

قرآن:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به ناحق مخورید. مگر آن که تجارتی باشد که هردو طرف بدان رضایت داده باشید. و یکدیگر را مکشید. هرآینه خدا با شما مهربان است».

حدیث:

٣٣٥٦. پیامبر خدا ﷺ ـ در بخشی از خطبهٔ حجّة الوداع ـ فرمود: ای مردم! همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند و بر هیچ مؤمنی استفاده از مال برادرش روا نیست، مگر با رضایت خود او.

---

١. في التهذيب: ٧/١٣/٥٨ «مُجالَدَة» وهو الأنسب.
٢. الكافي: ٥/١٦١/١. ٣. النساء: ٢٩.
٤. بحار الأنوار: ٧٦/٣٥٠/١٣.

۳۳۵۷ . عنه ﷺ: حُرْمَةُ مالِ المسلمِ كحُرْمَةِ دمِهِ .[1]

۳۳۵۸ . عنه ﷺ: لا يَحِلُّ لامرئٍ مِن مالِ أخيهِ شيءٌ إلّا بطِيبِ نَفْسٍ مِنهُ[2] .[3]

۳۳۵۷ . **پیامبر خدا ﷺ**: حرمتِ مال مسلمان، همچون حرمت خون اوست .

۳۳۵۸ . **پیامبر خدا ﷺ**: برای هیچ کس، چیزی از مال برادرش روا نیست، مگر با رضایت خود او .[1]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱ . کنز العمّال: ۴۰۴ . ۲ . کنز العمّال: ۳۰۳۴۵ .

۳ . في معنى الحديث أحاديث كثيرة، انظر كنز العمّال: ۱۰ / ۶۳۷ وما بعده، و ج ۹۲/۱ .

۱ . به این مضمون احادیث فراوانی رسیده است .نگاه کنید به کنزالعمال: ۶۳۷/۱۰ به بعد، ۹۲/۱ .


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۲۸

الحِلمُ

بُردباری

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزید الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۳۹۷/۷۱ باب ۹۳ «الحلم والعفو وكظم الغيظ».

كنز العمّال: ۱۲۹/۳ «الحلم والأناة»، ۷۰۲۰.

انظر:

عنوان ۳۶۱ «العفو»، ۳۹۱ «الغضب».

السَّفَه: باب ۱۸۲۴، الغضب: باب ۳۰۳۰، المِراء: باب ۳۶۳۰.

۹۳۹
الحِلمُ

۳۴۵۹ . رسولُ اللهِ ﷺ: بُعِثْتُ للحِلْمِ مَرْكَزاً، وللعِلْمِ مَعْدِناً، وللصَّبرِ مَسْكَناً.[۱]

۳۴۶۰ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحِلْمُ سَجِيَّةٌ فاضِلَةٌ.[۲]

۳۴۶۱ . عنه ﷺ: الحِلمُ غِطاءٌ ساتِرٌ والعَقلُ حُسامٌ قاطِعٌ، فَاسْتُرْ خَلَلَ خُلُقِكَ بِحِلْمِكَ، وقاتِلْ هَواكَ بِعَقْلِكَ.[۳]

۳۴۶۲ . عنه ﷺ: الحِلمُ حِجابٌ مِنَ الآفاتِ.[۴]

۳۴۶۳ . عنه ﷺ: الحِلمُ رأسُ الرِّئاسَةِ.[۵]

۳۴۶۴ . عنه ﷺ: الحِلْمُ عَشِيرَةٌ.[۶]

۳۴۶۵ . عنه ﷺ: الحِلْمُ فِدامُ السَّفيهِ.[۷]

۳۴۶۶ . عنه ﷺ: الحِلمُ نورٌ جَوهَرُهُ العَقلُ.[۸]

۳۴۶۷ . عنه ﷺ: الحِلمُ تَمامُ العَقلِ.[۹]

۱ . بحار الأنوار: ۶۱/۴۲۳/۷۱.
۲ . بحار الأنوار: ۱۳/۳۹/۷۸. ۳ . نهج البلاغة: الحكمة ۴۲۴.
۴ . غرر الحكم (ترجمة محمّد علي الأنصاري): ۷۷۰.
۵ . غرر الحكم: ۷۷۱.
۶ . نهج البلاغة: الحكمة ۴۱۸، غرر الحكم: ۱۴۳.
۷ . غرر الحكم: ۹۹۴. ۸ . غرر الحكم: ۱۱۸۵.
۹ . غرر الحكم: ۱۰۵۵.

۹۳۹
بُردباری[۱]

۳۴۵۹ . **پیامبر خدا** ﷺ: من کانون بردباری و کان دانش و خانهٔ شکیبایی، بر انگیخته شدم.

۳۴۶۰ . **امام علی** ﷺ: بردباری، خصلتی ممتاز است.

۳۴۶۱ . **امام علی** ﷺ: بردباری، پرده‌ای پوشنده است، و خِرد، شمشیری بُرنده؛ پس، عیبهای اخلاقی خود را با بردباری بپوشان، و با خِردت، به جنگ با هوی و هوست برخیز.

۳۴۶۲ . **امام علی** ﷺ: بردباری، مانعی در برابر آفتهاست.

۳۴۶۳ . **امام علی** ﷺ: بردباری، رأس ریاست و سروری است.

۳۴۶۴ . **امام علی** ﷺ: بردباری، خود، ایل و قبیله‌ای است.

۳۴۶۵ . **امام علی** ﷺ: بردباری، پوزه‌بند نابخرد است.

۳۴۶۶ . **امام علی** ﷺ: بردباری، نوری است که جوهرهٔ آن خرد است.

۳۴۶۷ . **امام علی** ﷺ: بردباری، کمال خرد است.

۱ . حِلْم در لغت به معنای بردباری، تأنّی، خِرَدورزی و دانایی است و در مقابل «جهل»، «سَفَه» و سبکسری به کار می‌رود. توجه به این نکته در فهم بسیاری از احادیث، روشنگر و راهگشا خواهد بود ـ م.

۳۳۶۸ . عنه ﷺ: الحِلمُ نِظامُ أمْرِ الْمُؤمِنِ.[۱]

۳۳۶۹ . عنه ﷺ: لا عِزَّ أنفَعُ مِن الحِلمِ.[۲]

۳۳۷۰ . عنه ﷺ: لا عِزَّ أرفَعُ مِن الحِلمِ.[۳]

۳۳۷۱ . عنه ﷺ: تَعلَّموا الحِلمَ ؛ فإنّ الحِلمَ خليلُ المؤمنِ ووَزيرُهُ.[۴]

۳۳۷۲ . عنه ﷺ: كفىٰ بالحِلمِ وَقاراً.[۵]

۳۳۷۳ . عنه ﷺ: العَقلُ خليلُ المَرءِ، والحِلمُ وَزيرُهُ.[۶]

۳۳۷۴ . عنه ﷺ: وَجَدْتُ الحِلمَ والاحْتِمالَ أنصَرَ لي مِن شُجْعانِ الرِّجالِ.[۷]

۳۳۷۵ . عنه ﷺ: إنَّكَ مُقَوَّمٌ بأدبِكَ، فَزَيِّنْهُ بالحِلمِ.[۸]

۳۳۷۶ . عنه ﷺ: جَمالُ الرَّجُلِ حِلمُهُ.[۹]

۳۳۷۷ . عنه ﷺ: مَن غاظَكَ بقُبْحِ السَّفَهِ علَيكَ، فَغِظْهُ بحُسنِ الحِلمِ عَنهُ.[۱۰]

۳۳۷۸ . الإمامُ الحسينُ ﷺ: إنّ الحِلْمَ زِينَةٌ.[۱۱]

۳۳۷۹ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في صِفَةِ المؤمنِ ـ: لا

---

۱ . غرر الحكم: ۱۴۲۰ . ۲ . بحار الأنوار: ۱/۲۸۲/۷۷ .
۳ . الأمالي للصدوق: ۵۱۵/۳۹۹.
۴ . بحار الأنوار: ۱۴۰/۶۲/۷۸ .
۵ . غرر الحكم: ۷۰۲۶ . ۶ . بحار الأنوار: ۵۰/۴۱۹/۷۱.
۷ . غرر الحكم: ۱۰۱۳۹ . ۸ . غرر الحكم: ۳۸۱۳.
۹ . غرر الحكم: ۴۷۱۸ . ۱۰ . غرر الحكم: ۸۶۲۰.
۱۱ . بحار الأنوار: ۵/۱۲۲/۷۸.

۳۳۶۸ . امام علی ﷺ: بردباری، مایهٔ سامان یافتن کار مؤمن است.

۳۳۶۹ . امام علی ﷺ: عزّتی سودمندتر از بردباری نیست.

۳۳۷۰ . امام علی ﷺ: عزّتی والاتر از بردباری نیست.

۳۳۷۱ . امام علی ﷺ: بردباری را فراگیرید که بردباری دوست و دستیار مؤمن است.

۳۳۷۲ . امام علی ﷺ: برای وقار آدمی همان بردباری بس است.

۳۳۷۳ . امام علی ﷺ: خرد، دوست آدمی است و بردباری دستیار او.

۳۳۷۴ . امام علی ﷺ: بردباری و تحمّل را بیشتر از مردان شجاع، یاور خود یافتم.

۳۳۷۵ . امام علی ﷺ: تو به ادبت سنجیده می‌شوی؛ پس ادبت را با بردباری آذین کن.

۳۳۷۶ . امام علی ﷺ: زیبایی مرد، بردباری اوست.

۳۳۷۷ . امام علی ﷺ: هرکه با زشتیِ سبکسری، تو را خشمگین کرد، تو با زیباییِ بردباری او را به خشم آور.

۳۳۷۸ . امام حسین ﷺ: بردباری، زیور است.

۳۳۷۹ . امام صادق ﷺ ـ در وصف مؤمن ـ فرمود:

يُرىٰ في حِلمِهِ نَقْصٌ، ولا في رَأيِهِ وَهْنٌ.[١]

در بردباری او کاستی، و در اندیشه‌اش سستی دیده نمی‌شود.

٩٤٠
التَّحَلُّمُ

٣٣٨٠. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: إنْ لَم تَكُن حَليماً فَتَحَلَّمْ؛ فإنَّهُ قَلَّ مَن تَشبَّهَ بقَومٍ إلّا أوْشَكَ أنْ يكونَ مِنهُم.[٢]

٣٣٨١. عنه عليه السلام: خَيرُ الحِلمِ التَّحَلُّمُ.[٣]

٣٣٨٢. عنه عليه السلام: مَن لا يَتَحلَّمُ لا يَحْلُمُ.[٤]

٣٣٨٣. عنه عليه السلام: مَن تَحَلَّمَ حَلُمَ.[٥]

٣٣٨٤. عنه عليه السلام: قد يَتَزَيّنُ بالحِلمِ غَيرُ الحَليمِ.[٦]

٣٣٨٥. عنه عليه السلام: مِن أحسَنِ أفعالِ القادِرِ أن يَغضَبَ فيَحلُمَ.[٧]

٣٣٨٦. الإمامُ الصّادقُ عليه السلام: إذا لَم تَكُن حَليماً فتَحَلَّمْ.[٨]

٩٤٠
تمرين بردباری

٣٣٨٠. **امام علی** عليه السلام: اگر بردبار نیستی، وانمود کن که بردباری؛ زیرا کمتر کسی است که خود را شبیه گروهی کند و بزودی یکی از آنان نشود.

٣٣٨١. **امام علی** عليه السلام: بهترین بردباری، واداشتن خود به بردباری است.

٣٣٨٢. **امام علی** عليه السلام: کسی که خود را به بردباری وادار نکند، بردبار نشود.

٣٣٨٣. **امام علی** عليه السلام: هرکه خود را به بردباری زند، بردبار شود.

٣٣٨٤. **امام علی** عليه السلام: گاه باشد که انسانِ غیر بردبار جامهٔ بردباری پوشد.

٣٣٨٥. **امام علی** عليه السلام: از بهترین کارهای انسان قدرتمند این است که چون خشمگین شود بردباری ورزد.

٣٣٨٦. **امام صادق** عليه السلام: اگر بردبار نیستی، خود را به بردباری وادار.

٩٤١
فَضلُ الحَليمِ

الكتاب:

﴿إنَّ إبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أوّاهٌ مُنِيبٌ﴾.[٩]

٩٤١
فضیلتِ بردبار

قرآن:

«همانا ابراهیم بردبار و نرمدل و فرمانبردار است».

---

١. الخصال: ٢/٥٧١.
٢. نهج البلاغة: الحكمة ٢٠٧.
٣. غرر الحكم: ٤٩٦٥.
٤. بحار الأنوار: ١/٢٨٣/٧٧.
٥. غرر الحكم: ٧٦٥٥.
٦. غرر الحكم: ٦٦٥٤.
٧. غرر الحكم: ٩٣٢٢.
٨. الكافي: ٦/١١٢/٢.
٩. هود: ٧٥.

الحديث:

٣٣٨٧ . رسولُ‌اللهِ ﷺ: كادَ الحَليمُ أنْ يَكونَ نَبِيّاً .[١]

٣٣٨٨ . الإمامُ عليٌّ ؈ ـ وقد سُئِلَ عن أقوىٰ الخَلقِ ـ : الحليمُ .[٢]

٣٣٨٩ . الإمامُ الرِّضا ؈: لا يَكونُ الرَّجُلُ عابِداً حتّىٰ يكونَ حَليماً .[٣]

٩٣٢
ما يورِثُ الحِلمَ

٣٣٩٠ . الإمامُ عليٌّ ؈: بِوُفورِ العقلِ يَتوفَّرُ الحِلمُ .[٤]

٣٣٩١ . عنه ؈: لايَكونُ حَليماً حتّىٰ يكونَ وَقوراً .[٥]

٣٣٩٢ . عنه ؈: علَيكَ بالحِلمِ ؛ فإنَّهُ ثمَرَةُ العِلمِ .[٦]

٣٣٩٣ . عنه ؈: الحِلمُ والأناةُ تَوْأمانِ يُنْتِجُهما عُلُوُّ الهِمَّةِ .[٧]

٩٣٣
ثَمَراتُ الحِلمِ

٣٣٩٤ . رسولُ اللهِ ﷺ: فأمّا الحِلمُ فمِنهُ رُكوبُ الجَميلِ، وصُحبَةُ الأبرارِ، ورَفْعٌ مِن

١ . بحار الأنوار: ٦١/٧٠/٤٣ .
٢ . بحار الأنوار: ١/٣٧٨/٧٧ .
٣ . الكافي: ١/١١١/٢ .
٤ . غرر الحكم: ٤٢٧٤ .
٥ . بحار الأنوار: ٦٤/٨/٧٨ .
٦ . غرر الحكم: ٦٠٨٤ .
٧ . نهج البلاغة: الحكمة ٤٦٠ .

حدیث:

٣٣٨٧ . **پیامبر خدا** ﷺ: آدم بردبار به پیامبری نزدیک است .

٣٣٨٨ . **امام علی** ؈ ـ در پاسخ به این پرسش که نیرومندترین آفریدگان کیست ؟ ـ فرمود: بردبار .

٣٣٨٩ . **امام رضا** ؈: آدمی عابد نباشد، مگر آن که بردبار باشد .

٩٣٢
آنچه بردباری می‌آورد

٣٣٩٠ . **امام علی** ؈: با زیاد شدن عقل بردباری زیاد می‌شود .

٣٣٩١ . **امام علی** ؈: آدمی بردبار نباشد، مگر آن گاه که با وقار باشد .

٣٣٩٢ . **امام علی** ؈: برتو باد بردباری، زیرا که ثمرهٔ دانایی است .

٣٣٩٣ . **امام علی** ؈: بردباری و وقار دو همزادند که مولود بلندهمّتی هستند .

٩٣٣
ثمرات بردباری

٣٣٩٤ . **پیامبر خدا** ﷺ: از بردباری است: آراسته شدن به خوبیها، همنشینی با نیکان،

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الضَّعَةِ، ورَفْعٌ مِن الخَساسَةِ، وتَشَهّي الخَيرِ، وتَقَرُّبُ صاحِبِه مِن مَعالي الدَّرَجاتِ، والعَفوُ، والمَهلُ، والمَعروفُ، والصَّمتُ، فهذا ما يَتَشَعَّبُ للعاقلِ بحِلمِهِ.[۱]

ارجمند شدن، عزیز گشتن، رغبت به نیکی، نزدیک شدنِ بردبار به درجات عالی، گذشت، آرامش و تأنّی، احسان و خاموشی و این است آنچه برای خردمند بردباریش حاصل شود.

۳۳۹۵ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن حَلُمَ سادَ.[۲]

۳۳۹۵ . **امام علی** ﷺ: هر که بردبار باشد، آقایی کند.

۳۳۹۶ . عنه ﷺ: السِّلْمُ ثمرة الحلمِ.[۳]

۳۳۹۶ . **امام علی** ﷺ: صلح و آشتی، میوهٔ بردباری است.

۳۳۹۷ . عنه ﷺ: الحِلْمُ حِليةُ العِلمِ، وعِلَّةُ السِّلمِ.[۴]

۳۳۹۷ . **امام علی** ﷺ: بردباری، زینت دانش است و ریشهٔ صلح و آشتی.

۳۳۹۸ . عنه ﷺ: مَن حَلُمَ عن عَدُوِّهِ ظَفِرَ بِهِ.[۵]

۳۳۹۸ . **امام علی** ﷺ: آن که در برابر دشمنش بردباری نشان دهد بر او پیروز شود.

۳۳۹۹ . عنه ﷺ: الحِلمُ يُطفِئُ نارَ الغَضَبِ، والحِدَّةُ تُؤَجِّجُ إحْراقَهُ.[۶]

۳۳۹۹ . **امام علی** ﷺ: بردباری، آتش خشم را فرو می‌نشاند و تندی، شعلهٔ آن را فروزان می‌کند.

۳۵۰۰ . عنه ﷺ: إنَّ أوّلَ عِوَضِ الحَليمِ مِن حِلمِهِ، أنَّ الناسَ أعْوانُهُ علىٰ الجاهِلِ.[۷]

۳۵۰۰ . **امام علی** ﷺ: نخستین عوضی که بردبار از این خصلت خود می‌گیرد، این است که مردم در برابر نادان به یاری او بر می‌خیزند.

۳۵۰۱ . عنه ﷺ: مَنِ اسْتَعانَ بالحِلمِ علَيكَ غَلَبَكَ وتَفَضَّلَ علَيكَ.[۸]

۳۵۰۱ . **امام علی** ﷺ: آن که در برابر تو، از بردباری مدد جوید، بر تو چیره شود و برتری یابد.

۳۵۰۲ . عنه ﷺ: بالحِلمِ تَكثُرُ الأنْصارُ.[۹]

۳۵۰۲ . **امام علی** ﷺ: با بردباری است که یاران زیاد می‌شوند.

۳۵۰۳ . عنه ﷺ: بالحِلمِ عنِ السَّفيهِ يَكثُرُ الأنْصارُ علَيهِ.[۱۰]

۳۵۰۳ . **امام علی** ﷺ: بردباری کردن در برابر نادان، یاران انسان را بر ضد نادان زیاد می‌کند.

---

۱ . تحف العقول: ۱۶.
۲ . بحار الأنوار: ۱/۲۰۸/۷۷.
۳ . غرر الحكم: ۹۰۱.
۴ . غرر الحكم: ۱۳۳۶.
۵ . كنز الفوائد: ۳۱۹/۱.
۶ . غرر الحكم: ۲۰۶۳.
۷ . جامع الأخبار: ۸۹۶/۳۱۹.
۸ . غرر الحكم: ۹۱۳۲.
۹ . غرر الحكم: ۴۱۸۵.
۱۰ . نهج البلاغة: الحكمة ۲۲۴.

۳۵۰۴ . عنه ﷺ: الحِلمُ عِندَ شِدَّةِ الغَضَبِ يُؤمِنُ غَضَبَ الجَبّارِ.[۱]

۳۵۰۵ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: يَظفَرُ مَن يَحلُمُ.[۲]

۳۵۰۶ . عنه ﷺ: كفىٰ بالحِلمِ ناصِراً.[۳]

۹۴۴
تَفسيرُ الحِلمِ

۳۵۰۷ . رسولُ اللهِ ﷺ: ليسَ بحَليمٍ مَن لَم يُعاشِرْ بالمَعروفِ مَن لابُدَّ لَهُ مِن مُعاشَرَتِهِ حَتّى يَجعَلَ اللهُ لَهُ مِن ذٰلِكَ مَخرَجاً.[۴]

۳۵۰۸ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: لَيسَ الحَليمُ مَن عَجَزَ فهَجَمَ وإذا قَدَرَ انتَقَمَ، إنَّمَا الحَليمُ مَن إذا قَدَرَ عفا، وكانَ الحِلمُ غالباً علىٰ كُلِّ أمْرِهِ.[۵]

۳۵۰۹ . عنه ﷺ: لا حِلمَ كالصَّبرِ والصَّمتِ.[۶]

۳۵۱۰ . عنه ﷺ: كَمالُ العِلمِ الحِلمُ، وكَمالُ الحِلمِ كَثرَةُ الاحتِمالِ والكَظمِ.[۷]

۳۵۱۱ . عنه ﷺ: الحَليمُ مَنِ احتَمَلَ إخوانَهُ.[۸]

۳۵۱۲ . عنه ﷺ: الحَليمُ الّذي لا يَشُقُّ علَيهِ مُؤنَةُ الحِلمِ.[۹]

۱ . غرر الحكم: ۱۷۷۶ .
۲ . بحار الأنوار: ۱۰۹/۲۶۹/۷۸ .
۳ . الكافي: ۶/۱۱۲/۲ .
۴ . كنز العمّال: ۵۸۱۵ .
۵ . غرر الحكم: ۷۵۲۹ .
۶ . بحار الأنوار: ۱/۲۸۲/۷۷ .
۷ . غرر الحكم: ۷۲۳۱ .
۸ . غرر الحكم: ۱۱۱۱ .
۹ . غرر الحكم: ۱۳۰۴ .

۳۵۰۴ . **امام علی** ﷺ: بردباری کردن در اوج خشم، آدمی را از خشم [خدای] جبّار در امان می‌دارد.

۳۵۰۵ . **امام صادق** ﷺ: هر که بردبار باشد، پیروز می‌شود.

۳۵۰۶ . **امام صادق** ﷺ: بردباری، بهترین یاور است.

۹۴۴
تفسیر بردباری

۳۵۰۷ . **پیامبر خدا** ﷺ: بردبار نیست آن که با کسی که چاره‌ای از معاشرت با او ندارد، به نیکی معاشرت نکند، تا این که خداوند برای او راه گریزی از معاشرت با وی فراهم آورد.

۳۵۰۸ . **امام علی** ﷺ: بردبار نیست کسی که چون ناتوان شود هجوم برد و چون قدرت یابد انتقام کشد، بلکه بردبار کسی است که قدرت [انتقام] داشته باشد، اما گذشت کند و بردباری بر تمامی امور او غالب باشد.

۳۵۰۹ . **امام علی** ﷺ: هیچ بردباریی چون شکیبایی و خاموشی نیست.

۳۵۱۰ . **امام علی** ﷺ: کمال دانش بردباری است، و کمال بردباری به تحمّل فراوان و فروخوردن خشم.

۳۵۱۱ . **امام علی** ﷺ: بردبار کسی است که برادران خود را تحمل کند.

۳۵۱۲ . **امام علی** ﷺ: بردبار کسی است که سختیِ بردباری بر او گران نیاید.

۳۵۱۳ . الإمامُ الحسنُ ﷺ ـ وقد سُئلَ عنِ الحِلْمِ ـ : كَظْمُ الغَيظِ ومِلْكُ النَّفْسِ .[۱]

۳۵۱۳ . **امام حسن** ﷺ ـ در پاسخ به پرسش از معنای بردباری ـ فرمود: فرو خوردن خشم و خویشتنداری.

۳۵۱۴ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: لَيس الحَليمُ الَّذي لا يَتَّقي أحَداً في مكانِ التَّقوىٰ .[۲]

۳۵۱۴ . **امام باقر** ﷺ: بردبار نیست آن که از هیچ کس، در جایی که باید ترسید، نترسد.

۳۵۱۵ . مصباح الشريعة ـ فيما نسبه إلى الإمام الصّادق ﷺ ـ : الحِلمُ سِراجُ اللهِ ... والحِلمُ يَدورُ علىٰ خَمسَةِ أوْجُهٍ : أنْ يكونَ عزيزاً فَيذِلَّ ، أو يَكونَ صادقاً فيُتَّهَمَ ، أو يَدْعوَ إلىٰ الحقِّ فيُسْتَخَفَّ بهِ ، أو أنْ يُؤذىٰ بلا جُرمٍ ، أو أنْ يُطالِبَ بالحقِّ ويُخالِفوهُ فيهِ ، فإن آتَيتَ كُلّاً مِنها حَقَّهُ فَقَد أصَبْتَ .[۳]

۳۵۱۵ . **مصباح الشريعة** ـ در آنچه به امام صادق ﷺ نسبت داده است ـ : بردباری، چراغ خداست ... بردباری پنج صورت دارد : کسی که عزیز باشد و خوار شود ، یا درستکار باشد و تهمت زده شود ، یا به حقّ دعوت کند و به سبب آن تحقیر و توهین شود، یا بدون آن که گناهی کرده باشد آزار بیند، یا خواهان حقّ شود، اما مردم با او مخالفت ورزند ؛ اگر حقّ هریک از این پنج مورد را ادا کردی، بردبار هستی.

۹۴۵
الحِلمُ وَالعِلمُ

۹۴۵
بردباری و دانش

الكتاب:

﴿وَاللهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ﴾ .[۴]

قرآن:

«و خداوند دانا و بردبار است».

الحديث:

۳۵۱۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: والَّذي نَفْسي بِيَدِهِ ، ما جُمِعَ شَيءٌ إلىٰ شَيءٍ أفضَلَ مِن حِلمٍ إلىٰ عِلمٍ .[۵]

حديث:

۳۵۱۶ . **پیامبر خدا** ﷺ: سوگند به آن که جانم در دست اوست، چیزی با چیزی جمع نشد که بهتر از جمع علم و حلم باشد.

---

۱ . بحار الأنوار : ۲/۱۰۲/۷۸ .
۲ . الكافي : ۱۶/۵۵/۸ .
۳ . مصباح الشريعة : ۳۱۶ .
۴ . النساء : ۱۲ .
۵ . الخصال : ۱۱/۵ .

۳۵۱۷ . عنه ﷺ: ما أُضيفَ شَيءٌ إلىٰ شَيءٍ أفضَلَ مِن حِلمٍ إلىٰ عِلمٍ.[۱]

۳۵۱۷ . **پیامبر خدا ﷺ**: هیچ گاه چیزی به چیزی دیگر افزوده نشد که بهتر و زیبنده‌تر از افزوده شدن بردباری به دانش باشد.

۳۵۱۸ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: لَن يُثمِرَ العِلمُ حتّىٰ يُقارِنَهُ الحِلمُ.[۲]

۳۵۱۸ . **امام علی ﷺ**: دانش، تا با بردباری قرین نشود، هرگز به بار ننشیند.

۳۵۱۹ . عنه ﷺ: العِلمُ أصلُ الحِلمِ، الحِلمُ زينَةُ العِلمِ.[۳]

۳۵۱۹ . **امام علی ﷺ**: دانش، ریشهٔ بردباری است؛ [و] بردباری زیور دانش.

۳۵۲۰ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: الحِلمُ لِباسُ العالِمِ، فلا تَعْرَيَنَّ مِنهُ.[۴]

۳۵۲۰ . **امام باقر ﷺ**: بردباری، جامهٔ دانشمند است؛ پس هرگز خود را از این جامه برهنه مساز.

۳۵۲۱ . عنه ﷺ: ما شِيبَ شَيءٌ بشَيءٍ أحسَنَ مِن حِلمٍ بعِلمٍ.[۵]

۳۵۲۱ . **امام باقر ﷺ**: هرگز دو چیز با هم آمیخته نشدند که بهتر از آمیخته شدن دانش و بردباری باشند.

۳۵۲۲ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: عليكَ بالحِلمِ فإنّهُ رُكنُ العِلمِ.[۶]

۳۵۲۲ . **امام صادق ﷺ**: بر تو باد بردباری، که آن رکن دانش است.

۳۵۲۳ . عنه ﷺ: المؤمنُ لَهُ قُوَّةٌ في دينٍ ... وعِلمٌ في حِلمٍ.[۷]

۳۵۲۳ . **امام صادق ﷺ**: مؤمن در دین خود قوی است ... و دانش را با بردباری در آمیخته است.

۹۴۶
الحِلمُ عِندَ الغَضَبِ

۳۵۲۴ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: حَسْبُ المَرءِ ... مِن حِلْمِهِ

۹۴۶
بردباری هنگام خشم

۳۵۲۴ . **امام علی ﷺ**: ... در بردباری آدمی همین بس که چون با مخالفتی رو به رو شود،

---

۱ . كنز العمّال: ۵۸۲۹. ۲ . غرر الحكم: ۷۴۱۱.
۳ . غرر الحكم: ۱۰۰۳ـ۱۰۰۴.
۴ . الكافي: ۱۶/۵۵/۸. ۵ . بحار الأنوار: ۲/۱۷۲/۷۸.
۶ . الأمالي للصدوق: ۹۷۸/۷۱۱.
۷ . الكافي: ۲ / ۲۳۱ / ۴.

تَرْكُهُ الغَضبَ عِند مُخالَفَتِهِ.[۱]

۳۵۲۵ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: إنَّهُ لَيُعْجِبُني الرَّجُلُ أنْ يُدرِكَهُ حِلمُهُ عِندَ غَضَبِهِ.[۲]

خشم خویش را نگه دارد.

۳۵۲۵ . امام زین العابدین ﷺ: من از مردی که هنگام خشم بردباری کند، خوشم می‌آید.

۳۵۲۶ . لقمانُ ﷺ: لا يُعْرَفُ الحَليمُ إلّا عِندَ الغَضَبِ.[۳]

۳۵۲۶ . لقمان ﷺ: بردبار، جز هنگام خشم شناخته نشود.

۹۴۷
أحلَمُ النّاسِ

۹۴۷
بردبارترین مردم

۳۵۲۷ . رسولُ اللهِ ﷺ: أحلَمُ النّاسِ مَن فَرَّ مِن جُهّالِ النّاسِ.[۴]

۳۵۲۷ . پیامبر خدا ﷺ: بردبارترین مردم کسی است که از مردمان نابخرد بگریزد.

۳۵۲۸ . الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ لمّا سُئلَ عن أحلَمِ النّاسِ ـ: الَّذي لا يَغْضَبُ.[۵]

۳۵۲۸ . امام علی ﷺ ـ در پاسخ به پرسش از بردبارترین مردم ـ فرمود: کسی که خشمگین نمی‌شود.

۳۵۲۹ . عنه ﷺ: أفضَلُ الحِلمِ كَظْمُ الغَيظِ ومِلْكُ النَّفسِ مَعَ القُدْرَةِ.[۶]

۳۵۲۹ . امام علی ﷺ: برترین بردباری، فرو خوردن خشم و خویشتنداری در هنگام توانایی [بر گرفتن انتقام] است.

۳۵۳۰ . عنه ﷺ: أحْياكُم أحْلَمُكُم.[۷]

۳۵۳۰ . امام علی ﷺ: باحیاترین شما، بردبارترین شماست.

۹۴۸
آفَةُ الحِلمِ

۹۴۸
آفت بردباری

۳۵۳۱ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: آفَةُ الحِلمِ الذُّلُّ.[۸]

۳۵۳۱ . امام علی ﷺ: آفتِ بردباری، خواری است.

---

۱ . بحار الأنوار: ۶۶/۸۰/۷۸.
۲ . الكافي: ۳/۱۱۲/۲.
۳ . بحار الأنوار: ۲۱/۱۷۸/۷۴.
۴ . الأمالي للصدوق: ۴۱/۷۳.
۵ . الأمالي للصدوق: ۶۴۴/۴۷۸.
۶ . غرر الحكم: ۳۱۸۳.
۷ . غرر الحكم: ۲۸۳۳.
۸ . غرر الحكم: ۳۹۴۰.

۴۵۳۲ . عنه ﷺ: إذا كانَ الحِلمُ مَفْسَدةً كانَ العَفوُ مَعْجَزَةً.[۱]

۴۵۳۲ . امام علی ﷺ: آن جا که بردباری تباهی آورد، گذشت و عفو نشانگر ناتوانی است.

۹۳۹
حِلمُ اللهِ سُبحانَهُ

بردباری خداوند سبحان

الكتاب:

﴿يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَسأَلُوا عَنْ أَشياءَ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَإِنْ تَسأَلُوا عَنْها حِينَ يُنَزَّلُ القُرآنُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا اللهُ عَنْها وَاللهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾.[۲]

قرآن:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهایی مپرسید که چون آشکار شوند اندوهگینتان می‌کنند و اگر سؤال از آنها را تا به هنگام نزول قرآن واگذارید، برایتان آشکار خواهد شد. خدا از آنها عفو کرده است که خدا آمرزنده و بردبار است».

﴿قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذىً وَاللهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ﴾.[۳]

«گفتار نیکو و بخشایش، بهتر از صدقه‌ای است که آزاری به دنبال داشته باشد. و خدا بی‌نیاز و بردبار است».

﴿إِنْ تُقْرِضُوا اللهَ قَرْضاً حَسَناً يُضاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴾.[۴]

«و اگر به خدا وامی نیکو دهید برایتان دو برابرش خواهد کرد. و شما را می‌آمرزد که خدا قدردان و بردبار است».

الحديث:

حدیث:

۴۵۳۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: إنّ حِلمَ اللهِ تعالىٰ علىٰ المَعاصي جَرَّأَكَ، وَبِهَلَكَةِ نَفْسِكَ أَغْراكَ.[۵]

۴۵۳۳ . امام علی ﷺ: همانا بردباری خداوند متعال تو را به ارتکاب گناهان جسور کرده و به نابودی و به هلاکت در افکندن خودت ترغیب نموده است.

۴۵۳۴ . عنه ﷺ ـ في دُعائِهِ ـ: الحَمدُ للهِ الَّذي يَحلُمُ عَنّي حَتّىٰ كأَنَّني لا ذَنبَ لي![۶]

۴۵۳۴ . امام علی ﷺ ـ در دعا ـ گفت: ستایش خدایی را که در برابر من گذشت و بردباری نشان می‌دهد، چنان که گویی مرا هیچ گناهی نیست.

---

۱. غرر الحكم: ۴۱۷۸.
۲. المائدة: ۱۰۱.
۳. البقرة: ۲۶۳.
۴. التغابن: ۱۷.
۵. غرر الحكم: ۳۴۶۷.
۶. بحار الأنوار: ۳/۱۹۳/۹۷.

۹۵۰
النَّوادِرُ

۴۵۳۵ . رسولُ اللهِ ﷺ: بَسْطُ الوَجْهِ زِينَةُ الحِلْمِ.[۱]

۴۵۳۶ . الإمامُ الصّادقُ ؑ: لابُـدَّ ... للـحَليمِ مِـن هَفْوَةٍ.[۲]

۹۵۰
گوناگون

۴۵۳۵ . **پیامبر خدا** ﷺ: گشـــاده رویـی، زیـور بردباری است.

۴۵۳۶ . **امام صادق** ؑ:... شخص بردبار نیز دچار لغزش می‌شود.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱ . جامع الأخبار : ۹۴۷/۳۳۷ .

۲ . بحار الأنوار : ۱۸/۲۳۰/۷۸ .

۱۲۹

الحمد

ستایش

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۹۵۱
الحَمدُ لِلّهِ

الكتاب:

﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً﴾.[۱]

﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَها وَما رَبُّكَ بِغافِلٍ عَمّا تَعْمَلُونَ﴾.[۲]

﴿وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّماوَاتِ وَالأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لا يَعْلَمُونَ﴾.[۳]

﴿وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَحْيَا بِهِ الأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِها لَيَقُولُنَّ اللهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لا يَعْقِلُونَ﴾.[۴]

الحديث:

۳۵۳۷. رسولُ اللهِ ﷺ: كُلُّ أَمْرٍ ذي بالٍ لا يُبْدأُ فيهِ بِحَمدِ اللهِ فَهُوَ أَقْطَعُ.[۵]

۳۵۳۸. الإمامُ عليٌّ ؈: لا يَحْمَدْ حامِدٌ إلّا ربَّهُ،

۱. الإسراء: ۱۱۱.
۲. النمل: ۹۳.
۳. لقمان: ۲۵.
۴. العنكبوت: ۶۳.
۵. الدرّ المنثور: ۳۲/۱.

۹۵۱
ستایش از آنِ خداست

قرآن:

«بگو: ستایش از آن خدایی است که فرزندی ندارد و او را شریکی در ملکش نیست و به مذلت نیفتد که به یاری محتاج شود. پس او را تکبیر گوی، تکبیری شایسته».

«بگو: ستایش خدا راست. بزودی آیات خود را به شما خواهد نمود تا آنها را بشناسید. و پروردگار تو از آنچه می‌کنید بی خبر نیست».

«اگر از آنها بپرسی که چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟ هر آینه گویند: خدا. بگو: ستایش از آن خداست؛ اما بیشتر آنها نمی‌دانند».

«اگر از آنان بپرسی که چه کسی از آسمان باران فرستاد و به وسیلهٔ آن زمین مرده را زنده کرد؟ هر آینه گویند: خدا. بگو: ستایش از آن خداست؛ اما اکثر آنان نمی‌فهمند».

حدیث:

۳۵۳۷. پیامبر خدا ﷺ: هرکار مهمی که با ستایش خداوند آغاز نشود، به سرانجام نرسد.

۳۵۳۸. امام علی ؈: هیچ ستاینده‌ای جز پروردگار

ولا يَلُمْ لائمٌ إلّا نَفْسَهُ.[1]

خویش را نستاید و هیچ نکوهشگری جز خود را نکوهش نکند.

۳۵۳۹. عنه ﷺ ـ في خُطبةِ يَومِ الجُمُعةِ ـ: الحَمدُ للهِ أحقُّ مَن خُشِيَ وحُمِدَ، وأفضَلُ مَنِ اتُّقِيَ وعُبِدَ، وأولىٰ مَن عُظِّمَ ومُجِّدَ. نَحمَدُهُ لعَظيمِ غَنائِهِ، وجَزيلِ عَطائِهِ، وتَظاهُرِ نَعْمائِهِ، وحُسْنِ بَلائِهِ.[2]

۳۵۳۹. امام علی ﷺ ـ در خطبهٔ روز جمعه ـ فرمود: ستایش از آنِ خدایی است که سزاوارترین کسی است که از او بهراسند و ستایشش کنند و برترین کسی است که از او پرواشود و بندگیش کنند و شایسته‌ترین کس به تعظیم و تمجید است. او را بر کمال بی نیازیش و عطای فراوانش و نعمتهای آشکارش و آزمایش نیکویش می‌ستاییم.

۳۵۴۰. عنه ﷺ: الحَمدُ للهِ الَّذي جَعَلَ الحَمدَ مِفتاحاً لذِكْرِهِ، وسَبَباً للمَزيدِ مِن فَضْلِهِ، ودَليلاً علىٰ آلائِهِ وعَظَمَتِهِ.[3]

۳۵۴۰. امام علی ﷺ: ستایش از آن خدایی است که ستایش را کلید یاد خود و مایهٔ فزونی فضل و نعمتش و رهنمایِ نعمتها و عظمت خویش قرار داد.

۹۵۲
الحَمدُ لِلّهِ علىٰ كُلِّ حالٍ

۹۵۲
ستودن خدا در همه حال

۳۵۴۱. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: كانَ رسولُ اللهِ ﷺ إذا وَرَدَ عَلَيهِ أمرٌ يَسُرُّهُ قالَ: الحَمدُ للهِ علىٰ هٰذِهِ النِّعمَةِ. وإذا وَرَدَ عَلَيهِ أمرٌ يَغْتَمُّ بِهِ قالَ: الحَمدُ للهِ علىٰ كُلِّ حالٍ.[4]

۳۵۴۱. امام صادق ﷺ: پیامبر خدا ﷺ هرگاه از چیزی خوشحال می‌شد می‌فرمود: «الحمدلله علی هذه النعمة (خدا را بر این نعمت سپاس)». و هرگاه امر ناراحت کننده‌ای به ایشان می‌رسید می‌فرمود: «الحمدلله علی کلّ حال (خدا در هر حال ستودنی است)».

---

۱. غرر الحكم: ۱۰۱۵۰ و ۱۰۱۵۲.
۲. الكافي: ۱۹۴/۱۷۵/۸. ۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۷.
۴. الكافي: ۱۹/۹۷/۲.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١٣٠

الحُمق

حماقت

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

شرح نهج البلاغة: ١٨/١٥٩، ١٦٧، وأقوال وحكايات حول الحمقى.

انظر:

العقل: باب ٢٧٤٠، الحياء: باب ٩٩٣، الرزق: باب ١٤٨٥.

الرضاع: باب ١٥١٥، عنوان ٤٧٧ «اللهو».

۹۵۳
ذَمُّ الحُمقِ

۳۵۴۲ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحُمْقُ أدْوَأُ الدّاءِ.[۱]

۳۵۴۳ . عنه ﷺ: الحُمقُ داءٌ لا يُداوىٰ، ومَرَضٌ لا يَبْرأُ.[۲]

۳۵۴۴ . عنه ﷺ: الحُمقُ أضَرُّ الأصْحابِ.[۳]

۳۵۴۵ . عنه ﷺ: الحُمقُ شَقاءٌ.[۴]

۳۵۴۶ . عنه ﷺ: الحُمقُ في الوطَنِ غُربَةٌ.[۵]

۳۵۴۷ . عنه ﷺ: الأحمَقُ غريبٌ في بَلْدَتِهِ، مُهانٌ بَينَ أعِزّتِهِ.[۶]

۳۵۴۸ . عنه ﷺ: أضَرُّ شَيءٍ الحُمْقُ.[۷]

۳۵۴۹ . عنه ﷺ: أفْقَرُ الفَقرِ الحُمْقُ.[۸]

۳۵۵۰ . عنه ﷺ: فَقْرُ الحُمقِ لا يُغْنيهِ المالُ.[۹]

۳۵۵۱ . عنه ﷺ: ما العَدُوُّ إلىٰ عَدُوِّهِ أسْوأَ تَضْييعاً مِن الأحمَقِ إلىٰ نَفْسِهِ.[۱۰]

---

۱. غرر الحكم: ۶۸۷.
۲. غرر الحكم: ۱۷۹۳.
۳. غرر الحكم: ۵۰۰.
۴. غرر الحكم: ۲۰۷.
۵. غرر الحكم: ۱۲۹۲.
۶. غرر الحكم: ۱۷۲۸.
۷. غرر الحكم: ۲۸۸۴.
۸. غرر الحكم: ۲۸۴۹.
۹. غرر الحكم: ۶۵۴۹.
۱۰. نهج السعادة: ۲۲۵/۳.

۹۵۳
نکوهش حماقت

۳۵۴۲ . **امام علی**ﷺ: بی‌خردی، بدترین درد است.

۳۵۴۳ . **امام علی**ﷺ: بی‌خردی، دردی بی درمان و مرضی لاعلاج است.

۳۵۴۴ . **امام علی**ﷺ: بی‌خردی، زیانبارترین همنشین است.

۳۵۴۵ . **امام علی**ﷺ: بی‌خردی، بدبختی است.

۳۵۴۶ . **امام علی**ﷺ: بی‌خردی، غریب بودن در وطن است.

۳۵۴۷ . **امام علی**ﷺ: بی‌خرد حتّی در شهر خود غریب است و در میان عزیزانش، خوار.

۳۵۴۸ . **امام علی**ﷺ: زیانبارترین چیز، بی‌خردی است.

۳۵۴۹ . **امام علی**ﷺ: بدترین فقر، بی‌خردی است.

۳۵۵۰ . **امام علی**ﷺ: فقرِ بی‌خردی را ثروت برطرف نمی‌کند.

۳۵۵۱ . **امام علی**ﷺ: زیانی که بی‌خرد به خود می‌زند دشمن به دشمنش نمی‌زند.

۹۵۴
صِفاتُ الأحمَقِ

۴۵۵۲ . عيسى ﷺ ـ لَمّا سُئلَ عنِ الأحمَقِ ـ : المُعجَبُ برأيِهِ ونَفْسِهِ، الّذي يَرىٰ الفَضلَ كُلَّهُ لَه لا عليه، ويُوجِبُ الحقَّ كُلَّهُ لنَفْسِهِ ولا يُوجِبُ عليها حقّاً، فذاكَ الأحمَقُ الّذي لا حِيلةَ في مُداواتِه.[1]

۴۵۵۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الأحمَقُ إنِ استُنبِهَ بجَميلٍ غَفَلَ، وإن استُنْزِلَ عن حَسَنٍ نَزَلَ، وإن حُمِلَ علىٰ جَهْلٍ جَهِلَ، وإنْ حَدّثَ كَذبَ، لا يَفْقَهُ، وإنْ فَقِّهَ لا يَتَفَقّه.[2]

۴۵۵۴ . عنه ﷺ: مَن نَظرَ في عُيوبِ النّاسِ فأنكَرَها ثُمّ رَضِيَها لِنَفْسِهِ فذلكَ الأحمَقُ بعَينِهِ.[3]

۴۵۵۵ . عنه ﷺ: تُعرفُ حَماقَةُ الرَّجُلِ بالأشَرِ في النِّعمَةِ، وكَثْرَةِ الذُّلِّ في المِحْنَةِ.[4]

۴۵۵۶ . عنه ﷺ: تُعرَفُ حَماقَةُ الرَّجُلِ في ثَلاثٍ: في كلامِهِ فيما لا يَعْنيهِ، وجَوابِهِ عَمّا لا يُسألُ عَنهُ، وتَهَوُّرِهِ في الأُمورِ.[5]

۴۵۵۷ . عنه ﷺ: الأحمَقُ ... لايَنْفَكُّ عن نَقْصٍ وخُسْرانٍ.[6]

۱ . الاختصاص: ۲۲۱ . انظر العجب: باب ۲۵۱۳ .
۲ . الخصال: ۹۶/۱۱۶ . ۳ . نهج البلاغة: الحكمة ۳۲۹ .
۴ . غرر الحكم: ۴۵۲۰ . ۵ . غرر الحكم: ۴۵۴۲ .
۶ . غرر الحكم: ۱۷۹۰ .

۹۵۴
صفات احمق

۴۵۵۲ . **عیسی** ﷺ ـ در پاسخ به این سؤال که احمق کیست؟ ـ فرمود: خود رأی خودپسند، کسی که هرچه فضیلت است از آن خود می‌داند و برای دیگران، بر خود هیچ فضیلتی قائل نیست، همهٔ حقوق را برای خود می‌داند وهیچ حقّی برای دیگران بر خود قائل نیست. این است آن احمقی که چاره‌ای برای درمان او وجود ندارد.[1]

۴۵۵۳ . **امام علی** ﷺ: احمق را اگر به کار خوبی متوجّه کنی، غافل می‌شود، اگر بخواهی از نیکی دست بکشد، دست می‌کشد، اگر به نادانی وادارش کنی، در پی نادانی می‌رود، چون سخن گوید، دروغ به زبان آورد، فهم ندارد و اگر هم به او تفهیم کنی، نمی‌فهمد.

۴۵۵۴ . **امام علی** ﷺ: کسی که عیبهای دیگران را ببیند و آنها را زشت شمارد اما همان عیبها را در خود بپسندد، احمق واقعی است.

۴۵۵۵ . **امام علی** ﷺ: حماقت انسان، از این راه شناخته می‌شود که در هنگام برخورداری سرمست شود و در تنگدستی خود را بسیار خوار کند.

۴۵۵۶ . **امام علی** ﷺ: حماقت آدمی، از سه چیز شناخته می‌شود: از بیهوده گوییهایش، از پاسخ دادنش به چیزی که از او سؤال نمی‌شود، و از تهوّرش در کارها.

۴۵۵۷ . **امام علی** ﷺ: آدم احمق ... هیچ‌گاه از عیب و زیانکاری جدا نیست.

۱ . آغاز این حدیث در باب ۹۵۶ (درمان احمق) خواهد آمد.

۳۵۵۸ . عنه ﷺ: مِن أماراتِ الأحمَقِ كَثْرَةُ تَلَوُّنِهِ.[۱]

۳۵۵۸ . **امام علی** ﷺ: از نشانه‌های احمق این است که هر دم به رنگی در می‌آید.

۳۵۵۹ . عنه ﷺ: مِن دلائلِ الحُمقِ دالّةٌ بِغَيرِ آلةٍ، وصَلَفٌ بِغَيرِ شَرَفٍ.[۲]

۳۵۵۹ . **امام علی** ﷺ: به خود نازیدن، بی آن که اسباب آن فراهم باشد و خودستایی، بدون برخورداری از شرافت لازم، از نشانه‌های حماقت است.

۳۵۶۰ . عنه ﷺ: احْذَرِ الأحمَقَ؛ فإنَّ الأحمَقَ يَرىٰ نَفْسَهُ مُحْسِناً وإنْ كانَ مُسيئاً، ويَرىٰ عَجْزَهُ كَيْساً وشَرَّهُ خَيراً.[۳]

۳۵۶۰ . **امام علی** ﷺ: از احمق بر حذر باش؛ زیرا آدم احمق، خودش را اگر چه بدکار باشد، نیکوکار می‌داند و ناتوانیش را زیرکی و شرّ و بدیش را خیر و خوبی می‌شمارد.

۳۵۶۱ . عنه ﷺ: الحُمقُ يُوجِبُ الفُضولَ.[۴]

۳۵۶۱ . **امام علی** ﷺ: حماقت موجب کارهای بیهوده می‌شود.

۳۵۶۲ . عنه ﷺ: الحُمقُ الاستِهْتارُ بِالفُضولِ، ومُصاحَبَةُ الجَهولِ.[۵]

۳۵۶۲ . **امام علی** ﷺ: شیفتگی به کارهای بیهوده و همنشینی با نادان حماقت است.

۳۵۶۳ . عنه ﷺ: الأحْمَقُ لا يَحسُنُ بِالهَوانِ.[۶]

۳۵۶۳ . **امام علی** ﷺ: آدم احمق، با تحقیر و خواری هم درست نشود.

۳۵۶۴ . عنه ﷺ: رُكوبُ المَعاطِبِ عُنوانُ الحَماقَةِ.[۷]

۳۵۶۴ . **امام علی** ﷺ: دست زدن به کارهای مهلک نشانهٔ بی‌خردی است.

۳۵۶۵ . عنه ﷺ: لِلأحمَقِ مَعَ كُلِّ قَولٍ يَمينٌ.[۸]

۳۵۶۵ . **امام علی** ﷺ: شخص احمق با هر سخنش سوگندی همراه است.

۳۵۶۶ . عنه ﷺ: مِن الحُمقِ الاتِّكالُ علىٰ الأمَلِ.[۹]

۳۵۶۶ . **امام علی** ﷺ: تکیه کردن به آرزو، از حماقت است.

۳۵۶۷ . عنه ﷺ: لا يَستَخِفُّ بِالعِلمِ وأهلِهِ إلّا أحمَقُ جاهِلٌ.[۱۰]

۳۵۶۷ . **امام علی** ﷺ: کسی، جز احمق نادان، دانش و دانشمندان را خفیف نمی‌شمارد.

۳۵۶۸ . عنه ﷺ: لا تَرُدَّ علىٰ النّاسِ كلَّ ما حَدَّثوكَ؛ فكفىٰ بذلكَ حُمْقاً.[۱۱]

۳۵۶۸ . **امام علی** ﷺ: سعی نکن هرچه مردم برای تو می‌گویند ردّ کنی که این نشانهٔ حماقت است.

---

۱ . غرر الحكم: ۹۴۴۵.
۲ . غرر الحكم: ۹۴۱۸.
۳ . نهج السعادة: ۲۲۵/۳.
۴ . غرر الحكم: ۹۳۶.
۵ . غرر الحكم: ۱۹۱۴.
۶ . غرر الحكم: ۱۲۳۶.
۷ . غرر الحكم: ۵۴۲۱.
۸ . غرر الحكم: ۷۳۳۶.
۹ . غرر الحكم: ۹۲۸۵.
۱۰ . غرر الحكم: ۱۰۸۰۷.
۱۱ . غرر الحكم: ۱۰۲۵۱.

۹۵۵
مُصاحَبَةُ الأحمَقِ

۳۵۶۹ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: كُنْ علىٰ حَذَرٍ مِن الأحمَقِ إذا صاحَبْتَهُ، ومِنَ الفاجِرِ إذا عاشَرْتَهُ، ومِن الظّالِمِ إذا عامَلْتَهُ.[۱]

۳۵۷۰ . عنه ﷺ: عَدُوٌّ عاقِلٌ خَيرٌ مِن صَديقٍ أحمَقَ.[۲]

۳۵۷۱ . عنه ﷺ: بُعدُ الأحمَقِ خَيرٌ مِن قُربِهِ، وسُكوتُهُ خَيرٌ مِن نُطقِهِ.[۳]

۳۵۷۲ . عنه ﷺ: النَّظَرُ إلىٰ الأحمَقِ يُسْخِنُ العَينَ.[۴]

۳۵۷۳ . عنه ﷺ: مُقاساةُ الأحمَقِ عذابُ الرُّوحِ.[۵]

۳۵۷۴ . عنه ﷺ: احْذَرِ الأحمَقَ؛ فإنَّ مُداراتَهُ تُعَنِّيكَ، ومُوافَقَتَهُ تُرْدِيكَ، ومُخالَفَتَهُ تُؤذِيكَ، ومُصاحَبَتَهُ وَبالٌ عَلَيكَ.[۶]

۳۵۷۵ . عنه ﷺ: مَوَدَّةُ الأحمَقِ كشَجَرَةِ النّارِ يأكُلُ بَعْضُها بَعْضاً.[۷]

۳۵۷۶ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ ـ في وصيَّتِهِ لابنِهِ الباقرِ ﷺ ـ: إيّاكَ يا بُنَيَّ أنْ تُصاحِبَ

۱ . غرر الحكم: ۷۱۸۵.
۲ . بحار الأنوار: ۷۰/۱۲/۷۸.
۳ . غرر الحكم: ۴۴۵۱.
۴ . تحف العقول: ۲۱۴.
۵ . غرر الحكم: ۹۸۳۱.
۶ . غرر الحكم: ۲۵۹۳.
۷ . غرر الحكم: ۹۸۲۷.

۹۵۵
همنشینی با احمق

۳۵۶۹ . **امام علی** ﷺ: هرگاه با احمق همنشین شدی و هرگاه با بدکار معاشرت کردی و هرگاه با ستمگر برخورد نمودی بر حذر باش.

۳۵۷۰ . **امام علی** ﷺ: دشمنِ دانا، بهتر از دوستِ نادان است.

۳۵۷۱ . **امام علی** ﷺ: دوری احمق، بهتر از نزدیک بودن اوست، و سکوتش بهتر از سخن گفتنش.

۳۵۷۲ . **امام علی** ﷺ: نگاه کردن به احمق روشنی چشم را می‌برد.

۳۵۷۳ . **امام علی** ﷺ: تحمّل کردن احمق، مایهٔ عذاب روح است.

۳۵۷۴ . **امام علی** ﷺ: از احمق دوری کن؛ زیرا که مدارا کردن با او، تو را به رنج می‌افکند و سازگاری با او، تو را هلاک می‌کند ومخالفت با او، آزارت می‌دهد وهمراهی با او، باعث سختی و گرانباری توست.

۳۵۷۵ . **امام علی** ﷺ: دوستی با احمق، مانند درخت آتش است که شاخه‌هایش یکدیگر را می‌سوزانند.

۳۵۷۶ . **امام زین العابدین** ﷺ ـ در سفارش به فرزند بزرگوار خود حضرت باقر ﷺ ـ فرمود: فرزندم! از همنشینی با رفت و آمد با احمق

الأحمَقَ أو تُخالِطَهُ، واهْجُرْهُ ولا تُحادِثْهُ؛ فإنّ الأحمَقَ هُجْنَةٌ غائباً كانَ أو حاضِراً. إنْ تَكَلَّم فضَحَهُ حُمقُهُ، وإنْ سَكَتَ قَصُرَ بِهِ عِيُّهُ، وإنْ عَمِلَ أفسَدَ، وإنِ اسْتُرعِيَ أضاعَ. لا عِلمُهُ مِن نَفْسِهِ يُغْنيهِ، ولا عِلمُ غَيرِهِ يَنْفَعُهُ، ولا يُطيعُ ناصِحَهُ، ولا يَستريحُ مقارِنُهُ، تَوَدُّ أُمُّهُ أنّها ثَكِلَتْهُ، وامْرَأتُهُ أنّها فَقَدَتْهُ، وجارُهُ بُعدَ دارِهِ، وجَليسُهُ الوَحْدَةَ مِن مُجالَسَتِهِ. إنْ كانَ أصْغَرَ مَن في المَجلِسِ أغْنىٰ مَن فَوقَهُ، وإنْ كانَ أكْبَرَهُم أفْسَدَ مَن دُونَهُ.[1]

بپرهیز و از او دوری کن و با وی همسخن مشو؛ زیرا آدم احمق، غایب باشد یا حاضر، پست و فرومایه است؛ هرگاه زبان به سخن گشاید حماقتش او را رسوا کند و هرگاه خاموش شود به دلیل ناتوانی در سخن گفتن باشد، اگر کاری کند خرابی به بار آورد و چون مسؤولیتی به عهده گیرد آن را تباه سازد، نه علم خودش به کار او می‌آید و نه دانش دیگران سودش می‌رساند، به سخن خیرخواه خود گوش نمی‌دهد، وهمنشینش از دست او آسوده نیست، مادرش آرزوی مرگ او را دارد و همسرش آرزوی از دست دادن او را و همسایه‌اش آرزوی رفتن از همسایگی‌اش را و همنشینش آرزوی خلاصی از همنشینی او را. اگر در مجلسی کمترین فرد مجلس باشد بالاتر از خود را به رنج افکند و اگر بالاترین فرد باشد فرو دستان خود را به فساد و تباهی کشاند.

۳۵۷۷ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مَن لَم يَجْتَنِبْ مُصادَقَةَ الأحمَقِ أوْشَكَ أنْ يَتَخلّقَ بأخْلاقِهِ.[2]

۳۵۷۷ . امام صادق ﷺ: هرکه از دوستی با احمق دوری نکند بزودی خلق و خوی او را به خود گیرد.

(انظر) الصديق: باب ۲۱۷۸.

۹۵۶
مُعالَجَةُ الأحمَقِ

۹۵۶
درمان احمق

۳۵۷۸ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنّ عيسىٰ بنَ مَريمَ ﷺ قالَ: داوَيْتُ المَرْضىٰ فشَفَيتُهُم بإذنِ اللهِ، وأبْرَأتُ الأكْمَهَ والأبْرَصَ بإذنِ اللهِ، وعالَجْتُ المَوْتىٰ فأحْيَيتُهُم بإذنِ اللهِ،

۳۵۷۸ . امام صادق ﷺ: عیسی بن مریم گفت: بیماران را طبابت کردم و به اذن خدا آنان را درمان کردم، کورانِ مادر زاد و مبتلایان به پیسی را به اذن خدا بهبود بخشیدم، و مردگان را به اذن خدا زنده کردم، اما احمق

۱ . الأمالي للطوسي: ۶۱۳ / ۱۲۶۸.
۲ . الأمالي للصدوق: ۳۴۳ / ۴۰۹.

وعـالَجْتُ الأحـمَقَ فلَم أقْـدِرْ عـلىٰ إصْلاحِهِ[1].[2]

۹۵۷

أحمَقُ النّاسِ

۳۵۷۹ . رسولُ اللهِ ﷺ: أحمَقُ الحُمْقِ الفُجورُ.[3]

۳۵۸۰ . الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ وقـد سُئِلَ عَـن أحـمَقِ النّاسِ ـ: المُغْتَرُّ بالدُّنيا وهُو يَرىٰ ما فـيها مِن تَقَلُّبِ أحْوالِها.[4]

۳۵۸۱ . عنه ﷺ: أحمَقُ النّاسِ مَن ظَنَّ أنّـهُ أعْـقَلُ النّاسِ.[5]

۳۵۸۲ . عنه ﷺ: أحمَقُ النّاسِ مَن يَمْنَعُ البِرَّ ويَطْلُبُ الشُّكْرَ، ويَفعَلُ الشَّرَّ ويَتَوقّعُ ثَوابَ الخَيرِ.[6]

۳۵۸۳ . عنه ﷺ: أحمَقُ النّاسِ مَن أنْكَرَ علىٰ غَيرِهِ رَذيلَةً وهُو مُقيمٌ علَيها.[7]

۳۵۸۴ . عنه ﷺ: أكثَرُ النّاسِ حُمْقاً الفَقيرُ المُتَكبِّرُ.[8]

۳۵۸۵ . عنه ﷺ: أحمَقُ الحُمْقِ الاغْتِرارُ.[9]

---

۱ . الاختصاص: ۲۲۱.
۲ . ذيل الحديث قد مرّ في الحمق: باب ۹۵۴ الحديث ۳۵۵۲.
۳ . الأمالي للصدوق: ۷۸۸/۵۷۷.
۴ . معاني الأخبار: ۴/۱۹۹. ۵ . غرر الحكم: ۳۰۸۹.
۶ . غرر الحكم: ۳۲۸۳. ۷ . غرر الحكم: ۳۳۴۳.
۸ . غرر الحكم: ۳۱۶۳. ۹ . غرر الحكم: ۲۹۱۵.

را نتوانستم اصلاح کنم.[1]

۹۵۷

احمق‌ترین آدمها

۳۵۷۹ . **پیامبر خدا ﷺ**: بدترین حماقت، نابکاری و هرزگی است.

۳۵۸۰ . **امام علی ﷺ** ـ در پاسخ به سؤال از احمق‌ترین آدمها ـ فرمود: کسی که دگرگونیهای دنیا را می‌بیند و باز، دلبسته و فریفتهٔ آن می‌شود.

۳۵۸۱ . **امام علی ﷺ**: احمق‌ترین مردم کسی است که خود را خردمندترین مردم می‌داند.

۳۵۸۲ . **امام علی ﷺ**: احمق‌ترین آدمها کسی است که خوبی نمی‌کند و انتظار تشکر دارد و بدی می‌کند و توقع پاداش نیک دارد.

۳۵۸۳ . **امام علی ﷺ**: احمق‌ترین مردم کسی است که عیب دیگران را زشت می‌شمارد، در حالی که خود آن عیب را داراست.

۳۵۸۴ . **امام علی ﷺ**: احمق‌ترین مردم، تهیدست متکبّر است.

۳۵۸۵ . **امام علی ﷺ**: بدترین حماقت، غفلت است.

---

۱ . دنبالهٔ این حدیث در تفسیر احمق در باب ۹۵۴، ح ۳۵۵۰ ذکر شد.

۳۵۸۶ . عنه ﷺ: أكبَرُ الحُمْقِ الإغْراقُ في المَدحِ والذَّمِّ.[۱]

۳۵۸۶ . امام علی ﷺ: بزرگترین حماقت، افراط در ستایش و نکوهش است.

۳۵۸۷ . عنه ﷺ: مِن أعظَمِ الحُمْقِ مُؤاخاةُ الفُجّارِ.[۲]

۳۵۸۷ . امام علی ﷺ: دوستی کردن با نابکاران بالاترین حماقت است.

۳۵۸۸ . عنه ﷺ: لا حُمقَ أعظَمُ مِن الفَخرِ.[۳]

۳۵۸۸ . امام علی ﷺ: حماقتی بالاتر از فخرفروشی نیست.

۳۵۸۹ . عنه ﷺ: مِن كمالِ الحَماقَةِ الاختِيالُ في الفاقَةِ.[۴]

۳۵۸۹ . امام علی ﷺ: تکبّر داشتن در زمان تنگدستی، از کمال حماقت است.

۹۵۸
جَوابُ الأحمَقِ

۹۵۸
جواب احمق

۳۵۹۰ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: لا عُوقِبَ الأحمَقُ بِمِثلِ السُّكوتِ عَنه.[۵]

۳۵۹۰ . امام علی ﷺ: احمق به چیزی مانند سکوت در برابر او، مجازات نشده است.

۳۵۹۱ . عنه ﷺ: السُّكوتُ علىٰ الأحمَقِ أفضَلُ (مِن) جَوابِهِ.[۶]

۳۵۹۱ . امام علی ﷺ: سکوت در برابر احمق، بهتر از جواب دادن به اوست.

۹۵۹
النَّوادِرُ

۹۵۹
گوناگون

۳۵۹۲ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: العاجِلَةُ غُرورُ الحَمْقىٰ.[۷]

۳۵۹۲ . امام علی ﷺ: دنیای زودگذر، فریب دهندهٔ مردمان احمق است.

۳۵۹۳ . عنه ﷺ: الآمالُ غُرورُ الحَمقىٰ.[۸]

۳۵۹۳ . امام علی ﷺ: آرزوها نابخردان را می‌فریبد.

۳۵۹۴ . عنه ﷺ: الدُّنيا غَنيمَةُ الحَمقىٰ.[۹]

۳۵۹۴ . امام علی ﷺ: دنیا، غنیمت ابلهان است.

---

۱. غرر الحكم: ۲۹۸۵.
۲. غرر الحكم: ۹۳۱۲.
۳. غرر الحكم: ۱۰۶۵۵.
۴. غرر الحكم: ۹۳۰۲.
۵. الأمالي للمفيد: ۲/۱۱۸.
۶. غرر الحكم: ۱۱۶۰.
۷. غرر الحكم: ۸۹۶.
۸. غرر الحكم: ۶۳۱.
۹. غرر الحكم: ۱۱۱۰.

۳۵۹۵ . عنه ﷺ: اللَّهوُ قُوتُ الحَماقَةِ.[۱]

۳۵۹۶ . عنه ﷺ: الفَرَحُ بالدُّنيا حُمْقٌ.[۲]

۳۵۹۷ . عنه ﷺ: التَّكبُّرُ عَينُ الحَماقَةِ.[۳]

۳۵۹۸ . عنه ﷺ: مِن الحُمقِ الدّالَّةُ علىٰ السُّلطانِ.[۴]

۳۵۹۹ . عنه ﷺ: مِن الخُرْقِ المُعاجَلَةُ قبلَ الإمْكانِ، والأناةُ بَعدَ الفُرْصَةِ.[۵]

۳۶۰۰ . الإمامُ الحسنُ ﷺ: ما أعْرِفُ أحَداً إلّا وهُو أحمَقُ فيما بَينَهُ وبَينَ ربِّهِ.[۶]

۳۵۹۵ . **امام علی** ﷺ: هوسرانی خوراک حماقت است.

۳۵۹۶ . **امام علی** ﷺ: شاد شدن به دنیا، حماقت است.

۳۵۹۷ . **امام علی** ﷺ: گردن فرازی، عین حماقت است.

۳۵۹۸ . **امام علی** ﷺ: نازیدن و گستاخی بر پادشاه از حماقت است.

۳۵۹۹ . **امام علی** ﷺ: شتاب کردن در کاری پیش از توانایی بر آن و درنگ کردن بعد از دست یافتن به فرصت، نشانهٔ حماقت است.

۳۶۰۰ . **امام حسن** ﷺ: هیچ کس را نمی‌شناسم جز آن که در آنچه میان او و پروردگار اوست احمق است.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

۱ . غرر الحکم: ۹۳۷. ۲ . غرر الحکم: ۴۵۴.
۳ . غرر الحکم: ۸۸۹. ۴ . غرر الحکم: ۹۴۴۰.
۵ . نهج البلاغة: الحکمة ۳۶۳.
۶ . بحار الأنوار: ۱۱/۱۰۷/۷۸.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الحمّام

حمّام

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

وسائل الشّيعة: ١/ ٣٦١ـ٤٦١ «أبواب آداب الحمّام والتنظيف والزينة».

بحار الأنوار: ٧٦/ ٦٩ باب ٣ «آداب الحمّام».

۹۶۰
الحَمّامُ

۴۶۰۱ . **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: نِعْمَ البَيتُ الحَمّامُ ؛ تُذكِّرُ فيهِ النّارُ، ويَذهَبُ بالدَّرَنِ.[۱]

۴۶۰۲ . **الإمامُ الصّادقُ ﷺ**: ثَلاثةٌ يُسْمِنَّ وثَلاثةٌ يُهْزِلْنَ، فأمّا الّتي يُسْمِنَّ: فإدْمانُ الحَمّامِ، وشَمُّ الرائحَةِ الطَّيِّبَةِ، ولُبْسُ الثِّيابِ اللَّيِّنَةِ، وأمّا الّتي يُهْزِلْنَ: فإدْمانُ أكْلِ البَيضِ، والسَّمَكِ، والطَّلْعِ.[۲]

۴۶۰۳ . **عنه ﷺ**: ثَلاثٌ يَهْدِمْنَ البدَنَ وربّما قَتَلْنَ: أكْلُ القَديدِ الغابِّ، ودُخولُ الحَمّامِ على البِطْنَةِ، ونِكاحُ العَجائزِ.[۳]

۴۶۰۴ . **عنه ﷺ**: لا تَدخُلِ الحَمّامَ إلّا وفي جَوفِكَ شَيءٌ يُطفِئُ عنكَ وهَجَ المَعِدَةِ، وهُو أقْوىٰ للبَدَنِ. ولا تَدخُلْهُ وأنتَ مُمْتَلئٌ مِن الطَّعامِ.[۴]

---

۱ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ۲۳۷/۱۱۵/۱.

۲ . الخصال: ۱۹۴/۱۵۵.

۳ . بحار الأنوار: ۱۹/۷۵/۷۶.

۴ . مكارم الأخلاق: ۲۹۸/۱۲۵/۱.

۹۶۰
حمّام

۴۶۰۱ . **امام علی ﷺ**: نیکو خانه‌ای است حمام هم یادآور آتش [دوزخ] است، و هم چرک را می‌برد.

۴۶۰۲ . **امام صادق ﷺ**: سه چیز انسان را فربه می‌کند و سه چیز لاغر می‌سازد. آن سه که فربه می‌کند: حمام رفتن مداوم، استشمام بوی خوش و پوشیدن لباس نرم است؛ و آن سه که لاغر می‌کند: خوردن زیاد تخم مرغ، ماهی و خرمای نارس است.

۴۶۰۳ . **امام صادق ﷺ**: سه چیز بدن را خراب می‌کند و حتّی کشنده است: خوردن آبگوشت شب مانده، حمام رفتن با شکم پر، و نزدیکی کردن با زنان سالخورده.

۴۶۰۴ . **امام صادق ﷺ**: زمانی حمام برو که در معده‌ات اندک چیزی که حرارت آن را فرو نشاند، وجود داشته باشد. این برای تقویت بدن تو بهتر است. با شکم پر نیز حمام نرو.

۳۶۰۵ . **الإمامُ الكاظمُ عليه السلام**: الحَمّامُ ـ يَومٌ ويَومٌ لا ـ يُكْثِرُ اللَّحْمَ، وإدْمانُهُ كلَّ يَومٍ يُذيبُ شَحْمَ الكُلْيَتَينِ.[1]

۳۶۰۵ . **امام کاظم علیه السلام**: یک روز در میان حمام رفتن انسان را چاق می‌کند وهر روز حمام رفتن چربی گرده‌ها را آب می‌کند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱ . مكارم الأخلاق: ۱ / ۱۲۶ / ۳۰۳.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



۱۳۲

الحاجة

نیاز

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۲۸۳/۷۴ باب ۲۰ «قضاء حاجة المؤمنين».

بحار الأنوار: ۱۷۳/۷۵ باب ۵۹ «من منع مؤمناً شيئاً من عنده أو من عند غيره».

انظر:

عنوان ۲۱۴ «السؤال (طلب الحاجة)».

الأخ: باب ۵۶، السرور: باب ۱۷۸۶ وأبواب بعده.

الدعاء: باب ۱۲۰۳.

۹۶۱
الحاجَةُ

۴۶۰۶ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: امْنُنْ علىٰ مَن شِئْتَ تَكُنْ أميرَهُ، واحْتَجْ إلىٰ مَن شِئْتَ تَكُنْ أسيرَهُ، واسْتَغْنِ عَمَّن شِئتَ تَكُنْ نَظيرَهُ.[۱]

۴۶۰۷ . **عنه** ﷺ: مَنِ احْتَجْتَ إلَيهِ هُنْتَ علَيهِ.[۲]

۴۶۰۸ . **الإمامُ الجوادُ** ﷺ: الحَوائجُ تُطلَبُ بالرَّجاءِ، وهِيَ تَنْزِلُ بالقَضاءِ، والعافِيَةُ أحْسَنُ عَطاءٍ.[۳]

۹۶۲
قَضاءُ الحَوائِجِ

۴۶۰۹ . **رسولُ اللهِ** ﷺ: مَن سَعىٰ في حاجَةِ أخيهِ المؤمنِ فكأنّما عَبدَ اللهَ تِسعَةَ آلافِ سَنَةٍ، صائماً نَهارَهُ قائماً لَيلَهُ.[۴]

۴۶۱۰ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: مَن سَعىٰ في حاجَةِ أخيهِ المسلمِ ـ طَلَبَ وَجْهَ اللهِ ـ كَتَبَ اللهُ عزّوجلّ لَهُ ألفَ ألفِ حَسَنَةٍ.[۵]

---

۱ . الخصال: ۱۴/۴۲۰ . انظر الأدب: باب ۶۸.
۲ . غرر الحكم: ۸۶۱۰. ۳ . أعلام الدين: ۳۰۹.
۴ . بحار الأنوار: ۷۲/۳۱۵/۷۴.
۵ . الكافي: ۶/۱۹۷/۲.

۹۶۱
نیاز

۴۶۰۶ . **امام علی** ﷺ: به هرکه خواهی خوبی کن، تا فرمانروای او شوی، دست نیاز به سوی هرکه خواهی دراز کن، تا اسیرش گردی و از هرکه خواهی بی‌نیازی جوی، تا همتای او شوی.

۴۶۰۷ . **امام علی** ﷺ: به هرکه نیاز پیدا کنی، نزدش خوار می‌شوی.

۴۶۰۸ . **امام جواد** ﷺ: نیازها، با امیدواری خواسته می‌شود و با قضای الهی نازل می‌شود و عافیت، بهترین عطاست.

۹۶۲
بر آوردن نیازها

۴۶۰۹ . **پیامبر خدا** ﷺ: کسی که در راه برآوردن نیاز برادر مؤمن خود بکوشد، چنان است که نُه هزار سال با روزه گرفتن و شب زنده‌داری خدا را عبادت کرده باشد.

۴۶۱۰ . **امام صادق** ﷺ: هر که ـ برای رضای خدا ـ در راه برآوردن نیاز برادر مسلمان خود بکوشد، خداوند عزّوجلّ هزار هزار حسنه برایش بنویسد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۳۶۱۱ . عنه ﷺ: مَن كانَ في حاجَةِ أخيهِ المؤمنِ المسلمِ كانَ اللهُ في حاجَتِهِ ما كانَ في حاجَةِ أخيهِ.[۱]

۳۶۱۱ . **امام صادق** ﷺ: کسی که به فکر برآوردن نیاز برادر مؤمن مسلمان خود باشد، تا زمانی که در فکر نیاز او باشد، خداوند در کار نیاز وی باشد.

۳۶۱۲ . عنه ﷺ ـ في حديثٍ طويلٍ ـ: لَأَنْ أسعىٰ مَعَ أخٍ لي في حاجَةٍ حتّىٰ تُقْضىٰ أحَبُّ إلَيَّ مِن أنْ أعتِقَ ألفَ نَسَمةٍ، وأحمِلَ علىٰ ألفِ فَرَسٍ في سبيلِ اللهِ مُسْرَجَةً مُلْجَمَةً.[۲]

۳۶۱۲ . **امام صادق** ﷺ ـ در ضمن حدیثی مفصّل ـ فرمود: اگر برای برآوردن نیاز برادر خود بکوشم، تا نیازش برطرف شود، نزد من خوشتر است از این که هزار بنده آزاد کنم و هزار اسب زین کرده و لگام بسته [برای جهاد] در راه خدا هدیه کنم.

۳۶۱۳ . **الإمامُ الكاظمُ** ﷺ: إنّ للهِ عِباداً في الأرضِ يَسْعَونَ في حوائجِ النّاسِ، هُمُ الآمِنونَ يَومَ القِيامَةِ.[۳]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۱ / ۵۸۲ ـ ۵۸۶ باب ۲۷، ۲۸.

۳۶۱۳ . **امام کاظم** ﷺ: خدا را در زمین بندگانی است که برای رفع نیازهای مردم می‌کوشند. اینان در روز قیامت در امان هستند.

۹۶۳
أحَبُّ النّاسِ إلَى اللهِ أنفَعُهم لِلنّاسِ

۹۶۳
محبوبترین مردم نزد خدا مفیدترین آنها برای مردم است

۳۶۱۴ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: قالَ اللهُ عزّوجلّ: الخَلقُ عِيالي، فأحَبُّهُم إلَيَّ ألطَفُهُم بِهِم، وأسعاهُم في حَوائجِهِم.[۴]

۳۶۱۴ . **امام صادق** ﷺ: خداوند عزّوجلّ فرموده است: مردم خانوادهٔ من هستند، پس، محبوبترین آنان نزد من کسانی هستند که با مردم مهربانتر و در راه برآوردن نیازهای آنان کوشاتر باشند.

۳۶۱۵ . عنه ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿وَجعَلَني مُبارَكاً أينَ ما كُنتُ﴾[۵] ـ: نَفّاعاً.[۶]

۳۶۱۵ . **امام صادق** ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ: «و هرجا باشم مرا با برکت قرار داد» ـ فرمود: [یعنی] بسیار نفع رسان.

(انظر) عنوان ۳۴۸ «فضل المعروف»، ۱۱۵ «الإحسان».

---

۱ . الأمالي للطوسي: ۱۴۷/۹۷.
۲ . بحار الأنوار: ۷۲/۳۱۶/۷۴.
۳ . بحار الأنوار: ۸۴/۳۱۹/۷۴.
۴ . الكافي: ۱۰/۱۹۹/۲.
۵ . مريم: ۳۱.
۶ . الكافي: ۱۱/۱۶۵/۲.

۹۶۳
المَشيُ في حاجَةِ المُؤمِنِ

۳۶۱۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: مَن مَشىٰ في عَونِ أخيهِ ومَنفعتِهِ فلَهُ ثَوابُ المُجاهِدينَ في سبيلِ اللهِ.[1]

۳۶۱۷ . الإمامُ الصّادقُ ؈: مَن مَشىٰ في حاجَةِ أخيهِ المؤمنِ ـ يَطلُبُ بذلكَ ما عِندَ اللهِ ـ حتّىٰ تُقضىٰ لَهُ، كَتَبَ اللهُ عزّوجلّ لَهُ بذلكَ مِثلَ أجرِ حِجّةٍ وعُمرَةٍ مُبرورَتَينِ، وصَومِ شَهرَينِ مِن أشهُرِ الحُرُمِ، واعتِكافَهُما في المَسجِدِ الحَرامِ. ومَن مَشىٰ فيها بِنِيَّةٍ ولَم تُقضَ كَتَبَ اللهُ لَهُ بذلكَ مِثلَ حِجّةٍ مَبرورَةٍ.[2]

۳۶۱۸ . عنه ؈: إنّ العَبدَ لَيَمشي في حاجَةِ أخيهِ المؤمنِ فيُوَكِّلُ اللهُ عزّوجلّ بِهِ مَلَكَينِ: واحداً عَن يَمينِهِ وآخَرَ عَن شِمالِهِ، يَستَغفِرانِ لَهُ ربَّهُ ويَدعُوانِ بِقَضاءِ حاجَتِهِ.[3]

۳۶۱۹ . عنه ؈: الماشي في حاجَةِ أخيهِ كالسّاعي بينَ الصَّفا والمَروَةِ.[4]

۱ . ثواب الأعمال: ۱/۳۴۰ . ۲ . الكافي: ۹/۱۹۴/۲.
۳ . الكافي: ۱۰/۱۹۵/۲ . ۴ . تحف العقول: ۳۰۳.

۹۶۳
گام برداشتن برای رفع حاجت مؤمن

۳۶۱۶ . **پیامبر خدا ﷺ:** کسی که برای کمک به برادر خود و نفع رساندن به او اقدام کند پاداش مجاهدان در راه خدا را خواهد داشت.

۳۶۱۷ . **امام صادق ؈:** هرکس در راه برآوردن نیاز برادر مؤمنش گام بردارد، تا برآورده شود ـ و از این کار ثواب الهی را بجوید ـ خداوند عزّوجلّ به پاداش این کار، برایش ثواب یک حجّ و یک عمرهٔ پذیرفته و روزهٔ دو ماه از ماه‌های حرام[1] با اعتکاف این دوماه در مسجد الحرام بنویسد و هرکس به نیّت روا ساختن حاجت او قدم بردارد، امّا موفّق به این کار نشود، خداوند به پاداش آن، ثواب یک حجّ پذیرفته شده را منظور دارد. پس، در کار خیر شوق نشان دهید.

۳۶۱۸ . **امام صادق ؈:** زمانی که بنده‌ای برای برطرف ساختن نیاز برادر مؤمن خود قدم بردارد، خداوند عزّوجلّ دو فرشته را، یکی در سمت راست او و دیگری در سمت چپش، بر وی بگمارد، که از پروردگارش برای او آمرزش طلبند و برای روا شدن حاجتش دعا کنند.

۳۶۱۹ . **امام صادق ؈:** کسی که در راه برطرف ساختن نیاز برادر خود قدم بردارد چونان کسی است که سعی میان صفا و مروه به جای آورد.

۱ . یعنی ماه‌هایی که جنگ در آنها حرام شده است، یعنی: محرّم، رجب، ذی قعده و ذی حجّه ـ م.

۴۶۲۰ . **الكافي**: رُوِيَ أنّ عابِدَ بني إسرائيلَ كانَ إذا بَلَغَ الغايَةَ في العِبادَةِ صارَ مَشّاءً في حَوائجِ النّاسِ.[۱]

(انظر) الأخ: باب ۵۶.

۹۶۵
قَضاءُ حاجَةِ المُؤمِنِ

۴۶۲۱ . رسولُ اللهِ ﷺ: مَن قَضىٰ لأخيهِ المؤمنِ حاجَةً كانَ كمَنْ عَبدَ اللهَ دَهرَهُ.[۲]

۴۶۲۲ . عنه ﷺ: مَن قضىٰ لمؤمنٍ حاجةً قضىٰ اللهُ لَهُ حوائجَ كَثيرَةً أدْناهُنَّ الجَنَّةُ.[۳]

۴۶۲۳ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مَن قَضىٰ لأخيهِ المؤمنِ حاجَةً قضىٰ اللهُ عزّوجلّ لَهُ يَومَ القِيامَةِ مِائةَ ألفِ حاجَةٍ مِن ذلكَ، أوَّلُها الجَنَّةُ.[۴]

۴۶۲۴ . عنه ﷺ: ما قضىٰ مسلمٌ لمسلمٍ حاجَةً إلّا ناداهُ اللهُ تبارَكَ وتعالىٰ: علَيَّ ثَوابُكَ، ولا أرضىٰ لَكَ بدُونِ الجَنَّةِ.[۵]

۴۶۲۵ . الإمامُ الكاظمُ ﷺ: إنّ خَواتِيمَ أعْمالِكُم قَضاءُ حَوائجِ إخْوانِكُم والإحْسانُ إلَيهِم ماقَدَرْتُم، وإلّا لَم يُقْبَلْ مِنكُم عَمَلٌ.[۶]

۴۶۲۰ . **الكافي**: روایت شده است که در میان بنی اسرائیل هرگاه عابدی به نهایت درجهٔ عبادت می‌رسید، برای برآوردن نیازها و رفع مشکلات مردم به راه می‌افتاد.

۹۶۵
برآوردن حاجت مؤمن

۴۶۲۱ . **پیامبر خدا ﷺ**: هرکس برای برادر مؤمن خود حاجتی برآورد، چنان است که همهٔ عمرش را به عبادت خدا سر کرده باشد.

۴۶۲۲ . **پیامبر خدا ﷺ**: هر کس یک نیاز مؤمنی را روا سازد، خداوند نیازهای فراوان او را روا سازد، که کمترین آنها بهشت است.

۴۶۲۳ . **امام صادق ﷺ**: هر کس یک نیاز از برادر مؤمن خود را برآورده سازد، خداوند عزّوجلّ در روز رستاخیز صد هزار نیاز او را برآورد که نخستین آنها بهشت است.

۴۶۲۴ . **امام صادق ﷺ**: هرگاه مسلمانی نیاز مسلمانی را برآورد، خداوند تبارک وتعالی او را ندا دهد که: پاداش تو به عهدهٔ من، و من به کمتر از بهشت برای تو راضی نمی‌شوم.

۴۶۲۵ . **امام کاظم ﷺ**: همانا مُهرهای [تأیید] اعمال شما برآوردن نیازهای برادرانتان و نیکی کردن به آنان در حدّ توانتان است، اگر چنین نباشد، هیچ عملی از شما پذیرفته نشود.

---

۱. الكافي: ۱۱/۱۹۹/۲. ۲. الأمالي للطوسي: ۱۰۵۱/۴۸۱.
۳. قرب الإسناد: ۴۱۸/۱۱۹. ۴. الكافي: ۱/۱۹۳/۲.
۵. الكافي: ۷/۱۹۴/۲. ۶. بحار الأنوار: ۴۰/۳۷۹/۷۵.

۹۶۶
قَضاءُ حاجَةِ المُؤمِنِ أفضَلُ مِنَ الحَجِّ

۳۶۲۶ . **الإمامُ الباقرُ ﷺ**: لَأَنْ أَعُولَ أهلَ بَيتٍ مِن المسلمينَ، أشُدَّ جَوعَتَهُم وأكْسو عَوْرَتَهُم، فأكُفَّ وُجوهَهُم عَنِ النّاسِ، أحَبُّ إلَيَّ مِن أنْ أحِجَّ حِجَّةً وحِجَّةً (وحِجَّةً) ومِثْلَها ومِثْلَها، حتّىٰ بَلَغَ عَشراً، ومِثْلَها ومِثْلَها، حتّىٰ بَلَغَ السَّبعينَ.[1]

۳۶۲۷ . **الإمامُ الصّادقُ ﷺ**: لَقَضاءُ حاجَةِ امْرِئٍ مؤمنٍ أفضَلُ مِن حِجَّةٍ وحِجَّةٍ وحِجَّةٍ، حتّىٰ عَدَّ عَشرَ حِجَجٍ.[2]

۳۶۲۸ . **عنه ﷺ**: لَقَضاءُ حاجَةِ امْرِئٍ مؤمنٍ أحَبُّ إلىٰ (اللهِ) مِن عِشرينَ حِجَّةً، كُلُّ حِجَّةٍ يُنْفِقُ فيها صاحِبُها مائَةَ ألفٍ.[3]

۳۶۲۹ . **عنه ﷺ**: قَضاءُ حاجَةِ المؤمنِ أفضَلُ مِن ألفِ حِجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ بِمَناسِكِها، وعِتْقِ ألفِ رَقَبَةٍ لِوَجْهِ اللهِ، وحُمْلانِ ألفِ فَرَسٍ في سَبيلِ اللهِ بِسُرُجِها ولُجُمِها.[4]

(انظر) الاعتكاف: باب ۲۷۸۲.

۱ . الكافي: ۱۱/۱۹۵/۲ . ۲ . الأمالي للصدوق: ۸۰۱/۵۸۲.
۳ . الكافي: ۴/۱۹۳/۲ . ۴ . الأمالي للصدوق: ۳۵۳/۳۰۸.

۹۶۶
برآوردن حاجت مؤمن، برتر از حجّ است

۳۶۲۶ . **امام باقر ﷺ**: اگر تأمین مخارج یک خانوادهٔ مسلمان را بر عهده گیرم و آنان را از گرسنگی و برهنگی برهانم تا آبرویشان را نزد مردم حفظ کنم، نزد من خوشتر است از این که حجّ روم و حجّ روم و حجّ روم و مثل آن و مثل آن ـ و امام ﷺ تا ده بار این را تکرار کرد و در ادامه فرمود: ـ و مثل آن و مثل آن ـ و این را هم فرمود تا به هفتاد بار رسید ـ.

۳۶۲۷ . **امام صادق ﷺ**: برآوردن نیاز مؤمن به یقین برتر از یک حجّ و یک حجّ و یک حجّ و... است، و حضرت تا ده حجّ شمرد.

۳۶۲۸ . **امام صادق ﷺ**: روا ساختن حاجت مؤمن نزد خدا از بیست حجّ که برای هر حجّ صد هزار [درهم یا دینار] خرج شده باشد، محبوبتر است.

۳۶۲۹ . **امام صادق ﷺ**: برآوردن نیاز مؤمن برتر است از هزار حجّ که با مناسکش پذیرفته شود، و از آزاد کردن هزار بنده در راه خدا و هدیه دادن هزار اسبِ زین و لگام شده در راه خدا.

۹۶۷

مَنِ امتَنَعَ عَن قَضاءِ حاجَةِ أخيهِ

۴۶۳۰ . رسولُ اللهِ ﷺ: مَن مَنَعَ طالِباً حاجَتَهُ وهُو قادِرٌ عَلىٰ قَضائِها فَعلَيهِ مِثلُ خَطيئَةِ عَشّارٍ.[1]

۴۶۳۱ . الإمامُ الباقرُ ؈: مَن بَخِلَ بِمَعونَةِ أخيهِ المسلمِ والقِيامِ لَهُ في حاجَتِهِ ابتُلِيَ بِمَعونَةِ مَن يَأثَمُ عَلَيهِ ولا يُؤجَرُ.[2]

۴۶۳۲ . الإمامُ الصّادقُ ؈: أيُّما رَجُلٍ مُسلِمٍ أتاهُ رَجُلٌ مُسلِمٌ في حاجَةٍ، وهُو يَقدِرُ عَلىٰ قَضائِها فَمَنَعَهُ إيّاها، عَيَّرَهُ اللهُ يَومَ القِيامَةِ تَعييراً شَديداً، وقالَ لَهُ: أتاكَ أخوكَ في حاجَةٍ قد جَعَلتُ قَضاءَها في يَدِكَ فَمَنَعتَهُ إيّاها، زُهداً مِنكَ في ثَوابِها! وعِزَّتي، لا أنظُرُ إلَيكَ اليَومَ في حاجَةٍ مُعَذِّباً كُنتَ أو مَغفوراً لَكَ.[3]

۴۶۳۳ . عنه ؈: مَن سألَهُ أخوهُ المؤمنُ حاجَةً مِن ضُرٍّ فَمَنَعَهُ مِن سَعَةٍ وهُو يَقدِرُ عَلَيها ـ مِن عِندِهِ أو مِن عِندِ غَيرِهِ ـ حَشَرَهُ اللهُ يَومَ القِيامَةِ مَغلولَةً يَدُهُ إلىٰ عُنُقِهِ حَتّىٰ يَفرُغَ

۹۶۷

کسی که از برآوردن نیاز برادر خود امتناع کند

۴۶۳۰ . **پیامبر خدا** ﷺ: کسی که بتواند حاجت نیازمندی را برآورد و دست ردّ به سینهٔ او زند، گناهش چون گناه باجگیر است.

۴۶۳۱ . **امام باقر** ؈: کسی که از کمک به برادر مسلمان خود و برآوردن حاجت او دریغ کند، خداوند او را گرفتار کمک به کسی کند که به سببِ آن کمک، گناهکار شود و مزدی هم نَبَرد.

۴۶۳۲ . **امام صادق** ؈: اگر مسلمانی برای حاجتی و کاری نزد مسلمانی بیاید و او بتواند کارسازی کند و نکند، خداوند در روز قیامت او را سخت توبیخ کند و فرماید: برادرت برای حاجتی نزد تو آمد و من برآوردن آن را در دست تو قرار دادم، اما به ثواب این کار بی‌رغبتی کردی و دست ردّ به سینهٔ او زدی! به عزّت خودم سوگند، چه دوزخی باشی یا آمرزیده، به هیچ حاجتی از تو اعتنایی نکنم.

۴۶۳۳ . **امام صادق** ؈: کسی که برادر مؤمنش، در هنگام تنگدستی، نیاز خود را به او بگوید و او بتواند ـ خودش یا ازطریق کسی دیگر ـ حاجتش را روا سازد و نکند، خداوند در روز قیامت وی را، در حالی که دستش به گردنش بسته شده است، محشور فرماید و

---

۱ . ثواب الأعمال: ۱/۳۴۱ .
۲ . ثواب الأعمال: ۲/۲۹۸ .
۳ . الأمالي للطوسي: ۱۵۲/۹۹ .

اللهُ مِن حِسابِ الخَلقِ.[۱]

تا فارغ شدن از حساب بندگان خود، همچنان او را نگه دارد.

۴۶۳۴ . عنه ﷺ: ما مِن مؤمنٍ يَخذُلُ أخاهُ وهُو يَقْدِرُ عَلىٰ نُصْرَتِهِ إلّا خَذَلَهُ اللهُ في الدُّنيا والآخِرَةِ.[۲]

۴۶۳۴ . **امام صادق** ﷺ: هر گاه مؤمنی بتواند برادر خود را یاری رساند، اما تنهایش گذارد، خداوند در دنیا و آخرت او را تنها گذارد.

۴۶۳۵ . عنه ﷺ: ما مِن مؤمنٍ بَذَلَ جاهَهُ لأخيهِ المؤمنِ إلّا حَرَّمَ اللهُ وَجْهَهُ علىٰ النّارِ ولَم يَمَسَّهُ قَتَرٌ ولا ذِلَّةٌ يَومَ القِيامَةِ. وأيُّما مؤمنٍ بَخِلَ بِجاهِهِ علىٰ أخيهِ المؤمنِ وهُو أوْجَهُ جاهاً مِنهُ إلّا مَسَّهُ قَتَرٌ وذِلَّةٌ في الدُّنيا والآخِرَةِ، وأصابَتْ وَجْهَهُ يَومَ القِيامَةِ لَفَحاتُ النّيرانِ مُعَذَّباً كانَ أو مَغفوراً لَهُ.[۳]

۴۶۳۵ . **امام صادق** ﷺ: هیچ مؤمنی نیست که از آبروی خود برای برادر مؤمنش مایه بگذارد، مگر آن که خداوند روی او را بر آتش حرام گرداند و در روز قیامت سختی و خواری به او نرسد، و هر مؤمنی که از برادر مؤمن خود مقام و آبروی بیشتر داشته باشد، اما در استفاده از مقام و آبروی خود برای کمک به او دریغ ورزد، در دنیا و آخرت سختی و خواری بیند و در روز قیامت شعله‌های آتش، چهره‌اش را فرو گیرد، خواه دوزخی باشد یا آمرزیده.

۴۶۳۶ . عنه ﷺ: أيُّما رجُلٍ مِن شِيعَتِنا أتاهُ رَجُلٌ مِن إخْوانِنا فاسْتَعانَ بِهِ في حاجَةٍ فلَم يُعِنْهُ وهُو يَقْدِرُ، ابْتَلاهُ اللهُ عزّوجلّ بأنْ يَقْضِيَ حوائجَ عَدُوٍّ مِن أعْدائنا يُعذِّبُهُ اللهُ علَيهِ يَومَ القِيامَةِ.[۴]

۴۶۳۶ . **امام صادق** ﷺ: هرگاه یکی از برادران ما دست حاجت به سوی یکی از شیعیان ما دراز کند و او بتواند کمکش کند و دریغ ورزد، خداوند عزّوجلّ او را به برآوردن نیاز یکی از دشمنان ما مبتلا می‌کند و به سبب آن در روز قیامت عذاب شود.

۴۶۳۷ . عنه ﷺ: أيُّما مؤمنٍ حَبَسَ مؤمناً عن مالِهِ وهُو مُحتاجٌ إلَيهِ لَم يَذُقْ واللهِ مِن طَعامِ الجَنَّةِ، ولا يَشْرَبُ مِن الرَّحيقِ المَختومِ.[۵]

۴۶۳۷ . **امام صادق** ﷺ: هر مؤمنی که برادر مؤمن نیازمند خود را از مال خویش محروم کند، به خدا قسم که طعم خوراک بهشت را نچشد و از شراب ناب سر به مهر [بهشت] ننوشد.

---

۱ . بحار الأنوار: ۱۳/۲۸۷/۷۴ .
۲ . بحار الأنوار: ۶۷/۳۱۱/۷۴ .
۳ . تنبيه الخواطر: ۸۰/۲ .
۴ . ثواب الأعمال: ۱/۲۹۷ .
۵ . ثواب الأعمال: ۲/۲۸۶ .

۳۶۳۸ . **الإمامُ الكاظمُ ﷺ**: مَن قَصدَ إلَيهِ رجُلٌ من إخوانِهِ مُستَجيراً بِه في بَعْضِ أحْوالِهِ فلَم يُجِرْهُ بَعدَ أن يَقْدِرَ علَيهِ، فَقد قَطَعَ وَلايةَ اللهِ عزّوجلّ.[1]

۳۶۳۹ . **عنه ﷺ**: مَن أتاهُ أخوهُ المؤمنُ في حَاجةٍ فإنّما هِي رَحْمَةٌ مِن اللهِ تبارَكَ وتعالىٰ ساقَها إلَيه، فإنْ قَبِلَ ذلكَ فَقد وَصَلَهُ بوَلايَتِنا، وهُو مَوصولٌ بوَلايةِ اللهِ. وإن رَدّهُ عن حاجَتِه وهُو يَقْدِرُ علىٰ قَضائها سَلّطَ اللهُ علَيهِ شُجاعاً مِن نارٍ يَنْهَشُهُ في قَبْرِهِ إلىٰ يَومِ القِيامَةِ.[2]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۱ / ۵۹۹ باب ۳۹ من أبواب المكان: باب ۱۸۳۳.

۳۶۳۸ . **امام کاظم ﷺ**: کسی که برادرش نزد او برود و در موردی از وی کمک (پناه) بخواهد و او بتواند و کمکش نکند رشتهٔ پیوند با خداوند عزّوجلّ را بریده است (ایمانش سلب شده است).

۳۶۳۹ . **امام کاظم ﷺ**: هر کس برادر مؤمنش برای کاری و حاجتی نزد او آید، این، در حقیقت، رحمتی است از سوی خداوند تبارک و تعالی که به جانب او سوق داده است. پس، اگر حاجت او را روا سازد خود را به ولایت ما پیوند زده و ولایت ما هم به ولایت خدا پیوسته است. اما اگر می‌تواند حاجت او را برآورَد و برنیاورَد، خداوند در قبرش ماری آتشین بر او مسلط گرداند که تا روز قیامت وی را نیش زند.

۹۶۸

مَنِ احتَجَبَ عَن مُؤمِنٍ مُحتاجٍ

کسی که خود را از دسترس مؤمن نیازمند دور نگه دارد

۳۶۴۰ . **الإمامُ الباقرُ ﷺ**: أيُّما مسلمٍ أتىٰ مسلماً زائراً أو طالِبَ حاجَةٍ وهُو في مَنزِلِهِ - فاستَأذَنَ لَه ولَم يَخرُجْ إلَيهِ، لَم يَزَلْ في لَعْنَةِ اللهِ عزّوجلّ حتّىٰ يَلْتَقِيا.[3]

۳۶۴۰ . **امام باقر ﷺ**: هرگاه مسلمانی برای دیدار مسلمانی دیگر یا حاجت خواهی از او به منزل وی رود و اجازهٔ ورود بخواهد و او بیرون نیاید، تا زمانی که همدیگر را دیدار کنند، پیوسته در لعنت خدا باشد.

۳۶۴۱ . **الإمامُ الصّادقُ ﷺ**: مَن صارَ إلىٰ أخيهِ

۳۶۴۱ . **امام صادق ﷺ**: کسی که برای طلب حاجت

---

۱ . الكافي: ۲/ ۴/۳۶۶ . ۲ . الكافي: ۲/ ۱۳/۱۹۶ .
۳ . الكافي: ۲/ ۴/۳۶۵ .

المؤمنِ في حاجَتِهِ أو مُسَلِّماً فحَجَبَهُ، لَم يَزَلْ في لَعْنَةِ اللهِ إلىٰ أنْ حَضَرَتْهُ الوَفاةُ.[۱]

خود، یا برای سلام و احوالپرسی نزد برادر مؤمن خود رود و او خود را از وی مخفی کند، تا زنده است، پیوسته در لعنت خدا باشد.

۳۶۴۲. عنه ﷺ: أيُّما مؤمنٍ كانَ بَيْنَهُ وبينَ مؤمنٍ حِجابٌ ضَرَبَ اللهُ عزّوجلّ بَينَهُ وبينَ الجَنَّةِ سَبعينَ ألفَ سُورٍ، ما بَينَ السُّورِ إلىٰ السُّورِ مَسيرَةُ ألفِ عامٍ.[۲]

۳۶۴۲. امام صادق ﷺ: هر مؤمنی که خود را از دسترس مؤمن دیگر دور نگه دارد، خداوند عزّوجلّ میان او و بهشت هفتاد هزار حصار بکشد، که میان هر حصار با حصار دیگر، هزار سال راه است.

۹۶۹
مَن كَسا أخاهُ المُؤمِنَ

کسی که برادر مؤمن خود را بپوشاند

۳۶۴۳. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن كسا أخاهُ المؤمنَ مِن عُرْيٍ كَساهُ اللهُ مِن سُنْدُسِ الجَنَّةِ وإسْتَبْرَقِها وحَريرِها، ولَم يَزَلْ يَخوضُ في رِضْوانِ اللهِ ما دامَ علىٰ المَكْسُوِّ مِنهُ سِلْكٌ.[۳]

۳۶۴۳. پیامبر خدا ﷺ: هر که برادر مؤمن برهنهٔ خود را بپوشاند خداوند از دیبای نازک و دیبای ستبر و حریر بهشت بر تن او کند، و تا زمانی که نخی از آن جامه باقی است، پیوسته او در رضوان الهی غوطه‌ور باشد.

۳۶۴۴. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مَن كسا مؤمناً ثَوْباً مِن عُرْيٍ كَساهُ اللهُ مِن إسْتَبْرَقِ الجَنَّةِ. ومَن كسا مؤمناً ثَوْباً مِن غِنىً لَم يَزَلْ في سِترِ اللهِ ما بَقِيَ مِن الثَّوبِ خِرْقَةٌ.[۴]

۳۶۴۴. امام صادق ﷺ: هرکه مؤمن برهنه‌ای را بپوشاند، خداوند دیبای ستبر بهشتی بر تن او کند و هر که جامه‌ای بر تن مؤمنی کند، تا تکّه‌ای از آن جامه باقی است، پیوسته او در پوشش و ستر الهی باشد.

۳۶۴۵. عنه ﷺ: مَن كسا أخاهُ كِسْوَةَ شِتاءٍ أو صَيْفٍ كانَ حَقّاً علىٰ اللهِ أنْ يَكْسُوَهُ مِن ثِيابِ الجَنَّةِ، وأنْ يُهَوِّنَ علَيهِ سَكَراتِ المَوتِ،

۳۶۴۵. امام صادق ﷺ: هر که لباسِ زمستانی یا تابستانی به برادر خود بپوشاند، بر خداست که از جامه‌های بهشت بر تن او کند و سختیهای مردن را بر وی آسان گرداند و در قبرش بر او گشایش دهد و آن

---

۱. الاختصاص: ۳۱. ۲. الكافي: ۱/۳۶۴/۲.
۳. بحار الأنوار: ۱۱/۱۹۲/۷۷.
۴. الكافي: ۵/۲۰۵/۲.

وأنْ يُوسِّعَ عَلَيهِ في قَبرِهِ، وأنْ يَلقىٰ المَلائكَةَ إذا خَرجَ مِن قَبرِهِ بالبُشرىٰ.[1]

۹۷۰
المُبادَرَةُ إلىٰ قَضاءِ الحَوائِجِ

۴۶۳۶ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنَّ الرَّجُلَ لَيَسْألُني الحاجَةَ فأُبادِرُ بقَضائها ؛ مَخافَةَ أنْ يَستَغْنيَ عنها، فلا يَجِدَ لَها مَوقِعاً إذا جاءَتْهُ.[2]

۴۶۳۷ . عنه ﷺ: إنّي لأُسارِعُ إلىٰ حاجَةِ عَدُوّي خَوفاً أنْ أرُدَّهُ فيَستَغْنيَ عنّي.[3]

۹۷۱
أدَبُ طَلَبِ الحاجَةِ

۴۶۳۸ . الإمامُ الحسينُ ﷺ: لا تَرفَعْ حاجَتَكَ إلّا إلىٰ أحدِ ثَلاثةٍ: إلىٰ ذِي دِينٍ، أو مُروّةٍ، أو حَسَبٍ ؛ فأمّا ذو الدِّينِ فيَصُونُ دِينَهُ، وأمّا ذو المُروّةِ فإنَّهُ يَستَحيي لِمُروَّتِهِ، وأمّا ذو الحَسَبِ فيَعْلَمُ أنَّكَ لَم تُكرِمْ وَجهَكَ أنْ تَبْذِلَهُ لَهُ في حاجَتِكَ، فهُو يَصونُ وَجهَكَ أنْ يَرُدَّكَ بغَيرِ قَضاءِ حاجَتِكَ.[4]

(انظر) السؤال (طلب الحاجة): باب ۱۷۱۱.

---

۱ . الكافي: ۱/۲۰۴/۲ . ۲ . عيون أخبار الرضا: ۲/۱۷۹/۲.
۳ . بحار الأنوار: ۶۴/۲۰۷/۷۸.
۴ . تحف العقول: ۲۴۷.

گاه که سر از گور بردارد، فرشتگان با بشارت به استقبالش روند.

۹۷۰
شتاب در برآوردن نیازها

۴۶۳۶ . **امام صادق ﷺ**: هرگاه مردی دست نیاز به سوی من دراز کند، در رفع نیاز و مشکل او شتاب می‌ورزم؛ زیرا بیم آن می‌رود که کار از کار بگذرد و اقدام من در کمک به او، دیگر به کارش نیاید.

۴۶۳۷ . **امام صادق ﷺ**: من در برآوردن حاجت دشمن خود شتاب می‌کنم؛ زیرا می‌ترسم دست ردّ به سینهٔ او زنم و او از من بی‌نیاز شود.

۹۷۱
آداب حاجت خواهی

۴۶۳۸ . **امام حسین ﷺ**: حاجت خود را جز نزد سه کس مَبَر: نزد دیندار، یا جوانمرد، یا بزرگزاده؛ زیرا دیندار، برای حفظ دین خود نیازت را برآورَد و جوانمرد، از مردانگی خود شرم می‌کند و بزرگزاده، می‌داند که تو با رو انداختن به او آبرویت را فروختی و او با برآوردن نیازت، آبروی تو را حفظ می‌کند.

۹۷۲
طَلَبُ الحاجَةِ مِن حَديثِ النِّعمَةِ

۳۶۴۹ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: تُدخِلُ يَدَكَ في فَمِ التِّنّينِ إلىٰ المِرْفَقِ خَيرٌ لكَ مِن طَلَبِ الحَوائجِ إلىٰ مَن لَم يَكُنْ لَهُ وكانَ.[1]

۳۶۵۰ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: إنّما مَثَلُ الحاجَةِ إلىٰ مَن أصابَ مالَهُ حَديثاً كَمَثَلِ الدِّرْهَمِ في فَمِ الأفْعىٰ: أنتَ إلَيهِ مُحْوِجٌ وأنتَ مِنها علىٰ خَطَرٍ.[2]

(انظر) السؤال (طلب الحاجة): باب ۱۷۱۲، ۱۷۱۱.

۹۷۲
حاجت خواهی از نوکیسه

۳۶۴۹ . امام صادق ﷺ: اگر دست خود را تا آرنج در دهان اژدها کنی بهتر است تا این که دست نیاز به سوی تازه به دوران رسیده دراز کنی.

۳۶۵۰ . امام باقر ﷺ: حکایت کسی که نیازمند نوکیسه باشد، حکایت درهمی است که در دهان افعی است، که هم به آن نیاز داری و هم از افعی در خطری.

۹۷۳
الحاجَةُ إلىٰ شِرارِ الخَلقِ

۳۶۵۱ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: اللّٰهُمَّ لا تَجعَلْ بي حاجَةً إلىٰ أحدٍ مِن شِرارِ خَلْقِكَ، وما جَعَلْتَ بي مِن حاجَةٍ فاجْعَلْها إلىٰ أحْسَنِهِم وَجْهاً، وأسْخاهُم بها نَفْساً، وأطْلَقِهِم بها لِساناً، وأقلِّهِم علَيَّ بها مَنّاً.[3]

۳۶۵۲ . عنه ﷺ: قلتُ: اللّٰهُمَّ لا تُحْوِجْني إلىٰ أحَدٍ مِن خَلقِكَ، فقالَ رسولُ اللهِ ﷺ: يا عليُّ، لا تَقُولَنَّ هٰكذا، فلَيس مِن أحَدٍ إلّا وهُو مُحتاجٌ إلىٰ النّاسِ. قالَ: فقلتُ: يا رسولَ

۹۷۳
نیازمند شدن به بدان

۳۶۵۱ . امام علی ﷺ: خدایا! مرا به هیچ یک از بدان خلقت نیازمند مگردان، اگر مرا محتاج کسی کردی به خوشروترین و بخشنده‌ترین کس و آن که نیازم را با زبان خوش برآورد و کمتر بر من منت نهد، محتاج گردان.

۳۶۵۲ . امام علی ﷺ: من گفتم: بار خدایا! مرا محتاج هیچ یک از آفریدگانت مکن. پیامبر خدا ﷺ فرمود: ای علی! هیچ گاه چنین مگو؛ زیرا هیچ کس نیست که به مردم نیاز نداشته باشد. عرض کردم: ای رسول خدا!

---

۱. تحف العقول: ۳۶۵. ۲. تحف العقول: ۲۹۴.
۳. بحار الأنوار: ۱۱۱/۵۶/۷۸.

اللهِ، فما أقولُ؟ قالَ: قُل: اللّهُمَّ لا تُخوِجْني [إلىٰ] شِرارِ خَلْقِكَ. قلتُ: يا رسولَ اللهِ، مَن شِرارُ خلقِهِ؟ قالَ: الّذينَ إذا أعْطَوا مَنُّوا وإذا مَنَعوا عابُوا.[1]

۴۶۵۳. **الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ ـ لِمَن قالَ بحَضْرَتِهِ:** اللّهُمَّ أغْنِني عَن خَلْقِكَ ـ: لَيس هٰكذا، إنّما النّاسُ بالنّاسِ، ولكِنْ قُل: اللّهُمَّ أغْنِني عن شِرارِ خَلْقِكَ.[2]

(انظر) الشرّ: باب ۱۹۵۱، ۱۹۵۲.

پس چه بگویم؟ فرمود: بگو: خدایا! مرا به آفریدگان بَدَت محتاج مکن. عرض کردم: ای پیامبر خدا! آفریدگان بد او کیستند؟ فرمود: کسانی که اگر چیزی بدهند، منّت گذارند و اگر ندهند، سرزنش و نکوهش کنند.

۴۶۵۳. **امام زین العابدین ﷺ** ـ به کسی که در حضور آن حضرت عرض کرد: خدایا! مرا از بندگانت بی نیاز گردان ـ فرمود: این‌طور نگو؛ زیرا مردم به هم نیازمندند؛ بلکه بگو: خدایا! مرا از بدان خلقت بی‌نیاز گردان.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. تنبیه الخواطر: ۳۹/۱. ۲. تحف العقول: ۲۷۸.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الاِحتِياط

احتیاط

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٢/٢٥٨ باب ٣١ «التوقّف عند الشّبهات والاحتياط في الدّين».

وسائل الشّيعة: ١٨/١١١ باب ١٢ «وجوب التّوقّف والاحتياط في القضاء والفتوىٰ».

انظر:

عنوان ٢٥٧ «الشبهة».

۹۷۴
احتَط لِدِينِكَ

الكتاب:

﴿يا أيُّها الّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ حَقَّ تُقاتِه ولا تَمُوتُنَّ إلّا وأنتُم مُسلِمُون﴾.[1]

﴿فَاتَّقُوا اللهَ ما استَطَعْتُم واسْمَعُوا وأَطِيعُوا وأَنفِقُوا خَيراً لِأَنفُسِكُم وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفسِهِ فَأُولئِكَ هُمُ المُفلِحُونَ﴾.[2]

الحديث:

۳۶۵۴ . الإمامُ عليٌّ عليه السلام: اِتَّقُوا اللهَ حَقَّ تُقاتِه، واسْعَوا في مَرْضاتِه، واحْذَرُوا ما حذَّرَكُم مِن أليمِ عَذابِه.[3]

۳۶۵۵ . عنه عليه السلام: فَاتَّقُوا اللهَ عِبادَ اللهِ جِهَةَ ما خَلَقَكُم لَهُ، واحْذَرُوا مِنهُ كُنْهَ ما حَذَّرَكُم مِن نَفْسِه.[4]

۳۶۵۶ . عنه عليه السلام: أخوكَ دِينُكَ، فاحْتَطْ لِدِينِكَ بِما شِئتَ.[5]

---

۱ . آل عمران: ۱۰۲. ۲ . التغابن: ۱۶.
۳ . غرر الحكم: ۲۵۲۱. ۴ . نهج البلاغة: الخطبه: ۸۳.
۵ . الأمالي للطوسي: ۱۶۸/۱۱۰.

۹۷۴
برای دین خود احتیاط کن

قرآن:

«ای مؤمنان! از خداوند چنانکه سزاوار پروای اوست پروا کنید و جز در مسلمانی نمیرید».

«تا آنجا که می‌توانید از خداوند پروا کنید و گوش دهید و اطاعت کنید و به انفاق بپردازید که به خیر خودتان است، و کسانی که از آزمندی نفس خویش در امان بمانند رستگارند».

حدیث:

۳۶۵۴ . **امام علی** عليه السلام: از خدا پروا کنید آن گونه که سزاوار اوست و برای خشنودی او بکوشید و از آنچه شما را از عذاب دردناک حذر نمود حذر نمایید.

۳۶۵۵ . **امام علی** عليه السلام: ای بندگان خدا! از خدا پروا کنید، که برای این آفریده شده‌اید و از اساس آنچه شما را از آن ترسانیده‌اند برحذر باشید.

۳۶۵۶ . **امام علی** عليه السلام: برادر تو دین توست؛ پس تا می‌توانی مواظب دین خود باش.

۴۶۵۷ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: لَكَ أنْ تَـنْظُرَ الحَـزْمَ وتأخُذَ الحائطَةَ لدِينِكَ .[1]

۴۶۵۷ . **امام صادق** ﷺ: در دین خود دوراندیش و محتاط باش .

۴۶۵۸ . عنه ﷺ: خُذْ بالاحْتياطِ في جَميعِ ما تَجِدُ إلَيهِ سبيلاً .[2]

۴۶۵۸ . **امام صادق** ﷺ: در همهٔ کارهایی که برایت پیش می‌آید، محتاط باش .

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱ . بحار الأنوار: ۹/۲۵۹/۲ .

۲ . بحار الأنوار: ۱۱/۲۶۰/۲ .


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۳۴

الحِيلَة

چاره

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:
عنوان ۱۷۷ «الرأي» ، ۴۲۴ «الفكر» ، ۴۹۱ «المكر» .
الحرب : باب ۷۷۱ ، الربا : باب ۱۴۳۹ .

۹۷۵
الحِيلَةُ

۴۶۵۹ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: لِكُلِّ شَيءٍ حِيلَةٌ.[۱]

۴۶۶۰ . عنه ﷺ: الحِيلَةُ فائدَةُ الفِكْرِ.[۲]

۴۶۶۱ . عنه ﷺ: مَن قَعدَ عَن حِيلَتِهِ أقامَتْهُ الشَّدائدُ.[۳]

۴۶۶۲ . عنه ﷺ: أمارَاتُ الدُّولِ إنْشاءُ الحِيَلِ.[۴]

۴۶۶۳ . عنه ﷺ: التَّلطُّفُ في الحِيلَةِ أجْدىٰ مِنَ الوَسيلَةِ.[۵]

۴۶۶۴ . عنه ﷺ: مَن جَهِلَ وُجُوهَ الآراءِ أعْيَتْهُ الحِيَلُ.[۶]

۴۶۶۵ . عنه ﷺ: رُبَّ مُحْتالٍ صَرَعَتْهُ حِيلَتُهُ.[۷]

۴۶۶۶ . الإمامُ الرِّضا ﷺ: مَن طَلَبَ الأمرَ مِن وَجْهِهِ لَم يَزِلَّ، فإنْ زَلَّ لَم تَخْذُلْهُ الحِيلَةُ.[۸]

۹۷۵
چاره

۴۶۵۹ . **امام علی** ﷺ: هر چیزی، چاره‌ای دارد.

۴۶۶۰ . **امام علی** ﷺ: چاره، حاصل اندیشیدن است.

۴۶۶۱ . **امام علی** ﷺ: هرکه از چاره‌اندیشی باز نشیند، سختیها او را بر پای دارند.

۴۶۶۲ . **امام علی** ﷺ: چاره‌جویی، از نشانه‌های دولتمندی است.

۴۶۶۳ . **امام علی** ﷺ: دقّت و ظرافت چاره‌جویی، سودمندتر از وسیله و دستاویز است.

۴۶۶۴ . **امام علی** ﷺ: کسی که از نظرات گوناگون و خوب آگاه نباشد، حیله‌ها او را از پای درآورند.

۴۶۶۵ . **امام علی** ﷺ: بسا چاره اندیشی که چاره‌اش او را به خاک در افکند.

۴۶۶۶ . **امام رضا** ﷺ: هرکس کاری را از راهش بجوید نلغزد و اگر هم لغزید در چاره کردنش در نمی‌ماند.

---

۱ . غرر الحکم: ۷۲۹۱.
۲ . غرر الحکم: ۴۰۲.
۳ . غرر الحکم: ۸۶۷۱.
۴ . غرر الحکم: ۱۲۳۰.
۵ . غرر الحکم: ۲۰۲۵.
۶ . غرر الحکم: ۷۸۶۵.
۷ . غرر الحکم: ۵۳۳۸.
۸ . بحار الأنوار: ۱۰/۳۵۶/۷۸.

۱۳۵

الحیاة

زندگی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:
الآخرة :باب۲۵ ،العلم :باب ۲۷۸۶، ۲۷۹۳ .
معرفةالله :باب۲۵۹۸ .

۹۷۶
الحَياةُ

۴۶۶۷ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: اعلَموا أنَّهُ لَيس مِن شيءٍ إلّا ويَكادُ صاحِبُهُ يَشبَعُ مِنهُ ويَمَلُّه إلّا الحياةَ ؛ فإنَّهُ لا يَجِدُ في المَوتِ راحةً، وإنّما ذلكَ بمَنزِلَةِ الحِكمَةِ الّتي هِي حياةٌ للقَلبِ المَيّتِ، وبَصَرٌ للعَينِ العَمياءِ، وسَمعٌ للأُذُنِ الصَّمّاءِ، ورِيٌّ للظَّمآنِ، وفيها الغِنى كُلُّهُ والسَّلامَةُ.[1]

۴۶۶۸ . **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: إنّ اللهَ عزّوجلّ ... خَلَقَ الحياةَ قَبلَ المَوتِ.[2]

۹۷۶
زندگی

۴۶۶۷ . **امام علی** ﷺ: بدانید که هیچ چیزی نیست جز این که دارنده‌اش از آن سیر و خسته می‌شود، مگر زندگی ؛ زیرا در مرگ آسودگی نمی‌بیند. و آن [چیزی] که سیری نیاورد به منزلهٔ حکمت است که مایهٔ حیات دلِ مرده و بینایی چشم نابینا و شنوایی گوش ناشنوا و سیرابی تشنه کام است و در آن بی‌نیازی کامل [از دنیا] و سلامت [از عذاب آخرت] است.

۴۶۶۸ . **امام باقر** ﷺ: خداوند عزّوجلّ... زندگی را پیش از مرگ آفرید.

۹۷۷
الماءُ وَالحَياةُ

الكتاب:

﴿أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّماوَاتِ وَالأَرْضَ كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ﴾.[3]

۹۷۷
آب و زندگی

قرآن:

«آیا کافران نمی‌دانند که آسمانها و زمین بسته بودند و ما آنها را گشودیم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؟ چرا ایمان نمی‌آورند؟».

---

۱ . نهج البلاغة : الخطبة ۱۳۳.
۲ . الكافي : ۱۱۶/۱۴۵/۸ . ۳ . الأنبياء : ۳۰.

الحديث:

۳۶۶۹ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ : طَعْمُ الماءِ الحياةُ .[۱]

(انظر) الموت: باب ۳۶۸۴، ۳۶۸۵.

۹۷۸
ما هُوَ خَيرٌ مِنَ الحَياةِ

۳۶۷۰ . الإمامُ العسكريُّ ﷺ: خَيرٌ مِن الحياةِ ما إذا فَقَدْتَهُ أبْغَضْتَ الحياةَ، وشَرٌّ مِن المَوتِ ما إذا نَزَلَ بِكَ أحْبَبتَ المَوتَ .[۲]

۹۷۹
الحَياةُ الحَقيقِيَّةُ

۳۶۷۱ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: لا حياةَ إلّا بالدِّينِ، ولا مَوتَ إلّا بجُحودِ اليَقينِ، فاشْرَبوا العَذْبَ الفُراتَ يُنَبِّهْكُم مِن نَوْمَةِ السُّباتِ، وإيّاكُم والسَّمائمَ المُهْلِكاتِ .[۳]

۳۶۷۲ . عنه ﷺ: التَّوحيدُ حياةُ النَّفْسِ .[۴]

۹۸۰
أنواعُ الحَياةِ

۳۶۷۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الذِّكْرُ الجَميلُ أحَدُ الحَياتَينِ .[۵]

---

۱ . تحف العقول: ۳۷۰.
۲ . تحف العقول: ۴۸۹.
۳ . الإرشاد: ۱ / ۲۹۶.
۴ . غرر الحكم: ۵۴۰.
۵ . غرر الحكم: ۱۶۱۲.

حدیث:

۳۶۶۹ . امام صادق ﷺ: مزهٔ آب، زندگی است.

۹۷۸
بهتر از زندگی

۳۶۷۰ . امام عسکری ﷺ: بهتر از زندگی آن است که هرگاه آن را از دست دهی از زندگی بیزار شوی، و از مرگ بدتر آن چیزی است که هرگاه بدان گرفتار آیی، آرزوی مرگ کنی.

۹۷۹
زندگی حقیقی

۳۶۷۱ . امام علی ﷺ: زندگی، جز به دینداری نیست و مرگ، جز با از دست دادن یقین نیست. پس از آب شیرین و گوارا (اسلام ناب) بنوشید، تا شما را از خواب غفلت بیدار کند و از سموم کشنده (دین‌های ساختگی) بپرهیزید.

۳۶۷۲ . امام علی ﷺ: توحید، حیات جان است.

۹۸۰
انواع زندگی

۳۶۷۳ . امام علی ﷺ: نام نیک، یکی از دو زندگی است.

۳۶۷۴ . عنه ﷺ: الذِّكْرُ الجَميلُ أحَدُ العُمْرَينِ.[۱]

۳۶۷۵ . عنه ﷺ: العِلْمُ إحْدىٰ (أحَدُ) الحياتَينِ.[۲]

۳۶۷۶ . عنه ﷺ: السَّهَرُ أحَدُ الحياتَينِ.[۳]

۳۶۷۷ . عنه ﷺ: اكْتَسِبوا العِلْمَ يُكْسِبْكُمُ الحياةَ.[۴]

۳۶۷۸ . عنه ﷺ: بالعِلْمِ تَكونُ الحياةُ.[۵]

(انظر) الموت: باب ۳۶۸۵.

۳۶۷۴ . **امام علی** ﷺ: نام نیک، یکی از دو عمر است.[۱]

۳۶۷۵ . **امام علی** ﷺ: دانش، یکی از دو زندگی است.

۳۶۷۶ . **امام علی** ﷺ: شب زنده‌داری، یکی از دو زندگی است.

۳۶۷۷ . **امام علی** ﷺ: دانش فراگیرید، تا برای شما زندگی به ارمغان آورد.

۳۶۷۸ . **امام علی** ﷺ: زندگی، به دانایی است.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. غرر الحکم: ۱۶۲۸. ۲. غرر الحکم: ۱۶۲۶.
۳. غرر الحکم: ۱۶۸۴. ۴. غرر الحکم: ۲۴۸۶.
۵. غرر الحکم: ۴۲۲۰.

۱. اولین عمر همان عمر طبیعی است.



١٣٦

الحيوان

حيوانات

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

كنز العمّال: ١٢/٣٢٣ـ٣٣٨«فضائل الحيوانات».

كنز العمّال: ١٥/٣٧«في قتل الحيوانات».

كنز العمّال: ١٥/٤١«في قتل المؤذيات».

وسائل الشّيعة: ٨/٣٣٩«أبواب أحكام الدوابّ».

انظر:

الخالق: باب ١١٠٨، فعل المعروف: باب ٢٦٣٠.

٩٨١
حُقوقُ الحَيَوانِ

٣٦٧٩ . رسولُ اللهِ ﷺ ـ لَمّا أبصَرَ ناقَةً مَعقولَةً وعلَيها جِهازُها ـ: أينَ صاحِبُها ؟ مُروهُ فلْيَستَعِدَّ غَداً للخُصومَةِ .[1]

٣٦٨٠ . عنه ﷺ: إنَّ اللهَ يُحِبُّ الرِّفْقَ ويُعينُ عَلَيهِ، فإذا رَكِبتُمُ الدَّوابَّ العُجْفَ فأنزِلوها مَنازِلَها، فإنْ كانتِ الأرضُ مُجْدِبَةً فانجَوا عَنها، وإنْ كانتْ مُخصِبَةً فأنزِلُوها مَنازِلَها .[2]

٣٦٨١ . عنه ﷺ: ارْكَبوا هذهِ الدَّوابَّ سالِمَةً واتَّدِعُوها سالِمَةً، ولا تَتَّخِذوها كَراسِيَّ لأحاديثِكُم في الطُّرُقِ والأسواقِ، فَرُبَّ مَرْكوبَةٍ خَيرٌ مِن راكِبِها وأكْثَرُ ذِكْراً للهِ تبارَكَ وتعالىٰ مِنهُ .[3]

٣٦٨٢ . عنه ﷺ: لَو غُفِرَ لَكُم ما تَأتونَ إلىٰ البَهائِمِ لَغُفِرَ لَكُم كَثيراً .[4]

٣٦٨٣ . عنه ﷺ: ألَا تَتَّقي اللهَ في هٰذهِ البَهيمَةِ الَّتي

١ . بحار الأنوار: ٧/٢٧٦/٥٠ .
٢ . الكافي: ٢/١٢٠/١٢ .
٣ . كنز العمّال: ٢٤٩٥٧ .
٤ . كنز العمّال: ٢٤٩٧٣ .

٩٨١
حقوق حيوانات

٣٦٧٩ . **پیامبر خدا** ﷺ ـ وقتی مادهٔ شتری را دید که زانویش بسته شده و بارش همچنان بر پشت اوست ـ فرمود: صاحب او کجاست؟ به او بگویید خودش را برای شکایت [این شتر در قیامت] آماده کند.

٣٦٨٠ . **پیامبر خدا** ﷺ: خداوند ملایمت و مدارا کردن را دوست دارد و بر انجام آن کمک می‌کند. پس، هرگاه چارپایان لاغر را سوار شدید، آنها را در منزلهایشان فرود آورید. اگر زمین خشک و بی‌گیاه بود با شتاب از آن بگذرید و اگر سرسبز و پر علف بود، آنها را در آن جا استراحت دهید.

٣٦٨١ . **پیامبر خدا** ﷺ: چارپایان سالم را سوار شوید و آنها را سالم نگه دارید و آنها را کرسی خطابه و صحبتهای خود در کوچه‌ها و بازارها نکنید؛ زیرا بسا مرکوبی که از سوارش بهتر و بیشتر از او به یاد خداوند تبارک و تعالی باشد.

٣٦٨٢ . **پیامبر خدا** ﷺ: اگر ستمی که به حیوانات می‌کنید بر شما بخشیده شود، بسیاری از گناهان شما بخشوده شده است.

٣٦٨٣ . **پیامبر خدا** ﷺ: آیا دربارهٔ این بی‌زبانی که

لَهُ ـ: أَلا تَتَّقِي اللهَ في هٰذِهِ البَهيمَةِ الَّتي مَلَّكَكَ اللهُ اِيّاها؟ فَإِنَّهُ شَكاكَ إِلَيَّ وزَعَم أَنَّكَ تُجيعُهُ وتُدئِبُهُ!۱

در نصیحت به او ـ: آیا دربارهٔ این [چارپای] بی‌زبانی که خدا در اختیارت گذاشته، از خدا نمی‌ترسی؟ او از درد و رنجی که به آن می‌رسانی، از تو به خدا شکوه می‌کند.

۴۶۸۴. عنه ﷺ: لَعَنَ اللهُ مَن مَثَّلَ بالحَيوانِ.۲

۴۶۸۴. پیامبر خدا ﷺ: لعنت خدا بر کسی که حیوانی را مُثله کند.

۴۶۸۵. المعجم الكبير عن المهاجر بن قنفذ: رَأىٰ رَسولُ اللهِ ﷺ ثَلاثَةً عَلىٰ دابَّةٍ فَقالَ: الثالِثُ مَلعونٌ.۳

۴۶۸۵. المعجم الكبير ـ به نقل از مهاجر بن قنفذ ـ: پیامبر خدا، سه سواره را سوار بر یک حیوان دید. فرمود: سومی ملعون است.

۴۶۸۶. عنه ﷺ: لِلدّابَّةِ علىٰ صاحِبِها سِتُّ خِصالٍ: يَعْلِفُها إذا نَزَلَ، ويَعْرِضُ عَلَيها الماءَ إذا مَرَّ بِهِ، ولا يَضْرِبُها إلّا علىٰ حَقٍّ، ولا يُحَمِّلُها ما لا تُطيقُ۴، ولا يُكَلِّفُها مِنَ السَّيرِ إلّا طاقَتَها، ولا يَقِفُ عَلَيها فُواقاً.۵

۴۶۸۶. پیامبر خدا ﷺ: حیوان شش حقّ به گردن صاحب خود دارد: هر گاه از آن پیاده شد علفش دهد، هرگاه از آبی گذشت آبش دهد، به ناحقّ آن را نزند، بیشتر از قدرتش آن را بار نکند، بیشتر از توانش آن را راه نبرد و مدت زیادی روی آن درنگ نکند.

۴۶۸۷. عنه ﷺ: إنَّ الدّابَّةَ تقولُ: اللّهُمَّ ارْزُقني مَليكَ صِدْقٍ؛ يُشْبِعُني، ويَسْقِيني، ولا يُحَمِّلُني ما لا اُطيقُ.۶

۴۶۸۷. پیامبر خدا ﷺ: حیوانات می‌گویند: خدایا! صاحب خوبی نصیب من کن؛ کسی که مرا از آب و غذا سیر کند و بیش از توانم بر من بار ننهد.

۴۶۸۸. الإمامُ الصّادقُ ﷺ عن رسولِ اللهِ ﷺ أنَّه سَمِعَ رَجُلاً يَلعَنُ بَعيرَه، فقالَ [ﷺ]: ارجِعْ، ولا تَصْحَبْنا علىٰ بَعيرٍ مَلْعونٍ!۷

۴۶۸۸. امام صادق ﷺ: پیامبر خدا ﷺ شنید که مردی شتر خود را لعنت می‌کند، فرمود: برگرد، با شتر لعنت شده همراه ما نیا.

۴۶۸۹. بحار الأنوار: عن اُمِّ كُلثوم ـ في حديثِ وَفاةِ أبيها أميرِ المؤمنينَ ﷺ ـ: ... ثُمَّ نَزَلَ إلىٰ

۴۶۸۹. بحار الأنوار ـ در حدیث رحلت امیر المؤمنین ﷺ آمده است ـ: ام کلثوم گفت: ... آن گاه امام ﷺ به حیاط خانه رفت. در

---

۱. مسند ابن حنبل: ۱ / ۴۳۹ / ۱۷۵۴.
۲. كنز العمّال: ۲۴۹۷۱. ۳. المعجم الكبير: ۲۰/۳۳۰/۷۸۲.
۴. في المصدر: «يطيق»، والتصويب من مستدرك الوسائل.
۵. الجعفريّات: ۸۵، مستدرك الوسائل: ۸/۲۵۸/۹۳۹۳.
۶. كتاب من لا يحضره الفقيه: ۲/۲۸۹/۲۴۷۷.
۷. دعائم الإسلام: ۱/۳۴۷.

الدّارِ، وكانَ في الدّارِ إوَزٌّ قد أُهدِيَ إلىٰ أخي الحسينِ ﷺ، فلَمّا نَزَلَ خَرَجْنَ وَراءَهُ ورَفْرَفْنَ وَصِحْنَ في وَجْهِهِ، وكانَ قَبلَ تلكَ اللّيلَةِ لَم يَصِحْنَ ... ثُمّ قالَ: يا بُنَيّةُ، بحَقّي عليكِ إلّا ما أطْلَقْتِيهِ؛ فقد حَبَسْتِ ما لَيسَ لَهُ لسانٌ ولا يَقْدِرُ علىٰ الكلامِ إذا جاعَ أو عَطِشَ، فأطْعِميهِ واسْقِيهِ وإلّا خَلّي سبيلَهُ يأكُل مِن حَشائشِ الأرضِ.[1]

(انظر) وسائل الشيعة: ۸ / ۳۵۰ باب ۹.

المروءة: باب ۳۶۰۹.

[حیاط] خانه چند غاز بود که به برادرم حسین ﷺ هدیه شده بود، غازها دنبال امام ﷺ به راه افتادند و پَر و بال می‌زدند و رو به روی ایشان فریاد می‌کردند. تا آن شب چنین سر و صدایی راه نینداخته بودند... سپس امام فرمود: دخترم! به حقّی که مرا بر توست سوگند، این حیوانات را آزاد کن. تو چیزی را نگه داشته‌ای که زبان ندارد و نمی‌تواند بگوید گرسنه است یا تشنه. یا آنها را آب و غذا بده، یا آزادشان کن که از علفهای زمین بچرند.

۹۸۲
ضَربُ الدّابَّةِ

۳۶۹۰. رسولُ اللهِ ﷺ: لا تَضْرِبوا الدَّوابَّ علىٰ وُجوهِها؛ فإنَّها تُسَبِّحُ بحَمْدِ اللهِ.[2]

۳۶۹۱. عنه ﷺ: اضْرِبوها علىٰ النِّفارِ، ولا تَضْرِبوها علىٰ العِثارِ.[3]

۳۶۹۲. عنه ﷺ ـ وقد مَرَّ ﷺ بحِمارٍ قد وُسِمَ في وَجهِهِ ـ: أمَا بَلَغَكُم أنّي لَعَنْتُ مَن وَسَمَ البَهيمَةَ في وَجْهِها أو ضَرَبَها في وَجْهِها؟![4]

۳۶۹۳. كتاب من لا يحضره الفقيه: حَجَّ عليُّ بنُ

۹۸۲
زدن حیوانات

۳۶۹۰. پیامبر خدا ﷺ: به صورت حیوانات نزنید؛ زیرا آنها حمد و تسبیح خدا می‌گویند.

۳۶۹۱. پیامبر خدا ﷺ: حیوان را برای چموشی و سرکشی کردن بزنید، اما به خاطر لغزیدن نزنید.

۳۶۹۲. پیامبر خدا ﷺ ـ وقتی الاغی را دید که صورتش را داغ نهاده‌اند ـ فرمود: مگر نشنیده‌اید که من لعنت کرده‌ام آن کسی را که صورت حیوان را داغ بنهد، یا بر صورت آن تازیانه زند؟

۳۶۹۳. كتاب من لا يحضره الفقيه: علی بن

---

۱. بحار الأنوار: ۲۷۸/۴۲.
۲. الكافي: ۴/۵۳۸/۶، الخصال: ۱۰/۶۱۸.
۳. الكافي: ۱۲/۵۳۹/۶. ۴. التاج الجامع للأصول: ۳۵۱/۴.

الحسينِ عليه السلام علىٰ ناقَةٍ لَهُ أربَعينَ حِجَّةً؛ فما قَرَعَها بسَوْطٍ.[1]

(انظر) وسائل الشيعة: ۸ / ۳۵۲ باب ۱۰.

۹۸۳
ثَوابُ الرِّفقِ بِالحَيَوانِ

۴۶۹۳. رسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: غُفِرَ لامْرأةٍ مُومِسَةٍ مرَّتْ بكلبٍ علىٰ رأسِ رَكِيٍّ يَلْهَثُ كادَ يَقْتُلُهُ العَطَشُ، فنَزَعَتْ خُفَّها فأوْثَقَتْهُ بخِمارِها فنَزَعَتْ لَهُ مِن الماءِ، فغُفِرَ لَها بذلكَ.[2]

۹۸۴
جَزاءُ تَعذيبِ الحَيَوانِ

۴۶۹۵. رسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: عُذِّبَتِ امْرأةٌ في هِرَّةٍ رَبَطتْهُ حتّىٰ ماتَ، ولم تُرْسِلْهُ فيأكُلَ مِن خِشاشِ الأرضِ، فوجَبَتْ لَها النّارُ بذلكَ.[3]

۴۶۹۶. عنه صلی الله علیه و آله: رأيتُ في النّارِ صاحِبَةَ الهِرَّةِ تَنْهَشُها مُقْبِلَةً ومُدْبِرَةً، كانتْ أوثَقَتْها فلَم تكُنْ تُطعِمُها ولَم تُرْسِلْها تأكُلُ مِن خِشاشِ الأرضِ.[4]

۴۶۹۷. الإمامُ الصّادقُ علیه السلام: إنّ امرأة عُذِّبَتْ في هِرَّةٍ رَبَطتْها حتّىٰ ماتَتْ عَطَشاً.[5]

---

۱. الكتاب من لا يحضره الفقيه: ۲۲۹۴/۲۹۳/۲.

۲. كنز العمّال: ۴۳۱۱۶. ۳. كنز العمّال: ۴۳۶۹۵.

۴. مستدرك الوسائل: ۹۵۰۲/۳۰۲/۸.

۵. مكارم الأخلاق: ۸۶۴/۲۸۰/۱.

حسین علیه السلام، چهل بار با شترِ خود به حجّ رفت ولی یک تازیانه بر آن نزد.

۹۸۳
ثواب مهربانی با حیوانات

۴۶۹۳. **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله**: زنی بدکاره سگی را دید که بر سر چاهی له‌له می‌زند و کم مانده است از تشنگی بمیرد. او کفش خود را در آورد و آن را به روسری خود بست و به وسیلهٔ آن از چاه آب کشید [و به آن حیوان داد]؛ و به سبب این کار آمرزیده شد.

۹۸۴
کیفر آزار دادن حیوانات

۴۶۹۵. **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله**: زنی به سبب آن که گربه‌ای را بسته بود و اجازه نمی‌داد برای غذای خود شکار کند و بدین سبب مُرد، مستوجب آتش دوزخ گشت.

۴۶۹۶. **پیامبر خدا صلی الله علیه و آله**: در دوزخ زنی را دیدم که گربه‌اش از هر طرف او را گاز می‌گرفت؛ علّتش این بود که [در دنیا] آن حیوان را بسته بود و نه غذایش می‌داد و نه آزادش می‌کرد که خودش حیوانی را شکار کند.

۴۶۹۷. **امام صادق علیه السلام**: زنی به سبب آن که گربه‌ای را بسته بود تا از تشنگی مرد، به عذاب گرفتار آمد.

۹۸۵

ما يَنبَغي عِندَ القَتلِ وَالذَّبحِ

۳۶۹۸ . رسولُ اللهِ ﷺ: إنَّ اللهَ مُحسِنٌ يُحِبُّ الإحسانَ، فإذا قَتَلتُم فَأحسِنوا القِتلَةَ، وإذا ذَبَحتُم فَأحسِنُوا الذِّبحَةَ.[۱]

۳۶۹۹ . عنه ﷺ: إذا حَكَمتُم فَاعدِلُوا، وإذا قَتَلتُم فَأحسِنوا، فإنّ اللهَ مُحسِنٌ يُحِبُّ المُحسِنينَ.[۲]

۳۷۰۰ . عنه ﷺ: إنَّ اللهَ كَتَبَ الإحسانَ علىٰ كُلِّ شيءٍ، فإذا قَتَلتُم فَأحسِنوا القِتلَةَ، وإذا ذَبَحتُم فَأحسِنوا الذِّبحَةَ، ولْيُحِدَّ أحَدُكُم شَفرَتَهُ ولْيُرِحْ ذَبيحَتَهُ.[۳]

۳۷۰۱ . **الترغيب والترهيب** عن ابن عبّاس: مَرَّ رسولُ اللهِ ﷺ علىٰ رَجُلٍ واضِعٍ رِجلَهُ علىٰ صَفحَةِ شاةٍ وهُو يُحِدُّ شَفرَتَهُ، وهي تَلحَظُ إلَيهِ بِبَصَرِها، قالَ: أفلا قَبلَ هذا؟ أوَتُريدُ أن تُميتَها مَوتَتَينِ؟![۴]

(انظر) الإحسان: باب ۸۷۴.

الترغيب والترهيب: ۲ / ۱۵۶ باب «الترهيب من المُثلة بالحيوان ومن قتله لغير الأكل».

---

۱ . كنز العمّال: ۱۳۳۸۲ . ۲ . كنز العمّال: ۱۳۳۸۱ .
۳ . الترغيب والترهيب: ۲ / ۱۵۶ / ۱ .
۴ . الترغيب والترهيب: ۲ / ۱۵۶ / ۲ .

۹۸۵

آنچه به هنگام ذبح [حیوانات] شایسته است

۳۶۹۸ . **پیامبر خدا** ﷺ: خداوند نیکوکاراست و نیکوکاری را دوست دارد. پس هرگاه [حیوانی را برای خوردن] می‌کشید، خوب بکشید و هرگاه ذبح می‌کنید، خوب ذبح کنید.

۳۶۹۹ . **پیامبر خدا** ﷺ: چون حکم (داوری) کردید، عادلانه حکم کنید و چون [حیوانی را برای خوردن] کشتید، نیکو بکشید؛ زیرا که خداوند نیکوکار است و نیکوکاران را دوست دارد.

۳۷۰۰ . **پیامبر خدا** ﷺ: خداوند، در هر موردی به نیک عمل کردن فرمان داده است. پس، هرگاه می‌کشید، نیکو بکشید و هرگاه ذبح می‌کنید، نیکو ذبح کنید و هر کس، باید کارد خود را خوب تیز کند و ذبیحهٔ خود را راحت کند.

۳۷۰۱ . **الترغيب والترهيب** ـ به نقل از ابن عبّاس: رسول خدا ﷺ مردی را دید که پایش را روی سینهٔ گوسفندی گذاشته و مشغول تیز کردن کارد خود است و گوسفند به او خیره شده است. فرمود: نمی‌توانستی قبلاً کاردت را تیز کنی؟ نکند می‌خواهی جان این حیوان را دوبار بستانی؟!

۹۸۶

قَتلُ الحَيَوانِ بِغَيرِ حَقٍّ

۴۷۰۲ . رسولُ اللهِ ﷺ: ما مِن دابَّةٍ ـ طائرٍ ولا غَيرِهِ ـ يُقتَلُ بِغَيرِ الحَقِّ إلّا ستُخاصِمُهُ يَومَ القِيامَةِ.[1]

۴۷۰۳ . عنه ﷺ: مَن قَتَلَ عُصْفوراً عَبَثاً عَجَّ إلَى اللهِ يَومَ القِيامَةِ مِنهُ، يقولُ: يا رَبِّ، إنَّ فُلاناً قَتَلَني عَبَثاً ولَم يَقتُلْني لِمَنفَعَةٍ.[2]

۴۷۰۴ . مسند ابن حنبل عن عبد الله بن عمرو بن العاص: إنّ رسول الله ﷺ قال: مَن قَتَلَ عُصْفوراً بِغَيرِ حقِّهِ سألَهُ اللهُ تعالىٰ عنهُ يَومَ القِيامَةِ. قِيلَ: يا رسولَ الله وما حقُّهُ؟ قالَ: يَذبَحُهُ ذَبْحاً ولا يَأخُذُ بعُنُقِهِ فيَقْطَعُهُ.[3]

۴۷۰۵ . كنز العمّال: نَهىٰ [رسول الله ﷺ] عن قَتلِ كُلِّ ذي رُوحٍ إلّا أنْ يُؤذي.[4]

(أنظر) وسائل الشيعة: ۸ / ۳۹۷ باب ۵۳.

الذنب: باب ۱۳۷۱.

۹۸۶

به ناحقّ کشتن حیوانات

۴۷۰۲ . **پیامبر خدا** ﷺ: هر حیوانی ـ پرنده یا جز آن ـ که به ناحقّ کشته شود در روز قیامت از قاتل خود شکایت خواهد کرد.

۴۷۰۳ . **پیامبر خدا** ﷺ: هرکس گنجشکی را بی سبب بکُشد، آن گنجشک در روز قیامت از او به درگاه خدا بنالد و بگوید: پروردگار من! فلانی مرا نه برای استفاده که بی‌سبب کشت.

۴۷۰۴ . **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از عبد الله بن عمرو بن العاص ـ: پیامبر خدا ﷺ فرمود: هر کس گنجشکی را، بدون رعایت حقّ آن، بکُشد خداوند متعال در روز قیامت از او بازخواست کند. عرض شد: حقّ گنجشک چیست؟ فرمود: این که او را ذبح کند، نه این که گردنش را بکَنَد.

۴۷۰۵ . **کنز العمال**: [رسول الله ﷺ] از کشتن هر جانداری نهی فرمود، مگر آن که آزار و آسیب برساند.

۹۸۷

النَّهيُ عَنِ التَّحريشِ بَينَ البَهائِمِ

۴۷۰۶ . التاج الجامع للأصول عن ابن عباس: نهىٰ النَّبيُّ ﷺ عنِ التَّحْريشِ بَينَ البَهائمِ.[5]

۹۸۷

نهی از به جان هم انداختن حیوانات

۴۷۰۶ . **التاج الجامع للأصول** ـ به نقل از ابن عباس ـ: پیامبر ﷺ از به جان هم انداختن حیوانات نهی فرمود.

---

۱ . کنز العمّال: ۳۹۹۶۸. ۲ . کنز العمّال: ۳۹۹۷۱.
۳ . مسند ابن حنبل: ۲/۵۶۷/۶۵۶۲.
۴ . کنز العمّال: ۳۹۹۸۱. ۵ . التاج الجامع للأصول: ۴/۳۵۱.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



۱۳۷

الحیاء

شرم

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزید الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۳۲۹/۷۱ باب ۸۱ «الحیاء من الله ومن الخلق».

کنز العمّال: ۱۱۸/۳ «الحیاء».

وسائل الشّیعة: ۵۱۶/۸ باب ۱۱۰ «استحباب الحیاء».

شرح نهج البلاغة: ۴۵/۱۹ «فصل في الحیاء وما قیل فیه».

۹۸۸
فَضلُ الحَياءِ

الكتاب:

﴿فَجاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ ما سَقَيْتَ لَنا فَلَمّا جاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قالَ لا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمِينَ﴾.[1]

الحديث:

۳۷۰۷ . رسولُ اللهِ ﷺ: الحياءُ لا يَأتي إلّا بخَيرٍ.[2]

۳۷۰۸ . عنه ﷺ: الحياءُ خَيرٌ كُلُّهُ.[3]

۳۷۰۹ . عنه ﷺ: إنّ الحياءَ مِن شرائعِ الإسلامِ.[4]

۳۷۱۰ . عنه ﷺ: ما كانَ الفُحْشُ في شَيءٍ إلّا شانَهُ، ولا كانَ الحياءُ في شَيءٍ قَطُّ إلّا زانَهُ.[5]

۳۷۱۱ . عنه ﷺ: لو كانَ الحياءُ رجُلاً لكانَ صالِحاً.[6]

۳۷۱۲ . عنه ﷺ: إنّ اللهَ يُحِبُّ الحَيِيَّ المُتَعَفِّفَ، ويُبْغِضُ البَذِيَّ السّائلَ المُلْحِفَ.[7]

---

۱ . القصص: ۲۵. ۲ . كنز العمّال: ۵۷۶۳.
۳ . معاني الأخبار: ۹۲/۴۰۹. ۴ . كنز العمّال: ۵۷۷۲.
۵ . الأمالي للطوسي: ۳۲۰/۱۹۰.
۶ . كنز العمّال: ۵۷۸۱. ۷ . الأمالي للطوسي: ۴۳/۳۹.

۹۸۸
فضيلت شرم

قرآن:

«يكى از آن دو [دختر شعيب] كه به آزرم راه مى‌رفت نزد او (موسى) آمد و گفت: پدرم تو را مى‌خواند تا مزد آب دادنت را بدهد. چون نزد او آمد و سرگذشت خويش بگفت، گفت: مترس، كه تو از مردم ستمكاره نجات يافته‌اى».

حديث:

۳۷۰۷ . **پيامبر خدا** ﷺ: شرم، جز خوبى به بار نمى‌آورد.

۳۷۰۸ . **پيامبر خدا** ﷺ: شرم، سراسر خير و خوبى است.

۳۷۰۹ . **پيامبر خدا** ﷺ: شرم، از شرايع اسلام است.

۳۷۱۰ . **پيامبر خدا** ﷺ: بى‌شرمى با چيزى همراه نشد، مگر اين كه آن را زشت گردانيد. و حيا، با چيزى همراه نگشت، مگر اين كه آن را آراست.

۳۷۱۱ . **پيامبر خدا** ﷺ: اگر شرم به صورت مردى مجسّم مى‌شد، هر آينه مردى صالح و نيكوكار بود.

۳۷۱۲ . **پيامبر خدا** ﷺ: خداوند، باحياى پاكدامن را دوست دارد و از گداى سمج بى‌شرم نفرت دارد.

۳۷۱۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحياءُ سَبَبٌ إلىٰ كُلِّ جَميلٍ.[۱]

۳۷۱۳ . **امام علی** ﷺ: شرم، وسیلهٔ رسیدن به هر زیبایی است.

۳۷۱۴ . عنه ﷺ: أحسَنُ مَلابِسِ الدِّينِ الحياءُ.[۲]

۳۷۱۴ . **امام علی** ﷺ: زیباترین جامهٔ دین، شرم است.

۳۷۱۵ . عنه ﷺ: الحياءُ تَمامُ الكَرَمِ، وأحسَنُ الشِّيَمِ.[۳]

۳۷۱۵ . **امام علی** ﷺ: شرم، کمال بزرگواری و بهترین خوی است.

۳۷۱۶ . عنه ﷺ: الحياءُ مِفتاحُ كُلِّ الخَيرِ.[۴]

۳۷۱۶ . **امام علی** ﷺ: شرم، کلید همهٔ خوبیهاست.

۳۷۱۷ . عنه ﷺ: مَن كساهُ الحياءُ ثَوبَهُ خَفِيَ علىٰ النّاسِ عَيبُهُ.[۵]

۳۷۱۷ . **امام علی** ﷺ: هرکس که شرم، جامهٔ خود را بر او بپوشاند، عیبش بر مردم پوشیده مانَد.

۳۷۱۸ . عنه ﷺ: أعقَلُ النّاسِ أحياهُم.[۶]

۳۷۱۸ . **امام علی** ﷺ: خردمندترین مردم، با شرم‌ترین آنهاست.

۳۷۱۹ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ في رِسالَةٍ كَتَبَها إلىٰ أصحابِهِ وأمَرَهم بمُدارَسَتِها والنَّظرِ فيها ـ: علَيْكُم بالحياءِ، والتَّنَزُّهِ عَمّا تَنَزَّهَ عَنهُ الصّالحونَ قَبلَكُم.[۷]

۳۷۱۹ . **امام صادق** ﷺ ـ در نامه‌ای به اصحاب خود که به آنان دستور داد پیوسته آن را بخوانند و از نظر بگذرانند ـ نوشت: بر شما باد شرم و دوری کردن از آنچه مردمان صالح پیش از شما از آنها دوری کردند.

۳۷۲۰ . مصباح الشريعة ـ فيما نسبه إلى الإمام الصادق ﷺ ـ: الحياءُ نُورٌ جَوهَرُهُ صَدرُ الإيمانِ، وتَفسيرُهُ التَّثَبُّتُ عِندَ كُلِّ شَيءٍ يُنكِرُهُ التَّوحيدُ والمَعرِفَةُ.[۸]

۳۷۲۰ . **مصباح الشریعة** ـ در آنچه به امام صادق ﷺ نسبت داده است ـ: شرم نوری است که ذات و جوهر آن صدرِ ایمان است، معنای شرم این است که در برابر هر آنچه با توحید و معرفت ناسازگار است خویشتنداری کنی.

۹۸۹
الحَياءُ رَأسُ المَكارِمِ

۳۷۲۱ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنّ خِصالَ المَكارِمِ

۹۸۹
شرم سرآمد مکارم اخلاق است

۳۷۲۱ . **امام صادق** ﷺ: خصلت‌های نیک، یکی

---

۱ . بحار الأنوار: ۱/۲۱۱/۷۷.
۲ . غرر الحكم: ۲۹۹۷.
۳ . غرر الحكم: ۱۳۴۰.
۴ . غرر الحكم: ۳۴۰.
۵ . بحار الأنوار: ۱/۲۸۷/۷۷.
۶ . غرر الحكم: ۲۹۰۰.
۷ . بحار الأنوار: ۹۳/۲۱۱/۷۸.
۸ . مصباح الشريعة: ۵۱۰.

بَعْضُها مُقيَّدٌ بِبَعْضٍ، يُقَسِّمُها اللهُ حَيثُ يشاءُ، تَكونُ في الرَّجُلِ ولا تكونُ في ابنِهِ، وتكونُ في العَبدِ ولا تكونُ في سَيِّدِهِ: صِدْقُ الحَديثِ، وصِدْقُ النّاسِ، وإعْطاءُ السّائِلِ، والمُكافَأةُ بالصَّنائِعِ، وأداءُ الأمانَةِ، وصِلَةُ الرَّحِمِ، والتَّوَدُّدُ إلَى الجارِ والصّاحِبِ، وقِرَى الضَّيفِ، ورأسُهنَّ الحياءُ.[1]

بسته به دیگری است، خداوند آنها را به هر که خود خواهد می‌دهد. ممکن است در مرد باشد، ولی در فرزندش نباشد، در بند باشد و در خواجه‌اش نباشد. [این خوبیها عبارتند از:] راستگویی، صداقت با مردم، عطا کردن به درخواست‌کننده، جبران کردن خوبیها، امانتداری، صلهٔ رحم، دوستی و مهربانی با همسایه و یار، میهمان‌نوازی و در رأس همهٔ اینها شرم.

۹۹۰
آثارُ الحَياءِ

۳۷۲۲. رسولُ اللهِ ﷺ: أمّا الحياءُ فيتَشَعَّبُ مِنهُ: اللِّينُ، والرّأفَةُ، والمُراقَبَةُ للهِ في السِّرِّ والعَلانِيَةِ، والسَّلامَةُ، واجْتِنابُ الشَّرِّ، والبَشاشَةُ، والسَّماحَةُ، والظَّفَرُ، وحُسْنُ الثَّناءِ علَى المَرءِ في النّاسِ، فهذا ما أصابَ العاقِلُ بالحياءِ، فطُوبَى لِمَن قَبِلَ نَصيحَةَ اللهِ وخافَ فَضيحَتَهُ.[2]

۳۷۲۳. الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحياءُ يَصُدُّ عَنْ فِعْلِ القَبيحِ.[3]

۳۷۲۴. عنه ﷺ: سَبَبُ العِفَّةِ الحياءُ.[4]

۹۹۰
پیامدهای شرم

۳۷۲۲. **پیامبر خدا** ﷺ: اما آنچه از شرم منشعب می‌شود: نرمش، مهربانی، در نظر داشتن خدا در آشکار و نهان، سلامت [نفس]، دوری کردن از بدی، خوشرویی، گذشت و بخشندگی، موفقیت و خوشنامی در میان مردم است. اینها فوایدی است که خردمند از شرم می‌برد. پس خوشا کسی که نصیحت خدا را بپذیرد و از رسواگری او بترسد.

۳۷۲۳. **امام علی** ﷺ: شرم، مانع زشتکاری می‌شود.

۳۷۲۴. **امام علی** ﷺ: علت پاکدامنی، شرم است.

---

۱. الأمالي للطوسي: ۵۹۷/۳۰۱.
۲. تحف العقول: ۱۷. ۳. غرر الحكم: ۱۳۹۳.
۴. غرر الحكم: ۵۵۲۷.

۳۷۲۵ . عنه ﷺ: أصْلُ المُروءَةِ الحياءُ، وثَمَرتُها العِفَّةُ.[۱]

۳۷۲۶ . عنه ﷺ: علىٰ قَدْرِ الحياءِ تكونُ العِفَّةُ.[۲]

۳۷۲۷ . عنه ﷺ: حَسْبُ المَرءِ... مِن حيائِهِ أنْ لا يَلْقىٰ أحَداً بما يَكْرَهُ.[۳]

۳۷۲۸ . عنه ﷺ: الحياءُ غَضُّ الطَّرْفِ.[۴]

۹۹۱
الحَياءُ وَالإيمانُ

۳۷۲۹ . رسولُ اللهِ ﷺ: إنّ لِكُلِّ دِينٍ خُلُقاً، وإنّ خُلُقَ الإسلامِ الحياءُ.[۵]

۳۷۳۰ . عنه ﷺ: الحياءُ هُوَ الدِّينُ كُلُّهُ.[۶]

۳۷۳۱ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: كَثْرَةُ حياءِ الرَّجُلِ دَليلُ إيمانِهِ.[۷]

۳۷۳۲ . عنه ﷺ: لا إيمانَ كالحياءِ والسَّخاءِ.[۸]

۳۷۳۳ . الإمامُ الحسنُ ﷺ: لاحياءَ لِمَنْ لادِينَ لَهُ.[۹]

۳۷۳۴ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: الحياءُ والإيمانُ مَقْرونانِ في قَرَنٍ، فإذا ذَهَبَ أحَدُهُما تَبِعَهُ صاحِبُهُ.[۱۰]

---

۱ . غرر الحكم: ۳۱۰۱.
۲ . غرر الحكم: ۶۱۸۱.
۳ . بحار الأنوار: ۶۶/۸۰/۷۸.
۴ . غرر الحكم: ۴۶۲.
۵ . كنز العمّال: ۵۷۵۷.
۶ . كنز العمّال: ۵۷۶۱.
۷ . غرر الحكم: ۷۰۹۷.
۸ . غرر الحكم: ۱۰۷۵۳.
۹ . بحار الأنوار: ۶/۱۱۱/۷۸.
۱۰ . بحار الأنوار: ۴۵/۱۷۷/۷۸.

۳۷۲۵ . **امام علی** ﷺ: ریشهٔ جوانمردی، شرم است و میوهٔ آن، پاکدامنی.

۳۷۲۶ . **امام علی** ﷺ: [اندازهٔ] پاکدامنی به اندازهٔ حیا بستگی دارد.

۳۷۲۷ . **امام علی** ﷺ: ... در شرم آدمی همین بس که با کسی آن گونه که او ناخوشایند می‌دارد رفتار نکند.

۳۷۲۸ . **امام علی** ﷺ: شرم، فروهشتن چشم است.

۹۹۱
شرم و ایمان

۳۷۲۹ . **پیامبر خدا** ﷺ: هر دینی را خویی است، خوی اسلام، شرم است.

۳۷۳۰ . **پیامبر خدا** ﷺ: شرم، همهٔ دین است.

۳۷۳۱ . **امام علی** ﷺ: شرمِ زیاد مرد نشانهٔ ایمان اوست.

۳۷۳۲ . **امام علی** ﷺ: ایمانی چون شرم و بخشندگی نیست.

۳۷۳۳ . **امام حسن** ﷺ: شرم ندارد کسی که دین ندارد.

۳۷۳۴ . **امام باقر** ﷺ: شرم و ایمان به هم پیوسته‌اند؛ هرگاه یکی از آنها برود، دیگری هم در پی آن روانه شود.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۳۷۳۵ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنّ الحياءَ والعَفافَ والعِيَّ ـ عِيَّ اللِّسانِ لا عِيَّ القلبِ ـ مِنَ الإيمانِ، والفُحْشَ والبَذاءَ والسَّلاطَةَ مِنَ النِّفاقِ.[۱]

۳۷۳۵ . امام صادق ﷺ: شرم و پاکدامنی و کُندی ـ کندی زبان، نه کندی دل ـ از ایمان است، و زشتگویی و بدزبانی و دریدگی از نفاق.

۳۷۳۶ . عنه ﷺ: لا إيمانَ لِمَن لا حياءَ لَهُ.[۲]

۳۷۳۶ . امام صادق ﷺ: ایمان ندارد کسی که شرم ندارد.

۳۷۳۷ . الإمامُ الكاظمُ ﷺ: الحياءُ مِنَ الإيمانِ، والإيمانُ في الجَنَّةِ. والبَذاءُ مِنَ الجَفاءِ، والجَفاءُ في النّارِ.[۳]

۳۷۳۷ . امام کاظم ﷺ: شرم، از ایمان است و ایمان، در بهشت جای دارد و فحّاشی از بی ادبی است و بی ادبی در دوزخ است.

۹۹۲
الحَياءُ المَذمومُ

۳۷۳۸ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: قُرِنَتِ الهَيْبَةُ بِالخَيْبَةِ، والحياءُ بالحِرْمانِ.[۴]

۳۷۳۹ . عنه ﷺ: قُرِنَ الحياءُ بالحِرْمانِ.[۵]

۳۷۴۰ . عنه ﷺ: الحياءُ مَحْرَمَةٌ.[۶]

۳۷۴۱ . عنه ﷺ: الحياءُ يَمْنَعُ الرِّزْقَ.[۷]

۳۷۴۲ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مَن رَقَّ وَجْهُهُ رَقَّ عِلْمُهُ.[۸]

(انظر) وسائل الشيعة: ۸ / ۵۱۸ باب ۱۱۱.

۹۹۲
شرم نکوهیده

۳۷۳۸ . امام علی ﷺ: ترس، با ناکامی قرین است، و کمرویی با محرومیّت.

۳۷۳۹ . امام علی ﷺ: کمرویی با محرومیّت قرین است.

۳۷۴۰ . امام علی ﷺ: کمرویی، محرومیّت آور است.

۳۷۴۱ . امام علی ﷺ: کمرویی مانع روزی است.

۳۷۴۲ . امام صادق ﷺ: هرکه کمرو باشد، کم دانش شود.

---

۱ . بحار الأنوار: ۱۴/۱۱۳/۷۹.
۲ . الكافي: ۵/۱۰۶/۲. ۳ . بحار الأنوار: ۱/۳۰۹/۷۸.
۴ . بحار الأنوار: ۲۳/۳۳۷/۷۱.
۵ . غرر الحكم: ۶۷۱۴. ۶ . غرر الحكم: ۱۳۹.
۷ . غرر الحكم: ۲۷۴. ۸ . الكافي: ۳/۱۰۶/۲.

۹۹۳

حَياءُ العَقلِ وحَياءُ الحُمقِ

۴۷۴۳ . رسولُ اللهِ ﷺ: الحياءُ حياءانِ: حياءُ عَقْلٍ وحياءُ حُمْقٍ، فحَياءُ العَقلِ العِلْمُ، وحَياءُ الحُمْقِ الجَهْلُ.[۱]

۴۷۴۴ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَنِ اسْتَحيىٰ مِن قَولِ الحَقِّ فهُو أحمَقُ.[۲]

۴۷۴۵ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: الحياءُ علىٰ وَجْهَينِ، فمِنهُ ضَعْفٌ ومِنهُ قُوَّةٌ، وإسلامٌ وإيمانٌ.[۳]

۹۹۳

حیای خردمندانه و حیای نابخردانه

۴۷۴۳ . **پیامبر خدا** ﷺ: حیا دو گونه است: حیای خردمندانه و حیای احمقانه. حیایِ خردمندانه، دانش است، و حیایِ احمقانه، جهل و نادانی.

۴۷۴۴ . **امام علی** ﷺ: کسی که از گفتن حقّ شرم کند احمق است.

۴۷۴۵ . **امام صادق** ﷺ: شرم بر دو گونه است؛ یک شرم ضعف و ناتوانی است و شرمِ دیگر قدرت و اسلام و ایمان.

۹۹۴

ما يَتَرَتَّبُ عَلىٰ عَدَمِ الحَياءِ

۴۷۴۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: مَن لَم يَسْتَحيِ مِن اللهِ في العَلانِيَةِ لَم يَسْتَحيِ مِن اللهِ في السِّرِّ.[۴]

۴۷۴۷ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن لَم يَسْتَحيِ مِن النّاسِ لَم يَسْتَحيِ مِن اللهِ سبحانَهُ.[۵]

۴۷۴۸ . الإمامُ العسكريُّ ﷺ: مَن لَم يَتَّقِ وُجوهَ النّاسِ لَم يَتَّقِ اللهَ.[۶]

۹۹۴

نتیجهٔ بی‌شرمی

۴۷۴۶ . **پیامبر خدا** ﷺ: کسی که در آشکار، از خدا شرم نکند، در نهان نیز از او شرم نمی‌کند.

۴۷۴۷ . **امام علی** ﷺ: کسی که از مردم شرم نکند، از خداوند سبحان نیز شرم نمی‌کند.

۴۷۴۸ . **امام عسکری** ﷺ: کسی که از مردم پروا نکند، از خدا نیز پروا ننماید.

---

۱ . بحار الأنوار: ۷۵/۱۴۹/۷۷.
۲ . غرر الحكم: ۸۶۵۰. ۳ . بحار الأنوار: ۳۴/۲۴۲/۷۸.
۴ . كنز العمّال: ۵۷۸۹. ۵ . غرر الحكم: ۹۰۸۱.
۶ . بحار الأنوار: ۲۲/۳۳۶/۷۱.

۹۹۵

إذا لَم تَستَحي فَاعمَلْ ما شِئتَ!

۳۷۴۹ . رسولُ اللهِ ﷺ: لم يَبْقَ مِن أمثالِ الأنبياءِ عليهم السلام إلّا قَولُ النّاسِ: إذا لَم تَستَحِي فاصْنَعْ ما شِئتَ.[۱]

۳۷۵۰ . عنه ﷺ: آخِرُ ما أدْرَكَ النّاسُ مِن كَلامِ النُّبُوّةِ الأُولىٰ: إذا لَم تَستَحِي فاصْنَعْ ما شِئتَ.[۲]

۳۷۵۱ . عنه ﷺ: إنّ آخِرَ ما يَتعَلّقُ بِهِ أهلُ الجاهِلِيَّةِ مِن كلامِ النُّبوّةِ: إذا لَم تَستَحِي فاصْنَعْ ما شِئتَ.[۳]

۳۷۵۲ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مَن لَم يَستَحِي مِنَ العَيبِ، ويَزْعَو عندَ الشَّيبِ، ويَخشَ اللهَ بظَهْرِ الغَيبِ، فلا خَيرَ فيهِ.[۴]

۳۷۵۳ . الإمامُ الكاظمُ ﷺ: ما بَقيَ مِن أمثالِ الأنبياءِ عليهم السلام إلّا كَلِمَةٌ: «إذا لَم تَستَحِي فاعْمَلْ ما شِئتَ». أمَا إنّها في بَني اُميَّةَ.[۵]

۹۹۵

آدم بی‌شرم از هیچ کاری ابا ندارد

۳۷۴۹ . **پیامبر خدا ﷺ**: از مثل‌های پیامبران علیهم السلام، ج
این سخنِ مردم بر جای نمانده است: وقتی
حیا نداشتی، هر کاری می‌خواهی بکن.

۳۷۵۰ . **پیامبر خدا ﷺ**: آخرین سخنی که ا
پیامبران نخستین به مردم رسیده این است
چون حیا نداشتی، هر کاری خواستی بکن

۳۷۵۱ . **پیامبر خدا ﷺ**: آخرین سخنی که مردما
جاهلی از سخن وحی گرفتند این است
اگر حیا نداری هر کار خواستی بکن.

۳۷۵۲ . **امام صادق ﷺ**: کسی که از عیب و ننگ، حی
نداشته باشد و در پیری دست ا
خلافکاری نکشد و در نهان از خدا نترسد
خیری در او نیست.

۳۷۵۳ . **امام کاظم ﷺ**: از مثل‌های پیامبران علیهم السلام ج
این جمله بر جای نمانده است: اگر حی
نداشتی، هر کاری می‌خواهی بکن. آگا
باشید که این جمله دربارهٔ بنی امیّه است.

۹۹۶

الاستِحياءُ مِنَ اللهِ

۳۷۵۴ . رسولُ اللهِ ﷺ: اِستَحْيِ مِنَ اللهِ اِستِحياءَكَ مِن

۹۹۶

شرم داشتن از خدا

۳۷۵۴ . **پیامبر خدا ﷺ**: از خدا حیا کن همچنان ک

---

۱ . عيون أخبار الرضا: ۲۰۷/۵۶/۲.
۲ . كنز العمّال: ۵۷۸۰. ۳ . كنز العمّال: ۵۷۹۲.
۴ . بحار الأنوار: ۶۲/۲۰۶/۷۸.
۵ . الخصال: ۶۹/۲۰.

صالِحي جِيرانِكَ ؛ فإنّ فيها زِيادَةَ اليَقينِ.[١]

٣٧٥٥ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: أفضَلُ الحياءِ اسْتِحْياؤكَ مِن اللهِ.[٢]

٣٧٥٥ . امام علی ﷺ: برترین حیا، حیا کردن از خداست.

٣٧٥٦ . عنه ﷺ: الحياءُ مِن اللهِ يَمحُو كَثيراً مِنَ الخَطايا.[٣]

٣٧٥٦ . امام علی ﷺ: حیا از خدا، بسیاری از گناهان را پاک می‌کند.

٣٧٥٧ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: خَفِ اللهَ تعالىٰ لِقُدْرَتِهِ عليكَ، واسْتَحْيِ مِنهُ لِقُرْبِهِ مِنكَ.[٤]

٣٧٥٧ . امام زین العابدین ﷺ: از خدا بترس، چون او بر تو تواناست و از او حیا کن، زیرا که به تو نزدیک است.

٣٧٥٨ . الإمامُ الكاظمُ ﷺ: اسْتَحْيوا مِنَ اللهِ في سَرائِرِكُم كما تَسْتَحْيونَ مِنَ النّاسِ في عَلانِيَتِكُم.[٥]

٣٧٥٨ . امام کاظم ﷺ: در نهان از خدا حیا کنید همچنان که در آشکار از مردم حیا می‌کنید.

٩٩٧
الاستِحياءُ مِنَ المَلَكَينِ

٩٩٧
حیا کردن از دو فرشتهٔ همراه آدمی

٣٧٥٩ . رسولُ اللهِ ﷺ: لِيَسْتَحيِ أحَدُكُم مِن مَلَكَيهِ اللَّذَينِ معَهُ، كما يَسْتَحْيي مِن رجُلَينِ صالِحَينِ مِن جِيرانِهِ، وهُما مَعهُ باللَّيلِ والنَّهارِ.[٦]

٣٧٥٩ . پیامبر خدا ﷺ: هریک از شما باید از دو فرشته‌ای که با خود دارد حیا کند، همچنان که از دو همسایهٔ خوب خود که شب و روز در کنارش هستند حیا می‌کند.

٣٧٦٠ . عنه ﷺ ـ مِن وَصاياهُ لأبي ذرٍّ ـ: يا أبا ذرٍّ، اسْتَحْيِ مِن اللهِ ؛ فإنّي والّذي نَفْسي بِيَدِهِ لَأظَلُّ حِينَ أذْهَبُ إلَى الغائِطِ مُتَقَنِّعاً بِثَوبي

٣٧٦٠ . پیامبر خدا ﷺ ـ در سفارشهای خویش به ابوذر ـ فرمود: ای ابوذر! از خدا شرم داشته باش ؛ به خدا سوگند من هنگامی که برای قضای حاجت می‌روم، از شرمِ دو فرشتهٔ همراهم، چهرهٔ خود

---

١ . بحار الأنوار: ٧٨/٢٠٠/٢٨.
٢ . غرر الحكم: ٣١١٢. ٣ . غرر الحكم: ١٥٤٨.
٤ . بحار الأنوار: ٧١/٣٣٦/٢٢.
٥ . تحف العقول: ٣٩٤. ٦ . كنز العمّال: ٥٧٥١.

أستَحيي مِن المَلَكَينِ اللَّذَينِ مَعي.[۱]

۹۹۸
حَقُّ الحَياءِ

۳۷۶۱ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: قالَ رسولُ اللهِ ﷺ: اسْتَحْيوا مِن اللهِ حَقَّ الحياءِ، فقيلَ: يا رسولَ اللهِ، ومَن يَسْتَحْيي مِن اللهِ حَقَّ الحياءِ ؟! فقال: مَنِ اسْتَحْيىٰ مِن اللهِ حَقَّ الحياءِ فَلْيَكْتُبْ أجَلَهُ بينَ عَيْنَيهِ، ولْيَزْهَدْ في الدُّنيا وزِينَتِها، ويَحْفَظِ الرَّأسَ وما حَوىٰ، والبَطْنَ وما وَعىٰ، ولا يَنْسَى المَقابِرَ والبِلىٰ.[۲]

۳۷۶۲ . الإمامُ الكاظمُ ﷺ: رحِمَ اللهُ مَنِ اسْتَحْيىٰ مِنَ اللهِ حَقَّ الحياءِ، فَحفِظَ الرَّأسَ وما حَوىٰ، والبَطْنَ وما وَعىٰ، وذَكَرَ المَوتَ والبِلىٰ، وعَلِمَ أنَّ الجَنَّةَ مَحفوفَةٌ بالمَكارِهِ والنّارَ مَحفوفَةٌ بالشَّهَواتِ.[۳]

۹۹۹
غايَةُ الحَياءِ

۳۷۶۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: أحسَنُ الحياءِ اسْتِحْياؤُكَ مِن نَفْسِكَ.[۴]

را با جامه‌ام می‌پوشانم.

۹۹۸
شرم حقیقی

۳۷۶۱ . **امام باقر** ﷺ: پیامبر خدا ﷺ فرمود: از خدا حقیقتاً حیا کنید. عرض شد: ای پیامبر خدا! چه کسی از خدا حقیقتاً حیا می‌کند؟ فرمود: کسی که از خدا حقیقتاً حیا داشته باشد، باید اجل خود را در برابر دیدگانش قرار دهد، به دنیا و فریبندگیهای آن پشت کند، مواظب سر و اندیشهٔ خود و شکم و خوراک خود باشد و گورستان و پوسیده شدن [بدن‌ها] را از یاد نبرد.

۳۷۶۲ . **امام کاظم** ﷺ: رحمت خدا بر کسی که از خدا، حقیقتاً حیا کند؛ پس، سر و اندیشهٔ خود و شکم و خوراک خویش را پاس دارد و مردن و پوسیدن را به یاد داشته باشد و بداند که بهشت درآمیخته با سختیهاست و دوزخ پیچیده در خواهشها و هوسها.

۹۹۹
اوج حیا

۳۷۶۳ . **امام علی** ﷺ: زیباترین حیا، حیای تو از خویشتن است.

---

۱ . بحار الأنوار: ۳/۸۳/۷۷. ۲ . بحار الأنوار: ۲۴/۳۱۷/۷۰.
۳ . بحار الأنوار: ۱/۳۰۵/۷۸. ۴ . غرر الحكم: ۳۱۱۴.

۳۷۶۴ . عنه ﷺ: غايَةُ الحياءِ أنْ يَستَحيِيَ المَرءُ مِن نَفْسِهِ.[۱]

۳۷۶۵ . عنه ﷺ: حياءُ الرَّجُلِ مِن نَفسِهِ ثَمَرَةُ الإيمانِ.[۲]

۳۷۶۶ . عنه ﷺ: مِن تَمامِ المُرُوَّةِ أنْ تَستَحيِيَ مِن نَفْسِكَ.[۳]

۳۷۶۷ . عنه ﷺ: مِن أفْضَلِ الوَرَعِ أنْ لا تُبدِيَ في خَلْوَتِكَ ما تَستَحيي مِن إظْهارِهِ في عَلانِيَتِكَ.[۴]

۳۷۶۴ . **امام علی** ﷺ: اوج حیا این است که آدمی از خودش حیا کند.

۳۷۶۵ . **امام علی** ﷺ: حیای آدمی از خود، ثمرهٔ ایمان است.

۳۷۶۶ . **امام علی** ﷺ: از کمالات جوانمردی، این است که از خود حیا کنی.

۳۷۶۷ . **امام علی** ﷺ: از برترین پارسایی[ها] این است که در خلوت کاری نکنی که در آشکار از انجامش حیا می‌کنی.

۱۰۰۰
النَّوادِرُ

۳۷۶۸ . رسولُ اللهِ ﷺ: مَن ألْقىٰ جِلْبابَ الحياءِ لا غِيبَةَ لَهُ.[۵]

۳۷۶۹ . عنه ﷺ: الحياءُ عَشْرَةُ أجْزاءٍ، فتِسْعَةٌ في النِّساءِ وواحِدٌ في الرِّجالِ.[۶]

۳۷۷۰ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: ثَلاثٌ لا يُستَحيىٰ مِنهُنَّ: خِدْمَةُ الرَّجلِ ضَيْفَهُ، وقِيامُهُ عن مَجْلِسِهِ لأبيهِ ومُعلِّمِهِ، وطَلَبُ الحقِّ وإنْ قَلَّ.[۷]

۳۷۷۱ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: طَلَبُ الحَوائجِ إلَى النّاسِ اسْتِلابُ العِزَّةِ ومَذْهَبَةٌ للحياءِ.[۸]

۱۰۰۰
گوناگون

۳۷۶۸ . **پیامبر خدا** ﷺ: کسی که تن پوش حیا را دور افکند، غیبت او اشکال ندارد.

۳۷۶۹ . **پیامبر خدا** ﷺ: حیا ده جزء دارد؛ نُه جزء آن در زنان است و یک جزء در مردان.

۳۷۷۰ . **امام علی** ﷺ: از سه کار شرم نباید کرد: خدمت کردن به میهمان، از جا بر خاستن در برابر پدر و آموزگار خویش، و مطالبهٔ حقّ، گر چه اندک باشد.

۳۷۷۱ . **امام صادق** ﷺ: دست نیاز به سوی مردم دراز کردن، عزّت را سلب می‌کند و حیا را می‌برد.

---

۱. غرر الحكم: ۶۳۶۹. ۲. غرر الحكم: ۴۹۴۴.
۳. غرر الحكم: ۹۳۴۱. ۴. غرر الحكم: ۹۳۴۲.
۵. بحار الأنوار: ۷۷ / ۱۴۹ / ۷۶.
۶. كنز العمّال: ۵۷۶۹. ۷. غرر الحكم: ۴۶۶۶.
۸. مشكاة الأنوار: ۳۲۴، ۱۰۲۷.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

حرف الخاء

عنوان	صفحه
الخاتمة (فرجام)	۲۹۱
المخدّر (موادّ مخدّر)	۲۹۹
الخدمة (خدمت کردن)	۳۰۱
الخوارج (خوارج)	۳۰۵
الخسران (زیانکاری)	۳۲۳
الخشوع (فضیلت خشوع)	۳۳۱
الخصومة (مشاجره)	۳۳۷
الخطبة (سخنرانی)	۳۴۱
الخطّ (خطّ و خوشنویسی)	۳۶۳
الاخلاص (اخلاص)	۳۶۷

۲۹۰ ـــــــ



١٣٨

الخاتمة

فرجام

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٣٦٢/٧١ باب ٩٠ «حسن العاقبة و إصلاح السريرة».

كنز العمّال: ١٥١/٣، ٧١٠ «خوف العاقبة».

انظر:

الإيمان: باب ٢٨٣، ٢٨٤.

الحزم: باب ٨١٧.

المدح: باب ٣٥٩٦.

۱۰۰۱
الخاتِمَةُ

۳۷۷۲ . رسولُ اللهِ ﷺ: لا يَزالُ المؤمنُ خائفاً من سُوءِ العاقِبَةِ، لايَتَيقّنُ الوُصولَ إلىٰ رِضْوانِ اللهِ حتّىٰ يكونَ وَقتُ نَزْعِ رُوحِهِ وظُهورِ مَلَكِ المَوتِ لَهُ.[۱]

۳۷۷۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: إنْ خُتِمَ لكَ بالسَّعادَةِ صِرْتَ إلىٰ الحُبورِ، وأنتَ مَلِكٌ مُطاعٌ، وآمِنٌ لا يُراعُ، يَطوفُ عليكُم وِلْدانٌ كأنَّهُم الجُمانُ بكأسٍ مِن مَعينٍ، بَيْضاءَ لَذّةٍ للشّارِبينَ.[۲]

۳۷۷۴ . عنه ﷺ: كُلُّ مَخلوقٍ يَجْري إلىٰ ما لا يَدْري.[۳]

۱۰۰۲
مِلاكُ العَمَلِ خَواتيمُهُ

۳۷۷۵ . رسولُ اللهِ ﷺ: خَيرُ الأُمورِ خَيرُها عاقِبَةً.[۴]

---

۱ . بحار الأنوار: ۱۳/۳۶۶/۷۱.
۲ . الأمالي للطوسي: ۱۳۵۳/۶۵۲.
۳ . غرر الحكم: ۶۸۸۱.
۴ . الأمالي للصدوق: ۷۸۸/۵۷۶.

۱۰۰۱
فرجام

۳۷۷۲ . **پیامبر خدا** ﷺ: مؤمن پیوسته از بدفرجامی هراسان است و تا زمان جان کندن و ظاهر شدن ملک الموت بر او یقین ندارد که به رضوان الهی خواهد رسید.

۳۷۷۳ . **امام علی** ﷺ: اگر فرجامت با نیکبختی قرین شود، به سوی نعمتها خواهی رفت و شهریاری مطاع خواهی شد و در امان و بدور از هراس خواهی بود، نوجوانانی همچون رشتهٔ مروارید با جامهایی از چشمهٔ خوشگوار که سفید است و نوشندگان را لذّت بخشد، بر گرد شما بچرخند.

۳۷۷۴ . **امام علی** ﷺ: هر آفریده‌ای به سوی سرنوشتی که از آن بی خبر است، به پیش می‌رود.

۱۰۰۲
ملاک کار، فرجام آن است

۳۷۷۵ . **پیامبر خدا** ﷺ: بهترین کارها، خوش‌فرجام‌ترین آنهاست.

۳۷۷۶ . عنه ﷺ: مِلاكُ العَمَلِ خَواتيمُهُ.[۱]

۳۷۷۷ . عنه ﷺ: الأُمورُ بِتَمامِها، والأعْمالُ بِخَواتِمِها.[۲]

۳۷۷۸ . عنه ﷺ: إنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ الزَّمَنَ الطَّويلَ بِعَمَلِ أهْلِ الجَنَّةِ، ثُمَّ يُخْتَمُ لَهُ بِعَمَلِ أهْلِ النّارِ. وإنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ الزَّمَنَ الطَّويلَ بِعَمَلِ أهْلِ النّارِ، ثُمَّ يُخْتَمُ عَمَلُهُ بِعَمَلِ أهْلِ الجَنَّةِ.[۳]

۳۷۷۹ . عنه ﷺ: إنَّ العَبدَ لَيَعْمَلُ عَمَلَ أهْلِ الجَنَّةِ فيما يَرىٰ النّاسُ وإنَّهُ لَمِنْ أهْلِ النّارِ، وإنَّهُ لَيَعْمَلُ عَمَلَ النّارِ فيما يَرىٰ النّاسُ وإنَّهُ لَمِنْ أهْلِ الجَنَّةِ، وإنَّما الأعْمالُ بِالخَواتيمِ.[۴]

۳۷۸۰ . عنه ﷺ: لا عَلَيكُم أنْ تُعْجَبوا بِأحَدٍ حَتّىٰ تَنْظُروا بِما يُخْتَمُ لَهُ، فَإنَّ العامِلَ يَعْمَلُ زَماناً مِن عُمرِهِ أو بُرْهَةً مِن دَهْرِهِ بِعَمَلٍ صالِحٍ لو ماتَ عَلَيهِ دَخَلَ الجَنَّةَ، ثُمَّ يَتَحَوَّلُ فَيَعْمَلُ عَمَلاً سَيِّئاً.[۵]

۳۷۸۱ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَكْروهٌ تُحمَدُ عاقِبَتُهُ خَيرٌ مِن

۳۷۷۶ . **پیامبر خدا ﷺ**: ملاک کار، فرجام آن است.

۳۷۷۷ . **پیامبر خدا ﷺ**: کارها به تمام شدن آنهاست، و اعمال به عاقبت آنها.

۳۷۷۸ . **پیامبر خدا ﷺ**: [گاه] آدمی زمانی دراز عمل اهل بهشت را انجام می‌دهد، اما سرانجامش به عمل اهل دوزخ ختم می‌شود و [گاه] انسان روزگاری دراز مرتکب اعمال دوزخیان می‌شود، اما عاقبتش به عمل بهشتیان می‌انجامد.

۳۷۷۹ . **پیامبر خدا ﷺ**: همانا بنده [گاه] عملی می‌کند که در نظر مردم، کار اهل بهشت است، در حالی که او از دوزخیان است، و [گاه] کارهایی می‌کند که در نگاه مردم، کار دوزخیان است، در حالی که او بهشتی است. همانا اعمال به عاقبت آنهاست.

۳۷۸۰ . **پیامبر خدا ﷺ**: تا فرجام کسی بر شما معلوم نشده از [اعمال خوب] او به شگفت نیایید. چه آن که آدمی [گاه] زمانی دراز از عمر خود، یا برهه‌ای از روزگارش را کارهای شایسته می‌کند که اگر با همان وضع بمیرد به بهشت می‌رود، اما ناگهان تغییر می‌کند و کارهای ناشایست انجام می‌دهد.

۳۷۸۱ . **امام علی ﷺ**: کار ناخوشایندی که فرجام آن

---

۱ . الاختصاص: ۳۴۳.
۲ . بحار الأنوار: ۲/۱۶۵/۷۷.
۳ . کنز العمّال: ۵۴۵.
۴ . کنز العمّال: ۵۹۰.
۵ . کنز العمّال: ۵۸۹.

مَحبوبٍ تُذَمُّ مَغَبَّتُهُ.[۱]

پسندیده باشد، بهتر است از کار خوشایندی که فرجامش نکوهیده باشد.

۳۷۸۲ . عنه ﷺ: إنّ حَقيقةَ السّعادَةِ أن يُختَمَ للمَرءِ عَمَلُهُ بالسَّعادَةِ، وإنَّ حَقيقةَ الشَّقاءِ أنْ يُختَمَ للمَرْءِ عَمَلُهُ بالشَّقاءِ.[۲]

۳۷۸۲ . امام علی ﷺ: حقیقت خوشبختی آن است که عمل انسان به خوشبختی ختم شود، و حقیقت بدبختی آن است که عمل انسان با بدبختی به سرانجام رسد.

۳۷۸۳ . عنه ﷺ: الدُّنيا كُلُّها جَهْلٌ إلّا مَواضِعَ العِلْمِ، والعِلْمُ كُلُّهُ حُجَّةٌ إلّا ما عُمِلَ بِهِ، والعَمَلُ كُلُّهُ رِياءٌ إلّا ما كانَ مُخْلَصاً، والإخْلاصُ علىٰ خَطَرٍ حتّىٰ يَنْظُرَ العَبدُ بما يُختَمُ لَهُ.[۳]

۳۷۸۳ . امام علی ﷺ: دنیا سراسر نادانی است، مگر آن جا که علم باشد و علم همه‌اش حجّت [بر ضد عالم] است، مگر آنچه مورد عمل قرار گیرد و عمل یکسره ریا است، مگر آن چه از روی اخلاص باشد و اخلاص در معرض خطر است، تا بنده بنگرد که عاقبتش چون است.

۳۷۸۴ . كنز العمّال: جاءَ عَمرو بنُ جُرْموزٍ إلىٰ عليِّ بنِ أبي طالبٍ بسَيفِ الزُّبيرِ، فأخَذَهُ عليٌّ فنَظَرَ إلَيهِ، ثُمَّ قالَ: أمَا واللهِ لَرُبَّ كُرْبَةٍ وكَرِبٍ قَد فَرَّجَها صاحِبُ هٰذا السَّيفِ عَن وَجْهِ رسولِ اللهِ ﷺ![۴]

۳۷۸۴ . کنز العمّال: عمرو بن جُرموز شمشیر زبیر را نزد علی بن ابی طالب آورد. حضرت آن را گرفت و بدان نگاهی کرد و فرمود: به خدا قسم چه بسیار رنج و اندوهها که صاحب این شمشیر از چهرهٔ پیامبر خدا ﷺ زدود [امّا...].

۳۷۸۵ . معاني الأخبار: قالَ عيسى ﷺ: إنَّ النّاسَ يقولونَ: إنّ البِناءَ بأساسِهِ وأنا لا أقولُ لَكُم كذٰلكَ. قالوا: فماذا تقولُ يا رُوحَ اللهِ؟ قالَ: بحَقٍّ أقولُ لَكُم: إنّ آخِرَ حَجَرٍ يَضَعُهُ العامِلُ هُوَ الأساسُ.[۵]

۳۷۸۵ . معانی الأخبار: مسیح ﷺ فرمود: مردم می‌گویند: ساختمان به شالودهٔ آن است، اما من به شما چنین نمی‌گویم. عرض کردند: پس شما چه می‌گویی، ای روح الله؟ فرمود: حقیقتی را به شما بگویم: آخرین سنگی که کارگر می‌گذارد، اساس کار است.

قال أبو فَرْوَةَ ـ وهُو راوي الحديثِ ـ:

ابو فروه، راوی حدیث، می‌گوید:

---

۱. غرر الحكم: ۹۷۴۸.
۲. معاني الأخبار: ۱/۳۴۵.
۳. التوحيد: ۱۰/۳۷۱.
۴. كنز العمّال: ۳۱۶۵۷.
۵. معاني الأخبار: ۱/۳۴۸.

إنَّما أرادَ خاتِمَةَ الأمْرِ.

۳۷۸۶ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: يُسْلَكُ بالسَّعيدِ طَريقَ الأشْقياءِ حتّىٰ يَقولَ النّاسُ: ما أشْبَهَهُ بِهِم، بَلْ هُو مِنهُم ثُمَّ يَتَدارَكُهُ السَّعادَةُ. وقَد يُسْلَكُ بالشَّقِيِّ طَريقَ السُّعَداءِ حتّىٰ يَقولَ النّاسُ: ما أشْبَهَهُ بِهِم، بَلْ هُو مِنْهُم ! ثُمَّ يَتَدارَكُهُ الشَّقاء. إنَّ مَن عَلِمَهُ اللهُ تعالىٰ سَعيداً وإنْ لَم يَبْقَ مِن الدُّنيا إلّا فُواقُ ناقَةٍ خَتَمَ لَهُ بالسَّعادَةِ.[1]

(انظر) عنوان ۲۳۳ «السعادة»، ۲۷۳ «الشقاوة».

۱۰۰۳
موجِباتُ حُسنِ العاقِبَةِ

الكتاب:

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْها لا نَسْأَلُكَ رِزْقاً نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوىٰ﴾.[2]

﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُها لِلَّذِينَ لا يُرِيدُونَ عُلُوّاً فِي الْأَرْضِ وَلَا فَساداً وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾.[3]

الحديث:

۳۷۸۷ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: إنْ أرَدْتَ أنْ يُؤْمِنَكَ اللهُ سُوءَ

مراد آن حضرت، عاقبت کار است.

۳۷۸۶ . **امام صادق** ﷺ: گاه انسان خوشبخت، راه شوربختان را می‌پیماید، چندان که مردم می‌گویند: چقدر او شبیه نگون‌بختان است، بلکه یکی از آنان است؛ اما سرانجام، خوشبختی به سراغش می‌آید. و گاه انسان بدبخت [در آغاز،] راه نیکبختان را می‌پوید، تا آن جا که مردم می‌گویند: چقدر او شبیه سعادتمندان است، بلکه از خود آنان است، اما سرانجام، بدبختی، او را فرا می‌گیرد. کسی که علم خدا، بر خوشبختی او تعلّق گرفته است، اگر از عمر دنیا [زمانی] به اندازهٔ فاصلهٔ میان دو شیر دوشیدن شتر باقی مانده باشد، سرانجام خوشبخت می‌شود.

۱۰۰۳
موجبات نیک فرجامی

قرآن:

«کسان خود را به نماز فرمان ده و خود در آن کار پافشاری کن. از تو روزی نمی‌خواهیم. ما به تو روزی می‌دهیم. و فرجام از آن پرهیزگاری است».

«این سرای آخرت را از آن کسانی ساخته‌ایم که در این جهان نه خواهان برتری جویی هستند و نه خواهان فساد. و فرجام نیک از آن پرهیزگاران است».

حدیث:

۳۷۸۷ . **امام علی** ﷺ: اگر می‌خواهی که خداوند تو

---

۱. التوحيد: ۴/۳۵۷. ۲. طه: ۱۳۲.
۳. القصص: ۸۳.

العاقِبَةِ فاعْلَمْ أنَّ ما تَأْتيهِ مِن خَيرٍ فبفَضْلِ اللهِ وتَوفيقِهِ، وما تَأْتيهِ مِن سُوءٍ فبإمْهالِ اللهِ وإنْظارِهِ إيّاكَ وحِلْمِهِ وعَفْوِهِ عَنكَ.[۱]

۳۷۸۸. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مَن كانَ عاقِلاً خُتِمَ لَهُ بالجَنَّةِ إنْ شاءَ اللهُ.[۲]

۳۷۸۹. عنه ﷺ ـ لبعضِ النّاسِ ـ: إنْ أرَدْتَ أنْ يُخْتَمَ بخَيرٍ عَمَلُكَ حتّىٰ تُقْبَضَ وأنتَ في أفْضَلِ الأعْمالِ فعَظِّمْ للهِ حَقَّهُ أن تَبْذُلَ نَعْماءَهُ في مَعاصيهِ، وأنْ تَغْتَرَّ بحِلْمِهِ عَنكَ، وأكْرِمْ كُلَّ مَن وَجَدْتَهُ يُذْكَرُ مِنّا أو يَنْتَحِلُ مَوَدَّتَنا.[۳]

۳۷۹۰. الإمامُ الكاظمُ ﷺ: إنّ خَواتِيمَ أعْمالِكُم قَضاءُ حَوائجِ إخْوانِكُم والإحْسانُ إلَيهِم ما قَدَرْتُم، وإلّا لَم يُقْبَلْ مِنكُم عَمَلٌ. حِنُّوا علىٰ إخْوانِكُم، وارْحَموهُم تَلْحَقوا بِنا.[۴]

(انظر) النعمة: باب ۳۸۵۰.

را از بدعاقبتی نگه دارد بدان که هر خوبی که به تو می‌رسد از فضل و توفیق خداست و هر بدی که به تو می‌رسد خداوند به تو مهلت و فرصت داده است. از بردباری و گذشت او نسبت به خودت بترس.

۳۷۸۸. امام صادق ﷺ: آن که خردمند باشد، فرجامش، به خواست خدا، بهشت است.

۳۷۸۹. امام صادق ﷺ ـ به یکی از مردم ـ فرمود: اگر می‌خواهی که عملت ختم به خیر شود و هنگام مردن با بهترین اعمال بمیری، حقّ خدا را پاس داشته نعمتهایش را در راه معصیت صرف نکن و به سبب بردباریی که نسبت به تو نشان می‌دهد دچار غرور و غفلت نشو و هر کس را که دیدی از ما به نیکی یاد می‌کند یا از محبت ما دم می‌زند گرامی بدار.

۳۷۹۰. امام کاظم ﷺ: پایان اعمال شما به این است که در حدّ توان خود، نیازهای برادرانتان را بر آورید و به آنان نیکی کنید. در غیر این صورت، اعمال شما پذیرفته نشود. با برادران خود مهربان و دلسوز باشید تا به ما بپیوندید.

۱۰۰۳
موجِباتُ سوءِ العاقِبَةِ

الكتاب:

﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا

۱۰۰۳
موجبات بد فرجامی

قرآن:

«پیش از شما سنتهایی بوده است؛ پس بر روی زمین

۱. بحار الأنوار: ۶۰/۳۹۲/۷۰.
۲. ثواب الأعمال: ۱/۲۹. ۳. عيون أخبار الرضا: ۸/۴/۲.
۴. بحار الأنوار: ۴۰/۳۷۹/۷۵.

كَيْفَ كَانَ عاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ﴾.[۱]

﴿وَأَمْطَرْنا عَلَيْهِمْ مَطَراً فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ﴾.[۲]

﴿وَلا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجاً وَاذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلاً فَكَثَّرَكُمْ وَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ﴾.[۳]

﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ﴾.[۴]

الحديث:

۳۷۹۱ . الإمامُ عليٌّ عليه السلام: الظُّلْمُ وَخِيمُ العَاقِبَةِ.[۵]

۳۷۹۲ . عنه عليه السلام: طَاعَةُ دَواعِي الشُّرورِ تُفسِدُ عَوَاقِبَ الأُمورِ.[۶]

۳۷۹۳ . عنه عليه السلام: مَن عَبَدَ الدُّنيا وآثَرَها عَلى الآخِرَةِ استَوْخَمَ العَاقِبَةَ.[۷]

۳۷۹۴ . الكافي: فيما وعَظَ اللهُ عزّوجلّ عيسى عليه السلام: يا عِيسىٰ اِعْقِلْ وَتفكّرْ وانظُرْ في نواحِي الأرضِ كَيفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظّالِمين.[۸]

(انظر) الذنب: باب ۱۳۷۵.

---

۱. آل عمران: ۱۳۷. ۲. الأعراف: ۸۴.
۳. الأعراف: ۸۶. ۴. يونس: ۳۹.
۵. مستدرك الوسائل: ۱۲/۱۰۰.
۶. غرر الحكم: ۶۰۰۱. ۷. الخصال: ۶۳۲/۱۰.
۸. الكافي: ۸/۱۴۰/۱۰۳.

بگردید و بنگرید که فرجام آنها که پیامبران را به دروغگویی نسبت می‌دادند چه بوده است».

«و [سپس چنان] بارانی [از سنگ] بر آنها باراندیم [که آنها را نابود ساخت] پس، بنگر که فرجام مجرمان چگونه بود».

«و بر سر راهها منشینید تا مؤمنان به خدا را بترسانید و از راه خدا رویگردان سازید و به کجروی وا دارید. و به یاد آرید آن گاه که اندک بودید، خدا بر شمار شما افزود. و بنگرید که فرجام مفسدان چگونه بوده است».

«چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نیافته بودند و هنوز از تأویل آن بی‌خبر بودند. کسانی که پیش از آنان بودند نیز پیامبران را چنین به دروغ نسبت دادند، پس بنگر که فرجام ستمکاران چگونه بوده است».

حدیث:

۳۷۹۱ . امام علی عليه السلام: ستم، بدفرجام است.

۳۷۹۲ . امام علی عليه السلام: پیروی از انگیزه‌های زشتکاری فرجام کارها را تباه می‌کند.

۳۷۹۳ . امام علی عليه السلام: کسی که بردهٔ دنیا شود و آن را بر آخرت مقدّم دارد، فرجام بدی خواهد داشت.

۳۷۹۴ . الكافي ـ در آنچه خدای عزّوجلّ به عیسی عليه السلام پند داد آمده ـ: ای عیسی! بیندیش و فکر کن و به دقت در اطراف زمین بنگر تا فرجام ستمکاران را ببینی.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۳۹

المخدر

مواد مخدر

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

الخمر :باب ۱۱۴۰ .

۳۰۰ ـــ

۱۰۰۵

تَناوُلُ المُخَدِّراتِ

۳۷۹۵ . **سنن أبي داوود:** نَهىٰ رَسولُ اللهِ ﷺ عَن كُلِّ مُسكِرٍ ومُفَتِّرٍ.[۱]

۳۷۹۶ . **رسولُ اللهِ ﷺ:** أَلا إنَّ كُلَّ مُسكِرٍ حَرامٌ، وكُلَّ مُخَدِّرٍ حَرامٌ، وما أسكَرَ كثيرهُ حَرامٌ قَليلُهُ، وما خَمَّرَ العَقلَ فَهُوَ حَرامٌ.[۲]

۳۷۹۷ . **عنه ﷺ:** سَيأتي زَمانٌ علىٰ اُمَّتي يَأكُلونَ شَيئاً اسْمُهُ البَنْجُ، أنا بَريءٌ مِنهُم، وهُم بَريئونَ مِنّي.[۳]

۳۷۹۸ . **عنه ﷺ:** سَلِّموا علىٰ اليَهودِ والنَّصارىٰ ولا تُسَلِّموا علىٰ آكِلِ البَنْجِ.[۴]

۳۷۹۹ . **عنه ﷺ:** مَنِ احْتَقَرَ ذَنْبَ البَنْجِ فَقد كَفَرَ.[۵]

۱۰۰۵

مصرف مواد مخدر

۳۷۹۵ . **سنن أبی داوود:** پیامبر خدا ﷺ از هر مست‌کننده و سست‌کننده‌ای، منع کرد.

۳۷۹۶ . **پیامبر خدا ﷺ:** بدانید هر مست‌کننده‌ای حرام است، هر مادهٔ تخدیرگری حرام است، و آنچه بسیارش مست کند، اندک آن نیز حرام است، و آنچه عقل را زایل می‌کند، حرام است.

۳۷۹۷ . **پیامبر خدا ﷺ:** زمانی فرا رسد که امّت من، چیزی به نام بنگ مصرف می‌کنند. من از این افراد بیزار و به دورم و آنان از من دورند.

۳۷۹۸ . **پیامبر خدا ﷺ:** به یهود و نصاری سلام کنید، اما به مصرف کنندهٔ بنگ سلام نکنید.

۳۷۹۹ . **پیامبر خدا ﷺ:** کسی که گناهِ کشیدن بنگ را ناچیز شمارد، کافر است.

---

۱ . سنن أبی داوود: ۳/ ۳۲۹/ ۳۶۸۶.

۲ . کنز العمّال: ۱۳۲۷۳.

۳ . مستدرک الوسائل: ۲۰۸۱۵/۸۵/۱۷.

۴ . مستدرک الوسائل: ۲۰۸۱۵/۸۶/۱۷.

۵ . مستدرک الوسائل: ۲۰۸۱۵/۸۶/۱۷.

۱۴۰

الخِدْمَة

خدمت کردن

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

الزواج :باب۱۶۵۳، ۱۶۵۴.

السفر :باب۱۸۱۱.

١٠٠٦
الخِدمَةُ

٣٨٠٠ . رسولُ اللهِ ﷺ: لا يَزالُ العَبدُ مِن اللهِ وهُو مِنهُ ما لَم يُخدَمْ، فإذا خُدِمَ وَجَبَ عَلَيهِ الحِسابُ.[١]

٣٨٠١ . عنه ﷺ: أيُّما مُسلِمٍ خَدَمَ قَوماً مِن المُسلمينَ إلّا أعْطاهُ اللهُ مِثْلَ عَدَدِهِم خُدّاماً في الجَنّةِ.[٢]

٣٨٠٢ . عنه ﷺ: خِدْمَةُ المؤمنِ لأخيهِ المؤمنِ دَرَجةٌ لا يُدْرَكُ فَضْلُها إلّا بِمِثْلِها.[٣]

٣٨٠٣ . **إثبات الوصيّة**: رُوِيَ أنّهُ تعالىٰ أوْحىٰ إلىٰ داوودَ ﷺ: ما لِي أراكَ مُنْتَبِذاً ؟! قالَ: أعْيَتْني الخَليقَةُ فِيكَ. قالَ: فماذا تُحِبّ ؟ قالَ: مَحَبَّتَكَ. قالَ: مِن مَحَبَّتي التَّجاوُزُ عن عِبادِي، فإذا رَأيْتَ لي مُريداً فكُنْ لَهُ خادِماً.[٤]

٣٨٠٤ . **الكافي** عن جميل ـ قالَ الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ: المؤمِنونَ خَدَمٌ بَعْضُهُم لِبَعْضٍ ـ [قالَ

---

١ . كنز العمّال: ٢٥٠٨٧ . ٢ . الكافي: ٢/٢٠٧/١ .
٣ . مستدرك الوسائل: ١٢/٤٢٩/١٤٥٢٣ .
٤ . إثبات الوصية: ٧٥ .

١٠٠٦
خدمت كردن

٣٨٠٠ . **پیامبر خدا ﷺ**: بنده پیوسته از خداس
و خدا از او، تا زمانی که به او خدمت
نشود. وقتی به او خدمت شد، باید
حساب پس دهد.

٣٨٠١ . **پیامبر خدا ﷺ**: هر مسلمانی که گروهی ا
مسلمانان را خدمت کند، خداوند به تعداد
آنان در بهشت به او خدمتکار دهد.

٣٨٠٢ . **پیامبر خدا ﷺ**: خدمت کردن مؤمن ب
برادر مؤمنش، مقامی است که فضیلت
ثواب آن جز با همانند آن (خدمت) ب
دست نیاید.

٣٨٠٣ . **اثبات الوصیّة**: روایت شده است ک
خداوند متعال به داوود ﷺ وحی فرمود که
چه شده است که تو را گوشه گیر می‌بینم ؟
داوود عرض کرد: بندگانت به خاطر تو مر
خسته کرده‌اند. فرمود: چه می‌خواهی
عرض کرد: محبّت تو را. فرمود: محبّت
من به این است که از بندگانم در گذری و
اگر دیدی کسی خواستار من است، او ر
خدمت کنی.

٣٨٠٤ . **الکافی** ـ به نقل از جمیل ـ: امام صادق ﷺ
فرمود: مؤمنان خدمتکار یکدیگرند.

جميلٌ:] قلتُ: وكيفَ يَكونونَ خَدَماً بَعْضُهم لبَعْضٍ؟ قالَ: يُفيدُ بَعْضُهُم بَعْضاً.[1]

عرض کردم: چگونه خدمتکار یکدیگرند؟ فرمود: به حال یکدیگر مفید واقع می‌شوند.

۳۸۰۵. عنه ﷺ: إخْدِمْ أخاكَ، فإنِ اسْتَخْدَمَكَ فلا ولا كَرامَةَ.[2]

۳۸۰۵. **امام صادق** ﷺ: برادر خود را خدمت کن، اما اگر او از تو خدمت خواست خدمتش نکن و وقعی هم بدو مگذار.

(انظر) العلم: باب ۲۸۲۷.

عنوان ۳ «الإجارة».

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. الكافي: ۹/۱۶۷/۲. ۲. الاختصاص: ۲۴۳.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الخوارج

خوارج

ولمزيد الاطّلاع راجع:

موسوعة الإمام عليّ بن أبي طالب في الكتاب والسنّة والتأريخ: القسم السادس: حروب الإمام عليّ عليه السلام.

شرح نهج البلاغة: ٤/١٣٢ـ٢٧٨ «أخبار الخوارج».

سنن أبي داوود: ٤/٢٤٢ «في قتال الخوارج».

صحيح مسلم: ٢/ ٧٤٠ باب ٤٧ «ذكر الخوارج وصفاتهم».

صحيح البخاري: ٦/٢٥٣٩ «باب قتل الخوارج والملحدين».

تاريخ دمشق «ترجمة الإمام عليّ عليه السلام»: ٣/١٥٨ـ١٧٧.

كنز العمّال: ١١/١٣٧، ١٤٤، ١٩٨، ٢٠٩، ٢٨٦، ٣٢٣.

انظر:

عنوان ٤٥ «الباغي».

عنوان ١٠٣ «المُحارِب».

مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى

۱۰۰۷
القاسِطونَ، النّاكِثونَ، المارِقونَ

۴۸۰۶ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: عَهِدَ إلَيَّ النَّبيُّ ﷺ أنْ اُقاتِلَ النّاكِثينَ والقاسِطينَ والمارِقينَ.[۱]

۴۸۰۷ . عنه ﷺ: اُمِرْتُ بِقِتالِ ثَلاثَةٍ: القاسِطينَ والنّاكِثينَ والمارِقينَ؛ فأمّا القاسِطونَ فأهْلُ الشّامِ، وأمّا النّاكِثونَ فذَكَرْتُهُم، وأمّاالمارِقونَ فأهْلُ النَّهْروانِ ـ يَعني الحَرورِيَّةَ ـ.[۲]

۴۸۰۸ . عنه ﷺ: فَلَمّا نَهَضْتُ بالأمْرِ نَكَثَتْ طائفةٌ، ومَرَقَتْ اُخْرىٰ، وقَسَطَ آخَرونَ، كأنَّهُم لَم يَسْمَعوا اللهَ سُبحانَهُ يَقولُ: ﴿تِلْكَ الدّارُ الآخِرَةُ نَجْعَلُها لِلَّذينَ لا يُريدونَ عُلُوّاً في الأرْضِ ولافَساداً والعاقِبَةُ لِلْمُتَّقينَ﴾.[۳] بَلىٰ واللهِ، لَقَد سَمِعوها ووَعَوها، ولٰكِنَّهُم حَلِيَتِ الدُّنيا في أعْيُنِهِم وراقَهُم زِبرِجُها.[۴]

---

۱ . كنز العمّال: ۳۱۶۴۹.

۲ . كنز العمّال: ۳۱۵۵۳.

۳ . القصص: ۸۳.

۴ . نهج البلاغة: الخطبة ۳.

۱۰۰۷
قاسطین، ناکثین، مارقین

۴۸۰۶ . **امام علی** ﷺ: پیامبر ﷺ به من سفارش کرد که با ناکثین و قاسطین و مارقین بجنگم.

۴۸۰۷ . **امام علی** ﷺ: من به جنگ با سه گروه مأمورم: قاسطین و ناکثین و مارقین. اما قاسطین، شامیانند، و ناکثین ـ آنان را نام برد ـ و مارقین که نهروانیانند ـ و منظور حضرت، حروریه (خوارج) بودند ـ.

۴۸۰۸ . **امام علی** ﷺ: آن گاه که خلافت را به دست گرفتم گروهی پیمان شکستند (ناکثین) و دسته‌ای از دین بیرون شدند (مارقین) و گروهی راه ستم در پیش گرفتند (قاسطین). گویی نشنیدند که خداوند سبحان می‌فرماید: «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که خواهان سرکشی و فساد نیستند و فرجام نیک از آن پرهیزگاران است». آری! به خدا سوگند که آنان این سخن را شنیدند و آن را فهم کردند، اما دنیا در چشمان آنها آراسته شد و زرق و برق آن شیفته‌شان کرد.

۱۰۰۸
النّاكِثونَ

۳۸۰۹ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: دَخَلَ عَلَيَّ أُناسٌ مِن أهْلِ البَصرةِ فسَألوني عن طَلْحَةَ والزُّبيرِ، فقلتُ لَهُم: كانا إمامَينِ مِن أئمَّةِ الكُفْرِ، إنّ عَلِيّاً صلواتُ اللهِ عليهِ يَومَ البَصرةِ لَمّا صَفَّ الخُيولَ قالَ لأصْحابِهِ: لا تَعْجَلوا عَلَى القَومِ حَتّىٰ أُعْذِرَ فيما بَيني وبينَ اللهِ وبينَهُم. فقامَ إلَيهِم فقالَ: يا أهلَ البَصرةِ، هَلْ تَجِدونَ عَلَيَّ جَوراً في الحُكْمِ؟ قالوا: لا ... ثُمَّ ثَنىٰ إلىٰ أصْحابِهِ فقالَ: إنّ اللهَ يَقولُ في كتابِهِ: ﴿وإنْ نَكَثوا أيمانَهُم مِن بَعْدِ عَهْدِهِم وطَعَنوا في دِينِكُم فقاتِلوا أئمَّةَ الكُفْرِ﴾.[1] فقالَ أميرُ المؤمنينَ ﷺ: والّذي فَلَقَ الحَبَّةَ وبَرَأَ النَّسَمَةَ واصْطَفىٰ محمّداً ﷺ بالنُّبُوَّةِ إنّكُم لأصْحابُ هٰذِهِ الآيَةِ، وما قُوتِلوا مُنْذُ نَزَلَتْ.[2]

۱۰۰۸
ناکثین

۳۸۰۹ . **امام صادق ﷺ**: گروهی از مردم بصره نزد من آمدند و دربارهٔ طلحه و زبیر نظرم را پرسیدند، گفتم: آنان دو تن از سردمداران کفر هستند. علی، صلوات الله علیه، در جنگ بصره، وقتی سواران خود را آرایش داد، به یارانش فرمود: در جنگ با این قوم شتاب مکنید تا میان خود و خداوند متعال و آنان حجّت را تمام کنم. پس نزد آنان رفت و به بصریان فرمود: آیا فکر می‌کنید که من در حکومت مرتکب ستمی شده‌ام؟ گفتند: نه ... سپس نزد یاران خود برگشت و فرمود: خداوند در کتاب خود می‌فرماید: «اگر پس از پیمان بستن عهد و سوگندهای خود را شکستند و در دین شما طعن زدند با سردمداران کفر قتال کنید». پس، امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: سوگند به آن که دانه را شکافت و مردمان را آفرید و محمّد ﷺ را به نبوّت برگزید، این آیه دربارهٔ شماست و از زمانی که نازل شده با چنین گروهی جنگ نشده است.

۱۰۰۹
المارِقونَ

الكتاب:

﴿قُل هَل نُنَبِّئُكُم بِالأَخسَرينَ أعمالاً * الَّذينَ ضَلَّ سَعْيُهُم

۱. التوبة: ۱۲.
۲. تفسير العياشي: ۲/۷۷/۲۳.

۱۰۰۹
مارقین

قرآن:

«بگو: آیا زیانکارترین مردمان را به شما بشناسانم؟

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعاً﴾.[١]

آنان که کوششان در زندگی دنیا تباه شد و حال آن که می‌پندارند کاری نیکو می‌کنند».

الحديث:

٣٨١٠. رسولُ اللهِ ﷺ: إنَّ قَوماً يَتَعَمَّقونَ في الدِّينِ، يَمْرُقونَ مِنهُ كما يَمْرُقُ السَّهمُ مِن الرَّمِيَّةِ.[٢]

حديث:

٣٨١٠. **پيامبر خدا ﷺ**: گروهی در دين تندروی می‌کنند و همچنان که تير از هدف می‌گذرد، از دين بيرون می‌روند.

٣٨١١. عنه ﷺ: سيَخْرُجُ في آخِرِ الزَّمانِ قَومٌ أحْداثُ الأسْنانِ، سُفَهاءُ الأحْلامِ، يَقولونَ مِن قَولِ خَيرِ البَرِيَّةِ، يَقْرَؤونَ القُرآنَ لا يُجاوِزُ حَناجِرَهُم، يَمْرُقونَ مِنَ الدِّينِ كما يَمْرُقُ السَّهمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ، فإذا لَقِيتُموهُم فاقْتُلوهُم، فإنَّ في قَتْلِهِم أجْراً لِمَن قَتَلَهُم عِندَ اللهِ يَومَ القِيامَةِ.[٣]

٣٨١١. **پيامبر خدا ﷺ**: بزودی در آخر الزمان گروهی پيدا می‌شوند کم سنّ و سال و سبکسر. سخن بهترين خلق خدا را به زبان می‌آورند و قرآن می‌خوانند اما از حنجره‌های آنان فراتر نمی‌رود، از دين خارج می‌شوند همچون گذر تير از هدف. هر گاه آنان را ديديد بکشيدشان؛ زيرا که کشندگان آنها در روز قيامت نزد خدا پاداش دارند.

٣٨١٢. عنه ﷺ: سيَخْرُجُ قَومٌ يَقْرَؤونَ القُرآنَ لا يُجاوِزُ تَراقِيَهُم، يَمْرُقونَ مِنَ الدِّينِ كما يَمْرُقُ السَّهمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ.[٤]

٣٨١٢. **پيامبر خدا ﷺ**: بزودی مردمی سر بر می‌دارند که قرآن می‌خوانند، اما از استخوان ترقوه‌شان فراتر نمی‌رود. مانند گذر تير از هدف، از دين خارج می‌شوند.

٣٨١٣. الإمامُ عليٌّ ﷺ: سَمِعْتُ رسولَ اللهِ ﷺ يقولُ: يَخْرُجُ في آخِرِ الزَّمانِ قَومٌ أحْداثُ الأسْنانِ، سُفَهاءُ الأحْلامِ، قَوْلُهُم مِن خَيرِ أقْوالِ أهْلِ البَرِيَّةِ، صَلاتُهُم أكْثَرُ مِن صَلاتِكُم، وقِراءَتُهُم أكْثَرُ مِن قِراءَتِكُم، لا يُجاوِزُ إيمانُهُم تَراقِيَهُم ـ أو قالَ

٣٨١٣. **امام علی ﷺ**: شنيدم که پيامبر خدا ﷺ می‌فرمايد: در آخر الزمان مردمی سر برمی‌دارند کم‌سال وسبکسر. بهترين سخنان را به زبان می‌آورند، بيش از شما نماز می‌خوانند، بيش از شما قرآن تلاوت می‌کنند، اما ايمان آنها از استخوان چنبره ـ يا فرمود: از حنجره‌هايشان ـ فراتر نمی‌رود. آنان همانند فراتر رفتن تير از

١. الكهف: ١٠٣، ١٠٤.
٢. كنز العمّال: ٣١٥٤٣.
٣. كنز العمّال: ٣٠٩٤٩.
٤. كنز العمّال: ٣١٢٣٤.

حَناجِرَهُم ـ يَمْرُقونَ مِنَ الدِّينِ كَما يَمْرُقُ السَّهمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ، فاقْتُلوهُم.[1]

۳۸۱۴. عنه ﷺ: إنّ رسولَ اللهِ ﷺ أمَرَني بِقِتالِ القاسِطينَ، وهُم هؤلاءِ الّذينَ سَيَرُنا إلَيهِم، والنّاكِثينَ وهُم هؤلاءِ الّذينَ فَرَغْنا مِنهُم، والمارِقينَ ولَم نَلْقَهُم بَعدُ، فسيروا إلىٰ القاسِطينَ فهُم أهَمُّ علَينا مِنَ الخَوارِجِ، سيروا إلىٰ قَومٍ يُقاتِلونَكُم كَيما يَكونوا جَبّارينَ، يَتَّخِذُهُمُ النّاسُ أرْباباً، ويَتَّخِذونَ عِبادَ اللهِ خَوَلاً، ومالَهُم دُوَلاً.[2]

هدف، از دین خارج می‌شوند. این افراد را بکشید.

۳۸۱۴. امام علی ﷺ: پیامبر خدا ﷺ به من دستور داده است که با قاسطین، همینان که به سوی آنها در حرکتیم و با ناکثین، همانانی که جنگ با آنان را پشت سر گذاشتیم و با مارقین که هنوز با آنان رو به رو نشده‌ایم، بجنگم. پس، پیش به سوی قاسطین، که اهمیت آنان برای ما از خوارج بیشتر است، پیش به سوی قومی که با شما می‌جنگند، تا جبارانی گردند و مردم آنان را به خداوندگاری بگیرند و آنان، بندگان خدا را به بندگی خود گیرند و اموالشان را میان خود دست به دست کنند.

۳۸۱۵. عنه ﷺ: إنّ نَبيَّ اللهِ ﷺ قالَ: إنَّهُ سيَخْرُجُ قَومٌ يَتَكَلَّمونَ بِالحَقِّ لا يُجاوِزُ حُلوقَهُم، يَخْرُجونَ مِنَ الحَقِّ كَما يَخرُجُ السَّهمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ.[3]

۳۸۱۵. امام علی ﷺ: پیامبر خدا ﷺ [به من] فرمود: بزودی گروهی آشکار خواهند شد که سخن حقّ می‌گویند اما از حلقومشان فراتر نمی‌رود، از حقّ بیرون می‌روند، همچون بیرون رفتن تیر [از هدف].[1]

۳۸۱۶. عنه ﷺ ـ وقد تَلا رجُلٌ هٰذِهِ الآيَةَ بِحَضْرَتِهِ ـ: أهلُ حَرُوراءَ مِنهُم.[4]

۳۸۱۶. امام علی ﷺ ـ در پاسخ به کسی که این آیه را در حضور آن حضرت تلاوت کرد ـ فرمود: حروریان (خوارج) از این افرادند.

۳۸۱۷. كنز العمّال عن أبي بكرة: أُتيَ النَّبيُّ ﷺ بِمُوَيلٍ، فقَعَدَ النَّبيُّ ﷺ يَقسِمُهُ، فكانَ يأخُذُ مِنهُ بِيَدِهِ، ثُمَّ يَلْتَفِتُ عن يَمينِهِ كأنَّهُ يُخاطِبُ

۳۸۱۷. کنز العمّال ـ به نقل از ابو بکرة ـ: اندکی مال نزد پیامبر ﷺ آوردند. آن حضرت به تقسیم کردن آنها پرداخت. قسمتی از آن را بر می‌داشت و لحظاتی به سمت راست خود

---

۱. شرح نهج البلاغة: ۲/۲۶۷.
۲. نهج السعادة: ۲/۳۶۶.
۳. السنن الكبرى للنسائي: ۵/۱۶۱/۸۵۶۶.
۴. شرح نهج البلاغة: ۲/۲۷۸.

۱. هرگاه تیر، به خاطر سرعت زیادش، هدف را بشکافد و از آن سویش بیرون رود، بدان مارق می‌گویند و خوارج، تندروانی نامعتدل بودند.

رَجُلاً ساعةً ثُمّ يُعْطيهِ مَن عِندَهُ، وكانوا يَرَوْنَ أنَّ الّذي يُخاطِبُهُ جَبْرَئيلُ، فأتاهُ رجُلٌ وهُو علىٰ تلكَ الحالِ أسْوَدُ طويلٌ مُشَمِّرٌ مَحْلوقُ الرّأسِ بَينَ عَيْنَيْهِ أثَرُ السُّجودِ فقالَ: يا محمّدُ، واللهِ ما تَعْدِلُ! فغَضِبَ النّبيُّ ﷺ حتّىٰ احْمَرّتْ وَجْنَتاهُ فقالَ: وَيْحَكَ! فمَنْ يَعْدِلُ إذا لم أعْدِلْ ؟! فقالَ أصْحابُهُ: ألَا نَضْرِبُ عُنُقَهُ ؟ فقالَ: لا أُريدُ أنْ يَسْمَعَ المُشرِكونَ أنّي أقْتُلُ أصْحابي، إنّهُ يَخْرُجُ هٰذا في أمْثالِهِ وفي أشْباهِهِ وفي ضُرَبائِهِ[1]، يَأتيهِمُ الشّيطانُ مِن قِبَلِ دِينِهِم، يَمْرُقونَ مِنَ الدّينِ كما يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ، لا يَتَعلّقونَ مِنَ الإسلامِ بشَيءٍ.[2]

متوجّه می‌شد، مثل این‌که با کسی حرف می‌زند و سپس آن مال را به کسانی که نزدش بودند می‌داد. حضّار فکر می‌کردند که ایشان با جبرئیل سخن می‌گوید. در این حال مردی سیاه و بلند قد و آستین بالا زده و سر تراشیده که در پیشانیش اثر سجده بود از راه آمد و گفت: ای محمّد! به خدا قسم عدالت نمی‌ورزی. پیامبر ﷺ خشمگین شد، چندان که گونه‌هایش سرخ گشت و فرمود: وای بر تو! اگر من عادل نیستم، پس چه کسی عادل‌است؟! اصحابش عرض کردند: گردنش را بزنیم؟ فرمود: نمی‌خواهم مشرکان بشنوند که من اصحاب خود را می‌کشم، او با امثال و نظایر و هم مسلکان خود سر به شورش بر می‌دارند و شیطان هم در دینشان نفوذ می‌کند و بسان فرا رفتن تیر از هدف، از دین برون می‌روند و به هیچ چیزی از اسلام پایبند نیستند.

٣٨١٨. **كنز العمّال** عن عبد الله بن عمرو: إنّ رجُلاً أتىٰ النّبيَّ ﷺ يَومَ حُنينٍ وهُو يَقْسِمُ تِبْراً فقالَ: يا محمّدُ، اعْدِلْ! فقالَ: وَيْحَكَ! مَن يَعْدِلُ إذا لَم أعْدِلْ ؟! ـ أو عِندَ مَن يُلْتَمَسُ العَدلُ بَعدي؟! ـ ثُمّ قالَ: يُوشِكُ أنْ يأتيَ قَومٌ مِثلُ هٰذا يَسألونَ كِتابَ اللهِ وهُم أعْداؤهُ، يَقْرَؤونَ كِتابَ اللهِ ولا يَحُلُّ

٣٨١٨. **كنز العمّال** ـ به نقل از عبد الله بن عمرو ـ: پیامبر خدا ﷺ در روز جنگ حنین شمشهای طلا را تقسیم می‌کرد؛ مردی از راه رسید و گفت: ای محمّد! عادل باش! پیامبر فرمود: وای بر تو! اگر من عادل نباشم چه کسی عادل است؟ ـ یا فرمود: پس از من عدالت را نزد چه کسی خواهید یافت؟ ـ آن گاه فرمود: زود باشد که مردمی چون این بیایند که خواهان کتاب خدا باشند در حالی که دشمن آنند، کتاب خدا را می‌خوانند اما از حنجره‌های آنان فراتر نمی‌رود، سرهای تراشیده دارند؛ هر گاه اینان

---

١. في المصدر «ضَرَبائِه» والصحيح ما أثبتناه.

٢. كنز العمّال: ٣١٥٨٧.

حَناجِرَهُم، مُحَلَّقَةٌ رؤوسُهُم، فإذا خَرَجوا فاضْرِبوا رِقابَهُم.[۱]

۳۸۱۹. **كنز العمّال** عن أبي أيّوبَ الأنصاريِّ: إنّ رسولَ اللهِ ﷺ عَهِدَ إلَينا أنْ نُقاتِلَ مَعَ عليٍّ النّاكِثينَ، فَقد قاتَلْناهُم، وعَهِدَ إلَينا أنْ نُقاتِلَ مَعهُ القاسِطينَ، فهٰذا وَجْهُنا إلَيهِم - يَعني مُعاويةَ وأصْحابَهُ - وعَهِدَ إلَينا أنْ نُقاتِلَ مَعَ عليٍّ المارِقينَ، فَلَم أرَهُم بَعدُ.[۲،۳]

۱۰۱۰

إخبارُ النَّبِيِّ ﷺ عَنِ الحَكَمَينِ

۳۸۲۰. **رسولُ اللهِ ﷺ**: إنَّ بَني إسرائيلَ اخْتَلَفوا، فلَم يَزَلِ اخْتِلافُهُم بَينَهُم حتّىٰ بَعَثوا حَكَمَينِ، فضَلّا وأضَلّا. وإنّ هٰذهِ الأُمّةَ ستَخْتَلِفُ فلا يَزالُ اخْتلافُهُم بَينَهُم حتّىٰ يَبْعَثوا حَكَمَينِ ضَلّا وضَلَّ مَنِ اتّبَعَهُما.[۴]

۱۰۱۱

احتِجاجُ الإمامِ في أمرِ الحَكَمَينِ

۳۸۲۱. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ - وقد قامَ إلَيهِ رجُلٌ مِن

۱. كنز العمّال: ۳۱۶۱۰.

۲. قال ابنُ أبي الحديد: قد تظافرتِ الأخبارُ حتّىٰ بلَغت حَدّ التّواتُرِ بما وَعدَ اللهُ تعالىٰ قاتِلي الخوارجِ من الثّوابِ علىٰ لسانِ رسولِهِ ﷺ. شرح نهج البلاغة: ۲/ ۲۶۵.

۳. كنز العمّال: ۳۱۷۲۰. ۴. كنز العمّال: ۱۰۸۸.

سر بر داشتند گردنشان را بزنید.

۳۸۱۹. **کنز العمّال** - به نقل از ابوایّوب انصاری -: پیامبر خدا ﷺ به ما سفارش فرمود که همراه علی با ناکثین بجنگیم و ما هم با آنان جنگیدیم؛ سفارش کرد که در رکاب علی با قاسطین بجنگیم و اینک به سوی آنان - یعنی معاویه و یارانش - می‌رویم؛ و سفارش کرد که همراه علی با مارقین بجنگیم، که من هنوز آنان را ندیده‌ام.[۱]

۱۰۱۰

خبر دادن پیامبر ﷺ از دو حَکَم

۳۸۲۰. **پیامبر خدا** ﷺ: بنی‌اسرائیل دچار اختلاف شدند و همچنان با هم در اختلاف به سر می‌بردند، تا آن که [برای رفع اختلاف خود] دو حَکَم و داور انتخاب کردند، اما آن دو، خود گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند. این امت نیز بزودی دچار اختلاف خواهند شد و همچنان با یکدیگر در اختلاف به سر خواهند برد، تا آن که دو حَکَم برگزینند که کجراهه روند و پیروانشان‌را نیز به کجراهه کشانند.

۱۰۱۱

احتجاج امام در موضوع دو حَکَم

۳۸۲۱. **امام علی** ﷺ - وقتی که یکی از اصحابش برخاست و به آن حضرت عرض کرد: ابتدا ما

۱. ابن ابی الحدید می‌نویسد: اخباری که دربارهٔ وعدهٔ ثواب خدا به کشندگان خوارج از زبان پیامبر ﷺ نقل شده، چندان زیاد است که به حدّ تواتر رسیده است.

أصحابِهِ فقالَ: نَهَيْتَنا عَنِ الحُكومَةِ ثُمَّ أمَرْتَنا بِها، فلَم نَدْرِ أيَّ الأمْرَيْنِ أرْشَدَ! فصَفَقَ ﷺ إحْدىٰ يَدَيْهِ علىٰ الأُخْرىٰ، ثُمَّ قالَ ـ: هٰذا جَزاءُ مَن تَرَكَ العُقْدَةَ، أمَا واللهِ لَو أنّي حِينَ أمَرْتُكُم بِهِ حَمَلْتُكُم علىٰ المَكْروهِ الّذي يَجْعَلُ اللهُ فيهِ خَيْراً ـ فإنِ استَقَمْتُم هَدَيْتُكُم، وإنِ اعْوَجَجْتُم قَوَّمْتُكُم، وإنْ أبَيْتُم تَدارَكْتُكُم ـ لَكانَتِ الوُثْقىٰ، ولٰكِنْ بِمَنْ؟! وإلىٰ مَنْ؟!

را از پذیرفتن حکمیت باز داشتی و سپس دستور دادی آن را بپذیریم. نمی‌دانیم کدام یک درست‌تر است؟ و حضرت دست بر دست زد ـ فرمود: این [حیرت و سرگشتگی] سزای کسی [چون شما] است که رأی درست را [که همان رأی من یعنی نهی از پذیرش حکمیت بود] رها کرده است؛ به خدا سوگند، اگر آنگاه که به شما فرمان [جنگ با معاویه] دادم، شما را به کاری ناخوشایند وامی‌داشتم ـ که خدا خیری در آن نهاده بود و چون پایدار می‌ماندید هدایتتان می‌کردم و اگر کج می‌رفتید راستتان می‌کردم و اگر سر باز می‌زدید مجبورتان می‌کردم ـ البته آن روش اطمینان‌بخش‌تر بود، اما به کمک چه کسی و یاری خواستن از که؟!

۳۸۲۲. عنه ﷺ ـ للخوارِجِ وقد خَرَجَ إلىٰ مُعَسْكَرِهِم وهُم مُقيمونَ علىٰ إنكارِ الحُكومَةِ ـ: ألَمْ تَقولوا عِندَ رَفْعِهِمُ المَصاحِفَ حِيلَةً وغِيلَةً ومَكْراً وخَديعَةً: إخْوانُنا وأهْلُ دَعْوَتِنا، استَقالونا واستَراحوا إلىٰ كِتابِ اللهِ سُبحانَهُ، فالرَّأيُ القَبولُ مِنهُم، والتَّنفيسُ عَنهُم! فقُلتُ لَكُم: هٰذا أمْرٌ ظاهِرُهُ إيمانٌ، وباطِنُهُ عُدْوانٌ، أوَّلُهُ رَحمَةٌ، وآخِرُهُ نَدامَةٌ؟![2]

۳۸۲۲. امام علی ﷺ ـ [آن گاه که] به اردوگاه خوارج، که بر نپذیرفتن حکمیت پافشاری می‌کردند، رفت ـ فرمود: آیا هنگامی که قرآنها را، از روی حیله و فریب و مکر و خدعه، بر سر نیزه‌ها کردند نگفتید: آنها برادران ما و همدینان مایند. از ما خاتمهٔ جنگ را می‌خواهند و به کتاب خداوند سبحان روی آورده‌اند. رأی درست آن است که خواست آنها را بپذیریم و اندوهشان را بر طرف سازیم؟ آن زمان من به شما گفتم: این کار آنها ظاهرش ایمان است و باطنش دشمنی، آغازش دلسوزی است و فرجامش پشیمانی.

۳۸۲۳. عنه ﷺ ـ لَمّا حَكَّمَ الحَكَمَينِ قالَتْ لَهُ الخوارِجُ: حَكَّمْتَ رَجُلَينِ؟ ـ: ما حَكَّمْتُ مَخْلوقاً، إنَّما حَكَّمْتُ القُرآنَ.[3]

۳۸۲۳. امام علی ﷺ ـ زمانی که حکمین را پذیرفت و خوارج گفتند: دو انسان را حَکَم قرار دادی؟ ـ فرمود: من هیچ مخلوقی را حکم قرار ندادم، بلکه قرآن را داور کردم.

۳۸۲۴. عنه ﷺ: فأجْمَعَ رَأيُ مَلَئِكُم علىٰ أنِ

۳۸۲۴. امام علی ﷺ: آن گاه رأی بزرگان شما بر این

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۲۱. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۲۲.
۳. کنز العمّال: ۳۱۵۷۸.

اخْتاروا رَجُلَينِ، فأخَذْنا عَلَيهِما أنْ يُجَعْجِعا عِندَ القُرآن ولا يُجاوِزاهُ، وتَكونَ ألسِنَتُهُما مَعهُ وقُلوبُهُما تَبَعَهُ، فَتاها عَنهُ، وتَرَكا الحقَّ وهُما يُبْصِرانِهِ.[1]

۳۸۲۵. عنه ﷺ: أصابَكُم حاصِبٌ، ولا بَقِيَ مِنكُم آثِرٌ (آبِرٌ)! أبَعْدَ إيماني باللهِ وجِهادي مَعَ رسولِ اللهِ ﷺ أشْهَدُ علىٰ نَفْسي بالكُفْرِ ؟! لَقد ضَلَلْتُ إذاً ومَا أنا مِنَ المُهْتَدِينَ[2]، فأُوبُوا شَرَّ مَآبٍ وارْجِعوا علىٰ أثَرِ الأعْقابِ.

أمَا إنَّكُم سَتَلْقَوْنَ بَعْدي ذُلّاً شامِلاً، وسَيْفاً قاطِعاً، وأثَرَةً يَتَّخِذُها الظّالِمونَ فِيكُم سُنَّةً.[3]

۳۸۲۶. عنه ﷺ: وقد كُنتُ نَهَيْتُكُم عن هٰذِهِ الحُكومَةِ فأبَيْتُم عَلَيَّ إباءَ المُنابِذينَ (المُخالِفينَ)، حتّىٰ صَرَفْتُ رَأيي إلىٰ هَواكُم، وأنْتُم مَعاشِرُ أخِفّاءُ الهامِ، سُفَهاءُ الأحْلامِ، ولَم آتِ ـ لا أباً لَكُم ـ بُجْراً، ولا أرَدْتُ لَكُم ضُرّاً.[4]

۳۸۲۷. شرح نهج البلاغة: ذَكَرَ أبو جعفرٍ محمّدُ بنُ

شد که دو مرد را انتخاب کردند و ما از آنان پیمان گرفتیم که در محدودهٔ قرآن عمل کنند و از آن فراتر نروند و زبانشان با قرآن باشد و دلهایشان پیرو آن؛ اما هر دو از قرآن دست کشیدند و حقّ را فرو گذاشتند، در حالی که آن را می‌دیدند.

۳۸۲۵. امام علی ﷺ: طوفان شن بر شما بوزد و نسلتان بریده شود! آیا پس از ایمان به خدا و جهاد در کنار پیامبر خدا ﷺ بر کفر خویش گواهی دهم؟ «در این صورت گمراه باشم و از رهیافتگان نباشم»؛ به بدترین سرنوشت گرفتار آیید و به راه گذشتگان خود روید! بدانید که پس از من خواری و ذلّتی تمام شما را فرا خواهد گرفت و به شمشیری برّان دچار خواهید شد و ستمگران، ستم بر شما را شیوهٔ خود خواهند کرد.

۳۸۲۶. امام علی ﷺ: من شما را از این حکمیت باز داشتم، اما شما همچون دشمن (مخالف)، از پذیرش دستور من سر باز زدید، تا جایی که رأی خود را به خواستهٔ شما تغییر دادم که گروهی سبکسر و نابخرد. من برای شما ـ ای ناکسان ـ شر و بدی نیاوردم و زیان و ضرری برایتان نخواستم.

۳۸۲۷. شرح نهج البلاغه: محمّد بن جریر طبری

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۷۷.
۲. إشارة إلى الآية ۵۶ من سورة الأنعام.
۳. نهج البلاغة: الخطبة ۵۸.
۴. نهج البلاغة: الخطبة ۳۶.

جريرٍ الطَّبريُّ في «التّاريخ»: أنَّ عـلِيّاً ﷺ لَـمّا دَخَـلَ الكـوفَةَ دَخَـلَها مَـعهُ كَـثيرٌ مِن الخَـوارِجِ، وتَـخَلَّفَ مِـنهُم بـالنُّخَيْلَةِ وغَيرِها خَلْقٌ كَثيرٌ لَم يَـدْخُلوها، فـدَخَلَ حُرْقوصُ ابنُ زُهَيرٍ السَّعْديُّ وزُرْعَـةُ بـنُ البُـرجِ الطـائيُّ ـ وهُـما مِـن رُؤوسِ الخَـوارِجِ ـ عـلىٰ عـليٍّ ﷺ، فـقالَ لَـهُ حُـرْقوصٌ: تُبْ مِـن خَـطيئَتِكَ، واخْـرُجْ بِـنا إلىٰ مُـعاويَةَ نُـجاهِدْهُ، فـقالَ لَـه عليٌّ ﷺ: إنّي كنتُ نَهَيْتُكُم عَـنِ الحُكـومَةِ فأبَـيْتُم، ثُـمّ الآنَ تَـجْعَلونَها ذَنْـباً ؟! أمّـا إنّها لَيستْ بِـمَعْصيَةٍ، ولكـنّها عَـجْزٌ مِـنَ الرّأيِ وضَعْفٌ في التَّـدْبيرِ، وقـد نَـهَيْتُكُم عَنهُ. فقالَ زُرعَةُ: أمَا واللهِ لَـئِنْ لَـمْ تَـتُبْ مِن تَحْكيمِكَ الرِّجـالَ لأقْـتُلَنَّكَ، أطـلُبُ بذلكَ وَجْهَ اللهِ ورِضْوانَهُ! فقالَ عـليٌّ ﷺ: بُـؤْساً لكَ، مـا أشْـقاكَ! كأنّـي بِكَ قَـتيلاً تَسْفي عليكَ الرِّياحُ! قالَ زُرعَـةُ: وَدِدْتُ أنَّهُ كانَ ذٰلكَ![1]

(انظر) شرح نهج البلاغة: ٢ / ٢٠٦ وج ٨ / ١٠٣ وج ١٧ / ١٢، نهج السعادة: ٢ / ٣٢٥ ـ ٣٢٥، ٣٥٦، ٣٦٨، ٣٧٥، ٣٩٢.

در «تاریخ» خود می‌گوید: وقتی علی ﷺ وارد کوفه شد بسیاری از خوارج با آن حضرت به آن جا آمدند و شمار فراوانی از آنان نیز در نُخَیله و دیگر جاها ماندند و به کوفه نیامدند. حُرقوص بن زهیر سعدی و زُرعة بن برج طائی ـ از سران خوارج ـ نزد علی ﷺ آمدند. حرقوص گفت: از گناه خودت توبه کن و با ما بیا تا به جهاد با معاویه رویم. علی ﷺ فرمود: من بودم که شما را از حکمیت باز داشتم، اما شما نپذیرفتید و اینک آن را گناه می‌شمارید؟ بدانید که حکمیت گناه نبود، بلکه ناشی از ناتوانی رأی وسستی تدبیر بود و من شما را از آن بازداشتم. زرعه گفت: به خدا قسم اگر از داور قرار دادن این مردان توبه نکنی، تو را برای خدا و رضای الهی می‌کشم. علی ﷺ فرمود: بینوای نگونبخت! گویا کشتهٔ تو را می‌بینم که باد بر آن می‌وزد! زرعه گفت: دوست دارم که چنین باشد!

---

١. شرح نهج البلاغة: ٢٦٨/٢.

۱۰۱۲
إخبارُ الإمامِ بمَصيرِ الخَوارجِ

۳۸۲۸ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ ـ في حَربِ الخوارجِ ـ: مَصارِعُهُم دُونَ النُّطْفَةِ، واللهِ لا يُفْلِتُ مِنهُم عَشَرَةٌ، ولا يَهْلِكُ مِنكُم عَشَرَةٌ.[۱]

۳۸۲۹ . **عنه** ﷺ: احْمِلوا عليهِم، فوَاللهِ لا يُقْتَلُ مِنكُم عَشَرَةٌ، ولا يَسْلَمُ مِنهُم عَشَرَةٌ. فحَمَلَ عليهِم فطَحَنَهُم طَحْناً، قُتِلَ مِن أصْحابِهِ ﷺ تِسْعَةٌ، وأفْلَتَ مِن الخوارِجِ ثَمانِيَةٌ.[۲]

۳۸۳۰ . **كنز العمّال**: لَمّا سارَ عليٌّ إلَى النَّهْرَوانِ سِرْتُ مَعهُ، فقالَ عليٌّ: والّذي فَلَقَ الحَبَّةَ وبَرأَ النَّسَمَةَ، لا يَقْتُلونَ مِنكُم عَشَرَةً ولا يَبْقَى مِنهُم عَشَرَةٌ. فلَمّا سَمِعَ النّاسَ ذٰلكَ حَمَلوا عليهِم فقَتَلوهُم.[۳،۴]

۱۰۱۳
تَسمِيَةُ الخَوارجِ بِالحَرورِيَّةِ

۳۸۳۱ . **شرح نهج البلاغة**: وسَبَبُ تَسمِيَتِهِم الحَرورِيَّةَ أنّ عليّاً ﷺ لَمّا ناظَرَهُم ـ بَعدَ

۱ . نهج البلاغة: الخطبة ۵۹.
۲ . شرح نهج البلاغة: ۲/۲۷۳.
۳ . كنز العمّال: ۳۱۶۲۵.
۴ . قال ابنُ أبي الحديد: هٰذا الخبرُ من الأخبار الّتي تكاد تكون مُتواترة، لاشتهارِهِ ونقلِ النّاس كافّةً له، وهو من معجزاتِه وأخباره المفصّلة عن الغيوب.

۱۰۱۲
خبر دادن امام از سرنوشت خوارج

۳۸۲۸ . **امام علی** ﷺ ـ در جنگ با خوارج ـ فرمود: قتلگاه آنان این سوی نهر است، به خدا سوگند، از آنان ده نفر نخواهند گریخت و از شما ده نفر کشته نخواهند شد.

۳۸۲۹ . **امام علی** ﷺ: بر آنان بتازید که به خدا قسم از شما ده تن کشته نشوند و از آنان ده تن جان سالم به در نبرند. پس، بر آنان تاخت و خُردشان کرد. از یاران امام ﷺ نُه نفر کشته شدند و از خوارج هشت نفر گریختند.

۳۸۳۰ . **كنز العمّال**: من همراه علی ﷺ به نهروان رفتم. او فرمود: سوگند به آن که دانه را شکافت و مردمان را بیافرید، از شما ده تن کشته نمی‌شوند و از آنان ده تن بر جای نمی‌مانند. یاران امام با شنیدن این سخن، بر نهروانیان حمله کردند و آنها را کشتند.[۱]

۱۰۱۳
علّت نامگذاری خوارج به حروریّه

۳۸۳۱ . **شرح نهج البلاغة**: علّت نامگذاری خوارج به حروریه این است که وقتی علی ﷺ ـ بعد از مناظرهٔ ابن عباس با خوارج ـ با ایشان

۱ . ابن ابی الحدید می‌نویسد: این خبر چندان مشهور و در میان مردم نقل می‌شود که از اخبار تقریباً متواتر است و از جمله معجزات امام و پیشگوییهای مفصّل ایشان می‌باشد.

مُناظَرَةِ ابنِ عبّاسٍ إيّاهُم ـ كانَ فيما قالَ لَهُم: ألَا تَعْلَمونَ أنّ هٰؤلاءِ القَومَ لَمّا رَفَعوا المَصاحِفَ قلتُ لَكُم: إنّ هٰذهِ مَكيدَةٌ ووَهْنٌ، وإنَّهُم لو قَصَدوا إلىٰ حُكْمِ المَصاحِفِ لَأتَوْني... أفتَعْلَمون أنَّ أحَداً كانَ أكْرَهَ للتَّحْكيمِ مِنّي ؟ قالوا: صَدَقْتَ. قالَ: فَهَلْ تَعْلَمونَ أنَّكُمُ اسْتَكْرَهْتُموني علىٰ ذلكَ ؟!... فرَجَعَ مَعَهُ مِنهُم ألْفانِ مِن حَرُوراءَ، وقَد كانوا تَجَمَّعوا بها. فقالَ لَهُم عَليٌّ: ما نَسَتيكُم ؟ ثُمَّ قالَ: أنْتُمُ الحَروريَّةُ؛ لاجْتِماعِكُم بحَرُوراءَ.[1]

مناظره کرد، از جمله به ایشان فرمود: مگ
نه این که وقتی این جماعت قرآنها را [بـ
نیزه] افراشتند من به شما گفتم: این یک
مکر و نشان ضعف آنهاست. اگ
مقصودشان داوری قرآنها باشد، پیش مـ
می‌آمدند... مگر نه این که هیچ کس بـ
اندازهٔ من حکمیت را ناخوش نمی‌داشت
گفتند: درست است. فرمود: مگر نه این ک
شما مرا ناچار به پذیرفتن حکمیت
کردید؟!... پس دو هزار نفر از خوارج بـ
همراه امام ﷺ از محل تجمع خود د
حروراء برگشتند. علی به آنان فرمود: چـ
نامی بر شما گذاریم؟ آن گاه خودش
فرمود: حروریه، چون که در حروراء گر
آمده بودید.

١٠١٤
مَقتَلُ عَبدِ اللّهِ بنِ خبّابٍ

٤٨٣٢ . شرح نهج البلاغة عن أبي العبّاسِ: ولَقِيَهُم ـ أيِ الخوارجَ ـ عبدُ اللهِ بنُ خَبّابٍ في عُنُقِهِ مُصْحَفٌ، علىٰ حِمارٍ ومَعهُ امْرَأتُهُ وهِيَ حامِلٌ، فقالوا لَهُ: إنّ هٰذا الّذي في عُنُقِكَ لَيأمُرُنا بقَتْلِكَ! فقالَ لَهُم: ما أحْياهُ القرآنُ فأحْيُوهُ وما أماتَهُ فأمِيتُوهُ. فوَثَبَ رجُلٌ مِنهُم علىٰ رُطَبَةٍ سَقَطَتْ مِن نَخْلَةٍ فوَضَعَها في فِيهِ، فلَفَظَها تَوَرُّعاً! وعَرَضَ لرجُلٍ مِنهُم خِنْزيرٌ

١. شرح نهج البلاغة: ٢/٢٧٢.

١٠١٤
کشته شدن عبدالله بن خَبّاب

٤٨٣٢ . **شرح نهج البلاغة** ـ به نقل از ابو العبّاس ـ
عبدالله بن خبّاب، در حالی که به گردن خو
قرآنی آویخته و با همسر آبستنش بر الاغی
سوار بود، به خوارج برخورد. آنها به او
گفتند: همان که به گردنت آویخته‌ای ما ر
به کشتن تو فرمان می‌دهد. عبدالله به آنان
گفت: آنچه را قرآن زنده کرده است زند
کنید و آنچه را میرانده است بمیرانید. از
میان خوارج مردی برجست و خرمایی را
که از درخت افتاده بود برداشت و در دهان
گذاشت. هم مسلکانش بر سر او فریاد

فَضَرَبَهُ فَقَتَلَهُ، فَقالوا: هٰذا فَسادٌ في الأَرضِ، وأَنكَروا قَتْلَ الخِنْزِيرِ.

ثُمّ قالوا لابنِ خَبّابٍ: حَدِّثْنا عَن أَبيكَ: فقالَ: إنّي سَمِعْتُ أَبي يَقولُ: سَمِعْتُ رسولَ اللهِ ﷺ يقولُ: ستَكونُ بَعدي فِتْنَةٌ يَموتُ فيها قَلبُ الرَّجُلِ كما يَموتُ بَدَنُهُ، يُمْسِي مُؤمناً ويُصْبِحُ كافِراً، فكُنْ عبدَ اللهِ المَقْتولَ، ولا تَكُنِ القاتِلَ... قالوا: فَما تَقولُ في عليٍّ بَعدَ التَّحْكيمِ والحُكومَةِ؟ قالَ: إنّ عليّاً أَعْلَمُ باللهِ وأَشَدُّ تَوَقِّياً على دِينِهِ، وأَنْفَذُ بَصيرَةً، فقالوا: إنَّكَ لَستَ تَتَّبِعُ الهُدىٰ، إنّما تَتَّبِعُ الرِّجالَ على أَسمائِهِم! ثُمَّ قَرَّبوهُ إلىٰ شاطِئِ النَّهْرِ، فأَضْجَعوهُ فذَبَحوهُ.

قالَ أَبو العَبّاسِ: وساوَموا رجُلاً نَصْرانيّاً بنَخْلَةٍ لَهُ، فقالَ: هِيَ لَكُم، فقالوا: ما كُنّا لِنَأْخُذَها إلّا بِثَمَنٍ، فقالَ: واعَجَباهْ! أَتَقْتُلونَ مِثْلَ عبدِ اللهِ ابنِ خَبّابٍ، ولا تَقْبَلونَ جَنىٰ نَخْلَةٍ إلّا بِثَمَنٍ؟![1]

کشیدند و او از روی مقدس مآبی خرما را از دهانش بیرون انداخت! نیز به یکی از آنان خوکی حمله کرد و او آن حیوان را زد و از پا در آورد. یارانش گفتند: این کار فساد در زمین است و کشتن خوک را ناروا شمردند.

آن گاه به ابن خبّاب گفتند: از پدرت برایمان حدیثی بگو. عبدالله گفت: از پدرم شنیدم که گفت: شنیدم پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: پس از من فتنه‌ای پدید خواهد آمد که دل آدمی در آن می‌میرد همچنان که تن می‌میرد. [آدمی] شب هنگام مؤمن است و بامدادان کافر. و تو، عبدالله مقتول باش نه قاتل... خوارج گفتند: نظرت دربارهٔ علی، پس از تحکیم و حکمیت چیست؟ عبدالله گفت: علی خداشناسترین و دیندارترین و با بصیرت‌ترین مردمان است. خوارج گفتند: تو از حقّ و هدایت پیروی نمی‌کنی، بلکه از نام و شهرت افراد پیروی می‌کنی! سپس او را به ساحلِ رود بردند و به پهلو خواباندند وسرش را بریدند.

ابوالعباس می‌گوید: خوارج از یک نفر مسیحی خواستند درخت خرمایش را به آنها بفروشد؛ او گفت: نخل از شما باشد. خوارج گفتند: ما آن را جز در برابر پول نمی‌گیریم. مسیحی گفت: شگفتا! شما مردی مثل عبدالله بن خبّاب را می‌کشید و حالا می‌گویید میوهٔ درخت خرمایی را جز در برابر پول قبول نمی‌کنید.

---

۱. شرح نهج البلاغة: ۲۸۱/۲.

١٠١٥
رَأيُ الإمامِ في قَتَلَةِ ابنِ خبّابٍ

٢٨٣٣ . شرح نهج البلاغة ـ بَعدَ قَتلِ ابن خَبّابٍ ـ: اسْتَنْطَقَهُم عليٌّ ﷺ بقَتْلِ عبدِ اللهِ بنِ خَبّابٍ، فأقَرّوا بِهِ، فقالَ: انْفَرِدوا كتائبَ لأسْمَعَ قَوْلَكُم كَتيبَةً كَتيبَةً. فتَكَتَّبوا كتائبَ، وأقَرَّتْ كُلُّ كَتيبَةٍ بمِثْلِ ما أقَرَّتْ بِهِ الأُخْرىٰ مِن قَتْلِ ابنِ خَبّابٍ، وقالوا: ولَنَقْتُلَنَّكَ كَما قَتَلْناهُ! فقالَ عليٌّ: واللهِ، لَو أقَرَّ أهْلُ الدُّنيا كُلُّهُم بقَتْلِهِ هٰكذا وأنا أقدِرُ علىٰ قَتْلِهِم بِهِ لَقَتَلْتُهُم. ثُمَّ الْتَفَتَ إلىٰ أصْحابِهِ فقالَ لَهُم: شُدّوا علَيهِم، فأنا أوَّلُ مَن يَشُدُّ علَيهِم.[1]

وفي روايةٍ عن الإمامِ عليٍّ ﷺ ـ في ذِكرِ أصْحابِ الجَملِ ـ: فواللهِ، لَو لَم يُصيبوا مِن المُسلِمينَ إلّا رجُلاً واحِداً مُعْتَمِدينَ (مُتَعَمِّدينَ) لِقَتْلِهِ بِلا جُرْمٍ جَرَّهُ لَحَلَّ لي قَتْلُ ذٰلكَ الجَيشِ كُلِّهِ؛ إذْ حَضَروهُ فلَم يُنْكِروا ولَم يَدْفَعوا عَنهُ.[2]

(انظر) القتل: باب ٣٢٢١.

١. شرح نهج البلاغة: ٢٨٢/٢، وانظر مستدرك الوسائل: ٢٢٥٣٤/٢١٣/١٨.

٢. نهج البلاغة: الخطبة ١٧٢.

١٠١٥
نظر امام دربارهٔ قاتلان ابن خبّاب

٢٨٣٣ . شرح نهج البلاغة ـ پس از كشته شدن ابن خبّاب ـ: علی ﷺ دربارهٔ قتل او از خوارج استنطاق كرد. آنان به كشتن او اقرار كردند. حضرت فرمود: گروه گروه شويد تا حرفهای هر يک از گروههای شما را جداگانه بشنوم. آنها گروه گروه شدند و هر گروهی مثل گروه ديگر به قتل ابن خبّاب اعتراف كردند و گفتند: تو را هم مثل او می‌كشيم. علی ﷺ فرمود: به خدا قسم، اگر همهٔ مردم دنيا به اين چنين كشتن او اعتراف كنند و من توانايی كشتن آنها را داشته باشم همهٔ آنها را می‌كشم. آن گاه رو به اصحابش كرد و فرمود: بر اينان سخت گيريد كه من نخستين كسی هستم كه بر آنان سخت می‌گيرم.

در روايتی از امام علی ﷺ دربارهٔ اصحاب جمل آمده است: به خدا سوگند اگر حتّی يک نفر از مسلمانان را بدون جرم و گناهی، به عمد می‌كشتند كشتنِ همهٔ آن سپاه بر من روا بود؛ زيرا آن لشكر حضور داشته‌اند و اعتراض ننموده واز وی دفاع نكرده‌اند.

١٠١٦
بَعدَ مَقتَلِ الخَوارِجِ

٣٨٣٤ . رسولُ اللهِ ﷺ: يَكونُ في أُمَّتي أشباهُ هٰذا يَقرَأونَ القُرآنَ لا يُجاوِزُ تَراقِيَهُم يَمرُقونَ مِنَ الدّينِ كما يَمرُقُ السَّهمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ كُلَّما قُطِعَ قَرنٌ نَشَأَ قَرنٌ، حتّىٰ يَخرُجَ في بَقِيَّتِهِم الدَّجّالُ.[1]

٣٨٣٥ . الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ وقَد مَرَّ بقَتلىٰ الخَوارِجِ ـ: بُؤساً لَكُم! لَقَد ضَرَّكُم مَن غَرَّكُم. فقيلَ لَهُ: مَن غَرَّهُم يا أميرَ المؤمنينَ؟ فقالَ: الشَّيطانُ المُضِلُّ، والأنفُسُ الأمّارَةُ بالسُّوءِ، غَرَّتهُم بالأمانيِّ، وفَسَحَتْ لَهُم بِالمَعاصي، ووَعَدَتهُمُ الإظهارَ. فاقتَحَمَتْ بِهِمُ النّارَ.[2]

٣٨٣٦ . عنه ﷺ: أيُّها النّاسُ، فإنّي فَقَأْتُ عَينَ الفِتنَةِ، ولَم يَكُن لِيَجتَرِئَ عَلَيها أحَدٌ غَيري بَعدَ أنْ ماجَ غَيهَبُها (ظُلمَتُها)، واشتَدَّ كَلَبُها.[3]

٣٨٣٧ . عنه ﷺ ـ لَمّا قُتِلَ الخوارِجُ فقيلَ لَهُ: يا أميرَ المؤمنينَ، هَلَكَ القَومُ بأجمَعِهِم ـ: كَلّا واللهِ، إنَّهُم نُطَفٌ في أصلابِ الرِّجالِ

١ . كنز العمّال: ٣١٦١١. ٢ . نهج البلاغة: الحكمة ٣٢٣.
٣ . نهج البلاغة: الخطبة ٩٣.

١٠١٦
پس از کشته شدن خوارج

٣٨٣٤ . پیامبر خدا ﷺ: در بین امّتم افرادی می‌باشند که قرآن می‌خوانند، امّا از استخوان ترقوه‌شان فراتر نمی‌رود [و] مانند گذر تیر از هدف، از دین خارج می‌شوند. هر گاه شاخی قطع شود شاخی دیگر بروید تا آن که از میان باقیماندهٔ آنان، دجال سر بر آرد.

٣٨٣٥ . امام علی ﷺ ـ در هنگام عبور از جنازهٔ خوارج ـ فرمود: بدا به حال شما! آن کس که فریبتان داد به شما زیان رساند. عرض شد: ای امیرمؤمنان! چه کسی فریبشان داد؟ فرمود: شیطان گمراه کننده و نفس فرمان‌دهنده به بدی؛ به آرزوهای خام فریبشان داد و میدان گناهان را بر آنان فراخ گردانید و به آنان وعدهٔ پیروزی داد و آن گاه آنان را در کام آتش فرو برد.

٣٨٣٦ . امام علی ﷺ: ای مردم! من چشم فتنه را در آوردم، در زمانی که تاریکیش موج می‌زد و هاری و سختی آن اوج گرفته بود و کسی جز من جرأت دفع آن را نداشت.

٣٨٣٧ . امام علی ﷺ ـ آن گاه که خوارج کشته شدند و به ایشان عرض شد: ای امیرمؤمنان! این جماعت همه نابود شدند. فرمود: هرگز، به خدا قسم که آنها نطفه‌هایی در پشت مردان و زهدانهای زنان هستند. هر

وقَراراتِ النِّساءِ، كُلَّما نَجَمَ مِنهُم قَرنٌ قُطِعَ، حتّىٰ يكونَ آخِرُهُم لُصوصاً سَلّابينَ.[1]

۳۸۳۸. **كنز العمّال** عن قتادة: لَمّا قَتَلَهُم [الخوارجَ] قالَ رجُلٌ: الحَمدُللهِ الّذي أبادَهُم وأراحَنا مِنهُم، فقالَ عليٌّ: كَلّا والّذي نَفْسي بِيَدِهِ، أنَّ مِنهُم لَمَن في أصْلابِ الرِّجالِ لَم تَحْمِلْهُ النِّساءُ بَعدُ، ولَيَكونَنَّ آخِرُهُم لُصّاصاً جَرّادينَ.[2]

۳۸۳۹. **كنز العمّال** عن أبي جعفر الفراء: سَمِعَ عليٌّ أحَدَ ابْنَيْهِ ـ إمّا الحسنَ أو الحسينَ ـ يقول: الحَمدُ للهِ الّذي أراحَ أُمّةَ محمّدٍ مِن هٰذِهِ العِصابَةِ، فقالَ عليٌّ: لَو لَم يَبْقَ مِن أُمّةِ محمّدٍ إلّا ثَلاثةٌ لَكانَ أحَدُهُم عَلىٰ رأيِ هٰؤلاءِ، إنَّهُم لَفي أصْلابِ الرِّجالِ وأرْحامِ النِّساءِ.[3]

(انظر) نهج السعادة: ۲ / ۴۱۷.

گاه شاخی از آنان بروید، قطع گردد تا این که سرانجام از آنان عده‌ای راهزن و دزد بر جای ماند.

۳۸۳۸. **کنز العمّال** ـ بنقل از قتادة ـ: پس از آن‌که امام علی ﷺ خوارج را کشت، مردی گفت: سپاس و ستایش خدایی را که آنان را نابود ساخت و ما را از شرّشان آسوده کرد. علی فرمود: هرگز، سوگند به آن که جانم در دست اوست برخی از آنها هنوز در صلب‌های مردان هستند و زنان هنوز باردارشان نشده‌اند. آخرین افراد آنها به جماعتی دزد و چپاولگر تبدیل خواهند شد.

۳۸۳۹. **کنز العمّال** ـ بنقل از أبو جعفر فراء ـ: علی شنید که یکی از فرزندانش، حسن یا حسین، می‌گوید: خدای را شکر که امّت محمّد را از شرّ این جماعت آسوده ساخت، فرمود: اگر از امّت محمّد تنها سه نفر بر جای ماند، یکی از آنها بر عقیدهٔ این جماعت خواهد بود. آنان [هنوز] در صلب‌های مردان و زهدانهای زنان هستند.

۱۰۱۷
نهيُ الإمامِ عَن قَتلِ الخَوارِجِ بَعدَهُ

۱۰۱۷
نهی امام از کشتن خوارج بعد از ایشان

۳۸۴۰. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: لا تُقاتِلوا (تَقْتُلوا) الخَوارِجَ بَعدي؛ فلَيس مَن طَلَبَ الحقَّ فأخْطَأهُ،

۳۸۴۰. **امام علی** ﷺ: بعد از من با خوارج نجنگید (خوارج را نکشید)؛ زیرا کسی که طالب حقّ باشد و به آن نرسد همچون کسی

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۶۰. ۲. كنز العمّال: ۳۱۵۴۲.
۳. كنز العمّال: ۳۱۵۴۹.

كَمَن طَلَبَ الباطِلَ فأدْرَكَهُ[1].[2]

نیست که جویای باطل باشد و به آن دست یابد.[1]

۱۰۱۸

النَّهيُ عَن قِتالِ الخَوارِجِ إذا خالفوا الإمامَ الجائِرَ

۱۰۱۸

نهی از جنگیدن با خوارج در صورتی که با فرمانروای ستمگر مخالفت کنند

۳۸۳۱. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ وقد سَمِعَ رجُلاً يَسُبُّ الخوارِجَ ـ: لا تَسُبُّوا الخوارِجَ، إنْ كانوا خالَفوا إماماً عادِلاً أو جَماعَةً فقاتِلوهُم، فإنَّكُم تُؤْجَرونَ في ذٰلكَ. وإنْ خالَفوا إماماً جائراً فلا تُقاتِلوهُم، فإنَّ لَهُم بذلكَ مَقالاً.[3]

۳۸۳۱. امام علی ﷺ ـ وقتی شنید که کسی خوارج را دشنام می‌دهد ـ فرمود: خوارج را دشنام ندهید؛ اگر با پیشوای عادل یا جماعت مسلمانان از راه مخالفت در آمدند، با آنان بجنگید، که برای این کار پاداش می‌برید. اما اگر با پیشوایی ستمگر مخالفت کردند [در کنار ستمگر] با ایشان نجنگید؛ زیرا برای کار خود دلیلی دارند.

۳۸۳۲. عنه ﷺ ـ وقد ذُكِرَتِ الخوارِجُ فسَبُّوهُم ـ: أمّا إذا خَرَجوا[4] علىٰ إمامِ هُدىً فسُبُّوهُم، وأمّا إذا خَرَجوا علىٰ إمامِ ضَلالَةٍ فلا

۳۸۳۲. امام علی ﷺ ـ [وقتی] در جمعی سخن از خوارج به میان آمد و آنان خوارج را دشنام

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۶۱.

۲. قال ابنُ أبي الحديد: مُراده أنّ الخوارج ضَلّوا بشُبهةٍ دخَلت عليهم، كانوا يَطلُبون الحقّ، ولهم في الجملة تَمسّكٌ بالدِّين، ومُحاماةٌ عن عقيدةٍ اعتقدوها، وإنْ أخطَؤوا فيها. وأمّا معاوية فلم يكن يطلب الحقّ، وإنّما كان ذا باطل، لا يُحامي عن اعتقادٍ قد بناه علىٰ شبهة، وأحوالُه كانت تدلّ علىٰ ذلك، فإنّه لم يكن من أرباب الدِّين ... وإذا كان كذلك لم يَجُزْ أن يَنصُر المسلمون سلطانه، وتحارَبُ الخوارج عليه وإن كانوا أهل ضلال، لأنّهم أحسن حالاً منه، فإنّهم كانوا يَنهون عن المنكر، ويَرَون الخروج علىٰ أئمّة الجور واجباً ... (شرح نهج البلاغة: ۵ / ۷۸).

۳. كنز العمّال: ۳۱۶۲۰.

۴. في المصدر «خَرَجوا» وهو تصحيف.

---

۱. ابن ابی الحدید می‌نویسد: مراد حضرت این است که خوارج به سبب گرفتار آمدن به یک شبهه، گمراه شدند. آنان طالب حقّ بودند و اجمالاً به دین تمسک داشتند و از عقیدهٔ خود دفاع می‌کردند، گرچه در عقیدهٔ خود راه خطا پیمودند. اما معاویه خواهان حقّ نبود، بلکه راه باطل می‌پیمود و از عقیده‌ای که با شبهه آمیخته شده باشد، دفاع نمی‌کرد. رفتار و کردار او، خود گواه این امر بود. او پایبند دین نبود ... با چنین اوصافی که در معاویه وجود داشت، بر مسلمانان روا نبود که از حکومت او دفاع کنند و با شورشیان علیه او بجنگند، هر چند کجراهه می‌رفتند؛ زیرا آنان وضع بهتری از معاویه داشتند؛ چه، نهی از منکر می‌کردند و قیام در برابر فرمانروایان ستمگر را واجب می‌دانستند ... .

تَسُبُّوهُم، فإنّ لَهُم بذلكَ مَقالاً.[1]

(انظر) الإمامة العامة: باب ۱۷۳.

السبّ: باب ۱۷۲۱، ۱۷۲۲.

دادنـد ـ فـرمود: اگـر در بـرابـر پـیشوای
هدایتگر قد علم کردند دشنامشان دهید، ا
اگر بر ضدّ پیشوای ستمگر شوریدند
دشنامشان ندهید؛ زیرا برای این کار خو
دلیلی دارند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. کنز العمّال: ۳۱۶۲۱.

۱۴۲

الخسران

زیانکاری

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

عنوان ۳۸۴«الغبن»، ۱۱۵«الحسرة».

۱۰۱۹
الَّذينَ خَسِروا أنفُسَهُم

الكتاب:

﴿قُلْ لِمَنْ ما فِي السَّماواتِ وَالأَرْضِ قُلْ لِلّهِ كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ لا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لا يُؤْمِنُونَ﴾.[1]

﴿وَمَنْ خَفَّتْ مَوازِينُهُ فَأُولٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِما كانُوا بِآياتِنا يَظْلِمُونَ﴾.[2]

﴿فَاعْبُدُوا ما شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ أَلا ذٰلِكَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبِينُ﴾.[3]

الحديث:

۳۸۴۳. **الإمامُ عليٌّ** عليه السلام: مَن حاسَبَ نَفْسَهُ رَبِحَ، ومَن غَفَلَ عَنها خَسِرَ.[4]

۳۸۴۴. عنه عليه السلام ـ فيما كَتَبَ إلىٰ مُعاوِيَةَ ـ: فَنَفْسَكَ نَفْسَكَ، فَقَد بَيَّنَ اللهُ لَكَ سَبيلَكَ، وحَيثُ تَناهَتْ بِكَ اُمورُكَ، فَقَد أَجْرَيْتَ إلىٰ غايَةٍ

۱. الأنعام: ۱۲.
۲. الأعراف: ۹.
۳. الزمر: ۱۵.
۴. نهج البلاغة: الحكمة ۲۰۸.

۱۰۱۹
آنان كه خود را به زيان افكنده‌اند

قرآن:

«بگو: از آن كيست آنچه در آسمانها و زمين است؟ بگو: از آن خداست. بخشايش را بر خود مقرر داشته است. همهٔ شما را در روز قيامت، كه در آنترديدى نيست، گرد مى‌آورد. آنان كه خود را به زيان افكنده‌اند همانان ايمان نمى‌آورند».

«آنان كه ترازوى اعمالشان سبك گشته است كسانى هستند كه به آيات ما ايمان نياورده بودند و از اين رو به خود زيان رسانيده‌اند».

«پس جز او هر چه را خواهيد بپرستيد. بگو: زيانكاران كسانى هستند كه در روز قيامت خود و خاندانشان را به زيان افكندند. بدانيد كه اين همان زيان آشكار است».

حديث:

۳۸۴۳. **امام علی** عليه السلام: كسى كه از نفس خود حساب بكشد، سود برد و هر كه از آن غافل ماند، زيان كند.

۳۸۴۴. **امام علی** عليه السلام ـ در نامه‌اى به معاويه ـ نوشت: خويشتن را درياب، خويشتن را درياب كه خداوند راه تو را برايت روشن كرده است، و تا همين جا كه پيش رفته‌اى، به نهايتِ زيانكارى و جايگاه كفر و

خُسْرٍ، ومَحَلَّةِ كُفْرٍ.[۱]

۳۸۴۵ . عنه ﷺ: مَن قَصَّرَ في أيّامِ أمَلِهِ قَبْلَ حُضورِ أجَلِهِ فقد خَسِرَ عَمَلَهُ وضَرَّهُ أجَلُهُ.[۲]

۳۸۴۶ . الإمامُ الباقرُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿قُلْ إِنَّ الخاسِرينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ أَلَا ذٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾ ـ: غَبَنوا أنفُسَهُم وأهْلِيهِم يَومَ القِيامَةِ.[۳]

۱۰۲۰
الخاسِرونَ

الكتاب:

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِيناً فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾.[۴]

(انظر) البقرة: ۲۷، ۱۲۱، الأعراف: ۹۹، ۱۷۸، الأنفال: ۳۷، التوبة: ۶۹، يوسف: ۱۴، النحل: ۱۰۹، العنكبوت: ۵۲، الزمر: ۶۳، المجادلة: ۱۹، المنافقون: ۹، آل عمران: ۱۴۹، المائدة: ۵، ۲۱، ۵۳، يونس: ۹۵.

الحديث:

۳۸۴۷ . رسولُ اللهِ ﷺ: الخاسِرُ مَن غَفَلَ عَن إصْلاحِ المَعادِ.[۵]

نافرمانی تاخته‌ای.

۳۸۴۵ . **امام علی** ﷺ: آن کس که در روزهای امیدش [به عمل] و پیش از فرا رسیدن اجلش کوتاهی کند، زیانکار باشد و اجلش به او ضرر زند.

۳۸۴۶ . **امام باقر** ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «بگو: زیانکاران کسانی هستند که در روز قیامت خود و خاندانشان را به زیان افکندند، بدانید که این همان زیان آشکار است» ـ فرمود: [آنان که] در روز قیامت خود و خانواده‌شان را مغبون کردند.

۱۰۲۰
زیانکاران

قرآن:

«هر کس دینی جز اسلام بجوید هرگز از وی پذیرفته نشود و در آخرت از زیانکاران باشد».

حدیث:

۳۸۴۷ . **پیامبر خدا** ﷺ: زیانکار کسی است که از آباد کردن آخرت غافل ماند.

---

۱. نهج البلاغة: الكتاب ۳۰. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۲۸.
۳. تفسير القمّي: ۲۴۸/۲. ۴. آل عمران: ۸۵.
۵. تنبيه الخواطر: ۱۱۸/۲.

۳۸۴۸ . عنه ﷺ: المُنْفِقُ عُمرَهُ في طَلَبِ الدُّنيا خاسِرُ الصَّفْقَةِ، عادِمُ التَّوفيقِ.[۱]

۳۸۴۹ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: فَرُبَّ دائِبٍ مُضِيعٌ، ورُبَّ كادِحٍ خاسِرٌ.[۲]

۳۸۵۰ . عنه ﷺ: لا تَأمَنَنَّ علىٰ خَيرِ هٰذِهِ الأُمَّةِ عَذابَ اللهِ، لقَولِهِ تعالىٰ: ﴿فلا يَأمَنُ مَكْرَ اللهِ إلّا القَومُ الخاسِرونَ﴾.[۳،۴]

۳۸۵۱ . عنه ﷺ: احْذَرْ أنْ يَراكَ اللهُ عِندَ مَعْصيَتِهِ، ويَفْقِدَكَ عِندَ طاعَتِهِ، فتَكونَ مِن الخاسِرينَ.[۵]

۳۸۴۸ . **پیامبر خدا** ﷺ: کسی که عمر خود را در طلب دنیا صرف کند در این معامله زیان کرده و توفیق را از دست داده است.

۳۸۴۹ . **امام علی** ﷺ: بسا کوشایی که کار را تباه می‌کند و بسا زحمتکشی که زیان می‌بیند.

۳۸۵۰ . **امام علی** ﷺ: بر بهترین فرد این امت از عذاب خدا ایمن مباش؛ زیرا خدای بزرگ می‌فرماید: «از مکر خدا جز زیانکاران خود را ایمن نپندارند».

۳۸۵۱ . **امام علی** ﷺ: بپرهیز از این که خداوند تو را در حال معصیتش ببیند و در حال طاعتش نبیند که در این صورت از زیانکاران خواهی بود.

۱۰۲۱
خَسِرَ الدُّنيا وَالآخِرَةَ

۱۰۲۱
زیانکاری در دنیا و آخرت

الكتاب:

﴿وَمِنَ النّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإنْ أَصابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإنْ أَصابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيا وَالآخِرَةَ ذٰلِكَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبِينُ﴾.[۶]

قرآن:

«و از میان مردم کسی است که خدا را فقط در یک حال می‌پرستد. اگر خیری به او رسد دلش بدان آرام گیرد و اگر آزمایشی پیش آید رخ برتابد (دگرگون شود). در دنیا و آخرت زیان بیند و این همان زیان آشکار است».

الحديث:

۳۸۵۲ . الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ وقد سُئلَ: مَنِ العَظيمُ

حدیث:

۳۸۵۲ . **امام علی** ﷺ ـ در پاسخ به این سؤال که:

---

۱ . تنبيه الخواطر: ۱۱۹/۲ . ۲ . نهج البلاغة: الخطبة ۱۲۹.
۳ . الأعراف: ۹۹. ۴ . نهج البلاغة: الحكمة ۳۷۷.
۵ . نهج البلاغة: الحكمة ۳۸۳.
۶ . الحجّ: ۱۱.

الشَّقاءِ؟ ـ: رجُلٌ تَرَكَ الدُّنيا للدُّنيا فَفاتَتْهُ الدُّنيا وخَسِرَ الآخِرَةَ، ورَجُلٌ تَعَبَّدَ واجْتَهَدَ وصامَ رِياءً للنّاسِ فذاكَ حُرِمَ لذّاتِ الدُّنيا مِن دُنْيانا ولَحِقَهُ التَّعَبُ الّذي لَو كانَ بِهِ مُخْلِصاً لاسْتَحَقَّ ثوابَهُ.[1]

بدبخت بزرگ کیست؟ ـ فرمود: مردی که دنیا را به خاطر دنیا واگذارد و بدین سبب دنیا را از دست دهد و آخرت را زیان کند و مردی که برای خودنمایی عبادت و کوشش کند و روزه بگیرد؛ چنین کسی به خاطر دنیا از لذتهای دنیا محروم گشته و خود را به رنجی در افکنده است که اگر برای خدا می‌بود سزاوار پاداش او می‌شد.

۳۸۵۳ . عنه ﷺ: مَعاشِرَ النّاسِ (المسلمينَ)، اتَّقوا اللهَ، فكَم مِن مُؤَمِّلٍ ما لا يَبْلُغُهُ، وبانٍ ما لا يَسْكُنُهُ، وجامعٍ ما سَوفَ يَتْرُكُهُ، ولَعَلَّهُ مِن باطِلٍ جَمَعَهُ، ومِن حقٍّ مَنَعَهُ، أصابَهُ حَراماً، واحْتَمَلَ بِهِ آثاماً، فباءَ بوِزْرِهِ، وقَدِمَ علىٰ رَبِّهِ، آسِفاً لاهِفاً، قَد خَسِرَ الدُّنيا والآخِرَةَ، ذٰلِكَ هُوَ الخُسْرانُ المُبينُ.[2]

۳۸۵۳ . **امام علی** ﷺ: ای مردم (ای مسلمانان)! از خدا بترسید؛ که بسا آرزومندی که به آرزوی خود نرسید و بسا سازنده‌ای که در عمارت خود مسکن نگزید و بسا گردآورنده‌ای که بزودی آن چه را گردآورده، واگذارد و شاید که آن را از راه ناروا گرد آورده و یا با نپرداختن حقّی آن را به هم رسانده، آن را از راه حرام به دست آورده و به خاطر آن زیر بار گناه مانده است؛ پس گناه آن را به دوش کشد و با دریغ و اندوه نزد پروردگارش رَوَد. چنین کسی «در دنیا و آخرت زیانکار باشد و این همان زیان آشکار است».

۳۸۵۴ . **نهج البلاغة**: الإمام علي ﷺ ـ وقد لَقِيَهُ عندَ مَسيرِهِ إلىٰ الشّامِ دَهاقينُ الأنبارِ، فتَرَجَّلوا لَهُ واشْتَدّوا بينَ يَدَيْهِ ـ: ما هٰذا الّذي صَنَعْتُموهُ؟ فقالوا: خُلُقٌ مِنّا نُعَظِّمُ بِهِ أُمَراءَنا، فقالَ: واللهِ، ما يَنْتَفِعُ بِهذا أُمَراؤُكُم، وإنَّكُم لَتَشُقُّونَ علىٰ أنْفُسِكُم في دُنياكُم، وتَشْقَوْنَ بِهِ في آخِرَتِكُم، وما أخْسَرَ المَشَقَّةَ وراءَها العِقابُ، وأرْبَحَ الدَّعَةَ مَعَها

۳۸۵۴ . **نهج البلاغة**: امام علی ﷺ ـ وقتی در مسیر خود به شام می‌رفت، گروهی از زمین‌داران انبار به آن حضرت برخوردند و به احترام ایشان از اسبها پیاده شدند و پیشاپیش او دویدند ـ فرمود: این چه کاری بود که کردید؟ گفتند: این روش ماست، که بدان امیران خود را احترام می‌نهیم. حضرت فرمود: به خدا سوگند که امیران شما از این کار سودی نمی‌برند و شما نیز با

---

۱. تنبيه الخواطر: ۹۵/۲. ۲. نهج البلاغة: الحكمة ۳۴۴.

الأمانُ مِن النّارِ.[1]

۳۸۵۵ . الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ في خِطابِهِ لشُريحِ بنِ الحارثِ قاضيهِ ـ: فانظُرْ يا شُريحُ، لا تَكونُ ابْتَعْتَ هٰذهِ الدّارَ مِن غَيرِ مالِكَ، أو نَقَدْتَ الثَّمَنَ مِن غَيرِ حَلالِكَ، فإذا أنتَ قَد خَسِرْتَ دارَ الدُّنيا ودارَ الآخِرَةِ.[2]

۳۸۵۶ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: إنّ في النّاسِ مَن خَسِرَ الدُّنيا والآخِرَةَ، يَتْرُكُ الدُّنيا للدُّنيا، ويَرىٰ أنَّ لَذّةَ الرِّئاسَةِ الباطِلَةِ أفضَلُ مِن لَذّةِ الأموالِ والنِّعَمِ المُباحَةِ المُحَلَّلَةِ، فيَترُكُ ذٰلكَ أجْمَعَ طَلَباً للرِّئاسَةِ.[3]

این کار در این جهان خود را به رنج می‌افکنید و در آن جهان به بدبختی گرفتار می‌آیید. چه زیانبار است رنجی که در پی آن عذاب باشد و چه سودمند است آسایشی که رهایی از آتش دوزخ همراه آن باشد.

۳۸۵۵ . امام علی ﷺ ـ به قاضی خود شریح بن حارث ـ فرمود: توجه کن ای شریح! مبادا این خانه را جز از مال خودت خریده باشی، یا بهای آن را جز از مال حلال داده باشی. در غیر این صورت هم در دنیا و هم در سرای آخرت زیان کرده‌ای.

۳۸۵۶ . امام زین العابدین ﷺ: برخی مردمان، دنیا و آخرت را از دست می‌دهند. دنیا را به خاطر دنیا وا می‌گذارند و لذّت ریاست باطل را برتر از لذّت اموال و نعمتهای مباح و حلال می‌دانند، و این همه را برای دست یافتن به ریاست رها می‌کنند.

۱۰۲۲
الأخسَرونَ

الكتاب:

﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالاً * الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعاً﴾.[4]

﴿الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللّٰهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ ... لا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ

۱۰۲۲
زیانکارترین‌ها

قرآن:

«بگو: آیا به شما خبر دهیم زیانکارترین مردمان کیستند؟ کسانی که کوشش آنان در زندگی این جهان هدر رفت و می‌پندارند که کار نیک می‌کنند».

«همانان که [مردم را] از راه خدا باز می‌دارند و آن را کج می‌شمارند و خود، آخرت را باور ندارند ... شکّ

---

۱ . نهج البلاغة: الحكمة ۳۷.
۲ . نهج البلاغة: الكتاب ۳.
۳ . بحار الأنوار: ۱۰/۸۴/۲.
۴ . الكهف: ۱۰۳، ۱۰۴.

الأَخْسَرُونَ﴾.[1]

﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ﴾.[2]

﴿وَأَرَادُوا بِهِ كَيْداً فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ﴾.[3]

نیست که آنان در آخرت زیانکارترند».

«کسانی که به آخرت ایمان ندارند، کردارهایشان را در نظرشان بیاراستیم [تا همچنان] سرگشته بمانند. ایشان همان کسانند که عذاب سخت از آن آنهاست و در آخرت زیانکارترینند».

«می‌خواستند برای او [ابراهیم] مکری بیندیشند ولی ما زیانکارترشان کردیم».

الحديث:

حدیث:

۳۸۵۷. الإمامُ عليٌّ ﷺ: أَخْسَرُ النّاسِ مَن قَدَرَ علىٰ أنْ يَقولَ الحقَّ ولَم يَقُلْ.[4]

۳۸۵۷. امام علی ﷺ: زیانکارترین مردم کسی است که بتواند حقّ بگوید، ولی نگوید.

۳۸۵۸. عنه ﷺ: إنّ أخْسَرَ النّاسِ صَفْقَةً وأخْيَبَهُم سَعْياً: رجُلٌ أخْلَقَ بَدَنَهُ في طَلَبِ مالِهِ ولَم تُساعِدْهُ المَقاديرُ علىٰ إرادَتِهِ، فخَرَجَ مِنَ الدُّنيا بحَسْرَتِهِ، وقَدِمَ علَى الآخِرَةِ بتَبِعَتِهِ.[5]

۳۸۵۸. امام علی ﷺ: زیانکارترین مردم در داد و ستد و ناکامترینشان در سعی و تلاش مردی است که تن خویش را در طلب مال بفرساید امّا مقدرات با خواست او مساعدت نکند و آن گاه با دریغ و حسرت از دنیا رود و با وزر وبال آن به آخرت روی نهد.

۳۸۵۹. عنه ﷺ: مَن أخْسَرُ مِمَّن تَعَوَّضَ عنِ الآخِرَةِ بالدُّنيا؟![6]

۳۸۵۹. امام علی ﷺ: چه کسی زیانکارتر از آن که آخرت را با دنیا عوض کرد؟

۳۸۶۰. عنه ﷺ: ما أخْسَرَ مَن لَيسَ لَهُ في الآخِرَةِ نَصِيبٌ![7]

۳۸۶۰. امام علی ﷺ: چه زیانکار است کسی که او را در آخرت نصیب و بهره‌ای نباشد!

۳۸۶۱. عنه ﷺ: أخْسَرُكُم أظْلَمُكُم.[8]

۳۸۶۱. امام علی ﷺ: زیانکارترین شما، ستمکارترین شماست.

---

۱. هود: ۲۲. ۲. النمل: ۴ و ۵.
۳. الأنبياء: ۷۰. ۴. غرر الحكم: ۳۱۷۸.
۵. نهج البلاغة: الحكمة ۴۳۰.
۶. غرر الحكم: ۸۵۰۹. ۷. غرر الحكم: ۹۶۲۵.
۸. غرر الحكم: ۲۸۴۱.

۴۸۶۲. عنه ﷺ ـ في كتابِهِ إلىٰ مصقلةَ عاملِهِ علىٰ أرْدَشيرَ خرّةَ ـ: بَلغَني عنكَ أمرٌ إنْ كُنتَ فَعَلْتَهُ فَقد أسْخَطتَ إلٰهَكَ، وعَصَيتَ إمامَكَ؛ أنَّكَ تَقْسِمُ فَيْءَ المسلِمينَ الَّذي حازَتْهُ رِماحُهُم وخُيولُهُم، وأُريقَتْ علَيهِ دِماؤهُم، فَيمَنِ اعْتامَكَ مِن أعْرابِ قَومِكَ... لا تُصْلِحْ دُنياكَ بمَحْقِ دِينِكَ، فتَكونَ مِنَ الأخْسَرينَ أعْمالاً.[1]

۴۸۶۲. امام علی ﷺ ـ در نامهٔ خود به مصقله، کارگزار خود در اردشیر خُرّه ـ نوشت: دربارهٔ تو گزارشی به من رسیده است، که اگر براستی آن گونه عمل کرده باشی، خدایت را به خشم آورده‌ای و امام خود را نافرمانی کرده‌ای؛ تو غنیمت مسلمانان را که نیزه‌ها و اسبهای آنان [در به دست آمدن آن] فراهم آمده و خونشان برای آن ریخته شده است، میان عربهای خویشاوند خود، که تو را برگزیده‌اند تقسیم کرده‌ای... دنیای خویش را با نابود کردن دینت آباد مگردان، که در این صورت از زیانکارترین مردمان خواهی بود.

۴۸۶۳. الإمامُ الباقرُ ﷺ ـ في قولِهِ عزّوجلّ: ﴿قُل هَل نُنَبِّئُكُم بالأخْسَرينَ أعمالاً...﴾ ـ: هُمُ النَّصارىٰ والقِسّيسونَ والرُّهْبانُ وأهلُ الشُّبُهاتِ والأهْواءِ مِن أهلِ القِبْلَةِ والحَروريّةِ وأهلِ البِدَعِ.[2]

(انظر) الرهبانيّة: باب ۱۵۵۴.

۴۸۶۳. امام باقر ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «بگو: آیا به شما خبر دهیم زیانکارترین مردمان کیستند؟» ـ فرمود: آنان مسیحیان، کشیشان، راهبان و مسلمانان پیرو شبهات و خواهشهای نفس و حروریه (خوارج) و بدعتگذاران هستند.

۱. نهج البلاغة: الكتاب ۴۳. ۲. تفسير القمّي: ۴۶/۲.

۱۴۳

الخشوع

خشوع

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

كنز العمّال: ۳/ ۱۴۴ «والخشوع».

انظر:

عنوان ۴۶ «والبكاء».

الصلاة: باب ۲۲۴۵ـ۲۲۵۳.

القرآن: باب ۳۲۴۸، ۳۲۵۴، العلم: باب ۲۸۴۴، النحو: باب ۳۸۰۳.

٣٣٢ ـــــــ

تَرىٰ خاشِعاً.[1]

خاشعی نمی‌یابی.

٣٨٦٦. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: نِعْمَ عَونُ الدُّعاءِ الخُشوعُ.[2]

٣٨٦٦. **امام علی** ﷺ: خشوع، نیکو یاوری است برای دعا.

٣٨٦٧. **عنه** ﷺ: اعْلَمْ أنَّ الإعْجابَ ضِدُّ الصَّوابِ وآفَةُ الألْبابِ. فإذا أنتَ هُدِيتَ لقَصْدِكَ فكُنْ أخْشَعَ ما تَكونُ لِرَبِّكَ.[3]

٣٨٦٧. **امام علی** ﷺ: بدان که خودپسندی خلاف درستی و آفت خردهاست. اگر می‌خواهی راه راست را بپیمایی، تا می‌توانی در برابر پروردگارت خاشع باش.

٣٨٦٨. **الإمامُ زينُ العابدينَ** ﷺ ـ في الدُّعاءِ ـ: وأعوذُ بكَ مِن نَفْسٍ لا تَقْنَعُ وبَطْنٍ لا يَشْبَعُ، وقَلْبٍ لا يَخْشَعُ.[4]

٣٨٦٨. **امام زین العابدین** ﷺ ـ در دعا ـ گفت: خدایا! به تو پناه می‌برم از نفسی که قانع نمی‌شود و شکمی که سیر نمی‌گردد و دلی که خاشع نمی‌شود.

٣٨٦٩. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: لا إيمانَ إلّا بعَمَلٍ، ولا عَمَلَ إلّا بيَقينٍ، ولا يَقينَ إلّا بالخُشوعِ.[5]

٣٨٦٩. **امام صادق** ﷺ: ایمان نباشد مگر با عمل، و عمل نباشد مگر با یقین، و یقین تحقق نمی‌یابد مگر با خشوع.

١٠٢٣
صِفاتُ الخاشِعينَ

الكتاب:

﴿فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَوَهَبْنا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كانُوا يُسارِعُونَ فِي الْخَيْراتِ وَيَدْعُونَنا رَغَباً وَرَهَباً وَكانُوا لَنا خاشِعِينَ﴾.[6]

١٠٢٣
صفات خاشعان

قرآن:

«دعای او (زکریا) را مستجاب کردیم و به او یحیی را بخشیدیم و زنش را برایش شایسته گردانیدیم. اینان در کارهای نیک شتاب می‌کردند و با امید و بیم ما را می‌خواندند و در برابر ما خاشع بودند».

---

١. مكارم الأخلاق: ٢٦٦١/٣٦٨/٢.
٢. غرر الحكم: ٩٩٤٥. ٣. بحار الأنوار: ٢/٢٢٢/٧٧.
٤. الإقبال: ١٧٤/١. ٥. بحار الأنوار: ١/٢٨٢/٧٨.
٦. الأنبياء: ٩٠.

الحديث:

٣٨٧٠ . رسولُ اللهِ ﷺ: أمّا عَلامَةُ الخاشِعِ فأربَعةٌ: مُراقَبَةُ اللهِ في السِّرِّ والعَلانِيَةِ، ورُكوبُ الجَميلِ، والتَّفَكُّرُ لِيَومِ القِيامَةِ، والمُناجاةُ للهِ.[١]

٣٨٧١ . عنه ﷺ ـ في جَوابِ السُّؤالِ عنِ الخُشوعِ ـ: التَّواضُعُ في الصَّلاةِ، وأنْ يُقْبِلَ العَبدُ بقَلبِهِ كُلِّهِ علىٰ رَبِّهِ عزّوجلّ.[٢]

٣٨٧٢ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن خَشَعَ قَلبُهُ خَشَعَتْ جَوارِحُهُ.[٣]

٣٨٧٣ . عنه ﷺ: لِيَخْشَعْ للهِ سُبحانَهُ قَلبُكَ، فمَن خَشَعَ قَلبُهُ خَشَعَتْ جَميعُ جَوارِحِهِ.[٤]

١٠٢٥
الخُشوعُ زينَةُ الأولِياءِ

الكتاب:

﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ﴾.[٥]

---

١ . تحف العقول: ٢٠.
٢ . الجعفريات: ٣٨.
٣ . غرر الحكم: ٨١٧٢.
٤ . غرر الحكم: ٧٣٦٩.
٥ . الأنبياء: ٩٠.

حدیث:

٣٨٧٠ . پیامبر خدا ﷺ: نشانهٔ خاشع چهار چیز است: حساب بردن از خدا در نهان و آشکار، انجام کارهای نیک، اندیشیدن برای روز قیامت، و راز و نیاز با خدا.

٣٨٧١ . پیامبر خدا ﷺ ـ در پاسخ به پرسش از خشوع ـ فرمود: تواضع داشتن در نماز و این که بنده با تمام دل و وجود به پروردگارش عزّوجلّ روی آورَد.

٣٨٧٢ . امام علی ﷺ: کسی که دلش خاشع شد، اندامهایش نیز خاشع شود.

٣٨٧٣ . امام علی ﷺ: دلت باید برای خداوند سبحان خاشع شود؛ که هر کس دلش خاشع شد، همهٔ ارکان بدنش خاشع شود.

١٠٢٥
خشوع، زیور اولیاست

قرآن:

«دعای او (زکریا) را مستجاب کردیم و به او یحیی را بخشیدیم و زنش را برایش شایسته گردانیدیم. اینان در کارهای نیک شتاب می‌کردند و با امید و بیم ما را می‌خواندند و در برابر ما خاشع بودند».

الحديث:

۳۸۷۴ . بحار الأنوار: فيما أوْحىٰ اللهُ تعالىٰ إلىٰ موسىٰ وهارونَ: إنَّما يَتَزَيَّنُ لي أوْليائي بالذِّلِّ والخُشوعِ والخَوفِ الَّذي يَنْبُتُ في قُلوبِهِم فيَظْهَرُ علىٰ أجْسادِهِم.[1]

۳۸۷۵ . الكافي: فيما ناجىٰ اللهُ تباركَ وتعالىٰ موسىٰ ﷺ: أسْمِعْني لَذاذَةَ التَّوراةِ بصَوتٍ خاشِعٍ حَزينٍ.[2]

۳۸۷۶ . الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ في صِفَةِ المُتَّقينَ ـ: مِن عَلامَةِ أحَدِهِم أنَّكَ تَرى لَهُ قُوَّةً في دِينٍ وحَزْماً في لِينٍ ... وخُشوعاً في عِبادَةٍ.[3]

۳۸۷۷ . عنه ﷺ ـ في صِفَةِ المؤمنينَ ـ: هَيْبَتُهُمُ الخُشوعُ.[4]

۳۸۷۸ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: أوْحىٰ اللهُ تعالىٰ إلىٰ عيسىٰ ابنِ مريمَ ﷺ: يا عيسىٰ، هَبْ لي مِن عَيْنَيكَ الدُّموعَ، ومِن قَلبِكَ الخُشوعَ، واكْحُلْ عَيْنَيْكَ بِميلِ الحُزْنِ إذا ضَحِكَ البَطّالونَ، وقُمْ علىٰ قُبورِ الأمْواتِ، فنادِهِم بالصَّوتِ الرَّفيعِ لَعلَّكَ تَأخُذُ

حدیث:

۳۸۷۴ . بحار الأنوار: از وحیهای خداوند متعال به موسی و هارون [این بود که]: همانا دوستان من با خواری و خشوع و ترس که در دلهایشان می‌روید و بر بدنهایشان آشکار می‌شود، خود را برای من می‌آرایند.

۳۸۷۵ . الكافي: در نجواهای خداوند متعال با موسی ﷺ آمده است: حلاوت تورات را با آوازی خاشع و حزین به گوش من برسان.

۳۸۷۶ . امام علی ﷺ ـ در وصف پرهیزگاران ـ فرمود: از نشانه‌های آنان این است که آنها را در دین، قدرتمند می‌بینی و در عین نرمی، دوراندیش ... و در عبادت، خاشع.

۳۸۷۷ . امام علی ﷺ ـ در وصف مؤمنان ـ فرمود: شُکوهشان خشوع است.

۳۸۷۸ . امام صادق ﷺ: خداوند متعال به عیسی بن مریم ﷺ وحی فرمود که: ای عیسی! از چشمان خود اشک و از دل خود، خشوع به من ببخش و آن گاه که هرزگان خوش و خندانند، تو با میلِ اندوه، چشمان خود را سرمه کش و بر سر گورهای مردگان بایست و آنان را با فریاد صدا بزن، شاید پند

---

۱ . بحار الأنوار: ۱۸/۴۹/۱۳.
۲ . الكافي: ۸/۴۴/۸.
۳ . نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۳.
۴ . مطالب السؤول: ۵۳.

مَوعِظَتَكَ مِنهُم، وقُلْ: إنّي لاحِقٌ بِهِم في اللاّحِقينَ.[۱]

خود را از ایشان بگیری و بگو که من هم همراه دیگران به ایشان خواهم پیوست.

۱۰۲۶
تَخَشُّعُ النِّفاقِ

۴۸۷۹. رسولُ اللهِ ﷺ: إيّاكُم وتَخَشُّعَ النِّفاقِ، وهُوَ أنْ يُرىٰ الجَسَدُ خاشِعاً والقَلبُ لَيسَ بخاشِعٍ.[۲]

۱۰۲۶
خاشع نمایی منافقانه

۴۸۷۹. **پیامبر خدا** ﷺ: از خاشع‌نمایی منافقانه بپرهیزید و آن، چنین است که بدن را خاشع نشان دهی در حالی که دل خاشع نیست.

۴۸۸۰. عنه ﷺ: تَعَوّذوا باللهِ مِن خُشوعِ النِّفاقِ، خُشوعِ البَدَنِ ونِفاقِ القَلبِ.[۳]

۴۸۸۰. **پیامبر خدا** ﷺ: از خشوع منافقانه به خدا پناه برید، خشوع تن و نفاق دل.

۴۸۸۱. عنه ﷺ: ما زادَ خُشوعُ الجَسَدِ علىٰ ما في القَلبِ فهُو عندَنا نِفاقٌ.[۴]

۴۸۸۱. **پیامبر خدا** ﷺ: کسی که جسمش، بیش از دلش خاشع باشد، این، نفاق است.

(انظر) البدعة: باب ۳۳۵.

---

۱. الأمالي للمفيد: ۷/۲۳۶.
۲. بحار الأنوار: ۱۸۸/۱۶۴/۷۷.
۳. كنز العمّال: ۲۰۰۸۹.
۴. الكافي: ۶/۳۹۶/۲.

الخُصُومَة

مشاجره

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۲/۱۲۴ باب ۱۷ «ماجاء في تجويز المجادلة والمخاصمة في الدِّين».

انظر:

عنوان ۶۵ «الجدال»، ۴۸۷ «المِراء»، ۵۱۳ «المناظَرة».

۱۰۲۷
الخُصومَةُ

الكتاب:

﴿هٰذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُوسِهِمُ الْحَمِيمُ﴾.[1]

الحديث:

۴۸۸۲ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: المُخاصَمَةُ تُبْدي سَفَهَ الرَّجُلِ ولا تَزيدُ في حَقِّهِ.[2]

۴۸۸۳ . **عنه** ﷺ: مَن بالَغَ في الخُصومَةِ أَثِمَ، ومَن قَصَّرَ فيها ظَلَمَ، ولا يَستَطيعُ أنْ يَتَّقِيَ اللهَ مَن خاصَمَ.[3]

۴۸۸۴ . **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: الخُصومَةُ تَمْحَقُ الدِّينَ، وتُحْبِطُ العَمَلَ، وتُورِثُ الشَّكَّ.[4]

۴۸۸۵ . **عنه** ﷺ: إيّاكَ والخُصوماتِ، فإنَّها تُورِثُ الشَّكَّ، وتُحْبِطُ العَمَلَ، وتُرْدي صاحِبَها، وعسى أنْ يَتَكلَّمَ الرَّجُلُ بالشَّيءِ لا يُغْفَرُ لَهُ.[5]

---

۱ . الحجّ: ۱۹. ۲ . غرر الحكم: ۱۵۵۱.
۳ . نهج البلاغة: الحكمة ۲۹۸.
۴ . التوحيد: ۴۵۸/۲۱. ۵ . الأمالي للصدوق: ۵۰۳/۶۸۹.

۱۰۲۷
مشاجره

قرآن:

«این دو گروه دربارهٔ پروردگارشان به مشاجره برخاسته‌اند. برای آنان که کافرند جامه‌هایی از آتش بریده‌اند و از بالا بر سرشان آب جوشان می‌ریزند».

حدیث:

۴۸۸۲ . **امام علی** ﷺ: مشاجره، نادانی انسان را آشکار می‌کند و چیزی به [مطلبِ] حقّ او نمی‌افزاید.

۴۸۸۳ . **امام علی** ﷺ: آن که در مشاجره زیاده‌روی کند، گنهکار است و آن که در مشاجره کوتاهی کند، [بر خود] ستم کرده است. مشاجره‌گر نمی‌تواند تقوای الهی داشته باشد.

۴۸۸۴ . **امام باقر** ﷺ: مشاجره، دین را نابود و عمل را باطل می‌کند و شکّ و تردید به بار می‌آورد.

۴۸۸۵ . **امام باقر** ﷺ: از مشاجرات بپرهیزید که شکّ و تردید به بار می‌آورند و عمل را بی اجر می‌کنند و مشاجره کننده را نابود می‌گردانند و بسا که انسان [در هنگام مجادله کردن] سخنی نابخشودنی به زبان آورد.

۳۸۸۶ . عنه ﷺ: إيّاكُم وأصْحابَ الخُصوماتِ والكَذّابينَ؛ فإنَّهُم تَرَكوا ما اُمِروا بِعِلْمِهِ، وتَكَلَّفوا ما لَم يُؤمَروا بِعِلْمِهِ حتّىٰ تَكَلَّفوا عِلْمَ السَّماءِ.[۱]

۳۸۸۶ . امام باقر ﷺ: از مشاجره گران و دروغگویان بپرهیزید؛ چه، آنان، آنچه را باید بیاموزند رها کرده‌اند، امّا برای آموختن آنچه به آموختنش فرمان ندارند، خود را به زحمت می‌اندازند، چندان که در فراگرفتن علم آسمان خود را به تکلّف وا می‌دارند.

۳۸۸۷ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: لا يُخاصِمُ إلّا مَن قد ضاقَ بِما في صَدرِهِ.[۲]

۳۸۸۷ . امام صادق ﷺ: مشاجره نکند، مگر کسی که از آنچه در سینه دارد، به تنگ آمده باشد.

۳۸۸۸ . عنه ﷺ: لا يُخاصِمُ إلّا شاكٌّ في دِينِهِ أو مَن لا وَرَعَ لَهُ.[۳]

۳۸۸۸ . امام صادق ﷺ: مشاجره نکند، مگر آن که در دین خود شک دارد، یا کسی که ورع ندارد.

۳۸۸۹ . عنه ﷺ: إيّاكُم والخُصومَةَ، فإنَّها تَشغَلُ القَلبَ، وتُورِثُ النِّفاقَ، وتُكْسِبُ الضَّغائنَ.[۴]

۳۸۸۹ . امام صادق ﷺ: از مشاجره کردن بپرهیزید که آن دل را مشغول می‌کند و موجب نفاق می‌شود و کینه به بار می‌آورد.

۳۸۹۰ . عنه ﷺ: إيّاكُم والخُصومَةَ في الدِّينِ، فإنَّها تَشغَلُ القَلبَ عَن ذِكرِ اللهِ عزّوجلّ، وتُورِثُ النِّفاقَ، وتُكْسِبُ الضَّغائنَ، وتَستَجلِبُ الكِذْبَ.[۵]

۳۸۹۰ . امام صادق ﷺ: از مشاجره کردن در دین بپرهیزید، که آن، دل را از یاد خداوند عزّوجلّ باز می‌دارد و موجب نفاق می‌شود و کینه به بار می‌آورد و راه بر دروغ می‌گشاید.

۳۸۹۱ . الكافي عن غياث بن ابراهيم: كانَ أبو عبدِ اللهِ ﷺ إذا مَرَّ بِجَماعَةٍ يَختَصِمونَ لا يَجوزُهُم حتّىٰ يَقولَ ثَلاثاً: اتَّقوا اللهَ، يَرفَعُ بِها صَوْتَهُ.[۶]

۳۸۹۱ . الكافي ـ به نقل از غیاث بن إبراهیم ـ: امام صادق ﷺ هرگاه بر گروهی می‌گذشت که مشغول مشاجره کردن بودند، از آنها رد نمی‌شد، مگر آن که سه بار با صدای بلند می‌فرمود: از خدا بترسید.

---

۱. بحار الأنوار: ۵۸/۱۳۹/۲. ۲. التوحيد: ۳۵/۴۶۱.
۳. بحار الأنوار: ۶۱/۱۴۰/۲. ۴. الكافي: ۸/۳۰۱/۲.
۵. الأمالي للصدوق: ۶۹۱/۵۰۳.
۶. الكافي: ۱۲/۵۹/۵.

٣٨٩٢ . الإمامُ الكاظمُ عليه السلام: مُرْ أصحابَكَ أنْ يَكُفّوا مِن ألسِنَتِهِم، ويَدَعوا الخُصومَةَ في الدِّينِ، ويَجْتَهِدوا في عِبادَةِ اللهِ عزّوجلّ.[1]

٣٨٩٢ . امام كاظم عليه السلام: به ياران خود دستور بده كه زبانشان را نگه دارند و مشاجره كردن در دين را واگذارند و در عبادت خداوند عزّوجلّ بكوشند.

مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى

١ . التوحيد: ٢٩/٤٦٠.



۱۴۵

الخُطبة

سخنرانی

آداب الخطبة

آداب سخنرانی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۷۷/ ۲۸۰ـ۳۷۶ «خُطب أمير المؤمنين عليه السلام».

كنز العمّال: ۱۶/ ۱۲۴ـ۲۷۰ «كتاب المواعظ والرّقائق والخُطب والحِكم».

كنز العمّال: ۱۶/ ۱۶۷ «خُطب عليّ عليه السلام ومواعظه».

۱۰۲۸
الإفتِتاحُ بِالبَسمَلَةِ

۳۸۹۳ . مسند ابن حنبل عن أبي هريرة: قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ: كُلُّ كَلامٍ أو أمرٍ ذي بالٍ لا يُفتَحُ بِذِكرِ اللهِ عزّوجلّ فَهُوَ أبتَرُ ـ أو قالَ: أقطَعُ ـ.[1]

۳۸۹۴ . الإمامُ عليٌّ ؈: قولوا عِندَ افتِتاحِ كُلِّ أمرٍ صَغيرٍ أو عَظيمٍ: بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ.[2]

۳۸۹۵ . عنه ؈: إنَّ رَسولَ اللهِ ﷺ حَدَّثَني عَنِ اللهِ عزّوجلّ أنَّهُ قالَ: كُلُّ أمرٍ ذي بالٍ لَم يُذكَر، «بِسمِ اللهِ» فيهِ فَهُوَ أبتَرُ.[3]

۳۸۹۶ . الإمامُ الصّادقُ ؈: لا تَدَع «بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ» وإن كانَ بَعدَهُ شِعرٌ.[4]

۱۰۲۸
آغازگری با «بسم الله الرحمن الرحیم»

۳۸۹۳ . مسند ابن حنبل ـ به نقل از ابو هریره ـ: رسول خدا فرمود: هر گفتار یا کاری که ارزشمند باشد و با یاد خدای عزّوجلّ آغاز نشود، ناتمام است (یا آن که فرمود: قطع شده است).

۳۸۹۴ . امام علی ؈: در آغاز هر کار کوچک یا بزرگ بگویید: «بسم الله الرحمن الرحیم».

۳۸۹۵ . امام علی ؈: همانا رسول خدا ﷺ به نقل از خداوند عزّوجلّ برای من نقل کرده که چنین فرموده است: «هر کار ارزشمندی که در آن "بسم‌الله" گفته نشود، ناتمام است».

۳۸۹۶ . امام صادق ؈: «بسم الله الرحمن الرحیم» را رها نکن، حتی اگر پس از آن، شعر باشد.

۱۰۲۹
التَّحميدُ لِلّهِ وَالصَّلاةُ عَلىٰ رَسولِ اللهِ

۳۸۹۷ . رسولُ اللهِ ﷺ: كُلُّ كَلامٍ لا يُبدَأُ فيهِ بِالحَمدِ

۱۰۲۹
حمد خدا گفتن و درود فرستادن بر رسول خدا

۳۸۹۷ . پیامبر خدا ﷺ: هر گفتاری که با سپاس خدا شروع نشود، چون دستِ بریده، گفتاری ناتمام است.[1]

---

۱ . مسند ابن حنبل: ۳ / ۲۸۱ / ۸۷۲۰.
۲ . التوحيد: ۲۳۲ / ۵.
۳ . التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري ؈: ۲۵ / ۷.
۴ . الكافي: ۲ / ۶۷۲ / ۱.

۱ . سیّد رضی می‌گوید: در این گفتار، مجاز به کار رفته است و پیامبر اکرم، کاری را که سخن گفتن در آن اهمّیت داشته و به آغازگری سخن در آن نیاز افتاده است، در صورتی که حمد و سپاس الهی در آن به چشم نخورد، به دستِ بُریده تشبیه نموده است؛ زیرا چنین دستی از انجام دادن مطلوب کار و از به‌

لِلّهِ فَهُوَ أجذَمُ.[۱،۲]

۳۸۹۸ . عنه ﷺ: كُلُّ أمرٍ ذي بالٍ لا يُبدَأُ فيهِ بِحَمدِ اللهِ وَالصَّلاةِ عَلَيَّ فَهُوَ أقطَعُ أبتَرُ، مَمحوقٌ مِن كُلِّ بَرَكَةٍ.[۳]

۱۰۳۰
الوُضوحُ فِي الكَلامِ

الكتاب:

﴿وَأَطِيعُوا اللهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلاغُ الْمُبِينُ﴾.[۴]

﴿مَّا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ﴾.[۵]

۳۸۹۸ . **پیامبر خدا ﷺ: هر کار ارزشمندی که با ستایش الهی و درود بر من آغاز نشود، گفتاری ناتمام و ناقص است، و از هر برکتی محروم است.**[۱]

---

۱ . قال الشريف الرضيّ ﷺ: هذا القول مجاز، وإنّما شبّه ـ عليه الصلاة والسلام ـ الأمر الذي تَهُمّ الإفاضة فيه وتمسّ الحاجة إلى الكلام عليه، إذا لم ينظر فيه حمد الله سبحانه وتعالى، بالأقطع اليد من حيث كان قالصاً عن السُّبوغ، وناقصاً عن البلوغ.

وممّا يقوّي ذلك ما رواه أبو هريرة أيضاً قال: قال عليه الصلاة والسلام: «الخطبة التي ليس فيها شهادة كاليد الجذماء. فأقام ـ عليه الصلاة والسلام ـ نقصان الخطبة مقام نقصان الخلقة.

وممّا يشبه هذا الخبر الحديثُ الآخر الذي ذكره أبو عبيد القاسم بن سلّام في كتابه «غريب الحديث»، وهو قوله عليه الصلاة والسلام: «مَن تعلّم القرآن ثمّ نسيه لقي الله سبحانه وهو أجذم» قال: والأجذم: المقطوع اليد (المجازات النبوية: ۲۴۴ / ۱۹۷).

۲ . سنن أبي داود: ۴ / ۲۶۱ / ۴۸۴۰.

۳ . كنز العمّال: ۲۵۱۰. ۴ . المائدة: ۹۲.

۵ . المائدة: ۹۹.

← فرجام رساندن آن، ناتوان است. روایتی دیگر از پیامبر ﷺ به نقل از ابو هریره این مدّعا را تقویت می‌کند. در این روایت، پیامبر ﷺ فرموده است: «خطابه‌ای که در آن شهادت [به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر ﷺ] نباشد، به سان دست بُریده است». پیامبر ﷺ در این روایت، کاستی خطابه را به جای نقص خلقت آدمی نشانده است.

شبیه این حدیث، روایت دیگری است که ابو عبید قاسم بن سلّام در کتابش غریب الحدیث، از پیامبر ﷺ نقل کرده است: «هر کس قرآن را فراگیرد، آن گاه آن را فراموش کند، خداوند سبحان را در حالی که بُریده دست است، ملاقات خواهد کرد». این سلّام افزوده است: «اجذم»، به معنای «دستْ بُریده» است (المجازات النبویة: ۲۴۴/۱۹۷).

۱ . نکته: ابن قتیبه می‌گوید: خطبه‌های رسول خدا را دنبال کردم و دریافتم که در آغاز اکثر آنها چنین است: «ستایش، مر خدا راست. او را ستایش می‌کنیم و از او یاری می‌جوییم، و به او ایمان می‌آوریم، و بر او توکّل می‌کنیم، و از او طلب بخشایش می‌کنیم، و به سوی او توبه می‌کنیم، و از شرّ نفوس خود و بدی اعمالمان به خدا پناه می‌بریم. هر کس خدا او را هدایت کند، هیچ گمراه کننده‌ای نخواهد داشت، و هر کس خدا گمراهش کند، هدایت‌کننده‌ای نخواهد داشت؛ و شهادت می‌دهم که خدایی جز الله نیست. او یکتاست و انبازی ندارد».

و در برخی از خطبه‌ها چنین دیدم: «ای بندگان خدا! شما را به تقوای خداوند، سفارش می‌کنم و شما را به طاعت او فرا می‌خوانم» و در خطبه‌ای از ایشان دیدم که پس از حمد و ثنای خداوند، چنین آمده بود: «ای مردم! برای شما نشانه‌هایی است. پس به سوی نشانه‌های خود، راه پویید، و برای شما پایانه‌ای است. پس به آن پایانه ملحق شوید. همانا مؤمن بین دو بیم است: بین زمانی که بر او گذشته و نمی‌داند که خداوند با او چه خواهد کرد، و زمانی که باقی مانده و نمی‌داند که خداوند در آن، چه قضایی دارد. پس بنده باید از جان خود برای خود، و از دنیایش برای آخرتش، و از جوانی پیش از پیری، و از زندگانی پیش از مرگ، توشه برگیرد. سوگند به آن‌که جان محمّد به دست اوست، پس از مرگ، عذری پذیرفته نیست و پس از دنیا، خانه‌ای جز بهشت یا جهنم نیست» و دریافتم که در آغاز هر خطبه، ستایش خداست، به استثنای خطبهٔ عید که آغاز آن تکبیر است.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾.[۱]

﴿فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلاغُ الْمُبِينُ﴾.[۲]

﴿فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلاغُ الْمُبِينُ﴾.[۳]

﴿فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُّدًّا﴾.[۴]

﴿وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي﴾.[۵]

الحديث:

۳۸۹۹. صحيح البخاري عن عائشة: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يُحَدِّثُ حَدِيثاً، لَو عَدَّهُ العادُّ لَأَحصاهُ.[۶]

۳۹۰۰. مسند ابن حنبل عن عائشة: كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ لا يَسرُدُ سَردَكُم هٰذا؛ يَتَكَلَّمُ بِكَلامٍ بَينَهُ فَصلٌ، يَحفَظُهُ مَن سَمِعَهُ.[۷]

۳۹۰۱. سنن أبي داوود عن عائشة: كانَ كَلامُ رَسولِ اللهِ ﷺ كَلاماً فَصلاً؛ يَفهَمُهُ كُلُّ مَن

۱. إبراهيم: ۴.
۲. النحل: ۳۵.
۳. النحل: ۸۲.
۴. مريم: ۹۷.
۵. طه: ۲۷ و ۲۸.
۶. صحيح البخاري: ۳/۱۳۰۷/۳۳۷۴.
۷. مسند ابن حنبل: ۱۰/ ۱۱۵/ ۲۶۲۶۹.

۱۰۳۰

آشکار سخن گفتن

قرآن:

«و اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید، و برحذر باشید! پس اگر روی گرداندید، بدانید که بر عهدهٔ پیامبر ما، فقط رساندن [پیام] آشکار است».

«بر پیامبر [خدا وظیفه‌ای] جز ابلاغ [رسالت] نیست؛ و خداوند، آنچه را آشکار و آنچه را پوشیده می‌دارید، می‌داند».

«و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم، تا [حقایق را] برای آنان بیان کند. پس خدا هر که را بخواهد، بی‌راه می‌گذارد، و هر که را بخواهد، هدایت می‌کند؛ و اوست ارجمند حکیم».

«و آیا جز ابلاغ آشکار، بر پیامبران [وظیفه‌ای] است؟».

«پس اگر رویگردان شوند، بر تو فقط ابلاغ آشکار است».

«در حقیقت، ما این [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بدان نوید، و مردم ستیزه‌جو را بدان بیم دهی».

«و از زبانم گره بگشای، تا سخنم را بفهمند».

حدیث:

۳۸۹۹. صحیح البخاری ـ به نقل از عایشه ـ: هنگامی که پیامبر ﷺ سخنی می‌گفت، اگر کسی آن را می‌شمُرد، می‌توانست آن را بشمارد.

۳۹۰۰. مسند ابن حنبل ـ به نقل از عایشه ـ: رسول خدا ﷺ به سان شما پشت سر هم سخن نمی‌گفت. وقتی سخنی می‌گفت، بین آن،

سَمِعَهُ.[۱]

۳۹۰۲. الإمامُ الحسنُ ﷺ عَن هِندِ بنِ أبي هالَةَ التَّميمِيِّ ـ وكانَ وَصّافاً لِحِليَةِ النَّبِيِّ ﷺ ـ: كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ... يَتَكَلَّمُ بِجَوامِعِ الكَلِمِ فَصلاً، لا فُضولَ فيهِ ولا تَقصيرَ.[۲]

۱۰۳۱
السَّدادُ فِي القَولِ

الكتاب:

﴿يَـٰأَيُّهَا ٱلَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَ قُولُوا قَوْلاً سَدِيدًا﴾.[۳]

﴿ادْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جادِلْهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾.[۴]

الحديث:

۳۹۰۳. الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن سَدَّدَ مَقالَهُ بَرهَنَ عَن غَزارَةِ فَضلِهِ.[۵]

۳۹۰۴. عنه ﷺ: أحسَنُ القَولِ السَّدادُ.[۶]

۳۹۰۵. عنه ﷺ: أحسَنُ الكَلامِ ما زانَهُ حُسنُ النِّظامِ، وفَهِمَهُ الخاصُّ وَالعامُّ.[۷]

---

۱. سنن أبي داوود: ۴ / ۲۶۱ / ۴۸۳۹.
۲. معاني الأخبار: ۱ / ۸۱. ۳. الأحزاب: ۷۰.
۴. النحل: ۱۲۵. ۵. غرر الحكم: ۸۴۱۹.
۶. غرر الحكم: ۲۸۶۵. ۷. غرر الحكم: ۳۳۰۴.

چنان فاصله می‌انداخت که هر کس می‌شنید، به خاطر می‌سپرد.

۳۹۰۱. **سنن أبي داوود** ـ به نقل از عایشه ـ: گفتار رسول خدا ﷺ گفتاری با فاصله [و آشکار] بود، که هر کس آن را می‌شنید، می‌فهمید.

۳۹۰۲. **امام حسن** ﷺ به نقل از هند بن ابو هالهٔ تمیمی ـ که توصیف کنندهٔ زیبایی پیامبر ﷺ بود ـ: رسول خدا... به تمام جوامع کَلِم (گفتارهای جامع)، آشکارا سخن می‌گفت، بی‌آن‌که در آن، فزونی یا کاستی باشد.

۱۰۳۱
درستی در گفتار

قرآن:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا دارید و سخنی استوار گویید».

«با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنان به آن [شیوه‌ای] که نیکوتر است، مجادله نمای. در حقیقت، پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده، داناتر، و او به [حال] راه یافتگان [نیز] داناتر است».

حدیث:

۳۹۰۳. **امام علی** ﷺ: کسی که با استواری سخن گوید، فراوانی فضل خود را آشکار ساخته است.

۳۹۰۴. **امام علی** ﷺ: بهترین سخن، سخن استوار است.

۳۹۰۵. **امام علی** ﷺ: بهترین گفتار آن است که ترتیب نیک، بدان آراستگی ببخشد، و خاص و عام آن را بفهمند.

۳۹۰۶. عنه ﷺ: أحسَنُ الكَلامِ ما لا تَمُجُّهُ الآذانُ، ولا يُتعِبُ فَهمُهُ الأفهامَ.[۱]

۳۹۰۶. **امام علی**ﷺ: بهترین گفتار آن است که گوش‌ها از آن بیزاری نجویند، و فهمش فکرها را خسته نسازد.

۱۰۳۲
التَّلويحُ في ما لا يَنبَغِي التَّصريحُ بِهِ

۱۰۳۲
اشاره در آن‌جا که، صراحت بدان روا نباشد

۳۹۰۷. سنن أبي داوود عن عائشة: كانَ النَّبِيُّ ﷺ إذا بَلَغَهُ عَنِ الرَّجُلِ الشَّيءُ لَم يَقُل: «ما بالُ فُلانٍ يَقولُ؟!»، ولٰكِن يَقولُ: «ما بالُ أقوامٍ يَقولونَ كَذا وكَذا؟!».[۲]

۳۹۰۷. **سنن أبی داوود** ـ به نقل از عایشه ـ: هرگاه چیزی (سخن ناروایی) از فردی به ایشان ﷺ می‌رسید، نمی‌فرمود: «فلانی را چه شده که [چنین] می‌گوید؟!»؛ بلکه می‌فرمود: «مردم را چه شده که چنین و چنان می‌گویند؟!».

۳۹۰۸. المعجم الكبير عن خوّات بن جبير: نَزَلنا مَعَ رَسولِ اللهِ ﷺ مَرَّ الظَّهرانِ، فَخَرَجتُ مِن خِبائي، فَإذا أنَا بِنِسوَةٍ يَتَحَدَّثنَ فَأعجَبنَني، فَرَجَعتُ فَاستَخرَجتُ عَيبَتي، فَاستَخرَجتُ مِنها حُلَّةً فَلَبِستُها وجِئتُ فَجَلَستُ مَعَهُنَّ، وخَرَجَ رَسولُ اللهِ ﷺ مِن قُبَّتِهِ فَقالَ: أبا عَبدِ اللهِ، ما يُجلِسُكَ مَعَهُنَّ؟ فَلَمّا رَأَيتُ رَسولَ اللهِ ﷺ هِبتُهُ وَاختَلَطتُ، قُلتُ: يا رَسولَ اللهِ جَمَلٌ لي شَرَدَ، فَأنَا أبتَغي لَهُ قَيداً، فَمَضىٰ... وتَوَضَّأَ فَأقبَلَ وَالماءُ يَسيلُ مِن لِحيَتِهِ عَلىٰ صَدرِهِ ـ أو قالَ: يَقطُرُ مِن لِحيَتِهِ عَلىٰ صَدرِهِ ـ فَقالَ:

۳۹۰۸. **المعجم الکبیر** ـ به نقل از خوّات بن جبیر ـ: به‌همراه رسول خدا ﷺ در منطقهٔ مرّ الظهران فرود آمدیم. من از چادرم خارج شدم. ناگهان، زنانی را دیدم که با یکدیگر سخن می‌گویند و از گفتگوی آنان خوشم آمد. به خیمه بازگشتم و جامه‌دانم را بیرون آوردم و از میان آن، جامه‌ای بیرون آورده، پوشیدم و آمدم با آن زنان نشستم. در این هنگام، رسول خدا از خیمهٔ خود خارج شد و فرمود: «ای ابو عبدالله! برای چه با زنان نشسته‌ای؟!». چون رسول خدا را دیدم، هول کردم و خود را باختم. گفتم: ای رسول خدا! شترم گریخته و به دنبال ریسمان او هستم... پیامبر ﷺ رفت و وضو ساخت و در حالی که آب از محاسن ایشان برسینه‌شان جاری بود (یا آن‌که گفت: قطره‌های آب وضو از محاسن ایشان برسینه‌شان می‌چکید)، برگشت و فرمود: «ای

---

۱. غرر الحكم: ۳۳۷۱.

۲. سنن أبي داوود: ۴ / ۲۵۰ / ۴۷۸۸.

أبا عَبدِ اللهِ، ما فَعَلَ شِرادُ جَمَلِكَ؟ ثُمَّ ارتَحَلنا، فَجَعَلَ لا يَلحَقُني فِي المَسيرِ إلّا قالَ: السَّلامُ عَلَيكَ أبا عَبدِ اللهِ، ما فَعَلَ شِرادُ ذٰلِكَ الجَمَلِ؟ فَلَمّا رَأَيتُ ذٰلِكَ تَعَجَّلتُ إلَى المَدينَةِ وَاجتَنَبتُ المَسجِدَ وَالمُجالَسَةَ إلَى النَّبِيِّ ﷺ، فَلَمّا طالَ ذٰلِكَ تَحَيَّنتُ ساعَةَ خَلوَةِ المَسجِدِ، فَأَتَيتُ المَسجِدَ فَقُمتُ أُصَلّي، وخَرَجَ رَسولُ اللهِ ﷺ مِن بَعضِ حُجَرِهِ فَجأَةً، فَصَلّىٰ رَكعَتَينِ خَفيفَتَينِ، وطَوَّلتُ رَجاءَ أن يَذهَبَ ويَدَعَني، فَقالَ: طَوِّل أبا عَبدِ اللهِ ما شِئتَ أن تُطَوِّلَ؛ فَلَستُ قائِماً حَتّىٰ تَنصَرِفَ. فَقُلتُ في نَفسي: وَاللهِ لَأَعتَذِرَنَّ إلىٰ رَسولِ اللهِ ﷺ ولَأُبرِئَنَّ صَدرَهُ. فَلَمّا قالَ: السَّلامُ عَلَيكَ أبا عَبدِ اللهِ، ما فَعَلَ شِرادُ ذٰلِكَ الجَمَلِ؟ فَقُلتُ: وَالَّذي بَعَثَكَ بِالحَقِّ، ما شَرَدَ ذٰلِكَ الجَمَلُ مُنذُ أسلَمَ. فَقالَ: رَحِمَكَ اللهُ! ـ ثَلاثاً ـ ثُمَّ لَم يَعُد لِشَيءٍ مِمّا كانَ.[1]

۱۰۳۳
مُراعاةُ أهلِيَّةِ المُخاطَبِ

۲۹۰۹. عيسى ﷺ: يا مَعشَرَ الحَوارِيّينَ، لا تُلقُوا

ابو عبدالله! سرانجام گریختن شترت چه شد؟».

آن‌گاه کوچ کردیم. پیامبر در راه هرگاه به من برمی‌خورد، می‌فرمود: «سلام بر تو ای ابوعبدالله! سرانجام گریختن آن شتر چه شد؟». وقتی این را دیدم، به سوی مدینه شتاب کردم و از رفتن به مسجد و هم‌نشینی با پیامبر ﷺ اجتناب کردم. پس از مدّتی با استفاده از یک ساعتِ خلوت مسجد، وارد مسجد شدم و برای نماز خواندن ایستادم. ناگهان رسول خدا از یکی از اتاق‌های خود خارج شد و دو رکعت نماز کوتاه خواند. من به امید آن‌که ایشان برود و مرا تنها گذارد، نماز را طولانی کردم. فرمود: «ای ابوعبدالله! هر قدر که می‌خواهی، نمازت را طولانی کن که من تا نماز را تمام کنی، همچنان خواهم ایستاد». با خود گفتم: سوگند به خدا! پیش رسول خدا عذر خواهم خواست و ایشان را راحت می‌کنم. از این رو، هنگامی که فرمود: «سلام بر تو ای ابو عبدالله! سرانجام گریختن شترت چه شد؟»، گفتم: سوگند به آن‌که تو را به حقّ به رسالت برانگیخته، آن شتر، از زمان تمکین، نگریخته است. آن‌گاه [رسول خدا] سه بار فرمود: «خدا تو را رحمت کند!» و دیگر هرگز به آن ماجرا اشاره نکرد.

۱۰۳۳
مراعات شایستگی مخاطب

۲۹۰۹. **عیسی** ﷺ: ای جمعیت حواریان! گوهر را

۱. المعجم الكبير: ۴/ ۲۰۳/ ۴۱۴۶.

اللُّؤلُؤَ لِلخِنزيرِ؛ فَإنَّهُ لا يَصنَعُ بِهِ شَيئاً. ولا تُعطُوا الحِكمَةَ مَن لا يُريدُها؛ فَإنَّ الحِكمَةَ أحسَنُ مِنَ اللُّؤلُؤِ، ومَن لا يُريدُها أشَرُّ مِنَ الخِنزيرِ.[1]

بر گردن خوک نیفکنید، که با آن کاری انجام نمی‌دهد، و حکمت را به آن‌که خواهان آن نیست، ندهید؛ زیرا حکمت بهتر از گوهر است، و آن‌که خواهان حکمت نیست، بدتر از خوک است.

۳۹۱۰. عنه ﷺ: لا تَطرَحُوا الدُّرَّ تَحتَ أرجُلِ الخَنازيرِ.[2]

۳۹۱۰. عیسی ﷺ: دُرّ را زیر پای خوکان نیفکنید.

۳۹۱۱. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: كانَ المَسيحُ ﷺ يَقولُ: إنَّ التّارِكَ شِفاءَ المَجروحِ مِن جُرحِهِ شَريكُ لِجارِحِهِ لا مَحالَةَ؛ وذٰلِكَ أنَّ الجارِحَ أرادَ فَسادَ المَجروحِ، وَالتّارِكَ لِإشفائِهِ لَم يَشَأ صَلاحَهُ. فَإذا لَم يَشَأ صَلاحَهُ فَقَد شاءَ فَسادَهُ اضطِراراً. فَكَذٰلِكَ لا تُحَدِّثوا بِالحِكمَةِ غَيرَ أهلِها فَتَجهَلوا، ولا تَمنَعوها أهلَها فَتَأثَموا. وَليَكُن أحَدُكُم بِمَنزِلَةِ الطَّبيبِ المُداوي؛ إن رَأىٰ مَوضِعاً لِدَوائِهِ، وإلّا أمسَكَ.[3]

۳۹۱۱. امام صادق ﷺ: مسیح ﷺ می‌فرمود: کسی که درمان جراحت مجروح را رها کند، لاجرم با مجروح کنندهٔ آن شخص [در این جرم] شریک است؛ زیرا کسی که مجروح کرده، نابودی مجروح را می‌خواسته، و آن‌که درمانش را رها کرده، به دنبال خیرخواهی او نبوده است. پس اگر خیر او را نمی‌خواسته، پس به ناگزیر، نابودی او را خواسته است. به همین ترتیب، حکمت را برای نااهل بازگو نکنید که مایهٔ جهالت شما خواهد بود؛ و آن را از اهلش دریغ نکنید که گناه خواهید کرد؛ بلکه باید هر یک از شما به سان طبیبِ مداوا کننده باشد که هر جا نیاز به مداوا دید، اقدام کند و در غیر این صورت، از مداوا باز ایستد.

۳۹۱۲. رسولُ اللهِ ﷺ: آفَةُ العِلمِ النِّسيانُ، وإضاعَتُهُ أن تُحَدِّثَ بِهِ غَيرَ أهلِهِ.[4]

۳۹۱۲. پیامبر خدا ﷺ: آفت علم، فراموشی است، و ضایع کردن آن به این است که برای نااهل بازگویش کنی.

۳۹۱۳. عنه ﷺ: إنَّ عيسَى بنَ مَريَمَ ﷺ قامَ في بَني إسرائيلَ، فَقالَ: يا بَني إسرائيلَ،

۳۹۱۳. پیامبر خدا ﷺ: عیسی بن مریم ﷺ در میان بنی‌اسرائیل ایستاد و گفت: «ای بنی اسرائیل! حکمت را برای نادانان بازگو

---

۱. الزهد لابن حنبل: ۱۱۸. ۲. ربيع الأبرار: ۳/ ۲۱۹.
۳. الكافي: ۸/ ۳۴۵/ ۵۴۵. ۴. سنن الدارمي: ۱/ ۱۵۸/ ۶۲۹.

لا تُحَدِّثوا بِالحِكمَةِ الجُهّالَ فَتَظلِموها، ولا تَمنَعوها أهلَها فَتَظلِموهُم.[۱]

مکنید که در این صورت، به حکمت ستم کرده‌اید، و آن را از اهلش دریغ نکنید که در این صورت، به آنان ستم کرده‌اید».

۳۹۱۴. عنه ﷺ: واضِعُ العِلمِ عِندَ غَيرِ أهلِهِ كَمُقَلِّدِ الخَنازيرِ الجَوهَرَ وَاللُّؤلُؤَ وَالذَّهَبَ.[۲]

۳۹۱۴. **پیامبر خدا ﷺ**: آن که علم را نزد نااهل می‌سپارد، به سان کسی است که جواهر، لؤلؤ و طلا را به گردن خوک‌ها آویخته باشد.

۳۹۱۵. عنه ﷺ: لا تُعَلِّقُوا الدُّرَّ في أعناقِ الخَنازيرِ.[۳]

۳۹۱۵. **پیامبر خدا ﷺ**: دُرّ را به گردن خوک‌ها نیاویزید.

۳۹۱۶. عنه ﷺ: لا تَطرَحُوا الدُّرَّ في أفواهِ الكِلابِ.[۴]

۳۹۱۶. **پیامبر خدا ﷺ**: درّ را در میان دهان سگ‌ها نیندازید.

۳۹۱۷. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ في وَصِيَّتِهِ لِلحَسَنِ ﷺ ـ: مِن صِفَةِ العالِمِ ألّا يَعِظَ إلّا مَن يَقبَلُ عِظَتَهُ، ولا يَنصَحَ مُعجَباً بِرَأيِهِ، ولا يُخبِرَ بِما يَخافُ إذاعَتَهُ.[۵]

۳۹۱۷. **امام علی ﷺ** ـ در وصیّت خود به امام حسن ﷺ ـ فرمود: از ویژگی‌های عالم آن است که تنها کسی را اندرز می‌دهد که پذیرای آن باشد، و آن‌که را فریفتهٔ رأی و نظر خویش است، اندرز نمی‌کند، و آنچه را که از انتشارش بیم دارد، گزارش نمی‌دهد.

۳۹۱۸. عنه ﷺ: واضِعُ العِلمِ عِندَ غَيرِ أهلِهِ ظالِمٌ لَهُ.[۶]

۳۹۱۸. **امام علی ﷺ**: آن‌که علم را به نااهل می‌سپارد، بدان ستم کرده است.

۳۹۱۹. عنه ﷺ ـ فِي الحِكَمِ المَنسوبَةِ إلَيهِ ـ: نَقلُ الصُّخورِ مِن مَواضِعِها أهوَنُ مِن تَفهيمِ مَن لا يَفهَمُ.[۷]

۳۹۱۹. **امام علی ﷺ** ـ چنان که در حکمت‌های منسوب به ایشان آمده ـ فرمود: جابه‌جا کردن صخره‌ها از جایگاه آنها، از فهماندن به آن‌که نمی‌فهمد، آسان‌تر است.

۳۹۲۰. عنه ﷺ ـ فِي الحِكَمِ المَنسوبَةِ إلَيهِ ـ:

۳۹۲۰. **امام علی ﷺ** ـ در حکمت‌های منسوب به ایشان ـ فرمود: از سخن گفتن به آن‌که

---

۱. كتاب من لا يحضره الفقيه: ۴ / ۴۰۰ / ۵۸۵۸.
۲. سنن ابن ماجة: ۱ / ۸۱ / ۲۲۴.
۳. تاريخ بغداد: ۹ / ۳۵۰. ۴. تاريخ بغداد: ۱۱ / ۳۱۰.
۵. العدد القوية: ۳۵۸ / ۲۲. ۶. غرر الحكم: ۱۰۱۲۷.
۷. شرح نهج البلاغة: ۲۰ / ۳۲۶ / ۷۳۲.

إحذَر كَلامَ مَن لا يَفهَمُ عَنكَ؛ فَإنَّهُ يُضجِرُكَ.[١]

گفتارت را نمی‌فهمد، پرهیز کن، که تو را سختْ رنج خواهد داد.

٣٩٢١. عنه ﷺ ـ فِي الحِكَمِ المَنسوبَةِ إلَيهِ ـ: لا تُحَدِّث بِالعِلمِ السُّفَهاءَ فَيُكَذِّبوكَ، ولَا الجُهّالَ فَيَستَثقِلوكَ، ولٰكِن حَدِّث بِهِ مَن يَتَلَقّاهُ مِن أهلِهِ بِقَبولٍ وفَهمٍ؛ يَفهَمُ عَنكَ ما تَقولُ، ويَكتُمُ عَلَيكَ ما يَسمَعُ؛ فَإنَّ لِعِلمِكَ عَلَيكَ حَقّاً كَما أنَّ عَلَيكَ في مالِكَ حَقّاً؛ بَذلُهُ لِمُستَحِقِّهِ، ومَنعُهُ عَن غَيرِ مُستَحِقِّهِ.[٢]

٣٩٢١. امام علی ﷺ ـ در حکمت‌های منسوب به ایشان ـ فرمود: دانش را برای سفیهان بازگو مکن که تو را تکذیب می‌کنند، و برای نادانان بازگو مکن که در پذیرش آن سنگینی می‌کنند؛ بلکه برای کسی بازگو کن که شایستهٔ آن باشد و آن را از روی فهمیدن پذیرا باشد، آنچه را به او می‌گویی، بفهمد، و آنچه را از تو می‌شنود، کتمان کند؛ زیرا دانش تو بر تو حقّی دارد، همان‌گونه که مالت بر تو حقّی دارد، که باید آن را به مستحقّ آن ببخشی، و از آن‌که استحقاق آن را ندارد، ممانعت نمایی.

٣٩٢٢. عنه ﷺ ـ فِي الحِكَمِ المَنسوبَةِ إلَيهِ ـ: إحتَرِس مِن ذِكرِ العِلمِ عِندَ مَن لا يَرغَبُ فيهِ، ومِن ذِكرِ قَديمِ الشَّرَفِ عِندَ مَن لا قَديمَ لَهُ؛ فَإنَّ ذٰلِكَ مِمّا يُحقِدُهُما عَلَيكَ.[٣]

٣٩٢٢. امام علی ﷺ ـ چنان که در حکمت‌های منسوب به ایشان آمده ـ فرمود: از یادکردِ علم نزد آن‌که بدان اشتیاق ندارد، بپرهیز، و از یادکردِ آن‌که دارای شرافت دیرینه است، نزد آن‌که در شرافتْ دیرینه‌ای ندارد، اجتناب کن که باعث کینه‌جویی او نسبت به تو می‌شود.

٣٩٢٣. عنه ﷺ: إنَّ الحُكَماءَ ضَيَّعُوا الحِكمَةَ لَمّا وَضَعوها عِندَ غَيرِ أهلِها.[٤]

٣٩٢٣. امام علی ﷺ: حکیمان، چون حکمت را به نااهل آن سپردند، آن را ضایع کردند.

١٠٣٣
مُراعاةُ طاقَةِ المُخاطَبِ

٣٩٢٣. رسولُ اللهِ ﷺ: لاتُحَدِّثُوا النّاسَ بِما لا

۱۰۳۴
مراعات توان مخاطب

٣٩٢٣. پیامبر خدا ﷺ: برای مردم آنچه را نمی‌دانند

١. شرح نهج البلاغة: ٢٠ / ٢٨٢ / ٢٣١.
٢. شرح نهج البلاغة: ٢٠ / ٢٧٣ / ١٥٥.
٣. شرح نهج البلاغة: ٢٠ / ٣٢٢ / ٦٩٦.
٤. قصص الأنبياء: ١٦٠ / ١٧٦.

يَعرِفونَ؛ أتُحِبّونَ أن يُكَذَّبَ اللهُ ورَسولُهُ؟![1]

۳۹۲۵ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: أتُحِبّونَ أن يُكَذَّبَ اللهُ ورَسولُهُ؟! حَدِّثُوا النّاسَ بِما يَعرِفونَ، وأمسِكوا عَمّا يُنكِرونَ.[2]

۳۹۲۶ . دعائم الإسلام: الإمام الصادق ﷺ ـ لأصحاب له اجتمعوا إليه ـ: حَدِّثُوا النّاسَ بِما يَعرِفونَ، ودَعوا ما يُنكِرونَ؛ أتُحِبّونَ أن يُسَبَّ اللهُ ورَسولُهُ؟! قالوا: وكَيفَ يُسَبُّ اللهُ ورَسولُهُ؟ قالَ: يَقولونَ إذا حَدَّثتُموهُم بِما يُنكِرونَ: «لَعَنَ اللهُ قائِلَ هٰذا»، وقَد قالَهُ اللهُ عزّ وجلّ ورَسولُهُ ﷺ.[3]

۳۹۲۷ . عنه ﷺ: ما كَلَّمَ رَسولُ اللهِ ﷺ العِبادَ بِكُنهِ عَقلِهِ قَطُّ. قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ: إنّا مَعاشِرَ الأَنبِياءِ اُمِرنا أن نُكَلِّمَ النّاسَ عَلىٰ قَدرِ عُقولِهِم.[4]

۳۹۲۸ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: لَيسَ كُلُّ العِلمِ يَستَطيعُ صاحِبُ العِلمِ أن يُفَسِّرَهُ لِكُلِّ النّاسِ؛ لِأَنَّ مِنهُمُ القَوِيَّ وَالضَّعيفَ، ولِأَنَّ مِنهُ ما يُطاقُ حَملُهُ ومِنهُ ما لا يُطاقُ حَملُهُ، إلّا مَن يُسَهِّلُ اللهُ لَهُ حَملَهُ وأعانَهُ عَلَيهِ مِن خاصَّةِ

[و نمی‌پذیرند]، بازگو نکنید. آیا دوست دارید که خدا و رسولش مورد تکذیب قرار گیرند؟

۳۹۲۵ . **امام علی ﷺ**: آیا دوست دارید که خدا و رسولش مورد تکذیب قرار گیرند؟ برای مردم آنچه را می‌پذیرند، بازگو کنید و از گفتن آنچه انکارش می‌کنند، پرهیز نمایید.

۳۹۲۶ . **دعائم الإسلام**: امام صادق ﷺ ـ به اصحاب خود که به گردش اجتماع کرده بودند ـ فرمود: «برای مردم، آنچه را می‌پذیرند، بازگو کنید و آنچه را انکار می‌کنند، واگذارید. آیا دوست دارید که خدا و رسولش مورد دشنام قرار گیرند؟». گفتند: چگونه خدا و رسولش دشنام می‌شوند؟ فرمود: «وقتی شما چیزی را که انکارش می‌کنند برای آنها بازگو می‌کنید، می‌گویند: "خداوند، گویندهٔ این گفتار را لعنت کند!"، در حالی که خداوند عزّوجلّ و رسول او آن را گفته‌اند».

۳۹۲۷ . **امام صادق ﷺ**: رسول خدا هرگز با مردم با ژرفای عقل خود، سخن نگفته است. رسول خدا فرموده است: «ما جمعیت پیامبران، فرمان گرفته‌ایم که با مردم به اندازهٔ عقلشان سخن گوییم».

۳۹۲۸ . **امام علی ﷺ**: هر علمی چنان نیست که صاحب آن بتواند آن را برای تمام مردم تبیین کند؛ زیرا برخی از مردم [در عقل] قوی و برخی ضعیف‌اند، و برخی دانش‌ها قابل تحمّل و بعضی غیر قابل تحمّل‌اند، مگر برای آن‌که از اولیای مخصوص خداوند باشد که خدا شنیدن آن را برایش آسان کند و او را در

---

۱ . الغيبة للنعماني: ۲/۳۴ . ۲ . الغيبة للنعماني: ۱/۳۴ .
۳ . دعائم الإسلام: ۱ / ۶۰ .
۴ . الكافي: ۱ / ۲۳ / ۱۵ و ج ۸ / ۲۶۸ / ۳۹۴ .

أولِيائِهِ.[۱]

۳۹۲۹. عنه ﷺ ـ فِي الحِكَمِ المَنسوبَةِ إلَيهِ ـ: لا تُعامِلِ العامَّةَ في ما أُنعِمَ بِهِ عَلَيكَ مِنَ العِلمِ كَما تُعامِلُ الخاصَّةَ. وَاعلَم أنَّ لِلّهِ سُبحانَهُ رِجالاً أودَعَهُم أسراراً خَفِيَّةً، ومَنَعَهُم عَن إشاعَتِها. وَاذكُر قَولَ العَبدِ الصّالِحِ لِموسىٰ ـ وقَد قالَ لَهُ: ﴿هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا﴾[۲]، قالَ: ﴿إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا * وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا﴾[۳].[۴]

این کار، کمک رساند.

۳۹۲۹. **امام علی**ﷺ ـ چنان که در حکمت‌های منسوب به ایشان آمده ـ فرمود: با عموم مردم در نعمت علم که به تو ارزانی شده، به سان خواصّ آنان برخورد نکن، و بدان که خداوند، بندگانی دارد که رازهای نهانی را به آنان واگذاشته و آنان را از انتشارش باز داشته است؛ و سخن عبد صالح به موسی[ﷺ] را به یاد آر که وقتی موسی[ﷺ] به او گفت: «آیا تو را به شرط این‌که از بینشی که آموخته شده‌ای به من یاد دهی، پیروی کنم؟»، آن عبد صالح در پاسخش گفت: «تو هرگز نمی‌توانی همپای من صبر کنی؛ و چگونه می‌توانی بر چیزی که به شناخت آن احاطه نداری صبر کنی؟».

۳۹۳۰. عنه ﷺ: خالِطُوا النّاسَ بِما يَعرِفونَ، ودَعوهُم مِمّا يُنكِرونَ، ولا تَحمِلوهُم عَلىٰ أنفُسِكُم وعَلَينا؛ إنَّ أمرَنا صَعبٌ مُستَصعَبٌ لا يَحتَمِلُهُ إلّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، أو نَبِيٌّ مُرسَلٌ، أو عَبدٌ قَدِ امتَحَنَ اللّهُ قَلبَهُ لِلإيمانِ.[۵]

۳۹۳۰. **امام علی**ﷺ: با مردم طبق آنچه می‌پذیرند، برخورد کنید، و از آنچه انکارش می‌کنند، اجتناب نمایید، و بار آنان را بر دوش خود یا ما نگذارید؛ زیرا امر ما دشوار و پیچیده است که جز فرشته‌ای مقرّب یا پیامبری فرستاده شده یا بنده‌ای که خداوند، دل او را به ایمان آزموده باشد، تاب تحمّل آن را ندارد.

۳۹۳۱. الإمامُ زين العابدين ﷺ: أمّا حَقُّ المُستَنصِحِ: فَإنَّ حَقَّهُ أن... تُكَلِّمَهُ مِنَ الكَلامِ بِما يُطيقُهُ عَقلُهُ؛ فَإنَّ لِكُلِّ عَقلٍ

۳۹۳۱. **امام زین العابدین**ﷺ: اما حقّ آن‌که پند می‌گیرد: حقّ او آن است که... به او سخنی بگویی که عقلش تاب آن را دارد؛ زیرا برای هر سطح عقل، طیفی از گفتار است

---

۱. التوحيد: ۲۶۸ / ۵.
۲. الكهف: ۶۶.
۳. الكهف: ۶۷ و ۶۸.
۴. شرح نهج البلاغة: ۲۰ / ۳۴۵ / ۹۶۸.
۵. الخصال: ۶۲۴ / ۱۰.

طَبَقَةٌ مِنَ الكَلامِ يَعرِفُهُ ويَجتَنِبُهُ.[1]

۳۹۳۲. **الكافي** عن يعقوب بن الضحّاك عن رجل من أصحابنا سرّاجٍ ـ وكانَ خادِماً لِأَبي عَبدِ اللهِ ﷺ ـ: بَعَثَني أبو عَبدِ اللهِ ﷺ في حاجَةٍ ـ وهُوَ بِالحيرَةِ ـ أنَا وجَماعَةٌ مِن مَواليهِ. قالَ: فَانطَلَقنا فيها، ثُمَّ رَجَعنا مُغتَمّينَ.

قالَ: وكانَ فِراشي فِي الحائِرِ الَّذي كُنّا فيهِ نُزولاً، فَجِئتُ وأنَا بِحالٍ، فَرَمَيتُ بِنَفسي، فَبَينا أنَا كَذٰلِكَ إذا أنَا بِأَبي عَبدِ اللهِ ﷺ قَد أقبَلَ. قالَ: فَقالَ: قَد أتَيناكَ ـ أو قالَ: جِئناكَ ـ فَاستَوَيتُ جالِساً، وجَلَسَ عَلىٰ صَدرِ فِراشي، فَسَأَلَني عَمّا بَعَثَني لَهُ، فَأَخبَرتُهُ، فَحَمِدَ اللهَ.

ثُمَّ جَرىٰ ذِكرُ قَومٍ، فَقُلتُ: جُعِلتُ فِداكَ! إنّا نَبرَأُ مِنهُم؛ إنَّهُم لا يَقولونَ ما نَقولُ. قالَ: فَقالَ: يَتَوَلَّونا ولا يَقولونَ ما تَقولونَ؛ تَبرَؤونَ مِنهُم؟! قالَ: قُلتُ: نَعَم. قالَ: فَهُوَ ذا عِندَنا ما لَيسَ عِندَكُم، فَيَنبَغي لَنا أن نَبرَأَ مِنكُم؟! قالَ: قُلتُ: لا، جُعِلتُ

که آن را می‌شناسد و از آن، اجتناب می‌کند.

۳۹۳۲. **الكافي** ـ به نقل از یعقوب بن ضحّاک، به نقل از مردی از شیعیان که زین اسب می‌ساخت و خدمتگزار امام صادق ﷺ بود ـ: امام صادق ﷺ در حالی که در حیره بود، من و گروهی از اصحاب خود را برای کاری فرستاد. ما برای آن کار، رهسپار شدیم. آن‌گاه ناراحت بازگشتیم. بستر من در فضایی بود که در آن فرود آمدیم. من به همان حالت اندوه، آمدم و خود را روی بستر انداختم. در همین هنگام دیدم که امام صادق ﷺ می‌آید. فرمود: «ما نزد شما آمدیم».

من به صورت نشسته در جای خود قرار گرفتم و [امام] بالای سرِ بستر من نشست و دربارهٔ کاری که روانه‌ام کرده بود، از من پرسید. من گزارش کار را به ایشان دادم. پس خدا را سپاس گفت. آن‌گاه از گروهی سخن به میان آمد. عرض کردم: فدایت شوم! ما از آنان بیزاری می‌جوییم. آنان، بدانچه ما معتقدیم، اعتقاد ندارند. فرمود: «آنان ولایت ما را پذیرایند و آنچه شما می‌گویید، نمی‌گویند. آیا از آنان برائت می‌جویید؟». گفتم: آری. فرمود: «پس به نظرت چون آنچه نزد ماست، نزد شما نیست، شایسته است که از شما بیزاری جوییم؟». گفتم: نه، فدایت شوم! فرمود: «آنچه نزد خداست، نزد ما نیست.

---

۱. تحف العقول: ۲۶۹ / ۴۱.

فِداكَ! قالَ: وهُوَ ذا عِندَ اللهِ ما لَيسَ عِندَنا، أفَتَراهُ اطَّرَحَنا؟! قالَ: قُلتُ: لا وَاللهِ، جُعِلتُ فِداكَ! ما نَفعَلُ؟ قالَ: فَتَوَلَّوهُم، ولا تَبرَؤوا مِنهُم؛ إنَّ مِنَ المُسلِمينَ مَن لَهُ سَهمٌ، ومِنهُم مَن لَهُ سَهمانِ، ومِنهُم مَن لَهُ ثَلاثَةُ أسهُمٍ، ومِنهُم مَن لَهُ أربَعَةُ أسهُمٍ، ومِنهُم مَن لَهُ خَمسَةُ أسهُمٍ، ومِنهُم مَن لَهُ سِتَّةُ أسهُمٍ، ومِنهُم مَن لَهُ سَبعَةُ أسهُمٍ؛ فَلَيسَ يَنبَغي أن يُحمَلَ صاحِبُ السَّهمِ عَلىٰ ما هُوَ عَلَيهِ صاحِبُ السَّهمَينِ، ولا صاحِبُ السَّهمَينِ عَلىٰ ما عَلَيهِ صاحِبُ الثَّلاثَةِ، ولا صاحِبُ الثَّلاثَةِ عَلىٰ ما عَلَيهِ صاحِبُ الأَربَعَةِ، ولا صاحِبُ الأَربَعَةِ عَلىٰ ما عَلَيهِ صاحِبُ الخَمسَةِ، ولا صاحِبُ الخَمسَةِ عَلىٰ ما عَلَيهِ صاحِبُ السِّتَّةِ، ولا صاحِبُ السِّتَّةِ عَلىٰ ما عَلَيهِ صاحِبُ السَّبعَةِ.

آیا به نظرت خداوند ما را رها کرده است؟». گفتم: فدایت شوم! به خدا قسم، نه. پس چه کنیم؟ فرمود: «با آنان دوست باشید و از آنان بیزاری نجویید؛ زیرا برخی از مسلمانان، دارای یک سهم، و برخی دارای دو سهم، و برخی دارای سه سهم، و برخی دارای چهار سهم، و برخی دارای پنج سهم، و برخی دارای شش سهم، و برخی دارای هفت سهم‌اند؛ و شایسته نیست آنچه بر دوش صاحب دو سهم است، بر آنکه دارای یک سهم است، تحمیل شود، و آنچه بر دوش صاحب سه سهم است، بر آنکه دارای دو سهم است، و آنچه بر دوش صاحب چهار سهم است، بر آنکه دارای سه سهم است، و آنچه بر دوش صاحب پنج سهم است، بر آنکه دارای چهار سهم است، و آنچه بر دوش صاحب شش سهم است، بر آنکه دارای پنج سهم است، و آنچه بر دوش صاحب هفت سهم است، بر آنکه دارای شش سهم است، تحمیل شود.

وسَأَضرِبُ لَكَ مَثَلاً: إنَّ رَجُلاً كانَ لَهُ جارٌ ـ وكانَ نَصرانِيّاً ـ فَدَعاهُ إلَى الإسلامِ وزَيَّنَهُ لَهُ، فَأَجابَهُ، فَأَتاهُ سَحيراً فَقَرَعَ عَلَيهِ البابَ، فَقالَ لَهُ: مَن هٰذا؟ قالَ: أنَا فُلانٌ.

برایت مَثَلی می‌زنم: مردی همسایه‌ای مسیحی داشت. او را به اسلام دعوت کرد و اسلام را برایش زیبا تصویر نمود و آن مرد مسیحی نیز دعوتش را پاسخ داد [و مسلمان شد]. آنگاه سحرگاه نزد او رفت و درِ خانه‌اش را کوفت. همسایه‌اش گفت: کیست؟ گفت: من فلانی [همسایهٔ مسلمان

قالَ: وما حاجَتُكَ؟ فَقالَ: تَوَضَّأْ وَالبَس ثَوبَيكَ، ومُرَّ بِنا إلَى الصَّلاةِ. قالَ: فَتَوَضَّأَ ولَبِسَ ثَوبَيهِ وخَرَجَ مَعَهُ. قالَ: فَصَلَّيا ما شاءَ اللهُ، ثُمَّ صَلَّيا الفَجرَ، ثُمَّ مَكَثا حَتّىٰ أصبَحا. فَقامَ الَّذي كانَ نَصرانِيّاً يُريدُ مَنزِلَهُ، فَقالَ لَهُ الرَّجُلُ: أينَ تَذهَبُ! النَّهارُ قَصيرٌ، وَالَّذي بَينَكَ وبَينَ الظُّهرِ قَليلٌ. قالَ: فَجَلَسَ مَعَهُ إلىٰ أن صَلَّى الظُّهرَ.

ثُمَّ قالَ: وما بَينَ الظُّهرِ وَالعَصرِ قَليلٌ. فاحتَبَسَهُ حَتّىٰ صَلَّى العَصرَ. قالَ: ثُمَّ قامَ وأرادَ أن يَنصَرِفَ إلىٰ مَنزِلِهِ، فَقالَ لَهُ: إنَّ هٰذا آخِرُ النَّهارِ، وأقَلُّ مِن أوَّلِهِ. فَاحتَبَسَهُ حَتّىٰ صَلَّى المَغرِبَ. ثُمَّ أرادَ أن يَنصَرِفَ إلىٰ مَنزِلِهِ، فَقالَ لَهُ: إنَّما بَقِيَت صَلاةٌ واحِدَةٌ. قالَ: فَمَكَثَ حَتّىٰ صَلَّى العِشاءَ الآخِرَةَ، ثُمَّ تَفَرَّقا.

فَلَمّا كانَ سَحيراً، غَدا عَلَيهِ فَضَرَبَ عَلَيهِ البابَ، فَقالَ: مَن هٰذا؟ قالَ: أنَا فُلانٌ. قالَ: وما حاجَتُكَ؟ قالَ: تَوَضَّأْ وَالبَس ثَوبَيكَ وَاخرُج بِنا فَصَلِّ، قالَ: أُطلُب لِهٰذَا الدّينِ مَن هُوَ أفرَغُ مِنّي؛ أنَا

تو] هستم. گفت: چه کار داری؟ گفت: وضو بگیر و لباس‌هایت را بپوش و مهیّای نماز خواندن با ما باش.

آن مرد تازه مسلمان، وضو گرفت و لباس‌هایش را پوشید و به همراه آن همسایهٔ مسلمان، رهسپار شد. آن دو فراوان نماز خواندند. آن‌گاه نماز صبح خواندند. سپس تا بامداد در مسجد ماندند. مرد نصرانی به قصد خانه‌اش برخاست. همسایهٔ مسلمان به او گفت: کجا می‌روی؟ روز کوتاه است و تا ظهر، وقتِ اندکی مانده است. آن مرد تا نماز ظهر همراه او نشست. همسایهٔ مسلمان گفت: بین نماز ظهر و عصر، زمان کوتاهی مانده است، از این رو، مرد تازه مسلمان را تا نماز عصر نگاه داشت. مرد نصرانی برخاست تا به خانه‌اش برود؛ اما همسایهٔ مسلمانش گفت: دیگر آخرِ روز است، و از آغاز آن، کوتاه‌تر است.

بدین ترتیب، آن مرد را تا خواندن نماز مغرب نگاه داشت. آن‌گاه وقتی آن مرد خواست به سوی خانه‌اش رهسپار شود، باز همسایهٔ مسلمان گفت: تنها یک نماز مانده است. آن مرد تازه مسلمان، ماند تا نماز عشاء را خواند. آن‌گاه از هم جدا شدند.

وقتی سحرگاه روز دوم شد، همسایهٔ مسلمان، مجدّداً درِ خانهٔ تازه مسلمان را زد. آن مرد گفت: کیستی؟ گفت: من فلانی هستم. گفت: چه کار داری؟ گفت: وضو بگیر و لباس‌هایت را بپوش و برای ادای

إنسانٌ مِسكينٌ، وعَلَيَّ عِيالٌ. فَقالَ أبو عَبدِ اللهِ ﷺ: أدخَلَهُ في شَيءٍ أخرَجَهُ مِنهُ! - أو قالَ: أدخَلَهُ مِن مِثلِ هذِهِ وأخرَجَهُ مِن مِثلِ هٰذا![1]

١٠٣٥
مُراعاةُ نَشاطِ المُخاطَبِ

٢٩٣٣. رسولُ اللهِ ﷺ: إنّي لَأَتَخَوَّلُكُم بِالمَوعِظَةِ تَخَوُّلاً؛ مَخافَةَ السَّأمَةِ عَلَيكُم.[2]

٢٩٣٤. مسند ابن حنبل عن قيس بن أبي حازم عن أبيه: رَآنِي النَّبِيُّ ﷺ وهُوَ يَخطُبُ وأنَا فِي الشَّمسِ، فَأَمَرَني فَحَوَّلتُ إلَى الظِّلِّ.[3]

٢٩٣٥. صحيح البخاري عن عكرمة عن ابن عبّاس: حَدِّثِ النّاسَ كُلَّ جُمُعَةٍ مَرَّةً، فَإن أبَيتَ فَمَرَّتَينِ، فَإن أكثَرتَ فَثَلاثَ مِرارٍ. ولا تُمِلَّ النّاسَ هٰذَا القُرآنَ. ولا أُلفِيَنَّكَ تَأتِي القَومَ وهُم في حَديثٍ مِن حَديثِهِم فَتَقُصَّ عَلَيهِم، فَتَقطَعَ عَلَيهِم حَديثَهُم فَتُمِلَّهُم؛ ولٰكِن أنصِت، فَإذا أمَروكَ فَحَدِّثهُم وهُم يَشتَهونَهُ، فَانظُرِ السَّجعَ مِنَ

---

١. الكافي: ٢/ ٤٢/ ٢. ٢. الأمالي للطوسي: ٤٩١/ ١٠٧٧.
٣. مسند ابن حنبل: ٦/ ٣٦٢/ ١٨٣٣٣ و ج ٥/ ٢٨٥/ ١٥٥١٨.

نماز بیرون بیا. تازه مسلمان گفت: برای چنین دینی به دنبال کسی باش که از من بی‌کارتر باشد. من انسانی تهی‌دست هستم و عیالمندم. همسایهٔ مسلمان، آن مرد مسیحی را به چیزی داخل کرد که از آن خارجش ساخت» (یا آن‌که فرمود: «او را بدین ترتیب، وارد اسلام کرد و بدین ترتیب، خارجش ساخت»)!

۱۰۳۵
مراعات شادابی مخاطب

۲۹۳۳. **پیامبر خدا** ﷺ: من از بیم خسته شدن شما، برای موعظه کردن به دنبال فرصت مناسب می‌گردم.

۲۹۳۴. **مسند ابن حنبل** ـ به نقل از قیس بن ابی هازم به نقل از پدرش ـ: پیامبر ﷺ در حالی که سخنرانی می‌کرد، مرا دید که میان آفتابم. فرمان داد تا جایم را به سایبان تغییر دادم.

۲۹۳۵. **صحیح البخاری** ـ به نقل از عکرمه، به نقل از ابن عباس ـ: برای مردم در هر جمعه تنها یک بار سخن بگو، و اگر اصرار داری، [فقط] دو بار باشد، و اگر بیشتر می‌خواهی، [فقط] سه بار باشد و با این قرآن، ملامت مردم را فراهم نکن. مبادا نزد گروهی بروی و در حالی که در حال گفتگو هستند، سخن آنان را ببُری و با سخن گفتنت باعث خستگی آنان بشوی؛ بلکه خاموش بمان و هرگاه از تو خواستند،

الدُّعاءِ فَاجتَنِبهُ؛ فَإنّي عَهِدتُ رَسولَ اللهِ ﷺ وأصحابَهُ لا يَفعَلونَ إلّا ذٰلِكَ.[۱]

۲۹۳۶. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ فِي الحِكَمِ المَنسوبَةِ إلَيهِ ـ: مَن لَم يَنشَط لِحَديثِكَ فَارفَع عَنهُ مُؤنَةَ الاِستِماعِ مِنكَ.[۲]

۲۹۳۷. عنه ﷺ: إنَّ لِلقُلوبِ شَهوَةً وإقبالاً وإدباراً، فَائتوها مِن قِبَلِ شَهوَتِها وإقبالِها؛ فَإنَّ القَلبَ إذا أُكرِهَ عَمِيَ.[۳]

۲۹۳۶. **امام علی**ﷺ ـ چنان که در حکمت‌های منسوب به ایشان آمده ـ فرمود: هر کس که برای سخن تو نشاط نشان ندهد، زحمت شنیدن سخنت را از او بردار.

۲۹۳۷. **امام علی**ﷺ: دل‌ها دارای میل، اقبال و اِدبارند. شما از رهگذر میل و اقبال آن، بدان راه یابید، که اگر دل به کاری وادار شود، کور می‌شود.

۱۰۳۶
مُراعاةُ مُقتَضَى الحالِ

۲۹۳۸. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ فِي ذِكرِ النَّبِيِّ ﷺ ـ: طَبيبٌ دَوّارٌ بِطِبِّهِ، قَد أحكَمَ مَراهِمَهُ، وأحمىٰ مَواسِمَهُ، يَضَعُ ذٰلِكَ حَيثُ الحاجَةُ إلَيهِ؛ مِن قُلوبٍ عُمي، وآذانٍ صُمٍّ، وأَلسِنَةٍ بُكمٍ، مُتَتَبِّعٌ بِدَوائِهِ مَواضِعَ الغَفلَةِ ومَواطِنَ الحَيرَةِ.[۴] [۵]

۱۰۳۶
مراعات مقتضای حال

۲۹۳۸. **امام علی**ﷺ ـ در توصیف پیامبرﷺ ـ فرمود: [او] طبیبی بود در گردش. مرهم‌های خود را به محکمی به کار می‌بست، و داغ‌های خود را به جا می‌نهاد، و هر آن‌جا که نیاز بود، به کار می‌بست، اعم از: دل‌های کور و گوش‌های کر و زبان‌های ناگویا. با دوای خود، در پی جایگاه‌های غفلت و مکان‌های سرگردانی می‌گشت.[۱]

---

۱. صحيح البخاري: ۵ / ۲۳۳۴ / ۵۹۷۸.
۲. شرح نهج البلاغة: ۲۰ / ۳۱۴ / ۶۰۹.
۳. نهج البلاغة: الحكمة ۱۹۳.
۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۸.
۵. قال ابن القيّم الجوزيّ: كان [رسول الله ﷺ] يخطب في كلّ وقت بما يقتضيه حاجة المخاطبين ومصلحتهم. زاد المعاد لابن الجوزي: ۱ / ۴۸.

۱. ابن قیم جوزی می‌گوید: [رسول خدا] همواره به مقتضای نیاز و مصلحت مخاطبان، خطابه ایراد می‌کرد.

۳۹۳۹ . عنه ﷺ: لا تَتَكَلَّمَنَّ إذا لَم تَجِد لِلكَلامِ مَوقِعاً.[۱]

۳۹۴۰ . عنه ﷺ: كُن كَالطَّبيبِ الرَّفيقِ؛ الَّذي يَضَعُ الدَّواءَ بِحَيثُ يَنفَعُ.[۲]

۳۹۴۱ . الإمامُ الحسينُ ﷺ ـ لِابنِ عَبّاسٍ ـ: يَا بنَ عَبّاسٍ، لا تَكَلَّمَنَّ في ما لا يَعنيكَ؛ فَإِنّي أخافُ عَلَيكَ فيهِ الوِزرَ. ولا تَكَلَّمَنَّ في ما يَعنيكَ حَتّىٰ تَرىٰ لِلكَلامِ مَوضِعاً؛ فَرُبَّ مُتَكَلِّمٍ قَد تَكَلَّمَ بِالحَقِّ فَعيبَ.[۳]

۳۹۴۲ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: لا تَكَلَّم بِما لا يَعنيكَ، ودَع كَثيراً مِنَ الكَلامِ في ما يَعنيكَ حَتّىٰ تَجِدَ لَهُ مَوضِعاً؛ فَرُبَّ مُتَكَلِّمٍ تَكَلَّمَ بِالحَقِّ بِما يَعنيهِ في غَيرِ مَوضِعِهِ فَتَعِبَ.[۴]

۳۹۴۳ . عنه ﷺ ـ لِأَصحابِهِ ـ: اِسمَعوا مِنّي كَلاماً هُوَ خَيرٌ لَكُم مِنَ الدُّهمِ المُوَقَّفَةِ: لا يَتَكَلَّم أحَدُكُم بِما لا يَعنيهِ، وَلْيَدَع كَثيراً مِنَ الكَلامِ في ما يَعنيهِ حَتّىٰ يَجِدَ لَهُ مَوضِعاً؛ فَرُبَّ مُتَكَلِّمٍ في غَيرِ مَوضِعِهِ جَنىٰ عَلىٰ نَفسِهِ بِكَلامِهِ.[۵]

۱. غرر الحكم: ۱۰۲۷۴.
۲. مصباح الشريعة: ۳۷۰، بحار الأنوار: ۲ / ۵۳ / ۲۱.
۳. كنز الفوائد: ۲ / ۳۲. ۴. تحف العقول: ۳۷۹.
۵. الأمالي للطوسي: ۲۲۵ / ۳۹۱.

۳۹۳۹ . **امام علی**ﷺ: وقتی برای گفتار، زمان مناسبی نمی‌بینی، سخن مگو.

۳۹۴۰ . **امام علی**ﷺ: به سان طبیب مدارا گر باش که دوا را در آن‌جایی که سود بخشد، می‌نهد.

۳۹۴۱ . **امام حسین**ﷺ ـ به ابن عباس ـ فرمود: ای ابن عباس! در آنچه سودی به تو نبخشد، سخن مگو، که من می‌ترسم گناهی بر دوش تو باشد؛ و بدانچه سود بخشد، تنها هنگامی سخن بگو که برای گفتار، فرصت را مناسب بینی، که بسا گوینده‌ای به حق سخن گوید؛ امّا مورد نکوهش قرار گیرد.

۳۹۴۲ . **امام صادق**ﷺ: بدانچه سودت نبخشد، سخن مگو و بسیاری از کلام مفید را وا گذار، مگر آن‌که فرصت را برای آن مناسب بیابی، که ای بسا گوینده‌ای که مفید و به حق، سخن می‌گوید، امّا چون به جایش نیست، به زحمت می‌افتد.

۳۹۴۳ . **امام صادق**ﷺ ـ به یارانش ـ فرمود: از من گفتاری بشنوید که برای شما از شتران سیاه موی[۱] بهتر است: هیچ کس بدانچه سودش نبخشد، سخن نگوید، و در آن‌جا که مفید است، بسیاری از گفتار را وا نهد، مگر آن‌که زمان مناسب بیابد، که بسا گوینده‌ای که نابه‌جا سخن گوید و با گفتارش بر خود جفا کند.

۱. بسیار کمیاب و گران قیمت.

۱۰۳۷
مُراعاةُ الأَهَمِّ فَالأَهَمِّ

۳۹۳۴ . صحيح البخاري عن ابن عبّاس: لَمّا بَعَثَ النَّبِيُّ ﷺ مُعاذَ بنَ جَبَلٍ إلىٰ نَحوِ أهلِ اليَمَنِ، قالَ لَهُ: إنَّكَ تَقدَمُ عَلىٰ قَومٍ مِن أهلِ الكِتابِ، فَليَكُن أوَّلَ ما تَدعوهُم إلىٰ أن يُوَحِّدُوا اللهَ تَعالىٰ، فَإذا عَرَفوا ذٰلِكَ فَأَخبِرهُم أنَّ اللهَ فَرَضَ عَلَيهِم خَمسَ صَلَواتٍ في يَومِهِم ولَيلَتِهِم، فَإذا صَلّوا فَأَخبِرهُم أنَّ اللهَ افتَرَضَ عَلَيهِم زَكاةً في أموالِهِم تُؤخَذُ مِن غَنِيِّهِم فَتُرَدُّ عَلىٰ فَقيرِهِم، فَإذا أقَرّوا بِذٰلِكَ فَخُذ مِنهُم، وتَوَقَّ كَرائِمَ أموالِ النّاسِ.[1]

۳۹۳۵ . التّوحيد عن ابن عبّاس: جاءَ أعرابِيٌّ إلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقالَ: يا رَسولَ اللهِ، عَلِّمني مِن غَرائِبِ العِلمِ. قالَ: ما صَنَعتَ في رَأسِ العِلمِ حَتّىٰ تَسأَلَ عَن غَرائِبِهِ؟ ! قالَ الرَّجُلُ: ما رَأسُ العِلمِ يا رَسولَ اللهِ؟ قالَ: مَعرِفَةُ اللهِ حَقَّ مَعرِفَتِهِ. قالَ الأَعرابِيُّ: وما مَعرِفَةُ اللهِ حَقَّ مَعرِفَتِهِ؟ قالَ: تَعرِفُهُ بِلا مِثلٍ ولا شِبهٍ ولا نِدٍّ، وأنَّهُ واحِدٌ أحَدٌ ظاهِرٌ

۱ . صحيح البخاري: ۶ / ۲۶۸۵ / ۶۹۳۷ و ج ۲ / ۵۲۹ / ۱۳۸۹ .

۱۰۳۷
مراعات ترتیب اهمّیت

۳۹۳۴ . صحیح البخاری ـ به نقل از ابن عباس ـ: هنگامی که پیامبر ﷺ معاذ بن جبل را به سوی مردم یمن فرستاد، به او فرمود: تو نزد گروهی از اهل کتاب می‌روی. از این رو، می‌باید نخستین دعوت تو از آنان، یکتاپرستی خداوند متعال باشد. اگر توحید را شناختند، به آنان باز گو که خداوند در شبانه‌روزشان پنج نماز بر آنان واجب کرده است؛ و هرگاه نماز را به پای داشتند، به آنان بگو که خداوند، در اموالشان زکات قرار داده تا از بی‌نیازشان ستانده شود و به تهی‌دستشان داده شود. پس هرگاه بدان اذعان کردند، از آنان زکات بگیر و از گزیدهٔ اموال مردم، اجتناب کن.

۳۹۳۵ . التوحید ـ به نقل از ابن عباس ـ: مردی بادیه‌نشین نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! از شگفتی‌های دانش به من بیاموز. فرمود: «تو با اساس علم چه کرده‌ای که حال، خواهان شگفتی‌های آن هستی؟!». آن مرد گفت: اساس علم چیست ای رسول خدا؟ فرمود: «شناخت خداوند، چنان‌که بایستهٔ اوست». اعرابی گفت: شناخت بایستهٔ خداوند چیست؟ فرمود: «او را بشناسی که نظیر، شبیه و انباز ندارد و او یگانه، یکتا، ظاهر، باطن، اوّل و آخر است و همسنگ و همسان ندارد. این

بـاطِنٌ أوَّلٌ آخِـرٌ، لا كُـفوَ لَـهُ ولا نَـظيرَ، فَذٰلِكَ حَقُّ مَعرِفَتِهِ.[1]

است حقّ شناخت خداوند».

۳۹۳۶. **تنبيه الغافلين** عـن عـبد الله بـن مسـوّر الهاشميّ: جاءَ رَجُلٌ إلَى النَّبِيِّ ﷺ وقـالَ: جِئتُكَ لِتُعَلِّمَني مِن غَرائِبِ العِلمِ. قالَ: مـا صَنَعتَ في رَأسِ العِلمِ؟ قـالَ: ومـا رَأسُ العِلمِ؟ قالَ: هَل عَرَفتَ الرَّبَّ عـزّوجلّ؟ قالَ: نَعَم. قالَ: فَماذا فَعَلتَ في حَقِّهِ؟ قالَ: ما شاءَ اللهُ. قالَ: وهَل عَرَفتَ المَوتَ؟ قالَ: نَعَم. قالَ: فَماذا أعدَدتَ لَهُ؟ قالَ: ما شاءَ اللهُ. قالَ: إذهَب فَاحكُم بِها هُناكَ، ثُمَّ تَعالَ حَتّىٰ أُعَلِّمَكَ مِن غَرائِبِ العِلمِ.

فَلَمّا جاءَهُ بَعدَ سِنينَ، قـالَ النَّـبِيُّ ﷺ: ضَع يَدَكَ عَلىٰ قَلبِكَ، فَما لا تَرضىٰ لِنَفسِكَ لا تَرضاهُ لِأَخيكَ المُسلِمِ، ومـا رَضيتَهُ لِنَفسِكَ فَارضَهُ لِأَخيكَ المُسلِمِ، وهُوَ مِـن غَرائِبِ العِلمِ.[2]

۳۹۳۶. **تنبیه الغافلین** ـ به نقل از عبدالله بن مسوّر هاشمی ـ: مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: نزد شما آمدم تا از شگفتی‌های دانش به من بیاموزی. فرمود: «تو با اساس علم چه کرده‌ای؟». مرد گفت: اساس علم چیست؟ فـرمود: «آیـا پـروردگار عـزّوجلّ را شـناخته‌ای؟». گـفت: آری. فـرمود: «در ادای حقّش چه کرده‌ای؟». گفت: آنچه خدا خـواسـته است. فـرمود: «آیـا مـرگ را شناخته‌ای؟». گفت: آری. فـرمود: «بـرای مرگ، چه فراهم کرده‌ای؟». گـفت: آنـچه خدا خواسته است. فرمود: «برو و بر ایـن کـار، اسـتوار بـاش. آن‌گـاه بـیا تـا از شگفتی‌های علم به تو بیاموزم».

پس از آن‌کـه آن مـرد پس از گـذشت سـالیانی بـازگشت، پـیامبر ﷺ فـرمود: «دستت را بر دلت بگذار و هر آنچه را برای خود نمی‌پسندی، بـرای بـرادر مسـلمانت نـپسند؛ و هـر آنـچه را بـرای خـود می‌پسندی، برای برادر مسلمانت بپسند. این، از شگفتی‌های دانش است».

۳۹۳۷. **الإمامُ عليٌّ** عليه السلام ـ مِـن وَصِـيَّتِهِ لِابـنِهِ الحَسَنِ عليه السلام ـ: ... وأن أبتَدِئَكَ بِتَعليمِ كِتابِ اللهِ عزّ وجلّ وتَأويلِهِ، وشَـرائِـعِ الإسـلامِ وأحكامِهِ، وحَلالِهِ وحَـرامِـهِ، لا أُجـاوِزُ

۳۹۳۷. **امام علی** علیه السلام ـ در وصـیّت خـویش بـه فـرزندش حسـن علیه السلام ـ فـرمود: ... و ایـن‌که آغاز می‌کنم به آموزش قرآن و تأویل آن و شرایع و احکام اسلام و حلال و حرام آن به

---

۱. التوحيد: ۲۸۴ / ۵.
۲. تنبيه الغافلين: ۳۶ / ۲۰.

ذٰلِكَ بِكَ إلىٰ غَيرِهِ.[۱]

۱۰۳۸
مُراعاةُ الإختِصارِ

۲۹۴۸ . **المعجم الكبير** عن أبي أُمامة: إنَّ رَسولَ اللهِ ﷺ كانَ إذا بَعَثَ أميراً قالَ: أقصِرِ الخُطبَةَ، وأقِلَّ الكَلامَ.[۲]

۲۹۴۹ . **سنن أبي داوود** عن عمّار بن ياسر: أمَرَنا رَسولُ اللهِ ﷺ بِإقصارِ الخُطَبِ.[۳]

۲۹۵۰ . **سنن أبي داوود** عن جابر بن سمرة السّوائيّ: كانَ رَسولُ اللهِ ﷺ لا يُطيلُ المَوعِظَةَ يَومَ الجُمُعَةِ، إنَّما هُنَّ كَلِماتٌ يَسيراتٌ.[۴]

۲۹۵۱ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: جَودَةُ الكَلامِ فِي الإختِصارِ.[۵]

۲۹۵۲ . **عنه** ﷺ: الكَلامُ كَالدَّواءِ؛ قَليلُهُ يَنفَعُ، وكَثيرُهُ قاتِلٌ.[۶]

۲۹۵۳ . **عنه** ﷺ: إختَصِر مِن كَلامِكَ مَا استَحسَنتَهُ؛ فَإنَّهُ بِكَ أجمَلُ، وعَلىٰ فَضلِكَ أدَلُّ.[۷]

تو، و از تو به دیگری نگذرم.

۱۰۳۸
رعایت اختصار

۲۹۴۸ . **المعجم الكبير** ـ به نقل از ابو امامه ـ: هرگاه رسول خدا ﷺ فرماندهی را گسیل می‌داشت، می‌فرمود: «خطابه را کوتاه کن و کم، سخن بگو».

۲۹۴۹ . **سنن أبي داوود** ـ به نقل از عمّار بن یاسر ـ: رسول خدا ﷺ ما را به کوتاه کردن خطابه‌ها فرمان داد.

۲۹۵۰ . **سنن أبي داوود** ـ به نقل از جابر بن سمرهٔ سوّایی ـ: رسول خدا ﷺ، موعظهٔ روز جمعه را طولانی نمی‌کرد و خطابهٔ ایشان، تنها چند کلمهٔ کوتاه بود.

۲۹۵۱ . **امام علی** ﷺ: زیبایی گفتار، در کوتاه بودن آن است.

۲۹۵۲ . **امام علی** ﷺ: گفتار، مثل داروست که اندک آن سود می‌بخشد و زیادی آن، کُشنده است.

۲۹۵۳ . **امام علی** ﷺ: تا آن‌جا که روا می‌دانی، گفتارت را مختصر کن، چون برای تو مناسب‌تر است و بر فضیلت تو رهنمون‌تر است.

---

۱. نهج البلاغة: الكتاب ۳۱.
۲. المعجم الكبير: ۸ / ۱۴۴ / ۷۶۴۰ و ص ۱۵۴ / ۷۶۶۲.
۳. سنن أبي داوود: ۱ / ۲۸۹ / ۱۱۰۶.
۴. سنن أبي داوود: ۱ / ۲۸۹ / ۱۱۰۷.
۵. المواعظ العددية: ۵۵. ۶. غرر الحكم: ۲۱۸۲.
۷. غرر الحكم: ۲۷۳۵.

۲۹۵۴ . عنه ﷺ: خَيرُ الكَلامِ ما لا يُمِلُّ ولا يَقِلُّ.[۱]

۲۹۵۴ . امام علی ﷺ: بهترین گفتار آن است که نه ملال‌آور و نه نارسا باشد.

۲۹۵۵ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ حينَ قيلَ لَهُ: مَا البَلاغَةُ؟ ـ: مَن عَرَفَ شَيئاً قَلَّ كَلامُهُ فيهِ. وإنَّما سُمِّيَ البَليغُ؛ لِأَنَّهُ يُبلِغُ حاجَتَهُ بِأَهوَنِ سَعيِهِ.[۲]

۲۹۵۵ . امام صادق ﷺ ـ هنگامی که به ایشان گفته شد: بلاغت چیست؟ ـ فرمود: آن است که هر کس چیزی را شناخته، سخنش دربارهٔ آن اندک باشد؛ و به بلیغ، از آن جهت بلیغ گفته شده که با کم‌ترین تلاش، می‌تواند خواستهٔ خود را برساند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱ . غرر الحكم: ۲۹۶۹. ۲ . تحف العقول: ۳۵۹.

۱۴۶

الخط

خط و خوشنویسی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

عنوان ۴۴۶ «القلم»، ۴۵۳ «الکتاب».

۱۰۳۹
الخَطُّ

الكتاب:

﴿وَما كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتابٍ وَلا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذاً لَارْتابَ الْمُبْطِلُونَ﴾.[1]

الحديث:

۳۹۵۶. رسولُ اللهِ ﷺ: أَلِقِ الدَّواةَ، وحَرِّفِ القَلَمَ، وانْصِبِ الباءَ، وفَرِّقِ السِّينَ، ولا تُغَوِّرِ المِيمَ، وحَسِّنِ اللهَ، ومُدَّ الرَّحمٰنَ، وجَوِّدِ الرَّحِيمَ.[2]

۳۹۵۷. عنه ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿أَوْ أَثارَةٍ مِنْ عِلْمٍ﴾[3] ـ: الخَطُّ.[4]

۳۹۵۸. الدّر المنثور عن عطاء بن يسار: سُئِلَ رسولُ اللهِ ﷺ عنِ الخَطِّ، فقالَ: عَلَّمَهُ نَبِيٌّ، ومَن كانَ وافَقَهُ عَلِمَ.[5]

۳۹۵۹. الإمامُ عليٌّ ﷺ: الخَطُّ لِسانُ اليَدِ.[6]

۳۹۶۰. عنه ﷺ ـ فيما قالَ لِكاتِبِهِ عُبيدِ اللهِ بنِ أبي

---

۱. العنكبوت: ۴۸.
۲. الدرّ المنثور: ۲۸/۱.
۳. الأحقاف: ۴.
۴. الدرّ المنثور: ۴۳۴/۷.
۵. الدرّ المنثور: ۴۳۴/۷.
۶. غرر الحكم: ۷۰۶.

۱۰۳۹
خطّ و خوشنویسی

قرآن:

«تو پیش از قرآن هیچ نوشته‌ای را نمی‌خواندی و به دست خویش چیزی نمی‌نوشتی. اگر چنان بود اهل باطل به شکّ افتاده بودند».

حدیث:

۳۹۵۶. **پیامبر خدا** ﷺ: دوات را لیقه بگذار، قلم را کج برش زن، حرف باء [در بسم الله الرحمن الرحیم] را بکش، سین را باز بنویس، میم را شکم نده، الله را زیبا بنویس، رحمان را بکش و رحیم را نیکو بنویس.

۳۹۵۷. **پیامبر خدا** ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «یا نشانه‌ای از دانش» ـ فرمود: مقصود، خط است.

۳۹۵۸. **الدرّ المنثور** ـ به نقل از عطاء بن یسار ـ: از پیامبر خدا ﷺ دربارهٔ خط سؤال شد، فرمود: پیامبری آن را تعلیم داد و همراهانش آموختند.

۳۹۵۹. **امام علی** ﷺ: خط، زبانِ دست است.

۳۹۶۰. **امام علی** ﷺ ـ به کاتب خود عبیدالله بن ابی

رافع ـ: أَلِقْ دَواتَكَ، وأَطِلْ جِلْفَةَ قَلَمِكَ، وَفَرِّجْ بَينَ السُّطورِ، وقَرْمِطْ بَينَ الحُروفِ، فإنَّ ذلكَ أَجْدَرُ بِصَباحَةِ الخَطِّ.[1]

رافع ـ فرمود: در دوات خود لیقه بگذار و نوک قلمت را دراز بتراش و میان خطها فاصله بگذار و حرفها را نزدیک هم بنویس؛ زیرا این کار باعث زیبایی خط می‌شود.

۳۹۶۱. عنه ﷺ: افْتَحْ بَرْيَةَ قَلَمِكَ، وأَسْمِكْ شَحْمَتَهُ، وأَيْمِنْ قِطَّتَكَ يَجُدْ خَطُّكَ.[2]

۳۹۶۱. امام علی ﷺ: نوک قلمت را بشکاف و پرهٔ آن را ستبر گردان و آن را از راست برش بزن تا خطّت خوش شود.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. نهج البلاغة: الحكمة ۳۱۵.
۲. غرر الحكم: ۲۴۶۵.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۴۷

الإخلاص

اخلاص

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۷۰/۲۱۳ باب ۵۴ «الإخلاص ومعنىٰ قُربه تعالىٰ».

وسائل الشّيعة: ۱/۴۳ باب ۸ «وجوب الإخلاص».

كنز العمّال: ۳/۲۳-۲۷، ۶۷۴ «الإخلاص».

انظر:

عنوان ۱۷۶ «الرياء»، ۵۲۷ «النيّة».

الحديث: باب ۷۲۷، الخاتمة: باب ۱۰۰۲.

العلم: باب ۲۸۱۷، ۲۸۱۹، ۲۸۷۳.

اليقين: باب ۴۱۹۵، العبادة: باب ۲۴۵۷.

معرفة الله: باب ۲۵۷۹.

۳۶۸ ـــــــ

۲۹۶۵ . عنه ﷺ: ثلاثٌ لا يَغِلُّ عَلَيهِنَّ قَلبُ امرئٍ مُسلمٍ: إخلاصُ العَمَلِ للهِ، والنَّصيحَةُ لأئمَّةِ المُسلمينَ، واللُّزومُ لجَماعَتِهِم.[۱]

۲۹۶۵ . **پیامبر خدا ﷺ**: سه چیز است که دل مردِ مسلمان در انجام آنها، با ناخالصی آمیخته نمی‌شود: کار مخلصانه برای خدا، خیر خواهی و نصیحت رهبران مسلمانان، و همراهی با جامعهٔ مسلمانان.

۲۹۶۶ . عنه ﷺ: إنَّما نَصرَ اللهُ هٰذهِ الأُمَّةَ بِضُعَفائها بِدعوَتِهِم وصَلاتِهِم وإخلاصِهِم.[۲]

۲۹۶۶ . **پیامبر خدا ﷺ**: همانا خداوند، این امت را به سبب مستضعفان آنها و دعا و اخلاص و نمازشان نصرت بخشید.

۲۹۶۷ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الإخلاصُ أشرَفُ نِهايَةٍ.[۳]

۲۹۶۷ . **امام علی ﷺ**: اخلاص، عالیترین هدف است.

۲۹۶۸ . عنه ﷺ: الإخلاصُ غايَةٌ.[۴]

۲۹۶۸ . **امام علی ﷺ**: اخلاص، هدف است.

۲۹۶۹ . عنه ﷺ: الإخلاصُ غايَةُ الدِّينِ.[۵]

۲۹۶۹ . **امام علی ﷺ**: اخلاص غایت دین است.

۲۹۷۰ . عنه ﷺ: الإخلاصُ عِبادَةُ المُقَرَّبينَ.[۶]

۲۹۷۰ . **امام علی ﷺ**: اخلاص، عبادت مقرّبان است.

۲۹۷۱ . عنه ﷺ: الإخلاصُ مِلاكُ العِبادَةِ.[۷]

۲۹۷۱ . **امام علی ﷺ**: اخلاص اساس عبادت است.

۲۹۷۲ . عنه ﷺ: الإخلاصُ أعلَى الإيمانِ.[۸]

۲۹۷۲ . **امام علی ﷺ**: اخلاص، اوج ایمان است.

۲۹۷۳ . عنه ﷺ: الإخلاصُ شِيمَةُ أفاضِلِ النّاسِ.[۹]

۲۹۷۳ . **امام علی ﷺ**: اخلاص، خصلت والاترین انسانهاست.

۲۹۷۴ . عنه ﷺ: في إخلاصِ الأعمالِ تَنافُسُ أولِي النُّهىٰ والألبابِ.[۱۰]

۲۹۷۴ . **امام علی ﷺ**: رقابت خردمندان و صاحبدلان، در خالص گردانیدن اعمال است.

۲۹۷۵ . عنه ﷺ: في الإخلاصِ يَكونُ الخَلاصُ.[۱۱]

۲۹۷۵ . **امام علی ﷺ**: رهایی و نجات در اخلاص است.

۲۹۷۶ . عنه ﷺ: كُلَّما أخلَصتَ عَمَلاً بَلَغتَ مِن

۲۹۷۶ . **امام علی ﷺ**: هر عملی راکه خالص انجام

---

۱ . الخصال: ۱۸۲/۱۴۹ .
۲ . تفسير القرطبي: ۲۶/۲ .
۳ . غرر الحكم: ۸۵۱ .
۴ . غرر الحكم: ۷۴ .
۵ . غرر الحكم: ۷۲۷ .
۶ . غرر الحكم: ۶۶۷ .
۷ . غرر الحكم: ۸۵۹ .
۸ . غرر الحكم: ۸۶۰ .
۹ . غرر الحكم: ۵۹۷ .
۱۰ . غرر الحكم: ۶۴۹۴ .
۱۱ . تنبيه الخواطر: ۱۵۴/۲ .

الآخِرَةِ أملاً.[۱]

دهی، در آخرت به آرزویی دست می‌یابی.

۳۹۷۷ . عنه ﷺ: غايَةُ اليَقينِ الإخْلاصُ.[۲]

۳۹۷۷ . **امام علی** ﷺ: غایت یقین، اخلاص است.

۳۹۷۸ . عنه ﷺ: طُوبىٰ لِمَن أخْلَصَ للهِ عَمَلَهُ وعِلْمَهُ، وحُبَّهُ وبُغْضَهُ، وأخْذَهُ وتَرْكَهُ، وكَلامَهُ وصَمْتَهُ، وفِعْلَهُ وقَولَهُ.[۳]

۳۹۷۸ . **امام علی** ﷺ: خوشا آن که عمل و علمش، دوستی و دشمنیش، انجام دادن و ترک کردنش، سخن و سکوتش، و کردار و گفتارش فقط برای خدا باشد.

۳۹۷۹ . عنه ﷺ: طُوبىٰ لِمَن أخْلَصَ للهِ العِبادَةَ والدُّعاءَ، ولَم يَشْغَلْ قَلْبَهُ بما تَرىٰ عَيْناهُ، ولَم يَنْسَ ذِكْرَ اللهِ بما تَسْمَعُ أُذُناهُ، ولَم يَحْزَنْ صَدرُهُ بما أعْطِيَ غَيرُهُ.[۴]

۳۹۷۹ . **امام علی** ﷺ: خوشا آن که عبادت و دعایش را برای خدا خالص گرداند و آنچه می‌بیند، دلش را به خود مشغول نسازد و آنچه می‌شنود، او را از یاد خدا غافل نکند و به سبب آنچه به دیگران داده شده، سینه‌اش را غم و اندوه نگیرد.

۳۹۸۰ . **الإمامُ زينُ العابدينَ** ﷺ ـ في مُناجاتِهِ ـ: واجْعَلْ جِهادَنا فيكَ، وهَمَّنا في طاعَتِكَ، وأخْلِصْ نِيّاتِنا في مُعامَلَتِكَ.[۵]

۳۹۸۰ . **امام زین العابدین** ﷺ ـ در مناجات ـ گفت: جهاد ما را در راه خود قرار ده و کوشش ما را مصروف طاعت خود گردان و در معاملهٔ با خودت نیّتهایمان را خالص کن.

۳۹۸۱ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: ما أنْعَمَ اللهُ عزّوجلّ علىٰ عَبدٍ أجَلَّ مِن أنْ لا يَكونَ في قَلبِهِ مَعَ اللهِ عزّوجلّ غَيْرُهُ.[۶]

۳۹۸۱ . **امام صادق** ﷺ: خداوند عزّوجلّ نعمتی بالاتر از این به بنده‌اش نداده است که در قلبش جز خدا نباشد.

۳۹۸۲ . **مصباح الشريعة** ـ فيما نسبه إلى الإمام الصادق ﷺ ـ: لابُدَّ للعَبدِ مِن خالِصِ النِّيَّةِ في كُلِّ حَرَكَةٍ وسُكونٍ، إذْ لَو لَم يَكُنْ بِهٰذا

۳۹۸۲ . **مصباح الشریعة** ـ در آنچه به امام صادق ﷺ نسبت داده است ـ: بنده باید در تمام حرکات و سکنات خود نیّت خالص داشته باشد؛ زیرا اگر چنین نباشد، غافل

---

۱ . غرر الحكم: ۷۱۹۶. ۲ . غرر الحكم: ۶۳۴۷.
۳ . تحف العقول: ۱۰۰. ۴ . الكافي: ۳/۱۶/۲.
۵ . بحار الأنوار: ۲۱/۱۴۷/۹۴.
۶ . عدّة الداعي: ۲۱۹.

المَعنىٰ يَكونُ غافِلاً، والغافِلونَ قَد وَصَفَهُمُ اللهُ بِقَولِهِ: ﴿أُولئك كَالأنعامِ بَلْ هُمْ أضَلُّ سَبيلاً﴾[1].[2]

١٠٤١
صُعوبَةُ الإخلاصِ

٣٩٨٣ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: تَصْفِيَةُ العَمَلِ أشَدُّ مِنَ العَمَلِ، وتَخْليصُ النِّيَّةِ عنِ الفَسادِ أشَدُّ علىٰ العامِلينَ مِن طُولِ الجِهادِ.[3]

٣٩٨٤ . عنه ﷺ: تَصْفِيَةُ العَمَلِ خَيرٌ مِنَ العَمَلِ.[4]

٣٩٨٥ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: الإبْقاءُ علىٰ العَمَلِ حتّىٰ يَخْلُصَ أشَدُّ مِنَ العَمَلِ.[5]

(انظر) الرياء: باب ١٤٢٢.

١٠٤٢
كِفايَةُ القَليلِ مِنَ العَمَلِ مَعَ الإخلاصِ

٣٩٨٦ . رسولُ اللهِ ﷺ: أخْلِصْ قَلبَكَ يَكْفِكَ القَليلُ مِنَ العَمَلِ.[6]

٣٩٨٧ . عنه ﷺ: أخْلِصْ دِينَكَ يَكْفِكَ القَليلُ مِنَ العَمَلِ.[7]

---

١ . الفرقان: ٤٤.
٢ . مصباح الشريعة: ٣٩.
٣ . بحار الأنوار: ٧٧/٢٨٨/١.
٤ . بحار الأنوار: ٧٨/٩٠/٩٥.
٥ . الكافي: ٢/١٦/٤.
٦ . بحار الأنوار: ٧٣/١٧٥/١٥.
٧ . كنز العمّال: ٥٢٥٧.

است و غافلان را خداوند چنین وصف کرده است که «آنان همچون چارپایانند و بلکه گمراهترند».

١٠٤١
دشواری اخلاص

٣٩٨٣ . **امام علی** ﷺ: خالص گردانیدن عمل، سخت‌تر از خود عمل است و پاک کردن نیت از فساد و ناخالصی برای عمل‌کنندگان، از جهاد طولانی دشوارتر است.

٣٩٨٤ . **امام علی** ﷺ: پاک کردن عمل [از ناخالصیها] بهتر از خود عمل است.

٣٩٨٥ . **امام صادق** ﷺ: پایداری بر عمل تا خالص بماند، سخت‌تر از خود عمل است.

١٠٤٢
کافی بودن کار اندک مخلصانه

٣٩٨٦ . **پیامبر خدا** ﷺ: دلت را خالص گردان، کارِ اندک، تو را بس باشد.

٣٩٨٧ . **پیامبر خدا** ﷺ: دینت را خالص گردان، تا کار اندک برای تو بس باشد.

۳۹۸۸ . **الكافي**: فيما ناجىٰ اللهُ تباركَ وتعالىٰ موسىٰ ﷺ : يا موسىٰ، ما أُريدَ بهِ وَجْهي فكَثيرٌ قَليلُهُ، وما أُريدَ بهِ غَيري فقَليلٌ كَثيرُهُ.[1]

۳۹۸۸ . **الكافي**: در نجواهای خداوند متعال با موسی ﷺ آمده است: ای موسی! هر کاری که برای من انجام شود اندکش زیاد است و آنچه برای غیر من انجام گیرد زیادش هم اندک است.

۱۰۴۳
فَضلُ المُخلِصِ

۱۰۴۳
فضیلت مخلص

۳۹۸۹ . رسولُ اللهِ ﷺ: طُوبىٰ للمُخلِصينَ، أُولٰئكَ مَصابيحُ الهُدىٰ، تَنْجَلي عَنهُم كُلُّ فِتْنَةٍ ظَلْماءَ.[2]

۳۹۸۹ . **پیامبر خدا** ﷺ: خوشا به حال مخلِصان؛ آنان چراغهای هدایتند که هر فتنهٔ تیره‌ای از سوی آنها زدوده می‌شود.

۳۹۹۰ . عنه ﷺ: العُلَماءُ كُلُّهُم هَلْكىٰ إلّا العامِلينَ، والعامِلونَ كُلُّهُم هَلْكىٰ إلّا المُخْلِصينَ، والمُخْلِصونَ علىٰ خَطَرٍ.[3]

۳۹۹۰ . **پیامبر خدا** ﷺ: عالمان همه به هلاکت درافتند مگر آنان که به علم خود عمل کنند و عاملان همه هلاک شوند، مگر آنان که از روی اخلاص کار کنند، و مخلصان در خطرند.

۳۹۹۱ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: إنَّ للهِ عِباداً عامَلوهُ بخالِصٍ مِن سِرِّهِ، فشَكَرَ لَهُم بخالِصٍ مِن شُكْرِهِ، فأُولٰئكَ تَمُرُّ صُحُفُهُم يَومَ القِيامَةِ فُرَّغاً، فإذا وَقَفوا بَينَ يَدَيهِ مَلأَها لَهُم مِن سِرِّ ما أَسَرُّوا إلَيهِ.[4]

۳۹۹۱ . **امام علی** ﷺ: خدا را بندگانی است که با دل و درونی خالص با وی معامله می‌کنند و خداوند نیز پاداش خالص خود را به آنان می‌دهد؛ نامه‌های عمل اینان در روز قیامت [به ظاهر] خالی است و چون در برابر او بایستند، آنها را از اعمال سرّی میان خود و ایشان، آکنده سازد.

۳۹۹۲ . عنه ﷺ: أينَ الَّذينَ أخْلَصوا أعْمالَهُم للهِ، وطَهَّروا قُلوبَهُم بمَواضِعِ ذِكرِ اللهِ؟![5]

۳۹۹۲ . **امام علی** ﷺ: کجایند آنان که اعمال خود را برای خدا خالص گردانیدند و دلهایشان را با جایگاه یاد خدا کردن، پاکیزه ساختند؟!

---

۱ . الكافي: ۸/۴۶/۸.
۲ . كنز العمّال: ۵۲۶۸.
۳ . تنبيه الخواطر: ۲/۱۱۸.
۴ . بحار الأنوار: ۷۸/۶۴/۱۵۶.
۵ . غرر الحكم: ۲۸۲۲.

٣٩٩٣ . عدّة الداعي عن المُفَضّلِ بن صالح : قالَ الإمامُ الصّادقُ عليه السلام: إنَّ للهِ عِباداً عامَلوهُ بخالِصٍ مِن سِرِّهِ، فعامَلَهُم بخالِصٍ مِن بِرِّهِ، فهُمُ الّذينَ تَمُرُّ صُحُفُهُم يَومَ القِيامَةِ فُرَّغاً، وَإذا وَقَفوا بَينَ يدَيهِ تعالىٰ مَلأَها مِن سِرِّ ما أسَرُّوا إلَيهِ. فقلتُ: يا مَولاي، ولِمَ ذلكَ؟ فقالَ: أجَلَّهُم أنْ تَطَّلِعَ الحَفَظَةُ علىٰ ما بَينَهُ وبَينَهُم.[1]

٣٩٩٣ . **عدّة الداعی** ـ به نقل از مفضّل بن صالح ـ: امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند را بندگانی است که خالصانه با او معامله کنند و خدا نیز از اجر و پاداش خالص خود به ایشان دهد. اینان کسانی هستند که در روز قیامت نامه‌های اعمالشان خالی است و چون در برابر خداوند متعال بایستند آنها را از اعمال سرّی میان خود و ایشان پر کند. عرض کردم: سرورم! چرا چنین است [که نامه‌های اعمالشان سفید و خالی است]؟ فرمود: زیرا خداوند شأن آنان را بالاتر از این قرار داده که فرشتگان نگهبان از آنچه میان خود و ایشان است آگاه شوند.

٣٩٩٤ . الإمامُ الهاديُّ عليه السلام: لو سَلَكَ النّاسُ وادِياً وشِعْباً لسَلَكْتُ وادِيَ رجُلٍ عَبَدَ اللهَ وحْدَهُ خالِصاً.[2]

٣٩٩٤ . **امام هادی** علیه السلام: اگر مردمان هریک به وادی و دره‌ای روند، من در وادی آن مردی قدم می‌گذارم که خدای یگانه را مخلصانه عبادت می‌کند.

٣٩٩٥ . الإمامُ العسكريُّ عليه السلام: لَو جَعَلْتُ الدُّنيا كُلَّها لُقمَةً واحِدَةً ولَقَّمْتُها مَن يَعبُدُ اللهَ خالِصاً لَرَأيتُ أنّي مُقَصِّرٌ في حَقِّهِ.[3]

٣٩٩٥ . **امام عسکری** علیه السلام: اگر همهٔ دنیا را یک لقمه کنم و آن را در دهان کسی گذارم که از روی اخلاص، خدا را عبادت می‌کند، باز به نظرم در حقّ او کوتاهی کرده‌ام.

(انظر) العمل: باب ٢٩٠١.

١٠٤٣
إخلاصُ موسىٰ عليه السلام

٣٩٩٦ . بحار الأنوار في قصّةِ موسىٰ وشُعيبٍ عليهما السلام: فلَمّا دَخلَ علىٰ شُعيبٍ إذا هُو بالعَشاءِ مُهَيّأً، فقالَ لَهُ شُعيبٌ: اجْلِس يا شابُّ

١٠٤٣
اخلاص موسی علیه السلام

٣٩٩٦ . **بحار الأنوار**: در داستان موسی و شعیب علیهما السلام آمده است: زمانی که موسی نزد شعیب رفت، شعیب آمادهٔ خوردن شام بود. پس، به موسی گفت: ای جوان! بنشین و شام

١ . عدّة الداعي: ١٩٤. ٢ . تنبيه الخواطر: ١٠٩/٢.
٣ . بحار الأنوار: ١٩/٢٢٥/٧٠.

فتَعَشَّ، فقالَ لَهُ موسىٰ: أعوذُ بـاللهِ. قـالَ شُعيبٌ: ولِمَ ذاكَ؟ ألَسْتَ بـجائعٍ؟ قـالَ: بَلىٰ، ولٰكنْ أخافُ أنْ يَكونَ هٰذا عِوَضاً لِما سَقَيتُ لَهُما، وأنا مِن أهلِ بَيتٍ لا نَبيعُ شَيئاً مِن عَمَلِ الآخِرَةِ بِملْءِ الأرضِ ذَهَباً. فقالَ لَهُ شُعيبٌ: لا واللهِ يا شابُّ، ولٰكنّها عادَتي وعادَةُ آبائي: نَقْري الضَّيْفَ ونُطْعِمُ الطَّعامَ. قالَ: فجَلَسَ موسىٰ يَأكُلُ.[1]

بخور. موسی گفت: پناه به خدا. شعیب گفت: چرا؟ مگر گرسنه نیستی؟ موسی گفت: چرا، اما می‌ترسم این پاداش آبی باشد که برای دخترانت از چاه کشیدم؛ من از خاندانی هستم که اگر همهٔ زمین پر از طلا شود، کمترین کار آخرت را به آن نمی‌فروشیم. شعیب گفت: ای جوان! به خدا این پاداش آن کار تو نیست، بلکه میهمان نوازی و اطعام، رسم و عادت ما و پدران ماست. در این هنگام موسی برای خوردن شام نشست.

۱۰۴۵
دَورُ الإخلاصِ في قَبولِ الأعمالِ

۳۹۹۷. رسولُ اللهِ ﷺ: إذا عَمِلْتَ عَمَلاً فاعْمَلْ للهِ خالِصاً؛ لأنَّهُ لا يَقْبَلُ مِن عِبادِهِ الأعْمالَ إلّا ما كانَ خالِصاً.[2]

۳۹۹۸. عنه ﷺ: أخْلِصوا أعْمالَكُم للهِ؛ فإنَّ اللهَ لا يَقْبَلُ إلّا ما خَلَصَ لَهُ.[3]

۳۹۹۹. عنه ﷺ: إنَّ اللهَ تعالىٰ لا يَقْبَلُ مِن العَمَلِ إلّا ما كانَ لَهُ خالِصاً، وابْتَغِ بِهِ وَجْهَهُ.[4]

۵۰۰۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ: لَيستِ الصَّلاةُ قِيامَكَ وقُعودَكَ، إنَّما الصَّلاةُ إخْلاصُكَ، وأنْ تُريدَ بها اللهَ وَحْدَهُ.[5]

۱۰۴۵
نقش اخلاص در پذیرفته شدن اعمال

۳۹۹۷. **پیامبر خدا ﷺ**: هرگاه کاری کردی، آن را تنها برای خدا انجام ده؛ زیرا او تنها اعمال خالص بندگانش را می‌پذیرد.

۳۹۹۸. **پیامبر خدا ﷺ**: اعمال خود را برای خدا خالص گردانید؛ زیرا خداوند نپذیرد، مگر آنچه را که خالص برای او باشد.

۳۹۹۹. **پیامبر خدا ﷺ**: خداوند متعال تنها آن عملی را می‌پذیرد که خالص و محض رضای او باشد.

۵۰۰۰. **امام علی ﷺ**: نماز به قیام و قعود تو نیست، بلکه نماز، آن است که از روی اخلاص و تنها از روی خدا خواهی باشد.

---

۱. بحار الأنوار: ۲۱/۱۳. ۲. بحار الأنوار: ۱/۱۰۳/۷۷.
۳. کنز العمّال: ۵۲۵۸. ۴. کنز العمّال: ۵۲۶۱.
۵. شرح نهج البلاغة: ۳۲۵/۱.

٥٠٠١. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: قالَ اللهُ تَبارَكَ وتعالىٰ: أنا خَيرُ شَريكٍ، مَن أشرَكَ بِي في عَمَلِهِ لَم أقبَلهُ، إلّا ما كانَ لي خالِصاً.[١]

(انظر) العمل: باب ٢٩٠١.

١٠٣٦
غَيرُ المُخلِصِ

٥٠٠٢. الإمامُ عليٌّ ﷺ: لَو ارتَفَعَ الهَوىٰ لَأَنِفَ غَيرُ المُخلِصِ مِن عَمَلِهِ.[٢]

٥٠٠٣. عنه ﷺ: العَملُ كُلُّهُ هَباءٌ إلّا ما أُخلِصَ فيهِ.[٣]

٥٠٠٤. عنه ﷺ: ضاعَ مَن كانَ لَهُ مَقصَدٌ غَيرُ اللهِ.[٤]

١٠٣٧
الدِّينُ الخالِصُ

الكتاب:

﴿أَلا لِلّهِ الدِّينُ الخالِصُ﴾.[٥]

﴿قُل إنّي أُمِرتُ أَن أَعبُدَ اللهَ مُخلِصاً لَهُ الدِّينَ * وَأُمِرتُ لِأَن أَكُونَ أَوَّلَ المُسلِمِينَ﴾.[٦]

الحديث:

٥٠٠٥. رسولُ اللهِ ﷺ: تَمامُ الإخلاصِ اجتِنابُ

---

١. تفسير العياشي: ٢/٣٥٣/٩٤.
٢. غرر الحكم: ٧٥٧٦. ٣. غرر الحكم: ١٤٠٠.
٤. غرر الحكم: ٥٩٠٧. ٥. الزمر: ٣.
٦. الزمر: ١١ـ١٢.

٥٠٠١. **امام صادق ﷺ:** خداوند متعال فرموده است: من بهترین شریک هستم؛ هر کس در عمل خود برای من شریک بیاورد، هرگز آن را نپذیرم [و به شریک دهم]، مگر عملی راکه خالص برای من باشد.

١٠٣٦
انسان بی‌اخلاص

٥٠٠٢. **امام علی ﷺ:** اگر هوی و هوس از میان برود، انسان بی‌اخلاص از عملش شانه خالی کند.

٥٠٠٣. **امام علی ﷺ:** اعمال، همه بر باد است، مگر آنچه از روی اخلاص باشد.

٥٠٠٤. **امام علی ﷺ:** هرکه مقصدی جز خدا داشته باشد، تباه شود.

١٠٣٧
دین خالص

قرآن:

«آگاه باشید که دین خالص از آن خداست».

«بگو: من مأمور شده‌ام که خدا را بپرستم و برای او دین را خالص گردانم و فرمان دارم که نخستین مسلمان باشم».

حدیث:

٥٠٠٥. **پیامبر خدا ﷺ:** دوری کردن از حرامها،

المَحارِمِ.[1]

کمال اخلاص است.

۵۰۰۶. **بحار الأنوار** عن أبي هريرة و عبد الله بن عبّاس قالا: خطبنا رسولُ اللهِ ﷺ فقالَ: أيُّها النّاسُ، إنَّهُ مَن لَقِيَ اللهَ عزّوجلّ يَشْهَدُ أنْ لا إلٰهَ إلّا اللهُ مُخْلِصاً لَم يَخْلِطْ مَعَها غَيرَها دَخَلَ الجَنَّةَ. فقامَ عليُّ بنُ أبي طالبٍ صلواتُ اللهِ عليهِ، فقالَ: يا رسولَ اللهِ، بأبي أنتَ وأُمّي! وكيفَ يَقولُها مُخْلِصاً لا يَخْلِطُ مَعَها غَيرَها؟ فَسُرْ لَنا هٰذا حتّىٰ نَعْرِفَهُ.

فقالَ: نَعَمْ، حِرْصاً علىٰ الدُّنيا وجَمْعاً لَها مِن غَيرِ حِلّها، ورِضاً بِها، وأقوامٌ يَقولونَ أقاوِيلَ الأخْيارِ ويَعْمَلونَ أعْمالَ الجَبابِرَةِ، فمَنْ لَقِيَ اللهَ عزّوجلّ ولَيس فيهِ شَيءٌ مِن هٰذِهِ الخِصالِ وهُو يَقولُ: «لا إلٰهَ إلّا اللهُ» فلَهُ الجَنَّةُ، فإنْ أخَذَ الدُّنيا وتَرَكَ الآخِرَةَ فلَهُ النّارُ.[2]

۵۰۰۶. **بحار الأنوار** - به نقل از ابو هریره و عبد الله بن عبّاس -: پیامبر خدا ﷺ به ما روی کرد و فرمود: ای مردم! هرکس از روی اخلاص گواهی دهد که خدایی جز الله نیست و هیچ چیز دیگری را با این شهادت خود نیامیزد و در این حال خدا را دیدار کند، وارد بهشت شود.

علی بن ابی طالب، صلوات الله علیه، برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدایت باد، چگونه آن را با اخلاص و به دور از هر شائبه‌ای بگوید؟ برایمان بیان فرما تا بدانیم.

پیامبر فرمود: آری، آزمندی به دنیا و به‌دست آوردن آن از راه غیر حلال و دل خوش کردن به آن و مردمانی هستند که سخنان نیکان را بر زبان می‌رانند، اما رفتار ستمگران را در پیش می‌گیرند. کسی که خداوند عزّوجلّ را دیدار کند در حالی که از این خصلتها پاک باشد و «لا اله الا الله» بگوید، به بهشت رود و کسی که دنیا را برگیرد و آخرت را واگذارد، روانه به دوزخ شود.

۵۰۰۷. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: تَمامُ الإخْلاصِ تَجَنُّبُ المَعاصي.[3]

۵۰۰۷. **امام علی** ﷺ: کمال اخلاص، به دوری کردن از گناهان است.

۵۰۰۸. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: مَن قالَ: «لا إلٰهَ إلّا اللهُ»

۵۰۰۸. **امام صادق** ﷺ: هرکس مخلصانه «لا إله الّا الله» بگوید به بهشت رود و اخلاصش به

---

۱. کنز العمّال: ۴۴۳۹۹. ۲. بحار الأنوار: ۷۶/۳۶۰/۳۰.
۳. بحار الأنوار: ۷۷/۲۱۳/۱.

مُخلِصاً دَخَلَ الجَنَّةَ، وإخلاصُهُ أنْ يَحجِزَهُ «لا إلٰهَ إلّا اللهُ» عَمّا حَرَّمَ اللهُ.[1]

(انظر) الجنّة: باب ۵۵۷.

معرفة الله: باب ۲۵۷۹.

۱۰۴۸
عَلامَةُ المُخلِصِ

۵۰۰۹. **معاني الأخبار:** جَبرئيلُ ﷺ ـ لَمّا سألَهُ النَّبيُّ ﷺ عن تَفسيرِ الإخلاصِ ـ: المُخلِصُ الَّذي لا يَسألُ النّاسَ شَيئاً حتّىٰ يَجِدَ، وإذا وَجدَ رَضِيَ، وإذا بَقِيَ عِندَهُ شيءٌ أعطاهُ فِي اللهِ، فإنَّ مَن لَم يَسألِ المَخلوقَ فَقَد أقَرَّ للهِ عزّوجلّ بالعُبودِيَّةِ، وإذا وَجَدَ فَرَضِيَ فهُو عنِ اللهِ راضٍ، واللهُ تبارَكَ وتعالىٰ عنهُ راضٍ، وإذا أعطىٰ للهِ عزّوجلّ فهُو علىٰ حَدِّ الثِّقَةِ بِرَبِّهِ عزّوجلّ.[2]

۵۰۱۰. **رسولُ اللهِ ﷺ:** أمّا عَلامَةُ المُخلِصِ فأربَعَةٌ: يَسلَمُ قَلبُهُ، وتَسلَمُ جَوارِحُهُ، وبَذلَ خَيرَهُ، وكَفَّ شَرَّهُ.[3]

۵۰۱۱. **الإمامُ عليٌّ ﷺ:** مَن لَم يَختَلِف سِرُّهُ وعَلانِيَتُهُ، وفِعلُهُ ومَقالَتُهُ فقد أدّىٰ

۱. بحار الأنوار: ۲۴/۳۵۹/۸. ۲. معاني الأخبار: ۱/۲۶۱.
۳. تحف العقول: ۲۱.

۱۰۴۸
علامت مخلص

۵۰۰۹. **معانی الأخبار:** جبرئیل ﷺ ـ در پاسخ به سؤال پیامبر ﷺ از تفسیر اخلاص ـ گفت: مخلِص کسی است که از مردم هیچ نخواهد، تا خود بدان دست یابد و هرگاه بدان دست یافت خشنود شود و هرگاه چیزی نزدش باقی ماند، آن را [به دیگران] ببخشد؛ زیرا کسی که از مخلوق چیزی نخواهد، به عبودیت برای خداوند عزّوجلّ اقرار کرده است و چون به نیاز خود رسید و خشنود گشت، از خدا خشنود شده و خداوند تبارک و تعالی نیز از او خشنود است و هرگاه [آنچه برایش باقی مانده] به خاطر خداوند عزّوجلّ ببخشد، به مرتبهٔ اعتماد بر پروردگارش عزّوجلّ رسیده است.

۵۰۱۰. **پیامبر خدا ﷺ:** نشانهٔ مخلص چهار چیز است: قلبی سلیم دارد، اعضا و جوارحش تسلیمند، خیرش [به دیگران] می‌رسد و از بدی کردن خوددار است.

۵۰۱۱. **امام علی ﷺ:** کسی که ظاهر و باطنش و کردار و گفتارش یکی باشد، امانت را

الأمانَـةَ وأخْلَـصَ العِبادَةَ.[1]

۵۰۱۲. **عنه** ﷺ: الزُّهدُ سَجِيَّةُ المُخْلِصينَ.[2]

۵۰۱۳. **عنه** ﷺ: فَـرَضَ اللهُ... الصِّـيـامَ ابْـتِـلاءً لإخْلاصِ الخَلقِ.[3]

۱۰۴۹
حَقيقَةُ الإخلاصِ

۵۰۱۴. **رسولُ اللهِ** ﷺ: إنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقيقَةً، وما بَلَغَ عَبدٌ حقيقَةَ الإخْلاصِ حـتّىٰ لا يُـحِبَّ أنْ يُحْمَدَ علىٰ شيءٍ مِن عَمَلٍ للهِ.[4]

۵۰۱۵. **الدّر المنثور** عن أبي ثمامَةَ: قالَ الحَواريّونَ لعيسىٰ ﷺ: يا رُوحَ اللهِ، مَنِ المُخلِصُ للهِ؟ قالَ: الّذي يَعْمَلُ للهِ لا يُـحِبُّ أنْ يُـحْمَدَهُ النّاسُ علَيهِ.[5]

۵۰۱۶. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: العِبادَةُ الخالِصَةُ أنْ لا يَرجوَ الرَّجُلُ إلّا رَبَّهُ، ولا يَخافَ إلّا ذَنْبَهُ.[6]

۵۰۱۷. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: لا يَكونُ العَبْدُ عابِداً للهِ حقَّ عِبادَتِهِ حتّىٰ يَنْقَطِعَ عنِ الخَلْقِ كُلِّهِم إلَيهِ، فحينَئذٍ يقولُ: هٰـذا خـالِصٌ لي، فـيَقْبَلُهُ بكَرَمِهِ.[7]

---

۱. نهج البلاغة: الكتاب ۲۶. ۲. غرر الحكم: ۶۶۲.
۳. نهج البلاغة: الحكمة ۲۵۲.
۴. بحار الأنوار: ۵۱/۳۰۲/۷۲.
۵. الدرّ المنثور: ۷۲۴/۲. ۶. غرر الحكم: ۲۱۲۸.
۷. التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري ﷺ: ۱۸۱/۳۲۸.

پرداخته و عبادت را خالص کرده است.

۵۰۱۲. **امام علی** ﷺ: پارسایی، خوی مخلصان است.

۵۰۱۳. **امام علی** ﷺ: خداوند... روزه را واجب کرد تا اخلاص بندگان را بیازماید.

۱۰۴۹
حقیقت اخلاص

۵۰۱۴. **پیامبر خدا** ﷺ: هر حقّی را حقیقتی است و بنده به حقیقت اخلاص نرسد، مگر آن گاه که دوست نداشته باشد در برابر کاری که برای خدا می‌کند، تمجید و ستایش شود.

۵۰۱۵. **الدرّ المنثور** ـ به نقل از ابو ثمامة ـ: حواریون به عیسی ﷺ عرض کردند: یا روح الله! مخلِص برای خدا کیست؟ فرمود: کسی که برای خدا کار کند و دوست نداشته باشد مردم او را به خاطر آن بستایند.

۵۰۱۶. **امام علی** ﷺ: عبادت خالص این است که آدمی جز به پروردگار خویش امید نبندد و جز از گناه خویش نترسد.

۵۰۱۷. **امام باقر** ﷺ: بنده، خدای را چنان که حقّ عبادت اوست عبادت نکند، مگر آن گاه که از همهٔ خلق بریده، به خداوند روی آورد. در این هنگام خداوند فرماید: این، خالص برای من است. و به لطف و کرم خویش او را پذیرا شود.

۵۰۱۸. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: العَمَلُ الخالِصُ: الّذي لا تُريدُ أنْ يَحْمَدَكَ عَلَيهِ أحَدٌ إلّا اللهُ عزّوجلّ.[۲۱]

(انظر) الإخلاص: باب ۱۰۵۱، ۱۰۴۳.

الرياء: باب ۱۴۲۰.

۱۰۵۰
ما يورِثُ الإخلاصَ

۵۰۱۹. الإمامُ عليٌّ ﷺ: سَبَبُ الإخلاصِ اليَقينُ.[۳]

۵۰۲۰. عنه ﷺ: الإخْلاصُ ثَمَرَةُ اليَقينِ.[۴]

۵۰۲۱. عنه ﷺ: إخْلاصُ العَمَلِ مِن قُوَّةِ اليَقينِ وصَلاحِ النِّيَّةِ.[۵]

۵۰۲۲. عنه ﷺ: الإخْلاصُ ثَمَرَةُ العِبادَةِ.[۶]

۱. الكافي: ۴/۱۶/۲.

۲. أبو حامد الغزّاليّ ـ في بيان حقيقة الإخلاص بعد ذكر أقاويل الشّيوخ ـ: الأقاويل في هذا كثيرة ولا فائدة في تكثير النّقل بعد انكشاف الحقيقة، وإنّما البيان الشافي بيان سيّد الأوّلين والآخرين ﷺ، إذ سئل عن الإخلاص فقال: هو أن تقول ربّي الله، ثمّ تستقيم كما امرت. أي لا تعبد هواك ونفسك، ولا تعبد إلّا ربّك، وتستقيم في عبادته كما أمرك. وهذه إشارة إلى قطع كلّ ما سوى الله عزّوجلّ عن مجرى النظر، وهو الإخلاص حقّاً.

المحجّة البيضاء: ۸/۱۳۳. وأخرج ابن ماجة في السنن تحت رقم ۳۹۷۲: «أنّ سفيان بن عبدالله الثقفيّ قال: قلت: يا رسول الله، حدّثني بأمر أعتصم به. قال: قل ربّي الله، ثمّ استقم».

۳. غرر الحكم: ۵۵۳۸.

۴. غرر الحكم: ۸۵۳.

۵. غرر الحكم: ۱۳۰۱.

۶. غرر الحكم: ۳۹۰.

۵۰۱۸. **امام صادق ﷺ**: عمل خالص آن است که نخواهی کسی جز خداوند عزّوجلّ، تو را بر انجام آن بستاید.[۱]

۱۰۵۰
آنچه اخلاص می‌آورد

۵۰۱۹. **امام علی ﷺ**: علّت اخلاص، یقین است.

۵۰۲۰. **امام علی ﷺ**: اخلاص، میوهٔ یقین است.

۵۰۲۱. **امام علی ﷺ**: اخلاصِ عمل، ناشی از نیروی یقین و درستی نیّت است.

۵۰۲۲. **امام علی ﷺ**: اخلاص، میوهٔ عبادت است.

۱. ابو حامد غزّالی بعد از بازگو کردن سخنان بزرگان دربارهٔ حقیقت اخلاص می‌گوید: در این باره اقوال زیاد است، ولی با روشن شدن حقیقت، نقل همه آنها فایده‌ای در بر ندارد. بیان کامل در این موضوع، همان بیان سرور جهانیان است؛ که وقتی از آن حضرت دربارهٔ اخلاص سؤال شد، فرمود: اخلاص آن است که بگویی: پروردگار من خداست و سپس، همچنان که فرمان داری، بر این گفتهٔ خویش، پایدار مانی؛ یعنی هوی و هوس و نفس خود را نپرستی و جز پروردگارت را پرستش نکنی و در عبادت او همچنان که خداوند فرمانت داده است، پشتکار به خرج دهی. این، اشاره‌ای است به چشم نداشتن به چیزی جز خداوند عزّوجلّ که همان اخلاص حقیقی است.

۵۰۲۳ . عنه ﷺ: إنّ إخلاصَ العَمَلِ اليَقينُ.[۱]

۵۰۲۴ . عنه ﷺ: علىٰ قَدْرِ قُوَّةِ الدِّينِ يكونُ خُلوصُ النِّيَّةِ.[۲]

۵۰۲۵ . عنه ﷺ: ثَمَرةُ العِلمِ إخْلاصُ العَمَلِ.[۳]

۵۰۲۶ . عنه ﷺ: قَلِّلِ الآمالَ تَخْلُصْ لَكَ الأعمالُ.[۴]

۵۰۲۷ . عنه ﷺ: أوَّلُ الإخْلاصِ اليَأسُ مِمّا في أيْدي النّاسِ.[۵]

۵۰۲۸ . عنه ﷺ: أصْلُ الإخْلاصِ اليَأسُ مِمّا في أيْدي النّاسِ.[۶]

۵۰۲۹ . عنه ﷺ: مَن رَغِبَ فيما عِندَ اللهِ أخْلَصَ عَمَلَهُ.[۷]

۵۰۳۰ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: ادْفَعْ عن نَفْسِكَ حاضِرَ الشَّرِّ بحاضِرِ العِلْمِ، واسْتَعْمِلْ حاضِرَ العِلْمِ بخالِصِ العَمَلِ، وتَحَرَّزْ في خالِصِ العَمَلِ مِن عَظيمِ الغَفْلَةِ بشِدَّةِ التَّيَقُّظِ، واسْتَجْلِبْ شِدَّةَ التَّيَقُّظِ بصِدْقِ الخَوفِ.[۸]

۱۰۵۱
مَوانِعُ الإخلاصِ

۵۰۳۱ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: كيفَ يَستطيعُ الإخْلاصَ مَن

۵۰۲۳ . **امام علی** ﷺ: براستی که اخلاصِ عمل [همان] یقین است.

۵۰۲۴ . **امام علی** ﷺ: خلوص نیّت، به اندازهٔ شدّت دینداری است.

۵۰۲۵ . **امام علی** ﷺ: ثمرهٔ دانش اخلاص عمل است.

۵۰۲۶ . **امام علی** ﷺ: آرزوهایت راکم کن، اعمالت خالص می‌شود.

۵۰۲۷ . **امام علی** ﷺ: سرآغاز اخلاص چشم امید برکندن از دست مردمان است.

۵۰۲۸ . **امام علی** ﷺ: ریشهٔ اخلاص چشم برکندن از دست مردمان است.

۵۰۲۹ . **امام علی** ﷺ: کسی که خواهان آن چیزها باشد که نزد خداست، عمل خود را خالص گرداند.

۵۰۳۰ . **امام باقر** ﷺ: شرّ و بدی را با حضورِ علم از خود بران و با عملِ خالصانه، علم را به کارگیر و در عمل خالص، با هوشیاری شدید، از غفلت دوری کن و با خوف راستین [از خدا] هوشیاری کامل را به دست آر.

۱۰۵۱
موانع اخلاص

۵۰۳۱ . **امام علی** ﷺ: چگونه اخلاص دارد کسی که

---

۱ . تحف العقول: ۱۵۱.
۲ . غرر الحكم: ۶۱۹۲.
۳ . غرر الحكم: ۴۶۴۲.
۴ . غرر الحكم: ۶۷۹۳.
۵ . غرر الحكم: ۳۲۹۱.
۶ . غرر الحكم: ۳۰۸۸.
۷ . غرر الحكم: ۷۹۴۵.
۸ . بحار الأنوار: ۱/۱۶۳/۷۸.

يَغْلِبُهُ الهَوىٰ[1]؟![2]

١٠٥٢
آثارُ الإخلاصِ

٥٠٣٢. رسولُ اللهِ ﷺ: ما أخْلَصَ عَبدٌ للهِ عزّوجلّ أربَعينَ صباحاً إلّا جَرَتْ يَنابيعُ الحِكمَةِ مِن قَلبِهِ علىٰ لِسانِهِ.[3]

٥٠٣٣. عنه ﷺ: قالَ اللهُ عزّوجلّ: لا أطَّلِعُ علىٰ قَلبِ عَبدٍ فأعْلَمُ مِنهُ حُبَّ الإخْلاصِ لِطاعَتي لِوَجْهي وابْتِغاءَ مَرْضاتي إلّا

---

١. غرر الحكم: ٦٩٧٧.

٢. قال أبو حامد في بيان حقيقةِ الإخلاص: كما أنّ مَن غَلَبَ عليه حُبُّ الله عزّوجلّ وحُبُّ الآخرةِ اكتَسبتْ حركاتُه الاعتياديّةُ صفةَ هَمّهِ وصارت إخلاصاً، فالّذي يَغلِبُ علىٰ نفسِه حُبُّ الدنيا والعلوّ والرّئاسة ـ وبالجملة حُبّ غيرِ الله ـ اكتسبَ جميعُ حركاته الاعتياديّة تلك الصّفةَ، فلم تَسلم له عباداتُه من صومه وصلاته وغير ذلك إلّا نادراً. فعلاجُ الإخلاص كَسرُ حظوظِ النّفس وقطعُ الطّمع عن الدّنيا والتّجرّد للآخرة، بحيث يَغلِب ذلك على القلب، فإذ ذاك يَتيسّر الإخلاص، وكَم من أعمالٍ يَتعب الإنسانُ فيها ويظنّ أنّها خالصة لوجه الله تعالىٰ ويكون فيها مغروراً لأنّه لا يدري وجه الآفة فيه، كما حُكي عن بعضهم أنّه قال: قَضيتُ صلاةَ ثلاثين سنة كنتُ صلّيتها في المسجد جماعةً في الصّفّ الأوّل؛ لأنّي تأخّرتُ يوماً لعُذرٍ وصلّيت في الصّفّ الثّاني فاعْتَرتْني خَجلةٌ من النّاس حيث رأوني في الصّفّ الثّاني، فعرفتُ أنّ نظر النّاسِ إليّ في الصّفّ الأوّل كان يَسُرّني، وكان سببَ استراحة قلبي من ذلك من حيثُ لا أشعر.

المحجّة البيضاء: ١٣١/٨.

٣. عيون أخبار الرضا: ٣٢١/٦٩/٢.

هوای نفس بر او چیره باشد؟![1]

١٠٥٢
آثار اخلاص

٥٠٣٢. **پیامبر خدا ﷺ**: هیچ بنده‌ای چهل روز برای خدا اخلاص نورزید، مگر آن که چشمه‌های حکمت از دلش به زبانش جاری شد.

٥٠٣٣. **پیامبر خدا ﷺ**: خداوند عزّوجلّ فرماید:

---

١. ابو حامد غزّالی در توضیح حقیقت اخلاص نوشته است: همچنان که اگر عشق خداوند عزّوجلّ و آخرت، بر جان کسی چیره شود، رفتارهای معمولی او نیز رنگ آن را به خود می‌گیرد و مخلصانه می‌شود، کسی که حبّ دنیا و برتری و ریاست ـ و به طور کلی محبّت غیرخدا ـ بر جانش مستولی گردد نیز همهٔ حرکات و رفتارهای عادیش، ویژگی آن را به خود می‌گیرد و نماز و روزه و سایر عباداتش سالم نمی‌ماند، مگر به ندرت. بنابراین، برای درمان درد بی‌اخلاصی، باید لذّتهای نفسانی را دَرهم شکست و چشم طمع از دنیا برید و یکسره آخرتی شد، به‌طوری که این خوی بر دل چیره شود. اگر چنین شود، اخلاص کاری آسان می‌گردد. چه بسیار اعمالی که انسان برای انجام آنها خود را به رنج و زحمت می‌اندازد و گمان می‌برد که آنها خالصانه برای خداست، حال آن که در انجام آن اعمال فریب خورده است؛ زیرا از آفت آنها بی‌خبر مانده است. از قول یکی از همین افراد نقل می‌شود که گفت: من نمازهای سی سال خود را که در مسجد و در صف اول جماعت خوانده بودم، قضا کردم؛ زیرا یک روز به دلیلی در آمدن به مسجد تأخیر کردم و در صف دوم جماعت به نماز ایستادم و از این که مردم مرا در صف دوم دیدند، خجالت کشیدم. از آن جا فهمیدم که من از این که مردم مرا در صف اول ببینند ناخودآگاه خوشحال می‌شده‌ام و آرامش دل پیدا می‌کرده‌ام.

تَولّيتُ تَقويمَهُ وسياسَتَهُ.[۱]

هرگاه دل بنده‌ام را بسنگرم و دریابم که از روی اخلاص و برای خشنودی من طاعتم را به جا می‌آورد، اصلاح و تربیت او را خود به عهده گیرم.

۵۰۳۴. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: غايَةُ الإخْلاصِ الخَلاصُ.[۲]

۵۰۳۴. **امام علی** ﷺ: غایت اخلاص، رهایی است.

۵۰۳۵. **عنه** ﷺ: المُخْلِصُ حَرِيٌّ بالإجابَةِ.[۳]

۵۰۳۵. **امام علی** ﷺ: مخلص، سزاوار اجابت [دعا] است.

۵۰۳۶. **عنه** ﷺ: عِند تَحَقُّقِ الإخْلاصِ تَسْتَنيرُ البَصائرُ.[۴]

۵۰۳۶. **امام علی** ﷺ: چون اخلاص تحقق یابد، دیدهٔ بصیرت روشنی گیرد.

۵۰۳۷. **عنه** ﷺ: بالإخْلاصِ تُرْفَعُ الأعْمالُ.[۵]

۵۰۳۷. **امام علی** ﷺ: با وجود اخلاص است که اعمال [به درگاه خدا] بالا می‌رود.

۵۰۳۸. **عنه** ﷺ: لَو خَلَصَتِ النِّيّاتُ لَزَكَتِ الأعْمالُ.[۶]

۵۰۳۸. **امام علی** ﷺ: اگر نیّتها خالص شود، اعمال پاکیزه گردد.

۵۰۳۹. **عنه** ﷺ: مَن أخْلَصَ النِّيَّةَ تَنَزَّهَ عنِ الدَّنِيَّةِ.[۷]

۵۰۳۹. **امام علی** ﷺ: هر که نیّت را خالص گرداند، از پستی دور ماند.

۵۰۴۰. **عنه** ﷺ: في إخلاصُ النِّيّاتِ نَجاحُ الأُمورِ.[۸]

۵۰۴۰. **امام علی** ﷺ: موفقیت کارها به خالص کردن نیّتهاست.

۵۰۴۱. **عنه** ﷺ: أخْلِصْ تَنَلْ.[۹]

۵۰۴۱. **امام علی** ﷺ: اخلاص داشته باش، تاکامروا شوی.

۵۰۴۲. **عنه** ﷺ: مَن أخْلَصَ بَلَغَ الآمالَ.[۱۰]

۵۰۴۲. **امام علی** ﷺ: هر که اخلاص ورزد، به آرزوهایش برسد.

۵۰۴۳. **الإمامُ زينُ العابدينَ** ﷺ: فأمّا حقُّ اللهِ الأكبرُ عليكَ فأنْ تَعْبُدَهُ، لا تُشْرِكَ بِهِ شَيئاً، فإذا فَعَلْتَ ذلكَ بإخْلاصٍ جَعَلَ لكَ علىٰ نَفسِهِ

۵۰۴۳. **امام زین العابدین** ﷺ: حقّ خداوند بزرگ بر تو این است که او را بپرستی و شریکی برایش قائل نشوی، اگر از روی اخلاص چنین کنی، [او خود] کار دنیا و آخرت تو

---

۱. بحار الأنوار: ۱۶/۱۳۶/۸۵.
۲. غرر الحكم: ۶۳۴۸.
۳. غرر الحكم: ۷۹۳.
۴. غرر الحكم: ۶۲۱۱.
۵. غرر الحكم: ۴۲۴۲.
۶. غرر الحكم: ۷۵۷۸.
۷. غرر الحكم: ۸۴۴۷.
۸. غرر الحكم: ۶۵۱۰.
۹. غرر الحكم: ۲۲۴۸.
۱۰. غرر الحكم: ۷۶۷۵.

أنْ يَكْفِيَكَ أمْرَ الدُّنيا والآخِرَةِ.[1]

۵۰۴۴. **عنه** ﷺ ـ في الدُّعاءِ ـ: اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، واجْعَلْنا مِمَّن جاسُوا خِلالَ دِيارِ الظّالِمينَ، واسْتَوْحَشوا مِن مُؤانَسَةِ الجاهِلينَ، وسَمَوا إلَى العُلُوِّ بِنُورِ الإخْلاصِ.[2]

را کفایت می‌کند.

۵۰۴۴. **امام زین العابدین** ﷺ ـ در دعا ـ گفت: خدایا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که خانه‌های ستمگران را [برای نابود کردن آنها] می‌کاوند و از همدمی با نادانان می‌گریزند و با روشنایی اخلاص به سوی مراتب عالی بالا می‌روند.

۵۰۴۵. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: إنَّ المؤمنَ لَيَخشَعُ لَهُ كُلُّ شيءٍ ويَهابُهُ كُلُّ شيءٍ. إذا كانَ مُخلِصاً للهِ أخافَ اللهُ مِنهُ كُلَّ شيءٍ، حتّىٰ هَوامَّ الأرضِ وسِباعَها وطَيرَ السَّماءِ.[3]

۵۰۴۵. **امام صادق** ﷺ: همهٔ اشیاء در برابر مؤمن خاشعند و از هیبت او می‌هراسند. اگر برای خدا اخلاص ورزد خداوند همه چیز، حتی گزندگان و درندگان زمین و پرندگان هوا را از او بترساند.

۵۰۴۶. **الإمامُ الكاظمُ** ﷺ: قالَ عيسى ﷺ: يا عَبيدَ السَّوءِ، نَقُّوا القَمْحَ وطَيِّبوهُ وأدِقّوا طَحْنَهُ تَجِدوا طَعْمَهُ ويَهْنِئْكُم أكْلُهُ، كذلكَ فأخْلِصوا الإيمانَ وأكْمِلوهُ تَجِدوا حَلاوَتَهُ ويَنْفَعْكُم غِبُّهُ.[4]

۵۰۴۶. **امام کاظم** ﷺ: مسیح ﷺ فرمود: ای بندگان بد! گندم را پاک و تمیز کنید و خوب آردش نمایید، تا طعم آن را خوب بچشید و گوارایتان گردد. همچنین ایمان را خالص و کامل گردانید، تا شیرینی آن را بیابید و سرانجامش شما را سود رساند.

۵۰۴۷. **بحار الأنوار** عن صحيفةِ إدريسَ ﷺ: مَن خَلَصَ إيمانُهُ أمِنَ دِينُهُ.[5]

۵۰۴۷. **بحار الأنوار**: در کتاب ادریس ﷺ آمده است: آن که ایمانش خالص باشد، دینش سالم و در امان ماند.

۱۰۵۳
ما بَينَ الإخلاصِ وَالرِّياءِ

۱۰۵۳
میان اخلاص و ریا

۵۰۴۸. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: ما بينَ الحقِّ والباطِلِ إلّا

۵۰۴۸. **امام باقر** ﷺ: میان حقّ و باطل [چیزی] جز

---

۱. بحار الأنوار: ۱/۳/۷۴. ۲. بحار الأنوار: ۱۹/۱۲۶/۹۴.
۳. بحار الأنوار: ۲۱/۲۴۸/۷۰.
۴. بحار الأنوار: ۱/۳۰۶/۷۸. ۵. بحار الأنوار: ۴۵۶/۹۵.

قِلَّةُ العَقلِ. قيلَ: وكيفَ ذلكَ يابنَ رسولِ اللهِ؟ قالَ: إنَّ العَبدَ يَعمَلُ العَمَلَ الَّذي هُوَ للهِ رِضاً فيُريدُ بِهِ غَيرَاللهِ، فلَو أنَّهُ أخلَصَ للهِ لَجاءَهُ الَّذي يُريدُ في أسرَعَ مِن ذلكَ.[1]

(انظر) الخُسران: باب ۱۰۲۱ حديث ۴۸۵۲.

زادهٔ رسول خدا؟ فرمود: آدمی کاری را که رضای خدا در آن است، برای غیر خدا انجام می‌دهد، در صورتی که اگر آن را محض رضای خدا انجام می‌داد، خداوند او را به هدفی که از آن کار داشت زودتر می‌رساند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. المحاسن: ۱/۳۹۵/۸۸۴.

۱۴۸

الاختلاف

اختلاف

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

عنوان ۷۳«الجماعة» ،۴۱۷«الفِرَق» .

الإمامة العامة :باب ۱۶۱ ،الأُمّة :باب ۱۳۴ ،الفساد :باب ۳۱۵۲ .

۳۸۶ ـــــــ

۱۰۵۵

لَو شاءَ اللهُ لَجَعَلَكُم أُمَّةً واحِدَةً

الكتاب:

﴿وَلَوْ شَاءَ اللهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّـةً وَاحِـدَةً وَلٰكِـنْ لِـيَبْلُوَكُـمْ فِي ما آتَاكُمْ﴾.[1]

﴿وَلَوْ شَاءَ اللهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِـدَةً وَلٰكِـنْ يُـضِلُّ مَـنْ يَشَـاءُ وَيَـهْدِي مَـنْ يَشَـاءُ وَلَـتُسْأَلُنَّ عَـمَّا كُـنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾.[2]

﴿وَلَـوْ شَـاءَ اللهُ لَـجَعَلَهُمْ أُمَّـةً واحِـدَةً وَلٰكِـنْ يُـدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّـالِمُونَ مَـا لَـهُمْ مِـنْ وَلِـيٍّ وَلا نَصِيرٍ﴾.[3][4]

۱۰۵۵

اگر خدا می‌خواست شما را یک امّت می‌کرد

قرآن:

«اگر خدا می‌خواست، همهٔ شما را یک امت می‌کرد ولی خواست تا شما را در آنچه ارزانیتان کرده است بیازماید».

«اگر خدا می‌خواست، همهٔ شما را یک امت کرده بود ولی هرکه را بخواهد بیراه می‌نهد و هرکه را بخواهد راهنمایی می‌کند و به یقین از هر کاری که می‌کنید بازخواست می‌شوید».

«اگر خدا می‌خواست، همه را یک امت کرده بود ولی او هرکس را که بخواهد به رحمت خویش در آورد و ستمکاران هیچ دوست و یاوری ندارند».[1]

۱۰۵۶

الأُمَّةُ الإسلامِيَّةُ أُمَّةٌ واحِدَةٌ

الكتاب:

﴿إِنَّ هٰذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾.[5]

۱۰۵۶

امّت اسلامی امّتی واحد است

قرآن:

«این امت شما، یک امت است و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا بپرستید».

---

۱. المائدة: ۴۸. ۲. النحل: ۹۳.

۳. الشوریٰ: ۸.

۴. أقول: في تفسير القمّي: وأمّا قولُه: ﴿ولو شاءَ اللهُ لَجعلَهُم أُمّةً واحدةً﴾ قالَ: ولو شاءَ أن يجعلَهم كُلَّهم معصومينَ مِثلَ الملائكةِ بلا طِباعٍ لَقَدرَ علَيه، ﴿ولٰكنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشاءُ في رَحْمَتِهِ ...﴾. تفسير القمّي: ۲۷۲/۲.

۵. الأنبياء: ۹۲.

---

۱. در تفسیر القمّی ذیل آیهٔ «اگر خدا می‌خواست همه را یک امت کرده بود» آمده است: اگر خدا می‌خواست که همهٔ مردمان را مانند فرشتگان، معصوم و بدون غرایز بیافریند، می‌توانست چنین کند «ولی او هر که را بخواهد به رحمت خویش در آورد ...».

﴿وَإِنَّ هٰذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾.[۲][۱]

۱۰۵۷

الحَثُّ عَلَىٰ نَبذِ الاختِلافِ

الكتاب:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعاً وَلا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً﴾.[۳]

الحديث:

۵۰۵۱. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: والْزَموا السَّوادَ الأعْظَمَ، فإنَّ يَدَ اللهِ مَعَ الجَماعةِ، وإيّاكُم والفُرْقَةَ، فإنَّ الشّاذَّ مِنَ النّاسِ للشَّيطانِ، كما أنَّ الشّاذَّ مِنَ الغَنَمِ للذِّئبِ.[۴]

«همانا این امت شما، یک امت است و من پروردگار شما هستم؛ پس از من بترسید».[۱]

۱۰۵۷

تشویق به دور افکندن اختلاف

قرآن:

«همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و از نعمتی که خدا به شما ارزانی داشته است یاد کنید: آن گاه که دشمن یکدیگر بودید و او دلهایتان را به هم مهربان‌ساخت و به سبب این نعمت او باهم برادر شدید».

حدیث:

۵۰۵۱. **امام علی** ﷺ: با اکثریت [دین‌دار] جامعه همراه شوید؛ زیرا دست خدا با جماعت است. از پراکندگی بپرهیزید که جدا شدهٔ از مردم، طعمهٔ شیطان است، همچنان که گوسفند جدا شده از رمه، طعمهٔ گرگ است.

---

۱. المؤمنون: ۵۲.

۲. أقول: في تفسير القمّي: ﴿أُمَّةً واحِدَةً﴾، قال: على مذهبٍ واحدٍ. تفسير القمّي: ۳۱۰/۱.

وفي الميزان في تفسير القرآن: الأُمّةُ جماعةٌ يجمعها مَقصَدٌ واحد. والخطاب في الآية ـ على ما يشهد به سياقُ الآيات ـ خطابٌ عامّ يشمل جميعَ الأفراد المكلّفين من الإنسان. والمُراد بالأُمّة النّوع الإنسانيّ الّذي هو نوع واحد، وتأنيث الإشارة في قوله: ﴿هٰذِهِ أُمَّتُكُم﴾ لتأنيثِ الخبر.

والمعنى: أنّ هٰذا النّوع الإنسانيّ أُمّتكم معشرَ البشر وهي أُمّة واحدة، وأنا ـ الله الواحد عزّ اسمه ـ ربّكم إذ مَلَكتُكم ودَبّرتُ أمركم فاعبُدوني لا غير. الميزان في تفسير القرآن: ۳۲۲/۱۴.

۳. آل عمران: ۱۰۳.

۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۲۷.

---

۱. در تفسیر القمّی پیرامون «امة واحده» آمده است: یعنی، یک مذهب و آیین.

در المیزان في تفسير القرآن آمده است: امّت به معنای جماعت و گروهی است که هدفی واحد آنها را گرد هم آورده است. سیاق آیات نشانگر آن است که خطاب در این آیه عام است و همهٔ انسانهای مکلّف را در بر می‌گیرد، و مراد از امّت نیز نوع انسان است، که نوعی واحد می‌باشد. آوردن اسم اشارهٔ مؤنث در آیهٔ «هذه امّتکم» به دلیل مؤنث بودن خبر است.

پس معنای آیه این است: ای همهٔ انسانها! این نوع انسانی، امّت شماست و یکی بیش نیست و من، خدای یگانهٔ بلند نام، پروردگار شما هستم؛ چون مالک شما بوده‌ام و کار شما را تدبیر و چاره کرده‌ام؛ پس فقط مرا بپرستید و بس ...

۵۰۵۲. عنه ﷺ: لِيَرْدَعْكُمُ الإسلامُ ووَقارُهُ عنِ التَّباغي والتَّهاذي، ولتَجْتَمِعْ كَلِمَتُكُم، والْزَموا دِينَ اللهِ الّذي لا يَقْبَلُ مِن أحَدٍ غَيْرَهُ، وكَلِمَةَ الإخْلاصِ الّتي هِي قِوامُ الدِّينِ.[۱]

۵۰۵۲. امام علی ﷺ: باید که اسلام و متانت آن، شما را از تعدّی و پریشان‌گویی نسبت به یکدیگر باز دارد و یک‌سخن و متّحد شوید. به دین خدا، که هیچ دینی جز آن از کسی پذیرفته نمی‌شود، و به کلمهٔ اخلاص (توحید) که جانمایهٔ دین است، چنگ زنید.

۵۰۵۳. الإمامُ الحسنُ ﷺ: إنَّهُ لَم يَجْتَمِعْ قَومٌ قَطُّ علىٰ أمرٍ واحِدٍ إلّا اشْتَدَّ أمْرُهُم واسْتَحْكَمَتْ عُقْدَتُهُم، فاحْتَشِدوا في قِتالِ عَدُوِّكُم مُعاويةَ وجُنودِهِ ولا تَخاذَلوا.[۲]

۵۰۵۳. امام حسن ﷺ: هرگز گروهی در کاری یکدست و متّحد نشدند، مگر آن که کارشان استحکام یافت و پیوندشان استوار گشت. پس، شما نیز در نبرد با دشمنتان، معاویه و سپاهش، گرد هم آیید و از یاری یکدیگر دست نکشید.

۱۰۵۸
آثارُ الاختِلافِ

۱۰۵۸
پیامدهای اختلاف

۵۰۵۴. رسولُ اللهِ ﷺ: ما اخْتَلَفَتْ أُمَّةٌ بَعدَ نَبِيِّها إلّا ظَهَرَ أهْلُ باطِلِها علىٰ أهْلِ حقِّها.[۳]

۵۰۵۴. پیامبر خدا ﷺ: هیچ امتی پس از پیامبر خود گرفتار اختلاف نشد مگر آن که باطل‌گرایان آن بر حق‌خواهانش پیروز گشتند.

۵۰۵۵. عنه ﷺ: لا تَخْتَلِفوا، فإنَّ مَن كانَ قَبْلَكُم اخْتَلَفوا فَهَلَكوا.[۴]

۵۰۵۵. پیامبر خدا ﷺ: با هم اختلاف نکنید؛ که پیشینیان شما دچار اختلاف شدند و نابود گشتند.

۵۰۵۶. عنه ﷺ: لا تَخْتَلِفوا فتَخْتَلِفَ قُلوبُكُم.[۵]

۵۰۵۶. پیامبر خدا ﷺ: با یکدیگر ناسازگاری مکنید که دلهایتان ناسازگار و پراکنده می‌شود.

۵۰۵۷. عنه ﷺ: أذَهَبْتُم مِن عِندي جَميعاً وجِئْتُم مُتَفَرِّقينَ ؟! إنّما أهْلَكَ مَن كانَ قَبْلَكُمُ الفُرقَةُ.[۶]

۵۰۵۷. پیامبر خدا ﷺ: از نزد من، یکپارچه رفتید و پراکنده برگشتید ؟! پیشینیان شما را، همین تفرقه نابود کرد.

---

۱. شرح نهج البلاغة: ۴۵/۴. ۲. شرح نهج البلاغة: ۱۸۵/۳.
۳. کنز العمّال: ۹۲۹. ۴. کنز العمّال: ۸۹۴.
۵. کنز العمّال: ۸۹۵. ۶. کنز العمّال: ۹۲۰.

۵۰۵۸. الإمامُ عليٌّ ﷺ: احْذَروا ما نَزَلَ بالأُمَمِ قَبْلَكُم مِن المَثُلاتِ بسُوءِ الأفْعالِ وذَميمِ الأعْمالِ، فتَذَكَّروا في الخَيرِ والشَّرِّ أحْوالَهُم، واحْذَروا أنْ تَكونوا أمْثالَهُم.

فإذا تَفَكَّرْتُم في تَفاوُتِ حالَيْهِم فالْزَموا كُلَّ أمرٍ لَزِمَتِ العِزَّةُ بِهِ شَأنَهُم (حالَهُم)، وزاحَتِ الأعْداءُ لَهُ عَنهُم، ومُدَّتِ العافِيَةُ بِهِ عَلَيهِم، وانْقادَتِ النِّعْمَةُ لَهُ مَعَهُم، ووَصَلَتِ الكَرامَةُ عَلَيهِ حَبْلَهُم: مِنَ الاجْتِنابِ لِلفُرْقَةِ، واللُّزومِ لِلأُلْفَةِ، والتَّحاضِّ عَلَيها، والتَّواصي بها. واجْتَنِبوا كُلَّ أمرٍ كَسَرَ فِقْرَتَهُم، وأوْهَنَ مُنَّتَهُم: مِن تَضاغُنِ القُلوبِ، وتَشاحُنِ الصُّدورِ، وتَدابُرِ النُّفوسِ، وتَخاذُلِ الأيْدي. وتَدَبَّروا أحْوالَ الماضينَ مِن المؤمنينَ قَبْلَكُم... فانْظُروا كيفَ كانوا حيثُ كانتِ الأمْلاءُ مُجْتَمِعَةً، والأهْواءُ مُؤْتَلِفَةً (مُتَّفِقَةً)، والقُلوبُ مُعْتَدِلَةً، والأيْدي مُتَرادِفَةً (مُتَرافِدَةً)، والسُّيوفُ مُتَناصِرَةً، والبَصائرُ نافِذَةً، والعزائمُ واحِدَةً. ألَمْ يكونوا أرْباباً في أقْطارِ الأرَضينَ، ومُلوكاً علىٰ رِقابِ العالَمينَ؟! فانْظُروا إلىٰ ما

۵۰۵۸. **امام علی ﷺ**: از بلاهایی که به سبب اعمال زشت و نکوهیده بر سر ملتهای پیش از شما آمد بپرهیزید، و احوال خوب و بدشان را به یاد آرید و خود را از همانند شدن به آنان باز دارید.

پس اگر در احوال نیک و بد آنان اندیشه کردید همان کاری را عهده‌دار شوید که عزیزشان گرداند و دشمنانشان را از سرشان راند و زمان عافیت آنان را به درازا کشاند و نعمت و فراوانی به سراغشان آمد و نیکوکاری و بزرگواری باعث پیوندشان گردید و آن، از تفرقه و پراکندگی اجتناب ورزیدن و به یکدیگر مهربانی کردن و همدیگر را به این کار تشویق نمودن است. و از کارهایی که پشت آنان را شکست و قدرت آنان را از بین برد، دوری کنید؛ کارهایی چون کینه‌توزی دلها و دشمنی سینه‌ها و بریدن از یکدیگر و دست شستن از یاری هم. و در احوال مؤمنان پیش از خود نیز بیندیشید... و بنگرید که آنان چگونه بودند، آن گاه که جمعیتها فراهم بودند و خواسته‌ها یکی و دلها یکسان و دستها یار هم بودند و شمشیرها به کمک یکدیگر می‌آمدند و بینشها ژرف و اراده‌ها یکی بودند. آیا آنان مهتران سراسر زمین نبودند و بر گردهٔ جهانیان، تسلّط نداشتند؟ نیز به فرجام کار آنها بنگرید آن گاه که در میانشان جدایی افتاد و رشتهٔ الفت از هم گسست و

صاروا إلَيهِ في آخِرِ اُمورِهِم، حِينَ وَقَعتِ الفُرقَةُ، وتَشَتَّتِ الاُلفَةُ، واختَلَفَتِ الكَلِمَةُ والأفئِدَةُ، وتَشَعَّبوا مُختَلِفينَ، وتَفَرَّقوا مُتَحارِبينَ (مُتَحازِبينَ)، قَد خَلَعَ اللهُ عَنهُم لِباسَ كَرامَتِهِ، وسَلَبَهُم غَضارَةَ نِعْمَتِهِ، وبَقِيَ قَصصُ أخبارِهِم فيكُم عِبَراً لِلمُعتَبِرينَ.[1]

سخنها و دلهایشان از هم گونه گون گشت و جدا شدند و به حزب‌ها و دسته‌های گوناگون تقسیم گشتند. در این هنگام خداوند جامهٔ کرامت را از تن آنان برون آورد و نعمتهای فراوانش را از ایشان گرفت و داستان سرگذشت آنها در میان شما ماند تا درس عبرتی برای عبرت آموزان باشد.

۵۰۵۹. عنه ﷺ: أيْمُ اللهِ، ما اختَلَفَتْ اُمَّةٌ قَطُّ بَعدَ نَبِيِّها إلّا ظَهَرَ أهْلُ باطِلِها علىٰ أهْلِ حَقِّها إلّا ما شاءَ اللهُ.[2]

۵۰۵۹. امام علی ﷺ: به خدا سوگند یاد می‌کنم که هیچ امتی پس از پیامبر خود دچار اختلاف نشد، جز آن که باطل گرایانِ آن امّت بر حقّ خواهانش چیره گشتند، مگر آن جا که خدا نخواست.

۵۰۶۰. عنه ﷺ: إيّاكُم والتَّلَوُّنَ في دِينِ اللهِ، فإنَّ جَماعَةً فيما تَكرَهونَ مِنَ الحَقِّ خَيرٌ مِن فُرقَةٍ فيما تُحِبّونَ مِنَ الباطِلِ، وإنَّ اللهَ سُبحانَهُ لَم يُعْطِ أحَداً بِفُرقَةٍ خَيراً، مِمَّن مَضىٰ ولا مِمَّن بَقِيَ.[3]

۵۰۶۰. امام علی ﷺ: از چند رنگی و اختلاف در دین خدا بپرهیزید؛ زیرا یکپارچگی در آنچه حقّ است ـ ولی شما آن را ناخوش می‌دارید ـ از پراکندگی در آنچه باطل است ـ اما خوشایند شما می‌باشد ـ بهتر است. خداوند سبحان به هیچ یک از گذشتگان و باقی‌ماندگان، بر اثر تفرقه و جدایی، خیر و خوبی عطا نکرده است.

۵۰۶۱. عنه ﷺ: إنَّ الشَّيطانَ يُسَنّي لَكُم طُرُقَهُ، ويُريدُ أنْ يَحُلَّ دِينَكُم عُقدَةً عُقدَةً، ويُعطيَكُم بالجَماعَةِ الفُرقَةَ، وبالفُرقَةِ الفِتنَةَ، فاصْدِفوا عن نَزَغاتِهِ ونَفَثاتِهِ.[4]

۵۰۶۱. امام علی ﷺ: همانا شیطان راههای خود را برای شما آسان و هموار می‌کند و می‌خواهد بند بندِ دین شما را بگسلاند و به جای یکپارچگی، پراکندگی نصیبتان کند و بر اثر پراکندگی، فتنه و فساد پدید آورد. پس، از وسوسه‌ها و افسونهایش رویگردان شوید.

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۲، انظر تمام کلامه ﷺ.
۲. شرح نهج البلاغة: ۱۸۱/۵.
۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۷۶.
۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۲۱.

۵۰۶۲. عنه ﷺ: واللهِ، لَأَظُنُّ أَنَّ هٰؤُلاءِ القَومَ سَيُدالونَ مِنكُم باجْتِماعِهِم علىٰ باطِلِهِم وتَفَرُّقِكُم عن حقِّكُم.[۱]

۵۰۶۲. امام علی ﷺ: به خدا سوگند، گمان می‌کنم که این قوم بزودی بر شما چیره شوند؛ زیرا آنان بر باطل خود همداستانند و شما در حقّ خود دچار تفرقه و پراکندگی هستید.

۵۰۶۳. عنه ﷺ: لا يَزالُ هٰذا الأمرُ في بَني اُمَيَّةَ ما لم يَختَلِفوا بَينَهُم.[۲]

۵۰۶۳. امام علی ﷺ: تا زمانی که میان بنی‌امیه اختلاف نیفتد، حکومت پیوسته در دست آنان خواهد بود.

۵۰۶۴. عنه ﷺ: إنّ لِبَني اُمَيَّةَ مِرْوَداً يَجْرونَ فيهِ، ولَو قَدِ اختَلَفوا فيما بَينَهُم ثُمَّ كادَتْهُمُ الضِّباعُ لَغَلَبَتْهُم![۳]

۵۰۶۴. امام علی ﷺ: بنی امیه را مهلتی است که در آن می‌تازند، و آن گاه که در میانشان اختلاف افتد، [چنان دچار ضعف خواهند شد که] کفتارها بر آنان چیره گردند!

۵۰۶۵. عنه ﷺ: ما اختَلَفَتْ دَعْوَتانِ إلّا كانَتْ إحْداهُما ضَلالَةً.[۴]

۵۰۶۵. امام علی ﷺ: هیچ گاه دو دعوت بر خلاف یکدیگر نشد مگر این که یکی از آن دو [دعوت به] گمراهی بود.

۱۰۵۹
الاختِلافُ عُقوبَةٌ إلٰهِيَّةٌ

۱۰۵۹
اختلاف، کیفری الهی است

الكتاب:

﴿قُلْ هُوَ القَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَاباً مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعاً وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ﴾.[۵]

قرآن:

«بگو: او قادر است که از فراز سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه در هم افکند و خشم و کین گروهی را به گروه دیگر بچشاند. بنگر که آیات خدا را چگونه گوناگون بیان می‌کنیم. باشد که بفهمند».

الحديث:

۵۰۶۶. رسولُ اللهِ ﷺ: إنّي صَلَّيتُ صَلاةَ رَغْبَةٍ

حدیث:

۵۰۶۶. پیامبر خدا ﷺ: من نماز بیم و امید گزاردم و

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۲۵. ۲. كنز العمّال: ۳۱۷۵۴.
۳. نهج البلاغة: الحكمة ۴۶۴.
۴. نهج البلاغة: الحكمة ۱۸۳.
۵. الأنعام: ۶۵.

ورَهْبَةٍ وسألتُ ربّي ثَلاثاً، فأعطاني اثنَتَينِ ومَنَعني واحِدَةً؛ سألتُهُ أنْ لا يَبْتَلِيَ أُمَّتي بالسِّنينَ ففَعَلَ، وسألتُهُ أنْ لا يُظْهِرَ عليهِم عَدُوَّهُم ففَعَلَ، وسألتُهُ أنْ لا يَلْبِسَهُم شِيَعاً فأبىٰ عليَّ.[1]

سه چیز از پروردگارم طلبیدم که دو تای آنها را به من داد و یکی دیگر را نداد. از خداوند خواستم امّت مرا به قحطی گرفتار نکند، پذیرفت. خواستم دشمنشان را بر آنان چیره نگرداند پذیرفت. خواستم که جامهٔ پراکندگی بر آنان نپوشاند، نپذیرفت.

۵۰۶۷. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ ـ لَمّا قالَ لَه بعضُ اليَهودِ: ما دَفَنْتُم نَبيَّكُم حتّىٰ اختَلَفْتُم فيهِ! ـ: إنّما اختَلَفْنا عَنهُ لا فيهِ، ولٰكِنَّكُم ما جَفَّتْ أرْجُلُكُم مِنَ البَحرِ حتّىٰ قُلْتُم لنَبيِّكُم: ﴿اجْعَل لَنا إلٰهاً كَما لَهُمْ ءالِهَةٌ قالَ إنَّكُمْ قَومٌ تَجْهَلُونَ﴾[2].[3]

۵۰۶۷. **امام علی** ﷺ ـ در پاسخ به یهودیی که به امام ﷺ گفت: هنوز پیامبر خود را دفن نکرده دربارهٔ او دچار اختلاف شدید! ـ فرمود: ما، در جانشینی او اختلاف کردیم نه دربارهٔ خود او. اما شما، هنوز پاهایتان از آب دریا نخشکیده بود که به پیامبرتان گفتید: «همچنان که آنان را خدایان است برای ما نیز خدایی در نظر گیر، پس او گفت: شما مردمی نادانید».

۵۰۶۸. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿أوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعاً﴾ ـ: وهُو اختِلافٌ في الدِّينِ وطَعْنُ بَعضِكُم علىٰ بَعضٍ. ﴿ويُذيقَ بَعْضَكُم بَأسَ بَعْضٍ﴾ وهُو أنْ يَقْتُلَ بَعضُكُم بَعْضاً، وكُلُّ هٰذا في أهلِ القِبْلَةِ.[4]

۵۰۶۸. **امام باقر** ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «یا جامهٔ پراکندگی بر شما بپوشاند» ـ فرمود: مقصود پراکندگی در دین و انگ زدن آنان به یکدیگر است. «وخشم و کین گروهی را به گروه دیگر بچشاند» این است که یکدیگر را می‌کشند. و همهٔ اینها دربارهٔ مسلمانان است.

۱۰۶۰
تَفسيرُ «اختِلافُ أُمّتي رَحمَةٌ»

۵۰۶۹. **رسولُ اللهِ** ﷺ: اختِلافُ أُمّتي رَحمَةٌ.[5]

۱۰۶۰
معنای «اختلاف امت من رحمت است»

۵۰۶۹. **پیامبر خدا** ﷺ: اختلاف امّت من، رحمت است.

---

۱. کنز العمّال: ۳۱۰۹۸. ۲. الأعراف: ۱۳۸.
۳. نهج البلاغة: الحكمة ۳۱۷.
۴. تفسير القمّي: ۲۰۴/۱.
۵. کنز العمّال: ۲۸۶۸۶، قال المناويّ في الفيض (۲۰۹/۱): لم أقف له على سندٍ صحيح. وقال الحافظ العراقيّ: سنده ضعيف. (كما في هامش كنز العمّال).

۵۰۷۰. **معاني الأخبار عن عبد المُؤمِن الأنصاريّ:** قلت للإمامِ الصّادقِ﵇: إنّ قَوماً رَوَوا أنَّ رسولَ اللهِ ﷺ قالَ: إنّ اختِلافَ أُمَّتي رَحمَةٌ؟ فقالَ: صَدَقوا. قلتُ: إنْ كانَ اختِلافُهُم رَحمَةً فاجتِماعُهُم عَذابٌ؟ قالَ: لَيسَ حيثُ ذَهَبْتَ وذَهَبوا، إنَّما أرادَ قولَ اللهِ عزّوجلّ: ﴿فلَولا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرقَةٍ مِنهُمْ طائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ﴾[1]، فأمَرَهُم أنْ يَنفِروا إلىٰ رسولِ اللهِ ﷺ ويَختَلِفوا إلَيهِ فيَتَعلَّموا ثُمَّ يَرجِعوا إلىٰ قَومِهِم فيُعَلِّموهُم، إنّما أرادَ اختِلافَهُم مِن البُلدانِ، لا اختِلافاً في دِينِ اللهِ، إنّما الدِّينُ واحِدٌ.[2]

۵۰۷۰. **معانی الأخبار** ـ به نقل از عبد المؤمن انصاری ـ: به امام صادق﵇ عرض کردم: عدّه‌ای روایت می‌کنند که پیامبر خدا ﷺ فرمود: اختلاف امت من، رحمت است؟ امام پاسخ داد: راست می‌گویند. عرض کردم: اگر اختلاف آنان رحمت است پس اتّحاد ایشان عذاب است؟ حضرت فرمود: معنای این حدیث آن گونه که تو و آنان فهمیده‌اید نیست، بلکه منظور پیامبر، این سخن خداوند عزّوجلّ است که: «چرا از هر گروهی از ایشان جماعتی کوچ نمی‌کنند تا (جماعتی بمانند و) در دین آگاهی پیدا کنند». خداوند به آنان فرمان داد که از هر سو نزد پیامبر خدا ﷺ بروند و پیش او آمد و شد کنند و آموزش ببینند و سپس، نزد مردم خود برگردند و تعلیمات دین را به آنها نیز بیاموزند. منظور پیامبر، آمد و شد آنها از شهرهایشان بود نه اختلاف در دین خدا؛ دین، البته یکی است.[1]

۱۰۶۱
تفسيرُ «اختِلافُ أصحابي رَحمَةٌ»

۵۰۷۱. **الإمامُ الصّادقُ﵇** ـ وقد قالَ لَهُ حَريزٌ: إنَّهُ لَيسَ شيءٌ أشَدَّ عَلَيَّ مِنِ اختِلافِ أصْحابِنا ـ: ذلكَ مِن قِبَلي.[3]

۱۰۶۱
معنای «اختلاف اصحاب من رحمت است»

۵۰۷۱. **امام صادق﵇** ـ در پاسخ به حریز که به ایشان عرض کرد: برای من چیزی گرانتر از اختلاف اصحابمان نیست ـ فرمود: این، از طرف خود من است.

۵۰۷۲. **بحار الأنوار:** الإمام الكاظم﵇ عن رسول اللهﷺ قال: اختِلافُ أصْحابي لَكُم رَحمَةٌ. ـ وقالَ ـ: إذا كانَ ذلكَ جَمَعْتُكُم علىٰ أمرٍ

۵۰۷۲. **بحار الأنوار:** امام کاظم﵇ ـ به نقل از رسول خدا ـ فرمود: اختلاف اصحاب من برای شما

---

۱. التوبة: ۱۲۲.
۲. معاني الأخبار: ۱/۱۵۷.
۳. علل الشرائع: ۱۴/۳۹۵.

۱. یکی از معانی اختلاف، «آمد و شد» است و حضرت، حدیث پیامبر را به همین تفسیر کرده است.

واحِدٍ. ـ وسُئِلَ عنِ اختِلافِ أصحابِنا فقالَ ﷺ ـ: أنا فَعَلتُ ذلكَ بكُم، لوِ اجتَمَعتُم علىٰ أمرٍ واحِدٍ لأُخِذَ برِقابِكُم.[1]

١٠٦٢
تَفسيرُ الجَماعةِ وَالفُرقَةِ

٥٠٧٣. رسولُ اللهِ ﷺ ـ وقد سُئِلَ: ما جَماعَةُ أُمَّتِكَ؟ ـ: مَن كانَ علىٰ الحقِّ وإنْ كانوا عَشرَةً.[2]

٥٠٧٤. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: الجَماعَةُ أهلُ الحقِّ وإنْ كانوا قَليلاً، والفُرقَةُ أهلُ الباطِلِ وإنْ كانوا كَثيراً.[3]

٥٠٧٥. **عنه** ﷺ: اجتَمَعَ القَومُ علىٰ الفُرقَةِ، وافتَرَقوا علىٰ الجَماعَةِ، كأنَّهُم أئمَّةُ الكِتابِ ولَيسَ الكِتابُ إمامَهُم.[4]

٥٠٧٦. **عنه** ﷺ: أمّا أهلُ الجَماعَةِ فأنا ومَنِ اتَّبَعَني وإنْ قَلُّوا، وذلكَ الحقُّ عَن أمرِ اللهِ وأمرِ رسولِهِ، فأمّا أهلُ الفُرقَةِ فالمُخالِفونَ لِي ومَنِ اتَّبَعَني وإنْ كَثُروا.[5]

٥٠٧٧. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: سُئِلَ رسولُ اللهِ ﷺ عَن

١. بحار الأنوار: ٢٣/٢٣٦/٢.
٢. معاني الأخبار: ٢/١٥٤.
٣. معاني الأخبار: ٣/١٥٤.
٤. نهج البلاغة: الخطبة ١٤٧.
٥. كنز العمّال: ٤٤٢١٦.

رحمت است. و فرمود: با ظهور حقّ و قیام قائم، شما را یکپارچه می‌کنم. دربارهٔ اختلاف و پراکندگی اصحاب ما از ایشان (امام کاظم ﷺ) سؤال شد، فرمود: من، خود، این کار را با شما کرده‌ام. اگر بر یک امر فراهم می‌آمدید، گردنهایتان زده می‌شد.

١٠٦٢
معنای جماعت و جدایی

٥٠٧٣. **پیامبر خدا** ﷺ ـ در پاسخ به این پرسش که جماعت امّتت کیست؟ ـ فرمود: کسانی که بر حقّ باشند، هر چند از ده نفر فراتر نروند.

٥٠٧٤. **امام علی** ﷺ: جماعت، همان پیروان حقّند، گرچه تعدادشان اندک باشد و جدایی، همان باطل گرایانند، هرچند شمارشان فراوان باشد.

٥٠٧٥. **امام علی** ﷺ: آن مردم بر جدایی همداستان شدند و از جماعت جدا گشتند، گویی آنان پیشوای قرآنند، نه قرآن پیشوای آنان.

٥٠٧٦. **امام علی** ﷺ: امّا اهل جماعت، منم و کسانی که پیروان من هستند، هرچند پیروانم اندک باشند و این حقّ، به دستور خدا و پیامبر او می‌باشد. اما اهل تفرقه، مخالفان من و مخالفان پیروان من هستند، هرچند فراوان باشند.

٥٠٧٧. **امام صادق** ﷺ: از پیامبر خدا ﷺ دربارهٔ

جماعَةِ أُمَّتِهِ، فقالَ: جَماعَةُ أُمَّتي أهلُ الحقِّ وإنْ قَلُّوا.[1]

(انظر) صلاة الجماعة: باب ۲۲۷۵.

۱۰۶۳
عِلَّةُ الفُرقةِ

۵۰۷۸. الإمامُ عليٌّ ﷺ: إنَّما أنتُم إخْوانٌ علىٰ دِينِ اللهِ، ما فَرَّقَ بَينَكُم إلّا خُبْثُ السَّرائرِ، وسُوءُ الضَّمائرِ، فلا تَوازَرونَ (تأْزِرون) ولا تَناصَحونَ، ولا تَباذَلونَ ولا تَوادّونَ.[2]

۵۰۷۹. عنه ﷺ: لَو سَكَتَ الجاهِلُ ما اخْتَلَفَ النّاسُ.[3]

جماعت امّتش سؤال شد، فرمود: جماعت امت من، حقگرایانند؛ هرچند اندک باشند.

۱۰۶۳
علّت تفرقه و جدایی

۵۰۷۸. **امام علی** ﷺ: شما برادر دینی یکدیگرید و آنچه میان شما جدایی انداخته، درون پلید و بدنهادی است، به این سبب باری از دوش همدیگر برنمی‌دارید و برای هم خیرخواهی نمی‌کنید و به هم بذل و بخشش نمی‌کنید و با هم دوستی نمی‌ورزید.

۵۰۷۹. **امام علی** ﷺ: اگر نادان خاموشی می‌گزید، مردم دچار اختلاف نمی‌شدند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. معاني الأخبار: ۱/۱۵۴. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۱۳.
۳. بحار الأنوار: ۷۵/۸۱/۷۸.

۱۴۹

الخِلافَة

جانشینی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزید الاطّلاع راجع:

کنز العمّال: ۵/۵۸۴ـ۸۰۰ «الخلافة مع الإمارة».

۳۹۸ ـــــــ

المُنكَرِ هُو خَليفَةُ اللهِ في الأرضِ، وخَليفَةُ كِتابِهِ، وخَليفَةُ رسولِهِ.[۱]

۵۰۸۲. **الإمامُ عليٌّ**ؑ ـ في صِفَةِ مَن يَحفَظُ اللهُ بِهِم حُجَجَهُ وبَيِّناتِهِ ـ: هَجَمَ بِهِمُ العِلمُ على حَقيقَةِ البَصيرَةِ، وَباشَرُوا رُوحَ اليَقينِ، واستَلانُوا ما استَعوَرَهُ المُترَفُون، وأنِسُوا بِما اشتَوحَشَ مِنهُ الجاهِلُونَ، صَحِبُوا الدُّنيا بِأبدانٍ أرواحُها مُعَلَّقَةٌ بِالمَحَلِّ الأعلىٰ. أولٰئِكَ خُلَفاءُ اللهِ في أرضِهِ والدُّعاةُ إلى دِينِهِ آهِ آهٍ شوقاً إلى رُؤيَتِهِم.[۲]

۵۰۸۳. **عنه**ؑ: أنَا والحَسَنُ والحُسَينُ وَتِسعَةٌ مِن وُلْدِ الحُسَينِ عليه السلامُ، خُلَفاءُ اللهِ في أرضِهِ، وأُمَناؤُهُ عَلى وَحيِهِ، وأئِمَّةُ المُسلِمينَ بَعدَ نَبِيِّهِ، وَحُجَجُ اللهِ عَلى بَرِيَّتِهِ.[۳]

۵۰۸۴. **الإمامُ الرِّضا**ؑ: الأئِمَّةُ خُلَفاءُ اللهِ عزّوجلّ في أرضِهِ.[۴]

نهی از منکر کند، جانشین خدا در روی زمین و جانشین کتاب او و جانشین پیامبر اوست.

۵۰۸۲. **امام علی**ؑ ـ در توصیف آنان که خداوند حجتها و نشانه‌هایش را به واسطهٔ ایشان نگاه می‌دارد ـ فرمود: دانش، آنان را به نهایت بصیرت رسانده است و به روح یقین رسیده‌اند. آن چه را نازپروردگان دشوار دیده‌اند، براحتی پذیرفته‌اند و بدان چه نادانان از آن رمیده‌اند، انس گرفته‌اند. با کالبدهایشان با دنیا همراه گشته‌اند و جانهایشان از ملأ اعلی آویخته است. اینان جانشینان خداوند در زمین و دعوتگران به دینش هستند. وه که چه مشتاق دیدار آنانم!

۵۰۸۳. **امام علی**ؑ: من و حسن و حسین و نُه فرزند از نسل حسینؑ جانشینان خدا در زمین او هستیم و امینان بر وحیش و پیشوای مسلمانان پس از پیامبرش و حجّت‌های الهی بر بندگانش.

۵۰۸۴. **امام رضا**ؑ: امامان، جانشینان خداوند عزّوجلّ در زمین هستند.

---

۱. کنز العمّال: ۵۵۶۴.
۲. نهج البلاغة: الحکمة ۱۴۷.
۳. مائة منقبة: ۸۳.
۴. مسند الامام الرضا: ۹۲/۱.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



١٥٠

الخِلقة

آفرينش

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

كنز العمّال: ٦/١٢٢، ١٧٨، «خَلق العالَم».

بحار الأنوار: ٥٧، «كلّيّات أحوال العالَم».

كنز العمّال: ٦/١٦٠، «بَدء الخلق».

بحار الأنوار: ٥/٣٠٩، باب ١٥، «علّة خلق العباد و تكليفهم».

انظر:

عنوان ٢٩، «الإنسان»، ١٥١، «الخالق»، ٢٩٦، «المَلَكوت».

۱۰۶۵
أصلُ الخِلقَةِ

الكتاب:

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَىٰ الْمَاءِ﴾.[1]

﴿وَاللهُ خَلَقَ كُلَّ دَآبَّةٍ مِنْ مَآءٍ فَمِنْهُم مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللهُ ما يَشاءُ إِنَّ اللهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾.[2]

الحديث:

۵۰۸۵. رسولُ اللهِ ﷺ: كلُّ شيءٍ خُلِقَ مِن ماءٍ.[3]

۵۰۸۶. عنه ﷺ: خَلَقَ اللهُ السَّماءَ الدُّنيا مِن المَوجِ المَكْفوفِ.[4]

۵۰۸۷. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ وقد سُئِلَ: مِمَّ خَلَقَ السَّماواتِ؟ ـ: مِن بُخارِ الماءِ.[5]

۵۰۸۸. عنه ﷺ: وكانَ مِن اقْتِدارِ جَبَروتِهِ وبَديعِ لطائِفِ صَنْعَتِه أنْ جَعَلَ مِن ماءِ البَحرِ الزّاخِرِ المُتَراكِمِ المُتَقاصِفِ يَبَساً جامِداً،

---

۱. هود: ۷. ۲. النور: ۴۵.
۳. كنز العمّال: ۱۵۱۱۹. ۴. كنز العمّال: ۱۵۱۸۸.
۵. بحار الأنوار: ۱/۸۸/۵۸.

۱۰۶۵
منشأ آفرينش

قرآن:

«و او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز بیافرید و عرش او بر آب بود».

«و خداوند هر جنبنده‌ای را از آب آفرید. پس بعضی از آنها روی شکم خود می‌روند وبعضی بر دو پا می‌روند و بعضی بر چهار پا می‌روند. خدا هر چه بخواهد می‌آفریند؛ زیرا خدا بر هر کاری تواناست».

حدیث:

۵۰۸۵. **پیامبر خدا** ﷺ: هر چیزی از آب آفریده شده است.

۵۰۸۶. **پیامبر خدا** ﷺ: خداوند آسمان فُرودین (اوّل) را از موج مهار شده آفرید.

۵۰۸۷. **امام علی** ﷺ ـ در پاسخ به این سؤال که: آسمانها از چه آفریده شده است؟ ـ فرمود: از بخار آب.

۵۰۸۸. **امام علی** ﷺ: از نشانه‌های توانایی و سلطنت خداوند و شگفتی آفرینشهای ظریف او این است که از آب دریای ژرفِ بر هم ریختهٔ پُر موج، [زمین] خشک و جامد را آفرید، آن گاه طبقاتی از آن خلق

ثُمَّ فَطَرَ مِنهُ أطْباقاً فَفَتَقَها سَبْعَ سَماواتٍ.[۱]

کرد و پس از پیوستگی، آنها را از هم باز کرد و هفت آسمان را پدید آورد.

۵۰۸۹. **بحار الأنوار** عن حَبّة العُرَنيّ: سَمِعْتُ عليّاً ﷺ ذاتَ يَومٍ يَحْلِفُ: والّذي خَلَقَ السَّماءَ مِن دُخانٍ وماءٍ.[۲]

۵۰۸۹. **بحار الأنوار** ـ به نقل از حبّهٔ عرنی ـ: یک روز شنیدم که علی ﷺ چنین سوگند می‌خورد: سوگند به آن که آسمان را از نوعی دود و آب آفرید.

۵۰۹۰. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: كانَ كلُّ شيءٍ ماءً وكانَ عَرشُهُ علىٰ الماءِ، فأمرَ اللهُ عزّ ذِكرُهُ الماءَ فاضْطَرَمَ ناراً، ثُمَّ أمرَ النّارَ فخَمَدَتْ، فارْتَفَع مِن خُمودِها دُخانٌ، فخَلَقَ اللهُ عزّوجلّ السَّماواتِ مِن ذلكَ الدُّخانِ، وخَلَقَ اللهُ عزّوجلّ الأرضَ مِن الرَّمادِ.[۳]

۵۰۹۰. **امام باقر** ﷺ: همه چیز آب بود، و عرش خدا بر آب بود. پس خداوند ـ عزّ ذکره ـ آب را فرمان داد، و آن آتشی شعله‌ور شد. سپس فرمان داد آتش خاموش شد و از آن دودی برخاست. پس خداوند عزّوجلّ آسمانها را از آن دود بیافرید و خداوند عزّوجلّ زمین را از خاکستر [آن آتش] خلق کرد.

(انظر) الخلقة: باب ۱۰۶۶ حديث ۵۰۹۵.

كنز العمّال: ۲ / ۵۴۸، وج ۶ / ۱۴۵ ـ ۱۷۹.

۱۰۶۶

أوّلُ ما خَلَقَ اللهُ سُبحانَهُ

نخستین آفریدهٔ خداوند سبحان

۵۰۹۱. رسولُ اللهِ ﷺ: إنَّ أوّلَ شَيْءٍ خَلَقَهُ اللهُ القَلَمُ، فأمَرَهُ فكَتَبَ كُلَّ شَيْءٍ يَكونُ.[۴]

۵۰۹۱. **پیامبر خدا** ﷺ: نخستین چیزی که خدا آفرید، قلم بود و آن گاه به آن فرمان داد و قلم هر آنچه را که باید خلق می‌شد، نوشت.

۵۰۹۲. عنه ﷺ: إنَّ أوّلَ ما خَلَقَ اللهُ القَلَمُ، فقالَ لَهُ: اكْتُبْ، قالَ: يا رَبِّ، وماذا أكْتُبُ؟ قالَ: اكْتُبْ مَقاديرَ كلِّ شيءٍ حتّىٰ تَقومَ السّاعةُ.[۵]

۵۰۹۲. **پیامبر خدا** ﷺ: نخستین چیزی که خدا آفرید، قلم بود و به آن فرمود: بنویس. گفت: پروردگارا! چه بنویسم؟ فرمود: مقدّرات (اندازه‌های) هر آنچه را تا روز قیامت پدید خواهد آمد، بنویس.

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۲۱۱.
۲. بحار الأنوار: ۵۸/۱۰۴/۳۵.
۳. الكافي: ۸/۱۵۳/۱۴۲.
۴. كنز العمّال: ۱۵۱۱۵.
۵. كنز العمّال: ۱۵۱۱۶.

۵۰۹۳. عنه ﷺ: أوَّلُ ما خَلَقَ اللهُ العقلُ.[۱]

۵۰۹۴. عنه ﷺ: أوَّلُ ما خَلَقَ اللهُ نُوري.[۲]

۵۰۹۵. عنه ﷺ: إنَّ أوَّلَ ما خَلَقَ اللهُ عزّوجلّ أرْواحُنا، فأنْطَقَها بتَوحيدِهِ وتَمْجيدِهِ، ثُمَّ خَلَقَ المَلائكَةَ.[۳]

۵۰۹۶. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ وقد سئلَ عَن أوَّلِ ما خَلَقَ اللهُ ـ: خَلَقَ النُّورَ.[۴]

۵۰۹۷. الإمامُ الباقرُ ﷺ: أوَّلُ شَيءٍ خَلَقَهُ مِن خَلْقِهِ الشَّيءُ الّذي جَميعُ الأشياءِ مِنهُ، وهُو الماءُ.[۵]

۵۰۹۸. عنه ﷺ ـ لَمّا جاءَ إلَيهِ رجُلٌ مِن عُلَماءِ أهلِ الشّامِ فقالَ: ... إنّي أسألُكَ عَن أوَّلِ ما خَلَقَ اللهُ مِن خَلْقِهِ، فإنَّ بَعضَ مَن سألتُهُ قالَ: القَدَرُ، وقالَ بَعضُهُم: القَلَمُ، وقالَ بَعْضُهُم: الرُّوحُ ـ: ما قالوا شَيئاً ... لَو كانَ أوّلُ ما خَلَقَ مِن خَلقِهِ الشَّيءَ مِن الشَّيءِ إذاً لَم يَكُنْ لَهُ انْقِطاعٌ أبداً، ولَم يَزَلِ اللهُ إذاً ومَعهُ شيءٌ لَيس هُو يَتَقدّمُهُ. ولَكنّهُ كانَ إذْ لا شيءَ غَيرُهُ، وخَلَقَ الشَّيءَ الّذي جَميعُ الأشياءِ مِنهُ، وهُو الماءُ الّذي خَلَقَ الأشياءَ

۵۰۹۳. **پیامبر خدا ﷺ**: نخستین چیزی که خدا آفرید، عقل بود.

۵۰۹۴. **پیامبر خدا ﷺ**: نخستین چیزی که خدا بیافرید، نور من بود.

۵۰۹۵. **پیامبر خدا ﷺ**: نخستین موجودی که خداوند عزّوجلّ بیافرید، ارواح ما بود، و آن گاه آنها را به توحید و تمجید خود گویا کرد، سپس فرشتگان را خلق فرمود.

۵۰۹۶. **امام علی ﷺ** ـ وقتی از ایشان دربارهٔ نخستین آفریدهٔ خدا سؤال شد ـ فرمود: نور را آفرید.

۵۰۹۷. **امام باقر ﷺ**: نخستین چیزی که خدا آفرید و همهٔ چیزهای دیگر از او به وجود آمد، آب بود.

۵۰۹۸. **امام باقر ﷺ** ـ وقتی یکی از علمای شام خدمت ایشان رسید و عرض کرد: ... من از شما دربارهٔ نخستین آفریدهٔ خدا می‌پرسم؛ زیرا این سؤال را از دیگران نیز پرسیده‌ام؛ یکی گفته: تقدیر؛ دیگری پاسخ داده: قلم؛ و بعضی هم گفته‌اند: روح ـ فرمود: جوابی در خور نداده‌اند ... اگر نخستین مخلوقی که خدا آفرید، از شیء [نه لا شیء] آفریده شده باشد، در این صورت خداوند هرگز منقطع [از موجودات] نبوده و همواره با او چیزی بوده که خدا بر او تقدّم نداشته است (همواره موجودی قدیم به قدمت خدا وجود داشته است) درحالی که خدا بود و هیچ چیز با او نبود و سپس چیزی را آفرید که منشأ همهٔ موجودات شد و آن آب است،

---

۱. بحار الأنوار: ۸/۹۷/۱. ۲. بحار الأنوار: ۷/۹۷/۱.
۳. عيون أخبار الرضا: ۲۲/۲۶۲/۱.
۴. بحار الأنوار: ۲۹/۷۳/۵۷. ۵. التوحيد: ۲۰/۶۷.

مِنهُ، فجَعَلَ نَسبَ كلِّ شيءٍ إلىٰ الماءِ، ولم يَجْعَلْ للماءِ نَسَباً يُضافُ إلَيهِ.[۱]

۵۰۹۹. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنَّ اللهَ جَلَّ ثَناؤهُ خَلَقَ العَقلَ، وهُو أوَّلُ خَلْقٍ خَلَقَهُ مِن الرُّوحانِيّينَ.[۲]

۵۰۹۹. **امام صادق ﷺ**: خداوند ـ جلّ ثناؤه ـ عقل را بیافرید و آن، نخستین موجود روحانی (مجرّدی) است که خدا آفرید.

۱۰۶۷
خَلقُ العالَمِ

الكتاب:

﴿أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ كَانَتَا رَتْقاً فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيءٍ حَيٍّ أَفَلَايُؤْمِنُونَ﴾.[۳]

﴿الْحَمْدُ لِلهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ﴾.[۴]

﴿أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمِ السَّمَاءُ بَنَاهَا * رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوَّاهَا * وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا * وَالأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا * أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا * وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا﴾.[۵]

الحديث:

۵۱۰۰. **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: خَلَقَ الخَلْقَ علىٰ غَيرِ تَمْثيلٍ

۱. الكافي: ۶۷/۹۴/۸. ۲. مشكاة الأنوار: ۱۴۸۵/۴۴۱.
۳. الأنبياء: ۳۰. ۴. الأنعام: ۱.
۵. النازعات: ۲۷ ـ ۳۲.

۱۰۶۷
آفرینش جهان

قرآن:

«آیا کافران نیندیشیدند که آسمانها و زمین درهم بسته بود و ما آن دو را گشودیم و هر موجود زنده‌ای را از آب آفریدیم؛ پس، آیا ایمان نمی‌آورند؟».

«ستایش از آن خداوندی است که آسمانها و زمین را بیافرید و تاریکیها و روشنی را پدیدار کرد، با این همه، کافران [غیر او را] با پروردگار خویش برابر می‌دانند».

«آیا خلقت شما سخت‌تر است یا این آسمان که او بنا نهاد؟ سقفش را برافراشت و بپرداختش. شبش را تاریک ساخت و روشناییش را آشکار کرد. و پس از آن زمین را بگسترانید. و از آن آب بیرون آورد و چراگاهها پدید کرد. و کوهها را استوار گردانید».

حدیث:

۵۱۰۰. **امام علی ﷺ**: خداوند موجودات را بدون

ولا مَشُورَةِ مُشيرٍ، ولا مَعُونَةِ مُعينٍ، فتَمَّ خَلْقُهُ بأمْرِهِ، وأذْعَنَ لطاعَتِهِ فأجابَ.[1]

در دست داشتن هیچ نمونه‌ای و بدون مشورت با هیچ مشاوری و بدون کمک گرفتن از هیچ یاوری، آفرید و خلقت به فرمان او تمام و کامل شد و همگی به طاعتش اقرار کردند.

۵۱۰۱. عنه ﷺ: لَم يَخْلُقِ الأشياءَ مِن أُصولٍ أزَليَّةٍ، ولا مِن أوائلَ أبَدِيَّةٍ، بَل خَلَقَ ما خَلَقَ فأقامَ حَدَّهُ، وصَوَّرَ ما صَوَّرَ فأحْسَنَ صُورَتَهُ.[2]

۵۱۰۱. امام علی ﷺ: اشیاء را از موادّی ازلی یا نمونه‌هایی ابدی نیافرید، بلکه آفرید آنچه آفرید و اندازه‌اش را تعیین کرد و صورتی داد به آنچه داد و آن صورت را به نیکوترین شکل نگاشت.

۵۱۰۲. عنه ﷺ: خَلَقَ الخَلائِقَ علىٰ غَيرِ مِثالٍ خَلا مِن غَيرِهِ، ولَم يَستَعِنْ علىٰ خَلْقِها بأحَدٍ مِن خَلْقِهِ.[3]

۵۱۰۲. امام علی ﷺ: موجودات را بدون نمونه‌ای که از غیر او صادر شده باشد، خلق کرد و در آفریدن آنها از هیچ یک از مخلوقاتش کمک نگرفت.

۵۱۰۳. عنه ﷺ: مُبْتَدِعُ الخَلائِقِ بعِلْمِهِ، ومُنْشِئُهُم بحُكْمِهِ، بلا اقْتِداءٍ ولا تَعليمٍ، ولا احْتِذاءٍ لمِثالِ صانِعٍ حَكيمٍ، ولا إصابَةِ خَطإٍ، ولا حَضْرَةِ مَلإٍ.[4]

۵۱۰۳. امام علی ﷺ: [اوست] آفرینندهٔ آفریدگان به علم خویش و پدید آورندهٔ بدون تقلید و پیروی و آموختن و یا الگو قرار دادن از نمونهٔ سازنده‌ای حکیم و یا به خطا رفتن و یا جماعتی را [برای یاری و مشورت] گرد آوردن.

۵۱۰۴. الإمامُ الباقرُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿أوَلَم يَرَ الَّذينَ كَفَروا أنَّ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ كانَتَا رَتْقاً فَفَتَقْنَاهُمَا﴾ ـ: كانتِ السَّماءُ رَتْقاً لا تُنْزِلُ القَطْرَ، وكانَتِ الأرضُ رَتْقاً لا تُخْرِجُ النَّباتَ، ففَتَقَ اللهُ السَّماءَ بالقَطْرِ، وفَتَقَ الأرضَ بالنَّباتِ.[5]

۵۱۰۴. امام باقر ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «آیا کافران نیندیشیدند که آسمانها و زمین درهم بسته بود و ما آن دو را گشودیم» ـ فرمود: آسمان فرو بسته بود و باران نمی‌بارید و زمین فرو بسته بود و گیاهی نمی‌رویاند، پس، خداوند با باران، آسمان را گشود و زمین را با رویاندن گیاه باز کرد.

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۵. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۶۳.
۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۸۶.
۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۱. ۵. الاحتجاج: ۲۰۷/۱۸۱/۲.

۵۱۰۵. عنه ﷺ: إنَّ اللهَ تبارَكَ وتعالىٰ ... خَلَقَ الأشياءَ لا مِن شَيءٍ، ومَن زَعَمَ أنَّ اللهَ تعالىٰ خَلَقَ الأشياءَ مِن شَيءٍ فَقد كَفَرَ؛ لأنَّهُ لَو كانَ ذلكَ الشَّيءُ الَّذي خَلَقَ مِنهُ الأشياءَ قَديماً مَعهُ في أزَليَّتِهِ وهُوِيَّتِهِ كانَ ذلكَ الشَّيءُ أزَليّاً.[1]

(انظر) الخالق: باب ۱۰۸۳.

۵۱۰۵. **امام باقر ﷺ**: خداوند تبارک وتعالی... موجودات را بیافرید اما نه از چیزی، و هرکس بگوید که خداوند متعال موجودات را از چیزی آفریده کافر است؛ زیرا اگر آن چیز که اشیاء را از آن آفریده، قدیم به قدمت و ازلیت خدا باشد، پس آن چیز هم ازلی خواهد بود.

۱۰۶۸
خَلقُ السَّماواتِ

۵۱۰۶. **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: فمِن شَواهِدِ خَلْقِهِ خَلقُ السَّماواتِ مُوَطَّداتٍ بلا عَمَدٍ، قائماتٍ بلا سَنَدٍ. دَعاهُنَّ فأجَبْنَ طائِعاتٍ مُذْعِناتٍ، غَيرَ مُستَكْنَاتٍ ولا مُبْطِئاتٍ. ولَولا إقْرارُهُنَّ لَهُ بالرُّبوبِيَّةِ وإذْعانُهُنَّ بالطَّواعِيَةِ لَما جَعَلَهُنَّ مَوضِعاً لعَرشِهِ، ولا مَسْكَناً لمَلائكَتِهِ، ولا مَصْعَداً للكَلِمِ الطَّيِّبِ والعَمَلِ الصّالِحِ مِن خَلْقِهِ. جَعلَ نُجومَها أعْلاماً يَستَدِلُّ بها الحَيْرانُ في مُختَلَفِ فِجاجِ الأقْطارِ. لم يَمنعْ ضَوءَ نُورِها ادْلِهْمامُ سُجُفِ اللَّيلِ المُظْلِمِ، ولا استَطاعَتْ جَلابيبُ سَوادِ الحَنادِسِ أنْ

۱. علل الشرائع: ۶۰۷ / ۸۱.

۱۰۶۸
آفرینش آسمانها

۵۱۰۶. **امام علی ﷺ**: و از نشانه‌های آفرینش او پدید آوردن آسمانهای استوار و ایستای بدون ستون و تکیه گاه است. خداوند ارادهٔ ایجاد آنها را فرمود و آنها با اطاعت و رغبت و بی‌هیچ درنگ و کُندی اجابتش کردند. اگر اقرار آنها بر خداوندی او و اعتراف آنها به طاعت و بندگیش نبود، آنها را جایگاه عرش خویش و مکان فرشتگان و محل فرا بردن گفتار نیکو و کردار شایستهٔ بندگانش قرار نمی‌داد. ستارگان آسمان را نشانه‌هایی ساخت تا افراد سرگردان در آمد و شدِ راههای زمین به وسیلهٔ آنها مسیر خویش را بیابند. پرده‌های شب تار، پرتو نور آنها را نپوشانده و ردای سیاه شبهای تاریک،

تَرُدَّ ما شاعَ في السَّماواتِ مِن تَلَأْلُؤِ نُورِ القَمَرِ.[1]

توانایی محو درخشش نور پراکندهٔ ماه در آسمان را ندارد.

۵۱۰۷. عنه ﷺ: ونَظَمَ بِلا تَعْليقٍ رَهَواتِ فُرَجِها، ولاحَمَ صُدوعَ انْفِراجِها، ووَشَّجَ بَيْنَها وبينَ أزْواجِها، وذَلَّلَ للهابِطينَ بأمْرِهِ، والصّاعِدينَ بأعْمالِ خَلقِهِ، حُزُونَةَ مِعراجِها، ونَاداها بعدَ إذْ هِيَ دُخَانٌ فالْتَحَمَتْ (فالْتَجَمَتْ) عُرىٰ أشْراجِها، وفَتَقَ بَعدَ الارْتِتاقِ صَوامِتَ أبْوابِها، وأقامَ رَصَداً مِنَ الشُّهُبِ الثَّواقِبِ علىٰ نِقابِها، وأمْسَكَها مِن أنْ تَمورَ في خَرْقِ الهَواءِ بأيْدِهِ، وأمَرَها أنْ تَقِفَ مُسْتسلِمةً لأمْرِهِ.

وجَعَلَ شَمْسَها آيةً مُبْصِرةً لِنَهارِها، وقَمَرَها آيةً مَمْحُوَّةً مِن لَيلِها، وأجْراهُما في مَناقِلِ مَجْراهُما، وقَدَّرَ سَيْرَهُما (مَسيرَهُما) في مَدارِجِ دَرَجِهِما، لِيُمَيِّزَ بينَ اللَّيلِ والنَّهارِ بِهِما، ولِيُعْلَمَ عَدَدُ السِّنينَ والحِسابُ بمَقادِيرِهِما.

ثُمَّ عَلَّقَ في جَوِّها فَلَكَها، ونَاطَ بِها زِينَتَها، مِن خَفِيّاتِ دَرارِيِّها، ومَصابيحِ كَواكِبِها، ورَمىٰ مُسْتَرِقِي السَّمعِ

۵۱۰۷. امام علی ﷺ: راههای گشادهٔ آسمانها را، بی آن که به جایی پیوسته باشد، منظم ساخت و شکافهای وسیعش را به هم پیوست و هر آسمانی را با آسمانهای دیگر مرتبط کرد و دشواری [آمد و شد] آن را برای فرود آیندگان به فرمان او، و بالا روندگانی که اعمال و کردار بندگان را می‌برند، آسان نمود و چون آسمانها از دود و بخار بودند، ندا داد تا قطعه‌های پراکندهٔ آن به هم پیوستند و گرد آمدند و پس از جمع شدن و گرد آمدن، درهای بستهٔ آنها را گشود و از ستاره‌های درخشان، بر راههایِ آسمان نگهبان گماشت و با قدرت خویش از به جنبش درآمدن آنها در فضای باز، جلوگیری کرد و بفرمود تا در جای خویش بایستند و به امر او تسلیم باشند.

خورشید آسمان را نشانه‌ای روشنگر برای روز، و ماه آن را که نورش محو می‌شود، آیتی برای شب قرار داد وآنها را در مسیرشان روانه ساخت و حرکت آنها را درمنازل و راههایی که باید طی کنند تعیین نمود، تا با سیر آنها، شب وروزمشخص و شمار سالها و حساب کارها دانسته شود.

سپس، فلک را در فضا معلّق نگهداشت و زینتهایش را به آن آویخت که عبارتند از: ستارگانی نهان چونان دُرّ سفید و ستارگانی همانند چراغِ روشن و نیز

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۸۲.

بِثَواقِبِ شُهُبِها، وأجْراها علىٰ أذْلالِ تَسْخيرِها مِن ثَباتِ ثابِتِها، ومَسيرِ سائِرِها، وهُبوطِها وصُعودِها (معودها) ونُحوسِها وسُعودِها.[1]

۱۰۶۹
السَّماواتُ السَّبعُ

الكتاب:

﴿اللهُ الَّذي خَلَقَ سَبْعَ سَماواتٍ وَمِنَ الأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللهَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وَأَنَّ اللهَ قَدْ أَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً﴾.[2]

(انظر) البقرة: ۲۹، فصّلت: ۱۲، الملك: ۳، نوح: ۱۵، المؤمنون: ۱۷، ۸۶، الإسراء: ۴۴.

الحديث:

۵۱۰۸. الإمامُ الرِّضا ﷺ ـ وقد بَسطَ كَفَّهُ اليُسرىٰ ثُمَّ وَضَعَ اليُمنىٰ علَيها ـ: هٰذهِ أرضُ الدُّنيا، والسَّماءُ الدُّنيا علَيها فَوقَها قُبَّةٌ، والأرضُ الثّانِيةُ فَوقَ السَّماءِ الدُّنيا والسَّماءُ الثّانِيةُ فَوقَها قُبَّةٌ ـ وهٰكذا ساقَ الحديثَ إلىٰ أنْ قالَ: ـ والسَّماءُ السّابِعَةُ فَوقَها قُبَّةٌ، وعَرشُ الرَّحمٰنِ تبارَكَ وتعالىٰ فَوقَ السَّماءِ السّابِعَةِ، وهُو قَولُ اللهِ: ﴿الَّذي خَلَقَ سَبْعَ

شهابهای تابان که شیطانهایی را که گوش ایستادند (استراق سمع می‌کردند) برانند و جای ستارگان ثابت و مسیر ستارگان سیّار و فرود (غروب) و صعود (طلوع) و سعد و نحس هر یک را به تسخیر خویش در آورد.

۱۰۶۹
هفت آسمان

قرآن:

«خدا همان کسی است که هفت آسمان و از زمین نیز همانند آنها را آفرید. فرمان او در میان آنها فرود می‌آید، تا بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست و علم او بر همه چیز احاطه دارد».

حدیث:

۵۱۰۸. **امام رضا ﷺ** ـ وقتی دست چپ خود را باز کرد و دست راستش را روی آن گذاشت ـ فرمود: این زمین دنیاست و آسمان فرودین (اوّل) همان گنبد روی آن است و زمین دوم روی آسمان پایین است و آسمان دوم گنبد روی آن است و همین گونه یکی یکی برشمرد و در پایان فرمود: آسمان هفتم گنبد روی آن (زمین هفتم) است و عرش خداوند متعال بر فراز آسمان هفتم جای دارد. این است معنای سخن خداوند که فرمود: «خدایی که هفت آسمان

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۹۱. ۲. الطلاق: ۱۲.

سَماواتٍ ...﴾.[1]

(انظر) بحار الأنوار: ۵۸ / ۶۱ باب ۸.

۱۰۷۰
خَلقُ السَّماواتِ وَالأرضِ في سِتَّةِ أيّامٍ

الكتاب:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الأَمْرَ ما مِن شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذٰلِكُمُ اللهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلا تَذَكَّرُونَ﴾.[2]

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ﴾.[3]

﴿قُلْ أَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَنْدَاداً ذٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ * وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلسَّائِلِينَ * ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ * فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظاً ذٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾.[4]

الحديث:

۵۱۰۹. **الإمامُ الرِّضا** ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿وهُوَ

را بيافريد ...».

۱۰۷۰
آفرينش آسمانها و زمين در شش روز

قرآن:

«پروردگار شما الله است كه آسمانها و زمين را در شش روز بيافريد؛ سپس به عرش پرداخت، ترتيب كارها را از روى تدبير بداد. جز به رخصت او شفاعت كننده‌اى نباشد. اين است الله پروردگار شما. او را بپرستيد. چرا پند نمى‌گيريد؟».

«او كسى است كه آسمانها و زمين را در شش روز بيافريد و عرشش بر آب بود».

«بگو: آيا به كسى كه زمين را در دو روز آفريد كافر مى‌شويد و براى او همتايان قرار مى‌دهيد؟ اوست پروردگار جهانيان. بر روى زمين كوهها پديد آورد و آن را پر بركت ساخت و به مدت چهار روز روزىِ همه را معيّن كرد، يكسان براى همهٔ سائلان. سپس به آسمان پرداخت و آن دودى بود. پس به آسمان و زمين گفت: خواه يا ناخواه بياييد. گفتند: فرمانبردار آمديم. آن گاه هفت آسمان را در دو روز پديد آورد و در هر آسمانى امرش را به آن وحى كرد. وآسمان فرودين را به چراغهايى بياراستيم و محفوظش داشتيم. اين است تدبير آن پيروزمند دانا».

حديث:

۵۱۰۹. **امام رضا** ﷺ ـ دربارهٔ آيهٔ «و او كسى است

---

۱. بحار الأنوار: ۶۰/۷۹/۴.
۲. يونس: ۳.
۳. هود: ۷.
۴. فصّلت: ۹ ـ ۱۲.

الّذي خَلَقَ السَّماواتِ والأرْضَ في سِتَّةِ أيّامٍ وَكانَ عَرْشُهُ عَلَىٰ الْمَاءِ» ـ: إنَّ اللهَ تبارَكَ وتعالىٰ خَلَقَ العَرشَ والماءَ والمَلائكَةَ قَبلَ خَلقِ السَّماواتِ والأرضِ، وكانَتِ الملائكَةُ تَسْتَدِلُّ بأنْفُسِها وبالعَرشِ والماءِ علىٰ اللهِ عزّوجلّ، ثُمَّ جَعلَ عَرشَهُ علىٰ الماءِ ليُظْهِرَ بذلكَ قُدْرَتَهُ للملائكةِ، فَيَعلَمُوا أنَّهُ علىٰ كُلِّ شيءٍ قديرٌ، ثُمَّ... خَلَقَ السَّماواتِ والأرضَ في سِتَّةِ أيّامٍ وهُوَ مُسْتَولٍ علىٰ عَرشِهِ، وكانَ قادِراً علىٰ أنْ يَخْلُقَها في طَرْفَةِ عَينٍ، ولكنَّهُ عزّوجلّ خَلقَها في سِتَّةِ أيّامٍ ليُظْهِرَ للملائكةِ ما يَخْلُقُهُ مِنها شَيئاً بَعدَ شَيءٍ، وتَستَدِلَّ بحُدوثِ ما يَحْدُثُ علىٰ اللهِ تعالىٰ مَرّةً بعدَ مرّةٍ.[1]

که آسمانها و زمین را در شش روز بیافرید و عرشش بر آب بود» ـ فرمود: خداوند تبارک و تعالی، پیش از آفریدن آسمانها و زمین، عرش و آب و فرشتگان را بیافرید و فرشتگان از وجود خود و عرش و آب به وجود خداوند عزّوجلّ راه می‌بردند. سپس عرش خود را بر روی آب قرار داد تا بدین گونه قدرت خویش را بر فرشتگان آشکار سازد و آنها بدانند که او بر هر کاری تواناست؛ آن گاه... در حالی که بر عرش خویش استیلا داشت آسمانها و زمین را در شش روز خلق کرد. او می‌توانست آنها را در یک چشم به هم زدن بیافریند، اما در شش روز آفرید، تا آنچه را از آسمان و زمین به تدریج می‌آفریند بر فرشتگان آشکار کند، تا از طریق پدید آمدن پدیده‌ها، اندک اندک به وجود خداوند متعال پی برند.

۱۰۷۱
سَماءُ الدُّنيا
آسمان دنیا

۵۱۱۰. رسولُ اللهِ ﷺ ـ لَمّا قالَ لَهُ رَجُل: يا رسولَ اللهِ ما هذه السَّماءُ؟ ـ: هٰذا مَوجٌ مَكْفوفٌ عَنكُم.[2]

۵۱۱۰. **پیامبر خدا** ﷺ ـ در پاسخ به سؤال مردی که پرسید: ای رسول خدا! این آسمان چیست؟ ـ فرمود: آن موجی است که از شما باز داشته شده است.

۵۱۱۱. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ ـ لَمّا سُئل عن سماءِ الدُّنيا

۵۱۱۱. **امام علی** ﷺ ـ نیز در پاسخ به این سؤال که

---

۱. التوحيد: ۲/۳۲۰.
۲. بحار الأنوار: ۲۹/۱۰۳/۵۸.

مِمّا هي؟ ـ: مِن مَوجٍ مَكْفوفٍ.[1]

۱۰۷۲
عَمَدُ السَّماءِ

الكتاب:

﴿اللهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَىٰ الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّىٰ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ﴾.[2]

﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها وَأَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيها مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَنْبَتْنا فِيها مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾.[3]

الحديث:

۵۱۱۲. **الإمامُ الصّادقُ ﷺ**: فنَظَرَتِ العَينُ إلىٰ خَلْقٍ مُختَلِفٍ مُتَّصِلٍ بَعْضُهُ ببَعضٍ، ودَلَّها القَلبُ علىٰ أنّ لذلكَ خالِقاً؛ وذلكَ أنَّهُ فَكَّرَ حيثُ دَلَّتْهُ العَينُ علىٰ ما عايَنَتْ مِن عِظَمِ السَّماءِ وارْتِفاعِها في الهواءِ بغَيرِ عَمَدٍ ولا دِعامَةٍ تُمسِكُها، وأنَّها لا تَتَأخَّرُ فتَنْكَشِطَ، ولا تَتَقدَّمُ فتَزولَ، ولا تَهْبِطُ مَرَّةً فتَدْنوَ، ولا تَرْتَفِعُ فلا تُرىٰ.[4]

---

۱. بحار الأنوار: ۵۸/ ۱/۸۸. ۲. الرعد: ۲.
۳. لقمان: ۱۰. ۴. تفسیر نورالثقلین: ۴/۱۹۵/۱۶.

آسمان دنیا از چه درست شده است ـ فرمود: از موجی مهار شده.

۱۰۷۲
ستون آسمان

قرآن:

«الله همان خداوندی است که آسمانها را بی هیچ ستونی که آن را ببینید برافراشت. سپس به عرش پرداخت و خورشید و ماه را که هریک تا زمانی معیّن در حرکتند رام کرد. کارها را می‌گرداند و آیات را بیان می‌کند باشد که به دیدار پروردگارتان یقین کنید».

«آسمانها را بی هیچ ستونی که ببینید بیافرید و بر روی زمین کوهها را بیفکند تا شما را نلرزاند و از هر گونه جنبنده‌ای در آن بپراکند. و از آسمان آب فرستادیم و در زمین هر گونه گیاه نیکویی رویاندیم».

حدیث:

۵۱۱۲. **امام صادق ﷺ**: چشم [انسان]، آفریده‌های گوناگون پیوسته و وابسته به هم را دید و دل، او را به این نکته رهنمون شد که آنها را آفریدگاری است؛ چه، دل در آنچه دیدگان دید، اندیشید، از شکوه آسمان و برافراشته‌شدن آن در فضا، بی آن که ستون و تکیه گاهی نگهش داشته باشد و بی آن که پس رود و محو شود، یا پیش آید و زوال گیرد، و نه یکباره فرو افتد و نزدیک شود و نه بالا رود و ناپدید گردد.

۵۱۱۳. تفسير القمّي: الحسينُ بنُ خالدٍ عن أبي‌الحسن الرِّضا ﷺ: قلت له: أخبرني عن‌قَولِ‌اللهِ: ﴿والسَّماءِ ذاتِ الحُبُكِ﴾[1] فقال: هِي مَحْبوكَةٌ إلىٰ الأرضِ، وشَبَكَ بَينَ أصابِعِهِ. فقلتُ: كيفَ تكونُ مَحْبوكَةً إلىٰ‌الأرضِ واللهُ يقولُ: ﴿رَفَعَ السَّماواتِ بِغَيرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها﴾؟! فقالَ: سُبحانَ اللهِ! أليسَ اللهُ يقولُ: ﴿بِغَيرِ عَمَدٍ تَرَونَها﴾؟! فقلتُ: بَلىٰ. فقالَ: ثَمَّ عَمَدٌ ولٰكِنْ لا تَرَونَها.[2]

۵۱۱۳. **تفسیر القمّی:** حسین بن خالد: از امام رضا ﷺ دربارهٔ آیهٔ «سوگند به آسمانِ مشبّک» پرسیدم، حضرت انگشتان دو دستش را درهم فرو برد و فرمود: آسمان به زمین محکم بسته شده است.

عرض کردم: چگونه به زمین بسته است در حالی که خداوند می‌فرماید: «آسمان را بدون ستونی که ببینید برافراشت»؟

حضرت فرمود: سبحان الله! مگر نه این که خداوند می‌فرماید: «بدون ستونی که ببینید»؟! عرض کردم: چرا. فرمود: ستونی وجود دارد، ولی شما آن را نمی‌بینید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۰۷۳
العَرشُ وَالكُرسِيُّ

۱۰۷۳
عرش و کرسی

الكتاب:

﴿رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾.[3]

﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾.[4]

﴿وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَؤُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾.[5]

(انظر) الأعراف: ۵۴، يونس: ۳، هود: ۷، الرعد: ۲، طه: ۵، المؤمنون: ۸۶، الفرقان: ۵۹، السجدة: ۴، الحاقّة: ۱۷.

قرآن:

«پروردگار عرش عظیم».

«آنان که عرش را حمل می‌کنند و آنان که بر گرد آن هستند به ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و از او برای مؤمنان آمرزش می‌خواهند».

«کرسی او آسمانها و زمین را در بر دارد. نگهداری آسمانها و زمین بر او دشوار نیست. او بلند پایه و بزرگ است».

---

۱. الذاريات: ۷.
۲. تفسير القمّي: ۳۲۸/۲.
۳. النمل: ۲۶.
۴. غافر: ۷.
۵. البقرة: ۲۵۵.

الحديث:

٥١١٤. رسولُ اللهِ ﷺ: ما السَّماواتُ السَّبْعُ في الكُرْسِيِّ إلّا كحَلْقَةٍ مُلْقاةٍ في أرضٍ فَلاةٍ، وفَضلُ العَرشِ علىٰ الكُرْسِيِّ كفَضْلِ الفَلاةِ علىٰ تلكَ الحَلْقَةِ.[1]

٥١١٥. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: العَرشُ في وَجْهٍ هُو جُملَةُ الخَلقِ، والكُرْسِيُّ وعاؤهُ. وفي وَجْهٍ آخرَ العَرشُ هُو العِلْمُ الّذي أطْلَعَ اللهُ علَيهِ أنبياءَهُ ورسُلَهُ وحُجَجَهُ. والكُرْسِيُّ هوالعِلمُ الّذي لَم يُطْلِعِ (اللهُ) علَيهِ أحَداً مِن أنبيائِهِ ورسولِهِ[2] وحُجَجِهِ ﷺ.[3]

٥١١٦. عنه ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّماواتِ والأرْضَ﴾ ـ: عِلمُهُ.[4]

(انظر) بحار الأنوار: ٥٨ / ١ باب ١.

١٠٧٣
عَظَمَةُ ما غابَ عَنّا مِنَ الخِلقَةِ

٥١١٧. الإمامُ عليٌّ ﷺ: سُبحانَكَ ما أعْظَمَ ما نَرىٰ مِن خَلْقِكَ! وما أصْغَرَ كُلَّ عَظيمةٍ في جَنْبِ قُدْرَتِكَ! وما أهْوَلَ ما نَرىٰ مِن مَلَكوتِكَ! وما أحْقَرَ ذلكَ فيما غابَ عَنّا مِن سُلطانِكَ!

---

١. الخصال: ١٣/٥٢٤.
٢. كذا في المصدر، والصحيح: «وَرُسُلِهِ».
٣. معاني الأخبار: ١/٢٩. ٤. بحار الأنوار: ٤٦/٢٨/٥٨.

حديث:

۵۱۱۴. **پیامبر خدا** ﷺ: هفت آسمان در برابر [عظمت] کرسی، همچون حلقه‌ای است فتاده در یک بیابان و برتری عرش بر کرسی، همانند برتری آن بیابان است بر آن حلقه.

۵۱۱۵. **امام صادق** ﷺ: عرش، به یک معنا، مجموعهٔ آفرینش است و کرسی، ظرف آن. به معنایی دیگر، عرش، آن علمی است که خداوند پیامبران و رسولان و حجّتهای خویش را بر آن آگاه کرد و کرسی، آن علمی است که خداوند هیچ یک از پیامبران و رسولان و حجّتهای خویش را بر آن آگاه نکرد.

۵۱۱۶. **امام صادق** ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «کرسی او آسمانها و زمین را در بر دارد» ـ فرمود: مقصود، علم اوست.

۱۰۷۳
عظمت آفرینشِ پنهان از دید ما

۵۱۱۷. **امام علی** ﷺ: ای خداوند سبحان! چه عظیم و پرشکوه است آنچه از آفرینش تو می‌بینیم! و چه خُرد است هر بزرگی در برابر قدرت تو! و چه هول‌انگیز است آنچه ما از ملکوت تو می‌بینیم! و چه حقیر است آنچه ما می‌بینیم در برابر قدرت و سلطنت ناپیدای تو از دیدگان ما! چه بسیار

وما أسْبَغَ نِعَمَكَ في الدُّنيا! وما أصْغَرَها في نِعَمِ الآخِرَةِ![1]

۵۱۱۸. عنه ﷺ: وما الّذي نَرىٰ مِن خَلْقِكَ ونَعْجَبُ لَهُ مِن قُدْرَتِكَ ونَصِفُهُ مِن عَظيمِ سُلطانِكَ! وما تَغَيَّبَ عنّا مِنهُ، وقَصُرَتْ أبْصارُنا عَنهُ، وانْتَهَتْ عُقولُنا دُونَهُ، وحالَتْ سُتورُ الغُيوبِ بَيْنَنا وبَيْنَهُ أعْظَمُ![2]

۱۰۷۵
صِفَةُ العالَمِ العُلويِّ

۵۱۱۹. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ لَمّا سُئِلَ عنِ العالَمِ العُلْويِّ ـ: صُوَرٌ عارِيَةٌ عنِ المَوادِّ، عالِيَةٌ عنِ القُوَّةِ والاسْتِعدادِ، تَجلّىٰ لَها فأشْرَقَتْ، وطالَعَها فتلألأَتْ، وألْقىٰ في هُوِيَّتِها مِثالَهُ فأظْهَرَ عَنها أفْعالَهُ.[3]

۱۰۷۶
العَوالِمُ

الكتاب:

﴿الحَمدُ للهِ رَبِّ العالَمينَ﴾.[4]

الحديث:

۵۱۲۰. الإمامُ الباقرُ ﷺ: لَعَلَّكَ تَرى أنَّ اللهَ إنّما خَلَقَ

است نعمتهای تو در این دنیا! و چه اندک است این نعمتها در برابر نعمتهای آخرت!

۵۱۱۸. **امام علی** ﷺ: چه بزرگ است آنچه ما از آفرینش تو می‌بینیم و از قدرت تو در پدید آوردن آن به شگفت می‌آییم و آن را به عنوان نشانهٔ بزرگی و قدرت تو وصف می‌کنیم! و چه بزرگتر از اینهاست، آنچه از ما پنهان است و دیدگان ما از دیدن آنها قاصر است و خِردهای ما را به آنها دسترس نیست و پرده‌های غیب، میان ما و آنها حایل شده است!

۱۰۷۵
خصوصیت عالم برین

۵۱۱۹. **امام علی** ﷺ ـ در پاسخ به پرسش از عالم بالا ـ فرمود: صورتهایی است برهنه از مواد، فراتر از قوّه و استعداد؛ خداوند بر آن صورتها تجلّی کرد و آنها، نورِ وجود یافتند و به آنها نگریست و درخشان شدند، مثال و شبیه خود را در ماهیّت آنها افکند پس افعال خود را از آنها پدیدار ساخت.

۱۰۷۶
عالَمها

قرآن:

«ستایش از آن خدای یکتاست؛ خداوندگار عالَمها».

حدیث:

۵۱۲۰. **امام باقر** ﷺ: شاید فکر می‌کنی که خداوند

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۹.
۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۶۰.
۳. غرر الحكم: ۵۸۸۵.
۴. الفاتحة: ۲.

هٰذا العالَمَ الواحِدَ، وتَرىٰ أنَّ اللهَ لَم يَخْلُقْ بَشَراً غَيرَكُم! بلىٰ واللهِ، لَقد خَلَقَ اللهُ ألفَ ألفِ عالَمٍ، وألفَ ألفِ آدمَ، أنتَ في آخِرِ تِلكَ العوالِمِ وأُولٰئكَ الآدَمِيّينَ.[1]

فقط همين يک عالم را آفريده و بشرى جز شما خلق نكرده است؛ به خدا سوگند كه خداوند هزار هزار عالم و هزار هزار آدم بيافريده كه تو در آخرين آن عالمها و آن آدميان هستى.

۵۱۲۱. **عنه** ﷺ: لَقد خَلَقَ اللهُ عزّوجلّ في الأرضِ مُنذُ خَلَقَها سَبْعَةَ عالَمينَ لَيسَ هُم مِن وُلدِ آدَمَ.[2]

۵۱۲۱. **امام باقر** ﷺ: خداوند عزّوجلّ از آن گاه كه زمين را آفريد، هفت عالم بيافريد، كه از فرزندان آدم نيستند.

۵۱۲۲. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: إنّ للهِ عزّوجلّ اثنَي عَشَرَ ألفَ عالَمٍ، كلُّ عالَمٍ مِنهُم أكبَرُ مِن سَبعِ سَماواتٍ وسَبعِ أرَضينَ.[3]

۵۱۲۲. **امام صادق** ﷺ: خداوند عزّوجلّ را دوازده هزار عالم است كه هر كدام آنها از هفت آسمان و هفت زمين بزرگتر است.

(انظر) بحار الأنوار: ۵۷ / ۳۱۶.

۱۰۷۷
حُسنُ الخَلقِ

۱۰۷۷
زيبايى آفرينش

الكتاب:

﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسانِ مِنْ طِينٍ﴾.[4]

قرآن:

«آن كه هرچه را آفريد، نيكو آفريد و خلقت انسان را از گِل آغاز كرد».

الحديث:

۵۱۲۳. رسولُ اللهِ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿أحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ﴾ ـ: أمَا إنَّ استَ القِردَةِ ليسَتْ بحَسَنةٍ، ولكنَّهُ أحْكَمَ خَلْقَها.[5]

حديث:

۵۱۲۳. **پيامبر خدا** ﷺ ـ دربارهٔ آيهٔ «همه چيز را خوب آفريد» ـ فرمود: البته نشيمنگاه بوزينه زيبا نيست، اما خلقتش استوار است.

---

۱. التوحيد: ۲/۲۷۷.
۲. الخصال: ۴۵/۳۵۹.
۳. الخصال: ۱۴/۶۳۹.
۴. السجدة: ۷.
۵. الدرّ المنثور: ۵۳۹/۶.

۵۱۲۴. **الدرّ المنثور** عن الشريد بن سويد: أبصَرَ النبيُّ ﷺ رجُلاً قد أسبَلَ إزارَهُ، فَقالَ له: ارْفَعْ إزارَكَ، فقالَ: يا رسولَ اللهِ، إنّي أحْنَفُ تَصْطكُّ رُكْبَتايَ. قالَ: ارْفَعْ إزارَكَ، كُلُّ خَلْقِ اللهِ حَسَنٌ.[1]

۵۱۲۴. **الدرّ المنثور** ـ به نقل از شرید بن سوید ـ: پیامبر خدا ﷺ به مردی که إزارش[1] را روی زمین می‌کشید فرمود: إزارت را بالا بزن. عرض کرد: ای پیامبر خدا! من کج‌پا هستم و زانوهایم‌به هم می‌خورد. پیامبرفرمود: إزارت را بالا بزن، همهٔ آفریده‌های خدا خوب است.

۵۱۲۵. **الدرّ المنثور** عن أبي أُمامَةَ: بَينما نحنُ مَع رسولِ اللهِ ﷺ إذْ لَحِقَنا عَمرُو بنُ زُرارَةَ الأنصاريّ في حُلَّةٍ قد أسبَلَ، فأخَذَ النّبيُّ ﷺ بناحِيَةِ ثَوبِهِ فقالَ: يا رسولَ اللهِ، إنّي أحْمَشُ السّاقَينِ، فقالَ رسولُ اللهِ ﷺ: يا عَمْرَو بنَ زُرارَةَ، إنَّ اللهَ أحْسَنَ كُلَّ شَيءٍ خَلَقَهُ. يا عَمرو بن زُرارَةَ، إنَّ اللهَ لا يُحِبُّ المُسبِلينَ.[2]

۵۱۲۵. **الدرّ المنثور** ـ به نقل از ابو امامه ـ: ما در خدمت پیامبر خدا ﷺ بودیم که عمرو بن زرارهٔ انصاری با جامه‌ای فرو افتاده تا روی زمین از راه رسید. پیامبر کنار لباس او را گرفت. عمرو عرض کرد: ای پیامبر خدا! ساقهای پای من کج است. پیامبر خدا ﷺ فرمود: ای عمروبن زراره! خدا هر چه آفریده، خوب آفریده است. ای عمرو بن زراره! خداوند کسانی را که دامنهٔ پیراهن خود را تا روی زمین رها کنند، دوست ندارد.[2]

(انظر) الكلام: باب ۳۴۵۸.

---

۱. الدرّ المنثور: ۵۴۰/۶. ۲. الدرّ المنثور: ۵۳۹/۶.

۳. أقول: في تفسير القُرطبيّ: و «أحْسَنَ» أي أتقنَ وأحكَمَ، فهو أحسن من جهةِ ما هو لمقاصِده الّتي أُريد لها، ومن هذا المعنىٰ قال ابن عبّاس وعِكرمة: ليست امت القرد بحسنة ...

وقيل: هو عموم في اللّفظ والمعنى، أي جعل كلّ شيء خلقَه حَسَناً، حتّىٰ جعل الكلبَ في خلقه حسناً، قاله ابن عبّاس، وقال قَتادةُ في امّت القرد: حَسَنة.

تفسير القرطبي: ۹۰/۱۴.

وفي الميزان في تفسير القرآن: والتّدبُّر في خِلقة الأشياء ـ وكلّ منها في نفسه متلائم الأجزاء بعضها لبعض والمجموع من وجوده مجهّز بما يلائم كماله وسعادته تجهيزاً لا أتمّ ولا أكمل منه ـ يعطي أنّ كلاً منها حَسنٌ في نفسه حُسناً لا أتمّ وأكمل منه بالنّظر إلىٰ نفسه.

الميزان في تفسير القرآن: ۲۴۹/۱۶، انظر تمام كلامه ﷺ.

---

۱. إزار: جامه‌ای که قسمت پایین بدن را بپوشاند، پایین پوش، شلوار، دامن.

۲. در تفسیر القرطبی آمده است: «أَحْسَنَ» یعنی متقن و استوار و بی‌نقص آفرید. بنابراین آنچه آفریده در جهت هدفی که برای آن خلق شده، مناسب و نیکوست. و از همین باب ابن عباس‌وعکرمه گفته‌اند: نشیمنگاه بوزینه نیکو وزیبانیست.

به قول ابن عباس: این کلمه در لفظ و معنا، عام و فراگیر است. یعنی خلقت هر چیزی را نیکو قرار داد. حتی سگ را به بهترین وجه آفرید. قتاده می‌گوید: نشیمنگاه بوزینه هم به نوعی نیکوست.

در المیزان في تفسير القرآن آمده است: اندیشیدن و تأمل کردن در آفرینش اشیاء و این که هر کدام آنها اجزایشان متناسب با یکدیگر و مجموع وجودش، برای رسیدن به کمال و سعادت، به نحو أتمّ و اکمل مجهّز به ابزار و وسایل لازم هست نشان می‌دهد که هر پدیده‌ای، در جای خود از کمالِ حُسن ونیکویی برخوردار است.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۵۱

الخالق

آفریدگار

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزید الاطّلاع راجع:

موسوعة العقائد الإسلامیة: ج۳ و۴ و۵.

بحار الأنوار: ۳/۱۶ باب ۳ «إثبات الصّانع».

بحار الأنوار: ۳/۵۷ باب ۴ «توحید المفضّل».

بحار الأنوار: ۳/۱۵۲ باب ۵ «رسالة الإهلیلجة».

انظر:

عنوان ۳۴۵ «المعرفة»، ۳۴۶ «معرفة النفس».

۳۴۷ «معرفة الله»، ۱۵۰ «الخلقة»، ۱۹ «الله».

الدهر: باب ۱۲۷۸، القلب: باب ۳۳۵۹.

۱۰۷۸

دَعوَةُ العَقلِ إلىٰ دَفعِ الضَّرَرِ المُحتَمَلِ

۵۱۲۶ . التوحيد: ـ قالَ الإمامُ الصّادقُ ﷺ لعبدِ الكريمِ بنِ أبي العَوْجاءِ وهُو مُنْكِرٌ للمَبدَأِ والمَعادِ ـ: إنْ يَكُنِ الأمرُ كما تَقولُ ـ ولَيس كما تَقولُ ـ نَجَوْنا ونَجَوْتَ، وإنْ يَكُنِ الأمرُ كما نَقولُ ـ وهُو كما نَقولُ ـ نَجَوْنا وهَلَكْتَ. فأقْبَلَ عبدُ الكريمِ علىٰ مَن معَهُ فقالَ: وَجَدتُ في قَلبي حَزازَةً فَرُدّوني، فَرَدُّوهُ ومات.[1]

۵۱۲۷ . بحار الأنوار عن الإمام الصّادق ﷺ: إنْ يَكُنِ الأمرُ علىٰ ما يقولُ هٰؤلاءِ ـ وهُو علىٰ ما يقولونَ؛ يَعني أهلَ الطَّوافِ ـ فَقد سَلِموا وعَطِبْتُم، وإنْ يَكُنِ الأمرُ كما تَقولونَ ـ ولَيس كما تَقولونَ ـ فَقَدِ استَوَيْتُم وهُم.[2]

۵۱۲۸ . بحار الأنوار عن الإمام الصّادق ﷺ ـ في مُناظَرَتِهِ الطَّبيبَ الهِندِيَّ ـ: قلتُ: أرَأيْتَ إنْ كانَ القَولُ قَوْلَكَ فهَل يُخافُ عليَّ شَيْءٌ مِمّا أخَوِّفُكَ بِهِ مِن عِقابِ اللهِ؟ قالَ: لا. قلتُ: أفرَأيْتَ إنْ كانَ كما أقولُ والحقُّ في يَدِي ألَسْتُ قد أخَذْتُ فيما كنتُ أحاذِرُ مِن عِقابِ الخالِقِ بالثِّقَةِ وأنّكَ قد وَقَعتَ

۱ . التوحيد: ۶/۲۹۸. ۲ . بحار الأنوار: ۳/۴۳/۱۸.

۱۰۷۸

دعوت عقل به دفع ضرر احتمالی

۵۱۲۶ . **التوحيد**: امام صادق ﷺ به عبدالكريم بن ابى العوجاء كه منكر مبدأ و معاد بود فرمود ـ: اگر حقيقت چنان باشد كه تو مى‌گويى ـ كه البته چنين نيست ـ هم ما و هم تو نجات يافته‌ايم و اگر حقيقت آن باشد كه ما مى‌گوييم ـ كه همين‌طور هم هست ـ ما نجات يافته‌ايم و تو هلاك گشته‌اى. عبدالكريم رو به همراهان خود كرد و گفت: در قلبم سوزش و اندوهى احساس كردم، مرا ببريد. يارانش او را بردند و عبدالكريم مرد.

۵۱۲۷ . **بحار الأنوار** ـ امام صادق ﷺ نيز به ابن ابى العوجاء فرمود ـ: اگر حقيقت آن باشد كه اينها (طواف كنندگان كعبه) مى‌گويند ـ كه همين هم هست ـ آنان به سلامت رسته‌اند و شما به هلاكت درافتاده‌ايد. و اگر موضوع چنان باشد كه شما مى‌گوييد ـ كه البته چنين نيست ـ شما و آنها يكسان هستيد.

۵۱۲۸ . **بحار الأنوار** ـ امام صادق ﷺ در مناظره با پزشك هندى ـ: گفتم: اگر عقيدهٔ تو درست باشد، آيا كيفر خدا، كه من، تو را از آن مى‌ترسانم، براى من ترسى دارد؟ گفت: نه. گفتم: اگر عقيدهٔ من درست باشد ـ كه همين هم هست و حقّ به جانب من مى‌باشد ـ آيا من

بجُحودِكَ وإنْكارِكَ في الهَلَكَةِ؟ قالَ: بلىٰ. قلتُ: فأيُّنا أوْلىٰ بالحَزْمِ وأقْرَبُ مِن النَّجاةِ؟ قالَ: أنتَ.[1]

که از کیفر خدا می‌ترسیده‌ام تکیه گاه مطمئنی نگرفته‌ام و تو با انکار و تکذیبت به هلاکت نیفتاده‌ای؟ گفت: چرا. گفتم: پس کدام یک از ما دوراندیش‌تر و به نجات نزدیکتریم؟ گفت: تو.

۵۱۲۹. بحار الأنوار عن محمّد بن عبدالله الخراسانيّ خادم الرضا ﷺ: دَخلَ رجُلٌ مِن الزَّنادِقَةِ علىٰ الرِّضا ﷺ وعِندَهُ جَماعَةٌ، فقالَ لَهُ أبو الحسنِ ﷺ: أرَأيْتَ إنْ كانَ القَولُ قَولَكُم ـ وليسَ هُو كما تَقولونَ ـ ألَسْنا وإيّاكُم شَرَعاً سَواءً، ولا يَضُرُّنا ما صَلَّينا وصُمْنا وزَكَّيْنا وأقْرَرْنا؟ فسَكَتَ، فقالَ أبوالحسنِ ﷺ: إنْ يَكُنِ القَولُ قَوْلَنا ـ وهُو كما نَقولُ ـ ألَسْتُم قد هَلَكْتُم ونَجَوْنا؟![2]

۵۱۲۹. **بحار الأنوار** ـ به نقل از محمّد بن عبد الله خراسانی خادم امام رضا ﷺ ـ: جماعتی در خدمت امام‌رضا ﷺ بودند، که زندیقی وارد شد. حضرت به او فرمود: اگر سخن شما درست باشد ـ که نیست ـ در این صورت آیا نه این است که ما و شما یکسان هستیم و نماز و روزه و زکات و ایمان ما زیانی به ما نمی‌رساند؟ زندیق خاموش ماند.

سپس امام رضا ﷺ فرمود: اگر سخن ما درست باشد ـ که هست ـ آیا شما به هلاکت درنیفتاده‌اید و ما نجات نیافته‌ایم؟!

۵۱۳۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ مِمّا نُقِلَ عَنهُ، وقيلَ لغَيرِهِ ـ:

زَعَمَ المُنَجِّمُ والطَّبيبُ كِلاهُما
أنْ لا مَعادَ، فقلتُ: ذاكَ إلَيْكُما

إنْ صَحَّ قَولُكُما فلَستُ بخاسِرٍ
أو صَحَّ قَولي فالوَيالُ عَلَيْكُما[3]

۵۱۳۰. **امام علی** ﷺ ـ در ابیات زیر که منسوب به ایشان است و بعضی هم آنها را از دیگران دانسته‌اند ـ فرمود:

منجّم و طبیب هر دو ادعا کردند/
که معادی در کار نیست، گفتم خود ببینید
اگر سخن شما درست باشد من زیان نکرده‌ام/
و اگر سخن من درست باشد، شما کیفر می‌بینید.

۱۰۷۹
عَجزُ العقُولِ عَن إنكارِ اللهِ

۱۰۷۹
ناتوانی خردها از انکار خدا

۵۱۳۱. الإمامُ عليٌّ ﷺ: الحَمدُ للهِ المُتَجلّي لخَلْقِهِ بخَلْقِهِ، والظّاهِرِ لقُلوبِهِم بحُجّتِهِ.[4]

۵۱۳۱. **امام علی** ﷺ: ستایش خدایی را که با آفرینش موجودات، بر جهانیان آشکار گشته و به برهان خویش، بر دلهای آنان نمودار است.

۵۱۳۲. **امام علی** ﷺ: ستایش خدایی را که به امور

---

۱. بحار الأنوار: ۱۵۴/۳.
۲. بحار الأنوار: ۱۲/۳۶/۳.
۳. بحار الأنوار: ۹۲/۸۷/۷۸.
۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۸.

۵۱۳۲. عنه ﷺ: الحَمدُ للهِ الّذي بَطَنَ خَفيّاتِ الأُمورِ، ودَلّتْ (وَدَلّتْ) عَلَيهِ أعْلامُ الظُّهورِ، وامْتَنَعَ علىٰ عَينِ البَصيرِ، فلا عَينُ مَن لَم يَرَهُ تُنكِرُهُ، ولا قَلبُ مَن أثْبَتَهُ يُبصِرُهُ... فهُو الّذي تَشْهَدُ لَهُ أعْلامُ الوُجودِ علىٰ إقْرارِ قَلبِ ذي الجُحودِ.[1]

پنهانی داناست و نشانه‌های آشکاری بر هستی او گواه است و دیدن او با بینایی چشم ظاهری ممکن نیست، پس، نه چشمی که او را ندیده است، انکارش می‌کند و نه دلی که هستی او را اثبات می‌کند، به کنه ذاتش پی می‌برد... پس اوست آن که نشانه‌های هستی بر اقرار باطنی منکران او گواهی می‌دهد.

۵۱۳۳. عنه ﷺ: وأقامَ مِن شَواهِدِ البَيِّناتِ علىٰ لَطيفِ صَنْعَتِهِ وعَظيمِ قُدْرَتِهِ ما انْقادَتْ لَهُ العُقولُ، مُعْتَرِفَةً بِهِ، ومُسَلِّمَةً لَهُ. ونَعَقَتْ في أسْماعِنا دَلائلُهُ علىٰ وَحْدانِيَّتِهِ.[2]

۵۱۳۳. امام علی ﷺ: و از دلایل آشکاری که بر لطف و ظرافت آفرینش او و بر شُکوه قدرت او گواهند، چیزی است که خِردها به او اعتراف دارند و در برابرش منقادند و سر تسلیم فرو دارند و دلایل وحدانیت او، در گوشهای ما فریاد می‌زنند.

۵۱۳۴. عنه ﷺ: الّذي بَطَنَ مِن خَفيّاتِ الأُمورِ، وظَهَرَ في العُقولِ بما يُرىٰ في خَلقِهِ مِن عَلاماتِ التَّدبيرِ، الّذي سُئلتِ الأنْبياءُ عَنهُ فلَم تَصِفْهُ بِحَدٍّ ولا بِبَعْضٍ، بَل وَصَفَتْهُ بِفِعالِهِ ودَلّتْ عَلَيهِ بآياتِهِ. لا تَسْتَطيعُ عُقولُ المُتَفَكِّرينَ جَحْدَهُ، لأنّ مَن كانتِ السَّماواتُ والأرضُ فِطْرَتَهُ وما فيهِنَّ وما بَينَهُنَّ وهُو الصّانعُ لَهُنّ، فلا مَدْفَعَ لقُدْرَتِهِ.[3]

۵۱۳۴. امام علی ﷺ: خدایی که نهانیهای امور را می‌داند و به سبب نشانه‌های تدبیر که در آفریده‌هایش دیده می‌شود، بر خِردها آشکار است؛ خدایی که دربارهٔ او از پیامبران پرسیدند، اما آنان او را به حدّ و جزء توصیف نکردند، بلکه به افعالش وصف کردند و از طریق نشانه‌هایش به او ره نمودند؛ اندیشه‌های متفکّران نتواند وجود او را انکار کند؛ زیرا کسی که آسمانها و زمین و آنچه را که در آنها و در بین آنهاست، آفریده است، قدرتش انکار ناپذیر است.

۵۱۳۵. التوحيد عن هِشامِ بنِ الحَكَمِ: كانَ زِنْديقٌ بِمِصرَ يَبْلُغُهُ عَن أبي عَبدِ اللهِ ﷺ عِلمٌ، فخَرَجَ إلَى المَدينَةِ لِيُناظِرَهُ فلَم يُصادِفْهُ بها، فقيلَ لَهُ: هُو بمَكّةَ، فخَرَجَ الزِّنْديقُ

۵۱۳۵. التوحید ـ به نقل از هشام بن حکم ـ: زندیقی مصری، آوازهٔ دانش امام صادق ﷺ را شنیده بود. از این رو به مدینه آمد تا با ایشان مناظره کند، اما آن حضرت را در مدینه نیافت. به او گفته شد: حضرت در مکّه است. زندیق راهی مکّه شد...

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۴۹. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۶۵.
۳. الكافي: ۷/۱۴۱/۱.

إلىٰ مَكَّةَ ...

فلمّا فَرَغَ أبو عبدِ اللهِ ﷺ أتاهُ الزِّنْديقُ فقَعَدَ بَينَ يَدَيْهِ، ونَحنُ مُجتَمِعونَ عِندَهُ، فقالَ للزِّنْديقِ: أتَعلَمُ أنّ للأرضِ تَحتاً وفَوقاً ؟ قالَ: نَعَم. قالَ: فدَخَلْتَ تَحتَها ؟ قالَ: لا. قالَ: فما يُدْريكَ بما تَحتَها ؟ قالَ: لا أدْري، إلّا أنّي أظُنُّ أنْ لَيس تَحتَها شَيْءٌ. قالَ أبو عبدِ اللهِ ﷺ: فالظَّنُّ عَجْزٌ ما لَم تَستَيقِنْ.

قال أبو عبدِ اللهِ ﷺ: فصَعِدْتَ السَّماءَ ؟ قالَ: لا. قالَ: فتَدْري ما فيها ؟ قالَ: لا. قالَ: فأتَيْتَ المَشرِقَ والمَغرِبَ فنَظَرْتَ ما خَلْفَهُما ؟! قالَ: لا. قالَ: فعَجَباً لكَ، لَم تَبْلُغِ المَشرِقَ، ولَم تَبْلُغِ المَغرِبَ، ولَم تَنْزِلْ تَحتَ الأرضِ، ولَم تَصْعَدِ السَّماءَ، ولَم تَخْبُرْ هُنالِكَ فتَعْرِفَ ما خَلفَهُنَّ وأنتَ جاحِدٌ ما فيهِنَّ! وهَل يَجحَدُ العاقِلُ ما لا يَعرِفُ ؟!

فقالَ الزِّنْديقُ: ما كَلَّمَني بهذا أحَدٌ غَيرُكَ. قالَ أبو عبدِ اللهِ ﷺ: فأنتَ في شَكٍّ مِن ذٰلكَ، فلَعلَّ هُو، أو لَعلَّ لَيس هُو! قالَ الزِّنْديقُ: ولَعلَّ ذاكَ.

فقال أبو عبدِ اللهِ ﷺ: أيُّها الرَّجُلُ، لَيس

چون امام صادق ﷺ از طواف فارغ شد زندیق نزد ایشان آمد و در مقابل امام ـ که ما نیز گرد حضرتش بودیم ـ نشست. امام به زندیق فرمود: آیا می‌دانی که زمین را پایین و بالایی است ؟ عرض کرد: آری. فرمود: آیا پایین زمین رفته‌ای ؟ عرض کرد: خیر. فرمود: پس چه می‌دانی که پایین زمین چیست ؟ عرض کرد: نمی‌دانم، ولی گمان می‌کنم که زیر آن چیزی نیست. امام ﷺ فرمود: تا به چیزی یقین نیابی، گمان کارساز نیست.

امام صادق ﷺ فرمود: آیا به آسمان بالا رفته‌ای ؟ عرض کرد: خیر. فرمود: می‌دانی در آن جا چیست ؟ عرض کرد: خیر. فرمود: آیا به مشرق و مغرب رفته‌ای و آن سوی آنها را دیده‌ای ؟عرض کرد: خیر. حضرت فرمود: شگفتا از تو، تو نه به مشرق رفته‌ای نه به مغرب، نه زیر زمین فرو رفته‌ای و نه به آسمان بر رفته‌ای و آن جاها را نیازموده‌ای تا بدانی در ورای آنها چیست و با این حال آنچه را در آنهاست انکار می‌کنی ! آیا عاقل، چیزی را که نمی‌داند انکار می‌کند؟!

در این هنگام زندیق گفت: تاکنون کسی جز شما با من اینچنین سخن نگفته بود. حضرت ﷺ فرمود: بنابر این، تو در این موضوع شکّ داری که شاید درست باشد یا درست نباشد؟ زندیق گفت: شاید چنین باشد.

امام صادق ﷺ فرمود: ای مرد! کسی را که نمی‌داند، بر آن که می‌داند برهانی نیست و جاهل را بر عالم حجّت نباشد.

لِمَنْ لا يَعلَمُ حُجَّةٌ علىٰ مَن يَعلَمُ، فلا حُجَّةَ للجاهِلِ علىٰ العالِمِ.

يا أخا أهل مِصرَ، تَفَهَّمْ عنّي، فإنّا لانَشُكُّ في اللهِ أبداً. أمَا تَرىٰ الشَّمسَ والقَمرَ واللَّيلَ والنَّهارَ يَلِجانِ ولا يَشْتَبِهانِ، يَذْهَبانِ ويَرْجِعانِ؟!...

قالَ هِشامٌ: فآمَنَ الزِّنْديقُ علىٰ يَدَيْ أبي عبدِاللهِ ﷺ.[1]

ای برادر مصری! از من بشنو، که ما دربارهٔ خدا هرگز شکّ نداریم. آیا نمی‌بینی خورشید و ماه و شب و روز بی آن که دچار خطا شوند، می‌آیند و می‌روند؟...

هشام گفت: آن زندیق، در پایان به دست امام صادق ﷺ ایمان آورد.

۱۰۸۰

كُلُّ قائِمٍ في سِواهُ مَعلولٌ

۵۱۳۶. الإمامُ عليٌّ ﷺ: كُلُّ قائمٍ بغَيرِهِ مَصْنوعٌ، وكُلُّ مَوجودٍ في سِواهُ مَعْلولٌ.[2]

۵۱۳۷. عنه ﷺ: كُلُّ مَعْروفٍ بِنَفْسِهِ مَصْنوعٌ، وكُلُّ قائمٍ في سِواهُ مَعْلولٌ.[3]

هر پدیدهٔ متّکی به غیر، معلول است

۵۱۳۶. امام علی ﷺ: هر آنچه متّکی به غیر خود باشد، مصنوع است و هر موجودی که به سبب غیرِ خود وجود یابد، معلول است.

۵۱۳۷. امام علی ﷺ: هر آنچه به خود[1] شناخته شود مصنوع است و هر متّکی به غیر خود، معلول است.

۱۰۸۱

مَا الدَّليلُ عَلىٰ حُدوثِ الأجسامِ؟

۵۱۳۸. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في مُناظَرَتِهِ ابنَ أبي العَوْجاءِ لمّا قالَ له: ما الدَّليلُ علىٰ حَدَثِ الأجْسامِ؟ ـ: إنّي ما وَجَدتُ شَيئاً صَغيراً

دلیل بر حدوث اجسام چیست؟

۵۱۳۸. امام صادق ﷺ ـ در مناظرهٔ خود با ابن ابی العوجاء چون پرسید: دلیل بر حادث بودن اجسام چیست؟ ـ فرمود: من هیچ چیز خُرد و کلانی را ندیده‌ام، مگر آن که هرگاه مانندش به آن ضمیمه شود بزرگتر گردد و

---

۱. التوحيد: ۴/۲۹۳. ۲. نهج السعادة: ۴۵/۳.
۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۸۶.

۱. شارح خوئی: هر چیزی که ذات و حقیقت آن شناخته شود. شارح معتزلی: هرچیزی که از طریق مشاهده وحسّ شناخته شود ـ م.

ولا كَبيراً إلّا إذا ضُمَّ إلَيهِ مِثْلُهُ صارَ أكْبرَ، وفي ذلكَ زَوالٌ وانْتِقالٌ عنِ الحالَةِ الأُولىٰ. ولَو كانَ قَديماً ما زالَ ولا حالَ؛ لأنَّ الَّذي يَزولُ ويَحولُ يَجوزُ أنْ يُوجَدَ ويَبطُلَ، فيكونُ بوجودِهِ بَعدَ عَدَمِهِ دُخولٌ في الحَدَثِ، وفي كَونِهِ في الأُولى دُخولُهُ في العَدَمِ، ولَن يَجْتَمِعَ صِفَةُ الأزَلِ والعَدَمِ في شَيءٍ واحِدٍ.[1]

(انظر) الدهر: باب ۱۲۷۸.

این موجب می‌شود تا آن شیء از حالت نخستین خود در آمده، حالتی دیگر به خود گیرد. اگر آن شیء [نه حادث، بلکه] قدیم بود زوال و تغییر در آن راه نمی‌یافت؛ زیرا آنچه دستخوش زوال و تغییر می‌شود، می‌تواند هستی یابد و یا نیست شود. پس با هستی یافتن از پس نیستی، به مرحلهٔ حدوث راه می‌یابد و در حالت نخست [نیز] در دنیای عدم قدم می‌گذارد، حال آن که صفت ازل و عدم هرگز در یک شیء جمع نمی‌شوند.

۱۰۸۲

الدَّليلُ الأوَّلُ علىٰ إثباتِ الصّانِعِ

۱۰۸۲

دلیل نخست بر اثبات وجود خدا

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

المعرفة الفطريّة(۱)

شناخت فطری(۱)

الكتاب:

قرآن:

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللهِ الَّتِي فَطَرَ النّاسَ عَلَيْهَا لا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللهِ ذٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النّاسِ لا يَعْلَمُونَ﴾.[2]

«با یکتا پرستی روی به دین آور. فطرتی است که خداوند همه را بدان فطرت بیافریده است و در آفرینش خدا تغییری نیست. دین پاک و پایدار، این است. ولی بیشتر مردم نمی‌دانند».

﴿صِبْغَةَ اللهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عابِدُونَ﴾.[3]

«این نگارگری خداست و چه کسی از خدا خوش نگارتر است؟ ما پرستندگان او هستیم».

﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قالُوا بَلىٰ

«و پروردگار تو از پشت بنی آدم فرزندانشان را بیرون آورد و آنان را بر خودشان گواه گرفت و پرسید: آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: آری، گواهی می‌دهیم. تا در روز قیامت نگویید که ما از آن بی‌خبر

---

۱. التوحيد: ۶/۲۹۷، انظر تمام الحديث.

۲. الروم: ۳۰. ۳. البقرة: ۱۳۸.

شَهِدْنا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيامَةِ إِنّا كُنّا عَنْ هٰذا غافِلِينَ﴾.[1]

﴿وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللهُ﴾.[2]

﴿حُنَفاءَ لِلّٰهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللهِ فَكَأَنَّما خَرَّ مِنَ السَّماءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكانٍ سَحِيقٍ﴾.[3]

الحديث:

۵۱۳۹. رسولُ اللهِ ﷺ: كُلُّ مَوْلودٍ يُولَدُ علىٰ الفِطرَةِ، يَعني علىٰ المَعْرِفَةِ بأنّ اللهَ عزّوجلّ خالِقُهُ، فذلكَ قَولُهُ: ﴿ولَئِن سَأَلْتَهُم مَن خَلَقَ السَّماواتِ والأرضَ لَيَقُولُنَّ اللهُ﴾.[4]

۵۱۴۰. عنه ﷺ: كُلُّ مَولودٍ يُولَدُ علىٰ الفِطرَةِ، وإنّما أبَواهُ يُهَوِّدانِهِ ويُنَصِّرانِهِ.[5]

۵۱۴۱. عنه ﷺ ـ في غَزوَةٍ قَتَلَ فيها المُسلِمونَ أبناءَ المُشرِكينَ ـ: ألا إنّ خِيارَكُم أبناءُ المُشرِكينَ. ثُمّ قالَ: ألا لا تَقْتُلوا ذُرِّيَّةً. كُلُّ مَولودٍ يُولَدُ علىٰ الفِطرَةِ، فما يَزالُ علَيها حتّىٰ يُعْرِبَ عَنها لِسانُهُ، فأبَواهُ يُهَوِّدانِهِ أو يُنَصِّرانِهِ أو يُمَجِّسانِهِ.[6]

---

۱. الأعراف: ۱۷۲. ۲. الزمر: ۳۸.
۳. الحجّ: ۳۱. ۴. التوحيد: ۹/۳۳۱.
۵. شرح نهج البلاغة: ۴/۱۱۴.
۶. كنز العمّال: ۱۱۷۳۰.

بوديم».

«اگر از آنان بپرسی که چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است، هر آینه می‌گویند: خدا».

«روی آوردگان به خدا باشید و نه شرک آوردگان به او؛ و هرکس به خدا شرک آورد، چونان کسی است که از آسمان فرو افتد ومرغ [شکاری]او را بر باید یا باد او را به مکانی دور اندازد».

حدیث:

۵۱۳۹. **پیامبر خدا** ﷺ: هر نوزادی بر فطرت زاده می‌شود، یعنی می‌داند که خداوند عزّوجلّ آفریدگار اوست. این است معنای سخن خداوند که: «اگر از آنان بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است هر آینه گویند: خدا».

۵۱۴۰. **پیامبر خدا** ﷺ: هر مولودی بر فطرت (توحید) زاده می‌شود و این پدر و مادر او هستند که وی را یهودی و نصرانی بار می‌آورند.

۵۱۴۱. **پیامبر خدا** ﷺ ـ در یکی از غزوات که طی آن مسلمانان فرزندان مشرکان را کشتند ـ فرمود: بدانید که بهترین افراد شما، فرزندان همان مشرکان هستند. سپس فرمود: هان! نسل‌کشی مکنید، هر مولودی بر اساس فطرت (توحید) به دنیا می‌آید و پیوسته بر آن است تا آن که زبانش از آن پرده بر می‌دارد، اما پدر و مادرش او را یهودی یا نصرانی و یا مجوسی بار می‌آورند.

۵۱۳۲. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿حُنَفَاءَ لِلّهِ ...﴾ وقَد سُئِلَ ما الحَنيفِيَّةُ؟ ـ: هِيَ الفِطرَةُ الَّتي فَطَرَ النّاسَ عَلَيها، فَطَرَ اللهُ الخَلقَ علىٰ مَعْرِفَتِهِ.[۱]

۵۱۳۲. **امام باقر** ﷺ ـ در پاسخ به سؤال از آیین حنیف در آیهٔ «حنفاء لله ...» ـ فرمود: مراد فطرتی است که خداوند مردم را بر آن سرشته است؛ خداوند خلق را با سرشت خداشناسی آفریده است.

۵۱۳۳. **عنه** ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿فِطْرَةَ اللهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ ـ: فَطَرَهُم علىٰ مَعْرِفَتِهِ أنَّهُ رَبُّهُم، ولَولا ذلكَ لَم يَعْلَموا ـ إذا سُئِلوا ـ مَن رَبُّهُم ولا مَن رازِقُهُم.[۲]

۵۱۳۳. **امام باقر** ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «فطرتی است که خداوند همه را بدان فطرت بیافریده است» ـ فرمود: آنان را بر سرشت خداشناسی و این که او پروردگارشان است آفرید؛ و اگر چنین نبود در پاسخ به این پرسش که چه کسی پروردگارشان است و چه کسی آنها را روزی می‌دهد، در می‌ماندند.

۵۱۳۴. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ أيضاً في الآيةِ ـ: التّوحيدُ.[۳]

۵۱۳۴. **امام صادق** ﷺ ـ نیز دربارهٔ همین آیه ـ فرمود: مقصود توحید است.

۵۱۳۵. **عنه** ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿وإذْ أخَذَ رَبُّكَ مِن بَني آدَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قالُوا بَلَىٰ شَهِدْنا أَنْ تَقُولُوا يَومَ القِيامَةِ إنّا كُنّا عَنْ هٰذا غافِلِينَ﴾ ـ: ثُبِّتَتِ المَعرِفَةُ في قُلوبِهِم، ونَسُوا المَوقِفَ، وسَيَذْكُرونَهُ يَوماً، ولَولا ذلكَ لَم يَدْرِ أحَدٌ مَن خالِقُهُ ولا مَن رازِقُهُ.[۴]

۵۱۳۵. **امام صادق** ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «و پروردگار تو از پشت بنی‌آدم فرزندانشان را بیرون آورد و آنان را بر خودشان گواه گرفت و پرسید: آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: آری، گواهی می‌دهیم تا در روز قیامت نگویید که ما از آن بی‌خبر بودیم» ـ فرمود: خداشناسی در دلهایشان استوار گشت و روز «اَلَست» و اخذ گواهی را از یاد بردند؛ امّا روزی به یادش می‌آورند. و اگر چنین نبود هیچ کس نمی‌دانست که آفریدگار و روزی دهندهٔ او کیست.

۵۱۳۶. **الإمامُ الرِّضا** ﷺ: بِصُنْعِ اللهِ يُستَدَلُّ عَلَيهِ،

۵۱۳۶. **امام رضا** ﷺ: از آفرینش خدا، به وجود او

---

۱. بحار الأنوار: ۳/۲۷۹/۱۲.

۲. بحار الأنوار: ۳/۲۷۹/۱۳، أقول: في تفسير البرهان روايات تدلّ على أنّ المقصود من الفطرة في الآية المذكورة فطرة التوحيد، انظر البرهان في تفسير القرآن: ۳/۲۶۱/۲ ـ ۱۸.

۳. الكافي: ۲/۱۲/۱.

۴. بحار الأنوار: ۳/۲۸۰/۱۶.

۴۲۸ ـــ

۵۱۳۷ . الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ في تَفسيرِ «الله» ـ: هُوَ الَّذي

وبالعُقولِ يُعتَقَدُ مَعرِفَتُهُ، وبالفِطْرَةِ تَثبُتُ حُجَّتُهُ.[1]

(انظر) بحار الأنوار: ۳ / ۲۷۶ باب ۱۱، ۶۷ / ۱۳۰ باب ۴.

پسی برده می‌شود و با خردها شناخته می‌شود و با فطرت، برهان بر وجود او ثابت می‌شود.

۱۰۸۳

الدَّليلُ الثّانِي علىٰ إثباتِ الصّانِعِ

دلیل دوم بر اثبات وجود خدا

المعرفةُ الفطريَّةُ (۲)

شناخت فطری (۲)

الكتاب:

﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِداً أَوْ قَائِماً فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرٍّ مَسَّهُ كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾.[2]

﴿وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُم مُّنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُم مِّنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُم بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ﴾.[3]

﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيباً إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوا إِلَيْهِ مِن قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَندَاداً لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلاً إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ﴾.[4]

قرآن:

«چون به آدمی گزندی رسد، [در همه حال] ما را به دعا می‌خواند چه بر پهلو خفته باشد و چه نشسته یا ایستاده. وچون آن گزند را از او دور سازیم، چنان می‌گذرد که گویی ما را برای دفع آن گزندی که به او رسیده بود هرگز نخوانده است. اعمال اسرافکاران، اینچنین در نظرشان آراسته شده است».

«چون به آدمیان زیانی رسد، پروردگارشان را بخوانند و به درگاه او توبه کنند و چون رحمت خویش را به آنها بچشاند گروهی از آنان به پروردگارشان شرک می‌آورند».

«چون به آدمی گزندی رسد، به پروردگارش روی می‌آورد و او را می‌خواند، آن گاه چون به او از جانب خود نعمتی بخشد همهٔ آن دعاها را که پیش از این کرده بود از یاد می‌برد و برای خدا همتایانی قرار می‌دهد تا [خود و دیگران را] گمراه کند. بگو: اندکی از کفرت بهره‌مند شو، که تو از دوزخیان خواهی بود».

الحديث:

۵۱۳۷ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ ـ في تَفسيرِ «الله» ـ: هُوَ الَّذي

حدیث:

۵۱۳۷ . **امام علی** ﷺ ـ در تفسیر «الله» ـ فرمود: او

---

۱ . التوحيد: ۲۳۵/۲ .
۲ . يونس: ۱۲ .
۳ . الروم: ۳۳ .
۴ . الزمر: ۸ .

يَتَأَلَّهُ إلَيهِ عِندَ الحَوائِجِ والشَّدائِدِ كُلُّ مَخلوقٍ عِندَ انقِطاعِ الرَّجاءِ مِن جَميعِ مَن هُو دُونَهُ، وتَقَطُّعِ الأَسبابِ مِن كُلِّ مَن سِواهُ، وذلكَ أنَّ كُلَّ مُتَرَئِّسٍ في هٰذِهِ الدُّنيا ومُتَعَظِّمٍ فيها وإنْ عَظُمَ غَناؤهُ وطُغيانُهُ وكَثُرَتْ حَوائِجُ مَن دُونَهُ إلَيهِ فإنَّهُم سَيَحتاجونَ حَوائِجَ لا يَقدِرُ عَلَيها هٰذا المُتَعاظِمُ. وكذٰلكَ هٰذا المُتَعاظِمُ يَحتاجُ حَوائِجَ لا يَقدِرُ عَلَيها، فَيَنقَطِعُ إلَى اللهِ عِندَ ضَرورَتِهِ وفاقَتِهِ، حتّىٰ إذا كُفِيَ هَمَّهُ عادَ إلَىٰ شِرْكِهِ.[1]

۵۱۴۸. الإمامُ العسكريُّ ﷺ ـ في تفسيرِ البَسْمَلَةِ ـ: اللهُ هُوَ الَّذي يَتَأَلَّهُ إلَيهِ عِندَ الحَوائِجِ والشَّدائِدِ كُلُّ مَخلوقٍ عِندَ انقِطاعِ الرَّجاءِ مِن كُلِّ مَن هُوَ دُونَهُ، وتَقَطُّعِ الأَسبابِ مِن جَميعِ مَن سِواهُ. يَقولُ: بِسمِ اللهِ، أيْ أستَعينُ عَلىٰ أُموري كُلِّها بِاللهِ الَّذي لا تَحِقُّ العِبادَةُ إلّا لَهُ، المُغيثُ إذا استُغيثَ، والمُجيبُ إذا دُعِيَ، وهُو ما قالَ رَجُلٌ لِلصّادِقِ ﷺ: يا ابنَ رسولِ اللهِ، دُلَّني عَلَى اللهِ، ما هُو؟ فَقَدْ أكثَرَ عَلَيَّ المُجادِلونَ وحَيَّروني، فقالَ لَهُ: يا عبدَ اللهِ، هَل رَكِبتَ

کسی است که هر مخلوقی در هنگام نیازها و گرفتاریها، وقتی امیدش از همه کس قطع می‌شود و رشتهٔ همهٔ سببها، جز او، بریده می‌گردد، به وی روی می‌آورد؛ چه آن که هر انسانی هر چند در این دنیا خود را رئیس بخواند و بزرگ بداند و بی‌نیازی و گردنفرازیش بسیار باشد و دیگران به او نیاز فراوان داشته باشند، همین نیازمندان نیازهایی برایشان پیدا خواهد شد که آن شخص، قادر به بر آوردن آنها نیست و برای خود همین شخص نیز نیازهایی پیش می‌آید که توان بر آوردن آنها را ندارد. پس، هنگام ضرورت و نیازمندی، به خدا روی می‌آورد، اما همین که نیازش برآورده شود، دوباره ره شرک می‌پوید.

۵۱۴۸. امام عسکری ﷺ ـ در تفسیر «بسم الله الرحمن الرحیم» ـ فرمود: الله همو ست که هر مخلوقی در نیازها و گرفتاریها وقتی امیدش از همه، جز او قطع می‌شود و رشتهٔ هر سببی جز او بریده می‌گردد، به وی روی می‌آورد. می‌گویی: بسم الله. یعنی در همهٔ کارهایم از خدایی کمک می‌گیرم که عبادت و پرستش سزاوار جز او نیست و هرگاه فریاد خواهی شود به فریاد می‌رسد و هرگاه خوانده شود اجابت می‌کند. این همان نکته‌ای است که مردی به امام صادق ﷺ عرض کرد: یابن رسول الله! مرا به وجود خدا راهنمایی کن که مجادله گران بر من هجوم آورده سرگشته و حیرانم

---

۱. التوحید: ۵/۲۳۱.

سَفينَةً قَطُّ ؟ قالَ : نَعَم. قالَ : فهَل كُسِرَ بِكَ حَيثُ لا سَفينَةَ تُنجيكَ ولا سِباحَةَ تُغنيكَ ؟ قالَ : نَعَم. قالَ : فهَلْ تَعَلَّقَ قَلبُكَ هُنالِكَ أنّ شَيئاً مِن الأشياءِ قادِرٌ علىٰ أنْ يُخَلِّصَكَ مِن وَرْطَتِكَ ؟ فقالَ : نَعَم. قالَ الصّادقُ ﷺ : فذٰلِكَ الشَّيءُ هُو اللهُ القادِرُ علىٰ الإنجاءِ حَيثُ لا مُنجيَ، وعلىٰ الإغاثَةِ حَيثُ لا مُغيثَ.[1]

کرده‌اند. امام صادق ﷺ به او فرمود: ای بندهٔ خدا! آیا هرگز کشتی سوار شده‌ای؟ عرض کرد: آری. فرمود: آیا پیش آمده که کشتی بشکند و در آن‌جا نه کشتی دیگری باشد که تو را برهاند و نه شنا کردن کارساز باشد؟ عرض کرد: آری. فرمود: آیا در آن هنگام دلت متوجه موجودی شده است که می‌تواند تو را از هلاک نجات دهد؟ عرض کرد: آری. امام صادق ﷺ فرمود: آن موجود همان خدای توانایی است که آن‌جا که هیچ نجات دهندهٔ دیگری نیست نجات می‌دهد و آن‌جا که فریادرسی نیست به فریاد می‌رسد.

۱۰۸۴

الدَّليلُ الثّالِثُ علىٰ إثباتِ الصّانِعِ

قانونُ العِلّيَةِ

الكتاب:

﴿أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ * أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ﴾.[2]

الحديث:

۵۱۴۹. الإمامُ عليٌّ ﷺ: كُلُّ صانِعِ شَيْءٍ فمِن شَيْءٍ صَنَعَ، واللهُ لا مِن شَيْءٍ صَنَعَ ما خَلَقَ.[3]

۵۱۵۰. عنه ﷺ: الحمدُ للهِ ... الدّالِّ علىٰ قِدَمِهِ بحُدوثِ خَلْقِهِ، وبحُدُوثِ خَلْقِهِ علىٰ وُجودِهِ ... مُستَشهِدٌ بِحُدُوثِ الأشياءِ علىٰ

۱۰۸۴

دلیل سوم بر اثبات وجود خدا

قانون علیّت

قرآن:

«آیا از ناچیز آفریده شده‌اند یا خود آفرینندهٔ خویشند؟ یا آسمانها و زمین را آفریده‌اند؟ نه، بلکه به یقین نرسیده‌اند».

حدیث:

۵۱۴۹. **امام علی** ﷺ: هر کس چیزی بسازد، آن را از چیزی [دیگر] ساخته است، اما خداوند آنچه را ساخته از چیزی نیافریده است.

۵۱۵۰. **امام علی** ﷺ: سپاس و ستایش خداوندی را که ... حدوث آفریدگانش را دلیل قدیم بودن و وجود خود قرار داد... حدوث اشیاء را گواه ازلی بودن خود گرفت و با داغ

---

۱. التوحید: ۵/۲۳۱.
۲. الطور: ۳۵، ۳۶.
۳. التوحید: ۳/۴۳.

أزَلِيَّتِهِ، وبما وَسَمَها بِهِ مِن العَجْزِ على قُدْرَتِهِ، وبما اضْطَرَّها إلَيهِ مِن الفَناءِ على دَوامِهِ.[1]

ناتوانی که بر آنان نهاد، آنها را گواه قدرت خود و فنای حتمی آنها را گواه جاودانگی خویش گرفت.

۵۱۵۱. عنه ﷺ: الحَمدُ للهِ الدّالِّ على وُجودِهِ بخَلْقِهِ، وبمُحْدَثِ خَلْقِهِ على أزَلِيَّتِهِ.[2]

۵۱۵۱. **امام علی** ﷺ: ستایش خداوندی را که آفریدگان خود را دلیل بر وجود خویش ساخت و حادث بودن آنها را دلیل بر ازلیتش.

۵۱۵۲. الإمامُ الباقرُ ﷺ ـ وقد سألَهُ رجُلٌ مِن عُلَماءِ أهلِ الشّامِ: ... فالشَّيْءُ خَلَقَهُ مِن شَيْءٍ أو مِن لا شَيءٍ؟ ـ: خَلَقَ الشَّيْءَ لا مِن شَيْءٍ كانَ قَبلَهُ. ولَو خَلَقَ الشَّيْءَ مِن شَيْءٍ، إذاً لَم يَكُنْ لَهُ انْقِطاعٌ أبداً، ولَم يَزَلِ اللهُ إذاً ومَعَهُ شَيْءٌ، ولَكنْ كانَ اللهُ ولا شَيْءَ مَعَهُ.[3]

۵۱۵۲. **امام باقر** ﷺ ـ در پاسخ به یکی از علمای شام که از ایشان پرسید: ... پس اشیاء را از چیز آفریده است یا از هیچ؟ ـ فرمود: اشیاء را آفرید نه از چیزی که پیش از آن وجود داشته باشد. اگر شیء را از شیء آفریده باشد، هرگز میان او و اشیاء انقطاع نبوده و همواره چیزی با خدا می‌باشد. حال آن که خدا بوده و چیزی با او نبوده است.

۵۱۵۳. بحارالأنوار: ـ الإمامُ الصّادقُ ﷺ مِن مُناظَرَتِهِ زِنْديقاً، قالَ الزِّنْديقُ: مِن أيِّ شَيْءٍ خَلَقَ الأشْياءَ؟ ـ: لا مِن شَيْءٍ، فقالَ: كيفَ يَجيءُ مِن لا شَيْءٍ، شَيْءٌ؟ قالَ ﷺ: إنّ الأشْياءَ لا تَخلو أنْ تَكونَ خُلِقَتْ مِن شَيْءٍ أو مِن غَيرِ شَيْءٍ، فإنْ كانَتْ خُلِقَتْ مِن شَيْءٍ كانَ مَعَهُ فإنّ ذلكَ الشَّيْءَ قَديمٌ، والقَديمُ لا يَكونُ حَديثاً ولا يَفْنى ولا يَتَغيَّرُ، ولا يَخْلو ذلكَ الشَّيْءُ مِن

۵۱۵۳. **بحار الأنوار**: امام صادق ﷺ در مناظره با زندیقی که گفت: خداوند اشیاء را از چه آفریده است؟ فرمود: از چیزی نیافرید. عرض کرد: چگونه چیز از هیچ به وجود می‌آید؟ فرمود: اشیاء از دو حال خارج نیستند: یا از چیزی آفریده شده‌اند یا از چیزی آفریده نشده‌اند؛ اگر از چیزی آفریده شده‌اند که آن چیز پیوسته با خدا بوده؛ پس آن چیز، قدیم است و قدیم، نه حادث می‌شود، نه فانی می‌گردد و نه تغییر می‌پذیرد. حال، آن شیء، یک جوهر و

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۸۵.
۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۲.
۳. التوحيد: ۶۶/۲۰.

أنْ يَكونَ جَوْهَراً واحِداً ولَوْناً واحِداً، فمِن أينَ جاءتْ هٰذهِ الألْوانُ المُختَلِفَةُ والجَواهِرُ الكَثيرَةُ المَوجودَةُ في هٰذا العالَمِ مِن ضُروبٍ شَتّىٰ؟ ومِن أينَ جاءَ المَوْتُ، إنْ كانَ الشَّيْءُ الّذي أُنشِئَتْ مِنهُ الأشْياءُ حيّاً؟ أو مِن أينَ جاءتِ الحَياةُ إنْ كانَ ذٰلكَ الشَّيْءُ مَيِّتاً؟ ولا يَجوزُ أنْ يَكونَ مِن حَيٍّ ومَيِّتٍ قَديمَيْنِ لَم يَزالا، لأنّ الحيَّ لا يَجيءُ مِنهُ مَيِّتٌ وهُو لَم يَزَلْ حيّاً، ولا يَجوزُ أيضاً أنْ يَكونَ المَيِّتُ قَديماً لَم يَزَلْ بما هُو بِهِ مِنَ المَوْتِ، لأنَّ المَيِّتَ لاقُدْرَةَ لَهُ ولابَقاءَ. قالَ: مِن أينَ قالوا إنَّ الأشياءَ أزَليَّةٌ؟ قالَ عليه السلام: ... إنَّ الأشْياءَ تَدُلُّ علىٰ حُدوثِها مِن دَوَرانِ الفَلَكِ بما فيهِ ... وتَحَرُّكِ الأرضِ ومَن عَلَيها، وانْقِلابِ الأزْمِنَةِ، واخْتِلافِ الوَقتِ والحَوادِثِ الّتي تَحْدُثُ في العالَمِ، مِن زِيادَةٍ ونُقْصانٍ ومَوْتٍ وبِلىً، واضْطِرارِ النَّفْسِ إلَى الإقْرارِ بأنَّ لَها صانِعاً ومُدَبِّراً؟ أما تَرىٰ الحُلْوَ يَصيرُ حامِضاً، والعَذْبَ مُرّاً، والجَديدَ بالِياً، وكُلٌّ إلىٰ تَغَيُّرٍ وفَناءٍ؟![1]

یک رنگ (عرض) است، در این صورت این همه رنگ، (اعراض) گوناگون و جواهر فراوان موجود در این عالم، از کجا آمده است؟ اگر آن چیزی که اشیاء همه از او پدید آمده زنده است، پس مرگ از کجا آمده است؟ و اگر آن چیز، مرده است حیات و زندگی از کجا آمده است؟ ممکن نیست که از یک مُرده و یک زندهٔ قدیمی ازلی به وجود آمده باشند. زیرا از زندهٔ ازلی، مُرده پدید نمی‌آید. همچنین ممکن نیست که مُردهٔ ازلی و قدیم وجود داشته باشد؛ زیرا موجود مُرده را قدرت و بقایی نیست. [زندیق] گفت: از چه رو گفته‌اند که موجودات ازلی‌اند؟ حضرت فرمود: ... چرخش سپهر و هر آنچه در آن است ... و حرکت زمین و هر آنچه بر آن است و دگرگونی زمانها و اختلاف زمان و حوادثی که در عالم رخ می‌دهد و مرگ و پوسیدگی و ناگزیری نفس به اقرار به این که او را آفریدگار و مدبّر است، همگی نشانگر حدوث اشیاء است. مگر نمی‌بینی که شیرین، ترش می‌شود و خوشمزه، تلخ و نو، فرسوده و هر چیزی به سوی دگرگونی و نابودی می‌رود؟

---

۱. بحار الأنوار: ۱۰/۱۶۴/۲.

٥١٥٤. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ وقد سُئِلَ عنِ الدَّليلِ علىٰ الواحِدِ ؟ ـ: ما بِالخَلْقِ مِن الحاجَةِ.[1]

٥١٥٥. عنه ﷺ ـ لمّا سألَهُ أبو شاكرٍ الدَّيْصانيُّ: ما الدّليلُ علىٰ أنّ لكَ صانِعاً ؟ ـ: وَجَدتُ نَفْسي لا تَخْلو مِن إحْدىٰ جِهَتَينِ: إمّا أنْ أكون صَنَعْتُها أنا أو صَنَعَها غَيري؛ فإن كنتُ صَنَعتُها أنا فلا أخْلو مِن أحدِ مَعْنَيَينِ، إمّا أنْ أكونَ صَنَعتُها وكانتْ مَوجودَةً أو صَنَعْتُها وكانتْ مَعْدومَةً، فإنْ كنتُ صَنَعْتُها وكانتْ مَوجودةً فَقَدِ استَغْنَتْ بوجودِها عن صَنْعَتِها، وإن كانتْ مَعْدومَةً فإنّكَ تَعلمُ أنّ المَعْدومَ لا يُحْدِثُ شَيئاً، فقد ثَبَتَ المَعنىٰ الثّالثُ أنّ لي صانِعاً وهُو اللهُ رَبُّ العالَمِينَ، فقامَ وما أحارَ جَواباً.[2]

(انظر) الخلقة: باب ١٠٦٥، ١٠٦٧.

١٠٨٥
الدَّليلُ الرّابِعُ علىٰ إثباتِ الصّانِعِ

الآيات

الكتاب:

﴿وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِقَومٍ يُوقِنُونَ﴾.[3]

---

١. تحف العقول: ٣٧٧. ٢. التوحيد: ٢٩٠/١٠.
٣. الجاثية: ٤.

٥١٥٤. **امام صادق** ﷺ ـ وقتی از ایشان سؤال شد: دلیل بر وجود [خدای] یگانه چیست ؟ ـ فرمود: نیازمندی آفریده‌ها.

٥١٥٥. **امام صادق** ﷺ ـ در پاسخ به این پرسش ابوشاکر دیصانی که: دلیل بر این که تو را آفریدگاری است چیست؟ ـ فرمود: خودم را از دو حال خالی نیافتم: یا من خود را آفریده‌ام یا کسی دیگر مرا آفریده است. اگر من خود را آفریده‌ام از دو حال خارج نیستم: یا بوده‌ام و خود را آفریده‌ام و یا نبوده‌ام و خود را پدید آورده‌ام. اگر قبلاً بوده‌ام و خود را پدید آورده‌ام نیازی به پدید آوردن ندارم و اگر نبوده‌ام تو می‌دانی که معدوم چیزی را به وجود نمی‌آورد، پس شقّ سوم ثابت می‌شود و آن این که مرا آفریدگاری است و آن همان خدای پروردگار جهانیان است. ابوشاکر که پاسخی برای گفتن نداشت، برخاست.

١٠٨٥
دلیل چهارم بر اثبات وجود خدا

نشانه‌ها

قرآن:

«و در آفرینش شما و پراکنده شدن جنبندگان نشانه‌هایی [بر وجود خدا] است برای اهل یقین».

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾.[1]

«همانا در آفرینش آسمانها و زمین و گردش شب روز نشانه‌هایی است برای خردمندان».

الحديث:

حدیث:

۵۱۵۶. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ وقد سُئِلَ عن إثباتِ الصّانِعِ ـ: البَعْرَةُ تَدُلُّ علىٰ البَعيرِ، والرَّوْثَةُ تَدُلُّ علىٰ الحَميرِ، وآثارُ القَدَمِ تَدُلُّ علىٰ المَسيرِ، فهَيْكَلٌ عُلْويٌّ بهذهِ اللَّطافَةِ، ومَرْكَزٌ سُفْليٌّ بهذهِ الكَثافَةِ كيفَ لا يَدُلّانِ علىٰ اللَّطيفِ الخَبيرِ؟![2]

۵۱۵۶. امام علی ﷺ ـ در پاسخ به سؤال از اثبات صانع ـ فرمود: پشکل شتر بر وجود شتر دلالت دارد و سرگین الاغ بر وجود الاغ و ردّ پا بر وجود رهگذر. پس، چگونه پیکره‌ای آسمانی با این لطافت و کالبدی زمینی با این ستبری، بر وجود خدایی لطیف و خبیر دلالت ندارد؟!

۵۱۵۷. عنه ﷺ ـ كانَ كثيراً ما يقولُ إذا فَرَغَ مِن صَلاةِ اللَّيلِ ـ: أشهَدُ أنَّ السَّماواتِ والأرضَ وما بَينَهُما آياتٌ تَدُلُّ عَلَيكَ، وشَواهِدُ تَشْهَدُ بما إلَيهِ دَعَوتَ. كلُّ ما يُؤدّي عنكَ الحُجَّةَ ويَشْهَدُ لكَ بالرُّبوبيّةِ مَوْسومٌ بآثارِ نِعْمَتِكَ، ومَعالِمِ تَدبيرِكَ.[3]

۵۱۵۷. امام علی ﷺ ـ در بیشتر اوقات که از نماز شب فراغت می‌یافت ـ می‌گفت: گواهی می‌دهم که آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست، نشانه‌هایی بر وجود تو است و گواههایی بر آنچه به سوی آن دعوت کردی. هر آنچه حجّت تو را بیان می‌کند و به پروردگاری تو گواهی می‌دهد، نشان آثار نعمتهای تو و علایم تدبیر تو را بر خود دارد.

۵۱۵۸. عنه ﷺ: بصُنْعِ اللهِ يُسْتَدَلُّ عليهِ، وبالعُقولِ تُعْتَقَدُ مَعْرِفَتُهُ، وبالفِكْرَةِ تَثْبُتُ حُجَّتُهُ، وبآياتِهِ احْتَجَّ علىٰ خَلْقِهِ.[4]

۵۱۵۸. امام علی ﷺ: از آفریده‌های خدا به وجود او راه برده می‌شود و با خردها شناخت او راسخ می‌شود و با تفکر و اندیشه، برهان بر هستی او آشکار می‌گردد و از طریق آیات و نشانه‌های او حجّت وی، بر خلقش تمام می‌شود.

۵۱۵۹. عنه ﷺ: ظَهَرَتْ في بَدائِعِ الَّذي أحْدَثَها آثارُ حِكمَتِهِ، وصارَ كُلُّ شَيءٍ خَلَقَ حُجَّةً لَهُ

۵۱۵۹. امام علی ﷺ: آثار حکمت خداوند، در بدایعی که پدید آورده آشکار است و هر چیزی که آفرید، حجّت او شد ونسبت بدو

---

۱. آل عمران: ۱۹۰. ۲. بحار الأنوار: ۲۷/۵۵/۳.
۳. شرح نهج البلاغة: ۲۵۵/۲۰.
۴. تحف العقول: ۶۲.

ومُنْتَسِباً إلَيهِ، فإنْ كانَ خَلْقاً صامِتاً فحُجَّتُهُ بالتَّدبيرِ ناطِقَةٌ فيهِ.[1]

یافت. پس، اگر آفریده‌ای بی‌زبان و خاموش باشد [آثار] تدبیر خدا در آن، حجّت گویای اوست.

۵۱۶۰. عنه ﷺ: ولَو فَكّروا في عَظيمِ القُدرَةِ وجَسيمِ النِّعمَةِ لَرَجَعوا إلَى الطَّريقِ وخافوا عذابَ الحَريقِ، ولكنّ القُلوبَ عَليلَةٌ والأبصارَ مَدْخولَةٌ.

أفَلا يَنْظُرون إلَى صَغيرِ ما خَلَقَ: كيفَ أحكَمَ خَلْقَهُ، وأتْقَنَ تَرْكيبَهُ، وفَلَقَ لَهُ السَّمعَ والبَصرَ، وسَوّى لَهُ العَظْمَ والبَشَرَ؟

انْظُروا إلَى النَّملَةِ في صِغَرِ جُثَّتِها ولَطافَةِ هَيْئَتِها لاتَكادُ تُنالُ بلَحْظِ البَصَرِ ولا بمُسْتَدرَكِ الفِكَرِ، كيفَ دَبَّتْ عَلَى أرْضِها وضَنَّتْ علَى رِزْقِها...

لو فَكَّرْتَ في مَجاري أكْلِها، في عُلُوِّها وسُفْلِها، وما في الجَوفِ مِن شَراسيفِ بَطْنِها، وما في الرَّأسِ مِن عَيْنِها وأُذُنِها، لَقَضَيتَ مِن خَلْقِها عَجَباً ولَقِيتَ مِن وَصْفِها تَعَباً...

فانْظُرْ إلَى الشَّمسِ والقَمَرِ، والنَّباتِ والشَّجَرِ، والماءِ والحَجَرِ، واخْتِلافِ اللَّيلِ والنَّهارِ، وتَفَجُّرِ هٰذِهِ بِحار، وكَثْرَةِ هٰذِهِ

۵۱۶۰. امام علی ﷺ: اگر در قدرت شگرف و نعمتهای عظیم [خداوند] می‌اندیشیدند بی گمان به راه می‌آمدند و از عذاب دوزخ می‌هراسیدند امّا دلها بیمار است و اندیشه‌ها آفت زده.

آیا به موجود کوچک مخلوق او نمی‌نگرند که چگونه آن را استوار آفرید و اجزایش را به دقّت به هم پیوست و برایش سوراخ گوش و چشم گشود و استخوان و پوست برایش پدید آورد؟

به همین مورچهٔ ریز و نازک اندام که تقریباً به چشم نمی‌آید و با اندیشه درک نمی‌گردد، بنگرید که چگونه روی زمین راه می‌رود و برای به دست آوردن روزیش تلاش می‌کند...

اگر در مجاری خوراک و بالا و پایین مورچه و اطراف و پهلوهای شکمش و در چشم و گوشش بیندیشی، از آفرینش او شگفت زده می‌شوی و در وصف آن به زحمت می‌افتی...

به خورشید و ماه و گیاه و درخت و آب و سنگ و گردش این شب و روز و جریان این دریاها و فراوانی این کوهها و بلندی

---

۱. التوحید: ۱۳/۵۲.

الجِبالِ، وطُولِ هٰذِهِ القِلالِ، وتَفَرُّقِ هٰذِهِ اللُّغاتِ والألسُنِ المُختَلِفاتِ.

فالوَيْلُ لِمَن أنكَرَ المُقَدِّرَ، وجَحَدَ المُدَبِّرَ! زَعَموا أنّهم كالنَّباتِ ما لَهُم زارِعٌ، ولا لاختِلافِ صُوَرِهِم صانِعٌ! لَم يَلْجَأُوا إلىٰ حُجَّةٍ فيما ادَّعَوا، ولا تَحقيقٍ لِما وَعَوا، وهَل يَكونُ بِناءٌ مِن غَيرِ بانٍ أو جِنايَةٌ مِن غَيرِ جانٍ ؟![1]

این قله‌ها و پراکندگی این لغات و لهجه‌ها و زبانهای گوناگون بنگر.

وای بر آن کس که ناظم و مدبّر این همه را انکار کند. تصوّر می‌کنند که همچون گیاهان خودرو هستند و برزگری ندارند و برای اَشکال گوناگون آنها آفریننده‌ای نیست. اینان برای ادّعای خود به دلیلی پناه نبردند و در باورهای خود تحقیق نکردند. آیا ممکن است ساختمانی بدون سازنده و یا [حتی] جنایتی بدون جنایتگر پدید آید ؟!

۵۱۶۱. الإمامُ الباقرُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿ومَن كانَ في هٰذِهِ أعمىٰ فهُوَ في الآخِرَةِ أعمىٰ﴾[2] ـ: فمَن لَم يَدُلَّهُ خَلقُ السَّماواتِ والأرضِ واختِلافُ اللَّيلِ والنَّهارِ، ودَوَرانُ الفَلَكِ بالشَّمسِ والقَمَرِ، والآياتُ العَجيباتُ علىٰ أنَّ وَراءَ ذٰلِكَ أمراً هُوَ أعظَمُ مِنهُ، ﴿فهُوَ في الآخِرَةِ أعمىٰ﴾. قالَ: فهُوَ عمّا لَم يُعايِنْ أعمىٰ وأضَلُّ سبيلاً.[3]

۵۱۶۱. امام باقر ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «کسی که در این دنیا کور باشد در آخرت نیز کور است» ـ فرمود: کسی که آفرینش آسمانها و زمین و گردش شب و روز و چرخش خورشید و ماه و دیگر نشانه‌های شگفت آور او را به این نکته رهنمون نشود که در پس همهٔ اینها خبر بسیار بزرگتری هست «در آخرت نیز کور است»، یعنی خدا می‌گوید: از مشاهدهٔ آنچه ندیده، کور است و ره گم کرده‌تر.

۵۱۶۲. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ وقد سألَهُ زِنديقٌ: ما الدَّليلُ علىٰ صانِعِ العالَمِ؟ ـ: وجودُ الأفاعيلِ الّتي دَلَّتْ علىٰ أنَّ صانِعاً صَنَعَها، ألا تَرىٰ أنَّكَ إذا نَظَرْتَ إلىٰ بِناءٍ مُشَيَّدٍ مَبْنِيٍّ عَلِمتَ أنَّ لَهُ بانِياً، وإنْ كُنتَ لَم تَرَ البانِيَ

۵۱۶۲. امام صادق ﷺ ـ در پاسخ به زندیقی که پرسید: دلیل وجود سازندهٔ جهان چیست؟ ـ فرمود: وجود کارها و پدیده‌هایی که نشان می‌دهد سازنده‌ای آنها را ساخته است، مگر نه این که وقتی ساختمانی را می‌بینی پی می‌بری که معمار و سازنده‌ای دارد، هر چند او را ندیده و

---

۱. بحار الأنوار: ۱/۲۶/۳. ۲. الإسراء: ۷۲.
۳. بحار الأنوار: ۲/۲۸/۳.

ولَم تُشاهِدْهُ؟![1]

۵۱۶۳. عنه ﷺ: أوَّلُ العِبَرِ والأدِلَّةِ علىٰ الباري جَلَّ قُدْسُهُ تَهْيِئَةُ هٰذا العالَمِ وتأليفُ أجْزائِهِ ونَظْمُها علىٰ ما هِيَ عليهِ، فإنَّكَ إذا تَأمَّلْتَ العالَمَ بفِكْرِكَ ومَيَّزْتَهُ بعَقلِكَ وجَدتَهُ كالبَيتِ المَبْنيِّ المُعَدِّ فيهِ جميعُ ما يَحتاجُ إلَيه عِبادُهُ؛ فالسَّماءُ مَرْفوعَةٌ كالسَّقفِ، والأرضُ مَمْدودَةٌ كالبِساطِ، والنُّجومُ مَنْضودَةٌ كالمَصابيحِ، والجَواهِرُ مَخْزونَةٌ كالذَّخائِرِ، وكلُّ شَيْءٍ فيها لِشأنِهِ مُعَدٌّ، والإنسانُ كالمُمَلَّكِ ذلكَ البَيتَ، والمُخَوَّلِ جَميعَ ما فيهِ، وضُروبُ النَّباتِ مُهَيَّأةٌ لَمآرِبِهِ، وصُنوفُ الحَيَوانِ مَصْروفَةٌ في مَصالِحِه ومَنافِعِه، ففي هٰذا دِلالَةٌ واضِحَةٌ علىٰ أنَّ العالَمَ مَخْلوقٌ بتَقْديرٍ وحِكْمَةٍ، ونِظامٍ ومُلاءَمَةٍ، وأنَّ الخالِقَ لَهُ واحِدٌ.[2]

۵۱۶۴. الإمامُ الرِّضا ﷺ ـ وقد سُئلَ عنِ الدَّليلِ علىٰ حُدوثِ العالَمِ ـ: أنتَ لَم تَكُنْ ثُمَّ كُنتَ، وقد عَلِمتَ أنَّكَ لَم تُكَوِّنْ نَفْسَكَ، ولا كَوَّنَكَ مَن هُو مِثلُكَ.[3]

۵۱۶۵. عنه ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿ومَن كانَ في هٰذِهِ

مشاهده‌اش نکرده باشی؟

۵۱۶۳. **امام صادق ﷺ**: نخستین نشان و دلیل بر وجود آفریدگار، جلّ‌قدسه، پدید آوردن این جهان و ترکیب اجزای آن و نظم بخشیدن آن اجزا به شکل فعلی است. هر گاه دربارهٔ این جهان به اندیشه و خرد خویش تأمّل و دقّت کنی آن را همانند خانه‌ای یابی که هر آنچه بندگانش بدان نیاز دارند در آن فراهم است. آسمان همچون سقف، برافراشته‌شده وزمین همانند فرش، گسترده است و ستارگان، مانند چراغها کنار هم چیده شده‌اند و گوهرها همانند گنجینه‌هایی در دل زمین اندوخته شده‌اند. هر چیز عالم به جای خود فراهم گشته است و انسان همچون مالک این خانه است و صاحب همهٔ اثاث و لوازم آن. انواع گیاهان برای اهداف او آماده گشته وحیوانات گوناگون در خدمت مصالح و منافع او می‌باشند. این همه آشکارا نشانگر این است که عالم بر اساس یک برنامه و حکمت و نظم و هماهنگی آفریده شده و آفریدگار آن یکی است.

۵۱۶۴. **امام رضا ﷺ** ـ در پاسخ به پرسش از دلیل حدوث عالم ـ فرمود: تو نبودی و سپس بود شدی [از طرفی هم] می‌دانی که تو خود خودت را به وجود نیاورده‌ای و کسی مانند تو نیز، تو را هستی نبخشیده است.

۵۱۶۵. **امام رضا ﷺ** ـ دربارهٔ آیهٔ «کسی که در این دنیا کور باشد در آخرت نیز کور است» ـ

---

۱. التوحید: ۱/۲۴۴.
۲. بحار الأنوار: ۶۱/۳.
۳. التوحید: ۳/۲۹۳.

أعمىٰ فَهو في الآخِرَةِ أَعمىٰ﴾ ـ: يَعني أَعْمىٰ عنِ الحقائقِ المَوجودةِ.[1]

فرمود: یعنی از دیدن حقایقی که وجود دارد کور و ناتوان است.

۱۰۸۶
خَلقُ الإنسانِ

۱۰۸۶
آفرینش انسان

الكتاب:

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ﴾.[2]

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ﴾.[3]

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَصِهْراً وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيراً﴾.[4]

﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾.[5]

﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً﴾.[6]

﴿يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقاً مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمُ اللهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ﴾.[7]

قرآن:

«باید که انسان بنگرد از چه چیز آفریده شده است».

«از نشانه‌های قدرت اوست که شما را از خاک بیافرید تا انسان شدید و به هر سو پراکنده گشتید».

«اوست که آدمی را از آب بیافرید و او را نسب و پیوند ساخت. و پروردگار تو به این کارها تواناست».

«انسان را از لختهٔ خون آفرید».

«ما آدمی را از نطفه‌ای آمیخته بیافریدیم تا او را امتحان کنیم و شنوا و بینایش ساخته‌ایم».

«شما را در شکم مادرانتان در چند مرحله در درون تاریکیهای سه‌گانه آفرینش بخشید. این است خدای یکتا پروردگار شما. فرمانروایی از آن اوست. خدایی جز او نیست. پس، چگونه رویگردانتان می‌سازند؟».

الحديث:

٥١٦٦. الإمامُ عليٌّ ﷺ: أَمْ هٰذا الَّذي أَنشَأَهُ في

حدیث:

۵۱۶۶. امام علی ﷺ: آیا این انسان همان کسی نیست که خداوند او را در تاریکیهای

---

۱. التوحید: ۴۳۸.
۲. الطارق: ۵.
۳. الروم: ۲۰.
۴. الفرقان: ۵۴.
۵. العلق: ۲.
۶. الدهر: ۲.
۷. الزمر: ۶.

ظُلُماتِ الأرْحامِ وشُغُفِ الأسْتارِ نُطْفَةً دِهاقاً ... ثُمّ مَنَحَهُ قَلباً حافِظاً، ولِساناً لافِظاً، وَبَصَراً لاحِظاً، لِيَفْهَمَ مُعْتَبِراً، ويُقَصِّرَ مُزْدَجِراً، حتّىٰ إذا قامَ اعْتِدالُهُ واسْتَوىٰ مِثالُهُ، نَفَرَ مُسْتَكْبِراً.[1]

۵۱۶۷. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿مِن نُطْفَةٍ أمْشاجٍ﴾[2] ـ: ماءُ الرَّجُلِ وماءُ المرأةِ اخْتَلَطا جَميعاً.[3]

۵۱۶۸. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: والعَجَبُ مِن مَخْلوقٍ يَزْعُمُ أنّ اللهَ يَخْفىٰ علىٰ عِبادِهِ وهُو يَرىٰ أثَرَ الصُّنْعِ في نَفْسِهِ بتَرْكيبٍ يَبْهَرُ عَقْلَهُ، وتَأليفٍ يُبْطِلُ حُجَّتَهُ (جُحودَهُ)! ولَعَمْري لَو تَفَكَّروا في هٰذِهِ الأُمورِ العِظامِ لَعايَنوا مِن أمرِ التَّرْكيبِ البَيِّنِ، ولُطْفِ التَّدبيرِ الظّاهِرِ، ووُجودِ الأشياءِ مَخلوقَةً بَعدَ أنْ لَم تَكُنْ، ثُمّ تَحَوُّلِها مِن طَبيعَةٍ إلىٰ طَبيعَةٍ، وصَنيعَةٍ بَعدَ صَنيعَةٍ، ما يَدُلُّهُم علىٰ الصّانِعِ.[4]

۵۱۶۹. **بحار الأنوار: الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ لَمّا دَخَلَ عَلَيهِ ابنُ أبي العَوْجاءِ ـ: يابنَ أبي

زهدان و پرده‌های غلاف مانند آفرید، از نطفه‌ای که ریخته شد... آن گاه به او دلی حفظ کننده و زبانی گویا و چشمی بینا بخشید تا بفهمد و عبرت گیرد و از زشتکاریها باز ایستد. اما چون قد راست کرد و به نهایت رشد خود رسید، گردنفرازانه روی برگرداند.

۵۱۶۷. **امام باقر** ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «از نطفه‌ای آمیخته» ـ فرمود: آب مرد و زن که با هم آمیخته شوند.

۵۱۶۸. **امام صادق** ﷺ: شگفت از بنده‌ای است که می‌پندارد خداوند بر بندگان خود پوشیده است، در حالی که اثر آفرینش را در وجود خود، با ترکیبی حیرت آور و پیوندی که بر [انکارش][1] خط بطلان می‌کشد، مشاهده می‌کند. به جان خودم سوگند! اگر در این پدیده‌های بزرگ می‌اندیشیدند، بیگمان این ترکیبِ روشن و تدبیرِ آشکار و پدید آمدن اشیایی که نبوده‌اند و تغییر و تحوّل آنها از حالی به حالی دیگر و از ساختاری به ساختاری دیگر، آنها را به وجود آفریدگار رهنمون می‌شد.

۵۱۶۹. **بحار الأنوار**: امام صادق ﷺ وقتی ابن ابی العوجاء نزد ایشان آمد فرمود: ای ابن ابی‌العوجاء! آیا تو مخلوقی یا غیر

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۸۳.
۲. الإنسان: ۲.
۳. تفسير القمّي: ۳۹۸/۲.
۴. بحار الأنوار: ۱۵۲/۳.

۱. ظاهراً نسخه [جحوده] اصح است و لذا ترجمه مطابق آن گردید.

العَوْجاءِ، أمَصْنوعٌ أنتَ أمْ غَيرُ مَصنوعٍ ؟ قالَ: لَستُ بمَصْنوعٍ، فقالَ لَهُ الصّادقُ ﷺ: فلَو كُنتَ مَصْنوعاً كيفَ كنتَ تكونُ ؟ فلَم يُحِرْ ابنُ أبي العَوْجاءِ جَواباً، وقامَ وخَرجَ.[1]

مخلوق؟ او گفت: غیر مخلوق. امام فرمود اگر مخلوق بودی چگونه بودی؟ ابن ابی العوجاء در جواب ماند و برخاست و بیرون رفت.

۵۱۷۰. **التوحيد:** قال الإمام الصادق ﷺ ـ لابن أبي العوجاء ـ: أمَصْنوعٌ أنتَ أم غَيرُ مَصنوعٍ ؟ فقالَ عبدُ الكريمِ بنُ أبي العَوْجاءِ: بل أنا غَيرُ مَصنوعٍ، فقالَ لَهُ العالِمُ ﷺ: فصِفْ لي: لَو كُنتَ مَصنوعاً كيفَ كنتَ تكونُ ؟ فبقيَ عبدُ الكريمِ مَلِيّاً لا يُحِيرُ جَواباً، ووَلِعَ بخَشَبَةٍ كانتْ بَينَ يَدَيهِ، وهُو يقولُ: طَويلٌ عَريضٌ عَميقٌ قَصيرٌ مُتَحرِّكٌ ساكِنٌ، كلُّ ذلكَ صفةُ خَلْقِهِ! فقالَ لَهُ العالِمُ ﷺ: فإنْ كنتَ لَمْ تَعْلَمْ صِفَةَ الصَّنْعَةِ غَيرَها فاجْعَلْ نَفسَكَ مَصْنوعاً لِما تَجِدُ في نَفْسِكَ مِمّا يَحْدُثُ مِن هٰذهِ الأُمورِ.[2]

۵۱۷۰. **التوحید:** امام صادق ﷺ در یکی از مناظره‌ها خطاب به ابن ابی العوجاء فرمود: آیا تو مخلوق هستی یا غیر مخلوق ؟ عبدالکریم بن ابی العوجاء گفت: من غیر مخلوق هستم. امام ﷺ فرمود: به من بگو اگر مخلوق بودی چگونه وضعی داشتی ؟ عبد الکریم مدّت درازی خاموش ماند و جوابی نداد ودر حالی که با چوبی که مقابلش بود بازی می‌کرد می‌گفت: دراز، پهن، گود، کوتاه، متحرّک، ساکن، همهٔ اینها صفت مخلوق است. امام ﷺ فرمود: اگر برای مخلوق صفاتی جز اینها نمی‌دانی، پس خودت را مخلوق بدان ؛ زیراکه این صفات را در خودت می‌یابی.

۵۱۷۱. **الإمامُ الرِّضا ﷺ** ـ وقد سألَهُ رجُلٌ مِن الزَّنادِقَةِ: فما الدّليلُ علَيهِ ؟ ـ: إنّي لَمّا نَظَرتُ إلىٰ جَسَدي فلَم يُمْكِنّي فيهِ زِيادَةٌ ولا نُقْصانٌ في العَرضِ والطُّولِ ودَفعِ

۵۱۷۱. **امام رضا ﷺ** ـ در پاسخ به زندیقی که پرسید: دلیل وجود خدا چیست ؟ ـ فرمود: من وقتی به جسم خود نگریستم و دیدم که نمی‌توانم در قد و پهنای آن کم و زیاد کنم و بدیها (بیماریها) را از آن دور سازم و سود و منفعتی به آن برسانم، دریافتم که این ساختمان را معمار و سازنده‌ای‌است ؛ پس به وجود او اقرار کردم.

---

۱. بحار الأنوار: ۴/۳۱/۳. ۲. التوحيد: ۶/۲۹۶.

المَكارِهِ عنهُ وجَرِّ المَنفَعَةِ إلَيهِ عَلِمتُ أنّ لهذا البُنيانِ بانِياً، فأقرَرْتُ بِهِ. مَع ما أرىٰ مِن دَوَران الفَلَكِ بِقُدْرَتِهِ، وإنْشاءِ السَّحابِ، وتَصْريفِ الرِّياحِ، ومَجْرىٰ الشَّمسِ والقَمَرِ والنُّجومِ، وغيرِ ذلكَ مِن الآياتِ العَجيباتِ المُتْقَناتِ، عَلِمْتُ أنّ لِهٰذا مُقَدِّراً ومُنْشِئاً.[1]

(انظر) الإنسان: باب ۳۱۹، ۳۲۰.

افزون بر این، از مشاهدهٔ چرخش فلک به قدرت او، و پدید آوردن ابرها و به حرکت در آوردن بادها و حرکت خورشید و ماه و ستارگان و دیگر نشانه‌های متقنِ شگفت‌آور، پی بردم که این همه را مدبّر و پدید آورنده‌ای است.

۱۰۸۷
التَّصويرُ فِي الأرحامِ

الكتاب:

﴿هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحامِ كَيْفَ يَشاءُ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾.[2]

﴿هُوَ اللهُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنىٰ يُسَبِّحُ لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾.[3]

الحديث:

۵۱۷۲. رسولُ اللهِ ﷺ ـ لأميرِ المؤمنينَ ﷺ ـ: قُلْ ما أوَّلُ نِعمَةٍ بَلاكَ اللهُ عزّوجلّ وأنْعَمَ عَلَيكَ بِها؟ قالَ: أنْ خَلَقَني... فما الثّالثةُ؟ قالَ:

۱۰۸۷
صورتگری در زهدانها

قرآن:

«اوست که شما را در رحم مادران به هر سان که خواسته باشد می‌نگارد. نیست خدایی جز او که پیروزمند و حکیم است».

«اوست خدایی که آفریدگار است، صورت بخش است، اسمهای نیکو از آن اوست، هر چه در آسمانها و زمین است تسبیح‌گوی او هستند و او پیروزمند و حکیم است».

حدیث:

۵۱۷۲. پیامبر خدا ﷺ ـ به امیرالمؤمنین ﷺ ـ فرمود: بگو نخستین نعمتی که خداوند عزّوجلّ به تو ارزانی داشت چیست؟ عرض کرد: این که مرا آفرید... سومین نعمت چیست؟ گفت: این که به حمد الله

---

۱. التوحید: ۳/۲۵۱. ۲. آل عمران: ۶.
۳. الحشر: ۲۴.

أنْ أنْشَأني ـ فلَهُ الحَمدُ ـ في أحْسَنِ صُورةٍ وأعْدَلِ تَرْكيبٍ. قالَ: صَدَقْتَ.[1]

مرا در بهترين شكل و متناسبترين تركيب به وجود آورد. فرمود: درست گفتى.

۵۱۷۳. الإمامُ عليٌّ ﷺ: تَعْتَلِجُ النُّطْفَتانِ في الرَّحِمِ، فأيَّتُهما كانتْ أكثرَ جاءتْ تُشْبِهُها.[2]

۵۱۷۳. امام على ﷺ: دو نطفه [از زن و مرد] در رحم با هم مى‌آميزند و هر يک از آن دو بيشتر باشد، نوزاد شبيه او مى‌شود.

۵۱۷۴. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنّ اللهَ تبارَكَ وتعالىٰ إذا أرادَ أنْ يَخْلُقَ خَلْقاً جَمعَ كُلَّ صُورَةٍ بَينَهُ وبَينَ أبيهِ إلىٰ آدَمَ، ثُمّ خَلَقَهُ علىٰ صُورَةِ أحَدِهِم، فلا يَقولَنَّ أحَدٌ: هٰذا لا يُشْبِهُني ولا يُشْبِهُ شَيئاً مِن آبائي![3]

۵۱۷۴. امام صادق ﷺ: خداوند تبارک و تعالى هر گاه بخواهد كسى را بيافريند، هر شكل و صورتى كه ميان او و پدرش تا آدم وجود دارد جمع مى‌كند و سپس وى را به شكل يكى از آنها مى‌آفريند، بنابر اين، هيچ كس نبايد بگويد كه اين اصلاً شبيه من، يا شبيه پدران من نيست.

۱۰۸۸ خَلقُ الرّوحِ

۱۰۸۸ آفرينش روح

الكتاب:

﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتاً فَأَحْياكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾.[4]

﴿يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُونَ﴾.[5]

(انظر) البقرة: ۷۳، النجم: ۴۴، الحجّ: ۶۶، ق: ۴۳، الأعراف: ۱۵۸، التوبة: ۱۱۶، يونس: ۳۱، ۵۶، المؤمنون: ۸۰، غافر: ۶۸، الدخان: ۸، الحديد: ۲، الجاثية: ۲۶، الأنعام: ۹۵، آل عمران: ۲۷.

قرآن:

«چگونه به خدا كفر مى‌ورزيد در حالى كه مرده بوديد و شما را زنده كرده و سپس شما را مى‌ميراند و آن گاه دوباره زنده مى‌كند و سرانجام به‌سوى او باز مى‌گرديد؟!».

«زنده را از مرده بيرون مى‌كشد و مرده را از زنده و زمين مرده را زنده مى‌گرداند و اين چنين بيرون آورده مى‌شويد».

---

۱. الأمالي للطوسي: ۱۰۷۷/۴۹۲.
۲. علل الشرائع: ۴/۹۵. ۳. علل الشرائع: ۱/۱۰۳.
۴. البقرة: ۲۸. ۵. الروم: ۱۹.

۱۰۸۹
خَلقُ الأزواجِ

الكتاب:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْها وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾.[1]

﴿فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجاً وَمِنَ الْأَنْعامِ أَزْوَاجاً يَذْرَأُكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾.[2]

﴿وَاللهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجاً وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَما يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتابٍ إِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللهِ يَسِيرٌ﴾.[3]

(انظر) النجم: ۴۵، القيامة: ۳۹، النحل: ۷۲، الليل: ۳.

الحديث:

۵۱۷۵. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: لَو رَأيتَ فَرْداً مِن مِصْراعَيْنِ فيه كَلّوبٌ، أكنتَ تَتَوهَّمُ أنَّهُ جُعِلَ كذلكَ بلا مَعنىً؟ بَلْ كُنتَ تَعلمُ ضَرورَةً أنَّهُ مَصْنوعٌ يَلْقىٰ فَرداً آخَرَ، فتُبْرِزُهُ لِيكونَ في اجْتِماعِهِما ضَرْبٌ مِن

۱. الروم: ۲۱. ۲. الشورىٰ: ۱۱.
۳. فاطر: ۱۱.

۱۰۸۹
آفرینش جفتها

قرآن:

«و از نشانه‌های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان جفتها آفرید تا به ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد. همانا در این نشانه‌هایی است برای مردمی که بیندیشند».

«آفریدگار آسمانها و زمین است. برای شما از خودتان جفتهایی آفرید و نیز برای چارپایان جفتهایی پدید آورد. با آفرینش همسران بر شمارتان می‌افزاید. هیچ چیز همانند او نیست و اوست شنوا و بینا».

«خدا شما را از خاک و سپس از نطفه بیافرید. آنگاه جفتهای یکدیگرتان قرار داد. هیچ زنی آبستن نمی‌شود و نمی‌زاید مگر به علم او. و عمر هیچ سالخورده‌ای به درازا نکشد و از عمر کسی کاسته نگردد، جز آن که همه در کتابی نوشته شده است. و این کارها بر خدا آسان است».

حدیث:

۵۱۷۵. امام صادق ﷺ: اگر دیدی که یکی از دو لنگهٔ در، زلفین[1] دارد، آیا گمان می‌بری آن زلفین بی‌خود و بی جهت نصب شده است؟ نه، بلکه بی شکّ پی می‌بری که تعبیه شده تا با لنگهٔ دیگر جفت و بسته شود. لذا لنگهٔ دیگر را فراهم می‌آوری تا از

۱. حلقه‌ای باشد که بر چارچوب درب نصب کنند و چفت یا زنجیر را بدان اندازند. (فرهنگ معین: ۲ / ۱۷۴۵)

المَصلَحَةِ، وهٰكذا تَجِدُ الذَّكَرَ مِن الحَيوانِ كأنَّهُ فَردٌ مِن زَوْجٍ مَهَيَّأٌ مِن فَردٍ أُنثىٰ، فَيلْتَقيانِ لِما فيهِ مِن دَوامِ النَّسْلِ وبَقائِهِ، فَتَبّاً وخَيْبَةً وتَعْساً لِمُنْتَحلي الفَلسَفَةِ، كيفَ عَمِيَتْ قُلوبُهُم عن هٰذِهِ الخِلْقَةِ العَجيبَةِ، حتّىٰ أنكروا التَّدبيرَ والعَمْدَ فيها ؟![1]

۱۰۹۰
زَوجِيَّةُ الأشياءِ

الكتاب:

﴿سُبْحانَ الَّذي خَلَقَ الأزْواجَ كُلَّها مِمّا تُنْبِتُ الأرْضُ وَمِنْ أنْفُسِهِمْ وَ مِمّا لا يَعْلَمُونَ﴾.[2]

﴿أوَلَمْ يَرَوْا إلَى الأرْضِ كَمْ أنْبَتْنا فيها مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَريمٍ * إنَّ في ذٰلِكَ لآيَةً وَما كانَ أكْثَرُهُمْ مُؤْمِنينَ﴾.[3]

﴿وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾.[4]

الحديث:

۵۱۷۶. رسولُ اللهِ ﷺ: فهٰذا الَّذي نُشاهِدُهُ مِن الأشْياءِ بَعْضُها إلىٰ بَعْضٍ مُفْتَقِرٌ، لأنَّهُ لا قِوامَ لِلبَعْضِ إلّا بما يَتَّصِلُ بِهِ، كما تَرىٰ البِناءَ مُحْتاجاً بَعْضُ أجْزائِهِ إلىٰ بَعْضٍ،

۱. بحار الأنوار: ۷۵/۳. ۲. یس: ۳۶.
۳. الشعراء: ۷، ۸. ۴. الذاریات: ۴۹.

اجتماع آنها سودی حاصل شود. به همین صورت است، وجود حیوان نر. گویی فردی از یک جفت است که برای فردِ ماده مهیّا شده است. پس نر و ماده با هم جفت می‌شوند، زیرا که دوام و بقای نسل در این است. هلاک و نومید و نگونبخت بادا این مدّعیان فلسفه! چگونه دیدهٔ دلشان، این آفرینش شگفت را نمی‌بیند چندان که وجود تدبیر و آگاهی و قصد را در آن انکار می‌کنند؟

۱۰۹۰
جفت بودن اشیاء

قرآن:

«منزّه است آن خدایی که همهٔ جفتها را بیافرید، چه از آنچه زمین می‌رویاند و چه از خودهایشان و چه آن چیزهایی که نمی‌شناسند».

«آیا به زمین ننگریستند که در آن از هر گیاهی جفتی نیکو رویانیدیم. همانا در این عبرت و نشانه است ولی بیشترشان ایمان نمی‌آورند».

«و از هر چیزی جفتی بیافریده‌ایم، باشد که عبرت گیرید».

حدیث:

۵۱۷۶. **پیامبر خدا ﷺ**: این اشیائی که می‌بینیم هریک به دیگری نیازمنداست؛ زیرا قوام وبقای هریک بسته به دیگری است. همچنان که اجزای یک ساختمان، محتاج ووابسته به یکدیگرند وگرنه هماهنگ

وإلّا لَم يَتَّسِقْ ولَم يَسْتَحْكِمْ، وكذٰلكَ سائرُ ما نَرىٰ.[1]

ومستحکم نمی‌ماند. همچنین است دیگر چیزهایی که می‌بینیم.

۵۱۷۷. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ في وصفِ اللهِ تعالىٰ بذِكرِ بعضِ أفعالِهِ ـ: مُؤلِّفٌ بَينَ مُتَعادِياتِها، مُفَرِّقٌ بَينَ مُتَدانياتِها، دالّةٌ بتَفْريقِها علىٰ مُفَرِّقِها، وبتَأليفِها علىٰ مُؤَلِّفِها، وذلكَ قولُهُ عزّوجلّ: ﴿ومِنْ كُلِّ شَيءٍ خَلَقْنا زَوْجَينِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرونَ﴾.[2]

۵۱۷۷. **امام علی** ﷺ ـ در توصیف خداوند متعال با ذکر برخی افعال او ـ فرمود: اشیای دور و متباین را به هم نزدیک کرد و میان نزدیکها جدایی افکند، تا با جدایی افکندن میان آنها، بر جداکننده رهنمون شود و با نزدیک و فراهم آوردن آنها، بر فراهم آورنده. این است معنای سخن خداوند متعال که می‌فرماید: «از هر چیزی جفتی بیافریدیم باشد که عبرت گیرید».

۵۱۷۸. عنه ﷺ: أجَلَّ الأشياءَ لأوْقاتِها، ولاءَمَ بينَ مُختَلِفاتِها، وغَرَّزَ غَرائزَها، وألزَمَها أشْباحَها.[3]

۵۱۷۸. **امام علی** ﷺ: [خداوند پدید آمدن] اشیاء را به زمان خودشان موکول کرد، میان اشیای گوناگون سازگاری پدید آورد و به هر یک، سرشت و نهادی مخصوص ارزانی داشت و هریک را با همانندش همراه کرد.

۵۱۷۹. عنه ﷺ: ولَم يَخْلُقْ شيئاً فَرْداً قائماً بنَفْسِهِ دُونَ غَيرِهِ؛ لِلَّذي أرادَ مِن الدَّلالَةِ علىٰ نَفْسِهِ وإثْباتِ وجُودِهِ، فاللهُ تَبارَكَ وتعالىٰ فَرْدٌ واحِدٌ لا ثانيَ مَعَهُ يُقيمُهُ ولا يَعْضُدُهُ ولا يَكُنُّهُ، والخَلْقُ يُمْسِكُ بعضُهُ بَعْضاً بإذنِ اللهِ ومَشيئَتِهِ.[4]

۵۱۷۹. **امام علی** ﷺ: خداوند هیچ چیزی را به صورت فردی مستقل و بدون جفت نیافریده است، تا از این طریق مردم را به خود راهنمایی و وجود خویش را [برای آنان] اثبات کند؛ زیرا که خداوند تبارک و تعالی یکتا و یگانه است و او را دومی نیست تا قوامش به او باشد و حمایتش کند، امّا مخلوقات، به اذن و مشیّت خدا به یکدیگر وابسته‌اند.

۵۱۸۰. عنه ﷺ ـ في وصفِ خلقِ اللهِ لِلأشياءِ ـ: أقامَ مِنَ الأشْياءِ أوَدَها، ونَهّىٰ معالِمَ حُدودِها، ولأمَ (ولاءَمَ) بقُدْرَتِه بينَ مُتَضادّاتِها،

۵۱۸۰. **امام علی** ﷺ ـ در توصیف آفرینش اشیاء به وسیلهٔ خدا ـ فرمود: پس کجی همهٔ اشیاء را راست گردانید و حدودشان را معیّن کرد و با قدرت خود میان اشیای ناسازگار،

---

۱. بحار الأنوار: ۱/۲۶۲/۹. ۲. التوحيد: ۲/۳۰۸.
۳. بحار الأنوار: ۵/۲۲۸/۴. ۴. بحار الأنوار: ۱/۳۱۶/۱۰.

ووَصَلَ أسبابَ قَرائِنِها.[1]

۵۱۸۱. الإمامُ الرِّضا ﷺ: إنّما تحُدُّالأدواتُ أنفُسها، وتُشيرُ الآلَةُ إلىٰ نَظائِرِها، وفي الأشْياءِ يُوجَدُ فِعالُها، مَنَعَتْها «مُنذُ» القِدْمَةَ، وَحَمَتْها «قَد» الأزَلِيَّةَ، وجَنَّبَتْها «لَولا» التَّكْمِلَةَ. افْتَرَقَتْ فَدَلَّتْ عَلىٰ مُفَرِّقِها، وتَبايَنَتْ فأعْرَبَتْ عَن مُباينِها، لِمَا تَجلّىٰ صانِعُها للعُقولِ.[2]

۵۱۸۲. عنه ﷺ: إنّما تحُدُّ الأدواتُ أنفُسها، وتُشيرُ الآلَةُ إلىٰ نَظائِرِها، وفي الأشياءِ يُوجَدُ أفْعالُها ... لَولا الكَلِمَةُ افْتَرَقَتْ فدَلَّتْ علىٰ مُفَرِّقِها، وتَبايَنَتْ فأعْرَبَتْ عَن مُباينِها، لَمّا تَجلّىٰ صانِعُها للعُقولِ.[3]

۱۰۹۱
الرِّزقُ ومَعرِفَةُ اللهِ

الكتاب:

﴿يا أَيُّهَا النّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خالِقٍ غَيْرُ اللهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّماءِ وَالأَرْضِ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ فَأَنّىٰ تُؤْفَكُونَ﴾.[4]

---

۱. التوحيد: ۱۳/۵۳. ۲. التوحيد: ۲/۳۹.
۳. عيون أخبار الرضا: ۵۱/۱۵۲/۱. ۴. فاطر: ۳.

سازگاری پدید آورد و آنها را با هم پیوند داد.

۵۱۸۱. **امام رضا** ﷺ: ابزارها خود را محدود می‌کنند، و آلات به همانندهای خود اشاره دارند و [اثر] کار آنها در موجودات یافت می‌شود، اشیاء با کلمهٔ «مُنْذ (از زمان ...) از ملک قِدَم خارج می‌شوند و با کلمهٔ «قد» [که محدودیت زمانی را می‌رساند] از ازلیت بیرون می‌آیند و با کلمهٔ «لولا»ی تکمله، از کامل بودن دور می‌شوند. اشیاء از هم جدا و پراکنده شدند و بدین سان بر فاعل جداکننده دلالت کردند و با یکدیگر مباین شدند و از وجود کسی که آنها را از یکدیگر متمایز کرده است، پرده برداشتند. و بدین سان، آفرینندهٔ اشیاء بر خردها آشکار و جلوه‌گر شد.

۵۱۸۲. **امام رضا** ﷺ: ابزارها خود را می‌شناسانند، و آلات واسباب به همانندهای خود اشاره دارند، و افعال و کردارِ اشیاء در خود آنها یافت می‌شود... اگر موجودات از هم جدا نشده بودند، تا بدین سان بیانگر وجود جداکننده‌ای باشند واگر ازیکدیگر متمایز و متباین نمی‌شدند، تا از این راه بر وجود خدایی که میان آنها تباین و تمایز ایجاد کرده دلالت کنند، هرگز سازندهٔ آنها بر خردها آشکار و هویدا نمی‌گشت.

۱۰۹۱
روزی و خداشناسی

قرآن:

«ای مردم! نعمتی را که خدا به شما ارزانی داشته است یاد کنید. آیا جز خدا آفرینندهٔ دیگری هست که شما

﴿أَمَّنْ هٰذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ﴾.[1]

الحديث:

۵۱۸۳. الإمامُ عليٌّ ﷺ: أيُّها المَخلوقُ السَّويُّ، والمُنْشَأُ المَرْعِيُّ، في ظُلُماتِ الأرْحامِ ومُضاعَفاتِ الأستارِ، بُدِئْتَ مِن سُلالَةٍ مِن طِينٍ، ووُضِعتَ في قَرارٍ مَكينٍ، إلىٰ قَدَرٍ مَعلومٍ وأَجلٍ مَقْسومٍ، تَمُورُ في بَطنِ أُمِّكَ جَنيناً، لا تُحيرُ دُعاءً، ولا تَسمَعُ نِداءً، ثُمَّ أُخْرِجْتَ مِن مَقَرِّكَ إلىٰ دارٍ لَم تَشْهَدْها، ولَم تَعرِفْ سُبُلَ مَنافِعِها، فَمَن هَداكَ لاجْتِرارِ الغِذاءِ مِن ثَدْيِ أُمِّكَ، وعَرَّفَكَ عِندَ الحاجَةِ مواضِعَ طَلَبِكَ وإرادَتِكَ؟[2]

۵۱۸۴. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: ما أَقْبَحَ بالرَّجُلِ يَأتي عَلَيهِ سَبْعونَ سَنَةً أو ثَمانونَ سَنَةً يَعيشُ في مُلكِ اللهِ ويَأكُلُ مِن نِعَمِه، ثُمَّ لا يَعرِفُ اللهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ![3]

۵۱۸۵. عنه ﷺ: فَكِّرْ يا مُفضَّلُ في الأفْعالِ الَّتي جُعِلَتْ في الإنْسانِ مِن الطُّعْمِ... ولَو كانَ الإنْسانُ إنَّما يَصيرُ إلىٰ أكْلِ الطَّعامِ لِمَعْرِفَتِهِ

---

۱. الملك: ۲۱. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۶۳.
۳. بحار الأنوار: ۳۴/۵۴/۴.

را از آسمان و زمین روزی دهد؟ خدایی جز او نیست، پس چگونه عقیدهٔ شما را دگرگون می‌سازند؟».

«آیا کسی هست که به شما روزی‌دهد اگر او روزی خویش باز دارد؟ [نه،] بلکه در سرکشی و دوری از حقّ لجاج می‌ورزند».

حدیث:

۵۱۸۳. **امام علی** ﷺ: ای انسانی که در کمال اعتدال وتناسب آفریده شده‌ای و در تاریکیهای زهدانها و پرده‌های تو بر تو شکل گرفته و پرورده شده‌ای، آفرینشت از عصارهٔ گِلی آغاز شد و در جایگاهی آرام و امن تا زمانی مشخص و مهلتی تعیین شده نهاده شدی. آن گاه که جنین هستی، در شکم مادرت می‌جنبی، نه سخنی را پاسخ می‌دهی و نه آوازی را می‌شنوی. آن گاه از قرارگاه خود به سرای بیرون، آورده شدی، که آن را ندیده‌ای و راههای کسب سود و منافع آن را نمی‌دانی، چه کسی تو را به مکیدن شیر از پستان مادرت راهنمایی کرد؟ و چه کسی جایگاههای طلب و خواستن را به تو آموخت؟

۵۱۸۴. **امام صادق** ﷺ: چه زشت است که آدمی در مُلک خداوند، هفتاد یا هشتاد سال زندگی کند و از نعمتهای او بخورد، اما خدای را چنان که باید نشناسد!

۵۱۸۵. **امام صادق** ﷺ: ای مفضّل! در افعالی چون خوردن و... که در وجود انسان نهاده شده است بیندیش. اگر قرار بود انسان از روی آگاهی به نیازهای بدنش، به خوردن غذا

بحاجَةِ بَدَنِهِ إلَيهِ ولَم يَجِدْ مِن طِباعِهِ شَيئاً يَضْطَرُّهُ إلىٰ ذلكَ كانَ خَليقاً أنْ يَتوانىٰ عَنهُ أحْياناً بالتَّثَقُّلِ والكَسَلِ، حتّىٰ يَنْحَلَّ بَدَنُهُ فيَهْلِكَ.[1]

مبادرت می‌ورزید، و در نهاد او انگیزه‌ای وجود نداشت‌که او را به این کار ناچار سازد، بیگمان در خوردن غذا تنبلی و سستی می‌ورزید، چندان که بدنش فرسوده می‌شد و از میان می‌رفت.

۱۰۹۲
تَقديرُ الأشياءِ

۱۰۹۲
تعیین حدّ و اندازهٔ اشیاء

الكتاب:

﴿قالَ رَبُّنَا الَّذي أعطىٰ كُلَّ شَيءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدىٰ﴾.[2]

﴿اللهُ يَعْلَمُ ما تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثىٰ وَما تَغيضُ الأرْحامُ وَما تَزْدادُ وَكُلُّ شَيءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدارٍ﴾.[3]

﴿الَّذي لَهُ مُلْكُ السَّماواتِ وَالأرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُن لَهُ شَريكٌ فِي‌الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْديراً﴾.[4]

﴿إنّا كُلَّ شَيءٍ خَلَقْناهُ بِقَدَرٍ﴾.[5]

الحديث:

۵۱۸۶. رسولُ اللهِ ﷺ: قَدَّرَ اللهُ المَقاديرَ قَبلَ أنْ يَخلُقَ السَّماواتِ والأرضَ بِخَمسينَ الفَ سَنَةٍ.[6]

قرآن:

«گفت: پروردگار ما همان کسی است که هر چیزی را خلقتی در خور، ارزانی داشت و سپس هدایتش کرد».

«خدا می‌داند که هر ماده‌ای چه باردار است و در رحمها چه از آن می‌کاهد و چه بدان می‌افزاید و هر چیز را در نزد او مقداری معیّن است».

«آن کس که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست و فرزندی نگرفته است و او را شریکی در فرمانروایی نیست و هر چیز را بیافرید و آن را به اندازه آفرید».

«ما هر چیز را به اندازه آفریده‌ایم».

حدیث:

۵۱۸۶. **پیامبر خدا** ﷺ: خداوند، مقدّرات را پنجاه هزار سال پیش از آفرینش آسمان‌ها و زمین تقدیر کرد.

---

۱. بحار الأنوار: ۷۸/۳.
۲. طه: ۵۰.
۳. الرعد: ۸.
۴. الفرقان: ۲.
۵. القمر: ۴۹.
۶. التوحید: ۳۶۸/۷.

۵۱۸۷ . الإمامُ عليٌّ عليه السلام: قَدَّرَ ما خَلَقَ فَأَحْكَمَ تَقديرَهُ. وَدَبَّرَهُ فَأَلْطَفَ تَدبيرَهُ.[1]

۵۱۸۸ . الكافي عن محمّد بن مسلم: سألت الإمامَ الصّادقَ عليه السلام عن قولِ اللهِ عزّوجلّ: ﴿أعْطىٰ كُلَّ شَيءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدىٰ﴾ قال: ليسَ شَيءٌ مِن خَلقِ اللهِ إلّا وهُو يَعرِفُ مِن شَكْلِهِ الذَّكَر مِن الأُنثىٰ. قلتُ: ما يَعْني ﴿ثُمَّ هَدىٰ﴾ ؟ قالَ: هَداهُ للنِّكاحِ والسِّفاحِ مِن شَكلِهِ.[2] [3]

۵۱۸۷ . **امام علی** علیه السلام: آنچه را آفرید به درستی و استواری اندازه کرد و آن را به ریزبینی تدبیر نمود.[1]

۵۱۸۸ . **الکافی** ـ به نقل از محمّد بن مسلم ـ: از امام صادق علیه السلام از آیهٔ «آفرینش هر چیزی را به او ارزانی داشت و سپس هدایتش کرد» سؤال کردم. حضرت فرمود: هیچ موجودی از آفریده‌های خداوند نیست، مگر آن که نر و ماده از جنس خود را می‌شناسند. عرض کردم: جملهٔ «سپس هدایتش کرد» به چه معناست؟ فرمود: هر موجودی را به جفت شدن و نزدیکی کردن با جنس مخالف از نوع خود راهنمایی کرد.[2]

۱۰۹۳

تَعليمُ الإنسانِ

الكتاب:

﴿الَّذي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾.[4]

﴿وَاللهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لا تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾.[5]

۱۰۹۳

تعلیم انسان

قرآن:

«خدایی که به وسیلهٔ قلم آموزش داد. به آدمی آن چه را که نمی‌دانست بیاموخت».

«و خدا شما را از دل مادرانتان بیرون آورد و هیچ نمی‌دانستید و برایتان چشم و گوش و دل بیافرید، شاید سپاس گویید».

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۹۱.

۲. الكافي: ۵ / ۵۶۷ / ۴۹.

۳. في الميزان في تفسير القرآن في قولهِ تعالىٰ: ﴿ربُّنا الّذي أعطىٰ كلَّ شيءٍ خَلْقَهُ﴾: فيزولُ المعنىٰ إلىٰ إلقائهِ الرابطةَ بين كلّ شيءٍ بما جهّز به في وجوده من القوىٰ والآلات، وبين آثاره الّتي تنتهي به إلىٰ غايةِ وجوده... الميزان في تفسير القرآن: ۱۴/۱۶۶، وانظر تمام كلامه عليه السلام.

۴. العلق: ۴، ۵.

۵. النحل: ۷۸.

۱. یعنی خدای بزرگ تعالی آنچه را آفرید است معیّن فرموده و آن را محکم و استوار ساخته و بخوبی آن را نظم و ترتیب داده است.

۲. در المیزان في تفسیر القرآن ذیل آیهٔ «پروردگار ما کسی است که آفرینش هر چیزی را بدو ارزانی داشت» آمده است: بر این معنا حمل می‌شود که خداوند میان قوا و ابزارهایی که وجود هر پدیده‌ای مجهز به آنهاست وآثاری که آن‌شیء را به سوی هدف نهایی وجودش پیش می‌برد ارتباط برقرار ساخت.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۰۹۳

اختِلافُ الألسِنَةِ وَالألوانِ

الكتاب:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّماوَاتِ وَالأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالِمِينَ﴾.[1]

﴿وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الأَرْضِ مُخْتَلِفاً أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ﴾.[2]

﴿فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفاً أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ * وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَالأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذٰلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾.[3]

الحديث:

٥١٨٩. **الإمامُ عليٌّ عليه السلام**: الوَيْلُ لِمَنْ أَنكَرَ المُقَدِّرَ، وجَحَدَ المُدَبِّرَ! زَعَموا أنَّهُم كالنَّباتِ ما لَهُم زارِعٌ، ولا لاختِلافِ صُوَرِهِم صانِعٌ، لَم يَلْجَأوا إلىٰ حُجَّةٍ فيما ادَّعَوا، ولا تَحقيقٍ لِما وَعَوا.[4]

---

۱. الروم: ۲۲.

۲. النحل: ۱۳.

۳. فاطر: ۲۷، ۲۸.

۴. بحار الأنوار: ۱/۲۶/۳.

۱۰۹۳

تنوع زبانها و رنگها

قرآن:

«و از نشانه‌های خداست آفرینش آسمانها و زمین
گونه گونی زبانها و رنگهای شما. هر آینه در ای
نشانه‌هایی است برای دانشمندان».

«در زمین چیزهایی با رنگهای گوناگون آفرید. همانا
این نشانه‌ای است برای مردمی که پند می‌گیرند».

«و به سبب آن (باران)، میوه‌های رنگارنگ آفرید
و از کوهها راهها پدید آوردیم؛ سفید و سر
و رنگارنگ و به غایت سیاه. از مردم و جنبندگ
و چارپایان نیز به رنگهای گوناگون آفریدیم. ه
آینه از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از
می‌ترسند».

حدیث:

۵۱۸۹. **امام علی علیه السلام**: وای بر کسی که وجود خدا
مقدّر و مدبّر را انکار کند. پنداشته‌اند ک
چون گیاهِ خودرویند و آنان را برزگری
نیست و شکلها و قیافه‌های گوناگون آنا
سازنده‌ای ندارد؟ اینان برای اثبات ادعای
خود دلیل و برهانی ندارند و در باورشا
تحقیق نکرده‌اند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۰۹۵
اللِّباسُ، الظِّلالُ، البُيوتُ

الكتاب:

﴿يا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنا عَلَيْكُمْ لِباساً يُوارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشاً وَلِباسُ التَّقْوىٰ ذٰلِكَ خَيْرٌ ذٰلِكَ مِنْ آياتِ اللهِ﴾.[1]

﴿وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْماً طَرِيّاً وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَها وَتَرَى الْفُلْكَ مَواخِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾.[2]

﴿وَاللهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمّا خَلَقَ ظِلالاً وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبالِ أَكْناناً وَجَعَلَ لَكُمْ سَرابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرابِيلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ﴾.[3]

﴿وَاللهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَناً وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعامِ بُيُوتاً تَسْتَخِفُّونَها يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوافِها وَأَوْبارِها وَأَشْعارِها أَثاثاً وَمَتاعاً إِلىٰ حِينٍ﴾.[4]

الحديث:

٥١٩٠. الإمامُ الباقرُ عليه السلام ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿لَمْ نَجْعَلْ لَهُم مِن دُونِها سِتْراً * كذلكَ﴾[5] ـ: لَم يَعْلَموا صَنْعَةَ البُيوتِ.[6]

---

١. الأعراف: ٢٦.
٢. النحل: ١٤.
٣. النحل: ٨١.
٤. النحل: ٨٠.
٥. الكهف: ٩٠ و ٩١.
٦. تفسير العياشي: ٢/٣٥٠، ٨٤.

۱۰۹۵
پوشاک، سایه‌ها، خانه‌ها

قرآن:

«ای بنی آدم! برای شما جامه‌ای فرو فرستادیم تا بدن برهنه‌تان را بپوشانید و نیز جامهٔ زینت. و جامهٔ پرهیزگاری از هر جامه‌ای بهتر است. و این یکی از آیات خداست».

«اوست که دریا را رام کرد تا از آن گوشت تازه بخورید و از آن زیورهایی بیرون آورید که خویشتن را بدانها بیارایید. و کشتیها را بینی که دریاها را می‌شکافند و پیش می‌روند تا از فضل خدا روزی بطلبند، باشد که سپاس گویید».

«خدا برای شما از چیزهایی که آفریده است سایه‌ها پدید آورد و در کوهها برایتان غارها ساخت و جامه‌هایی که شما را از گرما حفظ می‌کند و جامه‌هایی که در جنگ نگهدار شماست».

«خدا خانه‌هایتان را جای آرامشتان قرار داد و از پوست چارپایان برایتان خیمه‌ها ساخت تا به هنگام سفر و به هنگام اقامت در رنج نیفتید و از پشم و کرک و مویشان تاروزقیامت‌برایتان‌اثاث خانه و اسباب زندگی‌ساخت».

حدیث:

۵۱۹۰. امام باقر علیه السلام ـ دربارهٔ آیهٔ «که غیر از پرتو آن (آفتاب) برایشان هیچ پوششی قرار نداده‌ایم» ـ فرمود: خانه سازی بلد نبودند.

۱۰۹۶
النَّومُ

الكتاب:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهارِ وَابْتِغاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ﴾.[1]

﴿أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِراً إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾.[2]

(انظر) الفرقان: ۴۷، النبأ: ۹، الزمر: ۴۲.

الحديث:

۵۱۹۱. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ للمفضل بن عمر ـ: فَكِّرْ يا مُفَضَّلُ في الأفْعالِ الّتي جُعِلَتْ في الإنسانِ مِن الطُّعْمِ والنَّومِ... لَو كانَ إنّما يَصيرُ إلَى النَّومِ بالتَّفَكُّرِ في حاجَتِهِ إلَى راحَةِ البَدَنِ وإجْمامِ قُواهُ كانَ عَسَى أنْ يَتَثاقَلَ عَن ذٰلكَ، فَيَدْمَغَهُ حتّى يَسْتَهْلِكَ بَدَنُهُ.[3]

۱۰۹۶
خواب

قرآن:

«و از نشانه‌های وجود او خوابیدن شما در شب و روز و روزی طلبیدن شماست. در این [پدیده] نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌شنوند».

«آیا نمی‌بینند که شب را پدید آوردیم تا در آن بیارامند و روز را روشنی بخشیدیم؟ همانا در این [پدیده] نشانه‌هایی است برای مردمی که ایمان می‌آورند».

حدیث:

۵۱۹۱. امام صادق ﷺ ـ به مفضل بن عمر ـ: ای مفضّل! دربارهٔ کارهایی چون خوردن و خوابیدن و... که در وجود انسان نهاده شده است بیندیش. اگر انسان [تنها] با اندیشیدن به نیازش به آسودگی بدن و تجدید قوا به سوی خواب می‌رفت، چه بسا که در این کار سنگینی و تنبلی می‌کرد تا جایی که بدنش فرسوده و نابود می‌شد.

۱۰۹۷
اختِلافُ اللَّيلِ وَالنَّهارِ

الكتاب:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَداً إِلَى يَوْمِ

۱۰۹۷
گردش شب و روز

قرآن:

«بگو: چه تصوّر می‌کنید اگر خداوند شبتان را تا روز

---

۱. الروم: ۲۳. ۲. النمل: ۸۶.
۳. بحار الأنوار: ۷۸/۳.

الْقِيَامَةِ مَنْ إِلٰهٌ غَيْرُ اللهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ﴾.[۱]

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَداً إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلٰهٌ غَيْرُ اللهِ يَأْتِيكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾.[۲]

(انظر) الأنعام: ۹۶، الأعراف: ۵۴، القصص: ۷۳، النور: ۴۴، الفرقان: ۴۷، النمل: ۸۶، يس: ۳۷، الزمر: ۵.

قیامت طولانی سازد؟ جز او کدام معبودی است که شما را روشنایی ارزانی دارد؟ مگر نمی‌شنوید؟».

«بگو: چه تصوّر می‌کنید اگر خداوند روزتان را تا روز قیامت طولانی سازد؟ جز او کدام معبود است که شما را شب ارزانی دارد که در آن بیاسایید؟ مگر نمی‌بینید؟».

الحديث:

۵۱۹۲. **الإمامُ زينُ العابدين**ﷺ: الحَمْدُ للهِ الَّذي خَلَقَ اللَّيلَ والنهارَ بِقوَّتِه، وَميَّزَ بَينَهُما بِقُدرَتِه، وجَعَلَ لِكُلٍّ واحِدٍ مِنهُما حدّاً مَحدُوداً وأمَداً مَمدُوداً، يُولِجُ كُلَّ واحدٍ مِنهُما في صَاحِبِه، وَيُولِجُ صَاحِبَهُ فِيهِ بتقديرٍ مِنهُ لِلعِبادِ فيما يَغذُوهم بِه ويُنشِئُهم عليهِ.[۳]

حدیث:

۵۱۹۲. **امام زین العابدین**ﷺ: سپاس خدایی را که شب و روز را به قدرت خود آفرید و آن دو را از هم جدا ساخت و برای هر یک مرزی معیّن و زمانی مشخص قرار داد. این را در آن فرو می‌برد و آن را در این و هر یک را به اندازه تا بندگان را روزی و پرورش دهد.

۱۰۹۸
خَلقُ الأرضِ

۱۰۹۸
آفرینش زمین

الكتاب:

﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ﴾.[۴]

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ﴾.[۵]

﴿إِنَّ اللهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا

قرآن:

«و در زمین نشانه‌هایی است برای دارندگان یقین».

«و از نشانه‌های اوست که آسمان و زمین به فرمان او بر پای ایستاده‌اند. سپس چون شما را از زمین فرا خواند شما [از زمین] بیرون می‌آیید».

«همانا خداوند آسمانها و زمین را نگه می‌دارد تا نیفتند و اگر بیفتند، پس از او هیچ یک از شما نمی‌تواند آنها

---

۱. القصص: ۷۱. ۲. القصص: ۷۲.
۳. بحار الأنوار: ۳۷/۱۹۹/۵۸.
۴. الذاريات: ۲۰. ۵. الروم: ۲۵.

إنْ أَمْسَكَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إنَّهُ كانَ حَليماً غَفُوراً﴾.[۱]

﴿اللهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الأَرْضَ قَراراً وَالسَّماءَ بِناءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ ذٰلِكُمُ اللهُ رَبُّكُمْ فَتَبارَكَ اللهُ رَبُّ الْعالَمِينَ﴾.[۲]

(انظر) البقرة: ۲۲، الحجر: ۱۹، طه: ۵۳، الأنبياء: ۳۱، الرعد: ۳، ۴، إبراهيم: ۳۲، النحل: ۱۳، ۱۵، الكهف: ۷، الشعراء: ۷، ۸، النمل: ۶۰، ۶۱، لقمان: ۱۰، يس: ۳۳ ـ ۳۶، فصّلت: ۳۹، الشورى: ۲۹، الزخرف: ۱۰، الجاثية: ۱۳، ق: ۷، ۸، الذاريات: ۴۸، ۴۹، الرحمن: ۱۰ ـ ۱۳، الحديد: ۱۷، الطلاق: ۱۲، الملك: ۱۵، نوح: ۱۹، ۲۰، المرسلات: ۲۵ ـ ۲۸، النبأ: ۶ ـ ۱۶، الطارق: ۱۲، الغاشية: ۱۷ ـ ۲۰، الشمس: ۶.

الحديث:

۵۱۹۳. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: أنْشَأَ الأرضَ فأمْسَكَها مِن غيرِ اشْتِغالٍ، وأرْساها علىٰ غَيرِ قَرارٍ، وأقامَها بغَيرِ قوائمَ، ورَفَعَها بغَيرِ دَعائمَ، وحَصَّنَها مِن الأوَدِ والاعْوِجاجِ، ومَنَعَها مِن التَّهافُتِ والانْفِراجِ.[۳]

۵۱۹۴. **عنه** ﷺ: فأنْهَدَ جِبالَها عَن سُهولِها، وأساخَ قَواعِدَها في مُتونِ أقْطارِها... وجَعَلَها للأرضِ عِماداً، وأرْزَها فيها أوْتاداً، فسَكَنَتْ علىٰ حَرَكَتِها مِن أنْ تَميدَ بأهْلِها،

۱. فاطر: ۴۱. ۲. غافر: ۶۴.
۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۸۶.

را نگه دارد. هر آینه خدا بردبار و آمرزنده است».

«خداست که زمین را قرارگاه شما ساخت و آسمان را چون بنایی بیفراشت و شما را صورت بخشید و صورتهایتان را نیکو ساخت و از چیزهایی پاکیزه و خوش روزیتان داد. این است خدا پروردگار شما، برتر و بزرگوار است خدا پروردگار جهانیان».

حدیث:

۵۱۹۳. **امام علی** ﷺ: [خداوند] زمین را ایجاد کرد و آن را نگه داشت، بی آن که وی را مشغول سازد. و آن را بر جایی بدون قرار استوار کرد و بی هیچ پایه‌ای برپایش داشت و بی هیچ ستونی برافراشتش و آن را از کجی و انحراف نگاه داشت و از افتادن و شکافتن آن جلوگیری کرد.

۵۱۹۴. **امام علی** ﷺ: کوههای زمین را از دشتها و پستیهایش برآمده ساخت و ریشهٔ آنها را در دل زمینهای اطرافشان و جاهایی که برقرار هستند، فرو برد... و آنها را تکیه‌گاه زمین و میخهای نگهدارندهٔ آن قرار داد. پس، آن گاه زمین در عین متحرّک بودن، آرام گرفت، تا ساکنان خود را در سقوط و اضطراب قرار ندهد، یا آنچه را حمل کرده است فرونیندازد، یا آن را از جای خویش

أو تَسيخَ بحِمْلِها، أو تَزولَ عَن مَواضِعِها.[1]

جا به جا نکند.

۵۱۹۵. عنه ﷺ: رَفَعَ السَّماءَ بغَيرِ عَمَدٍ، وبَسَطَ الأرضَ علىٰ الهَواءِ بغَيرِ أرْكانٍ.[2]

۵۱۹۵. امام علی ﷺ: آسمان را بدون ستون و تکیه گاه برافراشت و زمین را بدون تکیه به ستونی در هوا بگسترانید.

۵۱۹۶. عنه ﷺ: كَبَسَ الأرضَ علىٰ مَوْرِ أمْواجٍ مُسْتَفْحِلَةٍ، ولُجَجِ بِحارٍ زاخِرَةٍ... وسَكَنَتِ الأرضُ مَدْحُوَّةً في لُجَّةِ تَيّارِهِ... فسَكَنَتْ مِن المَيَدانِ لرُسوبِ الجِبالِ في قِطَعِ أديمِها وتَغَلْغُلِها، مُتَسَرِّبَةً في جَوْباتِ خَياشِيمِها.[3]

۵۱۹۶. امام علی ﷺ: زمین را در میان تلاطم و هیجانهای امواج و دریاهای مملو از آب فرو برد... و زمین در میان آن آب پر موج قرار گرفت... و زمین به سبب نفوذ کوهها در آن و فرو رفتن ریشه‌های آن در منافذش از لرزش باز ایستاد و آرام گرفت.

۵۱۹۷. عنه ﷺ: ووَتَدَ بالصُّخورِ مَيَدانَ أرضِهِ.[4]

۵۱۹۷. امام علی ﷺ: و جنبش و لرزش زمین را، به وسیلهٔ سنگهای بزرگ و کوهها، میخکوب و استوار گردانید.

۵۱۹۸. الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ ـ في قولِه تعالىٰ: ﴿الّذي جَعَلَ لَكُمُ الأرضَ فِراشاً﴾[5] ـ: جَعَلَها مُلائمَةً لطَبائعِكُم، مُوافِقَةً لأجْسادِكُم، لَم يَجْعَلْها شَديدَةَ الحَمْيِ والحَرارَةِ فتُحْرِقَكُم، ولا شَديدَةَ البَرْدِ فتُجمِدَكُم، ولا شَديدَةَ طِيبِ الرِّيحِ فتَصْدَعَ هاماتِكُم، ولا شَديدَةَ النَّتْنِ فتُعْطِبَكُم.[6]

۵۱۹۸. امام زین العابدین ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «آن خدایی که زمین را بستر شما کرد» ـ فرمود: زمین را مناسب با طبایع شما و سازگار با بدنهایتان قرار داد. آن را، نه چندان گرم و حرارتی کرد که شما را بسوزاند و نه آن چنان سرد که یخ زنید و نه آن چنان خوشبو که سردرد گیرید و نه چندان بدبو که شما را به سختی اندازد.

۵۱۹۹. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ للمفضّل بن عمر ـ: فَكِّرْ يا مُفَضَّلُ في هٰذهِ المَعادِنِ وما يَخْرُجُ مِنها مِن الجَواهِرِ المُخْتلِفَةِ، مِثلِ الجِصِّ،

۵۱۹۹. امام صادق ﷺ ـ به مفضل بن عمر ـ: ای مفضّل! در این معدنها و گوهرها و کانیهای گوناگونی که از آنها استخراج می‌شود، بیندیش؛ کانیهایی چون گچ و آهک و زرنیخ[1] و مُرتَک (مردار سنگ) و تونیون و

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۲۱۱.
۲. بحار الأنوار: ۱۹۲/۹۷. ۳. نهج البلاغة: الخطبة ۹۱.
۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱. ۵. البقرة: ۲۲.
۶. التوحيد: ۱۱/۴۰۲.

---

۱. جسمی است معدنی که ترکیب شده از گوگرد و آرسنیک. (فرهنگ معین: ۲ / ۱۷۳۷)

والكِـــلْسِ، والجِـــبْسينِ، والزَّرانـــيخِ، والمَرتكِ، والقُـوبنا (القـوبنا)، والزِّئـبَقِ، والنُّحاسِ، والرَّصاصِ، والفِضّةِ، والذّهبِ، والزَّبَرْجَدِ، والياقوتِ، والزُّمُرُّدِ، وضُروبِ الحِجارَةِ، وكذلكَ ما يَخرُجُ منها مِن القارِ، والمُوميا، والكِبْريتِ، والنِّفْطِ. وغيرِ ذلك مِمّا يَستَعمِلُهُ النّاسُ في مَآرِبِهِم. فهَل يَخفىٰ علىٰ ذي عَقلٍ أنّ هٰذهِ كُلَّها ذَخائِرُ ذُخِـرَتْ للإنْسـانِ فـي هٰـذهِ الأرضِ ليَستَخرِجَها فيَستَعمِلَها عِند الحاجَةِ إلَيها؟ ثُمّ قَصُرَتْ حِيلَةُ النّاسِ عَمّا حاوَلوا مِن صَنعَتِها علىٰ حِرْصِهِم واجتِهادِهِم في ذٰلكَ. فإنّهُم لَو ظَفِروا بما حاوَلوا مِن هٰـذا العِلمِ كانَ لا مَحالَةَ سَيظْهَرُ ويَستَفيضُ في العالَمِ حتّىٰ تَكْثُرَ الفِضّةُ والذّهبُ، ويَسقُطا عِند النّاسِ. فلا يكونَ لَهُما قِيمَةٌ.[1]

جیوه و مس و سرب و نقره و طلا و زبرجد و یاقوت و زمرّد و انواع سنگها و نیز زفت (قیر طبیعی) و مومیا و گوگرد و نفت و دیگر چیزهایی از این دست، که مردم به وسیلهٔ آنها نیازهایشان را بر طرف می‌سازند. آیا بر هیچ خردمندی پوشیده است که همهٔ این ذخایر در دل این زمین برای انسان اندوخته شده است، تا آنها را استخراج کند و به کارشان بزند؟ سپس چاره اندیشیهای حریصانه و آزمندانهٔ مردم برای ساختن این کانیها به جایی نرسید؛ که اگر آنها در کوشش خود، برای دست یافتن به دانش ساختن این مواد موفق می‌شدند، بیگمان در دنیا چندان طلا و نقره زیاد می‌شد که از نظر مردم می‌افتاد و ارزش خود را از دست می‌داد.

۱۰۹۹
خَلقُ الجِبالِ

الكتاب:

﴿خَلَقَ السَّماواتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها وَأَلْقىٰ فِي الأَرْضِ رَواسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيها مِنْ كُلِّ دابَّةٍ وَأَنْزَلْنا مِنَ

۱۰۹۹
آفرینش کوهها

قرآن:

«آسمانها را بی هیچ ستونی که ببینید بیافرید و بر روی زمین کوهها را بیفکند تا شما را نلرزاند و از هر گونه جنبنده‌ای در آن بپراکند و از آسمان آب فرستادیم و در زمین از هر گیاهی جفتی نیکو برویاندیم».

---

۱. بحار الأنوار: ۱۸/۱۸۶/۶۰.

السَّماءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيها مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾.[1]

الحديث:

۵۲۰۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ: ووَتَّدَ بالصُّخورِ مَيَدانَ أرضِهِ.[2]

۵۲۰۱. عنه ﷺ: عَدَلَ حَرَكاتِها بالرَّاسياتِ مِن جَلامِيدِها، وذَواتِ الشَّناخيبِ الشُّمِّ (الصُّمِّ) مِن صَياخِيدِها.[3]

۵۲۰۲. عنه ﷺ: وجَبَلَ جَلاميدَها، ونُشُوزَ مُتونِها وأطْوادِها، فأرْساها في مَراسيها، وألْزَمَها قَراراتِها، فمَضَتْ رُؤُوسُها في الهَواءِ، ورَسَتْ أُصولُها في الماءِ، فأنْهَدَ جبالَها عَن سُهولِها، وأساخَ قَواعِدَها في مُتونِ أقْطارِها ومَواضِعِ أنْصابِها، فأشْهَقَ قِلالَها، وأطالَ أنْشازَها، وجَعَلَها للأرضِ عِماداً، وأرْزَها فيها أوْتاداً، فسَكَنَتْ علىٰ حَرَكَتِها.[4]

۱۱۰۰
خَلقُ الماءِ

الكتاب:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنَّكَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا

۱. لقمان: ۱۰. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱.
۳. نهج البلاغة: الخطبة ۹۱. ۴. نهج البلاغة: الخطبة ۲۱۱.

حدیث:

۵۲۰۰. **امام علی ﷺ**: و جنبش و لرزش زمین را، به وسیلهٔ صخره‌ها و کوهها، میخکوب و استوار کرد.

۵۲۰۱. **امام علی ﷺ**: حرکات زمین را به وسیلهٔ صخره‌های عظیم وقلّه کوههایِ بلند ومحکم، متعادل کرد.

۵۲۰۲. **امام علی ﷺ**: و صخره‌ها و تپه‌های بلند و کوههای زمین را آفرید و آنها را در جاهای خود استوار نگاهداشت؛ پس ستیغ کوهها، در فضا برافراشته شد و ریشه‌های آنها در آب فرو رفت و کوههای آن را از پستیها و دشتهایش برآمده ساخت و ریشه‌های آنها را در دل زمینهای اطرافشان و جاهایی که برقرار هستند فرو برد، قلّه‌های آنها را به سوی آسمان کشید و نوک آنها را دراز گردانید، آنها را تکیه گاه زمین و میخهای نگهدارندهٔ آن قرار داد؛ پس زمین در عین متحرّک بودن، آرام گرفت.

۱۱۰۰
آفرینش آبها

قرآن:

«و از نشانه‌های اوست که تو زمین را خشک می‌بینی و چون آب بر آن بفرستیم به جنبش آید و گیاه

الْماءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْياها لَمُحْيِي الْمَوْتىٰ إِنَّهُ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾.[1]

﴿أَفَرَأَيْتُمُ الْماءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ * أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ * لَوْ نَشاءُ جَعَلْناهُ أُجاجاً فَلَوْلا تَشْكُرُونَ﴾.[2]

﴿أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَالْأَرْضَ كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَجَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلا يُؤْمِنُونَ﴾.[3]

(انظر) النحل: ۱۰، ۶۵، البقرة: ۱۶۴، الحجّ: ۶۳، النمل: ۶۰، إبراهيم: ۳۲، الفرقان: ۴۸، الأنفال: ۱۱.

بروياند، آن کس که آن را زنده می‌کند همان زنده کنندهٔ مردگان است که او بر هر چیزی تواناست».

«به آبی که می‌نوشید اندیشیده‌اید؟ آیا شما آن را از ابر فرو می‌فرستید یا ما فرو فرستنده‌ایم؟ اگر می‌خواستیم آن را تلخ می‌گردانیدیم. پس چرا سپاس نمی‌گویید؟».

«آیا کافران نمی‌دانند که آسمانها و زمین بسته بودند و ما آنها را گشودیم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؟ چرا ایمان نمی‌آورند؟».

۱۱۰۱ تسخيرُ البِحارِ

۱۱۰۱ رام کردن دریاها

الكتاب:

﴿وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْماً طَرِيّاً وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَها وَتَرَى الْفُلْكَ مَواخِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾.[4]

﴿وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ * وَخَلَقْنا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ ما يَرْكَبُونَ * وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلا صَرِيخَ لَهُمْ وَلا هُمْ يُنْقَذُونَ﴾.[5]

(انظر) إبراهيم: ۳۲، الفرقان: ۵۳، النمل: ۶۱، الشورىٰ: ۳۲، الجاثية: ۱۲، الطور: ۶، الملك: ۳۰، الرحمٰن: ۱۹، المرسلات: ۲۷.

قرآن:

«او خدایی است که دریا را رام کرد تا از آن گوشت تازه بخورید و از آن جامه‌ای که می‌پوشید استخراج کنید و کشتیها را می‌بینی که دریاها را می‌شکافند و پیش می‌روند تا فضل او را بجویند، باشد که سپاس گویید».

«آیتی دیگر برای آنان این است که نیاکانشان را در آن کشتی انباشته شده سوار کردیم. و برایشان همانند کشتی چیزی آفریدیم که بر آن سوار شدند. و اگر می‌خواستیم همه را غرق می‌ساختیم و آنها را هیچ فریادرسی نبود و رهایی نمی‌یافتند».

---

۱. فصّلت: ۳۹.
۲. الواقعة: ۶۸ـ۷۰.
۳. الأنبياء: ۳۰.
۴. النحل: ۱۴.
۵. يس: ۴۱ـ۴۳.

الحديث:

٥٢٠٢. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ في مُناجاتِهِ ـ: أنتَ الّذي في السَّماءِ عظَمَتُكَ، وفي الأرضِ قُدرَتُكَ، وفي البحارِ عَجائبُكَ، وفي الظُّلُماتِ نُورُكَ.[1]

٥٢٠٣. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: فإذا أرَدتَ أنْ تَعرِفَ سَعةَ حِكمَةِ الخالِقِ وقِصَرَ عِلمِ المَخلوقينَ فانْظُرْ إلىٰ ما في البحارِ مِن ضُروبِ السَّمَكِ، ودَوابِّ الماءِ، والأصْدافِ والأصْنافِ الّتي لا تُحصىٰ ولا تُعْرَفُ مَنافِعُها إلّا الشَّيْءَ بَعدَ الشَّيْءِ، يُدرِكُهُ النّاسُ بأسْبابٍ تَحْدُثُ.[2]

١١٠٢
خَلقُ النَّباتاتِ

الكتاب:

﴿إِنَّ اللهَ فالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوىٰ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذٰلِكُمُ اللهُ فَأَنّىٰ تُؤْفَكُونَ﴾.[3]

﴿وَالْأَرْضَ مَدَدْناها وَأَلْقَيْنا فِيها رَواسِيَ وَأَنْبَتْنا فِيها مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ﴾.[4]

---

١. بحار الأنوار: ٢٠٢/٩٧. ٢. بحار الأنوار: ١٠٩/٣.
٣. الأنعام: ٩٥. ٤. الحجر: ١٩.

حدیث:

۵۲۰۳. امام علی ﷺ ـ در مناجات خود ـ گفت: تو آنی که بزرگیت در آسمان است و قدرتت در زمین و شگفتیهایت در دریاها و نورت در تاریکیها.

۵۲۰۴. امام صادق ﷺ: اگر خواهی که به گستردگی حکمت آفریدگار، و ناچیزی دانش آفریدگان پی بری، به انواع ماهیهای دریاها و جنبندگان آبی و صدفها و دیگر انواع و اصناف [جانوران دریایی] بنگر که به شماره نیایند و منافع آنها جز اندک، اندک شناخته نشوند، مردم [در آینده] با ابزارها و وسایل نوپدید، به آنها پی می‌برند.

۱۱۰۲
آفرینش گیاهان

قرآن:

«همانا خداست که دانه و هسته را می‌شکافد و زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد. این است خدای یکتا، پس چگونه از [حق] منحرف می‌شوید؟».

«و زمین را گستردیم و در آن کوههای عظیم افکندیم و از هرچیز به شیوه‌ای موزون وسنجیده در آن رویانیدیم».

۴۶۰ ـــ

«وهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ. انْظُرُوا إِلَىٰ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ». [1]

«اوست خدایی که از آسمان باران فرستاد و بدان باران هر گونه نباتی را رویانیدیم و از شکوفهٔ درخت خرما خوشه‌هایی است نزدیک به هم. و [نیز] باغهایی از انگور و زیتون و انار ـ همانند و غیر همانند ـ خارج نمودیم. به میوه‌هایش آن گاه که پدید می‌آیند و آن گاه که می‌رسند بنگرید که در آنها نشانه‌هایی است برای آنان که ایمان می‌آورند».

«أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ * إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُؤْمِنِينَ». [2]

«آیا به زمین ننگریسته‌اند که چقدر از هر گونه گیاهان نیکو در آن رویانیده‌ایم؟ در این نشانه‌هایی است ولی بیشترشان ایمان نمی‌آورند».

«أَفَرَأَيْتُم مَا تَحْرُثُونَ * أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ * لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ». [3]

«آیا چیزی را که می‌کارید دیده‌اید؟ آیا شما آن را می‌رویانید یا ما رویانیده‌ایم؟ اگر می‌خواستیم خاشاکش می‌ساختیم تا در شگفت بمانید».

«أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ * أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ». [4]

«آیا در آتشی که می‌افروزید اندیشیده‌اید؟ آیا درختش را شما آفریده‌اید یا ما آفریننده‌ایم؟».

۱۱۰۳
إرسالُ الرِّياحِ

الكتاب:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ». [5]

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ

۱۱۰۳
فرستادن بادها

قرآن:

«و از نشانه‌های قدرت او آن است که بادهای مژده دهنده را می‌فرستد تا رحمت خود را به شما بچشاند و تا کشتیها به فرمان او روان باشند و از فضل او روزی بجویید. باشد که سپاس گویید».

«آیا ندیده‌ای که خدا ابرهایی را به آهستگی می‌راند، آن گاه آنها را به هم می‌پیوندد و ابری انبوه پدید

---

۱. الأنعام: ۹۹.
۲. الشعراء: ۷، ۸.
۳. الواقعة: ۶۳ـ۶۵.
۴. الواقعة: ۷۱ـ۷۲.
۵. الروم: ۴۶.

رُكاماً فَتَرَى الوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَمَّنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالأَبْصَارِ﴾.[1]

(انظر) البقرة: ۱۶۴، الأعراف: ۵۷، الحجر: ۲۲، الإسراء: ۶۹، الأنبياء: ۸۱، الفرقان: ۴۸، النمل: ۶۳، الروم: ۵۱، الذاريات: ۱، القمر: ۱۹، المرسلات: ۱ـ۳.

الحديث:

۵۲۰۵. رسولُ اللهِ ﷺ: الرِّياحُ ثَمانٍ، أربَعٌ مِنها عَذابٌ، وأربَعٌ مِنها رَحمَةٌ؛ فالعَذابُ مِنها: العاصِفُ، والصَّرْصَرُ، والعَقيمُ، والقاصِفُ، والرَّحمَةُ مِنها: النّاشِراتُ، والمُبَشِّراتُ، والمُرسَلاتُ، والذّارِياتُ.

فيُرسِلُ اللهُ المُرسَلاتِ فتُثيرُ السَّحابَ، ثُمّ يُرسِلُ المُبَشِّراتِ فتُلْقِحُ السَّحابَ، ثُمّ يُرسِلُ الذّارياتِ فتَحمِلُ السَّحابَ، فتَدُرُّ كما تَدُرُّ اللِّقحَةُ، ثُمّ تُمطِرُ ـ وهُنَّ اللَّواقِحُ ـ ثُمَّ يُرسِلُ النّاشِراتِ فتَنْشُرُ ما أرادَ.[2]

(انظر) بحار الأنوار: ۶۰ / ۱ باب ۲۹.

۱۱۰۳
خَلقُ الشَّمسِ وَالقَمَرِ

الكتاب:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لا تَسْجُدُوا

می‌آورد؟ و باران را بینی که از خلال آن بیرون می‌آید. و از آسمان، از آن کوهها که در آن جاست تگرگ می‌فرستد و هر که را خواهد با آن می‌زند و از هر که می‌خواهد بازش می‌دارد. روشنایی برقش نزدیک باشد که دیدگان را کور سازد».

حدیث:

۵۲۰۵. **پیامبر خدا** ﷺ: بادها هشت نوعند چهار نوع آن عذاب است و چهار نوعش رحمت، آن چهار که عذابند اینهاست: طوفان، بادهای بسیار سردِ پُر سر و صدا، بادهای سوزان، و تندباد. و آن چهار که رحمتند اینهاست: بادهای پخش کننده، بادهای نوید دهنده، بادهای فرستنده (ابرها) و بادهای پراکنده کننده.

خداوند بادهای «فرستنده» را می‌فرستد که [اینها] ابرها را به وجود می‌آورند، سپس بادهای «نوید دهنده» را می‌فرستد، که ابرها را بارور می‌سازند، آن گاه بادهای «پراکنده کننده» را می‌فرستد که ابرها را به حرکت در می‌آورند و ابرها مانند ماده شتر پُر شیر، پُر باران می‌شوند و سپس می‌بارند و اینها ابرهای بارور شده‌اند. سرانجام بادهای پخش کننده را می‌فرستد که به وسیلهٔ آنها آنچه را که بخواهد پراکنده می‌کند.

۱۱۰۴
آفرینش خورشید و ماه

قرآن:

«و از نشانه‌های اوست شب و روز و خورشید و ماه.

---

۱. النور: ۴۳.
۲. بحار الأنوار: ۶۰/۲۱/۴۸.

لِلشَّمْسِ وَلا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾.[1]

﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾.[2]

﴿لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾.[3]

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُوراً وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللّٰهُ ذٰلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾.[4]

(انظر) البقرة: ۲۵۸، آل عمران: ۲۷، الأنعام: ۹۶، الأعراف: ۵۴، یونس: ۶۷، الرعد: ۲، ۳، إبراهیم: ۳۳ النحل: ۱۲، الإسراء: ۱۲، الکهف: ۸۶، ۹۰، الأنبیاء: ۳۳، الحج: ۶۱، المؤمنون: ۸۰، النور: ۴۳، الفرقان: ۴۵، ۴۷، ۶۱، ۶۲، النمل: ۶۳، ۸۶، القصص: ۷۱ـ ۷۳، العنکبوت: ۶۱، الروم: ۲۳، لقمان: ۲۹، فاطر: ۱۳، یس: ۳۷، ۳۹، الصافات: ۵، الزمر: ۵، غافر: ۶۱، الرحمن: ۵، ۱۷، ۱۸، الحدید: ۶، المعارج: ۴۰، نوح: ۱۶، المدّثر: ۳۲ ـ ۳۴، النبأ: ۱۰ ـ ۱۲، ۱۳، التکویر: ۱، ۱۷، ۱۸، الفجر: ۱، ۴، الشمس: ۱ ـ ۴، الضحی: ۱، ۲، الفلق: ۱، ۳.

الحدیث:

۵۲۰۶. الإمامُ زینُ العابدینَ ﷺ ـ مِن دُعائِهِ عِندَ رُؤیَةِ الهِلالِ ـ: أیُّها الخَلْقُ المُطیعُ الدّائبُ

در برابر خورشید و ماه سجده نکنید بلکه خدایی که آنها را آفریده است سجده کنید اگر براستی او می‌پرستید».

«و خورشید به سوی قرارگاه خود روان است. این فرمان خدای پیروزمند و داناست».

«نه خورشید را سزد که به ماه رسد و نه شب را که بر روز پیشی گیرد. هر یک در مدار خود شناورند».

«اوست آن که خورشید را فروغ بخشید و ماه را روشنایی داد و برایش منازلی معیّن ساخت تا از شما سالها و حساب آگاه شوید. خدا همهٔ اینها را جز به حقّ نیافرید و آیات را برای مردمی که می‌دانند با تفصیل بیان می‌کند».

حدیث:

۵۲۰۶. امام زین العابدین ﷺ ـ در دعای خود هنگام رؤیت هلال ـ گفت: ای آفریدهٔ فرمانبَر و ای روندهٔ شتابان، که در منزلهای معیّن، آمد و شد داری و در فلک تدبیر و نظم می‌چرخی! به آن که تاریکیها را به سبب تو روشن کرد و ظلمتها را به نور تو زدود و تو

۱. فصّلت: ۳۷. ۲. یس: ۳۸.
۳. یس: ۴۰. ۴. یونس: ۵.

السَّـريعُ، المُـتَرَدِّدُ فـي مَـنازِلِ التَّـقْديرِ، المُتَصَرِّفُ في فَلَكِ التَّدْبيرِ، آمَنْتُ بِمَن نَوَّرَ بِكَ الظُّلَمَ، وأَوْضَحَ بِكَ البُهَمَ، وجَعلَكَ آيةً مِن آياتِ مُلْكِهِ.[1]

۱۱۰۵
خَلْقُ السَّماواتِ

الكتاب:

﴿لَخَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يَعْلَمُونَ﴾.[2]

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ﴾.[3]

﴿إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾.[4]

﴿قُلِ انْظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لا يُؤْمِنُونَ﴾.[5]

﴿وَكَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ﴾.[6]

﴿وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفاً مَحْفُوظاً وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ﴾.[7]

را نشانه‌ای از نشانه‌های پادشاهی خویش قرار داد، ایمان آوردم.

۱۱۰۵
آفرینش آسمانها

قرآن:

«هر آینه آفرینش آسمانها و زمین مهمتر از آفرینش مردمان است اما بیشتر مردم نمی‌دانند».

«و از نشانه‌های اوست آفریدن آسمانها و زمین و جنبندگانی که در زمین پراکند. و او اگر بخواهد، بر گرد آوردن آنها تواناست».

«همانا در آسمانها و زمین نشانه‌هایی است برای مؤمنان».

«بگو: بنگرید که چه چیزهایی در آسمانها و زمین است. این آیات و هشدارها قومی را که ایمان نمی‌آورند سود نمی‌بخشد».

«چه بسیار نشانه‌هایی در آسمانها و زمین است که بر آن می‌گذرند و از آن رخ بر می‌تابند».

«و ما آسمان را سقفی نگهداشته شده قرار دادیم در حالی که آنان از نشانه‌های آن روی بر می‌تابند».

---

۱. بحار الأنوار: ۳۶/۱۷۸/۵۸.
۲. غافر: ۵۷.
۳. الشوریٰ: ۲۹.
۴. الجاثیة: ۳.
۵. یونس: ۱۰۱.
۶. یوسف: ۱۰۵.
۷. الأنبیاء: ۳۲.

۴۶۴ ـــ

الحديث:

٥٢٠٧. الإمامُ عليٌّ ﷺ: سُبحانَكَ ما أعْظَمَ ما نَرىٰ مِن خَلْقِكَ! وما أصْغَرَ كُلَّ عَظيمَةٍ في جَنبِ قُدْرَتِكَ! وما أهْوَلَ ما نَرىٰ مِن مَلَكوتِكَ! وما أحْقَرَ ذلكَ فيما غابَ عنّا مِن سُلطانِكَ! وما أسْبَغَ نِعَمَكَ في الدُّنيا! وما أصْغَرَها في نِعَمِ الآخِرَةِ![1]

١١٠٦

الدَّليلُ الخامِسُ علىٰ إثباتِ الصّانِعِ

فَسْخُ العزائمِ ونَقْضُ الهممِ

٥٢٠٨. الإمامُ عليٌّ ﷺ: عَرَفْتُ اللهَ سُبحانَهُ بِفَسْخِ العَزائمِ، وحَلِّ العُقودِ، ونَقْضِ الهِمَمِ.[2]

٥٢٠٩. عنه ﷺ ـ وقد سُئِلَ عنِ الدَّليلِ علىٰ إثْباتِ الصّانِعِ ـ: ثَلاثَةُ أشْياءَ: تَحْويلُ الحالِ، وضَعْفُ الأرْكانِ، ونَقْضُ الهِمَّةِ.[3]

٥٢١٠. الإمامُ الحسينُ ﷺ: إنَّ رَجُلاً قامَ إلىٰ أميرِ المؤمنينَ ﷺ فقالَ: يا أميرَ المؤمنينَ، بِماذا عَرَفْتَ رَبَّكَ؟ قالَ: بِفَسْخِ العَزْمِ ونَقْضِ الهَمِّ؛ لَمّا هَمَمْتُ فحِيلَ بَيني وبَينَ

---

١. نهج البلاغة: الخطبة ١٠٩. ٢. نهج البلاغة: الحكمة ٢٥٠.
٣. بحار الأنوار: ٢٩/٥٥/٣.

حدیث:

۵۲۰۷. **امام علی** ﷺ: منزّهی تو ای خدا، چه بزرگ است آنچه از آفریده‌های تو می‌بینیم! و چه خُرد و اندک است هر بزرگی در برابر قدرت تو! چه هول‌انگیز است آنچه از ملکوت (پادشاهی) تو می‌بینیم! و چه خُرد و حقیر است اینها در برابر آنچه از قدرتِ تو، از دیدگان ما پنهان است! و چه بسیار است نعمتهای تو در دنیا! و چه ناچیزند این نعمتها در برابر نعمتهای آخرت!

۱۱۰۶

دلیل پنجم بر اثبات وجود خدا

برهم‌زدن تصمیمها ودرهم شکستن خواسته‌ها

۵۲۰۸. **امام علی** ﷺ: من خداوند سبحان را به درهم شکستن عزمها و فرو ریختن تصمیمها و برهم خوردن اراده‌ها و خواستها شناختم.

۵۲۰۹. **امام علی** ﷺ ـ وقتی از ایشان سؤال شد: دلیل بر اثبات صانع چیست؟ ـ فرمود: سه چیز: دگرگونی حالات، سست و ناتوان‌شدن اعضای بدن، و برهم خوردن خواست واراده.

۵۲۱۰. **امام حسین** ﷺ: مردی در برابر امیرالمؤمنین ﷺ برخاست و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! خدا را به چه شناختی؟ حضرت فرمود: به بر هم زدن تصمیم و در هم شکستن قصد. وقتی قصد کاری کردم، میان من و قصدم مانعی به وجود آمد و آنگاه که تصمیمی

هَمّي، وعَزمْتُ فخالَفَ القَضاءُ عَزْمي، عَلِمْتُ أنّ المُدَبِّرَ غَيري.[1]

۵۲۱۱. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ وقد سُئِلَ: بِما عَرَفْتَ ربَّكَ؟ ـ: بفَسْخِ العَزْمِ ونَقْضِ الهَمِّ؛ عَزَمْتُ ففُسِخَ عَزْمي، وهَمَمْتُ فنُقِضَ هَمّي.[2]

۱۱۰۷
الطَّبيعَةُ وإسنادُ الخَلقِ إلَيها

۵۲۱۲. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في جوابِ قولِ المُفَضَّلِ: يا مَولايَ، إنّ قَوماً يَزْعُمونَ أنَّ هٰذا مِن فِعلِ الطَّبيعَةِ ـ: سَلْهُمْ عَن هٰذِهِ الطَّبيعَةِ: أهِيَ شَيْءٌ لَهُ عِلمٌ وقُدرَةٌ علىٰ مِثلِ هٰذِهِ الأفعالِ، أمْ لَيست كذلكَ؟ فإنْ أوْجَبوا لَها العِلْمَ والقُدرَةَ فما يَمْنَعُهُم مِن إثباتِ الخالِقِ؟ فإنّ هٰذِهِ صَنْعَتُهُ، وإنْ زَعَموا أنّها تَفْعَلُ هٰذِهِ الأفعالَ بغَيرِ عِلْمٍ ولا عَمْدٍ وكانَ في أفعالِها ما قَد تَراهُ مِن الصَّوابِ والحِكمَةِ عُلِمَ أنّ هٰذا الفِعْلَ للخالِقِ الحَكيمِ، وأنّ الّذي سَمَّوهُ طَبيعَةً هُو سُنَّةٌ في خَلْقِهِ الجارِيَةُ علىٰ ما أجْراها علَيهِ.[3]

---

۱. التوحيد: ۶/۲۸۸. ۲. التوحيد: ۸/۲۸۹.
۳. بحار الأنوار: ۶۷/۳.

گرفتم، قضای الهی با تصمیم من ناسازگاری کرد. پس دانستم که تدبیر کننده‌ای جز من وجود دارد.

۵۲۱۱. **امام صادق** ﷺ ـ در پاسخ به این سؤال که: خدایت را به چه شناختی؟ ـ فرمود: به درهم شکستن تصمیم و برهم خوردن خواست و اراده. تصمیم گرفتم و تصمیمم را درهم شکست، و اراده کردم اما اراده‌ام را برهم زد.

۱۱۰۷
طبیعت و نسبت دادن آفرینش به آن

۵۲۱۲. **امام صادق** ﷺ ـ در پاسخ به مفضّل که عرض کرد: مولای من! عده‌ای می‌گویند آفرینش کار طبیعت است ـ فرمود: از آنان بپرس که آیا این طبیعت دارای علم است و توانایی انجام چنین کارهایی را دارد یا نه؟ اگر جواب دهند که آری علم و قدرت دارد، در این صورت چه چیز مانع از آنها می‌شود که آفریدگار را اثبات کنند (چرا به وجود آفریدگاری با این خصوصیات قایل نباشند)؟! زیرا طبیعت ساخته و آفریدهٔ اوست. اگر گفتند که طبیعت این کارها را بدون آگاهی و قصد انجام می‌دهد، با توجه به این که در کارهای آن درستی و حکمت (اتقان) مشاهده می‌کنی معلوم می‌شود که این فعل (طبیعت) کار آفریدگار حکیم است و آنچه را که آنان طبیعت می‌نامند همان قانونی است که خداوند در آفرینش و عالم هستی جاری کرده است.

٥٢١٣. عنه ﷺ: فأمّا أصحابُ الطَّبائعِ فقالوا: إنَّ الطَّبيعَةَ لا تَفعَلُ شَيئاً لغَيرِ مَعنى، ولا تَتَجاوز عَمّا فيهِ تَمامُ الشَّيءِ في طَبيعَتِهِ، وزَعَموا أنَّ الحِكمَةَ تَشهَدُ بذلكَ، فقيلَ لَهُم: فمَن أعطَى الطَّبيعَةَ هٰذهِ الحِكمَةَ والوُقوفَ علىٰ حُدودِ الأشياءِ بلا مُجاوَزَةٍ لَها، وهٰذا قد تَعجِزُ عَنهُ العُقولُ بَعدَ طُولِ التَّجارِبِ؟! فإنْ أوجَبوا للطَّبيعَةِ الحِكمَةَ والقُدرَةَ علىٰ مِثلِ هٰذهِ الأفعالِ فَقد أقَرّوا بِما أنكَروا؛ لأنَّ هٰذهِ هِيَ صِفاتُ الخالِقِ، وإنْ أنكَروا أنْ يكونَ هٰذا للطَّبيعَةِ فهٰذا وَجهُ الخَلقِ يَهتِفُ بأنَّ الفِعلَ لِخالِقٍ حَكيمٍ.[1]

۵۲۱۳. **امام صادق ﷺ**: طبیعیون می‌گویند: طبیعت هیچ کار بی‌معنا و هدفی نمی‌کند و از محدودهٔ طبیعت هر شیء فراتر نمی‌رود. می‌گویند حکمت [موجود در طبیعت] گواه این مطلب است. [در پاسخ باید] از آنها پرسیده شود: چه کسی این حکمت را به طبیعت داده و آن را از حدود اشیاء آگاه کرده، به طوری که از آن فراتر نمی‌رود؟ این نکته‌ای است که خردها پس از آن همه تجربه، از درک آن درمانده‌اند. آنها که برای طبیعت حکمت (دانش) و توانایی بر انجام چنین کارهایی را لازم می‌شمارند، در حقیقت به وجود آنچه انکارش می‌کنند اعتراف کرده‌اند؛ زیرا اینها صفات خالق است. و اگر بگویند که حکمت و قدرت را فعلِ طبیعت نمی‌دانند، این خود طبیعت است که ندا در می‌دهد: کار، کار آفریدگاری حکیم می‌باشد.

۱۱۰۸
الحيوانات ومَعرِفَةُ اللهِ

۱۱۰۸
خداشناسی حیوانات

الكتاب:

﴿وَجَدتُهَا وَقَومَها يَسجُدونَ لِلشَّمسِ مِن دونِ اللهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيطانُ أعمالَهُم فَصَدَّهُم عَنِ السَّبيلِ فَهُم لا يَهتَدونَ * أَلّا يَسجُدوا لِلهِ الَّذي يُخرِجُ الخَبءَ في السَّماواتِ وَالأَرضِ وَيَعلَمُ ما تُخفونَ وَما تُعلِنونَ﴾.[2]

قرآن:

«ـ هدهد به سلیمان ـ : دیدم که خودش ـ ملکهٔ سبا ـ ومردمش به جای خدا خورشید را سجده می‌کنند. و شیطان اعمالشان را در نظرشان بیاراسته و از راه خدا منحرفشان کرده بود و به راه راست رهنمون نشده بودند. [آری شیطان چنین کرده بود] تا برای خدایی که نهان آسمانها و زمین را آشکار می‌کند و هر چه را پنهان می‌دارید یا آشکار می‌سازید می‌داند، سجده نکنند».

﴿وَما مِن دابَّةٍ في الأَرضِ وَلا طائِرٍ يَطيرُ بِجَناحَيهِ إلّا

«هیچ جنبنده‌ای در روی زمین نیست و هیچ پرنده‌ای با

---

۱. بحار الأنوار: ۱۴۹/۳. ۲. النمل: ۲۴، ۲۵.

أُمَمٌ أَمْثالُكُمْ مافَرَّطْنا فِي الْكِتابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾.[۱]

الحديث:

۵۲۱۴. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: مَهْما أُبْهِمَ علىٰ البَهائمِ مِن شَيءٍ فلا يُبْهَمُ علَيها أربَعُ خِصالٍ: مَعرِفَةُ أنّ لَها خالِقاً، ومَعرِفَةُ طَلَبِ الرِّزْقِ....[۲]

۵۲۱۵. **الإمامُ الكاظمُ** ﷺ: إنَّ النّاسَ أصابَهُم قَحْطٌ شَديدٌ علىٰ عَهدِ سُليمانَ بنِ داوودَ ﷺ، فشَكَوا ذلكَ إلَيهِ وطَلَبوا إلَيهِ أنْ يَستَسقيَ لَهُم. فقالَ لَهُم: إذا صَلّيتُ الغَداةَ مَضَيْتُ، فلَمّا صلّى الغَداةَ مَضىٰ ومَضَوا، فلَمّا أنْ كانَ في بعضِ الطَّريقِ إذا هُو بنَمْلَةٍ رافِعَةٍ يَدَها إلىٰ السَّماءِ، واضِعَةٍ قَدَمَيها إلىٰ الأرضِ وهِي تقولُ: اللّهُمَّ إنّا خَلْقٌ مِن خَلْقِكَ، ولا غِنىٰ بِنا عن رِزْقِكَ، فلا تُهْلِكْنا بذُنوبِ بَني آدَمَ، فقالَ سُليمانُ ﷺ: ارجِعوا فقد سُقِيتُم بغَيرِكُم. قالَ: فسُقُوا في ذلكَ العامِ ما لم يُسْقَوا مِثْلَهُ قَطُّ.[۳]

---

۱. الأنعام: ۳۸.

۲. الكافي: ۶/۵۳۹/۱۱.

۳. الكافي: ۸/۲۴۶/۳۴۴.

بالهای خود در هوا نمی‌پرد مگر آن که امتهایی چون شما هستند. ما در این کتاب هیچ چیزی را فروگذار نکرده‌ایم و سپس همه نزد پروردگارشان گردآورده می‌شوند».

حدیث:

۵۲۱۴. **امام صادق** ﷺ: اگر هر چیز بر بهایم مبهم و پوشیده مانَد چهار امر بر آنها پوشیده نیست: آگاهی از این که آفریدگاری دارند، و آگاهی از طلب روزی و....

۵۲۱۵. **امام کاظم** ﷺ: در عهد سلیمان بن داوود ﷺ مردم گرفتار خشکسالی سختی شدند. پس، به آن حضرت شکایت برده از ایشان خواستند که طلب باران کند. سلیمان ﷺ فرمود: بعد از نماز صبح برای طلب باران بیرون خواهم رفت. چون نماز صبح را خواند به همراه مردم بیرون رفت. در راه مورچه‌ای را دید که بر دو پای خود ایستاده و دست به آسمان برداشته است و می‌گوید: پروردگارا! ما نیز از آفریدگان تو هستیم و از روزی تو بی‌نیاز نیستیم. ما را به سبب گناهان آدمیان هلاک مفرما. در این هنگام سلیمان ﷺ به مردم گفت: برگردید که به سبب موجوداتی جز شما، باران داده شدید. پس در آن سال چنان بارانی بر ایشان باریدن گرفت که هرگز مانند آن را به خود ندیده بودند.

۱۱۰۹
عِلَّةُ الجُحودِ

الكتاب:

﴿ثُمَّ كَانَ عاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاؤُوا السُّوأىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ﴾.[۱]

﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَما يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ﴾.[۲]

﴿قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لا يُكَذِّبُونَكَ وَلٰكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللهِ يَجْحَدُونَ﴾.[۳]

﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْماً وَعُلُوّاً فَانْظُرْ كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ﴾.[۴]

﴿سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾.[۵]

﴿قُلِ انْظُرُوا ماذَا فِي السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لا يُؤْمِنُونَ﴾.[۶]

الحديث:

۵۲۱۶. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: وَلَعَمْري، ما أُتيَ الجُهّالُ مِن قِبَلِ رَبِّهِم، وإنَّهُم لَيَرَونَ الدَّلالاتِ

---

۱. الروم: ۱۰.
۲. العنكبوت: ۴۹.
۳. الأنعام: ۳۳.
۴. النمل: ۱۴.
۵. الأعراف: ۱۴۶.
۶. يونس: ۱۰۱.

۱۱۰۹
علت انکار خدا

قرآن:

«سپس فرجام آن کسان که مرتکب کارهای بد شدند این شد که آیات خدا را دروغ انگاشتند و آنها را به تمسخر می‌گرفتند».

«بلکه قرآن آیاتی است روشن که در سینهٔ اهل دانش جای دارد و آیات ما را جز ستمگران انکار نمی‌کنند».

«می‌دانیم که سخنانشان تو را اندوهگین می‌سازد؛ آنان تو را تکذیب نمی‌کنند بلکه این ستمگران سخن خدا را انکار می‌کنند».

«با آن که در دل به آن یقین آورده بودند ولی از روی ستم و برتری جویی انکارش کردند. پس بنگر که عاقبت تبهکاران چگونه بود».

«آن کسانی را که به ناحق در زمین سرکشی می‌کنند، زودا که از آیات خویش رویگردان سازم».

«بگو: بنگرید که چه چیزهایی در آسمانها و زمین است. و این آیات و هشدارها قومی را که ایمان نمی‌آورند سود نمی‌دهد».

حدیث:

۵۲۱۶. امام صادق ﷺ: به جان خودم سوگند که خداوند، [در مورد این] مردمانِ نادان (خدا

الواضِحاتِ والعَلاماتِ البَيِّناتِ في خَلْقِهِم، وما يُعايِنونَ مِن مَلَكوتِ السَّماواتِ والأرضِ، والصُّنْعِ العَجيبِ المُتْقَنِ الدّالِّ علىٰ الصّانِعِ، ولكنَّهُم قَومٌ فَتَحوا علىٰ أنْفُسِهِم أبْوابَ المَعاصي وسَهَّلوا لَها سبيلَ الشَّهَواتِ، فغَلَبَتِ الأهْواءُ علىٰ قُلوبِهِم، واستَحْوَذَ الشَّيطانُ بظُلْمِهِم علَيهِم، وكذلكَ يَطْبَعُ اللهُ علىٰ قُلوبِ المُعْتَدينَ.[1]

نشناس) خداوند کوتاهی نکرده است. آنان دلالتهای آشکار و نشانه‌های روشن را در آفرینش خود می‌بینند و ملکوت آسمانها و زمین و آفرینش شگفت آوری راکه در کمال اتقان و نظم است و بر وجود آفریدگار دلالت دارد مشاهده می‌کنند، اما آنان، مردمانی هستند که درهای گناهان را به روی خود گشودند و راه شهوتها را بر خویش هموار کردند و در نتیجه، هواهای نفس بر دلهایشان چیره گشت و به سبب ستمی که بر خویش روا داشتند، شیطان بر آنان مسلّط گشت و خداوند این چنین بر دلهای متجاوزان مُهر می‌نهد [و در نتیجه خدا را نمی‌شناسند].

۱. بحار الأنوار: ۱۵۲/۳.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الخُلُق

اخلاق

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٦٩/٣٣٢ باب ٣٨ «جوامع المكارم».

بحار الأنوار: ٧٢/١٨٩ باب ١٠٥ «جوامع مساوئ الأخلاق».

بحار الأنوار: ٧١/٣٧٢ باب ٩٢ «حُسن الخُلق».

بحار الأنوار: ٧٣/٢٩٦ باب ١٣٥ «سُوء الخُلق».

كنز العمّال: ٣/١-٤٣٩، ٦٦٣-٨٠٠ «في الأخلاق والأفعال المحمودة».

كنز العمّال: ٣/٤٤٠-٦٦٢، ٨٠١-٨٣٤ «في الأخلاق والأفعال المذمومة».

شرح نهج البلاغة: ٦/٣٣٧ «في حُسن الخلق ومدحه».

وسائل الشّيعة: ٨/٥٠٣ باب ١٠٤ «استحباب حُسن الخلق».

المحجّة البيضاء: ٥/٨٧ «كتاب رياضة النّفس».

انظر:

عنوان ٤٠ «البِشر»، ٤٢١ «الفضيلة»، ٥١٧ «النفس» الأخ: باب ٥١.

الخلق: باب ١١٢٨، الخير: باب ١١٨٠، الزينة: باب ١٦٩٤، التعصّب: باب ٢٧٠٠، العادة: باب ٢٩٥٤.

الكمال: باب ٣٤٨١، الكذب: باب ٣٤٠١، الكرم: باب ٣٤١٧، ٣٤١٨، المرأة: باب ٣٦٠١.

الوزارة: باب ٤٠٠٤، التقوى: باب ٤٠٩٣، الرحم: باب ١٤٦٥، النفس: باب ٣٨٦٣.

۱۱۱۰
أهَمِّيَةُ الخُلُقِ[1]

۵۲۱۷. رسولُ اللهِ ﷺ: الخُلُقُ وِعاءُ الدِّينِ.[2]

۵۲۱۸. عنه ﷺ: لَمّا خَلَقَ اللهُ تعالىٰ الإيمانَ قالَ: اللّهُمَّ قَوِّني، فَقَوّاهُ بحُسنِ الخُلقِ والسَّخاءِ. ولَمّا خَلَقَ اللهُ الكُفرَ قالَ: اللّهُمَّ قَوِّني، فَقَوّاهُ بالبُخلِ وسُوءِ الخُلقِ.[3]

۵۲۱۹. الإمامُ عليٌّ ﷺ: رُبَّ عَزيزٍ أذَلَّهُ خُلقُهُ، ورَذيلٍ أعَزَّهُ خُلقُهُ.[4]

(انظر) العلم: باب ۲۸۶۸.

۱۱۱۰
اهمیت اخلاق[1]

۵۲۱۷. **پیامبر خدا** ﷺ: اخلاق، ظرف دین است.

۵۲۱۸. **پیامبر خدا** ﷺ: چون خداوند متعال ایمان را آفرید، ایمان گفت: خدایا! مرا نیرومند گردان، و خداوند آن را به خوشخویی و بخشندگی نیرومند ساخت. و چون کفر را آفرید، کفر گفت: خدایا! مرا توانا گردان، و خداوند او را به بخل و بدخویی توانمند ساخت.

۵۲۱۹. **امام علی** ﷺ: بسا ارجمندی که اخلاقش او را خوار گردانید و بسا خواری که اخلاقش او را ارجمند ساخت.

۱۱۱۱
حُسنُ الخُلُقِ

۵۲۲۰. رسولُ اللهِ ﷺ: الإسلامُ حُسنُ الخُلقِ.[5]

۱۱۱۱
خوشخویی

۵۲۲۰. **پیامبر خدا** ﷺ: اسلام، خوشخویی است.

---

۱. قال أبو حامد: الخَلق والخُلق عبارتان مستعملتان معاً، يقال: فلان حَسَن الخَلق والخُلق، أي حسن الظاهر والباطن، فيُراد بالخَلق الصورة الظاهرة، ويُراد بالخُلق الصورة الباطنة .... فالخُلق عبارة عن هيئة للنفس راسخة تصدر عنها الأفعال بسهولة ويُسر من غير حاجة إلى فكر ورويّة، فإن كانت الهيئة بحيث تصدر عنها الأفعال الجميلة المحمودة عقلاً وشرعاً سُمّيت الهيئة خُلقاً حسناً، وإن كان الصادر منها الأفعال القبيحة سُمّيت الهيئة التي هي المصدر خُلقاً سيّئاً.
المحجّة البيضاء: ۵/ ۹۵.

۲. كنز العمّال: ۵۱۳۷. ۳. المحجّة البيضاء: ۵/ ۹۰.

۴. بحار الأنوار: ۷۱/ ۳۹۶/ ۷۹.

۵. كنز العمّال: ۵۲۲۵.

۱. ابو حامد غزّالی می‌نویسد: کلمات خَلق و خُلق همیشه با هم به کار می‌روند، مثلاً گفته می‌شود: فلان حَسَنُ الخَلق و الخُلق. یعنی خوش ظاهر و باطن است. بنابراین، منظور از خَلق شکل و چهرهٔ ظاهری است و مراد از خُلق صورت و چهرهٔ باطنی ... خُلق عبارت است از: هیأت و حالتی راسخ در نفس که به سبب آن افعال براحتی و بدون احتیاج به فکر و تأمّل از نفس سر می‌زند.

حال، اگر از آن هیأت و خوی افعال و رفتارهای پسندیدهٔ عقلی و شرعی سرزند آن هیأت را خُلق حَسَن (خوی نیکو) می‌نامند و اگر افعال زشت و ناپسند سرزند آن را خُلق سیّئ (خوی بد و ناپسند) می‌نامند.

۵۲۲۱ . عنه ﷺ: حُسنُ الخُلقِ نِصْفُ الدِّينِ.[۱]

۵۲۲۲ . عنه ﷺ: حُسنُ الخُلقِ ذَهَبَ بِخَيرِ الدُّنيا والآخِرَةِ.[۲]

۵۲۲۳ . عنه ﷺ: ما حَسَّنَ اللهُ خَلقَ امرئٍ وخُلقَهُ فيُطْعِمَهُ النّارَ.[۳]

۵۲۲۴ . عنه ﷺ: لَو يَعلَمُ العَبدُ ما في حُسنِ الخُلقِ لَعلِمَ أنَّهُ مُحتاجٌ أنْ يكونَ لَهُ خُلقٌ حَسَنٌ.[۴]

۵۲۲۵ . **الخصال** عن حسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ عن رسول الله ﷺ: ثلاثٌ مَن لَم تَكُن فيهِ فلَيس مِنّي ولا مِن اللهِ عزّوجلّ. قيلَ: يا رسولَ اللهِ، وما هُنَّ؟ قالَ: حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الجاهِلِ، وحُسنُ خُلقٍ يَعيشُ بِهِ في النّاسِ، وورَعٌ يَحجِزُهُ عن مَعاصي اللهِ عزّوجلّ.[۵]

۵۲۲۶ . عنه ﷺ: زَوَّجتُ المِقدادَ وزَيداً لِيكونَ أشْرَفُكُم عندَ اللهِ أحْسَنَكُم خُلقاً.[۶]

۵۲۲۷ . **بحار الأنوار** عن جريرِ بنِ عبدِ اللهِ: قالَ لي رسولُ اللهِ ﷺ: إنَّكَ امرؤٌ قَد أحْسَنَ اللهُ خَلْقَكَ فأحْسِنْ خُلقَكَ.[۷]

۵۲۲۸ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: لا قَرينَ كحُسنِ الخُلقِ.[۸]

---

۱ . الخصال: ۱۰۶/۳۰ . ۲ . الأمالي للصدوق: ۸۱۱/۵۸۸.
۳ . بحار الأنوار: ۶۳/۳۹۳/۷۱.
۴ . بحار الأنوار: ۲۰/۳۶۹/۱۰.
۵ . الخصال: ۱۷۲/۱۴۵ . ۶ . كنز العمّال: ۵۲۴۸.
۷ . بحار الأنوار: ۶۳/۳۹۴/۷۱.
۸ . غرر الحكم: ۱۰۵۴۷.

۵۲۲۱ . **پیامبر خدا** ﷺ: نیکخویی، نصف دین است.

۵۲۲۲ . **پیامبر خدا** ﷺ: نیکخویی، خیر دنیا و آخرت را از آن خود کرده است.

۵۲۲۳ . **پیامبر خدا** ﷺ: خداوند خِلقت و خوی کسی را نیکو نگردانید تا او را طعمهٔ آتش سازد.

۵۲۲۴ . **پیامبر خدا** ﷺ: اگر بنده بداند که خوشخویی چه ثمراتی دارد، هر آینه داند که به داشتن خوی نیکو نیازمند است.

۵۲۲۵ . **الخصال** به نقل از حسین بن زید از امام صادق از پدرانش ﷺ از پیامبر خدا ﷺ: سه چیز است که هر کس نداشته باشد نه از من است و نَه از خداوند عزّوجلّ. عرض شد: ای رسول خدا! آنها کدامند؟ فرمود: بردباری، که به وسیلهٔ آن رفتار جهالت آمیز نادان را دفع کند، اخلاقِ خوش، که با آن در میان مردم زندگی کند و پاکدامنی، که او را از معاصی خداوند عزّوجلّ باز دارد.

۵۲۲۶ . **پیامبر خدا** ﷺ: مقداد و زید را من همسر دادم تا معلومتان شود که شریف‌ترین شما نزد خدا، نیکخوترین شماست.

۵۲۲۷ . **بحار الأنوار** ـ به نقل از جریر بن عبدالله ـ: پیامبر خدا ﷺ به من فرمود: تو کسی هستی که خداوند زیبایت آفریده است، پس، اخلاقت را نیز زیبا گردان.

۵۲۲۸ . **امام علی** ﷺ: هیچ همنشینی چون خوشخویی نیست.

۵۲۲۹. عنه ﷺ: الخُلقُ المَحمودُ مِن ثِمارِ العقلِ، الخُلقُ المَذمومُ مِن ثِمارِ الجَهلِ.[۱]

۵۲۲۹. **امام علی** ﷺ: خوی پسندیده، از میوه‌های خِرد است و خوی نکوهیده، از میوه‌های نادانی.

۵۲۳۰. عنه ﷺ: عُنوانُ صَحيفَةِ المؤمنِ حُسنُ خُلقِهِ.[۲]

۵۲۳۰. **امام علی** ﷺ: سرلوحهٔ نامهٔ [اعمال] مؤمن، خوشخویی اوست.

۵۲۳۱. عنه ﷺ: كَفىٰ بالقَناعَةِ مُلْكاً، وبحُسنِ الخُلقِ نَعيماً.[۳]

۵۲۳۱. **امام علی** ﷺ: مُلک قناعت بس است و نعمت خوشخویی بس.

۵۲۳۲. عنه ﷺ: الخُلقُ السَّجيحُ أحَدُ النِّعْمتَينِ.[۴]

۵۲۳۲. **امام علی** ﷺ: نرمخویی یک نعمت است.

۵۲۳۳. عنه ﷺ: حُسنُ الخُلقِ مِن أفضَلِ القِسَمِ وأحْسَنِ الشِّيَمِ.[۵]

۵۲۳۳. **امام علی** ﷺ: نیکخویی از بهترین نصیبها و نیکوترین خصلتهاست.

۵۲۳۴. عنه ﷺ: حُسنُ الخُلقِ أحَدُ العَطاءَيْنِ.[۶]

۵۲۳۴. **امام علی** ﷺ: خوشخویی، یک عطیّه [از سوی خداوند] است.

۵۲۳۵. عنه ﷺ: حُسنُ الخُلقِ رأسُ كُلِّ بِرٍّ.[۷]

۵۲۳۵. **امام علی** ﷺ: نیکخویی، سرآمد همهٔ نیکیهاست.

۵۲۳۶. عنه ﷺ: أرضىٰ النّاسِ مَن كانَتْ أخْلاقُهُ رَضِيَّةً.[۸]

۵۲۳۶. **امام علی** ﷺ: خرسندترین مردمان کسی است که اخلاقش پسندیده باشد.

۵۲۳۷. عنه ﷺ: أحْسنُ السَّناءِ الخُلقُ السَّجيحُ.[۹]

۵۲۳۷. **امام علی** ﷺ: بهترین رفعت، نرمخویی است.

۵۲۳۸. عنه ﷺ: مَن حَسُنَتْ خَليقَتُهُ طابَتْ عِشْرَتُهُ.[۱۰]

۵۲۳۸. **امام علی** ﷺ: آن که اخلاقش نیکو باشد، معاشرتش نیکوست.

---

۱. غرر الحکم: ۱۲۸۰ـ۱۲۸۱.
۲. بحار الأنوار: ۵۹/۳۹۲/۷۱.
۳. بحار الأنوار: ۷۸/۳۹۶/۷۱.
۴. غرر الحکم: ۱۶۵۸.
۵. غرر الحکم: ۴۸۴۲.
۶. غرر الحکم: ۴۸۵۱.
۷. غرر الحکم: ۴۸۵۷.
۸. غرر الحکم: ۳۰۷۲.
۹. غرر الحکم: ۳۲۰۳.
۱۰. غرر الحکم: ۸۱۵۳.

۵۲۳۸ . **الإمامُ الحسنُ** ﷺ: إنّ أحسَنَ الحَسَنِ الخُلقُ الحَسَنُ.[1]

۵۲۳۹ . **امام حسن** ﷺ: همانا نیک‌ترین نیکویی، خوی نیکوست.

۵۲۴۰ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: لا عَيشَ أهْنَأُ مِن حُسنِ الخُلقِ.[2]

۵۲۴۰ . **امام صادق** ﷺ: زندگی گواراتر از اخلاق خوش نیست.

(انظر) كنز العمّال: ۳ / ۴ ـ ۲۲ فإنّ كثيراً من الأحاديث المذكورة في هذا الباب وردت من طريق العامّة أيضاً.

۱۱۱۲
جزاءُ حُسنِ الخُلُقِ

۱۱۱۲
پاداش خوشخویی

۵۲۴۱ . **رسولُ اللهِ** ﷺ: مَن حَسَّنَ خُلقَهُ بَلَّغَهُ اللهُ درَجَةَ الصّائمِ القائمِ.[3]

۵۲۴۱ . **پیامبر خدا** ﷺ: آن که اخلاق خویش را نیکو گرداند، خداوند او را به مقام روزه گیرِ شب زنده‌دار رساند.

۵۲۴۲ . **عنه** ﷺ: إنّ العَبدَ لَيَبلُغُ بحُسنِ خُلقِهِ عَظيمَ دَرَجاتِ الآخِرَةِ وشَرَفِ المَنازِلِ، وإنَّهُ لَضَعيفُ العِبادَةِ.[4]

۵۲۴۲ . **پیامبر خدا** ﷺ: بنده، هر چند در عبادت ضعیف باشد، با اخلاق نیک خود در آخرت به درجات بزرگ و منزلتهای والایی دست می‌یابد.

۵۲۴۳ . **عنه** ﷺ: إنَّ الرَّجُلَ يُدرِكُ بحُسنِ خُلقِهِ دَرَجَةَ الصّائمِ القائمِ، وإنَّهُ لَيُكتَبُ جَبّاراً ولا يَملِكُ إلّا أهلَهُ![5]

۵۲۴۳ . **پیامبر خدا** ﷺ: آدمی با حُسن خلق خود، به رتبهٔ روزه‌گیر شب‌زنده‌دار می‌رسد، و در زمرهٔ گردن فرازان (فرمانروایان) به شمار می‌آید، در حالی که جز بر خانوادهٔ خود فرمانروایی ندارد!

۵۲۴۴ . **عنه** ﷺ: إنّ صاحِبَ الخُلقِ الحَسَنِ لَهُ مِثلُ أجرِ الصّائمِ القائمِ.[6]

۵۲۴۴ . **پیامبر خدا** ﷺ: همانا انسان خوشخو را پاداشی همانند پاداش روزه گیر شب‌زنده دار است.

---

۱. الخصال: ۱۰۲/۲۹. ۲. علل الشرائع: ۱/۵۶۰.
۳. عيون أخبار الرضا: ۳۲۸/۷۱/۲.
۴. المعجم الكبير: ۷۵۴/۲۶۰/۱.
۵. شرح نهج البلاغة: ۳۳۸/۶.
۶. الكافي: ۵/۱۰۰/۲.

۴۷۶ ـــ

۵۲۳۵ . **الإمامُ الصّادقُ ﷺ**: إنَّ اللهَ تبارَكَ وتعالىٰ لَيُعْطي العَبدَ مِن الثَّوابِ علىٰ حُسنِ الخُلقِ كما يُعطي المُجاهِدَ في سبيلِ اللهِ يَغدو علَيهِ ويَروحُ.[۱]

۵۲۳۵ . **امام صادق ﷺ**: خداوند تبارک و تعالی ب

خوشخوییِ بنده ثوابی را می‌دهد، همانن

ثواب مجاهدی که هر بام و شام در راه خد

جهاد کند.

۵۲۳۶ . **عنه ﷺ**: ما يَقْدِمُ المؤمنُ على اللهِ عزّوجلّ بعَملٍ بعدَ الفرائضِ أحَبَّ إلىٰ اللهِ تعالىٰ مِن أنْ يَسَعَ النّاسَ بخُلقِهِ.[۲]

۵۲۳۶ . **امام صادق ﷺ**: مؤمن، بعد از واجبات

عملی محبوبتر از خوش اخلاقی با مرد

نزد خداوند متعال نمی‌آورد.

۱۱۱۳
أفضَلُ ما يوضَعُ فِي الميزانِ

۵۲۳۷ . رسولُ اللهِ ﷺ: أوَّلُ ما يُوضَعُ في مِيزانِ العَبدِ يَومَ القِيامَةِ حُسنُ خُلقِهِ.[۳]

۵۲۳۸ . **عنه ﷺ**: ما مِن شيءٍ أثقَلُ في الميزانِ مِن حُسنِ الخُلقِ.[۴]

۵۲۳۹ . **عنه ﷺ**: ما يُوضَعُ في مِيزانِ امرئٍ يَومَ القِيامَةِ أفضَلُ مِن حُسنِ الخُلقِ.[۵]

(انظر) الصلاة على النبيّ وآله: باب ۲۲۸۸.

الصدقة: باب ۲۲۰۰.

۱۱۱۳
بهترین چیز در ترازوی اعمال

۵۲۳۷ . **پیامبر خدا ﷺ**: نخستین چیزی که رو

قیامت در ترازوی اعمال بنده گذاشت

می‌شود، حُسن خلق اوست.

۵۲۳۸ . **پیامبر خدا ﷺ**: در ترازوی اعمال، چیز

سنگینتر از خوشخویی نیست.

۵۲۳۹ . **پیامبر خدا ﷺ**: در قیامت چیزی برتر ا

خوشخویی در ترازوی اعمال آدمی نهاد

نمی‌شود.

---

۱ . الكافي: ۱۲/۱۰۱/۲.
۲ . الكافي: ۴/۱۰۰/۲.
۳ . قرب الإسناد: ۱۴۹/۴۶.
۴ . عيون أخبار الرضا: ۹۸/۳۷/۲، بحار الأنوار: ۱۷/۳۸۳/۷۱.
۵ . الكافي: ۲/۹۹/۲.

١١١٣
عَظَمَةُ خُلُقِ النَّبِيِّ ﷺ

الكتاب:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلىٰ خُلُقٍ عَظيمٍ﴾.[1]

الحديث:

٥٢٥٠. الإمامُ الباقرُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿إِنَّكَ لَعَلىٰ خُلُقٍ عظيمٍ﴾ ـ: هُوَ الإسلامُ.[2]

٥٢٥١. عنه ﷺ ـ في الآيةِ أيضاً ـ: علىٰ دِينٍ عَظيمٍ.[3]

٥٢٥٢. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: كانَ فيما خاطَبَ اللهُ تعالىٰ بِهِ نبيَّهُ ﷺ أنْ قالَ لَهُ: يا محمّدُ ﴿إِنَّكَ لَعلىٰ خُلُقٍ عظيمٍ﴾ قالَ: السَّخاءُ، وحُسنُ الخُلُقِ.[4]

٥٢٥٣. عنه ﷺ: كانَ رسولُ اللهِ ﷺ خُلُقهُ القُرآنُ قولُهُ عزّوجلّ: ﴿خُذِ العَفْوَ وأْمُرْ بالعُرْفِ وأعْرِضْ عَنِ الجاهِلينَ﴾.[5][6]

(انظر) الأدب: باب ٧٠.

١١١٣
شکوه و عظمت اخلاق پیامبر ﷺ

قرآن:

«همانا تو بر خُلقی عظیم هستی».

حدیث:

٥٢٥٠. امام باقر ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «همانا تو بر خُلقی عظیم هستی» ـ فرمود: آن [خُلق]، اسلام است.

٥٢٥١. امام باقر ﷺ ـ نیز دربارهٔ همان آیه ـ فرمود: یعنی بر دینی بزرگ.

٥٢٥٢. امام صادق ﷺ: از جمله خطابهایی که خداوند متعال به پیامبرش ﷺ نمود این بود که فرمود: ای محمّد! «همانا تو بر خُلقی عظیم هستی» یعنی بخشندگی و خوشخویی.

٥٢٥٣. امام صادق ﷺ: اخلاق پیامبر خدا ﷺ، [تجسّم] این سخن خداوند عزّوجلّ بود: «عفو را پیشه کن و به نیکی فرمان ده و از جاهلان روی گردان».

١. القلم: ٤.
٢. معاني الأخبار: ١/١٨٨.
٣. تفسير القمّي: ٢/٣٨٢.
٤. الأمالي للطوسي: ٣٠٢/٥٩٩.
٥. الأعراف: ١٩٩.
٦. تنبيه الخواطر (طبعة النجف): ٧٢.

١١١٥
حُسنُ الخُلُقِ وكَمالُ الدِّينِ

٥٢٥٣. رسولُ اللهِ ﷺ: إنّ أحَبَّكُم إلَيَّ وأقرَبَكُم مِنّي

١١١٥
خوشخویی و کمال دین

٥٢٥٣. پیامبر خدا ﷺ: محبوبترین شما نزد من و

يَومَ القِيامَةِ مَجلِساً أحْسَنُكُم خُلقاً، وأشَدُّكُم تَواضُعاً.[۱]

۵۲۵۵. عنه ﷺ: أكمَلُ المؤمنينَ إيماناً أحْسَنُهُم خُلقاً.[۲]

۵۲۵۶. عنه ﷺ: أشْبَهُكُم بِي أحْسَنُكُم خُلقاً.[۳]

۵۲۵۷. عنه ﷺ: إنّ اللهَ يُحِبُّ مَعالِيَ الأخْلاقِ ويَكْرَهُ سَفْسافَها.[۴]

۵۲۵۸. بحارالأنوار عن الإمام الصّادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ ﷺ عن رسول الله ﷺ إنّه قالَ: يا عَلِيُّ ألا أُخبِرُكَ بأشْبَهِكُم بِي خُلقاً؟ قالَ:

بلىٰ يا رسولَ اللهِ، قالَ: أحْسَنُكُم خُلقاً أعظَمُكُم حِلْماً، وأبَرُّكُم بقَرابَتِهِ، وأشَدُّكُم مِن نَفسِهِ إنْصافاً.[۵]

۵۲۵۹. الإمامُ عليٌّ ﷺ: رَوِّضوا أنفُسَكُم على الأخْلاقِ الحَسَنَةِ؛ فإنّ العَبدَ المُسلِمَ يَبلُغُ بحُسْنِ خُلقِهِ دَرجَةَ الصّائمِ القائمِ.[۶]

۵۲۶۰. عنه ﷺ: تَنافَسوا في الأخْلاقِ الرَّغِيبَةِ، والأحْلامِ العَظيمَةِ، والأخْطارِ الجَليلَةِ، يَعْظُمْ لَكُمُ الجَزاءُ.[۷]

---

۱. بحار الأنوار: ۲۶/۳۸۵/۷۱.
۲. الأمالي للطوسي: ۲۲۷/۱۴۰.
۳. بحار الأنوار: ۳۵/۳۸۷/۷۱.
۴. كنز العمّال: ۵۱۸۰.
۵. بحار الأنوار: ۳/۵۸/۷۷.
۶. الخصال: ۱۰/۶۲۱.
۷. غرر الحكم: ۴۵۵۶.

نزدیکترینتان به من در روز قیامت خوشخوترین و افتاده‌ترین شماست.

۵۲۵۵. **پیامبر خدا ﷺ**: آن مؤمن ایمانش کامل است که اخلاقش نیکوتر باشد.

۵۲۵۶. **پیامبر خدا ﷺ**: شبیه‌ترین شما به من خوشخوترین شماست.

۵۲۵۷. **پیامبر خدا ﷺ**: خداوند خویهای والا دوست دارد و خویهای پست را ناخوش می‌دارد.

۵۲۵۸. **بحارالأنوار** از امام صادق از پدرش از جدّش از امام علی ﷺ از پیامبر خدا ﷺ که به امیر المؤمنین ﷺ فرمود: ای علی! آیا تو را خبر ندهم که اخلاق کدام یک از شما به من شبیه‌تر است؟ عرض کرد: بفرمایید، ای رسول خدا. فرمود: آن که از همهٔ شما خوشخوتر و بردبارتر و به خویشاوندانش نیکوکارتر و با انصافتر باشد.

۵۲۵۹. **امام علی ﷺ**: نفسهای خود را بر اخلاق نیکو تمرین دهید؛ زیرا که بندهٔ مسلمان، حُسنِ خُلقِ خود به درجهٔ روزه گیرِ شب زنده‌دار می‌رسد.

۵۲۶۰. **امام علی ﷺ**: در کسب خویهای پسندیده و آرزوهای بزرگ و منزلتهای والا با یکدیگر رقابت کنید، تا پاداش بزرگ یابید.

۵۲۶۱. عنه ﷺ: إنْ كُنتُم لا مَحالَةَ مُتَنافِسينَ فتَنافَسوا في الخِصالِ الرَّغيبَةِ وخِلالِ المَجدِ.[1]

۵۲۶۲. عنه ﷺ: لَو كُنّا لانَرْجو جَنَّةً، ولا نَخْشىٰ ناراً ولا ثَواباً ولا عِقاباً لَكانَ يَنْبَغي لَنا أنْ نَطلُبَ مَكارِمَ الأخْلاقِ؛ فإنَّها مِمّا يَدُلُّ علىٰ سَبيلِ النَّجاحِ.[2]

۵۲۶۳. عنه ﷺ: علَيكُم بِمَكارِمِ الأخْلاقِ فإنَّها رِفْعَةٌ، وإيّاكُم والأخْلاقَ الدَّنِيَّةَ فإنَّها تَضَعُ الشَّريفَ وتَهْدِمُ المَجْدَ.[3]

۱۱۱۶
الحَثُّ علىٰ مَكارِمِ الأخلاقِ

۵۲۶۴. رسولُ اللهِ ﷺ: إنّما بُعِثْتُ لأتَمِّمَ مَكارِمَ الأخْلاقِ.[4]

۵۲۶۵. عنه ﷺ: إنّما بُعِثْتُ لأتَمِّمَ حُسْنَ الأخْلاقِ.[5]

۵۲۶۶. عنه ﷺ: جَعَلَ اللهُ سُبحانَهُ مَكارِمَ الأخْلاقِ صِلَةً بَينَهُ وبَينَ عِبادِهِ، فحَسْبُ أحَدِكُم أنْ يَتَمسَّكَ بخُلُقٍ مُتَّصِلٍ باللهِ.[6]

۵۲۶۱. **امام علی** ﷺ: اگر چاره‌ای از رقابت کردن ندارید، پس در به دست آوردن خصلتهای پسندیده و خویهای بزرگوارانه رقابت کنید.

۵۲۶۲. **امام علی** ﷺ: حتّی اگر هم به بهشت امید نمی‌داشتیم و از دوزخ نمی‌هراسیدیم و پاداش و کیفری در میان نمی‌بود، باز شایسته بود که در طلب مکارم اخلاق[1] برآییم؛ زیرا که راه موفقیت و پیروزی، در تحصیل مکارم اخلاق است.

۵۲۶۳. **امام علی** ﷺ: بر شما باد تحصیل مکارم اخلاق که آن مایهٔ رفعت است و از خویهای پست دوری کنید که آن انسانهای شریف را پست می‌کند و بزرگواری را از بین می‌برد.

۱۱۱۶
تشویق به کسب مکارم اخلاق

۵۲۶۴. **پیامبر خدا** ﷺ: من، در حقیقت، برای این برانگیخته شده‌ام که مکارم اخلاق را به کمال رسانم.

۵۲۶۵. **پیامبر خدا** ﷺ: من، در حقیقت، برای این برانگیخته شده‌ام که نیکویی خویها را به کمال رسانم.

۵۲۶۶. **پیامبر خدا** ﷺ: خداوند سبحان مکارم اخلاق را سبب پیوند میان خود و بندگانش قرار داده است، پس، هر یک از شما را همین بس که به خویی که متّصل به خداست، چنگ آویزد.

---

۱. غرر الحكم: ۳۷۴۰. ۲. الدرجات الرفيعة: ۳۵۵.
۳. بحار الأنوار: ۵۳/۷۸، ۸۹. ۴. كنز العمّال: ۵۲۱۷. ۵. كنز العمّال: ۵۲۱۸.
۶. تنبيه الخواطر: ۱۲۲/۲.

---

۱. مکارم، صفاتی است که موجب کرامت و بزرگواری و شرافت می‌شود، و از صفاتِ نیکِ عادی و معمولی بالاتر است ـ م.

۵۲۶۷ . **الإمامُ عليٌّ ﷺ**: ثابِروا على اقْتِناءِ المَكارِمِ.[1]

۵۲۶۸ . **عنه ﷺ**: ابْذِلْ في المَكارِمِ جُهْدَكَ تَخْلُصْ مِن المَآثِمِ، وتُحْرِزِ المَكارِمَ.[2]

۵۲۶۹ . **عنه ﷺ**: فَهَبْ أنّهُ لا ثَوابَ يُرجىٰ ولا عِقابَ يُتَّقىٰ، أفَتَزْهَدونَ في مَكارِمِ الأخْلاقِ؟![3]

۵۲۷۰ . **عنه ﷺ**: يا كُمَيلُ، مُرْ أهلَكَ أنْ يَروحوا في كَسْبِ المَكارِمِ، ويُدْلِجوا في حاجَةِ مَن هُو نائمٌ.[4]

۵۲۶۷ . **امام علی ﷺ**: در راه کسب مکارم اخلاق پشتکار و پایداری ورزید.

۵۲۶۸ . **امام علی ﷺ**: برای تحصیل مکارم اخلاق، نهایت کوشش خود را به کارگیر، تا از گناهان برهی و مکارم را به دست آوری.

۵۲۶۹ . **امام علی ﷺ**: گیرم که امید به پاداش و ترس از کیفر در میان نباشد، آیا باید به مکارم اخلاق پشت کنید؟

۵۲۷۰ . **امام علی ﷺ**: ای کمیل! به خانوادهٔ خود فرمان ده که در روز به دنبال کسب مکارم اخلاق باشند و در شب نیاز کسی را که خفته است بر آورند.

۱۱۱۷
تَفسيرُ حُسنِ الخُلُقِ

۱۱۱۷
معنای حُسن خلق

۵۲۷۱ . **رسولُ اللهِ ﷺ**: إنّما تفسيرُ حُسنِ الخُلُقِ: ما أصابَ الدُّنيا يَرْضىٰ، وإنْ لَم يُصِبْهُ لَم يَسْخَطْ.[5]

۵۲۷۱ . **پیامبر خدا ﷺ**: معنای حُسن خلق این است که: اگر دنیا به انسان رو کرد، خشنود باشد و اگر رو نکرد، خشمگین نشود.

۵۲۷۲ . **الإمامُ الصّادقُ ﷺ**: قال رسول الله ﷺ: ألا أُنَبِّئُكُم بِخِيارِكُم؟ قالوا: بلىٰ يارسولَ اللهِ. قالَ: أحاسِنُكُم أخْلاقاً المُوَطَّئونَ أكْنافاً، الّذينَ يَأْلَفونَ ويُؤْلَفونَ.[6]

۵۲۷۲ . **امام صادق ﷺ**: پیامبر خدا ﷺ فرمود: آیا شما را از بهترین افرادتان خبر ندهم؟ عرض کردند: چرا، ای رسول خدا. حضرت فرمود: خوشخوترین شما، آنانند که نرمخو و بی‌آزارند، با دیگران اُنس می‌گیرند و دیگران نیز با آنان اُنس می‌گیرند.

۵۲۷۳ . **بحار الأنوار**: جاءَ رجُلٌ إلىٰ رسولِ اللهِ ﷺ مِن بَينِ يَدَيهِ فقالَ: يا رسولَ اللهِ، ما

۵۲۷۳ . **بحار الأنوار**: مردی از روبروی پیامبر خدا ﷺ، خدمت آن حضرت آمد و پرسید:

---

۱ . غرر الحكم: ۴۷۱۲.
۲ . غرر الحكم: ۹۹۸۹.
۳ . غرر الحكم: ۶۲۷۸.
۴ . نهج البلاغة: الحكمة ۲۵۷.
۵ . كنز العمّال: ۵۲۲۹.
۶ . بحار الأنوار: ۷۱/۳۹۶/۷۶.

الدِّينُ؟ فقالَ: حُسنُ الخُلقِ. ثُمَّ أتاهُ عَن يَمينِهِ فقالَ: ما الدِّينُ؟ فقالَ: حُسنُ الخُلقِ. ثُمّ أتاهُ مِن قِبَلِ شِمالِهِ فقالَ: ما الدِّينُ؟ فقالَ: حُسنُ الخُلقِ. ثُمّ أتاهُ مِن وَرائِهِ فقالَ: ما الدِّينُ؟ فالْتَفَتَ إلَيهِ وقالَ: أمَا تَفقَهُ؟! الدِّينُ هُو أنْ لا تَغْضَبَ.[1]

۵۲۷۴. الإمامُ عليٌّ ﷺ: حُسنُ الخُلقِ في ثَلاثٍ: اجْتِنابُ المَحارِمِ، وطَلَبُ الحَلالِ، والتَّوَسُّعُ علىٰ العِيالِ.[2]

۵۲۷۵. عنه ﷺ: إنَّ بَذْلَ التَّحيَّةِ مِن مَحاسِنِ الأخْلاقِ.[3]

۵۲۷۶. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ لَمّا سُئلَ عَن حَدّ حُسنِ الخُلقِ ـ: تُلينُ جانِبَكَ، وتُطيِّبُ كَلامَكَ، وتَلْقىٰ أخاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ.[4]

(انظر) الإيمان: باب ۲۶۹، ۲۷۵، ۲۸۵ـ۲۸۷، ۲۹۲، ۲۹۶ـ۳۰۱.

ای رسول خدا! دین چیست؟ فرمود: خوشخویی. سپس از طرف راست آمد و پرسید: دین چیست؟ فرمود: خوشخویی. آن گاه از طرف چپ آن حضرت آمد و پرسید: دین چیست؟ فرمود: خوشخویی. سپس از پشت سر ایشان آمد و پرسید: دین چیست؟ حضرت به طرف او برگشت و فرمود: مگر نمی‌فهمی؟! دین، آن است که خشم نگیری.

۵۲۷۴. امام علی ﷺ: خوشخویی در سه چیز است: دوری کردن از کارهای حرام، طلب حلال، و فراهم آوردن آسایش و رفاه برای خانواده.

۵۲۷۵. امام علی ﷺ: سلام کردن از خوبیهای نیک است.

۵۲۷۶. امام صادق ﷺ ـ در پاسخ به پرسش از معنای حُسن خلق ـ فرمود: حُسن خلق این است که نرمخو و مهربان باشی، گفتارت پاکیزه و مؤدبانه باشد و با برادرت با خوشرویی برخورد کنی.

۱۱۱۸
تَفسيرُ مَكارِمِ الأخلاقِ

۵۲۷۷. رسولُ اللهِ ﷺ: العَدلُ حَسَنٌ ولٰكِنْ في الأُمَراءِ أحسَنُ، السَّخاءُ حَسَنٌ ولٰكِنْ في الأغْنِياءِ أحسَنُ، الوَرَعُ حَسَنٌ ولٰكِنْ في

۱۱۱۸
تفسیر مکارم اخلاق

۵۲۷۷. پیامبر خدا ﷺ: عدالت نیکوست، اما در فرمانروایان نیکوتر است؛ بخشندگی زیباست، اما در توانگران زیباتر است؛ پارسایی نیکوست، اما در دانشمندان

۱. تنبيه الخواطر: ۸۹/۱. ۲. بحار الأنوار: ۶۳/۳۹۴/۷۱.
۳. غرر الحكم: ۳۳۰۴. ۴. معاني الأخبار: ۱/۲۵۳.

العُلَماءِ أحسَنُ، الصَّبرُ حَسَنٌ ولٰكنْ في الفُقَراءِ أحسَنُ، التَّوبَةُ حَسَنٌ ولٰكنْ في الشَّبابِ أحسَنُ، الحَياءُ حَسَنٌ ولٰكنْ في النِّساءِ أحسَنُ.[۱]

نیکوتر است؛ شکیبایی نیکوست، اما در فقیران نیکوتر است؛ توبه نیکوست، اما در جوانان نیکوتر است؛ و شرم و حیا نیکوست، اما در زنان نیکوتر است.

۵۲۷۸. عنه ﷺ: عليكُم بمَكارِمِ الأخْلاقِ، فإنّ اللهَ عزّوجلّ بَعثَني بها. وإنَّ مِن مَكارِمِ الأخْلاقِ أنْ يَعفُوَ الرَّجُلُ عَمَّنْ ظَلَمَهُ، ويُعطيَ مَن حَرَمَهُ، ويَصِلَ مَن قَطَعَهُ، وأنْ يَعودَ مَن لا يَعودُهُ.[۲]

۵۲۷۸. **پیامبر خدا ﷺ**: بر شما باد تحصیل مکارم اخلاق؛ زیرا که خداوند عزّوجلّ مرا برای آنها برانگیخت. و از مکارم اخلاق است که آدمی، از کسی که به وی ستم کرده است در گذرد، و به کسی که چیزی را از او دریغ داشته است عطا کند، و با آن که از وی بُریده است پیوند برقرار سازد و از آن که به عیادتش نرفته است، عیادت کند.

۵۲۷۹. الإمامُ عليٌّ ﷺ: إنّ مِن مَكارِمِ الأخْلاقِ أنْ تَصِلَ مَن قَطَعَكَ، وتُعطِيَ مَن حَرَمَكَ، وتَعْفوَ عَمَّن ظَلَمَكَ.[۳]

۵۲۷۹. **امام علی ﷺ**: از جمله مکارم اخلاق این است که با آن که از تو پیوند بُریده ارتباط برقرار کنی، به آن که از تو دریغ ورزیده، عطا کنی و از آن که به تو ستم کرده درگذری.

۵۲۸۰. عنه ﷺ: لا تَكْمُلُ المَكارِمُ إلّا بالعَفافِ والإيثارِ.[۴]

۵۲۸۰. **امام علی ﷺ**: مکارم اخلاق به کمال نرسد، مگر با عفاف و ایثار.

۵۲۸۱. عنه ﷺ: مِن أعْوَدِ الغَنائمِ دَولَةُ الأكارِمِ.[۵]

۵۲۸۱. **امام علی ﷺ**: از سودمندترین غنیمتها، دولت کریمان است.

۵۲۸۲. عنه ﷺ: إذا رَغِبتَ في المَكارِمِ فاجْتَنِبِ المَحارِمَ.[۶]

۵۲۸۲. **امام علی ﷺ**: اگر خواهان مکارم اخلاق هستی، از حرامها دوری کن.

۵۲۸۳. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنّ اللهَ تبارَكَ وتعالىٰ خَصَّ رَسولَهُ ﷺ بمَكارِمِ الأخْلاقِ، فامْتَحِنوا أنفسَكُم؛ فإن كانتْ فِيكُم

۵۲۸۳. **امام صادق ﷺ**: خداوند تبارک و تعالی مکارم اخلاق را به رسولش ﷺ ارزانی داشت. پس شما نیز خود را بیازمایید، اگر این خویها در شما بود، خداوند عزّوجلّ را

---

۱. كنز العمّال: ۴۳۵۴۲.
۲. الأمالي للطوسي: ۱۰۴۲/۴۷۸.
۳. غرر الحكم: ۳۵۴۳.
۴. غرر الحكم: ۱۰۷۴۵.
۵. غرر الحكم: ۹۳۸۱.
۶. غرر الحكم: ۴۰۶۹.

فاحْمَدوا اللهَ عزّوجلّ وارغَبوا إلَيهِ في الزِّيادَةِ مِنها. فذكَرَها عَشرَةً: اليَقينُ، والقَناعَةُ، والصَّبرُ، والشُّكرُ، والحِلْمُ، وحُسنُ الخُلقِ، والسَّخاءُ، والغَيرَةُ، والشَّجاعَةُ، والمُروءَةُ.[1]

سپاس گویید و از او این مکارم را بیشتر بخواهید. سپس حضرت آنها را ده خوی برشمرد: یقین، قناعت، صبر، شکر، بردباری، خوشخویی، بخشندگی، غیرت، شجاعت و مردانگی.

۵۲۸۴. عنه ﷺ: المَكارِمُ عَشرٌ، فإنِ استَطَعْتَ أنْ تكونَ فيكَ فلْتَكُنْ، فإنّها تَكونُ في الرَّجُلِ ولا تكونُ في ولدِهِ، وتكونُ في ولدِهِ ولا تكونُ في أبيهِ، وتكونُ في العَبدِ ولا تكونُ في الحُرِّ: صِدْقُ البَأسِ، وصِدقُ اللِّسانِ، وأداءُ الأمانَةِ، وصِلَةُ الرَّحِمِ، وإقْراءُ الضَّيفِ، وإطْعامُ السّائلِ، والمُكافاةُ علَى الصَّنايعِ، والتَّذَمُّمُ للجارِ، والتَّذَمُّمُ للصاحِبِ، ورأسُهُنَّ الحَياءُ.[2]

۵۲۸۴. امام صادق ﷺ: مکارم [اخلاق] ده تاست، اگر می توانی آنها را داشته باش؛ زیرا گاهی شخص آنها را دارد، ولی فرزندش ندارد و گاهی در فرزند هست و در پدرش نیست و گاهی در بنده هست و در آزاد نیست [این ده خوی کریمانه عبارتند از:] پایمردی در جنگ، راستگویی، امانتداری، صلهٔ رحم، میهمان نوازی، اطعام بینوا، جبران کردن نیکیها، مراعات حقّ همسایه، مراعات حقّ رفیق، و در رأس همه، شرم و حیا.

۵۲۸۵. عنه ﷺ ـ وقد سُئلَ عن مَكارِمِ الأخْلاقِ ـ: العَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ، وصِلَةُ مَن قَطَعَكَ، وإعْطاءُ مَن حَرَمَكَ، وقَولُ الحقِّ ولَو علَى نَفْسِكَ.[3]

۵۲۸۵. امام صادق ﷺ ـ در پاسخ به سؤال از مکارم اخلاق ـ فرمود: گذشت از کسی که به تو ستم کرده است، ارتباط برقرار کردن با کسی که از تو بُریده است، عطا کردن به آن که از دادن چیزی به تو دریغ کرده است و گفتن حقّ، اگر چه بر ضدّ خودت باشد.

۵۲۸۶. عنه ﷺ ـ لِجرّاحِ المَدائنيِّ ـ: ألَا أُحَدِّثُكَ

۵۲۸۶. امام صادق ﷺ ـ به جرّاح مدائنی ـ فرمود:

---

۱. الأمالي للصدوق: ۳۲۴/۲۹۰.
۲. الخصال: ۱۱/۴۳۱.
۳. معاني الأخبار: ۱/۱۹۱.

بمَكارِمِ الأخْلاقِ ؟ الصَّفْحُ عنِ النّاسِ، ومُؤاساةُ الرَّجُلِ أخاهُ في مالِهِ، وذِكْرُ اللهِ كثيراً.[1]

(۱۱۱۹)

التَّمييزُ بَينَ الأخلاقِ

۵۲۸۷ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: رأسُ العِلمِ التَّمْييزُ بينَ الأخْلاقِ، وإظْهارُ محْمُودِها، وقَمْعُ مَذْمومِها.[2]

۵۲۸۸ . عنه ﷺ: الفَضائلُ أربَعةُ أجْناسٍ، أحَدُها: الحِكمَةُ وقِوامُها في الفِكْرَةِ، والثّاني: العِفَّةُ وقِوامُها في الشَّهْوَةِ، والثّالثُ: القُوَّةُ

آيا به تو بگويم كه مكارم اخلاق چيست ؟ گذشت كردن از مردم، مواسات نسبت به برادر [دينى] خود، و بسيار به ياد خدا بودن.

(۱۱۱۹)

تشخيص خوبيها از يكديگر

۵۲۸۷ . امام علی ﷺ: تشخيص خوبيها از يكديگر، و آشكار كردن خوبيهاى پسنديده، و سركوب كردن خوبيهاى ناپسند، سرآمد دانش و دانايى است.

۵۲۸۸ . امام علی ﷺ: فضايل بر چهار گونه‌اند: اوّل: حكمت كه جانمايهٔ آن در فكر و انديشه است؛ دوم: عفّت كه شالودهٔ آن شهوت است؛ سوم: قدرت و توانايى كه اساس آن خشم است و چهارم: عدالت كه ريشهٔ آن، اعتدال هواى نفس است.

---

۱ . معاني الأخبار: ۲/۱۹۱.
راجع: بحار الأنوار: ۶۹/۳۷۵، ۷۸/ ۲۴۵، النبوّة العامّة: باب ۳۷۱۶.
بحار الأنوار: ۴۱ / ۴۸ باب ۱۰۴ «حُسن خُلق الإمام عليّ ﷺ» وج ۴۶ / ۵۴ باب ۵ «مكارم أخلاق الإمام عليّ بن الحسين ﷺ»، و ص ۲۸۶ باب ۶ «مكارم أخلاق الإمام الباقر ﷺ»، وج ۴۷ / ۱۶ باب ۴ «مكارم أخلاق الإمام الصادق ﷺ»، ج ۴۸ / ۱۰۰ باب ۵ «مكارم أخلاق الإمام الكاظم ﷺ»، وج ۴۹ / ۸۹ باب ۷ «مكارم أخلاق الإمام الرضا ﷺ»، وج ۵۰ / ۸۵ باب ۵ «مكارم أخلاق الإمام الجواد ﷺ»، و ص ۱۲۴ باب ۳ «مكارم أخلاق الإمام الهادي ﷺ»، و ص ۳۰۶ باب ۴ «مكارم أخلاق الإمام العسكريّ ﷺ»، وج ۶۹ / ۳۳۲ ـ ۴۱۴ وج ۷۰ و ۷۱ «أبواب مكارم الأخلاق».

۲ . غرر الحكم: ۵۲۶۷.

وقِوامُها في الغَضَبِ، والرّابعُ: العَدلُ وقِوامُهُ في اعْتِدالِ قُوى النَّفْسِ.[1]

۵۲۸۹. الإمامُ العسكريُّ ﷺ: إنّ للسَّخاءِ مِقْداراً فإنْ زادَ علَيهِ فهُو سَرَفٌ، وللحَزْمِ مِقْداراً فإنْ زادَ علَيهِ فهُو جُبْنٌ، وللاقْتِصادِ مِقْداراً فإنْ زادَ علَيهِ فهُو بُخْلٌ، وللشَّجاعَةِ مِقْداراً فإنْ زادَ علَيهِ فهُو تَهوُّرٌ.[2][3]

۵۲۸۹. امام عسکری ﷺ: همانا بخشندگی را اندازه‌ای است، که اگر از آن فراتر رود، اسراف است و دوراندیشی و احتیاط را اندازه‌ای است، که چون از آن تجاوز شود، بزدلی است و صرفه‌جویی را حدّی است، که اگر از آن فراتر رود، بخل است و شجاعت را نیز اندازه‌ای است، که فراتر از آن تهوّر و بی‌باکی است.[1]

---

۱. بحار الأنوار: ۶۸/۸۱/۷۸ ۲. بحار الأنوار: ۱۱۵/۴۰۷/۶۹.

۳. قال أبو حامد: كما أنّ حُسن الصورة الظاهرة مطلقاً لا يتمّ بُحسن العينين دون الأنف والفم والخدّ، بل لابدّ من حُسن الجميع ليتمّ حُسن الظاهر، فكذلك في الباطن أربعة أركان لابدّ من الحُسن في جميعها حتّى يتمّ حُسن الخُلق، فإذا استوت الأركان الأربعة واعتدلت وتناسبت حصل حُسن الخُلق، وهي:

قوّة العلم، وقوّة الغضب، وقوّة الشهوة، وقوّة العدل بين هذه القوى الثلاث... وحُسن القوّة الغضبيّة واعتدالها يُعبّر عنه بالشّجاعة، وحُسن قوّة الشهوة واعتدالها يعبّر عنه بالعِفّة. فإن مالت قوّة الغضب عن الاعتدال إلى طرف الزيادة سُمّي ذلك تهوّراً، وإن مالت إلى الضّعف والنقصان سُمّي ذلك جُبناً وخوَراً. وإن مالت قوّة الشهوة إلى طرف الزّيادة سُمّي شرَهاً، وإن مالت إلى النقصان سُمّي خُموداً. والمحمود هو الوسط وهو الفضيلة، والطّرفان رذيلتان مذمومتان.

والعدل إذا فات فليس له طرفان زيادة ونقصان بل له ضدّ واحد، وهو الجور.

وأمّا الحكمة فيُسمّى إفراطها عند الاستعمال في الأغراض الفاسدة خَبّاً وجَربَزة، ويُسمّى تفريطها بَلَهاً، والوسط هو الذي يختصّ باسم الحكمة.

فإذاً أمّهات الأخلاق وأُصولها أربعة: الحكمة والشّجاعة والعِفّة والعدل... فمِن اعتدال هذه الأُصول الأربعة تصدر الأخلاق الجميلة كلّها.

المحجّة البيضاء: ۹۶/۵.

۱. ابوحامد غزّالی می‌نویسد: همان گونه که زیبایی چهرهٔ ظاهری تنها با زیبایی چشمان فراهم نمی‌آید، بلکه باید همهٔ اعضای دیگر مانند بینی و دهان و گونه نیز زیبا باشند، تا زیبایی چهره کامل گردد، در درون و باطن آدمی نیز چهار عنصر اصلی است که باید این هر چهار رکن زیبا باشند، تا زیبایی و نیکویی خُلق کامل گردد. وقتی ارکان چهارگانهٔ باطنی متعادل و متناسب شدند، خوشخویی فراهم می‌شود. این ارکان عبارتند از: نیروی علم، نیروی خشم، نیروی شهوت و نیروی اعتدال میان سه نیروی یاد شدهٔ دیگر... حُسن و اعتدالِ نیروی خشم را شجاعت می‌گویند و حسن و اعتدالِ نیروی شهوت را عفّت می‌نامند. اگر نیروی خشم از حدّ اعتدال فزونتر شود، آن را تهوّر می‌نامند و اگر به ضعف و کاستی بگراید آن را ترسویی و بُزدلی می‌گویند. نیروی شهوت نیز اگر از مرز اعتدال به فزونی گراید آن را شَرَه و سیری ناپذیری می‌نامند و اگر به کاستی گراید آن را خُمود وسرد مزاجی می‌گویند. آنچه پسندیده است همان اعتدال و حدّ وسط است که فضیلت می‌باشد و افراط و تفریط رذیلت و نکوهیده‌اند. اما نیروی عدالت، طرف افراط و تفریط، یا افزایش و کاهش ندارد، بلکه یک نقطهٔ مقابل و ضدّ دارد، و آن ستم و جور است.

واما نیروی دانش یا حکمت، جانب افراط آن را که استفاده از آن در راه رسیدن به هدفهای باطل و نادرست باشد مکّاری و جُربُزه می‌گویند و جنبهٔ تفریط آن را بلاهت و کودنی. و حدّ وسط آن را حکمت می‌نامند.

بنابراین ارکان و مبانی اخلاق چهار چیز است: حکمت، شجاعت، عفّت وعدالت... همهٔ خویهای نیک و پسندیده از اعتدال این چهار اصل سر می‌زند.

۱۱۲۰

قيمَةُ الأخلاقِ

۵۲۹۰. رسولُ اللهِ ﷺ: الأخْلاقُ مَنائحُ مِن اللهِ عزّوجلّ، فإذا أحَبَّ عَبداً مَنحَهُ خُلقاً حَسَناً، وإذا أبْغَضَ عَبداً مَنحَهُ خُلقاً سَيّئاً.[۱]

۵۲۹۱. الإمامُ عليٌّ ﷺ: حُسنُ الأخْلاقِ بُرْهانُ كَرَمِ الأعْراقِ.[۲]

۵۲۹۲. عنه ﷺ: أطهَرُ النّاسِ أعْراقاً أحْسَنُهُم أخْلاقاً.[۳]

۵۲۹۳. الكافي عن إسحاقَ بنِ عمّارٍ عن الإمامِ الصّادقِ ﷺ: الخُلقُ مَنيحَةٌ يَمنَحُهاللهُ عزّوجلّ خَلقَهُ، فمِنهُ سَجِيَّةٌ، ومِنهُ نِيَّةٌ. فَقُلْتُ: فأيَّتُهُما أفضَلُ؟ فقالَ: صاحِبُ السَّجِيَّةِ هُو مَجْبولٌ لا يَستَطيعُ غَيرَهُ، وصاحِبُ النِّيَّةِ يَصْبِرُ على الطّاعَةِ تَصَبُّراً، فهُو أفْضَلُهُما.[۴]

(انظر) المحجّة البيضاء: ۵ / ۹۹ ـ ۱۰۳.

۱۱۲۰

ارزش اخلاق

۵۲۹۰. **پیامبر خدا** ﷺ: خویها داده‌هایی از جانب خداوند عزّوجلّ هستند. پس، هرگاه خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، خوی نیکو بدو عطا کند و هرگاه بنده‌ای را دشمن بدارد، خوی ناپسند به وی دهد.

۵۲۹۱. **امام علی** ﷺ: حُسن اخلاق، دلیل بر شرافت خانوادگی است.

۵۲۹۲. **امام علی** ﷺ: پاک نژادترین مردمان، خوش اخلاقترین آنهاست.

۵۲۹۳. **الكافي** ـ به نقل از اسحاق بن عمّار ـ: امام صادق ﷺ فرمود: خُلق و خوی، بخششی است که خداوند عزّوجلّ به آفریدگانش می‌دهد. برخی از آنها غریزی است وبرخی به نیّت و قصد است [و با تصمیم و تمرین به دست می‌آید]. عرض کردم: کدام یک از این دو بهتر است؟ فرمود: کسی‌که خویِ غریزی دارد، بر آن سرشته شده و جز آن نتواند کند و صاحب خوی اکتسابی، بر انجام طاعت صبوری می‌ورزد، پس این بهتر است.

---

۱. الاختصاص: ۲۲۵.
۲. غرر الحكم: ۴۸۵۵.
۳. غرر الحكم: ۳۰۳۲.
۴. الكافي: ۲/ ۱۰۱/ ۱۱.

۱۱۲۱

احتِفافُ المَكارِمِ بِالمَكارِهِ

۵۲۹۴ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: المَكارِمُ بالمَكارِهِ، الثَّوابُ بالمَشَقَّةِ.[۱]

(انظر) الجنّة: باب ۵۵۹.

الثواب: باب ۴۷۸.

۱۱۲۱

دشواری تحصیل مکارم

۵۲۹۴ . **امام علی** ﷺ: مکارم اخلاق با دشواری به دست می‌آید و مزد و ثواب با رنج.

۱۱۲۲

خَيرُ المَكارِمِ

۵۲۹۵ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: خَيرُ المَكارِمِ الإيثارُ.[۲]

۵۲۹۶ . عنه ﷺ: أعلىٰ مَراتِبِ الكَرَمِ الإيثارُ.[۳]

۵۲۹۷ . عنه ﷺ: مِن أحسَنِ المَكارِمِ تَجَنُّبُ المَحارِمِ.[۴]

۵۲۹۸ . عنه ﷺ: مِن أحسَنِ المَكارِمِ بَثُّ المَعْروفِ.[۵]

۵۲۹۹ . عنه ﷺ: أحسَنُ المَكارِمِ الجُودُ.[۶]

۵۳۰۰ . عنه ﷺ: أحسَنُ المَكارِمِ عَفْوُ المُقْتَدِرِ وجُودُ المُفْتَقِرِ.[۷]

۵۳۰۱ . عنه ﷺ: العَفْوُ تاجُ المَكارِمِ.[۸]

۱۱۲۲

بهترین مکارم اخلاق

۵۲۹۵ . **امام علی** ﷺ: بهترین مکارم اخلاق، ایثار است.

۵۲۹۶ . **امام علی** ﷺ: بالاترین مرتبهٔ بخشندگی و کرامت، ایثار است.

۵۲۹۷ . **امام علی** ﷺ: از خوبترین مکارم اخلاق، دوری کردن از حرامهاست.

۵۲۹۸ . **امام علی** ﷺ: از خوبترین مکارم اخلاق، اشاعهٔ کارهای نیک است.

۵۲۹۹ . **امام علی** ﷺ: خوبترین مکارم اخلاق، بخشندگی است.

۵۳۰۰ . **امام علی** ﷺ: بهترین مکارم اخلاق، گذشت توانا [بر انتقام] است و بخشش کسی که خود نیازمند است.

۵۳۰۱ . **امام علی** ﷺ: گذشت، تاج مکارم اخلاق است.

---

۱ . غرر الحكم: ۴۳ ـ ۴۴.
۲ . غرر الحكم: ۴۹۵۳.
۳ . غرر الحكم: ۲۹۶۷.
۴ . غرر الحكم: ۹۳۸۲.
۵ . غرر الحكم: ۹۳۷۳.
۶ . غرر الحكم: ۲۹۳۰.
۷ . غرر الحكم: ۳۱۶۵.
۸ . غرر الحكم: ۵۲۰.

۵۳۰۲. عنه ﷺ: قَضاءُ اللّوازِمِ مِن أفضَلِ المَكارِمِ.[۱]

۵۳۰۳. عنه ﷺ: أفضَلُ الكَرَمِ إتمامُ النِّعَمِ.[۲]

۱۱۲۳
اختِيارُ الأخلاقِ الحَسَنَةِ

۵۳۰۴. الإمامُ عليٌّ ﷺ: عَوِّدْ نَفسَكَ السَّماحَ، وتَخَيَّرْ لَها مِن كُلِّ خُلقٍ أحسَنَهُ، فإنَّ الخَيرَ عادَةٌ.[۳]

۵۳۰۵. عنه ﷺ: تَجَنَّبْ مِن كُلِّ خُلقٍ أسْوَأَهُ، وجاهِدْ نَفْسَكَ علىٰ تَجَنُّبِهِ، فإنَّ الشَّرَّ لَجاجَةٌ.[۴]

۱۱۲۴
ثَمَراتُ حُسنِ الخُلُقِ

۵۳۰۶. رسولُ اللهِ ﷺ: حُسنُ الخُلقِ يُثبِتُ المَودَّةَ.[۵]

۵۳۰۷. الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن حَسُنَ خُلقُهُ كَثُرَ مُحِبّوهُ، وأنِسَتِ النُّفوسُ بِهِ.[۶]

۵۳۰۸. عنه ﷺ: حَسِّنْ خُلقَكَ يُخَفِّفِ اللهُ حِسابَكَ.[۷]

۵۳۰۹. عنه ﷺ: حُسنُ الأخلاقِ يُدِرُّ الأرْزاقَ، ويُؤنِسُ الرِّفاقَ.[۸]

۵۳۱۰. عنه ﷺ: في سَعَةِ الأخلاقِ كُنوزُ الأرْزاقِ.[۹]

---

۱. غرر الحكم: ۶۸۰۰. ۲. غرر الحكم: ۲۹۸۳.
۳. بحار الأنوار: ۱/۲۱۳/۷۷. ۴. غرر الحكم: ۴۵۶۵.
۵. بحار الأنوار: ۷۱/۱۴۸/۷۷.
۶. غرر الحكم: ۹۱۳۱. ۷. الأمالي للصدوق: ۳۰۸/۲۷۸.
۸. غرر الحكم: ۴۸۵۶. ۹. بحار الأنوار: ۸۶/۵۳/۷۸.

۵۳۰۲. **امام علی** ﷺ: برآوردنِ آنچه [از حقوق] لازم و واجب است، از برترین مکارم اخلاق است.

۵۳۰۳. **امام علی** ﷺ: برترین کرم و بخشندگی این است که نعمت را [بر کسی] تمام کنی.

۱۱۲۳
انتخاب خویهای نیک

۵۳۰۴. **امام علی** ﷺ: نفْس خود را به بخشندگی عادت ده و از هر خویی، خوبترینش را برای آن برگزین؛ زیرا که خوبی یک عادت است.

۵۳۰۵. **امام علی** ﷺ: از بدترینِ هر خویی بپرهیز و در راه دوری کردن از آن با نفْست جهاد کن؛ زیرا که [ادامه دادن راهِ] بدی، یکدندگی و لجاجت است.

۱۱۲۴
پیامدهای خوشخویی

۵۳۰۶. **پیامبر خدا** ﷺ: حُسنِ خُلق، رشتهٔ دوستی را استوار می‌کند.

۵۳۰۷. **امام علی** ﷺ: آنکه خوی نیک داشته باشد، دوستانش زیاد شوند و دلها به او انس و الفت گیرند.

۵۳۰۸. **امام علی** ﷺ: اخلاقت را نیکو گردان تا خداوند حسابت را آسان گرداند.

۵۳۰۹. **امام علی** ﷺ: اخلاق نیکو روزیها را زیاد می‌کند و میان دوستان اُنس و اُلفت پدید می‌آورد.

۵۳۱۰. **امام علی** ﷺ: گنجهای روزی، در گشاده‌خویی است.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۵۳۱۱. عنه ﷺ: بحُسنِ الأخلاقِ تُدَرُّ الأرزاقُ.[۱]

۵۳۱۲. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: حُسنُ الخُلقِ يَزيدُ في الرِّزقِ.[۲]

۵۳۱۳. عنه ﷺ: إنّ البِرَّ وحُسنَ الخُلقِ يَعْمُرانِ الدِّيارَ، ويَزيدانِ في الأعْمارِ.[۳]

۵۳۱۴. عنه ﷺ: الخُلقُ الحَسَنُ يَميثُ الخَطيئةَ كما تَميثُ الشَّمسُ الجَليدَ.[۴]

۵۳۱۵. عنه ﷺ: قالَ لقمانُ لابنِهِ: يا بُنَيَّ، إنْ عَدِمَكَ ماتَصِلُ بِهِ قَرابَتَكَ، وتَتَفَضَّلُ بِهِ عَلىٰ إخْوَتِكَ، فلا يَعْدَمَنَّكَ حُسنُ الخُلقِ، وبَسْطُ البِشْرِ، فإنَّهُ مَن أحسَنَ خُلقَهُ أحَبَّهُ الأخْيارُ وجانَبَهُ الفُجّارُ.[۵]

۵۳۱۱. **امام علی** ﷺ: با اخلاق نیکوست که روزیها زیاد می‌شود.

۵۳۱۲. **امام صادق** ﷺ: خوشخویی روزی را زیاد می‌کند.

۵۳۱۳. **امام صادق** ﷺ: نیکی کردن و خوشخویی خانه‌ها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند.

۵۳۱۴. **امام صادق** ﷺ: خوشخویی گناه را ذوب می‌کند، همچنان که آفتاب یخ را.

۵۳۱۵. **امام صادق** ﷺ: لقمان به فرزندش گفت: فرزندم! اگر چیزی نداشتی که باآن به خویشانت رسیدگی کنی و به برادرانت احسان نمایی، [دست کم] نیکخویی و خوشرویی خود را ازدست مده؛ زیراکسی که نیکخو باشد، نیکان او را دوست بدارند و بدکاران از وی دوری کنند.

۱۱۲۵
مَضارُّ سوءِ الخُلُقِ

۱۱۲۵
پیامدهای بدخویی

الكتاب:

﴿فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظّاً غَليظَ القَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشاوِرْهُمْ فِي الأَمْرِ فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ إنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾.[۶]

قرآن:

«به سبب رحمت خداست که تو با آنان چنین خوشخوی و مهربان هستی. اگر تندخو و سختدل می‌بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند؛ پس بر آنها ببخشای و برایشان آمرزش بخواه و در کارها با ایشان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدای توکل کن که خدا توکل کنندگان را دوست دارد».

---

۱. غرر الحكم: ۴۲۸۱. ۲. بحار الأنوار: ۷۷/۳۹۶/۷۱.
۳. بحار الأنوار: ۷۳/۳۹۵/۷۱.
۴. الكافي: ۷/۱۰۰/۲. ۵. قصص الأنبياء: ۲۴۴/۱۹۵.
۶. آل عمران: ۱۵۹.

﴿عُتُلٍّ بَعْدَ ذٰلِكَ زَنِيمٍ﴾.[۱]

«[وی] درشت‌خوی مردی [است]، ناشناخته نسب».

الحديث:

حدیث:

۵۳۱۶. رسولُ اللهِ ﷺ: الخُلقُ السَّيِّئُ يُفسِدُ العَملَ كما يُفسِدُ الخَلُّ العَسلَ.[۲]

۵۳۱۶. پیامبر خدا ﷺ: خوی بد، کار را تباه می‌کند، همان گونه که سرکه عسل را.

۵۳۱۷. عنه ﷺ: سُوءُ الخُلقِ ذَنبٌ لا يُغفَرُ.[۳]

۵۳۱۷. پیامبر خدا ﷺ: بد خویی گناهی نابخشودنی است.

۵۳۱۸. عنه ﷺ ـ وقد سُئلَ عنِ الشُّؤمِ ـ: سُوءُ الخُلقِ.[۴]

۵۳۱۸. پیامبر خدا ﷺ ـ در پاسخ به این پرسش که شومی چیست ـ فرمود: بدخویی.

۵۳۱۹. عنه ﷺ: خَصْلَتانِ لا يَجْتَمِعانِ في مؤمنٍ: البُخلُ وسُوءُ الخُلقِ.[۵]

۵۳۱۹. پیامبر خدا ﷺ: دو خوی در مؤمن فراهم نیاید: بخل و بدخویی.

۵۳۲۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ: سُوءُ الخُلقِ شَرُّ قَرينٍ.[۶]

۵۳۲۰. امام علی ﷺ: بدخویی، بدترین همنشین است.

۵۳۲۱. عنه ﷺ: سُوءُ الخُلقِ نَكَدُ العَيْشِ وعَذابُ النَّفْسِ.[۷]

۵۳۲۱. امام علی ﷺ: بدخویی، مایهٔ تیره روزی و شکنجهٔ روح است.

۵۳۲۲. عنه ﷺ: سُوءُ الخُلقِ يُوحِشُ النَّفسَ، ويَرفَعُ الأُنسَ.[۸]

۵۳۲۲. امام علی ﷺ: بدخویی، انسان را تنها می‌کند و الفت و دوستی را از بین می‌برد.

۵۳۲۳. عنه ﷺ: سُوءُ الخُلقِ يُوحِشُ القَريبَ، ويُنَفِّرُ البَعيدَ.[۹]

۵۳۲۳. امام علی ﷺ: بدخویی، نزدیکان را می‌آزارد و می‌رماند و بیگانه را فراری می‌دهد.

۵۳۲۴. عنه ﷺ ـ وقد سُئلَ عن أدْوَمِ النّاسِ غَمّاً ـ: أسْوَأُهُم خُلقاً.[۱۰]

۵۳۲۴. امام علی ﷺ ـ در پاسخ به این سؤال که اندوه چه کسی پایدارتر است ـ فرمود: آن که از همه بدخوتر باشد.

---

۱. القلم: ۱۳.
۲. عيون أخبار الرضا: ۹۶/۳۷/۲.
۳. المحجّة البيضاء: ۹۳/۵.
۴. بحار الأنوار: ۶۳/۳۹۳/۷۱.
۵. شرح نهج البلاغة: ۳۳۷/۶.
۶. غرر الحكم: ۵۵۶۷.
۷. غرر الحكم: ۵۶۳۹.
۸. غرر الحكم: ۵۶۴۰.
۹. غرر الحكم: ۵۵۹۳.
۱۰. جامع الأخبار: ۷۸۸/۲۹۰.

۵۳۲۵. عنه ﷺ: الخُلقُ السَّيِّئُ أحَدُ العَذابَينِ.[۱]

۵۳۲۵. امام علی ﷺ: بدخویی، خود، یک نوع عذاب است.

۵۳۲۶. عنه ﷺ: لا وَحْشَةَ أوْحَشُ مِن سُوءِ الخُلقِ.[۲]

۵۳۲۶. امام علی ﷺ: هیچ تنهایی و وحشتی بیش از تنهایی بدخویی نیست.

۵۳۲۷. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنَّ سُوءَ الخُلقِ لَيُفسِدُ العَملَ كما يُفسِدُ الخَلُّ العسَلَ.[۳]

۵۳۲۷. امام صادق ﷺ: بدخویی کردار را تباه می‌سازد آنسان که سرکه عسل را.

۵۳۲۸. عنه ﷺ: قالَ لُقمانُ لابنِهِ: يابُنَيَّ، إيّاكَ والضَّجَرَ، وسُوءَ الخُلقِ، وقِلَّةَ الصّبرِ، فلا يَستَقيمُ علىٰ هٰذهِ الخِصالِ صاحِبٌ، وألزِمْ نَفسَكَ التُّؤَدَةَ في أُمورِكَ، وصَبِّرْ علىٰ مَؤوناتِ الإخْوانِ نَفْسَكَ، وحَسِّنْ مَعَ جَميعِ النّاسِ خُلقَكَ.[۴]

۵۳۲۸. امام صادق ﷺ: لقمان به فرزندش گفت: فرزندم! از غمزدگی و بی‌حوصلگی و بدخویی وکم‌صبری دوری کن که هیچ دوستی، تحمّل این خصلتها را ندارد. در کارهایت آرام و بردبار باش و در تحمّل زحمات برادران، صبوری کن و با همگان خوشخو باش.

(انظر) الزواج: باب ۱۶۵۷، ۱۶۵۸.

۵۳۲۹. الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن ساءَ خُلقُهُ مَلَّهُ أهلُهُ.[۵]

۵۳۲۹. امام علی ﷺ: آن که بداخلاق باشد خانواده‌اش از او دلتنگ و بیزار شوند.

۵۳۳۰. عنه ﷺ: مَن ضاقَت ساحَتُهُ قَلَّتْ راحَتُهُ.[۶]

۵۳۳۰. امام علی ﷺ: هر که کم تحمّل [و تندخو] باشد آسایشش اندک گردد.

۵۳۳۱. عنه ﷺ: مَن ساءَ خُلقُهُ أعْوَزَهُ الصَّديقُ والرَّفيقُ.[۷]

۵۳۳۱. امام علی ﷺ: کسی که بد اخلاق باشد، از پیدا کردن دوست و همراه درمانَد.

۵۳۳۲. عنه ﷺ: مَن ساءَ خُلقُهُ ضاقَ رِزْقُهُ.[۸]

۵۳۳۲. امام علی ﷺ: هرکه اخلاقش بد باشد روزیش تنگ شود.

۵۳۳۳. عنه ﷺ: السَّيِّئُ الخُلقِ كثيرُ الطَّيْشِ، مُنَغَّصٌ

۵۳۳۳. امام علی ﷺ: آدم بدخوی بسیار خطا کند و زندگیش تلخ شود.

---

۱. غرر الحكم: ۱۶۶۷.
۲. غرر الحكم: ۱۰۷۶۶.
۳. الكافي: ۱/۳۲۱/۲.
۴. قصص الأنبياء: ۲۴۴/۱۹۵.
۵. غرر الحكم: ۸۵۹۵.
۶. غرر الحكم: ۹۱۹۲.
۷. غرر الحكم: ۹۱۸۷.
۸. غرر الحكم: ۸۰۲۳.

العَيْشِ.[1]

۵۳۳۴. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: مَن ساءَ خُلقُهُ عَذّبَ نَفْسَهُ.[2]

۱۱۲۶
جزاءُ الخُلُقِ السَّيِّئِ

۵۳۳۵. **رسول الله** ﷺ ـ وقد قيلَ لَهُ: إنّ فُلانَةَ تَصومُ النّهارَ وتَقومُ اللّيلَ، وهِيَ سَيِّئَةُ الخُلقِ تُؤذي جيرانَها بلِسانِها ـ: لا خَيرَ فيها، هِيَ مِن أهْلِ النّارِ.[3]

۵۳۳۶. **عنه** ﷺ ـ عِندَما دَفنَ سعدَ بنَ مُعاذٍ قَد أصابَتْهُ ضَمَّةٌ. فسُئلَ رسول الله ﷺ عن ذٰلكَ فقالَ ﷺ ـ: نَعَم، إنَّهُ كانَ في خُلقِهِ مَع أهلِهِ سُوءٌ.[4]

۵۳۳۷. **عنه** ﷺ: إنّ العَبدَ لَيَبلُغُ... بِسُوءِ خُلقِهِ أسْفَلَ دَرَجَة في جَهنَّمَ.[5]

۵۳۳۸. **الإمامُ الكاظمُ عن آبائه** ﷺ: قالَ رسولُ الله ﷺ: أبى اللهُ لِصاحِبِ الخُلقِ السَّيِّئِ بالتَّوبَةِ، فقيلَ: يا رسولَ اللهِ، وكيفَ ذلكَ؟ قالَ:

۱. غرر الحكم: ۱۶۰۴.
۲. بحار الأنوار: ۶۲/۲۴۶/۷۸.
۳. بحار الأنوار: ۶۳/۳۹۲/۷۱.
۴. الأمالي للصدوق: ۶۲۳/۴۶۹.
۵. المعجم الكبير: ۷۵۴/۲۶۰/۱.

۵۳۳۴. **امام صادق** ﷺ: هر كه بداخلاق باشد، خودش را عذاب دهد.

۱۱۲۶
كيفر بدخويى

۵۳۳۵. **پيامبر خدا** ﷺ ـ [هنگامى كه] به ايشان عرض شد: فلان زن روزها را روزه مى‌گيرد و شبها را به عبادت مى‌گذراند اما بداخلاق است و همسايگانش را با زبان خود مى‌آزارد ـ فرمود: خيرى در او نيست؛ او دوزخى است.

۵۳۳۶. **پيامبر خدا** ﷺ ـ در بيان علّت فشارى كه به هنگام دفن سعد بن معاذ بر او وارد آمد ـ فرمود: آرى، او با خانواده‌اش كمى بَدخُلق بود.

۵۳۳۷. **پيامبر خدا** ﷺ: همانا بنده... با بد اخلاقيش به پايين‌ترين درجهٔ دوزخ مى‌رسد.

۵۳۳۸. **امام كاظم از پدرانش** ﷺ: پيامبر خدا ﷺ فرمود: خداوند از آدم بدخوى توبه نمى‌پذيرد. عرض شد: اى رسول خدا،

لأنّهُ إذا تابَ مِن ذَنبٍ وَقعَ في أعْظَمَ مِن الذَّنبِ الّذي تابَ مِنهُ.[۱]

۱۱۲۷
مِن أسبابِ سوءِ الخُلُقِ

۵۳۳۹. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: اللَّحْمُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، ومَن تَرَكَ اللَّحْمَ أربَعينَ يَوماً ساءَ خُلقُهُ ومَن ساءَ خُلقُهُ فأذِّنوا في أُذُنِهِ.[۲]

۵۳۴۰. **عنه** ﷺ: غَلاءُ السِّعرِ يُسيءُ الخُلُقَ، ويُذهِبُ الأمانَةَ، ويُضجِرُ المَرءَ المُسلمَ.[۳]

۱۱۲۸
تَفسيرُ الأخلاقِ المَذمومَةِ

۵۳۴۱. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: قالَ رسولُ اللهِ ﷺ: ألا أُخبِرُكُم بأبعَدِكُم مِنّي شَبَهاً؟ قالوا: بلىٰ يا رسولَ اللهِ. قالَ: الفاحِشُ المُتَفَحِّشُ البَذيءُ، البَخيلُ، المُختالُ، الحَقودُ، الحَسودُ، القاسِي القَلبِ، البَعيدُ مِن كُلِّ خَيرٍ يُرْجىٰ، غَيرُ المَأمونِ مِن كُلِّ شَرٍّ يُتَّقىٰ.[۴]

۵۳۴۲. **رسولُ اللهِ** ﷺ: يا أبا ذرٍّ! لا تَكُنْ عَيّاباً، ولا مَدّاحاً، ولا طَعّاناً، ولا مُمارِياً.[۵]

---

۱. بحار الأنوار: ۱۲/۲۹۹/۷۳.
۲. الكافي: ۱/۳۰۹/۶. ۳. الكافي: ۵/۱۶۴/۶.
۴. الكافي: ۹/۲۹۱/۲. ۵. بحار الأنوار: ۳/۸۵/۷۷.

چرا؟ فرمود: چون هرگاه ازگناهی توبه می‌کند، در ورطهٔ گناهی بدتر از آن که توبه کرده است می‌افتد.

۱۱۲۷
موجبات بدخویی

۵۳۳۹. **امام صادق** ﷺ: گوشت، گوشت می‌رویاند و هرکس چهل روز گوشت نخورد بدخُلق شود و هر کس بد خوی شد، در گوشش اذان بگویید.

۵۳۴۰. **امام صادق** ﷺ: گرانی نرخ، اخلاق را بد می‌کند، امانتداری را از بین می‌برد و انسان مسلمان را دلتنگ و بی‌قرار می‌سازد.

۱۱۲۸
تفسیر خویهای نکوهیده

۵۳۴۱. **امام صادق** ﷺ: پیامبر خدا ﷺ فرمود: آیا شما را از کم شباهت‌ترینتان به خودم آگاه نسازم؟ عرض کردند: چرا، ای‌رسول‌خدا؛ فرمود: زشتگوی بی آبروی بی‌شرم، بخیل، متکبّر، کینه توز، حسود، سنگدل، کسی که هیچ خیری از او بر نمی‌خیزد و کسی از شرّش در امان نیست.

۵۳۴۲. **پیامبر خدا** ﷺ: ای ابوذر! نه عیبجوی باش و نه ثناگوی و نه طعنه‌زن ونه مجادله گر.

۵۳۴۳. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: تِسْعةُ أشْياءَ مِن تِسْعةِ أنْفُسٍ هُنَّ مِنهُم أقْبَحُ مِن غَيرِهِم: ضِيقُ الذَّرْعِ مِن المُلوكِ، والبُخلُ مِن الأغْنياءِ، وسُرعَةُ الغَضَبِ مِن العُلَماءِ، والصِّبا مِن الكُهولِ، والقَطيعَةُ مِن الرُّؤوسِ، والكِذْبُ مِن القُضاةِ، والزَّمانَةُ مِن الأطِبّاءِ، والبَذاءُ مِن النِّساءِ، والبَطْشُ مِن ذوي السُّلْطانِ.[1]

۵۳۴۳. **امام علی** ﷺ: نُه خصلت از نُه گروه زشت‌تر است تا از دیگران: درماندگی و ناتوانی از فرمانروایان، بخل ورزی از توانگران، زود خشمی از دانشمندان، بچگی از میانسالان، جدایی [از مردم] از سران، دروغگویی از قاضیان، بیماری مزمن از پزشکان، بی‌حیایی از زنان و سختگیری و ستمگری از قدرتمندان.

۵۳۴۴. **الإمامُ زينُ العابدينَ** ﷺ ـ مِن دُعائِهِ في الاستِعاذَةِ مِن المَكارِهِ وسَيِّئِ الأخْلاقِ ومَذامِّ الأفْعالِ ـ: اللّهُمَّ إنّي أعوذُ بِكَ مِن هَيَجانِ الحِرْصِ، وسَوْرَةِ الغَضَبِ، وغَلَبَةِ الحَسَدِ، وضَعْفِ الصَّبرِ، وقِلَّةِ القَناعَةِ، وشَكاسَةِ الخُلقِ.[2]

۵۳۴۴. **امام زین العابدین** ﷺ ـ در دعای خویش در پناه بردن به خدا از ناملایمات و بداخلاقی و کردارهای نکوهیده ـ گفت: بار خدایا! به تو پناه می‌برم از برانگیخته شدنِ آزمندی و تند شدنِ آتش خشم و چیره گشتن حسادت و کم صبری و قانع نبودن و درنده خویی.

۵۳۴۵. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: إيّاكَ وخَصْلَتَينِ: الضَّجَرَ والكَسَلَ، فإنَّكَ إنْ ضَجِرْتَ لَم تَصبِرْ عَلى حَقٍّ، وإن كَسِلْتَ لَم تُؤَدِّ حَقّاً.[3]

۵۳۴۵. **امام صادق** ﷺ: از دو خصلت بپرهیز: بسیتابی و تنبلی؛ زیرا اگر بیتاب و کم حوصله باشی، بر حقّ شکیبایی نکنی و اگر سست و تنبل باشی، حقّی را نپردازی.

(انظر) الخلق: باب ۱۱۱۶.

الشرّ: باب ۱۹۵۶.

---

۱. مستدرك الوسائل: ۱۳۲۸۹/۳۶۹/۱۱.

۲. الصحيفة السجّادية: ص ۴۵ الدعاء ۸، انظر تمام دعائه ﷺ.

۳. بحار الأنوار: ۸/۱۹۲/۷۲.

۱۱۲۹
أفضَلُ الأخلاقِ

۵۳۴۶. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: أكْرَمُ الأخْلاقِ السَّخاءُ، وأعَمُّها نَفْعاً العَدلُ.[۱]

۵۳۴۷. **عنه** ﷺ: أشْرَفُ الخَلائقِ التَّواضُعُ والحِلْمُ ولِينُ الجانِبِ.[۲]

۵۳۴۸. **عنه** ﷺ: أحسَنُ الأخْلاقِ ما حَمَلَكَ عَلَى المَكارِمِ.[۳]

۵۳۴۹. **عنه** ﷺ: إنّ أزْيَنَ الأخْلاقِ الوَرَعُ والعَفافُ.[۴]

۵۳۵۰. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ ـ وقد سُئِلَ عن أفضَلِ الأخْلاقِ ـ: الصَّبرُ والسَّماحَةُ.[۵]

(انظر) الإيثار: باب ۲.
الخير: باب ۱۱۸۰.
الفضيلة: باب ۳۱۶۹.
التقوى: باب ۴۰۹۳.

۱۱۲۹
برترین خویها

۵۳۴۶. **امام علی** ﷺ: گرامیترین خویها بخشندگی است، وآن خوی که سودش فراگیرتر است دادگری است.

۵۳۴۷. **امام علی** ﷺ: شریفترین خویها فروتنی و بردباری و نرمخویی است.

۵۳۴۸. **امام علی** ﷺ: خوبترین خویها آن است که تو را به تحصیل مکارم اخلاق وادارد.

۵۳۴۹. **امام علی** ﷺ: زیبنده‌ترین خویها پارسایی و پاکدامنی است.

۵۳۵۰. **امام باقر** ﷺ ـ در پاسخ به این پرسش که برترین خویها کدام است ـ فرمود: شکیبایی و بخشندگی.

۱۱۳۰
أجمَلُ الخِصالِ

۵۳۵۱. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: أشْرَفُ أخْلاقِ الأئمَّةِ والفاضِلينَ مِن شِيعَتِنا: التَّقِيَّةُ، وأخْذُ النَّفْسِ بحُقوقِ الإخْوانِ.[۶]

۱۱۳۰
زیباترین خصلتها

۵۳۵۱. **امام باقر** ﷺ: بهترین اخلاق امامان و شیعیان با فضیلت ما، تقیّه و ملزم کردن خود به رعایت حقوق برادران است.

---

۱. غرر الحكم: ۳۲۱۹. ۲. غرر الحكم: ۳۲۲۳.
۳. غرر الحكم: ۳۲۹۹. ۴. غرر الحكم: ۳۳۸۸.
۵. بحار الأنوار: ۳۶/۳۵۸/۲۲۸.
۶. بحار الأنوار: ۷۵/۴۱۵/۶۸.

۵۳۵۲ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ لَمّا سألَهُ يحيىٰ بنُ عِمرانَ الحَلبيّ عن أجْمَلِ الخِصالِ ـ : وَقارٌ بلا مَهابَةٍ، وسَماحٌ بلا طَلَبِ مُكافاةٍ، وتَشاغُلٌ بغَيرِ مَتاعِ الدُّنيا.[1]

۵۳۵۲ . **امام صادق** ﷺ ـ در پاسخ به پرسش يحيى بن عمران حلبى از زيباترين خصلتها ـ فرمود: وقار، بدونِ هيبت و بخشش، بدون انتظارِ پاداش و سرگرم شدن به غير مال و متاع دنيا.

۱۱۳۱
ارتِباطُ السَّجايا بَعضِها بِبَعضٍ

۱۱۳۱
همبستگى سجاياى اخلاقى

۵۳۵۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: إذا كانَ في رَجُلٍ خَلّةٌ رائقَةٌ فانْتَظِروا أخَواتِها.[2]

۵۳۵۳ . **امام على** ﷺ: اگر در وجود كسى خصلتى پسنديده باشد انتظار خصلتهاى پسنديدهٔ ديگرى را نيز در او داشته باشيد.

۵۳۵۴ . عنه ﷺ: إذا دَعاكَ القُرآنُ إلىٰ خَلّةٍ جَميلةٍ فَخُذ نَفْسَكَ بأمْثالِها.[3]

۵۳۵۴ . **امام على** ﷺ: هر گاه قرآن تو را به خويى نيک فرا خواند، خود را به مشابه‌هاى آن وادار كن.

۵۳۵۵ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنّ خِصالَ المَكارِمِ بَعْضُها مُقيَّدٌ ببَعْضٍ.[4]

۵۳۵۵ . **امام صادق** ﷺ: خصلتهاى نيک اخلاقى به يكديگر بسته‌اند.

مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى

---

۱ . الكافي: ۲/۲۴۰، ۳۳. ۲ . نهج البلاغة: الحكمة ۴۴۵.
۳ . غرر الحكم: ۴۱۴۳. ۴ . الأمالي للطوسي: ۳۰۱/۵۹۷.

١٥٣

الخمر

شراب

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧٩/١٢٣ باب ٨٦ «حرمة شرب الخمر».

بحار الأنوار: ٧٩/١٥٥ باب ٨٧ «حدّ شرب الخمر».

وسائل الشّيعة: ١٧/٢٢١ «أبواب الأشربة المحرّمة».

انظر:

عنوان ١٣٩ «المخدّر»، ٢٣٨ «السُّكْر».

۱۱۳۲
الخَمرُ

الكتاب:

﴿وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَراً وَرِزْقاً حَسَناً إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾.[1]

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللهُ لَكُمُ الآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ﴾.[2]

﴿يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالأَنْصَابُ وَالأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾.[3]

الحديث:

۵۳۵۶. رسولُ اللهِ ﷺ: لَعنَ اللهُ الخَمرَ، وعاصِرَها، وغارِسَها، وشارِبَها، وساقِيَها، وبائعَها، ومُشْتَرِيَها، وآكِلَ ثَمَنِها، وحامِلَها، والمَحْمولَةَ إلَيهِ.[4]

۱۱۳۲
شراب

قرآن:

«و از میوه‌های نخلها و تاکها شرابی مستی آور و رزقی نیکو به دست می‌آورید و خردمندان را در این عبرتی است».

«تو را از شراب و قمار می‌پرسند، بگو: در آن دو گناهی بزرگ و سودهایی است برای مردم. و گناهشان از سودشان بیشتر است. و از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند، بگو: آنچه [از نیازمندیشان] افزون آید. خدا آیات را اینچنین برای شما بیان می‌کند، باشد که بیندیشید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بتها و شرط‌بندی با تیرها، پلیدی و کار شیطان است. از آن اجتناب کنید تا رستگار شوید».

حدیث:

۵۳۵۶. پیامبر خدا ﷺ: خداوند شراب و شرابگیر و آن را که درختی برای تهیهٔ شراب بکارد و شرابخوار و ساقی شراب و شراب فروش و خریدار شراب و کسی که پول شرابفروشی را بخورد و کسی که آن را حمل کند و کسی را که شراب برایش حمل شود لعنت کرده است.

---

۱. النحل: ۶۷.
۲. البقرة: ۲۱۹.
۳. المائدة: ۹۰.
۴. الأمالي للصدوق: ۵۱۱/۷۰۷.

۵۳۵۷. عنه ﷺ: إنّ اللهَ لَعنَ الخَمرَ، وعاصِرَها، ومُعتَصِرَها، وشارِبَها، وساقِيَها، وحامِلَها، والمَحمولَةَ إلَيهِ، وبائِعَها، ومُشتَرِيَها، وآكِلَ ثَمَنِها.[۱]

۵۳۵۸. عنه ﷺ: لا تُجتَمَعُ الخَمرُ والإيمانُ في جَوفِ أو قَلبِ رجُلٍ أبداً.[۲]

۵۳۵۹. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: ما بَعثَ اللهُ نبيّاً قَطُّ إلّا وقَد عَلِمَ اللهُ أنّهُ إذا أكمَلَ لَه دِينَهُ كانَ فيهِ تَحريمُ الخَمرِ، ولَم تَزَلِ الخَمرُ حَراماً، إنّ الدِّينَ إنّما يُحَوَّلُ مِن خَصلَةٍ ثُمّ أُخرىٰ، فلَو كانَ ذٰلكَ جُملَةً قَطَعَ بِهِم (بالنّاسِ) دُونَ الدِّينِ.[۳]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۷ / ۲۳۷ باب ۹.

۱۱۳۳
الخَمرُ أُمُّ الفَواحِشِ

۵۳۶۰. رسولُ اللهِ ﷺ: الخَمرُ أُمُّ الفَواحِشِ والكبائرِ.[۴]

۵۳۶۱. عنه ﷺ: الخَمرُ أُمُّ الفَواحِشِ وأكبَرُ الكَبائرِ.[۵]

۵۳۵۷. **پیامبر خدا** ﷺ: خدا لعنت کرده است شراب و شرابگیر و شرابخوار و ساقی شراب و حمل کنندهٔ آن را و کسی را که برایش حمل می‌شود و فروشنده و خریدار و کسی را که از پول شراب مصرف کند.

۵۳۵۸. **پیامبر خدا** ﷺ: شراب و ایمان هرگز در درون یا دل کسی با هم جمع نمی‌شوند.

۵۳۵۹. **امام صادق** ﷺ: خداوند هرگز پیامبری را برنینگیخت، مگر آن که می‌دانست که چون دین او را کامل کند، تحریم شرابخواری نیز در آن است. شراب، همیشه حرام بوده است. همانا دین، مرحله به مرحله (تدریجاً) کامل می‌شود و اگر از همان ابتدا کامل بود مردم دین را نمی‌پذیرفتند.

۱۱۳۳
شراب، مادر زشتکاریها

۵۳۶۰. **پیامبر خدا** ﷺ: شراب، مادرِ زشتکاریها و گناهان بزرگ است.

۵۳۶۱. **پیامبر خدا** ﷺ: شراب ریشهٔ زشتیها و بزرگترین گناه کبیره است.

---

۱. کنز العمّال: ۱۳۱۹۱. ۲. بحار الأنوار: ۶۴/۱۵۲/۷۹.
۳. وسائل الشيعة: ۱/۲۳۷/۱۷.
۴. کنز العمّال: ۱۳۱۸۱. ۵. کنز العمّال: ۱۳۱۸۲.

۵۳۶۲ . عنه ﷺ: الخَمرُ أُمُّ الخَبائثِ.[۱]

۵۳۶۳ . عنه ﷺ: الخمرُ جِماعُ الإثمِ، وأُمُّ الخَبائثِ، ومِفْتاحُ الشَّرِّ.[۲]

۵۳۶۴ . عنه ﷺ: جُمِعَ الشَّرُّ كُلُّهُ في بَيتٍ، وجُعِلَ مِفْتاحُهُ شُرْبَ الخَمرِ.[۳]

۵۳۶۵ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: شُرْبُ الخَمرِ مِفْتاحُ كُلِّ شَرٍّ، وشارِبُ الخَمرِ مُكَذِّبٌ بِكِتابِ اللهِ عزّوجلّ، ولَو صَدّقَ كِتابَ اللهِ حَرَّمَ حَرامَهُ.[۴]

۵۳۶۶ . عنه ﷺ: إنّ اللهَ عزّوجلّ جَعَلَ للشَّرِّ أقفالاً، وجَعَلَ مَفاتيحَ تِلكَ الأقفالِ الشَّرابَ، وأشَرُّ مِن الشَّرابِ الكِذْبُ.[۵]

۱۱۳۴
النَّهيُ عَنِ الجُلوسِ عَلى مَوائِدِ الخَمرِ

۵۳۶۷ . رسولُ اللهِ ﷺ: مَن كانَ يُؤمنُ باللهِ واليَومِ الآخِرِ فلا يَجْلِسْ علىٰ مائدَةٍ يُشْرَبُ علَيها الخَمرُ.[۶]

۵۳۶۸ . عنه ﷺ: مَلْعونٌ مَلْعونٌ مَن جَلَسَ طائعاً

۵۳۶۲ . **پیامبر خدا ﷺ**: شراب، ریشهٔ پلیدیهاست.

۵۳۶۳ . **پیامبر خدا ﷺ**: شراب، مجمع انواع گناهان و ریشهٔ پلیدیها و کلید بدیهاست.

۵۳۶۴ . **پیامبر خدا ﷺ**: بدیها همه در یک خانه جمع شده‌اند و کلید آن خانه شرابخواری است.

۵۳۶۵ . **امام صادق ﷺ**: شرابخواری کلید هر بدی است و شرابخوار، کتاب خداوند عزّوجلّ را دروغ می‌شمارد، زیرا اگر آن را باور داشت، حرام آن را بر خود حرام می‌دانست.

۵۳۶۶ . **امام صادق ﷺ**: خداوند عزّوجلّ قفلهایی بر در بدی و پلیدی زده و کلیدهای آن قفلها را شراب قرار داده است و از شراب بدتر، دروغ است.

۱۱۳۴
نهی از نشستن بر سفره‌های شراب

۵۳۶۷ . **پیامبر خدا ﷺ**: کسی که به خدا و روز واپسین ایمان داشته باشد، نباید بر سر سفره‌ای بنشیند که در آن شراب خورده می‌شود.

۵۳۶۸ . **پیامبر خدا ﷺ**: ملعون است، ملعون است

---

۱ . کنز العمّال: ۱۳۱۸۳ . ۲ . بحار الأنوار: ۶۴/۱۴۹/۷۹.
۳ . بحار الأنوار: ۵۸/۱۴۸/۷۹.
۴ . بحار الأنوار: ۴۸/۱۴۰/۷۹.
۵ . ثواب الأعمال: ۸/۲۹۱ . ۶ . الخصال: ۲۱۵/۱۶۴.

علىٰ مائدَةٍ يُشرَبُ علَيها الخَمرُ.[1]

کسی که با میل خود بر سر سفره‌ای که در آن شراب نوشیده می‌شود بنشیند.

۵۳۶۹. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: لا تَجْلِسوا علىٰ مائدَةٍ يُشْرَبُ علَيها الخَمرُ، فإنّ العَبدَ لايَدْري مَتىٰ يُؤخَذُ.[2]

۵۳۶۹. **امام علی** ﷺ: بر سر سفره‌ای که در آن شراب نوشیده می‌شود منشینید؛ زیرا که آدمی نمی‌داند چه وقت جانش ستانده می‌شود.

۱۱۳۵
عِلَّةُ تَحريمِ الخَمرِ

۱۱۳۵
علّت تحریم شراب

۵۳۷۰. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: فَرضَ اللهُ ... تَرْكَ شُرْبِ الخَمرِ تَحْصيناً للعَقلِ.[3]

۵۳۷۰. **امام علی** ﷺ: ... خداوند برای حفظ عقل، ترک شرابخواری را واجب گردانید.

۵۳۷۱. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: إنَّ اللهَ حَرَّمَ الخَمرَ لِفِعْلِها وفَسادِها.[4]

۵۳۷۱. **امام باقر** ﷺ: خداوند شراب را به علّت تأثیر بد و فسادانگیز بودن آن حرام فرمود.

۵۳۷۲. **عنه** ﷺ: أفاعِيلُ الخَمرِ تَعْلو علىٰ كُلِّ ذَنبٍ، كما تَعْلو شَجَرَتُها علىٰ كُلِّ شَجَرَةٍ.[5]

۵۳۷۲. **امام باقر** ﷺ: همان گونه که درخت شراب از هر درختی بلندتر می‌شود، تأثیرات بد شراب نیز از هر گناهی بیشتر است.

۵۳۷۳. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ عِندَما سألَهُ المُفَضَّلُ عن عِلَّةِ تَحريمِ الخَمرِ ـ: حَرَّمَ اللهُ الخَمرَ لِفِعْلِها وفَسادِها، لأنّ مُدْمِنَ الخَمرِ تُورِثُهُ الارْتِعاشَ، وتَذهَبُ بنُورِهِ، وتَهْدِمُ مُرُوَّتَهُ، وتَحْمِلُهُ علىٰ أنْ يَجْتَرِئَ علىٰ ارتِكابِ المَحارِمِ، وسَفْكِ الدِّماءِ، ورُكوبِ الزِّنا، ولا يُؤمَنُ إذا سَكِرَ أنْ يَثِبَ علىٰ حُرَمِهِ ولا

۵۳۷۳. **امام صادق** ﷺ ـ در پاسخ به سؤال مفضّل از علّت تحریم شراب ـ فرمود: خداوند شراب را به علّت تأثیر بد و فسادی که به وجود می‌آورد حرام کرد؛ زیرا میگسار دچار رعشه [در اندام] می‌شود، و شراب نورانیت و جوانمردی و مروتش را از بین می‌برد و او را در ارتکاب کارهای حرام و خونریزی و زنا، گستاخ می‌کند و این خطر برایش وجود دارد که چون مست و لا یعقل شود به محارم خود تجاوز کند. شراب بر

---

۱. بحار الأنوار: ۵۳/۱۴۱/۷۹.
۲. الخصال: ۱۰/۶۱۹. ۳. نهج البلاغة: الحكمة ۲۵۲.
۴. بحار الأنوار: ۳۳/۱۳۶/۷۹.
۵. بحار الأنوار: ۵۰/۱۴۱/۷۹.

يَعْقِلُ ذٰلِكَ، ولا يَزيدُ شارِبَها إلّا كُلَّ شَرٍّ.[۱]

شرابخوار جز شر وبدی نمی‌افزاید.

۵۳۷۴ . **الإمامُ الرِّضا** ﷺ: حَرَّمَ اللهُ الخَمرَ لِما فيها مِن الفَسادِ، ومِن تَغْييرِها عُقولَ شارِبيها، وحَمْلِها إيّاهُم علىٰ إنْكارِ اللهِ عزّوجلّ، والفِرْيَةِ عليهِ وعلىٰ رُسُلِهِ، وسائرِ ما يكونُ مِنهُم مِن الفَسادِ والقَتلِ.[۲]

۵۳۷۴ . **امام رضا** ﷺ: خداوند شراب را حرام فرمود؛ زیرا شراب تباهی می‌آورد، عقل شرابخواران را دگرگون می‌کند و آنان را به انکار خدای عزّوجلّ و دروغ و تهمت بستن به او و پیامبرش وا می‌دارد و دیگر اعمالی چون تبهکاری و قتل که از شرابخواران سر می‌زند.

۱۱۳۶
عاقِبَةُ شُربِ الخَمرِ

۱۱۳۶
عاقبت شرابخواری

۵۳۷۵ . **رسولُ اللهِ** ﷺ: مَن شَرِبَ الخَمرَ لَم يُقْبَلْ مِنهُ صَلاةٌ أربَعينَ لَيلَةً، فإنْ عادَ فأربَعينَ لَيلَةً مِن يَومِ شَرِبَها، فإنْ ماتَ في تِلكَ الأربَعينَ مِن غَيرِ تَوبَةٍ سَقاهُ اللهُ يَومَ القِيامَةِ مِن طِينَةِ خَبالٍ.[۳]

۵۳۷۵ . **پیامبر خدا** ﷺ: کسی که شراب بنوشد تا چهل شب نمازی از او پذیرفته نشود و اگر دوباره نوشید، از روزی که نوشیده تا چهل شب دیگر نمازش مقبول نیفتد و اگر در خلال آن چهل روز بمیرد و توبه نکرده باشد، خداوند در روز رستاخیز او را از زردابهٔ بدن دوزخیان، بنوشاند.

۵۳۷۶ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: مَن شَرِبَ الخَمرَ وهُو يَعلَمُ أنَّها حَرامٌ سقاهُ اللهُ مِن طِينَةِ خَبالٍ.[۴]

۵۳۷۶ . **امام علی** ﷺ: هرکس شراب بنوشد در حالی که می‌داند حرام است، خداوند او را از زردابهٔ بدن دوزخیان، بنوشاند.

۵۳۷۷ . **الإمامُ الصّادقُ عن آبائه** ﷺ **عن الإمامِ عليٍّ** ﷺ: مُدْمِنُ الخَمرِ يَلْقَى اللهَ عزّوجلّ حِينَ يَلْقاهُ كعابِدِ وَثَنٍ. فَقالَ حجرُ بنُ عَدِيٍّ: يا أميرَ المؤمنينَ ما المُدْمِنُ؟ قالَ: الّذي إذا وَجَدَها شَرِبَها.[۵]

۵۳۷۷ . **امام صادق از پدرانش** ﷺ **از امام علی** ﷺ: دائم الخمر همچون بت‌پرست خدا را دیدار خواهد کرد. حجر بن عدي به آن حضرت عرض کرد: دائم الخمر کیست؟ فرمود: کسی که هرگاه شراب بیابد بنوشد.

۵۳۷۸ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: مَن شَرِبَ المُسْكِرَ لَم تُقْبَلْ

۵۳۷۸ . **امام علی** ﷺ: کسی که مستی‌آور بنوشد تا

---

۱ . علل الشرائع: ۲/۴۷۶. ۲ . عيون أخبار الرضا: ۲/۹۸/۲.
۳ . بحار الأنوار: ۷۹/۱۳۱/۲۰.
۴ . الخصال: ۱۰/۶۲۱. ۵ . الخصال: ۱۰/۶۳۲.

صَلاتُهُ أربَعينَ يَوماً ولَيلَةً.[۱]

۱۱۳۷
مُعامَلَةُ شارِبِ الخَمرِ

۵۳۷۹. رسولُ اللهِ ﷺ: شارِبُ الخَمرِ لا تُصَدِّقوهُ إذا حَدَّثَ، ولا تُزَوِّجوه إذا خَطَبَ، ولا تَعودوهُ إذا مَرِضَ، ولا تَحْضَروهُ إذا ماتَ، ولا تأتَمِنوهُ علىٰ أمانَةٍ.[۲]

۵۳۸۰. عنه ﷺ: لا تجالِسوا مَع شارِبِ الخَمرِ، ولا تَعودوا مَرْضاهُم، ولا تُشَيِّعوا جَنائزَهُم، ولا تُصَلّوا علىٰ أمْواتِهِمْ؛ فإنَّهُم كِلابُ أهلِ النّارِ كما قالَ اللهُ: ﴿اخسَؤُوا فيها ولا تُكَلِّمونِ﴾.[۳،۴]

۵۳۸۱. عنه ﷺ: مَثَلُ شارِبِ الخَمرِ كمَثَلِ الكِبْريتِ، فاحْذَروهُ لا يُنْتِنْكُم كما يُنْتِنُ الكِبْريتُ. وإنّ شارِبَ الخَمرِ يُصْبِحُ ويُمْسِي في سَخَطِ اللهِ، وما مِن أحَدٍ يَبيتُ سَكْرانَ إلّا كانَ للشَّيطانِ عَروساً إلىٰ الصَّباحِ، فإذا أصْبَحَ وَجبَ علَيهِ أن يَغْتَسِلَ كما يَغْتَسِلُ مِن الجَنابَةِ.[۵]

چهل شبانه‌روز نمازش پذیرفته نشود.

۱۱۳۷
نحوهٔ رفتار با شرابخوار

۵۳۷۹. **پیامبر خدا ﷺ**: شرابخوار اگر سخنی گفت باور نکنید، اگر خواستگاری کرد به او زن ندهید، اگر بیمار شد به عیادتش نروید، اگر مُرد بر جنازه‌اش حاضر نشوید، و به او امانت مسپارید.

۵۳۸۰. **پیامبر خدا ﷺ**: با شرابخوار همنشینی نکنید، اگر بیمار شدند عیادتشان نروید، جنازه‌شان را تشییع نکنید، بر مرده‌شان نماز نخوانید؛ زیرا آنان سگ‌های دوزخ هستند، چنان که خداوند [خطاب به آنان در دوزخ] می‌فرماید: «دور شوید [دور شدن سگ‌ها] در آتش و با من سخن مگویید».

۵۳۸۱. **پیامبر خدا ﷺ**: شرابخوار به گوگرد می‌ماند؛ به او نزدیک مشوید که شما را بدبو می‌کند همچنان که گوگرد بدبو می‌کند. شرابخوار شب و روز در خشم خداست. هر کس شب را به مستی سرکند، تا صبح، عروس شیطان است. و از این رو، صبح باید غسل کند، همچنان که غسل جنابت می‌کند.

---

۱. الخصال: ۱۰/۶۳۲.
۲. بحار الأنوار: ۷/۱۲۷/۷۹.
۳. المؤمنون: ۱۰۸.
۴. بحار الأنوار: ۵۸/۱۴۸/۷۹.
۵. بحار الأنوار: ۶۴/۱۵۰/۷۹.

۵۳۸۲. الكافي عن حريز: كانَت لِإسماعيلَ بنِ أبي عَبدِ اللهِ‌ؑ دَنانيرُ، وأرادَ رَجُلٌ مِن قُرَيشٍ أن يَخرُجَ إلَى اليَمَنِ فَقالَ إسماعيلُ: يا أبَتِ، إنَّ فُلاناً يُريدُ الخُروجَ إلَى اليَمَنِ وعِندي كَذا وكَذا ديناراً، فَتَرىٰ أن أدفَعَها إلَيهِ يَبتاعُ لي بِها بِضاعَةً مِنَ اليَمَنِ؟ فَقالَ أبو عَبدِ اللهِ‌ؑ: يا بُنَيَّ أما بَلَغَكَ أنَّهُ يَشرَبُ الخَمرَ؟ فَقالَ إسماعيلُ: هٰكَذا يَقولُ النّاسُ! فَقالَ: يا بُنَيَّ، لا تَفعَل.

فَعَصىٰ إسماعيلُ أباهُ ودَفَعَ إلَيهِ دَنانيرَهُ، فَاستَهلَكَها ولَم يَأتِهِ بِشَيءٍ مِنها، فَخَرَجَ إسماعيلُ، وقُضِيَ أنَّ أبا عَبدِ اللهِ‌ؑ حَجَّ وحَجَّ إسماعيلُ تِلكَ السَّنَةَ، فَجَعَلَ يَطوفُ بِالبَيتِ وَيَقولُ: اللّٰهُمَّ آجِرني وَاخلُف عَلَيَّ.

فَلَحِقَهُ أبو عَبدِ اللهِ‌ؑ فَهَمَزَهُ بِيَدِهِ مِن خَلفِهِ فَقالَ لَهُ: مَه يا بُنَيَّ! فَلا وَاللهِ ما لَكَ عَلَى اللهِ (هٰذا) حُجَّةٌ، ولا لَكَ أن يُؤجِرَكَ ولا يَخلُفَ عَلَيكَ وقَد بَلَغَكَ أنَّهُ يَشرَبُ الخَمرَ فَائتَمَنتَهُ.

فَقالَ إسماعيلُ: يا أبَتِ، إنّي لَم أرَهُ يَشرَبُ الخَمرَ، إنَّما سَمِعتُ الناسَ يَقولونَ!

۵۳۸۲. الكافي ـ به نقل از حَریز ـ: اسماعیل پسر امام صادق‌ؑ مقداری دینار داشت. مردی عازم یمن بود. اسماعیل به امام صادق‌ؑ عرض کرد: پدر! فلانی قصد رفتن به یمن دارد و من مقداری دینار دارم. اگر صلاح بدانی، آنها را به وی بدهم تا مقداری جنس از یمن برایم بخرد.

امام صادق‌ؑ فرمود: «پسرم! مگر نشنیده‌ای که او می‌گسار است؟».

اسماعیل، گفت: مردم، این چنین می‌گویند.

امام فرمود: «پسرم! نکن».

اسماعیل، از دستور پدر، سرپیچید و دینارهایش را به آن مرد داد و او آنها را از بین برد و هیچ چیزی برنگرداند. اسماعیل رفت و چنین اتفاق افتاد که امام صادق‌ؑ و اسماعیل، در همان سال، به حجّ مشرّف شدند و اسماعیل، طواف می‌کرد و چنین دعا می‌کرد: خداوندا! مرا [به خاطر آنچه از دست داده‌ام]، مأجور گردان و برای من جایگزینی قرار ده.

امام صادق‌ؑ به وی رسید و با دست از پشت سر به او اشاره کرد و به وی فرمود: «خاموش، پسرم! نه، به خدا سوگند. تو بر خداوند، حجّتی نداری و حقّ تو نیست که خدا مأجورت کند و برایت جایگزینی مقرّر دارد. تو فهمیدی که او می‌گساری می‌کند و در عین حال، به او اطمینان کردی».

اسماعیل گفت: ای پدر! من ندیدم که او می‌گساری کند. من از مردم شنیدم که چنان می‌گفتند.

فَقالَ: يا بُنَيَّ، إنَّ اللهَ ﷻ يَقولُ في كِتابِهِ: ﴿يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ يَقولُ: يُصَدِّقُ اللهَ ويُصَدِّقُ لِلْمُؤْمِنينَ، فَإذا شَهِدَ عِندَكَ المُؤمِنونَ فَصَدِّقهُم، ولا تَأتَمِن شارِبَ الخَمرِ؛ فَإنَّ اللهَ ﷻ يَقولُ في كِتابِهِ: ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمْ﴾ فَأَيُّ سَفيهٍ أسفَهُ مِن شارِبِ الخَمرِ؟! إنَّ شارِبَ الخَمرِ لا يُزَوَّجُ إذا خَطَبَ، ولا يُشَفَّعُ إذا شَفَعَ، ولا يُؤتَمَنُ عَلىٰ أمانَةٍ؛ فَمَنِ ائتَمَنَه عَلىٰ أمانَةٍ؛ فَاستَهلَكَها لَم يَكُن لِلَّذي ائتَمَنَهُ عَلَى اللهِ أن يُؤجِرَهُ ولا يَخلُفَ عَلَيهِ.[1]

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۷ / ۲۴۷ باب ۱۱.

امام فرمود: «پسرم! خداوند ﷻ در کتابش می‌فرماید: ﴿به خدا ایمان دارد و به مؤمنان [نیز] ایمان دارد﴾. می‌فرماید: خدا و مؤمنان را تصدیق می‌کند. وقتی مؤمنان در پیش تو گواهی دادند، از آنها بپذیر، و به می‌گسار، اعتماد نکن. خداوند ﷻ در کتابش می‌فرماید: ﴿اموالتان را به سفیهان نسپارید﴾ و کدام سفیه، از می‌گسار، سفیه‌تر. می‌گسار، هرگاه خواستگاری کند، با او وصلت نمی‌شود و هرگاه میانجی‌گری کند، پذیرفته نمی‌شود و به امانتداری او اعتماد نمی‌گردد. پس هر کس به می‌گسار اعتماد کند و امانتی به وی بسپارد و او آن را از بین ببرد، بر عهدهٔ خدا نیست که برای چنین کسی پاداشی در نظر بگیرد و جایگزینی برایش مقرر فرماید».

۱۱۳۸
صِفَةُ حَشرِ شارِبِ الخَمرِ

۵۳۸۳. رسولُ اللهِ ﷺ: يَجيءُ مُدمِنُ الخَمرِ يَومَ القِيامَةِ مُزرَقَّةً عَينَاهُ، مُسْوَدّاً وَجهُهُ، مائلاً شِقُّهُ، يَسيلُ لُعابُهُ.[2]

۵۳۸۴. عنه ﷺ: يَخرُجُ الخَمّارُ مِن قَبرِهِ مَكتوبٌ بَينَ عَينَيهِ: آيِسٌ مِن رَحمَةِ اللهِ.[3]

۵۳۸۵. عنه ﷺ: والَّذي بَعثَني بالحقِّ نَبيّاً، إنّ شارِبَ الخَمرِ يَأتي يَومَ القِيامَةِ مُسْوَدّاً

۱۱۳۸
چگونگی محشور شدن شرابخوار

۵۳۸۳. **پیامبر خدا** ﷺ: دائم الخمر در روز قیامت در حالی که چشمانش کبود، چهره‌اش سیاه، لبهایش آویخته و آب دهانش سرازیر است، آورده می‌شود.

۵۳۸۴. **پیامبر خدا** ﷺ: میگسار، در حالی از گور خود خارج می‌شود که بر پیشانیش نوشته شده است: نومید از رحمت خدا.

۵۳۸۵. **پیامبر خدا** ﷺ: سوگند به آن که مرا بحق پیامبر کرد، در روز رستاخیز شرابخوار را می‌آورند، در حالی که چهره‌اش سیاه است

---

۱. الكافي: ۵/۱۲۹۹.
۲. ثواب الأعمال: ۲۹۰/۲.
۳. كنز العمّال: ۴۳۹۵۸.

وَجْهُهُ، يَضْرِبُ بِرَأْسِهِ الأرضَ ويُنادي: واعَطَشاهْ![1]

و سرش را به زمین می‌کوبد و می‌گوید: آه از تشنگی!

۵۳۸۶. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنّ أهلَ الرَّيِّ في الدُّنيا مِن المُسْكِرِ يَموتونَ عِطاشاً، ويُحْشَرونَ عِطاشاً، ويَدخُلونَ النّارَ عِطاشاً.[2]

۵۳۸۶. امام صادق ﷺ: آنان که در دنیا از مسکرات سیراب شوند، تشنه کام می‌میرند و تشنه کام محشور می‌شوند و تشنه کام به دوزخ می‌روند.

۱۱۳۹
الحَثُّ عَلىٰ تَركِ الخَمرِ ولَو لِغَيرِ اللّهِ

۱۱۳۹
تشویق به ترک شرابخواری هرچند به خاطر غیر خدا

۵۳۸۷. الإمام الصادق ﷺ: مَن تَرَكَ الخَمرَ لِلنّاسِ لا لِلّهِ؛ صِيانَةً لِنَفسِهِ، أدخَلَهُ اللّهُ الجَنَّةَ.[3]

۵۳۸۷. امام صادق ﷺ: هر کس میخوارگی را به خاطر مردم و برای حفظ جانش و نه برای خدا، ترک کند، خدا او را به بهشت می‌برد.

۵۳۸۸. تفسير القمّي عن الإمامِ الصّادقِ ﷺ: مَن تَرَكَ الخمرَ لغَيرِ اللّهِ سَقاهُ اللّهُ مِن الرَّحيقِ المَختومِ. قالَ [الرّاوي]: يابنَ رسولِ اللّهِ، مَن تَرَكَ الخَمرَ لغَيرِ اللّهِ ؟! قالَ: نَعَم واللّهِ، صِيانَةً لنَفْسِهِ.[4]

۵۳۸۸. تفسیر القمی از امام صادق ﷺ: کسی که شرابخواری را برای غیر خدا [هم که شده] رها کند، خداوند او را از شراب [بهشتی] ناب و مُهر شده بنوشاند. راوی عرض کرد: یابن رسول الله! کسی که شراب را برای غیر خدا ترک کند؟! فرمود: آری به خدا قسم، برای حفظ [سلامت] خویش.

۱۱۴۰
حُرمَةُ ما فَعَلَ فِعلَ الخَمرِ

۱۱۴۰
حرام بودن هر آنچه تأثیر شراب داشته باشد

۵۳۸۹. الإمامُ الكاظمُ ﷺ: إنّ اللّهَ عزّوجلّ لم يُحَرِّمِ الخَمرَ لاسْمِها، ولٰكنّهُ حَرَّمَها لعاقِبَتِها؛ فما كانَ عاقِبَتُهُ عاقِبَةَ الخَمرِ فهُو خَمرٌ.[5]

۵۳۸۹. امام کاظم ﷺ: خداوند عزّوجلّ شراب را به خاطر نامش حرام نکرده بلکه به سبب پیامدهای آن حرامش کرده است. پس، هر چیزی که پیامدهای شراب را داشته باشد آن نیز شراب است.

(انظر) الخمر: باب ۱۱۳۵.

---

۱. تنبيه الخواطر: ۱۱۵/۲. ۲. ثواب الأعمال: ۵/۲۹۰.
۳. الأمالي للطوسي: ۶۹۵ / ۱۴۷۹.
۴. تفسير القمّي: ۴۱۱/۲. ۵. الكافي: ۲/۴۱۲/۶.

١٥٤

الخُمُس

خمس

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٩٦/١٨٤ـ٢٤٤ «أبواب الخُمس».

وسائل الشّيعة: ٦/٣٣٦ـ٣٨٦ «كتاب الخمس».

سنن أبي داود: ٣/١٤٥ «الخمس».

انظر:

عنوان ٥٢٠ «الأنفال».

١١٤١
الخُمسُ

الكتاب:

﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ﴾.[1]

الحديث:

٥٣٩٠. رسولُ اللهِ ﷺ: إنَّهُ لَيسَ لي مِن هٰذا الفَيْءِ شَيْءٌ ولا هٰذا ـ وأشارَ إلىٰ وَبَرَةٍ مِن سَنامِ بَعيرٍ ـ إلّا الخُمُسَ، والخُمُسُ مَرْدودٌ عليكُم، فأدُّوا الخَيْطَ والمِخْيَطَ.[2]

٥٣٩١. عنه ﷺ: إيّاكُم والغُلولَ؛ الرَّجُلُ يَنْكَحُ المَرأةَ، أو يَركَبُ الدّابّةَ قَبلَ أنْ تُخَمَّسَ.[3]

٥٣٩٢. الإمامُ الباقرُ ﷺ ـ لَمّا قَرأ علَيهِ أبو حمزةَ الثُّماليّ آيةَ الخُمسِ ـ: ما كانَ للهِ فهُو لرسولِهِ، وما كانَ لرسولِهِ فهُو لَنا.[4]

---

١. الأنفال: ٤١.
٢. كنز العمّال: ١٠٩٦٨.
٣. كنز العمّال: ١١٠٤٨.
٤. بصائر الدرجات: ٥/٢٩.

١١٤١
خُمس

قرآن:

«بدانید که هر گونه غنیمتی به دست آورید، خُمس (یک پنجم) آن از آنِ خدا و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان است».

حدیث:

٥٣٩٠. **پیامبر خدا** ﷺ: نه از این غنیمت [جنگی] و نه از این کُرک کوهان شتر، چیزی جز خُمس، از آنِ من نیست و همان خمس هم به شما برگردانده می‌شود؛ پس حتی نخ و سوزن [غنیمتی] را هم بدهید.

٥٣٩١. **پیامبر خدا** ﷺ: از خیانت کردن در غنایم بپرهیزید؛ اگر پیش از خارج کردن خمس غنیمت، مردی با زنی [از اسیران جنگی] درآمیزد یا مَرکبی [از غنایم] را سوار شود، آن خیانت در غنایم است.

٥٣٩٢. **امام باقر** ﷺ ـ وقتی ابوحمزهٔ ثمالی آیهٔ خمس را برای ایشان تلاوت کرد ـ فرمود: آنچه از خداست، متعلّق به پیامبر اوست و آنچه متعلّق به پیامبر اوست، به ما تعلّق دارد.



۱۵۵

الخُمول

گمنامی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

كنز العمّال: ۳/۱۵۲ـ۱۵۸ وص ۷۰۷ «الخمول».

شرح نهج البلاغة: ۲/۱۸۲ـ۱۸۴ «فصل في مدح الخمول».

بحار الأنوار: ۷۰/۱۰۸ باب ۴۹ «العُزلة عن شرار الخلق».

المحجّة البيضاء: ۶/۱۰۹ «فضيلة الخمول».

انظر:

عنوان ۲۸۱ «الشُّهرة»، ۳۵۱ «العُزلة»، ۳۵۴ «العِشرة».

الكتمان: باب ۳۳۹۹.

١١٤٢
فَضلُ الخُمولِ وآثارُهُ

٥٣٩٣. رسولُ اللهِ ﷺ: إنَّ اللهَ يُحِبّ الأبرارَ الأخْفِياءَ الأتْقِياءَ الّذينَ إذا غابُوا لَم يُفْتَقَدوا، وإذا حَضَروا لَم يُدْعَوا، ولَم يُعْرَفوا.[1] قُلوبُهُم مَصابيحُ الهُدىٰ، يُخْرَجون مِن كُلِّ غَبْراءَ مُظْلِمَةٍ.[2]

٥٣٩٤. عنه ﷺ: أحَبُّ العِبادِ إلَى اللهِ تعالىٰ الأتْقِياءُ الأخْفِياءُ، الّذين إذا غابُوا لَم يُفْتَقَدوا، وإذا شَهِدوا لَم يُعْرَفوا، أُولٰئكَ أئمَّةُ الهُدىٰ ومَصابيحُ العِلْمِ.[3]

٥٣٩٥. عنه ﷺ: ما قَرُبَ عَبدٌ مِن سُلطانٍ إلّا تَباعَدَ مِن اللهِ تعالىٰ، ولا كَثُرَ مالُهُ إلّا اشْتَدَّ حِسابُهُ، ولا كَثُرَ تَبَعهُ إلّا كَثُرَ شَياطينُهُ.[4]

٥٣٩٦. عنه ﷺ: ألَا إنّ خَيرَ عِبادِ اللهِ التَّقيُّ النَّقيُّ الخَفيُّ، وإنّ شَرَّ عِبادِ اللهِ المُشارُ إلَيهِ بالأصابِعِ.[5]

---

١. في المصدر: «لم يعرفوا».
٢. كنز العمّال: ٥٩٢٧. ٣. كنز العمّال: ٥٩٢٩.
٤. بحار الأنوار: ٧٢/٦٧/٢٧. ٥. بحار الأنوار: ٧٠/١١١/١٢.

١١٤٢
فضیلت گمنامی و آثار آن

٥٣٩٣. **پیامبر خدا** ﷺ: خداوند نیکوکاران بی‌نام و نشانِ خداترس را دوست دارد؛ کسانی که هرگاه غایب باشند کسی جویایشان نمی‌شود، و وقتی حضور دارند، کسی از آنان دعوت نمی‌کند و شناخته شده نیستند. دلهایشان چراغ هدایت است، [و] از هر تاریکی و ظلمتی خارج می‌گردند.

٥٣٩٤. **پیامبر خدا** ﷺ: محبوبترین بندگان نزد خداوند متعال پرهیزگاران گمنامند؛ همانان که هرگاه غایب باشند کسی جویایشان نمی‌شود و وقتی حضور دارند ناشناخته‌اند. آنان پیشوایان هدایتند و چراغهای دانش.

٥٣٩٥. **پیامبر خدا** ﷺ: هیچ بنده‌ای به فرمانروایی نزدیک نشد، مگر آن که از خداوند متعال دور گشت، و ثروتش فراوان نشد، مگر آن که حسابش سخت گشت، و مریدانش زیاد نشدند، مگر آن که شیطانهایش افزون گشتند.

٥٣٩٦. **پیامبر خدا** ﷺ: هان! بهترین بندگان خدا کسی است که با تقوی و پاک و گمنام باشد و بدترین بندگان خدا کسی است که انگشت نما باشد.

۵۳۹۷. عنه ﷺ: لا يَزالُ العَبدُ بخَيرٍ ما لَم يُعْرَفْ مَكانُهُ، فإذا عُرِفَ مَكانُهُ لَبِسَتْهُ فِتْنَةٌ لا يَثْبُتُ لَها إلّا مَن ثَبَّتَهُ اللهُ.[1]

۵۳۹۷. پیامبر خدا ﷺ: بنده تا زمانی که جایگاهش دانسته نباشد، در خیر و خوشی به سر می‌برد، اما همین که جایگاهش شناخته شد، فتنه‌ای به سراغش آید که بر آن پایداری نتواند، مگر آن کس که خداوند پایدارش بدارد.

۵۳۹۸. عنه ﷺ: رُبَّ ذي طِمْرَيْنِ لا يُؤْبَهُ لَهُ، لَو أقْسَمَ علىٰ اللهِ لأبَرَّهُ.[2]

۵۳۹۸. پیامبر خدا ﷺ: بسا یک لاقبای ژنده پوشی که کسی به او اعتنا نمی‌کند، اما اگر خدا را سوگند دهد، خداوند سوگندش را بپذیرد [و دعا یا نفرینش را مستجاب کند].

۵۳۹۹. الإمامُ عليٌّ ﷺ: تَبَذَّلْ ولا تُشهَّرْ، وأخْفِ شَخْصَكَ لِئلّا تُذْكَرَ وتُعْلَمَ، واكْتُمْ واصْمُتْ تَسْلَمْ ـ وأومأَ بِيَدِهِ إلىٰ صَدرِهِ ـ تَسُرُّ الأبْرارَ، وتَغيظُ الفُجّارَ ـ وأومَأَ بِيَدِهِ إلىٰ العامَّةِ ـ.[3]

۵۳۹۹. امام علی ﷺ: ساده پوش باش و خود را شهره‌مکن و خود را پنهان دار، تا یاد تو نکنند و زبانزد نشوی، و رازدارباش و خاموش تا سالم و در امان بمانی ـ سپس با دست خود به سینه‌اش اشاره کرد و ادامه داد ـ تا نیکان را شادمان کنی و نابکاران را ـ با دستش به عامّه (مخالفان) اشاره فرمود ـ به خشم آوری.

۵۴۰۰. عنه ﷺ: تَبَذَّلْ لا تَشْتَهِرْ، ولا تَرْفَعْ شَخْصَكَ لِتُذْكَرَ بِعِلْمٍ، واسْكُتْ واصْمُتْ تَسْلَم، تَسُرُّ الأبْرارَ وتَغيظُ الفُجّارَ.[4]

۵۴۰۰. امام علی ﷺ: ساده پوش باش تا شهره نشوی وخودت را عَلَم نکن تا مشهور و شناخته شوی. سکوت و خاموشی گزین تا سالم مانی، نیکان را شاد سازی و نابکاران را به خشم آوری.

۵۴۰۱. عنه ﷺ ـ لكُمَيلِ بنِ زِيادٍ ـ: رُوَيْدَكَ لا تُشْهَرْ، وأخْفِ شَخْصَكَ لاتُذْكَرْ، تَعلَّمْ تَعْلَمْ.[5]

۵۴۰۱. امام علی ﷺ ـ به کمیل بن زیاد ـ فرمود: آرام باش، و خود را شهره مساز، خویش را پنهان دار تا یاد تو نکنند، علم بیاموز تا دانا شوی.

۵۴۰۲. عنه ﷺ ـ في وصف آخر الزمان ـ: وذلكَ زَمانٌ لا يَنْجو فيهِ إلّا كُلُّ مؤمنٍ نُـوَمَةٍ، إنْ

۵۴۰۲. امام علی ﷺ ـ در توصیف آخرالزمان ـ فرمود: زمانی می‌رسد که هیچ کس در آن

---

۱. كنز العمّال: ۵۹۵۰.
۲. المحجّة البيضاء: ۱۰۹/۶ وانظر التوحيد: ۲/۴۰۰.
۳. الأمالي للمفيد: ۴۴/۲۰۹.
۴. شرح نهج البلاغة: ۱۸۱/۲.
۵. بحار الأنوار: ۱۲۰/۵۷/۷۸.

شَهِدَ لَم يُعْرَفْ، وإنْ غابَ لَم يُفْتَقَدْ، أُولٰئكَ مَصابيحُ الهُدىٰ وأعْلامُ السُّرىٰ.[١]

٥٣٠٣. عنه ﷺ: إنَّ في الخُمولِ لَراحَةً.[٢]

٥٣٠٤. عنه ﷺ: كَثْرَةُ المَعارِفِ مِحْنَةٌ، و(كَثْرَةُ)[٣] خِلْطَةِ النّاسِ فِتْنَةٌ.[٤]

٥٣٠٥. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنْ قَدَرْتُم أنْ لا تُعْرَفوا فافْعَلوا، وما عَلَيكَ إنْ لَم يُثْنِ عَلَيكَ النّاسُ؟! وما عَلَيكَ أنْ تكونَ مَذْموماً عِندَ النّاسِ؟! إذا كنتَ عِندَ اللهِ مَحْموداً؟![٥]

٥٣٠٦. عنه ﷺ: مَن أرادَ أنْ يُرْفَعَ ذِكْرُهُ فَلْيُخْمِلْ أمْرَهُ.[٦]

٥٣٠٧. عنه ﷺ: عَزَّتِ السَّلامَةُ حتّىٰ لَقد خَفِيَ مَطْلَبُها، فإنْ يَكُنْ في شَيْءٍ فيُوشِكُ أنْ يكونَ في الخُمولِ.[٧]

زمان نجات نمی‌یابد، مگر مؤمن حق‌پرستِ بی‌نام و نشان که اگر حضور داشته باشد، کسی او را نمی‌شناسد و اگر غایب باشد، کسی به جستجویش نمی‌آید. این افراد چراغهای هدایتند ونشانه‌های روشن برای شبروان.

٥٣٠٣. امام علی ﷺ: براستی که آسایش در گمنامی است.

٥٣٠٤. امام علی ﷺ: دانسته‌های بسیار مایهٔ رنج و محنت است و آمیزش زیاد با مردم موجب فتنه.

٥٣٠٥. امام صادق ﷺ: اگر توانستید ناشناخته بمانید، چنین کنید؛ وقتی نزد خدا ستوده باشی نگران نباش که مردم ستایشت نکنند و نگران نباش که در نظرشان نکوهیده‌ای.

٥٣٠٦. امام صادق ﷺ: هرکه خواهد نامش بلند شود، باید گمنامی پیشه کند.

٥٣٠٧. امام صادق ﷺ: سلامت چندان کمیاب است که راه جستن آن پوشیده و ناپیداست و اگر سلامت در چیزی باشد، تقریباً در گمنامی است.

---

١. نهج البلاغة: الخطبة ١٠٣.
٢. غرر الحكم: ٣٣٧٥.
٣. مابين القوسين أثبتناه من طبعة النجف.
٤. غرر الحكم: ٧١٢٤.
٥. بحار الأنوار: ٧٣/١٢١/١١٠.
٦. بحار الأنوار: ٧٨/٢٦٤/١٧٠.
٧. بحار الأنوار: ٧٨/٢٠٢/٣٥.



۱۵۶

الخوف

ترس

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۷۰/۳۲۳باب ۵۹«الخوف والرجاء».

كنز العمّال: ۳/۱۳۹ـ۱۴۳وص ۷۰۷ـ۷۰۹«الخوف والرجاء».

المحجّة البيضاء: ۷/۲۴۸ـ۳۱۲«كتاب الخوف والرجاء».

انظر:

عنوان ۱۸۰«الرجاء».

الأئمّة: باب ۱۳۵و۱۳۶، أولياء الله: باب ۴۱۷۱.

۱۱۴۳
الخَوفُ

الكتاب:

﴿تَتَجافىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفاً وَطَمَعاً وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾.[۱]

الحديث:

۵۳۰۸. رسولُ اللهِ ﷺ: رأسُ الحِكمَةِ مَخافَةُ اللهِ.[۲]

۵۳۰۹. عنه ﷺ: جِماعُ الخَيرِ خَشْيَةُ اللهِ.[۳]

۵۳۱۰. عنه ﷺ: أعْلَى النّاسِ مَنزِلَةً عِندَ اللهِ أخوَفُهُم مِنهُ.[۴]

۵۳۱۱. الإمامُ عليٌّ ﷺ: الخَوفُ جِلبابُ العارِفينَ.[۵]

۵۳۱۲. عنه ﷺ: الخَشيَةُ مِن عذابِ اللهِ شِيمَةُ المُتَّقينَ.[۶]

۵۳۱۳. عنه ﷺ: خَشيَةُ اللهِ جِماعُ الإيمانِ.[۷]

۵۳۱۴. عنه ﷺ: احْذَروا مِنَ اللهِ ما حَذَّرَكُم مِن نَفْسِهِ، واخْشَوهُ خَشيَةً يَظْهَرُ أثَرُها

---

۱. السجدة: ۱۶.
۲. بحار الأنوار: ۷۷/۱۳۳/۴۳.
۳. المواعظ العددية: ۳۲.
۴. بحار الأنوار: ۷۷/۱۸۰/۱۰.
۵. غرر الحكم: ۶۶۴.
۶. غرر الحكم: ۱۷۵۷.
۷. غرر الحكم: ۵۰۹۱.

۱۱۴۳
ترس [از خدا]

قرآن:

«از بستر خواب پهلو تهی می‌کنند، پروردگارشان را با بیم و امید می‌خوانند و از آنچه روزیشان کرده‌ایم انفاق می‌کنند».

حدیث:

۵۳۰۸. **پیامبر خدا ﷺ**: سرآمد حکمت ترس از خداست.

۵۳۰۹. **پیامبر خدا ﷺ**: کانون خوبیها ترس از خداست.

۵۳۱۰. **پیامبر خدا ﷺ**: بلند پایه‌ترین مردم نزد خدا ترسانترین آنها از اوست.

۵۳۱۱. **امام علی ﷺ**: ترس [از خدا] ردای خداشناسان است.

۵۳۱۲. **امام علی ﷺ**: ترس از عذاب خدا، خوی پرهیزگاران است.

۵۳۱۳. **امام علی ﷺ**: ترس از خدا کانون ایمان است.

۵۳۱۴. **امام علی ﷺ**: از خدا برحذر باشید، چنان که او شما را از خودش برحذر داشته است

عليكُم.[۱]

۵۳۱۵. عنه ﷺ ـ في وَصيَّتِهِ لابنِهِ الحسنِ عِندَ الوَفاةِ ـ: أُوصيكَ بخَشْيَةِ اللهِ في سِرِّ أمْرِكَ وعَلانِيَتِكَ.[۲]

۵۳۱۵. **امام علی** ﷺ ـ در وصیّت خود به هنگام وفات به فرزندش حسن ﷺ ـ فرمود: تو را وصیّت می‌کنم که در نهان و آشکار از خدا بترسی.

۵۳۱۶. عنه ﷺ: اسْتَعِينوا علىٰ بُعدِ المَسافَةِ بطُولِ المَخافَةِ.[۳]

۵۳۱۶. **امام علی** ﷺ: برای پیمودن راه دراز (سفر آخرت) از ترس طولانی [از خدا و عذاب آخرت] کمک بگیرید.

۵۳۱۷. عنه ﷺ: إنَّ اللهَ إذا جَمعَ النّاسَ نادىٰ فيهِم مُنادٍ: أيُّها النّاسُ، إنَّ أقْرَبَكُمُ اليَومَ مِن اللهِ أشَدُّكُم مِنهُ خَوفاً.[۴]

۵۳۱۷. **امام علی** ﷺ: آن گاه که خداوند [در روز قیامت] مردم را گرد آوَرَد، آواز دهنده‌ای در میان آنان ندا دهد که: ای مردم! امروز نزدیکترین شما به خداوند کسی است که [در دنیا] بیش از همه خدا ترس بوده است.

۵۳۱۸. **الإمامُ زينُ العابدينَ** ﷺ: ابنَ آدَمَ، لا تَزالُ بخَيرٍ ... ما كانَ الخَوفُ لكَ شِعاراً والحُزنُ دِثاراً.[۵]

۵۳۱۸. **امام زین العابدین** ﷺ: ای فرزند آدم! تا زمانی که ترس [از خدا] جامهٔ زیرین تو باشد و اندوه بالاپوشت پیوسته در خیر و خوبی خواهی بود.

۵۳۱۹. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: تَحرَّزْ مِن إبْليسَ بالخَوفِ الصّادِقِ، وإيّاكَ والرَّجاءَ الكاذِبَ؛ فإنَّه يُوقِعُكَ في الخَوفِ الصّادِقِ.[۶]

۵۳۱۹. **امام باقر** ﷺ: با ترس راستین، خود را از ابلیس حفظ کن و از امید دروغین بپرهیز؛ زیرا که تو را در ترس واقعی می‌افکند.

۵۳۲۰. عنه ﷺ: لا مُصيبَةَ كعَدَمِ العَقلِ، ولا عَدَمَ عَقلٍ كقِلَّةِ اليَقينِ، ولا قِلَّةَ يَقينٍ كفَقدِ الخَوفِ، ولا فَقدَ خَوفٍ كقِلَّةِ الحُزنِ علىٰ فَقْدِ الخَوفِ.[۷]

۵۳۲۰. **امام باقر** ﷺ: مصیبتی چون بی‌خردی نیست و بی‌خردیی چون کم یقینی و کم یقینیی چون نترسیدن [از خدا] و نترسیدنی چون نداشتن غم از دست دادن ترس [از خدا].

---

۱. تذكرة الخواصّ: ۱۳۶. ۲. بحار الأنوار: ۷/۲۰۳/۴۲.
۳. بحار الأنوار: ۴۸/۴۴۰/۷۷.
۴. بحار الأنوار: ۲۵/۴۱/۷۸. ۵. الأمالي للطوسي: ۱۷۶/۱۱۵.
۶. بحار الأنوار: ۱/۱۶۴/۷۸.
۷. بحار الأنوار: ۱/۱۶۵/۷۸.

۵۴۲۱. **بحار الأنوار:** حَفصٌ: ما رأيتُ أحَداً أشَدَّ خَوفاً علىٰ نَفْسِهِ مِن موسىٰ بنِ جعفرٍ ﷺ، ولا أرْجىٰ للنّاسِ مِنهُ.[1]

۵۴۲۱. **بحار الأنوار:** حفص گوید: هیچ کس را بیمناکتر بر نفس خویش و امیدوارتر [به خدا] برای مردم از موسی بن جعفر ﷺ ندیدم.

۱۱۴۴
خَفِ اللّهَ كأنَّكَ تَرَاهُ

۱۱۴۴
از خدا چنان بترس که گویی او را می‌بینی

۵۴۲۲. رسولُ اللهِ ﷺ: ثَلاثٌ مُنْجِياتٌ ... خَوفُ اللهِ في السِّرِّ كأنَّكَ تَراهُ، فإنْ لَم تَكُن تَراهُ فإنَّهُ يَرَاكَ.[2]

۵۴۲۲. **پیامبر خدا** ﷺ: سه چیز نجاتبخش است ... ترس از خدا در نهان چنان که گویی او را می‌بینی؛ چه اگر تو او را نمی‌بینی او تو را می‌بیند.

۵۴۲۳. عنه ﷺ ـ في وَصيَّتِهِ لعليٍّ ﷺ ـ: أُوصيكَ في نَفْسِكَ بِخِصالٍ فاحْفَظْها عنّي ... الثّالثةُ: الخَوفُ مِن اللهِ عزّ ذِكْرُهُ كأنَّكَ تَراهُ.[3]

۵۴۲۳. **پیامبر خدا** ﷺ ـ در سفارش خود به علی ﷺ ـ فرمود: تو را به داشتن خصلتهایی سفارش می‌کنم. آنها را از من به خاطر بسپار... سوم: ترس از خداوند عزّوجلّ، چنان که گویی او را می‌بینی.

۵۴۲۴. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: خَفِ اللهَ كأنَّكَ تَراهُ، فإنْ كُنتَ لا تَراهُ فإنَّهُ يَراكَ، فإنْ كُنتَ تَرىٰ أنَّهُ لا يَراكَ فَقد كَفَرتَ، وإنْ كُنتَ تَعْلَمُ أنَّهُ يَراكَ ثُمَّ اسْتَتَرْتَ عنِ المَخْلوقينَ بالمَعاصي وبَرَزْتَ لَهُ بِها فَقد جَعَلْتَهُ في حَدٍّ أهْوَنِ النّاظِرينَ إلَيكَ.[4]

۵۴۲۴. **امام صادق** ﷺ: از خدا چنان بترس که گویی او را می‌بینی؛ چه، اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند. اگر فکر کنی که او تو را نمی‌بیند، هر آینه کافر شده‌ای و اگر بدانی که او تو را می‌بیند و با این حال دور از چشم مردم و در برابر دیدگان خدا گناه کنی، بیگمان او را در حدّ پست‌ترین بینندگان خود قرار داده‌ای.

۱۱۴۵
المَخافَةُ مِنَ اللهِ عَلىٰ قَدرِ العِلمِ بِهِ

۱۱۴۵
خداترسی به اندازهٔ خداشناسی است

الكتاب:

﴿وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَٰلِكَ

قرآن:

«همچنین از مردم و جنبندگان و چارپایان گوناگون

---

۱. بحار الأنوار: ۱۸/۱۱۱/۴۸.
۲. بحار الأنوار: ۵/۷/۷۰. ۳. الكافي: ۳۳/۷۹/۸.
۴. بحار الأنوار: ۴۸/۳۸۶/۷۰.

إنَّما يَخْشَى اللهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إنَّ اللهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ﴾.[1]

[آفرید]. هر آینه از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از او می‌ترسند. همانا خداوند پیروزمند و آمرزنده است».

الحديث:

٥٣٢٥. رسولُ اللهِ ﷺ: مَن كانَ باللهِ أعْرَفَ كانَ مِن اللهِ أخْوَفَ.[2]

حدیث:

٥٣٢٥. پیامبر خدا ﷺ: هرکه خداشناس‌تر باشد خدا ترس‌تر است.

٥٣٢٦. الإمامُ عليٌّ ﷺ: أعْلَمُ النّاسِ باللهِ سُبحانَهُ أخْوَفُهُم مِنهُ.[3]

٥٣٢٦. امام علی ﷺ: عالم‌ترین مردم به خداوند سبحان، ترسانترین آنها از اوست.

٥٣٢٧. عنه ﷺ: أكْثَرُ النّاسِ مَعرِفَةً لنَفْسِهِ أخْوَفُهُم لرَبِّهِ.[4]

٥٣٢٧. امام علی ﷺ: خود شناس‌ترین مردم، خدا ترس‌ترین آنهاست.

٥٣٢٨. الإمامُ الباقرُ ﷺ: في حِكمَةِ آلِ داوودَ: يابنَ آدَمَ، أصْبَحَ قلبُكَ قاسِياً وأنتَ لعَظَمَةِ اللهِ ناسِياً، فلَو كُنتَ باللهِ عالِماً وبعَظَمَتِهِ عارِفاً لَم تَزَلْ مِنهُ خائفاً.[5]

٥٣٢٨. امام باقر ﷺ: در حکمت آل داوود آمده است: ای فرزند آدم! دلت سخت گشته است و بزرگی خدا را از یاد برده‌ای؛ اگر خدا را می‌شناختی و بزرگیش را می‌دانستی، همواره از او ترسان بودی.

٥٣٢٩. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مَن عَرَفَ اللهَ خافَ اللهَ، ومَن خافَ اللهَ سَخَتْ نَفْسُهُ عنِ الدُّنيا.[6]

٥٣٢٩. امام صادق ﷺ: آن که خدا را شناخت، از خدا ترسید و آن که از خدا ترسید، دل از دنیا برکند.

(انظر) العلم: باب ٢٨٣٧.
معرفة الله: باب ٢٥٦٧.

١١٤٦
المُؤمِنُ بَينَ مَخافَتَينِ

۱۱۴۶
مؤمن میان دو ترس به سر می‌برد

٥٣٣٠. رسولُ اللهِ ﷺ: ألا إنَّ المؤمنَ يَعْمَلُ بينَ

٥٣٣٠. پیامبر خدا ﷺ: همانا مؤمن میان دو ترس کار می‌کند: میان زمانی که از عمرش

---

١. فاطر: ٢٨.
٢. بحار الأنوار: ٦٤/٣٩٣/٧٠.
٣. غرر الحكم: ٣١٢١.
٤. غرر الحكم: ٣١٢٦.
٥. الأمالي للطوسي: ٣٢٦/٢٠٣.
٦. الكافي: ٤/٦٨/٢.

مَخافَتَينِ: بينَ أجَلٍ قَد مَضىٰ لا يَدْري ما اللهُ صانِعٌ فيهِ، وبينَ أجَلٍ قد بَقِيَ لا يَدْري ما اللهُ قاضٍ فيهِ، فلْيَأخُذِ العَبْدُ المؤمنُ مِن نَفْسِهِ لنَفْسِهِ ومِن دُنياهُ لآخِرَتِهِ، وفي الشَّبيبَةِ قَبلَ الكِبَرِ، وفي الحياةِ قَبلَ المَماتِ؛ فوالّذي نَفْسُ محمّدٍ بِيَدِهِ، ما بَعدَ الدُّنيا مِن مُسْتَعْتَبٍ، وما بَعدَها مِن دارٍ إلّا الجَنَّةَ أوِ النّارَ.[1]

گذشته است و نمی‌داند خدا با او چه می‌کند، [و می‌آمرزدش یا نه!] و میان زمانی که از عمرش باقی مانده است و نمی‌داند خدا دربارهٔ او چه حکم خواهد کرد. پس، باید که بندهٔ مؤمن، از خود برای خود، و از دنیایش برای آخرتش و در جوانی، پیش از پیری و در زندگی، پیش از فرارسیدن مرگ، بهره برگیرد؛ زیرا سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست، پس از دنیا دیگر عذرخواهی و توبه‌ای در کار نیست و بعد از آن، سرایی جز بهشت یا دوزخ نباشد.

٥٣٣١. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: إنّ المؤمنَ لا يُصْبِحُ إلّا خائفاً وإنْ كانَ مُحْسِناً، ولا يُمْسِي إلّا خائفاً وإنْ كانَ مُحْسِناً، لأنّهُ بَينَ أمْرَينِ: بَينَ وَقْتٍ قد مَضىٰ لا يَدْري ما اللهُ صانِعٌ بِهِ، وبينَ أجَلٍ قدِ اقْتَرَبَ لا يَدْري ما يُصيبُهُ مِنَ الهَلَكاتِ.[2]

٥٣٣١. امام علی عليه السلام: مؤمن، هرچند نیکوکار باشد، شب‌وروز را در بیم و هراس به پایان می‌برد؛ زیرا او میان دو حالت قرار دارد: زمانی که گذشته است، و نمی‌داند خدا با او چه کرده است و اجلی که نزدیک گشته، و نمی‌داند چه خطراتی گریبانگیرش خواهد شد.

٥٣٣٢. الإمامُ الصّادقُ عليه السلام: المؤمنُ بَينَ مَخافَتَينِ: ذَنبٌ قَد مَضىٰ لا يَدْري ما صَنعَ اللهُ فيهِ، وعُمرٌ قَد بَقِيَ لا يَدْري ما يَكْتَسِبُ فيهِ مِنَ المَهالِكِ. فهُو لا يُصْبِحُ إلّا خائفاً ولا يُصْلِحُهُ إلّا الخَوفُ.[3]

٥٣٣٢. امام صادق عليه السلام: مؤمن میان دو ترس به سر می‌برد: گناهی که در گذشته کرده است و نمی‌داند خدا با آن چه کرده است [و آن را بخشیده یا نه!] و عمری که باقی مانده است و نمی‌داند در آن مدت چه گناهان مهلکی مرتکب خواهد شد؛ بنابراین، مؤمن پیوسته ترسان است و جز ترس اصلاحش نکند.

---

١. الكافي: ٢/٧٠/٩.
٢. بحار الأنوار: ٧٠/٣٨٢/٣٤.
٣. الكافي: ٢/٧١/١٢.

۱۱۳۷
المُؤمِنُ بَينَ الخَوفِ وَالرَّجاءِ

الكتاب:

﴿أَمَّنْ هُوَ قانِتٌ آناءَ اللَّيْلِ ساجِداً وَقائِماً يَحْذَرُ الآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الأَلْبابِ﴾.[1]

الحديث:

۵۳۳۳. رسولُ اللهِ ﷺ: لَو تَعْلَمونَ قَدْرَ رَحمَةِ اللهِ لاتَّكَلْتُم عَلَيها وما عَمِلْتُم إلّا قَليلاً، ولَو تَعْلَمونَ قَدْرَ غَضَبِ اللهِ لَظَنَنْتُم بِأنْ لا تَنْجوا.[2]

۵۳۳۴. عنه ﷺ: لو يَعلَمُ المؤمنُ ما عِندَ اللهِ مِنَ العُقوبَةِ ما طَمِعَ في الجَنَّةِ أحَدٌ، ولَو يَعْلَمُ الكافِرُ ما عِندَ اللهِ مِن الرَّحمَةِ ما قَنَطَ مِن الجَنَّةِ أحَدٌ.[3]

۵۳۳۵. الإمامُ عليٌّ ﷺ: خَيرُ الأعْمالِ اعْتِدالُ الرَّجاءِ والخَوفِ.[4]

۵۳۳۶. عنه ﷺ: خَفْ رَبَّكَ خَوفاً يَشغَلُكَ عَن رَجائِهِ، وارْجُهُ رَجاءً مَن لا يَأمَنُ خَوفَهُ.[5]

---

۱. الزمر: ۹.
۲. كنز العمّال: ۵۸۹۴.
۳. كنز العمّال: ۵۸۶۷.
۴. غرر الحكم: ۵۰۵۵.
۵. غرر الحكم: ۵۰۵۶.

۱۱۳۷
مؤمن در بیم و امید به سر می‌برد

قرآن:

«آیا آن کس که در همهٔ ساعات شب در سجده و قیام به عبادت پرداخته و از آخرت بیمناک و به رحمت پروردگار خویش امیدوار است با آن کس که چنین نیست یکسان است؟ بگو: آیا آنهایی که می‌دانند با آنهایی که نمی‌دانند برابرند؟ تنها خردمندان پند می‌پذیرند».

حدیث:

۵۳۳۳. **پیامبر خدا** ﷺ: اگر اندازهٔ رحمت خدا را بدانید بر آن تکیه خواهید کرد و جز اندکی عمل نخواهید کرد و اگر اندازهٔ خشم خدا را بدانید خواهید پنداشت که هرگز نجات نمی‌یابید.

۵۳۳۴. **پیامبر خدا** ﷺ: اگر مؤمن از کیفر خدا آگاه بود، هیچ کسی به بهشت امید نمی‌بست و اگر کافر از رحمت خدا آگاه بود هیچ کسی از بهشت نومید نمی‌شد.

۵۳۳۵. **امام علی** ﷺ: بهترین کارها، برابر بودن بیم و امید است.

۵۳۳۶. **امام علی** ﷺ: از پروردگارت چنان بترس که تو را از امید بستن به او باز دارد و چونان کسی به او امید بند که اُمیدش خالی از ترس نیست.

۵۴۳۷ . عنه ﷺ: إنِ استَطَعْتُم أنْ يَشْتَدَّ خَوفُكُم مِن اللهِ وأنْ يَحْسُنَ ظَنُّكُم بِهِ فاجْمَعوا بَينَهُما، فإنّ العَبدَ إنّما يكونُ حُسنُ ظَنِّهِ بِرَبِّهِ علىٰ قَدْرِ خَوفِهِ مِن رَبِّهِ، وإنَّ أحسَنَ النّاسِ ظَنّاً باللهِ أشَدُّهُم خَوفاً للهِ.[۱]

۵۴۳۷ . امام علی ﷺ: اگر می‌توانید میان ترس شدید از خدا و خوش گمانیتان به او، جمع کنید؛ زیرا خوش‌گمانی (امیدواری) بنده به خدا، به اندازهٔ بیم او از پروردگارش می‌باشد. خوش گمانترین مردم به خداوند، خداترس‌ترین آنان است.

۵۴۳۸ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: يَنْبَغي للمؤمنِ أنْ يَخافَ اللهَ خَوفاً كأنَّهُ يُشْرِفُ علىٰ النّارِ، ويَرْجوَهُ رَجاءً كأنَّهُ مِن أهْلِ الجَنّةِ.[۲]

۵۴۳۸ . امام صادق ﷺ: سزاوار است که مؤمن از خداوند چنان بترسد که گویی بر لبهٔ دوزخ قرار دارد، و به او چنان امیدوار باشد که گویی اهل بهشت است.

۵۴۳۹ . عنه ﷺ: ارْجُ اللهَ رَجاءً لا يُجَرِّئُكَ علىٰ مَعاصيهِ، وخَفِ اللهَ خَوفاً لا يُؤيِسُكَ مِن رَحمَتِهِ.[۳]

۵۴۳۹ . امام صادق ﷺ: به خداوند چنان امیدوار باش که تو را بر انجام گناهان بی‌پروا نکند و از خدا چنان بترس که تو را از رحمت او نومید نسازد.

۵۴۴۰ . عنه ﷺ: كانَ أبي ﷺ يقولُ: إنَّهُ لَيس مِن عَبدٍ مؤمنٍ إلّا و في قَلْبِهِ نُورانِ: نورُ خِيفَةٍ ونورُ رَجاءٍ، لَو وُزِنَ هٰذا لَم يَزِدْ علىٰ هٰذا، ولَو وُزِنَ هٰذا لَم يَزِدْ علىٰ هٰذا.[۴]

۵۴۴۰ . امام صادق ﷺ: پدرم ﷺ می‌فرمود: هیچ بندهٔ مؤمنی نیست مگر آن که در دلش دو نور است: نور ترس و نور امید که اگر هر یک از آنها را وزن کنی بر دیگری فزونی نیابد.

۵۴۴۱ . عنه ﷺ: مِن وصايا لُقمانَ لابنِهِ: خَفِ اللهَ عزّوجلّ خِيفَةً لَو جِئْتَهُ ببِرِّ الثَّقَلَينِ لعَذَّبَكَ، وارْجُ اللهَ رجاءً لَو جِئْتَهُ بذُنوبِ الثَّقَلَينِ لَرَحِمَكَ.[۵]

۵۴۴۱ . امام صادق ﷺ: از سفارشهای لقمان به فرزندش این بود: از خداوند عزّوجلّ چنان بترس که اگر نیکیِ جنّ و انس را نزدش آوری [باز گمان کنی که] تو را عذاب کند و به او چنان امیدوار باش که اگر گناهان جنّ و انس را نزدش ببری، تو را خواهد بخشید.

---

۱ . نهج البلاغة: الكتاب ۲۷. ۲ . مجمع البيان: ۱۴/۹.
۳ . بحار الأنوار: ۳۹/۳۸۴/۷۰.
۴ . الكافي: ۱/۶۷/۲. ۵ . الكافي: ۱/۶۷/۲.

۵۳۴۲. لُقمانُ ﷺ ـ لابنهِ وهُو يَعِظُهُ ـ: يا بُنَيَّ، كُنْ ذا قَلبَينِ: قَلبٌ تَخافُ باللهِ[1] خَوفاً لا يُخالِطُهُ تَفْريطٌ، وقَلبٌ تَرجو بهِ اللهَ رَجاءً لا يُخالِطُهُ تَغْريرٌ.[2]

(انظر) التعجب: باب ۲۴۸۴.

۱۱۴۸
عَلاماتُ الخائِفِ

الكتاب:

﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوىٰ﴾.[3]

الحديث:

۵۳۴۳. الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن رَجا شَيئاً طَلَبَهُ، ومَن خافَ شَيئاً هَرَبَ مِنهُ، ما أدْري ما خَوفُ رجُلٍ عَرضَتْ لَهُ شَهْوَةٌ فلَم يَدَعْها لِما خافَ مِنهُ! وما أدْري ما رَجاءُ رجُلٍ نَزلَ بِهِ بَلاءٌ فلَم يَصبِرْ علَيهِ لِما يَرْجو![4]

۵۳۴۴. عنه ﷺ: كُلُّ خَوفٍ مُحَقَّقٌ إلّا خَوفَ اللهِ فإنَّهُ مَعلولٌ ... إنْ هُو خافَ عَبداً مِن عَبيدِهِ أعْطاهُ مِن خَوفِهِ ما لا يُعْطي رَبَّهُ، فجَعَلَ

۱. هكذا في المصدر والظاهر: «به الله».
۲. تنبيه الخواطر: ۵۰/۱. ۳. النازعات: ۴۰ و ۴۱.
۴. بحار الأنوار: ۸۲/۵۱/۷۸.

۵۳۴۲. **لقمان ﷺ** ـ در اندرز به فرزندش ـ فرمود: فرزندم! دارای دو دل باش: با یک دل از خدا بترس، ترسی که در آن تفریط راه نیابد و با دلی دیگر به خدا امیدوار باش، امیدی که تو را غرّه نسازد.

۱۱۴۸
نشانه‌های خداترس

قرآن:

«اما هرکس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی باز دارد قطعاً بهشت جایگاه اوست».

حدیث:

۵۳۴۳. **امام علی ﷺ**: کسی که به چیزی امیدوار باشد، در طلب آن بر می‌آید و آن که از چیزی بترسد، از آن می‌گریزد. من نمی‌دانم ترس و بیم آن کسی که با خواهشی نفسانی رو به رو شود، اما آن را، به سبب آنچه از آن می‌ترسد (عذاب و کیفر الهی)، رها نمی‌کند، چه معنا دارد؟! و نمی‌دانم امیدواری کسی که به سختی و مصیبتی گرفتار می‌شود، اما امیدش [به اجر و ثواب الهی] او را به شکیبایی در برابر آن وانمی‌دارد، چه مفهومی دارد؟!

۵۳۴۴. **امام علی ﷺ**: هر ترسی حقیقی است، جز ترس از خدا که بیمار است[1]... اگر کسی از بنده‌ای از بندگان خدا بترسد، از روی ترس، به

۱. مراد حضرت این است که: وقتی فردی از کسی بترسد، ترس او حقیقی است زیرا آثارش در اعمال و چهرهٔ آن ترسنده آشکار می‌شود. اما کسانی که مدّعی خداترسی هستند، ترسشان حقیقت ندارد، بلکه بیمار و آفت زده است؛ زیرا اگر واقعاً از خدا می‌ترسیدند نشانه‌های آن در وجود و رفتارشان آشکار می‌شد ـ م.

خَوفَهُ مِن العِبادِ نَقْداً، وخَوفَهُ مِن خالِقِهِ ضِماراً ووَعْداً.[۱]

گونه‌ای با او برخورد می‌کند که با پروردگار خود نمی‌کند. پس، او ترس از بندگان را نقد قرار داده و ترس از آفریدگارِ خویش را نسیه و وعده.

۵۳۴۵. عنه ﷺ: إنَّ لِلّهِ عِباداً كَسَرَتْ قُلوبَهُم خَشْيَةُ اللهِ، فاسْتَكْفَوا عنِ المَنْطِقِ، وإنَّهُم لَفُصَحاءُ عُقَلاءُ أَلِبّاءُ نُبَلاءُ، يَسْبِقونَ إلَيهِ بالأعْمالِ الزّاكِيَةِ، لا يَسْتَكثِرونَ لَهُ الكَثيرَ، ولا يَرْضَونَ لَهُ القَليلَ، يَرَونَ أنفُسَهُم أنَّهُم شِرارٌ، وإنَّهُمُ الأكْياسُ الأبْرارُ.[۲]

۵۳۴۵. امام علی ﷺ: همانا خداوند را بندگانی است که ترس از خدا دلهایشان را شکسته است و از این رو، زبان در کام کشیده‌اند در حالی که مردمانی سخنور و خردمند و صاحبدل و نجیب هستند، با اعمال پاک به سوی خدا می‌شتابند، اعمال زیاد را در پیشگاه او زیاد نمی‌شمارند و به عمل اندک خشنود نمی‌شوند، خود را بدترین مردمان می‌دانند، در حالی‌که مردمانی زیرک و نیکوکارند.

۵۳۴۶. عنه ﷺ: العَجَبُ مِمَّن يَخافُ العِقابَ فلَم يَكُفَّ، ورَجا الثَّوابَ فلَم يَتُبْ ويَعْمَلْ![۳]

۵۳۴۶. امام علی ﷺ: تعجب است از کسی که از کیفر می‌ترسد ولی از گناه باز نمی‌ایستد، و به پاداش امید دارد، اما توبه و عمل نمی‌کند!

۵۳۴۷. عنه ﷺ: مَن خافَ رَبَّهُ كَفَّ ظُلْمَهُ.[۴]

۵۳۴۷. امام علی ﷺ: کسی که از پروردگار خویش بترسد از ستمکاری خود داری کند.

۵۳۴۸. الإمامُ الباقرُ ﷺ: لا خَوفَ كخَوفٍ حاجِزٍ، ولا رَجاءَ كرَجاءٍ مُعينٍ.[۵]

۵۳۴۸. امام باقر ﷺ: هیچ ترسی چون ترسِ بازدارنده [از گناه و کیفر شدن] و هیچ امیدی چون امیدِ یاری کننده [بر کار نیک و رسیدن به ثواب الهی] نیست.

۵۳۴۹. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: لا يكونُ العَبدُ مؤمناً حتّىٰ يكونَ خائفاً راجِياً، ولا يكونُ خائفاً راجِياً حتّىٰ يكونَ عامِلاً لِما يَخافُ ويَرْجو.[۶]

۵۳۴۹. امام صادق ﷺ: بنده، مؤمن نباشد مگر آن گاه که بیمناک و امیدوار باشد و بیمناک وامیدوار نباشد مگر آن گاه که بیم و امید او را به عمل کشاند.

۵۳۵۰. عنه ﷺ: الخائفُ مَن لَم تَدَعْ لَهُ الرَّهْبَةُ لِساناً يَنْطِقُ بِهِ.[۷]

۵۳۵۰. امام صادق ﷺ: خائف [از خدا] کسی است که هراس، زبانی برایش نگذاشته که با آن سخن بگوید.

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۶۰.
۲. بحار الأنوار: ۶۹/۲۸۶/۲۱.
۳. بحار الأنوار: ۷۷/۲۳۷/۱.
۴. بحار الأنوار: ۷۵/۳۰۹/۳.
۵. بحار الأنوار: ۷۸/۱۶۴/۱.
۶. بحار الأنوار: ۷۰/۳۹۲/۶۱.
۷. بحار الأنوار: ۷۸/۲۴۴/۵۴.

۵۳۵۱ . عنه ﷺ: إنَّ حُبَّ الشَّرَفِ والذِّكْرِ لا يَكونانِ في قَلبِ الخائفِ الرّاهِبِ.[۱]

۵۳۵۲ . الإمامُ الكاظمُ ﷺ: إنّه لَم يَخَفِ اللهَ مَن لَم يَعْقِلْ عنِ اللهِ، ومَن لَم يَعْقِلْ عنِ اللهِ لَم يَعْقِدْ قَلبُهُ علىٰ مَعرِفَةٍ ثابِتَةٍ يُبْصِرُها ويَجِدُ حقيقَتَها في قَلبِهِ، ولا يَكونُ أحَدٌ كذٰلكَ إلّا مَن كانَ قَولُهُ لِفِعْلِهِ مُصَدِّقاً، وسِرُّهُ لعَلانِيَتِهِ مُوافِقاً.[۲]

(انظر) الجاه: باب ۶۵۶.

۱۱۴۹
تَفسيرُ الخَوفِ

الكتاب:

﴿وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ﴾.[۳]

﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ﴾.[۴]

الحديث:

۵۳۵۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: لا تَخافوا ظُلْمَ رَبِّكُم، ولٰكِنْ خافوا ظُلْمَ أنْفُسِكُم.[۵]

۱. الكافي: ۷/۶۹/۲.
۲. تحف العقول: ۳۸۸.
۳. إبراهيم: ۱۴.
۴. الرحمٰن: ۴۶.
۵. غرر الحكم: ۱۰۲۳۴.

۵۳۵۱ . **امام صادق ﷺ**: جاه خواهی و شهرت طلبی در قلبِ انسانِ ترسانِ هراسان [از خداوند و عذاب او] وجود ندارد.

۵۳۵۲ . **امام کاظم ﷺ**: از خدا نترسد آن که دربارهٔ او نیندیشد؛ و کسی که دارای بصیرت الهی[۱] نباشد، دلش با شناخت استواری که آن را ببیند و حقیقتش را در دل خویش بیابد پیوند نخورد. وهیچ کس چنین نباشد مگر آن که گفتارش کردارش را تأیید کند و باطنش با ظاهرش سازگار باشد.

۱۱۴۹
تفسیر ترس

قرآن:

«و حتماً شما را پس از ایشان در آن سرزمین جای خواهیم داد. این از آنِ کسی است که از عظمت من و از وعدهٔ عذاب من بترسد».

«و برای آن کس که از عظمت پروردگارش بترسد دو بهشت است».

حدیث:

۵۳۵۳ . **امام علی ﷺ**: از ستم پروردگارتان نترسید [زیرا او به کسی ستم نمی‌کند] بلکه از ستم خود بر خویش بترسید.

۱. برای توضیح این روایت رجوع شود به دانش نامهٔ عقاید اسلامی: ۱ / ۴۲۶ پاورقی ۱.

۵۳۵۴. عنه ﷺ: لا تَخَفْ إلّا ذَنْبَكَ، لا تَرْجُ إلّا رَبَّكَ.[۱]

۵۳۵۴. **امام علی** ﷺ: جز از گناه خود مترس و جز به پروردگار خویش امید مبند.

۵۳۵۵. عنه ﷺ: لا يَرْجُوَنَّ أحَدٌ مِنكُم إلّا رَبَّهُ، ولا يَخافَنَّ إلّا ذَنْبَهُ.[۲]

۵۳۵۵. **امام علی** ﷺ: هیچ یک از شما نباید جز به‌پروردگار خویش امید بندد و جز از گناه خویش بترسد.

۵۳۵۶. عنه ﷺ: حَسْبُ المَرءِ مِن كَمالِ المُرُوَّةِ تَرْكُهُ ما لا يَجْمُلُ بِهِ ... ومِن صلاحِهِ شِدَّةُ خَوفِهِ مِن ذُنوبِهِ.[۳]

۵۳۵۶. **امام علی** ﷺ: در کمال جوانمردی آدمی همین بس، که آنچه را زیبندهٔ او نیست فرو گذارد ... و در کمال پاکی و درستی او همین بس، که از گناهان خویش بسیار هراسان باشد.

۵۳۵۷. عنه ﷺ: إذا خِفْتَ الخالِقَ فَرَرْتَ إلَيهِ، إذا خِفْتَ المَخْلوقَ فَرَرْتَ مِنهُ.[۴]

۵۳۵۷. **امام علی** ﷺ: هر گاه از آفریدگار بترسی به سوی او گریزی و هرگاه از مخلوق بترسی از وی بگریزی.

۵۳۵۸. **التفسير المنسوب إلى الإمام العسكريّ** ﷺ

عن محمّد بن زياد و محمّد بن سيّار: نَظَرَ أمير المؤمنين عليّ ﷺ إلىٰ رَجُلٍ فرأى أثَرَ الخَوفُ علَيهِ، فقال: ما بالُكَ؟ قالَ: إنّي أخافُ اللهَ، قالَ: يا عبدَ اللهِ، خَفْ ذُنوبَكَ، وخَفْ عَدلَ اللهِ علَيكَ في مَظالِمِ عِبادِهِ، وأطِعْهُ فيما كَلَّفَكَ، ولا تَعْصِهِ فيما يُصْلِحُكَ، ثُمّ لا تَخَفِ اللهَ بعدَ ذلكَ، فإنَّهُ لا يَظْلِمُ أحَداً، ولا يُعذِّبُهُ فَوقَ اسْتِحْقاقِهِ أبَداً، إلّا أنْ تَخافَ سُوءَ العاقِبَةِ بأنْ تُغَيِّرَ أو تُبَدِّلَ. فإنْ أرَدْتَ أنْ يُؤمِنَكَ اللهُ سُوءَ العاقِبَةِ فاعْلَمْ أنَّ ما تَأتيهِ مِن خَيرٍ فبفَضْلِ اللهِ وتَوْفيقِهِ، وماتَأتيهِ مِن شَرٍّ فبإمْهالِ اللهِ

۵۳۵۸. **تفسیر منسوب به امام عسکری** ﷺ، از محمّد بن زیاد و محمّد بن سیّار، امام علی ﷺ هنگامی که مردی را دید که آثار ترس در او هویدا بود فرمود: تو را چه شده است؟ عرض کرد: از خدا می‌ترسم. حضرت فرمود: ای بندهٔ خدا! از گناهان خویش بترس، و از این که بر بندگان او ستم کنی وخداوند به عدل خود با تو رفتار کند هراسان باش، تکالیف او را انجام ده و از فرمانهای او، که تو را اصلاح می‌کند، سرپیچی مکن. چون این کارها را کردی، دیگر از خداوند ترسی به دل راه مده، که او به هیچ کس ستم نمی‌کند و هرگز کسی را بیش از آنچه سزاوار باشد، عذاب نمی‌دهد، مگر آن که از بدعاقبتی و این که اعمال ورفتارت تغییر یابد، ترسان باشی. اگر خواهی که خداوند تو را از بد فرجامی در امان دارد، این را بدان که هر کار خوبی که می‌کنی، از فضل و توفیق خداست و هر کار بدی که می‌کنی، از امهال و فرصت دهی خداوند به تو و بردباری او نسبت به

---

۱. غرر الحكم: ۱۰۱۶۱ ـ ۱۰۱۶۲.
۲. نهج البلاغة: الحكمة ۸۲. ۳. بحار الأنوار: ۷۸/۸۰/۶۶.
۴. غرر الحكم: ۴۰۲۷ ـ ۴۰۲۸.

وإنظارِهِ إيّاكَ، وحِلْمِهِ عَنكَ.[١]

١١٥٠
ثَمَراتُ الخَوفِ

الكتاب:

﴿إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الآخِرَةِ ذٰلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذٰلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ﴾.[٢]

﴿وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ﴾.[٣]

﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ﴾.[٤]

﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾.[٥]

الحديث:

٥٣٥٩. رسولُ اللهِ ﷺ: لَو خِفْتُمُ اللهَ حقَّ خِيفَتِهِ لَعَلِمْتُمُ العِلمَ الَّذي لا جَهلَ مَعهُ، ولَو عَرَفْتُمُ اللهَ حقَّ مَعرِفَتِهِ لَزالتْ بِدُعائكُمُ الجِبالُ.[٦]

٥٣٦٠. عنه ﷺ: مَن خافَ أدْلَجَ، ومَن أدْلَجَ بَلَغَ المَنزِلَ. ألَا إنَّ سِلْعَةَ اللهِ غالِيَةٌ، ألَا إنَّ سِلْعَةَ اللهِ الجَنَّةُ.[٧]

---

١. التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ٢٦٥ / ١٣٣، بحار الأنوار: ٧٠/٣٩٢/٦٠.

٢. هود: ١٠٣.
٣. إبراهيم: ١٤.
٤. الرحمن: ٤٦.
٥. النازعات: ٤٠ و ٤١.
٦. كنز العمّال: ٥٨٨١.
٧. كنز العمّال: ٥٨٨٥.

تو می‌باشد.

١١٥٠
ثمرات ترس

قرآن:

«در اینها برای کسانی که از عذاب آخرت بیمناکند عبرتی است، درآن روز که مردم گرد آورده شوند و آن روز که مردم را در آن حاضر آورند».

«و شما را پس از ایشان در آن سرزمین جای خواهیم داد. این از آنِ کسی است که از عظمت من و از وعدهٔ عذاب من بترسد».

«و برای آن که از مقام پروردگار خویش بترسد، دو بهشت است».

«و اما آن که از مقام پروردگار خویش ترسید و نفس را از هوی باز داشت، همانا بهشت جایگاه اوست».

حدیث:

٥٣٥٩. **پیامبر خدا** ﷺ: اگر از خدا چنان که باید و شاید بترسید هر آینه دانشی به دست آورید که از هرگونه جهل و نادانی به دور است، واگر خدای را چنان که باید و شاید بشناسید، هر آینه با دعای شما کوهها از جای کنده شود.

٥٣٦٠. **پیامبر خدا** ﷺ: آن که [از خطر راه و راهزنان] بترسد شبانه حرکت کند و کسی که شب رو باشد، به منزل رسد. بدانید که کالای خدا گرانبهاست، بدانید که کالای خدا بهشت است.

۵۴۶۱ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن خافَ أدْلَجَ.[۱]

۵۴۶۲ . عنه ﷺ: الخَوفُ سِجْنُ النَّفْسِ عَنِ الذُّنوبِ، ورادِعُها عنِ المَعاصي.[۲]

۵۴۶۳ . عنه ﷺ: نِعْمَ الحاجِزُ عنِ المَعاصي الخَوفُ.[۳]

۵۴۶۴ . عنه ﷺ: خَفِ اللهَ خَوفَ مَن شَغَلَ بالفِكْرِ قَلْبَهُ، فإنّ الخَوفَ مَظِنَّةُ الأمْنِ وسِجْنُ النَّفْسِ عنِ المَعاصي.[۴]

۵۴۶۵ . عنه ﷺ: مَن كَثُرَتْ مَخافَتُهُ قَلَّتْ آفَتُهُ.[۵]

۵۴۶۶ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ في قولِهِ تعالىٰ: ﴿وَلِمَنْ خافَ مَقامَ رَبِّهِ جَنَّتانِ﴾ ـ: مَن عَلِمَ أنّ اللهَ يَراهُ ويَسْمعُ ما يَقولُ ويَعلَمُ ما يَعمَلُهُ مِن خَيرٍ أو شَرٍّ، فيَحْجِزُهُ ذلكَ عنِ القَبيحِ مِن الأعْمالِ فذٰلكَ الّذي خافَ مَقامَ رَبِّهِ، ونَهىٰ النَّفسَ عنِ الهَوىٰ.[۶]

(۱۱۵۱)
مَن خافَ اللهَ خافَ مِنهُ كُلُّ شَيءٍ

۵۴۶۷ . رسولُ اللهِ ﷺ: مَن خافَ اللهَ عزّوجلّ خافَ مِنهُ كُلُّ شَيءٍ، ومَن لَم يَخَفِ اللهَ أخافَهُ اللهُ

۵۴۶۱ . امام علی ﷺ: آن که بترسد، شبانه راه پیماید

۵۴۶۲ . امام علی ﷺ: ترس، بازداشتگاه نفس از گناهان و جلوگیرندهٔ آن از نافرمانیهاست.

۵۴۶۳ . امام علی ﷺ: ترس، بازدارندهٔ خوبی است از گناهان.

۵۴۶۴ . امام علی ﷺ: از خداوند چونان کسی بترس که دل خویش را با اندیشه [دربارهٔ خدا] مشغول داشته است؛ زیرا ترس، جایگاه امن و بازداشتگاه نفس از گناهان است.

۵۴۶۵ . امام علی ﷺ: آن که ترسش [از خدا] زیاد باشد کمتر آسیب بیند.

۵۴۶۶ . امام صادق ﷺ ـ دربارهٔ آیهٔ «وبرای آن که از مقام پروردگار خویش بترسد دو بهشت است» ـ فرمود: کسی که بداند خداوند او را می‌بیند و گفته‌هایش را می‌شنود و هر کار خوب و بدی بکند، خدا از آن آگاه است، و بدین سبب از زشتکاری باز ایستد، او همان کسی است که از مقام پروردگار خویش ترسیده و نفس را از هوی و هوس باز داشته است.

(۱۱۵۱)
هرکه از خدا بترسد، همه چیز از او بترسد

۵۴۶۷ . پیامبر خدا ﷺ: هرکه ازخداوند عزّوجلّ بترسد، همهٔ اشیاء از او بترسند و هرکه از

---

۱ . غرر الحكم: ۷۷۲۶.
۲ . غرر الحكم: ۱۹۸۷.
۳ . غرر الحكم: ۹۹۱۳.
۴ . غرر الحكم: ۵۰۵۸.
۵ . غرر الحكم: ۸۰۳۶.
۶ . الكافي: ۲/۷۰/۱۰.

مِن كلِّ شَيءٍ.[۱]

۵۳۶۸. عنه ﷺ: مَنِ اتَّقىٰ اللهَ أهابَ اللهُ مِنهُ كُلَّ شَيءٍ، ومَن لَم يَتَّقِ اللهَ أهابَهُ اللهُ مِن كُلِّ شَيءٍ.[۲]

۵۳۶۸. **پیامبر خدا** ﷺ: هر که از خدا بترسد، خداوند همه چیز را از او هراسان کند و هرکه از خدا نترسد، خداوند او را از همه چیز هراسان سازد.

۵۳۶۹. الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن خافَ اللهَ آمَنَهُ اللهُ سُبحانَهُ مِن كُلِّ شَيءٍ، مَن خافَ النّاسَ أخافَهُ اللهُ سُبحانَهُ مِن كُلِّ شَيءٍ.[۳]

۵۳۶۹. **امام علی** ﷺ: هرکه از خدا ترسد، خداوند او را از هر چیز در امان دارد و هرکه از مردم ترسد، خداوند سبحان او را از همه چیز هراسان کند.

۵۳۷۰. الإمامُ الحسنُ ﷺ: مَن عَبدَ اللهَ عَبَّدَ اللهُ لَهُ كُلَّ شَيءٍ.[۴]

۵۳۷۰. **امام حسن** ﷺ: هر که خدا را بندگی کند خداوند همهٔ اشیاء را بندهٔ او گرداند.

۵۳۷۱. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مَن خافَ اللهَ أخافَ اللهُ مِنهُ كُلَّ شَيءٍ، ومَن لَم يَخَفِ اللهَ أخافَهُ اللهُ مِن كُلِّ شَيءٍ.[۵]

۵۳۷۱. **امام صادق** ﷺ: هرکه از خدا بترسد خداوند همه چیز را از او بترساند و هرکه از خدا نترسد خداوند او را از همه چیز ترسان کند.

۵۳۷۲. الأمالي للطوسي عن صفوان الجمّال: قالَ الصادق ﷺ لِلمُعَلّىٰ بنِ خُنَيسٍ: يا مُعلّىٰ، اعْزِزْ باللهِ يُعْزِزْكَ. قالَ: بماذا يابنَ رسولِ اللهِ؟ قالَ: يا مُعلّىٰ، خَفِ اللهَ تعالى يَخَفْ مِنكَ كُلُّ شَيءٍ.[۶]

۵۳۷۲. **الأمالی للطوسی** ـ به نقل از صفوان الجمّال ـ: امام صادق ﷺ به معلّی بن خنیس فرمود ـ: ای معلّی! از خداوند، عزّت و قدرت بخواه تا تو را قدرتمند و توانا کند. عرض کرد: چگونه، یابن رسول الله؟ فرمود: ای معلّی! از خدا بترس، تا همه چیز از تو بترسد.

۵۳۷۳. الإمامُ الهاديُّ ﷺ: مَنِ اتَّقىٰ اللهَ يُتَّقىٰ.[۷]

۵۳۷۳. **امام هادی** ﷺ: هر که از خدا پروا کند، همگان از او پروا کنند.

(انظر) الإيمان: باب ۲۸۹.

---

۱. بحار الأنوار: ۳/۵۰/۷۷. ۲. كنز العمّال: ۵۸۸۳.
۳. غرر الحكم: ۹۰۱۴ ـ ۹۰۱۵.
۴. تنبيه الخواطر: ۱۰۸/۲. ۵. الكافي: ۳/۶۸/۲.
۶. الأمالي للطوسي: ۶۰۸/۳۰۴ بحار الأنوار: ۳۶/۳۸۲/۷۰.
۷. بحار الأنوار: ۲/۳۶۶/۷۸.

۵۲۸ ـــــــ

۵۳۷۵ . عنه ﷺ: قالَ اللهُ تبارَكَ وتعالىٰ: وعِزَّتي وجَلالي، لا أجْمَعُ علىٰ عَبْدي خَوفَينِ، ولا أجْمَعُ لَه أمْنَينِ، فإذا أمِنَني في الدُّنيا أخَفْتُهُ يَومَ القِيامَةِ، وإذا خافَني في الدُّنيا أمِنْتُهُ يَومَ القِيامَةِ.[۱]

۵۳۷۵ . **پیامبر خدا** ﷺ: خدای تبارک وتعالی فرمود: به عزّت و جلالم سوگند که برای بنده‌ام دو ترس و دو امنیت فراهم نمی‌آورم: اگر در دنیا خود را از من ایمن بداند در روز رستاخیز او را هراسان کنم و اگر در دنیا از من بترسد در روز قیامت او را ایمن گردانم.

۵۳۷۶ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الخَوفُ أمانٌ.[۲]

۵۳۷۶ . **امام علی** ﷺ: ترس، [مایهٔ] امنیت است.

۵۳۷۷ . عنه ﷺ: مَن خافَ أمِنَ.[۳]

۵۳۷۷ . **امام علی** ﷺ: آن که ترسید، در امان ماند.

۵۳۷۸ . عنه ﷺ: ثَمرَةُ الخَوفِ الأمنُ.[۴]

۵۳۷۸ . **امام علی** ﷺ: میوهٔ ترس، امنیت است.

۵۳۷۹ . عنه ﷺ: خَفْ تأمَنْ، ولا تَأمَنْ فتَخَفْ.[۵]

۵۳۷۹ . **امام علی** ﷺ: بترس، تا ایمن بمانی، وخود را در امان مدان، که گرفتار ترس می‌شوی.

۵۳۸۰ . عنه ﷺ: خَفْ رَبَّكَ وارْجُ رَحمتَهُ؛ يُؤْمِنْكَ مِمّا تَخافُ ويُنِلْكَ ما رَجَوتَ.[۶]

۵۳۸۰ . **امام علی** ﷺ: از پروردگارت بترس و به رحمت او امیدوار باش، تا تو را از آنچه می‌ترسی، ایمن دارد و به آنچه امید داری، برساند.

۵۳۸۱ . عنه ﷺ: لا يَنْبَغي للعاقِلِ أنْ يُقيمَ علىٰ الخَوفِ إذا وَجدَ إلىٰ الأمْنِ سَبيلاً.[۷]

۵۳۸۱ . **امام علی** ﷺ: خردمند را نسزد که چون راه رسیدن به امنیت را بیابد، باز هم ترس پیشه کند.

۵۳۸۲ . الإمامُ الحسينُ ﷺ ـ وقد قيلَ لَهُ: ما أعْظَمَ خَوفَكَ مِن رَبِّكَ! ـ: لا يَأمَنُ يَومَ القِيامَةِ إلّا مَن خافَ اللهَ في الدُّنيا.[۸]

۵۳۸۲ . **امام حسین** ﷺ ـ در پاسخ به این گفته که: چقدر از پروردگارت ترسانی؟! ـ فرمود: در روز رستاخیز ایمن نیست مگر آن کس که در دنیا از خداوند ترسان باشد.

۵۳۸۳ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: مِسْكينٌ ابنُ آدَمَ! لَو خافَ مِن النّارِ كما يَخافُ مِن الفَقْرِ لَأمِنَهُما

۵۳۸۳ . **امام صادق** ﷺ: بیچاره آدمیزاد! اگر همچنان که از ناداری می‌ترسد، از دوزخ

---

۱. بحار الأنوار: ۲۸/۳۷۹/۷۰.
۲. غرر الحكم: ۷۵. ۳. نهج البلاغة: الحكمة ۲۰۸.
۴. غرر الحكم: ۴۵۹۱. ۵. غرر الحكم: ۵۰۵۴.
۶. غرر الحكم: ۵۰۵۲. ۷. غرر الحكم: ۱۰۸۳۲.
۸. بحار الأنوار: ۵/۱۹۲/۴۴.

جَميعاً، ولو خافَ اللهَ في الباطِنِ كما يَخافُ خَلْقَهُ في الظّاهِرِ لَسَعِدَ في الدّارَينِ.[1]

۵۳۸۴. **الإمامُ الكاظمُ عليه السلام**: إنّ اللهَ ... لَم يُؤمِنِ الخائفينَ بقَدْرِ خَوفِهِم، ولٰكنْ آمَنَهُم بقَدْرِ كَرَمِهِ وجُودِهِ.[2]

۵۳۸۴. **امام کاظم علیه السلام**: خداوند ... ترسندگان را نه به اندازهٔ خوف و ترس آنان، بلکه به اندازهٔ کرم و بخشندگی خود [از عذاب] ایمن می‌گرداند.

۱۱۵۳
أنواعُ الخَوفِ

۱۱۵۳
انواع ترس

۵۳۸۵. **الخصال**: أنواعُ الخَوفِ خَمسةٌ: خَوفٌ، وخَشْيَةٌ، ووَجَلٌ، ورَهْبَةٌ، وهَيْبَةٌ. فالخَوفُ للعاصينَ، والخَشْيَةُ للعالِمينَ، والوَجَلُ للمُخْبِتينَ، والرَّهْبَةُ للعابِدينَ، والهَيْبَةُ للعارِفينَ. أمّا الخَوفُ فلأجْلِ الذُّنوبِ قالَ اللهُ عزّوجلّ: ﴿ولِمَنْ خافَ مَقامَ ربِّهِ جَنّتانِ﴾.[3] والخَشْيَةُ لأجْلِ رُؤيَةِ التَّقْصيرِ، قالَ اللهُ عزّوجلّ: ﴿إنّما يَخْشَى اللهَ مِن عِبادِهِ العُلَماءُ﴾.[4] وأمّا الوَجَلُ فلأجْلِ تَرْكِ الخِدْمَةِ، قالَ اللهُ عزّوجلّ: ﴿الّذينَ إذا ذُكِرَ اللهُ وَجِلَتْ قُلوبُهُم﴾.[5] والرَّهْبَةُ لرؤيَةِ

۵۳۸۵. **الخصال**: ترس پنج گونه است: خوف، خشیت، وَجَل، رَهْبت، وهیبت. خوف از آنِ گنهکاران است، خشیت ویژهٔ دانشمندان، وَجَل از آنِ فروتنان و خاشعان، رهبت از آنِ عابدان، و هیبت از آنِ عارفان. اما خوف، به خاطر گناهان است، خداوند متعال فرموده است: «و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد دو بهشت است» و خشیت، به سبب مشاهدهٔ تقصیر است، خداوند عزّوجلّ فرموده است: «از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از او می‌ترسند» و وَجَل، به سبب ترک خدمت است، خداوند عزّوجلّ فرموده است: «آنان که چون یاد خدا شود،

---

۱. تنبيه الخواطر: ۱۱۲/۲. ۲. بحار الأنوار: ۱/۳۱۴/۷۸.
۳. الرحمن: ۴۶. ۴. فاطر: ۲۸.
۵. الأنفال: ۲.

التَّقْصيرِ، قالَ اللهُ عزّوجلّ: ﴿ويَدْعُونَنا رَغَباً ورَهَباً﴾.[1] والهَيْبَةُ لأجْلِ شَهادَةِ الحقِّ عِندَ كَشْفِ الأسْرارِ؛ أسْرارِ العارِفينَ، قالَ اللهُ عزّوجلّ: ﴿ويُحَذِّرُكُمُ اللهُ نَفْسَهُ﴾[2] يُشيرُ إلىٰ هٰذا المَعنىٰ.[3]

دلهایشان ترسان گردد»، و رهبت، به خاطر مشاهدهٔ تقصیر است، خداوند عزّوجلّ فرموده است: «از روی امید و بیم ما را می‌خوانند» و هیبت، به سبب مشاهدهٔ حقّ در هنگام کشف اسرار، [یعنی] اسرار عارفان می‌باشد، خداوند عزّوجلّ فرموده است: «خداوند شما را از خویش بر حذر می‌دارد» که اشاره به همین معنا دارد.

۱۱۵۴
التَّحذيرُ مِن مَخافَةِ غَيرِ اللهِ

الكتاب:

﴿إِنَّما ذٰلِكُمُ الشَّيْطانُ يُخَوِّفُ أَوْلِياءَهُ فَلا تَخافُوهُمْ وَخافُونِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾.[4]

﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسالاتِ اللهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلا يَخْشَوْنَ أَحَداً إِلَّا اللهَ وَكَفىٰ بِاللهِ حَسِيباً﴾.[5]

(انظر) المائدة: ۴۴.

الحديث:

۵۳۸۶. رسولُ اللهِ ﷺ: ما سلّطَ اللهُ علىٰ ابنِ آدَمَ إلّا مَن خافَهُ ابنُ آدَمَ، ولَو أنّ ابنَ آدَمَ لَم يَخَفْ إلّا اللهَ ما سَلّطَ اللهُ علَيهِ غَيرَهُ ولا وُكِلَ ابنُ آدَمَ إلّا إلىٰ مَن رَجاهُ، ولَو أنّ ابنَ آدَمَ لَم يَرْجُ إلّا اللهَ ما وُكِلَ إلىٰ غَيرِهِ.[6]

۱۱۵۴
بر حذر داشتن از ترسیدن از غیر خدا

قرآن:

«آن شیطان است که در دل دوستان خود بیم می‌افکند. اگر ایمان آورده‌اید از آنها مترسید، از من بترسید».

«کسانی که پیامهای خدا را می‌رسانند و از او می‌ترسند و از هیچ کس جز او نمی‌ترسند، خدا برای حسابرسی اعمالشان کافی است».

حدیث:

۵۳۸۶. **پیامبر خدا** ﷺ: خداوند بر آدمی مسلّط نکرد مگر کسی را که آدمی از او می‌ترسد. اگر آدمی از کسی جز خدا نمی‌ترسید خداوند جز خود کسی را بر او مسلط نمی‌کرد. و آدمی واگذار نشد مگر به کسی که به او امید بست. اگر آدمی جز به خدا امید نمی‌بست به غیر خدا واگذار نمی‌شد.

---

۱. الأنبياء: ۹۰.
۲. آل عمران: ۲۸.
۳. الخصال: ۲۸۱.
۴. آل عمران: ۱۷۵.
۵. الأحزاب: ۳۹.
۶. كنز العمّال: ۵۹۰۹.

۵۴۸۷. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ في حقِّ مَن ذَمَّهُ ـ: جَعلَ خَوفَهُ مِن العِبادِ نَقْداً، وخَوفَهُ مِن خالِقِه ضِماراً ووَعْداً.[۱]

۵۴۸۷. امام علی ﷺ ـ دربارهٔ کسی که او را نکوهش می‌کرد ـ فرمود: ترس از بندگان را نقد می‌شمارد و ترس از آفریدگارش را نسیه و وعده.

۵۴۸۸. عنه ﷺ: لَم يُوجِسْ موسىٰ ﷺ خِيفَةً علىٰ نَفْسِهِ، بَلْ أشْفَقَ مِن غَلَبَةِ الجُهّالِ ودُوَلِ الضُّلالِ.[۲]

۵۴۸۸. امام علی ﷺ: موسی ﷺ هرگز برخود نترسید، بلکه از چیره گشتن نادانان و پیروز شدن گمراهان ترسید.

۵۴۸۹. عنه ﷺ: شَرُّ النّاسِ مَن يَخْشىٰ النّاسَ في رَبِّهِ، ولا يَخْشىٰ رَبَّهُ في النّاسِ.[۳]

۵۴۸۹. امام علی ﷺ: بدترین انسان کسی است که در کار پروردگارش، از مردم بترسد ولی نسبت به مردم، از پروردگار خویش نترسد.

۵۴۹۰. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنَّ المؤمنَ وَليُّ اللهِ، يُعينُهُ ويَصْنَعُ لَهُ، ولا يَقولُ عَلَيهِ إلّا الحقَّ، ولا يَخافُ غَيرَهُ.[۴]

۵۴۹۰. امام صادق ﷺ: همانا مؤمن دوست خداست، یاریش می‌رساند وبرای او کار می‌کند، و دربارهٔ او جز حقّ نمی‌گوید، و از غیر او نمی‌ترسد.

(انظر) التوكّل: باب ۴۱۲۰.

۱۱۵۵
ما لا يَنبَغي مِنَ الخَوفِ

۱۱۵۵
آن جا که نباید ترسید

الكتاب:

﴿يُجاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَلا يَخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ﴾.[۵]

﴿إنَّما ذٰلِكُمُ الشَّيْطانُ يُخَوِّفُ أوْلِياءَهُ فَلا تَخافُوهُمْ وَخافُونِ إنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾.[۶]

قرآن:

«در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ سرزنشگری نمی‌هراسند».

«آن شیطان است که در دل دوستان خود بیم می‌افکند. اگر ایمان آورده‌اید از آنها مترسید. از من بترسید».

---

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۶۰.
۲. نهج البلاغة: الخطبة ۴. ۳. غرر الحكم: ۵۷۴۰.
۴. الكافي: ۵/۱۷۱/۲. ۵. المائدة: ۵۴.
۶. آل عمران: ۱۷۵.

الحديث:

٥٣٩١. رسولُ اللهِ ﷺ: طُوبىٰ لِمَن شَغَلَهُ خَوفُ اللهِ عَن خَوفِ النّاسِ.[1]

٥٣٩٢. عنه ﷺ: لا تَخَفْ في اللهِ لَوْمَةَ لائمٍ.[2]

٥٣٩٣. الخصال عن أبي ذرٍّ: أوْصاني رسولُ اللهِ ﷺ أنْ لا أخافَ في اللهِ لَوْمَةَ لائمٍ.[3]

٥٣٩٤. الإمامُ عليٌّ ؈: لا تَخافوا في اللهِ لَوْمَةَ لائمٍ، يَكْفِكُم مَن أرادَكُم وبَغىٰ علَيكُم.[4]

(انظر) بحار الأنوار: ٧١ / ٣٦٠ باب ٨٩.

١١٥٦
التَّحذيرُ مِن أمنِ مَكرِ اللهِ

الكتاب:

﴿أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ﴾.[5]

﴿وَمَكَرُوا مَكْراً وَمَكَرْنَا مَكْراً وَهُمْ لا يَشْعُرُونَ﴾.[6]

الحديث:

٥٣٩٥. الإمامُ عليٌّ ؈: مَن أمِنَ مَكْرَ اللهِ بَطَلَ أمانُهُ.[7]

---

١. بحار الأنوار: ٧٧/١٢٦/٣٢.
٢. الخصال: ٥٢٦/١٣.
٣. الخصال: ٣٤٥/١٢.
٤. بحار الأنوار: ٧٨/١٠٠/٢.
٥. الأعراف: ٩٩.
٦. النمل: ٥٠.
٧. غرر الحكم: ٧٧٦٤.

حدیث:

۵۳۹۱. **پیامبر خدا ﷺ**: خوشا آن که ترس از خدا او را از ترس از مردم باز داشته باشد.

۵۳۹۲. **پیامبر خدا ﷺ**: در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای پروا به دل راه مده.

۵۳۹۳. **الخصال** ـ به نقل از ابو ذرّ ـ : پیامبر خدا ﷺ به من سفارش فرمود که در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنشگری نهراسم.

۵۳۹۴. **امام علی ؈**: در راه خدا از سرزنش هیچ نکوهشگری مترسید، که او شما را در برابر هر کس که بخواهد به شما گزندی برساند و ستمی روا دارد، محافظت می‌کند.

۱۱۵۶
از مکر خدا نباید ایمن بود

قرآن:

«آیا پنداشتند که از مکر (کیفر) خدا در امانند؟ از مکر خدا جز زیانکاران ایمن ننشینند».

«و غافل بودند که اگر آنها حیله‌ای اندیشیده‌اند، ما نیز حیله‌ای اندیشیده‌ایم».

حدیث:

۵۳۹۵. **امام علی ؈**: هر که از مکر خدا ایمن نشیند، ایمن نمانَد.

۵۳۹۶ . الإمامُ الحسينُ ﷺ: إيّاكَ أنْ تكونَ مِمَّن يَخافُ علىٰ العِبادِ مِن ذُنوبِهِم ويَأْمَنُ العُقوبَةَ مِن ذَنبِهِ، فإنَّ اللهَ تبارَكَ وتعالىٰ لا يُخْدَعُ عَن جَنَّتِهِ، ولا يُنالُ ما عِندَهُ إلّا بطاعَتِهِ، إنْ شاءَ اللهُ.[1]

(انظر) الذنب: باب ۱۳۷۹.

المكر: باب ۳۶۴۲.

۵۳۹۶ . **امام حسین** ﷺ: از آنان مباش که بر بندگان از گناهانشان می‌ترسند، اما خویشتن را از کیفر گناهان خویش ایمن می‌شمارند؛ زیرا خداوند تبارک وتعالی در [اعطای] بهشت خود، فریب نمی‌خورد وجز با طاعتِ خداوند به آنچه [از ثواب و بهشت] نزد اوست نتوان رسید. اگر خدا خواهد.

۱۱۵۷
التَّحذيرُ مِنَ التَّجَرّي

۱۱۵۷
برحذر داشتن از گستاخی

۵۳۹۷ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: مَن أصَرَّ علىٰ ذَنبِهِ اجْتَرىٰ علىٰ سَخَطِ ربِّهِ.[2]

۵۳۹۷ . **امام علی** ﷺ: کسی که بر گناهان خویش اصرار ورزد، در برابر خشم پروردگارش گستاخ و بی پروا شده است.

۵۳۹۸ . عنه ﷺ: تعالىٰ اللهُ مِن قَوِيٍّ ما أحْلَمَهُ! وتَواضَعْتَ مِن ضَعيفٍ ما أجْرَأكَ علىٰ مَعاصيهِ![3]

۵۳۹۸ . **امام علی** ﷺ: وه که چه بردبار است آن خدای نیرومند! وتو موجود ناتوان چه گستاخی بر نافرمانی او!

۵۳۹۹ . عنه ﷺ: إنَّ اللهَ سُبحانَهُ لَيُبْغِضُ الوَقِحَ المُتَجَرِّئَ علىٰ المَعاصي.[4]

۵۳۹۹ . **امام علی** ﷺ: همانا خداوند سبحان، انسان وقیحِ گستاخ بر گناهان را دشمن دارد.

۵۵۰۰ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إنَّ قَوماً أذْنَبوا ذُنوباً كثيرةً فأشْفَقوا مِنها وخافُوا خَوفاً شَديداً، وجاءَ آخَرونَ فقالوا: ذُنوبُكُم علَيْنا، فأنْزَلَ اللهُ عزّوجلّ علَيهِمُ العَذابَ، ثُمّ قالَ تبارَكَ وتعالىٰ: خافوني واجْتَرَأتُم ؟![5]

۵۵۰۰ . **امام صادق** ﷺ: مردمی گناهان بسیار کردند و بر اثر آن هراسان شدند و [از عذاب خدا] سخت بیمناک گشتند. عدّه‌ای آمدند و گفتند: گناهان شما به گردن ما. پس خداوند عزّوجلّ بر آنان عذاب فرستاد و آن گاه خداوند متعال فرمود: آنان از من ترسیدند، و شما گستاخی کردید؟!

---

۱ . بحار الأنوار: ۳/۱۲۱/۷۸.
۲ . غرر الحكم: ۸۷۶۴.
۳ . غرر الحكم: ۴۵۳۷.
۴ . غرر الحكم: ۳۴۳۷.
۵ . بحار الأنوار: ۴۹/۳۸۶/۷۰.

۱۱۵۸
ما يَنبَغي عِندَ الخَوفِ مِمّا يُهابُ

۵۵۰۱. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: إذا خِفْتَ صُعوبَةَ أمْرٍ فاصْعُبْ لَهُ يَذِلَّ لكَ، وخادِعِ الزَّمانَ عَن أحْداثِهِ تَهُنْ علَيكَ.[1]

۵۵۰۲. **عنه** ﷺ: إذا هِبْتَ أمْراً فَقَعْ فيهِ، فإنّ شِدَّةَ تَوقّيهِ أعْظَمُ مِمّا تَخافُ مِنهُ.[2]

۱۱۵۹
النَّوادِرُ

۵۵۰۳. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: مَن لَم يُخِفْ أحَداً لَم يَخَفْ أبداً.[3]

۵۵۰۴. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: إذا دَخَلتَ مَدْخَلاً تَخافُهُ فاقْرَأ هٰذِهِ الآيَةَ: ﴿رَبِّ أدْخِلْني مُدْخَلَ صِدْقٍ وأخْرِجْني مُخْرَجَ صِدْقٍ واجْعَلْ لي مِن لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصيراً﴾[4]، فإذا عايَنْتَ الَّذي تَخافُهُ فاقْرَأ آيَةَ الكُرْسِيِّ.[5]

۵۵۰۵. **الإمامُ الرِّضا** ﷺ: مَن لَم يَخَفِ اللهَ في القَليلِ لَم يَخَفْهُ في الكَثيرِ.[6]

(انظر) بحار الأنوار: ۶۹ / ۲۸۷ و ۲۸۸ وج ۷۰ / ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۲ و ۳۸۷ و ۳۸۸، حكايات الخائفين.

۱. غرر الحكم: ۴۱۰۸. ۲. نهج البلاغة: الحكمة ۱۷۵.
۳. غرر الحكم: ۸۹۵۵. ۴. الإسراء: ۸۰.
۵. بحار الأنوار: ۷۶/۲۴۷/۳۷.
۶. بحار الأنوار: ۷۱/۱۷۴/۱۰.

۱۱۵۸
رفتار مناسب در هنگام ترس از چیزی

۵۵۰۱. **امام علی** ﷺ: هرگاه از سختی کاری ترسیدی در برابر آن سرسختی نشان ده، رامت می‌شود، و در برابر حوادث روزگار چاره‌اندیشی کن، بر تو آسان می‌شوند.

۵۵۰۲. **امام علی** ﷺ: هرگاه از کاری ترسیدی خود را به کام آن بینداز؛ زیرا ترس از آن کار زیانبارتر از اقدام به آن کار است.

۱۱۵۹
گوناگون

۵۵۰۳. **امام علی** ﷺ: هرکه کسی را نترساند هرگز نترسد.

۵۵۰۴. **امام صادق** ﷺ: هرگاه وارد جایی شدی که می‌ترسی، این آیه را بخوان: «ربّ ادخلنی مدخل صدق واخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنك سلطاناً نصیراً (پروردگارا! مرا به ورودگاه راستین وارد و از خروجگاه راستین خارج کن و از جانب خویش، قدرتی یاریگر برایم قرار بده)» و هرگاه کسی را که از او می‌ترسی دیدی آیة الکرسی بخوان.

۵۵۰۵. **امام رضا** ﷺ: کسی که در [گناهِ] اندک از خدا نترسد در [گناهِ] بسیار هم از او نمی‌ترسد.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



۱۵۷

الخِيانَة

خیانت

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ۷۵/ ۱۷۰ باب ۵۸ «الخيانة».

وسائل الشّيعة: ۱۳/ ۲۲۵ باب ۳ «تحريم الخيانة».

كنز العمّال: ۳/ ۴۶۸ «الخيانة».

انظر:

عنوان ۲۶ «الأمانة».

الخياطة: باب ۱۱۹۳، العلم: باب ۲۸۴۷.

الغلّ: باب ۳۰۶۰، الصديق: باب ۲۱۷۷.

١١٦٠
الخِيانَةُ

الكتاب:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَخُونُوا اللهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾.[١]

(انظر) الأنفال: ٥٨، الحجّ: ٣٨، النساء: ١٠٧، يوسف: ٥٢.

الحديث:

٥٥٠٦. رسولُ اللهِ ﷺ: أربَعٌ لا تَدخُلُ بَيتاً واحِدَةٌ مِنهُنَّ إلّا خَرِبَ ولَم يَعْمُرْ بِالبَرَكَةِ: الخِيانَةُ، والسَّرِقَةُ، وشُربُ الخَمرِ، والزِّنا.[٢]

٥٥٠٧. عنه ﷺ: لَيسَ مِنّا مَن خانَ بالأمانَةِ.[٣]

٥٥٠٨. عنه ﷺ: لَيسَ مِنّا مَن خانَ مُسلِماً في أهلِهِ ومالِهِ.[٤]

٥٥٠٩. عنه ﷺ: المَكْرُ والخَدِيعَةُ والخِيانَةُ في النّارِ.[٥]

٥٥١٠. الإمامُ عليٌّ ؈: الخِيانَةُ أخو الكَذِبِ.[٦]

---

١. الأنفال: ٢٧.
٢. الأمالي للصدوق: ٦٥٢/٤٨٢.
٣. بحار الأنوار: ١٤/١٧٢/٧٥.
٤. الاختصاص: ٢٤٨.
٥. الجعفريات: ١٧١.
٦. غرر الحكم: ٢٧٩.

١١٦٠
خیانت

قرآن:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! می‌دانید که نباید به خدا و پیامبرش خیانت کنید و در امانت خیانت ورزید».

حدیث:

٥٥٠٦. **پیامبر خدا ﷺ:** چهار چیز است که یکی از آنها به خانه‌ای درنیاید، مگر این که آن خانه ویران شود و روی برکت را نبیند: خیانت، دزدی، شرابخواری و زنا.

٥٥٠٧. **پیامبر خدا ﷺ:** از ما نیست کسی که در امانت خیانت کند.

٥٥٠٨. **پیامبر خدا ﷺ:** از ما نیست کسی که نسبت به زن و مال مسلمانی خیانت ورزد.

٥٥٠٩. **پیامبر خدا ﷺ:** حیله‌گری و فریب و خیانت در دوزخند.

٥٥١٠. **امام علی ؈:** خیانت، برادر دروغ است.

۵۵۱۱ . عنه ﷺ: الخِيانَةُ غَدْرٌ.[۱]

۵۵۱۲ . عنه ﷺ: الخِيانَةُ صِنْوُ الإفْكِ.[۲]

۵۵۱۳ . عنه ﷺ: الخِيانَةُ رأسُ النِّفاقِ.[۳]

۵۵۱۴ . عنه ﷺ: إيّاكَ والخِيانَةَ فإنَّها شَرُّ مَعصِيَةٍ، وإنّ الخائنَ لَمُعذَّبٌ بالنّارِ علىٰ خِيانَتِهِ.[۴]

۵۵۱۵ . عنه ﷺ: جانِبوا الخِيانَةَ؛ فإنَّها مُجانَبَةُ الإسلامِ.[۵]

۵۵۱۶ . عنه ﷺ: رأسُ النِّفاقِ الخِيانَةُ.[۶]

۵۵۱۷ . عنه ﷺ: رأسُ الكُفرِ الخِيانَةُ.[۷]

۵۵۱۸ . عنه ﷺ: مَنِ استَهانَ بالأمانَةِ وَقَعَ في الخِيانَةِ.[۸]

۵۵۱۹ . عنه ﷺ: الخِيانَةُ دَليلٌ علىٰ قِلَّةِ الوَرَعِ وعَدَمِ الدِّيانَةِ.[۹]

۵۵۲۰ . عنه ﷺ: شَرُّ النّاسِ مَن لا يَعتَقِدُ الأمانَةَ، ولا يَجتَنِبُ الخِيانَةَ.[۱۰]

۵۵۲۱ . **علل الشرائع** عن أبي ثُمامَةَ: دخَلْتُ علىٰ أبي جعفر ﷺ وقلتُ لَه: جُعِلتُ فِداكَ، إنّي

۵۵۱۱ . **امام علی** ﷺ: خیانت، عهد شکنی است.

۵۵۱۲ . **امام علی** ﷺ: خیانت، همزاد دروغ و بهتان است.

۵۵۱۳ . **امام علی** ﷺ: خیانت، در رأس نفاق است.

۵۵۱۴ . **امام علی** ﷺ: از خیانت کردن بپرهیز که آن بدترین گناه است و خائن به سبب خیانتکاری خود به آتش عذاب شود.

۵۵۱۵ . **امام علی** ﷺ: از خیانت دوری کنید که خیانت کردن، دور شدن از اسلام است.

۵۵۱۶ . **امام علی** ﷺ: اوج نفاق، خیانت است.

۵۵۱۷ . **امام علی** ﷺ: رأس کفر، خیانت است.

۵۵۱۸ . **امام علی** ﷺ: کسی که به امانت اهمیت ندهد، گرفتار خیانت شود.

۵۵۱۹ . **امام علی** ﷺ: خیانت‌کردن، نشانگر کمبود پارسایی و نبود دینداری است.

۵۵۲۰ . **امام علی** ﷺ: بدترین مردم کسی است که به امانتداری اعتقاد نداشته باشد و از خیانت پرهیز نکند.

۵۵۲۱ . **علل الشرائع** ـ به نقل از ابو ثمامه ـ: خدمت امام باقر ﷺ رسیدم و عرض کردم: فدایت شوم، من می‌خواهم مجاور مکّه شوم و به

---

۱. غرر الحکم: ۱۰۷.
۲. غرر الحکم: ۷۳۸.
۳. غرر الحکم: ۹۶۹.
۴. غرر الحکم: ۲۶۶۷.
۵. غرر الحکم: ۴۷۴۲.
۶. غرر الحکم: ۵۲۲۷.
۷. غرر الحکم: ۵۲۶۰.
۸. غرر الحکم: ۸۶۱۶.
۹. غرر الحکم: ۱۴۳۱.
۱۰. غرر الحکم: ۵۷۳۴.

رجُلٌ أُريدُ أنْ ألازِمَ مكّةَ وعلَيَّ دَينٌ للمُرجِئةِ، فمَا تقولُ ؟ قالَ: ارجِعْ إلىٰ مُؤدّىٰ دَينِكَ وانظُرْ أنْ تَلقىٰ اللهَ تَعالىٰ ولَيسَ علَيكَ دَينٌ، فإنّ المؤمنَ لا يَخونُ.[1]

مُرجئه[1] بدهکارم، چه می‌فرمایی ؟ فرمود: بدهی خود را بپرداز و مواظب باش که خدای تعالی را بدون آن که دَینی به گردنت باشد دیدار کنی ؛ زیرا مؤمن خیانت نمی‌کند.

۵۵۲۲. **الكافي** عن محمّد بن مرازم عن أبيه أو عمّه: شهدت أبا عبد الله ﷺ وهُوَ يُحاسِبُ وكيلاً لَهُ، والوكيلُ يُكثِرُ أنْ يقولَ: واللهِ ما خُنْتُ، واللهِ ما خُنْتُ، فقال له أبو عبد الله ﷺ: يا هٰذا، خِيانَتُكَ وتَضْييعُكَ علَيَّ مالِي سَواءٌ؛ لأنّ الخِيانَةَ شَرُّها علَيكَ.[2] ثُمَّ قالَ: قالَ رسولُ اللهِ ﷺ: لَو أنّ أحدَكُم هَرَبَ مِن رِزقِهِ لَتَبِعَهُ حتّىٰ يُدْرِكَهُ كما أنّهُ إنْ هَرَبَ مِن أجَلِهِ تَبِعَهُ حتّىٰ يُدْرِكَهُ، مَن خانَ خِيانَةً حُسِبَتْ علَيهِ مِن رِزقِهِ وكُتِبَ علَيهِ وِزْرُها.[3]

۵۵۲۲. **الکافی** ـ به نقل از محمّد بن مرازم از پدرش یا عمویش ـ: در حضور امام صادق ﷺ بودم در حالی که از وکیل خود حساب می‌کشید و او پیوسته می‌گفت: به خدا من خیانت نکرده‌ام، به خدا من خیانت نکرده‌ام امام صادق ﷺ به او فرمود: ای فلانی ! فرقی نمی‌کند که خیانت کرده باشی، یا مال مرا هدر داده باشی ؛ زیرا شرّ خیانت به خود تو باز می‌گردد. سپس فرمود: پیامبر خدا ﷺ فرمود: اگر از روزیِ خود بگریزید، رزق و روزی در پی شما می‌آید تا به شما برسد، همچنان که اگر از اجل خود بگریزید، به دنبالتان می‌آید تا به شما برسد. وکسی که خیانتی کند، به همان مقدار از روزیش کم می‌شود و گناه آن برایش نوشته می‌گردد.

۵۵۲۳. **عنه** ﷺ: يُجبَلُ المؤمنُ علىٰ كُلِّ طَبيعةٍ إلّا الخِيانَةَ والكَذِبَ.[4]

۵۵۲۳. **امام صادق** ﷺ: مؤمن بر هر خویی سرشته می‌شود مگر خیانت و دروغ.

۵۵۲۴. **عنه** ﷺ: بُنِيَ الإنسانُ علىٰ خِصالٍ، فمَهْمَا بُنِيَ علَيهِ فإنّهُ لا يُبْنىٰ علَى الخِيانَةِ والكَذِبِ.[5]

۵۵۲۴. **امام صادق** ﷺ: انسان بر خصلتهایی ساخته شده است، اما بر هر خصلتی ساخته شود، بر خیانت و دروغ ساخته نمی‌شود.

---

۱. علل الشرائع: ۷/۵۲۸.

۲. ونقل مثل ذلك عن الإمام الكاظم ﷺ ووكيله، انظر بحار الأنوار: ۶/۳۲۰/۷۸.

۳. الكافي: ۲/۳۰۴/۵.

۴. الاختصاص: ۲۳۱.

۵. كشف الغمّة: ۲/۳۷۵.

---

۱. مرجئه طائفه‌ای است که ایمان را قول بدون عمل می‌دانند و معتقدند که با ایمان معصیت برای انسان زیان‌بخش نیست.

۱۱۶۱
النَّهيُ عَنِ الخِيانَةِ ولَو بِالخائِنِ

۵۵۲۵. رسولُ اللهِ ﷺ: لا تَخُنْ مَن خانَكَ فتكونَ مِثلَهُ.[۱]

۵۵۲۶. الإمامُ عليٌّ ﷺ: لا تَخُنْ مَنِ ائتمَنَكَ وإنْ خانَكَ، ولا تَشِنْ عَدُوَّكَ وإنْ شانَكَ.[۲]

۵۵۲۷. الكافي عن سُليمانَ بنِ خالدٍ: سألت أبا عبدالله ﷺ عَن رجُلٍ وقَعَ لي عِندَهُ مالٌ فَكابَرَني عَلَيهِ وحَلَفَ، ثُمّ وقَعَ لَه عِندي مالٌ، فآخُذُهُ مكانَ مالِي الّذي أخَذَهُ وأجحَدُهُ وأحْلِفُ عَلَيهِ كما صَنَعَ؟ فقال: إنْ خانَكَ فَلا تَخُنْهُ، فلا تَدخُلْ فيما عِبْتَهُ عَلَيهِ.[۳]

۵۵۲۸. الكافي عن مُعاويةَ بنِ عمّارٍ: قلت لأبي عبدالله ﷺ: الرَّجُلُ يكونُ لِي عَلَيهِ الحقُّ فيَجْحَدُنِيهِ ثُمَّ يَستَودِعُني مالاً، أليَ أنْ آخُذَ مالِي عِندَهُ؟ قال: لا، هذهِ خِيانَةٌ.[۴]

(انظر) تفسير نور الثقلين: ۲ / ۱۴۴ / ۶۹.

---

۱. بحار الأنوار: ۳/۱۷۵/۱۰۳.
۲. غرر الحكم: ۱۰۴۱۸. ۳. الكافي: ۱/۹۸/۵.
۴. الكافي ۲/۹۸/۵.

۱۱۶۱
نهی از خیانت کردن، حتّی به خیانتکار

۵۵۲۵. **پیامبر خدا** ﷺ: به کسی که به تو خیانت کرده است خیانت نکن که تو نیز چون او خواهی بود.

۵۵۲۶. **امام علی** ﷺ: به آن که تو را امین شمرده است خیانت مکن، هرچند او به تو خیانت ورزد و دشمنت را بدنام مکن هرچند او تو را بدنام کرده باشد.

۵۵۲۷. **الكافي** ـ به نقل از سلیمان بن خالد ـ: از امام صادق ﷺ پرسیدم: من به مردی مالی سپردم و او انکار کرد و سوگند خورد که چیزی به او نداده‌ام. سپس مالی از او به دست من افتاد؛ آیا می‌توانم آن را به جای مالی که از من گرفت و انکارش کرد و سوگند خورد، بردارم؟ حضرت فرمود: اگر او خیانت کرد تو خیانت مکن و کاری را که بر او خرده می‌گیری، خودت مرتکب نشو.

۵۵۲۸. **الكافي** ـ به نقل از معاویة بن عمار ـ: به امام صادق ﷺ عرض کردم: من به کسی پولی می‌سپارم و او انکار می‌کند که به وی چیزی سپرده‌ام، بعد از مدتی او مالی به من می‌سپارد. آیا می‌توانم آن را به جای پولی که نزد او دارم [و به من نمی‌دهد] بردارم؟ فرمود: نه، این خیانت است.

١١٦٢
تَفسيرُ الخِيانَةِ وَالخائِنِ

٥٥٢٩ . رسولُ اللهِ ﷺ: إفْشاءُ سِرِّ أخيكَ خِيانَةٌ، فاجتَنِبْ ذلكَ.[١]

٥٥٣٠ . عنه ﷺ: أمّا علامةُ الخائنِ فأربَعةٌ: عِصْيانُ الرَّحمانِ، وأذىٰ الجِيرانِ، وبُغْضُ الأقْرانِ، والقُرْبُ إلىٰ الطُّغْيانِ.[٢]

٥٥٣١ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الخائنُ مَن شَغَلَ نفسَهُ بغَيرِ نَفْسِهِ، وكانَ يَومُهُ شَرّاً مِن أمْسِهِ.[٣]

٥٥٣٢ . الإمامُ الباقرُ ﷺ ـ في قولِه تعالىٰ: ﴿لا تَخُونوا اللهَ والرَّسُولَ وتَخونوا أماناتِكُم ...﴾[٤] ـ: فخِيانَةُ اللهِ والرَّسولِ مَعْصيَتُهُما، وأمّا خِيانَةُ الأمانَةِ فكُلُّ إنسانٍ مَأمونٌ علىٰ ما افْتَرَضَ اللهُ عزّوجلّ عليهِ.[٥]

٥٥٣٣ . الخصال عن أبي هارونَ المَكْفوفِ: قال لي أبو عبد اللهِ ﷺ يا أبا هارونَ، إنّ اللهَ تبارَكَ وتعالىٰ آلىٰ علىٰ نفسِهِ أن لا يُجاوِرَهُ خائنٌ. قالَ: قلتُ: وما الخائنُ؟ قالَ: مَن ادّخَرَ عن مؤمنٍ درْهَماً أو حَبَسَ عَنهُ شيئاً مِن أمرِ الدُّنيا.[٦]

١١٦٢
تفسير خيانت و خائن

٥٥٢٩ . **پيامبر خدا** ﷺ: فاش كردن راز برادرت خيانت است؛ پس از اين كار دورى كن.

٥٥٣٠ . **پيامبر خدا** ﷺ: نشانهٔ خيانتكار چهار چيز است: نافرمانى خداى رحمان، آزار رساندن به همسايگان، نفرت از همگنان، و نزديک شدن به طغيان و سركشى.

٥٥٣١ . **امام علی** ﷺ: خيانتكار كسى است كه خودش را رها كرده به معايب ديگران بپردازد و امروزش بدتر از ديروزش باشد.

٥٥٣٢ . **امام باقر** ﷺ ـ دربارهٔ آيهٔ: «به خدا و پيامبر خيانت نكنيد و در امانتهايتان خيانت مورزيد...» ـ فرمود: خيانت به خدا و پيامبر، همان نافرمانىِ ايشان است و اما خيانت در امانت، هر انسانى امانتدارِ فرايضى است كه خداوند عزّوجلّ بر او واجب كرده است.

٥٥٣٣ . **الخصال** ـ به نقل از ابو هارون نابينا ـ امام صادق ﷺ به من فرمود: اى ابى هارون! خداوند تبارک و تعالى با خود عهد كرده است كه خائنى را همجوار خود نكند. هارون مى‌گويد: عرض كردم: خائن كيست؟ فرمود: آن كه درهمى يا چيزى از مال دنيا را از مؤمنى دريغ دارد و پنهان كند.

---

١. بحار الأنوار: ٣/٨٩/٧٧. ٢. تحف العقول: ٢٢.
٣. غرر الحكم: ٢٠١٣. ٤. الأنفال: ٢٧.
٥. تفسير القمّي: ١/٢٧٢. ٦. الخصال: ١٨٥/١٥١.

٥٥٣٣ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: أيُّما رجُلٍ مِن أصحابِنا اسْتَعانَ بِهِ رجُلٌ من إخْوانِهِ في حاجَةٍ، فلَم يُبالِغْ فيها بكُلِّ جُهْدِه، فقد خانَ اللهَ ورسولَهُ والمؤمنينَ.[١]

٥٥٣٣ . **امام صادق** ﷺ: هر يک از ياران ما که برادرش در مشکلی از او کمک بخواهد و وی با تمام توان خود در کمک به او نکوشد، هر آينه به خدا و پيامبر او و مؤمنان خيانت کرده است.

٥٥٣٥ . الإمامُ الجوادُ ﷺ: كَفىٰ بالمَرءِ خِيانَةً أنْ يكونَ أميناً للخَوَنَةِ.[٢]

٥٥٣٥ . **امام جواد** ﷺ: در خيانتکاری مرد همين بس که امانتدار خيانتکاران باشد.

١١٦٣
غايَةُ الخِيانَةِ

٥٥٣٦ . رسولُ اللهِ ﷺ: تَناصَحوا في العِلمِ، فإنّ خِيانَةَ أحَدِكُم في عِلْمِه أشَدُّ مِن خِيانَتِهِ في مالِهِ.[٣]

٥٥٣٦ . **پيامبر خدا** ﷺ: در علم و دانش با يکديگر صادق باشيد؛ زيرا خيانت در علم، بدتر از خيانت در مال است.

٥٥٣٧ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: غايَةُ الخِيانَةِ خِيانَةُ الخِلِّ الوَدودِ، ونَقْضُ العُهُودِ.[٤]

٥٥٣٧ . **امام علی** ﷺ: اوج خيانت، خيانت کردن به دوست صميمی و شکستن عهد و پيمانهاست.

٥٥٣٨ . عنه ﷺ: من أفْحَشِ الخِيانَةِ خِيانَةُ الوَدائعِ.[٥]

٥٥٣٨ . **امام علی** ﷺ: يکی از زشت‌ترين خيانتها، خيانت در سپرده‌هاست.

٥٥٣٩ . عنه ﷺ: إنّ أعْظَمَ الخِيانَةِ خِيانَةُ الأُمّةِ (الأمَنةِ)، وأفْظَعَ الغِشِّ غِشُّ الأئمّةِ.[٦]

٥٥٣٩ . **امام علی** ﷺ: بزرگترين خيانت، خيانت به امّت است و زشت‌ترين دغل، دغلکاری با پيشوايان است.

١١٦٣
النَّوادِرُ

٥٥٤٠ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الغَدْرُ أقْبَحُ الخِيانَتَينِ.[٧]

١١٦٣
گوناگون

٥٥٣٠ . **امام علی** ﷺ: عهدشکنی، زشت‌ترين خيانت است.

---

١ . بحار الأنوار: ٧/١٧٥/٧٥.
٢ . بحار الأنوار: ٤/٣٦٤/٧٨.
٣ . بحار الأنوار: ١٧/٦٨/٢.
٤ . غرر الحكم: ٦٣٧٤.
٥ . غرر الحكم: ٩٣١٠.
٦ . نهج البلاغة: الكتاب ٢٦.
٧ . غرر الحكم: ١٦٩٠.

۵۵۴۱ . عنه ﷺ: إذا ظَهَرتِ الجِنايَاتُ (الخِيانَاتُ) ارتَفَعتِ البَرَكاتُ.[1]

۵۵۴۲ . عنه ﷺ: لَرُبَّما خانَ النَّصيحُ المؤتَمنُ ونَصَحَ المُستَخانُ.[2]

۵۵۴۳ . عنه ﷺ: مَن أمِنَ الزَّمانَ خانَهُ.[3]

۵۵۴۴ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: شَرُّ الرِّجالِ التُّجّارُ الخَوَنَةُ.[4]

۵۵۴۱ . **امام علی** ﷺ: هرگاه گناهان (خیانتها) آشکار شود، برکتها از میان برود.

۵۵۴۲ . **امام علی** ﷺ: گاه باشد که مشاور مورد اعتماد، خیانت کند و [برعکس] آن که مورد اعتماد نیست، صداقت نشان دهد.

۵۵۴۳ . **امام علی** ﷺ: هرکه زمانه را امین شمرد [و به او اعتماد نمود] زمانه به او خیانت کرد.

۵۵۴۴ . **امام صادق** ﷺ: بدترین مردمان، بازرگانانِ خیانتکارند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

۱ . غرر الحکم: ۴۰۳۰.

۲ . غرر الحکم: ۷۳۹۱.

۳ . نهج البلاغة: الکتاب ۳۱.

۴ . بحار الأنوار: ۵۵/۱۰۳/۱۰۳.

۱۵۸

الخير

خوبی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انظر:

عنوان ۲۶۲«الشرّ».

الأخ :باب ۵۰، الأمّة :باب ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱، الجَمال :باب ۵۴۴.

التّسابق:باب ۱۷۳۰، الصديق:باب ۲۱۸۶، المستضعف:باب ۲۳۳۹.

العُجب:باب ۲۴۸۱ـ۲۴۸۳، العقل:باب ۲۷۵۹، العلم:باب ۲۷۸۵.

العمل :باب ۲۸۹۶، القضاء والقدر :باب ۳۲۹۸، القلب :باب ۳۳۳۱.

۱۱۶۵
الخَيرُ

الكتاب:

﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَراً وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَداً بَعِيداً وَيُحَذِّرُكُمُ اللهُ نَفْسَهُ وَاللهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾.[1]

الحديث:

۵۵۳۵. رسولُ اللهِ ﷺ: اطْلُبوا الخَيرَ دَهرَكُم، واهْرُبوا مِنَ النّارِ جُهدَكُم؛ فَإنَّ الجَنَّةَ لا يَنامُ طالِبُها، وإنَّ النّارَ لا يَنامُ هارِبُها.[2]

۵۵۳۶. رسولُ اللهِ ﷺ الخَيرُ كثيرٌ، وفاعِلُهُ قليلٌ.[3]

۵۵۳۷. عنه ﷺ: مَنْ يَزرَعْ خَيراً يُوشِكْ أنْ يَحْصِدَ خَيراً.[4]

۵۵۳۸. الإمامُ عليٌّ ﷺ: فِعلُ الخَيرِ ذَخيرَةٌ باقِيَةٌ، وثَمَرَةٌ زاكِيَةٌ.[5]

۵۵۳۹. عنه ﷺ: عَلَيكُم بِأعْمالِ الخَيرِ فَتَبادَروها، ولا يَكُنْ غَيرُكُم أحَقَّ بِها مِنكُم.[6]

---

۱. آل عمران: ۳۰.
۲. كنز العمّال: ۴۳۵۹۷.
۳. الخصال: ۱۰۵/۳۰.
۴. بحار الأنوار: ۳/۷۶/۷۷.
۵. غرر الحكم: ۶۵۴۵.
۶. غرر الحكم: ۶۱۵۱.

۱۱۶۵
خوبی

قرآن:

«روزی که هرکس کارهای خوب و کارهای بد خود را در برابر خویش حاضر بیند، آرزو کند که ای کاش میان او و کردار بدش فاصله‌ای بزرگ بود. و خداوند شما را از خودش برحذر می‌دارد و خدا بر بندگانش مهربان است».

حدیث:

۵۵۳۵. **پیامبر خدا** ﷺ: همهٔ عمر خویش را جویای خوبی باشید و تا می‌توانید از آتش بگریزید؛ که جویندهٔ بهشت و گریزنده از آتش خواب ندارند.

۵۵۳۶. **پیامبر خدا** ﷺ: کارهای خوب، بسیار است، ولی کنندهٔ آنها اندک.

۵۵۳۷. **پیامبر خدا** ﷺ: هر که خوبی بکارد زود اکه خوبی بدرود.

۵۵۳۸. **امام علی** ﷺ: کار خوب، اندوخته‌ای ماندنی و میوه‌ای پاکیزه و خوشگوار است.

۵۵۳۹. **امام علی** ﷺ: در انجام کارهای نیک شتاب ورزید، و مباد که دیگران به آنها سزاوارتر از شما شوند.

۵۵۵۰ . عنه ﷺ: غارِسُ شَجَرَةِ الخَيرِ يَجْتَنيها أحْلىٰ ثَمَرةٍ.[۱]

۵۵۵۱ . عنه ﷺ: مَن فَعلَ الخَيرَ فبِنَفْسِه بَدَأَ.[۲]

۵۵۵۲ . عنه ﷺ: مَن لَبِسَ الخَيرَ تَعَرّىٰ مِن الشَّرِّ.[۳]

۱۱۶۶
سُهولَةُ الخَيرِ وصُعوبَتُهُ

۵۵۵۳ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: الخَيرُ أسهَلُ مِن فِعلِ الشَّرِّ.[۴]

۵۵۵۴ . عنه ﷺ: إنّكُم بِعَينِ مَن حَرّمَ عَلَيكُمُ المَعْصيَةَ، وسَهَّلَ لَكُم سُبُلَ الطّاعَةِ.[۵]

۵۵۵۵ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: إنّ الخَيرَ ثَقُلَ علىٰ أهلِ الدُّنيا علىٰ قَدْرِ ثِقَلِهِ في مَوازينِهِم يَومَ القِيامَةِ.[۶]

(انظر) الجنّة: باب ۵۵۹.

الحقّ: باب ۸۹۰.

۱۱۶۷
جَوامِعُ الخَيرِ

۵۵۵۶ . رسولُ اللهِ ﷺ: جِماعُ الخَيرِ خَشيَةُ اللهِ.[۷]

۵۵۵۷ . عنه ﷺ: مَن حُرِمَ الرِّفْقَ فَقد حُرِمَ الخَيرَ

---

۱ . غرر الحكم: ۶۴۴۲.
۲ . غرر الحكم: ۸۱۷۷.
۳ . غرر الحكم: ۸۰۸۵.
۴ . غرر الحكم: ۱۱۹۹.
۵ . نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۱.
۶ . الخصال: ۶۱/۱۷.
۷ . تنبيه الخواطر: ۱۲۲/۲.

۵۵۵۰ . **امام علی** ﷺ: کشتگر درخت خوبی، شیرین‌ترین میوه را از آن می‌چیند.

۵۵۵۱ . **امام علی** ﷺ: هر کس کار خوب کند، نتیجه‌اش پیش از همه به خود او رسد.

۵۵۵۲ . **امام علی** ﷺ: هرکه جامهٔ خوبی به تن کند، از بدی برهنه شود.

۱۱۶۶
آسانی و دشواری کار خوب

۵۵۵۳ . **امام علی** ﷺ: کار خوب، آسانتر از کار بد است.

۵۵۵۴ . **امام علی** ﷺ: شما در برابر دیدگان کسی هستید که معصیت را بر شما حرام کرده و راههای طاعت را برایتان هموار ساخته است.

۵۵۵۵ . **امام باقر** ﷺ: کار خوب بر مردم دنیا همانقدر سنگین است که روز قیامت در ترازوی اعمالشان سنگینی می‌کند.

۱۱۶۷
مجمع خوبیها

۵۵۵۶ . **پیامبر خدا** ﷺ: ترس از خدا، مجمع خوبیهاست.

۵۵۵۷ . **پیامبر خدا** ﷺ: هر که از نرمخویی و مدارا

كُلَّهُ.[۱]

۵۵۵۸. عنه ﷺ: إنّما يُدْرَكُ الخَيْرُ كُلُّهُ بالعَقلِ، ولا دِينَ لِمَن لا عَقلَ لَهُ.[۲]

۵۵۵۹. عنه ﷺ: العِلمُ رأسُ الخَيرِ كُلِّهِ، والجَهلُ رأسُ الشَّرِّ كُلِّهِ.[۳]

۵۵۶۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ: جُمِعَ الخَيرُ كُلُّهُ في ثَلاثِ خِصالٍ: النَّظَرُ، والسُّكوتُ، والكلامُ؛ فكُلُّ نَظرٍ لَيسَ فيهِ اعْتِبارٌ فهُوَ سَهْوٌ، وكلُّ سُكوتٍ لَيسَ فيهِ فِكْرَةٌ فهُوَ غَفلَةٌ، وكلُّ كلامٍ لَيسَ فيهِ ذِكْرٌ فهُوَ لَغْوٌ، فطُوبىٰ لِمَنْ كانَ نَظَرُهُ عِبَراً، وسُكوتُهُ فِكْراً، وكلامُهُ ذِكْراً، وبكىٰ علىٰ خَطيئَتِهِ، وأمِنَ النّاسُ شرَّهُ.[۴]

۵۵۶۱. عنه ﷺ: ثَلاثٌ هُنَّ جِماعُ الخَيرِ: إسْداءُ النِّعَمِ، ورِعايَةُ الذِّمَمِ، وصِلَةُ الرَّحِمِ.[۵]

۵۵۶۲. عنه ﷺ: جِماعُ الخَيرِ في العَملِ بما يَبقىٰ، والاسْتِهانَةِ بما يَفنىٰ.[۶]

۵۵۶۳. عنه ﷺ: جِماعُ الخَيرِ في المُوالاةِ في اللهِ، والمُعاداةِ في اللهِ، والمَحبَّةِ في اللهِ، والبُغْضِ في اللهِ.[۷]

---

۱. تحف العقول: ۴۹.
۲. بحار الأنوار: ۱۴۳/۱۵۸/۷۷.
۳. بحار الأنوار: ۹/۱۷۵/۷۷.
۴. الأمالي للصدوق: ۴۷/۸۰.
۵. غرر الحكم: ۴۶۷۵.
۶. غرر الحكم: ۴۷۳۵.
۷. غرر الحكم: ۴۷۸۱.

محروم باشد، از همهٔ خوبیها محروم است.

۵۵۵۸. **پیامبر خدا** ﷺ: همانا با عقل، به همهٔ خوبیها می‌توان رسید و آن کس که عقل ندارد، دین ندارد.

۵۵۵۹. **پیامبر خدا** ﷺ: دانایی، سرآمد همهٔ خوبیهاست و نادانی، سرآمد همهٔ بدیها.

۵۵۶۰. **امام علی** ﷺ: همهٔ خوبیها در سه خصلت گرد آمده‌است: نگاه، سکوت و سخن. پس هر نگاهی که مایهٔ عبرت نباشد سهو است و هر سکوتی که با اندیشیدن همراه نباشد غفلت است و هر سخنی که یاد خدا در آن نباشد لغو است. پس، خوشا آن که نگاهش عبرت باشد و سکوتش اندیشه و سخنش ذکر خدا، و بر گناه خویش بگرید و مردم از گزند او در امان باشند.

۵۵۶۱. **امام علی** ﷺ: سه چیز مجمع خوبیهاست: خیر رساندن [به دیگران]، رعایت عهد و پیمانها، و صلهٔ رحم.

۵۵۶۲. **امام علی** ﷺ: عمل کردن به آنچه ماندنی است و حقیر شمردن آنچه از بین رفتنی است، مجمع همهٔ خوبیهاست.

۵۵۶۳. **امام علی** ﷺ: دوستی کردن برای خدا و دشمنی ورزیدن برای خدا و دوست داشتن برای خدا و نفرت داشتن برای خدا، مجمع همهٔ خوبیهاست.

۵۵۶۴ . عنه ﷺ: إنّ الخَيرَ كُلَّهُ فيمَن عَرفَ قَدْرَهُ.[۱]

۵۵۶۵ . عنه ﷺ: الخَيرُ كلُّهُ فيمَن عَرفَ قَدْرَ نَفْسِهِ.[۲]

۵۵۶۶ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: رأيتُ الخَيرَ كُلَّهُ قدِ اجْتَمَعَ في قَطْعِ الطَّمَعِ عَمّا في أيْدي النّاسِ.[۳]

۵۵۶۷ . عنه ﷺ: الخَيرُ كُلُّهُ صِيانَةُ الإنْسانِ نَفْسَهُ.[۴]

۵۵۶۸ . الإمامُ الباقرُ ﷺ: أوْحى اللهُ تعالىٰ إلىٰ آدَمَ ﷺ: يا آدَمُ، إنّي أجْمَعُ لكَ الخَيرَ كُلَّهُ في أربَعِ كلماتٍ: واحِدةٌ مِنهُنَّ لي، وواحِدةٌ لكَ، وواحِدةٌ فيما بَيْني وبَيْنَكَ، وواحِدةٌ فيما بَيْنَكَ وبَيْنَ النّاسِ؛ فأمّا الّتي لي فتَعبُدُني ولا تُشرِكُ بي شيئاً، وأمّا الّتي لكَ فأُجازيكَ بعَمَلِكَ أحْوَجَ ما تكونُ إلَيهِ، وأمّا الّتي بَيْني وبَيْنكَ فعلَيكَ الدُّعاءُ وعلَيَّ الإجابَةُ، وأمّا الّتي فيما بَيْنكَ وبَينَ النّاسِ فتَرْضىٰ للنّاسِ ما تَرْضىٰ لِنَفْسِكَ.[۵]

۵۵۶۹ . الإمامُ الصّادقُ ﷺ: الخَيرُ كُلُّهُ أمامَكَ، وإنّ الشَّرَّ كُلَّهُ أمامَكَ، ولَن تَرىٰ الخَيرَ والشَّرَّ إلّا بعدَ الآخِرَةِ؛ لأنّ اللهَ عزّوجلّ جَعَلَ الخَيرَ كُلَّهُ في الجَنّةِ، والشَّرَّ كُلَّهُ في النّارِ.[۶]

---

۱. الإرشاد: ۲۳۱/۱.
۲. تنبيه الخواطر: ۱۱۵/۲.
۳. بحار الأنوار: ۱۰/۱۷۱/۷۳.
۴. تحف العقول: ۲۷۸.
۵. بحار الأنوار: ۸/۲۶/۷۵.
۶. تحف العقول: ۳۰۶.

۵۵۶۴ . **امام علی** ﷺ: به راستی تمام خوبی در کسی است که ارزش و اندازه‌اش را بشناسد.

۵۵۶۵ . **امام علی** ﷺ: همهٔ خوبیها در وجود کسی است که قدر و اندازهٔ خویش را بشناسد.

۵۵۶۶ . **امام زین العابدین** ﷺ: همهٔ خوبیها را در بر کندن چشم طمع از مال و منال مردم، فراهم دیدم.

۵۵۶۷ . **امام زین العابدین** ﷺ: همهٔ خیر و خوبی در خویشتن داری است.

۵۵۶۸ . **امام باقر** ﷺ: خداوند به آدم ﷺ وحی فرمود: ای آدم! من همهٔ خوبیها را در چهار جمله برای تو گرد می‌آورم: یکی از آنها، از آنِ من است، یکی از آنِ تو، یکی به من و تو مربوط می‌شود و یکی به رابطهٔ تو و مردم. اما آن‌که مخصوص من باشد، این است که مرا بپرستی و هیچ چیز را شریک من نگردانی. و آن که از آنِ تو باشد، این است که من به کار تو پاداش دهم در حالی که بیش از هر وقت دیگر به آن نیازمندی. و آن که میان من و تو باشد، این است که تو دعا کنی و من اجابت کنم. و آن که به رابطهٔ میان تو و مردم مربوط می‌شود، این است که برای آنان همان پسندی که برای خود می‌پسندی.

۵۵۶۹ . **امام صادق** ﷺ: همهٔ خوبی و تمام بدی فرا روی توست، و خیر و شر کلّی را جز در آخرت نبینی؛ زیرا خداوند عزّوجلّ همهٔ خوبی را در بهشت، و تمام بدی را در دوزخ قرار داده است.

۵۵۷۰ . عنه ﷺ: جُعِلَ الشَّرُّ كلُّهُ في بَيتٍ وجُعِلَ مِفتاحُهُ حُبَّ الدُّنيا، وجُعِلَ الخَير كُلُّهُ في بَيتٍ وجُعِلَ مِفتاحُهُ الزُّهْدَ في الدُّنيا.[1]

۵۵۷۱ . قضاء حقوق المؤمنين: قال الصادق ﷺ: ما علىٰ أحَدِكُم أنْ يَنالَ الخَيرَ كُلَّهُ باليَسيرِ ؟! قالَ الرّاوي: قلتُ: بماذا جُعِلْتُ فِداكَ ؟ قالَ: يَسُرُّنا بإدْخالِ السُّرورِ علىٰ المؤمنينَ مِن شيعَتِنا.[2]

(انظر) الشرّ: باب ۱۹۵۹.

السلاح: باب ۱۸۳۶.

العقل: باب ۲۷۴۳.

۵۵۷۰ . امام صادق ﷺ: تمام بدی در خانه‌ای نهاده شده و دنیا دوستی کلید آن گشته است، و همهٔ خوبی در خانه‌ای قرار داده شده و کلید آن، دل بر کندن از دنیا قرار داده شده است.

۵۵۷۱ . قضاء حقوق المؤمنين: امام صادق ﷺ فرمود: چه می‌شود اگر هر یک از شما با اندک کاری، به همهٔ خوبیها دست یابد؟! راوی می‌گوید: عرض کردم: فدایت شوم، با چه کاری ؟ فرمود: با شاد کردن شیعیان مؤمن ما، ما را شاد کند.

۱۱۶۸

ما يُنالُ بِهِ خَيرُ الدُّنيا وَالآخِرَةِ

عوامل رسیدن به خیر دنیا و آخرت

۵۵۷۲ . رسولُ اللهِ ﷺ: أربَعٌ مَن أُعْطِيَهُنَّ فَقَد أُعْطِيَ خَيرَ الدُّنيا والآخِرَةِ: بَدناً صابِراً، ولِساناً ذاكِراً، وقَلْباً شاكِراً، وزَوْجَةً صالِحَةً.[3]

۵۵۷۲ . پیامبر خدا ﷺ: چهار چیز است که به هرکس داده شود خیر دنیا وآخرت‌به او داده شده است: بدن شکیبا، زبان گویا به ذکر خدا، دل سپاسگزار، و همسر شایسته.

۵۵۷۳ . عنه ﷺ: مَن أُعْطِيَ أربَعَ خِصالٍ في الدُّنيا فَقَدْ أُعْطِيَ خَيرَ الدُّنيا والآخِرَةِ وفازَ بحَظِّهِ مِنهُما: وَرَعٌ يَعْصِمُهُ عن مَحارِمِ اللهِ، وحُسْنُ خُلُقٍ يَعيشُ بِهِ في النّاسِ، وحِلْمٌ يَدفَعُ بِهِ جَهلَ الجاهِلِ، وَزَوْجَةٌ صالِحَةٌ

۵۵۷۳ . پیامبر خدا ﷺ: به هر کس در دنیا چهار خصلت داده شود، خیر دنیا و آخرت به او داده شده و بهرهٔ خویش را از دنیا و آخرت برگرفته است: پرهیزگاری، که او را از حرامهای خدا باز دارد، و خوشخویی، که با آن در میان مردم زندگی کند، و بردباری، که با آن جهالت نادان را از خود دور سازد، و همسر شایسته، که در کار دنیا و آخرت او

۱ . مشكاة الأنوار: ۱۵۴۰/۴۶۲.

۲ . قضاء حقوق المؤمنين: ۱۶/۲۰، بحار الأنوار: ۶۹/۳۱۲/۷۴.

۳ . الجعفريات: ۲۳۰. انظر وسائل الشيعة: ۸/۲۳/۱۴.

تُعينُهُ علىٰ أمرِ الدُّنيا والآخِرَةِ.[۱]

۵۵۷۴ . **الإمامُ زين العابدين**ﷺ: قال رسولُ اللهِ ﷺ: ألا أُخبِرُكُم بما يكونُ بِهِ خَيرُ الدُّنيا والآخِرَةِ، وإذا كُرِبْتُم واغْتَمَمْتُم دَعَوتُمُ اللهَ ففَرَّجَ عَنكُم؟! قالوا: بلىٰ، يا رسول الله. قالَ: قولوا: لا إلٰهَ إلّا اللهُ ربُّنا لا نُشرِكُ بِهِ شَيئاً، ثُمَّ ادْعوا بما بَدا لَكُم.[۲]

۵۵۷۴ . **امام زين العابدين**ﷺ: پیامبر خداﷺ فرمود: آیا به شما خبر ندهم که خیر دنیا و آخرت در چیست و هرگاه افسرده و غمگین شدید و خدا را خواندید او غمتان را بزداید؟! عرض کردند: چرا، ای پیامبر خدا. فرمود: بگویید: «لا إلٰهَ إلّا اللهُ، ربُّنا لا نشرك به شيئاً (معبودی جز خدا نیست. او پروردگار ماست و چیزی را شریک او نمی‌دانیم)». و سپس آنچه می‌خواهید از خدا بطلبید.

۵۵۷۵ . **كنز العمّال** عن أنس: قال رسول الله ﷺ: مَن جَمعَ اللهُ لَهُ أربَعَ خِصالٍ جَمعَ اللهُ لَهُ خَيرَ الدُّنيا والآخِرَةِ. قيلَ: ما هِيَ يا رسولَ اللهِ؟ قالَ: قَلْباً شاكِراً، ولِساناً ذاكِراً، وداراً قَصْداً، وزَوجَةً صالِحَةً.[۳]

۵۵۷۵ . **كنز العمال** ـ به نقل از أنس ـ: پیامبر خداﷺ فرمود: هر که را خداوند چهار خصلت دهد، خیر دنیا و آخرت را به او داده است. عرض شد: ای پیامبر خدا! آن چهار خصلت کدام است؟ فرمود: دلی سپاسگزار، زبانی گویا به ذکر خدا، خانه‌ای متوسط، و همسری شایسته.

۵۵۷۶ . **الإمامُ عليٌّ**ﷺ: جُمِعَ خَيرُ الدُّنيا والآخِرَةِ في كِتْمانِ السِّرِّ ومُصادَقَةِ الأخيارِ.[۴]

۵۵۷۶ . **امام علی**ﷺ: خوبی دنیا و آخرت در رازداری و دوستی با نیکوکاران گرد آمده است.

۵۵۷۷ . **عنه**ﷺ: ثلاثٌ مَن كُنَّ فيهِ فَقَد رُزِقَ خَيرَ الدُّنيا والآخِرَةِ، هُنَّ: الرِّضا بالقَضاءِ، والصَّبرُ علىٰ البَلاءِ، والشُّكرُ في الرَّخاءِ.[۵]

۵۵۷۷ . **امام علی**ﷺ: سه چیز است که هر کس داشته باشد خیر دنیا و آخرت روزیش شده است. آن سه چیز عبارتند از: راضی بودن به قضای الهی، صبر کردن بر بلا و گرفتاری، و شکر کردن در هنگام آسایش و رفاه.

۵۵۷۸ . **عنه**ﷺ: ما أعطىٰ اللهُ سُبحانَهُ العَبدَ شيئاً مِن خَيرِ الدُّنيا والآخِرَةِ إلّا بِحُسْنِ خُلقِهِ وحُسنِ نِيَّتِهِ.[۶]

۵۵۷۸ . **امام علی**ﷺ: خدای سبحان چیزی از خیر دنیا و آخرت را به بنده‌ای نداد مگر به سبب خوشخویی و نیت پاک او.

---

۱. الأمالي للطوسي: ۱۱۹۰/۵۷۷.
۲. بحار الأنوار: ۱۴/۳۱۱/۹۳.
۳. كنز العمال: ۳۰۸۱۱. ۴. بحار الأنوار: ۱۷/۱۷۸/۷۴.
۵. غرر الحكم: ۴۶۷۰. ۶. غرر الحكم: ۹۶۷۰.

۵۵۷۹. عنه ﷺ: أربَعُ مَن أُعْطِيَهُنَّ فَقَد أُعْطِيَ خَيرَ الدُّنيا والآخِرَة: صِدقُ حَديثٍ، وأداءُ أمانَةٍ، وعِفَّةُ بَطْنٍ، وحُسنُ خُلقٍ.[1]

۵۵۷۹. امام علی ﷺ: چهار چیز است که به هر کس داده شود خیر دنیا و آخرت به او داده شد است: راستگویی، امانتداری، عفت شکم و خوشخویی.

۵۵۸۰. عنه ﷺ: جاءَ رجُلٌ إلَى النَّبيِّ ﷺ فقالَ: عَلِّمْني عَمَلاً يُحِبُّني اللهُ عَلَيهِ، ويُحِبُّني المَخلوقونَ، ويُثْري اللهُ مالِي، ويُصِحُّ بدَني، ويُطيلُ عُمري، ويَحشُرُني مَعكَ. قالَ: هٰذِهِ سِتُّ خِصالٍ تَحتاجُ إلَى سِتِّ خِصالٍ: إذا أرَدتَ أنْ يُحِبَّكَ اللهُ فَخَفْهُ واتَّقِهِ، وإذا أرَدتَ أنْ يُحِبَّكَ المَخلوقونَ فأحْسِنْ إلَيهِم وارفُضْ ما في أيْديهِم، وإذا أرَدتَ أنْ يُثرِيَ اللهُ مالَكَ فَزَكِّهِ، وإذا أرَدتَ أنْ يُصِحَّ اللهُ بدَنَكَ فأكْثِرْ مِن الصَّدَقَةِ، وإذا أرَدتَ أنْ يُطيلَ اللهُ عُمرَكَ فَصِلْ ذَوي أرْحامِكَ، وإذا أرَدتَ أنْ يَحْشُرَكَ اللهُ مَعي فأطِلِ السُّجودَ بينَ يَدَيِ اللهِ الواحِدِ القَهّارِ.[2]

۵۵۸۰. امام علی ﷺ: مردی خدمت پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: مرا کاری بیاموز که به سبب آن، خداوند و بندگانش مرا دوست بدارند و خدا ثروتم را زیاد کند و تندرستم بدارد و عمرم را دراز گرداند و با تو محشور فرماید. پیامبر فرمود: این شش چیز که بر شمردی، نیاز به شش چیز دارد: اگر خواهی خداوند تو را دوست بدارد، از او بترس و تقوای او پیش گیر؛ اگر خواهی که مردمان دوستت بدارند، به آنان نیکی کن و چشم طمع از دست آنان بر گیر؛ اگر خواهی خداوند دارایی تو را زیاد گرداند، مالت را پاک کن؛ اگر خواهی که خداوند تو را تندرست بدارد، زیاد صدقه بده؛ و اگر خواهی که خداوند عمرت را دراز گرداند صلهٔ ارحام کن؛ و اگر خواهی که تو را با من محشور فرماید، در پیشگاه خدای واحد قهّار سجده‌های طولانی کن.

۵۵۸۱. الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ ـ وقد كَتَبَ إلَيهِ رجُلٌ مِن أهلِ الكوفَةِ يَستَخبِرُهُ عَن خَيرِ الدُّنيا والآخِرَةِ، فكَتَبَ ـ: بِسْمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ. أمّا بَعدُ، فإنَّ مَن طَلَبَ رِضا اللهِ

۵۵۸۱. امام زین العابدین ﷺ ـ در پاسخ به مردی از اهالی کوفه که نامه‌ای به ایشان نوشت و دربارهٔ خیر دنیا و آخرت از ایشان جویا شد ـ نوشت: به نام خداوند بخشندهٔ مهربان. اما بعد، کسی که در راه خشنود کردن خدا، از خشم مردم پروایی نداشته باشد،

---

۱. غرر الحكم: ۲۱۴۲. ۲. بحار الأنوار: ۱۲/۱۶۴/۸۵.

بسَخَطِ النّاسِ كَفاهُ اللهُ أُمورَ النّاسِ، ومَن طَلَبَ رِضا النّاسِ بسَخَطِ اللهِ وكَلَهُ اللهُ إلىٰ النّاسِ، والسّلامُ.[۱]

خداوند او را از امور مردم بی‌نیاز گرداند و خود، کفایتش کند. و هر که برای جلب خشنودی مردم، خدا را به خشم آورد، خداوند او را به مردم واگذارد، والسلام.

۵۵۸۲. **الإمامُ الباقرُ** ﷺ: وجَدْنا في كِتابِ عليٍّ ﷺ أنّ رسولَ اللهِ ﷺ قالَ ـ وهُوَ علىٰ مِنبرِهِ ـ: والّذي لا إلٰهَ إلّا هُو، ما أُعْطِيَ مؤمنٌ قَطُّ خَيرَ الدُّنيا والآخِرَةِ إلّا بِحُسنِ ظَنِّهِ باللهِ، ورَجائِهِ لَهُ، وحُسنِ خُلقِهِ، والكَفِّ عن اغْتِيابِ المؤمنينَ.[۲]

۵۵۸۲. **امام باقر** ﷺ: در کتاب علی ﷺ خواندیم که پیامبر خدا ﷺ بر فراز منبر فرمود: سوگند به خدای یگانه که هرگز خیر دنیا و آخرت به مؤمنی داده نشد، مگر به سبب خوش گمانی و امیدواری او به خدا، و خوشخویی او، و خویشتنداریش از غیبت مؤمنان.

۵۵۸۳. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ وقد سألَهُ رجُلٌ أنْ يُعَلِّمَهُ ما يَنالُ بِهِ خَيرَ الدنُّيا والآخِرَةِ ولا يُطَوِّلَ علَيهِ ـ: لا تَكْذِبْ.[۳]

۵۵۸۳. **امام صادق** ﷺ ـ در پاسخ به مردی که از ایشان خواهش کرد به او چیزی بیاموزد که مایهٔ رسیدن به خیر دنیا و آخرت و مختصر باشد ـ فرمود: دروغ نگو.

۵۵۸۴. **عنه** ﷺ: ثَلاثَةُ أشياءَ في كُلِّ زمانٍ عَزيزَةٌ: الأخُ في اللهِ، والزَّوجَةُ الصّالِحَةُ الأليفَةُ في دِينِ اللهِ، والوَلَدُ الرّشيدُ، ومَن أصابَ أحَدَ الثَّلاثَةِ فَقَد أصابَ خَيرَ الدّارَينِ والحَظَّ الأوْفَرَ مِن الدُّنيا.[۴]

۵۵۸۴. **امام صادق** ﷺ: سه چیز همیشه کمیاب است: برادر دینی، همسر شایسته و همراه در دینداری، و فرزند سر به راه؛ هر که یکی از این سه را داشته باشد به خیر دنیا و آخرت و بهرهٔ فراوان دنیا دست یافته است.

۵۵۸۵. **عنه** ﷺ: إنْ أرَدْتَ أنْ تَقَرَّ عَينُكَ وتَنالَ خَيرَ الدُّنيا والآخِرَةِ فاقْطَعِ الطَّمَعَ عمّا في أيْدِي النّاسِ، وعُدَّ نَفْسَكَ في المَوْتىٰ، ولا

۵۵۸۵. **امام صادق** ﷺ: اگر خواهی که به آرزویت برسی و به خیر دنیا و آخرت دست یابی، چشم طمع از مال مردم برگیر و خود را از مردگان بشمار، و خویشتن را از هیچ کس برتر و بالاتر مپندار، و همچنان که از

---

۱. الاختصاص: ۲۲۵.
۲. الكافي: ۲/۷۱/۲.
۳. تحف العقول: ۳۵۹.
۴. بحار الأنوار: ۳/۲۸۲/۷۴.

۵۵۴ ـــــــ

بعُيوبِ نَفْسِهِ.[1]

گرداند، به دنیا بی‌اعتنایش کند، و بینای عیبهایش سازد.

۵۵۹۱. **عنه** ﷺ: إذا أرادَ اللهُ بعَبدٍ خَيراً جَعلَ لَهُ واعِظاً مِن نَفْسِهِ يأمُرُهُ ويَنْهاهُ.[2]

۵۵۹۱. **پیامبر خدا** ﷺ: چون خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد، واعظی درونی برای او قرار دهد که به خوبیها فرمانش دهد و از بدیها بازش دارد.

۵۵۹۲. **عنه** ﷺ: إذا أرادَ اللهُ بعَبدٍ خَيراً عاتَبَهُ في مَنامِهِ.[3]

۵۵۹۲. **پیامبر خدا** ﷺ: هر گاه خداوند خوبی بنده‌ای را بخواهد او را در خواب سرزنش می‌کند.

۵۵۹۳. **عنه** ﷺ: إذا أرادَ اللهُ بعَبدٍ خَيراً فَتحَ لَه قُفْلَ قَلْبِهِ، وجَعلَ فيهِ اليَقينَ والصِّدقَ، وجَعلَ قلبَهُ واعِياً لِما سَلَكَ فيهِ، وجَعلَ قلبَهُ سليماً، ولسانَهُ صادِقاً، وخَليقَتَهُ مُستَقيمَةً، وجَعلَ أُذُنَهُ سَميعَةً، وعَينَهُ بَصيرَةً.[4]

۵۵۹۳. **پیامبر خدا** ﷺ: هر گاه خداوند خوبی بنده‌ای را بخواهد قفل دلش را می‌گشاید و یقین و صدق در آن جای می‌دهد و آن گاه قلب او را از مسیرش آگاه می‌گرداند و قلبی سلیم و زبانی راستگو و خویی نیکو و گوشی شنوا و چشمی بینا عطایش می‌کند.

۵۵۹۴. **عنه** ﷺ: يقولُ اللهُ تعالىٰ: ... أيُّما عَبدٍ خلَقْتُه فهدَيْتُه إلىٰ الإيمانِ، وحَسَّنْتُ خُلقَهُ، ولَم أبْتَلِهِ بالبُخْلِ، فإنّي أُريدُ بِهِ خَيراً.[5]

۵۵۹۴. **پیامبر خدا** ﷺ: خداوند متعال می‌فرماید: ... هر بنده‌ای که بیافرینم وسپس به ایمان رهنمونش شوم و اخلاقش را نیکو گردانم و به بخل گرفتارش نسازم، خیر او را خواسته‌ام.

۵۵۹۵. **کنزالعمّال** عن أبي عنبة: ـ قال رسول الله ﷺ ـ: إذاأرادَاللهُ بعَبدٍ خَيراً عَسَلَهُ. قيلَ: وما عَسَلَهُ؟ قالَ: يَفتَحُ لَهُ عمَلاً صالِحاً قَبلَ مَوتِهِ ثُمَّ يَقْبِضُهُ علَيهِ.[6]

۵۵۹۵. **کنز العمال** ـ به نقل از ابو عنبة ـ: پیامبر خدا ﷺ فرمود: هرگاه خداوند خیربنده‌ای را بخواهد او را خوشنام و ستودنی کند. عرض شد: چگونه او را خوشنام و ستودنی می‌کند؟ فرمود: قبل‌از مرگش عمل شایسته‌ای برای او پیش می‌آورد و سپس جانش را می‌ستاند.

۵۵۹۶. **کنز العمّال** عن عمرو بن الحمق: ـ قال رسول الله ﷺ ـ: إذا أرادَ اللهُ بعَبدٍ خَيراً اسْتَعْمَلَهُ. قيلَ: كيفَ يَستَعمِلُهُ؟ قالَ: يَفتَحُ

۵۵۹۶. **کنز العمال** ـ به نقل از عمرو بن الحمق ـ: پیامبر خدا ﷺ فرمود: هر گاه خداوند خوبی بنده‌ای را بخواهد، او را به کار می‌گیرد. عرض شد: چگونه به کارش می‌گیرد؟ فرمود: در

---

۱. بحار الأنوار: ۳/۸۰/۷۷.
۲. کنز العمّال: ۳۰۷۶۲.
۳. کنز العمّال: ۳۰۷۶۵.
۴. کنز العمّال: ۳۰۷۶۸.
۵. بحار الأنوار: ۳۳/۳۰۷/۷۳.
۶. کنز العمّال: ۳۰۷۶۳.

لَهُ عَمَلاً صالِحاً بَينَ يَدَيْ مَوتِهِ حَتّىٰ يَرْضىٰ مَن حَولَهُ.[۱]

هنگام مرگ کار شایسته‌ای برایش پیش
می‌آورد، تا آن که اطرافیانش خشنو
شوند.

۵۵۹۷. **کنز العمّال** عن أبي أمامة: ـ قال رسول الله ﷺ ـ: إذا أرادَ اللهُ بعَبدٍ خَيراً طَهَّرَهُ قَبلَ مَوتِهِ.

قيلَ: وما طَهورُ العَبدِ؟ قالَ: عَملٌ صالِحٌ يُلْهِمُهُ إيّاهُ حَتّىٰ يَقْبِضَهُ عَلَيهِ.[۲]

۵۵۹۷. **کنز العمال** ـ به نقل از أبو امامة ـ: پیامبر
خدا ﷺ فرمود: چون خداوند خیر بنده‌ای
را بخواهد، پیش از مرگ او را پاک می‌گرداند
عرض شد: چه چیز بنده را پاک می‌کند؟
فرمود: انجام عمل شایسته‌ای را به او الها
می‌فرماید و آنگاه جانش را می‌ستاند.

۵۵۹۸. **الإمامُ عليٌّ** عليه السلام: إذا أرادَ اللهُ بعَبدٍ خَيراً أعَفَّ بَطنَهُ وفَرْجَهُ.[۳]

۵۵۹۸. **امام علی** عليه السلام: چون خداوند خیر بنده‌ای ر
بخواهد، او را در شکم و شهوت عفیف
گرداند.

۵۵۹۹. **عنه** عليه السلام: إذا أرادَ اللهُ بعَبدٍ خَيراً أَلْهَمَهُ الْقَناعَةَ، وأصْلَحَ لَه زَوجَهُ.[۴]

۵۵۹۹. **امام علی** عليه السلام: وقتی خداوند خوبی بنده‌ای
را بخواهد به او قناعت عطا کند
وهمسرش را شایسته گرداند.

۵۶۰۰. **عنه** عليه السلام: إذا أرادَ اللهُ بعَبدٍ خَيراً فَقَّهَهُ في الدِّينِ، وأَلْهَمَهُ الْيَقينَ.[۵]

۵۶۰۰. **امام علی** عليه السلام: هرگاه خداوند خوبی بنده‌ای
را بخواهد، او را در دین فقیه و آگاه گرداند
و یقین به او الهام فرماید.

۵۶۰۱. **عنه** عليه السلام: إذا أرادَ اللهُ بعَبدٍ خَيراً أَلْهَمَهُ الاقْتِصادَ وحُسنَ التَّدْبيرِ، وجَنَّبَهُ سُوءَ التَّدْبيرِ والإسْرافَ.[۶]

۵۶۰۱. **امام علی** عليه السلام: چون خداوند خیر بنده‌ای ر
بخواهد به او صرفه‌جویی و حُسنِ تدبیر
عطا کند و او را از سوء تدبیری و اسراف
دور سازد.

۵۶۰۲. **عنه** عليه السلام: إذا أرادَ اللهُ بعَبدٍ خَيراً مَنَحَهُ عَقلاً قَويماً، وعَمَلاً مُستَقيماً.[۷]

۵۶۰۲. **امام علی** عليه السلام: هرگاه خداوند خوبی بنده‌ای
را بخواهد، او را خِردی استوار و عملی
درست ببخشد.

۵۶۰۳. **عنه** عليه السلام: إذا أرادَ اللهُ بعَبدٍ خَيراً أعَفَّ بَطْنَهُ عنِ الطَّعامِ، وفَرْجَهُ عنِ الحَرامِ.[۸]

۵۶۰۳. **امام علی** عليه السلام: هرگاه خداوند خوبی بنده‌ای
را بخواهد، شکمش را از خوراک [حرام] و
شهوتش را از کار حرام پاک نگهدارد.

---

۱. کنز العمّال: ۳۰۷۶۴.
۲. کنز العمّال: ۳۰۷۶۷.
۳. غرر الحکم: ۴۱۱۴.
۴. غرر الحکم: ۴۱۱۵.
۵. غرر الحکم: ۴۱۳۳.
۶. غرر الحکم: ۴۱۳۸.
۷. غرر الحکم: ۴۱۱۳.
۸. غرر الحکم: ۴۱۱۶.

۵۶۰۴. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: إذا أرادَ اللهُ بعَبدٍ خَيراً زَهَّدهُ في الدُّنيا، وفَقَّهَهُ في الدِّينِ، وبَصَّرَهُ عُيوبَها، ومَن أُوتِيَهُنَّ فَقد أُوتِيَ خَيرَ الدُّنيا والآخِرَةِ.[۱]

۵۶۰۴. **امام صادق** ﷺ: هر گاه خداوند خوبی بنده‌ای را بخواهد او را به دنیا بی اعتنا گرداند، در دین فقیه و آگاهش کند، و به عیبهایش بینا سازد؛ این سه خصلت به هرکس داده شود، خوبی دنیا و آخرت به او داده شده است.

۵۶۰۵. **عنه** ﷺ: إنَّ اللهَ عزّوجلّ إذا أرادَ بعَبدٍ خَيراً نَكَتَ في قَلبِهِ نُكْتَةً بَيضاءَ، فَجالَ القَلبُ بطَلَبِ الحقِّ، ثُمَّ هُو إلىٰ أمْرِكُم أسْرَعُ مِن الطَّيرِ إلىٰ وَكْرِهِ.[۲]

۵۶۰۵. **امام صادق** ﷺ: خداوند عزّوجلّ چون خوبی بنده‌ای را بخواهد، نقطه‌ای سفید در قلب او ایجاد کند که در نتیجهٔ آن، دل، در طلب حقّ به گردش در آید و آن گاه شتابانتر از پرنده‌ای که به آشیانه‌اش رسد، به عقیدهٔ شما گراید.

۵۶۰۶. **التوحيد عن سليمان بن خالد عن الإمام الصّادق** ﷺ: إنّ اللهَ تبارك وتعالى إذا أرادَ بَعبدٍ خَيراً نَكَتَ في قلبِهِ نُكْتَةً مِن نُورٍ، وفَتحَ مَسامِعَ قَلبِهِ، ووكَّلَ بِهِ مَلَكاً يُسدِّدُهُ. وإذا أرادَ بعَبدٍ سُوءاً نَكَتَ في قلبِهِ نُكْتَةً سَوْداءَ، وسَدَّ مَسامِعَ قَلبِهِ، ووكَّلَ بِهِ شَيطاناً يُضِلُّهُ. ثُمَّ تلا هٰذهِ الآيَةَ: ﴿فمَن يُرِدِ اللهُ أنْ يَهدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ للإسلامِ﴾[۳].[۴]

۵۶۰۶. **التوحيد** ـ به نقل از سلیمان بن خالد ـ: امام صادق ﷺ فرمود: خداوند عزّوجلّ چون خوبی بنده‌ای را بخواهد، نقطه‌ای نورانی در دلش پدید آورد و گوشهای دلش را بگشاید و فرشته‌ای راهنما بر او بگمارد. و چون بدی بنده‌ای را خواستار شود، نقطه‌ای سیاه در دلش ایجاد کند و گوشهای دلش را ببندد و شیطانی گمراه کننده بر او بگمارد. سپس حضرت این آیه را تلاوت کرد: «و هر که را خداوند خواهان هدایتش شود سینه‌اش را برای اسلام بگشاید».

۵۶۰۷. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: إنّ اللهَ إذا أرادَ بعَبدٍ خَيراً شَرحَ صَدرَهُ للإسلامِ، فإذا أعْطاهُ ذٰلكَ أنْطقَ لِسانَهُ بالحقِّ، وعَقَدَ قلبَهُ علَيهِ فعَمِلَ بِهِ، فإذا جَمعَ اللهُ لَهُ ذٰلكَ تَمَّ لَهُ إسلامُهُ.[۵]

۵۶۰۷. **امام صادق** ﷺ: هر گاه خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد سینه‌اش را برای اسلام فراخ گرداند؛ و چون این نعمت را به او عطا کند، زبانش به حقّ گویا شود و دلش با حقّ گره خورد و به آن عمل کند و چون خداوند این امور را در او گرد آورد، اسلامش به کمال رسیده است.

---

۱. بحار الأنوار: ۲۸/۵۵/۷۳. ۲. بحار الأنوار: ۲/۲۹۲/۷۸.
۳. الأنعام: ۱۲۵. ۴. التوحيد: ۱۴/۴۱۵.
۵. الكافي: ۱/۱۳/۸.

۱۱۷۱
إذا أرادَ اللّهُ بِقَومٍ خَيراً

۵۶۰۸. رسولُ اللهِ ﷺ: إذا أرادَ اللّهُ بقَومٍ خَيراً أكثَرَ فُقَهاءَهُم وأقَلَّ جُهّالَهُم، فإذا تكَلَّمَ الفقيهُ وَجدَ أعْواناً، وإذا تَكلَّمَ الجاهِلُ قُهِرَ. وإذا أرادَ بقَومٍ شَرّاً أكثرَ جُهّالَهُم وأقلَّ فُقَهاءَهُم، وإذا تَكلَّمَ الجاهِلُ وَجدَ أعْواناً، وإذا تَكلَّمَ الفَقيهُ قُهِرَ.[1]

۵۶۰۹. عنه ﷺ: إنَّ اللّهَ تبارَكَ وتعالىٰ إذا أرادَ بقَومٍ بَقاءً أو نَماءً رزَقَهُمُ القَصْدَ والعَفافَ، وإذا أرادَ بقَومٍ اقْتِطاعاً فَتحَ لَهُم أو فَتَحَ علَيهِم بابَ خِيانَةٍ، ﴿حتّىٰ إذا فَرِحُوا بِما أُوتُوا أخَذْناهُم بَغْتَةً فَإذا هُم مُبْلِسونَ﴾[2].

۵۶۱۰. الإمامُ الباقرُ ﷺ: إذا أرادَ اللّهُ بقَومٍ خَيراً أسمَعَهُم، ولَو أسمَعَ مَن لَم يَسمَعْ لَولّىٰ مُعْرِضاً كأنْ لَم يَسْمَعْ.[4]

(انظر) الأئمّة: باب ۱۲۸.

الدولة: باب ۱۲۸۷.

۱۱۷۲
إذا أرادَ اللّهُ بِأهلِ بَيتٍ خَيراً

۵۶۱۱. رسولُ اللهِ ﷺ: إذا أرادَ اللّهُ بأهلِ بَيتٍ خَيراً

---

۱. كنز العمّال: ۲۸۶۹۲. ۲. الأنعام: ۴۴.
۳. الدرّ المنثور: ۳/۲۷۰. ۴. الكافي: ۱/۳/۲۲۹.

۱۱۷۱
هرگاه خداوند خوبی مردمی را بخواهد

۵۶۰۸. **پیامبر خدا** ﷺ: هر گاه خداوند خوبی مردمی را بخواهد، شمارِ دین شناسان آنان را زیاد گرداند، و نادانانشان را کم کند. پس چون فقیه سخنی بگوید، برای سخن خود یارانی بیابد و چون نادان سخنی بگوید شکست خورد و هرگاه خداوند بدی مردمی را بخواهد، نادانان آنان را زیاد کند و فقیهانشان را کم گرداند و چون نادان سخن بگوید برای گفته‌های خود یارانی بیابد و چون فقیه سخن بگوید مقهور شود.

۵۶۰۹. **پیامبر خدا** ﷺ: خداوند تبارک وتعالی هرگاه ماندگاری یا رُشد مردمی را بخواهد، صرفه جویی و پاکدامنی روزیشان کند و هرگاه نابودی آنهارا بخواهد، دَرِ خیانتکاری از طرف خودشان یا از طرف دیگران به آنان را به رویشان بگشاید «تا از آنچه یافته بودند شادمان گشتند، پس به ناگاه آنان را فرو گرفتیم و همگان نومید گردیدند».

۵۶۱۰. **امام باقر** ﷺ: هرگاه خداوند خوبی مردمی‌را بخواهد، به‌آنان‌گوش‌شنوا دهد. و اگر کسی‌گوشِ باطنیِ شنوا نداشته باشد، اگر هم خدا سخن حقّ را به گوش [ظاهری] او برساند، توجّهی نمی‌کند، چنان که گویی آن را نشنیده است.

۱۱۷۲
هرگاه خداوند خوبیِ خانواده‌ای را بخواهد

۵۶۱۱. **پیامبر خدا** ﷺ: هرگاه خداوند خوبی

فَقِّهْهُم في الدِّينِ، ووقِّرْ صَغيرَهُم كبيرَهُم، ورزِّقْهُمُ الرِّفقَ في مَعيشَتِهِم، والقَصْدَ في نَفَقاتِهِم، وبَصِّرْهُم عُيوبَهُم فيَتُوبوا مِنها، وإذا أرادَ بِهِم غيرَ ذٰلكَ تَرَكَهُم هَمَلاً.[1]

۱۱۷۳
الحَثُّ عَلَى المُبادَرَةِ إلَى الخَيراتِ

۵۶۱۲. رسولُ اللهِ ﷺ: إنَّ اللهَ يُحِبُّ مِن الخَيرِ ما يُعجَّلُ.[2]

۵۶۱۳. عنه ﷺ: مَن فُتِحَ لَهُ بابُ خَيرٍ فَلْيَنْتَهِزْهُ، فإنَّهُ لا يَدْري مَتىٰ يُغْلَقُ عَنهُ.[3]

۵۶۱۴. الإمامُ عليٌّ ﷺ: بادِرِ الخَيرَ تَرْشُدْ.[4]

۵۶۱۵. عنه ﷺ: بادِروا بعَملِ الخَيرِ قَبلَ أنْ تُشْغَلوا عَنه بغَيرِهِ.[5]

۵۶۱۶. الإمامُ الباقرُ ﷺ: مَن هَمَّ بشَيءٍ مِن الخَيرِ فلْيُعَجِّلْهُ، فإنَّ كُلَّ شَيءٍ فيهِ تَأخيرٌ فإنَّ للشَّيطانِ فيهِ نَظْرَةً.[6]

۵۶۱۷. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: إذا هَمَمْتَ بِخَيرٍ فلا تُؤخِّرْهُ، فإنَّ اللهَ تبارَكَ وتعالىٰ رُبَّما اطَّلَعَ علىٰ عَبدِهِ وهُو على الشَّيءِ مِن طاعَتِهِ فيقولُ: وعِزَّتي وجَلالي، لا اُعَذِّبُكَ

خانواده‌ای را بخواهد آنان را در دین فقیه و آگاه کند، کوچک آنان بزرگشان را گرامی و محترم شمارد، در معیشتشان ملایمت و مدارا و در هزینه‌هایشان میانه روی روزیشان کند، به عیبهایشان بینا گرداند و در نتیجه از آنها دست بکشند و توبه کنند؛ و اگر برای خانواده‌ای خوبی نخواهد آنان را به حال خود رها کند.

۱۱۷۳
تشویق به تعجیل در کارهای خوب

۵۶۱۲. **پیامبر خدا ﷺ**: خداوند آن کار خوب را دوست دارد که با تعجیل صورت گیرد.

۵۶۱۳. **پیامبر خدا ﷺ**: هر کس دَرِ کار خیری به رویش گشوده شود، باید در استفاده از این فرصت بشتابد؛ زیرا او نمی‌داند که این در کی به رویش بسته می‌شود.

۵۶۱۴. **امام علی ﷺ**: در انجام کار خیر شتاب کن، تا [به راه راست] هدایت شوی.

۵۶۱۵. **امام علی ﷺ**: در انجام کار خوب شتاب کنید، پیش از آن که به سبب پرداختن به کاری دیگر از آن بازمانید.

۵۶۱۶. **امام باقر ﷺ**: هر که قصد کار خوبی کند، در انجام آن شتاب ورزد؛ زیرا هر چیزی که در آن تأخیر شود، شیطان فرصتی به دست می‌آورد.

۵۶۱۷. **امام صادق ﷺ**: هرگاه تصمیم به انجام کار خیری گرفتی، آن را به تأخیر میانداز؛ زیرا خداوند تبارک وتعالی، گاه بر بندهٔ خود که به کاری از طاعت او مشغول است، می‌نگرد و

---

۱. کنز العمّال: ۲۸۶۹۱.
۲. الكافي: ۴/۱۴۲/۲.
۳. بحار الأنوار: ۲/۱۶۵/۷۷.
۴. غرر الحكم: ۴۳۶۱.
۵. الخصال: ۱۰/۶۲۰.
۶. بحار الأنوار: ۳۸/۲۲۵/۷۱.

بَعدَها.[1]

۵۶۱۸. عنه ﷺ: كانَ أبي يَقولُ: إذا هَمَمْتَ بخَيرٍ فبادِرْ، فإنَّكَ لا تَدْري ما يَحْدُثُ.[2]

۵۶۱۹. عنه ﷺ: إذا هَمَّ أحدُكُم بخَيرٍ أو صِلَةٍ فإنَّ عن يَمينِهِ وشِمالِهِ شَيطانَيْنِ، فَلْيُبادِرْ لا يَكُفّاهُ عَن ذٰلكَ.[3]

(انظر) العجلة: باب ۲۴۹۹ و ۲۵۰۰.

التسابق: باب ۱۷۳۰.

۱۱۷۴

مَعنىٰ الخَيرِ في مَجالاتٍ شَتّىٰ

۵۶۲۰. رسولُ اللهِ ﷺ: خَيرُ الصَّحابَةِ أربَعَةٌ، وخَيرُ السَّرايا أربعُمائةٍ، وخَيرُ الجُيوشِ أربَعَةُ آلافٍ.[4]

۵۶۲۱. عنه ﷺ: خَيرُ المِلَلِ مِلَّةُ إبراهيمَ ﷺ.[5]

۵۶۲۲. عنه ﷺ: خَيرُ السُّنَنِ سُنَّةُ محمّدٍ.[6]

۵۶۲۳. عنه ﷺ: خَيرُ الزّادِ التَّقوىٰ.[7]

۵۶۲۴. عنه ﷺ: خَيرُ العِلمِ ما نَفَعَ.[8]

---

۱. بحار الأنوار: ۲۰/۲۱۷/۷۱.

۲. الكافي: ۳/۱۴۲/۲. ۳. الكافي: ۸/۱۴۳/۲.

۴. الخصال: ۱۵/۲۰۲. ۵. الاختصاص: ۳۴۲.

۶. الاختصاص: ۳۴۲. ۷. بحار الأنوار: ۸/۱۱۴/۷۷.

۸. بحار الأنوار: ۸/۱۱۴/۷۷.

می‌گوید: به عزّت و جلالم سوگند، که پس از این طاعت، تو را دیگر عذاب نکنم.

۵۶۱۸. **امام صادق** ﷺ: پدرم می‌فرمود: چون آهنگ کار خوبی کردی، در انجام آن شتاب کن؛ زیرا نمی‌دانی که چه پیش می‌آید.

۵۶۱۹. **امام صادق** ﷺ: هرگاه یکی از شما قصد کاری نیک، یا رساندن نفعی به دیگری کند، دو شیطان در جانب راست و چپ او حاضر شوند؛ پس او باید عجله کند، تا آن دو شیطان او را از آن کار باز ندارند.

۱۱۷۴

معنای خوبی در موارد مختلف

۵۶۲۰. **پیامبر خدا** ﷺ: بهترین یاران، یارانِ چهار نفری هستند و بهترین گروهان، گروهانِ چهارصد نفری و بهترین لشکر، لشکرِ چهارهزار نفری.

۵۶۲۱. **پیامبر خدا** ﷺ: بهترین آیین‌ها، آیین ابراهیم ﷺ است.

۵۶۲۲. **پیامبر خدا** ﷺ: بهترین سنّتها، سنّت محمّد است.

۵۶۲۳. **پیامبر خدا** ﷺ: بهترین ره توشه، تقوی است.

۵۶۲۴. **پیامبر خدا** ﷺ: بهترین دانش آن است که سودمند باشد.

۵۶۲۵ . عنه ﷺ: خَيرُ الأعْمالِ ما نفَعَ .[۱]

۵۶۲۶ . عنه ﷺ: خَيرُ الهُدىٰ ما اتُّبِعَ .[۲]

۵۶۲۷ . عنه ﷺ: خَيرُ الغِنىٰ غِنى النَّفْسِ .[۳]

۵۶۲۸ . عنه ﷺ: خَيرُ ما أُلْقِيَ في القَلبِ اليَقينُ .[۴]

۵۶۲۹ . عنه ﷺ: خَيرُ الأيدي المُنفِقَةُ .[۵]

۵۶۳۰ . الإمامُ عليٌّ ﷺ: خَيرُ إخْوانِكَ مَن واساكَ ، وخَيرٌ مِنهُ مَن كَفاكَ .[۶]

۵۶۳۱ . عنه ﷺ: خَيرُ مالِكَ ما أعانَكَ علىٰ حاجَتِكَ .[۷]

۵۶۳۲ . عنه ﷺ: خَيرُ مَن صَبَرْتَ علَيهِ مَن لابُدَّ لَكَ مِنهُ .[۸]

۵۶۳۳ . عنه ﷺ: خَيرُ البِلادِ ما حَمَلَكَ .[۹]

۵۶۳۴ . الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ: خَيرُ مَفاتيحِ الأُمورِ الصِّدقُ ، وخَيرُ خَواتيمِها الوَفاءُ .[۱۰]

۵۶۲۵ . **پیامبر خدا ﷺ**: بهترین کارها آن است که مفید باشد.

۵۶۲۶ . **پیامبر خدا ﷺ**: بهترین رهنمود (روش) آن است که پیروی شود.

۵۶۲۷ . **پیامبر خدا ﷺ**: بهترین بی‌نیازی و توانگری، بی‌نیازی نفس است.

۵۶۲۸ . **پیامبر خدا ﷺ**: بهترین چیزی که در دل افکنده شده، یقین است.

۵۶۲۹ . **پیامبر خدا ﷺ**: بهترین دستها، دستهای انفاقگر است.

۵۶۳۰ . **امام علی ﷺ**: بهترین برادر تو کسی است که به تو کمک مالی کند و بهتر از او آن است که تو را از [رو زدن به] دیگران بی‌نیاز گرداند.

۵۶۳۱ . **امام علی ﷺ**: بهترین دارایی تو آن است که برای رفع نیازت به مدد تو آید.

۵۶۳۲ . **امام علی ﷺ**: بهترین کسی که [باید] در برابرش صبر و تحمّل داشته باشی، کسی است که تو را از او گریزی نیست.

۵۶۳۳ . **امام علی ﷺ**: بهترین سرزمین آن است که تو را تحمّل کند.[۱]

۵۶۳۴ . **امام زین العابدین ﷺ**: بهترین سرآغاز کارها، راستی است و بهترین سرانجام آنها، وفاداری.

۱۱۷۵
خِيارُ النّاسِ

الكتاب:

﴿وَاذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي

۱ . الاختصاص: ۳۴۲ . ۲ . الأمالي للصدوق: ۷۸۸/۵۷۶ .
۳ . الأمالي للصدوق: ۷۸۸/۵۷۶ .
۴ . الأمالي للصدوق: ۷۸۸/۵۷۶ .
۵ . بحار الأنوار: ۷۴/۱۴۹/۷۷ .
۶ . غرر الحكم: ۴۹۸۸ . ۷ . بحار الأنوار: ۷۰/۱۲/۷۸ .
۸ . بحار الأنوار: ۷۰/۱۲/۷۸ . ۹ . نهج البلاغة: الحكمة ۴۴۲ .
۱۰ . بحار الأنوار: ۲۱/۱۶۱/۷۸ .

۱۱۷۵
بهترین مردمان

قرآن:

«و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب، آن مردان

۱. یعنی سرزمینی که با آسایش و احترام و عزّت در آن زندگی کنی ـ م.

وَالأَبْصَارِ * إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَىٰ الدَّارِ * وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الأَخْيَارِ * وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِنَ الأَخْيَارِ﴾.[1]

الحديث:

۵۶۳۵. رسولُ اللهِ ﷺ: خَيرُ النّاسِ مَنزِلَةً رجُلٌ علىٰ مَتْنِ فَرَسِهِ يُخِيفُ العَدُوَّ ويُخِيفونَهُ.[2]

۵۶۳۵. **پیامبر خدا** ﷺ: بهترین منزلت را آن مردی دارد که بر پشت اسب خویش بنشیند و دشمن را به هراس افکند و دشمنان، او را بترسانند.

۵۶۳۶. عنه ﷺ: خَيرُ النّاسِ مَنِ انْتَفعَ بِهِ النّاسُ.[3]

۵۶۳۶. **پیامبر خدا** ﷺ: بهترین انسان کسی است که مردم از او بهره‌مند شوند.

۵۶۳۷. عنه ﷺ ـ لمّا قالَ لَه رَجُلٌ: أُحِبُّ أنْ أكونَ خَيرَ النّاسِ ـ: خَيرُ النّاسِ مَن يَنفَعُ النّاسَ، فكُنْ نافِعاً لَهُم.[4]

۵۶۳۷. **امام صادق** ﷺ: شخصی به پیامبر خدا ﷺ عرض کرد: دوست دارم که بهترین مردم باشم؛ حضرت فرمود: بهترین مردم کسی است که به حال مردم سودمند باشد؛ پس تو برای آنان سودمند باش.

۵۶۳۸. عنه ﷺ: خَيرُ الرِّجالِ مَن كانَ بَطيءَ الغَضَبِ، سَريعَ الرِّضا.[5]

۵۶۳۸. **پیامبر خدا** ﷺ: بهترین مردان کسی است که دیر به خشم آید و زود خشنود شود.

۵۶۳۹. عنه ﷺ: إنّ مِن خَيرِ رِجالِكُمُ التَّقيَّ النَّقيَّ السَّمْحَ الكَفَّيْنِ، النَّقيَّ الطَّرَفَيْنِ، البَرَّ بوالِدَيْهِ، ولا يُلْجِئُ عِيالَهُ إلىٰ غَيرِهِ.[6]

۵۶۳۹. **پیامبر خدا** ﷺ: بهترین مردان شما آن کسی است که پرهیزگار، پاک، گشاده دست، پاک‌زبان و پاکدامن باشد، به پدر و مادر خود نیکی کند، و خانواده‌اش را محتاج دیگران نسازد.

۵۶۴۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ ـ لمّا سُئلَ عن خِيارِ النّاسِ عندَ اللهِ عزّوجلّ ـ: أخْوَفُهُم للهِ، وأعمَلُهُم بالتَّقوىٰ، وأزْهَدُهُم في الدُّنيا.[7]

۵۶۴۰. **امام علی** ﷺ ـ در پاسخ به این پرسش که: بهترین مردمان نزد خداوند عزّوجلّ کیانند؟ ـ فرمود: خدا ترس‌ترین آنها، پایبندترین آنها به تقوی، و بی‌اعتناترینشان به دنیا.

۵۶۴۱. عنه ﷺ: خَيرُ النّاسِ مَن نَفَعَ النّاسَ.[8]

۵۶۴۱. **امام علی** ﷺ: بهترین فرد کسی است که به مردم سود برساند.

---

۱. ص: ۴۵ ـ ۴۸.
۲. کنز العمّال: ۱۰۶۵۷.
۳. بحار الأنوار: ۱/۲۳/۷۵.
۴. کنز العمّال: ۴۴۱۵۴.
۵. کنز العمّال: ۴۳۵۸۸.
۶. بحار الأنوار: ۲۰/۳۷۵/۷۰.
۷. بحار الأنوار: ۲۴/۳۷۸/۷۰.
۸. غرر الحکم: ۵۰۰۱.

۵۶۴۲ . عنه ﷺ: خَيرُ النّاسِ مَن زَهدَتْ نَفْسُهُ، وقَلَّتْ رَغبَتُهُ، وماتَتْ شَهوَتُهُ، وخَلَصَ إيمانُهُ، وصدَقَ إيقانُهُ.[۱]

۵۶۴۲ . **امام علی** ﷺ: بهترین مردمان کسی است که نفسی زاهد داشته باشد، خواهشهایش اندک باشد، شهوتش مُرده باشد، ایمانش ناب و خالص، و یقینش راستین باشد.

۵۶۴۳ . عنه ﷺ: خَيرُ النّاسِ مَن كانَ في يُسْرِهِ سَخِيّاً شَكُوراً، خَيرُ النّاسِ مَن كانَ في عُسْرِهِ مُؤْثِراً صَبوراً.[۲]

۵۶۴۳ . **امام علی** ﷺ: بهترین مردم کسی است که در هنگام برخورداری، سخاوتمند و شاکر باشد؛ بهترین مردم کسی است که در هنگام تنگدستی، ایثارگر و شکیبا باشد.

۵۶۴۴ . عنه ﷺ: خَيرُ النّاسِ مَن أخرَجَ الحِرْصَ مِن قَلبِهِ، وعَصىٰ هَواهُ في طاعَةِ ربِّهِ.[۳]

۵۶۴۴ . **امام علی** ﷺ: بهترین مردم کسی است که آزمندی را از دل برون کند، و در راه طاعت پروردگارش هوای نفس خویش را نافرمانی کند.

۵۶۴۵ . عنه ﷺ: خَيرُ النّاسِ مَن طَهَّرَ مِن الشَّهَواتِ نَفْسَهُ، وقَمَعَ غَضَبَهُ، وأرْضىٰ ربَّهُ.[۴]

۵۶۴۵ . **امام علی** ﷺ: بهترین مردمان کسی است که نفس خویش را از شهوات پاک کند، و خشم خویش را در هم شکند، و پروردگارش را خشنود سازد.

۵۶۴۶ . عنه ﷺ: خَيرُ النّاسِ مَن إنْ أُغْضِبَ حَلُمَ، وإنْ ظُلِمَ غَفَرَ، وإنْ أُسِيءَ إلَيهِ أحْسَنَ.[۵]

۵۶۴۶ . **امام علی** ﷺ: بهترین انسان کسی است که هر گاه به خشم آورده شود بردباری نشان دهد، و هر گاه به او ستم شود گذشت کند، و چون به وی بدی شود، او خوبی کند.

۵۶۴۷ . عنه ﷺ: خَيرُ النّاسِ مَن تَحمَّلَ مَؤونَةَ النّاسِ.[۶]

۵۶۴۷ . **امام علی** ﷺ: بهترین مردم کسی است که بار زحمتِ مردم را به دوش کشد.

۵۶۴۸ . **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: خِيارُكُم سُمَحاؤُكُم، وشِرارُكُم بُخَلاؤُكُم.[۷]

۵۶۴۸ . **امام صادق** ﷺ: بهترینِ شما بخشنده‌ترین شما هستند و بدترینِ شما بخیل‌ترینتان.

۵۶۴۹ . عنه ﷺ: إنّ خَيرَ العِبادِ مَن يَجتَمِعُ فيهِ خَمسُ خِصالٍ: إذا أحسَنَ اسْتَبْشَرَ، وإذا أساءَ اسْتَغْفَرَ، وإذا أُعْطِيَ شَكَرَ، وإذا ابتُلِيَ

۵۶۴۹ . **امام صادق** ﷺ: بهترین بندگان کسی است که پنج خصلت در او باشد: هر گاه خوبی کند شاد شود، اگر بدی کند بخشش طلبد، هرگاه چیزی به او داده شود سپاسگزاری

---

۱ . غرر الحكم: ۵۰۳۱. ۲ . غرر الحكم: ۵۰۲۷ـ۵۰۲۸.
۳ . غرر الحكم: ۵۰۲۵. ۴ . غرر الحكم: ۵۰۲۶.
۵ . غرر الحكم: ۵۰۰۰. ۶ . غرر الحكم: ۵۰۰۲.
۷ . بحار الأنوار: ۳۴/۳۰۷/۷۳.

صَبرَ، وإذا ظُلِمَ غَفرَ.[۱]

۱۱۷۶
خَيرُ المُؤمِنينَ

۵۶۵۰. رسولُ اللهِ ﷺ: خَيرُكُم مَن أعانَهُ اللهُ عَلىٰ نَفْسِهِ فمَلَكَها.[۲]

۵۶۵۱. عنه ﷺ: خَيرُكُم مَن عَرَفَ سُرعَةَ رِحلَتِهِ فتَزوَّدَ لَها.[۳]

۵۶۵۲. عنه ﷺ: خَيرُكُم مَن ذَكَّرَكُم باللهِ رُؤيَتُهُ.[۴]

۵۶۵۳. عنه ﷺ: خَيرُكُم مَن دعاكُم إلىٰ فِعلِ الخَيرِ.[۵]

۵۶۵۴. عنه ﷺ: خَيرُكُم المُتَنَزِّهونَ عنِ المَعاصي والذُّنوبِ.[۶]

۵۶۵۵. عنه ﷺ: خَيرُكُم مَن أطعَمَ الطَّعامَ، وأفشَى السَّلامَ، وصلّىٰ والنّاسُ نِيامٌ.[۷]

۵۶۵۶. عنه ﷺ: خَيرُكُم مَن أطابَ الكلامَ، وأطعَمَ الطَّعامَ، وصلّىٰ باللَّيلِ والنّاسُ نِيامٌ.[۸]

۵۶۵۷. **الأمالي للطوسي** عن ابن عباس: قيلَ: يا رسولَ اللهِ، أيُّ الجُلَساءِ خَيرٌ؟ قالَ: مَن ذَكَّرَكُم باللهِ رُؤيَتُهُ، وزادَكُم في عِلمِكُم

کند، هر گاه گرفتار شود شکیبایی ورزد، و هر گاه کسی به او ستم کند گذشت کند.

۱۱۷۶
بهترین مؤمنان

۵۶۵۰. **پیامبر خدا** ﷺ: بهترین شما کسی است که خداوند او را در برابر نفسش یاری رساند و در نتیجه، زمام آن را در اختیار گیرد.

۵۶۵۱. **پیامبر خدا** ﷺ: بهترین شما آن کسی است که می‌داند بزودی باید [از این سرای دنیا] کوچید، پس ره توشه بردارد.

۵۶۵۲. **پیامبر خدا** ﷺ: بهترین شما کسی است که دیدن او، شما را به یاد خدا اندازد.

۵۶۵۳. **پیامبر خدا** ﷺ: بهترین شما آن کسی است که شما را به کار خوب فرا خواند.

۵۶۵۴. **پیامبر خدا** ﷺ: بهترین شما آنانند که از معاصی و گناهان پاکدامنند.

۵۶۵۵. **پیامبر خدا** ﷺ: بهترین شما کسی است که مردم را اطعام کند، به همگان سلام گوید، و شب هنگام که مردم خوابند، او نماز گزارد.

۵۶۵۶. **پیامبر خدا** ﷺ: بهترین شما آن کسی است که سخن نیکو بگوید، و اطعام کند، و شب هنگام که مردم خوابند او نماز بگزارد.

۵۶۵۷. **الأمالي للطوسي** ـ به نقل از ابن عباس ـ: به پیامبر خدا عرض شد: ای رسول خدا! کدام همنشین بهتر است؟ فرمود: آن که دیدنش شما را به یاد خدا اندازد و گفتارش بر دانش شما بیفزاید و عملش آخرت را به

---

۱. بحار الأنوار: ۶۳/۲۰۶/۷۸.
۲. تنبيه الخواطر: ۱۲۲/۲. ۳. تنبيه الخواطر: ۱۲۳/۲.
۴. تنبيه الخواطر: ۱۲۳/۲. ۵. تنبيه الخواطر: ۱۲۳/۲.
۶. تنبيه الخواطر: ۱۲۳/۲. ۷. الخصال: ۳۲/۹۱.
۸. بحار الأنوار: ۹۳/۳۸۳/۷۴.

مَنْطِقُهُ، وذَكَّرَكُم بِالآخِرَةِ عَمَلُهُ.[۱]

۱۱۷۷
خَيرُ الأُمورِ

۵۶۵۸. رسولُ اللهِ ﷺ: خَيرُ الأُمورِ عَزائمُها، وشَرُّ الأُمورِ مُحْدَثاتُها.[۲]

۵۶۵۹. عنه ﷺ: خَيرُ الأُمورِ خَيرُها عاقِبَةً.[۳]

۵۶۶۰. الإمامُ عليٌّ ﷺ: خَيرُ الأُمورِ ما أسْفَرَ عنِ اليَقينِ.[۴]

۵۶۶۱. عنه ﷺ: خَيرُ الأُمورِ ما عَرِيَ عنِ الطَّمَعِ.[۵]

۵۶۶۲. عنه ﷺ: خَيرُ الأُمورِ ما سَهُلَتْ مَبادِئُهُ، وحَسُنَتْ خَواتِمُهُ، وحُمِدَتْ عواقِبُهُ.[۶]

۵۶۶۳. عنه ﷺ: خَيرُ الأُمورِ النَّمَطُ الأوسَطُ؛ إلَيهِ يَرجِعُ الغالي وبِهِ يَلْحَقُ التّالي.[۷]

۵۶۶۴. عنه ﷺ: أُوصيكُم عِبادَ اللهِ بتَقوىٰ اللهِ؛ فإنّها خَيرُ ماتَواصىٰ العِبادُ بِهِ، وخَيرُ عَواقِبِ الأُمورِ عِندَ اللهِ.[۸]

۵۶۶۵. الإمامُ الكاظمُ ﷺ: خَيرُ الأُمورِ أوْسَطُها.[۹]

(انظر) الشرّ: باب ۱۹۵۸.

یاد شما آورد.

۱۱۷۷
بهترین کار

۵۶۵۸. **پیامبر خدا ﷺ**: بهترین کارها فرایض است، و بدترین کارها بدعتهاست.

۵۶۵۹. **پیامبر خدا ﷺ**: بهترین کارها نیک فرجامترین آنهاست.

۵۶۶۰. **امام علی ﷺ**: بهترین کارها آن است که به یقین بینجامد.

۵۶۶۱. **امام علی ﷺ**: بهترین کارها آن است که از طمع به دور باشد.

۵۶۶۲. **امام علی ﷺ**: بهترین کارها آن‌است‌که آغازش آسان، پایانش خوش و پیامدهایش پسندیده باشد.

۵۶۶۳. **امام علی ﷺ**: بهترین کارها روش میانه است، که تند رونده به سوی آن برمی‌گردد و عقب‌مانده به آن می‌رسد.

۵۶۶۴. **امام علی ﷺ**: ای بندگان خدا! شما را به تقوای خدا سفارش می‌کنم؛ زیرا این، بهترین سفارشی است که بندگان به یکدیگر می‌کنند و در پیشگاه خداوند بهترین پایان امور است.

۵۶۶۵. **امام کاظم ﷺ**: بهترین کارها، میانه و معتدلترین آنهاست.

---

۱. الأمالي للطوسي: ۲۶۲/۱۵۷.
۲. الاختصاص: ۳۴۲.
۳. الأمالي للصدوق: ۷۸۸/۵۷۶.
۴. غرر الحكم: ۴۹۶۷.
۵. غرر الحكم: ۴۹۷۳.
۶. غرر الحكم: ۵۰۳۲.
۷. غرر الحكم: ۵۰۵۹.
۸. نهج البلاغة: الخطبة ۱۷۳.
۹. بحار الأنوار: ۱۶/۲۹۲/۷۶.

۱۱۷۸
النَّهيُ عَن تَحقيرِ القَليلِ مِنَ الخَيرِ

۵۶۶۶. الإمامُ عليٌّ ﷺ: افْعَلوا الخَيرَ ولا تَحْقِرُوا مِنهُ شيئاً ؛ فإنَّ صَغيرَهُ كَبيرٌ، وقَليلَهُ كَثيرٌ.[۱]

۵۶۶۷. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: لا تُصَغِّرْ شيئاً مِن الخَيرِ، فإنَّكَ تَراهُ غداً حَيثُ يَسُرُّكَ.[۲]

۱۱۷۹
لا خَيرَ إلّا لِهٰؤُلاءِ

۵۶۶۸. رسولُ اللهِ ﷺ: لا خَيرَ في عَيشٍ إلّا لرجُلَينِ: عالِمٌ مُطاعٌ، ومُستَمِعٌ واعٍ.[۳]

۵۶۶۹. الإمامُ عليٌّ ﷺ: لا خَيرَ في الدُّنيا إلّا لرَجُلَينِ: رجُلٌ أذنَبَ ذُنوباً فهُوَ يَتَدارَكُها بالتّوبَةِ، ورجلٌ يُسارِعُ في الخَيراتِ.[۴]

۵۶۷۰. عنه ﷺ ـ أنَّهُ كانَ يقولُ ـ: لا خَيرَ في الدُّنيا إلّا لأحَدِ رجُلَينِ: رجُلٌ يَزدادُ كُلَّ يَومٍ إحساناً، ورجُلٌ يَتَدارَكُ سَيِّئَةً بالتّوبَةِ.[۵]

۱۱۸۰
خَيرُ الأخلاقِ

۵۶۷۱. بحار الأنوار ـ قال رسولُ اللهِ ﷺ ـ: ألا أدُلُّكُم

---

۱. نهج البلاغة: الحكمة ۴۲۲.
۲. بحار الأنوار: ۳۷/۱۸۲/۷۱.
۳. بحار الأنوار: ۶/۱۶۸/۷۷. ۴. نهج البلاغة: الحكمة ۹۴.
۵. بحار الأنوار: ۱۱۰/۱۲۱/۷۳.

۱۱۷۸
کار خوبِ اندک را نباید کوچک شمرد

۵۶۶۶. امام علی ﷺ: کار خوب را انجام دهید و چیزی از آن را کوچک مشمارید؛ زیرا خُرد آن بزرگ است واندک آن بسیار.

۵۶۶۷. امام صادق ﷺ: کار خوب را هرگز خُرد مشمار؛ زیرا فردا[ی قیامت] آن را طوری می‌بینی که شادمانت می‌کند.

۱۱۷۹
جز اینان خیر نبینند

۵۶۶۸. پیامبر خدا ﷺ: در زندگی جز دو کس را خیری نبوَد: عالِمی که فرمانش بُرده شود و شنونده‌ای که سخن را بفهمد.

۵۶۶۹. امام علی ﷺ: در دنیا جز دو کس را خیری نبوَد: یکی آن که گناهی کند و با توبه آن را جبران نماید و دیگری، کسی که در کارهای خوب شتاب ورزد.

۵۶۷۰. امام علی ﷺ ـ همواره ـ می‌فرمود: در دنیا جز دو کس خیر نبینند: کسی که هر روز بر احسان و نیکوکاری خود می‌افزاید و کسی که گناهش را با توبه جبران می‌کند.

۱۱۸۰
بهترین اخلاق

۵۶۷۱. بحار الأنوار: پیامبر خدا ﷺ فرمود: آیا شما

علىٰ خَيرِ أخْلاقِ الدُّنيا والآخِرَةِ؟ قالوا: بلىٰ يا رسولَ اللهِ، قالَ: مَن وصَلَ مَن قَطَعَهُ، وأعطىٰ مَن حَرَمَهُ، وعَفا عَمَّن ظَلَمَهُ.[۱]

۵۶۷۲. **بحار الأنوار** قال رسولُ اللهِ ﷺ: ألا أُخبِرُكُم بخَيرِ أخْلاقِ أهلِ الدُّنيا والآخِرَةِ؟ قالوا: بلىٰ يا رسولَ اللهِ، فقالَ: إفْشاءُ السَّلامِ في العالَمِ.[۲]

(انظر) الإحسان: باب ۸۶۸.

الرَّحِم: باب ۱۴۶۸.

المكافأة: باب ۳۴۴۹.

الأخ: باب ۴۲.

را به بهترین اخلاق دنیا و آخرت راهنمایی نکنم؟ عرض کردند: بفرمایید، ای رسول خدا. حضرت فرمود: کسی که با آن که از او بریده است پیوند برقرار کند، و به کسی که از او دریغ کرده است عطا کند، و از کسی که به او ستم کرده است درگذرد.

۵۶۷۲. **بحار الأنوار**: پیامبر خدا ﷺ فرمود: آیا شما را از بهترین اخلاق اهل دنیا و آخرت خبر ندهم؟ عرض کردند: بفرمایید، ای رسول خدا. حضرت فرمود: سلام کردن به همگان.

۱۱۸۱
مَن لا يُرجىٰ خَيرُهُ

۵۶۷۳. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ: ثَلاثٌ مَن لَم تكُنْ فيهِ فلا يُرْجىٰ خَيرُهُ أبَداً: مَن لَم يَخْشَ اللهَ في الغَيبِ، ولَم يَرْعَوِ عِندَ الشَّيبِ، ولَم يَستَحيِ مِن العَيبِ.[۳]

۱۱۸۱
آن که به خیرش امیدی نیست

۵۶۷۳. **امام صادق** ﷺ: سه چیز است که در هر کس نباشد، هرگز به خیر او امیدی نیست: کسی که در نهان از خدا نترسد، و در پیری [از گناه] باز نایستد، و از عیب و ننگ شرم نداشته باشد.

۱۱۸۲
ميزانُ الخَيرِ وَالشَّرِّ

۵۶۷۴. **الإمامُ عليٌّ** ﷺ: إنّ الخَيرَ والشَّرَّ لا يُعْرَفانِ إلّا

۱۱۸۲
معیار خوبی و بدی

۵۶۷۴. **امام علی** ﷺ: خوبی و بدی جز با مردم شناخته نمی‌شوند. پس اگر خواهی که

---

۱. بحار الأنوار: ۵۶/۱۰۲/۷۴.

۲. بحار الأنوار: ۵۰/۱۲/۷۶ ۳. الأمالي للصدوق: ۶۷۹/۴۹۷.

بـالنّاسِ، فـإذا أرَدتَ أنْ تَـعرِفَ الخَـيرَ فَاعْمَلِ الخَيرَ تَعرِفْ أهلَهُ، وإذا أرَدتَ أنْ تَعرِفَ الشَّرَّ فاعْمَلِ الشَّرَّ تَعرِفْ أهلَهُ.[1]

(انظر) الحقّ: باب ۹۰۰ و ۹۰۱.

۱۱۸۳
صِفاتُ أهلِ الخَيرِ

۵۶۷۵. بحار الأنوار: في حديثِ المِعراجِ: يا أحمدُ، إنَّ أهـلَ الخَـيرِ وأهـلَ الآخِـرَةِ رَقـيقَةٌ وُجوهُهم، كـثيرٌ حَياؤُهُم، قـليلٌ حُـمْقُهُم، كثيرٌ نَفْعُهُم، قليلٌ مَكْرُهُم، النّاسُ مِنْهم في راحَةٍ، وأنفسُهُم مِنْهم في تَـعَبٍ، كـلامُهُم مَوْزونٌ، مُحاسِبينَ لأنفُسِهِم مُـتْعِبينَ لَـها، تَنامُ أعيُنُهم ولا تَنامُ قلوبُهُم، أعينُهُم باكِيَةٌ، وقُـلوبُهُم ذاكِـرَةٌ. إذا كُـتِبَ النّـاسُ مِـن الغافِلينَ كُتِبوا مِن الذّاكِرينَ... لا يَشْغَلُهُم عَنِ اللهِ شَيءٌ طَرْفَةَ عَينٍ، ولا يُريدونَ كَثْرَةَ الطَّعامِ، ولا كَثرةَ الكلامِ، ولا كَثرةَ اللِّباسِ. النّاسُ عِندَهُم مَـوْتىٰ، واللهُ عِـندَهُم حـيٌّ قَيّومٌ.[2]

۵۶۷۶. الإمامُ عليٌّ ﷺ: ألَا وإنَّ اللهَ سـبحانَهُ قـد جَعلَ للخَيرِ أهلاً، وللحقِّ دَعائمَ، وللطّاعَةِ

خوبی را بشناسی، خوبی کن، اهل آن را می‌شناسی و اگر خواهی بدی را بشناسی، بدی کن، اهلش را می‌شناسی.

۱۱۸۳
صفات اهل خیر

۵۶۷۵. بحار الأنوار: در حدیث معراج آمده است: ای احمد! همانا اهل خیر واهل آخرت مردمانی کمرو و پر شرم هستند، نادانیشان اندک است و سودشان بسیار و مکرشان اندک، مردم از دست آنان آسوده‌اند و خودشان از خویشتن در رنجند، سخنشان سنجیده است، از نفسهای خود حساب می‌کشند و آن را سرزنش می‌کنند، چشمانشان می‌خوابد اما دلهایشان نمی‌خوابد، دیدگانشان گریان است، دلهایشان به یاد خداست، آن گاه که مردم در غفلت به سر می‌برند آنان در زمرهٔ ذاکرین هستند... هیچ چیز لحظه‌ای آنان را از خدا باز نمی‌دارد، نه خواهان خوراک زیادند و نه خواستار پر گویی و نه خواهان پوشاک زیاد، مردم نزد آنان مردگانند و خدا در نظرشان زنده و قیّوم.

۵۶۷۶. امام علی ﷺ: بدانید که خداوند سبحان برای خیر و خوبی اهلی قرار داده است و برای حقّ ستونهایی، و برای طاعت و

---

۱. بحار الأنوار: ۲۶/۴۱/۷۸. ۲. بحار الأنوار: ۶/۲۴/۷۷.

عِصَماً.[1]

٥٦٧٧. عنه ﷺ: سُنَّةُ الأخْيارِ: لِينُ الكلامِ، وإفْشاءُ السَّلامِ.[2]

(انظر) الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر: باب ٢٦٥٥.

١١٨٣
ما هُوَ أفضَلُ مِنَ الخَيرِ

٥٦٧٨. رسولُ اللهِ ﷺ: خَيرٌ مِن الخَيرِ مُعْطِيهِ.[3]

٥٦٧٩. الإمامُ عليٌّ ﷺ: فاعِلُ الخَيرِ خَيرٌ مِنهُ، وفاعِلُ الشَّرِّ شَرٌّ مِنهُ.[4]

٥٦٨٠. عنه ﷺ: افعَلوا الخَيرَ ما اسْتَطَعتُم، فخَيرٌ مِن الخَيرِ فاعِلُهُ.[5]

٥٦٨١. عنه ﷺ: لَيسَ بخَيرٍ مِنَ الخَيرِ إلّا ثَوابُهُ.[6]

٥٦٨٢. الإمامُ الصّادقُ ﷺ: أحْسَنُ مِن الصِّدقِ قائلُهُ، وخَيرٌ مِن الخَيرِ فاعِلُهُ.[7]

٥٦٨٣. الإمامُ الهاديُ ﷺ: خَيرٌ مِن الخَيرِ فاعِلُهُ، وأجمَلُ مِن الجَميلِ قائلُهُ، وأرجَحُ مِن العِلمِ حامِلُهُ.[8]

---

١. نهج البلاغة: الخطبة ٢١٤. ٢. غرر الحكم: ٥٥٦٥.
٣. بحار الأنوار: ٧٧/١٦١/١٧٣.
٤. نهج البلاغة: الحكمة ٣٢. ٥. غرر الحكم: ٢٥٣٢.
٦. غرر الحكم: ٧٤٨٧. ٧. الأمالي للطوسي: ٣٨٥/٢٢٣.
٨. بحار الأنوار: ٧٨/٣٧٠/٤.

بندگی نگاهدارانی.

٥٦٧٧. امام علی ﷺ: نرمی در گفتار، و سلام گفتن به همگان، شیوهٔ نیکان است.

١١٨٣
برتر از خوبی

٥٦٧٨. پیامبر خدا ﷺ: خوب‌تر از خوبی کسی است که خوبی می‌کند.

٥٦٧٩. امام علی ﷺ: خوبی کننده، بهتر از خودِ خوبی‌است و بدی کننده، بدتر از خودِ بدی است.

٥٦٨٠. امام علی ﷺ: تا می‌توانید خوبی کنید؛ زیرا بهتر از خودِ خوبی، انجام دهندهٔ آن است.

٥٦٨١. امام علی ﷺ: چیزی بهتر از خوبی وجود ندارد، مگر پاداش آن.

٥٦٨٢. امام صادق ﷺ: بهتر از راستگویی راستگوست، و بهتر از خوبی کسی است که خوبی می‌کند.

٥٦٨٣. امام هادی ﷺ: از خوبی بهتر، کسی است که خوبی می‌کند و از زیبایی زیباتر، کسی است که زیبا می‌گوید، و از علم برتر کسی است که دارندهٔ آن است.

٥٧٠ ـــ

(انظر) البرّ: باب ٣٤٦.

١١٨٥
أبوابُ الخَيرِ

٥٦٨٤. **مجمع البيان** عن معاذ بن جبل: قال رسولُ اللهِ ﷺ: إنْ شِئتَ أنبأتُكَ بأبوابِ الخَيرِ! قالَ: قلتُ: أجَلْ يا رسولَ اللهِ. قالَ: الصَّومُ جُنَّةٌ، والصَّدَقةُ تُكَفِّرُ الخَطيئةَ، وقِيامُ الرَّجُلِ في جَوفِ اللَّيلِ يَبتَغي وَجهَ اللهِ، ثُمَّ قَرأَ هذهِ الآيةِ: ﴿تَتَجافىٰ جُنوبُهُم عنِ المَضاجِعِ﴾.[1]

٥٦٨٥. **الكافي** ـ قالَ الباقرُ ﷺ لِسليمانَ بنِ خالدٍ ـ: إنْ شِئتَ أخبَرْتُكَ بأبوابِ الخَيرِ! قلتُ: نعم، جُعِلتُ فِداكَ. قالَ: الصَّومُ جُنَّةٌ مِنَ النّارِ، والصَّدَقةُ تَذهَبُ بالخَطيئةِ، وقِيامُ الرَّجُلِ في جَوفِ اللَّيلِ بذِكرِ اللهِ.[2]

٥٦٨٦. **المحاسن** ـ قالَ الصّادقُ ﷺ لعليِّ بنِ عبدِ العزيزِ ـ: ألا أُخبِرُكَ بأبوابِ الخَيرِ؟: الصَّومُ جُنَّةٌ، والصَّدَقةُ تَحُطُّ الخَطيئةَ، وقِيامُ الرَّجُلِ في جَوفِ اللَّيلِ يُناجي ربَّهُ، ثُمَّ قَرأَ: ﴿تَتَجافىٰ جُنوبُهُم عنِ المَضاجِعِ﴾.[3][4]

(انظر) البرّ: باب ٣٤٦.

١١٨٥
دروازه‌های خوبی

٥٦٨٤. **مجمع البيان** ـ به نقل از معاذ بن جبل ـ: پیامبر خدا ﷺ فرمود: آیا می‌خواهی تو را از ابواب خوبی آگاه کنم؟ معاذ می‌گوید: عرض کردم: آری، ای پیامبر خدا. حضرت فرمود: روزه که سپری است، و صدقه، که گناه را می‌زداید، و برخاستن در دل شب برای طلب رضای خدا. سپس این آیه را تلاوت کرد: «از بسترهای خود پهلو تهی می‌کنند».

٥٦٨٥. **الكافي**: امام باقر ﷺ به سلیمان بن خالد فرمود: اگر بخواهی تو را با دروازه‌های خوبی آشنا می‌کنم. [سلیمان می‌گوید:] عرض کردم: آری، فدایت شوم. فرمود: روزه سپری در برابر آتش است و صدقه گناه را می‌برد، و برخاستن در دل شب برای ذکر و یاد خدا.

٥٦٨٦. **المحاسن**: امام صادق ﷺ به علی بن عبدالعزیز فرمود: آیاتو را از دروازه‌های خوبی آگاه نکنم؟ روزه، که سپر است، و صدقه که گناه را پاک می‌کند و برخاستن آدمی در دل شب برای مناجات با پروردگارش. سپس این آیه را تلاوت کرد: «از بسترهای خود پهلو تهی می‌کنند».

---

١. مجمع البيان: ٥١٨/٨. ٢. الكافي: ١٥/٢٤/٢.
٣. السجدة: ١٦. ٤. المحاسن: ١٠٣٨/٤٥٠/١.

۱۱۸۶
قيمَةُ الدَّلالةِ عَلَى الخَيرِ

۵۶۸۷ . رسولُ اللهِ ﷺ: الدّالُّ على الخَيرِ كفاعِلِهِ.[۱]

۵۶۸۸ . عنه ﷺ: دليلُ الخَيرِ كفاعِلِهِ.[۲]

۵۶۸۹ . عنه ﷺ: مَن دَلَّ علىٰ خَيرٍ فلَهُ مِثْلُ أجْرِ فاعِلِهِ.[۳]

۱۱۸۶
ارزش راهنمایی کردن به کار خوب

۵۶۸۷ . **پیامبر خدا ﷺ**: کسی که به کار خوب راهنمایی کند، مانند کسی است که آن را انجام داده است.

۵۶۸۸ . **پیامبر خدا ﷺ**: راهنمای به خوبی، مانندِ کنندهٔ کار خوب است.

۵۶۸۹ . **پیامبر خدا ﷺ**: اجر کسی که به کار خوبی راهنمایی کند، مانند اجر کسی‌است که آن‌را انجام دهد.

۱۱۸۷
خِيَرَةُ اللهِ تَعالىٰ

۵۶۹۰ . رسولُ اللهِ ﷺ: إنَّ اللهَ تبارَكَ وتعالىٰ اختارَ مِن الكلامِ أربَعةً، ومِن الملائكةِ أربَعةً، ومِن الأنبياءِ أربَعةً، ومِن الصّادقينَ أربَعةً، ومِن الشُّهداءِ أربَعةً، ومِن النِّساءِ أربَعةً، ومِن الشُّهورِ أربَعةً، ومِن الأيّامِ أربَعةً، ومِن البِقاعِ أربَعاً.

فأمّا خِيَرتُهُ مِن الكلامِ: فسُبحانَ اللهِ، والحَمدُ للهِ، ولا إلٰهَ إلّا اللهُ، واللهُ أكبرُ، فمَن قالَها عُقَيْبَ كُلِّ صلاةٍ كَتَبَ اللهُ لَه عَشْرَ حَسَناتٍ، ومَحا عَنه عَشرَ سيّئاتٍ، ورَفَع لَه عَشرَ دَرَجاتٍ.

وأمّا خِيَرتُهُ مِن الملائكةِ: فجَبرئيلُ، ومِيكائيلُ، وإسْرافيلُ، وعِزْرائيلُ.

۱ . كنز العمّال: ۱۶۰۵۲ . ۲ . كنز العمّال: ۱۶۰۵۴ .
۳ . صحيح مسلم: ۱۵۰۶/۳/۱۳۳ .

۱۱۸۷
برگزیده‌های خداوند

۵۶۹۰ . **پیامبر خدا ﷺ**: خداوند تبارک و تعالیٰ از سخن، چهار کلام را برگزید واز فرشتگان، چهار فرشته را و از پیامبران، چهار پیامبر را و از صدیقان، چهار صدیق را و از شهیدان، چهار شهید را و از زنان، چهار زن را و از ماه‌ها، چهار ماه را و از روزها، چهار روز را و از سرزمینها، چهار سرزمین را.

و اما بهترین سخنان برگزیدهٔ او اینهاست: سبحان الله والحمدلله ولا إله إلّا الله والله أكبر. هر کس، پس از هر نمازی این چهار جمله را بگوید، خداوند برای او ده حسنه بنویسد و ده گناه او را پاک کند و ده درجه او را بالا برد.

و اما فرشتگان برگزیده‌اش اینهایند: جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل.

وأمّا خِيَرَتُهُ مِن الأنبياءِ: فاختارَ إبراهيمَ خليلاً، وموسىٰ كَليماً، وعيسىٰ رُوحاً، ومحمّداً حَبيباً.

وأمّا خِيَرَتُهُ مِن الصِّدّيقينَ: فيُوسُفُ الصِّدّيقُ، وحَبيبُ النَّجّارُ، وعليُّ بنُ أبي طالبٍ.[1]

وأمّا خِيَرَتُهُ مِن الشُّهداءِ: فيحيىٰ بنُ زَكَريّا، وجِرْجيسُ النَّبيُّ، وحَمزَةُ بنُ عبدِ المطّلبِ، وجعفرٌ الطّيّارُ.

وأمّا خِيَرَتُهُ مِن النّساءِ: فمَريمُ بنتُ عِمرانَ، وآسيةُ بنتُ مُزاحِمٍ امرأةُ فِرعَونَ، وفاطمةُ الزّهراءُ، وخديجةُ بنتُ خُوَيلِدٍ.

وأمّا خِيَرَتُهُ مِن الشُّهورِ: فرَجبٌ، وذو القَعْدةِ، وذو الحِجّةِ، ومُحرَّمٌ، وهِيَ الأربعُ الحُرُمُ.

وأمّا خِيَرَتُهُ مِن الأيّامِ: فيَومُ الفِطْرِ، ويَومُ عَرَفةَ، ويَومُ الأضْحىٰ، ويَومُ الجُمعةِ.

وأمّا خِيَرَتُهُ مِن البِقاعِ: فمَكّةُ،

و اما پیامبران برگزیده‌اش: خداوند ابراهیم را خلیل خود برگزید و موسی را کلیم (همسخن خود) و عیسی را روح [خود] و محمّد را حبیب [خود].

و اما صدیقان برگزیدهٔ او بدین قرار است: یوسف صدّیق، حبیب نجّار و علی بن ابی طالب.[1]

و اما شهیدان برگزیده‌اش اینانند: یحیی بن زکریا، جرجیس پیامبر، حمزة بن عبدالمطّلب و جعفر طیّار.

و انتخاب او از میان زنان اینهاست: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم و همسر فرعون، فاطمهٔ زهرا و خدیجه دخت خویلد.

و اما ماههای برگزیده‌اش عبارت است از: رجب، ذوالقعده، ذوالحجّه و محرّم، که چهار ماه حرامند.

و اما روزهای برگزیده‌اش اینهاست: روز عید فطر، روز عرفه، روز عید قربان و روز جمعه.

و اما سرزمین‌های برگزیدهٔ او

---

۱. سقط ذكر الصدّيق الرابع من المصدر، ولعلّه خربيل مؤمن آل فرعون كما في الروايات، وقد ذكر الحديث بسندٍ آخر واختلافٍ في بعض العبارات في الخصال: ۵۸/۲۲۵ وليس فيه ذكر الصدّيقين.

۱. نام صدیق چهارم در مأخذ نیامده است. شاید او، چنان که در روایات آمده، همان خربیل مؤمن آل فرعون باشد. این حدیث با سندی دیگر و اختلاف در برخی عبارت‌ها در الخصال، (۲۲۵ / ۵۸) آمده است، اما در آن از صدیقان نامی به میان نیامده است.

والمَدينَةُ، وبَيتُ المَقدِسِ، وفارَ التَّنُّورُ بالكوفَةِ.

وإنّ الصَّلاةَ بمكّةَ بِمئةِ ألفِ صلاةٍ، وبالمَدينَةِ بخَمسٍ وسَبعينَ ألفَ صلاةٍ، وبِبَيتِ المَقْدِسِ بخمسينَ ألفَ صلاةٍ، وبالكوفةِ بخمسٍ وعشرينَ ألفَ صلاةٍ.[1]

اینهاست: مکّه، مدینه، بیت المقدس و محل فوران تنور [که در مسجد] کوفه[1] است؛ نماز خواندن در مکّه، برابر با صد هزار نماز است و در مدینه، برابر با هفتاد و پنج هزار نماز و در بیت المقدس، برابر با پنجاه هزار نماز و در کوفه، برابر با بیست و پنج هزار نماز.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. در الخصال آمده است: و از میان شهرها چهار شهر را برگزید. خداوند عزّوجلّ فرموده است: «والتین والزیتون. وطور سینین. وهذا البلد الامین». منظور از تین (انجیر) مدینه است و از زیتون، بیت المقدس و از طور سینین، کوفه و هذا البلد الامین هم مکّه است.

۱. النوادر للراوندي (المستدرکات): ۵۲۶/۲۶۰.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١٥٩

الإستخارة

طلب خير از خدا

ولمزيد الاطّلاع راجع:

بحار الأنوار: ٩١/٢٢٢ـ٢٨٨ «الاستخارات».

بحار الأنوار: ٩١/٢٢٦ باب ٢ «الاستخارة بالرّقاع».

بحار الأنوار: ٩١/٢٤١ باب ٤ «الاستخارة والتفأّل بالقرآن المجيد».

بحار الأنوار: ٩١/٢٥٦ باب ٧ «الاستخارة بالدعاء».

كنز العمّال: ٧/٨١٣، ٨١٥ «صلاة الاستخارة».

لاحظ كتاب «إرشاد المستبصر في الاستخارات» للسيّد عبدالله شبّر

فإنّه كتاب جامع في هذا الباب.

۱۱۸۸
الاستِخارَةُ

۵۶۹۱ . رسولُ اللهِ ﷺ: مِن سعادَةِ ابنِ آدَمَ اسْتَخارَتُهُ اللهَ ورِضاهُ بما قَضىٰ اللهُ، ومِن شِقْوَةِ ابنِ آدَمَ تَرْكُهُ اسْتِخارَةَ اللهِ وسَخَطُهُ بما قَضىٰ اللهُ.[۱]

۵۶۹۲ . الإمامُ عليٌّ ؈: بَعَثَني رسولُ اللهِ ﷺ عَلىٰ اليَمنِ فقالَ وهُو يُوصيني: يا عليُّ، ما خابَ مَنِ اسْتَخارَ، ولا نَدِمَ مَنِ اسْتَشارَ.[۲]

۵۶۹۳ . عنه ؈ ـ في وصيَّتِهِ لِابْنِهِ ؑ ـ: وأكْثِرِ الاستِخارَةَ.[۳]

۵۶۹۴ . عنه ؈: ما نَدِمَ مَنِ اسْتَخارَ.[۴]

۵۶۹۵ . عنه ؈: إذا أمْضَيتَ فاسْتَخِرْ.[۵]

۵۶۹۶ . عنه ؈: اسْتَخِرْ ولا تَتَخَيَّرْ، فكَم مَن تَخَيَّرَ أمْراً كانَ هَلاكُهُ فيهِ.[۶]

۵۶۹۷ . الإمامُ الصّادقُ ؈: أنزل اللهُ: إنّ مِن شَقاءِ

۱۱۸۸
طلب خير از خدا

۵۶۹۱ . **پیامبر خدا** ﷺ: از خوشبختی آدمی این است که از خداوند طلب خیر کند و به قضای الهی خشنود باشد؛ و از بدبختی آدمی این است که از خداوند طلب خیر نکند و از قضای الهی ناخشنود باشد.

۵۶۹۲ . **امام علی** ؈: پیامبر خدا ﷺ مرا به یمن فرستاد و به من سفارشهایی کرد، از جمله فرمود: ای علی! کسی که از خدا طلب خیر کند، سرگردان نمی‌شود و کسی که مشورت کند، پشیمان نمی‌گردد.

۵۶۹۳ . **امام علی** ؈ ـ در وصیّت خود به فرزندش ـ فرمود: از خداوند بسیار طلب خیر کن.

۵۶۹۴ . **امام علی** ؈: کسی که از خدا طلب خیر کند، پشیمان نشود.

۵۶۹۵ . **امام علی** ؈: هر گاه قصد کاری کردی، از خداوند طلب خیر کن.

۵۶۹۶ . **امام علی** ؈: از خدا طلب خیر کن و بدون آن، کاری را انتخاب نکن؛ زیرا بسا کسی که [بدون طلب خیر از خدا] کاری را انتخاب کرده و آن موجب نابودی او شده است.

۵۶۹۷ . **امام صادق** ؈: خداوند این سخن را فرو

---

۱. بحار الأنوار: ۱۵۳/۱۵۹/۷۷.
۲. الأمالي للطوسي: ۲۲۰/۱۳۶.
۳. نهج البلاغة: الكتاب ۳۱. ۴. غرر الحكم: ۹۲۵۳.
۵. غرر الحكم: ۳۹۸۸. ۶. غرر الحكم: ۲۳۴۶.

عَبْدي أنْ يَعمَلَ الأعْمالَ ولا يَستَخيرُني.[1]

۵۶۹۸. عنه ﷺ: مَن دَخَلَ في أمْرٍ بغَيرِ استِخارَةٍ ثُمَّ ابْتُليَ لَم يُؤجَرْ.[2]

۵۶۹۹. عنه ﷺ: ما استَخارَ اللهَ عزّوجلّ عَبدٌ مؤمنٌ إلّا خارَ لَهُ وإنْ وَقَعَ ما يَكْرَهُ.[3]

۱۱۸۹
الاستِخارَةُ بِالدُّعاءِ

۵۷۰۰. رسولُ اللهِ ﷺ: إذا هَمَمْتَ بأمْرٍ فاستَخِرْ ربَّكَ فيهِ سَبْعَ مرّاتٍ، ثُمّ انظُرْ إلَى الّذي يَسْبِقُ إلىٰ قَلبِكَ فإنَّ الخِيَرَةَ فيهِ، يَعني: افْعَلْ ذلكَ.[4]

۵۷۰۱. الإمامُ زينُ العابدينَ ﷺ ـ مِن دُعائِهِ في الاستِخارَةِ ـ: اللّهُمَّ إنّي أستَخيرُكَ بِعِلْمِكَ، فَصَلِّ علىٰ مُحمّدٍ وآلِهِ، واقْضِ لي بالخِيَرَةِ، وألْهِمْنا مَعرِفَةَ الاختِيارِ، واجْعَلْ ذلكَ ذَريعةً إلَى الرِّضا بِما قَضَيْتَ لَنا، والتَّسليمِ لِما حَكَمْتَ، فأزِحْ عنّا رَيْبَ الارْتِيابِ، وأيِّدْنا بِيَقينِ المُخْلِصينَ.[5]

۵۷۰۲. الإمامُ الصّادقُ ﷺ ـ لابنِ أبي يَعْفورٍ في الاستِخارَةِ ـ: تُعَظِّمُ اللهَ وتُمَجِّدُهُ وتَحْمَدُهُ

---

۱. بحار الأنوار: ۴/۲۲۵/۹۱. ۲. المحاسن: ۲۴۹۸/۴۳۲/۲.
۳. بحار الأنوار: ۴/۲۲۴/۹۱. ۴. بحار الأنوار: ۱۹/۲۶۵/۹۱.
۵. الصحيفة السجّادية: الدعاء ۳۳.

فرستاد: از بدبختی بندهٔ من این است که کارها را انجام دهد و از من درخواست خیر نکند.

۵۶۹۸. **امام صادق** ﷺ: هرکس بدون طلب خیر از خدا اقدام به کاری کند و سپس گرفتار شود، او را اجر و پاداشی نباشد.

۵۶۹۹. **امام صادق** ﷺ: هیچ بندهٔ مؤمنی از خداوند عزّوجلّ طلب خیر نکند، جز آن که به او خیر دهد هر چند پیشامد ناخوشایندی برایش رخ دهد [چرا که باز خیر او درهمان است].

۱۱۸۹
طلب خیر با دعا

۵۷۰۰. **پیامبر خدا** ﷺ: هر گاه قصد انجام کاری کردی، دربارهٔ آن هفت بار از خدا طلب خیر کن سپس، بنگر که چه چیز زودتر به دلت خطور می‌کند، خیر در همان است؛ یعنی به همان عمل کن.

۵۷۰۱. **امام زین العابدین** ﷺ ـ در دعای خویش دربارهٔ طلب خیر از خدا ـ گفت: بار خدایا! من به سبب دانایی تو [به خیر و شر] از تو خیر و نیکی درخواست می‌کنم. پس بر محمّد و خاندان او درود فرست و خیر و نیکی را برایم مقدّر فرما و شناختِ انتخاب کردن را به ما الهام فرما و آن را وسیلهٔ خشنودی به آنچه برای ما مقدّر کرده‌ای و سر فرود آوردن به آنچه حکم نموده‌ای، قرار ده و نگرانی شکّ و دو دلی را از ما دور کن و ما را با یقین مخلصان تأیید و یاری فرما.

۵۷۰۲. **امام صادق** ﷺ ـ به ابن ابی یعفور دربارهٔ

وتُصلّي علىٰ النَّبيِّ وآلِهِ ﷺ، ثُمّ تقولُ: اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ بأنّكَ عالِمُ الغَيبِ والشَّهادَةِ الرَّحمٰنُ الرَّحيمُ، وأنتَ عَلّامُ الغُيوبِ، أستَخيرُ اللهَ برَحْمَتِهِ.[1]

٥٧٠٣. **عنه** ﷺ: مَنِ استَخارَ اللهَ مَرَّةً واحِدَةً وهُو راضٍ بِهِ خارَ اللهُ لَهُ حَتْماً.[2]

٥٧٠٤. **عنه** ﷺ: ما مِن عَبدٍ مؤمنٍ يَستَخيرُ اللهَ في أمْرٍ يُريدُهُ مَرَّةً واحِدَةً إلّا قَذفَهُ بِخَيرِ الأمْرَينِ.[3]

(انظر) وسائل الشيعة: ٥ / ٢١٣ باب ٥.

١١٩٠
الاستِخارَةُ بِالقُرآنِ

٥٧٠٥. **الإمامُ الصّادقُ** ﷺ ـ لِمَن قالَ لَهُ: أُريدُ الشَّيءَ وأستخيرُ اللهَ فيهِ فلا يُوَفَّقُ فيه الرَّأيُ ـ: افتَحِ المُصحَفَ، فانظُرْ إلىٰ أوّلِ ما تَرىٰ فَخُذْ بِهِ، إنْ شاءَ اللهُ.[4]

٥٧٠٦. **عنه** ﷺ: لا تَتَفأَّلْ بالقُرآنِ.[5][6]

---

١. بحار الأنوار: ٩١/١/٢٥٦. ٢. فتح الأبواب: ٢٥٧.
٣. بحار الأنوار: ٩١/٢/٢٥٧.
٤. تهذيب الأحكام: ٣/٣١٠/٩٦٠.
٥. الكافي: ٢/٦٢٩/٧.
٦. «الاستخارةُ: طلبُ الخِيَرةِ ومعرفة الخير في ترجيح أحدِ الفِعلَين على الآخَر ليعمل به، والتفاؤل: معرفةُ عواقبِ الأمور، وأحوال غائب ونحو ذلك» (وسائل الشيعة: ٤/٢/٨٧٥).

طلب خير از خدا ـ فرمود: ابتدا خدا را به بزرگی و عظمت یاد می‌کنی و او را می‌ستایی و بر پیامبر و خاندانش درود می‌فرستی و سپس می‌گویی: «اللّهمّ إنّی اسئلك بأنّك عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم و أنت علّام الغيوب، أستخيرالله برحمته (پروردگارا! از تو که دانای غیب و آشکار و رحمان و رحیمی و تو که دانای تمام رازهایی تقاضا می‌کنم؛ از خدا به مدد رحمتش طلب خیر می‌کنم)».

٥٧٠٣. **امام صادق** ﷺ: کسی که با طیب خاطر (از ته دل) یک بار، از خدا طلب خیر کند، خداوند حتماً به او خیر عنایت خواهد کرد.

٥٧٠٤. **امام صادق** ﷺ: هیچ بندهٔ مؤمنی نیست که برای کاری که می‌خواهد انجام دهد یک بار از خدا طلب خیر کند، مگر آن که خداوند او را به بهترین آن دو کار [که در انتخاب آنها تردید دارد] راهنمایی کند.

١١٩٠
طلب خیر با قرآن

٥٧٠٥. **امام صادق** ﷺ ـ به کسی که خدمت ایشان عرض کرد: گاه تصمیم به انجام کاری می‌گیرم و دربارهٔ آن از خدا طلب خیر می‌کنم، اما فکرم به جایی نمی‌رسد ـ فرمود: قرآن را باز کن و به اولین آیه‌ای که چشمت می‌افتد، به خواست خدا، عمل کن.

٥٧٠٦. **امام صادق** ﷺ: به قرآن تفأّل نزن.[1]

---

١. استخاره عبارت از این است که انسان وقتی در ترجیح یکی ←

١١٩١
الاستِخارَةُ بِالصَّلاةِ

٥٧٠٧ . الإمامُ الصّادقُ عليه السلام: صَلِّ رَكْعَتَينِ واسْتَخِرِ اللهَ. فواللهِ، ما اسْتَخارَ اللهَ مسلمٌ إلّا خارَ لَهُ البَتَّةَ.[1]

(انظر) وسائل الشيعة: ٥ / ٢٠٤ أبواب صلاة الاستخارة.

١١٩١
طلب خير با نماز

٥٧٠٧ . **امام صادق** عليه السلام: دو رکعت نماز بخوان و از خدا طلب خير کن؛ زيرا سوگند به خدا که هيچ مسلمانی از خدا طلب خير نکند، مگر آن که خداوند قطعاً برای او خير و نيکی قرار می‌دهد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١. الكافي: ٣/ ٤٧٠/ ١.

← از دو کار، مردّد بماند و نتواند برای عمل، يکی را انتخاب کند، از خداوند می‌خواهد که او را در انتخاب يکی از آن دو کار، راهنمايی کند و خير او را در آن قرار دهد، اما تفأّل زدن يا فال گرفتن، به معنای شناسايی و پيش بينی کردن عواقب کارها و پيشامدهای پنهان و امثال اينهاست. (وسائل الشيعة: ٤/ ٨٧٥/ ٢).


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۶۰

الخِيَاطَة

خیاطی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱۱۹۲
الخِياطَةُ

۵۷۰۸ . رسولُ اللهِ ﷺ: عَمَلُ الأبرارِ مِنَ الرِّجالِ الخِياطَةُ، وعَمَلُ الأبرارِ مِنَ النِّساءِ الغَزْلُ.[۱]

۵۷۰۹ . **تنبيه الخواطر:** كانَ ﷺ يَخِيطُ ثَوبَهُ ويَخْصِفُ نَعْلَهُ، وكانَ أكْثَرَ عَمَلِهِ في بَيْتِهِ الخِياطَةُ.[۲]

۱۱۹۳
الخَيّاطُ الخائِنُ

۵۷۱۰ . **الإمامُ عليٌّ** ﷺ ـ عِندما وقَفَ علىٰ خَيّاطٍ ـ: يا خَيّاطُ، ثَكلَتْكَ الثَّواكِلُ! صَلِّبِ الخُيوطَ، ودَقِّقِ الدُّروزَ، وقارِبِ الغَرْزَ، فإنّي سَمِعْتُ رسولَ اللهِ ﷺ يقولُ: يَحشُرُ اللهُ الخَيّاطَ الخائِنَ وعلَيهِ قَميصٌ ورِداءٌ مِمّا خاطَ وخانَ فيهِ. واحْذَروا السُّقاطاتِ، فإنّ صاحِبَ الثَّوبِ أحَقُّ بِها، ولا تَتَّخِذْ بِها الأيادِيَ تَطْلُبُ المُكافاةَ.[۳]

۱۱۹۲
خیّاطی

۵۷۰۸ . **پیامبر خدا** ﷺ: کار مردانِ نیک، خیّاطی است و کار زنانِ نیک، ریسندگی.

۵۷۰۹ . **تنبیه الخواطر:** پیامبر خدا ﷺ جامهٔ خود را می‌دوخت و کفشش را پینه می‌کرد و بیشترین کار و سرگرمی او در خانه‌اش خیّاطی بود.

۱۱۹۳
خیّاط خیانتکار

۵۷۱۰ . **امام علی** ﷺ ـ آنگاه که بر در دکّان خیّاطی ایستاد ـ فرمود: ای خیّاط! مادران بچّه مُرده در عزای تو بگریند! نخها را محکم کن و درزها را باریک گیر و کوکها را نزدیک هم بزن؛ زیرا که از پیامبر خدا ﷺ شنیدم می‌فرمود: خداوند، خیّاط خیانتکار را در پیراهن و ردایی از پارچه‌هایی که دوخته و در آنها خیانت کرده است محشور می‌کند. از برداشتن اضافات پارچه‌ها پرهیز کنید؛ زیرا صاحب جامه به آنها سزاوارتر است؛ مبادا آنها را به عنوان دستمزد و پاداش بردارید.

---

۱ . تنبیه الخواطر: ۴۱/۱ . ۲ . تنبیه الخواطر: ۴۲/۱ .
۳ . تنبیه الخواطر: ۴۲/۱ .

فهرست موضوعات عربی

۱۰۴ـ الحرس ۵
۷۸۲ـ حِراسَةُ الرَّسولِ ۶
۷۸۳ـ كَفىٰ بِالأجَلِ حارِساً ۷
۱۰۵ـ الحريّة ۱۱
۷۸۴ـ الحُرِّيَّةُ ۱۲
۷۸۵ـ النّاسُ كُلُّهُم أحرارٌ ۱۲
۷۸۶ـ الحُرُّ حُرٌّ في جَميعِ أحوالِهِ ۱۳
۷۸۷ـ شيمَةُ الحُرِّ ۱۳
۷۸۸ـ ما يورِثُ الحُرِّيَّةَ والحثَّ عليه ۱۴
۷۸۹ـ القِيامُ بِشَرائِطِ الحُرِّيَّةِ ۱۶
۷۹۰ـ القَتلُ في سَبيلِ الحُرِّيَّةِ ۱۶
۷۹۱ـ النَّوادِرُ ۱۷
۱۰۶ـ الحرص ۱۹
۷۹۲ـ الحِرصُ ۲۰
۷۹۳ـ الحَريصُ ۲۱
۷۹۴ـ الحَريصُ ذَليلٌ ۲۱
۷۹۵ـ الحَريصُ مَحرومٌ ۲۲
۷۹۶ـ الحَريصُ فَقيرٌ ۲۲
۷۹۷ـ الحَريصُ شَقِيٌّ ۲۳
۷۹۸ـ جَشَعُ الحَريصِ ۲۴
۷۹۹ـ الحِرصُ لا يَزيدُ فِي الرِّزقِ ۲۵
۸۰۰ـ تَفسيرُ الحِرصِ ۲۵
۸۰۱ـ مادَّةُ الحِرصِ ۲۶
۸۰۲ـ ما يَرُدُّ عَنِ الحِرصِ ۲۶
۸۰۳ـ الإنسانُ حَريصٌ عَلىٰ ما مُنِعَ ۲۷
۸۰۴ـ ما يَنبَغي الحِرصُ فيهِ ۲۷
۱۰۷ـ الحرفة ۲۹
۸۰۵ـ الحِرفَةُ ۳۰
۱۰۸ـ التحريف ۳۳
۸۰۶ـ التَّحريفُ ۳۳
۱۰۹ـ الحرام ۳۷
۸۰۷ـ اجتِنابُ المَحارِمِ ۳۸
۸۰۸ـ دَعوَةُ العَقلِ إلَى اجتِنابِ المَحارِمِ ۳۸
۸۰۹ـ نُبذَةٌ مِنَ المُحَرَّماتِ فِي القُرآنِ ۳۹
۸۱۰ـ تَحريمُ الفَواحِشِ وَالخَبائِثِ وَالغِنىٰ عَنها ۴۰
۸۱۱ـ أكلُ الحَرامِ ۴۱

٨١٢ـ ثَوابُ مَن قَدَرَ عَلىٰ حَرامٍ فَتَرَكَهُ ٣٣
١١٠ـ الحزب ٣٥
٨١٣ـ حِزبُ اللهِ ٣٦
٨١٤ـ حِزبُ الشَّيطانِ ٣٨
٨١٥ـ كُلُّ حِزبٍ بِما لَدَيهِم فَرِحونَ ٥٠
١١١ـ الحزم ٥١
٨١٦ـ الحَزمُ ٥٢
٨١٧ـ النَّظَرُ في عَواقِبِ الأُمورِ ٥٢
٨١٨ـ الحَزمُ وَالعَزمُ ٥٣
٨١٩ـ تَفسيرُ الحَزمِ ٥٥
٨٢٠ـ الحازِمُ ٥٦
٨٢١ـ أحزَمُ النّاسِ ٥٨
٨٢٢ـ النَّوادِرُ ٦٠
١١٢ـ الحزن ٦١
٨٢٣ـ الحُزنُ ٦٢
٨٢٤ـ ما يورِثُ الحُزنَ ٦٢
٨٢٥ـ عِلاجُ الحُزنِ ٦٥
٨٢٦ـ مُلازَمَةُ الأتراحِ لِلأفراحِ ٧١
٨٢٧ـ لِكُلِّ هَمٍّ فَرَجٌ إلّا هَمَّ أهلِ النّارِ ٧١
٨٢٨ـ عِلَّةُ الحُزنِ وَالفَرَحِ مِن غَيرِ سَبَبٍ يُعرَفُ ... ٧٢
٨٢٩ـ الحُزنُ المَمدوحُ ٧٣
١١٣ـ الحساب ٧٧
٨٣٠ـ الحِسابُ ٧٨
٨٣١ـ الحَثُّ عَلىٰ مُحاسَبَةِ النَّفسِ ٧٩
٨٣٢ـ حاسِبوا قَبلَ أن تُحاسَبوا ٨٠
٨٣٣ـ لُزومُ مُحاسَبَةِ النَّفسِ في كُلِّ يَومٍ ٨١
٨٣٤ـ التَّشديدُ في مُحاسَبَةِ النَّفسِ ٨٢
٨٣٥ـ كَيفِيَّةُ المُحاسَبَةِ ٨٣
٨٣٦ـ ثَمَرَةُ المُحاسَبَةِ ٨٣
٨٣٧ـ أوَّلُ ما يُسأَلُ عَنهُ المَرءُ ٨٤
٨٣٨ـ ما لا يُحاسَبُ عَلَيهِ ٨٥
٨٣٩ـ ما يُحاسَبُ عَلَيهِ ٨٦
٨٤٠ـ ما يُهَوِّنُ حِسابَ يَومِ القِيامَةِ ٨٨
٨٤١ـ أصنافُ النّاسِ فِي الحِسابِ ٨٩
٨٤٢ـ سوءُ الحِسابِ ٩٠
٨٤٣ـ مَن يُحاسَبُ حِساباً يَسيراً ٩١
٨٤٤ـ مَن يَدخُلُ الجَنَّةَ بِغَيرِ حِسابٍ ٩٣
٨٤٥ـ مَن يَدخُلُ النّارَ بِغَيرِ حِسابٍ ٩٦
٨٤٦ـ أسرَعُ الحاسِبينَ ٩٨
١١٤ـ الحسد ٩٩
٨٤٧ـ الحَسَدُ ١٠٠
٨٤٨ـ الحاسِدُ ١٠١
٨٤٩ـ سَخَطُ الحاسِدِ عَلىٰ نِعَمِ اللهِ ١٠٣
٨٥٠ـ الحَسودُ ١٠٣
٨٥١ـ كُلُّ ذي نِعمَةٍ مَحسودٌ ١٠٥
٨٥٢ـ الحَسَدُ وَالإيمانُ ١٠٥
٨٥٣ـ الحَسَدُ وَالكُفرُ ١٠٦
٨٥٤ـ الحَسَدُ وَالجَسَدُ ١٠٦

۸۵۵ـ الحَسَدُ وَالقَدَرُ ۱۰۷
۸۵۶ـ عَلامَةُ الحاسِدِ ۱۰۷
۸۵۷ـ ما يَنبَغي عِندَ الإحساسِ بِالحَسَدِ ۱۰۸
۸۵۸ـ ما يَجوزُ الحَسَدُ فيهِ ۱۰۸
۱۱۵ـ الحسرة ۱۰۹
۸۵۹ـ أعظَمُ النّاسِ حَسرَةً ۱۱۰
۱۱۶ـ الحسنة ۱۱۳
۸۶۰ـ الحَسَنَةُ ۱۱۴
۸۶۱ـ أثَرُ الحَسَنَةِ بَعدَ السَّيِّئَةِ ۱۱۴
۸۶۲ـ تَضاعُفُ الحَسَناتِ ۱۱۵
۸۶۳ـ أفضَلُ الحَسَناتِ ۱۱۶
۸۶۴ـ الاستِبشارُ بِالحَسَنَةِ ۱۱۷
۱۱۷ـ الإحسان ۱۱۹
۸۶۵ـ فَضلُ الإحسانِ ۱۲۰
۸۶۶ـ الإحسانُ وَالمَحَبَّةُ ۱۲۲
۸۶۷ـ بِالإحسانِ تُملَكُ القُلوبُ ۱۲۲
۸۶۸ـ الإحسانُ إلى مَن أساءَ ۱۲۳
۸۶۹ـ المُحسِنُ ۱۲۵
۸۷۰ـ إنَّ اللهَ مَعَ المُحسِنينَ ۱۲۵
۸۷۱ـ تَفسيرُ الإحسانِ ۱۲۶
۸۷۲ـ مَن أحسَنَ أحسَنَ لِنَفسِهِ ۱۲۷
۸۷۳ـ ثَمَراتُ الإحسانِ فِي الدُّنيا ۱۲۸
۸۷۴ـ ما يَترَتَّبُ عَلى إحسانِ المُشرِكينَ ۱۲۸
۸۷۵ـ جُحودُ الإحسانِ ۱۲۹
۸۷۶ـ النَّوادِرُ ۱۳۰
۱۱۸ـ الحفظ ۱۳۱
۸۷۷ـ نِعمَةُ الحِفظِ ۱۳۲
۸۷۸ـ الحِفظُ فِي الصِّغَرِ ۱۳۳
۸۷۹ـ ما يَزيدُ فِي الحِفظِ ۱۳۳
۱۱۹ـ الحقد ۱۳۵
۸۸۰ـ الحِقدُ ۱۳۶
۸۸۱ـ الحَقودُ ۱۳۷
۸۸۲ـ سُرعَةُ ذَهابِ حِقدِ المُؤمِنِ ۱۳۸
۸۸۳ـ ما يورِثُ الحِقدَ ۱۳۸
۸۸۴ـ ما يَطرُدُ الحِقدَ ۱۳۹
۱۲۰ـ التحقير ۱۴۱
۸۸۵ـ النَّهيُ عَن تَحقيرِ النّاسِ ۱۴۲
۸۸۶ـ التَّحذيرُ مِن تَحقيرِ المُؤمِنِ ۱۴۲
۱۲۱ـ الحقّ ۱۴۵
۸۸۷ـ الحَقُّ ۱۴۶
۸۸۸ـ الحَقُّ يَدمَغُ الباطِلَ ۱۴۷
۸۸۹ـ الحَقُّ وَالعِزُّ ۱۴۸
۸۹۰ـ ثِقَلُ الحَقِّ ۱۴۹
۸۹۱ـ الصَّبرُ عَلَى الحَقِّ ۱۴۹
۸۹۲ـ وُجوبُ قَولِ الحَقِّ ولَو عَلَى النَّفسِ ۱۵۰
۸۹۳ـ قَولُ الحَقِّ فِي الرِّضا وَالغَضَبِ ۱۵۲
۸۹۴ـ كَلِمَةُ حَقٍّ عِندَ إمامٍ جائِرٍ ۱۵۲
۸۹۵ـ كَلِمَةُ حَقٍّ يُرادُ بِها باطِلٌ ۱۵۳

٨٩٦ـ قَبولُ الحَقِّ ١٥٣
٨٩٧ـ انشِراحُ الصَّدرِ لِقَبولِ الحَقِّ ١٥٤
٨٩٨ـ الإعراضُ عَنِ الحَقِّ ١٥٥
٨٩٩ـ مَن لا يَنفَعُهُ الحَقُّ يَضُرُّهُ الباطِلُ ١٥٥
٩٠٠ـ ميزانُ مَعرِفَةِ الحَقِّ ١٥٦
٩٠١ـ عَمّارٌ مَعَ الحَقِّ ١٥٧
٩٠٢ـ المُتَلَوِّنُ ١٥٧
٩٠٣ـ لا يَجري الحَقُّ لِأَحَدٍ إلّا جَرىٰ عَلَيهِ ١٥٨
٩٠٤ـ النَّوادِرُ ١٥٩
١٢٢ـ الحقوق ١٦١
٩٠٥ـ حُقوقُ اللهِ تَعالىٰ ١٦٢
٩٠٦ـ حُقوقُ النّاسِ بَعضِهِم عَلىٰ بعضٍ ١٦٢
٩٠٧ـ تَقديمُ حَقِّ النّاسِ ١٦٣
٩٠٨ـ أعظَمُ الحُقوقِ ١٦٣
٩٠٩ـ حُقوقُ الإخوانِ ١٦٤
٩١٠ـ حَقُّ المُؤمِنِ عَلَى المُؤمِنِ ١٦٥
٩١١ـ أدنىٰ حَقِّ المُؤمِنِ عَلىٰ أخيهِ ١٦٧
٩١٢ـ اِعرِفِ الحَقَّ لِمَن عَرَفَهُ لَكَ ١٦٨
٩١٣ـ لا توجِب عَلىٰ نَفسِكَ الحُقوقَ ١٦٨
١٢٣ـ الاحتكار ١٦٩
٩١٤ـ الاحتِكارُ ١٧٠
٩١٥ـ المُحتَكِرُ ١٧١
٩١٦ـ مَنِ احتَكَرَ أربَعينَ يَوماً ١٧٢
١٢٤ـ الحكمة ١٧٣
٩١٧ـ فَضلُ الحِكمَةِ ١٧٤
٩١٨ـ فَضلُ الحَكيمِ ١٧٥
٩١٩ـ الحِكمَةُ ضالَّةُ المُؤمِنِ ١٧٦
٩٢٠ـ ما لا يَنبَغي لِلحَكيمِ فِعلُهُ ١٧٨
٩٢١ـ تَفسيرُ الحِكمَةِ ١٧٨
٩٢٢ـ رَأسُ الحِكمَةِ ١٨٢
٩٢٣ـ ما يورِثُ الحِكمَةَ ١٨٢
٩٢٤ـ ما يَمنَعُ الحِكمَةَ ١٨٤
٩٢٥ـ مَن لا يَنتَفِعُ بِالحِكمَةِ ١٨٥
٩٢٦ـ آثارُ الحِكمَةِ ١٨٥
٩٢٧ـ المُحافَظَةُ عَلَى الحِكمَةِ ١٨٦
٩٢٨ـ طَرائِفُ الحِكَمِ ١٨٧
١٢٥ـ حكمة لقمان ١٨٩
٩٢٩ـ حِكمَةُ لُقمانَ ١٩٠
١٢٦ـ الحلف ٢٠٣
٩٣٠ـ النَّهيُ عَنِ الحَلفِ بِاللهِ سُبحانَهُ ٢٠٤
٩٣١ـ التَّحذيرُ مِنَ الحَلفِ الكاذِبِ ٢٠٥
٩٣٢ـ آثارُ اليَمينِ الفاجِرَةِ ٢٠٥
٩٣٣ـ الَّذينَ لا حِنثَ ولا كَفّارَةَ عَلَيهِم ٢٠٦
٩٣٤ـ كَيفِيَّةُ تَحليفِ الظّالِمِ ٢٠٧
٩٣٥ـ مَن قالَ: «عَلِمَ اللهُ» كاذِباً ٢٠٨
١٢٧ـ الحلال ٢٠٩
٩٣٦ـ أكلُ الحَلالِ ٢١٠
٩٣٧ـ صُعوبَةُ طَلَبِ الحَلالِ ٢١١
٩٣٨ـ لا يَحِلُّ مالُ المُؤمِنِ إلّا بِطيبِ نَفسِهِ ٢١٢
١٢٨ـ الحلم ٢١٥
٩٣٩ـ الحِلمُ ٢١٦
٩٤٠ـ التَّحَلُّمُ ٢١٨

۹۴۱ ـ فَضلُ الحَليمِ ۲۱۸
۹۴۲ ـ ما يورِثُ الحِلمَ ۲۱۹
۹۴۳ ـ ثَمَراتُ الحِلمِ ۲۱۹
۹۴۴ ـ تَفسيرُ الحِلمِ ۲۲۱
۹۴۵ ـ الحِلمُ وَالعِلمُ ۲۲۲
۹۴۶ ـ الحِلمُ عِندَ الغَضَبِ ۲۲۳
۹۴۷ ـ أحلَمُ النّاسِ ۲۲۴
۹۴۸ ـ آفَةُ الحِلمِ ۲۲۴
۹۴۹ ـ حِلمُ اللهِ سُبحانَهُ ۲۲۵
۹۵۰ ـ النَّوادِرُ ۲۲۶
۱۲۹ ـ الحمد ۲۲۷
۹۵۱ ـ الحَمدُ لِلّهِ ۲۲۸
۹۵۲ ـ الحَمدُ لِلّهِ علىٰ كُلِّ حالٍ ۲۲۹
۱۳۰ ـ الحمق ۲۳۱
۹۵۳ ـ ذَمُّ الحُمقِ ۲۳۲
۹۵۴ ـ صِفاتُ الأحمَقِ ۲۳۳
۹۵۵ ـ مُصاحَبَةُ الأحمَقِ ۲۳۵
۹۵۶ ـ مُعالَجَةُ الأحمَقِ ۲۳۶
۹۵۷ ـ أحمَقُ النّاسِ ۲۳۷
۹۵۸ ـ جَوابُ الأحمَقِ ۲۳۸
۹۵۹ ـ النَّوادِرُ ۲۳۸
۱۳۱ ـ الحمام ۲۴۱
۹۶۰ ـ الحَمّامُ ۲۴۲
۱۳۲ ـ الحاجة ۲۴۵
۹۶۱ ـ الحاجَةُ ۲۴۶
۹۶۲ ـ قَضاءُ الحَوائِجِ ۲۴۶
۹۶۳ ـ أحَبُّ النّاسِ إلَى اللهِ أنفَعُهم لِلنّاسِ ۲۴۷
۹۶۴ ـ المَشيُ في حاجَةِ المُؤمِنِ ۲۴۸
۹۶۵ ـ قَضاءُ حاجَةِ المُؤمِنِ ۲۴۹
۹۶۶ ـ قَضاءُ حاجَةِ المُؤمِنِ أفضَلُ مِنَ الحَجِّ ۲۵۰
۹۶۷ ـ مَنِ امتَنَعَ عَن قَضاءِ حاجَةِ أخيهِ ۲۵۱
۹۶۸ ـ مَنِ احتَجَبَ عَن مُؤمِنٍ مُحتاجٍ ۲۵۳
۹۶۹ ـ مَن كَسا أخاهُ المُؤمِنَ ۲۵۴
۹۷۰ ـ المُبادَرَةُ إلىٰ قَضاءِ الحَوائِجِ ۲۵۵
۹۷۱ ـ أدَبُ طَلَبِ الحاجَةِ ۲۵۵
۹۷۲ ـ طَلَبُ الحاجَةِ مِن حَديثِ النِّعمَةِ ۲۵۶
۹۷۳ ـ الحاجَةُ إلىٰ شِرارِ الخَلقِ ۲۵۶
۱۳۳ ـ الاحتياط ۲۵۹
۹۷۴ ـ احتَط لِدينِكَ ۲۶۰
۱۳۴ ـ الحيلة ۲۶۳
۹۷۵ ـ الحِيلَةُ ۲۶۳
۱۳۵ ـ الحياة ۲۶۵
۹۷۶ ـ الحَياةُ ۲۶۶
۹۷۷ ـ الماءُ وَالحَياةُ ۲۶۶
۹۷۸ ـ ما هُوَ خَيرٌ مِنَ الحَياةِ ۲۶۷
۹۷۹ ـ الحَياةُ الحَقيقِيَّةُ ۲۶۷
۹۸۰ ـ أنواعُ الحَياةِ ۲۶۷
۱۳۶ ـ الحيوان ۲۶۹
۹۸۱ ـ حُقوقُ الحَيَوانِ ۲۷۰
۹۸۲ ـ ضَربُ الدّابَّةِ ۲۷۲

٩٨٣ ـ ثَوابُ الرِّفقِ بِالحَيَوانِ ٢٧٣
٩٨٤ ـ جَزاءُ تَعذيبِ الحَيَوانِ ٢٧٣
٩٨٥ ـ ما يَنبَغي عِندَ القَتلِ وَالذَّبحِ ٢٧٤
٩٨٦ ـ قَتلُ الحَيَوانِ بِغَيرِ حَقٍّ ٢٧٥
٩٨٧ ـ النَّهيُ عَنِ التَّحريشِ بَينَ البَهائِمِ ٢٧٥
١٣٧ ـ الحياء ٢٧٧
٩٨٨ ـ فَضلُ الحَياءِ ٢٧٨
٩٨٩ ـ الحَياءُ رَأسُ المَكارِمِ ٢٧٩
٩٩٠ ـ آثارُ الحَياءِ ٢٨٠
٩٩١ ـ الحَياءُ وَالإيمانُ ٢٨١
٩٩٢ ـ الحَياءُ المَذمومُ ٢٨٢
٩٩٣ ـ حَياءُ العَقلِ وحَياءُ الحُمقِ ٢٨٣
٩٩٤ ـ ما يَترَتَّبُ عَلىٰ عَدَمِ الحَياءِ ٢٨٣
٩٩٥ ـ إذا لَم تَستَحيِ فَاعمَلْ ما شِئتَ! ٢٨٣
٩٩٦ ـ الاستِحياءُ مِنَ اللهِ ٢٨٣
٩٩٧ ـ الاستِحياءُ مِنَ المَلَكَينِ ٢٨٥
٩٩٨ ـ حَقُّ الحَياءِ ٢٨٦
٩٩٩ ـ غايَةُ الحَياءِ ٢٨٦
١٠٠٠ ـ النَّوادِرُ ٢٨٧

حرف الخاء

١٣٨ ـ الخاتمة ٢٩١
١٠٠١ ـ الخاتِمَةُ ٢٩٢
١٠٠٢ ـ مِلاكُ العَمَلِ خَواتيمُهُ ٢٩٢
١٠٠٣ ـ موجِباتُ حُسنِ العاقِبَةِ ٢٩٥
١٠٠٤ ـ موجِباتُ سوءِ العاقِبَةِ ٢٩٦
١٣٩ ـ المخدّر ٢٩٩
١٠٠٥ ـ تَناوُلُ المُخَدِّراتِ ٣٠٠
١٤٠ ـ الخدمة ٣٠١
١٠٠٦ ـ الخِدمَةُ ٣٠٢
١٤١ ـ الخوارج ٣٠٥
١٠٠٧ ـ القاسِطونَ، النّاكِثونَ، المارِقونَ ٣٠٦
١٠٠٨ ـ النّاكِثونَ ٣٠٧
١٠٠٩ ـ المارِقونَ ٣٠٧
١٠١٠ ـ إخبارُ النَّبِيِّ عَنِ الحَكَمَينِ ٣١١
١٠١١ ـ احتِجاجُ الإمامِ في أمرِ الحَكَمَينِ ٣١١
١٠١٢ ـ إخبارُ الإمامِ بِمَصيرِ الخَوارِجِ ٣١٥
١٠١٣ ـ تَسمِيَةُ الخَوارِجِ بِالحَرورِيَّةِ ٣١٥
١٠١٤ ـ مَقتَلُ عَبدِ اللهِ بنِ خَبّابٍ ٣١٦
١٠١٥ ـ رَأيُ الإمامِ في قَتَلَةِ ابنِ خَبّابٍ ٣١٨
١٠١٦ ـ بَعدَ مَقتَلِ الخَوارِجِ ٣١٩
١٠١٧ ـ نَهيُ الإمامِ عَن قَتلِ الخَوارِجِ بَعدَهُ ٣٢٠
١٠١٨ ـ النَّهيُ عَن قِتالِ الخَوارِجِ إذا خالَفوا الإمامَ الجائِرَ ٣٢١
١٤٢ ـ الخسران ٣٢٣
١٠١٩ ـ الَّذينَ خَسِروا أنفُسَهُم ٣٢٤
١٠٢٠ ـ الخاسِرونَ ٣٢٥
١٠٢١ ـ خَسِرَ الدُّنيا وَالآخِرَةَ ٣٢٦
١٠٢٢ ـ الأخسَرونَ ٣٢٨
١٤٣ ـ الخشوع ٣٣١
١٠٢٣ ـ فَضلُ الخُشوعِ ٣٣٢

١٠٢٤ ـ صِفاتُ الخاشِعينَ ٣٣٣
١٠٢٥ ـ الخُشوعُ زينَةُ الأولِياءِ ٣٣٤
١٠٢٦ ـ تَخَشُّعُ النِّفاقِ ٣٣٦
١٤٤ ـ الخصومة ٣٣٧
١٠٢٧ ـ الخُصومَةُ ٣٣٨
١٤٥ ـ الخطبة ٣٤١
١٠٢٨ ـ الاِفتِتاحُ بِالبَسمَلَةِ ٣٤٢
١٠٢٩ ـ التَّحميدُ لِلّهِ وَالصَّلاةُ عَلىٰ رَسولِ اللهِ ٣٤٢
١٠٣٠ ـ الوُضوحُ فِي الكَلامِ ٣٤٣
١٠٣١ ـ السَّدادُ فِي القَولِ ٣٤٥
١٠٣٢ ـ التَّلويحُ في ما لا يَنبَغِي التَّصريحُ بِهِ ٣٤٦
١٠٣٣ ـ مُراعاةُ أهلِيَّةِ المُخاطَبِ ٣٤٧
١٠٣٤ ـ مُراعاةُ طاقَةِ المُخاطَبِ ٣٥٠
١٠٣٥ ـ مُراعاةُ نَشاطِ المُخاطَبِ ٣٥٦
١٠٣٦ ـ مُراعاةُ مُقتَضَى الحالِ ٣٥٧
١٠٣٧ ـ مُراعاةُ الأهَمِّ فَالأهَمِّ ٣٥٩
١٠٣٨ ـ مُراعاةُ الاِختِصارِ ٣٦١
١٤٦ ـ الخطّ ٣٦٣
١٠٣٩ ـ الخَطُّ ٣٦٤
١٤٧ ـ الاخلاص ٣٦٧
١٠٤٠ ـ فَضلُ الإخلاصِ ٣٦٨
١٠٤١ ـ صُعوبَةُ الإخلاصِ ٣٧١
١٠٤٢ ـ كِفايَةُ القَليلِ مِنَ العَملِ مَعَ الإخلاصِ ... ٣٧١
١٠٤٣ ـ فَضلُ المُخلِصِ ٣٧٢
١٠٤٤ ـ إخلاصُ موسىٰ ٣٧٣
١٠٤٥ ـ دَورُ الإخلاصِ في قَبولِ الأعمالِ ٣٧٣
١٠٤٦ ـ غَيرُ المُخلِصِ ٣٧٥
١٠٤٧ ـ الدِّينُ الخالِصُ ٣٧٥
١٠٤٨ ـ عَلامَةُ المُخلِصِ ٣٧٧
١٠٤٩ ـ حَقيقَةُ الإخلاصِ ٣٧٨
١٠٥٠ ـ ما يورِثُ الإخلاصَ ٣٧٩
١٠٥١ ـ مَوانِعُ الإخلاصِ ٣٨٠
١٠٥٢ ـ آثارُ الإخلاصِ ٣٨١
١٠٥٣ ـ ما بَينَ الإخلاصِ وَالرِّياءِ ٣٨٣
١٤٨ ـ الاختلاف ٣٨٥
١٠٥٤ ـ كانَ النّاسُ أُمَّةً واحِدَةً ٣٨٦
١٠٥٥ ـ لَو شاءَ اللهُ لَجَعَلَكُم أُمَّةً واحِدَةً ٣٨٧
١٠٥٦ ـ الأُمَّةُ الإسلامِيَّةُ أُمَّةٌ واحِدَةٌ ٣٨٧
١٠٥٧ ـ الحَثُّ عَلىٰ نَبذِ الاختِلافِ ٣٨٨
١٠٥٨ ـ آثارُ الاختِلافِ ٣٨٩
١٠٥٩ ـ الاختِلافُ عُقوبَةٌ إلٰهِيَّةٌ ٣٩٢
١٠٦٠ ـ تَفسيرُ «اختِلافُ أُمَّتي رَحمَةٌ» ٣٩٣
١٠٦١ ـ تفسيرُ «اختِلافُ أصحابي رَحمَةٌ» ٣٩٣
١٠٦٢ ـ تَفسيرُ الجَماعَةِ وَالفُرقَةِ ٣٩٥
١٠٦٣ ـ عِلَّةُ الفُرقَةِ ٣٩٦
١٤٩ ـ الخلافة ٣٩٧
١٠٦٤ ـ خَليفَةُ اللهِ ٣٩٨
١٥٠ ـ الخلقة ٤٠١
١٠٦٥ ـ أصلُ الخِلقَةِ ٤٠٢
١٠٦٦ ـ أوَّلُ ما خَلَقَ اللهُ سُبحانَهُ ٤٠٣

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

١٠٦٧ ـ خَلقُ العالَمِ ٣٠٥
١٠٦٨ ـ خَلقُ السَّماواتِ ٣٠٧
١٠٦٩ ـ السَّماواتُ السَّبعُ ٣٠٩
١٠٧٠ ـ خَلقُ السَّماواتِ وَالأرضِ في سِتَّةِ أيّامٍ .. ٣١٠
١٠٧١ ـ سَماءُ الدُّنيا ٣١١
١٠٧٢ ـ عَمَدُ السَّماءِ ٣١٢
١٠٧٣ ـ العَرشُ وَالكُرسِيُّ ٣١٣
١٠٧٤ ـ عَظَمَةُ ما غابَ عَنّا مِنَ الخِلقَةِ ٣١٤
١٠٧٥ ـ صِفَةُ العالَمِ العُلويِّ ٣١٥
١٠٧٦ ـ العَوالِمُ ٣١٥
١٠٧٧ ـ حُسنُ الخَلقِ ٣١٦
١٥١ ـ الخالق ٣١٩
١٠٧٨ ـ دَعوَةُ العَقلِ إلى دَفعِ الضَّررِ المُحتَمَلِ ٣٢٠
١٠٧٩ ـ عَجزُ العقُولِ عَن إنكارِ اللهِ ٣٢١
١٠٨٠ ـ كُلُّ قائِمٍ في سِواهُ مَعلولٌ ٣٢٣
١٠٨١ ـ مَا الدَّليلُ عَلىٰ حُدوثِ الأجسامِ ؟ ٣٢٣
١٠٨٢ ـ إثباتُ الصّانِعِ ٣٢٥
١٠٨٣ ـ الدَّليلُ الثّاني عَلىٰ إثباتِ الصّانِعِ ٣٢٨
١٠٨٤ ـ الدَّليلُ الثّالثُ عَلىٰ إثباتِ الصّانِعِ ٣٣٠
١٠٨٥ ـ إثباتُ الصّانِعِ ٣٣٣
١٠٨٦ ـ خَلقُ الإنسانِ ٣٣٨
١٠٨٧ ـ التَّصويرُ في الأرحامِ ٣٤١
١٠٨٨ ـ خَلقُ الرّوحِ ٣٤٢
١٠٨٩ ـ خَلقُ الأزواجِ ٣٤٣
١٠٩٠ ـ زَوجِيَّةُ الأشياءِ ٣٤٤
١٠٩١ ـ الرِّزقُ ومَعرِفَةُ اللهِ ٣٤٦
١٠٩٢ ـ تَقديرُ الأشياءِ ٣٤٨
١٠٩٣ ـ تَعليمُ الإنسانِ ٣٤٩
١٠٩٤ ـ اختِلافُ الألسِنَةِ وَالألوانِ ٣٥٠
١٠٩٥ ـ اللِّباسُ، الظِّلالُ، البُيوتُ ٣٥١
١٠٩٦ ـ النَّومُ ٣٥٢
١٠٩٧ ـ اختِلافُ اللَّيلِ وَالنَّهارِ ٣٥٢
١٠٩٨ ـ خَلقُ الأرضِ ٣٥٣
١٠٩٩ ـ خَلقُ الجِبالِ ٣٥٦
١١٠٠ ـ خَلقُ الماءِ ٣٥٧
١١٠١ ـ تسخيرُ البِحارِ ٣٥٨
١١٠٢ ـ خَلقُ النَّباتاتِ ٣٥٩
١١٠٣ ـ إرسالُ الرِّياحِ ٣٦٠
١١٠٤ ـ خَلقُ الشَّمسِ وَالقَمَرِ ٣٦١
١١٠٥ ـ خَلقُ السَّماواتِ ٣٦٣
١١٠٦ ـ إثباتُ الصّانِعِ ٣٦٣
١١٠٧ ـ الطَّبيعَةُ و إسنادُ الخَلقِ إلَيها ٣٦٥
١١٠٨ ـ الحَيوانات ومَعرِفَةُ اللهِ ٣٦٦
١١٠٩ ـ عِلَّةُ الجُحودِ ٣٦٨
١٥٢ ـ الخلق ٣٧١
١١١٠ ـ أهَمِّيَّةُ الخُلقِ ٣٧٢
١١١١ ـ حُسنُ الخُلقِ ٣٧٢
١١١٢ ـ جَزاءُ حُسنِ الخُلقِ ٣٧٥
١١١٣ ـ أفضَلُ ما يوضَعُ في الميزانِ ٣٧٦
١١١٤ ـ عَظَمَةُ خُلقِ النَّبيِّ ٣٧٧

۱۱۱۵ ـ حُسنُ الخُلُقِ وكَمالُ الدِّينِ ۴۷۷
۱۱۱۶ ـ الحَثُّ عَلىٰ مَكارِمِ الأخلاقِ ۴۷۹
۱۱۱۷ ـ تَفسيرُ حُسنِ الخُلُقِ ۴۸۰
۱۱۱۸ ـ تَفسيرُ مَكارِمِ الأخلاقِ ۴۸۱
۱۱۱۹ ـ التَّمييزُ بَينَ الأخلاقِ ۴۸۳
۱۱۲۰ ـ قيمَةُ الأخلاقِ ۴۸۶
۱۱۲۱ ـ احتِفافُ المَكارِمِ بِالمَكارِهِ ۴۸۷
۱۱۲۲ ـ خَيرُ المَكارِمِ ۴۸۷
۱۱۲۳ ـ اختِيارُ الأخلاقِ الحَسَنَةِ ۴۸۸
۱۱۲۴ ـ ثَمَراتُ حُسنِ الخُلُقِ ۴۸۸
۱۱۲۵ ـ مَضارُّ سوءِ الخُلُقِ ۴۸۹
۱۱۲۶ ـ جَزاءُ الخُلُقِ السَّيِّئِ ۴۹۲
۱۱۲۷ ـ مِن أسبابِ سوءِ الخُلُقِ ۴۹۳
۱۱۲۸ ـ تَفسيرُ الأخلاقِ المَذمومَةِ ۴۹۳
۱۱۲۹ ـ أفضَلُ الأخلاقِ ۴۹۵
۱۱۳۰ ـ أجمَلُ الخِصالِ ۴۹۵
۱۱۳۱ ـ ارتِباطُ السَّجايا بَعضِها بِبَعضٍ ۴۹۶
۱۵۳ ـ الخمر ۴۹۷
۱۱۳۲ ـ الخَمرُ ۴۹۸
۱۱۳۳ ـ الخَمرُ اُمُّ الفَواحِشِ ۴۹۹
۱۱۳۴ ـ النَّهيُ عَنِ الجُلوسِ عَلىٰ مَوائِدِ الخَمرِ .. ۵۰۰
۱۱۳۵ ـ عِلَّةُ تَحريمِ الخَمرِ ۵۰۱
۱۱۳۶ ـ عاقِبَةُ شُربِ الخَمرِ ۵۰۲
۱۱۳۷ ـ مُعامَلَةُ شارِبِ الخَمرِ ۵۰۳
۱۱۳۸ ـ صِفَةُ حَشرِ شارِبِ الخَمرِ ۵۰۵
۱۱۳۹ ـ الحَثُّ عَلىٰ تَركِ الخَمرِ ولَو لِغَيرِ اللهِ ۵۰۶
۱۱۴۰ ـ حُرمَةُ ما فَعَلَ فِعلَ الخَمرِ ۵۰۶
۱۵۴ ـ الخمس ۵۰۷
۱۱۴۱ ـ الخُمسُ ۵۰۸
۱۵۵ ـ الخمول ۵۰۹
۱۱۴۲ ـ فَضلُ الخُمولِ وآثارُهُ ۵۱۰
۱۵۶ ـ الخوف ۵۱۳
۱۱۴۳ ـ الخَوفُ ۵۱۴
۱۱۴۴ ـ خَفِ اللهَ كَأنَّكَ تَراهُ ۵۱۶
۱۱۴۵ ـ المَخافَةُ مِنَ اللهِ عَلىٰ قَدرِ العِلمِ بِهِ ۵۱۶
۱۱۴۶ ـ المُؤمِنُ بَينَ مَخافَتَينِ ۵۱۷
۱۱۴۷ ـ المُؤمِنُ بَينَ الخَوفِ وَالرَّجاءِ ۵۱۹
۱۱۴۸ ـ عَلاماتُ الخائِفِ ۵۲۱
۱۱۴۹ ـ تَفسيرُ الخَوفِ ۵۲۳
۱۱۵۰ ـ ثَمَراتُ الخَوفِ ۵۲۵
۱۱۵۱ ـ مَن خافَ اللهَ خافَ مِنهُ كُلُّ شَيءٍ ۵۲۶
۱۱۵۲ ـ دَورُ الخَوفِ في تَحَقُّقِ الأمنِ ۵۲۸
۱۱۵۳ ـ أنواعُ الخَوفِ ۵۳۰
۱۱۵۴ ـ التَّحذيرُ مِن مَخافَةِ غَيرِ اللهِ ۵۳۱
۱۱۵۵ ـ ما لا يَنبَغي مِنَ الخَوفِ ۵۳۲
۱۱۵۶ ـ التَّحذيرُ مِن أمنِ مَكرِ اللهِ ۵۳۳
۱۱۵۷ ـ التَّحذيرُ مِنَ التَّجَرِّي ۵۳۴
۱۱۵۸ ـ ما يَنبَغي عِندَ الخَوفِ مِمّا يُهابُ ۵۳۵

١١٥٩ ـ النَّوادِرُ ٥٣٥
١٥٧ ـ الخيانة ٥٣٧
١١٦٠ ـ الخِيانَةُ ٥٣٨
١١٦١ ـ النَّهيُ عَنِ الخِيانَةِ ولَو بِالخائِنِ ٥٤١
١١٦٢ ـ تَفسيرُ الخِيانَةِ وَالخائِنِ ٥٤٢
١١٦٣ ـ غايَةُ الخِيانَةِ ٥٤٣
١١٦٤ ـ النَّوادِرُ ٥٤٣
١٥٨ ـ الخير ٥٤٥
١١٦٥ ـ الخَيرُ ٥٤٦
١١٦٦ ـ سُهولَةُ الخَيرِ وصُعوبَتُهُ ٥٤٧
١١٦٧ ـ جَوامِعُ الخَيرِ ٥٤٧
١١٦٨ ـ ما يُنالُ بِهِ خَيرُ الدُّنيا وَالآخِرَةِ ٥٥٠
١١٦٩ ـ تَفسيرُ الخَيرِ ٥٥٣
١١٧٠ ـ إذا أرادَ اللهُ بِعَبدٍ خَيراً ٥٥٤
١١٧١ ـ إذا أرادَ اللهُ بِقَومٍ خَيراً ٥٥٨
١١٧٢ ـ إذا أرادَ اللهُ بِأهلِ بَيتٍ خَيراً ٥٥٨
١١٧٣ ـ الحَثُّ عَلَى المُبادَرَةِ إلَى الخَيراتِ ٥٥٩
١١٧٤ ـ مَعنَى الخَيرِ في مَجالاتٍ شَتّى ٥٦٠
١١٧٥ ـ خِيارُ النّاسِ ٥٦١
١١٧٦ ـ خَيرُ المُؤمِنينَ ٥٦٣
١١٧٧ ـ خَيرُ الأُمورِ ٥٦٥
١١٧٨ ـ النَّهيُ عَن تَحقيرِ القَليلِ مِنَ الخَيرِ ٥٦٦
١١٧٩ ـ لا خَيرَ إلّا لِهؤُلاءِ ٥٦٦
١١٨٠ ـ خَيرُ الأخلاقِ ٥٦٦
١١٨١ ـ مَن لا يُرجى خَيرُهُ ٥٦٧
١١٨٢ ـ ميزانُ الخَيرِ وَالشَّرِّ ٥٦٧
١١٨٣ ـ صِفاتُ أهلِ الخَيرِ ٥٦٨
١١٨٤ ـ ما هُوَ أفضَلُ مِنَ الخَيرِ ٥٦٩
١١٨٥ ـ أبوابُ الخَيرِ ٥٧٠
١١٨٦ ـ قيمَةُ الدَّلالَةِ عَلَى الخَيرِ ٥٧١
١١٨٧ ـ خِيَرَةُ اللهِ تَعالى ٥٧١
١٥٩ ـ الاستخارة ٥٧٥
١١٨٨ ـ الاستِخارَةُ ٥٧٦
١١٨٩ ـ الاستِخارَةُ بِالدُّعاءِ ٥٧٧
١١٩٠ ـ الاستِخارَةُ بِالقُرآنِ ٥٧٨
١١٩١ ـ الاستِخارَةُ بِالصَّلاةِ ٥٧٩
١٦٠ ـ الخياطة ٥٨١
١١٩٢ ـ الخِياطَةُ ٥٨٢
١١٩٣ ـ الخَيّاطُ الخائِنُ ٥٨٢

فهرست الفبایی موضوعات فارسی

۱۰۵ـ آزادی و آزادگی ۱۱
۷۸۴ـ آزادی و آزادگی ۱۲
۷۸۵ـ همهٔ مردم آزادند ۱۲
۷۸۶ـ آزاده همیشه آزاده است ۱۳
۷۸۷ـ خوی آزادمرد ۱۳
۷۸۸ـ آنچه آزادگی می‌آورد و تشویق به آن ۱۴
۷۸۹ـ به جا آوردن شرایط آزادگی ۱۶
۷۹۰ـ کشته شدن در راه آزادی ۱۶
۷۹۱ـ گوناگون ۱۷
۱۰۶ـ آزمندی ۱۹
۷۹۲ـ آزمندی ۲۰
۷۹۳ـ آزمند ۲۱
۷۹۴ـ آزمند، خوار است ۲۱
۷۹۵ـ آزمند، محروم است ۲۲
۷۹۶ـ آزمند، نیازمند است ۲۲
۷۹۷ـ آزمند، بدبخت است ۲۳
۷۹۸ـ سیری‌ناپذیری آزمند ۲۳
۷۹۹ـ آزمندی، روزی را زیاد نمی‌کند ۲۵
۸۰۰ـ تفسیر آزمندی ۲۵
۸۰۱ـ ریشهٔ آزمندی ۲۶
۸۰۲ـ عوامل باز دارندهٔ آزمندی ۲۶
۸۰۳ـ آزمندی انسان نسبت به هر آنچه از او باز دارند ... ۲۷
۸۰۴ـ آنچه آزمندی در آن شایسته است ۲۷
۱۵۱ـ آفریدگار ۳۱۹
۱۰۷۸ـ دعوت عقل به دفع ضرر احتمالی ۳۲۰
۱۰۷۹ـ ناتوانی خردها از انکار خدا ۳۲۱
۱۰۸۰ـ هر پدیدهٔ متّکی به غیر، معلول است ... ۳۲۳
۱۰۸۱ـ دلیل بر حدوث اجسام چیست؟ ۳۲۴
۱۰۸۲ـ اثبات وجود خدا ۳۲۵
۱۰۸۳ـ دلیل دوم بر اثبات وجود خدا ۳۲۸
۱۰۸۴ـ دلیل سوم بر اثبات وجود خدا ۳۳۰
۱۰۸۵ـ اثبات وجود خدا ۳۳۳
۱۰۸۶ـ آفرینش انسان ۳۳۸
۱۰۸۷ـ صورتگری در زهدانها ۳۴۱
۱۰۸۸ـ آفرینش روح ۳۴۲
۱۰۸۹ـ آفرینش جفتها ۳۴۳

۱۰۹۰ ـ جفت بودن اشیاء ۴۴۴
۱۰۹۱ ـ روزی و خداشناسی ۴۴۶
۱۰۹۲ ـ تعیین حدّ و اندازهٔ اشیاء ۴۴۸
۱۰۹۳ ـ تعلیم انسان ۴۴۹
۱۰۹۴ ـ تنوع زبانها و رنگها ۴۵۰
۱۰۹۵ ـ پوشاک، سایه‌ها، خانه‌ها ۴۵۱
۱۰۹۶ ـ خواب ۴۵۲
۱۰۹۷ ـ گردش شب و روز ۴۵۲
۱۰۹۸ ـ آفرینش زمین ۴۵۳
۱۰۹۹ ـ آفرینش کوهها ۴۵۶
۱۱۰۰ ـ آفرینش آبها ۴۵۷
۱۱۰۱ ـ رام کردن دریاها ۴۵۸
۱۱۰۲ ـ آفرینش گیاهان ۴۵۹
۱۱۰۳ ـ فرستادن بادها ۴۶۰
۱۱۰۴ ـ آفرینش خورشید و ماه ۴۶۱
۱۱۰۵ ـ آفرینش آسمانها ۴۶۳
۱۱۰۶ ـ اثبات وجود خدا ۴۶۴
۱۱۰۷ ـ طبیعت و نسبت دادن آفرینش به آن ۴۶۵
۱۱۰۸ ـ خداشناسی حیوانات ۴۶۶
۱۱۰۹ ـ علت انکار خدا ۴۶۸
۱۵۰ ـ آفرینش ۴۰۱
۱۰۶۵ ـ منشأ آفرینش ۴۰۲
۱۰۶۶ ـ نخستین آفریدهٔ خداوند سبحان ۴۰۳
۱۰۶۷ ـ آفرینش جهان ۴۰۵
۱۰۶۸ ـ آفرینش آسمانها ۴۰۷
۱۰۶۹ ـ هفت آسمان ۴۰۹
۱۰۷۰ ـ آفرینش آسمانها و زمین در شش روز ۴۱۰
۱۰۷۱ ـ آسمان دنیا ۴۱۱
۱۰۷۲ ـ ستون آسمان ۴۱۲
۱۰۷۳ ـ عرش و کرسی ۴۱۳
۱۰۷۴ ـ عظمت آفرینش پنهان از دید ما ۴۱۴
۱۰۷۵ ـ خصوصیت عالم برین ۴۱۵
۱۰۷۶ ـ عالَمها ۴۱۵
۱۰۷۷ ـ زیبایی آفرینش ۴۱۶
۱۲۳ ـ احتکار ۱۶۹
۹۱۴ ـ احتکار ۱۷۰
۹۱۵ ـ محتکر ۱۷۱
۹۱۶ ـ آن که چهل روز احتکار کند ۱۷۲
۱۳۳ ـ احتیاط ۲۵۹
۹۷۴ ـ برای دین خود احتیاط کن ۲۶۰
۱۴۸ ـ اختلاف ۳۸۵
۱۰۵۴ ـ مردم امّتی واحد بودند ۳۸۶
۱۰۵۵ ـ اگر خدا می‌خواست شما را یک
امّت می‌کرد ۳۸۷
۱۰۵۶ ـ امّت اسلامی امّتی واحد است ۳۸۷
۱۰۵۷ ـ تشویق به دور افکندن اختلاف ۳۸۸
۱۰۵۸ ـ پیامدهای اختلاف ۳۸۹
۱۰۵۹ ـ اختلاف، کیفری الهی است ۳۹۲

۱۰۶۰ ـ معنای «اختلاف امت من رحمت است» ... ۳۹۳
۱۰۶۱ ـ معنای «اختلاف اصحاب من رحمت است» ... ۳۹۴
۱۰۶۲ ـ معنای جماعت و جدایی ... ۳۹۵
۱۰۶۳ ـ علّت تفرقه و جدایی ... ۳۹۶
۱۴۷ ـ اخلاص ... ۳۶۷
۱۰۴۰ ـ فضیلت اخلاص ... ۳۶۸
۱۰۴۱ ـ دشواری اخلاص ... ۳۷۱
۱۰۴۲ ـ کافی بودن کار اندک مخلصانه ... ۳۷۱
۱۰۴۳ ـ فضیلت مخلص ... ۳۷۲
۱۰۴۴ ـ اخلاص موسی ... ۳۷۳
۱۰۴۵ ـ نقش اخلاص در پذیرفته شدن اعمال ... ۳۷۳
۱۰۴۶ ـ انسان بی‌اخلاص ... ۳۷۵
۱۰۴۷ ـ دین خالص ... ۳۷۵
۱۰۴۸ ـ علامت مخلص ... ۳۷۷
۱۰۴۹ ـ حقیقت اخلاص ... ۳۷۸
۱۰۵۰ ـ آنچه اخلاص می‌آورد ... ۳۷۹
۱۰۵۱ ـ موانع اخلاص ... ۳۸۰
۱۰۵۲ ـ آثار اخلاص ... ۳۸۱
۱۰۵۳ ـ میان اخلاص و ریا ... ۳۸۳
۱۵۲ ـ اخلاق ... ۳۷۱
۱۱۱۰ ـ اهمیت اخلاق ... ۳۷۲
۱۱۱۱ ـ خوشخویی ... ۳۷۲
۱۱۱۲ ـ پاداش خوشخویی ... ۳۷۵
۱۱۱۳ ـ بهترین چیز در ترازوی اعمال ... ۳۷۶
۱۱۱۴ ـ شکوه و عظمت اخلاق پیامبر ﷺ ... ۳۷۷
۱۱۱۵ ـ خوشخویی و کمال دین ... ۳۷۷
۱۱۱۶ ـ تشویق به کسب مکارم اخلاق ... ۳۷۹
۱۱۱۷ ـ معنای حُسن خلق ... ۳۸۰
۱۱۱۸ ـ تفسیر مکارم اخلاق ... ۳۸۱
۱۱۱۹ ـ تشخیص خویها از یکدیگر ... ۳۸۴
۱۱۲۰ ـ ارزش اخلاق ... ۳۸۶
۱۱۲۱ ـ دشواری تحصیل مکارم ... ۳۸۷
۱۱۲۲ ـ بهترین مکارم اخلاق ... ۳۸۷
۱۱۲۳ ـ انتخاب خویهای نیک ... ۳۸۸
۱۱۲۴ ـ پیامدهای خوشخویی ... ۳۸۸
۱۱۲۵ ـ پیامدهای بدخویی ... ۳۸۹
۱۱۲۶ ـ کیفر بدخویی ... ۳۹۲
۱۱۲۷ ـ موجبات بدخویی ... ۳۹۳
۱۱۲۸ ـ تفسیر خویهای نکوهیده ... ۳۹۳
۱۱۲۹ ـ برترین خویها ... ۳۹۵
۱۱۳۰ ـ زیباترین خصلتها ... ۳۹۵
۱۱۳۱ ـ همبستگی سجایای اخلاقی ... ۳۹۶
۱۱۲ ـ اندوه ... ۶۱
۸۲۳ ـ اندوه ... ۶۲
۸۲۴ ـ عوامل اندوه‌زا ... ۶۲
۸۲۵ ـ درمان اندوه ... ۶۵
۸۲۶ ـ غم و شادی با هم هستند ... ۷۱

۸۲۷ـ گره هر اندوهی گشوده می‌شود جز اندوه دوزخیان ۷۱
۸۲۸ـ علت شادی و اندوهی که به ظاهر دلیل ندارند ۷۲
۸۲۹ـ اندوه پسندیده ۷۳
۱۲۸ـ بُردباری ۲۱۵
۹۳۹ـ بُردباری ۲۱۶
۹۴۰ـ تمرین بردباری ۲۱۸
۹۴۱ـ فضیلتِ بردبار ۲۱۸
۹۴۲ـ آنچه بردباری می‌آورد ۲۱۹
۹۴۳ـ ثمرات بردباری ۲۱۹
۹۴۴ـ تفسیر بردباری ۲۲۱
۹۴۵ـ بردباری و دانش ۲۲۲
۹۴۶ـ بردباری هنگام خشم ۲۲۳
۹۴۷ـ بردبارترین مردم ۲۲۴
۹۴۸ـ آفت بردباری ۲۲۴
۹۴۹ـ بردباری خداوند سبحان ۲۲۵
۹۵۰ـ گوناگون ۲۲۶
۱۰۷ـ پیشه ۲۹
۸۰۵ـ شغل و پیشه ۳۰
۱۰۸ـ تحریف ۳۳
۸۰۶ـ تحریف ۳۴
۱۲۰ـ تحقیر ۱۴۱
۸۸۵ـ نهی از کوچک شمردن مردم ۱۴۲
۸۸۶ـ بر حذر داشتن از تحقیر مؤمن ۱۴۲
۱۵۶ـ ترس ۵۱۳
۱۱۴۳ـ ترس [از خدا] ۵۱۴
۱۱۴۴ـ از خدا چنان بترس که گویی او را می‌بینی ۵۱۶
۱۱۴۵ـ خداترسی به اندازهٔ خداشناسی است ... ۵۱۶
۱۱۴۶ـ مؤمن میان دو ترس به سر می‌برد ۵۱۷
۱۱۴۷ـ مؤمن در بیم و امید به سر می‌برد ۵۱۹
۱۱۴۸ـ نشانه‌های خداترس ۵۲۱
۱۱۴۹ـ تفسیر ترس ۵۲۳
۱۱۵۰ـ ثمرات ترس ۵۲۵
۱۱۵۱ـ هرکه از خدا بترسد، همه چیز از او بترسد ۵۲۶
۱۱۵۲ـ نقش خدا ترسی در ایمنی ۵۲۸
۱۱۵۳ـ انواع ترس ۵۳۰
۱۱۵۴ـ بر حذر داشتن از ترسیدن از غیر خدا ۵۳۱
۱۱۵۵ـ آن جا که نباید ترسید ۵۳۲
۱۱۵۶ـ از مکر خدا نباید ایمن بود ۵۳۳
۱۱۵۷ـ برحذر داشتن از گستاخی ۵۳۴
۱۱۵۸ـ رفتار مناسب در هنگام ترس از چیزی ۵۳۵
۱۱۵۹ـ گوناگون ۵۳۵
۱۳۹ـ جانشینی ۳۹۷
۱۰۶۴ـ جانشین خدا ۳۹۸

۱۳۴ـ چاره ۲۶۳
۹۷۵ـ چاره ۲۶۴
۱۱۸ـ حافظه ۱۳۱
۸۷۷ـ نعمتِ حافظه ۱۳۲
۸۷۸ـ حفظ کردن در خُردسالی ۱۳۳
۸۷۹ـ آنچه حافظه را زیاد می‌کند ۱۳۳
۱۰۹ـ حرام ۳۷
۸۰۷ـ دوری کردن از حرامها ۳۸
۸۰۸ـ دعوت عقل به دوری کردن از حرامها ۳۸
۸۰۹ـ بعضی از محرّمات در قرآن ۳۹
۸۱۰ـ حرام کردن زشتکاری‌ها و ناپاکی‌ها
و بی‌نیازی به آنها ۴۰
۸۱۱ـ حرام خواری ۴۱
۸۱۲ـ ثواب کسی که توانایی ارتکاب حرامی
را داشته باشد و آن را انجام ندهد ۴۴
۱۱۰ـ حزب ۴۵
۸۱۳ـ حزب خدا ۴۶
۸۱۴ـ حزب شیطان ۴۸
۸۱۵ـ هر حزبی به آنچه نزد آنهاست،
شادمانند ۵۰
۱۱۳ـ حسابرسی ۷۷
۸۳۰ـ حسابرسی ۷۸
۸۳۱ـ تشویق به محاسبهٔ نفس ۷۹
۸۳۲ـ به حساب خود برسید پیش از آن که به
حسابتان برسند ۸۰
۸۳۳ـ ضرورت محاسبهٔ هر روز نفْس ۸۱
۸۳۴ـ سخت‌گیری در محاسبهٔ نفْس ۸۲
۸۳۵ـ چگونگی حسابرسی ۸۳
۸۳۶ـ ثمرهٔ محاسبهٔ نفْس ۸۳
۸۳۷ـ نخستین چیزی که از انسان دربارهٔ آن
سؤال می‌شود ۸۴
۸۳۸ـ آنچه مورد بازخواست قرار نمی‌گیرد ۸۵
۸۳۹ـ آنچه مورد بازخواست قرار می‌گیرد ۸۶
۸۴۰ـ آنچه حسابرسی روز رستاخیز را
آسان می‌سازد ۸۸
۸۴۱ـ گروههای مردم در حسابرسی ۸۹
۸۴۲ـ حسابرسی سخت و شدید ۹۰
۸۴۳ـ کسانی که آسان حسابرسی می‌شوند ۹۱
۸۴۴ـ کسانی که بدون حسابرسی به بهشت
می‌روند ۹۳
۸۴۵ـ کسانی که بدون حسابرسی به دوزخ
می‌روند ۹۶
۸۴۶ـ سریعترین حسابرس ۹۸
۱۱۴ـ حسد ۹۹
۸۴۷ـ حسد ۱۰۰
۸۴۸ـ حسود ۱۰۱
۸۴۹ـ ناراحتی حسود از نعمتهای خدا ۱۰۳
۸۵۰ـ حسود ۱۰۴

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۸۵۱ـ هر صاحب نعمتی محسود است..... ۱۰۵
۸۵۲ـ حسادت و ایمان..... ۱۰۵
۸۵۳ـ حسادت و کفر..... ۱۰۶
۸۵۴ـ زیانهای جسمانی حسادت..... ۱۰۶
۸۵۵ـ حسادت و تقدیر..... ۱۰۷
۸۵۶ـ نشانهٔ حسود..... ۱۰۷
۸۵۷ـ در موقع احساس حسد چه باید کرد؟... ۱۰۸
۸۵۸ـ حسادت پسندیده..... ۱۰۸
۱۲۱ـ حقّ..... ۱۴۵
۸۸۷ـ حقّ..... ۱۴۶
۸۸۸ـ حقّ، باطل را درهم می‌کوبد..... ۱۴۷
۸۸۹ـ حقّ و عزّت..... ۱۴۸
۸۹۰ـ سنگینی حقّ..... ۱۴۹
۸۹۱ـ تحمّل کردن حقّ..... ۱۴۹
۸۹۲ـ لزوم حقّ گویی هر چند به زیان خود.... ۱۵۰
۸۹۳ـ گفتن حقّ در حال خشنودی و خشم..... ۱۵۲
۸۹۴ـ حقّ گویی در برابر پیشوای ستمگر..... ۱۵۲
۸۹۵ـ سخنی حقّ برای هدفی باطل..... ۱۵۳
۸۹۶ـ حقّ پذیری..... ۱۵۳
۸۹۷ـ دریا دلی در پذیرش حقّ..... ۱۵۴
۸۹۸ـ روی‌گرداندن از حقّ..... ۱۵۵
۸۹۹ـ کسی که حقّ سودش ندهد باطل
زیانش رساند..... ۱۵۵
۹۰۰ـ معیار شناخت حقّ..... ۱۵۶
۹۰۱ـ عمّار با حقّ است..... ۱۵۷
۹۰۲ـ بوقلمون صفت..... ۱۵۷
۹۰۳ـ حقّ دو جانبه است..... ۱۵۸
۹۰۴ـ گوناگون..... ۱۵۹
۱۲۲ـ حقوق..... ۱۶۱
۹۰۵ـ حقوق خداوند متعال..... ۱۶۲
۹۰۶ـ حقوق مردم نسبت به یکدیگر..... ۱۶۲
۹۰۷ـ مقدّم داشتن حقوق مردم..... ۱۶۳
۹۰۸ـ مهمترین حقوق..... ۱۶۳
۹۰۹ـ حقوق برادران..... ۱۶۴
۹۱۰ـ حقوق مؤمنان بر یکدیگر..... ۱۶۵
۹۱۱ـ کمترین حقّ مؤمن بر برادرش..... ۱۶۷
۹۱۲ـ لزوم حقّ شناسی متقابل..... ۱۶۸
۹۱۳ـ بر خود حقوق واجب نکنید..... ۱۶۸
۱۲۴ـ حکمت..... ۱۷۳
۹۱۷ـ فضیلتِ حکمت..... ۱۷۴
۹۱۸ـ فضیلتِ حکیم..... ۱۷۵
۹۱۹ـ حکمت، گمشدهٔ مؤمن است..... ۱۷۶
۹۲۰ـ کارهایی که برازندهٔ حکیم نیست..... ۱۷۸
۹۲۱ـ تفسیر حکمت..... ۱۷۸
۹۲۲ـ سرآمد حکمت..... ۱۸۲
۹۲۳ـ آنچه حکمت می‌آورد..... ۱۸۲
۹۲۴ـ موانع کسب حکمت..... ۱۸۴
۹۲۵ـ کسی که از حکمت بهره‌ای نمی‌برد..... ۱۸۵

۹۲۶ـ آثار حکمت ۱۸۵
۹۲۷ـ مراقبت از حکمت ۱۸۶
۹۲۸ـ حکمتهای تازه و دلنشین ۱۸۷
۱۲۵ـ حکمت لقمان ۱۸۹
۹۲۹ـ حکمت لقمان ۱۹۰
۱۲۷ـ حلال ۲۰۹
۹۳۶ـ خوردنِ حلال ۲۱۰
۹۳۷ـ دشواری به دست آوردن مال حلال ۲۱۱
۹۳۸ـ استفاده از مال مؤمن، جز با رضایت او حلال نیست ۲۱۲
۱۳۰ـ حماقت ۲۳۱
۹۵۳ـ نکوهش حماقت ۲۳۲
۹۵۴ـ صفات احمق ۲۳۳
۹۵۵ـ همنشینی با احمق ۲۳۵
۹۵۶ـ درمان احمق ۲۳۶
۹۵۷ـ احمق‌ترین آدمها ۲۳۷
۹۵۸ـ جواب احمق ۲۳۸
۹۵۹ـ گوناگون ۲۳۸
۱۳۱ـ حمّام ۲۴۱
۹۶۰ـ حمّام ۲۴۲
۱۳۶ـ حیوانات ۲۶۹
۹۸۱ـ حقوق حیوانات ۲۷۰
۹۸۲ـ زدن حیوانات ۲۷۲
۹۸۳ـ ثواب مهربانی با حیوانات ۲۷۳
۹۸۴ـ کیفر آزار دادن حیوانات ۲۷۳
۹۸۵ـ آنچه به هنگام ذبح [حیوانات] شایسته است ۲۷۴
۹۸۶ـ به ناحقّ کشتن حیوانات ۲۷۵
۹۸۷ـ نهی از به جان هم انداختن حیوانات ۲۷۵
۱۴۰ـ خدمت کردن ۳۰۱
۱۰۰۶ـ خدمت کردن ۳۰۲
۱۴۳ـ خشوع ۳۳۱
۱۰۲۳ـ فضیلت خشوع ۳۳۲
۱۰۲۴ـ صفات خاشعان ۳۳۳
۱۰۲۵ـ خشوع، زیور اولیاست ۳۳۴
۱۰۲۶ـ خاشع نمایی منافقانه ۳۳۶
۱۴۶ـ خطّ و خوشنویسی ۳۶۳
۱۰۳۹ـ خطّ و خوشنویسی ۳۶۴
۱۵۴ـ خمس ۵۰۷
۱۱۴۱ـ خُمس ۵۰۸
۱۴۱ـ خوارج ۳۰۵
۱۰۰۷ـ قاسطین، ناکثین، مارقین ۳۰۶
۱۰۰۸ـ ناکثین ۳۰۷
۱۰۰۹ـ مارقین ۳۰۷
۱۰۱۰ـ خبر دادن پیامبر از دو حَکَم ۳۱۱
۱۰۱۱ـ احتجاج امام در موضوع دو حَکَم ۳۱۱
۱۰۱۲ـ خبر دادن امام از سرنوشت خوارج ۳۱۵
۱۰۱۳ـ علّت نامگذاری خوارج به حروریّه ۳۱۵

۱۰۱۴ ـ کشته شدن عبدالله بن خَبّاب ۳۱۶
۱۰۱۵ ـ نظر امام دربارهٔ قاتلان ابن خبّاب..... ۳۱۸
۱۰۱۶ ـ پس از کشته شدن خوارج..... ۳۱۹
۱۰۱۷ ـ نهی امام از کشتن خوارج بعد از ایشان ۳۲۰
۱۰۱۸ ـ نهی از جنگیدن با خوارج در صورتی
که با فرمانروای ستمگر مخالفت کنند. ۳۲۱
۱۵۸ ـ خوبی..... ۵۲۵
۱۱۶۵ ـ خوبی..... ۵۲۶
۱۱۶۶ ـ آسانی و دشواری کار خوب ۵۲۷
۱۱۶۷ ـ مجمع خوبیها..... ۵۲۷
۱۱۶۸ ـ عوامل رسیدن به خیر دنیا و آخرت.... ۵۵۰
۱۱۶۹ ـ تفسیر خوبی..... ۵۵۳
۱۱۷۰ ـ هرگاه خداوند خوبی بنده‌ای را بخواهد..... ۵۵۳
۱۱۷۱ ـ هرگاه خداوند خوبی مردمی رابخواهد ۵۵۸
۱۱۷۲ ـ هرگاه خداوند خوبیِ خانواده‌ای را بخواهد.... ۵۵۸
۱۱۷۳ ـ تشویق به تعجیل در کارهای خوب..... ۵۵۹
۱۱۷۴ ـ معنای خوبی در موارد مختلف ۵۶۰
۱۱۷۵ ـ بهترین مردمان..... ۵۶۱
۱۱۷۶ ـ بهترین مؤمنان..... ۵۶۳
۱۱۷۷ ـ بهترین کار..... ۵۶۵
۱۱۷۸ ـ کار خوبِ اندک را نباید کوچک شمرد. ۵۶۶
۱۱۷۹ ـ جز اینان خیر نبینند ۵۶۶
۱۱۸۰ ـ بهترین اخلاق ۵۶۶
۱۱۸۱ ـ آن که به خیرش امیدی نیست..... ۵۶۷
۱۱۸۲ ـ معیار خوبی و بدی ۵۶۷
۱۱۸۳ ـ صفات اهل خیر..... ۵۶۸
۱۱۸۴ ـ برتر از خوبی ۵۶۹
۱۱۸۵ ـ دروازه‌های خوبی ۵۷۰
۱۱۸۶ ـ ارزش راهنمایی کردن به کار خوب.... ۵۷۱
۱۱۸۷ ـ برگزیده‌های خداوند ۵۷۱
۱۶۰ ـ خیّاطی..... ۵۸۱
۱۱۹۲ ـ خیّاطی..... ۵۸۲
۱۱۹۳ ـ خیّاط خیانتکار ۵۸۲
۱۵۷ ـ خیانت..... ۵۳۷
۱۱۶۰ ـ خیانت..... ۵۳۸
۱۱۶۱ ـ نهی از خیانت کردن، حتّی به
خیانتکار..... ۵۳۱
۱۱۶۲ ـ تفسیر خیانت و خائن..... ۵۳۲
۱۱۶۳ ـ اوج خیانت ۵۳۳
۱۱۶۴ ـ گوناگون..... ۵۳۳
۱۱۵ ـ دریغ..... ۱۰۹
۸۵۹ ـ آن که بیش از همه افسوس خورد..... ۱۱۰
۱۱۱ ـ دوراندیشی..... ۵۱
۸۱۶ ـ دور اندیشی..... ۵۲
۸۱۷ ـ عاقبت اندیشی..... ۵۲
۸۱۸ ـ دور اندیشی و تصمیم گیری ۵۴
۸۱۹ ـ تفسیر دور اندیشی..... ۵۵
۸۲۰ ـ دور اندیش..... ۵۶

۸۲۱ـ دور اندیش‌ترین مردم ۵۸
۸۲۲ـ گوناگون ۶۰
۱۳۵ـ زندگی ۲۶۵
۹۷۶ـ زندگی ۲۶۶
۹۷۷ـ آب و زندگی ۲۶۶
۹۷۸ـ بهتر از زندگی ۲۶۷
۹۷۹ـ زندگی حقیقی ۲۶۷
۹۸۰ـ انواع زندگی ۲۶۷
۱۴۲ـ زیانکاری ۳۲۳
۱۰۱۹ـ آنان که خود را به زیان افکنده‌اند ۳۲۴
۱۰۲۰ـ زیانکاران ۳۲۵
۱۰۲۱ـ زیانکاری در دنیا و آخرت ۳۲۶
۱۰۲۲ـ زیانکارترین‌ها ۳۲۸
۱۲۹ـ ستایش ۲۲۷
۹۵۱ـ ستایش از آنِ خداست ۲۲۸
۹۵۲ـ ستودن خدا در همه حال ۲۲۹
۱۴۵ـ سخنرانی ۳۳۱
۱۰۲۸ـ آغازگری با «بسم الله الرحمن الرحیم» ۳۳۲
۱۰۲۹ـ حمد خدا گفتن و درود فرستادن بر رسول خدا ۳۳۲
۱۰۳۰ـ آشکار سخن گفتن ۳۳۴
۱۰۳۱ـ درستی در گفتار ۳۳۵
۱۰۳۲ـ اشاره در آن‌جا که صراحت بدان روا نباشد ۳۳۶
۱۰۳۳ـ مراعات شایستگی مخاطب ۳۴۷
۱۰۳۴ـ مراعات توان مخاطب ۳۵۰
۱۰۳۵ـ مراعات شادابی مخاطب ۳۵۶
۱۰۳۶ـ مراعات مقتضای حال ۳۵۷
۱۰۳۷ـ مراعات ترتیب اهمّیت ۳۵۹
۱۰۳۸ـ رعایت اختصار ۳۶۱
۱۲۶ـ سوگند خوردن ۲۰۳
۹۳۰ـ نهی از سوگند خوردن به خداوند سبحان ۲۰۴
۹۳۱ـ پرهیز از سوگند دروغ ۲۰۵
۹۳۲ـ پیامدهای سوگند دروغ ۲۰۵
۹۳۳ـ کسانی که شکستن سوگندشان گناه و کفّاره ندارد ۲۰۶
۹۳۴ـ نحوهٔ سوگند دادن ستمگر ۲۰۷
۹۳۵ـ کسی که به دروغ بگوید: «خدا می‌داند» ۲۰۸
۱۵۳ـ شراب ۴۹۷
۱۱۳۲ـ شراب ۴۹۸
۱۱۳۳ـ شراب، مادر زشتکاریها ۴۹۹
۱۱۳۴ـ نهی از نشستن بر سفره‌های شراب ۵۰۰
۱۱۳۵ـ علّت تحریم شراب ۵۰۱
۱۱۳۶ـ عاقبت شرابخواری ۵۰۲
۱۱۳۷ـ نحوهٔ رفتار با شرابخوار ۵۰۳
۱۱۳۸ـ چگونگی محشور شدن شرابخوار ۵۰۵
۱۱۳۹ـ تشویق به ترک شرابخواری هر چند به خاطر غیر خدا ۵۰۶

۱۱۴۰ـ حرام بودن هر آنچه تأثیر شراب داشته باشد ۵۰۶
۱۳۷ـ شرم ۲۷۷
۹۸۸ـ فضیلت شرم ۲۷۸
۹۸۹ـ شرم در رأس مکارم اخلاق است ۲۷۹
۹۹۰ـ پیامدهای شرم ۲۸۰
۹۹۱ـ شرم و ایمان ۲۸۱
۹۹۲ـ شرم نکوهیده ۲۸۲
۹۹۳ـ حیای خردمندانه و حیای نابخردانه ۲۸۳
۹۹۴ـ نتیجهٔ بی شرمی ۲۸۳
۹۹۵ـ آدم بی‌شرم از هیچ کاری ابا ندارد ۲۸۴
۹۹۶ـ شرم داشتن از خدا ۲۸۴
۹۹۷ـ حیا کردن از دو فرشتهٔ همراه آدمی ۲۸۵
۹۹۸ـ شرم حقیقی ۲۸۶
۹۹۹ـ اوج حیا ۲۸۶
۱۰۰۰ـ گوناگون ۲۸۷
۱۵۹ـ طلب خیر از خدا ۵۷۵
۱۱۸۸ـ طلب خیر از خدا ۵۷۶
۱۱۸۹ـ طلب خیر با دعا ۵۷۷
۱۱۹۰ـ طلب خیر با قرآن ۵۷۸
۱۱۹۱ـ طلب خیر با نماز ۵۷۹
۱۳۸ـ فرجام ۲۹۱
۱۰۰۱ـ فرجام ۲۹۲
۱۰۰۲ـ ملاک کار، فرجام آن است ۲۹۲
۱۰۰۳ـ موجبات نیک فرجامی ۲۹۵
۱۰۰۴ـ موجبات بد فرجامی ۲۹۶
۱۱۹ـ کینه توزی ۱۳۵
۸۸۰ـ کینه توزی ۱۳۶
۸۸۱ـ کینه توز ۱۳۷
۸۸۲ـ کینه در دل مؤمن نمی‌پاید ۱۳۸
۸۸۳ـ آنچه کینه می‌آورد ۱۳۸
۸۸۴ـ آنچه کینه را می‌برد ۱۳۹
۱۵۵ـ گمنامی ۵۰۹
۱۱۴۲ـ فضیلت گمنامی و آثار آن ۵۱۰
۱۴۲ـ مشاجره ۳۳۷
۱۰۲۷ـ مشاجره ۳۳۸
۱۳۹ـ موادّ مخدّر ۲۹۹
۱۰۰۵ـ مصرف مواد مخدر ۳۰۰
۱۰۳ـ نگاهبانی ۵
۷۸۲ـ نگهبانی از پیامبر ۶
۷۸۳ـ اجل، بهترین نگهبان است ۷
۱۳۲ـ نیاز ۲۳۵
۹۶۱ـ نیاز ۲۳۶
۹۶۲ـ بر آوردن نیازها ۲۳۶
۹۶۳ـ محبوبترین مردم نزد خدا مفیدترین آنها برای مردم است ۲۳۷
۹۶۴ـ گام برداشتن برای رفع حاجت مؤمن ۲۳۸

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۹۶۵ـ برآوردن حاجت مؤمن ۲۴۹
۹۶۶ـ برآوردن حاجت مؤمن، برتر از
حجّ است ۲۵۰
۹۶۷ـ کسی که از برآوردن نیاز برادر خود
امتناع کند ۲۵۱
۹۶۸ـ کسی که خود را از دسترس مؤمن نیازمند
دور نگه دارد ۲۵۳
۹۶۹ـ کسی که برادر مؤمن خود را بپوشاند ۲۵۴
۹۷۰ـ شتاب در برآوردن نیازها ۲۵۵
۹۷۱ـ آداب حاجت خواهی ۲۵۵
۹۷۲ـ حاجت خواهی از نوکیسه ۲۵۶
۹۷۳ـ نیازمند شدن به بدان ۲۵۶
۱۱۶ـ نیکی ۱۱۳
۸۶۰ـ نیکی ۱۱۴
۸۶۱ـ تأثیر نیکی، پس از بدی ۱۱۴
۸۶۲ـ چند برابر شدن نیکیها ۱۱۵
۸۶۳ـ بهترین کارهای نیک ۱۱۶
۸۶۴ـ خوشحال شدن از کار خوب ۱۱۷
۱۱۷ـ نیکی کردن ۱۱۹
۸۶۵ـ فضیلتِ نیکی کردن ۱۲۰
۸۶۶ـ نیکوکاری و محبّت ۱۲۲
۸۶۷ـ با احسان، دلها به دست آید ۱۲۲
۸۶۸ـ خوبی کردن به کسی که بدی کرده است . ۱۲۳
۸۶۹ـ نیکوکار ۱۲۵
۸۷۰ـ خداوند با نیکوکاران است ۱۲۵
۸۷۱ـ تفسیر نیکوکاری ۱۲۶
۸۷۲ـ هر که نیکی کند به خود کرده است ۱۲۷
۸۷۳ـ ثمرات نیکوکاری در دنیا ۱۲۸
۸۷۴ـ نتیجهٔ نیکوکاری مشرکان ۱۲۸
۸۷۵ـ نمک نشناسی ۱۲۹
۸۷۶ـ گوناگون ۱۳۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی